جواهر الاولیا

تألیف

سید باقر بن سید عثمان بخاری اُچ بخاری

به تصحیح و تحشیه و مقدمه

استاد دکتر غلام سرور

رئیس سابق بخش فارسی دانشگاه کراچی





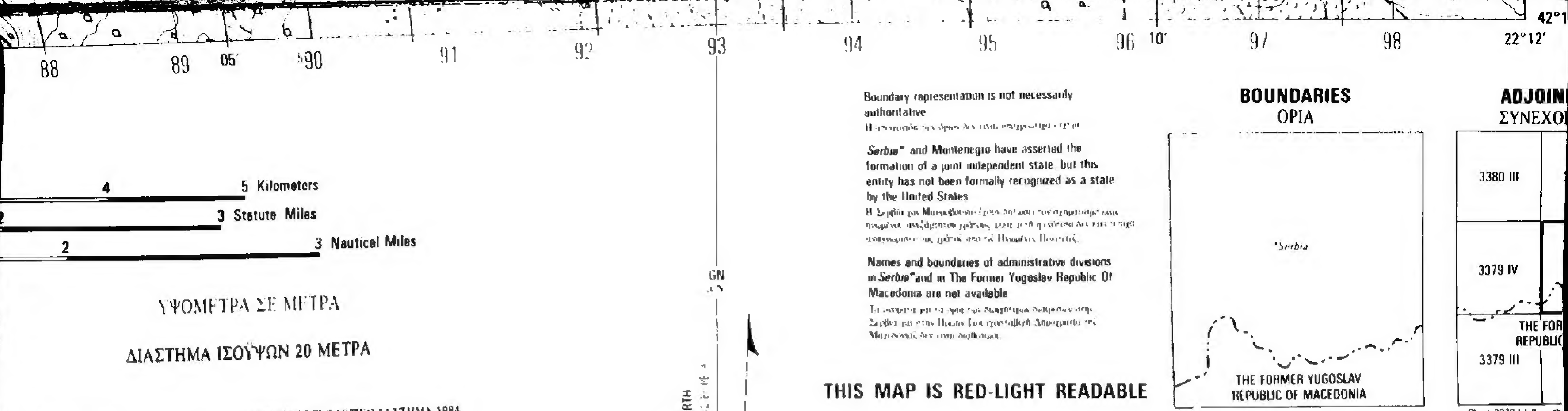
از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

اسلام آباد . پاکستان

۱۳۹۶ هجری قمری

۲۵۳۵ شاهنشاهی

۱۹۷۶ میلادی



ΥΨΟΜΕΤΡΑ ΣΕ ΜΕΤΡΑ

ΔΙΑΣΤΗΜΑ ΙΣΟΫΨΩΝ 20 ΜΕΤΡΑ

ΕΛΛΕΙΨΟΕΙΔΕΣ .... ΠΑΓΚΟΣΜΙΟ ΓΕΩΔΕΤΙΚΟ ΣΥΣΤΗΜΑ 1984
ΤΕΤΡΑΓΩΝΙΣΜΟΣ .... 1000 ΜΕΤΡΑ UTM ΖΩΝΗ 34
ΠΡΟΒΟΛΗ .... ΕΓΚΑΡΣΙΟΣ ΜΕΡΚΑΤΟΡ
ΚΑΤΑΚΟΡΥΦΟ ΣΤΟΙΧΕΙΟ ΜΕΤΡΗΣΗΣ .... ΜΕΣΟ ΥΨΟΜΕΤΡΟ ΘΑΛΑΣΣΑΣ
ΟΡΙΖΟΝΤΙΟ ΣΤΟΙΧΕΙΟ ΜΕΤΡΗΣΗΣ .... ΠΑΓΚΟΣΜΙΟ ΓΕΩΔΕΤΙΚΟ ΣΥΣΤΗΜΑ 1984
ΕΚΔΟΘΕΝ ΑΠΟ .... NIMA

ΜΕΤΑΤΡΟΠΗ ΣΥΝΤΕΤΑΓΜΕΝΩΝ ΠΑΓΚΟΣΜΙΟΥ ΓΕΩΔΕΤΙΚΟΥ ΣΥΣΤΗΜΑΤΟΣ (WGS84) ΣΕ ΣΤΟΙΧΕΙΟ ΜΕΤΡΗΣΗΣ ΥΨΟΥΣ (ED 50)

ΑΝΑΦΟΡΑ 100 ΜΕΤΡΩΝ

1. Αναγνώσατε τους μεγάλους αριθμούς που είναι γραμμένοι στην ΚΑΤΑΚΟΡΥΦΗ γραμμή τετραγωνισμού αριστερά από το σημείο και εκτιμήσατε σε δέκατα 100 μ. το διάστημα μεταξύ της γραμμής τετραγωνισμού και του σημείου 12 3
2. Αναγνώσατε τους μεγάλους αριθμούς που είναι γραμμένοι στην ΟΡΙΖΟΝΤΙΑ γραμμή τετραγωνισμού κάτω από το σημείο και εκτιμήσατε σε δέκατα 100 μ. το διάστημα μεταξύ της γραμμής τετραγωνισμού και του σημείου 45 6

Παράδειγμα 123456

ΚΑΤΑ ΤΗΝ ΑΝΑΓΝΩΣΗ ΚΑΤΑ ΜΗΚΟΣ ΤΗΣ ΓΡΑΜΜΗΣ ΤΩΝ 100,000 ΜΕΤΡΩΝ, ΠΡΟΤΑΞΑΤΕ ΤΟΝ ΧΑΡΑΚΤΗΡΙΣΜΟ ΤΟΥ ΤΕΤΡΑΓΩΝΟΥ 100,000 ΜΕΤΡΩΝ ΕΝΤΟΣ ΤΟΥ ΟΠΟΙΟΥ ΕΥΡΙΣΚΕΤΑΙ ΤΟ ΣΗΜΕΙΟ

Παράδειγμα ΕΜ123456

ΚΑΤΑ ΤΗΝ ΑΝΑΓΝΩΣΗ ΕΞΩ ΑΠΟ ΤΗΝ ΠΕΡΙΟΧΗ ΕΝΟΣ ΖΗΣ ΤΕΤΡΑΓΩΝΙΣΜΟΥ ΠΡΟΤΑΞΑΤΕ ... ΕΝΔΕΙΞΗ ΤΗΣ ΖΩΝΗΣ ΤΕΤΡΑΓΩΝΙΣΜΟΥ

Παράδειγμα 34ΤΕΜ123456

... VERTICAL
...ate tenths
...point 12 3
...g the
...int and
...om grid

...000 METER
...SQUARE
...NT LIES

GRID ZONE
GRID ZONE

GRID CONVERGENCE
0 42 (12½ MILS)
FOR CENTER OF SHEET

1995
G M ANGLE
2 (40 MILS)

TO CONVERT A GRID AZIMUTH TO A MAGNETIC AZIMUTH SUBTRACT G M ANGLE

TO CONVERT A MAGNETIC AZIMUTH TO A GRID AZIMUTH ADD G M ANGLE

Boundary representation is not necessarily authoritative

Serbia* and Montenegro have asserted the formation of a joint independent state, but this entity has not been formally recognized as a state by the United States

Names and boundaries of administrative divisions in Serbia* and in The Former Yugoslav Republic Of Macedonia are not available

THIS MAP IS RED-LIGHT READABLE

BOUNDARIES
ΟΡΙΑ

*Serbia
THE FORMER YUGOSLAV REPUBLIC OF MACEDONIA

ADJOINING
ΣΥΝΕΧΟ...

3380 III	
3379 IV	
3379 III	THE FOR... REPUBLIC

Sheet 3379 I falls with 1 250 000

SLOPE GUIDE
ΟΔΗΓΟΣ ΚΛΙΣΕΩΝ

PERCENTAGE ΠΟΣΟΣΤΑ
DEGREE ΒΑΘΜΟΣ

ELEVATION GUIDE
ΟΔ...

381
821
1285
1344
1356
855
4 00
4 90
4 80
80

Highest
Υψηλότατο
High
Υψηλό

NIMA REF NO M709X33791

WGS 84

NSN 7643014029229

Donja Mahala (2)
Ivanovce
Šeranci
Trnjanci
Popovci
Dolina
Trajkovci
Deda Stojanovci
Mušinci
Biglar
Toskinci
Rid
Gornja Mahala (1)
Kučići
Kovačeva Gora
1285
RUDINA
Gornja Trnica
Gramade
1303
Dolnja Mahala
Sulište
Bolodevac
Kolibje
1472
Savunkovci
Mirčinci
Derekarska Čuka
1189
Prisoje
Vucinica
Ivje
Zladovce
Jukovci
Dejance
Grujinci
Kovačevska Mahala
1314
Crudvce
Zabljak
Trgovište
Dubak
Kitinci
Tikva
Kovačevci
Fabrikanti
Bunderci
Donja Trnica
Šeratci

E

EDITION ΕΚΔΟΣΗ **6–NIMA** SERIES ΣΕΙΡΑ **M709** SHEET ΦΥΛΛΟ **3379 I**

88 89 05 90 91 92 93 94 95 10°96 97 98 22°12' 42°

05 04 03 02 01 00 470 99

1084
Crni Vrh
1127
Soinci
Debra Čuka
Dogji Ramni Del
Stara Brezovica
Čukar
Ornica
958
Gradište
Jasikovac
1268
Stara Babina Poljana
Srednja Mahala
Zaguzje
Brezovica
Stari Glog
1133
Barjca
Stamirovac
Babina Poljana
1451
Vrh Bol
Bajema Čuka
Poljana
1421
1389
Jastrebovac
Vučkovci
Novi Glog
K O Č U R A Č
1422
Pekodanska Čuka
Deda Stojkovci
1390
Pavlovci
1567
Kopura
Pekedanci
Mirdzinci
Kurtinska Mahala
1365



به کتابخانهٔ صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری در شرقپور شریف تقدیم گردید.

غلام سرور

استاد و رئیس سابق بخش فارسی

دانشگاه کراچی

۱۰ دسامبر ۱۹۸۱م

116

جواهر الاولیا



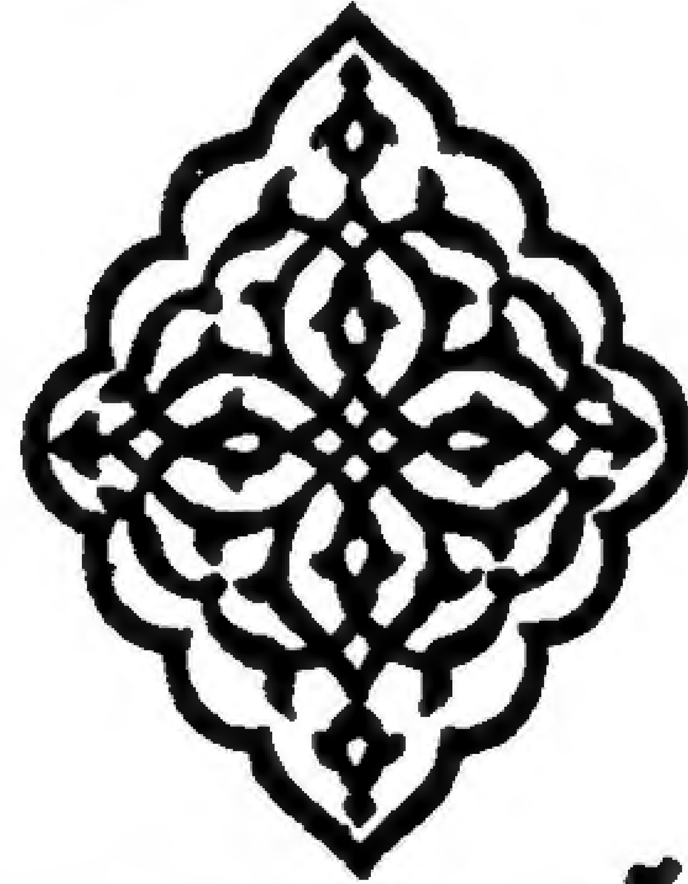
تألیف

سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اُچ بخاری

به تصحیح و تحشیه و مقدّمه

اُستاد دکتر غلام سرور

رئیسِ سابقِ بخشِ فارسی دانشگاهِ کراچی



از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

اسلام آباد ـ پاکستان

۱۳۹۶ ہجری قمری

۲۵۳۵ شاہنشاہی

۱۹۷۶ میلادی

53563

به میمنت قران السعدین

پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

۲۴۸۴ تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی

و

صدمین سال تولد قائد اعظم محمد علی جناح بنیانگذار پاکستان

۱۸۷۶ تا ۱۹۷۶ میلادی



سخن مدیر

به نام خدای بخشایندهٔ مهربان

فکر تأسیس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با ارادهٔ دانش پرور و فرهنگ گستر اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر ایران و حضرت رئیس جمهور پاکستان به صورت اعلامیهٔ مشترک ۱۳ آبان ۲۵۲۸ شاهنشاهی برابر ۴ نوامبر ۱۹۶۹ میلادی پدیدار گردید و تهیه و تنظیم و اجرای طرح آن به وزارت فرهنگ و هنر ایران و وزارت آموزش و تحقیقات علمی پاکستان سپرده شد. حسن نیت و حس تعاون مسئولان دو وزارتخانه طی مذاکرات به اندازه‌ای بود که با مشخص گردیدن حدود طرح، مقدمات اجرای برنامه نیز فراهم شد و هستهٔ مرکز به صورت ادارهٔ مرکزی در راولپندی بوجود آمد و آغاز به کار کرد و در تاریخ یکم آبان ۲۵۳۰ برابر ۲۳ اکتبر ۱۹۷۱ موافقتنامهٔ مربوط با پیوست اساسنامه در میان دو دولت ایران و پاکستان امضاء شد و مرکز تحقق یافت.

موافقتنامه چنین شروع می شود:

"به منظور تشدید و ادامهٔ همکاری فرهنگی و آموزشی و زبانی بین ایران و پاکستان و برای رسیدن به حد اعلای تفاهم بین دو کشور، از طریق تعاون صادقانه و همبستگی دوستانه در این زمینه ها، دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان تصمیم گرفته اند که این موافقتنامه را برای همکاری در زمینه های فرهنگی و آموزشی منعقد سازند."

و هدف تأسیس مرکز در آغاز اساسنامه این گونه آمده است :

"پاکستان افتخار دارد که دارای یک میراث فرهنگی است که در طی قرون از زبان و ادب و هنر فارسی مایه گرفته است. اینک به منظور حفظ و توسعه و نشر و ترویج این میراث فرهنگی مؤسسه‌یی به نام مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با اشتراک مساعی وزارت فرهنگ و هنر دولت شاهنشاهی و وزارت آموزش و تحقیقات علمی پاکستان به مدت نامحدودی در کشور پاکستان تأسیس می شود."

برای رسیدن به این هدف یکی از کارها چاپ کهن متون فارسی است که در پاکستان نوشته و نگاشته شده است. اینک متنی دلچسب با تصحیح دقیق و مقدمه استادانه از استاد استادان دکتر غلام سرور تقدیم است.

امیدوارم که این پیشکش ناچیز روشنگر گوشه‌یی از جهان پهناور و غنی فرهنگ پاکستان باشد و وحدت و یگانگی میراث فرهنگی ایران و پاکستان را بیش از پیش آشکار گرداند.

مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

علی اکبر جعفری

اسلام آباد (پاکستان) ۱۵ تیر ۲۵۳۵ شاهنشاهی

جَواهِرُ الاَوْلیا

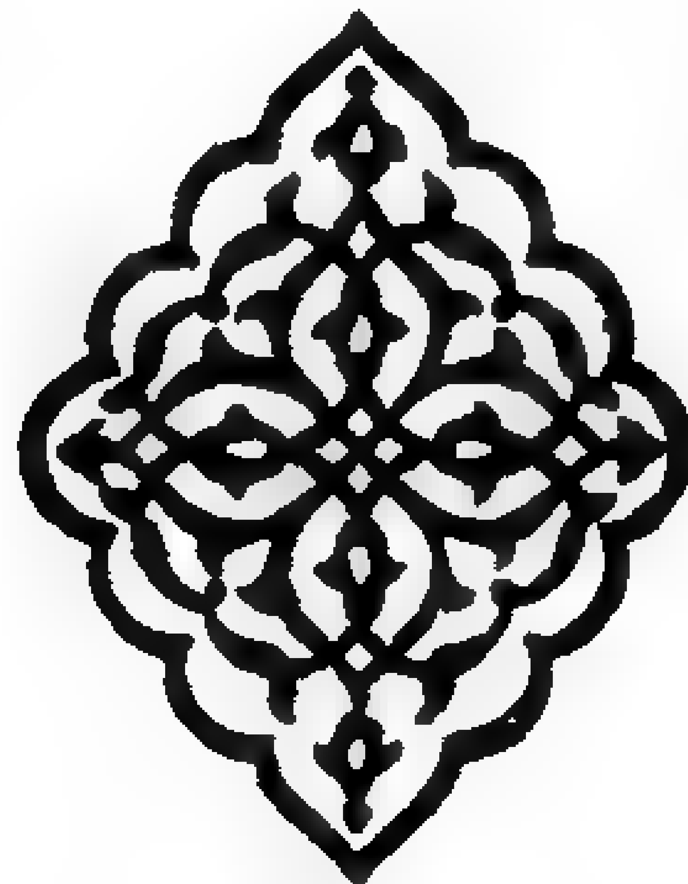
تالیفِ

سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اُچ بخاری

به تصحیح و تحشیه و مقدّمه

اُستاد دکتر غُلام سرور

رئیسِ سابقِ بخشِ فارسی دانشگاهِ کراچی



از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

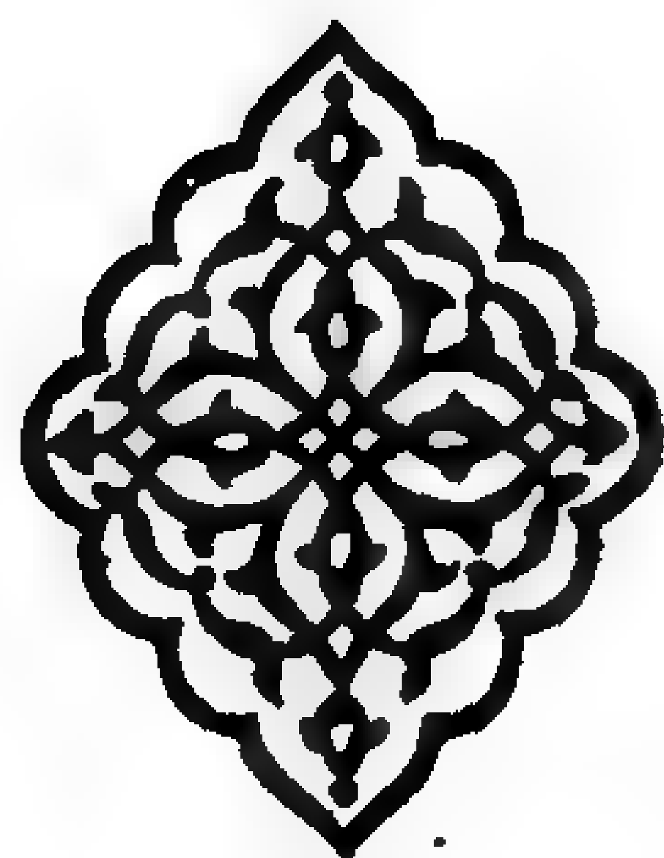
اسلام آباد ـ پاکستان

۱۳۹۶ هجری قمری

۲۵۳۵ شاهنشاهی

۱۹۷۶ میلادی

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان



شمارهٔ ۱۶

گنجینهٔ تصوف و عرفان

شمارهٔ ۴

مختصات این کتاب

نام کتاب : جواهرالاولیا.

مؤلف : سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اُچ بخاری.

تصحیح و تحشیه و مقدمه : اُستاد دکتر غلام سرور، رئیس سابق بخش فارسی دانشگاهِ کراچی.

سخن مدیر : دکتر علی اکبر جعفری، مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، پاکستان.

چاپ : ایس ٹی پرنٹرز، گوالمنڈی، راولپنڈی. تلفن : ۶۶۸۱۸

ناشر : مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، پاکستان. تلفن : ۲۲۳۴۰.

تعداد : ۳۰۰ مجلد

قطع : ۲۴ × ۱۷ سانتیمتر.

کاغذ : ۷۰ گرمی، ساخت پاکستان.

خطاط : مولوی عبدالعزیز. راولپنڈی.

مدت کتابت و چاپ : یک سال.

تاریخ چاپ و نشر
۱۳۹۶ هجری قمری
۲۵۳۵ شاهنشاهی
۱۹۷۶ میلادی

محل انتشار : مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. تلفن : ۲۲۳۴۰.

بها : ۵۰ روپیهٔ پاکستان.

فهرستِ مطالب

مطلب		صفحه
سخن مدیر		
دیباچه		
متن جواهر الاولیا	۱—۵۶۱	
مقدمهٔ مؤلف		۱ — ۲
جواهر اول		۳ — ۱۰۲
جواهر دوم		۱۰۳ — ۱۸۵
جواهر سوم		۱۸۷ — ۲۲۹
جواهر چهارم		۲۳۱ — ۳۰۰
جواهر پنجم اضافه به متن جواهر الاولیا ضمیمهٔ جواهر الاولیا اضافهٔ دیگر به متن جواهر الاولیا		۳۰۱ — ۵۶۱
فهرست نام های مشائخ و سادات و علما و اولیا و اشخاص دیگر		۵۶۳ — ۶۱۱
فهرست ها		۶۱۳ — ۶۹۳
عکس ها و نمونه ها		
مقدمه به زبان انگلیسی (Addendum)		
دیباچه به زبان انگلیسی		
سخن مدیر به زبان انگلیسی		

دیباچه

در ماهِ آوریل سالِ ۱۹۷۲ میلادی بنا بر پیشنهادِ جنابِ آقای دکتر علی اکبر جعفری، مدیرِ محترمِ مرکزِ تحقیقاتِ فارسی ایران و پاکستان در راولپندی، تصحیح و تحشیهٔ کتابِ جواهر الاولیا تألیفِ سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری، ساکنِ اُچ بخاری (اکنون در بخشِ بهاولپور، اُستانِ پنجاب) و مقدمهٔ انتقادی بر آن کتاب را به عهدهٔ خود گرفتم. و در همان آوان به کارِ محوّله مشغول گردیدم.

در آغازِ کار تنها یک نسخهٔ خطّیِ جواهر الاولیا در کتابخانهٔ گنج بخش مرکزِ تحقیقاتِ فارسی در راولپندی موجود بود. این جانب نسخهٔ خطّی مزبوره را به نظرِ دقیق مطالعه کردم، و دربارهٔ ارزش و اهمیتِ آن کتاب گزارشِ مفصّل تهیه کردم که از جانبِ مدیرِ محترمِ مرکزِ تحقیقاتِ فارسی به تصویب رسید، و با موافقتِ ایشان کارِ خود را ادامه دادم.

نسخهٔ خطّیِ جواهر الاولیا، که در دست بود، افتاده هائی داشت که مشتمل بر چندین برگ بود، و متنِ آن اغلاطِ زیاده داشت، حتیٰ در استنساخِ آیاتِ قرآنِ حکیم نیز غلط ها موجود بود.

بنا بر این قبل از این که متنِ صحیح و کاملِ جواهر الاولیا تهیه شود، لازم گردید که به جستجوی نسخهٔ خطّیِ کاملِ این کتاب بپردازم، چنانچه به شهرهای پیشاور و گجرات (پنجاب)، و ملتان و بهاول پور رفتم، و در آخر به قریهٔ اُچ بخاری، که مرکزِ ساداتِ بخاری می باشد، مسافرت نمودم. سه مرتبه به اُچ بخاری رفتم، ولی متأسفانه کوششهای من به جای نرسید، و نسخهٔ خطّیِ جواهر الاولیا به دست نیامد.

چندی بعد نسخهٔ خطّیِ این کتاب در کتابخانهٔ دانشگاهِ پنجاب لاهور پیدا شد. دو مرتبه به لاهور رفتم،

و به لطف و مهربانی معاونِ مدیرِ کتابخانهٔ دانشگاه عکسِ نسخهٔ خطّیِ لاهور به دست آمد.

نسخهٔ خطّیِ لاهور به خطّ خوب نوشته شده بود، و متنِ آن اغلاط کم داشت. ولی بدبختانه این نسخه نسبت به نسخهٔ مرکزِ تحقیقاتِ فارسی افتاده های زیاده داشت. علاوه بر این صحافِ بی سواد در موقعِ صحافی برگ های جواهرِ چهارم وپنجم را از جای بی جا کرده بود.

بازهم به سببِ افتاده هائی که در دو نسخهٔ خطّیِ فوق موجود بود، تصحیحِ متنِ کاملِ جواهر الاولیا ممکن نبود، ومجبور شدم به جستجوی نسخهٔ خطّیِ کاملِ این کتاب بپردازم، گوئی یک سال تمام در سعیِ لاحاصل گذشت.

در ماهِ مه سالِ ۱۹۷۳ میلادی از جانبِ آقای احمد حسین قریشی، اُستادِ زبانِ فارسی، زمیندار کالج، گجرات (پنجاب) اطلاعی رسید که نسخهٔ خطّیِ کاملِ جواهر الاولیا در دست است. چنانچه به گجرات رفتم، ونسخهٔ مزبوره به لطف و مهربانی جناب آقای سیّد شریف احمد شرافت نوشاهی، که از اخلافِ دانشمندِ ساداتِ دِه ساهن پال نزدیکِ گجرات می باشند، به دست آمد. نسخهٔ سوم از لحاظِ متن کامل بود، تنها یک برگ از آن افتاده بود که متنِ آن را از دو نسخهٔ خطّیِ فوق فراهم آوردم.

تصحیحِ متنِ کتابِ جواهر الاولیا در ماهِ ژوئن سالِ ۱۹۷۳ میلادی آغاز گردید. لازم است بگویم که جواهر الاولیا کتابی است ضخیم وقطور، بدین سبب تصحیحِ متنِ کاملِ آن با مقابلهٔ متونِ سه نسخهٔ فوق در مدّتِ چند ماه به خاتمه رسید، و مطالعه و بررسیِ دقیقِ تمامِ مطالبِ کتاب و تهیّهٔ موادِ لازم برای مقدّمهٔ انتقادی باز در چند ماه انجام یافت، و برای تهیّه و ترتیبِ مقدّمه نیز وقتِ زیاده لازم بود.

در ضمنِ محتویاتِ مقدّمه باید بگویم که تمامِ مطالبی که در بارهٔ کتابِ جواهر الاولیا، شرحِ حال و وقایعِ دورهٔ زندگانیِ مؤلّف و بزرگانِ اسلافِ او و مختصّاتِ زبانِ کتاب، که در مقدّمهٔ انتقادی فراهم آمده است، مبنی بر شواهدِ داخلی می باشد.

لازم نیست شرح دهم که تصحیح و تحشیهٔ یک کتابِ ضخیم و قدیمِ فارسی و تهیّهٔ مقدّمهٔ انتقادی بر آن تا چه اندازه مقتضیِ زحمت و پشتکاری می باشد، و تنها دانشمندانی که کتابِ حاضر را مطالعه فرمایند، می توانند قضاوت نمایند که این جانب تا چه حد از عهدهٔ این کارِ مشکل برآمده ام.

اکنون لازم است به انجامِ وظیفهٔ اظهارِ تشکّر و سپاس گذاری به بزرگان و دوستانی که در دورهٔ تصحیحِ کتابِ جواهر الاولیا به بنده معاونت فرمودند، بپردازم:

۱- آقای دکتر علی اکبر جعفری، مدیر محترم مرکزِ تحقیقاتِ فارسی ایران و پاکستان در راولپندی، که در دورهٔ اقامتِ بنده در مرکزِ تحقیقاتِ فارسی تمام وسایلِ آرام را فراهم آوردند، و می توان گفت که تصحیح و تکمیل و طبع و نشرِ کتابِ جواهر الاولیا مرهونِ همتِ آن بزرگوار در خدمت به زبانِ فارسی در پاکستان می باشد.

۲- خانم دکتر جعفری که بانوی شریف و از خانوادهٔ نجیب می باشند، در دورهٔ اقامتِ بنده در رفعِ احتیاجات همواره ساعی بوده، و فرصتی را فراهم آوردند تا من با خاطرِ آرام کارِ خود را ادامه دهم.

۳- آقای محمّد حسین تسبیحی، کتابدارِ محترم کتابخانهٔ گنج بخش در مرکزِ تحقیقاتِ فارسی، که نویسندهٔ زبردست و در انجامِ وظایفِ خود دارای قوّهٔ خستگی ناپذیر می باشند، هر نوع موادِ لازم را، که مربوط با منابعِ جواهر الاولیا بود، برای بنده فراهم آوردند.

و در آخر دو نفر از شاگردانِ عزیزِ خود:

یکی آقای ساجد اللّٰه تفهیمی، رئیسِ فعلی بخشِ فارسی در دانشگاهِ کراچی، و

دومی آقای سیّد منصور علی سهروردی، دانشجوی درجهٔ دکتری در ادبیاتِ فارسی در دانشگاهِ کراچی، و

دوستِ عزیز آقای عبد الصمد صدّیقی، دانشمندِ فاضلِ زبانِ عربی، که در مقابلهٔ متنِ کتاب حاضر با متونِ سه نسخهٔ خطّی جواهر الاولیا به بنده کمک نمودند.

غلام سرور

اُستاد و رئیسِ سابقِ بخشِ فارسی

دانشگاهِ کراچی

۹۶۸ پیر الٰهی بخش کالونی، کراچی ۵

۲۰ اکتوبر ۱۹۷۵ میلادی

متن

جَواہِرُ الاَوْلیَا

وبہ نستعین



الحمد للّٰہ الّذی اعطیٰ کلّ شیٔ خلقہٗ ثمّ ھدیٰ والصّلوٰۃ والسّلام علیٰ رسولہٖ محمّدٍ واٰلہٖ و اصحابہٖ اجمعین.

امّا بعد فیقول الفقیر الحقیر اضعف عباد اللّٰہ فقیر سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری غفر اللّٰہ ذنوبہما بلطفہٖ و ستر عیوبہما بجمال عفوہٖ، چون فقیر شنیدم از استادِ کامل و عامل، سلطان المشایخ والاولیاء قدوۃ الزّہاد والاتقیا، کاشف الحقایق، مظہر الدّقایق، حُجّۃ الحق علی الخلق، قطب الاقطاب فی الارضین، ملک المشایخ فی العالمین، وارثِ علوم الانبیاء والمرسلین، ختم الواصلین والعارفین سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہما و ارضاہ و جعل الجنّۃ الفردوس مثواہ.

چون این ضعیف فایدۂ چند از پدرِ خود و از کتابہای معتبر و از اورادہای مشایخانِ بزرگ و بعضی در سَیرِ عالَم و بعضی در چِلہا از بزرگان و اولیای مرحوم من الدّنیا و اِحیاء الیٰ دار البقاء، چنانچہ: قال النّبی صلی اللّٰہ علیہ واٰلہٖ وسلّم: الا ان اولیاء اللّٰہ لا یموتون بل ینقلون من دار الدّنیا الیٰ دار النّعیم.

در مجلسِ حضرتِ رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہ وسلّم، دیدہ و شنیدہ بودم، جمع کردم از برای عوام خلق. این فقیر بقدرِ خویش ہرچہ عربی بود بہ پارسی در قلم آوردم تا عوام النّاس و فرزندانِ ایشان درین رغبت نمایند، و از فایدہ بی بہرہ نمانند، و مواظبت کنند تا بہ مطالب و مقاصدِ سعادتِ دارین برسند، و فقیر را بہ فاتحہ یاد کنند.

و این مجموعه را "جواهر الاولیا" نام کرده شد که در آن پنج جواهر مرتب ساخت:

جواهر اوّل در فضیلت تمام سورتهای قرآن و آیات آن که از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم و اولیای اللہ تعالیٰ منقول است.

جواهر دوئم در فضیلت نود و نہ نام باری تعالیٰ با مؤکّلات ها که از بزرگان مندرج شده است.

جواهر سیوم (ا ب) در فضیلت چهل اسم با مؤکّلات و در فضیلت نود و نہ نام حضرت رسول (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم) و نام های آبا و اجداد حضرت محمّد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم تا (حضرت) آدم علیہ الصّلوٰۃ والسّلام، و حلیۂ حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم و مُهر نبوۃ النّبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم که از مشایخان وارد شده است.

جواهر چهارم در فضیلت درود بر سرور کائنات صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، و خرقۂ خلافت پیران بخاریان علیهم الرحمۃ والرّضوان. و قدم و نعل مبارک (حضرت پیغمبر) صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم که بزرگان را (رحمۃ اللہ علیهم) منقول عنہ شده است. و

جواهر پنجم در فضیلت مناجات و ادعیات و چهل و یک اسمای یونانی و عربی، و نماز که بصورت قبر حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم بگذارد، و ثواب خطبه که روز جمعه بخواند، و خاصیت خطبۂ نکاح حضرت آدم و بی بی حوا علیهما السلام، و ثواب نماز های دیگر که از مشایخانِ هند و سند به تجربه آورده اند و باللہ التّوفیق علی الاتمام.

جواهرِ اوّل

در فضیلتِ تمام سورتهای قرآن و آیاتِ آن که از
حضرتِ رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم. و اولیای اللہ
تعالیٰ منقول است.

جواهرِ اوّل

در فضیلتِ تمامِ سورتهای قرآن و آیاتِ آن دکه از حضرتِ رسول، صلی الله علیه وآله وسلم و اولیای الله تعالیٰ منقول است

از حضرت شفیع المذنبین و خاتم النبیّین و حبیب رسولِ ربّ العالمین محمّدِ مصطفیٰ صلی الله علیه وآلہ وسلم، منقول است: هر که اوّل سه بار صلوات بخواند، بعدهٗ سورة الفاتحہ[1] با تسمیّه برای هر دردی و کاری چهل بار با اعتقادِ درست و با اخلاصِ دل بعد از نمازِ فجر بخواند، آن درد دفع شود، و آن کار بحصول رسد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرتِ محمّدِ مصطفیٰ صلی الله علیه وآلہ وسلم، شنیدم: یا ولدی! من قرء الفاتحة مع الاخلاص مرة لم یبق من ذنوبه ذرّة. یعنی ای فرزندِ من سیّد باقر! هر که سورة الفاتحہ مع اخلاص[2] یک بار بگوید هرگز ذرّهٔ گناه در وجودِ وی نماند. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرتِ رسالت پناه صلی الله علیه وآلہ وسلم منقول است: هر که بسم الله الرحمٰن الرحیم. الحمد لله ربّ العالمین[3] وقتِ آب خوردن بگوید گویا که آبِ بهشت خورده باشد، و هیچ گاه شکم درد نکند، و شیطان اندرون وسوسه نیفکند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین شاه امیر علی اسد الله، کرم الله تعالیٰ وجهه منقول است: هر که سورة البقرة[4] تا آخر بعد از نمازِ خفتن یکبار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۱۱۲. ۳۔ ایضاً: ۱:۱. ۴۔ ایضاً: ۲.

بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت امام المطہر المعصومین سید امام حسن رضوان اللہ تعالیٰ علیہ منقول است: هر کہ سورۃ آل عمران[1] و سورۃ النساء[2] برای خلاص شدن از قرض سیزدہ بار بخواند، از قرض خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات امام [۲ و] المسلمین، صاحب نورِ اهل السماء والارضین، طریق صورتِ خاتم النبیین، امیر المومنین، سید امام حسین، شہیدِ دشتِ کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ منقول است: هر کہ سورۃ المائدۃ[3] برای فتوحات سہ بار بخواند، فتوحات بسیار پیدا شود، و او را و اهل و عیالِ او را از عذابِ گرسنگی و تشنگی خدای تعالیٰ نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات، امام العارفین، سلطان الاشجعین، امیر المتورعین سید امام (علی) زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هر کہ سورۃ الانعام[4] چہل و یک بار بخواند، بہ هر نیت کہ خواہد، کفایت گردد. انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات، امام الصادقین و هادی الموحدین، امیر المومنین سید امام محمد باقر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هر کہ سورۃ الاعراف[5] سہ نوبت بجہتِ امین بودن از عذابِ آخرت بخواند، خدای تعالیٰ او را، از عذابِ آخرت نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات، امام الصدیقین و شمس العارفین، امیر المسلمین سید امام جعفر صادق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هر کہ سورۃ الانفال[6] هفت بار بہ نیتِ خلاص یافتن از بند و زندان و از دستِ ظالمان بخواند، خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات، امام العاشقین، سلطان المتعبدین و بدر الکاظمین سید امام موسیٰ کاظم امین اللہ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هر کہ سورۃ التوبۃ[7] یازدہ بار بجہتِ مہمی کہ با ملوک باشد، بخواند، حاصل شود (انشاء اللہ تعالیٰ)، و اگر بنویسد، و درمیانِ رختِ خود نہد و در سفر رود، خدای تعالیٰ او را و متاعِ او را در امن و امانِ خود نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ۔

۱۔ القرآن الحکیم: ۳۔ ۲۔ ایضاً: ۴۔ ۳۔ ایضاً: ۵۔ ۴۔ ایضاً: ۶۔ ۵۔ ایضاً: ۷۔ ۶۔ ایضاً: ۸۔ ۷۔ ایضاً: ۹۔

و از حضرت سیّد السادات، سلطان الواصلین، امام العادلین، امیرالمؤمنین امام سیّد ابوالحسن علی بن موسیٰ رضا، رضوان اللّٰہ تعالیٰ عنہ، منقول است: ہر کہ سورۃ یونس[1] بجہتِ نصرت و فتح بر دشمنان بخواند، فتح و نصرت بر دشمنان یابد. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، امام المسلمین، سخی ربّ العالمین امام سیّد محمد تقی، جواد اللّٰہ، قدس اللّٰہ سرّہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الھود[2] سیزدہ بار بہ نیّتِ ہر مہمی کہ باشد، بخواند، کفایت شود. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات امام المتقین و رئیس السالکین و حجّت ربّ العالمین امام سیّد علی نقی ہادی حجّت اللّٰہ، قدّس اللّٰہ سرّہٗ منقول است: ہر کہ سورۃ یوسف[3] برای روا شدنِ حاجات و مسخّر کردنِ بادشاہ سیزدہ بار بخواند، ہمہ مہماتِ او حاصل شود. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

(۲ ب) و از حضرت (سیّد السادات) امام سیّد حسن عسکری، برادرِ سیّد جعفر ثانی، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہما منقول است: ہر کہ سورۃ یوسف[4] بعد از نمازِ عشا یک بار بخواند، حضرت یوسف علیٰ نبیّنا و علیہ الصّلوٰۃ والسّلام و آلہما را در خواب بیند. و ہیچ بلا گردِ او نگردد. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، قطب العالمین و بدر السالکین و مطلوب الطالبین، سلطان سیّد جعفر ثانی جلیل اللّٰہ، قدس اللّٰہ تعالیٰ سرّہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الرعد[5] بجہتِ گریستنِ کودک کہ در گہوارہ باشد، و یا از سایہ بترسد، سہ بار بہ نیّت آن بخواند، دفع شود. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، سلطان الاولیاء و المتقین، فخر السالکین، دامادِ حضرت شاہ محی الدین، سلطان سیّد نظام الدین علی اصغر عبیداللّٰہ، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ ابراہیم[6] بہ نیّتِ خصم ہفت بار بخواند، خصمِ جابر دفع شود. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، غوث الاسلام والمسلمین، قدوۃ الواصلین، سلطان سیّد عبداللّٰہ اسلام اللّٰہ، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ الحِجر[7] بوقت خریدن و فروختنِ ہر چیزی بخواند، خدای تعالیٰ در وی برکت دہد. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سراج العالمین، سلطان المقبولین، سلطان سیّد احمد مقبول اللّٰہ،

---

۱. القرآن الحکیم: ۱۰. ۲. ایضاً: ۱۱. ۳ و ۴. ایضاً: ۱۲. ۵. ایضاً: ۱۳. ۶. ایضاً: ۱۴. ۷. ایضاً: ۱۵.

قدس اللہ سرہ ، منقول است : ہر کہ سورۃ النحل[1] بجہت تفرقۂ دشمنان صد و سہ بار بخواند ، دشمنانِ ہمہ تفرّق شوند ۔ انشاء اللہ تعالیٰ ۔

و از حضرت سیّد السادات ، قطب الاقطاب ، مختارِ حضرت رب الارباب ، سلطان سیّد محمودؔ مختار اللہ ، قدس اللہ سرہٗ منقول است : ہر کہ سورۃ بنی اسرائیل[2] بجہت فراخی روزی و حفظِ خاطر یک بار بخواند ، روزی و حفظ زیادت شود ۔ انشاء اللہ تعالیٰ ۔

و از حضرت سیّد السادات ۔ آخذ الملک بہ سیف اللہ ، باذنِ حکمِ رسول اللہ ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلم سلطان البرّ و البحر ، صاحب العلما و الامراء و الفضلاء ، سلطان سیّد محمد سیف اللہ ، قدس اللہ سرہٗ ، منقول است : ہر کہ سورۃ الکہف[3] برای مردی بستن و کشادن و برای دفع دشمنان روزِ جمعہ یک بار بخواند ، ہمۂ حاجات او روا شود ۔ انشاء اللہ تعالیٰ ۔

و از حضرت سیّد السادات ، سلطان المتقین ، نور قلوب العابدین و العارفین ، مشتاقِ لقای حضرت رب العالمین ، سلطان سیّد جعفر مشتاق اللہ ، قدس اللہ سرہٗ منقول است : ہر کہ [۲ د] سورۃ مریم[4] برای برکت شدن در باغ و میوہ و زائیدنِ فرزند بآسانی یک بار بخواند ، ہمہ مقصودات حاصل شود ۔ انشاء اللہ تعالیٰ ۔

و از حضرت سیّد السادات ، سلطان الراسخین ، سائر فی السماء و الارضین ، نورِ ہدایت الموحدین ، غوث العالمین سلطان سیّد علی ابو المؤیّد ، قدس اللہ سرہٗ ، منقول است : ہر کہ سورۃ طٰہٰ[5] برای دفع دیو و پری یک بار دران خانہ بخواند ، دیو و پری و دیگر بلاہا دفع شود ۔ انشاء اللہ تعالیٰ ۔

و از حضرت سیّد السادات ، مظہر الجلال و الجمال ، قطبِ العارفین ، صورتِ خاتم النبیین علیہ و علیہم الصلوٰۃ والسلام و آلہٖ و آلہم سلطان سیّد جلال بخاری ، اسد اللہ ، قدس اللہ مرقدہٗ ، منقول است : ہر کہ سورۃ الانبیاء[6] برای دفعِ غم دینی و دنیوی یا اندیشۂ دیگر پنج بار بعد از نمازِ عشا بخواند ، ہمۂ مقاصدات حاصل شود ، و غم ہای دینی و دنیوی نیز دفع گردد ۔ انشاء اللہ تعالیٰ ۔

و از پدر خود سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری شنیدم کہ من در کتابِ بحر الانوار در تالیفِ

۱۔ القرآن الحکیم : ۱۶ ۔ ۲۔ ایضاً : ۱۷ ۔ ۳۔ ایضاً : ۱۸ ۔ ۴۔ ایضاً : ۱۹ ۔ ۵۔ ایضاً : ۲۰ ۔ ۶۔ ایضاً : ۲۱ ۔

سیّد جلال بن سیّد داؤد بخاری) دیده ام که سیّد جلال بخاری، آن سلطان العارفین، قطب العالمین، جلال الحق والدّین سلطان سیّد جلال بخاری، آن سیّد السادات حسینی، بادشاهِ بلخ د. بخارا، و آن شیر خدای یقین، و آن رهبرِ دنیا و دین، و آن یارِ غارِ شیخ بهاء الدّین دزکریای ملتانی) و آن محقّق موحّد قطبِ ربّانی، و آن سیفِ معظّم و مکرّم سبحانی، و آن عارف و واصل صمدانی، و آن شیرِ خدای زمین و آسمانی و آن غوثِ بارگاهِ رحمانی، جلّ جلالهٔ و عمّ نوالهٔ چون پادشاهیِ بلخ (و) بخارا گذاشته برای زیارتِ شریفهٔ کعبة اللّٰه و برای زیارتِ مدینهٔ معظّمه بر آمد، و در روضهٔ مبارکِ معظّم و مکرّم حضرتِ محمدِ مصطفیٰ صلی اللّٰه علیه و آلهٖ وسلّم در آمد، و گفت: السّلام علیک یا جدّی! از روضهٔ پاکِ مبارک جواب بر آمد: و علیک السّلام یا ولدی!

چنانچه همه یاران و مریدان و مجاوران شنیدند.

و مرتبهٔ ولایت و کرامتِ آن (سیّد) السّادات بسیار است که بیان کردن نتواند. چنانچه مذکوراتِ آن در کتاب کشف الکرامات و در کتاب سیر العارفین وغیر آن بسیار است.

بعدهٔ هفت سال در مدینهٔ مبارک بود و بورد سورة الانبیا[1] و آیت الکرسی[۲] مشغول بود که در آن "اسمِ اعظم" است.

و از زبانِ مبارکِ مزبور شنیدند که اگر بشرح فضیلتِ ظاهری و باطنی آیت الکرسی[۳] بیان (۳۰ب) کنم چندان کتابها شود که فیل برداشتنِ آن نتواند.

و هر که بعد از فراغ هر نماز بوِردِ آیت الکرسی[۴] مشغول شود، مشاهدهٔ خدا و رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آلهٖ وسلّم حاصل شود، و دنیا و دولت نیز میسّر گردد، و عجایب و غرایب ملکوتی و جبروتی و لاهوتی و ناسوتی بسیار بیند. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

و فضیلتِ آیت الکرسی[۵] بسیار است که بیان کردن نتواند. امّا مختصر گفتم. واللّٰه اعلم بالصّواب.

و سلطان سیّد جلال بخاری مرید پدر خود سیّد علی ابو المؤیّد بود، امّا نعمتِ خلافت از

---

۱. القرآن الحکیم: ۲۱. ۲، ۳، ۴ و ۵ - ایضاً: ۲، ۲۵۵.

مخدوم شیخ بهاء الدّین (زکریای ملتانی) نیز یافت، چنانچه در کتاب خزانة الجلالی تصنیفِ مخدوم سیّد جلال جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللّٰہ سرّہٗ مذکور است درباب خرقہ:

بعدہٗ بطرفِ اُچ حکم حضرتِ رسالت پناہ صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم شد. و مخدوم شیخ بهاء الدّین (زکریای ملتانی) و شیخ فرید (الدّین مسعود) شکرگنج و مخدوم لعل شہباز (قلندر) مروندی[1] بر سہ یار و مریدانِ دیگر بہ طرفِ اُچ روانہ شدند. وَاللّٰہُ یَہْدِی مَنْ یَّشَاءُ اِلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ[2].

و از حضرت سیّد السّادات، نورِ عنایتِ سلطانی، محقّق معارفِ ربّانی سلطان سیّد احمد کبیر موحّدِ حقّانی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ منقول است: ھر کہ سورة الحج[3] بوقتِ درآمدن درکشتی یک بار بخواند، خدای تعالیٰ (او را) از غرق شدن نگاہ دارد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات، قطب الاقطاب، مفتاحِ علومِ دینی، مصباحِ معارفِ یقینی، مجلسی حضرتِ محمّدِ مصطفٰی احمدِ مجتبیٰ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم، کشف الثقلین من السّماء والارضین مخدوم سیّد جلال جہانیانِ جہانگشت قدّس اللّٰہ سرّہٗ منقول است: ھر کہ سورة المؤمنون[4] ھشت بار بجہتِ کاھلی در نماز بخواند، کاھلی و بیکاری دفع شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و حضرت مخدوم جہانیان، قدّس اللّٰہ سرّہٗ نامِ ایشان سیّد جلال بخاری است موافق نامِ جدِّ ایشان.

اوّل بارکسی کہ از بخارا (ازین قبیلہ) بہ ھندوستان آمدہ، جدِّ ایشان است کہ (او را) "سیّد جلال بخاری سرخ" می گفتند.

چون از بخارا آمدند، مریدِ پدرِ خود سیّد علی ابو المؤیّد بودند، امّا نعمتِ خلافت از شیخ بہاء الدّین زکریا (ی ملتانی) یافتند. از بزرگان و ساداتِ صحیح النّسب جلیل القدر، و جامعِ علومِ ظاھر و باطن بودہ اند.

و ایشان را در اُچ سہ فرزند بودہ اند: یکی سیّد احمد کبیر، دوم سیّد بہاء الدّین (و) سیوم سیّد محمّد غوث.

---

۱. مقالات الشّعراء تألیف میرعلی شیر قانع تتوی بمطبوعہ کراچی ۱۹۵۷م صفحہ ۴۳۴؛ ذبرگ ۲ب ب برگ ۳ ب ج برگ ۵ "لال شہباز ملوندی"
۲. القرآن الحکیم: ۲۱۳:۲. ۳. ایضاً: ۲۲. ۴. ایضاً: ۲۳. ذبرگ ۳ب و ب و ج برگ ۵ ب: المؤمن.

و سیّد احمدِ کبیر را دو فرزندِ (رشید) قابل و سعادتمند بوده اند: یکی قطب و غوثِ وقت شیخ المشایخ و مشرّفِ اهلِ زمانه و در روزگار یگانهٔ مفرد اندر بیان و عیان حضرت مخدومِ جهانیان، و دوم سیّد راجو قتّال، که ایشان نیز از اولیای کبار [۱-۱۰۲] بوده اند.

اگرچه مخدوم جهانیان را تربیتِ ظاهر و باطن پدرِ ایشان نموده اند، و مرید از پدرِ خود سلطان سیّد احمد کبیر بودند، امّا نعمتِ خلافت از شیخ رکن الدّین بن شیخ صدر الدّین بن شیخ بهاءالدّین زکریا(ی) ملتانی یافتند، و در هر وادی از برکتِ تربیتِ ایشان بکمال رسیدند، و یگانهٔ روزگار گشتند.

و "مخدومِ جهانیان" از آن جهت گویند که روزِ عید به روضهٔ حضرتِ شیخ بهاء الدّین و شیخ صدرالدّین رفته التماس عیدی نمودند، آواز آمد که حق تعالیٰ ترا "مخدومِ جهانیان" کرد، و عیدی تو این است.

چون به روضهٔ شیخ رکن الدّین رفتند. از آن جا نیز همین آواز برآمد. چون بیرون آمدند همه کس "مخدومِ جهانیان" گفتند، و خوارق و کراماتِ زیاده از حدّ از ایشان به ظهور رسیده.

و در مکّهٔ معظّمه که رفتند، با امام عبداللّٰه یافعی ملاقات کردند، و میان این دو عزیز اتّحاد و محبّت به مرتبهٔ رسید که بالاتر ازان نباشد.

و از مکّهٔ معظّمه باز به هندوستان آمدند، و در دهلی به حضرت شیخ نصیرالدّین محمود چراغ دهلوی ملاقات نموده خرقهٔ متبرّک سلسلهٔ چشت را از ایشان پوشیدند.

ولادتِ ایشان اوّلِ شبِ جمعهٔ برأت (۱۴ شعبان)، سال هفصد و هفت (۷۰۷) هجری. و وفات وقتِ غروبِ آفتاب روزِ چهار شنبهٔ عیدالاضحیٰ سالِ هفصد و هشتاد[۱] و پنج (۷۸۵) هجری واقع شده، و مدّتِ عمرِ شریف هفتاد و هشت (۷۸) سال و سه ماه و بیست و شش روز. و قبرِ ایشان در اُچهٔ ملتان است. نقل من کتاب سفینة الاولیاء تصنیف سلطان محمد داراشکوه برادرِ اورنگ زیب پادشاه.

۱- سفینة الاولیا، تالیف داراشکوه مطبوعه کانپور ۱۸۸۴م صفحه ۱۱۷. ا برگ ۱۲ ب برگ ۶ ب و ج برگ ۱۰ د- "هفتاد".

و از پدرِ خود سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری کہ کتاب مونس البخاری کلان و خرد و مجموع البخاری تصنیف کردہ است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، شنیدم کہ فقیر در کتاب سیر العارفین و جامع العلوم (تالیف شیخ ابو عبداللّٰہ علاء الدّین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی) دیدم کہ وقتی مخدوم سیّد جلال جہانیان جہانگشت در مسافرتِ سفر بودی، گاھی مصاحب بودی وگاھی تنہا می رفتی. چون وقتِ نماز درآمدی حیران می شدی بسبب جماعتی کہ جماعت سُنّتِ مؤکّدہ است، چنانچہ قال رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم: الصلوٰۃ مع الجماعۃ سُنّۃ مؤکّدۃ. و نیز رسول فرمود صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم: الاثنان فما فوقہا جماعۃ. قال ابو حنیفۃ: بسواء الامام، و قال اٰخرون اثنان مع الامام. ترجمہ: دو نفر و آنچہ زیادہ است، جماعت است. و امام اعظم گفتہ: دو نفر جز امام، و دیگران می گویند: دو نفر با امام، و لہٰذا می گویند: دو نفر [ع ا ب] جمع شدند، آن جماعت است.

و مخدوم سیّد جلال جہانیان (جہانگشت) در کتاب دیدہ بودند بہ موافقِ حدیث کہ داگر) کسی بانگِ نماز و اقامت گوید، ملایکان بہ پشتِ او اقتدا می کنند. چنانچہ قال رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم: من صلی باذان و اقامۃ، صلت مع الملائکۃ.

پس مخدوم بانگِ نماز می گفت و اقامت می کرد، جماعتی از ابدال بہ پشتِ مخدوم اقتدا می کردند. چون از نماز فارغ می شدند این ھمہ ابدال بادستِ مخدوم مصافحہ می کردند، و این "اسمِ اعظم" می گفتند: یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِیْثُ.

ھرکہ این "اسمِ اعظم" را بعد از ھر نماز یازدہ بار بخواند، جملۂ مراداتِ دینی و دنیوی او حاصل شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و در دلِ مخدوم خطرہ رفت کہ ابدال بغیرِ قطب اقتدا می کنند. آوازِ غیبی از قدرتِ ربّ العالمین جلّ جلالہٗ شنید: یا مخدومِ جہانی! یا قطبی! یا غوثی! یا ولدِ اولادِ رسولی! من قرء ھٰذا الاسم بعد کلّ صلوٰۃ احد عشر مرات تقضی کل حاجۃ من الدّنیا والآخرۃ.

حکایتِ مخدوم سیّد جلال جہانیانِ جہانگشت، قدّس اللّٰہ سرّہٗ العزیز:

در اُچّہ جوانی پسرِ زالی نقل کرد. آن مادرِ زالِ او زار زار می گریست. این آوازِ گریۂ زال بگوشِ مخدومِ جہانیان، قدّس اللّٰہ سرّہٗ رسید. خادم را پرسید: این آوازِ کیست؟ خادم گفت:

جوانی پسرِ زالی نقل کرده است. مخدوم گفت: مرا آن جا ببرید. نعلین در پای کرد. چون آن جا بردند، مخدوم گفت: مرا آن جوان بنمایید. چون نمودند، مخدوم دستِ آن جوان گرفت و گفت: یَا حَیُّ یَا قَیُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِیْثُ، الٰهی احیه وطول عمره. درحال (و) در زمان آن جوان برخاست، و زنده شد و بر پای مخدوم افتاد.

پس آن جوان برخاست، و گفت: من مُرده بُودم و سُکراتِ موت چشیده و کار از دنیا فارغ کرده. مخدوم آن جوان را گفت: ساکت باش! اِغما شده بودی. بی هوش شده بودی.

چون مخدوم در خانقاهِ خود درآمد، بعضی اصحاب پرسیدند: یا مخدوم! آن جوان مُرده بُود، چون زنده شد؟ مخدوم در جواب گفت: "یاحیُّ یاقیُّوم" گفتم، زنده شد.

چون آن جوان درمیانِ یارانِ خود نشستی، حکایتِ جان دادن و سُکراتِ موتِ خود گفتی.

مخدومِ جهانیان گفت، قدّس اللہ سرّہٗ: این "اسمِ اعظم" است، اگر بر مُرده خوانند، زنده شود، و بر هرچه خوانند به اعتقادِ درست، آن چیز به حصولِ او رسد، و اگر بر خاک خوانند، زر شود. (انشاءاللہ تعالیٰ).

و حضرت مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت (۵ا) قدّس اللہ سرّہٗ فرمود: هر که اسمِ "یا حَیُّ یَاقَیُّوْمُ" شبِ چهار شنبه و شبِ پنج شنبه و شبِ آدینه هزار بار بخواند، ایمانِ او همیشه سلامت باشد، و دعای او مستجاب گردد، و آنچه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد (انشاءاللہ تعالیٰ). نقل من کتاب جامع العلوم تصنیف شیخ ابو عبداللہ علاء الدّین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی، رحمۃ اللہ علیہ، مرید قطب العالم کاشف اللّوح والقلم مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللہ سرّہٗ العزیز.

و مخدومِ جهانیان مرید پدرِ خود سلطان سیّد احمد کبیر بود، امّا نعمتِ خلافت از شاه رکنِ عالم (شیخ رکن الدّین بن شیخ صدر الدّین بن شیخ بهاء الدّین زکریای ملتانی) یافت. واللہ تعالیٰ اعلم بالصّواب.

و از حضرت سیّد السّادات، محی الشّریعۃ الغرّا، سلطان الملّۃ و الهدیٰ، غوث العالمین سلطان سیّد محمود ناصر الدّین، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که سورۃ النّور[۱] بجهت تهمت بیست و یک بار بخواند، تهمت دفع شود. انشاءاللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۲۴.

و از حضرت سید السادات، قطب الاولیا، رکن الحق و الدین و الدنیا، المؤید بنصرة الارکان، صاحب علم الیقین، قطبِ ربانی سید فیض اللہ، محبوبِ سبحانی، سہم اللہ، کہ رسالۂ سیر نامۂ مخدوم سید جلالِ جہانیانِ جہانگشت، قدس اللہ سرہٗ، تصنیف کردہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ الفرقان[1] بجہت ہلاکِ دشمن ہفت بار بخواند، دشمن ہلاک شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، نعمان الملۃ و الدین، برہان الدولۃ، باسط الیدین علی الفقراء، سید اسمٰعیل سخی اللہ، قدس اللہ سرہ العزیز، منقول است: ہر کہ سورۃ الشعراء[2] بہ نیتِ ایمن بودن از گریختن بندہ ہفت بار بخواند. بندہ نگریزد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، مہرِ سپہرِ حقایق، بدرِ فلکِ دقایق، ممہدِ قواعد الاسلام، مبین الحلال و الحرام، اقضی القضاۃ علی الاسلام، سید راجو کشف المعانی قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ النمل[3] بہ نیتِ غایب ہفت بار بخواند، غایب پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، وارث الانبیا و المرسلین، مخدوم المتعارفین سید ابراہیم، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ القصص[4] برای دفعِ دلگیری و دفعِ دشمن ہفت بار بخواند، دشمن دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، بحر المتبحرین، ملجاء المحققین، کاشفِ اسرارِ حضرت ربّ العالمین، سید قطب الدین قطب عالم، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ (۵ ب) سورۃ العنکبوت[5] بجہتِ دفعِ اندوہ و غم ہفت بار بخواند، غم و اندوہ دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، جامع الکمالات، قدوۃ المتقدمین و المتاخرین سید فضل اللہ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ الروم[6] بجہتِ دفعِ دشمن بیست و یک بار بخواند، دشمن دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، برہان الحق و الدین، سلطان الراشدین و العارفین سلطان سید نظام الدین بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ لقمان[7] بجہتِ علتی کہ در شکم باشد، یا دردی دیگر، ہفت بار

۱۔ القرآن الحکیم: ۲۵. ۲۔ ایضاً: ۲۶. ۳۔ ایضاً: ۲۷. ۴۔ ایضاً: ۲۸. ۵۔ ایضاً: ۲۹. ۶۔ ایضاً: ۳۰. ۷۔ ایضاً: ۳۱.

بخواند، همهٔ دردها دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، بحر الحقایق، کنز الدقایق، خلاصهٔ اهلِ عرفان، زبدة العارفین والزاهدین، صاحبِ کراماتِ ظاهری و باطنی، سیّد راجو غوثِ صمدانی، کنز اللہ، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکه سورة السجدة[1] برای قبول شدنِ نماز و روزه سه بار بخواند، (نماز و) روزه همه عمل قبول شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، قبلهٔ مقبلانِ عالم و کعبهٔ محققانِ بنی آدم سیّد حاجی حمید (نظام الدّین) بخاری قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکه سورة الاحزاب[2] برای دفعِ عذابِ آخرت یک بار بخواند، عذابِ آخرت ازو دُور شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، قدوة العارفین، امام الموحّدین، سیّد شکر اللہ (بخاری)، قدّس (اللہ) سرّہٗ، منقول است: هرکه سورة السبا[3] برای دفعِ بهایم چون شیر و گرگ سه بار بخواند، همه درنده دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، تاج الزاهدین، نورِ قلوب العاشقین سیّد داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکه سورة الفاطر[4] برای مسخّر کردنِ ملوک و امراء هفت بار بخواند، همه مسخّر شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، مهبطِ انوار اللہ، مظهرِ اسرار اللہ، خلیفهٔ رسول اللہ، مجلسی حضرت محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیه و آلہ وسلّم، صاحب العلم والحلم والشجاعة سیّد عثمان بخاری، ولی اللہ، قدّس اللہ سرّہ العزیز، منقول است: هرکه سورة یٰسین[5] بجهت حاجت پیشِ بزرگان و پادشاهان سه بار بخواند، همهٔ حاجاتِ او روا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و نیز اگر کسی سورة یٰسین[6] بعد از نمازِ فجر یک بار بخواند تلخیِ موت و جان کشیدن آسان شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و در کتابِ مجموع البخاری تصنیفِ سیّد السادات سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، قدّس اللہ سرّہ العزیز، نوشته است که مرا در واقعه حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیه و آلہ و سلّم فرمود: یا ولدی!

۱۔ القرآن الحکیم: ۳۲. ۲۔ ایضاً: ۳۳. ۳۔ ایضاً: ۳۴. ۴۔ ایضاً: ۳۵. ۵ و ۶۔ ایضاً: ۳۶.

من قرأ الله (۱) لا اله الا هو[1] تا آخر آیت فی کل یوم و لیلة ثلث مرات حفظه الله تعالیٰ من کل البلاء والآفة من الدنیا والآخرة: یعنی حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلم، سید عثمان بن سید داؤد بخاری را فرمود که ای فرزندِ من! هر که در شب و روز آیت الکرسی[2] سه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را نگاه دارد از جملهٔ بلاهای دنیا و آخرت. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات حاجی الحرمین الشریفین، اهل الجمال، کاشف العلم و الکمال سید جلال بن سید داؤد بخاری، که کتابِ بحر الانوار و خزانة البخاری و جواهر البخاری تصنیف کرده است قدس الله سره، منقول است: هر که سورة الصّٰفّٰت[3] بجهتِ برکت در رزق و کفایتِ جملهٔ مهمات هفت بار بخواند، همه مهمات حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، صاحب العلم و الحلم و الشجاعة سید یوسف برادرِ سید عثمان بن سید داؤد بخاری (قدس الله سره) منقول است: هر که سورة ص[4] بجهتِ عزت سه بار بخواند، عزت و رفعت بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، جامعِ علومِ ظاهری و باطنی شاه سید راجو قتال بخاری، برادرِ مخدوم سید جلال جهانیان بن سلطان سید احمد کبیر، قدس الله سره، منقول است: هر که سورة الزمر[5] بوقت درماندگیِ کارها پنج بار بخواند، کارهای او حاصل شود، و درماندگی دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید نور الدین بخاری، قدس الله سره، منقول است: هر که سورة المؤمن[6] بجهت ترسیدن از سلطان و خشمِ وی سه بار بخواند، خشمِ وی دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، سلطان الموحدین سید برهان الدین، که لقبِ او "سید قطب عالم" است، در تبره که یکی از گذرهای احمد آباد است، و از آنجا بفرمودهٔ جدِ خود مخدوم سید جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدس الله سره، در احمد آبادِ گجرات[7] آمد، و صاحبِ کراماتِ بسیار بود، چنانچه خلق بسیار مرید شدند، و به مرتبهٔ ولایت رسیدند. و او گفت: هر که سورة حٰمٓ السجدة[8] برای مسخر

۱- (یعنی آیت الکرسی) و ۲- القرآن الحکیم: ۲: ۲۵۵. ۳- ایضاً: ۳۷. ۴- ایضاً: ۳۸ د، برگ ۷ د و ب برگ ۹ ب "الصاد". ج برگ ۹ د "الصافات". ۵- ایضاً: ۳۹. ۶- ایضاً: ۴۰. ۷- د برگ ۷ د و ب برگ ۹ ب و ج برگ ۹ د گجرات احمد آباد. (گجرات نام استان است در هند، و احمد آباد نام شهریست در آن استان) ۸- القرآن الحکیم: ۴۱.

کردنِ محبوب یازده بار بخواند، محبوب مسخّرِ او شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و حضرت سیّد السادات سیّد برهان الدّین (ملقب به "قطبِ عالم" رحمة اللّٰہ تعالیٰ علیه) کنیت ایشان ابو محمّد است، و نام عبداللّٰہ بن (سیّد) محمود ناصرالدّین بن (سیّد جلال) مخدوم جهانیان. ورین قبیله اکثرین بزرگ و صاحب حال و در علمِ ظاهری و باطنی بکمال، و مرید آبای کرامِ خود بوده اند، و خوارق و کراماتِ علیه از ایشان بظهور پیوسته.

نقل است که شبی بجهتِ تهجّد برخاسته بودند [۶ ب] چون تاریک بود، پای مبارکِ ایشان به چوبی رسیده آزار یافت، و ایشان ندانستند که آن چیست؟ فرمودند: سنگ است، یا آهن است. یا چوب است. یا چه چیز است؟ چون صبح شد، مردم آن را دیدند بروشی که از زبانِ مبارکِ ایشان برآمده بود. آن چوب پاره به حالتِ اصلی مانده و شمهٔ هم سنگ و هم آهن و هم چیزی دیگر که تشخیصِ آن نمی توان کرد، شده بود، و تا امروز که سالِ هزار و چهل و نُه (۱۰۴۹) هجری است، نزدِ فرزندانِ ایشان در احمد آباد، که مسکن ایشان بود، موجود است.

ولادتِ ایشان چهار دهم (رجب)[1] سالِ هفصد و نود (هجری)، (و) وفات وقتِ طلوعِ آفتاب هشتم ذیحجه سال هشتصد و پنجاه و شش هجری بوده و مدّتِ عمر شصت و شش[2] سال و چهار ماه و بیست و چهار روز، و قبرِ ایشان در موضع پَتْوَه از مضافات احمدآبادِ گجرات[3] واقع است. نقل من کتابِ سفینة الاولیا تصنیف سلطان محمّد داراشکوه برادرِ اورنگ زیب پادشاه.

و از حضرت سیّد السادات (سراج الدّین) شاه سیّد محمّد، که بلقب "شاه عالم" مشهور است. (و) در احمدآبادِ گجرات[4] آسوده است، منقول است: هر که سورة الشوریٰ[5] برای کفایتِ مهمات هفت بار بخواند همهٔ مهمات حاصل شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

وحضرت شاه سیّد محمّد شاه عالم، روح اللّٰہ روحه. لقبِ ایشان سراج الدّین و کنیتِ ایشان ابوالبرکات. و نام محمّد بن (برهان الدّین ملقب به "قطبِ عالم" مرید و خلیفهٔ رشید پدر بزرگوارِ خود اند و صاحبِ کرامات بلند و مقاماتِ ارجمند بوده اند، و به ظاهر و باطن سیّدِ وقتِ خود. گویند که حلیهٔ ایشان به حلیهٔ مبارک حضرت

۱- "سفینة الاولیا" تألیف داراشکوه. کانپور ۱۸۸۴م صفحه ۱۱۷. ۲- د برگ ۶ ب، ب برگ ۱ د، ج برگ ۹ ب و سفینة الاولیا صفحه ۱۱۷: "هشت". ۳ و ۴- رک به حاشیه شماره ۷ ص ۱۰. ۵- القرآن الحکیم: ۴۲.

پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم. مشابہ و موافق بودہ. و عمر و نام والدین و دایۂ ایشان نیز مطابقِ عمرِ شریف و نامِ والدین و مرضعۂ آن حضرت بودہ. صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم.

نقل است. کہ ضعیفہ مریدِ ایشان بود. و یک پسر داشت. چہار پنج سالہ، بیماری بہم رسانیدہ فوت شد. آن ضعیفہ بہ جزع و فزع تمام آمدہ دست بہ دامنِ ایشان زد. و الحاح نمود کہ تا فرزندِ من را بمن باز ندہید دست از دامنِ شما باز ندارم.

چون عجز و تضرع از حد گذشت، تسلّی او نمودہ بدرون رفتند. و ایشان را نیز فرزندی بود صغیر. آن طفل را بدو دست برداشتہ رُوی بآسمان کردند، و گفتند: الٰہی! آن طفل نشد این طفل. این طفل فی الحال در دستِ ایشان جان سپرد، و بیرون آمدہ آن ضعیفہ را فرمودند: برو کہ فرزندِ تو زندہ است. چون آن زن بہ خانہ رفت، فرزندِ خود را زندہ یافت.

ولادتِ ایشان ہفدہم ذیقعدہ سالِ ہشتصد و ہفدہ (ہجری)، و وفات شبِ شنبہ بیستم جمادی الآخر سال (۸۸۰) ہشتصد و ہشتاد[1] ہجری بودہ، و مدّتِ عمر شصت و سہ سال، و قبر ایشان در احمد آباد است، بزار و یتبرک. نقل من کتاب سفینۃ الاولیا تصنیفِ سلطان محمد دارا شکوہ برادر اورنگ زیب پادشاہ.

و حضرت سیّد احمد، کہ لقبِ او "محبوبِ عالم" است و ہم در احمد آبادِ گجرات آسودہ است، و مریدِ پدرِ خود شاہ سیّد (محمد ملقب بہ شاہ) عالم" بن سیّد (برہان الدّین ملقّب بہ) "قطبِ عالم" است کہ بالا مذکور آن است.

و سیّد (احمد ملقّب بہ محبوبِ عالم بن شاہ عالم بن) قطبِ عالم (قدس اللہ سرّہٗ) از قطب الاقطاب است، و عارف و عابد است. ازو منقول است: ہر کہ سورۃ الزخرف[2] برای دفعِ دشمنان چہل بار بخواند، دشمنان بمیرند. انشاءاللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد اسمٰعیل بن سیّد محمود ناصر الدّین (قدس اللہ سرّہٗ) منقول است: ہر کہ بعد از نمازِ عشا دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ وَمَا تَوْفِيقِيْ اِلَّا بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ اِلَيْهِ اُنِيْبُ[3]، و سہ بار سورۃ الاخلاص[4] و بعد از سلام سورۃ الدخان[5] بخواند، روشنائی قلب حاصل شود. انشاءاللہ تعالیٰ.

۱- سفینۃ الاولیا، کانپور، ۱۸۸۴م صفحہ ۱۱۸. د برگ ۷ د ، ب برگ . ا ب و ج برگ . ا د ـ "ہفتاد". ۲- القرآن الحکیم: ۴۳.
۳- ایضاً: ۱۱، ۸۸. ۴- ایضاً: ۱۱۲. ۵- ایضاً: ۴۴.

و از حضرت سیّد السادات سیّد علی بخاری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که روزِ یکشنبه بعد از نمازِ ظهر چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] سه بار سورة الاخلاص[2] (و) بعد از سلام سورة الدّخان[3] یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از محتاجیِ خلق نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات (سیّد) شهاب الدّین بن سیّد محمود ناصر الدّین بخاری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که سورة الجاثیه[4] نُه بار بخواند، دردِ شکم دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد حامد بخاری (قدّس الله سرّهٗ)، منقول است: هر که سورة الاحقاف[5] برای سلامتیِ ایمان سه بار بخواند، ایمانِ او همیشه سلامت باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد محمّد غوث بن سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله تعالیٰ مرقدهٗ، منقول است: هر که شبِ دوشنبه بعد از نمازِ عشا دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[6] یک بار نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَ فَتْحٌ قَرِیْبٌ[7]، و سه بار سورة الاخلاص[8] و بعد از سلام سورة محمّد[9] صلی الله علیه و آله وسلّم، سه بار بخواند، به جمالِ حضرتِ محمّدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، مشرّف شود، و عجایب و غرایب بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد اسمٰعیل بن سیّد فیض الله بخاری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که سورة الفتح[10] بعد از نمازِ شام، سه بار بخواند، فتح و نصرت بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد عیسیٰ قتّال نبیرهٔ سیّد محمّد غوث (۷ ب)، بن سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله سرّهٗ منقول است: هر که سورة الحجرات[11] بعد از نمازِ صبح یک بار بخواند، جمله علّتها دُور گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد عبدالوهّاب نبیرهٔ سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که شبِ دوشنبه بعد از نمازِ خفتن دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[12] یک بار رَبَّنَا افْتَحْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ اَنْتَ خَیْرُ الْفَاتِحِیْنَ[13] و سه بار سورة الاخلاص[14] (و) بعد از سلام یک بار سورة قٓ[15] بخواند، تنگیِ غلّه و قحط دور شود. انشاء الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲. ۳- ایضاً: ۴۴. د برگ ۷ ا، ب برگ ۱۱ و ج برگ ۱۰ ب "المؤمن". ۴- ایضاً: ۴۵. ۵- ایضاً: ۴۶.
۶- ایضاً: ۱. ۷- ایضاً: ۶۱: ۱۳. ۸- ایضاً: ۱۱۲. ۹- ایضاً: ۴۷. ۱۰- ایضاً: ۴۸. ۱۱- ایضاً: ۴۹. ۱۲- ایضاً: ۱.
۱۳- ایضاً: ۷: ۸۹. ۱۴- ایضاً: ۱۱۲. ۱۵- ایضاً: ۵۰.

و از حضرت سیّد السادات سیّد راجو بخاری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که سورة الذّاریات[۱] سه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از برص و از علّت های دیگر نگاه دارد. ان شاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (سیّد السادات) سیّد علم الدّین بن سیّد محمود ناصر الدّین بخاری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که شب جمعه یک بار سورة الطّور[۲] بخواند، خدای تعالیٰ او را هدایتِ راهِ راست نماید، و به مرتبهٔ ولایت رسد. ان شاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، منبع البرکات سیّد قطب الدّین بخاری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که شب چهار شنبه و شب پنجشنبه و شب آدینه دو رکعت نمازِ استخاره بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[۳] یک بار رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْوٰرِثِیْنَ[۴] و سه بار سورة الاخلاص[۵] و بعد از سلام یک بار سورة النّجم[۶] بخواند. جمله کارهای دینی و دنیوی او حاصل شود. ان شاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد عبداللہ بخاری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که سورة القمر[۷] بعد از نمازِ فجر یک بار بخواند، همهٔ خلق بر او مشفق و مهربان گردد. ان شاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سلطان سیّد عبدالسلام بخاری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که سورة الرّحمٰن[۸] شب شنبه یک بار بخواند، رحمتِ خدای تعالیٰ بر او فراوان شود. ان شاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات (سیّد) عبدالرّسول بخاری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که سورة الواقعه[۹] بعد از نمازِ شام یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را فاقه و فقر ندهد، و رزق و روزیِ او زیاده شود. ان شاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، قطب العالم شاه سیّد نوراللہ بخاری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که روزِ پنجشنبه بعد از نمازِ فجر در صحرا چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[۱۰] آیت الکرسی[۱۱] یک بار و سه بار (سورة الاخلاص[۱۲]) و در رکعت دوم بعد از فاتحه[۱۳] رَبَّنَآ اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ[۱۴] یک بار، و سه بار سورة الاخلاص[۱۵] (۸ ل) و در رکعت سیوم بعد از فاتحه[۱۶] وَقُلْ رَّبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبٰرَکًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ[۱۷] یک بار، و سه بار سورة الاخلاص[۱۸]، و در

۱- القرآن الحکیم: ۵۱. ۲- ایضاً: ۵۲. ۳- ایضاً: ۱. ۴- ایضاً: ۲۱، ۸۹. ۵- ایضاً: ۱۱۲. ۶- ایضاً: ۵۳. ۷- ایضاً: ۵۴.
۸- ایضاً: ۵۵. ۹- ایضاً: ۵۶. ۱۰- ایضاً: ۱. ۱۱- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۱۲- ایضاً: ۱۱۲. ۱۳- ایضاً: ۱. ۱۴- ایضاً: ۲، ۲۰۱.
۱۵- ایضاً: ۱۱۲. ۱۶- ایضاً: ۱. ۱۷- ایضاً: ۲۳، ۲۹. ۱۸- ایضاً: ۱۱۲.

رکعتِ چہارم بعد از فاتحہ[۱] فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي[۲] یک بار، و سہ بار سورۃ الاخلاص[۳] (و) بعد از سلام سورۃ الحدید[۴] سہ بار بخواند، یک مردِ غیبی ہمیانیِ پُر از مہرہای زر بیارد، و خوانندۂ این سورۃ را بدہد، و می گوید کہ خدای عزّ و جلّ تبارک و تعالیٰ مرا برای تو فرستادہ است، ہر کاری کہ داری تو باشد، ہمہ حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات (سیّد) محمّد فاضل بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ المجادلہ[۵] بر خاکِ پاک بخواند، و بطرفِ دشمن اندازد، البتہ ظفر یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد عنایت اللہ بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ روزِ شنبہ بعد از نمازِ ظہر غسل کند، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[۶] اِنَّا اَنْزَلْنٰهُ[۷] سہ بار، و بعد از سلام سورۃ الحشر[۸] یک بار بخواند، روزِ قیامت حشرِ او با متقیان شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات (سیّد) صالح بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ الممتحنہ[۹] بعد از نمازِ عصر پنج بار بخواند بر فسق و فجور و غیرِ آن دلِ او سرد شود، و توفیق بر عبادتِ خدای تعالیٰ بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد حبیب بخاری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: ہر کہ روزِ دو شنبہ بعد از نمازِ اشراق در صحرائی چہار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[۱۰] یک بار آیت الکرسی[۱۱] و سہ بار اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ[۱۲] و بعد از سلام ہفتاد بار سورۃ الصّف[۱۳] ہمہ جنّ و دیو و پری مسخّر شوند، و آنچہ فرماید، قبول کنند، و آنچہ خواہد از زر و نقرہ و غیرِ آن، بیارند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد عبد الوہّاب بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ روزِ آدینہ بعد از نمازِ جمعہ وضو تازہ کند، و در خانۂ خالی یا در صحرائی یا در مقام (کہنہ)، دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[۱۴] صد بار یَا بَاسِطُ، و سہ بار سورۃ الاخلاص[۱۵] و در رکعتِ دوم بعد از

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۸۹، ۲۹ و ۳۰. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۵۷. ۵۔ ایضاً: ۵۸. ۶۔ ایضاً: ۱. ۷۔ ایضاً: ۹۷ (یعنی سورۃ القدر) ۸۔ ایضاً: ۵۹. ۹۔ ایضاً: ۶۰. ۱۰۔ ایضاً: ۱. ۱۱۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۱۲۔ ایضاً: ۱۱۰ (یعنی سورۃ النصر). ۱۳۔ ایضاً: ۶۱. ۱۴۔ ایضاً: ۱. ۱۵۔ ایضاً: ۱۱۲.

فاتحه[1] صد بار یا معطی (السائلین)[2] و سه بار سورة الاخلاص[3]، و بعد از سلام یک بار سورة الجمعه[4] بخواند، جمالِ حضرتِ رسالت پناه - صلی الله علیه و آله وسلّم بیند. و مشاهدهٔ خدای تعالیٰ نیز بسیار میسّر گردد، و دنیا و دولت نیز حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد رحمت الله بخاری (۸ ب)، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه سورة المنافقون[5] بجهتِ غمّازان و بدگویان سه بار بخواند، همه دفع شوند، و (به او) هیچ ضرر نرسانند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد بازید بخاری، که حاکمِ شهرِ تته بود، (و از) اولادِ سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه روزِ سه شنبه پیشِ قبرِ بزرگ سورة التغابن[6] پنج بار بخواند، فرزند روزی شود، و رزق و روزی نیز فراخ گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (سیّد السادات) سیّد حبیب بخاری، برادرزادهٔ سیّد بازید بخاری مذکور، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه (سورة) التغابن[7] بعد از نمازِ عشا هفت بار بخواند، نیکی و بدیِ خلق معلوم شود. انشاء الله تعالیٰ.

و سیّد حبیب و فرزندِ سیّد بازید مذکور تابوتِ سیّد بازیدِ مذکور (را) از شهر تته کشیده در اُچِ بخاریان در روضهٔ سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله سرّهٔ نهاده اند.

و از حضرت سیّد السادات سیّد صابر بخاری، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه سورة الطلاق[8] سه بار بخواند، جمعیت میانِ مرد و زن و عزیزانِ دیگر بسیار شود، و تفرقه نگردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد عبدالقادر بخاری، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه سورة التحریم[9] بعد از نمازِ صبح پنج بار بخواند، همهٔ خلق برو مشفق و مهربان گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد یوسف بخاری (قدّس الله سرّهٔ)، منقول است: هرکه روزِ یکشنبه بعد از نمازِ ضحیٰ در خانهٔ خالی چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[9] سه بار سورة الاخلاص[10] و بعد از سلام پنج بار سورة الملک[11] بخواند، همه جهان برو مهربان و مسخّر شود، و از عذابِ گور و آخرت، نیز خدای تعالیٰ (او را) نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲. ۳- ایضاً: ۶۲. ۴- ایضاً: ۶۳. ۵ و ۶- ایضاً: ۶۴. ۷- ایضاً: ۶۵.
۸- ایضاً: ۶۶. (ب برگ ۱۳ ب و ج برگ ۱۲ ب قولِ سیّد عبدالقادر بخاری تکرار یافته). ۹- ایضاً: ۱. ۱۰- ایضاً: ۱۱۲. ۱۱- ایضاً: ۶۷.

53563

و نیز اگر کسی سورة الملک[۱] بعد از نمازِ عشا یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از عذاب گور و از عذابِ آخرت نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد عبدالرّحمٰن بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که سورة القلم[۲] بعد از هر نمازِ فجر یک بار خوانده بر چشم دمد، چشمها همیشه روشن و منوّر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد عبدالقدّوس بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که سورة الحاقّه[۳] برای دفعِ دروغ گفتن بعد از نمازِ عصر یک بار بخواند، از دروغ گفتن زبان باز ماند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد بالو بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که سورة المعارج[۴] بوقتِ صلحِ جنگ یک بار بخواند، صلح میانِ جنگ بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد آدم بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که سورة النّوح[۵] برای هلاکِ دشمنان بر پای قبرِ بزرگ هزار بار بخواند، همهٔ دشمنان هلاک شوند، و میرند. انشاء اللہ تعالیٰ.

(۹ ر) و نیز اگر کسی سورة النّوح[۶] بعد از نمازِ ظهر یک بار بخواند، از دشمنیِ دشمنان و از وسوسهٔ شیطان خدای تعالیٰ او را نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد جان محمّد بخاری، رحمة اللہ علیه، منقول است: هر که روزِ دوشنبه درمیانِ صحرا رود، و گرد بر گرد خط کشد، و درمیانِ آن خط دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[۷] یک بار آیت الکرسی[۸] و سه بار سورة الاخلاص[۹]، و چهل و یک بار "یا سلام" و بعد از سلام پنج بار سورة الجنّ[۱۰] بخواند، همه جن و دیو و پری مسخّر شوند، و آنچه خواهد بیارند، و به او، هیچ ضرر نرسانند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد شاه مراد بن سیّد محمّد فاضل بخاریِ بینیپری، قدّس اللہ سرّہٗ العزیز، منقول است): هر که روزِ پنجشنبه بعد از نمازِ اشراق در خانهٔ خالی یا درمیان بیابان دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[۱۱] نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَ فَتْحٌ قَرِيْبٌ[۱۲] و پنج بار سورة الاخلاص[۱۳] و بعد از سلام چهل و یک بار سورة المزّمّل[۱۴] بخواند، خدای تعالیٰ قرضِ او ادا کند، و دولت و عزّتِ او زیاده شود، و خزینه های غیبی نیز بیند (انشاء اللہ تعالیٰ).

۱- القرآن الحکیم: ۶۷. د برگ ۸ ب و ب برگ ۱۲ ب "تبار"، ج برگ ۱۳ الف "تبارک الّذی". ۲- ایضاً: ۶۸. ا برگ ۸ ب و ب برگ ۱۲ ب و ج برگ ۱۳ الف "النون".
۳- ایضاً: ۶۹. ۴- ایضاً: ۷۰. ۵ و ۶- ایضاً: ۷۱. ۷- ایضاً: ۱. ۸- ایضاً: ۲۵۵:۲. ۹- ایضاً: ۱۱۲. ۱۰- ایضاً: ۷۲.
۱۱- ایضاً: ۱. ۱۲- ایضاً: ۶۱:۱۳. ۱۳- ایضاً: ۱۱۲. ۱۴- ایضاً: ۷۳.

امّا این تربیت از استادِ کامل بگیرد، تا اثرِ زود حاصل شود.

و از حضرت سیّد السادات شاه سیّد راجو قتّال بخاری بروتی، قدّس الله روحهٗ، منقول است: هرکه سورة المدثر[1] سه بار بخواند، گرسنگی و تشنگی دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد ابوالمکارم بخاری جزوتی (؟)، قدّس الله سرّهٔ العزیز، منقول است: هرکه سورة القیمة[2] در شبِ جمعه شش بار بخواند، هولِ قیامت دُور شود، (و) در زمرهٔ اولیای الله تعالیٰ باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد نظام الدّین بخاری برهان پوری، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه سورة الدهر[3] سه بار بخواند، از بند و زندان خلاص یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد وراہ بخاری کشمیری، رضی الله تعالیٰ عنهٗ، منقول است: هرکه شبِ دوشنبه بعد از نمازِ خفتن چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[4] یک بار اٰمن الرّسول[5] تا آخر و پنج بار سورة الاخلاص[6]، و بعد از سلام پنج بار سورة المرسلات[7] بخواند، راستان و چاپانِ خود اولیای الله تعالیٰ را بیند و بآن می گویند که ای فلان! کارهای تو خدای تعالیٰ حاصل کرده است، و هرچه شما خواهید بیاوریم از زر و نقره وغیرِ آن. و او را از خوردن و آشامیدن بسیار میل نشود، و عمرِ او نیز دراز شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، رفیع المکان سیّد شاه ولی بخاری جنگلی، قدّس الله سرّه العزیز، (و ب) منقول است: هرکه هر روز بعد از نمازِ عصر سورة النبأ سه بار بخواند، روشنائی قلب و چشم بسیار شود که عجایب های خدای تعالیٰ پنهان و آشکارا بیند، و خزینه های غیبی نیز حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و نیز اگر کسی سورة النبأ[9] بعد از نمازِ عصر یک بار بخواند، ایمانِ او همیشه سلامت باشد، و آوازِ رحمت خدای تعالیٰ بشنود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات، صاحب کشف المعانی میران سیّد بهاء الدّین بخاری گنج بخش، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه باعتقادِ درست شبِ چهارشنبه و (شبِ) پنجشنبه و شبِ آدینه بعد از نمازِ خفتن

۱. القرآن الحکیم: ۷۴. ۲. ایضاً: ۷۵. ۳. ایضاً: ۷۶. ۴. ایضاً: ۱. ۵. ایضاً: ۲، ۲۸۵. ۶. ایضاً: ۱۱۲. ۷. ایضاً: ۷۷.
۸. ایضاً: ۷۸. ۹. ایضاً: ۷۸. و برگ ۹ ب، ب برگ ۱۵ ا، ج برگ ۱۴ ا و "عم":

چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] آیت الکرسی[2] یک بار و سه بار سورة الاخلاص[3] و صد بار یا باسط، و بعد از سلام چهل و یک بار سورة النازعات[4] بخواند، خدای تعالیٰ بنظرِ او همه سنگ و کلوخ زر و نقره بنماید، و هر کرا از زر سنگ و از نقره کلوخ بدهد، پشت به پشت دولتمند شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد حیدر بخاری گجراتی، قدس اللہ سرّہ، منقول است: هر که سورة العبس[5] برای روشنائی قلب و قبر و آخرت هفت بار بخواند، همه روشن شود، و هیچ غم و اندوه نبیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد داؤد بخاری سیتپوری، قدس اللہ سرّہ العزیز، منقول است: هر که سورة الکورت دیا التکویر[6] برای درماندگی کارها نُه بار بخواند، کارهای بسته کشاده شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (سیّد السادات) سیّد صغیر الدین بخاری قدس اللہ سرّہ، منقول است: هر که سورة انفطرت دیا انفطار[7] هر روز بوقتِ برآمدنِ آفتاب سه بار بخواند، شرِّ دشمنان و غمازان هیچ ضرر (به او) نرساند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد عبد الغنی بخاری، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: هر که سورة المطففین دیا التطفیف[8] بوقتِ ترسیدن و گریستنِ کودکان هفت بار بخواند، و بر آنان بدمد، ترسیدن و گریستن دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد طالب بخاری، قدس اللہ سرّہ، منقول است: هر که در سفر رود، و سورة انشقت دیا انشقاق[9] نوشته در گردن بندد، از سفر بسلامت باز آید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد سمانہبہ بخاری، قدس اللہ سرّہ، منقول است: هر که روز پنجشنبه بعد از نمازِ ضحیٰ در بیابان دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[10] سه بار سورة الاخلاص[11] و بعد از سلام چهل و یک بار سورة البروج[12] بخواند، روشنائیِ هفت فلک حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد جلال بخاری سیتپوری، قدس اللہ سرّہ، منقول است: هر که سورة الطارق[13] برای یافتنِ خبرِ غایب بوقتِ خفتن (۱۰ و) پنج بار بخواند، خبرِ غایب معلوم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد جمال الدین بخاری، قدس اللہ سرّہ، منقول است: هر که در سفر

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۷۹. ۵۔ ایضاً: ۸۰. ۶۔ ایضاً: ۸۱. ۷۔ ایضاً: ۸۲.
۸۔ ایضاً: ۸۳. ۹۔ ایضاً: ۸۴. ۱۰۔ ایضاً: ۱. ۱۱۔ ایضاً: ۱۱۲. ۱۲۔ ایضاً: ۸۵. ۱۳۔ ایضاً: ۸۶.

رود، و در سفر بعد از نمازِ فجر سه بار سورة الاعلیٰ[1] بخواند، از سفر باز سلامت در وطن آید. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید مبارک بخاریِ ملتانی قدس الله سرّهٗ منقول است: هر که سورة الغاشیه[2] بیست و یک بار بخواند، همه علّتها دفع شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید رکن الدین بخاری، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که سورة الفجر[3] هفت بار بعد از نمازِ خفتن بخواند، غم و اندوه دفع شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید کمال الدین بخاری، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که سورة البلد[4] بیست بار بخواند، شرِّ ظالم دفع شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، جامع العلم و المقالات شاه سید محمد بخاری، قدس الله سرّهٗ العزیز، منقول است: هر که سورة الشمس[5] بوقتِ بر آمدن آفتاب هفت بار بخواند، از جمله بلاها در امن و امان خدای تعالیٰ باشد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید جهنه بخاری، قدس الله سرّهٗ العزیز، منقول است: هر که سورة الّیل[6] هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ مالِ او در را، در سفر و حضر از دزدان در امن و امانِ خود نگاه دارد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید اسحاق بخاری، قدس الله سرّه، منقول است: هر که سورة الضحیٰ[7] هزار بار بخواند، غایب زود پیدا شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، جامع السّر و الخفیّات سید اسمٰعیل بخاریِ لاهوری، قدس الله سرّه العزیز، منقول است: هر که روزِ پنجشنبه بعد از نمازِ ظهر در بیابان دو رکعت نماز بگزارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[8] یک بار آیت الکرسی[9] و سه بار سورة الاخلاص[10]، و بعد از سلام هفتاد بار سورة الانشراح[11] بخواند، یک مردی پیدا شود که همیانِ زر و نقره بدستِ او دهد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید سعد الله بخاری، قدس الله سرّهٗ منقول است: هر که سورة التین[12]

۱- القرآن الحکیم: ۸۷. ۲- ایضاً: ۸۸. ۳- ایضاً: ۸۹. ۴- ایضاً: ۹۰. ۵- ایضاً: ۹۱. ۶- ایضاً: ۹۲. ۷- ایضاً: ۹۳.
۸- ایضاً: ۱. ۹- ایضاً: ۲۵۵،۲. ۱۰- ایضاً: ۱۱۲. ۱۱- ایضاً: ۹۴- و برگ ۱۰ و ب برگ ۱۴ و د ج برگ ۱۵ و "الم نشرح". ۱۲- ایضاً: ۹۵.

یازده بار بخواند، از قیدِ زندان خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد مسعود بخاری، قدّس اللہ سرّه، منقول است: هر که سورة العلق[۱] برای حفظِ قرآن نُه بار بخواند، (و) بر شکم دمد، حفظ و ذهن (او) بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد طیّب بخاری گجراتی، نبیرهٔ قطب العالم مخدوم سیّد جلال جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللہ سرّه العزیز، منقول است: هر که سورة القدر[۲] بیست بار در شبِ قدر بخواند، دولتمند شود، و ثوابِ شبِ قدر یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات (۱۰ ب) حاجی الحرمین الشریفین سیّد بابو بخاری رضی اللہ تعالیٰ عنه منقول است: هر که سورة البیّنه[۳] در شبِ دوشنبه بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، عجایب و غرایب بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد زین العابدین بخاری، قدّس اللہ سرّهٗ، منقول است: هر که سورة الزلزال[۴] پنج هزار بار در شبِ آدینه بخواند، مال و دولت بسیار یابد، و خزینه های الهی بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات، منبع الجود والحسنات سیّد احمد بخاری رضی اللہ تعالیٰ عنه، منقول است: هر که سورة العادیات[۵] برای همهٔ دردها هفت بار بعد از نمازِ فجر بخواند، همهٔ دردها دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد عبد الصّمد بخاری، قدّس اللہ سرّه، منقول است: هر که سورة القارعه[۶] بعد از نمازِ ظهر نُه بار بخواند، همیشه بخیر و سلامتیِ ایمان باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات سیّد عبد الکریم بخاری، قدّس اللہ سرّهٗ، منقول است: هر که سورة التکاثر[۷] در شبِ چهار شنبه تا آدینه بر قبرِ بزرگوار هزار بار بخواند، جواب باصوابِ کار یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

---

۱. القرآن الحکیم: ۹۶. د برگ ۱۰ ا، و ب برگ ۱۶، و ج برگ ۱۵ ب "الاقراء". ۲- ایضاً: ۹۷. ۳- ایضاً: ۹۸- د برگ ۱۰ ب، ب برگ ۱۶ ب و ج برگ ۱۵ ب "البیّنه" یعنی لم یکن" ۴- ایضاً: ۹۹. د برگ ۱، ب برگ ۱۶ ب و ج برگ ۱۵ ب "اذا زلزلت الارض" ۵- ایضاً: ۱۰۰- ۶- ایضاً: ۱۰۱. ۷- ایضاً: ۱۰۲.

و از حضرت سید السادات سید شریف بخاری قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ العصر[1] چہل و یک بار بخواند، جملہ غم و اندوہ دفع شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات جامع العلوم والکمالات سید عبد السلام بخاری گجراتی[1-1] قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ الھمزہ[2] بہ نیتِ دفعِ بدگویان و غمازان میانِ شام و خفتن ہزار بار بخواند، جملہ دشمنان ہلاک شوند۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات سید عبد الرزاق بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: سورۃ الفیل[3] ہر کہ روزِ سہ شنبہ وقتِ دوپہر پیشِ قبرِ بزرگوار دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[4] پنج بار سورۃ الفیل[5]، و بعد از سلام رو بہ قبلہ و پشت بہ مشرق میانِ قبر ہزار بار سورۃ الفیل[6] بخواند، دشمن بمیرد، و کارہا نیز حاصل شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات سید الیاس بخاری، قدس اللہ تعالیٰ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ القریش[7] در کاسۂ چینی بنویسد، و بشوید بہ آبِ چاہ، و عورت را بخوراند، حاملہ شود، و فرزندِ نرینہ زاید۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات سید عرب بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ سورۃ الماعون[8] برای دفعِ ہمۂ بلاہا ہر روز یک بار بعد از نمازِ فجر بخواند، خدای تعالیٰ او را از ہمۂ بلاہا نگاہ دارد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سید السادات سید لطف اللہ بخاری، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ در کوہ یا در بیابان آب نیابد، باید کہ آنجا دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[9] یک بار اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ [۱۰] مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ[10] و یک بار قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد یعنی سورۃ الاخلاص[11] و بعد از سلام ہفت بار سورۃ الکوثر[12] بخواند، درمیانِ کوہ یا درمیانِ بیابان چشمۂ آب پیدا شود، شیرین تر و سرد تر مثلِ حوضِ کوثر۔

یا مردی غیبی پیدا شود با کوزۂ پُر آب کہ مثالِ حوضِ کوثر است، و آن را بہ آن مرد بدہد کہ

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۰۳۔ ۱-۱۔ ازین جا بعد چند برگ از نسخۂ ب و نسخۂ ج افتادہ است۔ ۲۔ القرآن الحکیم: ۱۰۴۔ ۳۔ ایضاً: ۱۰۵۔ ۴۔ ایضاً: ۱۔ ۵ و ۶۔ ایضاً: ۱۰۵۔ ۷۔ ایضاً: ۱۰۶۔ ۸۔ ایضاً: ۱۰۷۔ ۹۔ ایضاً: ۱۔ ۱۰۔ ایضاً: ۷، ۵۶۔ ۱۱۔ ایضاً: ۱۱۲۔ ۱۲۔ ایضاً: ۱۰۸۔

نماز گزارده باشد، و خود نا پیدا شود.

و اگر این سورة[۱] را وقتِ تشنگی درمیانِ بیابان بریک سنگ ریزه سه بار خوانده بدمد، و در دهان بگرداند، تشنگی دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (سید السادات) سید کمال الدین بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هرکه سورة الکافرون[۲] بعد از نمازِ خفتن نُه بار بخواند، همیشه ایمانِ او سلامت باشد، و از شرک و بغض دلِ او سرد شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید نصر اللہ بخاری (قدس اللہ سرہٗ)، منقول است: که من در واقعه از حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، شنیدم: هرکه شب چهار شنبه و (شب) پنج شنبه و شبِ آدینه دو رکعت نماز بگزارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[۳] سه بار سورة الاخلاص[۴] و بعد از سلام صد بار سورة النصر[۵] بخواند، خدای تعالیٰ جمله کارهای دینی و دنیوی (او) حاصل کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید طاهر بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هرکه سورة اللهب[۶] بعد از نمازِ خفتن هفت بار بخواند، از شرِّ ظالمان و حاسدان خدای تعالیٰ او را نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید نعمت اللہ بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هرکه شبِ آدینه چهار رکعت نماز بگزارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[۷] یک بار نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَ فَتْحٌ قَرِيْبٌ[۸] و سه بار اِنَّا اَنْزَلْنَا (یعنی سورة القدر[۹])، و بعد از سلام سورة الاخلاص[۱۰] هزار بار بخواند، جمله کارهای دینی و دنیوی او حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید نجم الدین بخاری، قدس اللہ سرہٗ العزیز، منقول است: هرکه سورة الفلق[۱۱] بعد از نمازِ فجر هفت بار خوانده برخود بدمد، از شرِّ حاسدان و بدگویان خدای تعالیٰ (او را) نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدس اللہ سرہ العزیز، منقول

۱۔ القرآن الحکیم، ۱۰۸: ۱۔ ۲۔ ایضاً: ۱۰۹۔ ۳۔ ایضاً: ۱۔ ۴۔ ایضاً: ۱۱۲۔ ۵۔ ایضاً: ۱۱۰۔ ۶۔ ایضاً: ۱۱۱۔ ۷۔ ایضاً: ۱۔
۸۔ ایضاً: ۶۱، ۱۳۔ ۹۔ ایضاً: ۹۷۔ ۱۰۔ ایضاً: ۱۱۲۔ ۱۱۔ ایضاً: ۱۱۳۔

است: هر که سورة الفلق[1] در هر شب سه بار بخواند، و بر خود بدمد، از شرِّ فلک و از همهٔ بلاهای که از آسمان نازل می شود، خدای تعالیٰ او را نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد بهاء الدّین بن سیّد شمس الدّین قادری، مرید و شاگردِ سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است که من شنیدم از استادِ خود عامل و مرشد کامل و مجلسیِ حضرتِ سرورِ کائنات، سیّد مخلوقات، خلاصهٔ موجودات، صلی اللہ [تعالیٰ] علیه و آله وسلّم، سیّد عثمان بخاری قدس اللہ سرّهٗ، که هر که یازده روز مع ترکِ حیواناتِ (جلالی و جمالی) دعوتِ سورة الفلق[2] کند، و هر روز و هر شب هزار بار بخواند، (او را) سیرِ آسمان و زمین حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات، جامع العلوم والکمالات، مجلسیِ حضرتِ سرورِ کائنات، صلی اللہ علیه و آله وسلّم، سیّد نصیر الدّین بخاری، قدّس اللہ سرّهُ العزیز، منقول است: که من از مجلسِ حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیه و آله وسلّم، شنیدم: هر که شبِ چهارشنبه و (شب) پنج شنبه و شبِ آدینه وقتِ خفتنِ مردمان در خانهٔ خالی چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[3] یک بار آیات وَ مَن یَتَّقِ اللہَ تا قَدْرًا[4] و سه بار سورة الاخلاص[5] و بعد از سلام صد بار سورة النّاس[6] بخواند، جمالِ حضرتِ سرورِ کائنات محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیه و آله وسلّم ببیند، و سیرِ آسمان و زمین (به او) حاصل شود، و خزینهٔ علی زمین نیز ببیند، و جمله عالم از جن و انس و غیرآن، همه مسخّرِ او شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیه و آله وسلّم، منقول است: هر که سورة النّاس[7] مع بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم بعد از نمازِ فجر سه بار خوانده بر خود بدمد، از شرِّ مردمان و حاسدان و ظالمان و از شرِّ چرندگان و پرندگان هیچ زیان (به او) نرسد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امیر ابوبکر صدّیق، رضی اللہ تعالیٰ عنه، منقول است: هر که به وقتِ خفتن یک بار اٰمَنَ الرَّسُوْلُ[8] تا آخر بخواند، ایمانِ او همیشه سلامت باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امیر عمر، رضی اللہ تعالیٰ عنه منقول است: هر که شَہِدَ اللہُ اَنَّہٗ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ تا آخرِ آیت[9] یک بار به وقتِ خفتن بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ ببیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱ و ۲۔ القرآن الحکیم: ۱۱۳. ۳۔ ایضاً: ۱. ۴۔ ایضاً: ۶۵، ۲-۳. ۵۔ ایضاً: ۱۱۲. ۶ و ۷۔ ایضاً: ۱۱۴.
۸۔ ایضاً: ۲، ۲۸۶. ۹۔ ایضاً: ۳، ۱۸.

و از حضرت امیر عثمان ابن عفانؓ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هر کہ آخرِ سورة الکهف اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا تا آخرِ آیت[1] یک بار بعد از نمازِ فجر بخواند، خدای تعالیٰ اورا از شرّ (ظالمان) نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امیر علیؓ، کرم اللہ تعالیٰ وجهہ و رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هر کہ فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ حِیْنَ تُمْسُوْنَ تا آخرِ آیت[2] بعد از نمازِ ظهر سه بار بخواند، همه روز و شب در طاعتِ خدای تعالیٰ باشد. انشاء اللہ تعالیٰ

و هیچ درنده و پرنده (به او) زیان نرساند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از بقیۂ اصحاب خیر البشر، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شیخ معمّر خواجہ ابو الرضا بابا رتن هندیؒ[3] صحابی بن عبداللہ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، کہ به برکت آن کہ حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم او را شش بار دعا بطول عمر فرمودند، هفت صد سال زندگی یافت، و تا زمانِ سلطان محمود (غزنوی) زنده بود، رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ، منقول است: هر کہ جملہ آیاتِ رَبَّنا کہ مناجات المرسلین والصحابه (۱۲۱) و الصالحین، صلوات اللہ تعالیٰ علیهم اجمعین (است .... (؟)

و ذکر فی کتاب اذکار الصالحین: من قرأ کلّ آیاتِ ربّنا و ناجی بها ربّه استجاب اللہ تعالیٰ دعاءه وقضی حاجتہ و اعطیٰ لہ ما اعطیٰ للمرسلین. قیل اسم اللہ الاعظم فی کلّ آیات ربّنا و فتح اللہ علیہ الابواب الرحمۃ والرضوان الآیات کلّ ربّنا تا آخر تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ[4].

و نیز هر آیتی را علیحده خاصیت نوشتم، و آن این است:

هر کہ خواهد کہ دشمنِ خود را سرگردان و پریشان کند، و کارهای دشمنانِ خود را بستہ کند، او را باید کہ آیتی کہ در سورة البقرة است و مناجات الصحابه (است)، صد بار بر کارد بخواند، و آن را، روز شنبه در مقامِ (کهنه)، یا در بیابان کہ دران هیچ کس نباشد، دفن کند، مقصود حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و آیت این است: رَبَّنَآ اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّ فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ[5]

و از حضرت امام محمد مهدیؓ رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هر کہ خواهد کہ از دلِ من کارهای بد

۱- القرآن الحکیم: ۱۸، ۱۰۷. ۲- ایضاً: ۳۰، ۱۷. ۳- دربارهٔ بابا رتن هندی رک: "نزهۃ الخواطر" تالیف سید عبدالحی حسنی جلد اوّل ترجمہ اردو، مطبوعہ لاهور ۱۹۶۵م. صفحہ ۲۲۲ تا ۲۲۸. ۴- القرآن الحکیم: ۲، ۱۲۷. ۵- ایضاً: ۲، ۲۰۱.

دفع شود، و دلِ من بر توفیقِ عبادتِ خدای تعالیٰ مایل شود، و هر دعائی کہ کنم، مستجاب شود، او را باید کہ آیتی کہ در سورۃ البقرۃ است، و این نیز مناجاتِ صحابہ است، بعد از نمازِ صبح نہ بار بخواند، هرچہ خواهد حاصل شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و آیت این است: رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَّسِيْنَآ اَوْ اَخْطَاْنَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ[1]

و از حضرت میر سید علی همدانی، قدس اللہ سرہ، کہ کتابِ ذخیرۃ الملوک و شرحِ فصوص و رسالۂ اسرار النقطہ و شرحِ قصیدۂ فارضیۂ خمریۂ میمیہ و (شرحِ قصیدۂ) بردہ و شرحِ شمسیۂ منطق وغیرها تصنیف اوست، منقول است: هر کہ خواهد کہ مرا دنیا و دولت بسیار شود، او را باید کہ آیت رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا (تا آخر)[2] کہ در سورۃ البقرۃ است، بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، دنیا و دولت بسیار میسّر شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید ابو عبداللہ صومعی حسنی نانوی (جدّ مادری) حضرتِ میران سید عبدالقادر گیلانی حسنی، قدس اللہ سرهما، منقول است: هر کہ رَبَّنَآ اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيْهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ[3] (کہ در سورۃ آلِ عمران است) بعد از نمازِ تهجد صد بار بخواند، جملۂ خلق مسخرِ او شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید احمد کبیر رفاعی، قدس اللہ سرہ، منقول است: هر کہ رَبَّنَآ اٰمَنَّا بِمَآ اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِيْنَ[4] کہ این مناجاتِ الحواریین عیسیٰ، صلوات اللہ علیہ، کہ در سورۃ آلِ عمران است، وقتِ خفتن نُہ بار بخواند، مشاهدۂ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، نصیب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید حسن نهروالہ، مریدِ شیخ نظام الدین اولیای دهلوی، کہ بر هدایہ شرحی نوشتہ، قدس اللہ سرہ، منقول است: هر کہ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ[5] کہ این مناجاتِ الصحابہ است، (و در سورۃ آلِ عمران است) بعد از نمازِ اشراق هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از مصیبتهای دنیا و آخرت نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (۱۷ب) سید شاہ قاسم انوار، صاحبِ دیوانِ مشهور، قدس اللہ سرہ، منقول است: هر کہ

۱۔ القرآن الحکیم: ۲۸۶:۲ ۔ ۲۔ ایضاً: ۲۸۶:۲ ، ۳۔ ایضاً: ۹:۳ ، ۴۔ ایضاً: ۵۳:۳ ، ۵۔ ایضاً: ۱۹۱:۳۔

رَبَّنَا اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهٗ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ[1] (کہ در سورۂ آلِ عمران است) بعد از نمازِ زوال صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از شرِ ظالم نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی و گنج معانی، مرید و خلیفۂ شیخ نظام الدین اولیا قدس اللہ روحہ منقول است: ہر کہ رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِيْ لِلْاِيْمَانِ تا مَعَ الْاَبْرَارِ[2] (کہ در سورۂ آلِ عمران است) بعد از نمازِ شام ہفت بار بخواند، خدای تعالیٰ (بہ او) روشنائی حاصل کند کہ مغیباتِ خدای تعالیٰ بسیار بیند، و بمرتبۂ ولایت رسد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عمر بن عبدالعزیز، کہ او را بعضی علما خامس الخلفاء الاربعۃ الراشدین گویند، قدس اللہ مرقدہٗ منقول است: ہر کہ رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا تا لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ[3] (کہ در سورۂ آلِ عمران است) بعد از نمازِ ضحیٰ نود بار بخواند، خدای تعالیٰ او را در دنیا و آخرت عزیز و مکرّم گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالحسن اشعری، رئیس اشاعرہ، صاحب مقالات المسلمین، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ[4] این نیز مناجاتِ صحابہ است، و در سورۂ الاعراف است، بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از زمرۂ صالحان گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو علی فارمدی طوسی، مرشد و استادِ امام محمد غزالی، قدس اللہ سرہما، منقول است: ہر کہ رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا وَاِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا تا مِنَ الْخٰسِرِيْنَ[5] کہ مناجاتِ مہتر آدم و حوّا (است)، صلوات اللہ علیہما، کہ در سورۂ الاعراف است، بعد از نمازِ بامداد ہفت بار بخواند، خدای تعالیٰ جملہ گناہانِ کبیرہ و صغیرۂ او بخشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابن الفارض حموی مصری کہ قصیدۂ تائیۂ عربیہ مسمی بہ نظم السلوک، کہ از ہفصد بیت زیادہ است، و قصیدۂ میمیۂ خمریہ وغیر آن تصنیف اوست، رضی اللہ تعالیٰ عنہ منقول است: ہر کہ رَبِّ اِنِّیْٓ اَعُوْذُبِكَ اَنْ اَسْئَلَكَ تا اَكُنْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ[6] کہ مناجاتِ مہتر نوح است، صلوات اللہ علیہ (کہ در سورۂ الھود است) وقتِ خفتن نہ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را علم و حلم نصیب گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۳: ۱۹۲۔ ۲۔ ایضاً: ۳: ۱۹۳۔ ۳۔ ایضاً: ۳: ۱۹۴۔ ۴۔ ایضاً: ۷: ۱۲۶۔ ۵۔ ایضاً: ۷: ۲۳۔
۶۔ ایضاً: ۱۱: ۴۷۔

و از حضرت شیخ اوحدالدّین کرمانی، از استادان شیخ ابن العربی[1] قدّس الله سرّهما، منقول است: هر که رَبِّ قَدْ اٰتَیْتَنِیْ مِنَ الْمُلْکِ تا وَ اَلْحِقْنِیْ بِالصّٰلِحِیْنَ[2] که مناجات مهتر یوسف است. صلوات الله و سلامه علیه، که در سورهٔ یوسف است، بعد از نماز عصر هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را بادشاهی دنیا و آخرت میسّر گرداند، و ایمانِ او همیشه سلامت باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوطالب مکّی، مصنّفِ قوت القلوب، که مثل آن در دقایقِ طریقت کتابی نشده، (۱۳۱) و امام غزالی در تصنیفِ احیاء العلوم تتبّعِ آن کتاب کرده، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که بعد از نمازِ عشا دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[3] یک بار آیت الکرسی[4] و سه بار سورهٔ الاخلاص[5] و بعد از سلام آیاتِ رَبِّ اشْرَحْ لِیْ صَدْرِیْ. وَ یَسِّرْلِیْ اَمْرِیْ (تا قَوْلِیْ)[6] که مناجاتِ مهتر موسیٰ (است)، صلوات الله علیه، که در سورهٔ طٰهٰ است، صد بار بخواند، خدای تعالیٰ جمله کارهای مشکل او آسان کند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوبکر بن شیخ اسمٰعیل کلابادی، صاحب کتاب تعرّف، که مشایخ در تعریفِ آن گفته اند. لولا التعرّف ماعرف التّصوّف، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که رَبَّنَا اٰمَنَّا فَاغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَیْرُ الرّٰحِمِیْنَ[7] که مناجاتِ مهتر یونس (است)، صلوات الله علیه، که در سورهٔ المؤمنون است، روزِ دوشنبه وقتِ نمازِ زوال نود بار بخواند، هر نیّتی که داشته باشد، حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا جلال الدّین محمد رومی صدیقی که مثنوی مشتمل بر شش دفترِ کلان تصنیف کرده است، قدّس الله مرقدهٗ، منقول است: هر که رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ اَنْتَ خَیْرُ الرّٰحِمِیْنَ[8] که مناجاتِ حضرتِ محمد مصطفیٰ است، صلی الله علیه و آله وسلّم، که در سورهٔ المؤمنون است، بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، آوازِ رحمتِ خداوندی تعالیٰ بشنود، و نورِ تجلّی ببیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ علی بن عثمان ہجویری غزنوی، صاحبِ کتاب کشف المحجوب، رحمة الله علیه منقول است: هر که رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ اَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّیّٰتِنَا قُرَّةَ اَعْیُنٍ وَّاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِیْنَ اِمَامًا[9] که مناجاتِ مهتر ایوب است. صلوات الله علیه و سلام، که در سورهٔ الفرقان است، بعد از نمازِ تهجد هفت بار

۱۔ مولانا جامی در "نفحات الانس" درضمنِ شرحِ حالِ شیخ اوحدالدّین کرمانی می گوید: "و به صحبتِ شیخ محی الدّین بن العربی رسیده، و شیخ در کتابِ "فتوحات" و در بعضی رسایلِ دیگر از وی حکایت کرده است." (نفحات الانس مطبوعه لکھنؤ ۱۹۱۵م صفحه ۵۴۲) ۲۔ القرآن الحکیم: ۱۲، ۱۰۱. ۳۔ ایضاً: ۱. ۴۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۵۔ ایضاً: ۱۱۲. ۶۔ ایضاً: ۲۰، ۲۵ تا ۲۸. ۷۔ ایضاً: ۲۳، ۱۰۹. ۸۔ ایضاً: ۲۳، ۱۱۸. ۹۔ ایضاً: ۲۵، ۷۴.

بخواند، خدای تعالیٰ او را اولادِ صالح بسیار روزی کند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو القاسم قشیری، صاحبِ تفسیر لطایف و رسالۂ قشیریہ در تصوّف و نحو القلوب و فقہ التصوّف، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ رَبِّ اَوْزِعْنِیْٓ اَنْ اَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتِیْٓ تا فِیْ عِبَادِکَ الصّٰلِحِیْنَ[1] کہ مناجاتِ مہتر سلیمان است، صلوات اللّٰہ علیہ، کہ در سورۃ النّمل است، بعد از نمازِ تہجد در مسجد یا در مقام (کمنہ) یا در خانہ ہفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ بر او و بر مادر و پدر و اجدادِ او نعمتہای خود فراوان گرداند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ امام عبداللّٰہ یافعی یمنی کہ تاریخ عربی بر ترتیب سنواتِ ہجرت از سالِ اوّل تا سنۂ (۷۰۰ ہجری) وغیرہ تصنیف کردہ، قدّس اللّٰہ سرّہٗ (منقول است) ہر کہ رَبِّ انْصُرْنِیْ عَلَی الْقَوْمِ الْمُفْسِدِیْنَ[2] کہ مناجاتِ مہتر زکریا است، صلوات اللّٰہ علیہ (و در سورۃ العنکبوت است) وقتِ رفتن جائی سہ بار بخواند، میان [۱۳ب] دشمنان و بدخواہان فتح و نصرت یابد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ شمس الدّین تبریزی، مؤلّف مرغوب القلوب منظوم، استادِ طریقت مولانا جلال الدّین (محمد) رومی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَّحْمَۃً وَّ عِلْمًا تا عَذَابَ الْجَحِیْمِ[3] کہ مناجاتِ ملایکان است، (و در سورۃ المؤمن است)، روزِ یک شنبہ بعد از نمازِ ظہر ۲ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را رزق و علم بسیار روزی گرداند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ معین الدّین چشتی حسنی رفع اللّٰہ درجاتہٗ منقول است: ہر کہ رَبَّنَا وَ اَدْخِلْہُمْ جَنّٰتِ عَدْنِ نِ الَّتِیْ تا اَنْتَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ[4] این نیز مناجاتِ ملایکان است، کہ در سورۃ المؤمن است. بعد از نمازِ عشا ہفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را و مادر و پدرِ او را و اولادِ او را درجۂ بہشت بسیار کرامت کند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت خواجہ شمس الدّین محمد حافظ شیرازی صاحب دیوانِ حقایق مشہور، قدّس اللّٰہ سرہ العزیز منقول است: ہر کہ رَبَّنَا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنَا وَ اِلَیْکَ اَنَبْنَا وَ اِلَیْکَ الْمَصِیْرُ[5] کہ مناجاتِ مہتر ابراہیم است، صلوات اللّٰہ علیہ، کہ در سورۃ الممتحنہ است، بعد از نمازِ عصر پنجاہ بار بخواند، توکّل و رضای خدای تعالیٰ در او، حاصل شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۹:۲۷. ۲۔ ایضاً: ۲۹:۳۰. ۳۔ ایضاً: ۴۰:۷. ۴۔ ایضاً: ۴۰:۸. ۵۔ ایضاً: ۶۰:۴.

و از حضرت شیخ مشرف الدین مصلح ابن عبدالله سعدی شیرازی، صاحب دیوان و گلستان و بوستان و کریما، رحمة الله علیه، منقول است: هر که رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا تا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ[1] این نیز مناجاتِ مهتر ابراهیم است، علیه السلام و در سورة الممتحنه است، روزِ چهار شنبه بعد از نمازِ بامداد نُه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از شرِّ شیطان و از مکرِ مکّاران نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم افضل الدین خاقانی شروانی، صاحب تحفة العراقین و دیوانِ مشهور، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[2] که این مناجاتِ مومنان است بر صراط، که در سورة التحریم است، بعد از نمازِ شام هفت بار خوانده بر چشم بدمد، روشنائی در چشم زیاده شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نظامی گنجوی، مصنّفِ دیوان و خمسه نظم منها مخزن الاسرار، قدّس الله سرّه العزیز، منقول است: هر که سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ. وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ[3] که مناجاتِ حضرتِ اسمٰعیل است، وقتِ ذبحِ خود، که در سورة الصّٰفّٰت است، بعد از هر نماز خوانده بر روی دمد، هر جا که رود، عزّت یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالله خفیف شیرازی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که بعد از هر نماز دست برداشته رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ[4] که این نیز مناجاتِ حضرت ابراهیم است، علیٰ نبیّنا و علیه السّلام و آلهما، که در سورة البقرة است، سه بار بخواند، هر دعائی که کند، مستجاب شود. انشاء الله تعالیٰ.

[۱۴ ا] و از حضرت شیخ فرید الدّین عطّار نیشاپوری، که کتاب تذکرة الاولیاء و منطق الطّیر و پندنامه و الٰهی نامه و اسرار نامه وغیرها تصنیفِ اوست، رحمة الله علیه، منقول است: هر که رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا تا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ[5] که این مناجاتِ مهتر ابراهیم و اسمٰعیل عند بناء الکعبة، صلوات الله علیهما و سلامه، که در سورة آلِ عمران است، در وقتِ رفتنِ جنگ یا در خانهٔ خود باز آید ....[6]

انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ شمس الدّین عمر زاولی دولتاباذی، مرید مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس الله سرّهٗ، که کتاب شرف السّادات تصنیف کرده است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که الم. ذَٰلِكَ الْكِتَابُ

۱. القرآن الحکیم: ۶۰، ۵. ۲. ایضاً: ۶۶، ۸. ۳. ایضاً: ۳۷، ۱۸۰ تا ۱۸۲. ۴. ایضاً: ۲، ۱۲۷. ۵. ایضاً: ۳، ۱۴۷. ۶. فضیلتِ این آیت هر سه نسخه ندارد

لَا رَیْبَ فِیْهِ تا هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ[۱]۔ کہ در سورۃ البقرۃ است، روزِ پنج شنبہ در اوّل ساعت بنویسد در ظرفی، کہ استعمال نکردہ باشد، بہ مشک و زعفران، و بہ آبِ چاہِ شیرین بشوید، و بخورد، و آن روز از خوردن (چیزی) دیگر خود را نگاہ دارد، و چہل بار الم تا هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ بخواند، خدای تعالیٰ او را علم و حلم و توفیق معرفت نصیب گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت حکیم سنائی غزنوی، کہ کتاب حدیقۃ الحقیقۃ نظم در تصوّف وغیرہ تصنیف کردہ است، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اُولٰٓئِکَ الَّذِیْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰی تا مُحِیْطٌۢ بِالْکٰفِرِیْنَ[۲] (کہ در سورۃ البقرۃ است)، روزِ شنبہ بر پارۂ کاغذِ سفید بنویسد، و در کوزۂ نو کہ آب نرسیدہ باشد، بیندازد، و آن کوزہ را در زمینِ مقامِ (دکہنہ) دفن کند کہ کسی دیگر نہ بیند، و صد بار بر آن جا اُولٰٓئِکَ الَّذِیْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰی تا بِالْکٰفِرِیْنَ[۳] بخواند، بعد از چند روز ہمہٗ دشمنان ہلاک شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو مدین مغربی، پیرِ طریقت حضرتِ شیخ محی الدین ابن العربی، قدس اللہ سرہما، منقول است: ہر کہ خواہد کہ حق تعالیٰ خان و مان و باغ و اشجار از آفات و نقصان و سحر نگاہ دارد، در روزِ پنج شنبہ بعد از نمازِ ضحیٰ در چہار طرفِ املاک و زراعت و اشجار و بساتینِ خود یا دیگر دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[۴] یک بار آیت الکرسی[۵] و یک بار سورۃ التین[۶] و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[۷] سورۃ الفیل[۸] و سورۃ القریش[۹] ہر یکی رایگان بار، و بعد از سلام قلمی نو تراشد، و بنویسد یٰٓاَیُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوْا رَبَّکُمُ الَّذِیْ خَلَقَکُمْ تا وَّاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ[۱۰] (کہ در سورۃ البقرۃ است)، بر ورقِ سبز از برگ ہای درخت آن موضع، و بخور کند بہ عود، و آن برگ را در زمین دفن کند، و دہ بار آیتِ مذکور[۱۱] بخواند، ہمہٗ بلاہا دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ قطب الدین حیدر زاوی، قدس اللہ [۱۶ ب] سرّہٗ، منقول است: ہر کہ، وَاِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلٰٓئِکَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً تا اَنْتَ الْعَلِیْمُ الْحَکِیْمُ[۱۲] (کہ در سورۃ البقرۃ است)، بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، علمِ غیب بداند، و اخبار معلوم شود، و انس و جن مطیعِ او گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید محمد بن عالم حسینی، مصنف "نزہۃ الارواح"، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ وَبَشِّرِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ تا هُمْ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ[۱۳] (کہ در سورۃ البقرہ است)، بعد از نمازِ تہجد نود بار

۱۔ القرآن الحکیم: ۲، ۱ تا ۵. ۲ و ۳۔ ایضاً: ۲، ۱۶ تا ۱۹. ۴۔ ایضاً: ۱، ۱. ۵۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۶۔ ایضاً: ۹۵. ۷۔ ایضاً: ۱، ۱. ۸۔ ایضاً: ۱۰۵. ۹۔ ایضاً: ۱۰۶. ۱۰ و ۱۱۔ ایضاً: ۲، ۲۱، ۲۲. ۱۲۔ ایضاً: ۲، ۳۰ تا ۳۲. ۱۳۔ ایضاً: ۲، ۲۵.

بخواند انوارِ روحانیان همه دیده او، معلوم شود، و عجایب و غرایب خدای تعالیٰ نیز بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا جلال الدین سیوطی، صاحب تفسیرِ جمع البحرین و تفسیرِ الدر المنثور و تفسیرِ ترجمان القرآن و تجبیر و اتقان و کتابِ جمع الجوامع مشتمل بر لک حدیث و انموذج اللبیب فی خصایص الحبیب، صلی الله علیه و آله وسلم، و کتاب الفیه در نحو و شرح نقایه در چهارده علم و انموذج العلوم در صد و چند علم وغیرها، قدّس الله سرّهُ العزیز، منقول است: هر که یَا بَنِیْ اِسْرَآئِیْلَ اذْکُرُوْا نِعْمَتِیَ الَّتِیْ اَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ تا وَ تَکْتُمُوا الْحَقَّ وَ اَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ[1] (که در سورة البقرة است)، شب دوشنبه وقتِ خفتن نود بار بخواند، همهٔ علم مکشوف شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ذو التحقیقات الرائقه و تصنیفات الفائقه فی انواع العلوم العقلیه و النقلیه (میر) سید شریف (بن علی) الجرجانی، صاحبِ شرحِ تذکره و شرحِ مواقف و شرحِ مفتاح و حاشیه شرحِ مطالع و شرحِ اشارات و (شرحِ) محاکمات و (شرح) مطول وغیرها، مرید شیخ علاء الدین محمد عطارِ بخاری و شیخ زین الدین علی کلان، قدّس الله سرّهم، منقول است: هر که وَاِذِ اسْتَسْقٰی مُوْسٰی لِقَوْمِهٖ تا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ[2] (که در سورة البقرة است)، شب دوشنبه بر پارهٔ جامهٔ دختر کی نابالغ بنویسد، و بر سینهٔ زنی که در خواب باشد، بنهد، هر چه کرده باشد، بزبانِ خود بگوید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمود شبستری، صاحب گلشن راز و حق الیقین فی معرفت ربّ العالمین، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اِنَّ الْبَقَرَ تَشٰبَهَ عَلَیْنَا وَ اِنَّا اِنْ شَآءَ اللّٰهُ لَمُهْتَدُوْنَ[3] (که در سورة البقرة است)، در سفر بر سنگ ریزه یازده بار خوانده بدمد، و آن را در دهان کند. گرسنگی و تشنگی دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام فخر الدین رازی، که تفسیرِ کبیر و مباحثِ مشرقیه در علم کلام و نهایة الاعجاز در معانی و محصول در اصولِ فقه و حدایق الانوار در ستینیه در شصت علم وغیرها تصنیفِ اوست، قدّس الله روحه، منقول است: هر که خواهد که دل دشمن سیاه شود، و هیچ فهم نکند، روز شنبه وَاِذْ اَخَذْنَا مِیْثَاقَکُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَکُمُ تا مُؤْمِنِیْنَ[4] (که در سورة البقرة است)، بنویسد بر ورقِ آهو، و آن را در مقام دکنه، دفن کند، دشمن [۱۵ ا] بی عقل و هلاک شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ احمدِ جام ژنده پیل، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که وَاتَّبَعُوْا مَا تَتْلُوا الشَّیٰطِیْنُ عَلٰی مُلْکِ سُلَیْمٰنَ تا لَوْ کَانُوْا یَعْلَمُوْنَ[5] (که در سورة البقرة است)، روزِ یک شنبه بر طشتِ مسینِ سرخ بنویسد

۱- القرآن الحکیم: ۲، ۴۰ تا ۴۲. ۲- ایضاً: ۲، ۶۰. ۳- ایضاً: ۲، ۷۰. ۴- ایضاً: ۲، ۹۳. ۵- ایضاً: ۲، ۱۰۲.

کہ پاک باشد، وآن را بشوید، و در خانہ بیفشاند، مجموعِ سحر باطل شود، و اگر آب این آیات بمالد کسی را کہ برو سحر کردہ باشند، دسحر، زایل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبداللہ انصاری، مصنّفِ منازل السائرین، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ وَاِذْ یَرْفَعُ اِبْرٰھِیْمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ اِسْمٰعِیْلُ تا اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ (کہ در سورۃ البقرۃ است)، روزِ پنج شنبہ بر سنگِ بلور بہ مشک و زعفران بنویسد و بہ آبِ چاہ، بشوید، و بر آن آب آیتِ مذکورہ یازدہ بار بخواند. ھر کس کہ ازان آب بخورد، خوفِ دشمن وغیرہ ازو قطع شود، و از بواسیر (نیز) خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد بن حسن غوثیؒ، صاحبِ کتابِ گلزارِ ابرار، قدّس اللہ تعالیٰ روحہٗ، منقول است: ھر کہ قَدْ نَرٰی تَقَلُّبَ وَجْھِكَ تا وَ مَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا یَعْمَلُوْنَ (کہ در سورۃ البقرۃ است)، روزِ چہار شنبہ وقتِ ظہر بنویسد در کاسۂ چینی، و بہ آبِ چاہ بشوید، و بر آن آب آیاتِ مذکورہ سہ بار بخواند، و رنجور را و باد زدہ را بخوراند، ھمہ بیماری ھا دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد باقر (سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید عمرہٗ)، بن سیّد عثمان بخاری، قدّس اللہ مرقدہٗ، منقول است: کہ یک شاگرد و مرید میان محمد علی طالب علم بن شیخ عبدالواسع صوفی بن شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق بن شیخ موسیٰ سندی تتوی حنفی، قدّس اللہ سرّہٗ، سوال پرسید از دعای جہتِ تیسیر قطعِ عقباتِ سبعۂ طریقِ عبادت کہ در کتابِ منہاج العابدین، تصنیفِ امام محمد غزالی، قدّس اللہ روحہٗ، مذکور است: فقیر جواب آن از پدرِ خود سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، قدّس اللہ تعالیٰ سرّہٗ شنیدم: ھر کہ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَّ فِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ شَرَّ الْاَشْرَارِ وَ کَیْدَ الْفُجَّارِ وَ شَرَّ الْکُفَّارِ وَ مَا یَخْتَلِفُ فِی اللَّیْلِ وَالنَّھَارِ، لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ. فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ وَ نَجَّیْنٰهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذٰلِكَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِیْنَ، بعد از فراغِ نماز دست برداشتہ آیاتِ مذکورہ بخواند، خدای تعالیٰ او را از وساوسِ شیطان و از غم ھای دنیا و آخرت نجات دھد، و در زمرۂ اولیا و متقیان گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام عاصم کوفی قاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ وَلِکُلٍّ وِّجْھَةٌ ھُوَ مُوَلِّیْھَا تا قَدِیْرٌ (کہ در سورۃ البقرۃ است)، بر کاغذِ سفید بنویسد، و بہ میخ آھنین در دیوار موضع کردہ ببندد، و سہ بار آیتِ مذکورہ بخواند، دُزد و پریشان و حیران شدہ باز آید. انشاء اللہ تعالیٰ.

---

۱. القرآن الحکیم، ۲: ۱۰۲ ۲ و ۳. ایضاً: ۲: ۱۲۷ ۴ و ۵. ایضاً: ۲: ۱۴۴ ۶. ایضاً: ۲: ۲۰۱ ۷ و ۸. ایضاً: ۲۱: ۸۷-۸۸ ۹ و ۱۰. ایضاً: ۲: ۱۴۸

[۱۵ب] و از حضرت ابوحفص قاری، شاگردِ امام عاصم کوفی قاری، که در سند و هند قرآن عظیم بر قراءتِ حفص می خوانند، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ خَرَجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ تا لَا يَشْكُرُوْنَ[1]، یازده بار صلوات اول و یازده بار آیتِ مذکوره[2] به وقت شام بر دردِ سر خوانده بدمد، دردِ سر دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت[3] ابو القاسم شاطبی که قصیدهٔ لامیه در علم قرأت و قصیدهٔ رائیه در رسم خط مصحف حضرت امیر عثمان رضی الله تعالیٰ عنه تألیف کرده است، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ[4] در انگشتریِ نقره نقش کند وقتی که آفتاب در برجِ اسد باشد، و با خود نگاه دارد، هیچ کس از خلایق بر و غالب نشود. باذن الله تعالیٰ.

و از حضرت امام اعظم ابوحنیفه کوفی نعمان بن ثابت، رحمۃ الله علیه، که اہلِ سند و هند و روم و ماوراء النهر بر مذهب اویند در احکام فقه، منقول است: هر که آیت الکرسی[5] بعد از هر نماز یک بار بخواند، او نمیرد تا جای خود در بهشت نبیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام ابو یوسف قاضی شاگردِ امام اعظم رحمۃ الله علیه، منقول است: هر که اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ تا آخر آیت[6] پس از هر نماز یک بار بخواند، آمن شود از وسوسهٔ شیطان. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام زفر بن الهزیل، شاگردِ امام اعظم، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که آیت الکرسی[7] بنویسد به مداد و به آبِ چاه، بشوید، و در دیوارِ خانه بیفشاند، مار و عقرب و پشه و کیک در آن خانه نماند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام محمد بن حسن شیبانی، شاگردِ امام اعظم، مصنفِ مبسوط و جامعین وغیرها، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که آیت الکرسی[8] روزِ پنج شنبه در سحرگاه بنویسد بر چهار ورقِ زیتون و در هر طرفِ خانه یکی دفن کند، حیواناتِ موذی گردِ آن خانه نگردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام ابو اللیث سمرقندی، صاحبِ بستان و تفسیر و تنبیه الغافلین و دقایق الاخبار وغیرها، شاگردِ امام اعظم، رحمۃ الله تعالیٰ علیه، منقول است: هر که آیت الکرسی[9] بعد از هر نماز یک بار بخواند، خدای او را از درویشی نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

---

۱ و ۲۔ القرآن الحکیم: ۲، ۲۴۳۔ ۳۔ از این جا در نسخهٔ ب و نسخهٔ ج عبارت متن بارِ دیگر شروع شده۔ ۴۔ ایضاً: ۲، ۱۵۸۔ ۵، ۶، ۷، ۸۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵۔ ۹۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵۔

و از حضرت ابو عبداللہ محمد بن اسمٰعیل بخاری، (کہ) صحیح بخاری وغیرہ تصنیف کردہ است، قدّس اللہ سرہٗ العزیز منقول است: ہر کہ آیتِ اَوْ کَالَّذِیْ مَرَّ عَلٰی قَرْیَةٍ تا اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ[1] روزِ یک شنبہ بہ مداد بر پوستِ آہو بنویسد، و در دہی یا در خانہ و یا حمامی و یا بستانی، کہ ویران شدہ باشد، نگاہ دارد، این ہمہ (چنان) معمور شوند کہ بیان نتوان کرد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابو مسلم بن حجاج نیشاپوری (کہ) صحیح مسلم تصنیف کردہ است[۱۴] قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ آیتِ اَوْ كَالَّذِیْ مَرَّ عَلٰی قَرْيَةٍ تا عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ[2] روزِ پنج شنبہ بنویسد، (و) بہ آبِ باران بشوید، و بر درختِ میوہ دار، کہ میوۂ آن کم شدہ باشد، افشاند، میوۂ آن بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سورۃ الترمذی (کہ) شمایل النبی صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم، و جامع الترمذی حدیث تصنیف کردہ است، قدّس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ آیت اَوْ كَالَّذِیْ مَرَّ عَلٰی قَرْيَةٍ تا عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ[3] روزِ یک شنبہ بر ظرفی پاک بنویسد، و بہ آبِ پاک بشوید، و شکر طبرزد دران حل کند، و ہفت روز بخوردنِ (بیمار) دہد ازان رنج و بیماری خلاصی یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی ناصر الدین ابو اسعد عبداللہ شہید شافعی (بیضاوی) قدّس اللہ سرہٗ کہ تفسیر بیضاوی و طوالع در کلام و منہاج در اصولِ فقہ و لُبّ النحو تصنیف کردہ است، منقول است: ہر کرا موی فرو ریختہ باشد، آیت اَوْ كَالَّذِیْ مَرَّ تا كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ[4] بنویسد، و بروغن زیتون (بیامیزد)، و آن روغن بر سر کند، (و) روزِ جمعہ در حمام رود، موی او بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابو البرکات حافظ الدین عبداللہ بن احمد نسفی حنفی، کہ تفسیر مدارک (التنزیل) و کافی و کنز و وافی در فقہ و منار در اصولِ فقہ و عمدہ در کلام وغیرہا تصنیف کردہ است، قدّس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ یٰۤاَيُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ تا وَاللّٰهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْكٰفِرِیْنَ[5] روزِ شنبہ بر خاکِ پاک نود بار بخواند، و بدمد، (و) آن خاک را بر خانۂ دشمنان بیندازد، ہمہ دشمنان ہلاک و مقہور گردند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت زین الدین ابن النجیم، صاحب بحر رائق شرح الکنز، و اشباہ نظائر فقہ و لُبّ التحریر و شرح منار در اصولِ فقہ، وغیرہا، قدّس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ یٰۤاَيُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ تا قَوْمَ الْكٰفِرِیْنَ[6] شبِ دوشنبہ بعد از نمازِ عشا ہفت بار بخواند، راہِ ہدایت حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱، ۲، ۳ و ۴۔ القرآن الحکیم: ۲: ۲۵۹۔ ۵ و ۶۔ ایضاً، ۲: ۲۶۴.

و از حضرت ابوالقاسم جارالله محمود زمخشری علامه (که) تفسیر کشاف و مفصل نحو و فایق غریب حدیث و اساس اللغة و ربیع الابرار در امثال و نصائح کبار و صغار و قسطاس العروض وغیرها تصنیف کرده است. رحمة الله تعالیٰ علیه. منقول است: هرکه آمَنَ الرَّسُوْلُ تا آخر[۱] پیوسته بخواند، از شرِّ دشمن ایمن شود، و حق تعالیٰ اورا یقین روزی کند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا حسین واعظ (کاشفی) (که) جواهر التفسیر و تفسیر حسینی و انشاء جدولی و اخلاق المحسنین وغیرها تصنیف کرده است. قدّس الله سرّه. منقول است: هرکه آمَنَ الرَّسُوْلُ تا آخر[۲] روز پنج شنبه در ظرفِ پاک (۶۷ب) بنویسد و به آب چاه که آفتاب بر آن نیفتاده باشد، بشوید و بیاشامد، حفظ او زیاده بیفزاید انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت میر معین الدّین صفوی (که) تفسیر معینی[۳] صغیر و کبیر تصنیف کرده است. قدّس الله سرّه. منقول است: هرکه الم. اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تا اَنْزَلَ الْفُرْقَانَ[۴] که در سورۀ آل عمران است، روزِ یکشنبه پیش از آن که آفتاب بر آید، بنویسد بر کاغذ، و درمیانِ موم نهد و به طفل بندد، از دیو ایمن شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام محی السنّة (ابومحمد حسین الفراء البغوی) که تفسیر معالم التنزیل و مصابیح و شرح السنّة در حدیث تصنیفِ او است، قدّس الله روحه، منقول است: هرکه الم اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تا اَنْزَلَ الْفُرْقَانَ[۵] بعد از نمازِ فجر سه بار بخواند، خدای تعالیٰ ایمانِ او را از زوال نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام (ابراهیم بن عبدالله) (الزاهدی) (الجیلانی)، صاحب تفسیر فارسی مخلوط به عربی قدّس الله سرّه. منقول است: هرکه الم. اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تا اَنْزَلَ الْفُرْقَانَ[۶] بعد از نمازِ عشا هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ (او را) از وسوسۀ شیطان نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت قاضی شهاب الدّین هندی (که) تفسیر بحر مواج فارسی و شرح کافیه مشهور بهندی و ارشاد نحو وغیرها تصنیف کرده است، قدّس الله سرّه، منقول است: هرکه الم. اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تا اَنْزَلَ الْفُرْقَانَ[۷] بعد از نمازِ تهجد صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را دنیا و دولتِ بسیار دهد. انشاء الله تعالیٰ.

---

۱ و ۲- القرآن الحکیم: ۲، ۲۸۵ و ۲۸۶. ۳- این تفسیر موسوم است به "جامع البیان فی تفسیر القرآن" "فهرستِ کتاب های چاپی عربی، تهران مطبوعه ۱۳۴۲ ش صفحه ۲۰۶). ۴، ۵، ۶ و ۷- القرآن الحکیم: ۳، ۱ تا ۴.

و از حضرت شیخ ضیاء الدّین قریشی، صاحب تفسیرِ ضیاء الابرار، قدّس اللہ سرّہ العزیز منقول است: هر که الم. اللّٰہُ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ تا اَنْزَلَ الْفُرْقَانَ[1] بعد از نمازِ عصر تا بمغرب بخواند، هر دعائی که کند، مستجاب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام ابن کثیر، صاحبِ تفسیر، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که الم. اللّٰہُ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ تا اَنْزَلَ الْفُرْقَانَ[2] بعد از نمازِ اشراق صد بار بخواند، درمیانِ خلق عزیز و مکرّم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ امام واحدی، صاحب تفسیرِ بسیط و وسیط و وجیز، قدّس اللہ مرقدہٗ منقول است: هر که: الم. اللّٰہُ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ تا اَنْزَلَ الْفُرْقَانَ[3] شبِ پنج شنبہ و شبِ آدینہ هزار بار بخواند، میانِ خدای تعالیٰ و او هیچ حجاب نباشد، و آنچہ خواهد یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ یعقوب چرخی کہ تفسیرِ دو پارهٔ آخر و تفسیرِ اسماءِ حسنیٰ نوشتہ است، قدّس اللہ سرّہ منقول است: هر که الم. اللّٰہُ تا وَ اَنْزَلَ الْفُرْقَانَ[4] بنویسد روزِ پنج شنبہ در ساعتِ دوم بر نگینِ انگشتری و در انگشت کند بطهارت، همیشہ سعادتِ جاه و قبولِ سخن روزیِ او شود، و از دشمنان امین شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نجم الدّین رازی، کہ تفسیرِ تاویلات نوشتہ است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که ھُوَ الَّذِیْ اَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتٰبَ تا الْمِیْعَادَ[5] روزِ جمعہ بنویسد بہ مشک و زعفران [۱۷ ر] و بہ آبِ گلاب (و) یا بہ آبِ روان بشوید، و بخورد هفت روز پیش از آفتاب، هر چند کہ خواهد از خدای تعالیٰ مرادش حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو العبّاس بونی، کہ در علمِ تکبیر و حروف و اشکال تصانیفِ بسیار دارد، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هر که آیتِ اَللّٰہُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ تا وَاللّٰہُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ[6] در ظرفی طلا بنویسد بہ مشک و زعفران، و آن را بشوید بہ آبِ باران و (یا) بہ آبِ چاه، و در سرمہ بیندازد، و آن سرمہ در سرمہ دانی نگاه دارد. شبِ پنج شنبہ چون نیمہ از شب بگذارد، برخیزد، و طهارت کند، و هفتاد بار صلوات بر حضرتِ محمّدِ مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، بفرستد، و هفتاد نوبت استغفار گوید، و هفتاد بار آیتِ مذکورہ[7] بخواند، آن گاه آن سرمہ در چشم بکشد، همهٔ علمِ ظاهری و باطنی مکشوف شود، و خزینہ های غیبی از مشرق تا بمغرب همہ معلوم گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱، ۲، ۳ و ۴- القرآن الحکیم: ۳، ۱ تا ۴. ۵- ایضاً: ۳، ۷ تا ۹. ۶ و ۷- ایضاً: ۲۴، ۳۵.

و از حضرت مولانا برهان الدّین علی مرغینانی مصنّفِ هدایة الفقه، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکہ آیات اِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرٰانَ تا بِغَیْرِ حِسَابٍ[1] بہ مشک و زعفران بر پوستِ آھو بنویسد، بر انگشتِ کوچکِ دستِ راستِ زنِ حاملہ، بندد تا آن زمان کہ بزاید، از آفات رستہ شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ کمال الدّین ابن الهمام، صاحب فتح القدیر، شرحِ هدایۂ فقہ وزاد الفقیر در فقہ و مسائرہ در علمِ کلام و تحریر در اصولِ فقہ وغیرِ آن قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکہ اِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرٰانَ تا بِغَیْرِ حِسَابٍ[2] بہ مشک و زعفران بر پوستِ آھو (بنویسد) و بر گردنِ کودک بندد، از گریہ و ترس ایمن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) ولی الدّین محمّد بن عبد اللہ خطیب تبریزی، صاحب مشکوٰة حدیث، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکہ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهٗ تا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ[3] روز جمعہ در ساعتِ هفتم در کاسۂ چینیِ سفید بہ مشک و زعفران بنویسد، و بہ آبِ چاہ بشوید، و زن و مرد بخورند و نزدیک کنند، فرزند روزی شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ امام) محی السنة ابو محمد حسین الفراء البغوی کہ مصابیح حدیث اصلِ مشکوٰة و شرح السنة در حدیث و تفسیر معالم التنزیل تألیف اوست، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکہ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهٗ تا مَا يَشَاءُ[4] شب جمعہ بعد از نمازِ عشا نود بار بخواند، حضرت زکریا علی نبینا و علیہ الصّلوٰة والسّلام و آلهمارا در خواب بیند، و آنچہ خواهد یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی میر حسین میبدی کہ شرح دیوانِ الهام بیانِ حضرتِ امیر المؤمنین علی کرم اللہ وجهہ، تصنیف کردہ، و فواتح کہ مقدمہ آن [۱۷ ب] شرحِ است، نیز تألیفِ او است و شرحِ مشهورِ هدایۂ حکمت نیز ازو است، قدّس اللہ سرّہ منقول است: ہر کہ قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ تا ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ[5] در ساعتِ زهرہ یا مشتری یا عطارد بر کاغذِ سفید بنویسد، و بہ دختر بندد، زود شوهر موافق پیدا آید، انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو علی حسین بن عبد اللہ بن سینا، کہ، شفا و اشارات و نجات و مباحثات، و مبدء و معاد، و عیون الحکمة در علم حکمت، و قانون الشفا در علمِ طب و رسالہ در تعبیرِ رؤیا وغیرها تصنیفِ او است، مریدِ شیخ ابو الحسن خرقانی قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکہ قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ تا ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ[6]

۱ و ۲۔ القرآن الحکیم: ۳، ۳۵ تا ۳۷. ۳ و ۴۔ ایضاً: ۳، ۳۸ تا ۴۰. ۵ و ۶۔ ایضاً: ۳، ۷۳ و ۷۴.

روزِ یک شنبه در اوّل ساعت بنویسد، و در خانه یا در دکان یا در جایگاهِ خود بیاویزد، روزی بروی فراخ شود. انشاء الله تعالیٰ. و برکت و خیر بیابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم ابونصر فارابی که مشهوراست به معلّمِ ثانی و افضلِ حکمای اسلام بود، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللّٰهِ تا ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ[1] روزِ پنج شنبه بر ورقِ آهو بنویسد و بر زنِ خود بندد، میانِ ایشان خیر و برکت و دوستیِ بسیار پیدا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابن الحاجب جمال الدّین ابوعمرو عثمان بن یونس المصری المالکی، صاحب کافیه و شرحِ مفصّل و امالی الکافیه در علمِ نحو و شافیه در صرف و خط و منظومهٔ عروض، و منتهی و مختصر منتهی در اصولِ فقه وغیرها، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اَفَغَیْرَ دِیْنِ اللّٰهِ یَبْغُوْنَ تا مِنَ الْخَاسِرِیْنَ[2] روزِ یکشنبه در کاسهٔ چینی بنویسد، و به آبِ باران و یا به آبِ چاهِ شیرین بشوید، و بخوردنِ بیمار دهد. شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت قاضی عضد الدّین شافعی مصنّفِ مواقف در علمِ کلام، و فوایدِ غیاثیه در علمِ معانی و عضدی شرحِ مختصر منتهی اصولِ (فقه)، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوْا مِمَّا تُحِبُّوْنَ تا اِنْ کُنْتُمْ صَادِقِیْنَ[3] روزِ دو شنبه پارهٔ از جامهٔ مردِ بخیل بستاند، و آیاتِ مذکوره برآن پارهٔ جامهٔ بخیل بنویسد به مشک و زعفران، (و) بعد ازان بشوید به آبِ دریای روان، و برآن آب هفت بار آیاتِ مزبوره بخواند، و بخوردنِ آن بخیل دهد، بکرمِ الله تعالیٰ آن (مرد) بخیلی ترک کند، و سخاوت گیرد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابویعقوب سراج الدّین یوسفِ سکاکی صاحبِ تصنیفِ مفتاح که دروٗ ۱۲ علم است. و صاحبِ نسخهٔ تسخیرات، قدّس الله تعالیٰ سرّهٗ، منقول است: هرکه وَاعْتَصِمُوْا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیْعًا تا اُولٰٓئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ[4,5] روزِ دوشنبه در اوّلِ ساعت[۱۸ا] بر پوستِ بنویسد آهو، و آن را در آب اندازد، میانِ عزیزان دشمنی زایل شود، و دوستی بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نصیر الدّین طوسی (که)، تجرید العقاید، و تذکرهٔ هیئت و شرحِ اشاراتِ حکمت، و نقدِ محصّلِ امام (رازی)، و نقدِ تنزیل، و سی فصل در معرفتِ تقویم، و بیست باب در معرفتِ اصطرلاب، و زیجِ ایلخانی وغیرها تصنیفِ او است قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه لَنْ یَّضُرُّوْکُمْ اِلَّا اَذًی تا یُظْلَمُوْنَ[6].

١- القرآن الحکیم، ٣: ٧٣ و ٧۴. ٢- ایضاً: ٣: ٨٣ تا ٨۵. ٣ و ۴- ایضاً: ٣: ٩٢ و ٩٣. ۵- ایضاً: ٣: ١٠٣ و ١٠۴. ۶- ایضاً: ٣: ١١١ و ١١٢.

روز شنبه با طهارت در ساعت ششم این آیات (را) بر شمشیر یا بر سپر یا بر تیر نقش کند، و بمقابل دشمن ایستد. بر دشمن ظفر یابد، و دشمن مقهور شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت (شیخ) قطب الدین رازی، که قطبی شرح شمسیهٔ منطق و لوامع شرح مطالع منطق و محاکمات حاشیهٔ شرح اشارات تصنیف او است، قدّس الله سرّهٔ. منقول است: هر که اِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ تا عِنْدَ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ الْحَکِیْمِ[1] شب جمعه نود بار بخواند، عجایب و غرایب (خدای تعالی) بیند. انشاء الله تعالی.

و از حضرت (شیخ) شمس الدین محمد جزری صاحب حصن حصین و تصحیح المصابیح و مقدمه ارجوزهٔ جزریه منظومه در علم قرأت، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ تا وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ[2] روز یک شنبه با وضو بر کاغذ سفید بنویسد، و با خود نگاه دارد. از ترسِ سلطان و شرّ دشمن و ظالم و بدگویان رسته و ایمن گردد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت[3] (شیخ شکر الله معروف به) شیخ بھنبو بن شیخ ممّن بن شیخ مراد (قادری از) اولادِ شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی، پدر مادر سید عثمان بن سید داؤد بخاری (که) رسالهٔ مقصود المریدین تصنیف کرده است. قدّس الله سرّهٔ العزیز، منقول است: هر که اَلَّذِیْنَ یُنْفِقُوْنَ تا وَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِیْنَ[4] روز پنج شنبه بعد از نمازِ ظهر بر پوست آهو بنویسد، و با خود نگاه دارد هیچ بلا گرد او نگردد. انشاء الله تعالی. و عجایب و غرایب خدای تعالی نیز بسیار بیند. انشاء الله تعالی.

و از حضرت سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدّس الله سرّه، منقول است: که من شنیدم از پدرِ مادر خود شیخ شکر الله معروف به شیخ بھنبو بن شیخ ممّن (قادری)، که هر که آیات مذکوره اَلَّذِیْنَ یُنْفِقُوْنَ تا اَجْرُ الْعَامِلِیْنَ[5] شب پنج شنبه و شبِ آدینه بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، در مجلس حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم، مشرّف شود، و ماسوی الله دیگر هیچ در دل نماند. انشاء الله تعالی.

(فقیر) سید باقر بن سید عثمان بخاری شنید از مادرِ پدرِ خود بی بی زینب بنت سید شیخ بھنبو، و او شنید از جدّ خود شیخ ممّن، و او شنید از پدرِ خود شیخ مراد، و او شنید از پدرِ خود شیخ شهاب الدین، و او شنید

۱۔ القرآن الحکیم: ۳: ۱۲۲ تا ۱۲۶۔ ۲۔ ایضاً، ۹: ۱۲۹۔ ۳۔ برای "شیخ شکر الله معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ ممن قادری" رک تحفة الکرام تالیف میر علی شیر قانع تتوی ترجمہ اردو، مطبوعہ کراچی ۱۹۵۹م ص ۳۶۶)۔
۴۔ القرآن الحکیم: ۳: ۱۳۴ تا ۱۳۶۔ ۵۔ ایضاً: ۳: ۱۳۴ تا ۱۳۶۔

از پدرِ خود شیخ بدر الدّین، و او شنید از پدرِ خود شیخ حسن، و او شنید از پدرِ خود شیخ علاؤ الدّین، و او شنید از پدرِ خود شیخ (۸ اب) شمس الدّین، و او شنید از پدرِ خود شیخ شرف الدّین، و او شنید از پدرِ خود شیخ شہاب الدّین، و او شنید از پدرِ خود شیخ صالح، و او شنید از پدرِ خود شیخ محمّد، و او شنید از پدرِ خود شیخ عیسٰی، و او شنید از پدرِ خود شیخ عبد اللطیف، و او شنید از پدرِ خود شیخ محمّد، و او شنید از پدرِ خود شیخ عبد اللّٰہ، و او شنید از پدرِ خود شیخ احمد، و او شنید از پدرِ خود شیخ جعفر، و او شنید از پدرِ خود شیخ محمّد، و او شنید از پدرِ خود حضرت سیّد السّادات شیخ محی الدّین ابو محمّد عبد القادر جیلانی گیلانی، رحمۃ اللّٰہ علیہ، قدّس اللّٰہ سرّہُ العزیز، کہ حضرت شیخ محی الدّین رحمۃ اللّٰہ علیہ فرمود: ہر کہ اَلَّذِیْنَ یُنْفِقُوْنَ تا اَجْرُ الْعَامِلِیْنَ[1] چہل روز دعوت کند، و ہر شب چہل و یک بار بخواند، جملہ عالم از جنّ و انس و طیور و وحوش مطیع و مسخّر او گردد، و دنیا و دولت نیز حاصل شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد شیخ صفی الدّین اردبیلی ولی سُنّی اشعری شافعی، از نسل امام سیّد علی بن موسی الرّضا رضی اللّٰہ عنہ، کہ شاہ عبّاس صفوی از نسل او است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ وَکَاَیِّنْ مِّنْ نَّبِیٍّ تا یُحِبُّ الْمُحْسِنِیْنَ[2] روزِ یکشنبہ پیش از آفتاب بنویسد بر ظرفِ پاک و بہ آبِ چاہ بشوید، (و) تا سہ روز پیاپی بخورد، باد و قولنج دفع شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد جمال الدّین محدّث، (کہ) روضۃ الاحباب تصنیف او است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِیْنَ تا لَا یُضِیْعُ اَجْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ[3] روزِ یکشنبہ در اوّل نہار بنویسد بہ مشک و زعفران، و بہ آبِ باران در وقتِ نمازِ شام بشوید، و بیاشامد قوّتِ دل بسیار پیدا شود، و مقبول القول گردد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد اصیل الدّین واعظ مصنّف دُرج الدّرر، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اَلَّذِیْنَ قَالَ لَہُمُ النَّاسُ اِنَّ النَّاسَ تا عَظِیْمٍ[4] روزِ یکشنبہ وقتِ نمازِ ظہر بنویسد بر کاغذِ سفید، و بر کمر بندد، و پیشِ سلطان رود، مرادِ او بر آید. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت میر معین الدّین واعظ، قدّس اللّٰہ روحہ، منقول است: ہر کہ وَ لِلّٰہِ مُلْکُ السَّمٰوٰاتِ

۱- القرآن الحکیم: ۳: ۱۳۴ تا ۱۳۶. ۲- ایضاً: ۳: ۱۴۶ تا ۱۴۸. ۳- ایضاً: ۳: ۱۶۹ تا ۱۷۱. ۴- ایضاً: ۳: ۱۷۳ و ۱۷۴.

وَالْاَرْضِ تا لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ[1] بعد از هر نماز یک بار پیاپی بخواند، ایمانِ او ثابت شود، و دلِ او پاک گردد، و از رسوائی دنیا و آخرت رَسته گردد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید (حسن بن محمد بن شرف شاه الحسینی الاسترابادی الموصلی الشافعی، ابو الفضایل) رکن الملت والدین ابو محمد صاحبِ متوسط و وجیز رکنی، شروحِ کافیه و رکنی، شرحِ مختصر اصولِ ابن الحاجب، قدس الله مرقده منقول است: هر که آیاتِ مذکوره وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ تا لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ[2] روزِ پنج شنبه بر تختهٔ چوب بنویسد، و به آبِ باران بشوید، و بخورد، البته شب خیز شود، و او را میل به قیامِ شب باشد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت (میر) سید صدر الدین محمد[۱۹۰۳] (بن میر سید غیاث الدین منصور شیرازی، صاحبِ حواشی بر قطبی و بیضاوی و شرحِ مطالع و شرحِ تجرید و انوارِ شافیه و اثباتِ واجب وغیرها قدس الله سره منقول است: هر که يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اصْبِرُوْا تا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ[3] روز دوشنبه بر کاسه سفید بنویسد، و به آبِ دریای روان بشوید، و زن را یا فرزند را یا غلام را بخوراند، جمله فرمانبردارِ او شوند. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ تاج الشریعة (عمر بن احمد بن عبیدالله المحبوبی البخاری ملقب به صدر الشریعة الاول[4]) (که) صاحبِ تصنیفِ وقایهٔ فقه و شرحِ هدایهٔ او است، قدس الله سره منقول است: هر که يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمْ تا رَقِيْبًا[5] که در سورة النساء است، شبِ جمعه به مشک و زعفران بر تختهٔ چوب بنویسد، چون نیم شب گذشته باشد چنانکه هیچ کس نبیند، (به آبِ چاه) بشوید، و بخوردن (زن...) و بآن نزدیکی کند. سه نوبت چنین کند، آبستن شود، و فرزند زاید بفرمانِ خدای تعالیٰ. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ صدر الشریعة (الثانی) عبیدالله بن مسعود بن (برهان الشریعة) محمود (بن احمد بن عبیدالله المحبوبی النیسابوری ملقب به صدر الشریعة الاول[6]) شارحِ وقایهٔ فقه و صاحبِ تنقیح و توضیح شرحِ تنقیح در اصولِ فقه، قدس الله سره، منقول است: هر که يُرِيْدُ اللّٰهُ تا خُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيْفًا[7] روزِ یکشنبه بر پوستِ گوسفند دباغت کرده بنویسد، و با خود نگاه دارد، او را میل به علم و عمل پیدا شود. انشاءالله تعالیٰ.

---

۱ و ۲ - القرآن الحکیم: ۳:۱۸۹ تا ۱۹۴. ۳ - ایضاً: ۳:۲۰۰. ۴ - معجم المؤلفین تالیف عمر رضا کحاله (۱۵ جلد، مطبوعه دمشق ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ ھ) جلد ۷ ص ۲۷۳. ۵ - القرآن الحکیم: ۴:۱. ۶ - لباب المعارف العلمیه فی مکتبه دار العلوم الاسلامیه، پیشاور، مطبوعه آگره ۱۹۱۸ م ص ۸۲ و ۱۰۱ و معجم المؤلفین جلد ۶ ص ۲۴۶. ۷ - القرآن الحکیم: ۴:۲۸.

و از حضرت مولانا سعد الدّین مسعود بن عمر التفتازانی، صاحب مطول و شرح مفتاح در معانی و تلویح و شرح الشرح در اصولِ فقه و شرحِ عقاید و شرحِ مقاصد در کلام، و تهذیب و شرح شمسیه در منطق و شرحِ مقدمه صلوٰة و کیدانی فقه و ارشادِ نحو و شرح زنجانی صرف و شرح کشّاف وغیرها، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هر که فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ تا حَدِيثًا[۱] شبِ سه شنبه بخونِ هُدهُد بنویسد بر کفِ دستِ راستِ خود، و بر سینهٔ زن نهد در حالتی که در خواب باشد، مجموعِ هرچه بر سرِ او گذشته باشد، بگوید. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ مسعود بک هندی شارح فصوص و عوارف وغیرها، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هر که آیاتِ مذکوره فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ تا حَدِيثًا[۲] روزِ دوشنبه در کاسهٔ سفید بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و به روی مالد، دشمن دوست شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت مولانا قطب الدّین محمود بن مسعود بن مصلح مشهور به علامه شیرازی صاحب شرحِ مفتاح در معانی و شرحِ حکمتِ اشراق و شرحِ مختصرِ اصولِ حاجبی، و شرحِ قانونِ طب، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هر که إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا تا سَمِيعًا بَصِيرًا[۳] روزِ یکشنبه بر ظرفی پاک بنویسد، و بشوید به آبِ باران، و در خانه چهار طرف بیفشاند، دفینه باز یابد [۱۹ب] یا در خواب بزرگی معلوم کند که فلان جا دفینه است، و او را غم و اندوه دور شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت خواجه محمد پارسا صاحب فصل الخطاب، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هر که مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً تا حَدِيثًا[۴] روزِ جمعه وقتِ برآمدنِ آفتاب بر کاغذِ سفید بنویسد، و با خود ببندد، محبوب مطیعِ او شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبید اللّٰه احرار پیرِ مولانا جامی نقشبندی، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هر که آیاتِ مذکوره مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً تا حَدِيثًا[۵] بر پوستِ آهو بنویسد، و با خود ببندد، پادشاه وغیرِ مطیع و فرمانبردار او شوند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت مولانا سعد الدّین کاشغری، مرشدِ مولوی جامی، قدّس اللّٰه سرهما، منقول است: هر که آیتِ سَتَجِدُونَ آخَرِينَ تا سُلْطَانًا مُبِينًا[۶] روزِ یکشنبه بر طشتِ مسین بنویسد، و به آبِ چاه بشوید،

۱و۲ - القرآن الحکیم: ۴، ۴۱ و ۴۲. ۳- ایضاً: ۴، ۵۸. ۴ و ۵ - ایضاً: ۴، ۸۵ تا ۸۷. ۶- ایضاً: ۴، ۹۱.

و در خانه بیفشانند. هر جوانِ موذی که در خانه باشد، بگریزد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام الحرمین ابو المعالی عبدالملک جوینی، استادِ امام محمد غزالی قدس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه، وَ مَنْ يُّهَاجِرْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ تا غَفُوْرًا رَّحِيْمًا[1] هفت روز پیاپی بر دستِ راست خود بنویسد، و به زبان آن را پاک کند یعنی بلیسد، سحر بر او کار نکند، و اگر سحر براو کرده باشند، باطل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام احمد غزالی که کتاب لباب الاحیا از کتاب احیاء العلوم تصنیفِ برادرِ خود امام محمد غزالی انتخاب کرده، و رسالۂ سوانح و مکتوبات و منازل و مناهل نیز تصنیف کرده. قدس الله روحهٗ، منقول است: هرکه لَا يُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ تا عَفُوًّا قَدِيْرًا[2] روزِ پنجشنبه بنویسد در کاسۂ چینی و (به آب چاه) بشوید و بخورد، سخنِ بیهوده نگوید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حسین بن شیخ منصور حلاج، قدس الله سرّه العزیز، منقول است: يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمْ تا كَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا[3] هرکه سه روز روزه گیرد (و) ابتدا (از) روزِ دوشنبه کند و آخرِ آن روزِ چهارشنبه، و در آن سه روز قطعاً (گوشت) حیوانی نخورد، و لقمۂ شبهه نخورد. شبِ پنجشنبه بعد از نمازِ خفتن دوازده رکعت نماز بگذارد، (و) بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سه بار سورة الاخلاص (و) بعد از سلام ده نوبت سُبْحَانَ اللّٰهِ و ده بار اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و ده بار اَللّٰهُ اَكْبَرُ و ده بار اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ و ده بار صلوات بر (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله وسلّم، بعد از آن این آیات[4] بر کاسۂ سفیدِ پاک بنویسد و (به آبِ چاه) بشوید و بخورد، شک از دلِ او برود و ایمانش بیفزاید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عین القضاة همدانی، که زبدة الحقایق و تمهیدات و غیرِ آن در تصوف تصنیفِ او است، قدس الله سرّهٗ، منقول است: قَدْ جَآءَكُمْ بُرْهَانٌ [۱۰۰] مِّنْ رَّبِّكُمْ تا مُّسْتَقِيْمًا[5] هرکه روزِ یکشنبه روزه دارد، و (این آیات) بر کاغذِ سفید بنویسد، و بر خود ببندد، بر خصم ظفر یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) اوحد الدین اصفهانی، مصنفِ جامِ جم نظم، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَوْفُوْا بِالْعُقُوْدِ تا مَا يُرِيْدُ[6] که در سورة المائده است، روزِ دوشنبه بر ظرفی از آبگینه بنویسد، و به عسلی که آب ندیده باشد، بساید، و بخوردنِ آن کس دهد که دروغ بسیار گوید، و بدفعل باشد، برکتِ

۱- القرآن الحکیم: ۴: ۱۰۰. ۲- ایضاً: ۴: ۱۴۸ و ۱۴۹. ۳ و ۴- ایضاً: ۴: ۱۷۰ و ۱۷۱. ۵- ایضاً: ۴: ۱۷۴ و ۱۷۵.
۶- ایضاً: ۵: ۱.

این آیت، قرآن دروغی و بدفعلی ترک کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ سعد الدّین حموی مرید شیخ نجم الدّین کبریٰ، قدّس اللہ سرّہما، منقول است: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ تا الْإِسْلَامَ دِيْناً[1]، ہر کہ روزِ چہار شنبہ ظرفی پاک برگیرد، و پُر کند از آبِ باران و ہفتاد نوبت این آیت بر آن آب بخواند. بعد ازان قدری آردِ گندم بدان آب خمیر کند، و یک قرص سازد، و بہ چہار قسمت کند، سہ بہ مساکین صرف کند، و یکی خود بخورد، و تا سہ روز پیاپی این چنین کند، جملہ حاجاتِ او برآید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ مجد الدّین بغدادی، مرید شیخ نجم الدّین کبریٰ، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ وَاذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ تا خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ[2] روزِ یک شنبہ بر سنگِ مرمر بنویسد، و بشوید بہ آبِ زمزم یا بہ آبِ چشمہ، و سہ روز پیاپی بیاشامد، وسوسہ ہا ازو زایل شود، و خواب ہای آشفتہ نبیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا جلال الدّین سیوطی شافعی، کہ نصفِ آخرِ تفسیر جلالین[3] تصنیفِ او است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: ہر کہ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ تا فَتَنْقَلِبُوْا خٰسِرِيْنَ[4] پیش از برآمدنِ آفتاب بنویسد بر کفِ دستِ راست، و بہ زبان آن را پاک کند، و آبِ دہانِ آن را فرو برد تا ہفت روز. حق تعالیٰ او را عزّتِ تمام پیدا کند، و قناعت روزی کند، و او را صبر بخشد، و در دلِ او رحمتی و شفقتی بر جمیع مسلمانان پدید آید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا جلال الدّین محلّی شافعی، کہ نصفِ اوّل تفسیر جلالین[5] تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ تا خٰسِرِيْنَ[6] شبِ چہار شنبہ و شبِ پنج شنبہ و شبِ آدینہ مع صلوات سہ بار اوّل و سہ بار آخر و صد بار آیاتِ مذکورہ[7] بخواند، تمام ملک مسخّر و مطیع و فرمان‌بردارِ او شود، و دنیا و دولت نیز میسّر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فیضی بن مبارک مؤلّفِ تفسیر سواطع الالہام بی نقط و رسالۂ موارد الکلم بی نقط

۱۔ القرآن الکریم: ۵: ۳۔ ۲۔ ایضاً: ۵: ۷، ۸۔ ۳۔ د برگ ۷۰ او ب برگ ۷۴ ب و ج برگ ۲۲ ب: "نصفِ تفسیرِ اوّلِ جلالین." ۴۔ القرآن الکریم: ۵: ۱۸ تا ۲۱۔ ۵۔ د برگ ۷۰ او ب برگ ۷۴ ب و ج برگ ۲۳ ب: "نصفِ تفسیرِ آخرِ جلالین." ۶ و ۷۔ القرآن الکریم: ۵: ۱۸ تا ۲۱۔

و انشا و دیوان و خمسۂ نظم وغیرها، قدس اللہ مرقدہٗ، منقول است: هر کہ وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ تا خَبِیْرٌ[1] شب دو شنبہ باعتقادِ درست [۲۰ب] هزار بار بخواند، جملہ اسرارِ الٰهی کشف شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

واز حضرت شیخ مبارک بن شیخ خضر رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ، منقول است: هر کہ وَ لِلّٰهِ تا خَبِیْرٌ[2] شب جمعہ نود بار بخواند، معاملۂ اوّلین و آخرین همہ معلوم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جلال الدین بلقینی مفسّر، کہ بقولِ ملّا جلال سیوطی در علمِ تفسیر اوّلاً او تصنیف نمودہ، قدس اللہ مرقدہٗ، منقول است: یٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ تا عَنْ سَوَآءِ السَّبِیْلِ[3] هر کہ روزِ پنجشنبہ روزہ دارد، و شب آدینہ بعد از نمازِ خفتن این آیتِ[4] مذکورہ سی بار بخواند، دشمنان همہ هلاک شوند، و عجایب و غرایب خدای تعالیٰ نیز بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نجم الدین رضی، شارحِ کافیہ و شافیہ، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر کہ وَ قَالَتِ الْیَهُوْدُ تا لَا یُحِبُّ الْمُفْسِدِیْنَ[5] روزِ شنبہ بر ظرفی پاک بنویسد، و بشوید بہ آبِ چاہ، و درمیانِ دشمنان بفشاند، تفرقہ درمیانِ ایشان واقع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ اوحد الدین بلیانی المعروف بہ عبید اللہ اولیا، کہ رسالہ در تکبیر و دایرہ در تصوّف، و مباشت شاهی و در معرفتِ تقویم و اصطرلاب تصنیفِ او ست، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر کہ لُعِنَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْۢ بَنِیْۤ اِسْرَآءِیْلَ تا مَا كَانُوْا یَفْعَلُوْنَ[6] روزِ یکشنبہ بنویسد باوضو بر چهار کوزہ، و در چهار طرف کشتِ زراعت دفن کند، حق سبحانہٗ و تعالیٰ غلہ و کشتِ زراعت از آفت نگاہ دارد، و در میوہ ها نیز هم چنین است. انشاء اللہ تعالیٰ.

واز حضرت امام محی الدین نووی شافعی مرید شیخ اسحاق[7] مغربی، کہ شرحِ صحیح مسلم و بخاری و کتابِ ریاض الصالحین و اذکار وغیرها تصنیفِ او است، قدس اللہ سرّہٗ منقول است: هر کہ وَاِذَا سَمِعُوْا مَاۤ اُنْزِلَ تا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِیْنَ[8] روزِ دوشنبہ بنویسد در کتورہ، و بشوید بہ روغنِ زیتون یا بہ زنبق خالص، و بر آتش نهد. از آتش دور کند. چون سرد شود، قدری ازان در گوش چکاند، دردِ گوش بالکل زایل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱و۲- القرآن الحکیم: ۵، ۱۸ تا ۱۲۰. ۳و۴- ایضاً: ۵، ۷۷. ۵- ایضاً: ۵، ۶۴. ۶- ایضاً: ۵، ۷۸ و ۷۹. ۷- د برگ ۲۰، ب برگ ۲۵ ب د ج برگ ۲۲ ب: "یاسین". ۸- ایضاً: ۵، ۸۳.

و از حضرت شیخ ابراہیم بن محمد بن ابراہیم چلبی، کہ کتاب ملتقی الابحر در علم فقہ، و شرح کبیر و صغیر منیۃ المصلی تصنیف او است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ لَا یُؤَاخِذُکُمُ اللّٰہُ تا لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُوْنَ[1] روزِ سہ شنبہ در کاسۂ چینی بنویسد، و باعسل خالص بشوید پیش از آنکہ آفتاب برآید، و بخورد تا سہ روز پیاپی. عادت دروغ گوئی دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ. و راست گوئی عادت شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ قطب الدین قوقانی، مصنّفِ رسالۂ مکیہ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ یَاۤ اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْۤا اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَیْسِرُ وَالْاَنْصَابُ تا مَا عَلَی الرَّسُوْلِ (۱۲۱و) اِلَّا الْبَلٰغُ[2] روزِ جمعہ در کاسۂ سفید بنویسد، دو بہ آبِ چاہ بشوید، و بخوردنِ او دہد تا سہ روز، از مناہی و از حرام و از فسق و فجور دفع شود، و صالح و عابد گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ قطب الدین (محمود) علامہ شیرازی، مصنّفِ دُرّۃ التاج و شرح مفتاح و تحفۂ (الشاھیہ) و نہایہ در علم ہیئت، و رسالہ در تحقیق آن کہ عالمہا چہار اند: عالم التجرد المحض و ھو الحضرۃ الالٰہیۃ، و عالم الانوار و العقول، و عالم المثال و الخیال، و عالم الحس و الشہادۃ، شاگردِ شیخ صدر الدین قونیوی و خواجہ نصیر الدین طوسی، قدس اللہ سرہم، منقول است: ہر کہ یَاۤ اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَیَبْلُوَنَّکُمُ اللّٰہُ تا عَذَابٌ اَلِیْمٌ[3] شب دو شنبہ بعد از نمازِ خفتن ہفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از عذابِ آخرت نگاہ دارد انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ میرک چنگی، شارح حکمت العین و شرح ھدایۂ حکمت وغیرھا تصنیفِ او است، قدس اللہ سرہ العزیز، منقول است: ہر کہ وَالطَّیْرَ مَحْشُوْرَۃً کُلٌّ لَّهٗۤ اَوَّابٌ[4] روزِ یکشنبہ بر چوبِ زیتون با وضو بنویسد و در گردن اندازد. حق سبحانہٗ و تعالیٰ او را قدرت دہد کہ بسیر برّ و بحر روزی گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ افضل الدین کاشی، مصنّفِ منہاج مبین و مدارج الکمال و رہ انجام در علم سلوک، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ وَ اِذْ قَالَ الْحَوَارِیُّوْنَ تا وَ اَنْتَ خَیْرُ الرّٰزِقِیْنَ[5] روزِ جمعہ بر کاسۂ چوبین بنویسد، و بہ آبِ دریای روان بشوید، و در خانہ بیفشاند پیش از برآمدنِ آفتاب، و اگر پارۂ آن بیاشامد، روزی بر او کشادہ گردد، و از غم خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۵، ۸۹. ۲- ایضاً: ۵، ۹۰ تا ۹۹. ۳- ایضاً: ۵، ۹۴. ۴- ایضاً: ۳۸، ۱۹.
۵- ایضاً: ۵، ۱۱۲ تا ۱۱۴.

وبرکت او را روزی نماید، و از سختی گرسنگی وتشنگی خدای تعالیٰ نگاه دارد او را. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ناصر (الدین) بن شیخ محمد بن حیدر رمال شیرازی، کہ صاحب نہایۃ العقول و غایۃ الاصول در علم رمل او است. قدس اللہ سرہ. منقول است: ہر کہ اَلۡحَمۡدُ لِلّٰہِ الَّذِیۡ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضَ تا یَعۡدِلُوۡنَ[1] کہ در سورۃ الانعام است، ہر بامداد ہفت بار بخواند، و بر دست بدمد، و آن دست را بر تمام بدن بگرداند، از رنجہای گران خدای تعالیٰ او را نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ الاسلام (شیخ) سیف الدین شہید ہروی احمد بن یحییٰ بن محمد بن سعد الدین (مسعود بن عمر) التفتازانی، کہ بر کتب متداولہ حواشی مشہورہ دارد، قدس اللہ سرہ منقول است: ہر کہ وَلَہٗ مَا سَکَنَ فِی الَّیۡلِ وَ النَّہَارِ وَ ہُوَ السَّمِیۡعُ الۡعَلِیۡمُ[2]، روز شنبہ نود بار بخواند، غضب سلطان وغیرہ دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مخدوم شیخ عبدالنبی، (گنگوہی) صاحب مدح مشہور، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ وَ اِنۡ یَّمۡسَسۡکَ بِضُرٍّ تا حَکِیۡمُ الۡخَبِیۡرُ[3] شب چہار شنبہ و شب پنج شنبہ [۲۱ ب] و شب آدینہ ہشتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از جملہ ضررہا نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالفضل بن (شیخ) مبارک، مؤلف تفسیر فاتحہ و آیت الکرسی و آیۃ اِنَّا فَتَحۡنَا، و عیار دانش، کہ مشہور بہ کلیلہ و دمنہ است، و اکبر نامہ وغیرہا. قدس اللہ روحہ، منقول است: اِنَّمَا یَسۡتَجِیۡبُ الَّذِیۡنَ یَسۡمَعُوۡنَ تا یُرۡجَعُوۡنَ[4] ہر کہ سہ روز روزہ دارد، و روزہ بر عسل و شیر بگشاید، و چون نیمہ از شب بگذرد، (این) آیت بقلم مس بر کف دست بنویسد، و بہ زبان بلیسد، عیب ہا از وجود او برود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ احمد عبدالحق، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ وَلَوۡ شَآءَ اللّٰہُ تا اَکۡثَرَہُمۡ لَا یَعۡلَمُوۡنَ[5] بعد از نماز تہجد صد بار بخواند، معرفت خدای تعالیٰ نصیب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عارف بن شیخ احمد عبدالحق، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ فَلَمَّا نَسُوۡا مَا ذُکِّرُوۡا بِہٖ تا رَبِّ الۡعٰلَمِیۡنَ[6] روز پنج شنبہ بر طشتی مسین بنویسد، و بہ آب زیرہ بشوید، و از خفتن تا صبح بگذارد، و

۱- القرآن الحکیم: ۶: ۱۔ ۲- ایضاً: ۶: ۱۳۔ ۳- ایضاً: ۶: ۱۷، ۱۸۔ ۴- ایضاً: ۶: ۳۶۔ ۵- ایضاً: ۶: ۱۱۱۔ ۶- ایضاً: ۶: ۴۴، ۴۵۔

آن گاه در خانه بیفشاند، کیک و پشّه دفع گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا عبدالحکیم بن شمس الدّین سیالکوٹی، کہ بہ طرفِ ملتان است، صاحبِ حواشیِ مشهوره برکتبِ متداوله منها حاشیه بر حاشیهٔ خیالیہ و بر قطبی و بر بیضاوی و بر شرحِ مطالع و بر اصفهانی و بر مطول وغیرها، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: هر که وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ تا اَسْرَعُ الْحَاسِبِيْنَ[1]، وقتِ کارِ خیر بر برنجِ خام سه بار خوانده بدمد، و آن را در برنجِ بسیار بگرداند، برکت در آن بسیار افتد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فرید (الدّین مسعود) شکر گنج، کہ رسالهٔ خلاصة العارفین، کہ دران حکایات مخدوم شیخ بهاء الدّین زکریا و سلطان سیّد جلال بخاری اچّی (آورده)، تصنیف کرده است، قدّس اللہ سرّہُ العزیز، منقول است: هر که وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ تا اَسْرَعُ الْحَاسِبِيْنَ[2] وقتِ خفتن سه بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ غیبی ببیند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر روزِ یکشنبه با وضو آیاتِ مذکوره[3] بنویسد، و سه بار روز بر بازوی راست بندد، بعد ازان جدا کند، هرکس او را ببیند، سخنِ او غریب و عزیز دارد، و دنیا و دولت نیز حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ رکن الاسلام (محمد بن ابی بکر المعروف به امام زاده الحنفی) کہ شرعة الاسلام تصنیفِ اوست، قدّس اللہ سرّہ العزیز، منقول است: هر که قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ[4] روزِ پنج شنبه با وضو بر کاغذِ سفید بنویسد، و در دستار یا در گلو ببندد، در حضر و سفر از جمله بلاها ایمن باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد یعقوب بن سیّد علی، کہ مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان شرحِ شرعة الاسلام، تألیفِ او است، قدّس اللہ مرقدہٗ، منقول است: قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ[5]، هر که در کشتی باشد، و کشتی در غرقاب افتد، این آیت بنویسد و به دریا [۲۲ الف] اندازد، خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) طیّب شارحِ مشکوٰة و کشّاف وغیرها، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: قُلْ اَنَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ تا لِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ[6]، اگر بنده بگریزد، و یا شخص دزدی کند، این آیت بنویسد، چنانچه هیچ آدمی نبیند، و نامِ دزد و بنده بر آن بنویسد، و در جای دفن کند، دزد زود پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ، و اگر بنده باشد، نیز پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱ و ۲ و ۳- القرآن الحکیم: ۶: ۵۹ تا ۶۲. ۴ و ۵- ایضاً: ۶: ۶۴. ۶- ایضاً: ۶: ۷۱.

و از حضرت (عثمان بن علی، الزیلعی (فخر الدّین)، که تبیین الحقایق شرح کنز الدّقایق تصنیف او است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که آیتِ مذکوره قُلْ اَنَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ تا لِرَبِّ الْعَالَمِیْنَ[1] روزِ یکشنبه به مشک و زعفران بنویسد و به آبِ چاه بشوید و بیاشامد، دشمن مقهور گردد، و او بر دشمن غالب گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (میر) سیّد صدر الدّین بن میر سیّد غیاث الدّین منصور شیرازی[2]، صاحب حواشی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که وَلَوْ تَرٰۤى اِذِ الظّٰلِمُوْنَ تا مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ[3] روزِ یکشنبه پیش از برآمدنِ آفتاب به قلمِ درخت اراک بنویسد بر سه عدد ورقِ سفید، (و) ازان یک ورق در آب نهد، دوّم در زمین نهد، (و) سیوم در دیگدان نهد، همهٔ دشمنان هلاک شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت میر (سیّد) غیاث الدّین منصور بن میر (سیّد) صدر الدّین شیرازی[4] صاحب حواشی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اِنَّ اللّٰهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوٰى تا آخرِ (آیت)[5] روزِ پنج شنبه بر طشتِ پاک بنویسد به مشک و زعفران و کافور، و بر درختِ میوه دار افشاند، حق سبحانهٗ و تعالیٰ دران برکت بسیار دهد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد اسمٰعیل جرجانی متطبّب، صاحب ذخیرهٔ خوارزم شاهی و یادگار و اغراض در علم طب وغیره، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که فَالِقُ الْاِصْبَاحِ تا يَعْلَمُوْنَ[6] روزِ پنج شنبه بر ورقِ سفید بنویسد و با خود نگاه دارد، و بکشتی نشیند، خدای تعالیٰ او را از غرق شدن نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عصام الدّین ابراهیم اسفراینی که بر شرح عقاید و شرح وقایه و شرح ملّا و قطبی و بیضاوی وغیرها حاشیه دارد، و بر شمایل حدیث و کافیه و تلخیص وغیرها شروح نوشته، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این آیاتِ مذکوره فَالِقُ الْاِصْبَاحِ تا يَعْلَمُوْنَ[7] روزِ چهار شنبه بر نگینِ انگشتری نقش کند در ساعتِ سیوم، و در دست اندازد، هر حاجتی که از خدای تعالیٰ بخواهد، حاصل شود، و روزیِ (او) فراخ شود. انشاء الله تعالیٰ، و بر چشمِ خلایق عزیز باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت میر ابو القاسم بن میر عبد الباقی، که حاشیهٔ مطوّل و بیضاوی و فرایض تصنیف او است، قدّس الله سرّهُ العزیز، منقول است: [۲۲ب] هر که هُوَ الَّذِیْۤ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ تا لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ[8] روزِ

۱- القرآن الحکیم: ۶، ۷۱. ۲- د برگ ۲۲ ا، ب برگ ۲۷ ب و ج برگ ۲۶ ب "سیّد غیاث الدّین منصور" برای "سیّد غیاث الدّین منصور" رک حاشیه ۴. ۳- القرآن الحکیم: ۶، ۹۳ و ۹۴. ۴- برای "سیّد صدر الدّین محمد" رک ص ۴۸.
۵- القرآن الحکیم: ۶، ۹۵. ۶ و ۷- ایضاً: ۶، ۹۶ و ۹۷. ۸- ایضاً: ۶، ۹۹.

شنبہ در اوّلِ ساعت برچوبِ خرما بنویسد، و درچاہ اندازد کہ در باغ یا در کشت باشد. خدای تعالیٰ برکت درمیوہ و درکشت بسیار دہد، و از شرِ دیو و پری و (از) شرِ (حیوانات) موذی نگاہ دارد. و (بر) ہر درختی کہ ازان آب رسد، برکت درآن میوہ بسیار پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ منور بن (شیخ) عبدالمجید کہ تفسیر دُرّ التنظیم فی ترتیب الآی و السّور الکریم و شرحِ طوالع نوشتہ، و تفسیر فارسیِ بحرِ مواج را ترجمۂ عربی نمودہ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ ھُوَ الَّذِیْ اَنْشَاَ جَنّٰتٍ تا لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِیْنَ[1] روزِ یکشنبہ بعد از نمازِ ظہر برچوبِ زیتون بنویسد و در بوستان دفن کند. حق تعالیٰ میوۂ آن بوستان از آفت نگاہ دارد، و درآن برکت نیز بسیار پدید آید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) فخر الدّین قاضی خان، کہ فتاوی قاضی خان و جامع کبیر و صغیر در علم فقہ تصنیفِ او است، قدس اللہ روحہ، منقول است: ہر کہ آیۂ مذکورہ ھُوَ الَّذِیْ تا لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِیْنَ[2] بر پوستِ بُزِ دباغت کردہ بنویسد، (و) برگردنِ گوسفند ببندد، حق سبحانہٗ تعالیٰ آن گلّہ را از آفت نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ و در شیرِ او زیادتی افتد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ طاہر بن شیخ احمد بن شیخ عبدالرشید بخاری، صاحب خلاصۃ الفقہ، قدس اللہ سرہٗ. منقول است: ہر کہ الٓمّٓصٓ تا قَلِیْلًا مَّا تَذَکَّرُوْنَ[3] کہ در سورۃ الاعراف است، روزِ پنج شنبہ بر کاغذِ سفید نقش کند، و در زیرِ نگینِ انگشتری نقرہ پنہان سازد. کارِ بندگان خدای تعالیٰ بحوالہٗ او کند کہ بہ برکتِ آن مقصود حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالجلیل بن محمد الحافی کہ مصنفِ منافع المسلمین و شرحِ فارسی مختصر وقایہ و جامع المسایلِ صرف او است، قدس اللہ مرقدہٗ، منقول است: ہر کہ وَلَقَدْ مَکَّنّٰکُمْ تا تَشْکُرُوْنَ[4] روزِ جمعہ پیش از نمازِ جمعہ بنویسد بر جامِ آبگینہ و (بہ آبِ چاہ) بشوید، و باز خورد، روزی بروی فراخ گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی حمید اللہ ناگوری، صاحب طوالع الشموس در شرحِ اسماءِ حسنیٰ[***]، قدس اللہ سرہٗ. منقول است: یٰبَنِیْ اٰدَمَ تا آخرِ آیت[5] ہر کہ روزِ پنج شنبہ در اوّلِ ساعت جامۂ نو پوشد، و دو رکعت نماز

۱و۲- القرآن الحکیم: ۶: ۱۴۱. ۳- ایضاً: ۷: ۱تا۳. ۴- ایضاً: ۷: ۱۰. ٭٭٭- د برگ ۲۲ ب، ب برگ ۲۹ د، ج برگ ۲۷ ب "تاریخ طوالع الشموس و شرحِ اسماءِ حسنیٰ".

۵- القرآن الحکیم: ۷: ۲۶.

بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سورهٔ اخلاص سه بار، (و) بعد از سلام بنویسد آیت مذکور[1] در کاسهٔ نو، و بشوید به آبِ باران یا به آبِ دریای روان، (و) بخورد. حق سبحانهٔ و تعالیٰ توبهٔ او قبول کند، و هر دعائی که کند مستجاب شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت قاضی شهاب الدین عمر زابلی که مناقب السادات تصنیف او است، قدس الله سرّه، منقول است: هر که خُذُوا [۱۲۳] زِیْنَتَکُمْ تا آخر[2] به آبِ انگورِ سفید و زعفران بنویسد در کاسهٔ چینی، و به آب چاه بشوید، و بخورد، از زهر امین شود و شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالرحمن صوفی منجّم، صاحب صورة الکواکب، قدس الله سرّه، منقول است: هر که آیتِ مذکوره خُذُوا زِیْنَتَکُمْ تا آخر[3] به آبِ انگور و زعفران در کاسهٔ چینی بنویسد، و به آب دریا بشوید، کسی را که مار و عقرب گزیده باشد، دران بمالد. درد بنشیند (انشاء الله تعالیٰ)، و اگر بر جمالِ خود بمالد، سحر باطل شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت مخدوم الملک شیخ الاسلام مولانا عبدالله سلطان پوری، که بر شرح ملّا حاشیه دارد، منقول است: هر که قَالَ ادْخُلُوْا فِیْٓ اُمَمٍ تا لَا تَعْلَمُوْنَ[4] روزِ سه شنبه بر پوستِ بزِ غالهٔ سُرخ به هر قلم که باشد (بنویسد)، و آن را در خانهٔ آن کس دفن کند، زود دوست شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت میران سید محمد قادری، مرید (و) خلیفهٔ شیخ وجیه الدین گجراتی، قدس الله سرّه، منقول است: هر که وَنَزَعْنَا مَا فِیْ صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تا بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ[5] روزِ یکشنبه صد بار بر شیرینی بخواند و به محبوب بدهد، محبوب به دوستی و اخلاص مبدل گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید شیخ صبغة الله شطاری، خلیفهٔ شیخ وجیه الدین گجراتی، قدس الله روحهٔ، منقول است: هر که آیتِ مذکوره وَنَزَعْنَا مَا فِیْ صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تا تَعْمَلُوْنَ[6] در کاسهٔ سفید که آب نرسیده باشد، به مشک و زعفران بنویسد، و به آب چاه بشوید، و بیاشامد، درد دل ساکت شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ملّا عبدالعلی برجندی، که شرح زیج اُلغ بیگی و تذکرهٔ هیئت و شمسیهٔ حساب و مختصر وقایهٔ فقه تصنیف او است، قدس الله سرّه، منقول است: هر که اَفَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰی تا الْخٰسِرُوْنَ[7]

۱- القرآن الحکیم: ۷، ۲۶. ۲ و ۳- ایضاً: ۷، ۳۱. ۴- ایضاً: ۷، ۳۸. ۵ و ۶- ایضاً: ۷، ۴۳.
۷- ایضاً: ۷، ۹۷ تا ۹۹.

روزِ یکشنبه در کاسهٔ نو بنویسد، و به آبِ دریای روان بشوید، و در خانه بیفشاند، مار و عقرب و حیواناتِ موذی ازان خانه بروند. انشاء اللہ تعالیٰ.

(و از حضرت) شیخ شرف الدّین بخاری، صاحبِ نامِ حق، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که وَ اِمَّا يَنْزَغَنَّكَ تا فَاِذَا هُمْ مُّبْصِرُوْنَ[1] روزِ جمعه نزدیکِ برآمدنِ آفتاب بنویسد بر هفت پاره کاغذ، و هر روز یک فرو برد، (و) به قطرهٔ آب بیاشامد وسوسه و خیالاتِ فاسد، و زحمت و دغدغهٔ دیگر دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت بدیع الدّین (ملقب به) شاه مدار، قدّس اللہ سرّہ العزیز، منقول است: هر که يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ تا اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ[2] که در سورة الانفال است، بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، علمِ ظاهری و باطنی کشف شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی محمودِ گنتوری که رسالهٔ ایمانِ محمودی تألیفِ او است، مریدِ شاه مدار، قدّس اللہ سرّهما، منقول است: هر که يَسْئَلُوْنَكَ [۲۲ب] عَنِ الْاَنْفَالِ تا اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ[3] روزِ دو شنبه بر نانِ جَو که بی نمک پخته باشد، بنویسد، و بخورد، دل سیاهش روشن شود، و هر چه خواند یا بشنود، یاد شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فخر الدّین زرادی، مریدِ شیخ نظام الدّین اولیا، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: وَاِنْ يُّرِيْدُوْٓا اَنْ يَّخْدَعُوْكَ تا مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ[4] هر که از شرِّ پادشاهِ ظالم بترسد، یا از دیو (به او) زحمت رسیده باشد، یا در دستِ ظالمی یا دشمنی گرفتار باشد، آیاتِ مذکوره با وضو روزِ جمعه وقتِ نمازِ پیشین بر جامهٔ سرخ یا بر جامهٔ سبز یا بر جامهٔ سفید بنویسد، و بر سر نهد، هر کس که او را ببیند، ازو بترسد، و محبّتِ او در دلش پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ علی پرودهی بن احمد شارحِ نصوصِ شیخ صدر الدّین قونوی، قدّس اللہ سرّهما، منقول است: هر که وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ تا عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ[5] روزِ یکشنبه بر انگشتریِ نقره بنویسد، و در انگشت کند، بر دشمن ظفر یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۷: ۲۰۰ و ۲۰۱. ۲ و ۳۔ ایضاً: ۸: ۱، ۲. ۴۔ ایضاً: ۸: ۶۲ تا ۶۴. ۵۔ ایضاً: ۸: ۱۰.

و از حضرت مولانا علم الدین شرف جہان، کہ بر فصوص شیخ ابن عربی حاشیہ (و) خلاصۂ چہل شرح نوشتہ است۔ قدس اللہ سرہٗ منقول است: ھر کہ الآن خَفَّفَ اللّٰہُ عَنْکُمْ تا مَعَ الصّٰبِرِیْنَ[1] بعد از نمازِ جمعہ ھفت بار ھر روز بخواند تا جمعۂ دیگر. ترس و خوف از دلِ او زایل شود. انشاء اللہ تعالیٰ

و از حضرت شیخ عبداللہ صوفی شطاری، صاحب سراج السالکین، مرید شیخ محمد غوث، قدس اللہ سرہٗ. منقول است: ھر کہ یُرِیْدُوْنَ تا وَلَوْ کَرِہَ الْمُشْرِکُوْنَ[2] روزِ یکشنبہ بر کاسۂ چینی بسیاہی بنویسد، و وقتِ نوشتن عود و عنبر بسوزاند، و بر روغنِ زنبقِ خالص بشوید، و در شیشہ نگاہ دارد، (و) گاہ گاہ از آن روغن (بر) دست و پیشانی مالد. ھر جا کہ رود، با عزّت و حرمت باز آید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ الامام العلاّمہ احمد بن علی الساعاتی، صاحب مجمع البحرین در علمِ فقہ، قدس اللہ سرہٗ منقول است۔ ھر کہ آیاتِ مذکورہ یُرِیْدُوْنَ تا وَلَوْ کَرِہَ الْمُشْرِکُوْنَ[3] کہ در سورۃ التوبہ است، بہ مشک و زعفران بنویسد. بر پوستِ آھو، و آن را در بازوی راست بندد، ھمین فضیلت یابد کہ بالا مذکور است. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت سیّد ھبت اللہ حسنی الحسینی مشہور بہ شاہ میر، مصنّفِ اسنی الکواشف فی شرح المواقف، و شرحِ فارسیِ مقالۂ ھیئت ملا علی قوشچی وغیر آن، قدس اللہ روحہٗ، منقول است، ھر کہ وَلَوْ اَرَادُوا الْخُرُوْجَ تا مَعَ الْقٰعِدِیْنَ[4] روزِ سہ شنبہ بر پارۂ جامہ بنویسد، و در خانہ یا در جائی کہ ھیچ کس نباشد، بنہد، و بر آن میخ آھنین بزند، و پارۂ خاک بر آن افشاند، دزد و گریختہ پیدا شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت میر سیّد اشرف جہانگیر سمنانی، کہ لطایفِ اشرفی [۱۴۰] تصنیفِ او است، مریدِ مخدوم سیّد جلالِ جہانیانِ جہانگشت، قدس اللہ سرہ العزیز، منقول است: ھر کہ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰہُ لَآ اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ عَلَیْہِ تَوَکَّلْتُ وَھُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ[5] شبِ جمعہ نیمہ آخر سی نوبت بخواند، و پسِ ھر نمازی نیز یک بار بگوید: یا رب انت حسبی! دلِ فلان بن فلان بر من مہربان گردان! زود دلِ آن کس برو مہربان شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۸، ۶۶. ۲ و ۳۔ ایضاً: ۹، ۳۲ و ۳۳. ۴۔ ایضاً: ۹، ۴۶. ۵۔ ایضاً: ۹، ۱۲۹.

و از حضرت سلطان فیروز شاه تغلق، پادشاهِ دهلی، که کتابِ «فتوحاتِ فیروزشاهی» تصنیفِ او است، و شاگرد و مرید مخدوم سید جلالِ جهانیانِ جهانگشت است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است که من شنیدم از پیرِ خود مخدوم جهانیان که هر که آیۂ مذکور فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰہُ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ عَلَیْہِ تَوَکَّلْتُ وَھُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ[1] ده روز و ده شب هر روز و هر شب نو بار بخواند، هر مقصودی که دینی و دنیوی باشد، حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و تمامِ خلقِ شهرِ دهلی و خلقِ شهرهای دیگر همه مریدِ مخدومِ جهانیان بودند، و مخدوم سید جلالِ جهانیان قدمِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم، و کچکولِ امیر علی، کرّم الله تعالیٰ وجهه، را باذن حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم از مدینه در شهرِ دهلی آورد، و مسجدِ جامعِ کلان و حجرۂ مخدوم در دهلی بنا ساخت باذنِ حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، و قدم و کچکول تا این زمان هم هست.

و مخدوم جهانیان تمامِ عالم از مشرق تا بمغرب باذنِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم، سیر کردی، و روزِ عید بعد از نمازِ عیدِ اضحی سنۂ خمس و ثمانین و سبعمایة[2] (۷۸۵ھ) در اُچّ بخاریان از دار الفنا بدار البقا رحلت فرمود، قدّس الله تعالیٰ سرّهٗ و روّح روح اسلافه و اخلافه نزدیکِ روضۂ جدِّ خود سلطان سید جلال بخاری، قدّس الله سرّهٗ، آسوده.

و از حضرت سید عبدالله علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی که جامع العلوم در ملفوظاتِ حضرتِ مخدومِ جهانیان (جهانگشت) تصنیفِ او است، و تصنیف تمام کرده شبِ جمعه بوقتِ تهجّد بیستم شهرِ رمضان سنه احدی و ثمانین و سبعمایة من الهجرة (۷۸۱ھ) مریدِ حضرتِ سلطان العارفین، کعبة الواصلین، مرّبی الصادقین، قطب العالمین، سید المشایخین جلال الحقّ و الشّرع و الدّین مخدوم سید جلال جهانیانِ جهانگشت، نفع الله المسلمین بطول بقائک و نوّرنا بنور لقائک فی الدارین، قدّس الله سرّهٗ، منقول است که من شنیدم از پیرِ خود مخدوم جهانیان که هر که بر سرِ نُه بار آیتِ مذکور فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰہُ لَا اِلٰہَ اِلَّا ھُوَ تا وَھُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ[3] بخواند، و آن

۱- القرآن الحکیم: ۹: ۱۲۹. ۲- د برگ ۲۲۷ الف، ب برگ ۱۳۱ و ج برگ ۱۳۰ الف: «سبع و تسعین و سبعمائة» (۷۹۷)، رک حاشیه ص ۱.
۳- القرآن الحکیم: ۹: ۱۲۹.

را در سرمه دانی نگاه دارد، و هر روز یک بار در چشم اندازد، غیب عالم را [۲۲ب] ببیند و کشفِ اسرارِ حکمتِ الهی حاصل شود، و عجایب و غرایبِ بی شمار نصیب گردد. انشاء الله تعالی.

و منافعِ سُرمه ده است: روشنائی چشم، و دفعِ موی زیاده در چشم، و دفعِ غم و اندوه، و دفعِ بلغم. و روی نیکو شود، و دندان ها سخت گردد، و آبِ دهن برود، و عقل زیاده شود، و زبان راست گویان شود، و قوتِ باه زیاده شود.

و سرمه سُنتِ پیغمبرانِ علیهم و آلهم الصلوٰة والسلام است.

و از حضرت شیخ فضل الله بن ضیاء الدّین العباسی، که "اورادِ عظیم" که دران چهار صد و هشتاد ورق است کلان بر تحقیقِ امیر عثمان (رضی الله تعالیٰ عنه) باذنِ استادِ خود و پیر دو، مرشد الکامل المکمل، الواصل الموصل الی الله الغنی ابو عبد الله جلال الدّین حسین بخاری، مخدوم جهانیانِ جهانگشت، تصنیف کرده است، قدّس الله سّرہٗ. منقول است که من شنیدم فی التاریخ الخامس عشر من شهر رجب سنۂ احدی و ثمانین و سبعمایة (۷۸۱ھ) از پیر و مرشدِ خود مخدوم سیّد جلال جهانیانِ جهانگشت قدّس الله مرقدهٗ که هر که دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] یک بار آیت فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ؕ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ[2] و سه بار سورة الاخلاص[3] (و) بعد از سلام سر بسجده نهد، و هفت بار آیهٔ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ؕ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ[4] بخواند، خدای تعالیٰ او را بیامرزد، گناهانِ قدیم و جدید، پنهان و آشکارا، و هیچ بلا گردِ او نگردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ[12] ضیا شهاب نصیر کمال که کتاب کنز المعرفة که دران پنج باب و بیست و سه فصل است، فی التاریخ هفتم ماهِ رمضان المبارک[5] تصنیف شروع کرده و در آخرِ ماهِ رمضان با تمام رسانید سنه اثنی و سبعین و سبعمایة (۷۷۲ھ) من الهجرة النّبی صلی الله علیه و آله وسلّم، و در زمانهٔ پادشاه ابوالمظفر فیروز شاه (تغلق)، که مرید و شاگردِ قطب العالم مخدوم سیّد جلال جهانیانِ

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۹، ۱۲۹. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۹، ۱۲۹. ۱۲۔ و برگ ۲۴ ب، ب برگ ۲۲ و د ج برگ ۳۰ ب نام "شیخ فضل الدّین ضیا العباسی" با "ضیاء شهاب نصیر کمال" مکرر آمده. ۵۔ و برگ ۲۲ ب، ب برگ ۳۲ و د ج برگ ۳۱ سال آغاز کتاب ندارد.

جهانگشت بود، (قدّس اللہ سرّہٗ) منقول است که فقیر نیز از پیر و مرشدِ خود قطب العالم، کاشف اللّوح والقلم مخدوم جهانیانِ جهانگشت شنید که هر که فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تا وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ[1] در کاسهٔ چینی بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و مریض را بخوراند. شفا یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید یوسف محمد مریدِ مخدومِ جهانیانِ جهانگشت که رسالهٔ سوال و جوابِ مخدوم (سید جلال جهانیانِ جهانگشت) تصنیف کرده، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است که من شنیدم از پیرِ خود مخدومِ جهانیانِ (جهانگشت)، که هر که آیتِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ تا وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ[2] بعد از نمازِ خفتن شبِ دوشنبه هفتاد بار بخواند، دولتِ دو جهانی و نعمتِ جاودانی حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و در کتابِ کنز الانوار تصنیفِ سید یوسف بن سید احمد ماوراء النهری، قدّس اللہ سرّہٗ، نوشته است که از حضرت مخدومِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللہ سرّہٗ، دوازده [۱۲۵و][3] کرور و چهارده لک و سیزده هزار (۱۲۱۴۱۳۰۰۰) مریدان و شاگردان بودند که به نظرِ شفقتِ مخدومِ جهانیان عالم و زاهد و عابد و قطب شدند، و دیگر مریدان و شاگردان نیز بسیار بودند که عالم و خداشناس شدند، و راه نمونی بدیگران کردند.

و از حضرت مولانا فرید الدّین عالم دهلوی مصنّفِ فتاوی تاتارخانی، قدّس اللہ مرقدہٗ، منقول است: هر که الٓمّٓرٰ تِلْكَ اٰیٰتُ الْكِتٰبِ تا اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ[4] که در سورهٔ یونس است، در سه روز ایامِ بیض از ماهِ شعبان روزه دارد، و نمازِ شام بگزارد، و روزه به نانِ جو یا سرکه و سبزی بگشاید، و روی به قبله بنشیند، و ذکرِ خدای تعالیٰ کند تا به نمازِ خفتن، و نمازِ خفتن بگزارد، و تسبیح و تهلیل بگوید، آن گاه آیاتِ مذکوره[5] به مشک و زعفران بنویسد بر کاغذِ سفید، و آن را زیرِ سر نهد، و به خواب رود، چون صبح شود، از خواب برخیزد، و نماز بگزارد، و آن را بردارد، و به میانِ خلق رود که مراد حاصل شود، و زبانِ خلق بر او بسته گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو الحسن القریشی المکّی المتطبّب صاحبِ کتابِ موجز القانون و شرحِ قانون الشّفاء وغیرها، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: وَ اِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ حَتّٰی تا مَا كَانُوْا یَعْمَلُوْنَ[6] هر کس را دردِ پهلو یا دردِ پای باشد و هیچ کس مداوا نتواند کرد، این آیت بر کوزهٔ نو بنویسد به مداد، و به روغن بشوید و گرم کند، آن گاه این روغن بمالد، از درد شفا یابد و به شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱ و ۲۔ القرآن الحکیم: ۹: ۱۲۹۔ ۳۔ و برگ ۱۲۵ ا، ب برگ ۳۲ ب و ج برگ ۱۳۱ ب: "مرید الدّین".
۴ و ۵۔ القرآن الحکیم: ۱۰: ۱ تا ۳۔ ۶۔ ایضاً: ۱۰: ۱۲۔

و از حضرت شیخ علی حکیم اقسرائی، کہ شرحِ موجز القانونِ طب، و شرحِ لباب الاعراب تصنیفِ اوست، قدس اللہ روحہ، منقول است: فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ[1]، ہر کہ روزِ یکشنبہ ہفت ورق از درختی کہ میوہ دار نباشد، بستاند، و آیاتِ مذکورہ بر آن بنویسد، و آن را بہ آبِ دریا یا بہ آبِ چاہ بشوید، و بر سر ریزد کہ مجموعِ سحر باطل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ احمد بن عبد الاحد سرہندی نقشبندی، مرید شیخ شہاب الدین[2] سہروردی صاحبِ عوارف المعارف قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ قُلْ مَنْ يَّرْزُقُكُمْ تا اَفَلَا تَتَّقُوْنَ[3] بر پوستِ میوۂ شیرین بنویسد، و بر بازوی زنی بندد کہ سخت زاید، سہل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابن الحجر قسطلانی کہ فتح الباری شرحِ صحیح بخاری و مواہب لدنیہ تصنیفِ او است، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ آیتِ مذکورہ[4] قُلْ مَنْ يَّرْزُقُكُمْ تا اَفَلَا تَتَّقُوْنَ[5] بر لوحی از نقرہ بنویسد، و در آب اندازد، و آن آب گرم کند، و قطرہ در گوش چکاند، در دِ گوش ساکت شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مرزا غازی عراقی کہ بر دوازدہ مقالہ از کتاب مجسطی ہیئت شرحی مفید نوشتہ، قدس اللہ سرہ منقول است: (۲۵ ب) ہر کہ آیتِ مذکورہ قُلْ مَنْ يَّرْزُقُكُمْ تا اَفَلَا تَتَّقُوْنَ[6] بر کرپاس بنویسد، و بر خود بندد، روزی فراخ شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی محمد شریحی، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَتْكُمْ تا يَجْمَعُوْنَ[7] روزِ یکشنبہ در کاسۂ چینی بنویسد، و بہ آبِ باران بشوید، و در آن قدری شکر حل کند و بخورد، از دردِ شکم خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ منوّر بن شیخ نور اللہ (از اولادِ قاضی مذکور)، قدس اللہ سرہ منقول است: ہر کہ وَاِنْ يَّمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ تا وَهُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ[8] روزِ دوشنبہ در کاسۂ سفید بنویسد، و بہ آبِ دریای روان بشوید، و بہ نہار بخورد، از رنج و بلا خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوبکر بن شیخ اسحاق کلابادی، صاحب تعرّف فی التصوّف، قدس اللہ تعالیٰ روحہ، منقول

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۰: ۸۰ و ۸۱. ۲۔ در این جا در ضمن بیانِ ارادتِ شیخ احمد بن عبد الاحد سرہندی نقشبندی (متوفی ۱۰۳۴ھ) با شیخ شہاب الدین سہروردی (متوفی ۶۳۲ھ) اشتباہِ بزرگی بہ مؤلفِ کتابِ حاضر رخ دادہ است. شیخ احمد سرہندی معروف بہ "مجدد الف ثانی" مریدِ خواجہ باقی باللہ (متوفی ۱۰۱۲ھ) بودہ است. ۳، ۴، ۵ و ۶۔ القرآن الحکیم: ۱۰: ۳۱. ۷۔ ایضاً: ۱۰: ۵۷ و ۵۸. ۸۔ ایضاً: ۱۰: ۱۰۷.

است : الٓرٰ قف کِتٰبٌ اُحْکِمَتْ اٰیٰتُہٗ تا وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ[1] کہ در سورۃ الهود است، هرکہ خواہد کہ علم و حکمت بر من آسان گردد، و کشف شود، شبِ دوشنبہ بامداد آیاتِ مذکورہ برکف دست بنویسد، و بلیسد، دلِ او روشن شود، و علم و حکمت کشف شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو ابراہیم اسمٰعیل بن محمد البخاری شارح تعرف و شاگردِ شیخ ابوبکر مذکور، قدس اللہ سرہ، منقول است: هرکہ وَ قَالَ ارْکَبُوْا تا لَغَفُوْرٌ الرَّحِیْمٌ[2] روزِ پنج شنبہ بر تختۂ عاج بنویسد و آن را در خانہ نگاہ دارد. خدای تعالیٰ جملہ اہلِ آن خانہ را از همۂ بلاها نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرتِ شیخ ابن الفارض حموی مصری صاحب قصیدۂ تائیۂ نظم السلوک وغیرها، قدس اللہ سرہ، منقول است: هرکہ اِنِّیْ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰہِ رَبِّیْ تا عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ حَفِیْظٌ[3] شبِ سہ شنبہ بعد از نمازِ عشا نود بار بخواند، خدای تعالیٰ (او را) از شرِّ دشمنان و از شرِّ سلطان ایمن دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملا صادق حلوائی کہ شرح بر عضدیہ و آداب البحث و حاشیہ بر شرحِ ملا و بر بدیع المیزان و بر شرحِ عضدیہ خود دارد، قدس اللہ سرہ، منقول است: هرکہ آیاتِ مذکورہ اِنِّیْ تَوَکَّلْتُ تا حَفِیْظٌ[4] بر پوستِ آهو بنویسد، و در گردنِ طفل بندد، خدای تعالیٰ او را از جملہ بلاها نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا فخر الدین سماک الحسینی کہ بر شرحِ هدایۂ حکمت حاشیہ دارد، و رسالۂ آداب المناظرہ تألیفِ وی است، قدس اللہ سرہ العزیز، منقول است: وَقَالَ الْمَلِکُ ائْتُوْنِیْ بِہٖ اَسْتَخْلِصْہُ لِنَفْسِیْ تا اَجْرَ الْمُحْسِنِیْنَ[5] کہ در سورۂ یوسف است: هرکہ از عمل معزول شدہ باشد، و عمل خواهد، باید کہ روزِ پنج شنبہ و جمعہ روزہ دارد. اوّل روز میانِ پیشین آیاتِ[6] مذکورہ هفتاد بار بخواند، و چون افطار کند سورۂ یوسف[7] تمام یک بار بخواند، و بعد از نمازِ خفتن نیز سورۂ یوسف[8] یک بار بخواند. و بہ خواب [۱۲۶ ا] رود، و هرچہ کردہ باشد و خواهد شد، در معاینہ بیند. خدای تعالیٰ (او را) عملِ نیکی در عالم دهد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر خواندنِ سورہ و آیات نداند، پس بنویسد، و بزیرِ سر نهد، نیز مقصود حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملا مصلح الدین لاری کہ بر شمایل النبی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم و بر فارسیۂ هیئت شرحِ فارسی و بر شرحِ ملا حاشیہ نوشتہ، قدس اللہ سرہ، منقول است: هرکہ سورۂ یوسف[9] سیزدہ بار بر روز

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۱: ۱تا۴۔ ۲۔ ایضاً: ۱۱: ۴۱۔ ۳ و ۴۔ ایضاً: ۱۱: ۵۶ و ۵۷۔ ۵ و ۶۔ ایضاً: ۱۲: ۵۴تا۵۶۔ ۷، ۸ و ۹۔ ایضاً: ۱۲۔

بخواند، ایمان او سلامت باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محی الدین محمد بن علی العربی الطائی الحاتمی الاندلسی مشهور به شیخ ابن العربی و خاتم الولایة مرید شیخ ابومدین مغربی، قدس الله سرهما، که فصوص الحکم و فتوحات مکیه و حلیة الابدال و اسرار الخلوة و دایره و تفسیر وغیر آن که از پانصد زیاده است. منقول است: تَاللّٰهِ تا اَتُونِیْ بِاَهْلِکُمْ اَجْمَعِیْنَ[۱] هر که روز یکشنبه این آیات[۲] بر جام آبگینه به مشک و زعفران بنویسد، و به آب باران یا به آب دریای روان بشوید، و در سرمه سحق کند، چون خشک شود، در چشم کشد. سفیدی چشم برود، و همه دردهای چشم دور شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ صدرالدین قونیوی، که نصوص و نفحات الٰهیه و مفتاح الغیب و فکوک و تفسیر فاتحه وغیر آن تصنیف او است، شاگرد حضرت شیخ ابن عربی، قدس الله سرهما، منقول است: هر که فَلَمَّا دَخَلُوْا تا هُوَ الْعَلِیْمُ الْحَکِیْمُ[۳] روز پنج شنبه بر کاغذ سفید بنویسد، و بر بازوی راست بندد، و دایم این آیات[۴] بخواند، از شر دشمنان و ظالمان ایمن گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ مؤید الدین الجندی، شاگرد شیخ صدرالدین (قونیوی)، و اول شارح فصوص الحکم، قدس الله مرقدهٗ منقول است: هر که الٓمّٓرٰ تا لِقَوْمٍ یَّتَفَکَّرُوْنَ[۵] که در سورة الرعد است، روز پنج شنبه بر چهار سفاله یا بر چهار ورق سفید آیات[۶] مذکوره بنویسد، و در چهار رکن خانه یا دکان یا در جائی که خراب شده باشد دفن کند، البته آبادان شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فخرالدین عراقی شاگرد شیخ صدرالدین قونیوی و شیخ بهاء الدین (زکریای) ملتانی که لمعات تصوف تصنیف او است، قدس الله سرهٗ، منقول است: اَللّٰهُ یَعْلَمُ تا الْکَبِیْرُ الْمُتَعَالِ[۷] هر که خواهد که حال کسی معلوم کند یا بداند که در شکم زن آبستن نرینه است یا مادینه، یا غایب کی می آید، یا رنجوری، از رنج خلاص می یابد؛ روز دوشنبه طهارت کند، و به روزه باشد، و شب سه شنبه به طهارت به خواب رود. وقت بامداد نماز بگذارد، روز سه شنبه پیش از آن که آفتاب بر آید، این آیات[۸] بنویسد بر کرباس سبز به آب گلاب و زعفران، و آن را بخور کند به عنبر و عود، و آن را در حقه نهد (۲۶ب) و سر آن ببندد. می باید که

۱ و ۲ - القرآن الحکیم: ۱۲: ۹۱ تا ۹۳. ۳ و ۴ - ایضاً: ۱۲: ۹۹ و ۱۰۰. ۵ و ۶ - ایضاً: ۱۳: ۱ تا ۳. ۷ - ایضاً: ۱۳: ۸ و ۹. ۸ - ایضاً: ۱۳: ۸ و ۹.

آفتاب برآن نیفتد، و ہیچ چشم آن را نبیند. و چون شبِ چہار شنبہ باشد، نمازِ خفتن بگذارد. و بعد ازان به خواب گاه رود و بگوید: یا عالم خفیات الامور! یا من هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ[1] اطلعنی علٰی کَذَا وَ کَذَا، اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ[2]. آن گاه به خواب رود. کسی بر او ظاهر شود که او را خبر کند از آنچه او می خواہد که بداند. اگر درین شب نبیند، روزِ پنج شنبہ روزه دارد، و شبِ جمعه ہمین عمل کند، البتّه حاجتِ او روا شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ سعد الدّین فرغانی که شرح قصیدهٔ تائیهٔ فارضیه تصنیفِ او است. و شاگردِ شیخ صدر الدّین قونیوی، رحمۃ اللّٰہ تعالیٰ علیہ، منقول است: اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ تا وَ بِئْسَ الْمِهَادُ[3] ہر که خواہد که علم کیمیا بداند، این آیات چہل روز و چہل شب ہر روز و ہر شب ہشتاد بار بخواند، و بگوید: یا مظہر العجایب و معلم الانسان مالم یعلم و مغنی البائس الفقیر و دلیل الحائرین به، وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ[4] تطلعنی علٰی ما عند الضمیر علیه. در خواب بیند کسی را که او را دلالت و ارشاد کند آنچه می خواہد. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و از حضرت مولانا کمال الدّین عبد الرّزاق کاشی، که شرحِ فصوص و تفسیرِ تاویلات و اصطلاحات العارفین تصنیفِ او است، قدّس اللّٰہ سرّه، منقول است: ہرکه آیاتِ مذکوره اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ تا وَ بِئْسَ الْمِهَادُ[5] روزِ یکشنبه پیش ازان که آفتاب برآید ہفتاد بار بر روغن بخواند، و آن روغن مجموعِ جسدِ او را بمالد، بعدہٗ بآبِ چاه بشوید. سه روز ہمچنین کند که مجموعِ رنج از وجودش دور شود. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و از حضرت شیخ ابن الحجر عسقلانی، صاحب صواعق (محرقه) و زواجر و شرحِ شمایلِ حدیث و حسن التوسّل فی زیارة اکرم الرسل، صلی اللّٰہ علیہ وآلہٖ وسلّم، قدّس اللّٰہ سرّه، منقول است: ہر که وَالَّذِیْنَ تا سُوْٓءُ الدَّارِ[6] روزِ سه شنبه بنویسد بر کاغذِ زرد، و آن را در گورستان دفن کند، دشمن زیر و زبر گردد و ہلاک شود. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و از حضرت میرزا مخدوم بن سیّد شریف که نواقض الرّوافض و محیط مراد خانی تصنیفِ او است، قدّس اللّٰہ سرّه، منقول است: الٓرٰ کِتٰبٌ تا حَکِیْمُ[7] که در سورۃ ابراہیم است، ہر که خواہد که جماعتی فرمان بردارِ من شوند، این آیات در خانهٔ خالی ہفتاد بار بخواند، و به طرفِ آنان بدمد، ہمه مطیع و منقادِ

۱۔ القرآن الحکیم: ۵، ۱۲۰۔ ۲۔ ایضاً: ۳، ۲۵۔ ۳۔ ایضاً: ۱۳، ۱۷و۱۸۔ ۴۔ ایضاً: ۵، ۱۲۰۔ ۵۔ ایضاً: ۱۳، ۱۷و۱۸۔
۶۔ ایضاً: ۱۳، ۲۵۔ ۷۔ ایضاً: ۱۴، ۱تا۲۔

او شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ملا عبدالغفور لاری، شاگرد و مرید ملا جامی، کہ بر اکثر کتب وی حواشی نوشتہ است، قدس الله سرہ العزیز، منقول است: ھر کہ وَ مَا لَنَا اَنْ لَّا نَتَوَکَّلَ تا مُتَوَکِّلُوْنَ[1]. روزِ یکشنبہ در کاسۂ چینی، بنویسد، و آن را بہ آب باران بشوید، و بخورد [۲۷ الف] شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ بدر الدین سندی، کہ اساس المصلّی تصنیفِ او است، قدس الله سرہ منقول است: ھر کہ آیتِ مذکور وَ مَا لَنَا تا مُتَوَکِّلُوْنَ[2] بر آبی خواند کہ از چاہِ نوکندہ بیرون آمدہ باشد، و سہ شب خود را بہ آن آب بشوید، مرض از وی زایل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابو العسر برھان الدین علی، صاحب ھدایۃ الفقہ و کفایۃ المنتھی ھر دو شرحِ ھدایۃ المبتدی و تجنیس وغیرھا قدس الله سرہ، منقول است: ھر کہ وَ قَالَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا تا عَذَابٌ غَلِیْظٌ[3] روزِ چہار شنبہ پیش از برآمدنِ آفتاب بر چہار تختہ از چوبِ زیتون بنویسد، و بر چہار طرفِ کشتِ زراعت بیاویزد، کرم و آفت دیگر قطع شود، و دور گردد، و بمیرد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت فخر الاسلام ابو الیسر علی بزدوی، صاحب کتاب بزدوی در اصولِ فقہ، قدس الله سرہ، منقول است: ھر کہ اَلَمْ تَرَ تا یَتَذَکَّرُوْنَ[4] روزِ شنبہ بیست و یک نوبت بخواند و بہ طرفِ زراعت و یا بہ طرفِ بوستان بدمد، برکت در آن بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ بھاء الدین عاملی مصنفِ کتاب نان و حلوا قدس الله سرہ، منقول است: ھر کہ وَ مَثَلُ کَلِمَۃٍ خَبِیْثَۃٍ تا مَا لَھَا مِنْ قَرَارٍ[5] روزِ شنبہ یا چہار شنبہ پیش از برآمدنِ آفتاب بر پوستِ روباہ بنویسد، و در آب اندازد، ظالم و دشمن ھلاک شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید اسمٰعیل متطبب، صاحب ذخیرۂ خوارزم شاہی و یادگارِ طب و اغراض وغیرھا، قدس الله سرہ، منقول است: اَللّٰہُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ تا وَ اِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَۃَ اللّٰہِ لَا تُحْصُوْھَا[6]، ھر کہ روزِ پنج شنبہ وقتِ بامداد و شبان گاہ در سفر و حضر و در بر و در بحر آیاتِ مذکورہ سہ بار بخواند، از ھمۂ بلاھا امین شود، و ھر زراعت کہ کند، از آفات رستہ گردد، و برکتِ بسیار در

۱ و ۲ - القرآن الحکیم: ۱۴، ۱۲. ۳ - ایضاً: ۱۴، ۱۳ تا ۱۷. ۴ - ایضاً: ۱۴، ۲۴ و ۲۵. ۵ - ایضاً: ۱۴، ۲۶.
۶ - ایضاً: ۱۴، ۳۲ تا ۳۴.

روزی و مال پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت میرزا اُلغ بیگ گورگانی بن شاہرخ سلطان بن امیر تیمور گورگان مشہور کہ زیج اُلغ بیگی کہ مدارِ تقویم اکثر عالم درین زمان بر اوست (تصنیف او است) قدّس اللہ روحہ، منقول است: ہر کہ اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا تا لَحَافِظُوْنَ[1] کہ در سورۃ الحجر است، روزِ یکشنبہ بر نگینِ انگشتریِ نقرہ نقش کند، و (این آیت[2] را) ہر شبِ آدینہ چہل نوبت بخواند، مالِ او و نفسِ او و خان و مانِ او از بلا ایمن گردد، و در حفظ و امانِ خدای تعالیٰ باشد (انشاء اللہ تعالیٰ)، و اگر آن انگشتری بر موم نہد، و آن موم زیر کسی بسوزاند کہ زحمتی یا دردی دارد، شفا یابد بہ فرمانِ خدای تعالیٰ. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت ملّا عادل (حافظ)، کہ منظومۂ خواصِ قرآن و ترجمۂ احادیثِ نبوی، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، و ترجمۂ کلماتِ حضرت امیر علی، کرم اللہ وجہہ، تصنیفِ او است، قدّس اللہ روحہ، منقول است: [۲۷ ب] ہر کہ وَلَقَدْ جَعَلْنَا تا شَیْطَانٍ رَّجِیْمٍ[3] روز شنبہ بر نگینِ انگشتری نقش کند، (یا) بہ مشک و زعفران بر پوستِ آہو بنویسد، و با خود دارد، نزدِ ملوک و سلاطین عزیز باشد. انشاء اللہ تعالیٰ. و ہر سخن کہ گوید قبول کنند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ داؤد قیصری، شارحِ فصوص، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ وَالْاَرْضَ مَدَدْنٰھَا تا مِنْ کُلِّ شَیْءٍ مَّوْزُوْنٍ[4] روزِ یکشنبہ وقتِ نمازِ بامداد صد بار بخواند، روزی و رزقِ او فراخ شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام مالک بن انس، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ وَلَقَدْ اٰتَیْنٰکَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِیْ وَالْقُرْاٰنَ الْعَظِیْمَ تا وَاخْفِضْ جَنَاحَکَ لِلْمُؤْمِنِیْنَ[5] بعد از نمازِ عشا ہفتاد بار بخواند، میلِ مردی باطل شود، و از حرامِ خدای تعالیٰ (او را) نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امامِ اوّل قاری ابو رویم نافع بن عبدالرحمٰن بن ابی نعیم، اصفہانی الاصل مدنی الوطن، (و) او را دو راوی است: یکی ابو موسیٰ کنیت عیسیٰ بن مینا المدنی، کہ لقب وی "قالون" است (و) این کلمہ رومی است بمعنیِ "جیّد". و دوم امام ابو سعید عثمان بن سعید المصری، کہ ملقّب بہ "ورش" است (یعنی سفید)، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ وَ اَنْزَلْنَا اِلَیْکَ تا

---

۱ و ۲- القرآن الحکیم، ۱۵: ۹. ۳- ایضاً: ۱۵: ۱۶ و ۱۷. ۴- ایضاً: ۱۵: ۱۹.
۵- ایضاً: ۱۵: ۸۷، ۸۸.

یَتَفَکَّرُوْنَ' که در سورۃ النحل است. روزِ پنج شنبه بر آب هفتاد بار بخواند. و آن آب را بر گوسفند افشاند.
برکت در شیر زیادت افتد. و از آفات کلّی ایمن شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام ابو موسیٰ، که لقب وی "قالون" است. در راوی اوّل است. قدّس الله سرّهٗ العزیز
منقول است: هر که از آب که بالا مذکور است. بر میوه و بر درختان افشاند. برکت در میوه و درختان
بسیار پیدا شود به فرمانِ خدای تعالیٰ. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت امام ابو سعید عثمان بن سعید مصری ملقب به "ورش" یعنی "سفید" که راویِ دوم است،
قدّس الله روحهٗ منقول است: هر که هُوَ الَّذِیْ سَخَّرَ تا وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُوْنَ[۲] روزِ یکشنبه بر کاغذ بنویسد
و در دریا اندازد، ماهی و پلوه بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام دوم قاری مَعبد عبد الله بن کثیر مکّی تابعی مجاورِ حرمِ الله تعالیٰ. و او بدین
دو سبب کمال راجح است بر سایرِ رجال. و او را نیز دو راوی است: یکی امام ابو الحسن احمد البزیؒ
رحمۃ الله علیه، دوم امام ابو عمرو محمد بن عبد الرحمٰن بن محمد بن خالد بن سعید بن جریح المکّی، که لقب
وی "قنبل" است. قدّس الله سرّهٗ العزیز. منقول است: هر که هُوَ الَّذِیْ تا لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُوْنَ[۳] شب
چهار شنبه و شب پنج شنبه و شبِ آدینه صد بار بخواند، جمله مراداتِ دینی و دنیوی حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرتِ امام ابو الحسن احمد البزیؒ، که راویِ اوّل و لقبِ وی "بزی" است، رحمۃ الله علیه
منقول است: هر که سُبْحٰنَ الَّذِیْٓ اَسْرٰی بِعَبْدِهٖ تا اِنَّهٗ کَانَ عَبْدًا شَکُوْرًا[۴] [۱۴۸] که در سورۃ بنی اسرائیل
است، روزِ یکشنبه بر پوستِ آهو به مشک و زعفران بنویسد، و آن را نگاه دارد، خدای تعالیٰ او را
قوت و مرتبه و عزّت زیادت دهد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام ابو عمرو محمد بن عبد الرحمٰن المکّی، که راویِ دوم، و لقبِ وی "قنبل" است،
قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که آیاتِ مذکوره سُبْحٰنَ الَّذِیْ تا شَکُوْرًا[۵] بر کاغذ سفید بنویسد،
و بر کمر بندد، مردی زیاده شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام سیوم قاری ابو عمرو بن العلا المازنی البصری، و او را نیز دو راوی است: یکی

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۶: ۱۱۔ ۲۔ ایضاً: ۱۶: ۱۴ تا ۱۶۔ ۳۔ ایضاً: ۱۶: ۱۰، ۱۱۔
۴ و ۵۔ ایضاً: ۱۷: ۱ تا ۳۔

امام ابو عمرو حفص بن عمر النحوی الدوری، دوم امام ابوشعیب صالح بن زیاد السوسی، قدّس اللہ سرّہٗ.

منقول است: وَاِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ تا نُفُوْرًا[1] داگر کسی را از دیو و پری مضرّت باشد، و خیالاتِ فاسد و خواب های آشفتہ بیند، چہل و یک بار آیاتِ مذکورہ بر او خواندہ بدمد، دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام ابوعمرو حفص بن عمر النحوی (الدوری) کہ راوی اول و لقب وی "دوری" است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ آیات مذکورہ[2] بر پوست آھو بنویسد، و بر بازوی راست بندد، از دیو امین شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام ابوشعیب صالح (بن زیاد)، کہ راوی دوم، و لقب وی "سوسی" است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: وَقُلْ رَّبِّ اَدْخِلْنِیْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّ اَخْرِجْنِیْ مُخْرَجَ صِدْقٍ تا زَهُوْقًا[3] اگر کسی از شرِّ پادشاہ ترسد، او را باید کہ جامۂ پاک بپوشد، و وضو کند، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر دو رکعت بعد از فاتحہ[4] این آیاتِ مذکورہ[5] (و) پیشِ سلطان رود، خوف زایل شود، و از او فایدہ بیابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام چہارم قاری ابو عمران عبداللہ بن العامر الیحصبی التابعی قاضی دمشق، و آن را نیز دو راوی است: یکی امام ابو الولید ہشام بن عمار بن نصر بن آیات بن میسرہ السلمی الدمشقی القاضی، دوم امام ابو عمرو عبداللہ بن احمد بن بشیر بن ذکوان القریشی الدمشقی. کہ او را "ابن ذکوان" گویند، بنامِ جدِّ پدرِ وی است، قدّس اللہ سرّہ العزیز، منقول است: وَمَا اَرْسَلْنٰكَ تا تَنْزِيْلًا[6] داگر کسی را غمی یا اندوھی رُوی دھد، او را باید کہ روزہ دارد، و افطار بہ چیزی حلال کند، و نمازِ خفتن بگذارد، و این آیاتِ مذکورہ[7] صد بار بخواند بر آب، و آن آب بخورد، مجموعِ غم و اندوہ دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام ابوالولید ہشام بن عمار کہ راوی اوّل، و لقب وی "ہشام" است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ تا آخر سورة[8] ہر کہ خواھد کہ در نماز یا در تلاوتِ قرآن و یا در نمازِ پنج وقت و یا در تعلیمِ علم کاھلی نشود، او را باید کہ شب پنج شنبہ برخیزد، و وضو تازہ

۱ و ۲- القرآن الحکیم: ۱۷، ۴۵ و ۴۶. ۳- ایضاً: ۱۷، ۸۰ و ۸۱. ۴- ایضاً: ۱. ۵- ایضاً: ۱۷، ۸۰ و ۸۱.
۶ و ۷- ایضاً: ۱۷، ۱۰۵ و ۱۰۶. ۸- ایضاً: ۱۷، ۱۱۰ و ۱۱۱.

کند، [۲۸ب] و دو رکعت نماز بگذارد، و، بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه[۱] یک بار آیت الکرسی[۲] و سه بار سورة الاخلاص[۳] و، بعد از سلام این آیات[۴] را بر جام آبگینه به مشک و زعفران بنویسد، و به آب دریای روان بشوید، و بر آن نیز هفت بار آیات[۵] مذکوره بخواند. بعد ازان دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعت اوّل بعد از فاتحه[۶] والضحیٰ[۷]، و در رکعت دوم بعد از فاتحه[۸] الم نشرح[۹] بعد ازان بیاشامد، کاهلی بکلّی از وَی زایل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و خدای تعالیٰ او را همیشه به نماز و صلاح و علم دینی توفیق دهد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام ابو عمرو عبداللہ بن احمد که راوی دوم و لقب وَی "ابن ذکوان" است، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: هر که وَ یُنْذِرَ الَّذِیْنَ تا کَانُوْا مِنْ اٰیٰتِنَا عَجَبًا[۱۰] که در سورة الکهف است، روز دوشنبه پیش از برآمدنِ آفتاب خاک از پای هفت قبر گرفته، و بر آن صد بار آیاتِ مذکور[۱۱] خوانده بدمد، و آن را بر خانهٔ دشمنان اندازد، دشمنان تفرقه و هلاک شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام پنجم قاری ابوبکر عاصم بن ابی النجود، رحمۃ اللہ علیہ، تابعی بود کوفی، و او را نیز دو راویست: یکی امام شعبه بن ابی العباس است، و کنیتِ او "ابوبکر" است، و دوم امام ابوعمرو حفص بن سلیمان المغیرة الاسدی الکوفی، رحمۃ اللہ علیہ، که در حفظ و ایقان بر سایر اقران راجح است، و لقب وَی "ابوحفص" است، قدّس اللہ سرّہُ العزیز، منقول است: هر که وَاضْرِبْ لَهُمْ تا دآخر) الآیة[۱۲] روز جمعه بر کاغذ بنویسد به قلم روئین، و آن را تعویذ کرده بندد، خدای تعالیٰ او را از جمله بلاها نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ. و برکتِ تمام در مال و غلّه و بستان بسیار افتد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام شعبه بن ابی العباس که راوی اوّل و لقبِ او "ابوبکر" است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا تا آخرِ سورهٔ کهف[۱۳] شبِ جمعه وقتِ خواب کردن سه بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام ابو عمرو حفص بن سلیمان که راوی دوم و لقبِ وَی "ابوحفص" است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: هر که اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا تا آخرِ سورة الکهف[۱۴] روزِ جمعه بعد از نمازِ صبح

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۳- ایضاً: ۱۱۲. ۴و۵- ایضاً: ۱۷، ۱۱۰ و ۱۱۱. ۶- ایضاً: ۱.
۷- ایضاً: ۹۳. ۸- ایضاً: ۱. ۹- ایضاً: ۹۴. ۱۰ و ۱۱- ایضاً: ۱۸، ۶ تا ۹. ۱۲- ایضاً: ۱۸، ۴۵. ۱۳ و ۱۴- ایضاً: ۱۸، ۱۰۷ تا ۱۱۰.

هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را ایمانِ سلامت بدهد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت امامِ ششم قاری ابو عماره حمزه بن حبیب عماره بن اسمٰعیل الزیات، رحمۃ اللّٰہ علیہ، و آن را دو راوی است: یکی امام ابو محمد بن هشام البزار، که مشهور به "خلف" است، و راویِ دوم امام ابو عیسیٰ خلاد بن خالد، رحمۃ اللّٰہ علیہ، و لقبِ وی "خلاد" است، قدس اللّٰہ سرّہ، منقول است: هر که خواهد که سخنِ من درمیانِ خلق مقبول باشد، و در نظرِ خلقِ خدا محبوب باشد، و خلقِ خدای تعالیٰ فرمان بردار و دوست دارِ من شوند، روزِ پنج شنبه روزه دارد، [۲۹ و] و شب گوشتِ حیواناتِ جلالی، و ماهی نخورد، و این نقش کٓهٰیٰعٓصٓ[1] و حٰمٓ عٓسٓقٓ[2] که در سورۂ مریم (و در سورة الشوریٰ) است، بر نگینِ انگشتری بنویسد، و آن را نگاه دارد، یعنی در دست کند، و به مقابلۂ هر کس که رود، مراد حاصل شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت امام ابو محمد بن هشام البزار، که راویِ اوّل، و لقبِ وی "خلف" است، قدس اللّٰہ سرّہ، منقول است: وَ اِنِّیْ خِفْتُ الْمَوَالِیَ مِنْ وَّرَآءِیْ تا اُبْعَثُ حَیًّا[3] هر که روزِ پنج شنبه (جمعه) روزه دارد، و هر دو شب روزه بشکر و مغز بادام بکشاید، و این آیات[4] بر جام بنویسد، و به عسلی که آب نرسیده باشد، بشوید، و نیمه مرد و نیمه زن بیاشامد، و (مرد) در حالِ مجامعت کند. چون سه روز این عمل بکند، (زن) آبستن شود، و فرزندِ نرینه زاید. بفرمانِ خدای تعالیٰ. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و از حضرت امام ابو عیسیٰ خلاد بن خالد، که راویِ دوم، و لقبِ وی "خلاد" است، قدس اللّٰہ سرّہ، منقول است: هر که وَهُزِّیْٓ اِلَیْكِ تا بَغِیًّا[5] روزِ یکشنبه این آیات[6] را بر نخل بنویسد، خدای تعالیٰ در آن نخل میوه و ثمر بسیار کند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت امام هفتم قاری ابو الحسن علی بن حمزه الکسائی، که آن را نیز دو راوی باشد: یکی امام لیث ابو الحارث بن خالد بغدادی ملقب بلیث، و راویِ دوم امام ابو عمرو حفص (بن عمر النحوی) الدوری، که لقبِ وی "دوری" است، قدس اللّٰہ سرّہ العزیز، منقول است: هر که طٰهٰ تا الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی[7] که در سورۂ طٰهٰ است، روزِ دو شنبه در کاسۂ چینی به مشک و زعفران بنویسد، و بشوید به آب

۱- القرآن الحکیم: ۱۹: ۱. ۲- ایضاً: ۴۲: ۱، ۲. ۳ و ۴- ایضاً: ۱۹: ۵ تا ۲۲. ۵ و ۶- ایضاً: ۱۹: ۲۵ تا ۲۸.
۷- ایضاً: ۲۰: ۱ تا ۸.

گلاب، و ازان قدری بر پیشانی بمالد، به نظرِ خلایق عزیز باشد، و مردمان او را دوست دارند، و جمیع خلایق او را محبوب دانند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام لیث ابو الحارث بن خالد بغدادی، که راوی اول و لقب وی "لیث" است، قدس اللہ روحہ، منقول است: ہر کہ وَیَسْئَلُوْنَکَ عَنِ الْجِبَالِ تا اَمْتًا[1] بر ظرفی پاک بہ مداد بنویسد و آن را بہ روغنِ گُل بشوید، و در اعضا بمالد. از جملہ دردہا ایمن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امام ابوعمرو حفص (بن عمر النحوی الدوری) کہ راوی دوم، و لقبِ وی "دوری" است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ یَوْمَئِذٍ لَّا تَنْفَعُ الشَّفَاعَۃُ تا وَلَا هَضْمًا[2] بر ورقِ آہو بہ مشک و زعفران بنویسد، و درمس گیرد، و بر طفل بندد. گریہ بسیار نکند، و نترسد، و اگر بنویسد، دو، بر بازوی بندد، زبانِ دشمن بستہ شود، و از او گریزان رود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا لطف اللہ نسفی، کہ خلاصۂ کیدانی در علم فقہ و مسایلِ نماز تصنیف کردہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ وَلَا تَمُدَّنَّ تا وَالْعَاقِبَۃُ لِلتَّقْوٰی[3] روزِ یکشنبہ بنویسد، و با خود نگاہ دارد، حق تعالیٰ او را زنی موافق بدہد، و اگر درویش باشد، توانگر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شمس الدین علامہ قہستانی، کہ جامع الرموز [۲۹ ب] و شرح کیدانی تالیف اوست، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ آیاتِ مذکورہ وَلَا تَمُدَّنَّ تا لِلتَّقْوٰی[4] روزِ پنج شنبہ بعد از نمازِ صبح نود بار بخواند، از نظرِ گفتار ایمن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ بدر الدین ابراہیم سرہندی کہ معراج المومنین الی اعلیٰ علیین و شرح کیدانی تالیف کردہ است، قدس اللہ سرہٗ، (منقول است): ہر کہ قُلْ کُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ الی آخر سورہ[5] روزِ دو شنبہ وقتِ عصر بر سیب بنویسد، و بخورد، از بیماری شفا یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

(و از حضرت) مولانا مصطفیٰ بن زکریا، کہ شرح مقدمۂ فقیہ ابو اللیث تالیف فرمودہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِکَ تا کَذٰلِکَ نَجْزِی الظّٰلِمِیْنَ[6]، کہ در سورۃ الانبیاء است، ہر کہ روزِ سہ شنبہ از ہفت جای قبرہای مسلمانان خاک بردارد دو آیات[7]

۱۔ القرآن الحکیم: ۲۰: ۱۰۵ تا ۱۰۷۔ ۲۔ ایضاً: ۲۰: ۱۰۹ تا ۱۱۲۔ ۳ و ۴۔ ایضاً: ۲۰: ۱۳۱ و ۱۳۲۔
۵۔ ایضاً: ۲۰: ۱۳۵۔ ۶ و ۷۔ ایضاً: ۲۱: ۲۵ تا ۲۹۔

مذکوره بر آن بخواند، و آن را، در منزل و در جای گاهِ دشمن و ظالم بیفشاند خانه های ایشان زیر و زبر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت اختیار بن غیاث الدّین الحسینی که مختار الاختیار و شرحِ نامِ حق تألیف فرموده، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اَوَلَمْ یَرَ الَّذِیْنَ تا اَفَلَا یُؤْمِنُوْنَ[1] روزِ دو شنبه وقتِ نمازِ ظهر نود بار بخواند، حق تعالیٰ او را از سرگردانی ایمن کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) امام الدّین رافعی که کتاب محرر در فقہ شافعیہ تصنیف کرده، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که آیتِ مذکوره اَوَلَمْ یَرَ الَّذِیْنَ تا اَفَلَا یُؤْمِنُوْنَ[2] روزِ پنج شنبه بر کاسه سفید بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و بیاشامد، دل کوری و فراموشی دفع شود، و علم و توفیقِ معرفت حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حنین[3] بن اسحاق که علمِ حکمت را از یونانی بعربی نقل کرده است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: وَ ذَا النُّوْنِ اِذْ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا تا الْمُؤْمِنِیْنَ[4] هر که روزِ پنج شنبه هفتاد بار استغفار بخواند، و هفتاد بار صلوات بفرستد، و بعد ازان نیز وضو تازه بسازد. هم چنین هفتاد نوبت استغفار گوید، و هفتاد نوبت صلوات بخواند، و روی بسجده (کند)، و هفتاد بار این آیات[5] بخواند، و حاجتی که باشد از خدای تعالیٰ بخواهد. البتّہ مرادش بر آید، و غم و اندوهش برود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ثابت بن قره حکیم، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: هر که وَالَّتِیْ اَحْصَنَتْ تا اَنَا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوْنَ[6] روزِ دو شنبه بر کاغذِ سفید بنویسد، و بر زنِ عقیمه بندد. خدای تعالیٰ او را فرزندِ نرینه دهد. بعدہٗ آن تعویذ را بر طفل بندد. خدای تعالیٰ آن طفل را از آفات نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت حکیم عمر بن (ابراہیم) خیام، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اِنَّ الَّذِیْنَ سَبَقَتْ لَهُمْ تا آخر سورة[7] روزِ چهار شنبه به مداد بنویسد، و به آبی بشوید که بر آن سایۂ آفتاب نیفتد، و رنجور را بخوراند، رنجور [۳۰ و] البتّہ ازان رنج خلاصی یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

---

۱ و ۲۔ القرآن الحکیم: ۲۱، ۳۰۔ ۳۔ تاریخ ادبیات در ایران تألیف دکتر ذبیح اللہ صفا. جلد اوّل، مطبوعہ تہران ۱۳۴۲ش ص ۱۰۰۔ و برگ ۲۹ ب، ب برگ ۲۰ ب و ج برگ ۳۰ و ۳۱: حنین بن اسحاق۔ ۴ و ۵۔ القرآن الحکیم: ۲۱، ۸۷ و ۸۸۔ ۶۔ ایضاً: ۲۱، ۹۱ و ۹۲۔
۷۔ ایضاً: ۲۱، ۱۰۱ تا ۱۱۲۔

و از حضرت حکیم ابوالخیر بهنام، قدس الله روحهٗ منقول است: هرکه آیات مذکوره[1] در کاسهٔ چینی بنویسد، و با روغنِ کنجد بشوید، و بر هر جائی که درد باشد، بمالد، صحت یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت علی بن حمزه الاسدی الکوفی معروف به کسائی النحوی، قدس الله سرهٗ العزیز، منقول است: هرکه یَآ اَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا تا شَدِیْدٌ[2] روزِ سه شنبه بر کاغذِ سفید بنویسد، و زیرِ (این) آیات[3] نامِ او (یعنی دشمن) و نامِ مادرِ او بنویسد، و آن را در گورستانِ کهنه دفن کند، دشمن هلاک شود، و عجایب و غرایب خدای تعالیٰ نیز بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت یحییٰ بن زیاد الاعلی معروف به الفراء النحوی، قدس الله روحهٗ منقول است: هرکه وَتَرَى الْاَرْضَ هَامِدَةً تا فِی الْقُبُوْرِ[4] روزِ چهارشنبه بر طشتی آهن به مشک و زعفران و به آبِ انگور و به آبِ سیب بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و ازان آب اندک اندک زیرِ هر درخت ریزد، و قدری بر چهار رکنِ بوستان بیفشاند، برکت در میوه بسیار افتد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابوالعباس محمد بن زید الیمانی النحوی، المشهور به "المبرد" قدس الله سرهٗ، منقول است: هرکه اُذِنَ لِلَّذِیْنَ تا فِی الصُّدُوْرِ[5] که در سورة الحج است، روزِ دوشنبه بر کاغذ بنویسد، و آن را در مقامِ (دکه) دفن کند، ظالم بمیرد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت خلیل بن احمد (الازدی المصری) النحوی، قدس الله سرهٗ. منقول است: هرکه یَآ اَیُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ تا اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِیٌّ عَزِیْزٌ[6] روزِ سه شنبه بر ظرفی چوبین پیش از بر آمدنِ آفتاب بنویسد. بعد ازان پارهٔ آب از چاهِ خراب که آب ازان نکشند، بیاورد، و آن را بشوید، و در آن جای گاه که حاکم ظالم خواب کند، بیفشاند که عجایب بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت یونس نحوی، قدس الله سرهٗ، منقول است: قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ تا خٰلِدُوْنَ که در سورة المؤمنون[7] است. هرکه روزِ پنج شنبه روزه دارد، و عود بسوزاند، و این آیات به مشک و زعفران بر کاسهٔ چینی بنویسد، و به آبِ باران بشوید، و بیاشامد، کاهلی در نماز و در کارِ خود دفع شود، و توفیق در عبادت و طاعت بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۲۱، ۱۰۱ تا ۱۱۲. ۲ و ۳- ایضاً: ۲۲، ۱ و ۲. ۴- ایضاً: ۲۲، ۵ تا ۷. ۵- ایضاً: ۲۲، ۳۹ تا ۴۸. ۶- ایضاً: ۲۲، ۷۳. ۷- ایضاً: ۲۳، ۱ تا ۱۱.

و از حضرت عمرو بن عثمان بن قنبر النحوی المشهور به "سیبویه" صاحبِ کتاب نحو، قدس الله سرّهٗ منقول است: هر که وَلَقَدْ خَلَقْنَا تا اَحْسَنُ الْخَالِقِیْنَ[1] که در سورهٔ مؤمنون است، روزِ دو شنبه در کاسهٔ سفید بنویسد، و زنِ عقیمه را بخوراند، حامله شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابوبکر بن محمد المازنی (البصری)، نحوی، قدس الله سرّهٗ، منقول است: وَ اَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً تا تَاْكُلُوْنَ[2] هر که روزِ یکشنبه قدری ریگ بردارد، و (این آیات[3]) بر آن نود بار بخواند، و آن را در غلّه و در بوستان بیفشاند، آفات و کرمان دفع شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابوعلی نحوی فارسی، صاحبِ کتاب سرّ الصناعة [۳۰ب] قدس الله سرّهٗ، منقول است: فَاِذَا اسْتَوَیْتَ تا خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ[4] هر که چون در کشتی باشد، این آیات[5] را نود بار بخواند، خدای تعالیٰ کشتی (را)، از غرق شدن و از دزدان نگاه دارد، و به سلامتی در خانهٔ خود آید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سعید بن سعده نحوی، مشهور به "اخفش"، قدس الله سرّهٗ العزیز، منقول است: هر که سورة النّور (سورةٌ انزلنٰها) تا وَاللّٰهُ عَلِیْمٌ حَکِیْمٌ[6] روزِ دو شنبه بر آبِ انگورِ سفید هفت بار بخواند، و پارهٔ شکر دران حل کند و بخورد، دروغ گوئی و بدفعلی دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابوسعید نحوی سیرافی که شرحِ کتاب سیبویه تألیفِ او است، قدس الله سرّهٗ منقول است: هر که اَللّٰهُ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ تا آخرِ آیت[7] وقتِ شام سه بار بر چشم دمد، دردِ چشم دفع شود، و چشم روشن گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت اعمش نحوی، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این آیت[8] مذکوره بعد از نمازِ شام هفت بار بخواند، رزق و روزیِ او فراخ شود، و جملهٔ خلایق مطیع و مسخّر گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابن مالک نحوی، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این آیتِ[9] مذکوره بنویسد و در دستارِ خود نگاه دارد، هر چیز که از خدای تعالیٰ بخواهد، مرادش حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت حفص ابوعمرو بن عمر بن العوف النحوی، قدس الله سرّهٗ، منقول است:

۱- القرآن الحکیم: ۲۳، ۱۲ تا ۱۴. ۲ و ۳- ایضاً: ۲۳، ۱۸ و ۱۹. ۴ و ۵- ایضاً: ۲۳، ۲۸ و ۲۹.

۶- ایضاً: ۲۴، ۱ تا ۱۸. ۷، ۸ و ۹- ایضاً: ۲۴، ۳۵.

وَهُوَ الَّذِیْ اَرْسَلَ الرِّیٰحَ تا اَنَاسِیَّ کَثِیْرًا[1] که در سورهٔ فرقان است. هر که روزِ پنج شنبه پارهٔ از ریگِ پاک برگیرد، و د آیاتِ مذکوره، بر آن هفتاد بار بخواند، و آن ریگ را در زراعت و در باغ بیفشاند، برکت در آن بسیار شود، و از آفات ایمن ماند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت جمال الدین هشام نحوی، مصنّفِ قاوی نحو و مغنی اللبیب در علمِ نحو و رسالة الاعراب فی قواعد الاعراب، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که وَالَّذِیْنَ یَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ اَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّیّٰتِنَا قُرَّةَ اَعْیُنٍ تا آخرِ سورة[2] شب و روزِ چهار شنبه و شب و روزِ پنج شنبه و شب و روزِ آدینه، هر شب و روز این آیات[3] بیست و یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را زنِ نیک بخت روزی گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام «عبدالملک بن قریب» اصمعی، صاحب تالیف تفسیر و حدیث وغیره، قدس الله سرّهٗ، منقول است: سورة الشعراء طٰسٓمّٓ تا خَاضِعِیْنَ[4] هر که روزِ سه شنبه پارهٔ خاک از پای قبرِ کهنه برگیرد، و بر آن آیاتِ مذکوره[5] نود بار بخواند، و آن را زیرِ دیگدان نهد، دشمن و ظالم هلاک شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت «عبدالرحمٰن بن عبدالله بن محمد بن احمد معروف به» حافظ المغربی، قدس الله سرّهٗ منقول است: اَلَّذِیْ خَلَقَنِیْ تا مَنْ اَتَی اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ[6] هر که روزِ پنج شنبه دو رکعت نماز بخواند، و بعد از سلام آیاتِ[7] مذکوره بیست و یک بار بخواند، خدای تعالیٰ [۱۳۱] او را از قحط در حضر و سفر محفوظ دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابو معشر بلخی منجم، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که وَ اِنَّهٗ لَتَنْزِیْلُ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ تا آخرِ سورة[8] روزِ یکشنبه وقتِ زوالِ آفتاب بنویسد بر پارهٔ جامهٔ دختر و آن را بپیچیده با ریسمانِ (دخترِ) بکرِ نابالغ بسته در گردنِ خروس بندد، و در خانه رها کند که به منقار یا به پای آن زمین را زیر و زبر کند، سحر و دفینه پیدا شود باذن الله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم ابو عبدالله معصومی که رسالهٔ عروس در ترتیبِ موجودات تصنیفِ او است، شاگردِ شیخ ابو علی سینا، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که لَا یَخَافُ لَدَیَّ الْمُرْسَلُوْنَ تا غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ[9]

۱- القرآن الحکیم: ۲۵: ۴۸ تا ۵۰. ۲ و ۳- ایضاً: ۲۵: ۷۴ تا ۷۷. ۴ و ۵- ایضاً: ۲۶: ۱ تا ۴. ۶ و ۷- ایضاً: ۲۶: ۷۸ تا ۸۹. ۸- ایضاً: ۲۶: ۱۹۲ تا ۲۲۷. ۹- ایضاً: ۲۷: ۱۰ تا ۱۱.

که در سورة النمل است، روزِ پنج شنبه برنگینِ انگشتریِ عقیق نقش کند، و آن را در انگشت کند، خلق او را دوست دارند، و این دوستی عظیم است بر نسبتِ مرد و زن، و ہیچ بلا گردِ او نگردد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم فتح الله شیرازی قدّس الله سرّہٗ، منقول است: وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ تا فِيْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ[1]، هر که چهل روز بدعوتِ این آیات[2] مشغول شود، هر روز و هر شب چهل بار آیاتِ مذکوره[3] بخواند، جمله جن و انس و وحوش مطیع و مسخّرِ او شوند. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم ابو ریحان بیرونی که کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم[4] وغیره، تصنیف کردهٔ او است قدّس الله سرّہٗ، منقول است: هر که يٰٓاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَفْتُوْنِيْ فِيْٓ اَمْرِيْ تا يَاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ[5] روزِ پنج شنبه صد بار بخواند، پریان و دیوان آمده حاضر شوند. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت ابو الفرج طبیب، قدّس الله سرّہٗ منقول است: قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ تا اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ[6]. هر که روزِ یکشنبه آیاتِ مذکوره[7] بر کاغذ زرد بنویسد، و در زراعت یا در باغ بنهد، برکت در آن بسیار شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت محمد بن زکریا رازی طبیب، قدّس الله سرّہٗ، منقول است: هر که وَ اِنَّ رَبَّكَ تا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ[8] روزِ یکشنبه به مشک و زعفران بنویسد، و به آبِ گلاب بشوید، و بر سینهٔ کسی نهد که در خواب باشد، هرچه او کرده باشد، در خواب بگوید. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم فتح الله شیرازی، قدّس الله سرّہٗ، منقول است: هر که وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ تا آخرِ سورة النمل[9] روزِ یکشنبه بر کاغذِ سفید بنویسد، و در کیسه نهد، برکت در آن کیسه بسیار افتد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم ابو الفتح گیلانی بن مولانا عبدالرّؤف گیلانی، قدّس الله روحہٗ، منقول است: هر که وَ اَصْبَحَ فُؤَادُ اُمِّ مُوْسٰى فٰرِغًا تا مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ[10] که در سورة القصص است، بر کوزهٔ نو به مشک و زعفران بنویسد، و به آبِ باران بشوید و بخورد، دشواریِ دو جهان آسان شود. [۱۳۱ ب] انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم همام بن مولانا عبدالرّؤف گیلانی، قدّس الله سرّہٗ، منقول است: فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا تا سَوَآءَ السَّبِيْلِ[11]، هر که روزِ دو شنبه زنی که در عقدِ نکاح آرد، و آن زن با او الفت نکند،

۱، ۲ و ۳- القرآن الحکیم: ۲۷، ۱۵ تا ۱۹. ۴- و برگ ۱۳۱ ا، ب برگ ۱۴۳ ا و ج برگ ۱۴۱ ب: "کتاب التفهیم فی علم التنجیم".
۵- القرآن الحکیم: ۲۷، ۳۲ تا ۳۸. ۶ و ۷- ایضاً: ۲۷، ۵۹ تا ۶۴. ۸- ایضاً: ۲۷، ۷۳ تا ۷۵.
۹- ایضاً: ۲۷، ۹۳. ۱۰- ایضاً: ۲۸، ۱۰. ۱۱- ایضاً: ۲۸، ۲۱ و ۲۲.

این آیات[1] را در روزِ مذکور بر آب هفتاد بار بخواند، و بر آب دمد، و آن زن را بخوراند. محبت با او بسیار شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت حکیم ابراهیم دالجلبی، مصری، قدّس اللّٰه سرّہٗ، منقول است: وَلَقَدْ وَصَّلْنَا تا الْجٰهِلِیْنَ[2] هر که سه روز روزه دارد: ابتدای روزِ پنج شنبهٔ اوّلِ ماه، و این آیات[3] بر جامِ آبگینه بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و هر شب پیش از صبح پارهٔ ازان آب بخورد، یقین و فهم در دلش بسیار شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت حکیم حاذق بن حکیم همام دگیلانی، قدّس اللّٰه سرّہ، منقول است: هر که سُبْحٰنَ اللّٰهِ وَتَعٰلیٰ تا وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ[4] شبِ دوشنبه هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از شرِ گواهانِ بد، که به دروغ گواهی می دهند، و از جورِ سلطان و از دشمنیِ دشمنان نگاه دارد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت بهاء الدّین گودریه، رحمة اللّٰه علیه، منقول است: هر که فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ حِیْنَ تُمْسُوْنَ تا تَنْتَشِرُوْنَ[5] که در سورة الرّوم است، سه روز هر روز شصت و سه بار بر آب بخواند، و رنجور را بخوراند، از رنج شفا یابد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت میر محمد معصوم بهکری، صاحب تاریخ سند، قدّس اللّٰه سرّہٗ، منقول است: هر که کَذٰلِكَ یَطْبَعُ اللّٰهُ تا لَا یُوْقِنُوْنَ[6] بر جامهٔ خود بنویسد، چون دشمن او را ببیند، ازو بگریزد، و ازو بترسد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و این چنین نیز بنویسد: کَذٰلِكَ یَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰی قَلْبِ فلان بن فلان، و آنچه خواهد دیگر نیز شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت سید جلال الدّین محمد دبخاری)، دیوانِ تهته، که از اولادِ سلطان سید جلال بخاری، قدّس اللّٰه مرقدہٗ، بود، و سید جلال الدّین محمد مشهور به میر جلال، دکہ، مردمان می گویند، و مسجدِ جامع تهته را، فراخ و مرمّت کرده، قدّس اللّٰه سرّہٗ، منقول است: یٰبُنَیَّ تا لَطِیْفٌ خَبِیْرٌ[7] که در سورهٔ لقمان است، هر که بعد از نمازِ خفتن این آیت[8] بر کاغذِ سفید بنویسد، و آن را زیرِ سر نهد، حق سبحانهٗ و تعالیٰ نیک و بد او را معلوم کند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۲۸، ۲۱ و ۲۲. ۲ و ۳- ایضاً: ۲۸، ۵۱ تا ۵۵. ۴- ایضاً: ۲۸، ۶۸ تا ۷۰.
۵- ایضاً: ۳۰، ۱۷ تا ۲۰. ۶- ایضاً: ۳۰، ۵۹ و ۶۰. ۷ - ۸- ایضاً: ۳۱، ۱۶.

و از حضرت سید ابراهیم بخاری، حاکمِ شهرِ تهته، که امرای دارا شکوه در عملِ قاضی ابراهیم تهته بوده‌اند، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که یٰبُنَیَّ تا لَطِیۡفٌ خَبِیۡرٌ[1] بعد از نمازِ خفتن چهل و یک بار بخواند، خبرِ غایب معلوم شود، و خزانه های خدای تعالیٰ مکشوف گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید شمس الدین سمرقندی، که رساله در علمِ آدابِ مناظره، و رسالهٔ اشکال التاسیس در علمِ هندسه تصنیف فرموده، قدّس الله سرّه، منقول است: یٰبُنَیَّ اَقِمِ الصَّلٰوۃَ تا عَزۡمِ الۡاُمُوۡرِ[2] (۳۲ ۱) چون مردمان در امرِ دینی کاهل باشند، و (او) سخنِ حق تعالیٰ گوید، و مردمان نشنوند، پس او وضو تازه کند، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[3] اِنَّ اللّٰهَ یَاۡمُرُ بِالۡعَدۡلِ وَالۡاِحۡسَانِ الیٰ آخر آیه[4] سه بار بخواند. سه روز پیاپی چنین کند وقتِ نمازِ چاشت. چون سه روز بگذرد، این آیت[5] بر جامِ آبگینه به مشک و زعفران و به آبِ گلاب بنویسد، و به آبِ باران بشوید، و بیاشامد، سه روز هم چنین کند. البته مردمان، هر چه او گوید، در گوش کنند، و فرمودهٔ او بجا آرند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا محمود بن محمد بن عمر، که رسالهٔ چغمینی در علمِ هیئت تصنیف کرده، قدّس الله سرّه، منقول است: وَلَوۡ اَنَّ مَا فِی الۡاَرۡضِ تا اِنَّ اللّٰهَ عَزِیۡزٌ حَکِیۡمٌ[6] هر که روزِ پنج شنبه برنیم مثقال عسلِ پاک و برنیم مثقال شکر، بر هر یکی این آیتِ مذکوره[7] یازده بار بخواند (و) وقتِ شام و صبح تناول کند، روشنائی قلبِ او را بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت صلاح الدین موسیٰ پاشا، المشهوربه قاضی زادهٔ رومی، که شرحِ اشکال التاسیس و شرحِ چغمینی تالیف کرده، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اَلَمۡ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ الیٰ آخرِ سوره[8] روزِ چهار شنبه بر آب ده بار بخواند، و آن را بخورد، باد که در وجود باشد، دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ملا علی قاری هروی حنفی، که شرحِ مشکوٰة و حصنِ حصین و شاطبی تالیف کرده، شاگردِ شیخ علی متقی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اَلَّذِیۡۤ اَحۡسَنَ کُلَّ شَیۡءٍ خَلَقَهٗ تا تَشۡکُرُوۡنَ[9] که در سورهٔ سجده است، روزِ دو شنبه بر شکر هفتاد بار خوانده بدمد، و آن را به محبوب بخوراند، محبوب مطیع و فرمان بردار او شود. انشاء الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۳۱ : ۱۶. ۲- ایضاً: ۳۱ : ۱۷. ۳- ایضاً: ۱ : ۱. ۴- ایضاً: ۱۶ : ۹۰. ۵- ایضاً: ۳۱ : ۱۷.
۶ و ۷- ایضاً: ۳۱ : ۲۷. ۸- ایضاً: ۳۱ : ۲۹ تا ۳۴. ۹- ایضاً: ۳۲ : ۷ تا ۹.

و از حضرت ابوعلی ابن الهیثم[1] صاحب ریاضیات[2] قدس الله سره، منقول است: هر که وَ اِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِیّٖنَ مِیْثَاقَهُمْ تا عَذَابًا اَلِیْمًا[3] که در سورة الاحزاب است، روز چهار شنبه بعد از نماز بامداد نود بار بخواند، میان عزیزان عداوت دفع شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت مولانا محمد بن عبدالله بن محمود، که کتاب کشف الامانی فی سبع المثانی در علم قرأت تألیف نموده است، قدس الله سره، منقول است: هر که وَ اِذْ قَالَتْ طَّآئِفَةٌ تا اِلَّا یَسِیْرًا[4] روز سه شنبه بر کوزهٔ کهنه بنویسد، و آن را به آب بشوید، و در خانهٔ دشمن یا ظالم بیفشاند، خانهٔ او، خراب شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ ابی یحیی زکریا شافعی انصاری مصری که دقایق محکم و شرح مقدمهٔ جزریه در علم قرأت و شرح رسالهٔ قشیریه تصوف و فتوحات تصوف و حاشیهٔ بیضاوی ازوست، قدس الله سره، منقول است: یَآ اَیُّهَا النَّبِیُّ تا شَهِیْدًا[5] هر که بروغن زنبق سه روز پیاپی این آیات[6] [۳۲ب] مذکوره صد بار بخواند، و بران بدمد، و در شیشه اندازد، و ازان اندک کشیده به روی مالد، هر حیوانی و هر کسی که او را بیند، ازو بترسد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت الحسین بن محمد بن المفضل معروف به امام راغب اصفهانی، صاحب محاضرات، قدس الله سره، منقول است: هر که یَسْئَلُکَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ تا وَ اَطَعْنَا الرَّسُوْلَا[7] روز دوشنبه هشتاد بار بخواند، قرب الٰهی حاصل شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت ابو حنیفه دینوری، صاحب تاریخ (اخبار الطوال) قدس الله سره، منقول است: هر که وَ جَعَلْنَا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقُرَی الَّتِیْ تا اٰمِنِیْنَ[8] که در سورة السبا است، بر پوست آهو یا بر پوست شیر بنویسد، و آن را نگاه دارد، هیچ گاه نترسد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت کعب بن زهیر صحابی، رضی الله تعالی عنه، صاحب قصیده بانت سعاد، قدس الله سره، منقول است: هر که قُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَ مَا یُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَ مَا یُعِیْدُ الی آخر سوره[9] روز

۱- د برگ ۳۲ و، ب برگ ۴۵ و، ج برگ ۴۳ ب: "ابوعلی ابن الهیثم". ۲- د برگ ۳۲ و، ب برگ ۴۵ و، ج برگ ۴۳ ب: "ریاضات". ۳- القرآن الحکیم: ۳۳، ۷ و ۸. ۴- ایضاً: ۳۳، ۱۳ و ۱۴. ۵ و ۶- ایضاً: ۳۳، ۵۰ تا ۵۵. ۷- ایضاً: ۳۳، ۶۳ تا ۶۶. ۸- ایضاً: ۳۴، ۱۸. ۹- ایضاً: ۳۴، ۴۹ تا ۵۴.

یکشنبه بنویسد، و در دستارِ خود بندد، از شرِّ ظالم و دشمن ایمن گردد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت ابن عطاء اللّٰہ اسکندری، مؤلفِ کتاب التنویر فی اسقاط التدبیر، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که اِنَّ الَّذِیْنَ یَتْلُوْنَ تا غَفُوْرٌ شَکُوْرٌ[1] که در سورۂ فاطر است، در شبِ دوشنبه بعد از نمازِ خفتن نود بار بخواند، بیامرزد خدای تعالیٰ گناهانِ خرد و بزرگِ (اول). انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ احمد اسود، قطبِ وقت، استادِ امام محمد غزالی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که اِنَّا جَعَلْنَا فِیْ اَعْنَاقِهِمْ تا یُبْصِرُوْنَ[2] که در سورۂ یٰسٓ است، روزِ پنج شنبه بر لوحی مس یا بر لوحی نقره بنویسد (و)..

مخالفانِ وین هلاک و خراب شوند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت (احمد بن احمد بن محمد معروف به) شیخ زروق، مصنّفِ کتاب قواعد الطریقة، پیرِ شیخ علی متّقی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که المّٓ[3]، المّٓرٰ[4]، المّٓصٓ[5]، کٓهٰیٰعٓصٓ[6]، طٰهٰ[7]، طٰسٓ[8]، یٰسٓ[9]، صٓ[10]، حٰمٓ[11] عٓسٓقٓ[12]، قٓ[13]، نٓ[14] بر نگینِ انگشتری نقش کند، و آن را نگاه دارد، ایمن شود از جملہ بلاهای دنیا و آخرت. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ روزبهان بقلی شیرازی، که تفسیرِ عرائس و ترجمۂ قرآن وغیرہ تصنیفِ اواست، قدّس اللّٰہ روحہٗ، منقول است: اگر انگشتریِ مذکور پیشِ کسی باشد، و پیشِ پادشاه رود، او را عزیز دارد، و مرادش بر آید. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت ابوعبداللّٰہ محمد بن سعید، صاحبِ قصیدۂ بُرده، رحمة اللّٰہ علیه، منقول است: هر که انگشتریِ مذکور بر سرِ کسی بگرداند، از بیماری شفا یابد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالجلیل بن محمد احمد، که کتاب تنبیه الانام در صلوات حضرتِ رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ وآلہٖ وسلّم تصنیفِ اوست، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که انگشتریِ مذکور (در) دهان بگرداند، تشنگی دفع شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

---

۱. القرآن الحکیم: ۳۵، ۲۹ و ۳۰. ۲. ایضاً: ۳۶، ۸ و ۹. ۳. ایضاً: ۲، ۱. ۴. ایضاً: ۱۳، ۱. ۵. ایضاً: ۷، ۱.
۶. ایضاً: ۱۹، ۱. ۷. ایضاً: ۲۰، ۱. ۸. ایضاً: ۲۷، ۱. ۹. ایضاً: ۳۶، ۱. ۱۰. ایضاً: ۳۸، ۱.
۱۱. ایضاً: ۴۰، ۱. ۱۲. ایضاً: ۴۲، ۱. ۱۳. ایضاً: ۵۰، ۱. ۱۴. ایضاً: ۶۸، ۱.

و از حضرت ابو عبدالله محمد بن [۱۲۲] اسمٰعیل (بخاری)، که (الجامع) الصحیح حدیث تصنیفِ او است، قدّس الله روحه، منقول است: هر که انگشتریِ مذکور به آب باران بشوید، و آن آب بخورد، حفظش زیاده گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابوالحسین مسلم (بن) الحجاج نیشاپوری، که صحیح مسلم حدیث تصنیفِ او است، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که (با) انگشتریِ (مذکور)، در مسافری سفر باشد، بخیر و سلامتی با مال و متاع (به) خانه باز آید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابن ماجه قزوینی، صاحب کتاب (سنن) حدیث، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اِنَّا نَحْنُ نُحْیِ الْمَوْتٰی تا فِیْ اِمَامٍ مُّبِیْنٍ[1] روزِ پنج شنبه به مشک و زعفران بر ظرفی پاک بنویسد، و به آب باران بشوید. بعدهٗ تمام سورۂ یٰسٓ یک بار بر آن آب بخواند و بدمد، و آن آب را بر خانۂ خراب بیفشاند، آبادان شود. و یا در زراعت یا در بوستان بیفشاند، برکت (دران) بسیار شود. انشاالله تعالیٰ.

و از حضرت ابوداؤد سجستانی، که مصنّفِ (کتاب) سنن حدیث او است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که روزِ پنج شنبه روزه دارد، و آیتِ مذکور اِنَّا نَحْنُ نُحْیِ الْمَوْتٰی تا مُبِیْنٍ[2]، بر کاسۂ سفید بنویسد، ....[3]

(ذ)هنش بسیار شود، و تاریکی دل و چشم نیز برود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابوعیسیٰ (ترمذی)، که (کتاب) جامع ترمذی و شمایل حدیث تصنیفِ او است، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اِنْ کَانَتْ اِلَّا صَیْحَةً وَّاحِدَةً فَاِذَا هُمْ خٰمِدُوْنَ[4]، روزِ یکشنبه بر کاغذِ سفید بنویسد، و آن را در مقامِ کهنه دفن کند، دشمنان هلاک و خراب شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابو عبدالله دارمی، که کتابِ (سنن) حدیث تألیفِ او است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که وَ اٰیَةٌ لَّهُمُ الْاَرْضُ الْمَیْتَةُ تا وَ(مِ)مَّا (لَا) یَعْلَمُوْنَ[5] به مشک و زعفران در کوزه بنویسد، (و به آب چاه) بشوید، و در هر زراعت و بُستان بریزد، خدای تعالیٰ برکت دران زیادت کند. انشاء الله تعالیٰ.

۱ و ۲ - القرآن الحکیم: ۳۶، ۱۲. ۳- در ا برگ ۳۳ ا ب برگ ۲۶ ا و ج برگ ۴۲ ب یک سطر از متن افتاده.
۴- القرآن الحکیم: ۳۶، ۲۹. ۵- ایضاً: ۳۶، ۳۳ تا ۳۶.

و از حضرت ابوالحسن (علی بن عمر البغدادی) دارقطنی محدث، قدّس اللّٰہ روحہٗ، منقول است: ہر کہ اِنْ کَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً تا لَدَيْنَا مُحْضَرُوْنَ[1]. روزِ دوشنبہ در ساعتِ سعد بر پوستِ آہو بنویسد، و آن را در سایۂ آفتاب نہد، یکی از پادشاہانِ جن حاضر شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت ابوبکر احمد بیہقی کہ شعب الایمان تألیفِ او است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ قَالَ مَنْ يُّحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيْمٌ الیٰ آخرِ سورۃ[2] چہل بار بر روغنِ فلطین (یعنی اُنسی) بخواند، ہر کس کہ آن روغن در اعضای خود مالد، از ہمہ رنج و درد خلاص شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سید جلال الدین محمد طباطبائی مشہور بہ میرزا جلالا، کہ کتاب شاہ‌جہان نامہ تألیف کردۂ او است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: الصّٰفّٰت (والصّٰفّٰت) تا شِهَابٌ ثَاقِبٌ[3] ہر کہ روزِ یکشنبہ این آیات[4] بر کاسۂ [۳۳ب] سفید بنویسد، و بہ آبِ چاہ بشوید، و باد زدہ را بخوراند، باد دفع شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت ابوالحسن عبدری محدّث، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: وَلَقَدْ نَادٰنَا نُوْحٌ تا فِي الْعٰلَمِيْنَ[5]. ہر کہ این آیات بر کاسۂ چوب بنویسد، و آن را بہ آبِ پاک بشوید، کسی را کہ عقرب یا مار بگزد یا کسی را زہر دادہ باشند، ازان آب بخورد، (زہر) دفع شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت ابوعبدالرحمٰن نسائی، صاحب سننِ حدیث، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ سورۂ صٓ[6] بر چشمہ یا بر سرِ چاہ بخواند، آبِ شیرینِ لطیف ازان جا پیدا شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت (محمد بن فتوح بن عبداللّٰہ) امام حمیدی (الاندلسی) صاحب کتاب الجمع بین الصحیحین، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ تا لَا يُظْلَمُوْنَ[7]، کہ در سورۃ الزُّمر است، روزِ یکشنبہ بر کاغذِ سفید بنویسد و آن را در چاہ اندازد، دشمن زیر و زبر گردد، و ہلاک شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت (مبارک بن محمد معروف بہ) ابن الاثیر صاحب جامع الاصول و نہایہ در لغات حدیث، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ رَفِيْعُ الدَّرَجٰتِ تا سَرِيْعُ الْحِسَابِ[8]. بر پوستِ آہو

۱۔ القرآن الحکیم: ۳۶، ۲۹تا۳۲. ۲۔ ایضاً: ۳۶، ۷۸تا۸۳. ۳ و ۴۔ ایضاً: ۳۷، ۱تا۱۰. ۵۔ ایضاً: ۳۷، ۷۵تا۷۹. ۶۔ ایضاً: ۳۸. ۷۔ ایضاً: ۳۹، ۶۸تا۶۹. ۸۔ ایضاً: ۴۰، ۱۵تا۱۷.

به مشک و زعفران بنویسد و بر سینهٔ مرد یا زن نهد که در خواب باشد. هرچه برو رفته باشد بگوید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ تقی الدین ابن الصلاح محدث قدس الله سره منقول است: اَللّٰهُ الَّذِیْ جَعَلَ لَکُمْ تا تُنْکِرُوْنَ[1]. هر که روزِ یکشنبه یا روزِ پنج شنبه این آیات بر ظرفی پاک بنویسد و به آب چاه که آفتاب بر آن نیفتد بشوید و بخوردنِ حیوانات دهد و بر پستان افشاند، شیرشان زیادت شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید صفی الدین ایجی محدث، قدس الله سره منقول است: هر که سَنُرِیْهِمْ اٰیٰتِنَا فِی الْاٰفَاقِ وَفِیْ اَنْفُسِهِمْ تا مُحِیْطٌ[2] بر پارهٔ جامهٔ دخترکی نابالغ بنویسد، و آن را زیر آسیانه نهد از دستِ ظالم خلاص یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت شیخ محمود بن محمد بن محمود که کتاب نزل السائرین که در آن احادیث شریفه بر ترتیب حروفِ تهجی ا ب ت ث آورده است، قدس الله سره، منقول است: هر که لَهٗ مَقَالِیْدُ السَّمٰوٰتِ تا آخرِ آیت[3] بر پوست آهوی خانه سفید که دباغت کرده باشد (بنویسد) و آن را بپیچد در پارهٔ صوفِ سرخ (و) بر گردنِ خروس ببندد، و آن را در خانه رها کند. در آن جا که دفینه ها باشد آن خروس به فرمانِ خدای تعالیٰ به منقار یا به پای هر دفینه که باشد بیرون آرد، و اگر بیک نوبت مراد حاصل نشود، چند نوبت بکند تا مراد حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت عیاض بن موسیٰ بن عیاض معروف به، قاضی عیاض که کتاب شفا در حدیث تألیفِ اوست، قدس الله سره. منقول است: هر که وَکَذٰلِکَ اَوْحَیْنَا اِلَیْکَ الیٰ آخر السوره[4] روزِ پنج شنبه بر جامِ آبگینه به مشک و زعفران و به آب گلاب و پارهٔ عسل که آن را آتش نرسیده باشد [۲۴ ا] بنویسد، و به آب باران بشوید، و سه جمعه هم چنین کند. بعد از نمازِ صبح هر جمعه قدری بیاشامد، حفظش زیاد شود، و دلش روشن گردد، و شب خیز شود، و علم اولین و آخرین معلوم گردد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالعباس مستغفری، که کتاب طبّ النبی، صلی الله علیه و آله وسلم، تصنیف فرموده است، قدس الله سره، منقول است: هر که وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ تا لَمُنْقَلِبُوْنَ[5] که در سورهٔ زخرف واقع

۱- القرآن الحکیم: ۴۰، ۷۹ تا ۸۱. ۲- ایضاً: ۴۱، ۵۳ و ۵۴. ۳- ایضاً: ۴۲، ۱۲. ۴- ایضاً: ۴۲، ۵۲ و ۵۳. ۵- ایضاً: ۴۳، ۹ تا ۱۴.

است ، روزِ یکشنبه بر پارهٔ حریرِ سفید بنویسد، و در کلاه دوزد، و آن را بر سر نهد، و وضو سازد، و دو رکعت نماز بگذارد، و روی به سوی قبله بنشیند، و این آیات[1] را هفت بار بخواند، حق سبحانهٔ و تعالیٰ او را در برّ و بحر و در سفر و حضر از جمله آفات نگاه دارد، و در زراعت و اشجار و مواشیِ او برکت بسیار افتد. انشاء اللہ تعالیٰ .

و از حضرت شیخ حافظ ابو العلا همدانی قدّس اللہ سرّهٔ ،منقول است : هر که نیم شب برخیزد، و وضو تازه سازد، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[2] سه بار اِذَا زُلْزِلَتِ الْاَرْضُ (تا آخر سوره[3]) و بعد از سلام این آیات[4] که بالا مذکور است : وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ تا لَمُنْقَلِبُوْنَ[5] بخواند، تا آن زمان که به خواب رود. هر چیز که مصلحتِ دنیا و آخرتِ او باشد، در خواب به او نمایند، و آنچه مطلوب او باشد حاصل شود . انشاء اللہ تعالیٰ .

و از حضرت شیخ محمد بن خاوند شاه بن محمود معروف به میر خواند[6] که صاحب تاریخ روضة الصّفا است[7] قدّس اللہ سرّهٔ ،منقول است : یٰعِبَادِ تا تَحْزَنُوْنَ[8] هر که روزِ سه شنبه و چهار شنبه و پنج شنبه روزه دارد، و شبِ جمعه جامهٔ پاکیزه بپوشد، و طهارتِ تازه کند، و اندک اندک طعام بخورد، و نمازِ خفتن بگذارد. و بعد از نمازِ خفتن دو رکعت نماز بگذارد. بعد ازان صلاحِ حالِ خود بخواهد. بعد ازان هزار بار صلوات بر حضرتِ رسول صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم بفرستد، و هفتاد بار آیتِ مذکور[9] بخواند، تا آن گاه به خواب رود، و اوّل و آخرِ ماه هم چنین کند که درِ روزی بروی کشاده گردد، و خیر و برکت ببیند، و مراداتِ دنیا و آخرت نیز بر آید. انشاء اللہ تعالیٰ .

و از حضرت غیاث الدّین (بن همام الدّین معروف به) خواند میر[9]، صاحب تاریخ حبیب السّیر (فی اخبار افراد البشر) قدّس اللہ سرّهٔ ، منقول است : هر که حٰمٓ تا رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ[10] که در (سورهٔ) دخان است، شبِ اول از ماهِ شعبان بعد از نمازِ خفتن تا چهارده روز از ماه بگذرد. هر شب سی بار این آیات بخواند بعد ازان صد نوبت صلوات بفرستد، هر حاجت دنیا و آخرت که از خدای تعالیٰ

۱۔ القرآن الحکیم : ۴۳ ، ۹ تا ۱۴ . ۲۔ ایضاً : ۱ . ۳۔ ایضاً : ۹۹ ، ۱ تا ۸ . ۴ و ۵۔ ایضاً : ۴۳ ، ۹ تا ۱۴ . ۶۔ در د برگ ۳۲ و ب برگ ۲۸ و ج برگ ۲۶ ب : "شیخ همام الدین میر خوند". ۷ ، ۸۔ القرآن الحکیم : ۴۳ ، ۶۸ . ۹۔ در د برگ ۳۴ و ب برگ ۲۸ و ج برگ ۲۶ ب : "غیاث الدین خوند میر پسر او". ۱۰۔ القرآن الحکیم : ۴۴ ، ۱ تا ۸ .

بخواهد، مرادش حاصل شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت (شیخ) نور الدین محمد عوفی، که کتاب [۶۰ب] جوامع الحکایات تألیف او است، قدس الله سره، منقول است: حٰمٓ ہ تَنْزِیْلُ الْکِتٰبِ تا یُؤْمِنُوْنَ[۱] که در سورهٔ جاثیه است. هر که روز یکشنبه روزه دارد، و باطهارت بر ظرف پاک این آیات[۲] بنویسد، و به آب چاه بشوید، و آن را بر زراعت و اشجار افشاند، برکت در آن بسیار پیدا شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت ابوعلی الحسن بن علی معروف به قاضی التنوخی، مصنف کتاب الفرج بعد الشدة والضیقة، قدس الله سره، منقول است: هر که وَیْلٌ لِّکُلِّ تا عَذَابٌ اَلِیْمٌ[۳] شب دوشنبه هفتاد بار بخواند، خدای تعالی او را از عذاب گور نگاه دارد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت ملا لُتر، رحمة الله علیه، منقول است: وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ تا مَا کَانُوْا مُنْظَرِیْنَ[۴] هر که شب سه شنبه وقتِ نیم شب برخیزد، و نود بار این آیات بخواند، ظالم و دشمن دفع شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت درس علی، رحمة الله علیه، منقول است: وَیْلٌ لِّکُلِّ اَفَّاکٍ اَثِیْمٍ تا عَذَابٌ اَلِیْمٌ[۵] که در سورهٔ جاثیه است. هر که شب پنج شنبه و شب آدینه هر شب کُشته و لوبان و عنبر بخور کند، و آیات[۶] مذکوره صدبار یا دوصد بار بخواند، دیوان و پریان حاضر شوند. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ چلی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اَللّٰهُ الَّذِیْ سَخَّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ تا یَتَفَکَّرُوْنَ[۷] روزِ یکشنبه بر پارهٔ رصاص این آیات[۸] بنویسد، و به آن در بر و بحر صید کند، البته صید او را بسیار افتد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت جام تماچی، رحمة الله علیه، منقول است: وَاذْکُرْ اَخَا عَادٍ تا کَذٰلِکَ نَجْزِی الْقَوْمَ الْمُجْرِمِیْنَ[۹] که در سورة الاحقاف است، هر که روزِ سه شنبه هفت پاره آب از هفت چاهِ خراب بردارد، و هفت روز هر روز هفت بار (این آیات)[۱۰] بر آن آب بخواند، و آن را بر خانهٔ ظالم یا در خانهٔ دشمن بیندازد، خانه های ظالم و دشمن خراب شود. انشاء الله تعالی.

---

۱ و ۲- القرآن الحکیم: ۴۵، ۱تا۶. ۳- ایضاً: ۴۵، ۷و۸. ۴- ایضاً: ۴۴، ۱۷تا۲۹. ۵- ایضاً: ۴۵، ۷و۸.
۶- ایضاً: ۴۵، ۷و۸. ۷ و ۸- ایضاً: ۴۵، ۱۲و۱۳. ۹ و ۱۰- ایضاً: ۴۶، ۲۱تا۲۵.

و از حضرت ملّا مخدوم جعفر بو بکانی، مؤلّفِ نہج التعلّم و متانۃ الرّوایۃ وغیرھا، شاگردِ شیخ ابوالحسن بکری شافعی و مریدِ شیخ علی متقی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: وَاِذْ صَرَفْنَا تا مُّبِیْنٍ[1]؛ ھر کہ روزِ پنج شنبہ سی بار این آیات[2] بخواند، پریان آمدہ حاضر شوند، و فرمان برداریِ او کنند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت حکیم عثمان بو بکانی، کہ عقایدِ نسفی و حاشیۂ بیضاوی و شرحِ بخاری تألیفِ او است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: ھر کہ وَالَّذِیْنَ قُتِلُوْا فِیْ سَبِیْلِ اللّٰہِ تا آخرِ سورہ[3] کہ در سورۂ محمد است، روزِ پنج شنبہ در ساعتِ اوّل یا در ساعتِ دوم بر روی دشمن ہفت بار بخواند، بر دشمن ظفر یابد، و دشمن دوستِ او شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا محمد، صدریتہ، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ھر کہ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰہِ تا آخر سورہ[4] کہ در سورۃ الفتح است، روزِ دو شنبہ بر حریرِ سفید بہ مشک و زعفران و گلاب (۵۳۶) و عنبر و کافور بنویسد، اگر درویش بر خود بندد، توانگر گردد، و اگر رنجور بندد، شفا یابد، و اگر ناتوانائی بندد، قوی شود، و بہر حاجتی کہ نگاہ دارد، حاجتش روا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی احمد، قاضیِ شہر تتہ، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ھر کہ یٰۤاَیُّھَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوْا کَثِیْرًا من الظن تا آخرِ سورہ[5] کہ در سورۃ الحجرات است، روزِ پنج شنبہ بر ظرفی نو بہ مشک و زعفران و گلاب بنویسد و بہ آبِ باران بشوید، و بخورد، مرادِ او حاصل شود، و گمانِ بد خلق بہ سوی او نبرد، و دلش بہ نورِ ایمان منوّر شود، و تسکینِ قلب پیدا شود، و دغدغہ و وسوسہ از خاطرش بدر رود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت صائب اصفہانی شاعر، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ھر کہ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً تا الخُرُوْجُ[6] کہ در سورۂ ق است، روزِ یکشنبہ بر کاسۂ سفید بنویسد، و سحر زدہ را بخوراند، سحر باطل شود، و او صحت یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا منیر لاہوری شاعر، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: وَجَآءَتْ کُلُّ نَفْسٍ تا آخرِ سورہ[7]، ھر کہ بر دردِ چشم این آیات[8] ہفت روز ہر روز ہفت بار بخواند، و آبِ دہن بر چشم مالد، شفا یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا شیدا شاعر دفتپوری، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: قَالَ فَمَا خَطْبُکُمْ الیٰ آخرِ سورہ[9]، کہ در

۱ و ۲- القرآن الحکیم: ۲، ۲۶، ۲۹ تا ۳۲. ۳- ایضاً: ۴۷، ۴ تا ۳۸. ۴- ایضاً: ۴۸، ۲۹. ۵- ایضاً: ۴۹، ۱۲ تا ۱۸.
۶- ایضاً: ۵۰، ۹ تا ۱۱. ۷ و ۸- ایضاً: ۵۰، ۲۱ تا ۴۵. ۹- ایضاً: ۵۱، ۳۱ تا ۶۰.

سورۃ الذاریات است، روز شنبه بر خاکِ پاک یازده بار بخواند، و بر خانۂ دشمن افشاند، خانه و مالِ او خراب و ضایع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شمس الدین محمد جامی از اولادِ شیخ احمد جام، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که سورۃ الطور وَالطُّوْرِ تا کُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ[1] روزِ چهار شنبه بر لوحِ چوبِ خرتوت نقش کند، و در خانۂ دشمن دفن کند دشمن هلاک شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا شمس الدین محمد اسد، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ الی آخرِ سورہ[2] بر جامِ آبگینه به مشک و زعفران و گلاب بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و بخورد، عزت و حرمت بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت بابا حسن ابدال، قدّس اللہ روحهٗ، منقول است: هر که سورۃ النجم وَالنَّجْمِ تا الْكُبْرٰى[3] بر جامِ طلا به مشک و گلاب و به آبِ زمزم بنویسد، و به آبِ باران بشوید. و هفت شب پیاپی ازان آب بیاشامد، و بعد از نمازِ صبح نیز بخورد، تلاوتِ قرآن و حفظِ علوم او را روزی شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید حسین زنجیر پای، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: سورۃ (القمر) اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ تا عَلٰى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ[4]. هر که مردِ زانی باشد یا زنِ زانیه و فاجره [۳۵ب] باشد، و خواهد که فعلِ بد ترک شود، روزِ چهار شنبه این آیات[5] بر کاغذِ سفید بنویسد، و در موم گیرد، و آن را در کنارۂ آبِ روان دفن کند، فعلِ بد دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت میر سید محمد سید شیر قلندر (گجراتی)، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که سورۃ (الرحمٰن) اَلرَّحْمٰنُ عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ تا بِحُسْبَانٍ[6] خطّینا و علّمنا، بر کاسۂ چینی بنویسد، و به آبِ روان بشوید، و بر آن صد بار آیاتِ[7] مذکوره بخواند، و آن (آب) بخورد، حق سبحانهٗ و تعالیٰ او را حفظ پیدا کند، و تعلیمِ علم بر او آسان گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت سید محمد جون پوری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که يٰمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ تا تَنْتَصِرٰنِ[8] روزِ یکشنبه بر پوستِ آهو به مشک و زعفران بنویسد، و بر بازوی راست بندد، از هر چه ترسد

۱- القرآن الحکیم: ۵۲: ۱ تا ۱۹. ۲- ایضاً: ۵۲: ۴۸ و ۴۹. ۳- ایضاً: ۵۳: ۱ تا ۱۸. ۴ و ۵- ایضاً: ۵۴: ۱ تا ۱۲.
۶ و ۷- ایضاً: ۵۵: ۱ تا ۵. ۸- ایضاً: ۵۵: ۳۳ تا ۳۵.

باشد، ایمن شود . انشاء اللہ تعالیٰ .

۱ و از حضرت قاضی قاضن، مرید سید محمد جونپوری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است : ھرکہ سورۃ الواقعہ[۱] در شب و روز یک بار بخواند، از گرسنگی و تشنگی و از درویشی خدای تعالیٰ داو را نگاہ دارد . انشاء اللہ تعالیٰ .

و از حضرت سیّد میر کلان، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است : اَفَرَءَیْتُم مَّا تُمْنُوْنَ تا نَحْنُ الْخَالِقُوْنَ[۲]. ہرکہ روزِ دو شنبہ با وضو این آیات[۳] در کاسۂ چینی بنویسد، و بہ آب (چاہ) بشوید، و آن زن را بخواند کہ داروِ بچّہ خام نیفتد، بعدِ خوردنِ آب بچّہ پختہ و زندہ پیدا آید . انشاء اللہ تعالیٰ .

و از حضرت میرک ابو سعید پورانی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است : ھرکہ اَفَرَءَیْتُم مَّا تَحْرُثُوْنَ الیٰ آخرِ سورۃ[۴] روزِ شنبہ در کاسۂ سفید بنویسد، و بہ آبِ باران بشوید، و در زراعت یا در باغ بیفشاند حق تعالیٰ کِشت و باغ را، از آفات نگاہ دارد، و برکت در آن زراعت و میوہ ھا بسیار شود . انشاء اللہ تعالیٰ .

و از حضرت میرک محمود بن ابو سعید پورانی، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است : ھرکہ اَفَرَءَیْتُمُ النَّارَ الَّتِیْ تا آخرِ سورۃ[۵] بر روغنِ بلبل نُہ بار بخواند، و آن را بر جراحت مالد، جراحت نیکو شود . انشاء اللہ تعالیٰ .

و از حضرت شیخ پوران جدِّ میرکیان، قدّس اللہ سرّہٗ العزیز، منقول است : ھرکہ سورۃ والحدید سَبَّحَ لِلّٰہِ تا آخر[۶] یک بار بخواند، حق سبحانہٗ و تعالیٰ جملہ حاجاتِ او روا گرداند . انشاء اللہ تعالیٰ

امّا باید کہ با عتقادِ درست و با خلاصِ دل و گوشہ نشین بخواند، تا زود اثر شود . انشاء اللہ تعالیٰ .

واللہ تعالیٰ اعلم بالصّواب .

و از حضرت شیخ محمد بن ابی القاسم، پیرِ حضرت شیخ (محی الدّین) ابن العربی، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است : ھرکہ لَقَدْ اَرْسَلْنَا تا اِنَّ اللّٰہَ قَوِیٌّ عَزِیْزٌ[۷] بر شمشیر نقش کند، و بہ مقابلِ دشمن رود، ظفر یابد . انشاء اللہ تعالیٰ .

۱- القرآن الحکیم : ۵۶ . ۲ و ۳- ایضاً : ۵۶ ، ۵۸ و ۵۹ . ۴- ایضاً : ۵۶ ، ۶۳ تا ۹۶ . ۵- ایضاً : ۵۶ ، ۷۱ تا ۹۶ .
۶- ایضاً : ۵۷ ، ۱ تا ۲۹ . ۷- ایضاً : ۵۷ ، ۲۵ .

و از حضرت شیخ مکیؒ، مشہور بملا خاکی، مرید ملا جامی، قدس اللہ سرہ، کہ رسالۂ من جانب الغربی فی حل مشکلات ابن العربی تصنیف کردہ، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ سورۃ المجادلہ [۱۳۶ و] قَدْ سَمِعَ اللّٰہُ تا آخر آیت[1] روز جمعہ بر کاسۂ چینی بنویسد و بہ آب باران بشوید و بخورد، دروغ گوئی دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالحسن علی، پیر (حضرت شیخ محی الدین) ابن العربی، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ یٰٓاَیُّھَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا تا الْمُؤْمِنُوْنَ[2] بر جام آبگینہ بہ مشک و زعفران بنویسد و بہ آب بہاری بشوید و بیاشامد کہ مفید باشد، و خوابہای بیہودہ نیاید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ اسحاق بن شیخ موسیٰ، رحمۃ اللہ علیہ، جد کاتب محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی بن شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق، رفع اللہ شان اولادہ، منقول است: ہر کہ لَوْ اَنْزَلْنَا ھٰذَا الْقُرْاٰنَ الی آخر سورۃ الحشر[3] یازدہ بار بعد از نماز خفتن بخواند، و بر بدن بدمد، سستی و غفلت از وی دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نبہر، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الممتحنہ یٰٓاَیُّھَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا تا سَوَآءَ السَّبِیْلِ[4] بر ورق آہو بنویسد، و آن را نگاہ دارد، از محنت و سختی امین شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملا علی قاری ہروی حنفی، شارح مشکوٰۃ و حصن حصین و شاطبی وغیرہ، شاگرد شیخ علی متقی، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ یُرِیْدُوْنَ لِیُطْفِئُوْا نُوْرَ اللّٰہِ تا نَصْرٌ مِّنَ اللّٰہِ وَ فَتْحٌ قَرِیْبٌ[5] کہ در سورۃ الصف است، روز پنج شنبہ بہ مشک و زعفران بر حریر سفید بنویسد، و بر بازوی راست بندد، بر دشمن ظفر یابد، و چون پیش سلطان رود، عزت بسیار یابد، و خلایق او را دوست دارند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابو محمود محمد بن احمد عینی کہ شرح صحیح بخاری و شرح ہدایہ فقہ و شرح کنز الدقایق تالیف کردہ است، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہر کہ ذٰلِکَ فَضْلُ اللّٰہِ تا ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ[6] کہ در سورۃ الجمعہ است، روز جمعہ بر قدری از صدف بنویسد، و در خزینہ میان مال نہد، از دزد و آفت امین باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۵۸: ۱۔ ۲۔ ایضاً: ۵۸: ۹، ۱۰۔ ۳۔ ایضاً: ۵۹: ۲۱تا۲۴۔ ۴۔ ایضاً: ۶۰: ۱۔
۵۔ ایضاً: ۶۱: ۸تا۱۳۔ ۶۔ ایضاً: ۶۲: ۴۔

و از حضرت غیاث الدّین محمد بهرآبادی، که بر شرحِ عقایدِ نسفیه حاشیه کرده است، و بر دُررِ غُرر مولوی جامی شرح نوشته، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هرکه وَاِذَا رَاَیْتَهُمْ تا یُؤْفَکُوْنَ[1] که در سورۃ المنافقون است، روزِ یکشنبه بر خاکِ پاک هفت بار بخواند، و بر روی دشمن افشاند، از شرِّ او ایمن شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت زین الدّین تایبادی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که زَعَمَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا تا یَسِیْرٌ[2] که در سورۃ التغابن است، روزِ پنج شنبه در کاسهٔ چینی بنویسد، و به آبِ چاه بشوید. [۳۲ب] چیزی که گم شده باشد، در مجموعِ خانه بیفشاند که در خواب یا در بیداری آن پیدا شود، یا به او نماید. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ یاسین[3] مغربی، مرشد امام محی الدّین، نووی (شافعی)، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: مَا اَصَابَ مِنْ مُّصِیْبَةٍ تا عَلِیْمٌ[4] هر که روزِ چهارشنبه و روزِ پنج شنبه و روزِ آدینه روزه دارد، و درین سه روز (گوشتِ) حیوانی نخورد. بعد ازان غسل کند، و جامهٔ پاک بپوشد، و خوشبوی بمالد. چون نیم شب بگذرد. این آیت[5] بر جامِ نو به مشک و زعفران بنویسد، و به آبِ باران بشوید. بعد ازان یک ساعت رها کند، و سه جرعه ازان بیاشامد، و به خواب رود. سه شب آن را بخورد. غفلت و فراموشی از وی زایل شود، و پادشاه وغیرہ همه (او) را دوست دارند، و هر، حاجتی که باشد، حاصل شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت ملا عبداللّٰہ ملقب به عاقل لبیب بن ملا عبدالحکیم سیالکوتی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ منقول است: وَمَنْ قُدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهٗ تا عُسْرٍ یُّسْرًا[6] که در سورۃ الطلاق است، هر که شبِ جمعه، چون نیم شب بگذرد، برخیزد، وصد بار استغفار گوید، وصد بار صلوات بفرستد، و این آیت[7] بر کاغذ سفید بنویسد، و آن را در کلاه بندد و به خواب رود که حق سبحانهٗ و تعالیٰ روزی بروی بگشاید. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر عباس، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که یٰاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا تا آخر سورۃ[8] که در سورۃ التحریم است، روزِ یکشنبه بر کاغذ حریر بنویسد، و با خود نگاه دارد. حجاب از دلِ او برود، و در حقایق الٰهی (در) دلِ او کشاده گردد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر شاهی، رحمۃ اللّٰہ علیه، منقول است: هر که اَلَّذِیْ خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ تا وَ هُوَ حَسِیْرٌ[9] که در

۱- القرآن الحکیم: ۶۳، ۴. ۲- ایضاً: ۶۴، ۷. ۳- در د برگ ۳۲ب. ب برگ ۵۲ ا و ج برگ ۵۰ ب معروف به "الجام لاسود"
۴ و ۵- ایضاً: ۶۴، ۱۱. ۶ و ۷- ایضاً: ۶۵، ۷. ۸- ایضاً: ۶۶، ۸ تا ۱۲.
۹- ایضاً: ۶۷، ۳ و ۴.

سورۃ الملک است، وقتِ شام سہ بار بخواندہ بر چشم دمد، دردِ چشم دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر لاکہ (کلال)، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: سَنَسِمُهٗ عَلَى الْخُرْطُوْمِ الی آخرِ سورۃ[۱]، کہ در سورۃ القلم است، ہر کہ این آیات[۲] بر خشتِ پختہ بنویسد، و آن را در مقامِ (کہنہ) دفن کند، دشمن و ظالم بمیرد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر چشتہ (بن آمر)، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ المجادلہ[۳] بر طشت بنویسد و بشوید، و طفلان را بدان آب بشوید، از آفات کلّی در امان باشند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر فرید، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ این سورۃ (مذکورہ)[۴] بر روغنی کہ بر طفلان می مالند بخواند، ہر کس کہ ازان روغن بر خود مالد، حشرات و چیزہای موذی او را زحمت نرسانند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر محمود، قدس اللہ روحہٗ، منقول است: ہر کہ ازان روغن کہ بالا مذکور است [۱۳۷] بر زحمتی مالد، ازان رنج و زحمت خلاص شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا ضیاء الدین راھوتی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ در خواب ترسد، یا خواب ہای آشفتہ بیند، و در روز ملالتِ بی سبب او را باشد، یا آب از چشم یا از دہانِ او رود یا آید، سورۃ المعارج[۵] در ظرفی بنویسد، و (بہ آبِ چاہ) بشوید کہ ہیچ کس ازان آب نخورد الّا او، و ہفت شب ہر شب جرعۂ ازان بیاشامد، شفا یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

(و از حضرت) شیخ عبداللطیف راھوتی، کہ رسالۂ توزیع الاوقات و شرحِ آن ازو است، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ مذکورہ[۶] یازدہ بار بخواند، و بر اعضا دمد، ہیچ بلا گردِ او نگردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد بن شیرین مغربی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: اگر کسی محبوس باشد، و سورۃ الجن[۷] بخواند خلاص یابد؛ و اگر قرض دار باشد، سہ بار (سورۃ الجن[۸]) بخواند، وامش ادا شود؛ و اگر از شرِّ سلطان و جن ترسد، دو بار سورۃ الجن[۹] بخواند، محفوظ ماند؛ و اگر در سفر باشد، یک بار بخواند، از دزد ایمن شود؛ و اگر مسخّراتِ جن خواہد، چہل بار سورۃ مذکورہ[۱۰] بخواند، مطیع و فرمان بردارِ او شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جمال الدین (یونس)، بن یحییٰ، مریدِ شیخ سید عبدالقادر محی الدین جیلانی و مرشدِ شیخ محی الدین ابن العربی، قدس اللہ سرّہم، منقول است: ہر کہ خواہد جمالِ حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم را

---

۱ و ۲ - القرآن الحکیم: ۶۸: ۱۶ تا ۵۲. ۳ و ۴ - ایضاً: ۵۸. ۵ و ۶ - ایضاً: ۷۰.
۷، ۸، ۹ و ۱۰ - ایضاً: ۷۲.

در خواب بیند، باید که روزِ پنج شنبه روزه دارد، و چون نمازِ خفتن بگذارد، ہزار بار صلوات بر حضرتِ محمد، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، بفرستد، و سه بار سورة المزمّل[1] بخواند، و به خواب رود که حضرتِ محمدِ مصطفیٰ را صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، در خواب بیند، و جمله حاجاتش روا گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عزیز نسفی، صاحب مبداء و معاد و مقصدِ اقصیٰ و کشف الحقایق در علم تصوف تصنیفِ او است، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که نیم شب جمعه برخیزد، و وضو تازه سازد، و چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی یک بار الحمد[2] و سه بار سورة المدثر[3] و بعد از سلام صد بار صلوات بر حضرتِ محمد، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، بفرستد، و سه بار سورة المدثر[4] بخواند، حاجتِ دنیا و آخرت که از خدای تعالیٰ بخواهد، مرادش حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالوهاب پورانی، که فتاویٰ پورانی تألیفِ او است، رحمة اللہ علیہ، منقول است: هر که سورة القیامة[5] دائم بخواند، یقین در دلش باز آید، و حکمت بر زبانش روان شود، و اگر بر آب بخواند و بیا شامد، ترسِ اللہ تعالیٰ در دلش پیدا شود، و خدای تعالیٰ او را از شرِ دشمن و جورِ پادشاه نگاه دارد. انشاء اللہ [۳۷ب] تعالیٰ، باید که سحرگاه بیا شامد.

و اگر طفلی ازان آب بخورد، ذهنش پاک شود، و چیزها زود یاد گیرد: و اگر بر طفل بندد که از دیو و آفتِ دیگر محروس باشد، امین ماند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت خواجه ابو نصر پارسا بن خواجه محمد پارسا، رحمة اللہ علیہ، منقول است: هر که سورة المرسلات[6] بنویسد، و با خود نگاه دارد، دشمنش نیست شود؛ و اگر بنویسد و بر صاحب علّت بندد، ازان علّت خلاص یابد؛ و اگر بر آب زمزم خواند، و بر جراحت مالد، بهتر شود؛ و اگر بر دُنبل مالد، به شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت خواجه امام عبداللہ، رحمة اللہ علیہ، منقول است: هر که خواهد که در سفر بسلامت باشد، و از خطرهٔ دشمن امین باشد، و در علم آموختن ذهنش روشن شود، سورة النبا[7] را بر پوستِ آهو به مشک و زعفران و گلاب بنویسد، و آن را نگاه دارد، مرادش حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۷۳. ۲- ایضاً: ۱. ۳ و ۴- ایضاً: ۷۴. ۵- ایضاً: ۷۵.
۶- ایضاً: ۷۷. ۷- ایضاً: ۷۸

و از حضرت شیخ بهاء الدین عمر مریدِ شیخ محمد شاه فراهی، رحمة اللہ علیہ، منقول است: ھر کہ خواھد کہ بر دشمن ظفر یابد، و از جورِ سلطان رستہ گردد، و ظالم برو غلبہ نکند، و در جای مخوف ایمن ماند، سورة النازعات[1] سہ بار بخواند، جملہ مراداتِ او برآید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد شاہ فراهی، رحمة اللہ علیہ، منقول است: ھر کہ سورۂ عبس[2] بر ورقِ آھو بہ مشک و زعفران و گلاب بنویسد، و آن را نگاہ دارد، در سفر و حضر از شرِ جن و انس ایمن باشد، و اگر میلِ او بہ خیر باشد، ازو راحت بہ خلق رسد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر در ظرفی پاک بہ مشک و زعفران بنویسد، و بشوید بہ عسل کہ آب نرسیدہ و نہ آمیختہ، و در طعام بخورد، میلِ او بہ خیر و صلاح باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت زین الدین ابوبکر خوافی، مریدِ خواجہ عبدالرحمن مصری، قدس اللہ سرہ، منقول است: ھر کہ در زمانِ باران باریدن سورة الکوثر[3] بخواند، ھر حاجت کہ از خدای تعالیٰ بخواھد، حاجتش روا گردد، خواہ حاجتِ دنیا باشد خواہ حاجتِ آخرت. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر سورۂ مذکورہ[4] ھفت روز بر چشم خواند، چشم او روشن شود، و دردِ چشم دفع گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت خواجہ ابو الوفا خوارزمی، رحمة اللہ علیہ، منقول است: ھر کہ سورة الانفطار[5] بر پوستِ آھو یا بر پوستِ کبشِ قربانی یا بر جامۂ زنی (کہ با چشمِ ازرق باشد) بنویسد، و در خانۂ دشمن دفن کند، دشمنش ھلاک گردد. باید کہ نامِ او (یعنی دشمن) و نامِ مادرش نیز بنویسد، و اگر بر پوستِ آھو بنویسد و زیرِ سر نھد، حقیقتِ دشمن معلوم گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا جلال الدین ابو یزید پورانی (مرشدِ مولانا جامی)، رحمة اللہ علیہ، منقول است: ھر کہ سورة المطففین[6] روزِ پنج شنبہ در کاسہ بنویسد، [۱۲۸] و بہ آبِ چاہ بشوید، چاھی کہ بر آن آفتاب نیفتد، و در خانۂ دشمن بیفشاند، دشمن مطیع و فرمان بردارِ او شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید شاہ قطب الدین، قدس اللہ سرہ، منقول است: ھر کہ سورة الانشقاق[7] بر کاغذِ سفید بنویسد، و در کمرِ زنی بندد، کہ حملِ او زود افتد، بہ آسانی فرزند زاید. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۷۹. ۲- ایضاً: ۸۰. ۳ و ۴- ایضاً: ۱۰۸. ۵- ایضاً: ۸۲. ۶- ایضاً: ۸۳. ۷- ایضاً: ۸۴.

و از حضرت شیخ ابوبکر نساج، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ در منزلِ سفر برسد، سورۃ البروج[1] سہ بار بخواند، و بر خود بدمد، از آفات ایمن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حسن سمنانی، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الطارق[2] بر چہار تختۂ چوب بنویسد، و در چہار رکنِ کشت یا در بُستان بنہد، حق سبحانہ و تعالیٰ آن را از آفات و ملخ وغیرِ آن نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالحسن بُستی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الاعلیٰ[3] روزِ جمعہ بعد از نمازِ جمعہ بنویسد، و آن را نگاہ دارد، حفظش بیفزاید، و ذہنش نیک شود، و خدای تعالیٰ او را از آفات نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت خواجہ یوسف ہمدانی، قدّس اللہ تعالیٰ روحہ، منقول است: سورۃ الغاشیۃ[4] ہر کہ از اوّلِ ماہ سہ روز روزہ دارد، و روزِ چہارم وقتِ سحر برخیزد، و این سورۂ (مذکورہ[5]) بر تختہ بنویسد، و نمازِ صبح بگذارد، و آن لوح کہ بر آن سورۃ نبشتہ باشد، بہ زبان بلیسد، ریا از دلش بیرون رود، و حسد و کینہ در دلش نماند، و اخلاص و یقین در اندرونِ او پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ. باید کہ سہ روز چنین کند.

و از حضرت شیخ برکیہ (کاتیار) رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الفجر[6] بر جامِ آبگینہ بہ مشک و زعفران بنویسد، بہ عسلِ خالص بشوید، و آن را بیاشامد، حلاوتش بیفزاید، و ذہنش صاف شود، و مشکلات حل گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابوطاہر کردہ، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: ہر کہ را اعضای شکستہ باشد، و خواہد کہ او نیک شود، و استخوانش بہ سلامت باشد، پارۂ روغنِ فلطین یعنی "انسی روغن" بستاند، و با عسل بیاویزد، و سورۃ البلد[7] را بران سہ بار بخواند، و بدمد، و بہ کتان طلا کند، و بران کسر نہد، بہتر شود. و اگر بر جامہ مالد و بپوشد، او را در نظرِ خلق عزّتی و ہیبتی دیدہ شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فتح رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الشمس[8] بنویسد، و با خود نگاہ دارد، عقیدۂ او نیک شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۸۵. ۲- ایضاً: ۸۶. ۳- ایضاً: ۸۷. ۴ و ۵- ایضاً: ۸۸. ۶- ایضاً: ۸۹.
۷- ایضاً: ۹۰. ۸- ایضاً: ۹۱.

و از حضرت قاضی امام عبدالجبار، رحمة الله علیه، منقول است: هر که سورة اللیل[1] بنویسد، و با خود نگاه دارد، [۳۸ب] تیر و شمشیر بروی کار نکند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالله بن مبارک، رحمة الله علیه، منقول است: هر که سورة الضحیٰ[2] بنویسد، و در کالای خود نهد، برکت بسیار پیدا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ یوسف اسباط، رحمة الله علیه، منقول است: هر که سورة الانشراح[3] بنویسد، و در مقامِ کافران نهد، دیوان بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالخیر اقطع، رحمة الله علیه، منقول است: هر که سورة التین[4] بنویسد، و در گردن کودک بندد، شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ مظفر قومسی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که سورة العلق[5] بنویسد، و به آب چاه، بشوید و بخورد، روشنائی در دل پیدا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابومحمد رویم دحاجبی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که سورة القدر[6] بنویسد، و بشوید، و بر اعضای مالد، زحمت دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابونصر سراج، رحمة الله علیه، منقول است: هر که سورة البیّنة[7] بنویسد، و بر کافری آشفته باشد، و در جهدِ خمسه بندد(؟)، سرگردان و پریشان مسلمان شده در خانهٔ او آید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت خواجه احمد ابدال چشتی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که سورة الزلزال[8] بنویسد، و در خانه نهد، خبرِ غایبِ او در رسد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالعباس نهاوندی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که سورة العدیٰت[9] بنویسد، و بر عورتِ حامله بندد، خدای تعالیٰ او را از جملهٔ خوف ها نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوبکر رازی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که سورة القارعة[10] بنویسد، و بر طفلی بندد، دندانِ او به آسانی بغیر زحمت بدر آید. انشاء الله تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۹۲. ۲۔ ایضاً: ۹۳. ۳۔ ایضاً: ۹۴. ۴۔ ایضاً: ۹۵. ۵۔ ایضاً: ۹۶.
۶۔ ایضاً: ۹۷. ۷۔ ایضاً: ۹۸. ۸۔ ایضاً: ۹۹. ۹۔ ایضاً: ۱۰۰. ۱۰۔ ایضاً: ۱۰۱.

و از حضرت شیخ علی سیاه، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که سورة التکاثر[1] به مشک و زعفران بنویسد، و بشوید به آب (چاه)، و بچّه را بخوردان دهد که سخن درست نتواند گفت، سخن درست از وی بیرون آید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالحسن علی بن بندار صوفی، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: هر که سورة العصر[2] بنویسد، و رنجور را بخوراند، درد شکم دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو ضحاک، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: هر که سورة الهمزة[3] بنویسد، و زنی را بخوراند که حملِ او از حرام شده باشد، حمل بیفتد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ علی بن شلویه، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: هر که سورة الفیل[4] بسیار خواند، از خوف ایمن شود، و او را وسوسه نشود، و از شرِّ اشرار ایمن گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

واگر بنویسد، و به آبِ باران بشوید، و بیا شامد [۱۲۹] زهر بر او کار نکند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ علی بن عیسیٰ الاربلی، که کشف الغمّۃ فی معرفۃ الائمہ تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که تمام سورة الفیل[5] یازده روز هر روز سه بار صلوات اول و آخر و هزار و یک بار سورة الفیل[6] بخواند، و دران روزها حیواناتِ جلالی و جمالی ترک کند، و طعامِ بی نمک بخورد، هر مهمّی و مقصودی که داشته باشد، حاصل شود، و حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم را در واقعه بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حاکم ابو عبداللہ نیشاپوری، که کتاب معرفۃ علوم الحدیث و مستدرک تصنیفِ او است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: هر که اَلَمۡ تَرَ کَیۡفَ[7] یا جبرئیل بعد از نمازِ بامداد صد و یک بار بخواند، از شرِّ جمله بلاها ایمن شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت ابو المؤید موفق ابن احمد الخوارزمی معروف به خطیب خوارزم، که کتاب مناقب (علی ابن ابی طالب) تصنیف کرده است، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: هر که فَعَلَ رَبُّکَ[8] یا تمائیل بعد از نمازِ ظهر نود بار بخواند، رحمتِ خدای تعالیٰ بر او فراوان شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۰۲: ۱۔ ۲۔ ایضاً: ۱۰۳۔ ۳۔ ایضاً: ۱۰۴۔ ۴، ۵ و ۶۔ ایضاً: ۱۰۵۔ ۷۔ ایضاً: ۱۰۵: ۱۔
۸۔ ایضاً: ۱۰۵: ۱۔

و از حضرت ابن المطہر حلّی کہ کتاب الفین و نہج الحق وغیر آن تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ بِاَصْحٰبِ الْفِیْلِ[1] یا کلکائیل بعد از نمازِ عصر ہشتاد بار بخواند، نعمت دو جہانی یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد مرتضیٰ حلّی کہ کتاب نہج البلاغۃ، کلام حضرت امیر المؤمنین علی مرتضیٰ، کرم اللہ وجہہٗ تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَھُمْ[2] یا لومائیل بعد از نمازِ مغرب ہفتاد بار بخواند، از شرِّ عوراتان و مکرِ زنانِ بدخواہان ایمن شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت ابن ابی الجدید کہ شرح نہج البلاغۃ تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: فِیْ تَضْلِیْلٍ ، وَّ اَرْسَلَ عَلَیْھِمْ[3] یا میکائیل بعد از نمازِ عشا شصت بار بخواند، دولت و رزق زیادت گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابو المنذر ہشام بن محمد بن السائب الکلبی، کہ کتاب مثالب و مضاحک تصنیف کردہ است قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ طَیْرًا اَبَابِیْلَ ، تَرْمِیْھِمْ[4] یا عزرائیل بعد از نمازِ تہجد پنجاہ بار بخواند، سیرِ آسمان و زمین حاصل شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت خواجہ نصیر الدّین طوسی مصنّفِ تجرید العقاید وغیرہ، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ بِحِجَارَۃٍ مِّنْ سِجِّیْلٍ[5] یا اسرافیل، بعد از نمازِ اشراق چہل بار بخواند، ہدایتِ خدای تعالیٰ نصیب او گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت خواجہ بہاء الدّینِ عاملی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ فَجَعَلَھُمْ کَعَصْفٍ مَّاْکُوْلٍ[6] یا کہکائیل بعد از نمازِ ضحیٰ سہ بار بخواند، خزینہ از خزانۂ الٰہی [۳۹ ب] حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد تاج الدّین اوچی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ ہزار بار تمامِ سورۃ الفیل[7] با موکّلات بر پای قبر با سہ بار صلواتِ اوّل و آخر بخواند، دشمنِ او ہلاک شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد بن بابویہ قمی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ تمام سورۃ الفیل[8] با موکّلات روزِ شنبہ یک ہزار بار خواندہ بر ہزار دانۂ نخودِ سیاہ بدمد، و آن ہا را یک یک کردہ بسوزد، دشمن

۱- القرآن الحکیم: ۱۰۵: ۱. ۲- ایضاً: ۱۰۵: ۲. ۳- ایضاً: ۱۰۵: ۲ و ۳. ۴- ایضاً: ۱۰۵: ۳ و ۴. ۵- ایضاً: ۱۰۵: ۴.
۶- ایضاً: ۱۰۵: ۵. ۷ و ۸- ایضاً: ۱۰۵.

وی بیمار شود یا بمیرد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت خواجہ مظفر بن احمدان، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ روی بہ قبلہ کند، و سورۃ الماعون[1] نُہ بار بخواند، ہرچہ دران خانہ باشد، در امانِ خدای تعالیٰ باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) محمد شہر ابادی، قدس اللہ روحہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الکوثر[2] در شبِ جمعہ ہزار بار بخواند، و ہزار بار صلوات بر حضرتِ محمدِ مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، (بفرستد، حضرتِ محمدِ مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم،) را در خواب بیند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر بنویسد، و با خود نگاہ دارد، خدای تعالیٰ او را از شرِ دشمن نگاہ دارد، و دشمن بہ او ہیچ مضرت نتواند رسانید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ادیب کندی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الکافرون[3] وقتِ بامداد و شبانگاہ بخواند، از شک و شرک و گمانِ بد ایمن شود، و ہر حاجتی کہ از خدای تعالیٰ خواہد، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد بن سیرین، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الفتح[4] بر شمشیر نقش کند، و برابرِ دشمن رود، ظفر یابد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر در نمازِ نافلہ در شب بخواند، ایمان و یقینش نیکو شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ربیع بن خثیم، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ اللہب[5] سہ بار بخواند، و پیشِ پادشاہ یا متکبری رود، از شرِ او ایمن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) ابو سعید بن مسیب، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ سورۃ الاخلاص[6] سہ بار بخواند، چنان باشد کہ تمام قرآن خواندہ باشد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر بیمار خواند، شفا یابد، و اگر در گورستان خواند، عذاب بر مومنان سبک گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

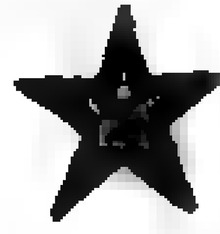
و از حضرت شیخ ابو اسمٰعیل عموی، قدس اللہ روحہ، منقول است: ہر کہ معوذتین[7] سہ بار بخواند، حق سبحانہٗ و تعالیٰ او را ایمن گرداند از شرِ آدمی و پری، و از ہر آفت و وحشت و از مرض و جراحت. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱۰۷. ۲- ایضاً: ۱۰۸. ۳- ایضاً: ۱۰۹. ۴- ایضاً: ۴۸. ۵- ایضاً: ۱۱۱.
۶- ایضاً: ۱۱۲. ۷- ایضاً: ۱۱۳ و ۱۱۴.

و اگر وقتِ بامداد و شبان گاه بخواند، آن روز و آن شب در پناہِ الله تعالیٰ باشد؛ و چون پیشِ پادشاه رود، بر او ظفر یابد؛ و از گزنده و پرنده و از معرّتِ دشمن ایمن باشد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر این دو سورة[1] بنویسد و بر مصروع بندد، شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حسن بصری، قدّس الله تعالیٰ سرّه، منقول است: هر که بعد از نمازِ خفتن پنج بار فَادْخُلِي فِي [۱۴۰ ا] عِبَادِي ه وَادْخُلِي جَنَّتِي[2] بخواند، خدای تعالیٰ او را در زمرهٔ متقیان گرداند که همیشه در جنّت باشد. انشاء الله تعالیٰ.



۱- القرآن الحکیم ۱۱۳:۱۱۴،۱۱۴۔ ۲- ایضاً ۸۹: ۲۹، ۳۰۔

جواہرِ دُوم

در فضیلتِ نود و نُہ نامِ باری تعالیٰ با موکّلات
کہ از بزرگان مندرج شدہ است۔

جواهرِ دوم[۱]

درفضیلتِ نود و نُه نام باری تعالیٰ با موکّلات که از بزرگان مندرج شده است.

حضرتِ رسالت پناه، صلی اللّٰہ علیہ و آلہ وسلّم، که به معراج رفتند، از حضرتِ جلّ و علا اسمای اربعین یعنی چهل اسم و اسمای دیگر که نود و نُه نام (است)، هدیه یافتند. وپیغمبرانِ دیگر نیز برگزیده شدند، توبهٔ مهترآدم علیه السّلام، و سلطنتِ مهتر سلیمان علیه السّلام، وخلاصِ مهتر ابراهیم از آتش، و فتحِ مهترِ موسیٰ بر سحرِ فرعون، و برآمدنِ مهتریونس ازشکمِ ماهی، و مُرده زنده کردنِ مهتر عیسیٰ، و معجزاتِ جمله پیغمبرانِ دیگر، و معجزاتِ سلطان الانبیا، صلی اللّٰہ علیہ و آلہ وسلّم، وکراماتِ اولیا به برکتِ اسمای مذکوره بود. وهرکه به شرفِ این عمل مشرّف شود، پادشاهِ دارین گردد، بمنّه وکمال کرمه.

و ازحضرتِ شیخ حبیب عجمی، قدّس اللّٰہ سرّهٔ، منقول است که حضرتِ امام جعفرِ صادق، تیز تعالیٰ عنه، فرموده است: که علمِ دعوت و علمِ تکسیر هیچ کسی را نیا موزانند. و اذن بدهد مگر کسی را که اصیل و نیک زاده باشد، و بداصل و حرام زاده را نیا موزاند، اگرچه عالم وزاهد و عابد بود.

چنانچه روایت کرده است حافظ محمدبن موسیٰ شیرازی، رحمة اللّٰہ علیه، درکتاب خود که از دوازده تفسیرِ اهلِ سُنّت و الجماعت استخراج کرده:

۱. تفسیرِ ابویوسف یعقوب بن دغمان الغزنوی الجرخی، ۲. تفسیرِ ابن جریج، ۳. تفسیرِ مقاتل بن سلیمان،

---

۱. در ب و ج از آغازِ جواهرِ دوم چند برگ افتاده است.

۴- تفسیر وکیع بن جرّاح، ۵- تفسیر یوسف بن موسیٰ القطان، ۶- تفسیر قتاده د بن امامه)،
۷- تفسیر ابو عبید قاسم بن سلام، ۸- تفسیر علی بن حرب الطائیؒ (الموصلی)، ۹- تفسیر السدّی،
۱۰- تفسیر مجاهد د بن جبیر المکی)، ۱۱- تفسیر مقاتل بن حیان، و ۱۲- تفسیر ابو صالح[ب]
که از ابن عباس و انس، رضی الله تعالیٰ عنهم، مروی داست)، که روزی نزدِ حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، نشسته بودیم، و ذکرِ شخصی می کردیم به این که او به نماز و روزه و صدقه و زکوٰة موصوف است.

پس حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، فرمود که من او را نمی شناسم.

پس ما گفتیم که یا رسول الله! او عابد و مسبّح و مقدّس و موحّدِ خداست.

پس حضرت فرمود: صلی الله علیه و آله وسلّم که من او را نمی شناسم.

در همین سخنان بودیم که آن شخص پیدا شد.

پس گفتیم که یا رسول الله! این شخص همان است.

پس حضرت، صلی الله علیه و آله وسلّم، بسوی او نظر کرد، و ایشان را بنورِ نبوت معلوم شد که آن شخص مرائی و حرام زاده است، و از حرام متولّد شده است.

و در کتاب [۰۱۰ب] گلستان این بیت آورده است. بیت:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بداست   تربیت نا اهل را چون گردگان برگنبداست

آن شخص چون حضرت، صلی الله علیه و آله وسلّم، را دید، فی الحال گریخته به مسجد رفت. پس حضرت، صلی الله علیه و آله وسلّم، ابوبکر را گفت که این شمشیر مرا بگیر، و در مسجد برو، و آن شخص را که تعریف به نماز و روزه و صدقه و تسبیح می کردید، گردن بزن که او آن کسی است که از جماعتِ شیطانِ رجیم آمده است.

چون ابوبکر در آمد، آن شخص را در رکوع دید. پس گفت که والله! که این شخص را نکشم، چه حضرت، صلی الله علیه و آله وسلّم، پیش ازین ما را از کشتنِ نمازیان نهی فرموده اند.

ب‌ا- در دیگ. ... نام های اکثر تفسیرها غلط بود. ما با مراجعه به کتاب "کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون" تألیف مصطفیٰ بن عبدالله معروف به حاجی خلیفه و کاتب چلبی، مطبوعه استانبول جلد اول (۱۳۶۰ھ) و جلد دوم (۱۳۶۲ھ) درست کردیم.

پس ابوبکر بازگشت، وگفت: یا رسول الله! چون در رکوع بُود، او را نکُشتم که شما ما را پیش از این از کشتنِ مصلّیان منع فرموده اید.

پس حضرت، صلی الله علیه وآله وسلّم ابوبکر را گفت که تو کُشندهٔ وی نیستی.

برخیز ای عمر! و شمشیر من از دستِ ابوبکر بگیر و آن شخص را گردن بزن.

عمر رفت، و آن شخص را در سجده دید. گفت: والله! که من او را نکُشم چه امان داد او را کسی که از من بهتر بود یعنی ابوبکر.

پس عمر نیز بازگشت وگفت: یا رسول الله! من او را در سجده دیدم.

پس حضرت صلی الله علیه وآله وسلّم، عمر را فرمود: بنشین که تو نیز کُشندهٔ وی نیستی.

برخیز ای علی ابن ابی طالب! که تو قاتلِ وی هستی. اگر او را بیابی، بهر جا و بهر طریق که باشد بکُش، که اگر او کُشته شدی هرگز میانِ امّتِ من اختلاف پیدا نشدی.

پس حضرت امیر علی، کرم الله وجهہٗ شمشیر بگرفت و در مسجد آمد، و آن شخص را ندید، پس بازگشت، و گفت: یا رسول الله! من او را ندیدم، و هرگاه او را بیابم، بکُشم او را. انشاء الله تعالیٰ.

پس گفت رسولِ خدای، صلی الله علیه وآله وسلّم، که ای علی! اُمّتِ موسیٰ علیه السّلام متفرّق شدند به هفتاد و یک فرقه، یک فرقه ازان ها ناجی است، و باقی در دوزخ خواهند بود؛ و اُمّتِ عیسیٰ علیه السّلام متفرّق شدند به هفتاد و دو فرقه، یک ناجی و باقی دوزخی، و اُمّت من متفرّق خواهد شد به هفتاد و سه فرقه، یک از آن ناجی است و باقی در دوزخ باشند.

پس حضرتِ علی، کرم الله وجهہ وسلّم علیہ، گفت: یا رسول الله! آن فرقهٔ ناجیه کدام است؟ گفت: آن فرقه ایست که تابعِ تو و یارانِ تو باشد.

پس در شانِ آن شخص این آیه نازل شد. قولہ تعالیٰ: ثَانِیَ عِطْفِهٖ لِیُضِلَّ عَنْ سَبِیْلِ اللهِ.[1]

حضرت ابن عبّاس که شاگردِ حضرت امیر علی علیه السّلام بود، و رئیسِ مفسّران است، در تفسیر این آیت گفت: لَہٗ فِی الدُّنْیَا خِزْیٌ[2] یعنی قتل که حضرت امیر علیه السّلام او را در جنگِ حنین کُشت.

---

۱ و ۲۔ القرآن الحکیم: ۲۲، ۹۔

بود. و قبل [اعزّ] در جنگ خوارج: وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ[1] یعنی عذاب آخرت نسبت به آن که با حضرت امیر علیه السّلام جنگ کرده بود.

• نام آن شخص خارجی که اصل خوارج بود، ذوالخویصره و ذوالثدیه و حرقوص بن زهیر بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلّم، در وقت غنایم حُنَین اشراف عرب را صدصد شتر می داد. آن خارجیِ ملعون اعتراض کرد، و گفت: اعدل فانّك لا تعدل.

پس حضرت صلی الله علیه و آله وسلّم فرمود: ویلك ان لم اعدل فمن یعدل.

پس خدای تعالی در شان آن خارجی این آیت نازل کرد که: وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَاِنْ اُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَاِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَا اِذَاهُمْ يَسْخَطُونَ[2]

و چنانچه حکایت دیگری می آورند که یک عالم زاهد پیش پادشاهی آمده نشست، و حکایت یکی از سادات و امام مسجد بود، کردن گرفت.

پادشاه را در دل گذشت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلّم، فرموده که: لا یعتاب و لا یبغض اولادی الّا ولد الزّنا.

پس پادشاه خواست که تحقیق این حدیث نماید، و معلوم کند که آن شخص ولد الزّنا هست یا نه؟

آن شخص عالم زاهد را پرسید که مادر تو زنده است یا نه؟

آن زاهد گفت که مادر من زنده است و پیر و ضعیف شده است.

پادشاه فرمود که اگر به پیش ما آمدن تواند، بیاید، و اگر تا این جا آمدن نتواند، ما پیش وی بیاییم، و به دیدار وی تبرک جوییم.

آن زاهد پیش مادر خود رفت، و تقریب پادشاه کرد. مادرش به شوق تمام بخدمت پادشاه آمد.

پادشاه وی را تعظیم و تکریم بسیار کرد، و مصحف مجید پیش وی حاضر ساخت، و گفت که وقت مردن تو نزدیک رسیده است، بگو که در دنیا هیچ گناهی کرده یا نه؟ که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلّم، فرموده

۱- القرآن الحکیم: ۲۲: ۹. ۲- ایضاً: ۹: ۵۸.

است: الصدق ینجی و الکذب یهلک.

مادرِ آن زاهد گفت که یک گناهِ عظیم کرده ام، و ازان همیشه ترسانم که حق تعالی با من در قبر و آخرت چه خواهد کرد؟

پادشاه پرسید که چه گناه کردی؟

مادرِ آن زاهد گفت که شوهرِ من سوداگر بود، و او برای سوداگری بیرونِ شهر رفته بود؛ و من در بالا خانه نشسته بودم مردی خوبصورت پشتارهٔ هیزم برداشته می آمد، و زیرِ بالاخانه آمده نشست.

چون چشمِ من از دریچه بروی افتاد، دلم براو مایل شد. او را طلبیده باوی نزدیکی کردم، و به این پسرِ من، که عالم و زاهد است، حامله شدم. و بعد از انقضای مدتِ حمل این پسر ازان حمل متولد شد.

پادشاه گفت که صدق رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلم، حیث قال [اعاب] لا یعتاب ولایبغض اولادی الا ولد الزنا.

چون این پسرِ تو پیشِ من شکایت یکی از ساداتِ طیبینِ طاهرین کرد، من به موجبِ این حدیثِ صحیح دانستم که او "ولدالزنا" است، لیکن خواستم که تحقیق هم بکنم. مقصودِ من از طلبیدنِ تو همین بود. اکنون برو، و به خدای تعالی توبه کن که ترا بیامرزد.

پس هیچ کس شکایت و بغض به طرفِ سادات نکند مگر بد اصل و حرام زاده که از حرام تولد شده باشد. نعوذ بالله منها.

پس اذن دادنِ حرام زاده و بد اصل را نشاید که در آن ضرر و رجعت حاصل شود.

و اگر کسی اسمی از اسمای الله تعالی بخواند، به پاکی و صافیِ دل و با شرایط بخواند با اکل الحلال واجتنب الحرام، تا اثر زود حاصل شود. انشاءالله تعالی.

و از حضرتِ شیخ حبیب عجمی، قدس الله سرہ، منقول است: هر که اسمِ جلالیِ یاالله[1] اُجب یا جبرئیل یا دردائیل بحق یاالله بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، هدایتِ خدای تعالی او را حاصل شود. انشاءالله تعالی.

۱- اسم الله در فهرستِ اسمای حسنی که در آخرِ جواهرِ دوم آمده نیست.

و از پدرِ خود که محیطِ انوارِ اللّٰه، مظهرِ اسرارِ اللّٰه، خلیفهٔ رسول اللّٰه، مجلسیِ حضرتِ محمدِ مصطفیٰ صلی اللّٰه علیه و آله وسلم، صاحب العلم و الحلم و الشجاعة سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللّٰه، قدس اللّٰه سرّهٗ شنیده بودم که هر که یا اللّٰه یا موکلات بعد از هر نمازِ خفتن هزار بار بخواند، در دل ما سوی اللّٰه دیگر وسوسه در نیاید، و همهٔ اعضای او به اسمِ اللّٰه تعالیٰ مشغول شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و معنی یا اللّٰه: خدای سزاوارِ پرستش که موصوف است به جمیع صفاتِ کمالِ پسندیده.

اگر کسی اسمِ اللّٰه را در شبِ چهار شنبه و پنج شنبه هزار بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ بسیار بیند، که هیچ گاه ندیده باشد، و دنیا و دولت نیز میسّر گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و هر که عددِ اسمِ اللّٰه در شکلِ مربّع پُر کند، و آن را در دستار یا در کلاه بندد، همه خلق مطیع و مسخّرِ او گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و عـددِ اسمِ اللّٰه شصت و شش (۶۶) است به حسابِ ابجد.

وحساب ابجد این است: [ابجد. هوز. حطی. کلمن. سعفص. قرشت. ثخذ. ضظغ].

ا ب ج د ـ ه و ز ـ ح ط ی ـ ک ل م ن ـ س ع ف ص ـ
۱ ۲ ۳ ۴ ـ ۵ ۶ ۷ ـ ۸ ۹ ۱۰ ـ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ـ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ـ
ق ر ش ت ـ ث خ ذ ـ ض ظ غ .
۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ـ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ـ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰ ـ

و به حسابِ ابجد عددِ اللّٰه شصت و شش (۶۶) شد. ازان بیست و یک (۲۱) طرح کند، باقی چهل و پنج (۴۵) ماند، و آن را در خانهٔ سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم بنهد، درست آید. امّا به میزان نظر کرده پُر کند تا خطا نشود. میزانِ مربّع این است:

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

و عددِ اسمِ اللّٰه به حسابِ ابجد شصت و شش (۶۶) است. ازان بیست و یک (۲۱) طرح کند، باقی چهل و پنج (۴۵) شد. و آن چهل و پنج (۴۵) را در خانهٔ سیزدهم بنهد. یک یک زیادہ

کرده تا شانزدهم خانهٔ رباعی پُر کند. درست آید. شکل اسم الله این است:

۸	۱۱	۴۶	۱
۴۵	۲	۷	۱۲
۳	۴۸	۹	۶
۱۰	۵	۴	۴۷

[۱۶۲] و هر اسمی از اسمای الله تعالیٰ برای هر کاری و مطلبی، یا آیتی از آیاتِ قرآن یا دعائی از ادعیات در شکلِ مربّع پُر کند، بر این روشن پُر کند که بالا مذکور است تا کم و زیادت نشود، و خطا نیفتد، که مقصود حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی اسمی از اسمای الله تعالیٰ دعوت کند، اوّل سه بار صلوات بخواند، چنانچه در کتاب خمس الانوار تألیفِ سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری، مذکور است: قال النّبی، صلی الله علیه و آله و سلّم: الاعمال موقوفة والدّعوات محبوسة حتّی یصلّی علی.

بعدهٔ چهار لک گیرد. ازان چهار حصّه کند:

اوّل یک لک به نیّتِ نصاب بخواند، و آن را برای بالله و فی الله بخشد.

دوم لک به نیّتِ زکوٰة بخواند، و آن را برای حضرتِ محمدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، و اہلِ بیتِ او بخشد.

سیوم لک به نیّتِ عشر برای قطب العالم، کاشف اللوح و القلم مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت قدّس الله سرّهٔ، و اولادِ او بخشد.

چهارم لک به نیّتِ قفل برای جمیعِ مسلمانان بخشد تا همه کارهای دینی و دنیوی او حاصل شود. و به مرتبهٔ ولایت رسد، و هر چه خواهد یابد. انشاء الله تعالیٰ.

نقل است که بالای عرش یک کنگره است، و در آن کنگره سه هزار و سیصد و شصت و یک حجره اند از مروارید صاف که به یدِ قدرتِ حق تعالیٰ آفریده است، و درمیانِ هر حجره یکان یکان صندوق از زمرّدِ سبز بمقدارِ رُبعِ دنیا پیدا کرده است، و جملهٔ ثواب اسمای اعظم در آن صندوق‌ها قفل کرده نهاده است، و بر درِ هر حجره هفصد و شصت و یک مَلَک نام زد است. مادام

که آن قفل ها کشاده نگردد، و دعوتِ اسمای اعظم اجابت نشود.

پس هر اسمی که از اسمای الله تعالیٰ بخواند: اوّل به نیّتِ نصاب، بعده به نیّتِ زکوٰة، بعده به نیّتِ عشر، و بعده به نیّتِ قفل بخواند، تا دعوت زود میسّر گردد. و قفل کشاده شود، و سریع الاجابت گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالحسن خرقانی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم مشترک میانِ جلال و جمال یاهُوَ[1] اَجب یا رفتمائیل یاتنکفیل بحق یاهُو بعد از نمازِ تهجّد صد بار بخواند، مرتبهٔ او بلند و اعلیٰ گردد، و آنچه نیّتی دارد، حاصل گردد. انشاء الله تعالیٰ[2].

و معنیِ یاهُو: او است و بجز او دیگر نیست.

و هر که هر شب به (دعوتِ) اسم یاهُو مشغول شود، آواز از حضرتِ ربّ العالمین بشنود. انشاء الله تعالیٰ[3].

[۲۲-ب] و از حضرت خواجه داوٗدِ طائی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم جمالیِ یارحمٰن اَجب یا اسرافیل یا امواکیل بحقِ یارحمٰن بعد از نمازِ عشا پنجاه بار بخواند، رحمتِ حق تعالیٰ بروی فراوان شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا نور الدّین عبدالرحمٰن بن احمد الجامی، که کتابِ شواهد النّبوة و نفحات (الانس) و شرحِ فصوص و شرحِ مختصر و شرحِ لمعات و شرحِ قصیدهٔ میمیهٔ فارضیّه و شرحِ (قصیدهٔ) تائیهٔ فارضیّه و شرحِ رباعیات و سبعهٔ نظم و دیوانِ شعر و انشا و رسایلِ عربیّه و فارسیّهٔ تصوّف و عروض و قافیه و معّما و صرف و تفسیر و حدیث و شرحِ کافیه وغیرها تصنیفِ او است، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که یارحمٰن با موکلات در شبِ دوشنبه صد بار بخواند، آن چه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد.

و معنیِ یارحمٰن: روزی دهندهٔ همهٔ مخلوقات.

و هر که این اسم در شب و روز بسیار گوید، خدای تعالیٰ او را هیچ گاه فاقه و فقر ندهد.

۱- اسمِ "یاهُو" در فهرستِ اسماءِ حسنیٰ که در آخرِ جواهرِ دوم آمده، نیست.

۲- بعد از این در برگ ۲۲ د طبقِ ترتیبِ موضوع "فضیلتِ خواندنِ اسم یاهُو با موکّلات" ندارد.

۳- بعد از این در ورق ۲۲ د طبقِ ترتیبِ موضوع "فضیلتِ نوشتنِ عددِ اسم یاهُو در شکلِ مربّع" ندارد.

انشاءاللہ تعالیٰ.[۱]

و از حضرت شیخ معروف کرخی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکه روزِ یک شنبه وقتِ نمازِ اشراق دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحہ[۲] سه بار سورۃ الاخلاص[۳]، و بعد از سلام صد بار اسمِ جمالی یا رحیم اجب یا میکائیل یا قبولائیل بحقِ یا رحیم، (بخواند)، خدای تعالیٰ بر او مهربان شود، و گناهانِ او عفو کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرتِ استادِ خود شمس العارفین و امام المتورّعین سیّد شمس الدّین مخدوم امام بخاری گجراتی از اولادِ قطب العالم، کاشف اللّوح والقلم مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللہ سرّہٗ، که کتابِ راحت البخاری و تفسیرِ بخاری تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہُ العزیز، فقیر سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری منقول شنید: هرکه یا رحیم با موکّلات هر روز صد بار بخواند، خلق بر و مشفق و مهربان گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنی یا رحیم: مهربان تر از همهٔ مخلوقات.

و هرکه این اسم را دعوت کند، و هر روز پنج هزار بار بخواند، پادشاه مطیع و فرمان بردارِ او شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسمؒ در شکلِ مربّع بنویسد، و با خود نگاه دارد، خدای تعالیٰ (او را) از شرِّ جن و انس نگاه دارد، و اسرارِ اوّلین و آخرین همه (بر او) معلوم گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت خواجہ سرّی سقطی، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: هرکه اسمِ جمالی یا مَلِك اجب یا اسرافیل یا جولائیل بحقِ یا مَلِك بعد از هر نماز پنجاه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را مملکت دهد، و در دنیا به هیچ چیز محتاج نگرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابونصر حمّاد [۱۰۰۳ء] بن اسمٰعیل جوهری، که کتاب صحاح اللغۃ تصنیفِ او است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: هرکه یا مَلِك با موکّلات بسیار بار بخواند، بر هیچ امیر و پادشاه محتاج نگردد به عظمتِ این نام. (انشاء اللہ تعالیٰ).

۱- بعد از این در برگ ۲۰ ب طبق ترتیبِ موضوع فضیلتِ نوشتنِ عددِ اسمِ یا رحمٰن در شکلِ مربّع ندارد.
۲- القرآن الحکیم: ۱. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

ومعنی یامَلِكُ: پادشاهِ همه چیزها.

و اگرکسی این اسم را بعد از نمازِ صبح صد بار بخواند، دولت زیاده گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از پدرِ خود که مهبطِ انوارالله، مظهرِ اسرارالله، خلیفهٔ رسول الله، مجلسی حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم، سیّد السادات، رفیع الدرجات، منبع البرکات، جامع العلوم والکمالات، صاحب العلم والحلم و الشجاعة سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل الله، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه یامَلِكُ بعد از نمازِ جمعه پنج هزار بار بخواند، پادشاهیِ دنیا و آخرت نصیب داو(؟) شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگرکسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع نوشته با خود دارد، از قرض خلاص یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جنید بغدادی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اسمِ جمالی یاقدّوس اجب یا عطرائیل یا حروزائیل بحقِ یاقدّوس بعد از هر نمازِ فجر صد بار بخواند، دلِ او صاف گرداند خدای تعالیٰ از زنگِ سیاهی. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالقاهر بن عبدالرحمٰن جُرجانی، که کتاب دلایل الاعجاز و کتاب اسرارالبلاغت در علمِ معانی (تصنیفِ او است)، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه یاقدّوس باموکّلات هر روز به وقتِ زوال هفتاد بار بخواند، از غم و اندوه نجات یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یاقدّوس: پاک از همهٔ عیب ها.

و اگرکسی به دعوتِ این اسم هفت روز نود بار بخواند، مغیباتِ خدای تعالیٰ بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگرکسی عددِ اسمِ مذکور را در شکلِ مربّع نوشته به طفلی بندد، از ترس ایمن شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالعبّاس بُونی قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اسمِ جلالی یاسلام اجب یا اموائیل یا رفتمائیل بحقِ یاسلام بعد از نمازِ خفتن نود بار بخواند، تنِ او همیشه سلامت باشد از دردها. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت حکیم ابوعلی مسکویه خازن رازی که صاحب تفسیر و اخلاق او است، قدّس الله سرّهٗ،

منقول است: هر که یاسلام با مؤکّلات بعد از نمازِ صبح صد بار بخواند، و بر اعضای خود بدمد، خدای تعالیٰ او را از جملہ بلاها نگاه دارد. (انشاء اللّٰه تعالیٰ)

ومعنی یاسلام: بی عیب از نکوهش.[1]

و اگر کسی عددِ اسمِ مذکور مربّع به مشک و زعفران در جام بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و بر اعضای (خود) بمالد، قوّت در بدن زیاده شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ احمد بن شیخ یوسف، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: [۱۶۳ب] هر که اسمِ جمالیِ یامؤمن اجب یا رویائیل یا کلکائیل بحقِ یامؤمن وقتِ تهجّد صد بار بخواند، بمرتبہ ولایت رسد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) حسن بن محمد، که تفسیرِ نیسابوری و نظامی شرحِ شافیۂ صَرف و شرحِ تذکرۂ هیئت و متنِ شمسیۂ حساب و شرحِ سی فصلِ تقویم وغیرها تألیف نموده داست، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هر که یامؤمن با مؤکّلات بسیار بار بخواند، خدای تعالیٰ او را ظاهر و باطن کشف کند. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

ومعنی یامؤمن: امن دهنده مومنان را در روزِ قیامت.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ خفتن هشتاد بار بخواند، بشارتِ ایمان یابد. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ اسمِ مذکور را در شکلِ مربّع نوشته در متاعِ خود نهد، خدای تعالیٰ او را در امن و امانِ خود نگاه دارد از شرِّ دشمنان و دُزدان وغیرِ آن، و برکت در آن نیز بسیار شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالحسن علی، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ جمالی یامهیمن اجب یا رویائیل یا رقمائیل بحقِ یامهیمن بعد از نمازِ ظهر هفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را با ایمان برانگیزاند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

۱- بعد از این ورق ۱۶۳ الف و طبقِ ترتیبِ موضوع "فضیلتِ خواندنِ اسمِ یاسلام" ندارد.

و از حضرت شیخ احمد بن حسن جاربردی، که شرح شافیه و شرح کشاف و شرح هدایه تصنیف او است، قدس الله سرهٔ. منقول است: هر که یا مهیمن با مؤکلات بعد از غسل صد بار بر زبان راند، وهم باطن یابد. (انشاء الله تعالی).

ومعنی یا مهیمن: گواه راست بر اعمال بندگان.

و اگر کسی به دعوت این اسم پنج روز مشغول شود، و هر روز نود بار بعد از نماز ظهر بخواند، خدای تعالی او را مرتبهٔ عالی (روزی) گرداند. انشاء الله تعالی![1]

و از حضرت شیخ ابوسعید ابوالخیر حسنی، قدس الله سرهٔ. منقول است: هر که اسم جلالی یا بدوح اجب یا جبرائیل یا رفتائیل بحق یا بدوح بعد از نماز فجر صد بار بخواند، همه کارهای دینی و دنیوی او حاصل شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ یوسف ماوراالنهری، قدس الله سرهٔ. منقول است: هر که یا بدوح[2] با موکلات بعد از نماز عشا به اعتقاد درست هزار بار بخواند، سیر آسمان و زمین بیند. و به مجلس حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم، مشرف شود. (انشاء الله تعالی).

ومعنی یا بدوح: برآرندهٔ کارها و دفع کنندهٔ اعداها.

و این اسم مشترک است بین الجلال والجمال. اکثر اولیای الله تعالی دعوت این اسم مذکور بسیار کرده اند.

و اگر کسی چهل روز خلوت اختیار کند، و شرایط نگاه دارد، و هر روز مع ترک حیوانات جلالی و جمالی بیست هزار کرت اسم مذکور بخواند چندان هزار عالم مغیبات (براو) منکشف گردد، و جملهٔ مخلوقات عالم علوی و سفلی و دنیوی مسخر و فرمان بردار او گردد بفرمان الله تعالی. (انشاء الله تعالی).[3]

و فضیلت این اسم بی شمار است. بهر حاجتی [۱۱ ۶ و] که بخواهد، بخواند، روا گردد. انشاء الله تعالی. خواه حاجت جلال باشد خواه حاجت جمال. والله تعالی اعلم بالصواب.

۱- بعد از این در برگ ۰ ب طبق ترتیب موضوع "فضیلت نوشتن عدد اسم یا مهیمن در شکل مربع" ندارد.
۲- اسم یا بدوح "در فهرست اسماء حسنی که در آخر جواهر دوم آمده" نیست.
۳- بعد از این در برگ ۱۰ ب طبق ترتیب موضوع "فضیلت نوشتن عدد اسم یا بدوح در شکل مربع" ندارد.

و از حضرت قطب الاقطاب میران سید شیخ عبدالقادر جیلانی گیلانی، قدس الله تعالیٰ سره العزیز، منقول است: هر که روزِ یک شنبه بعد از نمازِ اشراق چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعداز فاتحه[1] یک بار آیت الکرسی[2] و سه بار سورة الاخلاص[3]، و بعد از سلام صد بار اسمِ جلالی یاعزیز اجب یا لومائیل یا حروزائیل بحقِ یاعزیز بخواند، خدای تعالیٰ او را درمیانِ خلق عزیز و مکرم گرداند. و همهٔ خلق مطیع و منقادِ او شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرتِ شیخ احمد بن علی بن مسعود، که مراح الارواح در علم صرف نوشته است، قدس الله سره، منقول است: هر که یاعزیز (با مؤکلات)، چهل روز بعد از نمازِ بامداد چهل و یک بار بخواند، در دنیا و آخرت محتاج به هیچ چیز نگردد. (انشاءالله تعالیٰ).

و معنی یاعزیز: غلبه کننده بر همه چیزها.

و اگر کسی درویش باشد، و این اسم را بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، توانگر گردد. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و به زنی غریب بندد، شوهرِ او جائی که رفته باشد، پیدا شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالرزاقِ قادری، قدس الله سره، منقول است: هر که اسمِ جلالی یاجبّار اجب یا کلکائیل یا رقمائیل بحقِ یاجبّار بعد از نمازِ ظهر نود بار بخواند، بر همه ظالمان ظفر یابد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ سیف الدین آمدی، که کتابِ ابکار الافکار در علمِ کلام و احکام الاحکام درعلمِ اصول الفقه تصنیفِ او است، قدس الله سره، منقول است: هر که یاجبّار با مؤکلات بعد از وردِ مسبعاتِ عشر بیست و یک بار بخواند، ایمن شود از همهٔ بلاهای دنیا و آخرت. (انشاءالله تعالیٰ).

و معنی یاجبّار: کام گار و راست آرندهٔ کارهای مردمان.

و اگر کسی دعوتِ این اسم ده روز کند، و هر روز و هر شب هزار بار بخواند، اگر تمامِ عالم

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

دشمن باشد، مقهور شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربّع نویسد، و در دستار خود نهد، دشمن دوست شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالوهّاب قادری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم جلالی یامتکبّر اجب یا لوخائیل یا ورداثیل بحق یامتکبّر بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، تکبّر از دلِ او برود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا عزّ الدین محمد، که رسالۂ زنجانی صَرف تصنیفِ او است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: هر که یامتکبّر با مؤکّلات، وقتی که در بسترِ خود رود، پیش از آن که با زنِ خود نزدیکی نکرده باشد، ده بار بخواند، بعدہٗ جماع کند، فرزند که زاید [ما عاب] خدا ترس و عالم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و معنی یامتکبّر: ظاهر کنندۂ بزرگواریِ خود به برهانِ قاطع بر آسمان و زمین.

و[1] اگر کسی بعد از نمازِ عصر (این اسم) صد بار بخواند، از غم فرَج یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربّع بنویسد، و در بازوی راست بندد، توفیق در طاعت بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرتِ شیخ عبداللہ، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسمِ مشترک میانِ جلالی و جمالی یا خالق اُجب یا همکائیل[2] یا لومائیل بحقِ یاخالق بعد از نمازِ شام پنجاه بار بخواند، عجایب آسمان و زمین همه بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱- از این جا در ب برگ ۵۷ و عبارتِ جواهر دوم شروع شده.
۲- از این جا در ج برگ ۵۵ ا عبارتِ جواهر دوم شروع شده.

و از حضرت مولانا اسمٰعیل شیروانی، کہ بر تفسیرِ بیضاوی حاشیہ دارد، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ یا خالق با مؤکّلات در شب بسیار گوید، خدای تعالیٰ فرشتہ آفریند تا روزِ قیامت از پیشِ او و بعدِ او عبادت کند، و ثوابِ آن تا روزِ قیامت در دیوانِ او ثبت کند (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

ومعنیٔ یا خالق: آفریدگارِ ہر چیزی بہ مقدارِ اندازہ کہ شاید.

و اگر کسی پیشِ پادشاہ یا پیشِ دشمن یا پیشِ دوست رود، و این اسم را صد بار بگوید، و بر روی او دمد، پادشاہ و دشمن و دوست مطیع و فرمانبردارِ او شوند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در کاسۂ چوب بہ روشِ شکل مربّع بنویسد، و (رنجور) دردِ شکم را بخوراند، دردِ شکم دفع شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابراهیم حسینی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسم جمالی یا باری اجب یا جبرائیل یا دردائیل بحقِ یا باری بعد از نمازِ عصر صد بار بخواند، عالمِ روحانی بیند، و اسرارِ الٰہی کشف شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا مظہر کہ بر تفسیرِ بیضاوی "حاشیہ" تألیف کردہ، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: یا باری ہر کہ با مؤکّلات ہفت روز این نام صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را در گور تنہا نگذارد، و با حوران مونس گرداند. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

ومعنیٔ یا باری: آفرینندۂ ہر چیزی بہ صفت و خاصیّت.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ ظہر ہفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را در دنیا عزّت ناک گرداند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم در شکلِ مربّع بنویسد، و در مقامِ کہنہ دفن کند، دشمن بمیرد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ احمد بن جعفر چشتی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسم مشترک یا مصوّر اجب یا اسرافیل یا دوریائیل بحقِ یا مصوّر بعد از نمازِ خفتن نو بار بخواند، تصوّرِ الٰہی در دل پیدا شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا خسرو چلپی کہ بر تفسیرِ بیضاوی حاشیہ نوشتہ (۱۰۱۵) است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول

است: یا مصوّر هر که برای عورتی که عقیمه باشد (فرزند خواهد) باید که سه روز روزه دارد، و نزدیک افطار بیست و یک بار این اسم با موکلات بخواند، و بر آب دمد، و مرد و زن هر دو بخورند، و با خود مجامعت کنند، هم چنین به خواب روند. بفرمانِ خدای تعالیٰ او را فرزندی شایستهٔ نیکو روی روزی گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و معنی یا مصوّر: نگارندهٔ چهره ها و صورت ها به آفرینشِ گوناگون.

و از پدر خود که مهبطِ انوار الله، مظهرِ اسرار الله، خلیفهٔ رسول الله، صلی الله علیه وآله وسلم، صاحب الجود والحسنات سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله سرّہٗ، شنیدم که اگر کسی این اسم مذکور در کاسهٔ چینی چهل و یک بار به وقتِ مشتری بنویسد، و به آب چاه بشوید، و مرد و زن هر دو بخورند و جماع کنند، فرزندِ نرینه روزی شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در خانهٔ خود نگاه دارد، هیچ غم و اندوه بر و نرسد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ علی حسنی، قدس الله سرّہٗ، منقول است: هر که اسم جمالیِ یا غفّار اجب یا اموائیل یا هرطائیل بحقِ یا غفّار بعد از نمازِ شام صد بار بخواند، هر چه در دل آید یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ملا حسن چلپی که بر شرحِ مواقف و تلویح حاشیه نوشته، قدس الله سرّہٗ، منقول است: هر که یا غفّار با موکلات بعد از نمازِ خفتن هفتاد بار بخواند، بشارت مغفرت در حیات یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و معنی یا غفّار: آمرزگارِ گناهانِ بندگان و پوشندهٔ عیب های بندگان.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ تهجّد صد بار بخواند، آنچه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد، انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع برای امان یافتن از بلاها بنویسد، و در بازوی خود بندد، از همه بلاها امان یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد قادری حسنی، قدس الله سرّہٗ، منقول است: هر که اسم جلالیِ یا قهّار اجب یا عطرائیل یا همرائیل بحق یا قهّار بعد از نمازِ تهجّد چهل و یک بار بخواند، هیچ چیز (دباو) ضرر نرساند، و همهٔ دشمنان مقهور شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت خطیب ابو الفضل کازرونی، شاگردِ ملّا جلالِ دوانی در معقولات وتلمیذِ ابن الجحر در منقولات، که بر تفسیر قاضی وشرحِ عقایدِ ملّا جلال حاشیه، و بر تهذیب المنطق و الکلام شرح نوشته است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که یا قهّاد با موکلات همیشه بسیار گوید، محبتِ دنیا از دلِ وی برود. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

ومعنیِ یا قهّاد: شکنندهٔ کام های بندگان و میرانندهٔ زندگان.

و اگر کسی سه روز این اسم دعوت کند، (و) هر روز و هر شب هزار بار بخواند، جملهٔ دشمنان مقهور شوند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ [۵۰۱ب] این اسم (را) در شکلِ مربّع، بر پارهٔ کاغذ بنویسد، و نامِ دشمن و نامِ مادرِ دشمن بیرونِ شکل بنویسد، و در مقامِ کهنه دفن کند، دشمن بمیرد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبد الغفار صدیقی، رضی اللّٰہ عنہ، منقول است: هر که روزِ چهارشنبه و پنج شنبه و آدینه بعد از نمازِ ظهر تا شام دعوتِ اسمِ جمالی یا وهّاب اجب یا رقمائیل یا حروزائیل بحقِ یا وهّاب. به روی قبله گوشه نشین بخواند، دنیا و دولت بسیار حاصل شود، و خزینه های خدای تعالیٰ نیز میسّر گردد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد شریف مریدِ مخدوم سیّد فیض اللّٰہ نبیرهٔ مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللّٰہ سرّهٗ العزیز، منقول است: هر که یا وهّاب با موکّلات بعد از نمازِ چاشت صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را در دنیا و آخرت مستغنی گرداند. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

ومعنیِ یا وهّاب: بخشندهٔ بسیار عطاها به بندگان.

و اگر کسی را حاجتی باشد، میانِ شب در صحنِ خانه یا در مسجد سر برهنه کند، و دو دست بردارد، و این نام را هفت بار بخواند، و حاجت خواهد، حاجتش روا شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از پدرِ خود که مهبطِ انوار اللّٰہ، مظهرِ اسرار اللّٰہ، خلیفهٔ رسول اللّٰہ، مجلسیِ حضرتِ محمدِ مصطفیٰ، صلی اللّٰہ علیه و آله وسلّم، صاحب العلم و الحلم و الشجاعة سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل اللّٰہ، قدّس اللّٰہ سرّهٗ العزیز، شنیده بودم: هر که دعوتِ اسم یا وهّاب به اذنِ استاد در چلّه مع ترکِ حیواناتِ جلالی و جمالی، جلالی چون گوشت و ماهی و جز آن چون ذو روح باشد، و جمالی چون شیر و جغرات و

شیرینی و ثوم و بصل و غیر ذالک، که در دهان بوی بد کند، همه را ترک کند. بعدهٗ یا وهّاب چهار لک (بار) با موکّلات بخواند، عطا کند خدای تعالیٰ او را پادشاهیِ دنیا و آخرت، و همه خزینه‌های غیبی معلوم شود. انشاء الله تعالیٰ.

ذکرِ ترتیبِ نشستن در اعتکافِ چهل روز یا ده روز این است:

اوّل پیش از نشستن سه روز به (توبه و) استغفار مشغول شود تا وجودِ او از گناهانِ صغیر و کبیر پاک شود.

و ترتیبِ نشستن در اعتکافِ فقیر (سیّد باقر) از پدرِ خود، که مهبطِ انوار الله، مظهرِ اسرار الله، خلیفهٔ رسول الله، مجلسیِ حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، صاحب العلم والحلم والشّجاعة سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل الله، قدّس الله سرّهٗ، شنیده بودم، و پدرِ من از حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم شنیده، و از بزرگانِ بخاریانِ دیگر نیز همچنین منقول است، و آن این است:

اوّل و آخر سه بار صلوات، چنانچه قال [علیه السلام] النّبی، صلی الله علیه وآله وسلّم: الاعمال موقوفة والدّعوات محبوسة حتّی یصلی علیّ. بعدهٗ بخواند این استغفار: استغفر الله من جمیع ما کره الله قولاً و فعلاً و سمعاً و بصراً وخاطراً وناظراً، لا حول و لا قوّة الّا بالله العلی العظیم.

بعدهٗ بیستم ماهِ شعبان وقتِ نمازِ ظهر غسل کند، و وقتِ غسل کردن این دعا بخواند: اللّهم طهر ظاهری بالماءِ و باطنی بالصّفاءِ، ولا حول ولا قوّة الّا بالله العلی العظیم.

بعدهٗ طعامِ خوب و لطیف پزد، چنانچه در طعام روغن وقند و دارچینی و قرنفل بیندازد، و اگر فقیر باشد، هرچه موجود باشد، بکند.

بعدهٗ آن طعام را با استادِ خود بخورد که اذنِ نشستن می دهد. و اگر استاد نباشد، چیزی خود بسیر بخورد، وچیزی بفقیران بدهد.

و استاد را باید که پیش از خوردن بر سه لقمه بیست و یک بار "یا صمد" بگوید، و سه بار این دعا بخواند:

اللّهم حرق عن رهق قلبی بنور عشقک و ارزقنی ازدیاد مشاهدتک و رویة جمال حبیب محمدک،

صلی اللہ علیہ وَ آلہٖ وسلّم، حتّٰی لا ابقی فی قلبی غیرُہٗ ماسواک.

و سہ بار این صلوات بخواند:

اَللّٰہُمَّ صَلِّ علیٰ محمّد وّ علیٰ آلِ محمّد صلوٰۃ و برکتہ وسلامًا دائمًا ابدًا فی کلّ وقت و حین.

اَللّٰہمّ وقع علیّ بمحبّتی و طاعتی بحقّ یا صمد.

بہر لقمہ این قدر بخواند، و شاگرد را بخوراند تا گرسنگی و تشنگی دفع شود و در دل محبت و شوقِ خدای تعالیٰ و رسولِ خدای تعالیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، بسیار شود، و خطرۂ شیطانی و نفسانی از دلِ او دُور شود.

و بعد خوردنِ طعام چیزی بہ طریقِ سنّت پیشِ استادِ خود بنہد: یا جامہ و یا نقد و یا شیرینی، و یا ہرچہ در خاطر آید، بنہد.

بعدہٗ جامۂ پاک بپوشد، و خوشبوی بمالد.

بعد از نمازِ شام و یا بعد از نمازِ عشا وضوی دیگر سازد، و در حجرۂ خود برود کہ دران خواب بپای دراز کند و نماز بہ طریقِ خوب گزارد، و بسیار دراز نکند.

اگر حجرہ در مسجد کند خوب است کہ در آن پنج وقت نماز با جماعت می گزارد.

و اگر داند اولیای اللہ باشد کہ حجرہ علیحدہ کند از مسجد، و یا در کوہ نشیند کہ نماز با جماعت بہ غیب عالم کند کہ در ھوا می آید و در ھوا می رود. بغیرِ محرم دیگر کسی نبیند.

و اگر حجرہ در مسجد کند بہ وقتِ در آمدن در مسجد این چنین بگوید: نویت ان اعتکف مادمت فی ھذہ المسجد بسم اللّٰہ دخلنا وعلیٰ اللّٰہ توکّلنا.

و اگر مسجد نباشد بر این ترتیب نیّت کند: نویت ان اعتکف فی ھذہ المحل بسم اللّٰہ دخلنا و علیٰ اللّٰہ توکّلنا.

بعدہٗ در حجرۂ مسجد در آید، و لوبان بسوزاند، و خوشبوی کند، تا روحانیانِ انس و جن وغیر ذٰلک اُنس بہ وی گیرند، و دعای سلامتیِ او کنند.

بعدہٗ [۶۰ب] سہ بار صلوات و یک بار کلمۂ طیّب و سہ بار دکلمۂ استغفار و سہ بار دکلمۂ تجید سبحان اللہ تا آخر بگوید، و دو رکعت تحیّۃ الوضوء بگزارد، و بخواند در ھر رکعتی بعد از فاتحہ

یک بار آیت الکرسی[1] سہ بار سورۃ الاخلاص[2] و یازدہ بار اللہ الصمد، و بعد از سلام دست برداشتہ این دعا بخواند:

اللّٰہم یا عالم السّر والنجویٰ و یا کاشف الضر والبلویٰ الکشف عن الحزن والاذی وافتح علیّ باب المرادات من الدّین والدّنیا بحرمتِ اولاد الحسن والحسین سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اقض حوائجنا یا قاضی الحاجات و یا عالم السّرِ والخفیات یا ذالجلال والاکرام، برحمتک یاارحم الرّاحمین۔

بعدہٗ دو رکعت برای حضرتِ محمدِ مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، و دو رکعت دبرای، جمیع پیغمبران علیہم السّلام، و دو رکعت برای جملہ اولیا، و دو رکعت برای حضرت شیخ محی الدّین قدّس اللہ سرّہ و دو رکعت برای قطب العالم کاشف اللوح والقلم مخدوم سیّد جلال جہانیان جہانگشت، و دو رکعت برای جمیع اولادِ آنؒ و دو رکعت برای سلامتیِ استاد، اگر زندہ باشد، و اگر مردہ باشد برای ارواحِ او بخواند۔

(و) درہر رکعتی بعد از فاتحہ پنج بار یا سہ بار سورۃ الاخلاص (و) بعد از سلام سہ بار صلوات وصد بار یا بدیع العجائب بالخیر و یسّر امورنا وحصل جمیعِ مرادنا کلّہا بحق یا اللہ یا رحمٰن یا رحیم یا کریم برحمتک یا ارحم الرّاحمین بخواند، جملہ مراداتِ دینی و دنیوی حاصل شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

بعدہٗ حیواناتِ جلالی (چون)، گوشت و ماہی ترک کند، و اندک طعام با روغن وجغرات و یا باشیر بخورد۔ و اگر حیواناتِ جمالی ترک کند، نیز بہتر، چنانچہ روغن وجغرات وشیر وغیر ذالک۔

پس افضل ہمین است کہ طعام با روغنِ کنجد و یا باشکر و یا باساگ۔ چنانچہ مردمان پختہ کنند بخورد، پس دعوت کند اسمی از اسماء اللہ تعالیٰ، و یا قرآن بخواند، و یا دعای از ادعیات بخواند۔

و اگر دعوتِ اسمی از اسماءِ اللہ تعالیٰ بکند، یازدہ بار صلوات اوّل و آخر بخواند، بعدہٗ اسماء یا اللہ یا رحمٰن یا رحیم یا کریم، ہرچہ تواند، بخواند۔ اگر ہزار و یا دو ہزار و یا سہ ہزار و یا پنج ہزار و یا ہفت ہزار ہرچہ زیادہ بخواند، بہتر است۔ امّا ہر روز ہمون قدر بخواند کہ در روزِ اوّل خواندہ بود۔

ہم چنین دعوتِ اسمای دیگر و یا آیتی از قرآن۔

اگر کسی دعوتِ آیۂ وَ مَن یَّتَّقِ اللّٰہَ تا آخرِ آیت قدرا[3]، ہر روز وہر شب ہزار بار بخواند،

۱۔ القرآن الحکیم: ۲:۲۵۵۔ ۲۔ ایضاً: ۱۱۲۔ ۳۔ ایضاً: ۶۵:۲و۳۔

کارهای دینی و دنیوی او حاصل شود، و اسرارِ الٰهی از زمین [۱۶۷] و از آسمان نیز مکشوف شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و فایدهٔ این آیت[1] دیگر بسیار است. امّا اندک نوشتم، تا خواننده ملول نشود.

و دعوتِ اسمی از اسماء الله تعالیٰ و یا آیتی از قرآن و یا دعای از ادعیاتِ دیگر مشغول شود، بهتر است.

امّا وقتِ خوابیدن یک بار فاتحه[2] و یک بار آیت الکرسی[3] و یک بار اٰمَنَ الرَّسُوْلُ[4] و یک بار آخرِ سورة الکهف[5] و یک بار قُلْ یَا اَیُّهَا الْکَافِرُوْنَ[6] و سه بار سورة الاخلاص[7] و سه بار قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ[8] و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ[9] و سه بار صلوات و سه بار دکله، استغفار و سه بار دکلهٔ تمجید (سُبْحَانَ الله) و یک بار فَسُبْحَانَ اللهِ حِیْنَ تُمْسُوْنَ وَحِیْنَ تُصْبِحُوْنَ تا تُخْرَجُوْنَ[10] و یک بار شَهِدَ اللهُ تا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ)[11].

بعدهٔ خواب کند، و یک بار بگوید: قُلْ رَبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبٰرَکًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ[12].

چون شبِ عید شود، در خانه درآید، و بعد از عشا ختم بارواحِ پاکِ حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم بخشد، و ختم به آل و اولادِ ایشان بخشد، و ختم بیارانِ ایشان بخشد، و ختم به جملهٔ پیغمبران علیهم و آلهم الصّلوٰة و السّلام بخشد، و ختم به جمله اولیاء الله تعالیٰ بخشد، و ختم به حضرتِ شیخ محی الدّین، قدّس الله سرّهٗ بخشد، و ختمِ آن حضرت قطب العالم مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس الله سرّهٗ، بخشد، و ختم به جمیعِ اولادِ آن بخشد، و ختم به سلامتیِ استاد بخشد اگر زنده باشد، و اگر مرده باشد به ارواحِ آن بخشد.

بعدهٔ در خانه درآید، و وقتِ خفتن آیت وَقُلْ رَبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبٰرَکًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ[13] (بخواند)، و در روزِ عید صدقه بدهد، طعام یا چیزی دیگر، تا به مقصودِ کمال برسد. (انشاء الله تعالیٰ).

و حضرت مخدوم سیّد جلال الحق والدّین بخاری، رحمة الله علیه، فرموده اند که تمام سال چهار اعتکاف

۱-القرآن الحکیم: ۶۵، ۲و۳. ۲- ایضاً: ۱. ۳- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۴- ایضاً: ۲، ۲۸۵. ۵- ایضاً: ۱۸، ۱۱۰.
۶- ایضاً: ۱۰۹. ۷- ایضاً: ۱۱۲. ۸- ایضاً: ۱۱۳. ۹- ایضاً: ۱۱۴. ۱۰- ایضاً: ۳۰، ۱۷ تا ۱۹. ۱۱- ایضاً: ۳، ۱۸.
۱۲و۱۳- ایضاً: ۲۳، ۲۹.

است :

اوّل از شبِ بیست ویکم جمادی الآخر و ماه رجب تمام. این سُنّتِ حضرت آدم علیه السّلام است؛
دویم از شبِ بیست ویکم ماه شعبان و (ماه) رمضان تمام. این سُنّتِ حضرت ابراهیم است،
علیٰ نبیّنا و علیه الصّلوٰة و السّلام و علیٰ آلهما، و
سیوم از شبِ اوّلِ ماهِ ذوالقعده تا شبِ عیدِ قربان. و آن سُنّتِ حضرتِ موسیٰ است، علیه السّلام، و
چهارم از شبِ پانزدهم ذوالحجه تا شبِ بیست وپنجم ماهِ محرّم. و این سُنّتِ مهتر یونس علیه
و آله الصّلوٰة و السّلام است.

نقل من رسالۀ کنز الاربعین تصنیفِ مخدوم سیّد جلال جهانیانِ جهانگشت، قدّس الله سرّهُ العزیز.
و اگر کسی عددِ اسم یا وهّاب در شکلِ مربّع بر کاغذِ سفید بنویسد، و به بیماری بندد، شفا یابد.
انشاء الله تعالیٰ.

امّا شرایط وقتِ شکلِ (اسم) نوشتن این است:

[۲۷ب] اوّل طهارت به احتیاج کند؛
دوم جامۀ نو بپوشد که در آن سوزن نرسیده باشد، یعنی کیس، نیمه زیر کند و نیمه بالا کند،
سیوم لوبان بسوزاند،
چهارم روی به سوی قبله کند،
پنجم به گوشه نشیند.
ششم کارد و قلم نو باشد که به او هیچ چیز نه بریده باشد، و نه هیچ چیز دیگر نوشته باشد، (و)
هفتم روزه دار باشد.

و فضیلتِ اسم یا وهّاب بسیار است که حضرت مهتر سلیمان علیه الصّلوٰة والسّلام پادشاهیِ تمام عالم به برکتِ این اسم یافت.

و از پدرِ خود سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، قدّس الله سرّهُ شنیده ام که هر که این اسم بسیار گوید، هیچ بلاگردِ او نگردد. (انشاء الله تعالیٰ).

فقیر سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری در وقتِ بیماری وقحطی از حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و

آلہٖ وسلّم، شنیدم کہ اگر قبرِ شما در شهری باشد، در آن شهر قحطِ سخت نیفتد، و هرکه زیارتِ به گورِ شما کند، دوزخ بر او حرام شود، و گناهانِ او محو گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و هرکرا کاری مشکل پیش آمده باشد، شبِ چهارشنبه و پنج شنبه و شبِ آدینه دو رکعت نماز پیشِ قبرِ تو بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] یک بار لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ تَانَجِّی الْمُؤْمِنِیْنَ[2]. و سه بار سورة الاخلاص[3] و بعد از سلام سه بار صلوات اوّل و آخر و یازده بار رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْوٰرِثِیْنَ[4]، و یازده بار یا وهّاب (بخواند)، بعدهٗ همان جا خواب کند یا به خانه آید. کارِ او حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

فقیر حیران شد. به سببِ حیرانی نیز از حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آلہٖ وسلّم، حکم شد که بخوانید اسمِ یا وهّاب، چون بخواندنِ آن مشغول شدم، به برکتِ آن قحط و بیماری دفع شد.

پس هرکه به این اسم مشغول شود، هیچ گاه بکارِ مشکل نیفتد. انشاء الله تعالیٰ.

و در رسالۂ باقر الانوار، تصنیفِ حضرتِ سیّد علی اکبر بن سیّد حامد قتّال (بخاری)، قدّس الله سرّهٗ، مذکور است که من در چلّه از حضرت رسالت پناه حضرتِ محمّدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه و آلہٖ وسلّم، شنیده بودم که هرکه رُوی سیّد باقر بیند گویا که رُوی من دیده باشد، و هرکه به گورِ پدرانِ (او) زیارت کند، جملہ کارهای دینی و دنیویِ او حاصل شود. (انشاء الله تعالیٰ). مثنوی:

هرکه بیند به روی شاه باقر | یقین بر این است که دیده پیغمبر
هرکه زیارت کند به گورِ شاهِ عثمان | امید بر این است که شود جملہ حاجات روان
این همه گفتار شنیدم از رسول | با یقینِ دل بدان تا شوی مقبول[5]

و در کتابِ فواید البخاری تصنیفِ سیّد علی اکبر بن سیّد حامد [۱۰۸۰] قتّال (بخاری)، قدّس الله سرّهٗ، مذکور است که من در چلّه از حضرتِ رسالت پناه محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آلہٖ وسلّم، شنیدم، هرکه اسمِ یا وهّاب چهل روز هر روز هزار بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲۱، ۸۸. ۳- ایضاً: ۱۱۲. ۴- ایضاً: ۲۱، ۸۹.

۵- این سه بیت از وزن خارج است (رک حاشیه ۱ ص ۲۲۰ جواهر سوم).

و ازحضرت شیخ محمود، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هرکه اسمِ جلالی یارزّاق اجب یادوریائیل یاکلکائیل بحقِ یارزّاق بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، روزی از غیب حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و ازحضرت مولانا سید محمد بن سید شریف الحسینی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هرکه یارزّاق با مؤکلات وقتِ بامداد پیش از نمازِ صبح پنجاه بار بخواند، رزق از غیب رسد که دران گمان نباشد (انشاء اللہ تعالیٰ).

ومعنی یارزّاق: روزی دهنده خلقان را.

و اگرکسی این اسم بعد از ظهر، نماز صد بار بخواند، درهیچ کار درمانده نشود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگرکسی عددِ این اسم را درشکلِ مربّع بر کاغذ حریر بنویسد، و در خانهٔ خود نگاه دارد، روزی او زیادت شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و ازحضرت شیخ عبدالرؤف، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هرکه اسمِ جمالی یافتّاح اجب یاسرحائیل یا درداٰئیل بحقِ یافتّاح بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، ابوابِ فتوحات بر او کشاده گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مرزا مخدوم بن سید شریف، قدس اللہ سرہ العزیز، منقول است: هرکه یافتّاح با مؤکلات بعد ازظهر نماز بر پیشانی بنویسد، بختِ بسته کشاده گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ومعنی یافتّاح: کشاینده کارهای بندگانِ خود را.

و اگرکسی این اسم را بعد از نمازِ خفتن هزار بار بخواند، خزینه های خدای تعالیٰ بر او کشاده گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگرکسی عددِ این اسم را درشکلِ رباعی برپوستِ آهو بنویسد، و در دستار بندد، هرجا که رود، با فتح و نصرت بازآید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و ازحضرت شیخ عبد اللہ شطاری، قدس اللہ سرہٗ منقول است: هرکه اسمِ مشترک یاعلیم اجب یا لومائیل یارقتمائیل بحقِ یاعلیم بعد از نمازِ فجر نود بار بخواند، علمِ من لدنی حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و ازحضرت سید سند سید المحققین میر سید شریف بن علی الجرجانی الحسینی، قدس اللہ تعالیٰ سرہ، که

درعلوم ادبیہ و شرعیہ و حکمیہ تصانیفِ بسیار دارد، و مریدِ خواجہ علاء الدین عطار، قدس اللہ سرہ، بود، منقول است : ہر کہ یا علیم با مؤکلات بعد از نمازِ عشاء بسیار گوید، معرفتِ خدای تعالیٰ حاصل شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ومعنی یاعلیم : دانا بہر چیزہا.

و اگر کسی این اسم را بعد از ہر نماز صد بار بخواند، علمِ دینی [۱۵۰ب] و دنیوی او را حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را (در شکلِ مربّع) درکاسۂ چینی بنویسد، و بہ آب باران یا بہ آب چاہ بشوید و بخورد، روشنائیِ قلب حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی قاضن (مریدِ سید محمد جون پوری) قدس اللہ سرہ، منقول است : ہر کہ اسمِ جلالیِ یاقابض اجب یا عطرائیل یا دودیایل بحقِ یاقابض بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، جملہ عالم برّ و بحر مسخر شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا لطف اللہ شاگردِ میر سید شریف بن علی الجرجانی، قدس اللہ سرہ، منقول است : ہر کہ یاقابض با مؤکلات چہل روز ہر روز بر چہل لقمہ نان بنویسد، و بخورد، از عذابِ گرسنگی ایمن گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ومعنی یاقابض: تنگ کنندۂ روزیِ خلقان را.

و اگر کسی این اسم را بعد از ہر نماز یازدہ بار بخواند، روح بہ آسانی قبض شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و باخود ہمراہ کردہ در گور رود، عذابِ گور نشود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو الفتح ہدایت اللہ سرمست، قدس اللہ سرہ منقول است : ہر کہ شبِ یکشنبہ بعد از (نمازِ) خفتن چہار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ وَمَن يَتَّقِ اللّٰهَ تا قَدْرًا[1] و سہ بار سورۃ الاخلاص[2] و بعد از سلام ہزار بار اسمِ جمالیِ یاباسط اجب یا جبرئیل یا رقمائیل بحقِ

۱- القرآن الحکیم، ۶۵: ۲، ۳. ۲- ایضاً: ۱۱۲.

یا باسط بخواند، خزینه های که در کوه و زمین باشد، همه معلوم شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا سناء الدین شیرازی شاگردِ میر سید شریف بن علی الجرجانی، قدس الله سرّه. منقول است: یا باسط هرکه وقت سحر دست بردارد، و این نام را با مؤکلات ده نوبت بگوید، و دست بر روی مالد بی محتاج شود، و هرگز به سوالی محتاج نگردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و از پدرِ خود که مهبطِ انوارالله، مظهرِ اسرار الله، خلیفهٔ رسول الله، مجلسی حضرتِ محمدِ مصطفیٰ صلی الله علیه و آله وسلم، صاحب العلم والحلم و الشجاعة سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله سرّه، شنیدم که هرکه در نیم شب به وقتِ ساعتِ مشتری شکل این اسم را بنویسد، و زیرِ زانوی چپ خود نهد، و هفتاد و دو بار یا باسط با مؤکلات بخواند، یک مردِ غیبی پیدا شود، که از و هرچه خواهد یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و معنی یا باسط: فراخ کننده روزی خلقان را.

و اگر کسی بعد از هر وضو دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] سه بار سورة الاخلاص[2]، و بعد از سلام صد بار یا باسط بخواند، خدای تعالیٰ او را غنی گرداند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عدد این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و آن را در دستارِ خود بندد، پادشاه و غیرِ آن بر او مهربان [۱۶۹ ا] گردند. انشاء الله تعالیٰ.

و از سلطان الموحدین شیخ ظهور حاجی حضور، قدس الله سرّه، منقول است: هرکه بعد از نمازِ عصر اسم جلالی یا خافض احجب یا متکفل یا حروزائیل بحق یا خافض بخواند، دایم خوفِ خدای تعالیٰ حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا حسن شاه بقال شیرازی شاگردِ سید شریف جرجانی، و استادِ ملا جلال دوانی، قدس الله سرّه، منقول است: یا خافض هرکه به نیتِ دفع دشمن، سه روز روزه دارد، و چهارم روز آغاز کند (و)، در یک مجلس هفتاد بار اسم مذکور با مؤکلات بخواند، از شرِ دشمن ایمن شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنی یا خافض: فرو برنده درجاتِ بندگان را.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۱۱۲.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ صبح صد بار مع صلواتِ اوّل و آخر بخواند، خدای تعالیٰ او را از خوفِ دشمن و ظالم نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در بازوی راست بندد، در بر و بحر از آفاتِ کلّی محفوظ ماند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت غوث الاسلام والمسلمین شیخ حاجی حمید معروف به شیخ محمد غوث، مصنفِ جواہرِ خمسہ و کلیدِ مخازن، و اورادِ غوثیہ و بصائر و ضمائر، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسم جمالی یارافع اجب یا امواکیل یا دوریائیل بحقِ یارافع صد بار بعد از نمازِ فجر بخواند، مرتبۂ او درمیانِ خلق بلند شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا مبارک شاہ، استادِ میر سیّد شریف (بن علی الجرجانی) قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: ہر کہ یارافع (با مؤکّلات) درمیانِ شب یا درمیانِ روز صد بار بگوید، حق سبحانہٗ و تعالیٰ او را از جملہ خلایق برگزیدہ گرداند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنی یارافع: برآرندہ درجاتِ بندگان را.

و اگر کسی این اسم را دہ روز دعوت کند، (و) ہر روز ہزار بار بخواند، درمیانِ عالم مرتبۂ او بلند شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بر کاغذِ حریر نقش کند، و زیرِ مُہرِ خود نہد، حکم او جاری شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سلطان المحققین، قدوۃ العارفین، شیخ شکر محمد عارفِ گجراتی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسم جمالی یامعزّ اجب یا رویائیل یا تنکفیل بحقِ یامعزّ بعد از نمازِ عشا ہفتاد بار بخواند، ہمیشہ درمیانِ خلق عزیز و مکرّم باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا جلال الدّین محمد بن مولانا سعد الدّین اسعد دوانی صدّیقی کہ رسالۂ زوراء در تصوّف و حاشیۂ قدیمہ و شرحِ عقایدِ عضدیہ و شرحِ تہذیب (و) شرحِ ہیاکل و اخلاقِ جلالی، و حاشیۂ اشراق و حاشیۂ انوارِ شافیہ و قطبی و مطالع و عضدی و اثباتِ واجب وغیرہا [۴۹ ب] تصنیفِ او است، شاگردِ حسن شاہ بقال، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ یا معزّ با مؤکّلات

چہل و یک بار بعد از نمازِ شام یا بعد از نمازِ خفتن درشب جمعہ یا درشب دوشنبہ بخواند، ہمیشہ باہیبت و عظمت باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

ومعنی یا معزّ: عزّت دہندہ آن را کہ خواہد.

و اگرکسی این اسم را دہ روز دعوت کند، (و) ہر روز ہزار بار بخواند، درمیان عالم مرتبۂ او بلند شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگرکسی عددِ این اسم را درشکلِ مربّع بنویسد، و باخود ہمراہ کردہ درگور رود، روزِ قیامت مرتبۂ او بلند شود، چنانچہ مرتبۂ پیغمبران علیہم السّلام. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت معروف العین ابوالبرکت شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم دبرهان‌پوری، کہ عین المعانی فی شرح اسماء الرّبانی و تفسیر انوار الاسرار و قبلۃ المذاہب الاربعہ و فتح محمدی فیما یتعلق بالتفسیر و حاشیۂ شرحِ ملّا وغیرہا تصنیفِ او است، متع اللہ الطالبین بطول بقائہ، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: ہرکرا دشمن بسیار باشد، باید کہ روزِ سہ شنبہ وقتِ دوپہر چہار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[1] بیست بار تبّت یدا[2] و بعد از سلام صد بار اسم جلالی یا مذلّ یا اجب رویائیل یا تنکفیل بحق یا مذلّ بخواند، ہمۂ دشمنان ہلاک و سرگردان شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا عبدالہادی بن ملّا جلالِ دوانی مذکور، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہرکہ یا مذلّ با مؤکّلات روزِ سہ شنبہ بخواند، اگر از ظالمی یا حاسدی بترسد، ہفتاد و پنج بار این اسم بگوید، و سر بہ سجدہ نہد، و نامِ دشمن و ظالم در دل تصوّر کند، دشمن و ظالم ہلاک شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

ومعنی یا مذلّ: خوار کنندہ بندگان را.

و اگرکسی این اسم را پنج روز ہر روز ہزار بار بر پای قبرِ دہ بزرگوار بخواند، دشمنانِ او ہلاک شوند، یا خادم و مطیعِ او گردند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگرکسی عددِ این اسم را درشکلِ مربّع بنویسد، و در دریا اندازد، دشمنان دوستِ او شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۱.

و از حضرت سید السادات حاجی الحرمین الشریفین، اهل الجمال، کاشف العلم و الکمال سید جلال بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ، منقول است: هر که شب یکشنبه و شب دو شنبه بعد از نمازِ خفتن دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعت بعد از فاتحہ[1] یک بار آخرِ سورۂ کهف اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا تا آخر[2] و سه بار سورۃ الاخلاص[3]، و بعد از سلام هفتاد بار اسمِ مشترکِ یا سمیع اجب یا هموائیل یا اجمائیل بحق یا سمیع بخواند، آواز از رحمتِ خدای تعالیٰ بشنود. وکشفِ اسرارِ حکمتِ عالم الغیب و عجایبِ ملکوتی [۵۰۱] نیز میسر شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا سید صفی الدین محدث، استادِ ملا جلال دوانی مسطور، قدس اللہ سرہ، منقول است: هر که یا سمیع با مؤکلات روزِ پنج شنبه بعد از نمازِ چاشت پانصد بار بگوید و پیش از آن که تمام شود سخن با هیچ کس نگوید. بعد از آن هر دعائی که کند، مستجاب شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ومعنیِ یا سمیع: شنوا است به قدرت نه به گوش.

و اگر کسی این اسم را بیست و یک بار بگوید جمله کلام ها از اِنس و جن بشنود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از پدرِ خود که مهبطِ انوار اللہ، مظهرِ اسرار اللہ، مجلسی حضرتِ محمدِ مصطفیٰ. صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، صاحب العلم و الحلم و الشجاعت، سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ. (شنیدم): هر که نیم شب هزار بار یا سمیع بگوید، کلامِ ملایکان بشنود، و رحمتِ خدای تعالیٰ بروی نثار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اِسم را در شکل مربع بنویسد، و در گردنِ خود بندد. دلِ او روشن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت صاحب الجود و الفضل و الاحسان شیخ ابو طالب بن شیخ اسحٰق که مرید سید جلال بن سید داؤد بخاری بود، رفع اللہ شانہٗ مع اولاد مع الایمان الیٰ یوم الدین، رضی اللہ تعالیٰ عنهم منقول

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۱۸، ۱۰۷ تا ۱۱۰. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲.

است که من شنیدم از استادِ خود عامل و مرشدِ کامل سیّد جلال بن سیّد داؤد بخاری، قدس الله سرّہ، که هر که شبِ چهار شنبه و پنج شنبه و شبِ آدینه بعد از نمازِ تهجد چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعت یک بار آیت الکرسی[1] و پنج بار اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰہِ[2]، و بعد از سلام اسمِ مشترک یا بصیر اجب یا رقیائیل یاتنکفیل بحقِ یا بصیر، بینائیِ عالم از ملک تا ملکوت همه بیند، و دولتِ دو جهانی نیز حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت قاضی میر حسین میبدی شاگرد مولانا جلال (الدین) دوانی، قدّس الله سرّہٗ، منقول است: یا بصیر هر که با اعتقادِ درست میانِ سُنّت و فریضهٔ جمعه صد بار این نام با مؤکّلات بگوید، لایق به نظرِ عنایت گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یا بصیر: بیناست (به قدرت نه به چشم).

و اگر کسی این اسم را ده روز دعوت کند، (و) هر روز چهل و یک بار بخواند، بینائیِ ظاهری و باطنی روشن شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در مصحف نهد، مشکلات آسان شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ برهان الدّین، قدّس الله سرّہٗ، منقول است: هر که روزِ سه شنبه بعد از (نمازِ) فجر چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[3] بیست و پنج بار نَصْرٌ مِّنَ اللّٰہِ وَ فَتْحٌ قَرِیْبٌ[4] و سه بار سورة الاخلاص[5]، و بعد از سلام دو صد بار [۵۰ ب] اسمِ مشترکِ یا حَکَمُ اجب یاتنکفیل یا دردائیل بحقِ یا حَکَمُ بخواند، خدای تعالیٰ کلامِ او قبول کند، و دعای او مستجاب شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) محی الدّین کوشکناری، شاگردِ سیّد شریف (جرجانی)، و استادِ ملا جلال (دوانی)، قدّس الله روحہٗ، منقول است: هر که یا حَکَمُ با مؤکّلات در شبِ دو شنبه وقتِ نیم شب بگوید، باطنِ او محرم شود، و بر خلایق حاکم گردد، و از غم و اندوه نجات یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

۱۔ القرآن الحکیم: ۲، ۲۵۵. ۲۔ ایضاً: ۱۱۰. ۳۔ ایضاً: ۱. ۴۔ ایضاً: ۶۱، ۱۳. ۵۔ ایضاً: ۱۱۲.

ومعنی یاحَکَمُ : حکم کننده.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ عصر صد بار بخواند، علم و حکمت در دل پیدا شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.[1]

و از حضرت شیخ المشایخ شیخ محی الدین بن العربی، قدس اللّٰه سرّه، منقول است: هر که اسم مشترک یاعَدْلُ اجب یا لومایئل یا کلکائیل بحق یاعَدْلُ صد بار بخواند بعد از نمازِ فجر، خدای تعالیٰ اورا در عالم نعمت های فراوان دهد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت خواجه جمال الدین محمود، شاگردِ ملّا جلال الدین دوانی، قدس اللّٰه سرّه. منقول است: هر که یاعَدْلُ با مؤکلات در شبِ جمعه در ساعتِ مشتری بر بیست لُقمه بنویسد، و بخورد، حضرتِ عزت جمله خلایق مسخّرِ او گرداند. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

ومعنی یاعَدْلُ: داد دهنده هر داد خواهی را.

و اگر کسی این اسم را پنج روز بخواند، و هر روز نُه بار بخواند، آنچه رفته باشد، یابد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بر سفالهٔ نو بنویسد، و در دریا اندازد، کسی که با او ظلم کرده باشد، پشیمان شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ضیاء الدین، قدس اللّٰه سرّه، منقول است: هر که اسمِ جمالی یالطیف اجب یا اسماعیل یا دوریائیل بحق یالطیف بعد از نمازِ اشراق صد بار بخواند، لطف و احسانِ خدای تعالیٰ بر او فراوان شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ شرف الدین احمد بن یحییٰ بن اسرائیل منیری فردوسی، صاحبِ صد مکتوبات، قدس اللّٰه سرّه، منقول است: هر که بعد از فاتحه سه بار سورة الاخلاص و بعد از سلام صد بار اسم یالطیف با مؤکلات بخواند، و دعا خواهد دست برداشته، هر دعائی که خواهد، حاصل شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ یحییٰ بن اسرائیل منیری صاحبِ مکتوبات و معدن المعانی[2]، قدس اللّٰه سرّه،

۱- بعد از این در ا برگ ۵۰، ب برگ ۶۷ او ج برگ ۶۶ وطبق ترتیبِ موضوع "فضیلتِ نوشتنِ عددِ اسم یاحَکَمُ در شکلِ مربع" ندارد. ۲- مکتوبات و معدن المعانی تالیفِ شیخ شرف الدین احمد پسرِ شیخ یحییٰ می باشد.

منقول است: هرکه بعد از نمازِ تهجد هزار بار اسمِ یالطیف باموکّلات بخواند، اسرارِ الٰهی براو مکشوف شود، و آنچه نیّتی دارد، میسّر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا میرزا جان شیرازی، شاگردِ خواجه جمال، قدّس اللہ سرّہ. منقول است: هرکه یالطیف باموکّلات در شبِ دوشنبه بسیار بار بخواند، هر مطلبی که داشته باشد، حاصل شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنی [۱۵ ا] یالطیف: خداوند رساننده نیکوئی‌ها و نعمت های پوشیده و پنهان بندگان را پیاپی، چنانچه هیچ کس را ازآن خبر نباشد.

و اگرکسی در اسبابِ (روزی) متغیّر شده باشد، و از دنیا چیزی نداشته باشد، یا غریبی (که او) را مونسی نباشد، یا دختری که بختِ او کشاده نباشد، یا بیماری که صحت نمی یابد، بعد از اداى تحیّت الوضو این اسم را صد بار بر زبان راند. آنچه مقصود است، بر آید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگرکسی عددِ این اسم را (درشکل مربّع) در کاشه نو بنویسد، و با روغنِ کنجد بشوید، و به اندامِ خود مالد، از درد (و) رنج خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ رازی، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هرکه اسمِ مشترک یاخبیر اجب یا کلکائیل یا دردائیل بحقِ یاخبیر بعد از نمازِ ظهر صد بار بخواند، خبر از عالمِ غیب معلوم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا یوسف کوسج قراباغی که بر شرحِ عقایدِ عضدیهٔ جلالی وغیرها حاشیه دارد، و بر فارسی هیئت شرح نوشته، شاگردِ خواجه جمال، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هرکه یاخبیر با موکّلات بسیار بار در شب و روز بخواند، عادتِ بدخوئی و دروغ گوئی دفع شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنی یاخبیر: آگاه بهمه چیز ها.

و اگرکسی این اسم را شبِ چهارشنبه هزار بار بخواند، خبرِ غایب (و) دُزد معلوم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم (را در شکلِ مربع) در کاسۂ چینی بنویسد، و آن را به آبِ دریا بشوید، و بخورد، بدی از دلِ او برود، و عادت و نیّت خالص و مخلص شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ اللہ دادِ بغدادی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ اسمِ جمالی یاحلیم اجب یا تنکفیل یا رویائیل بحقِ یاحلیم بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، ھمہ خلق بر او مشفق و مہربان گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ شمس الدّین ذاکر، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ یا حلیم با مؤکّلات بر کاسۂ چوب بنویسد، و (به آبِ چاه) بشوید، و آن آب در کشت و نہال ریزد، به برکتِ این نام به وفا رسد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ومعنیِ یاحلیم: بُرد بار کہ شتاب نکند به عقوبت کردن بگناهان (بندگان را).

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ صبح صد بار بخواند، دلِ او حلیم و مہربان گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و زیرِ بالینِ خود نہد، عجایب و غرایب بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ یونس سجاوندی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ اسمِ مشترک یاعظیم اجب یا لوبائیل یا لوخائیل بحقِ یاعظیم بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، درجاتِ دوجہانی [۱۵۱ب] او را حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ صدر الدّین ذاکر، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ یاعظیم (با مؤکّلات) بسیار بارگوید، به نظرِ خلق عزیز و مکرّم گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ومعنیِ یاعظیم: بزرگوار و بزرگ.

و اگر کسی این اسم را دوازده روز هر روز صد بار مع صلواتِ اوّل و آخر بعد از نمازِ عصر بخواند، مرتبۂ او بلند و اعلیٰ گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع به مشک و زعفران و گلاب بنویسد، و به آبِ چاه

بشوید. شب عید فطر در اوّل شب، و چون خلق به عید نماز رود، نماز گذارد، و به خانه آید، (آن آب، نیز بخورد. مراد حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ شہاب الدّین (ابوحفص عمر بن محمد) السہروردی، صاحب عوارف المعارف و اعلام الہدیٰ و رشف النصائح و اوراد، قدّس الله سرّہٗ، منقول است: ہر کہ روزِ پنج شنبہ بعد از نمازِ اشراق در بیابان رود کہ در آن ہیچ جای آدمی نباشد. آن جا یک خط گرد بہ گرد بکشد، و درمیانِ آن خط چہار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[1] یک بار آیت الکرسی[2] و سہ بار سورۃ الاخلاص[3] (و) بعد از سلام صد و پنجاہ بار اسم جمالی یا غفور اجب یا لوخائیل یا دردائیل بحقّ یا غفور بخواند. یک مردِ غیبی پیدا شود کہ در دستِ آن ہمیانی پُر از مُہرہای زر و یاقوت (و) لعل باشد، و آن را بہ دستِ او بدہد کہ اسم یا غفور با مؤکّلات در خطِ گرد بگرد خواندہ باشد، و آن مردِ غیبی خوانندہ را گوید کہ شما را اذن است: اگر اسم یا غفور با مؤکّلات صد و پنجاہ بار خواندہ بر سنگ یا بر کلوخ یا بر سفالہ بدمید، ہمہ زر شود. انشاء الله تعالیٰ.

این وعدہ شما را و ہر کرا شما اذن بدہید، امّا بسیار تصرّف نکند، بلکہ یحتاج. والله اعلم بالصّواب.

و از حضرت شیخ عبدالواحد تارکی، قدّس الله سرّہٗ، منقول است: ہر کہ یا غفور با مؤکّلات برای دردِ سر یا برای اندوہ کہ پیش آید، بر پارۂ کاغذ شکلِ این اسم بنویسد، و پیشِ نظرِ خود نگاہ دارد، و ہفتاد بار اسمِ مذکور بخواند، غم و اندوہ برود. انشاء الله تعالیٰ.

و معنی یا غفور: آمرزندہ گناہانِ بندگان (را)، و پوشندہ عیب ہای بندگان (را).

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ عشا ہزار بار بخواند، بیامرزد خدای تعالیٰ گناہانِ خورد و بزرگِ (او را). (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در گردنِ خود بندد، بدی ہرگز

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

نہ بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ المشایخ شیخ ابوالبرکات غوث العالم، مخدوم شیخ بہاءالدین زکریا(ی)، ملتانی قدس اللہ سرہٗ العزیز، منقول است: ہر کہ [۵۲ ا] روزِ یکشنبہ بعد از نمازِ ظہر در خانہ خالی برود، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعت بعد از فاتحہ[1] یک بار سورۃ المزمل[2] (و) بعد از سلام ہزار بار اِسم جمالی یاشکور اجب یا ھمرائیل یا تنکفیل بحقِ یاشکور بخواند، حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، را بیند، و ہر نیتی کہ داشتہ باشد، حاصل شود. انشاءاللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی صاعد اندلسی، صاحب طبقات الاطبا، قدس اللہ روحہ، منقول است: ہر کہ یاشکور با مؤکلات برای (این کہ) تنگ رزق باشد، یا کدورتی در دل دارد، یا تاریکی در چشم باشد، چہل و یک بار بر آب اسمِ مذکور بخواند، و دست در آب بزند، و بر چشم مالد، و دیگر آب خورد، روزی بروی فراخ گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنی یاشکور: دہندۂ کرامتِ بسیار بہ اندک طاعتی و خدمتی.

و اگر کسی این اسم را چہل روز دعوت کند (و) ہر روز ہزار بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از جملہ بلاھا نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و آن را در بازوی چپ بندد، محبوب عاشق گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ صدر الدین ابوالفضل، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسمِ جلالی یاعلیُّ اجب یا لومائیل یا کلکائیل بحقِ یاعلیُّ بعد از نمازِ خفتن صدبار بخواند، خدای تعالیٰ او را عجایب و غرایب بسیار نماید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت حکیم ابی الجود احمد تتوی، کہ تاریخ الحکمای فارسی موسوم بہ خلاصۃ الحیوٰۃ تألیفِ او است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ یاعلیُّ با مؤکلات پیوستہ بخواند، اگر کوچک است، بزرگ شود؛ و اگر بی نوا است، با نوا گردد؛ و اگر غریب باشد، در شہرِ خود بہ وطن بہ سلامت رسد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

---

۱. القرآن الحکیم: ۱. ۲. ایضاً: ۷۳.

و معنیِ یاعلیُّ: خداوندِ بزرگواری که منزّه است از شک و شبه.

و اگر کسی این اسم را نوزده بار بعد از نمازِ ظهر بخواند، خلق بروی مسخر باشد. و دشمنی زایل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربع به مداد بنویسد، و به آب چاه، بشوید، و در خانه بیفشاند، مار و عقرب و پشه و کیک در آن خانه نماند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالفتح شاه رکن عالم (ملتانی) قدس الله سرّه، منقول است که من شنیدم از قطب العالم، کاشف اللوح والقلم، مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدس الله سرّه العزیز، نبیرهٔ قطب العالمین، جلال الحق والدین، سلطان سید جلال بخاری، قدس الله مرقده، و مخدوم جهانیان شنید در مدینهٔ مبارک از حضرت رسالت [۵۲ ب] پناه صلی الله علیه و آله وسلّم، که هرکه روز آدینه بعد از نماز جمعه در خانهٔ خالی چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند بعد از فاتحه یک بار آیت الکرسی[۱] و یازده بار اسم جلالی یاکبیر اجب یا حرزائیل یا رفتائیل بحق یاکبیر بخواند، آنچه در دنیا است و آنچه در آخرت است، همه ببیند. و خزینه ها و گنج ها که در زمین و برکوه است، چنانکه سنگها و پارس، همه معلوم شود، و آنچه فایده در درختان ها باشد، نیز معلوم شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت حکیم شمس الدین محمد فاضل شهرزوری، که تاریخ الحکماء عربی مسمّیٰ به نزهة الارواح تصنیفِ او است، قدس الله سرّه، منقول است: هرکه یاکبیر (با مؤکّلات) بعد از نمازِ عشا نوزده بار بخواند، بر همهٔ خلایق غالب شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یاکبیر: بلند و بزرگ بر همه چیزها.

و اگر کسی این اسم را بعد از هر نماز نه بار بخواند، نیز تا جای خود در بهشت ببیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از پدرِ خود که مهبطِ انوار الله، مظهرِ اسرار الله، خلیفهٔ رسول، مجلسی حضرت محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، جامع العلوم والکمالات سید عثمان بن سید داوٗد بخاری، جلیل الله قدس الله

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۰ ایضاً: ۲، ۲۲۵.

سرّہٗ، شنیدم که هر که دعوتِ یاکبیر هفتاد روز کند، و هر روز ۹ هزار بار بخواند، خزینۂ غیب یابد، و به مرتبۂ پادشاهی رسد، امّا باید که حیواناتِ جلالی و جمالی ترک کند. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و با خود نگاه دارد، شیر و مار و کژدم زیان نرسانند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت سیّد بالو تاج الدّین بخاری، قدّس اللّٰه سرّہٗ، منقول است: هر که اسم جمالی یاحفیظ اجب یاتنکفیل یا کلکائیل بحقِ یاحفیظ بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، همیشه رحمتِ خدای تعالیٰ بر او نازل شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت مولانا جلال الدّین محمد دوانی صدیقی، صاحب اخلاقِ جلالی و حاشیۂ قدیمه و اثباتِ واجب و حاشیۂ عضدی و انوارِ شافیه و تهذیب، قدّس اللّٰه سرّہٗ، منقول است: هر که اسم یاحفیظ با مؤکّلات بعد از نمازِ فجر هزار بار بخواند، هر نیّتی که داشته باشد، حاصل شود، و همیشه هیچ درنده و پرنده زیان نرساند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت خواجه محمد عبداللّٰه المشهور بخواجه کا، قدّس اللّٰه سرّہٗ، منقول است: یاحفیظ هر که را خوف از آب و آتش و از آسیبِ دیو و پری و گفتار باشد، او را باید که این اسم را با مؤکّلات هزار بار بخواند، و بر خود بدمد. همۂ بلاها دفع شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

ومعنیِ یاحفیظ: نگاه [۱۵۴] دارنده بندگان خود را از آفت ها و از بلاها.

واگر کسی این اسم را بعد از هر نماز ۹ بار بخواند، از شرِ ساحران و حاسدان خدای تعالیٰ او را نگاه دارد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و به گوسفندان و به ماده گاوان بندد، زیادتی در شیر و برکت بسیار پیدا شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ رکن الدّین جون پوری، قدّس اللّٰه سرّہٗ، منقول است: هر که اسم مشترک یامقیت اجب یا روپائیل یا اهجمائیل بحقِ یامقیت بعد از نمازِ مغرب صد بار بخواند، در همه اعضا روشنائی پیدا شود که در آسمان به مثالِ طیر شده سیر می کند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت خواجه شهاب الدّین خاوند محمود بن خواجه کا، شاگردِ مولوی جامی و مولوی

جلال (الدّین)، دوانی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که یامقیت با مؤکّلات بر گلاب سی بار بخواند و آن را بخورد، گرسنگی و تشنگی دفع شود، و قوّت یابد. (انشاء الله تعالی).

ومعنی یامقیت: توانا بر قوّت و قوّت دهنده.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ بامداد نود بار بخواند، دولتِ دو جهانی حاصل شود. انشاء الله تعالی.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربّع پُر کند، و خروس سفید را بندد روزِ شنبه در ساعتِ اوّل، و در خانه رها کند، بر فرمانِ خدای تعالی آن جا که خروس بانگ وهد دفینه آن جا باشد. و اگر به یک نوبت مراد حاصل نشود، چند نوبت دیگر بکند تا مراد حاصل شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت خواجه عبدالواحد (بن) زید، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسمِ مشترک یاحسیب اجب یا دردائیل یا لومائیل بحقِ یاحسیب بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، آنچه از ابتداءِ آدم علیه السلام تا انتها گذشته باشد، همه او را معلوم شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت (خواجه) بهاء الدّین حلوائی استادِ علّامه مولانا سعدالدّین تفتازانی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که یاحسیب با مؤکّلات بعد از نمازِ بامداد و بعد از نمازِ شام هفت روز هفتاد و هفت بار بخواند، مصالح دینی و دنیوی به اتمام رسد. (انشاء الله تعالی). باید که روزِ پنج شنبه شروع کند.

و از حضرت علّامه مولانا سعدالدّین مسعود بن عمر التفتازانی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسم مذکور یاحسیب با مؤکّلات بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالی او را ثوابِ هزار شهیدان بدهد، و هیچ بلا گردِ او نگردد، و از عذابِ گور نجات یابد. انشاء الله تعالی.

ومعنی یاحسیب: پسندیدهٔ جملهٔ خلایق درجمیعِ امور و دافعِ بلیّات.

و اگر کسی این اسم را دوازده روز دعوت کند، و هر روز هفت هزار بار بخواند، حسب الحکم شود، و عزّت ناک گردد. (انشاء الله تعالی).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربّع بنویسد، و با خود همراه دارد، و در کشتی سوار شود، خدای تعالی [۵۳ ب] آن کشتی را در امن و امانِ خود نگاه دارد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ بایزید[۱] بسطامی، قدس الله سرّہ، منقول است: هر که اسم جلالی یاجلیل اجب یا کلکائیل یا دردائیل بحقِ یاجلیل صد بار بعد از هر نمازِ تهجّد بخواند، مشاهدهٔ خدای تعالیٰ جلّ جلالہٗ و عمّ نوالہ نصیب گردد. انشاء الله (تعالیٰ).

و از حضرت مولانا محمد بن سعد الدّین مسعود بن عمر التفتازانی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که یاجلیل با مؤکّلات بعد از نمازِ صبح هزار بار بخواند، وقار و مرتبهٔ او بلند شود. (انشاء الله تعالیٰ)

ومعنیِ یاجلیل: بزرگوار به ذات و صفاتِ خود.

و اگر کسی این اسم را دوازده روز دعوت کند، و هر روز هفت هزار بار بخواند، جلالیتِ خدای تعالیٰ حاصل شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد (و) به آب چاه بشوید، (و) بخورد، میانِ خلق معظّم و مکرّم گردد. و همهٔ خوفِ خدای تعالیٰ در دل متمکّن شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان ابراهیم ادهم، قدّس الله سرّہ، منقول است: هر که اسمِ جمالیِ یاکریم اجب یا حروزائیل یا سرطائیل بحقِ یاکریم بعد از نمازِ ضحیٰ صد بار بخواند، خدای تعالیٰ بر او رحمت و کرم بسیار کند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا قطب الدّین یحییٰ بن مولانا محمد، رحمة الله علیه، منقول است: هر که یاکریم با مؤکّلات بر بستر وقتِ خواب بر زبان راند، و در خواب رود، فرشتگان را فرمان در رسد که این را مغفرت خواهید تا روزِ قیامت.

ومعنیِ یاکریم: بزرگ و گرامی دارنده.

و اگر کسی این اسم را به وقتِ صبح صد بار بخواند، رحمتِ خدای تعالیٰ همیشه بر او نثار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع در کاسهٔ چینی بنویسد، و به آبِ دریا بشوید، و زنِ عقیمه را که فرزند نمی شود، بخوراند، فرزندِ نرینه شود. انشاء الله تعالیٰ.

۱- ا برگ ۵۳ ب، برگ ۷۱ ب و ج برگ ۶۸ و: "بازید بسطامی".

و از حضرت خواجه فضیل عیاض، قدس الله سرهٗ، منقول است: هرکه اسم مشترکِ یارقیب اجب یا امواکیل یا اجمائیل بحقِ یارقیب روزِ شنبه بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، نماز و روزهٔ او قبول افتد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ سیف الدین شهید هروی احمد بن یحییٰ بن محمد بن سعد الدین بن عمر التفتازانی مشهور به شیخ الاسلام، صاحب تصانیف مثل شرح فرایض و حاشیه بر تلویح و شرح وقایه و بر مطول و بر مختصر و عضدی [۱۵۶] و صیدنامه وغیرها، قدس الله سرهٗ، منقول است: هرکه یارقیب با موکلات بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از خصمان و دشمنان و از مکاران ایمن گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

و معنی یارقیب نگاه دارندهٔ همه چیزها در همه حال.

و اگر کسی این اسم را روزِ سه شنبه بعد از نمازِ عصر هزار بار بخواند، دشمنان هلاک شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربع پُر کند، و آن را در مقام (کهنه) نهد، دشمنان به بیماری رسند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت خواجه هبیرة البصری، قدس الله سرهٗ، منقول است: هرکه اسم مشترکِ یامجیب اجب یا روبائیل یا حروزائیل بحقِ یامجیب بعد از نمازِ شام صد بار بخواند، هر دعائی که کند، مستجاب شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا زاده حظائی شاگردِ علامه تفتازانی، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که، یامجیب با موکلات بعد از هر نماز یازده بار بخواند، حق تعالیٰ او را در امن و امانِ خود نگاه دارد، و دعای او مستجاب شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنی یامجیب: اجابت کننده دعای بندگانِ خود را.

و اگر کسی این اسم را ده روز دعوت کند مع ترکِ حیواناتِ جلالی و جمالی (و جلالی، چون گوشت و ماهی و جز آن چون ذو روح باشد، و جمالی چون شیر و جغرات و روغن و شیرینی و جماع کردن با زن و بوسه دادن و پیاز خوردن وغیرِ آن که در دهان بُوی بد کند، و هر روز پنج هزار

بار بخواند، صاحب الدعوات گردد. ان شاء الله تعالیٰ.

و از پدرِ خود سیّد السادات، منبع البرکات، صاحب الجود والحسنات سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری جلیل الله، قدّس الله سرّهٗ، شنیدم: هرکه یَا مُجِیْبَ الدَّعْوَاتِ وَ یَا عَالِمَ السِّرِّ وَ الْخَفِیَّاتِ، یَا ذُوالْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ، بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ در وقتِ خفتن هزار بار بخواند، اسرارِ ظاهری و باطنی مکشوف شود. ان شاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اِسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و خواهد که حالِ همه احوال معلوم شود، یا بداند که در شکمِ زن آب نرینه است یا مادینه، یا غایب که می آید یا نه، یا رنجور از آن رنج خلاص می شود یا نه؟ باید که روزِ دوشنبه غسل کند، و روزه دارد، و شبِ سه شنبه نیز غسل کند و به خواب رود، وقتِ بامداد روزِ سه شنبه پیش از آن که آفتاب برآید، این شکل بنویسد بر کرپاسِ سبز به آبِ گلاب و زعفران، و به وقتِ نوشتن عود و عنبر بسوزاند، و آن شکل را در دستارِ خود بندد، و به سرِ آن آفتاب نیفتد، و هیچ کس را ننماید، و چون شبِ [۸۱ب] چهارشنبه شود، بعد از نمازِ خفتن به یادگیریِ خدای تعالیٰ مشغول شود تا به وقتِ خواب، و به وقتِ خواب کردن این دعا خوانده به خواب رود.

دعا این است:

بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ: اَللّٰھُمَّ یَا عَالِمَ السِّرِّ وَ الْخَفِیَّاتِ، یَا مُجِیْبَ الدَّعْوَاتِ بِحُرْمَتِ مُحَمَّدٍ مُصْطَفٰی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ، مَایَتَ اَلْفَ اَلْفَ صَلٰوۃً وَ السَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِهٖ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ اَجْمَعِیْنَ. بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.

کسی بر او ظاهر شود که او را خبر کند از آن چه که می خواهد که بداند. و اگر در این شب نبیند، شبِ پنج شنبه و شبِ جمعه همین عمل کند. البتّه حاجتِ او روا شود. ان شاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ملو دتّا، دینوری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اسمِ جمالی یاواسع اجب رقتائیل یا تنکفیل بحقِ یا واسع بعد از هر نماز صد بار بخواند، دایم در حضورِ خدای تعالیٰ باشد. ان شاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا موسیٰ جعبری شاگرد علامه تفتازانی، قدس الله سره، منقول است: هرکه یاواسع با مؤکلات شب دوشنبه هزار بار بخواند، توفیق وقناعت خدای تعالی او را بسیار دهد. (انشاء الله تعالی).

و معنی یاواسع: فراخ کننده عطا از رحمت و فضل بر جمیع مخلوقات.

و اگر کسی این اسم را وقت نیم شب پنجاه بار بخواند، نعمت دو جهانی (بر او) فراوان شود. انشاء الله تعالی.

و اگر کسی عدد این اسم را در شکل مربع بنویسد با نام دزد و نام مادر آن، و در خانه آن جائی که هیچ کس نباشد، بنهد، و بالای آن میخ زند، دزد پیدا شود. انشاء الله تعالی.[1]

و از حضرت شیخ (فرید الدین مسعود) شکر گنج، قدس الله سره، منقول است: هرکه اسم جمالی یا ودود اجب یا رفتائیل یا دردائیل بحق یا ودود بعد از نماز عشا صد بار بخواند، ماسوی الله دیگر در دل نیاید. انشاء الله تعالی.

و از حضرت مولانا علاء الدین محمد بخاری، صاحب فاضحة الملحدین، شاگرد علامه تفتازانی، قدس الله روحه، منقول است: هرکه یاودود با مؤکلات برای هر زنی که با شوهر راضی نباشد بر چیزی خوردنی هزار و یک بار بخواند، و او را بخوراند، راضی شود. (انشاء الله تعالی).

و معنی یاودود: دوست دارنده فرمان برداران را.

و اگر کسی دعوت این اسم را چهل روز کند، و هر روز پنج هزار بار بخواند، محبوب عاشق او گردد. انشاء الله تعالی.

و از پدر خود که مهبط انوار الله، مظهر اسرار الله، خلیفه حضرت رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلم، سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله سره، شنیدم که هرکه این اسم را بعد از ظهر، نماز صد بار بخواند، محبت در دل به سوی عبادت حق تعالی بسیار غالب شود. انشاء الله تعالی. [۵۵ ر]

۱- در ر ۵۴ ب، ب ۷۳ ب و ج ۷۹ ب بعد از یاواسع فضیلت یاحکیم نیامده.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بر کرپاسِ سفید بنویسد، و بر خود بندد، روزی بر وی فراخ شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت سیّد عثمان ملقّب به مخدوم لعل شهباز مروندی[1] حسینی، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ جلالیِ یا مجید اجب یا دردائیل یا حروزائیل بحقِ یا مجید بعد از نمازِ فجر هزار بار بخواند، مرتبهٔ او بلند گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت مولانا تونی، شاگردِ علامهٔ مذکور (التفتازانی) قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: یا مجید هر که درمیانِ قرابتان عزّت ندارد، او را باید که بعد از نمازِ جمعه و بامداد نود و نُه بار این اسم را با مؤکّلات بخواند، و بر خود بدمد، عزّت یابد، و عزیز گردد. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

و معنیِ یا مجید: بزرگوار بر هر چیزی.

و اگر کسی این اسم را بعد از روزهٔ بیض به وقتِ افطار یازده بار بخواند، و بر خود بدمد، از برص و جذام ایمن شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بر نقره نقش کند، و در آبِ گرم اندازد، و قطرهٔ آن در گوش چکاند، دردِ گوش ساکت شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ پَته، که آن را "دیولی" گویند، و در شجرهٔ ایلاره[2] و در کتاب شرف الاولیا نوشته است که شیخ پَته را اصل نام حسین بود، و لقب شیخ پته بن راج پال بن کاهن بن لاکه بن سکیره[3]، و نامِ مادرش سلطانی بنت مراد بن شرفو، و نام مشهور شیخ پَته است.

وفاتِ شیخ پَته در ششصد و شصت[4] (۶۶۰) سال از هجرتِ مقدّسه.

و شیخ مذکور مریدِ شیخ بهاء الدّین زکریا، قدّس اللّٰه سرّهُ العزیز است، و شیخ مزبور در وقتِ شیخ جمیل[5] و شیخ وجیه[6] بود.

۱- یک حاشیه ا ص ۱۰ جواهر اوّل. ۲- تحفة الکرام تألیف میر علی شیر قانع تتوی (جلد سوم ترجمهٔ اردو) مطبوعه کراچی ۱۹۵۹م ص ۷۶۱: ا برگ ۵۵ ا، ب برگ ۷۴ ب و ج برگ ۷۰ ب "ایلاره". ۳- در تحفة الکرام (ترجمهٔ اردو) ص ۷۶۱، شجرهٔ شیخ پته بدین طریق آمده: "شیخ حسین بن راج پار بن لاکه بن سکیره". ۴- تحفة الکرام (ترجمهٔ اردو) ص ۷۶۲: "۶۶۵". ۵- تحفة الکرام (ترجمهٔ اردو) ص ۷۶۲. ا برگ ۵۵ ا، ب برگ ۷۴ ب و ج برگ ۷۰ ب: جمیه. ۶- تحفة الکرام (ترجمهٔ اردو) ص ۷۶۳. ا برگ ۵۵ ا، ب برگ ۷۴ ب و ج برگ ۷۰ ب: وجره.

و از حضرت شیخ پته، قدس الله سره، منقول است: هر که در جائی که در آن هیچ مرد و زن نباشد، در آن جا چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] یک بار آیت الکرسی[2] و پنج بار سورة الاخلاص[3] و بعد از سلام پنجاه بار اسم مشترک یا باعث اجب یا جبرئیل یا دوریائیل بحق یا باعث بخواند، هرچه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد، و دنیا و دولت نیز حاصل گردد. انشاء الله (تعالیٰ).

و از حضرت مولانا یوسف اوبهی، شاگرد علامۀ مسطور (التفتازانی) قدس الله روحه، منقول است: یا باعث هر که چون خواهد که دلِ مرده زنده شود، به هنگامِ خواب رفتن دست بر سینه نهد، و صد و یک بار این اسم (باموکلات) بخواند، حق تعالیٰ دلِ او را مقامِ نورکرامت کند. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنی یا باعث: فرستنده رسولان را، علیهم الصلوٰة والسلام، و زنده کننده مُردگان را. و اگر کسی این اسم را هر روز پنج بار بخواند، روزِ قیامت بعثِ او [۵۵ب] در زمرۀ اولیای الله تعالیٰ شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع روزِ چهارشنبه (پیش از) برآمدنِ آفتاب بر پوستِ روباهی بنویسد، و در آب اندازد که دشمن (آن) آب خورد، بیمار شود و هلاک گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ جمیل[4] معروف به) شیخ جمیه قدس الله سره، منقول است: هر که اسم مشترک یا شهید اجب یا همرائیل یا حروزائیل بحق یا شهید بعد (از) دو پهرِ شب هزار بار بخواند، هرچه از من و از خدای تعالیٰ خواهد یابد، و اگر کار نشود، روزِ قیامت دامن‌گیرِ من باشد، و عجایب و غرایب نیز بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و در کتاب شرف الاولیا مذکور است که (شیخ جمیل[5] معروف به) شیخ جمیه اصلاً آهن‌گر بود چون خوفِ خدای تعالیٰ در دل افتاد، آهن‌گری گذاشته خدای تعالیٰ را یاد کرد، و به مرتبۀ

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۳- ایضاً: ۱۱۲. ۴ و ۵- رک به حاشیه ۵ ص ۱۶۷.

ولایت رسید. بعده سیر کرد، و در کوهِ کرنار نیز تکیه کرد، و از آن جا آمده در آن آسوده شد. والله تعالیٰ اعلم بالصواب.

و از حضرت (شیخ) سعد الدین استرابادی، قدس الله سرّهٗ، منقول است: یاشهید هر که وقتِ خوابیدنِ پسر یا دختر دست بر پیشانی ایشان نهد، و سر به سوی آسمان کند و بیست و یک بار این اسم را (با مؤکلات) بخواند، حق سبحانهٗ و تعالیٰ به برکتِ این اسم ایشان را نیک بخت و فرمان بردار گرداند. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یاشهید: گواهِ راست.

و اگر کسی این اسم را ده روز دعوت کند. و هر روز چهل و یک بار بخواند، روشنائی در چشم بسیار پیدا شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در دکانِ خود نهد، و یا درمیانِ متاع نهد و یا در زراعت و یا در بوستان دفن کند، برکت در آن بسیار پیدا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد شیخ وجیه که آن را اصل نام شیخ وجیه[۳] الدین است، قدس الله سرّهٗ العزیز منقول است: هر که بعد از نمازِ خفتن دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سه بار سورة الاخلاص، و بعد از سلام هزار بار اسمِ مشترکِ یاحق اجب یا دردائیل یا اسمعیل بحق یاحق بخواند، خدای تعالیٰ او را مرتبهٔ ولایت دهد، و آنچه نیتی دارد، حاصل شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت (شیخ) کمال الدین عبدالصمد بغدادی. شاگردِ ملّا جلالِ دوانی، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یاحق با مؤکلات وقتِ خفتن و بعد از نمازِ بامداد چهل بار بخواند ظالم بمیرد، و دشمن هلاک شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یاحق: سزاوار به خدائی و ثابت به خدائی.

و اگر کسی این اسم را هر روز و هر شب ۱۰۸ بار بخواند، از بلاهای گوناگون در امن و امانِ خدای تعالیٰ باشد. انشاء الله تعالیٰ.

۱- رک به حاشیه ۶ ص ۱۶۷. ۲- رک به حاشیه ۷ ص ۱۶۷. ۳ برگ ۵۵ ب، ب برگ ۷۵ ب و ج برگ ۷۱ د: وجه الدّین.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و بر کودکان ببندد [۱۵۰ ل] از ترسیدن ایمن شوند. انشاء الله تعالیٰ.

• از حضرت خواجه شیخ ابو المظفّر تُرک طوسی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسمِ جمالیِ یاوکیل اجب یا رقمائیل یا دوائیل بحقِ یاوکیل بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، مالِ غیبی بسیار یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا کمال الدّین داؤد قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که یاوکیل با مؤکلات در شب و روز بسیار گوید، و وردِ خود سازد، همیشه به سلامت ماند. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یاوکیل: بندگان را نگاه بان و راست آنندهٔ کارها.

و اگر کسی را حاسدی یا غیبت کنندهٔ باشد، او را باید که این اسم را هر روز بعد از نمازِ فجر نُه بار بخواند. خدای تعالیٰ او را از آن نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و با خود نگاه دارد، از شرِ دیو و پری و خیالاتِ فاسده و خواب های بیهوده ایمن شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوالحسن خرقانی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسمِ جلالیِ یاقوی اجب یا عطرائیل یا نوریائیل بحقِ یاقوی بعد از نمازِ فجر نود بار بخواند، در دینِ اسلام بسیار قوی شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت قاضی صاعد اندلسی، صاحب طبقات الاطبا، قدّس الله سرّهٔ منقول است: یاقوی هر که جهتِ دفعِ دشمن چهل و یک غلوله از آردِ گندم کند، و بر هر یکی این اسم با مؤکلات یک بار بخواند، و پیشِ مرغان یا پیشِ زاغان اندازد به نیّتِ دفعِ دشمن، به فضلِ حق سبحانهٔ و تعالیٰ دشمنانِ او مقهور گردند. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یاقوی: (آن که) بر همه چیز قوی است:

و اگر کسی این اسم را هر روز بعد از نمازِ عصر ده بار بخواند، دلِ داو، بر همهٔ هدایتِ خدای تعالیٰ قوی گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بر کاسۂ چینی بنویسد، و به آب (چاه) بشوید، و آن آب بر درختان افشاند، برکت در میوه بسیار پیدا شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ معین الدین چشتی قدس اللّٰہ تعالیٰ سرّہٗ، منقول است: هر که اسمِ جلالی یامتین اجب یا رویائیل یا سرطائیل بحقِ یامتین روزِ شنبه بعد از نمازِ ظهر صد بار بخواند، ایمانِ او همیشه سلامت باشد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا زین الدّین تایبادی، استادِ ملّا جامی، قدس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که یامتین با مؤکّلات جهتِ طفلی که از شیر گرفته باشند، و صبر نمی تواند کرد، یا شیر دهنده شیر در پستان ندارد، پس این اسم را سی بار بخواند تا بار خورد، و شیر در پستان فراوان گردد، و اگر بر کودک دمد، صابر باشد. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ)

و معنی یامتین: [۵۶ب] آن که استوار و محکم است.

و اگر کسی این اسم را هر روز بعد از نمازِ فجر نُه بار بخواند، بدنِ او سلامت باشد. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و اگر کسی عدد این اسم را در شکلِ مربّع در کاسۂ نو بنویسد، و به آب (چاه) بشوید، و بر دُنبل مالد، شفا یابد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شاه شجاع کرمانی، قدس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم جلالِ یاولیّ اجب یا رفمائیل یا حولائیل بحقِ یاولیّ بعد از نماز صد بار بخواند، همه جن مطیعِ او شوند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) سعد الدّین انصاری (کاشغری) مرشدِ مولانا عبدالرّحمٰن جامی قدس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: هر که یاولیّ با مؤکّلات جهتِ هر زنی یا کنیزکی باشد، و کارِ بد می کند، و ایشان را نگاه نمی تواند داشت. در وقتِ دخول این نام در دل بسیار تصوّر کند، از کارِ بد باز آید. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و معنی یاولیّ: دوست و نگاه بان و کار کننده.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ عصر تا وقتِ شام بخواند، صاحب ولایت

گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد و به زیرِ آفتاب بنهد، خلق مطیع و فرمان بردار او شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ بهاء الدین نقشبند، قدس الله سرّہٗ، منقول است: هر که اسم جمالی یاحمید اجب یاتنکفیل یا حردائیل بحقِ یاحمید بعد از نمازِ شام چهل بار بخواند، از آفات و بلیات بکلی امین شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) شمس الدین محمد جاجرمی، استادِ مولوی جامی، قدس الله سرّہٗ، منقول است: هر که یاحمید با مؤکلات بعد از هر نماز هفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ زبانِ او را از فحش گفتن نگاه دارد. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنی یاحمید: ستوده اوصاف و هم می شاید.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ شام صد بار بخواند، از نظرِ حاسدان امین شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و با خود نگاه دارد، از شرِ شیطان امان یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت حاجی شریف قدس الله سرّہٗ منقول است: هر که اسم مشترک یامحصی اجب یاتنکفیل یا سرطائیل بحقِ یامحصی بعد از نمازِ ضحیٰ بخواند، دل او از عشقِ دنیا سرد شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا خواجه (علی) سمرقندی، استادِ مولوی جامی، قدس الله روحہٗ، منقول است: هر که یامحصی با مؤکلات شب جمعه هزار بار بخواند، حساب قیامت بروی آسان گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یامحصی: شمار کنندهٔ کلیات و جزئیات.

و اگر کسی از قبضِ روح بترسد، بعد از نمازِ تهجد این اسم را صد بار بخواند، روح به آسانی قبض شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را دور شکل مربّع) بر سفاله بنویسد، و به آب چاه بشوید) و رنجور را بخوراند، شفا یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

[۱۵۷ ا] و از حضرت خواجه مودود چشتی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکه اسمِ جلالیِ یامبدئ اجب یا روبائیل یا حولائیل بحقِ یامبدئ بعد از نمازِ ظهر هفتاد بار بخواند، دلِ او همیشه در محبّتِ خدای تعالیٰ باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ بهاء الدّین عمرؒ استادِ ملّا جامی، قدّس اللہ سرّہٗ، (منقول است): یامبدئ هرکه جهتِ عورتی که از اسقاط بترسد، هر سحرگاه شوهرِ او نوزده بار این اسم با مؤکّلات بخواند، و گرد به گردِ شکمِ او انگشتِ شهادت بگرداند، از اسقاط ایمن شود؛ و بچه در شکم دیرهم بماند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنیِ یامبدئ: آفریننده اوّل بار خلق را.

و اگر کسی دعوت این اسم سه روز کند، و هر روز سه هزار بار بخواند، بدایت و نهایتِ او به خیر مبدّل گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع به مشک و زعفران بنویسد، و بر نیزه بندد، فتح و نصرت یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوبکر عبداللہ شبلی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکه اسمِ جلالیِ یامعید اجب یا کلکائیل یا دردائیل بحقِ یامعید وقتِ دوپهر بر پای قبر هزار بار بخواند، از قبر جواب باصواب یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا (جلال الدّین) بایزید پورانی پیرِ مولانا جامی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکه یامعید با مؤکّلات برای (کسی که) غایب شده باشد، در گوشه‌ٔ به هنگامی که خلق خفته باشد، هفتاد بار بخواند، بعدهٗ نامِ غایب بگوید. فلان بیا. به مدّتِ هفت روز بیاید، یا خبرِ او رسد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنیِ یامعید: آفریننده دیگر بار خلق را. هُوَ یُبْدِئُ وَ یُعِیْدُ.[1]

۱- القرآن الحکیم: ۸۵، ۱۳

و اگر کسی این اسم را بعد از هر نماز صد بار بخواند، اطمینانِ ظاهر و باطن یابد. انشاء الله تعالی.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بر پارۀ مس بنویسد، و در آتش نهد، محبوب مطیع و فرمان بردارِ او شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت خواجه بختیار کاکی، قطب الدین، قطبِ دهلی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسمِ جلالی یا محیی اجب یا روپائیل یا دردائیل بحقِ یا محیی بعد از هر نمازِ چاشت صد بار بخواند، دلِ او منوّر گردد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت مولانا شمس الدین، محمد اسد، استادِ مولوی جامی، قدّس الله روحه، منقول است: هر که یا محیی با مؤکّلات بر تنی که از بند بند جدا شده باشد، بر هفت اندام بخواند، و بمدّت هفت روز کند، ایمن گردد. انشاء الله تعالی.

و معنی یا محیی: زنده کننده مُردگان را.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، از جمله بلیّات ایمن شود. انشاء الله تعالی.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در چرخه بندد، رفته باز آید. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ علاء الدین لاهوری [۵۷ب] قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسمِ جلالیِ یا ممیت اجب یا روپائیل یا اجمائیل بحقِ یا ممیت بعد از نمازِ عصر بر بیمار صد بار بخواند، اگر بر مُردن نزدیک رسیده باشد، خدای تعالی صحت دهد، و عمرِ او دراز گردد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ عبیدالله[۱] احرار، پیرِ مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی، قدّس الله روحه، منقول است: هر که یا ممیت با مؤکّلات برای نفسِ امّارۀ که از بس درمی آید، به وقتِ خواب رفتن دست بر سینه نهد، و این نام گویان در خواب رود، نفسِ بی فرمان مطیعِ او گردد. (انشاء الله تعالی).

۱- د برگ ۵۷ب، ب برگ ۷۸ و ج برگ ۷۴: عبدالله.

و معنی یا ممیت : میرانندهٔ زندگان را.
و اگر کسی این اسم را بر پای قبر هزار بار بخواند، دشمن به بیماری برسد یا بمیرد. انشاءالله تعالی.
و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربّع در کاسه نوشته بر خانهٔ دشمن بریزد، خانهٔ آن خراب و ضایع شود. انشاء الله تعالی.
و از حضرت مخدوم شیخ وجیه الدّین علوی گجراتی، که بر کتب متداوله علوم از میزان تا مفتاح و شفا حواشی و شروح نوشته، مرید حضرت شیخ حاجی حمید معروف به (شیخ محمد غوث) قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم جمالی یا حیّ اجب یا تنکفیل یا سرطائیل بحق یا حیّ بعد از نمازِ خفتن هزار بار بخواند، کعبة الله برای زیارت کردنِ او بیاید. انشاءالله تعالی.
و از حضرت شیخ سعد الدّین کاشغری پیرِ مولانا جامی، قدّس الله تعالی سرّه، منقول است: هر که یا حیّ با مؤکّلات بر رنجوری سخت خواند، حق سبحانهٗ و تعالی صحت بدهد. (انشاء الله تعالی).
و معنی یا حیّ : خداوندِ حیات.
و اگر کسی این اسم را پنج روز دعوت کند، و هر روز پنج هزار بار بخواند. جمله کارهای دینی و دنیوی او آسان گردد. (انشاء الله تعالی).
و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربّع بنویسد، و در دریا اندازد، و بر کنارهٔ آن دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه سورة الاخلاص سه بار، و بعد از سلام صد بار یا مجیب الدّعوات، و یا عالم السّر و الخفیات، یا ذاالجلال و الاکرام، برحمتک یا ارحم الرّاحمین مطلوب حاصل شود، و کار نیز معلوم گردد. انشاء الله تعالی.
و از حضرت شیخ احمد دمشقی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم باطنِ یا قیوم اجب یا عطرائیل یا قولائیل بحق یا قیّوم بعد از نمازِ تهجد هزار بار بخواند، عجایب و غرایب بسیار بیند. انشاء الله تعالی.
و از حضرت سلطان حسین مرزا از اولادِ امیر تیمور گورگان، که به مولوی جامی اعتقادِ کمال

داشته، رحمة الله علیهم، منقول است: هرکه یاقیّوم با مؤکلات در سحرگاه بلند گوید، (۱۵۸) متصرف دل‌ها شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنی یاقیّوم: پاینده و تدبیرکنندهٔ کارها.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، دلِ او بر عبادت قایم و مستقیم شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از پدرِ (خود)، که مهبطِ انوار الله، مظهرِ اسرار الله، خلیفهٔ رسول الله، مجلسیِ حضرت محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، صاحب العلم والحلم والشجاعة سیدعثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدّس الله سرّه، شنیده ام که هرکه یاقیّوم بعد از نمازِ عصر صد بار بخواند، دلِ مرده زنده شود به سوی عبادتِ خدای تعالیٰ، و آنچه از خدای تعالیٰ خواهد یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در گردنِ زن بندد، فرزندِ نرینه زاید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوحفص، قدّس الله سرّه، منقول است: هرکه اسمِ جمالیِ یاواجد اجب یارفتمایل یاتنکفیل بحقِ یاواجد بعدازهرنمازِ ظهر صد بار بخواند، آنچه از خدای تعالیٰ خواهد یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت میرعلی شیر (نوائی)، مؤلفِ نفایس الفنون، که در او صد و شصت علم بیان کرده است، وزیر سلطان حسین (میرزای) مذکور، که او نیز به مولوی جامی اعتقادِ بسیار داشتند، قدّس الله تعالیٰ روحهم، منقول است: هرکه یاواجد با مؤکلات وقتِ طعام خوردن بهرلقمه بخواند، آن لقمه در شکمِ او نور گردد، و آنچه می خواهد، یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یاواجد: توانگر کننده.

و اگرکسی این اسم را بعد از نمازِ بامداد صد بار بخواند، غنی شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگرکسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در گردن بندد، توفیقِ بسیار یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ تقی الدین، قدّس الله سرّه منقول است: هرکه اسمِ جمالیِ یاماجد اجب

یاروبائیل یا اجمائیل بحقِ یاماجد بعد از نمازِ عصر صد بار بخواند در دنیا بی محتاج شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت رضی الدین عبدالغفور لاری، شاگرد و مریدِ ملّا جامی رحمۃ الله علیه، که بر اکثرِ کتب استادِ خود حواشی متین نوشته، منقول است: هر که یا ماجد با مؤکّلات گویان در خلوت رود، چنان که بی هوش گردد، آثارِ انوارِ الٰهی در دل پیدا شود. (انشاءالله تعالیٰ).

و معنی یاماجد: بزرگ است.

و اگر کسی این اِسم را نوزده بار بعد از نمازِ اشراق بخواند، ثواب عبادتِ نود سال در نامهٔ اعمالِ او ثبت شود. (انشاءالله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بر پوستِ آهو بنویسد، و در مقامِ (کهنه) دفن کند، مُرده باو متکلّم شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حسین زنده دل دهکرّ پوش، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسمِ مشترک یاواحد اجب یا زقمائیل یا دوریائیل بحقِ یاواحد بعد از نمازِ عشا هفتاد بار بخواند، [۵۸ ب] هیچ غم و اندوه (به او) نرسد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ملّا خاکی معروف به شیخ مکّی مریدِ مولانا جامی که رساله من جانب الغربی فی حلّ مشکلاتِ ابن العربی تصنیف کرده، قدّس الله روحه، منقول است: هر که یا واحد با مؤکّلات هزار و یک بار بخواند، خوف از دلِ او برود، و مقرّبِ وحدانیتِ خدای تعالیٰ شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنی یا واحد، یکی است.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ ظهر ۳ بار بخواند، عنایتِ الٰهی حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر عددِ این اسم را در شکلِ مربّع به مشک و زعفران بر کاغذِ حریر بنویسد، و بر دیوارِ خانه بیاویزد، دشمن بر او نظرِ بد نکند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فخر الدّین عراقی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسمِ مشترک یا احد اجب یا اسرافیل یا سرطائیل بحقِ یا احد بعد از نماز صد بار بخواند، یگانگی

خدای تعالیٰ در دلِ داو) ثابت ماند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) علاء الدین عطار پیر حضرت سید شریف علی جرجانی، قدس اللہ روحہ. منقول است: ھرکہ یا احد با مؤکلات بہ وقتِ تنہائی ھزار و یک بار بخواند، ملائکہ عین معاینہ کنند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنیِ یا احد: یکی است بہ حقیقت نہ بہ شمار. اصلِ آن شریک ندارد. قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ[1]

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ صبح صد بار بخواند، در عالم مهتر گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگرکسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بہ مشک و زعفران بنویسد، و در دستارِ بندد، نیک و بد معلوم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ مردان، قدس اللہ سرہ، منقول است: ھرکہ اسمِ جمالی یا صمد اجب یا اجمائیل یا حولائیل بحقِ یا صمد بعد از نمازِ تہجد ھزار بار بخواند، اسرارِ ظاھری و باطنی ھمہ مکشوف شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) ابو نصر پارسا، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ھرکہ وقتِ سحر یا نیم شب سر بہ سجدہ نہد، و صد و یازدہ بار این اسم با مؤکلات بگوید، صادق و راست گو گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنیِ یا صمد: مهتر از ھمہ خلق و بی نیاز از ھمہ خلق. (خلق نیاز بدو دارند) و او بہ ھیچ کس نیاز ندارد. و او را بہ طعام و شراب حاجت نیست، و اندرونِ او خالی نیست.

و اگرکسی را کاری مشکل پیش آمدہ باشد، و تدبیرِ آن کار نداند، باید کہ شبِ چہار شنبہ غسل کند، (ختمِ مخدوم سید جلالِ جہانیان (جہانگشت) قدس اللہ سرہٗ، کردہ

۱- القرآن الحکیم: ۱۱۲، ۱.

هزار بار این اسم بخواند، کارِ او حاصل شود. (انشاء الله تعالیٰ). تا مدتِ سه شب این روش بکند.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع در ساعتِ مشتری بنویسد، و در بازوی راست بندد، محبوب عاشق او گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ مظفر بلخی، قدّس الله سرّهٗ [۱۵۹ لـ] منقول است: هرکه اسمِ جمالیِ یاقادر اجب یا میکائیل یا حروزائیل بحقِ یاقادر وقتِ وضو کردن بخواند، خدای تعالیٰ او را از بیماریِ دشوار نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد پارسا، قدّس الله روحه، منقول است: هرکه یاقادر با مؤکلات بوقتِ آبدست کردنِ هر عضوی بگوید، بر دشمنانِ قادر گردد. انشاء الله تعالیٰ.

ومعنیِ یاقادر: توانائی به قدرت (نه به دست).

و اگر کسی به وقتِ شستنِ پای یاقادر بگوید، روزِ قیامت بر پُلِ صراط به طریقِ باد بگذرد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در خانهٔ خود نگاه دارد، هیچ دشمن با او دشمنی نکند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمّد عارف، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه روزِ یک‌شنبه بعد از نمازِ فجر در کوه و یا در صحرا برود، و چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[۱] یک بار آیتِ قُلِ اللّٰهُمَّ مٰلِكَ الْمُلْكِ تا بِغَيْرِ حِسَابٍ[۲] و سه بار سورة الاخلاص[۳] و بعدِ سلام صد بار اسمِ جلالی یامقتدر اجب یا رویائیل یا کلکائیل بحقِ یامقتدر بخواند، ارواحِ روحانی و جسمانی همه به پیشِ او حاضر شوند، و هرچه اوّلین و آخرین خواهد شد، همه به پیشِ او بگویند، و میوه های بهشت به او بدهند، که این را بخورد، و بخوردنِ آن علمِ ظاهری و باطنی مکشوف شود، و عجایب و غرایبِ بی شمار بیند. انشا الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۳، ۲۶، ۲۷. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

و از حضرت شیخ علی پرودهی، قدّس الله سرّه، منقول است: هرکه یامقتدر با موکلات بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، همهٔ خلق او را دوست دارد. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یامقتدر: توانده.

و فرق میانِ قادر و مقتدر آن است که قادر بالذّات باشد، و مقتدر به اعتبارِ ممکنات.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، از دلِ او باطلِ ماسوی الله برود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع به سیاهی نو برس بنویسد، و در آفتاب گرم بنهد، محبوب مطیع و فرمان بردارِ او شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ شمس الدّین بلخی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه اسمِ جلالیِ یامقدّم اجب یا رویائیل یا سرطائیل بحقِ یامقدّم بعد از نمازِ صبح چهل بار بخواند، خدای تعالیٰ مرتبهٔ او بلند گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو العباس بونی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه یامقدّم با مؤکّلات در معرکه یا در جای خوف بگوید، هیچ نکبتی بدو نرسد. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یامقدّم: پیش آرندهٔ کارهای مؤمنان برکارهای کافران.

و اگر کسی به وقتِ ناامیدی بعد از نمازِ فجر (این اسم) را صدبار بخواند، به امید رسد، [۹ د ب] انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و آن مصحف را به طرفِ سر نهد، اسرارِ الٰهی در خواب بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ سعد الله جون پوری، قدّس الله سرّه، منقول است: هرکه اسمِ جلالیِ یامؤخّر اجب یا رفتائیل یا لومائیل بحقِ یامؤخّر بعد از هر نماز صدبار بخواند، علمِ اوّلین و آخرین همه مکشوف شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت خواجه ضیاء الدّین برنی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه

یامؤخر با مؤکّلات صد بار بخواند، بر غیرِ حق دلِ او فرود نیاید. (انشاء الله تعالیٰ).
و معنیِ یامؤخّر: پس دارندهٔ کارهای کافران بر کارهای مومنان.
و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، کارهای مشکل آسان شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ (محی الدین) عبدالقادر جیلانی گیلانی، رحمة الله علیه، منقول است: و او از پدرِ خود شیخ صالح موسیٰ جنگی دوستِ (حق) شنید، و او از پدرِ خود شیخ عبدالله، و او از پدرِ خود شیخ یحییٰ زاهد، و او از پدرِ خود شیخ داؤد و او از پدرِ خود شیخ موسیٰ ثانی[1] و او از پدرِ خود شیخ عبدالله ثانی[2] و او از پدرِ خود شیخ موسیٰ الجون، و او از پدرِ خود شیخ عبدالله المحض و او از پدرِ خود شیخ حسن المثنّیٰ و او از پدرِ خود امیر سید حسن المجتبیٰ و او از پدرِ خود امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه، و او از شفیع المذنبین و خاتم النبیین محمدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، نقل کرده است: هر که یامؤخّر با مؤکّلات چهل روز دعوت کند، و هر روز دو هزار بار بخواند، حیوانات و پرنده و چرنده با او متکلم شوند.. و اُنس گیرند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر مُرده را خواهند که زنده کنند، زنده شود، امّا بغیرِ مجاهده به ولایت (نرسد) و مشاهده نشود. و شیخِ مذکور تمام عمر بسیار ریاضت و مجاهده کشیدند، و به مرتبهٔ ولایت رسیدند.

چنانچه از حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی، قدّس الله سرّه، در کتاب سفینة الاولیا دارا شکوه بن شاهجهان پادشاه می آرد، که یک عورتِ عجوزه به خدمتِ غوث اعظم آمد، و پسر خود را همراه آورد، و گفت: دلِ فرزندِ خود را تعلّق بسیار می بینم به آن حضرت و من ذمّهٔ وی را از حقّ خود بری گردانیدم برای خدای تعالیٰ.

آن حضرت قبول کردند، و به مجاهده و ریاضت امر فرمودند.

---

۱ و ۲ - ورگ ۷۹ ب نام های "شیخ موسیٰ ثانی" و "پدر او "شیخ عبدالله ثانی" ندارد.

بعد از چند مدت آن عورتِ عجوزه پیشِ فرزندِ خود آمد. دید که نانِ جَو می خورد، و زرد و لاغر شده از کم خواری و بیداری.

از آن جا پیشِ حضرتِ غوثِ اعظم رفت. طبقی دید بر آن استخوان های مرغی که آن حضرت تناول فرموده (بودند، نهاده).

عورتِ عجوزه به آن حضرت گفت: یا سیّدی! تو گوشتِ مرغ می خوری، و پسرِ من نانِ جو.

غوثِ اعظم دستِ خود را [۶۰ و] بر آن استخوان ها نهاده فرمودند: قُم بِاذنِ الّذی (مَن) یُحیِی العِظامَ وَ هِیَ رَمِیم.[1] آن مرغ زنده شد، و بانگ کردن آغاز کرد.

غوثِ اعظم به آن عورتِ عجوزه گفتند: وقتی که فرزندِ تو همچنین شود، هر چه بخواهد گو: بخورد.

باید دانست که از ریاضت و مجاهده مرتبهٔ آن آفتابِ شریعت، مقتدای طریقت محبوبِ سبحانی برتر از آن است که در تقریر و تحریر بگنجد، و به جهتِ دانستنِ کمالِ مرتبهٔ آن حضرت از ریاضت همین یک سخن بس است که ایشان سردارِ بسیار اولیا شدند که خدای تعالیٰ آن ها را دوست می دارد.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع در کاسهٔ چوب بنویسد، و کسی را که دردِ شکم باشد بخوراند، دردِ شکم دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جمال درویش (جولاه) اُچی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ جلالی یا اوّل اجب یا اسرافیل یا کلکائیل به حقِ یا اوّل بعد از هر نمازِ فجر نود بار بخواند خدای تعالیٰ او را از همهٔ خلق بی محتاج گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ بابا فرخ تبریزی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یا اوّل با مؤکّلات برای فرزند شدن یا مرادِ دیگر دارد، چهل شبِ آدینه هر شب هزار بار این اسم بخواند

۱۔ القرآن الحکیم: ۳۶: ۷۸.

جمله مرادات او مهیا گردد. (انشاء الله تعالی).

ومعنی یااوّل: نخستین. همیشه اوّل بُود از همه چیزها که باشد یا می شود.

و اگر کسی این اسم بسیار گوید، هیچ غم و اندوه نبیند. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ شهاب الدّین عمر بن محمد بن عبدالله البکری السهروردی، قدّس الله سرّه،
منقول است: و او از عمِ خود شیخ (ابو الجناب) نجم الدّین کبریٰ و او از پدرِ خود شیخ عبدالله و او از پدرِ خود شیخ محمد و او از پدرِ خود شیخ عبدالله و او از پدرِ خود شیخ سعد و او از پدرِ خود شیخ حسین و او از پدرِ خود شیخ ابو القاسم و او از پدرِ خود شیخ نصر و او از پدرِ خود شیخ قاسم و او از پدرِ خود شیخ عبدالرحمٰن و او از پدرِ خود شیخ ابوالقاسم و او از پدرِ خود شیخ محمد و او از پدرِ خود حضرت ابوبکر صدیق، رضی الله عنه، نقل کرده است: هر که یااوّل با مؤکلات ده روز دعوت کند، هر روز یک هزار و چهل و یک بار بخواند، جمله کارهای اوّلین و آخرین معلوم گردد. انشاء الله تعالی.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربّع بنویسد، و نهار (به آب چاه) شسته بخورد، توفیق رفیق شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ حماد بن شیخ (رشید الدّین نبیرهٔ شیخ) جمال (درویش) قدّس الله سرّه، منقول است:
هر که اسم جلالی یاآخر اجیب یا اسرافیل یا سرطائیل بحقِ یاآخر بعد از نمازِ خفتن [۶۰ب]
نو بار بخواند، خزینه های پنهان همه معلوم شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ ابوالمکارم، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که یاآخر با مؤکلات بسیار گوید، عاقبتِ او به خیر شود. (انشاء الله تعالی).

ومعنی یاآخر: (آن که) همیشه باشد.

و اگر کسی این اسم را روزِ جمعه بعد از نمازِ صبح صد بار بخواند، جوابِ منکر و نکیر بر او آسان شود. (انشاء الله تعالی).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربّع در کاسهٔ چینی بنویسد، و به گلاب بشوید و بخورد، دردِ شکم هرگز نشود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ عثمان هارونی[1] قدس الله سرّه، منقول است: هر که اسم جلالی یا ظاهر اجب یا نوائیل یا حروزائیل بحق یا ظاهر روزِ یکشنبه به وقتِ طلوعِ آفتاب صد بار بخواند، علمِ غیبی همه مکشوف شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ربیع بن خثیم، رضی الله عنه، منقول است: هر که یا ظاهر با مؤکّلات بعد از نمازِ اشراق پانصد بار بخواند (؟) روحانی و جسمانی روشن شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یاظاهر: پیدا به هستی، به خدائی یعنی ظاهر است.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ شام صد بار بخواند، از گناهانِ کبیر محفوظ گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از پدرِ خود که سید السادات، منبع البرکات، مجلسی حضرتِ سرورِ کائنات، صاحب الجود و الحسنات و الکمالات سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله سرّه، شنیدم هر که این اسم بعد از هر نماز پنجاه بار بخواند، مشکلاتِ دنیا بر او آسان شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و در گردن ببندد، روشنائیِ ظاهری حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نور الدین بلخی، قدس الله سرّه، منقول است: هر که اسم جلالیِ یاباطن اجب یا جبرئیل یا دردائیل بحقِ یاباطن بعد از نمازِ تهجد صد بار بخواند، صفای باطن حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) سعید بن مسیّب، قدس الله سرّه، منقول است: هر که یاباطن با مؤکّلات هر روز سی و سه بار بخواند، باطنِ او صاحب اسرارِ الٰهی گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یاباطن: پنهان از چگونگی و دانندهٔ کارهای پنهان، وقیل: او آن که محتجب است به جمیعِ حُجبِ نورانیه و ظلمانیهٔ خود.

۱- و برگ ۶۰ ب، ب برگ ۸۳ ا و ج برگ ۷۸ ب: هراوتی.

و اگر کسی این اسم بسیار گوید، باطنِ او صاف شود از غل و غش. (انشاءالله تعالیٰ).

و از حضرت شیخ بهاء الدّین (زکریای) ملتانی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است، و او از پدرِ خود شیخ محمد زکریا شنید، و او از پدرِ خود شیخ عبدالله[۱] و او از پدرِ خود شیخ شهاب الدّین و او از پدرِ خود شیخ زکریا و او از پدرِ خود شیخ نور الدّین و او از پدرِ خود شیخ سراج الدّین و او از پدرِ خود شیخ وجیه الدّین و او از پدرِ خود شیخ مسعود و او از پدرِ خود شیخ رضی الدّین و او از [۱۶۱] پدرِ خود شیخ ابو القاسم و او از پدرِ خود شیخ ابو حفص و او از پدرِ خود حضرت ابوبکر صدّیق، رضی الله تعالیٰ عنه، نقل کرده است: هر که این اسم را ده روز دعوت کند، و هر روز پنج هزار و هفصد بار بخواند، خزانهٔ غیب او را حاصل شود. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع در ساعتِ شمس بنویسد، و در کلاه بر سر نهد، آنچه در دو جهان (است)، همه معلوم شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو القاسم فردوسی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ جلالیِ یاوالی اجب یا رفتمائیل یا طلطائیل بحقِ یاوالی بعد از نمازِ ظهر صدبار بخواند، ایمانِ او همیشه سلامت باشد. انشاء الله (تعالیٰ).

و از حضرت شیخ عبدالرّحیم اصطخری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یاوالی با مؤکّلات برای خانهٔ خود یا عزیزی از باران ها و آفت ها و جز آن چون خواهد که خراب نشود، و به سلامت ماند، این اسم بر کوزهٔ که در آن آب نرسیده باشد، بنویسد، و در آن کوزه آب اندازد و بشوید، و آن آب در دیوارِ خانه بزند، به سلامت ماند (انشاءالله تعالیٰ).

و معنیِ یاوالی: سازندهٔ کارهای بندگان وقیل: او آن که والی است در جمیعِ امور و پادشاهی است به اتّفاقِ جمهور.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ خفتن پنجاه بار بخواند، ولایت حاصل شود. (انشاءالله تعالیٰ).

۱- ا برگ ۶۰ ب نام "شیخ عبدالله" ندارد.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و بر گردنِ طفل بندد، طفل در امانِ خدای تعالیٰ به سلامت باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حمزه سیتپیری، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ جلالیِ یامتعال اجب یا مویائیل یا دردائیل بحقِ یامتعال بعد از هر نماز صد بار بخواند، عزّت و حرمت بسیار یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوبکر اسکاف، قدس الله سرّهٗ، منقول است: یامتعال هر زنی که در حالتِ حمل این اسم با مؤکّلات بسیار گوید، حق تعالیٰ او را در امانِ خود نگاه دارد. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یامتعال: برتر و پاک، و قیل: او آن که رسیده است به اعلیٰ مرتبۂ علوّ و استعلا، وَهُوَ: اَلْکَبِیْرُ الْمُتَعَالِ[1]

و اگر کسی این اسم را در شبِ چهارشنبه و شبِ پنج شنبه و شبِ آدینه هفصد و سی بار بخواند، و در خواب رود، زبانِ بدگویان بسته شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و در مقامِ (رکهته) دفن کند، دشمن و ظالم دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید ابوبکر بخاری، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ جمالیِ یابَرُّ اجب یا جبرئیل یا طاطائیل بحقِ یابَرّ روزِ دوشنبه بعد از نمازِ عصر تا مغرب بخواند، آوازِ رحمتِ خدای تعالیٰ بشنود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت خواجه محمد (بن) سمعان چشتی [۱۶۱ب] قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یابَرّ با مؤکّلات در سفر بسیار گوید، از برّ و بحر به سلامت به وطنِ خود باز آید. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنیِ یابَرّ: نیکو کنندۂ کارها و اُمور.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۳: ۹۔

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ عشا هزار بار بخواند، با حضرت الیاس پیغمبر، علیه الصّلوٰة و السّلام، ملاقات شود، و آنچه ازو خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و بر طفل بندد، از جمله بلاهای گوناگون نترسد، و در امانِ خدای تعالیٰ باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ وجه الدّین کرمانی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که هر روزِ چهار شنبه و پنج شنبه و آدینه بعد از نمازِ خفتن هزار بار اسمِ جمالی یا توّاب اجب یا عزرائیل یا نورائیل بحقِ یا توّاب بخواند، خدای تعالیٰ او را از تائبان گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ اسمٰعیل عموی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که یا توّاب با مؤکّلات بعد از نمازِ چاشت سیصد و شصت بار بخواند، توبهٔ او قبول شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یا توّاب: پذیرندهٔ توبهٔ گنه‌کاران را و توفیق دهنده اسبابِ توبه مر تائبان را.

و اگر کسی این اسم را هر روز بعد از نمازِ صبح چهل و یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از تائبان گرداند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع در کاسهٔ چوب بنویسد، و به آبِ باران و یا به آبِ دریای روان بشوید، و بخورد، دلِ او به سوی عبادت مایل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عمر همدانی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسمِ جمالیِ یا منعم اجب یا روبائیل یا تنکفیل بحقِ یا منعم روزِ شنبه بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، آنچه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) سعدون مجنون، قدّس الله روحه، منقول است: هر که یا منعم با مؤکّلات چهل و یک شب هر شبی هزار بار بخواند، به نعمتِ ظاهر و باطن آراسته گردد به کرمِ حق تعالیٰ. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یا منعم: نعمت دهنده و اسبابِ نعمت موجود کننده.

و اگر کسی این اسم را بعد از وتر هزار بار بخواند، در همهٔ علوم وقوف یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بر کفِ دست بنویسد، و بلیسد، زبانِ

بسته کشاده گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ یوسف تبریزی، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که شب دوشنبه بعد از نمازِ عشا اسمِ جلالیِ یا منتقم اجب یا هرطائیل یا کلکائیل بحقِ یامنتقم نود بار بخواند، دنیا و دولت از خلق بسیار یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ کمال کریم ناگوری، که کتابِ مجموعِ خانی فی عین المعانی تصنیفِ او است، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یا منتقم با مؤکّلات سه [۱۶۲] جمعه بعد از نمازِ عصر تا به نمازِ شام بخواند، آوازِ رحمتِ خدای تعالیٰ بشنود. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یامنتقم: کینه و داد ستانندہ.

و اگر کسی این اسم را بسیار گوید، بر دشمنان ظفر یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را درشکلِ مربّع پُر کند، و درمیانِ ران بندد، از راه رفتن مانده نشود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جلال الدّین استرابادی، قدس الله سرّہ، منقول است: هر که اسمِ جمالیِ یاعفوّ اجب یا لوخائیل یا اجمائیل بحقِ یاعفوّ بعد از نمازِ ظهر بخواند، خدای تعالیٰ بر او لطف و مهربانی بسیار کند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت محمّد بن احمد الزّاهد الملقب بالزّین، که کتابِ ترغیب الصّلوٰة تصنیف کرده است، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یاعفوّ با مؤکّلات بسیار بار گوید، بی شک در بهشت رود. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یاعفوّ: گذرنده از بندگان یعنی محو کننده گناهانِ بندگان را.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، پادشاه وغیره بر او مهربان گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و از پدرِ خود که سیّد السادات، مهبطِ انوار الله، مظهرِ اسرار الله، خلیفهٔ رسول الله صلی الله علیہ وآلہٖ وسلّم، محلبیِ (حضرتِ) محمّدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله سرّهٗ، شنیدم: هر که گناه کند، و این اسم

را صد بار بخواند، جمله گناهانِ او محو شود. ان شاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و یازده را بخواند، باد دفع شود. ان شاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ علاء الدّین دولتاباذی سمنانی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اسمِ جمالی، یارؤف اجب یا اسرافیل یا دوریائیل بحقِ یارؤف روزِ چهارشنبه بعد از نمازِ ظهر صد بار بخواند، اگر نابینا باشد، بینا گردد. ان شاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابوالفضل محمّد بن عمر بن خالد المدعو به کمال القریشی، که کتاب طرح اللغة تصنیف او است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه یارؤف باموکّلات بعد از نمازِ خفتن نود بار بخواند، ظالم و دشمن بر او مهربان گردد. (ان شاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یارؤف: بسیار مهربان تر.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ فجر نُه بار بخواند، جمیعِ خلق بر او مهربان گردد. ان شاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بر کارد بنویسد، و آن کارد در آتش اندازد، دشمن دوست شود. ان شاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حسین زنجانی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه شبِ پنج شنبه بعد از نمازِ تهجّد هزار بار اسمِ مشترک یامالِكَ[1] اجب یا رویائیل یا دردائیل بحقِ یامالِك بخواند، ملک و سلطنتِ دنیا و دولت بسیار یابد. ان شاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام ابوزید عبدالله بن عمر دبوسی، صاحب تقویم در اصولِ فقه، قدّس الله روحهٗ، منقول است: هرکه یامالِك (باموکّلات)، بعد از نمازِ خفتن هزار بار بخواند [۶۲ب]

۱- دربیانِ فضیلتِ اسم "یامالكُ المُلكِ" اشتباهی به مؤلفِ کتاب جاهزرُخ داده، و او "مالكُ المُلكِ" را دو نام آورده یعنی "مالِك" و "مَلِک" و فضیلتِ هردو را بیان کرده، و حال آن که در همین کتاب "مَلِك" نخستین اسمی از اسماءِ حسنیٰ آمده است. درک به فهرستِ اسماء الحسنیٰ در آخرِ جواهر دوم، و نیز رک بہ فضیلتِ اسم "یامالكُ المُلكِ" بعد از بیانِ فضیلتِ "یامَلِكُ").

و بی محتاج شود. (انشاء الله تعالی).

و معنیِ یا مَالِك: پادشاه.

و اگر کسی این اسم را بعد از هر نماز صد بار بخواند، هیچ غم و اندوه نبیند. انشاء الله تعالی.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و هر جا که جن باشد، آن جا نگاه دارد. جن دفع شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ ناصر الدّین غزنوی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم مشترک یا مَلِك اجب یا اسرافیل یا عزرائیل بحقِ یا مَلِك روزِ دوشنبه بعد از نمازِ اشراق صد بار بخواند، آنچه ازو رفته باشد، باز یابد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ نور الحق بن شیخ عبدالحق دهلوی، که ترجمهٔ فارسی صحیح بخاری نموده است، قدّس الله روحه، منقول است: هر که یا مَلِك با مؤکّلات دایم صبح و شام بسیار بار بخواند، خدای تعالی او را توانگر گرداند. انشاء الله تعالی.

و معنیِ یا مَلِكُ: پادشاهی که جاری است حکمِ او.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، مملکت زیاده شود. انشاء الله تعالی.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع نوشته بر بازوی راست بندد، هرگز اعضای او درد نکند. انشاء الله تعالی.

[در حاشیهٔ ب برگ ۹۶ الف عبارتِ ذیل آمده است که مربوط است به فضیلتِ اسم یا مالِكُ المُلكِ"

"اگر کسی اسم یا مالِكُ المُلكِ اجب یا جبرئیل یا دردائیل بحقِ یا مَالِكُ (الملك) هر روز دو صد و دوازده بار به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل مع ترکِ حیواناتِ جلالی بخواند، خدای تعالی همه کارهای دینی و دنیویِ او حاصل کند. انشاء الله تعالی.

فضیلتِ این اسم بسیار است (امّا)، اندک نوشتم. والله تعالی اعلم بالصّواب[۱]."]

۱- رک به حاشیه ۲، ص ۱۶۹.

و از حضرت شیخ حسام الدین، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که اسم جلالیِ یارب اجب یا امواکیل یا سرطائیل بحقِ یارب بعد از نمازِ ظهر صد بار بخواند، ایمانِ او همیشه سلامت باشد، و گناهانِ خورد و بزرگ خدای تعالیٰ او را عفو کند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالرحمن چشتی، که سلسله های اولیای چهارده خانواده را منظوم نموده، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم یارب با مؤکلات بعد از نمازِ عصر نود بار بخواند آوازِ رحمتِ خدای تعالیٰ بشنود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جلال محمود تھانیسری، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که اسم مذکور (با مؤکلات) بعد از نمازِ شام هزار بار بخواند، ذکرِ خفیِ حق تعالیٰ در دلِ (او) بماند، و بر هر که نظر کند، او را نیز ذکرِ حق تعالیٰ نصیب شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ علی بن ابی طالب قروانی، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که یارب با مؤکلات بعد از نمازِ بامداد صد بار بخواند، هیچ درنده (به او) زیان نرساند. انشاء الله تعالیٰ.

ومعنیِ یارب: خداوند پرورنده.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ ظهر هفتاد بار بخواند، هیچ مصیبتی در وجودِ او نرسد (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکل مربع بنویسد، و در گردن ببندد، عمرِ او دراز شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو الغیث سمرقندی، قدس الله سرهٗ منقول است: هر که روزِ یک شنبه بعد از نمازِ عصر اسمِ جلالیِ یامقسط اجب یا رویائیل یاسرطائیل بحقِ یامقسط صد بار بخواند و برلوبان خوب بدمد [۲۳ ا] و پیشِ بخت بسته بسوزاند، بختِ بسته کشاده شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مقصود علی تبریزی، که تاریخ الحکما را ترجمهٔ فارسی کرده، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که یامقسط با مؤکلات هر روز و هر شب نُه بار بخواند، از وسوسهٔ شیطان ایمن شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنیِ یامقسط: دادکننده و داد دهنده.

و اگرکسی این اسم را بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، دلِ وی مستقیم باشد بر عبادتِ خدای تعالیٰ. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگرکسی عددِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و در دستار بندد، از جملهٔ گزندگان خدای تعالیٰ (اورا) نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد شرف الدین مشهدی، مریدِ مخدوم سیّد جلال جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکه روزِ چهارشنبه بعد از نمازِ اشراق در بیابان چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهٗ مَخْرَجاً[2] و سه بار سورة الاخلاص[3]. و بعد از سلام هزار بار اسمِ جلالی یاجامع اجب یا کلکائیل یا حروزائیل بحق یاجامع (بخواند)، همه علم های ظاهری و باطنی مکشوف شود، و عجایب و غرایب نیز بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مولانا (شیخ) محمّد بن محمود الملقب به دهدار که بر نفحات حاشیه و کتاب رقایق الحقایق در تصوّف نوشته است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: یاجامع هرکه روزِ یکشنبه به وقتِ چاشت غسل کند، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[4] سورة الاخلاص[5] سه بار، و بعد از سلام صد بار این اسم با مؤکّلات بخواند، خدای تعالیٰ او را بسیار مال و دولت دهد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنی یاجامع، فراهم آورنده و جمع کننده خلقان را.

و اگرکسی این اسم را به وقتِ مجامعت با زنِ خود در دل تصوّر کند، فرزندِ نرینه و صالح پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از پدرِ خود که سیّد السادات، منبع البرکات، مجلسی حضرت سرورِ کائنات، علیه و علیٰ آله افضل الصلوات و اکمل التسلیمات، صاحب الجود و الحسنات، جامع العلوم و الکمالات، سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدّس اللہ سرّہٗ، شنیده ام: هرکه این اسم بعد از هر نماز

۱. القرآن الحکیم: ۱. ۲. ایضاً: ۶۵، ۲. ۳. ایضاً: ۱۱۲. ۴. ایضاً: ۱. ۵. ایضاً: ۱۱۲.

صد بار بخواند، جمیع علوم بر او آسان شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و عورت را بندد، حامله شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نجم الدّین اصفهانی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم مشترک یا غنیّ اجب یا لوخائیل یادر دائیل بحقِ یا غنیّ نود بار بعد از نمازِ فجر بخواند، دلِ او غنی شود، و سخاوت نیز بسیار کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت حکیم (اشرف الدّین حسن، شفائیٔ اصفهانی، که دیوان و رسالۂ طب تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است): یا غنی هر که [۶۴ب] بهر بلای عظیم گرفتار باشد، و به دفعِ آن محتاج و عاجز است، به هر عضوی از اعضای خود دست فرود مالد، و این اسم را با مؤکّلات بگوید، مصیبت دفع شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم یا غنی با مؤکّلات بعد از نمازِ عشا هزار بار بخواند، خدای تعالیٰ او را دنیا و دولت بسیار دهد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد نصیر الدّین بن سیّد حامد قادری، مرید و شاگردِ سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: که من شنیدم از استادِ خود سیّد عثمان بخاری که هر که ده شب هر شب پنج هزار بار یا غنی با مؤکّلات بخواند، خزانۂ الٰهی همه معلوم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و معنیِ یا غنی: توانگر از همه خلق، چنانچه وَاللّٰهُ الْغَنِیُّ وَ اَنْتُمُ الْفُقَرَآءُ.[1]

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ اشراق صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را غنی گرداند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر کسی عدد این اسم را در شکلِ مربّع به مشک و زعفران بنویسد، و بر دیوارِ خانه به سوی قبله بیاویزد، برکت در آن خانه بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ اویس قرنی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که شب آدینه بعد از نمازِ خفتن در خانۂ خالی چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[2] آخرِ سورة الکهف

۱- القرآن الحکیم: ۴۷، ۳۸. ۲- ایضاً: ۱.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا تا أَحَدًا.[1] و سه بار سورة الاخلاص[2] و بعد از سلام دو صد بار اسمِ جمالی یامغنی اجب یا رویائیل یا اهجمائیل بحقِ یامغنی بخواند، حجاب میانِ او و خدای تعالیٰ و رسول، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، دُور شود، و آنچه نیتی دارد، همه حاصل شود. انشاءاللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ اسمٰعیل بن لطف اللّٰه باخرزی، که رسالهٔ مفتاح الخیرات تصنیفِ او است، رحمة اللّٰه علیه، منقول است: هرکه یامغنی با مؤکّلات پنج آدینه هرآدینه بعد از نمازِ جمعه هزار بار بخواند، از خلق بی نیاز شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

ومعنیِ یامغنی: توانگر کننده فقیران را.

و اگر کسی این اسم را هر روز صد بار بخواند، خدای تعالیٰ روزِ قیامت روی او را چونِ ماهِ تابانِ چهاردهم می کند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و بر نیزه بندد، و درمیانِ لشکر برود، فتح و نصرت یابد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد کرمانی، قدّس اللّٰه تعالیٰ سرّهٗ، منقول است: هرکه اسمِ جمالیِ یامعطی اجب یا اسرافیل یا حرورائیل بحقِ یامعطی بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ عطا کند او را آنچه عطا کرده است بر حضرت پیغمبر، صلی اللّٰه تعالیٰ علیه و علیٰ آله وصحبه وسلّم، و هیچ درنده و پرنده (به او) زیان نرساند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نصیرای همدانی مصنّفِ انشا و شرحِ انوری و لعل قطبی در عروض وشجرهٔ مبارکه، قدّس اللّٰه [۱۶۲ ا] روحهٗ، منقول است: هرکه یامعطی با مؤکّلات بعد از نمازِ عشا صدبار بخواند، از خلق بی نیاز گردد، و به هیچ سوالی محتاج نشود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

ومعنیِ یامعطی: دهندهٔ عطای جمیل به بندگانِ ذلیل.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ تهجّد بسیار بگوید، آوازِ غیبی از قدرتِ ربّ العالمین

۱- القرآن الحکیم: ۱۸ : ۱۰۷ تا ۱۱۰. ۲- ایضاً: ۱۱۲.

جلّ جلالہٗ بشنود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از پدرِ خود کہ مهبطِ انوار اللہ، مظهرِ اسرار اللہ، خلیفۂ رسول اللہ، مجلسیِ حضرت محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، صاحب العلم و الحلم و الشجاعۃ سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری جلیل اللہ، قدّس اللہ سرّہٗ، شنیده ام، و او در اعتکاف از حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم شنیده کہ هر کہ مستجاب الدّعا نباشد، و او بہ وقتِ تهجد یا معطی السائلین بسیار گوید، دعای او مستجاب شود، و هرچہ از خدای تعالیٰ خواهد یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و در محرابِ مسجدِ جامع نهد، خلق مطیع و فرمانبردارِ او شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سلطان السادات سلطان سیّد صدرالدّین راجو (قتّال) بخاری، کہ برادرِ مخدوم سیّد جلالِ جهانیان (جهانگشت)، است، قدّس اللہ سرّہٗ العزیز، منقول است: هر کہ اسمِ جمالی یا مانع اجب یا روبائیل یا حروزائیل بحق یا مانع شب دوشنبہ بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، همۂ دشمنانِ او هلاک شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرتِ مولانا میر هاشم، کہ مظهر الآثار منظوم تألیفِ اواست، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: یا مانع هر کہ بہ وقتِ رفتن بر بستر این اسم با موکّلات در دل تصوّر کند، خدای تعالیٰ ناسزاواری از دلِ وی دور گرداند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنیِ یا مانع: منع کننده و باز دارنده، و در اصطلاح "دفع کنندۂ اسباب هلاکت و نقصان در معادنِ ابدان و جواهر ادیان".

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ ضحیٰ صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از بلاهای زمین و آسمان نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع در کاسۂ چینی بنویسد، (و بہ آبِ چاه بشوید) و بخورد، عادتِ بد از دلِ او دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ (شهباز) قلندر (مروندی)[1] قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: هر کہ اسم جلالی

---

[1] رک بہ حاشیہ ۱ ص ۱۰ جواهرِ اوّل.

یاضارّ اجب یا عطکائیل یا سرطائیل بحقِ یاضارّ بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند به زیارت کعبة اللہ شریفه و به زیارت مبارکِ مدینهٔ (منوره) مشرّف شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابن مقلہ، که خطِ نسخ وضع نموده، قدس اللہ سرّهٗ، منقول است: هر که یاضارّ با مؤکّلات در شبِ آدینه صد بار [۶۶ب] بخواند، خوفِ خدای تعالیٰ در دل پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و معنیِ یاضارّ: زیان رساننده مر کسی را که لایقِ زیان است.

و اگر کسی را چشم آب می کند، و آب نمی ایستد، این اسم را بعد از هر نماز صد بار خوانده بر چشم دمد، آبِ چشم بماند، و چشم روشن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عدوِ این اسم را در شکلِ مربع بنویسد، و به آبِ (چاه) بشوید، و بخورد، تائب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالملک قادری، قدس اللہ سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ جمالیِ یانافع اجب یا اسرافیل یا دردائیل بحقِ یانافع بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، نفعِ دینی و دنیوی حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید عبدالرزاق قادری، قدس اللہ تعالیٰ سرّهُ العزیز، منقول است: هر که یانافع با مؤکّلات در وقتِ خفتن هزار بار بخواند، دلِ او بر سخاوت بسیار مایل شود، و عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ نیز بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت میر علی بن میر اسمٰعیل که خطِ نستعلیق از خطِ نسخ و تعلیق وضع نموده، رحمة اللہ علیه، منقول است: هر که یانافع با مؤکّلات در سفرِ برّ و بحر هر روز یازده بار بخواند، اگر درمیانِ صد هزار دشمن برود، هیچ نکبتی بدو نرسد، و از غرق شدن نیز ایمن ماند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و معنیِ یانافع: سود کننده مر کسی را که لایقِ سود است.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ شام صد بار بخواند، علمِ نافع نصیب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عدو این اسم را در شکل مربع در کاسهٔ چینی بنویسد، و به آب چاه بشوید، و بخورد، روشنائی در دل پیدا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید عثمان بخاری، قدّس الله سرّه، منقول است: و او از استادِ خود سید داؤد، و او از استادِ خود سید شکر الله، و او از استادِ خود سید حاجی حمید نظام الدین، و او از استادِ خود سید راجو (غوثِ صمدانی)، و او از استادِ خود سید نظام الدین، و او از استادِ خود سید فضل الله، و او از استادِ خود سید قطب الدین، و او از استادِ خود سید ابراهیم، و او از استادِ خود سید راجو (کشف المعانی)، و او از استادِ خود سید اسمٰعیل، و او از استادِ خود سید فیض الله، و او از استادِ خود سید محمود ناصر الدین، و او از استادِ خود قطب العالم مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدّس الله سرّه، و او از استادِ خود سلطان سید احمد کبیر، و او از استادِ خود سلطان سید جلال بخاری[1] و او از استادِ خود سید علی ابوالمؤید، و او از استادِ خود سید جعفر، و او از استادِ خود سید محمد سیف الله، و او از استادِ خود سید محمود، و او از استادِ خود سید احمد، و او از استادِ خود سید عبدالله، و او از استادِ خود سید علی اصغر، و او از استادِ خود سید جعفر ثانی، و او از استادِ خود حضرت سید [۶۵ ر] علی نقی، و او از حضرت سید محمد تقی، و او از حضرت سید علی موسیٰ رضا، و او از حضرت سید موسیٰ کاظم، و او از حضرت سید جعفر صادق، و او از حضرت سید محمد باقر، و او از حضرت سید زین العابدین، و او از حضرت سید السادات سید امام حسین شهید دشتِ کربلا، رضی الله تعالیٰ عنه، و او از حضرت امام المتقین امیر علی کرم الله وجهه، و او از حضرت شفیع المذنبین و خاتم النبیین حضرت محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، شنید که هرکه اسم جمالی یانُورُ اجب یا جولائیل یا لوخائیل بحقِ یانُوس بعد از هر نماز صد بار بخواند در همهٔ اعضا روشنی پیدا شود که مغیباتِ خدای تعالیٰ معلوم گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدّس الله سرّه العزیز، منقول است: هرکه

---

۱. در این شجره در د برگ ۶۴ ب، ب برگ ۹۰ ر و ج برگ ۸۵ ر نام های سید فضل الله و سید ابراهیم نیامده و سید راجو (کشف المعانی) را سید راجو قتال آورده، و حال آن که سید راجو قتال پسر سید احمد کبیر و برادرِ مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت بوده است.

یا نور یا متوکلات) بعد از نماز تهجد هزار بار بخواند نور خدای تعالی ببیند و رحمت خدای تعالی بر او نازل شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شاه سید علی خوش نویس بن سید داود بخاری رحمة الله علیه منقول است هر که یا نور یا متوکلات صفت آدینه هر شب آدینه هزار بار بخواند نور در دل و روشنائی در چشم پیدا شود. (انشاء الله تعالی).

و معنی یا نور: روشن کننده آسمان و زمین را و قیل: او آن که ظاهر است به نفس خود و مظهر است مر غیر خود را.

و اگر کسی این اسم را بر سه صد بار بخواند و آن را در چشم کشد تاریکی چشم او برود انشاء الله تعالی.

و اگر این عدد این اسم را در شکل مربع بر کاغذ حریر بنویسد و بر چشم مالد روشنائی در چشم زیاده شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ نظام الدین خاموش قدس الله سره منقول است: هر که اسم جمالی یا هادی ... یا دردائیل یا معطائیل بحق یا هادی به وقت خفتن در دل تصور کند راه راست یابد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ عبدالحق محدث حنفی دهلوی حقی تخلص، که شرح عربی و فارسی مشکوٰة و شرح فارسی صراط المستقیم و تذکره اخبار الاخیار و جذب القلوب الی دیار المحبوب در احوال مدینهٔ منوره وغیرها تصنیف او است مرید شیخ عبدالوهاب که مرید شیخ علی متقی است قدس الله سره، منقول است: هر که اسم یا هادی یا متوکلات بعد از نماز تهجد صد بار بخواند، مشاهدهٔ خدای تعالی نصیب شود، و دنیا و دولت نیز میسر گردد. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ محمد بن شیخ رشید الدین نبیرهٔ شیخ جمال (درویش) مرید مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، که در قصبهٔ ماتیله آسوده است، قدس الله سره، منقول است: یا هادی هر که

---

۱. دبرگ ده ذب برگ ۱۱ ذوج برگ ده ب: تاریخ.

به سوی آسمان نظر کند، و دست بردارد، و این اسم را با مؤکّلات بسیار گوید، و دست بر روی مالد، [۵۹ب] مرتبهٔ اهلِ معرفت یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

ومعنی یاهادی: راهِ راست نماینده. اَلَّذِیْٓ اَعْطٰی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهٗ ثُمَّ هَدٰی.[1] وقیل: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ.[2]

و اگر کسی این اسم را بعد از هر نماز یازده بار بخواند، هدایتِ خدای تعالیٰ (به او) حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و زن را بخوراند مطیع وفرمان بردارِ او شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مخدوم شیخ جمال الدّین احمدکتّو، که درمیان کوهستان ناگور و اجمیر آسوده است، مریدِ قطب العالم (سیّد برهان الدّین) بخاری، نبیرهٔ مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت) قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم جلالِ یابدیع اجب یا جبرئیل یا لونائیل بحق یابدیع بعد از نمازِ عصر نود بار بخواند، هیچ غم و اندوه (به او) نرسد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جمال (درویش جولاه اچّی) مرید مخدوم (سیّد جلال) جهانیان (جهانگشت) که در قصبهٔ ماتیله آسوده است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یابدیع با مؤکّلات برای هر مهمّی که پیش آید، هفت هزار بار بخواند، فرج یابد. انشاء الله تعالیٰ.

ومعنی یابدیع: نوآفریدگار، وقیل: در لغت معنی او نو پیدا (و نادیده پیدا) آرنده.

و اگر کسی این اسم را به وقتِ خواب هزار بار گوید، و در خواب رود، جواب باصوابِ کار یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع به مشک وزعفران بنویسد، و در دستار خود نهد، عجایب (و غرایب) خدای تعالیٰ بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۲۰: ۵۰. ۲- ایضاً: ۱: ۵.

و از حضرت شاه قطب الدین نبیره جون پوری، مرید مخدوم (سید) جلال جهانیان (جهانگشت)، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم جمالی یا باقی اجب یا جبرئیل یا اسمائیل بحق یا باقی بعد از نماز عصر صد بار بخواند، نماند در دل دیگر ماسوی الله تعالیٰ و آنچه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ (سلیم) ساداد، مرید مخدوم سید جلال جهانیان (جهانگشت)، که درمیان اچ و جنیر آسوده است، قدّس الله روحه، منقول است: هر که یا باقی با مؤکلات هر شب صد بار بگوید، مقبول القول گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و معنی یا باقی: «آن که همیشه باشد» و قیل معنی او «آن که وجودِ او را فنای نباشد.»
و اگر کسی این اسم را بعد از نماز عصر صد بار بخواند، خصلت نیک باقی ماند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی عدد این اسم را در شکل مربع بنویسد، و در خانهٔ خود نگاه دارد، و خود به سفر رود، هر چه در خانه گذاشته رود، آن همه به سلامت باقی ماند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حماد چشتی، مرید مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم جلالی یا وارث اجب یا رفتائیل یا سرطائیل بحق یا وارث بعد از نماز صبح صد بار بخواند، میراث از عزیزان بسیار یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالرحمن [۹۶ و] چشتی علوی عباسی، که اوراد چشتیه و رساله مرآة الاسرار در بیان چهارده خانوادهٔ اصل و چهل و یک خانوادهٔ فرع و مرآت مداری در احوال حضرت (شیخ بدیع الدین ملقب به) شاه مدار و مرآت مسعودی در احوال حضرت سالار مسعود غازی علوی وغیرها تصنیف او است، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم یا وارث (با مؤکلات)، بعد از نماز عشا وقت خفتن هزار بار بخواند، خدای تعالیٰ او را مملکت و مال و دولت نصیب کند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حسام الدین، مشهور به علی متقی هندی حنفی، که رساله های حدیث و تصوف بسیار تألیف فرموده، مرید شیخ احمد شهیر به «زروق» و شاگرد شیخ ابوالحسن

بکری شافعی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است : هرکه اسم یاوارث (باموکّلات) بعد از هر نماز یازده بار بخواند، و برخود بدمد، خدای تعالیٰ او را از همه بلاها نگاه دارد. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ صفی الدّین، از اولادِ شیخ سلیم ساوار، مریدِ مخدوم (سیّد جلالِ) جهانیان (جهانگشت)، که در جانذری پیلہ آسوده است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است : هرکه یاوارث باموکّلات هر روز پیش از برآمدنِ آفتاب صدبار بخواند، تنِ او را در زندگی و مُردگی نکبتی نرسد. (انشاءاللّٰہ تعالیٰ).

ومعنی یاوارث : میراث از بندگان برنده.

و اگر کسی این اسم را بعد از نمازِ خفتن صدبار بخواند، نیکی در جهان بسیار یابد. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را درشکلِ مربّع بنویسد، و در باغ نهد، میوه بسیار شود. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ سراج الدّین چشتی احمدآبادی، مریدِ سیّد قطب العالم (برهان الدّین) بخاری، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است : هرکه اسم مشترک یارشید اجب یااموائیل یاحروزائیل بحقِ یارشید بعد از نمازِ مغرب صدبار بخواند، یک مردِ غیبی پیدا شود، که او را راہِ حق نماید. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمودِ قطب، مریدِ مخدوم (سیّد جلال) جهانیانِ (جهانگشت)، که در اُدور نزدیکِ بهکر آسوده است، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است : هرکه یارشید باموکّلات میانِ نمازِ شام و خفتن هزار بار بخواند، تدبیرِ کارِ خود بداند که شود یا نه. (انشاءاللّٰہ تعالیٰ).

ومعنیِ یارشید : راہِ راست نماینده، وقیل : او آن که جمیع افعال و احکامِ او در مرتبهٔ غایتِ رُشد و نهایتِ او باشد، وقیل: آن که مرشد است. وَمَن يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَن تَجِدَ لَهٗ وَلِيًّا مُّرْشِدًا [1]

---

۱. القرآن الحکیم : ۱۸ : ۱۷.

و اگر کسی این اسم را به وقتِ خفتن چهل و یک بار بخواند، مرشدِ کامل به دستِ او آید که آن را ارشاد کند به سوی خدای تعالیٰ. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع بنویسد، و بر طفل بندد. به پیری رسد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ داول غازی، مریدِ سید [۶۶ب] برهان الدّین (ملقب به) قطبِ عالم بخاری قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسمِ جلالِ یا صبور اجب یا مجمائیل یا سرطائیل بحقِ یا صبور به وقتِ خفتن صد بار بخواند، فرزندِ صالح و عالم روزی شود. و هیچ درنده و پرنده (به او) زیان نرساند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی یعقوب، مریدِ مخدوم (سید جلال) جهانیان (جهانگشت)، که در هکورجه و ارُوْر نزدیکِ بهکر آسوده است، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: هر که یا صبور با مؤکلات بعد از نمازِ خفتن نُه هزار بار بخواند، اطمینانِ باطن حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و معنیِ یا صبور: شکیبائی کننده.

و اگر کسی این اسم را وقتِ دخول بازنِ عقیمه در دل تصوّر کند، (زن) حامله شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از پدرِ بزرگوارِ خود که مهبطِ انوار اللہ، مظهرِ اسرار اللہ، خلیفۂ رسول اللہ، حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم، صاحب العلم والحلم والشجاعۃ سید عثمان بن سید داؤد بخاریٰ جلیل اللہ، قدّس اللہ سرّہٗ شنیده ام که هر که بعد از هر نماز صد بار اسمِ مذکور بخواند، گرسنگی و تشنگی غالب نشود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی بر شکمِ زنِ حامله که به مدّتِ پنج ماه شده باشد، انگشتِ شهادت نهاده، این اسم را چهل و هفت بار بخواند، به فرمانِ خدای تعالیٰ به آسانی فرزندِ نرینه بزاید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی عددِ این اسم را در شکلِ مربّع در کاسۂ چینی بنویسد، و به آبِ دریا بشوید، و زن را بخوراند، نیز فرزند روزی شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیدالسادات مخدومِ جهانیانِ (جهانگشت)، جلال الحق والدّین، قدّس اللہ سرّہٗ،

منقول است : که قلندری بود در اثنای راه رفتن. چون صاحب دعوت بود، تنکهٔ زر به وقتِ احتیاج از خاک برمی آورد. نزدیکِ وی شدم و موافقت نمودم.

بعد از چند روز قلندر را پرسیدم که شما چه می خوانید که از خاک تنکهٔ زر می شود؟

قلندر گفت : که ای سرورِ علما! دعای اسماءِ حسنیٰ که اسمای خدای تبارک و تعالیٰ، که آن را "نود و نُه نام" می گویند، آن را هر روز می خوانم، و (به برکتِ آن) از خاک تنکهٔ زر می شود.

باز پرسیدم که به کدام سند می خوانند؟

قلندر گفت : اعدادِ اسمای جمالی و اعدادِ اسمِ خود را شمار کرده ببیند، کم و زیاد نباشند و بر آن مقدار علی الدّوام بی ناغه بخواند، دعوتِ او مؤثّر آید. چنانچه از مهتر آدم علیه السّلام منقول است که به حسابِ ابجد جمله عدد بخواند. اگر زیاده و کم بخواند، مؤثّر نباشد.

و درین اسما تأثیر بسیار است. انبیا و اولیا علیهم السّلام به این دعا مشغول بودند. و هر که، از برای برآمدنِ مهماتِ دینی و دنیوی عمل نماید، تأثیر دهد. این دعوت را "اکسیرِ احمر" می گویند، و (به) این سند بخواند. زود اجابت شود، و مرتبهٔ خواننده بلند گردد. و ترقّی درجات و حصولِ [۶۷ و] مرادات میسّر گردد، و به هیچ مخلوق محتاج نگردد. (انشاءالله تعالیٰ).

فامّا باید که اسمای جلالی نخواند، و اسمای جمالی بخواند، و اگر موافقِ اعدادِ اسمِ خود اسمای جمالی نیابد، اسمای مشترک بخواند. واللہ اعلم (بالصّواب).

و از حضرت سیّد السّادات شیخ محی الدّین ابو محمد عبدالقادر جیلانی گیلانی "قدّس الله تعالیٰ سرّهُ العزیز" منقول است : هر که نود و نُه نام باری تعالیٰ بعد از هر نماز بامداد یک بار بخواند، و بر هر دو دستِ خود بدمد، و آن هر دو دست را بر اعضای خود یا بر غیری بگرداند، خدای تعالیٰ او را از مکافات و بلیّاتِ کلّی و جزوی نگاه دارد، و هیچ دشمن و ظالم (باو) زیان نرساند. انشاءالله تعالیٰ.

و بیامرزد خدای تعالیٰ گناهانِ او خورد و بزرگ و پنهان و آشکارا، و او را حفظ زیادت

شود، و دلِ او روشن گردد، و جمله علت ها دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر نود و نُه نام در شب یک بار بخواند، چنان باشد که تمام شب عبادتِ خدای تعالیٰ کرده باشد. و ثوابِ هزار شهیدان و عابدان یابد، و هیچ دردی و مشکلی پیشِ او نیاید. انشاء الله تعالیٰ. والله تعالیٰ اعلم بالصّواب.

نود و نُه نام این است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ: خیر الاسماء اسماء الله تعالیٰ و صفاته العلی هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ:[1]

اَلْمَلِكُ	اَلْقُدُّوْسُ	اَلسَّلَامُ	اَلْمُؤْمِنُ	اَلْمُهَیْمِنُ	اَلْعَزِیْزُ
اَلْجَبَّارُ	اَلْمُتَکَبِّرُ	اَلْخَالِقُ	اَلْبَارِیُٔ	اَلْمُصَوِّرُ	اَلْغَفَّارُ
اَلْقَهَّارُ	اَلْوَهَّابُ	اَلرَّزَّاقُ	اَلْفَتَّاحُ	اَلْعَلِیْمُ	اَلْقَابِضُ
اَلْبَاسِطُ	اَلْخَافِضُ	اَلرَّافِعُ	اَلْمُعِزُّ	اَلْمُذِلُّ	اَلسَّمِیْعُ
اَلْبَصِیْرُ	اَلْحَکَمُ	اَلْعَدْلُ	اَللَّطِیْفُ	اَلْخَبِیْرُ[2]	اَلْحَلِیْمُ
اَلْعَظِیْمُ	اَلْغَفُوْرُ	اَلشَّکُوْرُ	اَلْعَلِیُّ	اَلْکَبِیْرُ	اَلْحَفِیْظُ
اَلْمُقِیْتُ	اَلْحَسِیْبُ	اَلْجَلِیْلُ	اَلْکَرِیْمُ	اَلرَّقِیْبُ	اَلْمُجِیْبُ
اَلْوَاسِعُ	اَلْحَکِیْمُ	اَلْوَدُوْدُ	اَلْمَجِیْدُ	اَلْبَاعِثُ	اَلشَّهِیْدُ
اَلْحَقُّ	اَلْوَکِیْلُ	اَلْقَوِیُّ	اَلْمَتِیْنُ	اَلْوَلِیُّ	اَلْحَمِیْدُ
اَلْمُحْصِیْ	اَلْمُبْدِیُٔ	اَلْمُعِیْدُ	اَلْمُحْیِیْ	اَلْمُمِیْتُ	اَلْحَیُّ
اَلْقَیُّوْمُ	اَلْوَاجِدُ	اَلْمَاجِدُ	اَلْوَاحِدُ	اَلْاَحَدُ	اَلصَّمَدُ
اَلْقَادِرُ	اَلْمُقْتَدِرُ	اَلْمُقَدِّمُ	اَلْمُؤَخِّرُ	اَلْاَوَّلُ	اَلْاٰخِرُ
اَلظَّاهِرُ	اَلْبَاطِنُ	اَلْوَالِیْ	اَلْمُتَعَالِیْ	اَلْبَرُّ	اَلتَّوَّابُ

۱- القرآن الحکیم: ۵۹: ۲۲. ۲- د برگ ۹۷ ا، ب برگ ۹۰ د، ج برگ ۸۸ ب "الخبیر" ندارد.

اَلْمُنْعِمُ	اَلْمُنْتَقِمُ	اَلْعَفُوُّ	اَلرَّؤُفُ	مَالِكُ الْمُلْكِ	اَلرَّبُّ
اَلْمُقْسِطُ	اَلْجَامِعُ	اَلْغَنِیُّ	اَلْمُغْنِی	اَلْمُعْطِی	اَلْمَانِعُ
اَلْقَاہِرُ	اَلنَّافِعُ	اَلنُّوْرُ	اَلْهَادِی	اَلْبَدِیْعُ[1]	اَلْبَاقِی
—	اَلْوَارِثُ	اَلرَّشِیْدُ	اَلصَّبُوْرُ	—	—

الّذی: لیس کمثلہٖ شیئٌ[2] وھُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ[3] الّذی تقدست عن الاشباہ ذاتہٖ و تنزھت عن مشابھہ الامثال صفاتہٖ ودلت علیٰ وحدانیتہ آیاتہٖ و شہدت بربوبیّتہٖ مصنوعاتہ واحد لامن قلّۃ و مَوْجُود لامن علّۃ بالبرّ معروف و بالاحسان موصوف. رَبَّنَا [۶۷ب] اٰمَنَّا بِكَ وَ بِاَسْمَائِكَ و بصفاتك فاوصلنا الیٰ حقائق ذٰلك، یا ربّ بحقّ ھذہ الاسماء الحسنیٰ اغفرلی ولوالدی و لاستاذی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات، و اقض حاجتنا کلّھا یا قاضی الحاجات، یا ذوالجلال و الاکرام. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.



ا۔ د برگ ۶۷ و، ب برگ ۹۶و، ج برگ ۸۹ و "البدیع" ندارد۔ ۲۔ القرآن الحکیم: ۴۲، ۱۱۔
۳۔ ایضاً: ۵۵، ۲۷۔

جواهرِ سیوم

در فضیلتِ چهل اسم با مؤکّلات، و در فضیلتِ
نود و نُه نام حضرتِ رسول، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم،
و نام ھای آبا و اجدادِ (حضرتِ) محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ
علیہ و آلہ وسلّم، تا (حضرتِ) آدم، علیہ الصّلوٰۃ والسّلامُ
و حلیۂ (حضرتِ پیغمبر، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم)، و مُہرِ
نبوّت النّبی، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، کہ از مشایخان
وارد شدہ است.

[۶۷ب]

جواهرِ سیوم

در فضیلتِ چهل اسم با مؤکّلات و در فضیلتِ نود و نُه نامِ حضرتِ رسول، صلی الله علیه و آله وسلّم، و نام های آبا و اجدادِ (حضرتِ) محمّدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه وآله وسلّم، تا (حضرتِ) آدم علیه الصّلوٰة و السّلام، و حِلیۀ (حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه وآله وسلّم،) و مُهرِ نبوّت النّبی، صلی الله علیه و آله وسلّم، که از مشایخان وارد شده است.[1]

و از حضرت سیّد السّادات، قطب العالمین، جلال الحق والدّین، سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه خواهد که جملهٔ جن و انس و ارواحِ حاضران و غائبان، حاضران که زنده اند در دنیا، و غائبان که از دارِ دنیا به دار النّعمت رحلت فرموده اند، و اهلِ آسمان چنانچه آفتاب و ماهتاب و ستارگان و مؤکّلان وغیره همیشه پیشِ من حاضر شوند و فرمان بردارِ من باشند، و هرچه من از آنان خواهم، بیارند، باید که روزِ چهار شنبه وپنج شنبه و روزِ آدینه بعد از نمازِ فجر در بیابان یا در مقامِ (کهنه) برود، و گرد به گرد خط کشد، و درمیانِ آن بنشیند، وچهل اسم نود بار با مؤکّلات بخواند، همهٔ عالم مسخّرِ او شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان الموحّدین، سلطان سیّد احمد کبیرِ بخاری بن سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اسمِ اوّل که جلالی است، سُبحانَکَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ

---

[1] ـ دراین جا عبارتِ عنوانِ جواهرِ سیوم از عبارتِ عنوانِ جواهرِ سیوم که در مقدّمۀ مؤلّف آمده، اختلافِ جزئی داشت. ما این عبارت را طبقِ عبارتی که درمقدّمۀ مؤلّف آمده است، وصحیح تر است، آوردیم.

یا ربّ کلّ شیئی و وارثہٖ و رازقہٖ و راحمہٖ اجب یا ھموائیل یا ھمواکیل بحقّ سبحانک بعد از نمازِ فجر یازده بار بخواند، همه حاجات دینی و دنیوی حاصل شود. انشاءاللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد محمّد غوث برادرِ سلطان سیّد احمد کبیر بن سیّد جلال بخاری، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسمِ اوّلِ سبحانک یا مؤکّلات بعد از نمازِ عشا هزار بار بخواند، اگر درویش باشد توانگر گردد، و اگر قرض دار باشد، قرض ادا شود؛ و اگر کسی ترسد از دشمنان، بر دشمنان ظفر یابد؛ و پیش جملہ بندگانِ خدای تعالیٰ عزیز و مکرّم باشد؛ انشاءاللہ تعالیٰ.

و اگر دیوانہ باشد، خلاص یابد؛ و اگر غمناک بود فرح یابد؛ و اگر از خان و مانِ خود دُور افتاده باشد، بہ سلامت بہ وطنِ خود باز آید. انشاءاللہ تعالیٰ.

و اگر بعد از هر نماز یک بار بخواند، ایمانِ او سلامت ماند. (انشاءاللہ تعالیٰ).

و اگر بنویسد، و بر زنی غریب بندد، شوهرِ او [۷۸ ا] بیاید؛ و اگر بر طفلان بیاویزد، ایمن شوند از هر چه ترسند (انشاءاللہ تعالیٰ).

و اگر بر کاسہ چینی بہ گُل و مشک و زعفران بنویسد، و باروغنِ کنجد بشوید، و بر آن هفتاد بار اسمِ مذکور بخواند، هر کس کہ آن روغن بَر خود مالد، فقرش برود، و باد و قولنج نیز برود، و هر علّتی کہ باشد، زایل شود. انشاءاللہ تعالیٰ.

و از حضرت مخدوم سیّد جلالِ جہانیانِ جہانگشت بن سلطان سیّد احمد کبیر بن سیّد جلال بخاری، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر کہ اسمِ دوم کہ جمالی است یا اللہ الآلہۃ الرّفیع جلالہ اجب یا اسرافیل یا ھموائیل بحقّ یا اللہ الآلہۃ بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، سیرِ آسمان و زمین همہ حاصل شود، و بہ مجلسِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، نیز مشرّف گردد. انشاءاللہ تعالیٰ.

و از حضرت سلطان سیّد محمود ناصر الدّین (بخاری)، بن مخدوم سیّد جلالِ جہانیانِ جہانگشت، قدس اللہ روحہٗ، منقول است: هر کہ اسمِ دوم یا اللہ الآلہۃ تا آخر با مؤکّلات بعد از نمازِ ظہر یازده بار بخواند، اگر محتاج و عاجز باشد. دفع شود؛ و اگر فہم و توفیق نباشد، آن هم شود، و عجایب و غرایب نیز بیند. انشاءاللہ تعالیٰ.

و اگر خواهد که دشمن هلاک شود، دشمن نیز هلاک شود، و از شرِّ دیوان و پریان نیز خلاص گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت امیر احمد بن امیر اسمٰعیل سامانی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که شب دوشنبه اسم مذکور هزار بار بخواند، ثواب حج یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت سلطان محمود غازی غزنوی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم مذکور شب جمعه دو هزار بار بخواند، کعبة الله برای او طواف کرده بیاید. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت علاء الدّین حسین بن (عزّ الدّین) حسین غوری، قدّس الله روحهٗ، منقول است: هر که اسم مذکور در شب دوشنبه هفت بار بخواند، و بر چشم دمد، روشنائی چشم بسیار شود، و اگر بنویسد بر کاغذ، و در باغ بندد، میوه در بوستان بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد و در مقابر (کهنه) دفن کند، دشمنان (و حاسدان) بمیرند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد راجو (قتّال) بخاری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم سیوم که جمالی است یا اللّٰهُ المحمود فی کل فعاله اجب یا روبائیل یا اسرافیل بحق یا الله (المحمود) بعد از نماز عصر نود بار بخواند، معرفت خدای تعالیٰ نصیب شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد بن حمویه الجوینی که کتاب سلوة الطالبین در تصوّف تصنیف نموده، قدّس الله سرّهٗ، (منقول است): هر که اسم سیوم یا الله المحمود تا آخر با موکلات روز یکشنبه تا هفته هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ بر وی گنج زرّینه پیدا کند، و هیچ بلائی بر وی قادر نشود. (انشاء الله تعالیٰ).

و از حضرت [۶۸ب] سلطان بهرام شاه غزنوی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم مذکور بعد از نماز شام صد بار بخواند، هیچ گاه بدی نه بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و بر درِ خانه یا بر درِ دکان یا بر جایگاهی خود بیاویزد، روزی بر وی فراخ گردد، و برکت بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر فرزند نباشد، فرزند نیز شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نجم الدین کبریٰ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هر کہ اسم چهارم کہ جمالی است یا رحمٰن کل شیئ و وارثہ و راحمہ اجب یا اسماعیل یا امواکیل بحق یا رحمٰن بعد از نمازِ عصر نود بار بخواند، غفلت و فراموشی از وی دور شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت فخر المحدثین، شیخ الحرمین، محب الدین ابو جعفر احمد بن عبداللہ بن محمد بن ابوبکر الطبری کہ کتاب خلاصۃ السیر فی احوال سید البشر، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، تصنیف کردہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هر کہ اسم چهارم یا رحمٰن کل شیئ تا آخر با مؤکلات بعد از نمازِ عشا نود بار بخواند، رجال الغیب مسخر شوند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت مجد الدولہ رستم دیلمی، قدس اللہ سرہ، منقول است: هر کہ اسم مذکور شب چهار شنبہ نہ بار بخواند، از مشکلاتِ دنیا و آخرت خدای تعالیٰ (او را) نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد و با خود نگاہ دارد، هیچ غم و اندوہ نبیند، و اگر بنویسد و در دستارِ خود نگاہ دارد، فتوحاتِ غیبی بسیار آید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فرید دیلمی، قدس اللہ سرہٗ العزیز، منقول است: هر کہ اسم پنجم کہ جمالی است یا حیُّ حین لا حیّ فی دیمومۃ ملکہ وبقائہ اجب یا عطرائیل یا کلکائیل بحق یا حیُّ بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، دلِ مردہ زندہ گردد، و از همہ بیماری ها شفا یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فرید شکر گنج مرید (شیخ قطب الدین بختیار کاکی اوشی) قطب عالم، قدس اللہ سرہٗ، منقول است کہ من شنیدہ ام از حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، کہ هر کہ چهل شب بعد از نمازِ خفتن بہ اعتقادِ درست و بہ اخلاصِ دل صد بار اسم (پنجم) یا حیُّ حین لا حیُّ تا آخر بر بهنگرۂ سیاہ بخواند، و آن را بخورد، جملہ خزینہ های خدای تعالیٰ از مشرق تا بہ مغرب (بہ او) معلوم شود. چنانچہ از وی کشیدہ خود بخورد یا دیگری را بدهد، عجایب و غرایب خدای تعالیٰ بسیار بیند، و مشاهدۂ خدای تعالیٰ

و جملهٔ انبیا، صلوات الله تعالیٰ و سلامه علیهم، نیز حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

مجرّب است و آزموده است. انشاء الله تعالیٰ.

امّا اذنِ اسمی از اسماء الله تعالیٰ مردِ اصیل و نیک زاده را بدهند، و بد اصل و حرام زاده را ندهند، و به او صحبت و آشنائی [۶۹ و] نیز نکنند، اگرچه عالم و زاهد بود.

و علم هم یک هنر است چنانکه بافتن و دوزیدن وغیره، اگر غلام و ماهی گیر و درودگر و نداف و گلخن دار و هیزم فروش و کلال وغیره علم خواند، عالم شود.

پس اگر مرشد خواهد که مردمانِ اصیل و حلال زاده و بد اصل و حرام زاده را بیازماید پس پیشِ ایشان کاری غیر مشروع کند، اگر اصیل و حلال زاده باشد، از اعتقاد برنگردد، و (اعتقادِ او) کم نشود، بلکه از اعتقادِ اصل هم زیاده گردد، و با هیچ کس حکایت نکند؛ و اگر بد اصل و حرام زاده باشد، اعتقادِ (او) هم برود، و بدنامی و شکایت و غیبت نیز بکند.

چنانچه حکایت شاه شمس (الدّین) سبزواری ب (ملتانی)، رحمة الله علیه، که درویش عالی المقام و صاحب وجد و جلال بود، روزی در شهرِ ملتان سیر می کرد، و جمعی از خادمان و مریدان در خدمتِ شیخ جمع شدند. ناگاه شیخ را در دل افتاد که اعتقادِ خادمان و مریدان را بیازماید.

اتفاقاً آن درویش را گذر به محلهٔ قحبه خانه افتاد، و در خانهٔ یکی از آن قحبه ها رفته نشست. همهٔ خادمان و مریدانِ وی بی اعتقاد شده فرار نمودند، مگر یک خادم و مرید قدیمی که بر اعتقادِ خود ثابت بود، و همراهِ شیخ درآن خانهٔ قحبه رفت، و آن قحبه را به نظرِ شیخ جمله علم ها مکشوف گشت، و سخنان از توحیدِ خدای تعالیٰ پرسیدن گرفت.

پس شیخ مرشد که استاد باشد، مرید خود را آگاهی کارِ شریعت و گاه کارِ غیر مشروع فرماید تا اعتقادِ خادمانِ اصیل و بد اصل معلوم شود. والله تعالیٰ اعلم بالحق والصّواب.

و دیگر حکایت می آورند که در شهرِ ملتان یکی از علما و اولیای الله تعالیٰ بود که به دعای

ب - د برگ ۶۹ و، اب برگ ۹۷ و، ج برگ ۹۱ ب: "شیخ شمس تبریزی".

او مقصودات خلق بسیار حاصل می شد، و اعتقادِ بسیار خلق بر او داشت، و هر روز گرد به گردِ او خلق و مریدان و شاگردان بسیار می نشستند، و او ایشان را نصیحتِ نماز و روزه و امرِ معروف و نهیِ منکر می کرد. وبعضی خلقِ بد اصل دشمن می شدند، و بعضی مردمان نصیحت قبول می کردند، و مرید می شدند.

روزی یک مردِ بد اصل و جولاه را، که در آن شهر ساکن بود، در دل افتاد که این ولی را زهر بدهم تا بمیرد، یا درمیانِ خلق شرمنده و بدنام کنم تا ازین شهر بیرون برود. پس جولاهِ بد اصل زنِ ملعونهٔ خود را آموخت که وقتی که خلق گرد به گردِ این ولی الله تعالی نشسته باشند، شما درآن وقت رفته بگویید که ای مردمان! این شخص که ولی و پیرِ شماست، شب بامن خوابیده، و پنج روپیه بامن قرار کرده آمد آن را به من بدهد. (آن زن همچنین کرد). آن ولی درمیانِ خلق شرمنده شد، و گفت که مرا خبر نیست. آن ولی الله آن زن را گفت که بر این سخن قسم می خوری؟ زنِ [۶۹ب] مکاره و بداصل گفت: آری.

پس آن زن قسم دروغ خورد، و بعد از سه روز آن زن نگونسار بمُرد، و به دوزخ رفت.

و مکرِ زنان به غایت شدید است. چنانچه حق تعالی در کلامِ مجید و فرقانِ حمید خود فرموده است: اِنَّ کَیْدَ کُنَّ عَظِیْمٌ. یُوْسُفُ اَعْرِضْ عَنْ هٰذَا وَاسْتَغْفِرِیْ لِذَنْۢبِكِ اِنَّكِ کُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِیْنَ.[۱] و (در) جای دیگر فرموده است که: اِنَّ کَیْدَ الشَّیْطٰنِ کَانَ ضَعِیْفًا.[۲]

پس مکرِ زنان از مکرِ شیطانِ رجیم بدتر است که خدای تبارک و تعالی مکرِ شیطان را ضعیف گفته و مکرِ زن را عظیم فرموده.

پس جولاه از قدیم بی عقل و بی ایمان است. چنانچه در کتاب نزل السائرین فی الحدیث تصنیف فخر المحدثین شیخ محمود بن محمد بن محمود درگزینی، رحمة الله علیه، مذکور است در باب لام الف که عن ابی امامة الباهلی، رضی الله تعالی عنه، قال قال رسول الله، صلی الله علیه

۱- القرآن الحکیم: ۱۲، ۲۸ و ۲۹. ۲- ایضاً: ۴، ۷۶.

آلہٖ و سلّم: لا تستبشروا الحاکتہ والمعلّمین فان اللّٰہ عزّ وجلّ سلب عقولھم ونزع البرکۃ من رزقھم.

و چنانچہ قول مشہور است کہ الحائك لا یعقل الّا فی الدبر. و ھرکہ بی عقل باشد را دین و ایمان نیز نباشد.

چنانچہ در کتاب مذکور در باب قاف آوردہ است کہ عن جابر بن عبداللّٰہ رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، قال قال رسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم،: قوام المرء عقلہ و لا دین لمن لا عقل لہٗ.

چنانچہ[1] .... کہ چیزی از علم از حضرت امیرین امیرحسن و امیرحسین رضی اللّٰہ عنہما، خواندہ بود. و او را در دل افتاد کہ با حضرت امیرالمؤمنین، امام الاشجعین، حضرت امام سید حسن و حضرت امیرالمؤمنین امیرحسین، سلام اللّٰہ تعالیٰ علیہما، بسیار خلق خادم و مرید و معتقد می شوند، و مرا ہیچ کس نمی پرسد. پس ..... را با ھر دو شاھزادۂ کونین، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہما، دشمنی در دل افتاد، و خواست کہ ایشان را شہید کند تا بدار الجنۃ واصل شوند.

پس حُمَیّ بد اصل را زر داد، و گفت: اگر تو پادشاھزادۂ عالم امام حسن، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، را زھر دھی تا از دنیای دار الفنا بہ آخرتِ دار البقا واصل شود، ترا بسیار انعام و اکرام دیگر نیز بدھم.

پس حُمَیّ بداصل زھر گرفتہ بہ طرفِ خانۂ شاھزادہ، سلام اللّٰہ علیہ، رفت، و شاھزادہ رضی اللّٰہ عنہ، را زھر داد، و شاھزادہ از دنیا بدار الفنا رحلت فرمود. قَالُوْٓا اِنَّا لِلّٰہِ وَاِنَّآ اِلَیْہِ رٰجِعُوْنَ[2]

بعد ازان با شاھزادۂ دویم امام المسلمین، امیر سید حسین شہید، علیہ السّلام، جنگ کردہ اورا شہید ساخت، تا بہ جوارِ ارحم الراحمین واصل شود. قَالُوْٓا اِنَّا لِلّٰہِ وَاِنَّآ اِلَیْہِ رٰجِعُوْنَ[3] و این دشمنی با[۷۰ و] شاھزادگانِ عالم، علیہما السّلام، کہ محبّتِ ایشان بر ھمۂ خلق فرضِ عین است،

۱- در این حکایت در بعضی جاھا کلماتی و جملاتی حذف شدہ است. ۲ و ۳- القرآن الحکیم: ۲، ۱۵۶.

بنا بر آن کرد کہ ....

چنانچہ خدای عزّ و جلّ در قرآنِ مجید فرموده است: وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُوْنَةَ فِی الْقُرْاٰنِ[1]

بسیاری از مفسّرانِ اہل سُنّت و الجماعت آورده اند ....

عمر بن عبدالعزیز مدّت ہشتاد سال در خطبہ حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب، کرم اللّٰہ وجہہ و سلّم علیہ.............. عمر بن عبدالعزیز آن........... از جمیع شہرھا دور نموده، و آیتِ اِنَّ اللّٰہَ یَاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ[2] بجای آن امر کرد کہ بخوانند، چنانچہ الحال می خوانند ....

.... اولادِ رسول اند. ...... صلی اللّٰہ تعالیٰ علیہ وسلّم. بودند، ہمہ از .... اند. واللّٰہ تعالیٰ اعلم. و چنانچہ ابن مسعود گفت کہ لکل شیئ آفة و آفة هذا الدین ......

پس با بداصل و جولاه صحبت نشاید کرد کہ از صحبتِ بی عقلان و بی دینان آدمی نیز بی عقل و بی دین می شود. چنانچہ قال النبیؐ صلی اللّٰہ علیہ و آلہ وسلّم: المرءُ علیٰ دین خلیلہ فلینظر احدکم من یخالل. و قال النبیؐ صلی اللّٰہ علیہ وآلہ و سلّم: لا تصحبوا مع الخمسة مع المرأة و مع الصبیین و مع الحایك و مع المشرك و مع الفاسق. صدق رسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہ وسلّم.

و از حضرت شیخ امام اجل ابی نصر محمد بن عبدالرحمٰن کہ کتاب السبعیات فی مواعظ البریات تصنیفِ اوست، قدّس اللّٰہ روحہ، منقول است: ہر کہ اسمِ پنجم یاحیّ حین تا آخر با مؤکّلات بعد از نماز تہجد صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از بدفعلی نگاه دارد؛ و اگر مرادی و حاجتی دارد، و می خواهد حاجتش روا شود، (رواشود). (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و از حضرت سلطان ملک شاه سلجوقی، قدّس اللّٰہ سرّہ، (منقول است): ہر کہ اسم مزبور در شبِ آدینہ ہزار بار بخواند، روزِ قیامت خدای تعالیٰ او را از زمرۂ مؤمنان گرداند. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

۱- القرآن الحکیم: ۱۷، ۶۰. ۲- ایضاً: ۱۶، ۹۰.

و اگر بنویسد، و در زراعت و کشت دفن کند، حق سبحانهٗ و تعالیٰ غلّه را در کشت از آفات و بلیات نگاه دارد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان العارفین شیخ نظام الدین (اولیا دهلوی) قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم ششم که جمالی است یا قَیُّوْمُ فَلا یفوت شیئ مِن عِلْمِهٖ وَلا یَؤُدُهٗ بحقِ یا قَیُّوم[1] بعد از نمازِ اشراق (۹ بار) بخواند محبوب مسخّر شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبدالله بن حسن مکّی حسینی جیلانی که گنج الاسرار شرح غولی از وست، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم ششم یا قیّوم تا آخر با مؤکّلات بعد از نمازِ صبح سه بار بخواند، و بر دستِ خود بدمد، و آن را بر بدنِ خود [۷۰ ب] بمالد، از رنج های گران خدای تعالیٰ او را نگاه دارد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان سنجر بن ملک شاه سلجوقی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مذکور بعد از نمازِ عشا نُه بار بخواند، بهشت مشتاقِ او شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان (علاء الدّین) محمّد خوارزم شاه، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مزبور در شبِ یکشنبه هزار بار بخواند، ایمانِ او سلامت ماند. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر بنویسد و بر سر نهد، هرچه بر او مشکل شده باشد، بر او آسان گردد، و در میانِ خلق عزیز و مکرّم باشد. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ بازید بستپیری[2] قدّس الله سرّهٗ (منقول است): هر که اسم هفتم که جمالی است یا واحد الباقی اوّل کلّ شیئ و آخره اجب یا رفتائیل یا تنکفیل بحقِ یا واحد (الباقی) بعد از نمازِ اشراق صد بار بخواند، مرتبهٔ دو جهانی (او) بلند شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت ملّا مجد الدّین محمّد فیروز آبادی محدّث، که قاموس اللغة تصنیفِ اوست، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم هفتم یا واحد الباقی تا آخر با مؤکّلات بعد از نمازِ شام هفتاد بار بخواند، توبهٔ او قبول شود، و دعای او مستجاب گردد. انشاءالله تعالیٰ.

۱- مؤلف در این جا نام های "مؤکّلات" نیاورده.

۲- در برگ ۷۰ ب، ب برگ ۹۹ ب (ج برگ ۹۳ ب: بستپوری.

و از حضرت سلطان جلال الدّین منگبرنی بن سلطان (علاء الدّین) محمد خوارزم شاه، رحمۃ اللہ علیہ منقول است: ہر کہ اسم مذکور در شب جمعہ نُہ بار بخواند، تمامِ ہفتہ ہیچ بلا گرد او نگردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و بہ آب باران یا بہ آب چاہ بشوید، و بخورد، از آسیب دیو و پری ایمن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد ہاشم بارانی، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: ہر کہ اسم ہشتم کہ جمالی است یا دائم بلا فنا و لازوال لملکہٖ اجب یا دردائیل یا سرطائیل بحق یا دائم بعد از نمازِ مغرب ہزار بار بخواند، ہمہ خلق مسخّرِ او شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سیّد نعمت اللہ چشتی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ روزِ چہارشنبہ بعد از نمازِ ظہر در خانۂ خالی دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[1] یک بار نَصْرٌ مِّنَ اللّٰہِ وَ فَتْحٌ قَرِیْبٌ[2] و سہ بار سورۃ الاخلاص[3]. و بعد از سلام صد و پنجاہ بار اسم ہشتم یا دائم بلا فنا و لازوال لملکہ (تا آخر با مؤکّلات) بخواند، ہمیشہ دولت و عزّت زیادہ گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت نشوان بن سعید الحمیری یمنی، صاحب شمس العلوم لغت و تبیان در تفسیر وغیرہا، قدّس اللہ روحہ، منقول است: ہر کہ اسم ہشتم یا دائم بلا فنا تا آخر با مؤکّلات روزِ جمعہ بعد از نمازِ جمعہ نُہ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از خوف و ترس ایمن کند، و بر دشمنان ظفر یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مَلِک صالح (اتابک) رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ [۱۷۱ ا] اسم مذکور در وقتِ جنگ سہ بار بخواند، فتح و نصرت یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد روزِ جمعہ پیش از برآمدنِ آفتاب، و با خود نگاہ دارد، از دغدغۂ قحط حق سبحانہٗ و تعالیٰ او را نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱.　۲۔ ایضاً: ۶۱، ۱۳.　۳۔ ایضاً: ۱۱۲.

از حضرت شیخ محمد بنگالی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسمِ نہم کہ جمالی است یا صمد من غیر شبہ فلا شیئ کمثلہ اجب یا اجمائیل یا ابوائیل بحق یا صمد بعد از نماز عشا صد بار بخواند، آنچہ از خدای تعالیٰ خواہد یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت مولانا منصور بن محمد بن احمد کہ رسالۂ مفید فارسی در علم تشریح تالیف کردہ است، رحمۃ اللہ علیہ، (منقول است): ہر کہ اسمِ نہم یا صمد من غیر شبہ تا آخر با مؤکلات روزِ پنج شنبہ نود بار بخواند، خدای تعالیٰ در دلِ مردمان بہ سوی او دوستی پیدا کند، و سخنش قبول شود، و ہمہ کس بر او مہربان گردند۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سلطان تیمور گورگان، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ اسمِ مذکور ہزار بار بخواند، پادشاہیِ دنیا و دولت یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و اگر بنویسد برای کسی کہ گریختہ باشد، و یا در خانہ و یا در جائی کہ ہیچ کس نباشد، بنہد، و میخ بر آن زند، و پارۂ خاک بر آن افشاند، زود گریختہ پیدا شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سلطان کاینو کہ (از اولادِ حضرت ابابکر صدیقؓ است) و در روہ آسودہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسمِ دہم کہ جمالی است یا بادّ فلا شیئ کفوہ بذاتہ و لا امکان لوصفہ اجب یا جبرائیل یا ہرطائیل بحق یا بادّ بعد از نمازِ مغرب نود بار بخواند، کالای گم شدہ یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت حکیم شہاب الدین بن عبدالکریم کہ کتاب طبِ شہابی تصنیف کردہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسمِ دہم یا بادّ تا آخر با مؤکلات ہفت بار خواندہ بر روی خود دمد، و درمیانِ خلق رود کہ مراد حاصل شود، و زبانِ خلق بر او بستہ گردد، و سخنش قبول باشد، و مردمان بہ او مطیع شوند۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت سلطان ابوسعید بہادر خان، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ اسمِ مذکور برای دشمن ہزار بار بخواند، دشمن ہلاک شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و اگر بنویسد و با روغن بشوید، ہر دردی کہ باشد، آن جا بمالد، درد بہ شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرت خواجه معین الدّین مدنی، قدّس اللّٰه سِرّهٗ، منقول است: هر که اسم یازدهم که جمالی است: یاکبیر انت الّذی لاتهدی العقول لوصف عظمته وکبریائه اجب یا حروزائیل یا دردائیل بحق یاکبیر بعد از نماز تہجد صد بار بخواند، خزینهٔ خدای تعالیٰ اورا معلوم شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت مولانا شیخ ابو الاخلاص حسن بن عمار حنفی وفائیؒ، که در تاریخ هزار و پنجاه وشش (۱۰۵۶) سال از [۷۱ب] هجرت گذشته بود که کتاب امداد الفتّاح در عباداتِ فقه تصنیف کرده است، رحمة اللّٰه علیه، منقول است: هر که اسم یازدهم یاکبیر تا آخر با مؤکّلا بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند. خدای تعالیٰ بر او علم وحکمت و معرفت آسان گرداند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت سلطان حسن بیگ بہادر خان (آق قویونلو) رحمة اللّٰه علیه، منقول است: هر که اسم مزبور در باغ یا در زراعت هفت بار بخواند، هیچ بلاگردِ اونگردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.
و اگر بنویسد بر تختهٔ عاج و باکس بیاویزد، حق سبحانه و تعالیٰ آن کس را از آفت نگاه دارد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت شیخ سماء الدّین دهلوی، قدّس اللّٰه سِرّهٗ، منقول است: هر که اسم دوازدهم که جمالی است یابادی النفوس بلامثال خلا من غیره اجب یا جبرئیل یاکلکائیل بحقِ یابادی بعد از نمازِ خفتن نود بار بخواند، در دلِ صاحبِ دعوت اسرار پیدا شود که به‌جمیع ارواح ونفوس و سیارات وکواکب واقف گردد، وهمه (را) به چشم سرمعاینه کند. انشاء اللّٰه تعالیٰ. و فضیلتِ این اسم و دیگر همهٔ اسما در کتاب جواهرِ خمسه نیز بسیار است، امّا در این جا اندک نوشته است.
هر که اسم مسطور در شب و روز بسیار گوید، اسرارِ الٰهی بروی کشف شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت مولانا نعمت اللّٰه بن طاهر نهروانی، که صلوٰة الطاهریه تألیف کرده (است)، رحمة اللّٰه علیه، منقول است: هر که اسم دوازدهم یابادی تا آخر با مؤکّلات

روزِ دوشنبه سیزده بار بخواند، جمله کارهای دینی و دنیوی حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از سفیدیِ چشم و دردِ چشم که اطبا (ازان) عاجز آیند، خدای تعالیٰ او را نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امیر خسرو دهلوی، مریدِ حضرت شیخ نظام الدین اولیا دهلوی، که جوابِ خمسهٔ شیخ نظامیِ (گنجوی) اولاً او گفته، و (مثنوی) قران السعدین ازو است، و امیر خسرو گفته که اشعارِ من از پنج لک کمتر است، و از چهار لک زیاده است، قدس الله سره، منقول است: هر که یا بادی النفوس بلا مثال تا آخر بعد از نمازِ تهجد هفتاد بار بخواند، دلِ او صاف گردد از غل وغش، و آنچه خواند و بیند، یاد شود. انشاء الله تعالیٰ.[1]

و از حضرت سلطان ایلدرم بایزید پادشاه رُوم، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مزبور همیشه بسیار بخواند، خدای تعالیٰ او را از خاصانِ خود گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان جلال الدین شاه شجاع شیرازی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مزبور بعد از نمازِ صبح نود بار بخواند، مسلمان بمیرد، و دلش منور گردد، و تسکینِ قلب پیدا شود، و دغدغه و وسوسه از خاطر دُور شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و با خود نگاه دارد، هیچ دشمن و ظالم (به او) زیان نرساند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات سید فیض الله بخاری، قدس الله سره، منقول است: هر که اسم سیزدهم که جمالی است یا ذاکی الطاهر من کل آفة بقدسه اجب یا سرفائیل یا حروزائیل بحق یا ذاکی بعد از نمازِ تهجد صد بار بخواند، دلِ او از غل وغش صاف گردد، و همه علم لدنی کشف شود. انشاء الله تعالیٰ.

[۷۲ و] و از حضرت شیخ شمس الدین محمود بن ابو القاسم اصفهانی که شرحِ قدیم تجرید و طوالع ازو است، قدس الله سره، منقول است: هر که اسم سیزدهم یا ذاکی الطاهر تا آخر با مؤکلات در جائی که خراب شده باشد، هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ به برکتِ آن آبادان

ا۔ کاتب قولِ امیر خسرو دهلوی را دربارهٔ فضایلِ "اسم یا بادی" اشتباهاً بعد از فضایلِ "اسم یا ذاکی" آورده (رک و برگ ۷۱ ب، ب برگ ۱۰۱ ب و ۱۰۲ الف و ج برگ ۹۵ ب و ۹۶ الف).

گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و عالم السّر و الخفیات بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سلطان احمد بن ہلاکو خان، رحمۃ اللہ علیہ (؟) منقول است: ہر کہ اسم مذکور بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، مستجاب الدّعوۃ گردد؛ و اگر بر سرمہ بخواند، و در چشم کشد، تاریکیِ چشم و درد بیرون شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و بہ آبِ چاہ بشوید، و رنجور را بخوراند، رنج از وجودش برود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابوبکر قریشی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسم چہاردہم، کہ مشترک است میان جلالی و جمالی یاکافی الموسع لما خلق لہٗ من عطایا فضلہ اجب یاحولائیل یا طلطائیل بحقِ یاکافی بعد از نمازِ مغرب صد بار بخواند، ہمہ خلق مسخرِ او شود، و رزق و روزیِ او نیز فراخ شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) محمد بن عبدالکریم شہرستانی کہ نہایۃ الاقدام فی علم الکلام و مِلَل و نِحَل تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسم چہاردہم یاکافی الموسع لما خلق لہٗ تا آخر باموٗکّلات بعد از نمازِ صبح نود بار بخواند، خدای تعالیٰ خلق (را) مطیع و منقادِ او گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سلطان محمد خدا بندہ، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: ہر کہ اسم مذکور پیشِ قبر نود بار بخواند، و بر آن جا خواب کند، جوابِ کار از مُردہ یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سلطان غازان خان و امیر ابو اسحاق شیرازی، رحمۃ اللہ علیہما، منقول است: ہر کہ اسم مزبور ہفت بار بخواند، ہیچ بلا گردِ او نگردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد روزِ یکشنبہ، و با خود نگاہ دارد، خدای (تعالیٰ) او را از شرِّ دیو و پری ایمن گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جلال محمد قادری دہلوی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسم پانزدہم کہ جلالی است یانقیاً من کل جورٍ لم یرضہ ولم یخالطہ فعالہ اجب یا دوریائیل یا اکبائیل بحقِ یانقیاً روزِ یکشنبہ بہ وقتِ اشراق چہل بار بخواند، ہمہٗ دشمنان ہلاک شوند، و (او) [۷۲ب]

از دستِ ظالم و حبس خلاص گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ملّا علی قوشجی[1] شاگردِ (؟) اُلغ بیگ گورگان، که شرحِ جدید تجرید از واست، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسمِ پانزدهم یانقیاً من کل جور تا آخر با مؤکّلات روزِ چهار شنبه یازده بار بخواند، خدای تعالیٰ مال و نفسِ او و خان و مانِ او از بلا و آفت ایمن گرداند، و در حفظ و امانِ خدای تعالیٰ باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد و زخمی و رنجور را بخوراند، شفا یابد. انشاء اللہ تعالیٰ[2].

و از حضرت سلطان محمد جونا هندی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: هر که اسمِ مذکور بعد از نمازِ خفتن صد بار بخواند، علم و حلم نصیب شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر بنویسد در کاسۂ چوب و به آبِ چاه بشوید، و آن را بر خانۂ دشمنان بریزد، جمله دشمنان تفرقه و هلاک شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حمید (الدین) ناگوری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسمِ شانزدهم که جمالی است یاحنّان انت الّذی، وسعتَ کل شیئٍ رحمۃً و علماً[3] اجب یا تنکفیل یا اموئیل بحقِ یاحنّان روزِ شنبه بعد از نمازِ ظهر صد بار بخواند، از همه مرض خلاص یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت ابو نصر فراهی مصنّفِ نصابِ صبیان، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسمِ شانزدهم یاحنّان تا آخر با مؤکّلات شبِ جمعه صد بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ بسیار بیند، و از شرِّ شیر نیز خدای تعالیٰ نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سلطان ناصرالدین محمود شاه هندی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: هر که اسمِ مذکور شبِ سه شنبه نود بار بخواند، و بر آب بدمد، و آن را بخورد، دردِ شکم دور شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ امان اللہ فاروقی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسمِ هفدهم

۱۔ رک حاشیه ۱، تاریخِ ادبی ایران جلد سوم تألیفِ ادوارد براون ترجمه از علی اصغر حکمت (موسوم به از سعدی تا جامی)، مطبوعه تهران ۱۳۲۷ ش ص ۴۴۸.

۲۔ ق برگ ۷۲ ب این جمله ندارد. ۳۔ القرآن الحکیم: ۴۰: ۷.

یامنّان والاحسان قدعم کل الخلائق منہ اجب یا دردائیل یا اجمائیل بحق یامنّان بعد از نمازِ ضحیٰ صد بار بخواند، مستجاب الدّعوۃ شود، و بہ ہیچ کس محتاج نگردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نظامی عروضی سمرقندی کہ رسالۂ مجمع النوادر مشتمل بر چہار مقالہ در علم انشا و نظم و طب و نجوم تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسمِ ہفدہم یامنّان تا آخر با مؤکّلات در شب دو شنبہ ہفت بار بخواند، از دیو و پری مضرت نرسد، و خیالاتِ فاسدہ و خواب ہای آشفتہ نہ بیند، و اگر اندوہی و غمی رسیدہ باشد، نیز ازو دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مرزا شاہ بیگ ارغون رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ اسمِ مذکور بعد از نمازِ ظہر صد بار بخواند، حق تعالیٰ او را علم و حکمت کرامت کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بتویسد، و آن را بخورد، فراموشی دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت [۱۷۳] شیخ بہلول کشمیری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ اسمِ ہیجدہم کہ جمالی است یادیّان العباد کل یقوم خاضعاً لرہبۃ و رغبۃ اجب یا طاطائیل یاکرکائیل بحق یادیّان روزِ دو شنبہ وقتِ دوپہر در بیابان دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[1] یک بار آیت الکرسی[2] و سہ بار سورۃ الاخلاص[3] و بعد از سلام نود بار اسمِ مذکور بخواند، حق تعالیٰ خزانۂ غیب روزی گرداند، و کاشفِ قلوبِ خلق و نورانی دل گردد. انشاء اللہ

و از حضرت سلطان محمّد بن درویش محمّد کہ مجمع الغرایب تصنیفِ او است، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: ہر کہ اسمِ ہیجدہم یادیّان العباد تا آخر با مؤکّلات بعد از نمازِ صبح یازدہ بار بخواند، و دگذرِ او) بہ سوی خانۂ دشمن و ظالم افتد، (دشمن و ظالم)، ہلاک و پریشان گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شاہ حسن ارغون بن شاہ بیگ (ارغون)، رحمۃ اللہ علیہ منقول است: ہر کہ اسمِ مذکور بعد از نمازِ عشا ہزار بار بخواند، آفتاب و ماہتاب مسخّر او

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲۵۵:۲. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و درمیانِ متاع و غلّہ نگاہ دارد، برکت بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نصیر الدّین انصاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھرکہ اسمِ نوزدھم کہ جمالی است یا خالق من فی السمٰوات والارض کلّ الیہ معاذہٖ اجب یا میکائیل یا سرطائیل بحقِ یاخالق بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، و در خواب رود، بہ فرمانِ خدای تعالیٰ غایب را در خواب بیند، و اسرارِ غیب نیز معلوم گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو علی المحسن بن علی معروف بہ قاضی التنوخی کہ مصنّفِ کتاب الفرج بعد الشّدّۃ والضّیقۃ او است، قدّس اللہ روحہٗ، منقول است: ھرکہ اسمِ نوزدھم یاخالق من فی السمٰوات تا آخر با مؤکّلات بہ وقتِ زادنِ فرزند نُہ بار بخواند، فرزند بہ آسانی بزاید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر روزِ یکشنبہ سہ بار بخواند، کلامِ او مستجاب شود، و درمیانِ خلق مقبول باشد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت سلطان محمّد (جونا) بن غیاث الدّین ھندی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ھرکہ اسمِ مذکور در شبِ جمعہ صد بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ بسیار بیند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر بنویسد، و ھر زنی را کہ فرزند نشود، آن را بخواند، فرزندِ نرینہ روزی شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ سلیمان عراقی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھرکہ اسمِ بیستم کہ جمالی است یارحیم کلّ صریخ و مکروب و غیاثہٖ و معاذہٖ اجب یا ھموائیل یا حولائیل بحقِ یارحیم ھفت روز ھر روز ھفصد بار بخواند، محبّتِ حق تعالیٰ در دل پیدا شود، و اسرارِ الٰہی نیز مکشوف گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و از حضرت (شیخ) نور الدّین محمّد عوفی کہ جوامع[1] الحکایات تصنیفِ او است، قدّس

۱۔ ق برگ ۷۳ ؛ ب برگ ۱۰۲ ؛ ج برگ ۹۸ ؛ ا : جامع.

الله [۷۳ب] سرّهٔ، منقول است: هر که اسم بیستم یارحیم کلّ صریخ تا آخر با مؤکّلات شبِ شنبه هفتاد بار بخواند، زبانِ دشمن بسته گردد، و ازو گریزان شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت محمّد بن بایزید اچّی که کتاب کشف الغمه در احوالِ برزخ تألیفِ اوست، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسم مذکور بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، تهمتِ خلق (ازو) دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و با خود نگاه دارد، حق تعالیٰ او را زنی موافق بدهد. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر درویش باشد، توانگر گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد محمّد گیسو دراز دهلوی[1]، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسم بیست و یکم که جلالی است یاتام فلا تصف الالسن کل کنهه و جلاله وملکه وعنه اجیب یا عزرائیل یا حولائیل بحق یاتام دوازده روز هر روز هزار و بیست و پنج بار بخواند، عالم الغیب والشهادة بروی مکشوف شود، و به نظرِ او سنگ و کلوخ زر و نقره شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ آذری (جلال الدّین حمزه بن علی) که مؤلّفِ کتاب عجایب الدّنیا است، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسم (بیست و یکم) یاتام تا آخر با مؤکّلات شبِ جمعه بعد از نمازِ خفتن نود بار بخواند، حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلّم به ملاقاتِ او آیند، وعلمِ ظاهری و باطنی او را بیاموزند، و آنچه حاجتی دارد، حاصلِ او شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت قاضی شیخ فرید شاگردِ مخدوم شیخ وجیه الدّین علوی (گجراتی)، که شرحِ ارشادِ نحوِ قاضی شهاب الدّین هندی نوشته است، قدّس الله سرّهٔ منقول است: هر که اسم مزبور شبِ جمعه صد بار بخواند، ثوابِ عمره و حجِّ اکبر یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر روزِ پنج شنبه بنویسد به مشک و زعفران، و با خود نگاه دارد، اگر محبوب بر او آشفته باشد، مهربان گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ برهان الدّین قلندر بلخی، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسم

۱- د برگ ۷۳ب، ب برگ ۱۰۶ اب و ج برگ ۹۸ ا: بنگالی.

بیست و دوم کہ جمالی است یا مبدع البدایع لم تبلغ الاوهام عونا من خلقه اجب یاروبائیل یا اهجمائیل بحق یا مبدع چهل روز هر روز نود و نه کرت بخواند، عن قریب الایام حق سبحانه و تعالی چشمه های علم و حکمت از دل وی جاری گرداند. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ محمود بن احمد بن حسن فاریابی، که کتاب قصص فاریابی تصنیف اوست، قدس الله روحه، منقول است: هر که اسم بیست و دوم یا مبدع البدایع تا آخر با موکلات هر روز سه بار بخواند، ایمان او سلامت باشد، اگرچه بسیار گناه کرده باشد. (انشاء الله تعالی).

و اگر این (اسم) را بعد از نماز عشا صد بار بخواند، کاهلی و سستی دفع شود. انشاء الله تعالی.

[۱۷۲] و از حضرت مولانا ابوالمکارم که شرح مشهور مختصر وقایه فقه ازو است، قدس الله روحه، منقول است: هر که اسم مذکور روز جمعه بعد از نماز جمعه نود بار بخواند، خدای تعالی او را از غرق شدن نگاه دارد. انشاء الله تعالی.

و اگر بنویسد، و به آب انگور بشوید، و بخورد، روشنائی قلب (پیدا) شود، و مغیبات خدای تعالی ببیند. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ محمد کاشانی صدیقی، قدس الله سره، منقول است: هر که اسم بیست و سوم که جمالی است یا علام الغیوب فلا یفوت شیئ من علمه و حفظه اجب یالومائیل یا لوخائیل بحق یا علام سه روز هر روز هزار و یک بار بخواند، دولت اولی و سعادت اخری حاصل شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت شیخ اجل حجة الاسلام زین الدین ابو حامد امام محمد غزالی، رحمة الله علیه، که نهصد و نود و نه تصنیف در اصناف علوم عقلیه و نقلیه و شرعیه دارد، منها احیاء العلوم و جواهر القرآن و اسرار المعاملات و القربة الی الله عز وجل و اخلاق الابرار و مشکوة الانوار و تفسیر یاقوت التنزیل (در) چهل جلد و تلبیس ابلیس و مقصد اقصی فی شرح اسماء الله الحسنی و کیمیای سعادت در تصوف و قسطاس مستقیم و فیصل التفرقه و محک النظر و معیار العلم و الاقتصاد فی الاعتقاد و الجام العوام فی علم الکلام و تهافة الفلاسفه و حکایات الفلاسفه در علم کلام و مستصفی در اصول فقه و بسیط و وسیط و وجیز در فقه و غیرها، قدس الله سره، منقول است:

هر که یا علّام الغیوب تا آخر بعد از هر نماز صد بار بخواند، علم بر او کشف شود، و روشنائی هر دو جهان حاصل شود، چنانچه فقیر را به برکتِ این اسم علم نصیب شد که کتاب احیاء العلوم تصنیف کردم. والله تعالیٰ اعلم بالصواب.

و از حضرت (امام) عبدالملک بن قریب اصمعی (که) تفسیر و حدیث و علوم بسیار (را) مصنّف اوست، قدّس الله سرّهٗ منقول است: هر که اسمِ بیست و سوم یا علّام الغیوب تا آخر با مؤکّلات شبِ چهار شنبه تا جمعه هر شب هزار بار بخواند، حق سبحانه و تعالیٰ او را گنج و دفینه نماید، و کسی که او را سحر کرده باشد، او را نیز ببیند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو الغیث یمنی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم مزبور بعد از نمازِ ظهر هفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از منافقان و فاسقان نگاه دارد. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر بنویسد بر پارهٔ جامهٔ دخترِ بکرِ نا رسیده به بلاغت و باریسمانِ او بسته در گردنِ خروسِ سفید بندد، و آن را رها کند به جائی که به منقار یا به پائی [۷۷ب] زمین را زیر و زبر کند، سحر و دفینه همان جا پیدا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید زاهد، خواب گاهش قصبهٔ سارن، عالم و زاهد و عابد بود، قدّس الله سرّه العزیز، منقول است: هر که اسم بیست و چهارم که جمالی است یا حلیم ذوالانام فلا یعادشیٔ من خلقه اجب یا تنکفیل یا جبرئیل بحق یا حلیم ذوالانام بعد از نماز عشا بر این اسم ملازمت کند، فرزندانِ آدم از مسلم و کافر مطیع و فرمان بردارِ امرِ وی شوند. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) امام الدّین رافعی، که (کتاب) محرّر در فقهِ شافعیه تألیفِ اوست، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم بیست و چهارم یا حلیم ذوالانام تا آخر با مؤکّلات روزِ پنج شنبه نود بار بخواند، دشمن هلاک و سرگردان شود. انشاءالله تعالیٰ.
و آنچه نیّتی دارد، حاصل گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شاه ابو المعالی که کتابِ مونسِ جان تصنیفِ او است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسم مزبور بعد از نمازِ عصر صد بار بر شکر بخواند، و زن را بخوراند، حمل هرگز ضایع نشود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر به آب چاه بشوید، و بخورد، توفیق پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) داؤد حجازی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هر که اسم بیست و پنجم که جلالی است یامعید ما افناه اذا برز الخلایق من مخافتہ اجب یا روبائیل یا خلخائیل بحق یامعید بعد از نماز دیگر پنج روز هر روز صد و چهل بار بی ناغه بخواند، عن قریب الایام خالق الانام اورا از جمیع شداید برهاند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) عامر بن شراحیل حمیری مشهور به امام شعبی، که کفایہ شعبی تالیفِ او است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هر که اسم بیست و پنجم یامعید ما افناه تا آخر با مؤکلات سه روز متواتر نود بار بخواند، عالمِ علوی. و سفلی مکشوف شود، و جملۂ خلق از جن و انس و وحوش و طیور مطیع و فرمان بردارِ او شوند. انشاء اللہ تعالیٰ

و از حضرت ملا احمد ابیوردی که بر قطبی و مطول وغیرها حاشیه دارد، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هر که اسم مذکور روزِ دو شنبه بر پای قبر هزار بار بخواند، دشمنان هلاک شوند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و زیرِ مهرِ انگشت نهد، هر جا که گرسنگی و تشنگی غالب شود، آن را در دهان کند، گرسنگی و تشنگی دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ وجه الدین انصاری شیرازی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هر که اسم بیست و ششم که جلالی است یاحمید الفعال ذاالمن علیٰ جمیع خلقہ بلطفہ اجب یا تنکفیل یا رویائیل بحق یاحمید سه روز هر روز هزار بار بخواند، دعوتِ غیری و سحر و جادو ضرر نرساند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برهان پوری که فتوح الاوراد و مفتاح [ه ۱۷ ا] الصلوٰۃ و حاشیۂ بحر رائق تصنیفِ او است، (قدس اللہ سرہٗ، منقول است): هر که اسم بیست و ششم یاحمید الفعال تا آخر با مؤکلات هفتاد بار بخواند بر شکر، و آن را (به زنی) بخوراند که نکاح قبول کند، یا درمیان زن و مرد مخالفت باشد، آن (زن، را بخوراند، مطیع و فرمان بردار شود، و از بلا های گوناگون خدای تعالیٰ اورا در امانِ خود نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت خواجه خلیل انار، قدس الله سره، منقول است: هر که اسم مزبور از نمازِ عشا صد بار بخواند، رزق و روزیِ او فراخ شود. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر بنویسد و به آبِ چاه بشوید و بخورد، فهم زیادت شود، و نیک بخت گردد. انشاء الله تعالیٰ.[1]

و از حضرت شیخ فخر الدین چشتی بصری، قدس الله سره، منقول است: هر که اسم و هفتم که جمالی است یاعزیز المنیع الغالب علیٰ جمیع امره فلاشیٔ یعادله اجب یا دمائیل سرطائیل بحق یاعزیز بعد از هر نماز این اسم بسیار بخواند، بین الانس والجن عزیز و مکرم گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت خلیل بن احمد الازدی (بصری) النحوی که علم عروض اوّلاً او تصنیف نمود، قدس الله روحه، منقول است: هر که اسم بیست و هفتم یاعزیز المنیع تا آخر با مؤکل روزِ دوشنبه یا شبِ دوشنبه بر مریض هفت بار بخواند، از مرض و رنج و سحر خلاص یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) اخی علی مصری، قدس الله سره، منقول است: هر که اسم مذکور شبِ جمعه در خانه صد بار بخواند. برکت در آن خانه بسیار افتد. انشاءالله تعالیٰ.
و اگر بنویسد و در گورستان دفن کند، دشمنان هلاک شوند. انشاء الله تعالیٰ.
و از حضرت شیخ شهاب الدین ابوحفص عمر السهروردی که اوراد و عوارف المعارف و رشف النصایح و ترجمهٔ آن از (معین الدین معلم یزدی) و اعلام الهدیٰ وغیرها تصنیف او است، قدس الله سره، منقول است: اسم بیست و هشتم که جلالی است یاقاهر ذاالبطش الشدید انت الذی لایطاق انتقامه اجب یا عطرائیل یا کلکائیل بحق یاقاهر هر که هفت روز روزه دارد، و روز میانِ دو قبرِ کهنه نشسته اسم مذکور سه هزار بار بخواند. بعدهٔ در خانهٔ خالی برود. قبر آدم وحوا راست کند، و بر سرِ قبرِ پیش نامِ آدم بنویسد، و بر دیگر نامِ حوا بنویسد، و اسم مذکور

۱- د برگ ۷۵ و این جمله ندارد.

بخواند، و مردی بدر آمدن و رفتن نتواند، در خانه یا در صحن خانه قرین راست کند، و اسم مذکور بخواند. حق تعالیٰ بر اعدای ظاهری و باطنی ظفر دهد. بکرمه وفضله. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ شهاب الدین ابو الفتح یحییٰ مقتول سهروردی شافعی، خواهرزادهٔ شیخ شهاب الدین ابو حفص عمر مذکور که او را جهت کثرت کرامات "مبدیٔ البرایا" گویند، و مؤید با لملکوت" نیز خوانند، و حکمت اشراق [۷۵ب] وهیاکل و مطارحات و مشارع و تلویحات و شرح اشارات و الواح و کلمة البارقة الالهیه و روضة القلوب و تنقیحات اصول فقه و کلیات تصوف و در حکمت[۱] و تسخیرات وعزایم و سبحات العقول والنفوس و العناصر وغیرها تصنیف کرده است، قدس الله سرهٔ، منقول است: هرکه یا قاهر ذاالبطش الشدید تا آخر شب چهار شنبه و شب پنج شنبه و شب آدینه در خانهٔ خالی پنج هزار بار بخواند، دشمن هلاک شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت علی بن عیسیٰ ابوالحسن رمانی النحوی رحمة الله علیه، منقول است: هرکه اسم بیست و هشتم یاقاهر ذاالبطش الشدید تا آخر با مؤکلات شب جمعه نود بار بخواند، خدای تعالیٰ او را معلوم کند که سحر زن یا مرد کرده است بجای فلان. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر در روز جمعه بعد از نماز فجر (این اسم) صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را هیچ غمی از غم ها نرساند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) اخی علی قتلق شاه قزوینی، قدس الله سرهٔ، منقول است: هرکه اسم مزبور بعد از نماز عشا هشتاد بار بخواند، حجاب از دل او برود، و در حقایق الهی دل او کشاده گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد و باعسل بشوید، (و بخورد)، هر علتی که باشد دفع شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید عبدالاول دولتا بادی بخاری که فیض الباری شرح صحیح بخاری و بر فتوحات مکیه از خطبه تا خاتمه حاشیه مشکل کشا نوشته، قدس الله سرهٔ، منقول است:

۱- د برگ ۷۵ ب، ب برگ ۱۰۷ ب وج برگ ۱۰۱ الف. نام کتاب ندارد.

و از حضرت خواجه خلیل انار، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که اسم مزبو[ر]
از نماز عشا صد بار بخواند، رزق و روزیِ او فراخ شود. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر بنویسد و به آب چاه بشوید و بخورد، فهم زیادت شود، و نیک بخت گردد. ان[شاء]
الله تعالیٰ.[1]

و از حضرت شیخ فخر الدین چشتی بصری، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که اسم [بیست]
و هفتم که جمالی است یا عزیز المنیع الغالب علیٰ جمیع امرهٖ فلا شیٔ یعادلہٖ اجب یا ...ئیل
سرطائیل بحق یا عزیز بعد از هر نماز این اسم بسیار بخواند، بین الانس والجن عزیز و مکرّم گ[ردد].
انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت خلیل بن احمد الازدی (بصری) النحوی که علم عروض اوّلاً او تصنیف نم[وده]،
قدس الله روحهٗ، منقول است: هر که اسم بیست و هفتم یا عزیز المنیع تا آخر بامؤ...
روزِ دوشنبه یا شبِ دوشنبه بر مریض هفت بار بخواند، از مرض و رنج و سحر خلاص [یابد].
انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) اخی علی مصری، قدس الله سرهٗ، منقول است: هر که اس[م]
مذکور شبِ جمعه در خانه صد بار بخواند، برکت در آن خانه بسیار افتد. انشاء الله [تعالیٰ].
و اگر بنویسد و در گورستان دفن کند، دشمنان هلاک شوند. انشاء الله تعالیٰ.
و از حضرت شیخ شهاب الدین ابوحفص عمر السهروردی که اوراد و عوارف المعارف و
رشف النصایح و ترجمهٔ آن از (معین الدین معلم یزدی) و اعلام الهدیٰ وغیرها تصنیف او است، قدس الله سر[ه]
منقول است: اسم بیست و هشتم که جلالی است یا قاهر ذاالبطش الشدید انت الذ[ی]
لایطاق انتقامہٖ اجب یا عطرائیل یا کلکائیل بحق یا قاهر هر که هفت روز روزه دارد، و [در]
روز میانِ دو قبرِ کهنه نشسته اسم مذکور سه هزار بار بخواند. بعدهٗ در خانهٔ خالی برود. قبر [آدم]
و حوا راست کند، و بر سرِ قبرِ پیش نامِ آدم بنویسد، و بر دیگر نامِ حوا بنویسد، و اسم مذکو[ر]

۱- در برگ ۱۷۵ این جمله ندارد.

بخواند، و مردی بدر آمدن و رفتن نتواند، در خانه یا در صحن خانه قرین راست کند، و اسم مذکور بخواند. حق تعالیٰ بر اعدای ظاهری و باطنی ظفر دهد. بکرمه و فضله. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ شهاب الدین ابوالفتح یحییٰ مقتول سهروردی شافعی، خواهرزادهٔ شیخ شهاب الدین ابوحفص عمر مذکور که او را جهت کثرت کرامات "مبدئ البرایا" گویند، و "مؤید بالملکوت" نیز خوانند، و حکمت اشراق [۷۵ ب] و هیاکل و مطارحات و مشارع و تلویحات و شرح اشارات و الواح و کلمة البارقة الالهیه و روضة القلوب و تنقیحات اصول فقه و کلیات تصوف و در حکمت[۱] و تسخیرات و عزایم و سبحات العقول و النفوس و العناصر وغیرها تصنیف کرده است، قدس الله سره، منقول است: هرکه یا قاهر ذاالبطش الشدید تا آخر شب چهار شنبه و شب پنج شنبه و شب آدینه در خانهٔ خالی پنج هزار بار بخواند، دشمن هلاک شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت علی بن عیسیٰ ابوالحسن رمانی النحوی رحمة الله علیه، منقول است: هرکه اسم بیست و هشتم یاقاهر ذاالبطش الشدید تا آخر با مؤکلات شب جمعه نود بار بخواند، خدای تعالیٰ او را معلوم کند که سحر زن یا مرد کرده است بجای فلان. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر در روز جمعه بعد از نماز فجر (این اسم) صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را هیچ غمی از غم ها نرساند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) اخی علی قتلق شاه قزوینی، قدس الله سره، منقول است: هرکه اسم مزلور بعد از نماز عشا هشتاد بار بخواند، حجاب از دل او برود، و در حقایق الٰهی دل او کشاده گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد و با عسل بشوید، (و بخورد)، هر علتی که باشد دفع شود. انشاءالله تعالیٰ.

و از حضرت سید عبدالاول دولتابادی بخاری که فیض الباری شرح صحیح بخاری و بر فتوحات مکیه از خطبه تا خاتمه حاشیهٔ مشکل کشا نوشته، قدس الله سره، منقول است:

۱ـ ا و برگ ۷۵ ب، ب برگ ۱۰۷ ب و ج برگ ۱۰۱ و. نام کتاب ندارد.

هر که اسمِ بیست و نهم که جمالی است یا قریب المتعال فوق کل شیٔ علوہٗ ارتفاعہ اجب یا روپائیل یا عزرائیل بحق یاقریب، هفت روز روزه دارد، و هر روز به زیارتِ قبور برود، و بعد از نمازِ ظهر نود بار اسمِ مذکور بخواند، قربِ خدای تعالیٰ حاصل شود، چنانچه اکثر خلق را داعی الی الله تعالیٰ گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ابو حنیفه دینوری منجّم و مورّخ، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسمِ بیست و نهم یاقریب المتعال تا آخر با مؤکّلات بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، دعای او مستجاب شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت باذان بن ساسان پادشاهِ یمن، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مذکور در هر شب سه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را روشنائی در چشم و قلب بسیار پیدا کند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد و پیشِ خود نگاه دارد، هیچ گزنده زیان نرساند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد عبدالوهاب بخاری از نژادِ حضرتِ مخدوم (سیّد جلال) جهانیان (جهانگشت)، قدّس الله سرّهما، منقول است: هر که اسمِ سیم که جلالی است یامذلّ کل جبّارِ عنید[1] به قهر عزیز سلطانه اجب یا مولائیل یا دوریائیل بحق یامذلّ ده روز بخواند، [۷۶ ل] و هر روز هزار بار بخواند، همهٔ اعدا و ظالمان مقهور و مردود و هلاک گردند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت امام اعمش سلیمان بن مهران[2] از اصحابِ حدیث، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ سیم یامذلّ کلّ جبّارِ عنید تا آخر با مؤکّلات برای دفعِ عداوت روزِ پنج شنبه هفتاد بار بخواند، عداوت دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان فیروز شاه (ثالث تغلق) پادشاهِ دهلی، مریدِ مخدوم (سیّد جلال) جهانیانِ جهانگشت، قدّس الله سرّهٗ منقول است: هر که اسم مذکور بر پای قبر هزار بار

۱ـ القرآن الحکیم: ۱۱:۵۹. ۲ـ و برگ ۷۶ ا، ب برگ ۱۰۸ ب و ج برگ ۱۰۲ ل: هرون.

بخواند، دشمنان هلاک شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و باخود نگاه دارد، همه کس و همهٔ حیوانات او را دوست دارند، و همه ازو بترسند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ نور الله قنداری، قدس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسم سی ویکم که جمالی است یانور کل شیٔ و هداه انت الّذی خلق الظلمات بنوره اجب یالوماثیل یا طرطائیل بحق یانور، هفت روز روزه دارد، و هر روز نود بار بخواند، به فرمانِ خدای تعالیٰ فتوحاتِ غیبی پیدا شود، و سعادت بدورِ وی نماید، و کارهای بستهٔ او کشاید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ حمزه اصفهانی که تاریخ "سنی ملوک الارض و الانبیاء" تألیفِ او است، رحمة الله علیه، منقول است، هر که اسم سی ویکم یانور کل شیٔ تا آخر با مؤکلات هشتاد بار بخواند از شرّ دشمنان و ظالمان امین گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان سید معزّ الدین مبارک شاه هندی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مذکور بعد از نمازِ عشا هفت بار بخواند، جملهٔ همّ و غم او دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید حسین دمشقی، قدس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسم سی و دوم که جلالی است یاعالی الشامخ فوق کل شیٔ علوء ارتفاعه اجب یا عطائیل. یا حروزائیل بحق یاعالی، روزِ یکشنبه تا هفته صائم ماند، و شبان روزی دو هزار بار متواتر اسم مذکور بخواند، و از صحبتِ نامحرم احتراز نماید، و عطریات استعمال کند، تا به مرادِ هر دو جهان برسد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جنید بغدادی، استادِ علمِ تصوف، قدس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اسم سی و دوم یاعالی الشامخ تا آخر با مؤکلات روزِ چهارشنبه نود بار بخواند، اگر بخت بسته باشد کشاده گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت جام سکندر، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مذکور روز دوشنبه بعد از نمازِ ظهر هفتاد بار بخواند، خدای تعالی او را از مکرِ مکاران امین گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و دختر را [۷۶ب] بندد، نیز بختِ بسته کشاده گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ صالح سرهندی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است : هر که اسمِ سی و سیوم که مشترک است بینِ جلالی و جمالی یاقدّوس الطاهر من کل سُوءٍ فلاشیٔ بعادلہ من جمیع خلقہ بلطفہ اجب یا روپائیل یا هُمو لائیل بحقِ یاقدّوس چہل روز هر روز دو هزار (بار) بخواند، انقطاع ما سوی الله حاصل شود. و جمیع مخلوقات از اِنس و جن مسخر و مطیع و منقادِ او شوند، و مورث به میزانِ سلیمان، علیه السلام، گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابراهیم جوینی، استادِ علمِ حدیث، قدّس الله روحہ، منقول است: هر که اسمِ سی و سیوم یاقدّوس الطاهر تا آخر با مؤکلات بعد از نمازِ صبح هر روز یک بار بخواند، (خدای تعالیٰ) بیامرزد گناهانِ او خورد و بزرگ و پنهان و آشکارا. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان بدیع الزّمان بن سلطان حسین (میرزا) بایقرا، رحمة الله علیه، منقول است : هر که اسمِ مذکور بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، اگر قرض دار باشد، قرض ادا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و به آبِ باران یا به آبِ چاه بشوید، و بخورد، روشنائی قلب حاصل شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر بر درختی میوه دار، که بَر نکند، بزیرِ او آب بریزد، میوه بسیار کند، و بوستان زمین آبادان شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عبد الله دمشقی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است، هر که اسمِ سی و چهارم که جلالی است یا مُبدیٔ البرایا و معیدها بعد فنائہ و بقدرتہ اجب یا روپائیل یا سرفائیل بحقِ یامبدئ برای دفعِ مرضِ صعبِ دکسی، که از حیات رمیده و بممات رسیده بود، به نیّتِ صحتِ او هفت روز هر روز هزار بار بخواند، به عظمتِ الله تعالیٰ شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابو العبّاس، استادِ علمِ فقہ، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ سی و چهارم یامبدئ البرایا تا آخر با مؤکلات روزِ یکشنبه یا شبِ یکشنبه هزار بار بخواند، دیوان و پریان حاضر شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان مظفّر حسین ابن سلطان حسین میرزا (بایقرا)، رحمة الله علیه، منقول

است: هر که اسم مذکور در شبِ دو شنبه هزار بار بخواند، حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیه و آلهٖ وسلّم، را در خواب بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و با خود نگاه دارد، شرِّ دیوان و پریان زیان نرساند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فتح اللہ شامی، قدّس اللہ سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ سی و پنجم که جلالی است یا جلیل المتکبّر علی کلّ شیئٍ فالعدل امرہٖ والصدق وعدہٖ اجب یا حروزائیل یا طفطائیل بحقِ یا جلیل چهل روز هر روز سه صد بار بخواند، به قدرتِ اللہ تعالیٰ مرادات دارین ومقاصدِ [۷۷و] کونین حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ثعلبه، استادِ نحو و لغت، رحمة اللہ علیه، منقول است: هر که اسمِ سی و پنجم یا جلیل المتکبّر تا آخر با مؤکّلات صد بار بر چشمهٔ آب یا بر چاهی بخواند، آب شیرین و لطیف از آن جا پیدا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شاه حسن ارغون بن شاه بیگ (ارغون) رحمة اللہ علیه، منقول است: هر که اسم مزبور در شبِ دوشنبه هزار بار بخواند، و حاجتِ دنیا و آخرت که از خدای تعالیٰ بخواهد، روا شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و در خود، بندد، زبان شیرین گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ قاسم سمرقندی، قدّس اللہ سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ سی و ششم که جمالی است یا محمود فلا تبلغ الاوهام کلّ ثنائهٖ ومجدہٖ اجب یا لومائیل یا خرخائیل بحقِ یا محمود چهل روز هر روز هزار بار بخواند، همه اسرارِ موجودات و مغیبات منکشف گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و جمیعِ مخفیات از کنوزِ سلاطینِ ماضیه که مدفون باشد، در نظر عیان بنماید، و نیز موت و حیات همه معلوم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمّد بن احمد ابودش، مصنّفِ کافی، رحمة اللہ علیه. منقول است: هر که اسمِ سی و ششم یا محمود فلا تبلغ الاوهام تا آخر با مؤکّلات بعد از نمازِ تهجّد هزار بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از زمرهٔ اولیای اللہ تعالیٰ گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مرزا عیسیٰ ترخان، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مذکور وقت خفتن بر بستر نود بار بخواند، عجایب و غرایب خدای تعالیٰ بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد بر پوستِ آهو به مشک و زعفران، و بر سینهٔ زن یا مرد بندد که درخواب باشد، هر چه به روز رفته باشد، بگوید. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فاضل مصری، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم سی و هفتم که جمالی است یاکریم العفوّ ذوالعدل انت الّذی ملاء کلّ شیٔ عدلہ اجب یا عطرائیل یا بلفائیل بحقِ یاکریم سه روز هر روز هزار بار بخواند، ناگاه یک مردی غیبی پیدا شود که او را باخود همراه کرده دفینه ها بنماید، و آنچه نیّتی دارد، نیز حاصل گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت میران سیّد هاشم، صاحب مناجات، قدّس الله سرّه، منقول است: اسم سی و هفتم یاکریم العفوّ تا آخر با مؤکّلات روزِ پنج شنبه درمیانِ مواشی و حیوانات بار بخواند، درمیانِ ایشان زیادت و برکت بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ابراهیم مجذوب، رحمة الله علیه، منقول است: هر که اسم مذکور بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، عالم الغیب بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و در گردنِ [۷۷ب] یکی از حیوانات بندد، زحمت زایل و دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فضل الله شامی، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که اسم سی و هشتم که جمالی است یاعظیم ذاالثّناء الفاخر العزّ و الکبریا فلا یذل عزّہ اجب یالومائیل طوائیل بحقِ یاعظیم شانزده روز هر روز هزار و یک بار بخواند، از سلاطین و اکابر مال و منال بسیار یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت لیلیٰ و مجنون، رحمة الله علیهما، منقول است: هر که اسم یاعظیم ذاالثّناء تا آخر با مؤکّلات نود بار روزِ دو شنبه بخواند، صاحبِ دنیا و دولت شود، و آنچه از خدای تعالیٰ بخواهد، حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از پدرِ لیلیٰ منقول است: هر که اسم مذکور درشب دو شنبه بعد از نمازِ عشا

صد بار بخواند، محبوب را در آن شب در خواب بیند، و آنچه نیتی دارد، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و با خود نگاه دارد، در برّ و بحر و در حضر و سفر از آفاتِ کلی ایمن باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ احمد همدانی، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم سی و نهم که جمالی است یا قریب المجیب المدانی دون کل شئ قربہ اجب یا لحمائیل یا جبرئیل بحق یاقریب یازده روز هر روز هزار و چهل بار بخواند، جمله حاسدان و معاندان و بدخواهان و ظالمان مطیع و مامور و منقاد او شوند، و از وسواسِ خناس و کید و مکرِ نفسِ امّاره برهد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید فیض اللہ (بخاری)، که سیرنامۂ مخدوم (سید جلال) جهانیان (جهانگشت)، تصنیف کرده، قدس اللہ روحہٗ، منقول است: هر که اسمِ سی و نهم یا قریب المجیب المدانی تا آخر با مؤکلات هزار بار بخواند، مشاهدۂ خدای تعالیٰ ببیند، و بیا مرزد خدای تعالیٰ او را پیش ازان که عدد تمام نکرده باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و در اعتکاف از پدرِ خود که مهبطِ انوار اللہ و مظهرِ اسرار اللہ، خلیفۂ رسول اللہ، مجلسیِ محمدِ مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، صاحب العلم والحلم والشجاعۃ سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرّہٗ، شنیده بودم که حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، مرا علمِ ظاهری و باطنی و علمِ اولین و آخرین در اعتکاف آموخت.

و از پدرِ خود شنیدم [۷۸ ا] که هر که یاقریب المجیب المدانی تا آخر با مؤکلات ده روزِ آخرِ ماهِ رمضان در اعتکاف مع ترکِ حیواناتِ جلالی و جمالی بخواند، و هر روز و شب به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل پنج هزار بار بخواند، علمِ اولین و آخرین همه معلوم گردد، و به مجلسِ حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، مشرف شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید شکر اللہ بن سید حاجی حمید نظام الدین بخاری، جدِ سید عثمان بن سید

داؤد بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هرکه اسم یاقریب المجیب المدانی تا آخر با مؤکلات در مقام (کهنه) یا در بیابان هفت هزار بار بخواند، جمله جن و انس و طیور و وحوش خادم و مطیع و فرمان بردار او شوند؛ و آنچه ازان ها خواهد، بیارند و با حضرتِ سلیمان، علیٰ نبینا و علیه الصلوٰة و السلام و آلهما، نیز مشرف شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر بنویسد، و با خود نگاه دارد، و در کشتی سوار شود، سلامت باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سید السادات، کاشف العلم و الکمالات سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هرکه اسم چهلم که جلالی است یا عجیب الصنایع فلا تنطق الانس بکل الآئه و نعمائه اجب یالوخائیل یا دردائیل بحق یا عجیب، ده روز روزه دارد، و هر روز هزار و چهل بار اسم مذکور بخواند، هیچ آفریده از عوام و خواص و پادشاه و درویش با او سخن بد نتوانند گفت، و زبانِ خلایق از بدی گفتنِ او بسته شود. انشاء اللہ تعالیٰ

اگرچه در غیبتِ او هزار سخن بگویند، چون در پیشِ مسبح آید، مُهرِ سکوت بر دهان گیرند، و هرچه از زبانِ مسبح بیرون آید، هم پسندیدهٔ شریعت و طریقت باشد، و هیچ وقت کلام نامشروع از زبانِ او عمداً و نسیاناً بیرون نیاید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و نقل است از سید راجو شاگردِ (سید علی اکبر) بن سید حامد (قتال) بخاری که استادِ من سیادت و نقابت پناه، شرافت و نجابت دستگاه، صاحب العلم والحلم والشجاعة سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہٗ، گاهی چهل روز و گاهی ده روزِ آخر در هر ماهِ رمضان به اعتکاف نشستن عادت داشت، و در رمضان سنهٔ ۱۰۵۱ هجری[1] بنا بر ضعفِ بیماری اعتکاف از دستِ سیدِ مذکور فوت شد. عوضِ آن ده روز اول ماه ذوالحجه سنهٔ ۱۰۵۱ (هجری) بخواندنِ دعوتِ سیف اللہ و بخواندنِ اسم مذکور در مقامِ (کهنه) شهرِ تته پیشِ قبرِ برادرِ خود

ا۔ سید عثمان بخاری پدرِ مؤلفِ کتاب حاضر تا اواخر سالِ ۱۰۵۱ زنده بود، و برادرش سید یوسف فوت شده و در شهرِ تته مدفون بود.

سید یوسف بن سید داؤد بخاری که در مقامِ مخدوم آدم و محمود راصوتی است، به اعتکاف نشست. روزِ پنج شنبه یک شخص پیشِ سید آمده گفت: یا سید عثمان! مرا دعا کن که در رزق و روزی زیادت شود.

[۷۸ ب] شبِ جمعه که به تاریخِ نهم ماهِ مذکور بود، در واقعه جانبِ سرِ قبرِ برادر سیدِ مذکور این مشاهده شد که حضرتِ شفیع المذنبین و خاتم النّبیین حضرتِ محمدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، جانبِ سرِ قبرِ سید یوسف بن سید داؤد بخاری ایستاده، و جانبِ یمین حضرتِ سرورِ انبیاء علیه التّحیة و البرکة والصّلوٰة والسّلام و الثّناء، حضرت شیخ محی الدّین قدّس الله سرّهٗ ایستاده، و جانبِ یسارِ سید یوسفِ مذکور ایستاده، حضرت سرورِ انبیاء علیه التّحیة والثّناء، فرمود:

یا شیخ محی الدّین! طالب الدّنیا لایکون طالب المولیٰ.

شیخ گفت: نعم! یا رسول الله!.

بعد ازان فرمود: یا سید یوسف! من طلب الدّنیا هلک و من طلب الآخرة ملک.

سید گفت: صدق یا رسول الله!.

بعدهٗ به جانبِ سید عثمان فرمود: یاولدی! کن فی الدّنیا کانّک غریب او عابر السبیل وعد نفسک من اصحاب القبور، ومن قرء: وَاُفَوِّضُ اَمْرِیْٓ اِلَی اللّٰہِ اِنَّ اللّٰہَ بَصِیْرٌۢ بِالْعِبَادِ[1] بعد کلّ صلوٰة احد عشر مرات قضی الله تعالیٰ کلّ حاجة من الدّنیا والآخرة.

در وقتِ اعتکاف فقیر راجو شاگردِ (سید علی اکبر) بن سید حامد (قتّال) بخاری به خدمتِ سیدِ مذکور حاضر بود، و این واقعه شنید و دید؛ و بعد از واقعهٔ مذکور در محلِ نزولِ شانِ اشارتِ قدم‌ها نمود که هرکس ادب آن محل نگاه دارد. والله تعالیٰ اعلم بالصّواب.

و از زبانِ مبارکِ گوهر فشانِ استادِ من سیادت و نقابت پناه میران سید عثمان

۱- القرآن الحکیم: ۴۰ : ۴۴.

بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہٗ شنیدہ بودم کہ ہر کہ دہ روز ہر روز و هر شب پنج هزار بار اسم مذکور بخواند، همه مرادات دو جهانی حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ. و زبان همه خلق از بدگفتنِ وی بسته گردد، و خلایق بدو محتاج شوند، و هفصد هزار عجایب و غرایب که در هیچ جای کسی ندیده باشد و نشنیده، آن چیزها بر او منکشف گردد، و چشمه های علم و حکمت در دلِ وی پیدا شود، و هر اشکالی که از وی پرسند، حل کند به فرمان اللہ تعالیٰ و هر دعائی که کند مستجاب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و ... وفاتِ سید عثمان بخاری از حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیه و آله وسلم شنیده ... آن این شعر فقیر گفته: شعر

هر که زیارت ... به گورِ شاه عثمان امید برین است که شود جمله حاجات روان

هر که بخواهد که مرا علم شود، برود سوی مقامی زیارتِ شاه عثمان بکند

این ... گفتار شنیدم از رسول با یقینِ دل بدان، تا شوی مقبول[1]

و از حضرت سید السادات سید شهاب [۷۹ ا] الدین بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: هر که اسم چهل و یکم که جلالی است یا غیاثی عند کل کربة و معاذی عند کل شدة و مجیبی عند کل دعوة و مونسی فی کل وحشة و رجائی حین تنقطع حیلتی اجب یا لوخائیل یا دردائیل بحق (یا غیاث) دکشلیلخ و استجب دعائی یا غیاث المستغیثین اغثنی یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ وَ هُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ[2] روزِ دوشنبه بعد از نمازِ صبح هزار بار بخواند، در هر کاری که درمانده باشد، و یا در دستِ ظالمی گرفتار شده باشد، و یا در زندانِ حبس افتاده باشد، خدای تعالیٰ همه کارهای (او) حاصل کند، و (او) از همه رنج ها تخلیص یابد، و قبولِ دل ها گردد، و دولتِ ابدی و نعمتِ سرمدی (به او) روی نماید. انشاء اللہ تعالیٰ.

و فضیلتِ چهل اسم در کتابِ جواهرِ خمسه (تألیفِ شیخ حاجی حمید معروف به شیخ محمد

۱- این سه بیت نیز از وزن خارج است (رک به حاشیه ۵ صفحه ۱۲۷ جواهر دوم). ۲- القرآن الحکیم: ۴۲، ۱۱.

غوث) نیز بسیار است، امّا فقیر از بزرگانِ مرحوم اندک شنیده نوشت، و گفتند: اگر فضیلت یک اسم بیان کنیم، تمامِ عمر در نوشتن بگذرد، و فضایلِ هر اسمی هزار در هزار است. والله تعالیٰ اعلم بالصّواب.[1]

و فضیلتِ نود و نُہ نام و فضیلتِ حلیۂ حضرت پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، بسیار است.

چنانچه از حضرت شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی، قدّس الله سرّهٗ العزیز، منقول است: هر که نود و نُہ نام هر روز و هر شب یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از جمیع بلاهای گوناگون نگاه دارد، و ایمانِ او همیشه سلامت باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت قطب العالم مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس الله تعالیٰ سرّهٗ، منقول است: هر که نود و نُہ نام بعد از نمازِ فجر یک بار بخواند، بیامرزد خدای تعالیٰ او را گناهانِ خورد و بزرگ، پنهان و آشکارا. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان سیّد محمود ناصر الدّین بخاری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که نود و نُہ نام بعد از نمازِ ظهر هفت بار بخواند هیچ درنده و پرنده (او را) زیان نرساند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد فیض الله بخاری که سیر نامۂ مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس الله سرّهٗ، تصنیف کرده است، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که نود و نُہ نام بعد از نمازِ عصر نُہ بار بخواند، هدایتِ خدای تعالیٰ (به او) نصیب شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مولانا نامی که کتابِ عجوبه تصنیف کرده است که دران پنج گلشن ذکر کرده:

گلشنِ اوّل در بیانِ معجزاتِ حضرتِ سرورِ کائنات، علیه افضل الصّلوٰة و اکمل التحیّات، صلی الله علیه و آله وسلّم، و کراماتِ اولیای عظام، قدّس الله اسرارهم.

۱- ا برگ ۷۷ ب، ب برگ ۱۱۱ (و ب، و ج ۶۲. ا ب و ۵۵. ا و این جملات را اشتباهاً بعد از فضیلتِ اسم سی و نهم یا قریب آورده.

چنانچه گلی ازین گلشن آورده است که:

حضرت قطب العالم میران سید جلال بخاری، قدس الله سره که معروف به مخدوم جهانیان (جهانگشت) است، مسافرت بسیار کرده بود، و سبز فام رسید، وکسی که سیر می کند رُو بسیاهی یعنی "سبز فام" می شود.

چون به زیارت مکّه رفت، سادات مکّه در سیادت او شبهه آوردند که سید سیاه فام نمی شود. چون مباحثه باهم کردند. مخدوم میر گفت که به روضهٔ مطهرهٔ [۷۹ب] جدّ خود (حضرت رسول)، صلی الله علیه و آله وسلم، برویم، و فریاد کنیم تا برکه جواب آید؟

به مدینه رفتند پیش سید سرور کائنات، صلی الله تعالیٰ علیه و آله و صحبه وبارک وسلم.

همه یگان بار فریاد کردند که السلام علیک یا جدّی! چون نوبت به مخدوم جهانیان (جهانگشت) رسید، فریاد کردند که السلام علیک یا جدّی! از درون روضهٔ متبرکهٔ مقدسه آواز برآمد که: علیک السلام یا ولدی! همه را بر ایشان عقیده و اعتقاد تمام شد.

و ایشان قدم مبارک حضرت رسول، صلی الله علیه و آله وسلم را از مدینه به دهلی آوردند و این گل و دیگر گل بزرگان در کتاب مجوبه بسیار است.

و از حضرت مولانا نامی[1]، قدس الله سره، فرموده است: هرکه نود و نُه نام حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلم، بعد از نماز شام یازده بار بخواند، خدای تعالیٰ او را علم وحلم و معرفت عطا کند. انشاء الله تعالیٰ.

و در رساله سید شرف الدین مشهدی آورده است که حضرت مخدوم سید جلال بخاری معروف به مخدوم جهانیان (جهانگشت)، قدس الله سره، هفت حج کرده بود، و هر بار که به زیارت (روضهٔ مبارک) حضرت محمّد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، رفتی و گفتی: السلام علیک یا جدّی! از درون روضهٔ مبارک آواز بلند برآمدی که: علیک السلام یا ولدی!

ونزدیک روضهٔ مبارک به ورد نود و نُه نام حضرت محمّد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم مشغول

۱- ا برگ ۷۹ب: ب برگ ۱۱۴ا و ج برگ ۱۰۷ب فاضی.

شدی، و در روضهٔ مقدّسه از زبانِ مبارکِ حضرتِ قطب العالم، کاشف اللّوح و القلم مخدوم سیّد جلال جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللہ سرّهُ العزیز، شنیدم که حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیه و آلهٖ وسلّم، فرمود: هر که نود و نُه نام بعد از نمازِ عشا دوازده بار بخواند، من ضامن او در بهشت باشم که البتّه البتّه او را با خود همراه کرده در بهشت روم، و او نمیرد تا جای خود در بهشت نبیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و فضیلتِ نود و نُه نام بسیار است، امّا اندک نوشتم، تا خواننده ملول نشود. واللہ تعالیٰ اعلم بالصّواب.

و نود و نُه نام حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیه و آلهٖ وسلّم، این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم. خیر الاسماء بعد از اسماءِ اللہ تعالیٰ اسماءِ سیّد البشر، صلی اللہ علیه و آلهٖ وسلّم. وهو:

احمد	محمّد	حامد	محمود	مسعود	قاسم	عاقب	خاتم
ناشر	حاشر	نُور	حُجّة	عادل	حکیم	بیان	برهان
سلطان	مؤمن	مطیع	مذکّر	واعظ	امین	صادق	ناطق
صاحب	مکّی	مدنی	تهامی	ابطحی	عربی	هاشمی	قریشی
حجازی	مضری	سیّد/ناج	تاج	سراج	منیر	بشیر	نذیر
داع	هاد [۸۰ ل]	مهتد	رسول	نبی	طٰهٰ	یٰسین	مزمّل
مدثّر	صفی	خلیل	کلیم	حبیب	مختار	مصطفیٰ	قائم
ناصر	حافظ	شهید	مقتصد	مهدی	سابق	حق	مبین
اوّل	آخر	ظاهر	باطن	رحمة	شافع	شفیع	مشفّع
مجلّل	محرم	آمر	ناه	مجتبیٰ	مرتضیٰ	معلیٰ	مزکّیٰ
قریب	نصیر	اُمّی	عزیز	رؤف	حریص	رحیم	یتیم

غنی	جواد	فتّاح	عالم	طیّب/مطیب	طاهر	مطهر	رشید
متق	امام	بار	شریف	خطیب	لطیف	فصیح	شکور
شفا	متوسّط	مجیب/حکیم	رفیق	برّ	عظیم	غفور	حمید
ماح	منیب	مبلّغ	ولی	اولیٰ	عبداللّٰه[1]	-	-

اکثرها فی القرآن، و یقال اسمه بالسریانیة المنحمنا[2] و بالرومیّة البرقلیطس، و فی التوریة طاب طاب، و فی الانجیل میل میل، و فی الزّبور فارقلیطا، و فی السّماء احمد، و فی الارض محمّد، و فی تحت الثّری محمود، و فی الجنّة قاسم، و فی النّار داع، و عند الملائکة محمود، و عند الجنّ عبدالجبّار، و عند حملة العرش رؤف، و عندالله تعالیٰ رحمة للعالمین فذلک والله نبیّنا محمّد، صلی الله علیه و آله وسلّم، الّذی اسمه محمّد، و فی السّماء الدّنیا احمد، و فی الثّانی حامد، و فی الثّالث محمود، و فی الرّابع مصطفیٰ، و فی الخامس مجتبیٰ، و فی السّادس صفی، و فی السّابع نبی نجی، و عند سدرة المنتهیٰ حبیب، و عند السّباع عبدالقادر، و عند الوحوش عبدالباعث، و عندالهوام عبدالسّتار، و عند الأنعام عبدالقهّار، و فی البحار عبدالغیاث، و فی القفار عبدالمغیث، و فی القرآن طٰه و یٰسٓ و رحمة للعالمین، شمس الانبیا والمرسلین، سراج العابدین، شفیع المذنبین، سیّد العالمین، امام المتّقین، رسول ربّ العالمین، محمّد خیر خلق الله محمّد ذاکر الله محمّد امانة الله محمّد کرامة الله محمّد نبی الله محمّد حجة الله محمّد شفاعة الله محمّد حبیب الله محمّد رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلّم؛

محمّد بن عبدالله بن عبدالمطّلب بن هاشم بن عبدالمناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان؛

والنّسب الیٰ عدنان متفق علیٰ صحته، و ما بعده مختلف فیه. یعنی در نسب حضرت

۱- د برگ ۷۹ ب و ۸۰ الف، ب برگ ۱۱۸ الف ب و ۱۱۵ الف، و ج برگ ۱۰۸ الف بجای ۹۹ نام حضرت محمّد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، ۱۲۱ نام آورده. ۲- د برگ ۸۰ الف ب برگ ۱۱۵ الف و ج برگ ۱۰۸ الف: المنحمنا.

رسالت پناه، صلی الله تعالیٰ علیه و آله وسلّم، نام‌ها تا عدنان به قولِ جمیع علمای متفق صحیح است، و بعد نسب دیگر نام [۸۰ ب] تا آدم، علیه السلام، اختلاف است:

و عدنان بن اُدّ (یا ادد) بن مقوّم بن ناحور بن تیرح بن یعرب بن یشجب بن نابت بن اسماعیل بن ابراهیم خلیل الرّحمٰن بن تارخ و هو آذر بن ناحور بن ساروغ بن راعو بن فالخ بن عیبر بن شالخ بن ارفخشذ بن سام بن نوح علیه السّلام بن لمک بن متوشلخ بن اخنوخ و هو ادریس بن یرد بن مهلیل بن قینن بن یانش بن شیث بن آدم (ابوالبشر) علیه السّلام).[1]

و محمّد، صلی الله علیه و آله وسلّم، اصله آدمی ونسبه ابراهیمی و شخصیه عُلوی و نوره قمری و بقعته، حجازی، رسول الثّقلین و نبی الحرمین.

والعشرة المبشّرة ابوبکر الصّدیق و عمر الفاروق و عثمان بن عفّان و علی المرتضیٰ وطلحه و زبیر و سعد و سعید و عبدالرّحمٰن بن عوف و ابو عبیده بن الجرّاح، رضی الله تعالیٰ عنهم اجمعین، حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ وَنِعْمَ الْمَوْلىٰ وَنِعْمَ النَّصِيْرُ.[2]

الٰهی بحق هذه الاسماء الحسنیٰ و بحق صفاته العلیٰ ان تغفرلنا ولوالدینا و الاستاذنا والمعلّمنا ولجمیع المؤمنین و المؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات، و صلی الله علیٰ سیّدنا محمّد و آله و اصحابه و اہلِ بیته و بارک وسلّم کثیراً کثیرا. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

اسنادِ شمایل نامه یعنی حلیهٔ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم، نیز بسیار است.

چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین حضرت امام سیّد حسن، رضی الله تعالیٰ عنه، منقول است: که چهار یار برگزیده، رضوان الله تعالیٰ علیهم اجمعین، در وقتِ رحلت حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، می گریستند، و می گفتند: که مایان بی جمالِ جهان آرای

۱- در ابرگ ۸۰ب، ب برگ ۱۰۸الف، د ج برگ ۱۰۸ب و ۱۰۹ الف نام ها از عدنان تا حضرت آدم علیه السّلام بسیار غلط بود. ما در متن نام های صحیح را از کتاب السیرة النبویة لابن هشام، الجزء الاول مطبوعه مصر ۱۹۵۵ء، ص ۱ تا ۲ آورده‌ایم.

۲- القرآن الحکیم: ۸، ۴۰.

شما چگونه خواهیم بود.؟

حضرتِ رسالت پناه، صلی اللّٰه علیه و آلہ وسلّم، فرمود: کہ ای یارانِ من و ای دوستدارانِ من! بنویسید این شمایل نامۂ مرا و برخود نگاه دارید، و هر کہ از امتانِ من این شمایل نامہ را برخود داشتہ باشد، گویا روی مرا دیده باشد؛ و هر کہ روی مرا دیده باشد، آتش دوزخ بر وی و بر اهل و عیالِ وی حرام باشد؛ و در پیشِ پادشاهان و ملوکان معزز و مکرّم باشد.

و اگر بہ سفر رود، بہ سلامت باز بہ وطنِ خود باز آید؛ و اگر بہ جنگ رود، فتح و نصرت یابد.

و از شرِّ دیوان و پریان و از جملہ علت های گوناگون آن کس در امانتِ خدای تعالیٰ بوده باشد؛ و در روزِ قیامت رُوی او چون ماهِ شبِ چهاردهم تابان باشد.

و خلقِ اوّلین و آخرین گویند: ای بارِ خدایا! این کدام پیغمبر است کہ بہ این عزیمت می برند؟ ندا رسید کہ این پیغمبر نیست، و ولی نیست [۱۸۱] این آن کس است کہ شمایل نامۂ حضرتِ پیغمبر، علیہ الصّلوٰة والسّلام و علیٰ آلہ، برخود نگاه داشتہ بود.

و در قبر همراهِ هرکس از اُمتانِ من این "شمایل نامہ" باشد، بہ او در قبر عذاب نباشد، و قبرِ او روضہ من ریاض الجنّة گردد.

و هر کہ بعد از نمازِ بامداد بیند صد حج گذارده باشد؛ و هر کہ بعد از نمازِ ظهر بیند سیصد حج گذارده باشد؛ و هر کہ بعد از نمازِ دیگر بیند پانصد حج گذارده باشد، و هر کہ بعد از نمازِ شام بیند هفصد حج گذارده باشد؛ و هر کہ بعد از نمازِ خفتن بیند هزار حج گذارده باشد؛ و هزار ختمِ قرآن کرده باشد؛ و هزار برده را در راهِ خدای تعالیٰ آزاد کرده باشد؛ و هزار فقرا را طعام داده باشد؛ و هزار مسجد بنا کرده باشد؛ و هر کہ در این سخن شک آرد، کافر گردد. نعوذ باللّٰه منها.

حلیہ و چهره و شمایلِ حضرتِ پیغمبر، صلی اللّٰه علیہ و آلہ وسلّم، این است:

بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَسْمَرُ بَیَاضِ اللَّوْنِ یعنی گندم گون بودند و سفید آمیز آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم	وَاسِعُ الْجُبْهَةِ یعنی کشاده پیشانی بودند آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم	اَزَجُّ الْحَوَاجِبِ یعنی باریک ابرو بودند آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم	اَفْلَجُ الْاَسْنَانِ یعنی کشاده دندان بودند آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم
اِنَّہٗ اَمْلَحُ یعنی نمکین بودند آنحضرت صلی اللہ علیہٖ آلہ وسلّم	اَسْوَدُ الْعَیْنِ یعنی سیاه چشم بودند آنحضرت صلی اللہ علیہٖ آلہ وسلّم	مُجْتَمِعُ اللِّحْیَةِ یعنی گرد محاسن بودند آنحضرت صلی اللہ علیہٖ و آلہ وسلّم	اَقْنَی الْاَنْفِ یعنی بلند بینی بودند آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم
طَوِیْلُ الْیَدَیْنِ یعنی دراز بودند دو دست آنحضرت صلی اللہ علیہٖ آلہ وسلّم	رَقِیْقُ الْاَنَامِلِ یعنی باریک انگشتان بودند آنحضرت صلی اللہ علیہٖ آلہ وسلّم	تَامُّ الْقَدِّ یعنی نہ دراز و نہ کوتاه میانہ قد بودند آنحضرت صلی اللہ علیہٖ آلہ وسلّم	لَیْسَ فِیْ بَدَنِہٖ شَعْرٌ یعنی نبود در بدن موی آن سرور آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم
اِلَّا الْخَطُّ مگر خط کشیده	مِنَ الصَّدْرِ مقابلہ سینہ آنحضرت صلی اللہ علیہٖ آلہ وسلّم	اِلَی السُّرَّةِ تا بہ ناف آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم	—

و صلی اللہ تعالیٰ علیٰ خیر خلقہٖ محمد و آلہ و اصحابہ [۸۱ ب] اجمعین. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و در جای دیگر نوشتہ: اسمر اللون بہ بیاض، مدوّر الوجہ. مائل رحب الجبہۃ، اَزَج ابلج املح الکحل، اشہل ادعج العین، افلج مجتمع اللحیۃ تام القدِ، رقیق الانامل، لیس فی بدنہٖ شعر الا کالخطّ من الصّدرِ الی السُّرَّۃِ، طویل الیدین.

و در نسخۂ دیگر است: فخما مفخما یتلالا، وجہہ کما یتلالا ء القمر لیلۃ البدر، عظیم الھامۃ، رجلُ الشعرِ ازھر اللونِ، واسع الجبہۃ اَزَج الحواجب، اَشم الانف، کث اللحیۃ سہل الخدین ضلیع الفمِ مفلج الاسنان کان فی وجہہٖ تدویرٌ اھدب الاشفار، اجعد الشَّعْر رحب الراحۃ، طویل الزّندین، سواءُ البطن و الصّدر، اطول من المربوعِ، اقصر من المشرب.

و در نسخهٔ دیگر: عظیم المنکبین، شثن الکفین، قامتہ بین القامتین، اقنی الانف، بنی الحرین، نبی الرحمۃ، و شفیع الامۃ، و عالی الھمۃ، فصیح اللسان، طلق البیان، حسن الخلق، جمید الخلق، جمیل الذکر، طیب العرق، حلو الکلام، مظہر الشرائع، ناسخ الملل، خاتم النبیین و شفیع المذنبین، کثیر الحیاء، دائم البقاء، کثیر الذکر، کاتم السر، جزیل العطا، امین السماء، صاحب الآیات والمعجزات، غافر العثرات، کاتم المصیبات، قامع الشہوات، صوم النہار، قوام اللیل، ناصر البررۃ، قاتل الفجرۃ، قلیل الضحک، کثیر التبسم، قلیل التنعم، رزین العقل، عفیف النفس، صحیح القول، اطیب الناس ریحًا، اسمح الناس کفا فی قدمیہ الی قرنہ نورٌ و بین کتفیہ خاتم النبوۃ و فیہ مکتوب. لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰہِ.

وهم چنین در شواهد النبوة مذکور است، فاما شیخ عبدالحق دهلوی، رحمة الله علیه در شرح مشکوٰة نقل می کند که مکتوب فیه الله وحده لاشریک له توجه حیث کنت فانک منصور. والله تعالیٰ اعلم.

لم یر حد مثلہ قبلہ و لا بعدہ صلی اللہ علیہ وسلم، جعلہ اللہ تعالیٰ رسولاً و بعثہ نبیًا ولہ اربعون سنۃً و ولد لیلۃ الاثنین لاثنتی عشرۃ لیلۃً خلت من ربیع الاول اخبر الذئب عن رسالتہ و انصب عن نبوتہ و نبع الماء بین اصابعہ اَسْرٰی بِعَبْدِہٖ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَی الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا [1] ثم الی ماشاء اللہ تعالیٰ من العلیٰ و اراہ اللہ تعالیٰ فی الیقظۃ عجایب السموات والارضین وخصصہ بالمشاھدۃ بالبصر لذاتہ الکریمۃ و اعطاہ اللہ تعالیٰ جمیع خصائص الانبیاء السابقین و اکمل الخلائق فی مکۃ المعظمہ ثلث عشر سنۃً [۱۸۲] و فی المدینۃ المنورۃ عشر سنۃً، وکان وفاتہ لاثنتی عشرۃ یومًا مضی من ربیع الاول فارق الدنیا ولہ من العمر ثلث وستون سنۃ، ولم یلتفت منہا الا الی شیٔ وھو قولہ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلم، حبب الی من دنیا کم ثلث الطیب والنساء وقرۃ عینی فی الصلوٰۃ، صلی اللہ تعالیٰ وتبارک علیٰ سیدنا محمد وآلہ و اصحابہ و اولادہ و ازواجہ و ذریاتہ و اھل بیتہ و عترتہ وعشیرتہ و اُمتہ و بارک وسلم تسلیمًا کثیرًا کثیرا برحمتک یا ارحم الراحمین.

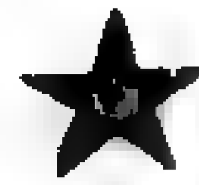
۱۔ القرآن الحکیم: ۱۷:۱۔

و هر که حلیهٔ حضرت پیغمبر، صلی الله تعالیٰ علیه و علیٰ آله وسلم، را در پیراهنِ کفن دوزیده با خود همراه کرده در مقامِ (کهنه ـ گورستان) رود، هزار ملائکه پشتِ جنازهٔ او همراه شوند، و نمازِ جنازه کنند، و مغفرت خواهند تا روزِ قیامت. انشاء الله تعالیٰ. والله سبحانهٔ و تعالیٰ اعلم بالصواب.

و از حضرتِ ابوبکر صدیق، رضی الله تعالیٰ عنهٔ، منقول است: هر که این مُهرِ نبوتِ حضرت پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلم، در کفنِ خود و یا در قبرِ خود بنهد، (او را) عذابِ گور هرگز نباشد، و خدای تعالیٰ او را بیامرزد گناهانِ خود و بزرگ و پنهان و آشکارا، و پُرنور گرداند قبرِ او را از رحمتِ خود. انشاء الله تعالیٰ.

مُهرِ نبوت

	مهر	مهر		
	یاالله	یارحمن	یارحیم	
مهر				نبوة
	یاکریم	یاحیّ	یاقیوم	
مهر				نبوة
	یاحنان	یامنان	یادیان	
مهر				نبوة
	یاسبحان	یاسلطان	یابرهان	
		نبوة	نبوة	



جواهر چهارم

در فضیلتِ درود بر سرورِ کائنات، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، و خرقۂ خلافتِ پیرانِ بخاریان، علیہم الرحمۃ والرضوان، و قدم و نعلِ مبارکِ حضرتِ پیغمبر، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، کہ بزرگان را، رحمۃ اللہ علیہم، منقول عنہ شدہ است.

جواهرِ چهارم

در فضیلتِ درود بر سرورِ کائنات، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، و خرقۂ خلافتِ پیرانِ بخاریان، علیہم الرّحمۃ والرّضوان، و قدم و نعلِ مبارکِ حضرتِ پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، کہ بزرگان را، رحمۃ اللہ علیہم، منقول عنہ شدہ است.

X در کتاب جامع العلوم و در کتاب شجرۃ العالم نوشتہ است کہ چون مخدوم سیّد جلال جہانیان جہانگشت، قدّس اللہ سرّہٗ، در روضۂ مبارکِ حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، درآمد، وگفت: السّلام علیک یا جدّی! یا جدّی!

از روضۂ مبارکِ پاک جواب برآمد: و علیک السّلام یا ولدی! یا ولدی! من قرءَ ہٰذہ الصّلوٰۃ: اللّٰہم صلّ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد و اہلِ بیتہٖ و اصحابہٖ و احبائہٖ و بارک وسلّم، علیہ مرّۃ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ مائۃ الف الف مرّۃ و قضی اللہ تعالیٰ کلّ حاجۃ من الدّنیا والآخرۃ.

چنانچہ ہمہ یاران و مریدان و مجاوران نیز شنیدند.

و از حضرت (سیّد جلال، مخدومِ جہانیان جہانگشت، قدّس اللہ تعالیٰ سرّہٗ، منقول است: کہ چون فقیر بہ این صلوٰۃ مشغول شد، ہمہ [۸۲ ب] حجاب ظاہری و باطنی دُور شد.

بعدہٗ حکمِ حضرتِ رسالتِ پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، بہ طرفِ بیت المقدس شد کہ در آن جا یک لک و بیست و چہار ہزار پیغمبران بودند. سرِ ایشان حضرتِ مہتر ابراہیم خلیل الرّحمٰن، علیہ السّلام.

و در سیرنامۂ مخدوم سید جلال جہانیانِ جہانگشت، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، نیز مذکور است.

و مخدوم سید جلال جہانیان (جہانگشت)، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، تمام عالم از مغرب تا بہ مشرق سیر کردہ، و در آسمان از عرش تا بہ کرسی نیز. و در اُچ دہم ماہِ ذی الحجّہ بعد از نمازِ عید قربانی از دارالفنا بدار البقا رحلت فرمودند سنۂ ہفصد و ہشتاد و پنج (۷۸۵) سال از ہجرتِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللّٰہ تعالیٰ علیہ و آلہٖ وسلّم. واللّٰہ تعالیٰ اعلم بالصّواب.

و از حضرت (سید جلال) مخدومِ جہانیان (جہانگشت) قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است کہ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم، فرمودہ است: من صلّی علیّ مرّۃ واحدۃ صلی اللّٰہ علیہ عشر مرّۃً. یعنی حضرت پیغمبر گفت، صلی اللّٰہ تعالیٰ علیہ و آلہٖ وسلّم: ہر کہ یک بار درود بر من فرستد، خدای تعالیٰ بروی دہ بار درود فرستد.

و در اورادِ معظّم و مکرّم حضرتِ قطب عالم مخدومِ جہانیان (جہانگشت) سید جلال بخاری، قدّس اللّٰہ سرّہٗ العزیز، فرمودہ اند: ہر مومنی کہ این درود (بر) سید عالم، صلوات اللّٰہ تعالیٰ و سلامہ علیہ و علیٰ آلہٖ، بخواند، گویا کہ حج کردہ باشد. حق سبحانہ و تعالیٰ ثوابِ حج در اعمالِ آن بنویساند.

و ہر کہ بر خود بدارد، او از جملہ بلاہای دنیا و آخرت ایمن گردد، و در عقبیٰ ہمسایگیِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللّٰہ تعالیٰ علیہ و آلہٖ وسلّم، یابد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

درود معظّم و مکرّم این است:

بسم اللّٰہ الرّحمٰن الرّحیم.

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا محمّدنِ العربی. الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا محمّدنِ القریشی. الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا محمّدنِ المکّی. الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا محمّد نبی اللّٰہ۔ الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا حبیب اللّٰہ. الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا جدّ الحسن والحسین۔ الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا اب الفاطمۃ الزہراء. الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا صاحب المنبر والمعراج محمّد رسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم.

(و از حضرت) سیدالسادات سلطان الموحّدین سلطان سید احمد کبیر بن سلطان سید

جلال بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ العزیز، منقول است: ہر کہ این درود بر سیّدِ عالم، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہٖ وسلّم، بخواند، بہ مقصود رسد، و از دنیا با ایمان رود. انشاءاللہ تعالیٰ.

درودِ معظّم این است:

[۸۴۲ و] بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰھم صلّ علیٰ محمّدٍ ما دامت الصّلوٰۃ. اللّٰھم صلّ علیٰ محمّدٍ مادامت البرکات وارحم علیٰ محمّدٍ ما دامت الرّحمۃ. اللّٰھم صلّ علیٰ روح محمّدٍ فی الارواح، وصلّ علیٰ جسد محمّدٍ فی الاجساد، وصلّ علیٰ قبر محمّدٍ فی القبور، وصلّ علیٰ تربۃ محمّدٍ فی التراب، وصلّ علیٰ روضۃ محمّدٍ فی الریاض وصلّ علیٰ خیر خلقہٖ محمّدٍ و آلہٖ اجمعین، فضل من اللہ ورسولہ الحمد للہ علی التوفیق واستغفر اللہ علی التقصیر ما عبدناک حق عبادتک، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد راجو (قتّال) برادرِ مخدوم سیّد جلالِ جہانیان (جہانگشت)، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ این صلوات وقتِ نمازِ عشا ہفت بار یا زیادت بخواند، خدای تعالیٰ او را بی محتاج گرداند در خلقِ عالم، و آنچہ از خدای تعالیٰ خواہد، یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ بزرگوار این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرّحیم.

صلوات اللہ سرمداً علی النّبی یا محمّدا! فریادرس یا احمدا! اغثنی اغثنی اغثنی وامددنی فی قضاء حاجتی یا مصطفیٰ الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ.

و از حضرت سیّد السّادات مہبطِ انوار اللہ، مظہرِ اسرار اللہ، خلیفۂ رسول اللہ، مجلسی حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، صاحب العلم والحلم والشجاعۃ سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، خلیل اللہ، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ این صلوات شبِ چہار شنبہ و شبِ پنج شنبہ و شبِ آدینہ بعد از نمازِ خفتن ہزار بار بخواند، بہ جمالِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، مشرّف شود، وہمہ کارہای دینی و دنیوی او نیز میسّر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ معظّم و مکرّم این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللھم صل علیٰ حبیبک محمد سیدالمرسلین وشفیع المذنبین و خاتم النبیین و رسول رب العالمین و علیٰ آلہ و اصحابہ و بارک وسلم. صلوٰۃ تنجینا بھا من جمیع الاھوال و الآفات و تقضی لنا بھا من جمیع الحاجات و تطھرنا بھا من جمیع السیأت وترفعنا بھا عندک علیٰ الدرجات وتبلغنا بھا من اقصی الغایات من جمیع الخیرات فی الحیات و بعدالممات، برحمتک یا ارحم الراحمین.

و درکتاب حسن التوسل فی زیارۃ اکرم الرسل، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، تألیفِ شیخ شہاب الدین الحجر ھیتمی مکی، رحمۃ اللہ علیہ، مذکور است: کہ رای العلامہ عبداللہ القسطلانی: النبی، صلی اللہ تعالیٰ علیہ وعلیٰ آلہ وسلم، فی المنام [۸۳ب] فشکی الیہ الفقر فعلمہ دعاءً کان یقولہ فاغنی فینبغی لکل ذی فقرٍ ان یحافظ علیٰ ذٰلک الدعا وھو ھذا.

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللھم صل علیٰ محمد وعلیٰ آلِ محمد و ھبلنا من رزقک الحلال الطیب ماتصون بہ وجوھنا عن التعرض لاحد من خلقک و اجعل اللھم لنا الیہ طریقا سھلاً من غیر نصب و لا تعب ولامنۃٍ و لا تبعۃٍ و جنبنا اللھم الحرام حیث کان و این کان وحل بیننا وبین اھلہ واقبض عنا ایدیھم و اصرف عنا قلوبھم حتیٰ لاتنقلب الا فیما یرضیک و لانستعین بنعمک الا علیٰ ماتحب. برحمتک یا ارحم الراحمین.

و از حضرت سید السادات سید داؤد بن سید شکر اللہ بخاری، قدس اللہ سرہٗ العزیز، منقول است: ھرکہ این صلوات بعد از نماز تہجد چہل بار بخواند، حجابِ ظاھری و باطنی دور شود، و مشاھدۂ حضرتِ ربِ العالمین، جل جلالہٗ و عم نوالہٗ بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ شریفِ بزرگوار این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللھم صل علیٰ محمد عین العنایۃ کنز الھدایۃ، امام الحضرۃ، امین المملکۃ، طراز الحلل

ناصر الملل، سلطان الطریقة، برهان الحقیقة، زین القیمة، شمس الشریعة، شفیع الامّة، کاشف الغمّة، عال الہمّة، یوم القیمة، سراج العالمین الله عاصمهٔ و جبرئیل خادمهٔ البراق مرکبهٔ والمعراج سفرهٔ و سدرة المنتهیٰ مقامهٔ وقاب قوسین مطلوبهٔ والمطلوب مقصودهٔ والمقصود موجودهٔ شمس الضحیٰ، بدر الدّجیٰ، امام المتقیٰ اصفی الاصفیاء احمد محمّدنِ المصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، قبلة العارفین، وکعبة الطائفین، و حبیب رسول ربّ العالمین محمّد صلوات الله و ملائکته و انبیائه و رُسله و حملة عرشه وجمیع خلقه علیٰ سیّدنا و نبیّنا محمّد و آله و اصحابه وذرّیاته واولاده واهلِ بیته و بارک وسلّم.

و از حضرت (سیّد السادات) سید علی اکبر بن سیّد حامد قتّال بخاری، قدّس الله تعالیٰ سرّهُ العزیز، منقول است: هر که این صلوات بعد از نمازِ صبح هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را، در دنیا بی محتاج گرداند، و دنیا و دولت و عزّت روز به روز زیادت شود. انشاء الله تعالیٰ.

صلواتِ معظّم و مکرّم این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّد عبدک وحبیبک و رسولک النّبی الامّی العربی الحرمی وعلیٰ آله واصحابه وذرّیاته و اولاده وعلیٰ اهلِ بیته و بارک وسلّم.

روزی فقیر با شاگردِ خود سیّد علی اکبر بن سیّد حامد (قتّال) بخاری در سیرِ عالم بودم، و درمیانِ راه سیّد علی اکبر از رفتنِ راه [۱۸۲] باز ماند، وگفت: ای استادِ من سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری! چیزی مرا بیاموزانید تا قوّتِ مرا بسیار شود.

فقیر به این صلوات تلقّی کردم، و (او) به خواندنِ آن مشغول شد. بسیار قوّت رسید که بیان کردن نمی توانم.

و هر که این صلوات بخواند، یا نوشته در مصحف یا در کتاب یا در خانه نگاه دارد، خدای تعالیٰ آن را از خوردنِ کرم و بلاهای دیگر نگاه دارد، و در آن خانه برکت بسیار افتد.

و اگر نوشته در گردن بندد، درمیانِ راه مانده نشود، و هیچ بلا از درنده و پرنده گردِ او نگردد. انشاء الله تعالیٰ.

فضیلتِ این صلوات بسیار است، امّا اندک نوشتم.

صلواتِ بزرگوار این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰهم صلِ علیٰ محمّد	و علیٰ آلِ شفیع محمّد	صاحب اصحاب محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
شمس الہدیٰ محمّد	بدر الدّجیٰ محمّد	نور الوریٰ محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
طٰہٰ لقب محمّد	اعلیٰ نسب محمّد	فخرِ عرب محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
شاہِ عرب محمّد	بحری کرم محمّد	سرّی عظیم محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
نورِ خدا محمّد	صاحب صفا محمّد	اعلیٰ الاعلیٰ محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
گنجِ سخا محمّد	گنجِ حیا محمّد	گنجِ وفا محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
ھم اشفع محمّد	ھم اکرم محمّد	ھم اشرف محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
ختمِ رُسل محمّد	ھادیِ سُبل محمّد	مرشد جمل محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
سالارِ ما محمّد	ما تابعِ محمّد	ما آلِ نبی محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
یٰسٓ صفت محمّد	واللّیل مُو محمّد	ھم جانِ جہان محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
صاحبقران محمّد	پیشوای حشر محمّد	محبوبِ ربّ محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
در ھر دو کون محمّد	شافع مشفع محمّد	ما پیروِ محمّد	صلّوا علیٰ محمّد
باقرِ آلِ محمّد	مشتاقِ جمالِ محمّد	خادمِ شرعِ محمّد	صلّوا علیٰ محمّد

روزی فقیر در بیابان با سیّد علی اکبر بن سیّد حامد قتّال بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، ہمراہ بودم، فقیر را طلبِ نوشیدنِ شیر شد. سیّد علی اکبر تفحّصِ بسیار کرد، شیر نیافت. پس فقیر شکلِ "اَللّٰهُ الصَّمَدُ" بر سفالہ نوشت. آھوان بسیار جمع شدہ آمدند، و در کلام شدند کہ: ای فرزندِ حضرتِ رسول صلی اللہ تعالیٰ علیہ و آلہٖ وسلّم! شیرِ ما اختیار کن. فقیر آنہارا گفت کہ مَیلِ من رفت. و از آھوان یکی گفت کہ ای فرزندِ حضرتِ رسول صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم! روزی مراھم بہ آب

نوشیدن میل شد. من حیران شدم، و تفحص و جُست و جُوی بسیار کردم. آب نیافتم. پس به درگاهِ (خدای تعالی) چشم ها برداشتم. آواز از قدرتِ ربّ العالمین شد که صلوات بر حضرتِ رسول، صلی اللّٰه علیه و آلِه وسلّم، بگو. چون صلوات بر حضرتِ رسول، صلی اللّٰه علیه و آلِه و سلّم، گفتم بَه برکتِ آن [۸۱ب] صلوات باران بارید، و بسیار آب شد. آن زمان میلِ من رفت، و بیست سال شده است به برکتِ (آن) صلوات آب نخوردم، و تشنگی نیز از من رفته است. واللّٰه تعالیٰ اعلم بالصّواب.

ایضاً فقیر سیدِ باقر بن مرحوم و مغفور میران سیّد عثمان بخاری، قدّس اللّٰه سرّهٗ گاهی چهل روز و گاهی ده روز آخر در هر ماهِ رمضان به اعتکاف نشستن عادت داشتم، و در ماهِ رمضان سنهٔ ۱۰۹۲ هجری[1] بود. بنا بر آن که خالوی فقیر از این عالم رحیل شد، اعتکاف مذکور از دستِ من فوت شد. عوضِ آن در آخرِ ماهِ ربیع الثّانی سنهٔ ۱۰۹۲ (هجری)، بخواندنِ دعوتِ سیف اللّٰه در مسجدِ خود در محلّهٔ تندسر نزدیکِ کار پوشانِ دف نواز به یمینِ مسجد به اعتکاف نشستم.

روزِ یکشنبه یک شخص پیشِ فقیر آمده مذکورِ دنیوی نمود. فقیر بنا بر رضا مندیِ آن جواب سوالِ او کردم.

شبِ دوشنبه که تاریخ بیست و هشتم ماهِ مذکور بود، در واقعه این مشاهده شد که جانبِ یسارِ مسجد حضرت شفیع المذنبین و خاتم النّبیین حضرتِ محمدِ مصطفیٰ، صلی اللّٰه علیه و آلِه وسلّم، در کنج ینرت (؟) استاده، و جانبِ یسارِ حضرتِ سرورِ اولیا حضرت سیّد شیخ محی الدّین عصا در دست کرده استاده، و جانبِ یمین سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، رحمة اللّٰه علیه، چترِ حضرت پیغمبر، صلی اللّٰه تعالیٰ علیه و آلِه وسلّم، در دست کرده استاده.

حضرتِ سرورِ انبیا، صلی اللّٰه علیه و آلِه وسلّم، فرمود: یا شیخ محی الدّین! السلامت فی الوحدة و الآفات بین الاثنین.

---

[1] سیّد باقر بخاری (مؤلّفِ جواهر الاولیا) تا ۱۰۹۲ ه زنده بود، ولی پدرش سیّد عثمان بخاری قبل از آن فوت شده بود.

شیخ گفت : نعم یا رسول اللہ !

بعد ازان فرمود : یا سید عثمان! تاج المؤمن فی السکوت و رضاء الرب فی السکوت.

سید گفت : صدق یا رسول اللہ !

بعدہ بہ جانب فقیر فرمود : یا ولدی ! حصول الحاجات فی السکوت ویقرء القرآن والدعا والتسبیح والاستغفار.

بعدہٗ نیز حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہٖ وسلّم، فرمود : ای فرزندِ من! سید باقر بن سید عثمان بخاری ! ھرکہ بعد از ھر نماز یازدہ بار یا غفور اغفر لی برحمتك یا ارحم الراحمین بہ اخلاصِ دل (و بہ اعتقادِ درست) بخواند، خدای تعالیٰ کارھای دینی و دنیوی او حاصل کند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و در وقتِ اعتکافِ فقیر دو شاگرد : یکی سید احمد بن سید کبیر، دوم سید محمد بن سید یوسف بیرونِ حجرہ در مسجد خوابیدہ بودند، و این واقعہ شنیدند و دیدند، و بعد از واقعۂ مذکور در محلِ نزولِ شان اشارتِ قدم ھا نمودند کہ ھرکس ادبِ آن محل نگاہ دارد. واللہ تعالیٰ اعلم بالصواب.

[۱۸۵] و این نصیحت است ھر کسی را کہ در دعوت باشد. باید کہ بغیرِ خواندن و خاموش بودن ھیچ اشارت و کلام نکند تا آن کہ مدتِ دعوت تمام نشود.

و از حضرت سید السادات سید شاہ محمد بن سید حامد بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است : ھرکہ این صلوات بعد از نمازِ عصر چہل بار بخواند، اسرارِ الٰھی بروی مکشوف شود، و عجایب و غرایب خدای تعالیٰ نیز بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ بزرگوار این است :

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰھم صل علیٰ محمد بعددِ انفاس المخلوقات. اللّٰھم صل علیٰ محمد بعدد اشعار الموجودات. اللّٰھم صل علیٰ محمد بعدد اللوح والدعوات. اللّٰھم صل علیٰ محمد بعدد سواکن سبع الارضین والسموات. اللّٰھم صل علیٰ محمد بعدد ما خلق فی البدایات والنھایات من المعدومات والموجودات الی ابد الآباد

من اوّل ازلِه و اوسط حشرِه و آخر بقائِه. الٰهی بحرمتِ مدحِ حبیبک محمّد، صلی اللّٰہ علیه و آلهٖ وسلّم، ان تقضی حاجتی یا قاضی الحاجات! برحمتک یا ارحم الراحمین.

و از حضرت سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل اللّٰہ، قدّس اللّٰہ سرّهٗ، منقول است: هر که این "درودِ اکبر" را در مقامِ گورستان یک بار بخواند، جمله مقامِ گورستان برای او از خدای تعالیٰ آمرزش خواهد تا روزِ قیامت. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و نیز از پدرِ خود سیّد عثمان بخاری شنیدم، و او از پدرِ خود سیّد داؤد بخاری شنید، و او در اُچ بخاریان از پدرِ خود سیّد شکر اللّٰہ بخاری شنید، و او از پدرِ خود سیّد حاجی حمید نظام الدّین بخاری شنید، و او از پدرِ خود سیّد راجو (غوثِ صمدانی) شنید، و او از پدرِ خود سیّد نظام الدّین شنید، و او از پدرِ خود سیّد فضل اللّٰہ شنید، و او از پدرِ خود سیّد قطب الدّین شنید، و او از پدرِ خود سیّد ابراهیم شنید، و او از پدرِ خود سیّد راجو (کشفِ المعانی)[1] شنید، و او از پدرِ خود سیّد اسمٰعیل شنید، و او از پدرِ خود سیّد فیض اللّٰہ شنید، و او از پدرِ خود سیّد محمود ناصر الدّین شنید، و او از پدرِ خود مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت، قدّس اللّٰہ سرّهُ العزیز، شنید، و او از حضرت امیرالمؤمنین و امام المتّقین امام سیّد حسین شهیدِ دشتِ کربلا، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنه، شنید، و او از حضرت شفیع المذنبین و خاتم النّبیّین حضرت محمّد مصطفیٰ، صلی اللّٰہ علیه و آلهٖ وسلّم، شنید، که حضرتِ پیغمبر، صلی اللّٰہ علیه و آلهٖ وسلّم، فرمود که هر که این "درودِ اکبر" را در مقامِ (گورستان)، یا در خانهٔ خالی مع ترکِ حیواناتِ جلالی شب و روز چهل و یک بار بخواند، به کرمِ خدای تعالیٰ جمله کارهای مشکل آسان شود، [۸۵ ب] و دنیا و دولت نیز میسّر گردد، و عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ نیز بسیار بیند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

حکایت: روزی حضرتِ پیغمبر، صلی اللّٰہ تعالیٰ علیه و آلهٖ وسلّم، با امیر المؤمنین علی، کرّم اللّٰہ وجهه، بر مقامِ (گورستان)، گذر می‌کرد، و در آن مقامِ (گورستان)، عذابِ خدای تعالیٰ سخت رسیده بود. حضرت شفیع المذنبین محمّد مصطفیٰ، صلی اللّٰہ علیه و آلهٖ وسلّم، امیر المؤمنین علی کرّم اللّٰہ وجهه

۱- در ا برگ ۸۵ و، ب برگ ۱۲۳ ب، ج برگ ۱۱۶ ا: سیّد راجو قتّال آمده، و حال آن که سیّد راجو قتّال پسر سیّد احمد کبیر برادرِ مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت بوده است.

را گفت کہ "درودِ اکبر" بخوان.

چون امیر علی رضی اللہ عنہ، بہ خواندن شروع کرد، خدای تعالی از اھل قبور آن عذاب دفع کرد بہ برکت "درودِ اکبر".

و ھر کسی کہ "درودِ اکبر" را چہل روز با روزہ براین ترتیب دعوت کند، جملہ عالم از جن و انس وغیرہ ھمہ مسخرِ او شوند، چنانچہ حضرت سلیمان پیغمبر علیہ السّلام، را جملہ عالم مسخر بود، و خزینہ ھا از مشرق تا بہ مغرب اورا ھمہ معلوم گردد. انشاء اللہ تعالی.

ترتیب این است: اوّل غسل کند، و جامۂ پاک بپوشد، و خوشبوئی بمالد، و جای خالی بنشیند، و عُود بسوزاند، و چہار رکعت نماز بگذارد بہ اعتقادِ درست و بہ اخلاصِ دل، و بخواند در ھر رکعتی بعد از فاتحہ[اا] سہ بار آیت الکرسی[اب] و بیست و یک بار سورۃ الاخلاص[اج]، و بعد از سلام بیست و یک بار "درود اکبر" بخواند، و بعدِ تمام درودِ مذکور ھر بار دست برداشتہ این دعا بخواند:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّھم یا عالم السّر و النجوی و یا کاشف الضر والبلوی، اکشف عن الحزن والاذی و افتح علی باب الرّحمۃ والنعمۃ و الدولۃ والسّعادۃ والعطا بحق محمدنِ المصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، و بہ حرمت اولاد الحسن والحسین سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری اقض حوائجنا یا قاضی الحاجات ویا عالم الاوّلین والآخرین انّ الفقیر ذو حاجۃ جئت علی بابک وھو مفتوح فی جزء من اجزاءِ اللیل والنّھار و انا السائل فلا تردنا خائبین خزائنک مملوۃ و ابوابک مفتوحۃ ویدک مبسوطۃ و انت جوادٌ کریم یا خیر المسئولین بحق بابک بحرمۃ طٰہٰ ویٰس و نبیک محمدٍ الامین اقض حوائجنا من الدّنیا والآخرۃ وسخّرلنا کل الخلائق من الجن و الانس والشیاطین والطیور والوحوش وغیر ذٰلک کما سخرت لسلیمان علیہ الصلوۃ والسّلام وسخرت الثقلین البراق بمحمدٍ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، و استجب دعائنا وکلامنا بحق یا اللہ یا رحمٰن یا رحیم یا کریم، و بحرمت درودِ اکبر الافضل، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

اا۔ القرآن الحکیم: ا.   اب۔ ایضاً: ۲۵۵:۲.   اج۔ ایضاً: ۱۱۲.

ھر کسی این ترتیب کند، از محتاجیِ مخلوق فارغ گردد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

ھر کہ در دستِ دشمن گرفتار باشد [۱۸۶] و این "درودِ اکبر" را سہ بار بخواند، دشمن دفع شود یا بمیرد۔ (انشاء اللہ تعالیٰ)۔

و اگر کسی خواھد کہ علمِ کیمیا بداند، چہل روز در بیابان و چہل شب درخانہ "درودِ اکبر" را ببیست و یک بار بخواند۔ کسی را در خواب بیند کہ او را دلالت و ارشاد کند آنچہ می خواھد، انشاء اللہ تعالیٰ۔

و اگر کسی در بیماریِ گران گرفتار باشد، سہ بار "درودِ اکبر" را بر آبِ باران یا بر آبِ چاہ خواند و بدمد، و بیماری سخت زدہ را بخوراند، شفا یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و اگر کسی را در نماز یا در تلاوتِ قرآن یا در تعلّمِ علم یا در عملِ خیر کاہلی باشد، و خواھد کہ بر آن کاھلی نشود، باید کہ شبِ چہار شنبہ و شبِ پنج شنبہ و شبِ آدینہ وقتِ تہجّد برخیزد، و وضو سازد، و چہار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ھر رکعتی بعد از فاتحہ[1] یک بار آیت الکرسی[2] و پنج بار اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰہِ[3] و بعد از سلام ھفت بار "درودِ اکبر"۔ آنچہ نیّت داشتہ باشد، ھمہ حاصل شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و اگر کسی خواھد کہ آفت از غلّہ و یا از میوہ دفع شود، پارۂ خاکِ پاک بردارد، و اگر ریگ باشد، بہتر، و بر آن یازدہ بار "درودِ اکبر" بخواند، و بدمد، و آن خاک را در غلّہ یا در میوہ بیندازد، آفت دفع شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و اگر کسی خواھد کہ رزق و روزی فراخ باشد، باید کہ روزِ پنج شنبہ روزہ دارد، و با طہارت پاک و پاکیزہ "درودِ اکبر" چہل بار بخواند، رزق و روزی زیادت شود۔ (انشاء اللہ تعالیٰ)۔

و اگر کسی خواھد کہ حق تعالیٰ مرا از گرسنگی و تشنگی در حضر و سفر نگاہ دارد، او را باید کہ وضو تازہ سازد، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ھر رکعتی بعد از فاتحہ[4] یک بار وَمَنْ یَّتَّقِ اللّٰہَ یَجْعَلْ لَّہٗ مَخْرَجًا تا قَدْرًا[5] و سہ بار اِنَّآ اَعْطَیْنٰکَ[6] و بعد از سلام ھفت بار "درودِ اکبر" بخواند،

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۔ ۲۔ ایضاً: ۲۵۵:۲۔ ۳۔ ایضاً: ۱۱۰۔ ۴۔ ایضاً: ۱۔ ۵۔ ایضاً: ۶۵: ۲، ۳۔ ۶۔ ایضاً: ۱۰۸۔

گرسنگی و تشنگی از وی دفع شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اسنادِ "درودِ اکبر" در کتابِ راحة البخاری، تصنیفِ سلطان سیدمحمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلالِ جهانیان جهانگشت، قدس الله سرّہٗ، بسیار است. امّا دفقیر، در این جا اندک نوشته است هر آن بنده از بندگانِ خدای تعالیٰ و از اُمّتانِ حضرتِ رسول، صلی الله علیه و آله وسلّم، این درودِ اکبر بخواند، و یا پیشِ خود نگاه دارد، خدای تعالیٰ فرمان دهد تا بعددِ هر درودی حجّ پذیرفته شود، و در نامهٔ اعمالِ آن بنده ثبت کنند، و خدای تعالیٰ هر روز سیصد و شصت بار به نظرِ رحمت به سوی آن بنده می نگرد، و هزار کوشکِ دانهٔ یاقوتِ سُرخ به جهتِ آن بنده بنا کنند، و آن بنده را خدای تعالیٰ از دنیا نبرد تا مقامِ او را در بهشت (به او) ننمایند. و چون این درود تمام گفته باشد، خدای تعالیٰ فرمان دهد ملایکِ هفت آسمان و ملایکِ [۸۶ب] هفت زمین را تا بروند به روضهٔ منوّرهٔ سید کائنات حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، و سیدِ عالم، صلی الله علیه و آله وسلّم، را خبر دهند که فلان بن فلان یا بنتِ فلان از اُمّتانِ تُست، و بر تو چندین درود فرستاده است.

حضرتِ پیغمبر، صلی الله تعالیٰ علیه و آله وسلّم، به غایت شادمان شود، و بگوید که: از اُمّتانِ من است، و از دوستانِ من است.

و اگر کسی خواهد که جمالِ جهان آرای سیدِ کائنات، صلی الله تعالیٰ علیه و آله وسلّم، را در خواب ببیند، باید که شبِ جمعه طهارتِ پاکیزه کند، یعنی وضو پاکیزه کرده، و بعد از نمازِ خفتن دو رکعت نماز با تضرّع و نیازِ درست بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] یک بار آیت الکرسی[2] و سه بار سورة الاخلاص[3]، و بعد از سلام با حضورِ دل سه بار این درود بر سرورِ کائنات حضرت پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، بفرستد، و در خواب رود، جمالِ جهان آرای حضرت محمّد مصطفیٰ صلی الله علیه و آله وسلّم، در خواب ببیند، چنانچه با وی سخن گوید، و او را بپرسد، و بشارت دهد بدانچه درگورِ او خواهد بود، و از کرامت ها و آنچه یادکرده شود از کوشکهای بهشت و نعمتِ

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲۵۵:۲. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

آن، همه را در خواب بنماید، و آن روز که خوانندهٔ این درود از دار الفنا بدار البقا رود. جمله پیغمبران و پیغمبرِ ما حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، و ملایکِ آسمان و زمین بر نمازِ جنازهٔ او حاضر شوند، و مهتر جبرئیل علیه السّلام حُلّه‌ها او را بپوشاند، و تا مادامی که آن بنده را در قبر ننهند، جمله ملایک از سرِ قبرِ آن بنده دُور نشوند. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

و هر که این "درودِ اکبر" را بخواند، و یا بر میانِ خود هیکل کرده بندد، آن بنده بر خلق ظاهر شود. و طبق های نور از روضهٔ حضرتِ رسول، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، بر آن بنده فرود آید. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

و هر که خواهد که کرامتِ این درود را در قبر معاینه کند، و ببیند، سرِ قبر باز کنند، و بنگرند، از روشنائی نور در آن قبر نتوانند دید. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

چنانچه حکایت مشهور است که در شهرِ بغداد جوانی بود، به غایت خوب رُو و صاحبِ جمال و خوب خصال بود، مادرِ وی بر وی عاشق شده بود. روزی آن جوان را شراب خورانیده بود، و مستی بر وی غالب شده بُود، چنانچه هیچ عقل نداشت. مادرِ او فرصت غنیمت دانسته او را در کنار گرفت. (جوان) در حال ندانست که با مادرِ خود دخول کرد، و بعدِ دخول آن جوان در سفر رفت.

مادرِ آن جوان حامله شد، و سرِ نُه ماه دختری با یک خال متولّد شد. مادرِ آن دختر و دیگر زنِ مکاره، که در این [۱۸۷] معامله بود، آن دختر را در بیابان انداخت.

یک مردِ حاجی از مکّه برای سوداگری در شهر آمده بود. آن دختر را دید، و آن را برداشته به دایه داد تا او را شیر دهد، و غمخواری کند.

بعد از چند مدّت مردِ حاجی دختر را با خود همراه کرده در مکّه رفت.

و آن جوان را که بعدِ دخول با مادر در سفر رفته بود، بعد از چند مدّت هم قصدِ حجّ رفتن شد، و به حج رفت، و آن جا گذران می کرد.

آن دختر که از آن جوان متولّد شده بود، در خانهٔ حاجی بالغ شده بود. بعد از آن حاجی در خاطر می خواست که آن دختر را با کسی عقد بندی کند.

معنی آن جوان ناگاه به خانهٔ حاجی آمد، آن جوان به غایت صاحبِ جمال بود، چنانچه

از دیدنِ آن جمال و صلاحیتِ آن جوان به خاطرِ آن حاجی گذشت که این دختر در عقدِ آن جوان در آورد .

غرض آن دختر به قضای الٰہی در عقدِ آن جوان در آمده ، و بعد از مدتی آن جوان از حج خانۂ کعبہ به خانۂ (خود) آمد ، آن دختر را نیز با خود آورد . و مادرش بعدِ رفتنِ آن جوان بمُرد ، و آن جوان برای مادرِ خود زار زار می گریست .

عورتِ مکّارہ در همسائگیِ وی بود ، از حالِ مادرِ آن جوان و از حالِ آن دختر خبر داشت ، به آن جوان گفت که ترا معلوم نیست که مادرِ تو گناہِ عظیم کرده بود ؟

پسر گفت : چه گناہ کرده بود ؟

عورتِ مکّاره گفت : مادرِ تو بر تو عاشق شده بود ، و روزی تو شراب خورده مست بودی ، در خانه آمدی . مادرِ تو با تو شهوت کرد ، و تو با مادرِ خود مباشرت کردی ، و دختری با همین حال از تو پیدا شد ، و این دختر از آن تُست که از حج آوردهٖ و خواستهٖ .

آن جوان از حال مادرِ خود این چنین واقف شد . آهی کشید ، و لرزید ، و می خواست تا اُستخوانِ مادر را از گور کشیده در آتش بسوزاند .

چون شب افتاد ، کودال گرفت ، و در گورستان رفت . گورِ مادر بکاوید . دید مادر بر تختِ پادشاهی نشسته است . حورانِ بهشت گرد به گردِ او خدمت می کنند .

پسر پرسید : ای مادر ! تو فعلِ مباشرت کرده بودی ، این مرتبه به چه سبب یافتی ؟

مادرش جواب داد که من گناہِ عظیم کردم ، ولی به برکتِ این "درودِ اکبر" نجات یافتم ، و مرتبۂ اعلیٰ دیدم ، و به این چنین درجه رسیدم .

پس ای پسر ! این "درودِ اکبر" را بگیر ، و پیوسته بخوان ، و مواظبت بنما ، و در خواندن این "درودِ اکبر" معظم و مکرّم تقصیر مکن .

"درودِ اکبر" را بستدم ، و گورِ مادر را بپوشیدم ، و دخترِ خود را بر خود حرام گردانیدم ، و علمای [۸۷ ب] شهرِ بغداد و کوفه و بلخ را بنمودم .

و هر که این درود بخواند ، جسمِ مبارکِ او در گور گنده نشود ، و نریزد ، و نپوسد ، و همچنان تازه

وتر باشد تا آن روز که انگیخته شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی حاجتی داشته باشد، و بر نمی آید، و یا بیماری غالب شده باشد که به هیچ نوع دفع نمی شود، و یا مهمی عظیم پیش آید، و یا اندام کسی پیسی شده باشد، و یا به عذاب گرفتار شده باشد، باید که دو رکعت نماز بگذارد، چنانکه بالا ذکر کرده شده است، و این "درودِ اکبر" را بخواند، و اگر خواندن نداند، به زیرِ بالینِ خود بنهد، حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلم، را در خواب ببیند، و جمله رنج های او را (حضرتِ) رسول، صلی الله علیه و آله وسلم، نگاه دارد، چنانچه صحتِ درست یابد، و هر حاجتی که از خدای تعالیٰ خواهد، بیابد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی خواندن نداند، دو رکعت نماز بگذارد، و درودِ معظم زیرِ بالین نهد، حاجتِ او به مقصود برسد، و نیز فرضیتی که در عمرِ خود بجا نیاورده باشد، و ترک گرفته، خواه عمداً خواه نسیاناً، خدای تبارک و تعالیٰ از برکتِ درودِ معظم و مکرّم از خویش ساقط کند، و مستجابِ رحمت و مغفرت گردد. انشاء الله تعالیٰ.

درودِ معظم و مکرّم این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم.

الصّلوٰة و السّلام علیک یا رسول الله!	الصّلوٰة و السّلام علیک یا نبی الله!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا حبیب الله!	الصّلوٰة و السّلام علیک یا خلیل الله!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا خیار الله!	الصّلوٰة و السّلام علیک یا خلیفة الله!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا وسیلة الله!	الصّلوٰة و السّلام علیک یا عزیز الله!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا شفیعنا عند الله!	الصّلوٰة و السّلام علیک یا خیر خلق الله!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا رحمة الله!	الصّلوٰة و السّلام علیک یا حجة الله!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا برهان الله!	الصّلوٰة و السّلام علیک یا جلیل الله!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا ناصر دین الله!	الصّلوٰة و السّلام علیک یا من نصره الله!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا ساکن المدینة محمد بن عبدالله!	

الصلوٰة والسلام علیک یا شفیع اللہ !	الصلوٰة والسلام علیک یا نقی اللہ !
الصلوٰة والسلام علیک یا زکی اللہ !	الصلوٰة والسلام علیک یا ابطحی اللہ !
الصلوٰة والسلام علیک یا من اختارہ اللہ !	الصلوٰة والسلام علیک [۱۸۸] یا من شرفہ اللہ !
الصلوٰة والسلام علیک یا من کرمہ اللہ !	الصلوٰة والسلام علیک یا من عظمہ اللہ !
الصلوٰة والسلام علیک یا سید المرسلین !	الصلوٰة والسلام علیک یا امام المتقین !
الصلوٰة والسلام علیک یا قائد الغر المحجلین !	الصلوٰة والسلام علیک یا سلطان العاشقین !
الصلوٰة والسلام علیک یا سلطان العارفین !	الصلوٰة والسلام علیک یا دلیل المشتاقین !
الصلوٰة والسلام علیک یا شفیع العاصیین !	الصلوٰة والسلام علیک یا دلیل المذنبین !
الصلوٰة والسلام علیک یا رسول رب العالمین !	الصلوٰة والسلام علیک یا قریشی اللہ !
الصلوٰة والسلام علیک یا هاشمی اللہ !	الصلوٰة والسلام علیک یا عربی اللہ !
الصلوٰة والسلام علیک یا مکی اللہ !	الصلوٰة والسلام علیک یا مدنی اللہ !
الصلوٰة والسلام علیک یا خاتم رسل اللہ !	الصلوٰة والسلام علیک یا سید الاولین
الصلوٰة والسلام علیک یا سید الآخرین !	الصلوٰة والسلام علیک یا سید جمیع الانبیاء
والمرسلین والملائکة المقربین والصدیقین والشهداء والصالحین وعلیٰ اهل طاعتک اجمعین، والحمد للہ رب العالمین.	

هر که درودِ مذکور در شب و روز به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از همهٔ بلاها نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی را درمیانِ عزیزان عداوت باشد، شبِ دو شنبه "درودِ اکبر" را سه بار بخواند، میانِ عزیزان محبت و دوستی بسیار شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر کسی را رزق تنگ باشد، "درود اکبر" را بعد از نمازِ صبح سه بار بخواند، رزقِ او زیادت شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را روزِ یکشنبه در مقامِ (کهنه) یک بار به نیتِ دفعِ دشمنان بخواند

همه دشمنان هلاک شوند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی "درودِ اکبر" را سه بار بخواند، و بر آبِ چاه بدمد، و آن آب بیاشامد، او را حفظ زیادت شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را روزِ چهار شنبه و پنج شنبه و روزِ آدینه بعد از نمازِ فجر سه بار بخواند، هر چیزی که از خدای تعالیٰ بخواهد، حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را وقتِ تهجّد هفت بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ بسیار بیند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی پیوسته در بندِ حرام باشد، و بخواهد که خود را ازان نگاه دارد، و ترک کند، باید که شبِ جمعه بعد از نمازِ خفتن [۸۸ ب] یازده بار "درودِ اکبر" بخواند، و به خواب رود، پیش از صبح برخیزد، وضو تازه سازد، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه[۱] آیت وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ تا قَدْرًا[۲] و سه بار سورة الاخلاص[۳] و بعد از سلام یک بار درودِ مزبور بر آبِ (چاه)، بخواند، و (آن آب) بیاشامد، هرگز گردِ حرام نگردد، و در دل محبّتِ خدای تعالیٰ و رسول، صلی الله علیه وآله وسلّم، بسیار پیدا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی را از دیو و پری مضرّت رسیده باشد، باید که "درودِ اکبر" را نوشته بر گردنِ او بندد، از ضررِ دیو و پری خلاص شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی از شرِّ پادشاهان و حاکمان و ظالمان بترسد، باید که جامهٔ پاک بپوشد، و طهارت کند، یعنی وضو تازه سازد، و خوشبوی بمالد، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[۴] سه بار لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّيْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ[۵] و پنج بار سورة الاخلاص[۶] و بعد از سلام یک بار "درودِ اکبر" که بالا نوشته، بخواند، پادشاه وغیره مسخّر و مطیعِ او گردند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی روزِ پنج شنبه در ساعتِ اوّل "درودِ اکبر" را سه بار بخواند، و در آن روز صایم باشد،

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۶۵، ۲ و ۳. ۳- ایضاً: ۱. ۴- ایضاً: ۱. ۵- ایضاً: ۲۱، ۸۷. ۶- ایضاً: ۱۱۲.

وهیچ چیز نخورد، و در وقتِ افطار نانِ جوین با شکر بخورد، خدای تعالیٰ او را علم و حلم و نفر و معرفت زیاده دهد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و عاقبتِ او بر خیر گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و ایمن باشد از هر خوفی. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی خواهد کہ حق تعالیٰ خان و مان و باغ و اشجار از آفات و نقصان و سحر نگاه دارد، روزِ جمعه بعد از نمازِ جمعه بیرون آید، و در چهار طرفِ املاک و زراعت و اشجار و بستانِ خود در هر طرفی و کُنجی دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل یک بار الحمد[1] و یک بار آیت الکرسی[2] و یک بار سورة التّین[3] و در رکعتِ دوم الحمد للّٰه[4] و سورة الفیل[5] و سورة قریش[6]، و بعد از سلام لوبان بسوزاند، و "درودِ اکبر" بخواند، خدای تعالیٰ جمله بلاها دور گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر درمیانِ زن و شوهر مفارقتی افتاده باشد، باید کہ "درودِ اکبر" را نوشته بندد، مفارقت از میانِ زن و مرد دور شود. اگر مرد زن خواهد، مرد بندد، و اگر زن مرد خواهد، زن بندد، و درمیانِ ایشان محبّت و مودّت بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و اگر کسی روزِ جمعه نمازِ صبح بگذارد، و بنشیند تا برآمدنِ آفتاب. چون آفتاب برآید، دو رکعت نماز بگذارد. و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[7] آیت الکرسی[8] و سه بار سورة الاخلاص[9]، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[10] "اٰمَنَ الرَّسُوْلُ"[11] [۹ و ۸] و سه بار سورة الاخلاص[12]، و بعد از سلام هفت بار استغفار گوید، و هفت بار "فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ"[13] بخواند. بعد از آن وضو تازه کند، و "درودِ اکبر" را سه بار بخواند، از ترسِ سلطان و از شرِّ دشمنان و ظالمان رَسته و ایمن گردد، و هر مقصودی کہ داشته باشد، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۳۔ ایضاً: ۹۵. ۴۔ ایضاً: ۱. ۵۔ ایضاً: ۱۰۵.
۶۔ ایضاً: ۱۰۶. ۷۔ ایضاً: ۱. ۸۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۹۔ ایضاً: ۱۱۲. ۱۰۔ ایضاً: ۱.
۱۱۔ ایضاً: ۲، ۲۸۵. ۱۲۔ ایضاً: ۱۱۲. ۱۳۔ ایضاً: ۹، ۱۲۹.

و اگر کسی را غمی یا حزنی یا اندوهی باشد، و خواهد که زایل شود، روزِ یکشنبه پیش از دبرآمدنِ آفتاب "درودِ اکبر" را بخواند تا سه روز پیاپی. خدای تعالیٰ (او را) ازان غم و اندوه خلاص کند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را هر روز پیاپی یک بار بخواند، ایمانِ او همیشه سلامت باشد، و دلِ او پاک شود از وسوسۂ شیطان، و از رسوائی دنیا و آخرت رسته گردد، و از تنگیِ رزق نجات یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی را فرزند نباشد، و خواهد که فرزند شود، او را باید که شب جمعه بعد از نمازِ خفتن سه بار "درودِ اکبر" را بخواند، و اگر خواندن نداند بر تختۂ چوب بنویسد، یا نوشته پیشِ خود نگاه دارد. چون نیم شب گذشته باشد، چنان کند که هیچ کس نبیند، بشوید، و به خوردنِ زن دهد، و به آن زن نزدیکی کند. تا سه شب هم چنین کند، آبستن شود، و فرزندِ صالح و عالم روزی گردد به فرمانِ خدای تعالیٰ. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی روزِ یکشنبه "درودِ اکبر" را بر پوستِ آهو بنویسد، و با خود نگاه دارد، او را میل به علم و عمل پیدا آید. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را نوشته در گورِ خود یا در گورِ دیگر نگاه دارد، خدای تعالیٰ او را از عذابِ گور نگاه دارد، و از برکتِ "درودِ اکبر" گورِ او و قبرهای دیگر، که گرد او باشد، تمام روشن و پُر نور گردد به فرمانِ خدای تعالیٰ. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر نوشته در مقامِ (گورستان) نهد، روز به روز هزار رحمتِ خدای تعالیٰ بر آن مقام نازل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را در کاسۂ چینی بنویسد، و به آبِ چاه بشوید، و با عسل خالص بخورد، دلِ او روشن شود، و علم و حکمت کشف شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را هفت روز پیاپی هر روز سه بار بخواند، سحر بر او کار نکند، و اگر سحر بر او کرده باشد، باطل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را بر طشتِ مسین بنویسد، (و به آبِ چاه بشوید)، و در خانه بیفشاند

هر حیوانِ موذی که د. آن خانه باشد. بگریزد، و دیو و پری گردِ آن خانه نگردد. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر کسی روزِ جمعه بعد از نمازِ صبح "درودِ اکبر" را یک بار بخواند، شک از دلِ [۸۹ب] او برود، و ایمان او همیشه سلامت باشد. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر کسی مرادی دارد، و می خواهد که حاجتِ او روا شود، ظرفی پاک برگیرد، و پُر کند از آب باران و یا از آبِ چاه، و بر آن آب هفتاد بار "درودِ اکبر" بخواند، و بعد ازان قدری آردِ گندم بدان آب خمیر کند، و یک قرص سازد، و به چهار قسمت کند، سه به مساکین صرف کند و چهارم خود بخورد، و سه روز پیاپی چنین کند، حاجاتِ او بر آید. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر کسی را در نماز وسوسه افتد، و گرسنگی و تشنگی نیز بسیار شود، او را باید که هفتاد بار "درودِ اکبر" را خوانده بر ریزهٔ سنگِ مرمر بدمد، و آن را در دهانِ خود بگرداند، وسوسه و گرسنگی و تشنگی دفع گردد. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را بعد از نمازِ خفتن یک بار بخواند، از دروغ گفتن و از بدفعلی کردن باز ماند. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر کسی [illegible] دشمن ترسد، او را باید که روزِ پنج شنبه روزه دارد، و قدری خاک از پای قبر کهنه [illegible] و "درود اکبر" را سه بار بعد از نمازِ شام و خفتن بخواند، و بر آن خاک بدمد، و آن [illegible] را بر خانهٔ دشمن بیندازد، دشمن هلاک شود، یا بمیرد. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر [illegible] [illegible]رودِ اکبر" را به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل بر ریگِ بیابان خوانده بدمد و آن خاک را در چهار (طرفِ) کشتِ زراعت بیندازد یا دفن کند، حق سبحانهٗ و تعالیٰ در غله و کشتِ زراعت برکت دهد، و از آفت نگاه دارد. انشاءالله تعالیٰ، و در میوه نیز هم چنین است.

و اگر کسی را پسری یا دختری بالغ نشسته باشد، و هیچ جای بخت کشاده نمی شود، باید که "درودِ اکبر" را هفت بار خوانده بر لوبان خوب بدمد، و پیشِ بخت بسته بسوزاند، زود بخت بسته کشاده شود. انشاءالله تعالیٰ.

و اگر کسی را چیزی گم شده باشد، باید که "درودِ اکبر" را در شب دوشنبه بعد از نمازِ عشا

یازده بار بخواند، و به خواب رود، معائنه بیند که آن کالا فلان جاست، یا دُزد در ملاحظه افتد که آن دُزد آمده چیزی بدهد، و از وی دعا خواهد، و توبه و زاری کند که دیگر بار نخواهد کرد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درود اکبر" را بعد از نمازِ عشا یک بار بخواند، سحر و جادو بر وی کار نکند. و از ضرر مار و کژدم و سگ عقور و زنبور و شیر و گرگ و جمیع بلیاتِ ارضی و سمائی ایمن گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی خواهد که جملهٔ خلایقِ عالم مسخر شود، باید که ده روز بعد از نمازِ صبح به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دِل یازده بار "درودِ اکبر" را بخواند، جملهٔ خلایقِ برّی و بحری مسخّر شود [۱۰۹] انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی را کاری عظیم پیش آید، او را باید که شب چهار شنبه و شب پنج شنبه و شب آدینه بعد از نمازِ خفتن هفتاد بار "درودِ اکبر" را بخواند، کارِ مشکل او حاصل گردد. و آنچه خواهد، یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی خواهد که مرا خزاین های غیبی میسّر شود، او را باید که چهل شب بعد از نمازِ تهجد "درودِ اکبر" را پنجاه بار بخواند، خزینه های غیبی معلوم شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی خواهد که مرا کم خوردن و کم گفتن و کم خفتن عادت شود، او را باید که بعد از نمازِ عشا نُه بار "درودِ اکبر" را بخواند، مقصود حاصل شود، و آنچه خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی خواهد که تسخیرِ جن شود، او را باید که در بیابان یا در مقامِ دکهنه، یا در کوه رود، و چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[۱] یک بار آیت الکرسی[۲] و یک بار قُل اُوحِیَ[۳]، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحه[۴] یک بار آیت الکرسی[۵] و یک بار اِنَّا فَتَحنَا[۶] و در رکعتِ سیوم بعد از فاتحه[۷] یک بار آیت الکرسی[۸] و یک بار تبارَکَ[۹]، و در رکعتِ چهارم بعد از فاتحه[۱۰] (یک بار) آیت الکرسی[۱۱] و یک بار یا اَیُّهَا المُزَّمِّل[۱۲] و بعد از سلام بیست و یک بار "درود اکبر"

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۲۵۵،۲. ۳۔ ایضاً: ۱،۷۲. ۴۔ ایضاً: ۱. ۵۔ ایضاً: ۲۵۵،۲.
۶۔ ایضاً: ۱،۴۸. ۷۔ ایضاً: ۱. ۸۔ ایضاً: ۲۵۵،۲. ۹۔ ایضاً: ۱،۶۷. ۱۰۔ ایضاً: ۱.
۱۱۔ ایضاً: ۲۵۵،۲. ۱۲۔ ایضاً: ۱،۷۳.

بخواند، جمله جن مطیع ومسخر گردند، و آنچه خواهد بیابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی خواهد که ارواحِ اولیای الله تعالیٰ مطیع ومسخر شوند، او را باید که در خانهٔ خالی باطهارتِ پاک درآید، وعود وعنبر بسوزاند، و خود را نیز معطر کند، و جامهٔ پاکِ سفید بپوشد، و چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه[1] یک بار آیت الکرسی[2]، ویک بار قُلْ رَّبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبٰرَکًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ[3] و سه بار سورة الاخلاص[4]، و بعد از سلام چهل بار "درود اکبر" را بخواند، جمله ارواحِ اولیای الله تعالیٰ مسخر شوند، و آنچه اوّلین شده است و آخرین خواهد شد، همهٔ آن را معلوم کند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را بعد از نمازِ تہجد هفت بار بخواند، به جمالِ حضرتِ محمد مصطفیٰ صلی الله تعالیٰ علیه وآله وسلّم، مشرّف شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را پنج بار بخواند، حضرتِ خضر علیه السّلام با او ملاقات کند، و سیرِ عالم او را نماید. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را نود بار بعد از نمازِ فجر بخواند، محتاجیِ خلق از وی برود، و دنیا و دولت بسیار حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را درمیانِ سفر یک بار بخواند، مالِ بسیار جمع شود، و دزد و دشمن هیچ زیان نرساند. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی در رفتنِ راه "درودِ اکبر" خوانده رود، درمیانِ راه مانده نشود، و هیچ درنده و پرنده (به او) زیان نرساند. انشاء الله تعالیٰ.

[۹۰ب] و اگر کسی درودِ اکبر" را به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل بعد از نمازِ تہجد یک بار بخواند، (به ملاقاتِ) حضرتِ الیاس پیغمبر علیه السّلام مشرّف شود، و آنچه ازو خواهد یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر کسی "درودِ اکبر" را سه روز سه بار خوانده بر بیمار دمد، شفا یابد؛ و اگر بر آب

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲۵۵:۲. ۳- ایضاً: ۲۳: ۲۹. ۴- ایضاً: ۱۱۲.

چاه سه بار خوانده بدمد، و بیمار را بخوراند، نیز شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر کسی "درودِ اکبر" را بر باد زده سه بار خوانده بدمد، شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر کسی را مردی بسته باشد، یا رفته باشد، "درود اکبر" را سه روز در کاسهٔ چینی بنویسد، و به آبِ باران یا به آب چاه شسته بخوراند، مردی کشاده شود، و اگر رفته باشد، باز آید. (انشاء الله تعالیٰ).
و اگر کسی "درودِ اکبر" را هر روز سه بار بخواند، از قرض خلاص شود. (انشاء الله تعالیٰ).
و اگر کسی "درودِ اکبر" را بسیار خواند، عزّت و حرمت بسیار یابد. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر کسی "درودِ اکبر" را نوشته در متاع نهد، در آن متاع برکت بسیار شود، و خریدار نیز پیدا شود. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر کسی "درودِ اکبر" را نوشته و آن را به آب چاه شسته به کودک بخوراند، ذهنِ (او) بسیار شود، و علم و حلم نیز بسیار حاصل گردد. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر کسی "درودِ اکبر" را هر صباح هفت کرت بخواند، خلق مطیعِ وی شوند. انشاء الله تعالیٰ، و از جمعِ بلیات و مشکلات تخلیص یابد. انشاء الله تعالیٰ.
و مقصودِ دارین (او را) حاصل گردد. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر کسی "درودِ اکبر" را ده روز مع ترکِ حیواناتِ جلالی و جمالی نو بار در شب و نو بار در روز بخواند، روحانیانِ عالمِ علوی و ساکنانِ عالمِ سفلی همه مکشوف شوند، و معتقد و مطیعِ او گردند. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر کسی "درودِ اکبر" را در وقتِ جنگ با دشمنان یک بار بخواند، میانِ جملهٔ دشمنان تفرقه واقع شود، و هیبت در دلِ (آنان) بسیار افتد. انشاء الله تعالیٰ.
و اگر کسی "درودِ اکبر" را بسیار بار بخواند، محتاجِ به جز خدای تعالیٰ به هیچ کس نشود. (انشاء الله تعالیٰ).
و اگر کسی عاشق باشد، و محبوب به هیچ وجه بر او رحم نکند. باید که "درود اکبر" را چهل و یک بار بخواند، و بر خوشبوئی بدمد، یا بر خوردنی بدمد، چنانچه خرما یا شکر، و محبوب را بدهد

تا خوشبوئ بوی کند، و یا خرما یا شکر بخورد، معشوق عاشق گردد، و فرمان بردارِ او شود. «انشاء اللّٰه تعالیٰ».

و اگر کسی همیشه "درودِ اکبر" را روز به روز بخواند، میانِ خدای تعالیٰ و او هیچ حجاب نماند، و به مرتبهٔ ولایت رسد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و از حضرت سیّد علی اکبر بن سیّد حامد قتّال (بخاری)، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هر کرا کاری و مهمّی افتد، باید که به اعتقادِ درست (و به اخلاصِ دل) به این ترتیب "درودِ حاضری" بخواند، تا کارهای او به مقصود و مطلوب رسد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و خاصیّت های "درودِ حاضری" بسیار است، امّا فقیر اندک نوشت.

چنانچه استادِ کامل از استادِ کامل و عامل که صاحب مجلسِ حضرتِ [۱۹۱] محمّد مصطفیٰ است، صلی اللّٰه علیه و آلهٖ وسلّم، و اولادِ قطب العالم، کاشف اللّوح والقلم مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت، قدّس اللّٰه سرّهٔ، سایرِ زمین و آسمان، سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری، سلّمہ اللّٰه تعالیٰ و ابقاه وزاد فی عمره، از کتاب های معتبر و از اخبارِ مصطفوی، صلی اللّٰه علیه و آلهٖ وسلّم، دیده و شنیده، و خود به تجربه آورده، قلمی نمودم که حاجت مند برای کاری و مهمّی که کند، حاصل شود، انشاء اللّٰه تعالیٰ[1].

هر که این "درودِ حاضری" معظّم و مکرّم بر خود بدارد، و یا به حضورِ دل بخواند، از آفت های دنیا و آخرت و از بلیاتِ کلّی و جزئی ایمن شود، و حاجت های دینی و دنیوی نیز حاصل شود، و درمیانِ خلق عزیز گردد، و در دنیا و عقبیٰ به هیچ چیز گرفتار نشود، و از عذابِ ابدی خلاص یابد. «انشاء اللّٰه تعالیٰ».

و خوانندهٔ این "درودِ حاضری" را در این جهان و در آن جهان رستگاری است، و همیشه مظفّر و منصور باشد، و هر مهمّی که پیش آید، و (از) سازواری آن کار خبر نداند، این درودِ حاضری را چهل روز، هر روز بیست و یک بار بخواند، و بعدِ تمامِ هر بار خواندن این دعا نیز یک

۱- این عبارت "چنانچه استادِ کامل ...... تا انشاء اللّٰه تعالیٰ" از کاتبِ اصلِ جواہرالاولیا محمّد علی است، که شاگرد و مرید سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری مؤلف جواهرالاولیا بود.

بار بخواند:

اللّهم انک تعلم سرّی و علانیتی فاقبل معذرتی و تعلّم حاجتی و اعطنی سوالی فاغفرلی ذنوبی کلها بحرمة اولاد الحسن والحسین سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اقض حوائجنا یا قاضی الحاجات ویا عالم السرّ والخفیات یا ذاالجلال والاکرام، برحمتک یا ارحم الراحمین.

حضرتِ رسالت پناه، صلی الله تعالیٰ علیه وآلهٖ وسلّم، مدد فرماید، و به کرمِ الٰهی آن مهم حاصل شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و در خبر است: که در هر مجلس که این "درودِ حاضری" بخوانند، روحِ پاکِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآلهٖ وسلّم، دران مجلس حاضر شود، و بر اهالی آن مجلس دعای مغفرت فرماید، و آن مجلس همه آمرزیده شود.

امّا باید که همه در آن مجلس با وضو باشند، و از کلامِ دنیوی خود را بازدارند، و از شوقِ تمام استماع کنند.

و چون نامِ حضرتِ رسول، صلی الله علیه وآلهٖ وسلّم، در خواندن بشنوند "صلی الله علیه وآلهٖ وسلّم" گویند، و به ادب بنشینند، و هم چنان دانند که حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآلهٖ وسلّم، در آن مجلس حاضر است.

و هرکه ازان مجلس برخیزد، و پیشِ مردمان گوید که امروز در مجلسِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآلهٖ وسلّم، بودم، کذب نباشد، و بزه کار نشود.

و در خبر است: هرکه درودِ حاضری بخواند، بهشت مشتاقِ او باشد، و خدای تعالیٰ او را از دوزخ نگاه دارد، و برای اهلِ بیت و اقربا و احبا شفاعت یابد، و در عرصاتِ قیامت او را نوری بخشند، [او ب] (انشاء الله تعالیٰ).

و خلقِ اوّلین و آخرین چون مرتبهٔ او ببینند، چنان گمان برند که او پیغمبر است از پیغمبرانِ خدای تعالیٰ، علیهم الصّلٰوة والسّلام.

و در خبر است: هرکه "درودِ حاضری" در مجلس بخواند، همهٔ مجلس آمرزیده شود. انشاء الله تعالیٰ)

و در خبر است : هر که در شب جمعه "درودِ حاضری" ورد سازد به وقتِ خفتن، و سخنِ دنیوی نگوید، و با وضو باشد، و در خواب رود، لاریب فیه به جمالِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم، مشرّف شود، و در روزِ قیامت از صحبتِ حضرتِ رسول، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم دور نباشد. انشاء الله تعالیٰ.

و هر که (درودِ حاضری) پیش از نمازِ فجر یک بار بخواند، روشنائی در دل پیدا شود که هر چه بشنود، فراموش نشود؛ و هر که بعد از نمازِ فجر بخواند صاحبِ یقین گردد؛ و هر که دوپهر وقتِ خواب کردن سه بار بخواند، و بعدهٗ خواب کند، سیرِ عالم الغیب کند؛ و هر که بعد از نمازِ ظهر بخواند، هدایت الله تعالیٰ حاصل شود؛ و هر که بعد از نمازِ عصر بخواند روشنائی در جمیع اعضا پیدا شود که مغیباتِ خدای تعالیٰ بیند؛ و هر که بعد از نمازِ مغرب بخواند آوازِ غیبی از رحمتِ خدای تعالیٰ بشنود؛ و هر که بعد از نمازِ خفتن به وقتِ خواب کردن بخواند جمالِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم، را در خواب بیند. انشاء الله تعالیٰ.

انّی سمعت عن رسول الله، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم، من اراد فی مجلسه فلیقم لیتوضأ وضوء جدید ثم لیقم فی موضع، لایراء احد فلیقرء هذه الصّلوٰة احد عشر مرات بحضور القلب فی لیلة الاثنین یراء، و جلس فی موضعه و بعد انّهٗ لا ینظر من الانسان.

و هر که این ترتیب کند عالمِ علوی و سفلی و علمِ لدنی مکشوف شود و همیشه با مجلس حضرتِ محمدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم، مشرّف باشد؛ و اگر طالبِ دنیا و دولت باشد، نیز حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

ترتیب این است : اوّل وضو کند، بعدهٗ غسل کند، بعدهٗ جامۀ پاک پوشد، بعدهٗ خوشبوئی مالد، و به خلوت بنشیند به جای خالی، و چیزی از لوبان بسوزاند، و دو رکعت نمازِ تحیة الوضو بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] آیت الکرسی[2] یک بار و (سورة) الاخلاص[3] سه بار، و بعد از سلام صد بار "یالطیف" بگوید، و بعدِ تمام سر به سجده نهد، و پنج بار بگوید

۱ـ القرآن الحکیم : ۱. ۲ـ ایضاً : ۲، ۲۵۵. ۳ـ ایضاً : ۱۱۲.

قدوس رب الملائکة والرّوح" گوید. بعدهٔ سر از سجده بردارد، و یک بار آیت الکرسی بخواند، و در سجدهٔ دوم برود، نیز "سبّوح قدّوس ربّ الملائکة والروح" پنج بار بگوید. بعدهٔ بنشیند، و یازده بار" المستغاث یا رسول الله! المستغاث یا رسول الله! الشفاعة [۹۲ ا] یا رسول الله! المدد فی کل حاجة من حوائج الدّنیا والآخرة یا رسول الله! گوید.

بعدهٔ دست برداشته سه بار این دعا بخواند:

اللّٰهم انک تعلم سرّی و علانیتی فاقبل معذرتی و تعلم حاجتی و اعطنی سوالی فاغفرلی ذنوبی کلها بحرمة هذه المدح و بحرمة اولاد الحسن والحسین سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اقض حوائجنا من الدّنیا و الآخرة یا قاضی الحاجات و یا عالم السّر و الخفیات یا ذا الجلال والاکرام، (برحمتک یا ارحم الرّاحمین).

بعدهٔ "درودِ حاضری" ببیست و یک بار بخواند، و بعدِ هر بار خواندن این مناجات نیز یک بار گوید:

اللّٰهم انک تعلم سرّی و علانیتی تا آخر.

هر روز به این قدر بخواند؛ و بعد تمام این عدد اگر توفیق رفیق شود به این اسم نیز مشغول شود؛ یا هادی یا باسط یا علیم یا وهّاب گوید؛ و شروعِ این از روزِ دوشنبه، و تا روزِ دوشنبهٔ دیگر کند، جمله مرادات دینی و دنیوی حاصل شود، و عالم علوی و سفلی مکشوف شود، و علم لدنی و دین و دنیا نیز نصیب گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

چنانچه بعد القراءة هذالمدح انّی رایت رسول الله صلی الله علیه و آلہ وسلّم، فی نصف اللّیل بعد صلوة التّهجد فقال یا ولدی من قرء هذه المدح فی کلّ یوم ثلث مرّاة لایسلب ایمانه الی الموت.

و نیز اگر کسی برای مشاهدهٔ خدای تعالیٰ بعد از نمازِ خفتن سه بار "درودِ حاضری" بخواند، و بعدِ هر بار خواندن این مناجات نیز یک بار بگوید:

اللّٰهم حرّق عوارض قلبی بنور عشقک و ارزقنی ازدیاد مشاهدتک بحرمت هذه المدح و بحرمة سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اقض حوائجنا یا قاضی الحاجات یا عالم السّر و الخفیات یاذاالجلال

والاکرام. برحمتک یا ارحم الرّاحمین، مشاهدهٔ ربّانی حاصل شود. (انشاءالله تعالیٰ).

و اگر برای مسخّر کردن محبوب یا غیر دیگر از خلق من الجن و الانس و الامراء والوزراء وغیره ذٰلک؛ روزِ یکشنبه بعد از نمازِ ظهر نُه بار "درودِ حاضری" بخواند، و بعد هر بار خواندن این دعا نیز یک بار بخواند:

اللّهم سخّر قلبی فلان بن فلان کما سخرت الرّیح والجن و الشیاطین لسلیمان علیه الصّلوٰة والسّلام بحرمة اولادِ الحسن والحسین سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری، اقض حوائجنا یا قاضی الحاجات و یا عالم السّر والخفیات یا ذا الجلال و الاکرام، (برحمتک یا ارحم الرّاحمین). مطلوب حاصل شود. انشاءالله تعالیٰ

و اگر برای دفعِ دشمن یا برای هلاک کردنِ جمیع دشمنان روزِ سه شنبه وقتِ دوپهر پنج بار "درودِ حاضری" بخواند، و بعدِ هر بار خواندنِ این دعا [۹۲ب] نیز یک بار بگوید:

اللّهم اقطع و اجل و امل فلان بن فلان مع جمیع اعداء و اعدائک کما اهلکت اعدائک انبیاءِک و اولیائک، و اهلک جمیع اعداء و اعدائک کاهلاک عاد و نمرود یقهرک و قهار یا جبّار بحرمة هذه المدح و بحرمة اولادالحسن والحسین سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اقض حوائجنا یا قاضی الحاجات و یا عالم السّر والخفیات یا ذاالجلال والاکرام (برحمتک یا ارحم الرّاحمین)، جمله دشمنان هلاک شوند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر برای جواب کردن از مُرده شبِ چهارشنبه و شبِ پنج شنبه و شبِ آدینه پیش قبرِ بزرگوار برود، و سلام بر این ترتیب بگوید: السّلام علیکم یا اهل القبور! و انتم لنا سلف و نحن لکم تبع و انا انشاء الله تعالیٰ بکم لاحقون.

بعد بنشیند و ختم کرده به او بخشد، و سه بار "درودِ حاضری" بخواند، و بعدِ هر بار خواندن این دعا نیز یک بار بخواند: اللّهم یا عالم السّر و النجوی و یا کاشف الضر والبلوی کشف عنی الحزن و الاذی و افتح لی باب المرادات من الدّین والدّنیا بحرمة هذه المدح و بحرمة اولادالحسن والحسین سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری، اقض حوائجنا یا قاضی الحاجات و یا عالم السّر والخفیات یا ذاالجلال والاکرام (برحمتک یا ارحم الرّاحمین).

بعدهٗ همان جا خواب کند، یا به خانه آید، بهتر آن است که همان جا خواب کند، ج

باصواب کار یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و خاصیت های "درودِ حاضری" در کتاب اکبر جلالی تصنیف سید باقر (بن سید عثمان) بخاری، سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید عمرہٗ عقاد دیدم با شرح، من برای آسانی اندک نوشتم تا خوانندہ ملول نشود[1]

حکایت: مردی از ولایتِ دُور بہ خدمتِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، بیامد، و گفت: یا رسول اللہ! صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم: مرا اھل و اولاد بسیار است، و من از خدمت و دیدنِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، دور ام. مرا چیزی عنایت فرمایند کہ آن را بخوانم، و حضرت را بینم.

حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، امیر علی، کرم اللہ وجھہ، را فرمود کہ برای آن درود نوشتہ بدھید تا بخواند، و مرا بیند.

حضرت امیر علی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، این درود جمع کردہ نوشتہ او را داد، و او رفتہ بہ اعتقادِ درست و بہ اخلاصِ دل ھر روز می خواند، و درمیانِ خواندن حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، را ھر روز می دید، و او ھمہ یاران را نیز می گفت، و ھمہ ھر روز مشغول می شدند، و بہ این مشاھدہ مشرّف می شدند. بدین سبب "درودِ حاضری" نام نہادند. واللہ تعالیٰ اعلم بالصواب.

"درودِ حاضری" این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

[۱۹۳] اللّٰھم صل علیٰ محمّد و علیٰ آل محمّد و بارک وسلّم. الحمد للہ الّذی زین النّبیین بحبیبہ المصطفیٰ و من علی المؤمنین نبیہ المجتبیٰ المسرّی بہ من فوق العرش الیٰ تحت الثریٰ. الحمد للہ علیٰ ما مضیٰ والحمد للہ علیٰ ما بقیٰ والصلوٰۃ والسّلام علیٰ رسولہٖ محمّد خیر الوریٰ مدحتک یا رسول اللہ صلی اللہ علی النّبی الامّی انت خیار اللہ المستغاث الیٰ حضرت اللہ تعالیٰ.

۱- این جملہ نیز از کاتب اصلی جواھر اولیا محمد علی است (رک بہ حاشیہ ۱ ص ۲۵۶ درھمین جواھر).

الصلوٰۃ و السلام علیک یا رسول اللہ، رسولنا رسول سید الکونین، فتاح فاتح اللہ، المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ و السلام علیک یا رسول اللہ النبی المصطفیٰ رسول سراج العالمین محمود مطیب اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللہ السید المعلی رسول النبی الخافقین قاسم خیر خلق اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ و السلام علیک یا رسول اللہ اولی من عباد اللہ رسول صاحب الدارین خادم مطیب اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ و السلام علیک یا رسول اللہ نبینا المزکی رسول تاج الحرمین ناج طاھر اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ و السلام علیک یا رسول اللہ ھدانا رسول جد السبطین الحسن و الحسین داع مطہر اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ و السلام علیک یا رسول اللہ نبی مختار مرتضیٰ امام رسول مقتدی الامۃ المھدیین ھاد مبین اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ و السلام علیک یا رسول اللہ ھدانا رسول مھدی الامۃ من الضلالۃ مھتد مطیع اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللہ حبیبنا رسول ھاد الامۃ صفی حجۃ اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللہ محمد مجتبیٰ رسول کریم مرتضیٰ خلیفۃ اللہ، المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللہ رسولنا رسول علی الدوام نبیؐ طٰہٰ ویٰس قاسم حامد اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللہ امیرنا رسول نبی اسمہ محمد ناصر کلیم اللہ

المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ معیننا رسول اللّٰہ التقی الیاسین امام امین اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ [۹۲ب] مصدقنا رسول حبیب نبی مزمل بیان رسول اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ شاھدنا رسول نبی مدثر قرآن نوراللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ مذکرنا رسول معطر الروح بار جواد اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ سلطان الانبیاء رسول صاحب الکوثر مدنی منیر اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ سراج الانبیاء رسول صاحب الفرقان مکی شکور اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ امام الاتقیاء رسول صاحب الکوثر مدنی منیر اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ سراج الانبیاء رسول صاحب المیزان ابطحی قریب اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ برھان الاصفیاء رسول سید القوم عربی یتیم اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرہ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ شفیعنا رسول ہجراہ المھدی قریشی شہید اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصلوٰۃ والسلام علیک یا رسول اللّٰہ امام المؤمنین زینۃ الانبیاء والمرسلین رسول خادم الفقراء حجازی نذیر اللّٰہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللّٰہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا رسول اللہ ختم الانبیاء رسول محمد بن عبداللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا رسول اللہ سیّدنا رسول مستغیث مقتصد حلیم اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا رسول اللہ رسولنا رسول مرسل متوسط رحیم اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا رسول اللہ اغثنا یا رسول الثقلین انت حق مبین اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ و اعطنا رسول رسول المجتبیٰ اوّل حبیب اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ اکرمنا رسول صاحب الشریعۃ آخر عزیز اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ [۹۶ و] اھل التقویٰ رسول صاحب الطریقۃ شفاء فصیح اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا رسول اللہ آمنابک انت نبیّنا رسول صاحب الحقیقۃ مصری بشیر اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ امام الامم رسول صاحب المعرفۃ برھان رحمۃ اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا رسول اللہ کبیرنا رسول صاحب الجنّۃ طاھر کریم اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا رسول اللہ سند العاصیین رسول صاحب الجنّۃ سلطان تہامی مؤمن اللہ المستغاث الی حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ فقیھنا رسول صاحب القراط مبلّغ

عاقب اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ ولیّنا رسول صاحب الشّفاعۃ باطن خلیل اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ ولیّنا رسول صاحب الشّفاعۃ شہید عوامنا رسول صاحب التاج محلّل باذن المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ وفی النّار مخلّصنا رسول صاحب المحراب حاشر نذیر اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ افضل من النّبیین والصّدیقین محبوبنا رسول صاحب المنبر خطیب رحمۃ اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ مبشّرنا رسول صاحب البیت عامرِ کعبۃ اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ اکبرنا صاحب المعراج عالم غنی اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰت والسّلام علیک یا رسول اللہ نبی آخر الزّمان رسول صاحب الاجتہاد منتقم مکرّم اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ فی الدّارین صادقنا رسول صاحب القیٰمۃ ناطق شفیع اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ مشفع الاُمّۃ بعیننا بالشفاعۃ رسول صاحب النبوّۃ محرم نبی اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ [۹۶ب] سابقنا رسول صاحب الدّارین حریص رؤف اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا رسول اللہ سیّد الجن والانس ناہٖ نبیّنا رسول صاحب النعمۃ ھاشمی کرامۃ اللہ المستغاث الیٰ حضرۃ اللہ تعالیٰ۔

الصّلوٰة و السّلام علیک یا رسول اللہ مقربنا رسول الی رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ مائۃ الف الف
صلوٰۃ و سلام و رحمۃ و تحیۃ و برکۃ علیٰ رسول المصطفیٰ و فاطمۃ الزہراء و خدیجۃ الکبریٰ
و الحسن الرضا و الحسین المجتبیٰ و الشہداء کربلا، رضوان اللہ تعالیٰ علیہم۔ اللّٰھم ارحم
ابابکر التقی و عمر النقی و عثمان التزکی و علی الوفی و سعد و سعید و طلحہ و زبیر و
عبدالرحمٰن بن عوف و ابا عبیدہ بن الجراح عشرۃ المبشّرین و سائر الصحابۃ والتابعین
و الخلفاء راشدین، رضوان اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین، والحمد للہ رب العالمین. بعدہٗ
دست برداشتہ این دعا بخواند:

اللّٰھم انک تعلم سرّی و علانیتی تا آخر کہ بالا مذکور است.

و از حضرت امیر حسن، رضی اللہ تعالیٰ عنہ. منقول است: ہر کہ ہر روز صد بار این
درود بخواند، ثواب صدقۂ جملۂ غنیان در نامۂ او ثبت کنند، و ہرچہ مال دارد، زیادہ شود
(انشاء اللہ تعالیٰ).

صلواتِ بزرگوار این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

اللّٰھم صلِ علیٰ محمد عبدک و رسولک و علی المؤمنین والمؤمنات والمسلمین و المسلمات.

و از حضرت امیر حسین (شہیدِ دشتِ کربلا)، رضی اللہ عنہ، منقول است: ہر کہ شبِ
جمعہ ہزار بار این درود بگوید، جمالِ جہان آرای مبارکِ حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم، در خواب بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و درودِ معظم این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

اللّٰھم صلِ علیٰ محمد النبی الامی و آلہ وسلم.

و از حضرت امام (علی) زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: ہر کہ این
درود سہ بار بگوید، ہفتاد مَلَک ہر روز ثواب او نویسند؛ و در جای دیگر گفتہ است
کہ ہفتاد مَلَک ہزار روز او را استغفار می کنند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

درود بزرگوارِ معظّم این است :

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

جزیٰ تعالیٰ محمّداً، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، عنا ما هواهله.

و از حضرت امام جعفر صادق، رضی اللّٰه عنه، منقول است: هر که این درود وقتِ خفتن بعد از نمازِ عشا صد بار وظیفه سازد، قرضِ او گذارده شود، و زود غنی گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

صلواتِ معظّمِ بزرگوار این است :

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰهم صل ابداً افضل صلواتک علیٰ سیدنا محمّد عبدک و رسولک النّبی الامّی و آله وسلّم تسلیماً کذلک وزِده تسلیما وتکریما و انزله المنزل المقرّب عندک یوم القیٰمة.

و از حضرت مخدوم سیّد جلال جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللّٰه [۹۵ ا] تعالیٰ سرّه العزیز، منقول است : هر که این صلوات بعد از نمازِ عشا هفتاد بار بخواند، حضرتِ رسالت پناه، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، را در آن جا بیند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

صلواتِ بزرگوار این است :

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰهم صل علیٰ محمّد و علیٰ آل محمّد الف صلوٰة و سلام و رحمة و بارک وسلّم علیه. برحمتک ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد فضل اللّٰه (بخاری)، قدّس اللّٰه سرّهٔ منقول است که چون مخدوم[1] سیّد جلال جهانیان جهانگشت، قدّس اللّٰه سرّهٔ العزیز، به زیارتِ روضهٔ مبارک حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم رفتی، و گفتی که السّلام علیک یا جدّی!

از درونِ روضهٔ مبارک آواز برآمدی که علیک السّلام یا ولدی!

بعدهٔ (حضرتِ) مخدوم همان جا به این صلوات مشغول شدی.

---

[1] ب از این جا به بعد چند برگ افتاده است.

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد و اصحابہٖ و اولادہٖ و ازواجہٖ و ذرّیاتہٖ و اھل بیتہٖ واصہا[رہٖ] وانصارہٖ و اشیاعہٖ و محبیہٖ و امتہٖ و علینا معھم اجمعین. برحمتک یا ارحم الراحمین.

باز (حضرت) مخدوم جہانیان جہانگشت را از اندرونِ روضۂ مبارک آواز بلند برآمدی:

یا ولدی! من صلّی علیٰ ھذہٖ الصّلوٰۃ فی لیلۃ الاثنین سبع مرات قضی اللہ تعالیٰ لہٗ مائۃ حاجۃ سبعین منھا فی الآخرۃ وثلاثین فی الدنیا.

یعنی حضرتِ پیغمبر، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، مخدومِ جہانیان (جہانگشت) را فرمودی کہ: ای فرزندِ من! ھر کہ بر من این درود در شبِ دو شنبہ ھفت بار بفرستد، خدای تعالیٰ صد حاجت وی برآوردہ گرداند، ھفتاد حاجت از حاجت ھای آخرت و سی حاجت از حاجت ھای دنیا.

و از حضرتِ مخدومِ جہانیان جہانگشت، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ بہ اعتقاد درست و بہ اخلاصِ دل بہ این صلوات، کہ بالا مذکور است، مشغول شود، البتہ او در مجلسِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، مشرّف شود، و علم اوّلین و آخرین ھم مکشوف گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرتِ سید اسمٰعیل بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ این صلوات در شبِ جمعہ سہ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از غم ھای دنیا و آخرت نجات دھد، انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد الشّاکرین ، اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد الطّاھرین.
اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد الذّاکرین ، اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد المطھّرین.
اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد المجتبین ، اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد الوارثین.
اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد التّابعین ، اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد الشّافعین.
[۹۵ب] اللّھم صلِ علیٰ محمّد سیّد المشفّعین ، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت امام سید حسن المثنیٰ، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، بن امام سید حسن المجتبیٰ[1] رضی اللّٰه تعالیٰ عنه منقول است هر که این صلوات در شبِ دوشنبه بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از حسد و کینه کردن ایمن گرداند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

صلواتِ (بزرگوار) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّدٍ و علیٰ آلِ محمّدٍ بکلّ لسانٍ و جنانٍ، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سید عبداللّٰه المحض بن سید حسن المثنیٰ، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، منقول است: هر که این صلوات بعد از نمازِ صبح نو بار بخواند، خدای تعالیٰ زبانِ او فصیح گرداند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

صلواتِ (بزرگوار) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّدٍ و علیٰ آلِ محمّدٍ، صاحب الکتاب العزیز و حامل الفرقان المجید، برحمتک یا ارحم الراحمین.

و از حضرت سید موسیٰ الجون بن سید عبداللّٰه (المحض)، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، منقول است: هر که این صلوات روزِ دوشنبه هزار بار بخواند، بیامرزد خدای تعالیٰ گناهانِ خورد و بزرگِ او را، و دفع گرداند تبِ گرم و سرد، و کارهای دینی و دنیوی نیز حاصل شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

صلوات (بزرگوار) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّدٍ و علیٰ آلِ محمّدٍ صلواتٍ جامعةً بین السّرّ و الجهر و صلِ علیٰ جمیع اخوانه من النّبیین و الشّهداء و الصّالحین اهل قبلة و الایمان و الکتاب و المیزان یا حنّان یا منّان واغفر لأمّة نبیک و حبیبک محمّدٍ علیه الصّلوٰة و السّلام، و اسکنهم اعلی الجنان و احسن الیهم یا ولی الاحسان وادخلهم برحمتک فی الرّضاء و الرّضوان و الرحمة و الغفران و اعذهم من شرّ الشیطان و النیران.

۱- ا برگ ۹۵ ب و ج برگ ۱۳۱ ا: "حسین شهید".

و از حضرت سید عبدالله ثانی[1] بن سید موسیٰ الجون، رضی الله تعالیٰ عنه، منقول است: هر که این صلوات بعد از نماز تهجد سه بار بخواند، جمله علوم کشف شود، و ظاهر و باطن نیز معلوم گردد. انشاء الله تعالیٰ.

صلوات (بزرگوار) این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم.

اللهم صل علیٰ محمد و علیٰ آلِ محمد صلوٰة لاحقة بنوره.

اللهم صل علیٰ محمد و علیٰ آلِ محمد صلوٰة مقرونة بذکره.

اللهم صل علیٰ محمد و علیٰ آلِ محمد صلوٰة جامعة بین فرحه و سروره.

اللهم صل علیٰ محمد و علیٰ آلِ محمد صلوٰة محیط بطوره و صُوره.

اللهم صل علیٰ محمد و علیٰ آلِ محمد صلوٰة منورة لقلوب اصحاب صدوره.

اللهم صل علیٰ محمد و علیٰ آلِ محمد صلوٰة شارحة المنقوره و مسطوره،

و صل علیٰ جمیع اخوانه من الانبیاء والاولیاء بعدد عبوره و شُروره.

بین الماء و طهوره والنور و ظهوره والحق و اموره.

اللهم صل علیٰ محمد [۹۶ الف] و علیٰ آلِ محمد بعدد کل ذرة الف الف مرة.

اللهم صل علیٰ محمد و علیٰ آلِ محمد و بارک وسلم. برحمتک یا ارحم الراحمین.

و از حضرت سید داود بن سید موسیٰ ثانی[2] رضی الله تعالیٰ عنه منقول است: هر که این صلوات بعد از نماز ظهر نود بار بخواند، بر دشمنان ظفر یابد. انشاء الله تعالیٰ.

صلوات (بزرگوار) این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم.

اللهم صل علیٰ سیدنا محمد و علیٰ آله وسلم فی الاولین.

---

۱. طبق شجرهٔ سلسلهٔ گیلانی در اُچ شریف گیلانی. ا برگ ۹۵ ب و ج برگ ۱۳۱ ب: "محمد صالح". ۲. طبق شجرهٔ سلسلهٔ گیلانی در اُچ شریف گیلانی. ا برگ ۹۶ الف و ج برگ ۱۳۱ ب: "محمد صالح". از این شجره نام سید موسیٰ ثانی بن سید عبدالله ثانی افتاده. و برای شجرهٔ نسب شیخ عبدالقادر جیلانی رک به جواهر دوم صفحه ۱۶۱.

اللّٰھم صلِ علیٰ سیّدنا محمّدٍ و آلہٖ وسلّم فی الآخرین.

اللّٰھم صلِ علیٰ سیّدنا محمّدٍ و آلہٖ وسلّم فی الملاء اعلیٰ الیٰ یوم الدّین،

برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد یحییٰ زاھد بن سیّد داؤد، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھرکہ این صلوات بعد از نمازِ عصر ھفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ توبۂ او قبول کند، و مستجاب الدّعوۃ گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰھم صلِ علیٰ محمّدٍ و آلہٖ وسلّم عدد ما علمت.

اللّٰھم صلِ علیٰ محمّدٍ و آلہٖ وسلّم زنۃ ما علمت.

اللّٰھم صلِ علیٰ محمّدٍ و آلہٖ وسلّم ملاء ما علمت.

اللّٰھم صلِ علیٰ سیّدنا محمّدٍ و آلہٖ و صحبہٖ بعدد ما فی جمیع الفرقان حرفا و بعد کلّ حرفا الفا الفا.

اللّٰھم یا ربّ صلِ علیٰ محمّدٍ بعدد ورق ھذہِ الاشجار، وصلِ علیٰ محمّدٍ بعدد الورد والانوار و صلِ علیٰ محمّدٍ بعدد قطر الامطار، وصلِ علیٰ محمّدٍ بعدد رِجل العفار، وصلِ علیٰ محمّدٍ بعدد دوّاب البراری و البحار، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد عبداللہ بن سیّد یحییٰ زاھد، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھرکہ این صلوات بعد از نمازِ شام یازدہ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از شرِّ جن و دیو و پری نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰھم صلِ علیٰ سیّدنا محمّدٍ و علیٰ آلِ سیّدنا محمّدٍ سرّ البرکات.

اللّٰھم صلِ علیٰ سیّدنا محمّدٍ و علیٰ آلِ سیّدنا محمّدٍ سبب الخیرات.

اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد فی جمیع الآنات.
اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد بعدد انفاس المخلوقات.
اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد بعدد اشعار الموجودات.
اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد بعدد حروف اللّوح و الدّعوات.
اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد بعدد حبّة سواکن السبع الارضین والسّموات.
اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد بعدد حبّة الرمل و اوراق الاشجار.
اللّهم صلِ علیٰ محمّد (و علیٰ آلِ محمّد) بعدد ما خلق بالبدایات والنهایات. من الموجودات والمعدومات الیٰ ابد الآباد من اوّل ازلہٖ و اوسط حشرہٖ و آخر بقائہٖ و سلّم تسلیماً کثیراً کثیرا. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد صالح موسیٰ جنگی دوستِ حق، بن سیّد عبداللہ، قدّس اللہ سرّہ [۹۶ ب] منقول است: هر که این صلوات بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، غفلت و فراموشی از دلِ او برود، و خدای تعالیٰ او را توفیق و معرفت نصیب کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلوات (بزرگوار) این است:

(بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم).

اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد کلما ذکرہ الذاکرون و کلما غفل عن ذکرہ الغافلون. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ اکبر و غوثِ اعظم سیّد محی الدّین ابو محمّد عبدالقادر جیلانی گیلانی بن سیّد صالح موسیٰ (جنگی دوستِ حق) قدّس اللہ سرّہُ العزیز، منقول است: هر که این صلوات وقتِ خفتن بر بستر هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از شرّ جملہ بلاهای گوناگون نگاه دارد، و از وسوسۂ شیطان امین شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (بزرگوار) این است:

(بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم).

اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد صلوٰۃ انت لها اهل وهولها اهل.

اللّٰھم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ صلوٰۃً تکون لک رضاءً و لحقہٖ اداءً ، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت قطب العالم ، کاشف اللوح والقلم مخدوم سیّد جلالِ جہانیانِ جہانگشت، قدس اللّٰہ سرّہٗ ، منقول است: ھرکہ این صلوات بعد از نمازِ تہجّد صد بار بخواند، مشاھدۂ جمال و جلالِ اللّٰہ تعالیٰ نصیب شود، و ظاھر و باطن نیز کشف گردد. انشاءاللّٰہ تعالیٰ.

صلواتِ (بزرگوار) این است:

(بسم اللّٰہ الرّحمٰن الرّحیم).

اللّٰھم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ بعدد ما فی علم اللّٰہ.

اللّٰھم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ بعدد ما فی قلم اللّٰہ

چنانچہ فقیر بعد از نمازِ تہجّد بہ این صلوات مشغول بودم. آوازِ این آیت از قدرتِ ربّ العالمین شنیدم: اِنَّ اللّٰہَ وَمَلٰٓئِکَتَہٗ یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یٰٓاَیُّھَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْہِ وَ سَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا.[۱]

پس ھرکہ این آیت بعد از نمازِ تہجّد بہ اعتقادِ درست و بہ اخلاصِ دل مع صلوات یازدہ بار بخواند، جملہ علوم کشف شود، و آنچہ در دنیا و آخرت است، ھمہ معلوم گردد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از پدرِ خود کہ مہبطِ انوار اللّٰہ و مظہرِ اسرار اللّٰہ ، خلیفۂ رسول اللّٰہ، مجلسیِ حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم، صاحب العلم والحلم و الشجاعۃ سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل اللّٰہ، قدس اللّٰہ سرّہٗ، شنیدہ ام کہ چون فقیر در اُچ در مسجدِ جدّ خود (مخدوم) سیّد جلالِ جہانیانِ (جہانگشت) کہ بہ طرفِ روضۂ سرِ مخدوم (سیّد جلال) جہانیانِ (جہانگشت) است، قدس اللّٰہ سرّہٗ، چلّہ کشیدم، و بہ دعوی عظمۃ اِنَّ اللّٰہَ وَمَلٰٓئِکَتَہٗ تا آخر[۱] مشغول بودم.

۱۔ القرآن الحکیم: ۵۶:۳۳ .

چون شبِ چهاردهم ماهِ رمضان[۱] بود، در مجلسِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآلہ وسلم، مشرف شدم، و با جملهٔ اولیای الله تعالیٰ نیز ملاقات شد، و در آن مجلس از حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآلہ وسلم، شنیدم: هر که سه بار صلوات اوّل آخر بخواند [۹۷ الف] بعدهٔ دعوتِ این آیت[۲] کند، هرچه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

چنانچه قال رسول الله، صلی الله علیه وآلہ وسلم: الاعمال موقوفة و الدعوات محبوسة حتّٰی یصلی علی اوّلا و آخرا.

و این حدیث در کتاب جوهرة المنیره شرح مختصر القدوری فی باب صلوٰة الجنازة نیز آورده است.

فضیلتِ اجابت فی الدعاء و آدابہ و اوقاتہ و اسبابہ وفضلہ. قال ابن عطاء الله: الدعاء ارکان و اجنحة و اسباب و اوقات فان وافق الدعاء ارکانہ قوی وان وافق اجنحة طار فی السماء و ان وافق الدعاء مواقیة رقا و ان وافق اسبابہ الحج فارکانہ بحضور القلب والرقة والاستکانة والخشوع وتعلق القلب بالله تعالیٰ و قطعہ عن الاسباب و اجنحة الصدق والاخلاص و مواقیة الاسحار و اسبابہ الصلوٰة علی النبی، صلی الله علیه وآلہ وسلم. اذ قال الله تعالیٰ: وَ اِذَا سَاَلَكَ عِبَادِیْ عَنِّیْ فَاِنِّیْ قَرِیْبٌ[۳] نقل من "دُرّ النظیم فی فضائل قرآن العظیم" للامام الیافعی[۴] رحمة الله علیه.

چون فقیر باقر در اُچ از پدرِ خود فضیلتِ این آیت شنیدم، و به اذنِ پدرِ خود در اُچ چلّه نشستم، و به دعوتِ این آیت اِنَّ اللّٰهَ وَ مَلٰٓئِكَتَهٗ تا آخره[۵] مشغول شدم، چون شبِ بیست وهفتم ماهِ رمضان[۶] شد، در واقعه سیر از مشرق تا به مغرب کردم، و به دیدارِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآلہ وسلم، مشرف شدم، و پرسیدم:

۱- د برگ ۹۷ ب و ج برگ ۱۳۳ الف "سال ندارد".   ۲- القرآن الحکیم: ۳۳، ۵۶.   ۳- ایضاً: ۲، ...
۴- ج برگ ۱۳۳ ب: "یافی".   ۵- القرآن الحکیم: ۳۳، ۵۶.
۶- د برگ ۹۷ الف و ج برگ ۱۳۳ ب "سال" ندارد.

یا رسول (الله)! فضیلتِ قرآن چیست، و خوانندهٔ قرآن به گناه در دوزخ آید یا نه؟

چنانچه شعر:

من سیر کردم برّ و بحر و در سما هم در زمین
چون بدیدم مصطفیٰ، کس را ندیدم این چنین

پرسیده ام از مصطفیٰ از فضلِ قرآن قاریش
گفت: نیز آن نی در آید بطنِ قاری را یقین

حرف را صد چند رمز و هم ظهور و هم بطون
ای ولد! دانی یقین، بی شک یقین دانی یقین[1]

چون شبِ بیست و نهم ماه درمضان[2] شد، نیز از حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلّم، شنیدم که ای فرزندِ من! هر که این صلوات سه بار اوّل و آخر و این آیت[3] لود بار به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل شبِ دوشنبه بخواند، البتّه در مجلسِ من مشرف شود، و هر چه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

صلواتِ بزرگوار این است:

(بسم الله الرّحمٰن الرّحیم).

اللّهم صلِ علی محمّد وعلیٰ آلِ محمّد صلوٰة و برکته و سلاماً دائماً ابداً فی کلّ وقت و حین.

برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و آیت[4] که بالا مذکور است.

و از حضرت سیّد السّادات، حاجی الحرمین الشّریفین، اهل الجمال، کاشف العلم والکمال سیّد جلال بن سیّد داوٗد بخاری، جلیل الله، قدّس الله تعالیٰ سرّهٗ [۹۷ب] العزیز، منقول است: هر که این صلوات بعد از هر نماز هفت بار بخواند، و بر شکم بدمد، خدای تعالیٰ او را زبانِ فصیح دهد، و علم کشف شود. انشاء الله تعالیٰ.

۱- این سه بیت از سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری مؤلّف "جواهر الاولیاء" است. ۲- ا برگ ۹۷ و ج برگ ۲۴۳ آ "ماه و سال" ندارد. ۳ و ۴- القرآن الحکیم، ۲۳، ۵۶.

صلوات بزرگوار این است:

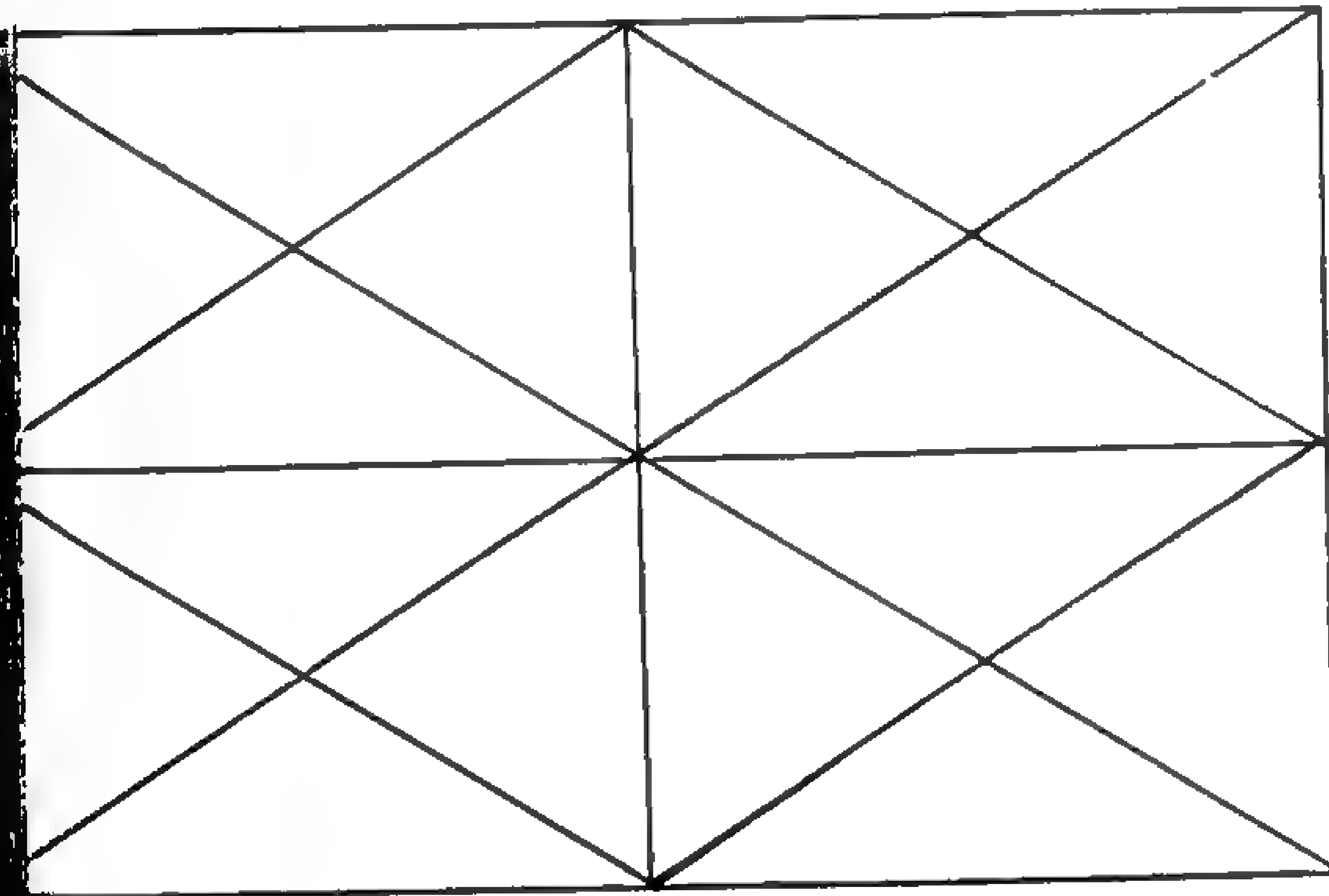
بسم اللہ الرحمن الرحیم.

اللّٰھم صل علیٰ سیدنا محمد و علیٰ آلہ و بارک وسلّم.

وَاحۡلُلۡ عُقۡدَةً مِّنۡ لِّسَانِیۡ یَفۡقَهُوۡا قَوۡلِیۡ [1]

بحق محمد الامین الفصیح العربی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم.

و از حضرت سید السادات، منبع البرکات، جامع العلوم والکمالات سید عثمان سید داؤد بخاری، قدس اللہ سرہٗ العزیز، منقول است: ھر کہ این صلوات بعد از عشا نہ بار بخواند کارھای [2] دینی و دنیوی او حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.



صلوات معظم این است:

بسم اللہ الرحمن الرحیم.

اللّٰھم ارحم علیٰ العاجز العاصی المضطر بحق محمد الامین، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، برحمتک یا ارحم الراحمین.

۱- القرآن الحکیم: ۲۰: ۲۷، ۲۸. ۲- در ب برگ ۱۳۹ الف از این جا بار دیگر عبارت متن شروع می شود.

و از حضرت سید نور محمد (بخاری)، قدس اللہ سرہٗ، منقول است : ہر کہ این صلوات پیشِ جن زدہ سہ بار بخواند، جن دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ معظم این است :

بسم اللہ الرحمن الرحیم.

اللھم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدن الذی ملأت قلبہٗ بجلالک و عینہٗ من جمالک.

اللھم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ بعدد کل داءٍ و دواءٍ .

اللھم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ ما اختلف الملوان و تعاقب العصران و تکرر الجدیدان و استقبل الفرقدان و بلغ روحہ و ارواح اھل بیتہٖ و صحبہٖ منا التحیۃ والسلام و بارک وسلم. برحمتک یا ارحم الراحمین .

و از حضرت سید حاجی حمید نظام الدین بخاری، قدس اللہ سرہٗ منقول است : ہر کہ این صلوات بعد از نمازِ فجر سہ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را با ایمان برانگیزاند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

صلواتِ (معظم) این است :

بسم اللہ الرحمن الرحیم.

اللھم صل علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ السابق للخلق نورہٗ و الرحمۃ العالمین ظہورہٗ عدد ما مضیٰ من خلقک و من بقیٰ و من سعد منھم و من شقیٰ صلوٰۃ تستغرق العدو تحیط بالحد صلوٰۃ لاغایۃ لھا ولا انتہاء و لا انقضاء صلوٰتک التی صلیت علیہ صلوٰۃ دائمۃ بدوامک و باقیۃ ببقائک وخالدۃ بخلودک و علیٰ آلہٖ وصحبہٖ کذٰلک، والحمد للہ ربّ العالمین.[1] برحمتک یا ارحم الراحمین.

و از حضرت سید راجو (عوثِ صمدانی)، بن سید نظام الدین بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است : ہر کہ این صلوات بعد از نمازِ عشا ھفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را راہِ راست نماید، و دلِ او روشن گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم : ۱۰ : ۱۰.

صلوات (معظّم) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

صلوات اللّٰه و ملائکته و انبیائه و رسله و حملة عرشه و جمیع خلقه علیٰ محمّد سیدالمرسلین و امام المتقین [۱۹۸ ا] و خاتم النّبیین و حبیب ربّ العالمین، و علیٰ آله و اصحابه و ازواجه و ذریاته و اولاده و علیٰ اهلِ بیته و بارک وسلّم. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد فضل اللّٰه بن سیّد قطب الدّین (بخاری) قدّس اللّٰه سرّه، منقول است: هرکه این صلوات سه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از زمانه بدنگاه دارد، و در حفظ و امانِ حق تعالیٰ باشد. انشاءاللّٰه تعالیٰ.

صلواتِ (معظّم) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّد و اصحابِ محمّد و ازواجِ محمّد کما صلّیت علیٰ ابراهیم و علیٰ آلِ ابراهیم انک حمید مجید. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

ــــــ ٭ ــــــ

ترتیب ختم خواجه عبدالخالق غجدوانی و خواجه بهاء الدّین نقشبند و خواجه یوسف همدانی و سلطان بایزید بسطامی و شیخ ابوالحسن خرقانی، قدّس اللّٰه سرّهم، برای برآمدنِ حاجات و کشادنِ کارها و برای دفعِ دشمن و شرّ دشمن و برای معظّم شدن پیشِ پادشاه و دفعِ بیماری های آخر الزّمان.

هرکه این ختم را بکند، خدای تعالیٰ هزار و یک حاجتِ او بر آرد، و خیر گرداند. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

چندین اولیای اللّٰه تعالیٰ کرده اند و همهٔ مرادات یافته اند.

و ختم خواجه های بزرگوار، علیهم الرّحمة، به طریقی که حضرت قطب الاقطاب خواجه عبدالشّهید برای شرف الدّین حسین مرزا نوشته فرستاد، این است:

اوّل وضو بکند، و دو رکعت نمازِ تحیة الوضو بخواند، و بعد از آن دو رکعت نماز برای

برآمدنِ حاجات بخواند، و دو رکعت از برای ارواحِ خواجه های بزرگوار بخواند. بعد ازان ده بار دعای افتتاح بخواند (که) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

یا مفتّح الابواب، یا مسبّب الاسباب، یا مقلّب القلوب والابصار، یا دلیل المتحیّرین، یا غیاث المستغیثین اغثنی توکّلت علیک یاربّی افوّض امری الیک ولا حول ولاقوّة الّا باللّٰه العلی العظیم.

بعد ازان هفت بار فاتحه[1] مع تسمیه و صد بار صلوات و هفتاد و نُه بار سورة الانشراح[2] با تسمیه و هزار و یک بار سورهٔ اخلاص[3] مع تسمیه، و در آخرِ ختم نیز هفت بار فاتحه[4] مع تسمیه، و صد بار صلوات بفرستد، و صلوات به این طریق فرستد:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰهم صلِ علیٰ محمّدن النّبی الامّی و علیٰ آلہٖ و اصحابہٖ وسلّم.

سه روز کند که مرادش حاصل شود به قدرتِ حق سبحانهٗ و تعالیٰ. انشاءاللّٰه تعالیٰ.

به اعتقادِ درست و به نیازِ تمام بخواند، و شک نیارد.

و از حضرت هارون الرّشید، خلیفهٔ عبّاسی، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، منقول است: هر که این صلوات بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را جملهٔ گناهانِ خورد و بزرگ بیامرزد. انشاءاللّٰه تعالیٰ.

صلواتِ (معظّم) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰهم صلِ [۹۸ ب] علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّدن النّبی الامّی الطّاهر الزّکی صلوٰة تحلّ بها العقد و تفکّ بها الکرب و تقضی بها الارب و علیٰ آلہٖ و اصحابہٖ و ازواجہٖ و ذرّیاتہٖ و اولادہٖ و علیٰ اهلِ بیتہٖ و بارک وسلّم.

---

۱. القرآن الحکیم: ۱. ۲. ایضاً: ۹۴. ۳. ایضاً: ۱۱۲. ۴. ایضاً: ۱.

اللهم صل علیٰ محمدن النبی الامّی العربّی الحرمی و علیٰ آلہٖ و اصحابہٖ وسلّم. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت مستعصم[1] باللہ، آخرینِ خلفای عبّاسیہ، کہ در بغداد پادشاهی کرده اند، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هر کہ این صلوات شب دوشنبہ هزار بار بخواند، هر کاری کہ داشتہ باشد (از) خدای تعالیٰ حاصل کند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

(صلواتِ معظّم این است):

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللهم صل علیٰ محمّد عبدک و حبیبک و رسولک النّبی الامّی و آلہٖ وسلّم، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سلطان عمرو بن لیث صفّاری، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: هر کہ این صلوات بعد از نمازِ شام هفت بار بخواند، هیچ گناهی بر او باقی نماند، و پاک شود از گناهان چنانچہ از مادر زاده. (انشاء اللہ تعالیٰ).

صلواتِ (معظّم) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللهم صل علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد حتیّ لایبقی من صلواتک و بارک علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد حتیّ لایبقی من برکاتک شیءٌ و ارحم محمّدن النّبی الامّی حتیّ لایبقی من رحمتک شیءٌ و بارک وسلّم علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد حتیّ لایبقی من سلامتک شیءٌ برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ عبدالخالق غجدوانی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر کہ این صلوات بعد از نمازِ تہجّد نود بار بخواند، در علم آموختن ذهنش بسیار شود، و دلِ او از غل و غش پاک شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظّم) این است:

۱- د برگ ۹۸ ب، ب برگ ۱۲۰ ا و ج برگ ۱۳۵ ب: "معتصم باللہ" کہ هشتمین خلیفۂ عبّاسی است نہ آخرین.

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

اللّٰھم صلِ علیٰ سیّدنا محمّد و علیٰ آل محمّد، بحر انوارک و معدن اسرارک و لسان حُجّتک و عروس مملکتک و امین ملکک و خاتم انبیاءک صلوٰۃ ترضیک و ترضیہ و ترضی بہا عنا . برحمتک یا ارحم الرّاحمین .

و از حضرت سیّد ورابہ بن سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ ، منقول است: ہر کہ این صلوات بعد از نمازِ عشا پنجاہ بار بخواند، ہر دعائی کہ کند، مستجاب شود، و در دنیا و آخرت از صحبتِ حضرتِ رسول، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، دُور نباشد، و دنیا و دولت نیز زیادت گردد. انشاء اللہ تعالیٰ .

صلواتِ معظّم ومکرّم این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم .

اللّٰھم صلِ علیٰ محمّد بعدد من صلّی علیہ، و صلِ علیٰ محمّد بعدد من لم یصل علیہ وصلِ علیٰ محمّد کما امرتنا بالصّلوٰۃ علیہ وصلِ علیٰ محمّد کما تحب و ترضی ان یصلی علیہ وصلِ علیٰ محمّد کما ینبغی الصّلوٰۃ علیہ و رضی اللہ تعالیٰ عن ابی بکر و عمر و عثمان و علی، کرم اللہ وجہہ و رضی اللہ تعالیٰ عن اصحاب رسول اللہ صلی اللہ تعالیٰ علیہم [۱۹۹] اجمعین . والحمد للّٰہ ربّ العالمین.[۱]

الٰہی بحرمت مدح حبیبک محمّد صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، ان تقضی حاجاتنا یا قاضی الحاجات و یا عالم السّر و الخفیات یا ذا الجلال و الاکرام . برحمتک یا ارحم الرّاحمین .

و از حضرت شیخ ابو محمّد مرجانی مغربی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ این صلوات روزِ شنبہ صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از سرقہ و از عادتِ زنا دفع گرداند. انشاءاللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظّم) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم .

اللّٰھم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد و بارک وسلّم بعدد کل ذرّۃ مائۃ الف الف آلاف مرّۃ .

---

۱. القرآن الحکیم : ۱۰:۱۰.

و از حضرت سید محمد رفاعی یمنی، رفع اللہ شانہ، منقول است: ہرکہ بعد از ہر نماز این صلوات ہفت بار بخواند، از جملہ بلاہا ایمن شود. انشاءاللہ تعالیٰ.

صلواتِ بزرگوار این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰہم صلِ وسلّم علیٰ سیدنا محمدنِ الذی جمعت بہ شتات النفوس و نبیک الذی جلأت بہ ظلام القلوب وحبیبک الذی اخترتہ علی کل حبیب.

و از حضرت شیخ عبدالرزاق بن سید شرف الدین قادری، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہرکہ این صلوات روزِ یکشنبہ نود بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از کژدم و زنبور نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظم) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰہم صل علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد فی اوّل کلامنا.

اللّٰہم صل علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد فی اوسط کلامنا.

اللّٰہم صل علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد فی آخر کلامنا

اللّٰہم صل علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد فی جمیع اقوالنا و احوالنا، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت مولانا فاضل خیالی کہ بر شرحِ عقایدِ نسفیۂ تفتازانی حاشیۂ مشکلہ نوشتہ است، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہرکہ این صلوات روزِ دوشنبہ ہشتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از گزیدنِ سگ نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظم)، این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰہم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد مطلق عنان الایمان فی میدان الاحسان وکحل ریاض الکرم الیٰ ارض الجنان وصل یارب علیٰ آلِ محمّد، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت مولانا حسین خلخالی کہ بر شرحِ عقایدِ عضدیۂ جلالی حاشیۂ مشکلہ نوشتہ،

رحمة الله علیه، منقول است: هر که این صلوات روزِ سه شنبه پنجاه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از آفاتِ ملخ و کژدم وغیرِ آن نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

صلواتِ «معظّم» این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد بعدد من صلّ علیه و صلّ علیٰ محمّد بعدد من لم یصلّ علیه وصلّ علیٰ محمّد کما تحبّ و ترضیٰ ان یصلّی علیه وصلّ علیٰ محمّد کما امرتنا بالصّلوٰة علیه وصلّ علیٰ محمّد کما ینبغی الصّلوٰة علیه، برحمتک [۹۹ب] یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت حاکم ابو عبدالله نیشاپوری که کتابِ مستدرک در حدیث تألیفِ او است، رحمة الله علیه، منقول است: هر که این صلوات روزِ چهار شنبه چهل بار بخواند، بر دشمنان ظفر یابد و خدای تعالیٰ جمله دشمنانِ او را، هلاک و پریشان گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

صلواتِ «معظّم» این است:

بسم الله الرّحمٰن الرحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد، سلطان الرسل، ختم الانبیاء، مولیٰ الثقلین، امام المشرقَین والمغربَین و جدّ السّبطین وعلیٰ آله و اصحابه و ازواجه وسلّم. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

× و از حضرت حسّان بن ثابت صحابی که شاعر و مدّاحِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله تعالیٰ علیه و آله وسلّم، بود، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که روزِ پنج شنبه این صلوات سی بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از جمیعِ علّت ها نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

صلواتِ «معظّم» این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم صلِ علیٰ محمّد وعلیٰ آلِ محمّد سیّد العرب و العجم المبعوث علیٰ کافة الامم وصلّ یا ربّ علیٰ آلِ محمّد. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سفیان بن عبدالله ثقفی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که این صلوات روزِ آدینه و شبِ آدینه هزار بار بخواند، خدای تعالیٰ کارهای دینی و دنیویِ او

حاصل کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظم) این است.

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰهم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ سیدالکونین و الثقلین و الفریقین، جدّ الحسن والحسین ومحبوب ربّ المشرقین و المغربین و مسند قاب قوسین المتجلّی بتجلیتین الّذی قال له الواحد یا نور نوری و یا سرّ سرّی و یا خزاین معرفتی افدیت ملکی یا محمد من لدن الارض الیٰ تحت الارضین کلّهم یطلبون رضائی و انا اطلب رضاءک یا محمد صلی اللہ علیه و آلہٖ وسلّم.

و از حضرت (عبداللہ) هاتفی شاعر، خواهرزادهٔ ملّا جامی، رحمة اللہ علیه، منقول است: هرکه این صلوات روزِ پنج شنبه بعد از نمازِ عصر پنجاه بار بخواند، روحانیانِ غیبی پیدا شوند، و او را دنیا و دولت دهند. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظم) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰهم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ بعدد الوریٰ والبریٰ و الثریٰ.

اللّٰهم صلِ علیٰ محمدن النبی الامی و ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهلِ بیته کما صلیت علیٰ ابراهیم و علیٰ آلِ ابراهیم، انک حمید مجید. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سید احمد افغان هندی (سرهندی)، قدس اللہ سرّہ، منقول است: هرکه این صلوات بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از همه عقباتِ هولِ قیامت نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و هرکه این صلوات [۱۰۰ و] سه بار بخواند، دردِ دندان دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظم) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰهم صلِ علیٰ محمدٍ و علیٰ آلِ محمدٍ و انزله المنزل المقرب عندک یوم القیٰمة، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سید صدر الدین بن شیخ صفی الدین اردبیلی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ھر کہ این صلوات بر قبرِ مُردہ بخواند، بیامرزد خدای تعالیٰ اورا و صاحبِ قبر را، اگرچہ گناھان بسیار کردہ باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظّم) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّھم صلِ علیٰ محمّد وعلیٰ آلِ محمّد و اجزہ عنا ما ھو اھلہ.

اللّھم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد و بارک وسلّم و اجزہ عنا خیر الجزاء، برحمتک یاارحم الراحمین.

و از حضرت (شیخ) ابوہریرہ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: ھر کہ این صلوات بعداز نمازِ صبح ھفت بار بخواند، چون دشمنان قصدِ دشمنی او کردہ باشند، از نظرِ دشمنان حق تعالیٰ (اورا) در حجاب دارد، و سلامت ماند، وہیچ کس وی را زیان نرساند. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظّم) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّھم صلِ علیٰ محمّد وعلیٰ آلِ محمّد وتقبّل شفاعتہ الکبریٰ و ارفع درجتہ العلیا و انہٗ مسئولہ فی الآخرۃ و الاولیٰ کما اتیت ابراھیم و موسیٰ علیٰ نبیّنا و علیھما الصّلوٰۃ والسّلام، وعلیٰ آلھم، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و ازحضرت ابو دردا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: ھر کہ این صلوات بعد ازنمازِ ظہر سہ بار بخواند، خدای تعالیٰ اورا در رزق بسیار برکت دھد. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلواتِ (معظّم) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّھم اجعل صلواتک و برکاتک و رحمتک و رأفتک و محبّتک علیٰ سیّد المرسلین و قائد الغرّ المحجّلین و خاتم النّبیین محمّد عبدک و رسولک و نبیّک امام الخیر و قاید الغرّ و رسول الرّحمۃ.

اللّھم ابعثہ مقاماً محمودا یغبط بہ الاوّلون والآخرون. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت جابر بن عبداللہ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: ہرکہ این صلوات در سفر بسیار گوید، خدای تعالیٰ او را از خوفِ گرسنگی و تشنگی ایمن گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

(صلواتِ معظّم این است):

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰہم صلِ علیٰ محمّد وعلیٰ آلِ محمّد کما صلّیت علیٰ ابراہیم وعلیٰ آلِ ابراہیم انک حمید مجید، و بارک علیٰ محمّد و علیٰ آل محمّد کما بارکت علیٰ ابراہیم انک حمید مجید برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدّس اللہ سرّہٗ، شنیدم: ہرکہ در شب غرّۂ قدر رود در سفر یا در حضر، دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[1] سہ بار رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْوٰرِثِیْنَ[2] و سہ بار سورۃ الاخلاص[3]، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[4] نَصْرٌ مِّنَ اللّٰہِ وَ فَتْحٌ [۱۰۰ ب] قَرِیْبٌ[5] و سہ بار سورۃ الاخلاص، و بعد از سلام ہفت بار این صلوات بخواند:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰہم صلِ علیٰ محمّد سیّد العرب والعجم وعلیٰ آلہٖ و اصحابہٖ اجمعین.

و این دعا نیز سہ بار بخواند: اللّٰہم ربّ البلد الحرام و الشہر الحرام والحل الحرام و الرکن والمقام، اقرء علیٰ روحِ محمّدٍ منا السّلام، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و این دعا در شرعۃ الاسلام لرویۃ النّبی، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہٖ وسلّم، فی المنام نیز آوردہ است.

بعدہٗ دست برداشتہ این آیت بخواند: رَبَّنَآ اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَۃً وَّ فِی الْاٰخِرَۃِ حَسَنَۃً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ[6] و شرّ الاشرار و کید الفجّار و سائر الکفّار و مایختلف فی اللیل و النّہار، بحق لَآ اِلٰہَ اِلَّآ اَنْتَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ فَاسْتَجَبْنَا لَہٗ وَنَجَّیْنٰہُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِیْنَ.[7] خدای تعالیٰ او را در مجلسِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، مشرّف گرداند، و

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۰۰. ۲۔ ایضاً: ۲۱، ۸۹. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۱. ۵۔ ایضاً: ۶۱، ۱۳.
۶۔ ایضاً: ۲، ۲۰۱. ۷۔ ایضاً: ۲۱، ۸۷ و ۸۸.

از وسوسۂ شیطان و از غم ھای دنیا و آخرت نیز نجات دھد، و در زمرۂ اولیا و متقیان گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت وحیہ کلبی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: ھرکہ در شبِ دوشنبہ بعداز نمازِ عشا چہار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ھر رکعتی بعد از فاتحہ[1] سہ بار سورۃ الاخلاص[2]، و بعد از سلام سی بار این صلوات بخواند:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللھم صل علیٰ محمد الف الف صلوٰۃ و الف الف سلام علیٰ رسولہ محمد ختم الانبیاء والمرسلین و علیٰ آلہ و اصحابہ اجمعین. برحمتک یا ارحم الراحمین.

بعدہٗ دست برداشتہ این دعا بخواند، خدای تعالیٰ در دنیا اورا با ایمان برانگیزاند، و ھیچ بلا و دشمن گرد او نگردد، و ھمیشہ بہ خیر و عافیت باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای بزرگوار این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللھم انا نسئلک من نعمۃ تمامھا و من العصمۃ دوامھا و من الرحمۃ شمولھا و من العافیۃ حصولھا و من العیش ارغدہٗ و من العمر اسعدہٗ و من الاحسان اتمہٗ و من الانعام اعمہٗ و من الفضل اعذبہٗ و من اللطف اقربہٗ و من العلم انفعہٗ.

اللھم کن لنا و لاتکن علینا.

اللھم اختم لنا بالسعادۃ اجالنا و حقق بالزیادۃ امالنا و اقرن بالعافیۃ غدونا و اصالنا واجعل علیٰ رحمتک مصیرنا ومالنا واصلب سجال عفوک علیٰ ذنوبنا ومن علینا باصلاح عیوبنا و اجعل التقویٰ زادنا و فی دینک اجتھادنا و علیک توکلنا و اعتمادنا وثبتنا علیٰ منھج استقامۃ و اعذنا من موجبات الندامۃ یوم القیٰمۃ و خفف عنا ثقل الاوزار و ارزقنا عیشۃ الابرار و اکفف عنا شر الاشرار واعتق رقابنا و رقاب آباءنا و امھاتنا من النار، یاعزیز یا غفار یا کریم یاستار یاحلیم [۱۰۱] یاجبار

---

[1] القرآن الحکیم: ۱. [2] ایضاً: ۱۱۲.

یا عظیم یا قہار، برحمتک یا ارحم الرّاحمین۔

و در خلاصة التصانیفِ امام (ابو حامد محمد، غزالی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، گفتہ کہ ہر کہ بعد از ہر نماز دعای مذکور بخواند، عاقبتِ او بہ خیر متبدل گردد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ۔

و از حضرت سعد بن معاذ، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، منقول است: ہر کہ این صلوات شبِ جمعہ ہزار بار بخواند، جمالِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم، در خواب بیند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ۔

صلواتِ بزرگوارِ این است:

بسم اللّٰہ الرّحمٰن الرّحیم۔

اللّٰہم صلِ علیٰ سیّدنا و شفیعنا و حبیبنا محمّد و علیٰ آلِ محمّد و بارک وسلّم برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و در احیاء العلوم (تألیفِ ابو حامد محمّد غزالی) مذکور است: یستحب ان یقول بعد صلوٰة الجمعہ مع الصّلوٰة اللّٰہم یا غنی یا حمید یا مبدیٔ یا معید یا رحیم یا ودود اغننی بحلالک وعن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک فقال من داوم علیٰ ھذا اغناہ اللّٰہ تعالیٰ عن خلقہٖ و رزقہٖ من حیث لایحتسب ویستحب ان یکثرة الصّلوٰة یوم الجمعۃ علیٰ رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم، قال من صلی علی یوم الجمعۃ ثمانین مرّة غفر اللّٰہ لہٗ ذنوبہٗ ثمانین سنۃ قیل یا رسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم، کیف الصّلوٰة علیک قال یقول اللّٰہم صل علیٰ محمّدٍ عبدک و نبیک و رسولک النّبی الاُمّی و یعقد واحدة و ان قلت.

اللّٰہم صلِ علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد صلوٰة تکون لک رضاء ولحقہٖ اداء و اعطہٖ الوسیلۃ والمقام المحمود الّذی و اعدتہٗ و اجزہٗ عنا ما ھو اھلہٗ و اجزہٗ افضل ما جزیت نبیًا عن اُمّتہٖ وصل علیٰ جمیع اخوانہٖ من النّبیین و الصّالحین، برحمتک یا ارحم الرّاحمین۔

یقول ھذا سبع مراةٍ فقد قیل من قالھا فی سبع جمع فی کلّ جمع سبع مرات وجبت لہٗ شفاعتہٗ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہٖ وسلّم، وان اراد ان یزید فی الصّلوٰة المأثورة.

فقال اللّٰہم اجعل فضایل صلواتک و نوای برکاتک و شرائف زکوٰتک و رأفتک و رحمتک علیٰ محمّد سیّد المرسلین و امام المتقین و خاتم النّبیین و رسول ربّ العالمین

قائد الخیر و فاتح البر و نبی الرحمۃ و سید الامۃ۔

اللّٰھم ابعثہ مقاما محمودا، یزلف بہ قربہ و تقربہ عینہ یغبطہ بہ الاولون والآخرون۔

اللّٰھم اعطہ الفضل و الفضیلۃ و الشرف والوسیلۃ و الدرجۃ الرفیعۃ و المنزلۃ الشامخۃ المنیفۃ۔

اللّٰھم اعط محمدا رسولہ و بلغہ ماموله و اجعلہ اول شافع و اول مشفع۔

اللّٰھم عظم برھانہ و ثقل میزانہ و افلج حجتہ و ارفع فی اعلیٰ المقربین درجتہ۔

اللّٰھم احشرنا فی زمرتہ [۱۰۱ب] واجعلنا من شفاعتہ و احینا علیٰ سنتہ وتوفنا علیٰ ملتہ و اوردنا حوضتہ المورود و اسقنا بکاسہ غیر جزایا و لانادمین و لاشاکین و لا مبدلین ولاقانطین ولا مفتونین، آمین رب العالمین وعلیٰ الجملۃ فکلما اتی بہ من الفاظ الصلوٰۃ و لو المشہورۃ فی التشہد کان مصلیا وینبغی ان یضیف الیہ الاستغفار فان ذٰلک مستحب فی ھذہ الیوم۔

ایضاً در احیاء العلوم: قیل یا رسول اللہ کیف یصلّ علیک فقال قولوا:

اللّٰھم صل علیٰ محمد وعلیٰ آل محمد و ازواجہ وذریاتہ کما صلیت و بارکت علیٰ ابراھیم انک حمید مجید۔ برحمتک یا ارحم الرّاحمین۔

و از حضرت سلطان الاولیا، قطب العالمین، جلال الحق والدّین سلطان سید جلال بخاری جدِ مخدوم سید جلال جہانیان (جہانگشت) کہ در اُچ آسودہ است، قدس اللہ تعالیٰ مرقدہ، منقول است: ہر کہ این صلوات درشب جمعہ ھفت بار بخواند، دوزخ بر او حرام شود، و بہشت بر او حلال گردد. انشاء اللہ تعالیٰ۔

صلواتِ بزرگوار این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرحیم۔

اللّٰھم صل علیٰ محمد خیر الخلایق و افضل البشر و شفیع الامۃ فی الدّارین وعلیٰ آلِ سیدنا ونبینا محمد و بارک وسلّم، برحمتک یا ارحم الرّاحمین۔

و از حضرت شیخ المشایخ مخدوم جہانیان (جہانگشت) سید جلال بخاری، رحمۃ اللہ علیہ

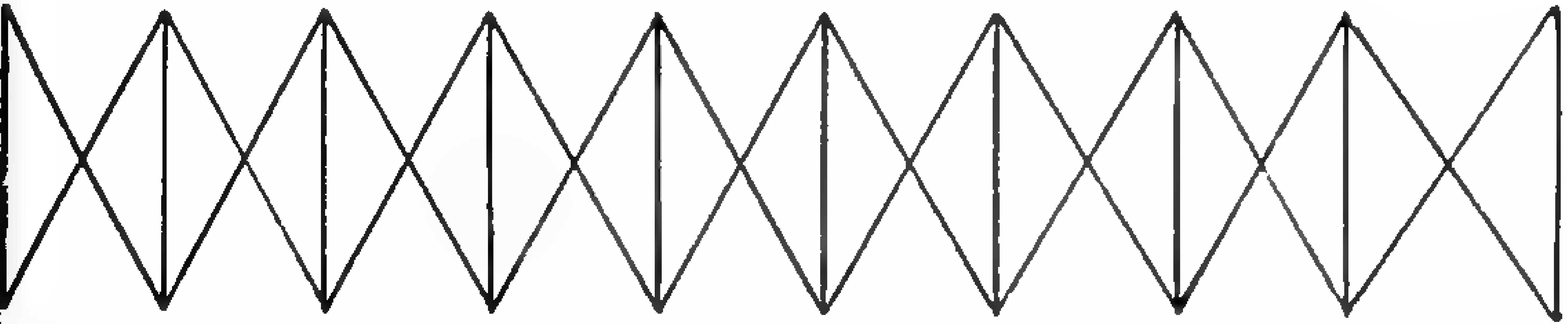
منقول است: هرکرا مهمی پیش آید، یک هفته این دعوت را ادا سازد، و هزار بارخواند حق سبحانہ و تعالیٰ مهمِ او کفایت کند، امّا اعتقادِ درست کند. روزِ شنبه هزار بارخواند: لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ. روزِ یکشنبه هزار بارخواند: یاحیّ یاقیّوم. روزِ دوشنبه هزار بار بخواند:

اللّهم صلِّ علیٰ محمّد وعلیٰ آلِ محمّد بعددِ کلّ ذرّه مائة الف الف مرّة وبارک وسلّم.

روزِ سه شنبه هزار بار بخواند: لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ. روزِ چهارشنبه هزار بار بخواند: اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ. روزِ پنج شنبه هزار بار بخواند: سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ. وَلَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمُ. روزِ آدینه هزار بار بخواند: لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِیْنُ.

حاجت او رواگردد: انشاءالله تعالیٰ. والله تعالیٰ، اعلم بالصّواب والیه المرجع والمآب.

و در کتاب انوارالاولیا مذکور است که حضرت شیخ شمس الدین وشیخ عبدالله، مجاورِ



مکّۂ معظمہ، و مدینۂ مبارک، قدّس الله سرّهما، نقل ها نوشته است که حضرتِ مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدّس الله سرّہٗ، هفت حج کرده بود، و هربار که بزیارتِ مبارکِ مدینه و روضۂ مطهرهٔ مقدسۂ حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، درآمدی وگفتی که السّلام علیک [۱۰۲ الف] یاجدّی!

از درونِ روضۂ مبارک آواز برآمدی: وعلیک السّلام یاولدی! چنانچه همۂ مجاوران و دیگر خلقِ زیارتی شنیدند.

و هر بار حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلّم، حکایاتِ نونو به مهربانی خود مخدوم جهانیان جهانگشت، را فرمودی.

و در زیارتِ پنجم بار حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، فرمودی: یا ولدی! من قرء فی کل یوم و لیلۃ ھذا الصلوٰۃ ثلث مرات حرم اللہ تعالیٰ جسدہ علی النار و انا ضامن لہ بالجنۃ و ھی ھذہ الصلوٰۃ معظماً و مکرماً.

بسم اللہ الرحمن الرحیم.

اللّٰھم صل علی محمدن الذی بحر انوارک و معدن اسرارک و لسان حجتک و عروس مملکتک و امام حضرتک و طراز ملکک و خزائن رحمتک و طریق شریعتک المتلذذ بتوحیدک انسان عین الوجود و السبب فی کل موجود عین اعیان خلقک المتقدم من نور ضیائک صلوٰۃ تدوم بدوامک و تبقی ببقائک لا منتھی لہا دون علمک صلوٰۃ ترضیک و ترضیہ و ترضی بہا عنا یا رب العالمین.

اللّٰھم صل علی محمدن الذی بحر انوارک و معدن اسرارک و محبوب حضرتک و نور عرشک و تاج خلقک و برھان انبیائک و حجۃ اولیائک و موصل المحبین الی لقائک و شفیع المذنبین من عصاتک و صاحب مقام محمودک یا من اظہر ذاتک لاجلہ و افدیت ملکک بمحبتہ فصل علیہ بحسب شرفہ و منصبہ و جاھہ و قربہ لدیک صلوٰۃ باضعاف ما صلیت علیہ من الازل الی الابد.

اللّٰھم انزلہ المقعد المقرب عندک یوم القیمۃ وصل وسلم علیہ و علی آلہ و اصحابہ اجمعین. برحمتک یا ارحم الراحمین.

و مخدومِ جہانیانِ (جہانگشت) قدس اللہ سرہ، در مدینۂ مبارک بہ این صلوات چہل روز مشغول شد. بعدہٗ مخدوم فرمود:

من قرء ھذہ الصلوٰۃ المزکی تام الشفاعۃ محمدن المصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم.

من قرء ھذہ الصلوٰۃ التی سمی الصلوٰۃ المحبوبیۃ المحمودیۃ کل یوم او لیلۃ عشر مرات لقضاء الحوائج او لزیادۃ فہم العلم او لحفظ القرآن او لدفع البلیات او لشفاء الامراض او لقضاء الحوائج قضی اللہ تعالیٰ جمیع ذلک، و من قرء ھا لشفاعۃ محمد رسول اللہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، او لقرب وصال اللہ تعالیٰ رزقہ اللہ تعالیٰ قرب ذاتہ و شفاعۃ رسول اللہ محمد، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، و سخرہ اللہ تعالیٰ جمیع خلائقہ و فی قبرہ بحضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، و شفعہ و فی الحشر اخذ بیدہ و ادخلہ معہ فی الجنۃ الفردوس، مع جمال وصال ربہ تعالیٰ شوقاً الی لقائہ.

اللّٰھم ارزقنا ذلک ببرکۃ ھذہ الصلوٰۃ المقبولۃ المحمودۃ و من اراد ان یری جمال محمدن المصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، فلیغسل لیلۃ الجمعۃ و لیصل رکعتین یقرء فی کل رکعۃ بعد

الفاتحہ[1] آیت الکرسی[2] مرۃ و قل ھواللہ احد[3] خمسین مرۃ او خمس و عشرین مرۃ، و بعد السلام یقرء ھذہ الصلوٰۃ احد و مائۃ مرۃ ثم یقول اللّٰھم ارنی فی منامی اللیلۃ ما اریدہ ببرکۃ الصلوٰۃ سبع مرات ثم لینم فی ذٰلک المقام طاھر فان رای فی ذٰلک اللیلۃ ذٰلک النعمۃ [۱۰۲ب] حصل مدعاہ والا یفعل ذٰلک ثلث جمع الیٰ سبع جمع و ان لم یر شیئا فذلک لشیٔ من امر نفسہ و ھذہ السر من اسرار المخزونۃ فتعلموا الیٰ ازکیاء الاتقیاء لا اسفھاء الاراذل وھی ھٰذہ الصلوٰۃ کہ بالا مذکور است، واللہ تعالیٰ اعلم بالصواب۔

و از پدرِ خود حضرت سید السادات، جامع العلوم و الکمالات سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ تعالیٰ سرہٗ، شنیدم: ھرکرا مھمی پیش آید، وقتِ شب کہ کسی بیدار نباشد، این صلوات و این خرقۂ خلافت پیرانِ بخاریان، کہ پشت بہ پشت خرقہ گرفتہ اند، یک ھزار بار بخواند، خدای تعالیٰ آن مھم حاصل کند، و کارھای دینی و دنیوی نیز میسر گردد، و حجاب ھای ظاھری و باطنی میانِ او و خدای تعالیٰ نیز دفع شود، و دعای او ھمہ مستجاب گردد، و ھیچ دشمن بہ او زیان نرساند، و ھیچ بلا گرد او نگردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

فضیلتِ این صلوات و این خرقہ بسیار است کہ بیان کردن نتواند، اما دفقیر اندک نوشتہ تا خوانندہ ملول نشود. واللہ تعالیٰ اعلم بالصواب۔

تمامیتِ آن مھم اقل بیست شب است، و اکثر چھل شب است.

صلواتِ (معظم) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰھم صلِ علیٰ محمد بعدد معلوم لک و علیٰ آل محمد و بارک وسلم، برحمتک یا ارحم الراحمین.

و خرقۂ پیرانِ (بخاریان) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

الٰھی بہ حرمتِ خرقۂ خلافت کہ از حضرتِ رب العالمین جل جلالہٗ وعم نوالہٗ برحضرت

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۔ ۲۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵۔ ۳۔ ایضاً: ۱۱۲۔

شفیع المذنبین و خاتم النّبیین و قبلۃ العارفین و کعبۃ الطائفین و حبیبِ رسولِ ربّ العالمین، محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہٖ و سلّم، رسید۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ امیر المؤمنین و امام المتقین (امیر علی، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ) کہ از حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ امام المسلمین، صورتِ خاتم النّبیین، امام شاہ حسین، شہیدِ دشتِ کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، کہ از پدرِ خود امیر علی، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سلطان العارفین امام سیّد (علی) زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، کہ از پدرِ خود امام سیّد حسین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرت امام الصادقین امام سیّد محمد باقر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، کہ از پدرِ خود امام سیّد (علی) زین العابدین گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرت شمس العارفین امام سیّد جعفر صادق رضی اللہ تعالیٰ عنہ، کہ از پدرِ خود اماما سیّد محمد باقر گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ امام العاشقین امام سیّد موسیٰ کاظم، امین اللہ، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود امام سیّد جعفر صادق [۱۰۳] گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سلطان الواصلین امام سیّد علی موسیٰ رضا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، کہ از پدرِ خود امام سیّد موسیٰ کاظم گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ (حضرت، امام المسلمین و العادلین امام سیّد محمد تقی، جواد اللہ، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود امام سیّد علی موسیٰ رضا گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ امام السالکین امام سیّد علی نقی، حجۃ اللہ، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود امام سیّد محمد تقی، جواد اللہ، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرت قطب العالمین سیّد جعفر ثانی، جلیل اللہ، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود امام سیّد علی نقی گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سلطان الاولیا و المتقین، دامادِ حضرت شاہ محی الدین،

سلطان سید نظام الدین علی اصغر، عبید اللہ، قدس اللہ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سید جعفر ثانی گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ قدوۃ الواصلین سلطان سید عبد اللہ، اسلام اللہ، قدس اللہ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سید نظام الدین علی اصغر (عبید اللہ) گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سلطان المقبولین، سید احمد، مقبول اللہ، قدس اللہ تعالیٰ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سید عبد اللہ، اسلام اللہ، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ قطب الاقطاب سلطان سید محمود، مختار اللہ، قدس اللہ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سید احمد، مقبول اللہ، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سلطان البر والبحر سید محمد، سیف اللہ، قدس اللہ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سید محمود، مختار اللہ، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سلطان الثقلین سید جعفر، مشتاق اللہ، (قدس اللہ سرہٗ)، کہ از پدرِ خود سید محمد، سیف اللہ، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سلطان الراسخین سلطان سید علی ابو المؤید، قدس اللہ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سید جعفر، مشتاق اللہ، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ قطب العالمین، جلال الحق والدین سلطان سید جلال بخاری، اسد اللہ، قدس اللہ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سید علی ابو المؤید[1] قدس اللہ سرہٗ، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سلطان الموحدین سلطان سید احمد کبیر، قدس اللہ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سلطان سید جلال بخاری، (اسد اللہ)، گرفت۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ کاشف الثقلین من السماء والارضین، مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت، قدس اللہ سرہٗ، کہ از پدرِ خود سلطان سید احمد کبیر[2] گرفت۔

۱۔ سلطان سید جلال بخاری مرید پدرِ خود سید علی ابو المؤید بود، اما خرقۂ خلافت از مخدوم شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی یافت۔ درک بہ ذکرِ سلطان سید جلال بخاری جواہر اوّل صفحہ ۱۰۔ ۲۔ مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت مرید پدرِ خود سید احمد کبیر بن سلطان سید جلال بخاری بود، اما خرقۂ خلافت از شیخ رکن الدین بن شیخ صدر الدین بن شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی یافت۔ درک بہ ذکرِ مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت جواہر اوّل صفحہ ۱۱۔

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ قطب العالمین سلطان سید محمود ناصر الدین، قدس اللہ [۱۰۳ب] سرّہٗ کہ از پدرِ خود مخدوم سید جلال جہانیانِ جہانگشت، قدس اللہ سرّہٗ، گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ رکن الحق و الدین سید فیض اللہ سہم اللہ، قدس اللہ سرّہٗ کہ از پدرِ خود سلطان سید محمود ناصر الدین گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرت باسط الیدین علی الفقراء سید اسمٰعیل، سخی اللہ، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود سید فیض اللہ، سہم اللہ، گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ قواعد الاسلام مبین الحلال و الحرام سید راجو، دکشف المعانی[۱] قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود سید اسمٰعیل، سخی اللہ، قدس اللہ سرّہٗ گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ سید السادات وارث الانبیاء والمرسلین سید ابراہیم، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود سید راجو دکشف المعانی[۲] گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ کاشفِ اسرارِ حضرتِ ربّ العالمین سید قطب الدین قطبِ عالم کہ از پدرِ خود سید ابراہیم گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ قدوۃ المتقدمین و المتاخرین سید فضل اللہ، جہانگشت، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود سید قطب الدین گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ برہان الحق والدین سلطان سید نظام الدین بخاری، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود سید فضل اللہ جہانگشت، قدس اللہ سرّہٗ گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ بحر الحقایق کنز الدقایق سید راجو، (غوثِ صمدانی)، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود سید نظام الدین بخاری گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ قبلۂ مقبلانِ عالم، و کعبۂ محققانِ بنی آدم سید حاجی حمید نظام الدین بخاری، قدس اللہ سرّہٗ، کہ از پدرِ خود سید راجو، (غوثِ صمدانی) گرفت.

الٰہی بہ حرمتِ خرقۂ خلافتِ حضرتِ امام الموحدین سید شکر اللہ بخاری، قدس اللہ سرّہٗ،

۱و ۲- ا ورگ ۱۰۳ ب، ب برگ ۱۴۸ ا و ج برگ ۱۲۳ ا: "سید راجو قتال": "سید راجو قتال" پسر سید احمد کبیر بن سلطان سید جلال بخاری و برادر مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت بود.

که از پدرِ خود سید حاجی حمید نظام الدین بخاری گرفت.

الهی به حرمتِ خرقهٔ خلافتِ حضرتِ تاج الزاهدین، داماد اولادِ حضرت سید شیخ محی الدین سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله سرّه، که از پدرِ خود سید شکر الله بخاری گرفت.

الهی به حرمتِ خرقهٔ خلافتِ حضرتِ سید السادات، مهبطِ انوار الله، منظرِ اسرار الله، خلیفهٔ رسول الله، مجلسیِ حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، صاحب العلم و الحلم و الشجاعة سید عثمان بخاری، ولی الله، قدس الله سرّه، که از پدرِ خود سید داؤد بخاری جلیل الله، قدس الله سرّه، گرفت.

الهی به حرمتِ خرقهٔ خلافتِ فقیر الحقیر، تراب اقدام طالبان، اضعفِ عباد الله، المعتصم بحبل الله، فقیر سید باقر، جعل الله فی الدارین مع الایمان الیٰ یوم الدین که از پدرِ خود سید عثمان بخاری، قدس الله سرّه گرفت.[1] [۱۰۱ الف]

الهی به حرمتِ این خرقهٔ خلافت مریدان را و طالبان را بر عبادت توفیق بخش و طاعتِ ایشان قبول گردان!

الهی به حرمتِ این صلوات و به حرمتِ خرقهٔ خلافتِ پیرانِ بخاریان، قدس الله سرّهم، کارهای من دینی و دنیاوی، ظاهری و باطنی، به کرمِ خود حاصل گردان، و از دشمنان و خصمان مرا نگاه دار، به حرمتِ آله الطیبین الطاهرین اجمعین. برحمتک یا ارحم الراحمین.

هر که این صلوات و این خرقه که بالا مذکور است، هر روز و هر شب یک بار بخواند ایمان او همیشه سلامت باشد، و خدای تعالیٰ او را از زبانِ دشمنان نیز نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

هر که این شجرهٔ خرقه بنویسد، و در گور بنهد، یا در کفن نهد، عذابِ آن گور او را هرگز نباشد

۱- ب برگ ۱۰۱ الف عبارتِ ذیل را در حاشیه دارد: «در متن نوشته: مصنف (سید باقر بن سید عثمان بخاری) است، سلمه الله تعالیٰ و ابقاه و زید عمره، و در حاشیه نوشته: شاگرد است از شاگردان. گر شاگرد دیگر برای حرمتی و کاری بخواند و یا در گور (نهد) خرقه بنویسد، بدین روش بنویسد و بخواند:

الهی بحرمتِ خرقهٔ خلافتِ سید السادات، منبع البرکات، جامع العلوم و الکمالات، مجلسیِ حضرت .... آل طٰهٰ و یٰس، صلی الله علیه و آله وسلم، اجمعین، سید باقر .... از پدرِ خود سید عثمان بخاری رضی الله تعالیٰ عنه گرفت. (این عبارت از کاتبِ اصلی جواهر الاولیا محمد علی است، که مرید و شاگردِ سید باقر بن سید عثمان بخاری بود).

اگرچہ گناہ بسیار کردہ باشد، و بیامرزد خدای تعالیٰ او را گناھانِ خورد و بزرگ، پنہان و آشکارا، و پُر نور گرداند آن قبر را از رحمتِ خود، و فراخ گرداند خدای تعالیٰ قبرِ او را ھزار در ھزار گز، و در روزِ قیامت در بہشت حوران و غلمان بسیار یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و از حضرتِ آخر شیخ بہاء الدین، کہ آن را در عرف "بہاول شاہ" می گویند، و اولاد و سجادہ نشینِ مخدوم شیخ بہاء الدین ذکریای ملتانی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ھرکہ این شجرۂ بخاریان، قدّس اللہ تعالیٰ سرّھم العزیز، بعد از نمازِ فجر یازدہ بار بخواند، یا نوشتہ پیشِ خود نگاہ دارد، خدای تعالیٰ جملہ کارھای دینی و دنیویِ او حاصل کند، و از جملہ بلاھای گونا گون (او را) نگاہ دارد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و ھرکہ این شجرۂ بخاریان بعد از نمازِ اشراق دہ بار بخواند، خدای تعالیٰ (او را) از باد و قولنج نجات دھد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و ھرکہ این شجرۂ بخاریان بعد از نمازِ ضحیٰ نُہ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از آفتِ درندہ و پرندہ نگاہ دارد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و ھرکہ این شجرۂ بخاریان وقتِ دوپہر ھشت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را مشاھدۂ خود نصیب کند۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و ھرکہ این شجرۂ بخاریان وقتِ زوال ھفت بار بخواند، بہ جمالِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم، مشرف شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و ھرکہ این شجرۂ بخاریان بعد از نمازِ ظہر شش بار بخواند، آنچہ از خدای تعالیٰ خواھد، یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و ھرکہ این شجرۂ بخاریان بعد از نمازِ عصر پنج بار بخواند، خدای تعالیٰ عزّت و دولت بسیار دھد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و ھرکہ این شجرۂ بخاریان بعد از نمازِ مغرب چہار بار بخواند، رحمتِ خدای تعالیٰ بر او فراوان گردد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

و ھرکہ این شجرۂ بخاریان بعد از نمازِ خفتن سہ بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ

بسیار بیند. انشاءالله تعالیٰ.

و هرکه (این شجرهٔ بخاریان) بعد از نمازِ تهجد دو بار یا سه بار [۲۰۱ب]. بخواند، معرفت و هدایتِ خدای تعالیٰ (به او) نصیب گردد. انشاءالله تعالیٰ.

شجرهٔ بخاریان به نظم، که آن را "سلسلة الذهب" خوانند، به طریقِ دایره این است:[۱]

۱- د برگ ۲۰۱ب، ب برگ ۱۵۰، د و ج برگ ۲۰۲ب شجرهٔ منظومِ بخاریان در دایره ندارد.

و از حضرت مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدس الله تعالی سرّه العزیز، منقول است:
هر که صورتِ قدمِ راستِ مبارک و نعلِ مبارکِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله تبارک و تعالیٰ علیه وعلیٰ آله وصحبه و بارک وسلّم، در کاغذ بنویسد، و در کفن یا در گور بنهد، حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم در آن جا حاضر شود، اگرچه عاصی مُرده باشد، خدای تعالیٰ به برکتِ قدمِ مبارک همهٔ گناهانِ او را ببخشد. (انشاء الله تعالیٰ).

و فضیلتِ صورتِ قدم و نعلِ (مبارک) بسیار است که چندان کتاب ها تصنیف شود. والله تعالیٰ اعلم بالصّواب.

و طریقِ صورتِ قدمِ راستِ مبارک این است:[۱]

۱- ا برگ ۴۰۱ب، ب برگ ۱۵۱ و ج برگ ۱۲۵ ا "صورتِ قدمِ راستِ مبارک" ندارد.

و حضرت اختیار بن غیاث الدّین الحسینی، مؤلف مختار الاختیار و شرح نام حق وغیر آن، در رسالهٔ حبیبیه آورده است که :

حضرت (رسالت پناه)، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم نعلین پوشیده، و نعلین از پوست گاو دباغت کرده بود، و دوال داشته.

و قدوة المحدثین خواجه ابو نصر پارسا، علیه الرّحمة والرّضوان، عادت داشته اند که تمثال نعل آن حضرت را، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، به اندازهٔ آن، چنان که پیش ایشان ثابت شده بود، از کاغذ می بریده اند، و بر او خط ها می کشیده اند به جای دوال ها و جای انگشتان پای معیّن ساخته اند، و بر آن کاغذ می نوشته اند که نعلین مبارک از چند پارهٔ ادیم بود برهم بخیه کرده.

وهم به خط شریف خود بر آن جا می نوشته اند، که از جمله آنچه مجرّب شده از برکات تمثال این نعل آن است که هر کس که آن را دایم بخود دارد، او را درمیان خلق قبولی تمام باشد؛ و البته حضرت پیغمبر، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، را زیارت کند؛ یا آن حضرت را، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، در خواب بیند؛ و هر کس که او را در خواب بیند، فقد رآه حقّاً اللّهم ارزقنا.

و این تمثال شریف نعل آن حضرت، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، در هر لشکر که باشد، در جنگ ثابت قدم باشند [۱۰۵ و] و نگریزند؛ و در هر قافله که باشد، غارت نیابد؛ و درمیان هر متاعی که باشد، دزد نبرد، و بر آن دست نیابد؛ و درمیان هر کشتی که باشد، اهل آن کشتی در امان باشند، و غرق نشوند؛ و توسل بجویند به صاحب آن، یعنی به حضرت (پیغمبر)، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، در هیچ حاجتی (نباشد) الّا آن که گذارده شود؛ و در هیچ ضیق و تشویشی و درماندگی (نباشند) الّا آن که از برکت این تمثال فرج حاصل شود، صلی اللّٰه تعالیٰ علیٰ صحبه و آله وسلّم.

و این فقیر اختیار بن غیاث الدّین الحسینی، اصلح اللّٰه شانه، به جهت تیمّن و تبرّک، و به امید آن که جائی که این تمثال باشد، آن جا این آثار مترتب شود.

درین رساله صورت این را موافق آنچه به صحت رسید، کشیده، و صورت مبارک آن نعل این است :

جواهرِ پنجم

در فضیلتِ مُناجات و ادعیات و (چهل و یک اسمای (یونانی و عربی)، و نماز که بر صورتِ قبرِ حضرتِ پیغمبر، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، بگذارد، و ثوابِ خطبه که روزِ جمعه بخواند؛ و خاصیتِ خطبۂ نکاحِ حضرتِ آدم و بی بی حوّا، علیهما السلام، و ثوابِ نمازهای دیگر که از مشایخانِ هند و سند به تجربه آورده اند.

جواهرِ پنجم

در فضیلتِ مناجات و ادعیات و (چهل و یک) اسمای (یونانی و عربی) و نماز که بر صورتِ قبرِ حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، بگذارد، و ثوابِ خطبه که روزِ جمعه بخواند، و خاصیتِ خطبهٔ نکاحِ حضرتِ آدم و بی بی حوا، علیهما السلام، و ثوابِ نمازهای دیگر (که از مشایخانِ هندوسند به تجربه آورده اند.

و از حضرت امام احمد حنبل، رحمة الله علیه، منقول است که نهصد و نود کرت خدای تعالیٰ را در خواب دیده، و نهصد و نود کرت خدای تعالیٰ را همین پرسید: خداوندا! هر که دیدارِ ترا در دنیا خواهد، چه کند؟

فرمانِ حضرتِ عزّت شد که وقتِ چاشت سیزده کرت این دعا را هر روز بخواند، و قرار گیرد. حضرتِ عزّت، جلّ جلاله، را در خواب بیند.

دعای معظّم و مکرّم این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم:

اللّهم صغر الدّنیا باعیننا و عظم جلالك فی قلوبنا.

اللّهم وفقنا لمرضاتك وثبتنا علیٰ دینك و طاعتك، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت فضل الله، شاگرد امام شافعی، رضی الله تعالیٰ عنه، منقول است که حضرت امام شافعی، رحمة الله تعالیٰ علیه، را بعد از وفات در خواب دیدم، و پرسیدم که با شما خدای

تعالیٰ چه کرد؟

امام فرمود: به حرمتِ این درود آمرزید، و لایقِ آمرزش نبودم.

هر که این درود را شب و روز بسیار خواند، بی شک آمرزیده شود. ان شاء الله تعالیٰ.

درودِ معظّم این است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم.

اللّهم صلّ علیٰ محمّد و علیٰ آل محمّد و بارک وسلّم. و صلّ کذلک جمیع الانبیاء و المرسلین و الملائکة المقرّبین و الصدّیقین و الشّهداء و الصّالحین و علیٰ اهل طاعتك [۵۰ب] اجمعین. و الحمد لله ربّ العالمین.

و از حضرت سیّد فیض الله بن سلطان سیّد محمود ناصر الدّین بخاری، قدّس الله سرّه، منقول است: اگر کسی را قرار و آرام نشود برای دیدن خدای تعالیٰ، این دعا را روزینه شانزده بار بخواند، دایم مصاحب حضرتِ عزّت بماند، و خطرهٔ وی بر جا ماند. و دلِ وی غنی گردد، و روز به روز منوّر و موصوف به صفتِ کمالِ حق تعالیٰ شود. ان شاء الله تعالیٰ.

دعای معظّم این است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم.

سبحان الدائم القائم، سبحان القائم الدائم، سبحان الملك الحیّ القیّوم، سبحان الله وبحمده، سبحان الملك القدّوس سبّوح قدّوسٌ ربّ الملائکة والرّوح، سبحان الله العلیّ الاعلیٰ، سبحانه وتعالیٰ. برحمتك یا ارحم الرّاحمین، و صلّی الله علیٰ خیر خلقه محمّد و آله و اجمعین و عترته الطّاهرین، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سلطان سیّد محمود ناصر الدّین بن مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر کرا در زهد وله گرفته باشد، و هیچ عمل نمی تواند کرد؛ باید که در وقتِ مشغول شدن هفت کرت این دعا را به نیتِ دفعِ وله بخواند، توفیق مزید شود. ان شاء الله تعالیٰ.

دعای معظّم و مکرّم این است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم.

یا صانعُ کلّ مصنوعٍ و یا جابرُ کلّ کثیرٍ و یا شاهدُ کلِّ نجوی و یا حاضرُ کلِّ بلاءٍ و یا صاحبُ کلّ غریبٍ و یا مونسُ کلّ وحیدٍ و اجعلنی من امری فرجًا و مخرجا. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سلطان العارفین، قطب العالمین، جلال الحق والدّین سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله مرقدهٗ، منقول است: اگر کسی را مهمّی صعب پیش آید، باید که روزیکشنبه بعد از نمازِ اشراق به اعتقادِ درست این دعا را بنویسد، و در آبِ روان اندازد، و صد بار بر آب روان بخواند، همه کارها حاصل شود. انشاء الله تعالی.

دعای بزرگوار این است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم.

یا عالم السّرّ و النّجوی و یا کاشف الضر و البلوی، اکشف عنی الحزن و الاذی و افتح علی باب المرادات من الدّین والدّنیا بحرمت محمّد رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلّم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ یونس سجاوندی، رحمة الله علیه، منقول است که اگر کسی را مهمّی عظیم پیش آید، این دعا را بنویسد، و در آبِ روان اندازد، اگر در هفت روز غرضِ او بر نیاید، فردای قیامت چنگِ وی در دامنِ من باشد. (انشاء الله تعالی).

و اسنادِ این دعا بسیار است، امّا اندک نوشته است.

(دعای بزرگوار این است):

بسم الله الرّحمن الرّحیم.

بسم الله لا حول و لا قوّة إلّا بالله العلی العظیم. الحق المبین، المغفرة من عبد الذّنب الی المولی الجلیل المبین، المغفرة و انت و الغفّار. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

[۱۰۶ ر] بعدهٗ هفتاد کرت این مناجات بخواند:

الهی بحرمتِ کن فیکون، فتبارک اللّٰه احسن الخالقین و الحمد للّٰهِ ربّ العالمین.

و از حضرت امام اعظم ابو حنیفه کوفی نعمان بن ثابت، رحمة اللّٰه علیه، منقول است:
قال امام ابو حنیفة: رایت ربّ العزّة فی المنام سبعین مرّة، وسأل فی کلّ مرّة انّی اخاف من زوالِ الایمان، فقال اللّٰه تعالیٰ: من قرء هذه الدّعاءِ فی عمرهٖ مرّة لا یسلب ایمانهٗ، و هو هذا الدّعاء.

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

سبحٰن اللّٰه الازلی الازلِ، سبحان اللّٰه الابدی الابدِ، سبحان اللّٰه الواحد الاحدِ، سبحان اللّٰه الفرد الصّمد، سبحان اللّٰه من رفع السّمٰوات بغیر عمدٍ ترونها، سبحان اللّٰه من وضع الارض بغیرِ مددٍ، سبحان من لم یتخذ صاحبة و لا ولد، سبحان من لم یلد و لم یولد ولم یکن لّه کفوا احد، اسئلک ان تحیی قلبی بنور معرفتهٖ بحق یا اللّٰه، یا رحمٰن یا رحیم یا کریم. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ محی الدّین محمّد مشهور به الشیخ ابن العربی الحاتمی الطائی الاندلسی، که کتابِ فصوص الحکم، که احسنِ کتبِ وی است، و کتابِ فتوحاتِ مکیّه، که اطولِ کتبِ وی است، و تفسیر وغیرها، عربی و فارسی، نظم و نثر زیاده از پانصد کتب تصنیف او است، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هرکه در کاری سخت درمانده باشد، او را باید که بعد از نمازِ شام صد بار این دعا بخواند، آن کار حاصل شود، و دنیا و دولت نیز میسّر گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

دعای بزرگوار، این است:
بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.
یا شفیق یا رفیق، نجّنی من کلّ ضیق یا رفیق.

و از حضرت مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت، قدّس اللّٰه سرّهٗ تعالیٰ، منقول است:
هرکه دعای سلام دوازده امام و چهارده معصوم، رضی اللّٰه تعالیٰ عنهم، هر روز بعد از نمازِ فجر و عشا یک بار بخواند، خدای تعالیٰ کارهای مشکلِ او آسان گرداند، و (او) از همهٔ بلاهای دنیا و آخرت ایمن شود، و قبرِ او از نور روشن گردد، و عذابِ گور، ازو برود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

دعای بزرگوار این است :

بسم الله الرحمن الرحیم.

سلام علی المصطفی المجتبی	سلام علی سید المرتضی
سلام علی بنته فاطمه	من اختارها الله، خیر النسا
سلام من المسک انفاسه	علی الحسن الالمعی الرضا
سلام علی الاوزعی الحسین	شهید ثوی جسمه کربلا
سلام علی سید العابدین	علی ابی الحسن المجتبی
سلام علی الباقر المهتدی	سلام علی صادق المقتدی
سلام علی الکاظم الممتحن	رضی السجایا، امام التقی
سلام علی الثامن المؤتمن	علی الرضا، سید الاصفیا
سلام علی المتقی التقی	محمدن الطیب المرتجی
سلام علی الاریحی النقی	علی المکرم، هادی الوری
سلام علی السید العسکری	امام محمد جیش الصفا
سلام علی القائم المنتظر	ابی القاسم العز، نور الهدی
سیطلع کالشمس فی غاسق	ینجیه من سیفه المنتقی
تری یملا الارض من عدله	کما ملات جور اهل الهوی
سلام علیه و آبائه	و انصاره ما تدور السما

[۱۰۶ب]

و این دعای بزرگوار در کتاب ابطال نهج الباطل تصنیف شیخ فضل الله روزبهان بن فضل الله بن محمد السنی الخنجی که در ردّ کتاب نهج الحق و کشف الصدق تألیف ابن المطهر حلی رافضی نوشته، مذکور است، و این دعا از کلام شیخ فضل الله مذکور است.

و از حضرت شیخ فضل الله مسطور، رحمة الله علیه، منقول است : هر که "یا سلام"

بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، از باطلِ غیرِ حق ایمن شود، و راهِ حق یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت امامِ اعظم (ابوحنیفہ کوفی) رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: ہر کہ ہر روز بعد از نمازِ فجر این مناجات یک بار بخواند، خدای تعالیٰ ایمانِ او را ہمیشہ سلامت نگاہ دارد، و از عذابِ ابدی ایمن شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

مناجاتِ امامِ اعظم، قدس اللہ سرہٗ. این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

الٰہی ارحم من قد خذلہ املہ وقاربہ اجلہ.

الٰہی لا تعذّب بالنّار طویلاً من لم یتمتع بالذنب الّا قلیلا.

الٰہی لولا العفو من صفاتک ما عصاک اہل معرفتک.

الٰہی لولا انک بالعفو تجود ما کان عبدک الیٰ ذنب یعود.

الٰہی لولا العفو من احب الاشیاء الیک ما ابتلی بالذنب اکثر الخلق لدیک.

الٰہی اخافک بانی عبدٌ مذنبٌ و ارجوک لانک ربٌ غفورٌ.

الٰہی من العجب ان تغفرلی و انا انا ومن اعجب العجائب ان لا تغفرلی و انت انت.

الٰہی کیف ادعوک و انا عاصٍ و کیف لا ادعوک و انت ربنا کریمٌ رحیمٌ.

الٰہی کیف افرح و قد عصیتک و کیف لا افرح و قد عرفتک.

الٰہی بای لسانٍ استغفر و الا ستغفار عن جنایةٍ معدودةٍ و لا نہایة لجنایتی.

الٰہی کیف لا یتضرع.

الٰہی ملک لا یخاف عزل ولایة یا من لہ ولایة ارحم من لیس لجنایتہٖ نہایتہٖ.

الٰہی ملوک الدّنیا یحسنون الیٰ المداحین و ان کذّبوا فاحسن الیٰ من یمدحک و لم یکذب.

الٰہی ملوک الدّنیا یعتقون العبید، و انت مالک الملوک و انا عبدک الضعیف اعتقنی من النّار، یا اللہ، یا رحمٰن یا رحیم. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ نجم الدین کبریٰ، قدّس الله تعالیٰ روحه، منقول است: هر کرا بادِ سخت رسیده باشد، او را باید که سه روز بعد از نمازِ شام سه بار صلواتِ اوّل و آخر بگوید و یازده بار این الفاظ بخواند، هر بادی که باشد، دفع شود. (انشاء الله تعالیٰ).

الفاظ این است:

انّی قتلی بادی عبادی نصوی منابی کما سی نحق اهیا شراهیا [۱۰۷۱] امّا باعتقادِ درست باید بخواند.

و از حضرت شیخ بدیع الدین ملقب به شاه مدار، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر کرا طلبِ دولت باشد او را باید که این دعا را هفت هزار بار در بیابان یا در کوه در یک مجلس بخواند، و شرط آن که غسل کند، و سجاده نو و پاک باشد، که بر آن بنشیند، و خوشبوئی مالد، و بخور و عود بسوزاند، هر مرد و زن این قدر بخواند تا مدّتِ سه روز با شرایطِ مذکور. البتّه دو کس غیبی یک همیانی که در آن دو لیست دینارِ زرِ سرخ باشد، آمده می‌دهد، اوّل روز تغافل کند، بعد ازان بگیرد. تا مدّتِ حیات روز بروز می آرند. (انشاء الله تعالیٰ). امّا به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل این دعا بخواند:

دعای (بزرگوار) این است: بسم الله الرّحمٰن الرّحیم

یا لطیف، یا خبیر، یا عظیم بخفیّ اللطف تدارکنی بلطفک الخفی. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت مولانا نور الدین عبدالرّحمٰن بن احمد الجامی که کتابِ نفحات مع الحکایات، و شواهد النبوّة و شرحِ فصوص و شرحِ مختصرِ آن و شرحِ لمعات و شرحِ کافیه و رسالهٔ لوائح در تصوّف و رسالهٔ دُرّرِ غرر در تحقیق مذهبِ صوفی و حکیم و متکلم، و مثنویاتِ سبعه و دیوان و جز آن تصنیفِ او است، قدّس الله روحه، منقول است: هر که اصبحت فی جوار الله امسیت فی امان الله سه بار خوانده بر خود بدمد، خدای تعالیٰ او را در امن و امانِ خود نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت ملّا (عبدالرّحمٰن) جامی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این مناجات پیش از نمازِ صبح یا بعد از نمازِ صبح یک بار یا سه بار بخواند، روشنائی قلب بسیار شود، و کارهای

مشکل حاصل گردد، و حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلّم، را در خواب بیند. انشاء الله تعالیٰ.

مناجاتِ بزرگوار این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

به نام خدایا حیات النّبی ببین حالِ مایان حیات النّبی[1]

جهان روشن است از جمالِ محمّد	دلم تازه گشت از وصالِ محمّد
منم عاجزم، دردمندم، اسیر	کرم کن الٰهی بفضلِ محمّد
بُوَد در جهان هر کسی را خیالی	مرا هر زمان خوش خیالِ محمّد
محمّد بُوَد پادشاهی حقیقی	همه پادشاهان گدای محمّد
بوصفِ رخش والضّحیٰ[2] گشت نازل	چو واللّیل[3] سرزلفِ خالِ محمّد
بروی زمین گشت سردارِ عالم	هر آن کو شده پائمالِ محمّد
شود پاک معصوم عاصی به یک دم	به خواب ار ببیند جمالِ محمّد
خوش آن چشم کو بیند ار مصطفیٰ را	خوش آن دل که دارد خیالِ محمّد
خوش آن مسجد و مدرسه خانقاهی	که در وی بود قیل و قالِ محمّد
به صدق و صفای تو بیچاره جامی[4]	غلامِ غلامانِ آلِ محمّد

[۱۰۷ب] اللّهم صلّ وسلّم علیٰ سیّدنا محمّد وآله.

و از حضرت سیّد یوسف ابن سیّد داؤد بخاری، قدّس الله تعالیٰ سرّهٗ، منقول است: هر کرا قرض بسیار باشد، و به هیچ طریق ادا نمی شود، باید که این دعا بعد از هر نماز هفت بار بخواند، دَین بر او زود ادا شود. انشاء الله تعالیٰ.

۱- ازین جا دو برگ افتاده. ۲- القرآن الحکیم: ۹۳. ۳- ایضاً: ۹۲.
۴- این نعت، که بعضی از ابیات آن غلط است، از مولانا جامی نیست.

دعای (بزرگوار) این است :

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم .

اللّهم انّی اعوذبک من الهم و الحزن و اعوذبک من العجز و الکسل و اعوذبک من الجبن و البخل و اعوذبک من غلبه الدّین وقهر الرّجال، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد السادات سیّد صالح بن سیّد آدم بخاری، قدّس اللّٰه سرّهٔ ، منقول است: هرکه برای ادا شدنِ قرض پنج بار هروقتِ نماز این دعا بخواند، قرضِ او ادا شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است :

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم .

اللّهم انّی اعوذبک من ظلمة العین و غلبة الدّین بحرمتِ جدّ الحسن و الحسین .

برحمتک یا ارحم الرّاحمین :

و از حضرت سیّد احمد بن سیّد صالح بخاری ، قدّس اللّٰه سرّهٔ ،منقول است : هرکه این دعا را به وقتِ خفتن بیست و یک کرت بخواند، جملهٔ صفای دل او را حاصل شود ، و ظاهر و باطنِ او منوّر گردد ، و عمرِ او دراز شود . (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

دعای (بزرگوار) این است :

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

الهی! مدّ عمری و وسع رزقی وصحة جسمی و نورِ قلبی و بلغنی عمری الیٰ مائة و عشرین سنة .بحق یا اللّٰه یا رحمٰن یا رحیم. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد رحمت اللّٰه بخاری، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هرکه این آیت هزار و یک بار با طهارت بخواند، و درمیانِ خواندن سخن نگوید، حاجتِ دینی و دنیاوی که باشد، خدای تعالیٰ برآرد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

آیتِ معظّم این است :

(بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم)

وَمَنْ يَّتَّقِ اللّٰهَ تا قَدْرًا .[1]

---

[1] القرآن الحکیم: ۶۵، ۲ و ۳ .

و از حضرت سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدس الله سره، منقول است: هر که آیت الکرسی[1] برای تخفیفِ عذاب گور بر سرِ گور سه بار مع صلوات بخواند، عذاب گور برود، انشاء الله تعالیٰ.

قال النبی، صلی الله علیه و آله و سلم: اذا قرء المومن آیت الکرسی و جعل ثوابها لاهل القبور، ادخل الله تعالیٰ فی قبر کل میّت من المشرق الیٰ المغرب اربعین نوراً وسّع علیهم قبورهم و رفع لکل درجةٍ ویرفع القاری ثواب ستّین نبیاً و خلق الله من کلّ حرفٍ ملکا یسبح له الیٰ یوم القیامة.

و فقیر سید باقر از پدرِ خود که مهبطِ انوار الله، مظهرِ اسرار الله، خلیفهٔ رسول الله، مجلسیِ حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، صاحب العلم و الحلم و الشجاعة سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله سره، شنیده بودم که این دعا بعد از هر نماز سه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را علم و حلم و توفیق و معرفت نصیب گرداند، و در دنیا [۱۰۸ ر] و آخرت بی محتاج شود، و از وسوسهٔ شیطان ایمن گردد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای بزرگوار این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم.

یا ربّ انت اله عالم و انا عبدك جاهل اسئلك ان ترزقنی علماً نافعاً حتّی اعبدك بها و الّا هلکت.

و یا ربّ انت الهٌ غنی و انا عبدك فقیر اسئلك ان تحفظنی حتی لا ادنو منها احتاج الیه لشیٔ من امر الدنیا و الّا هلکت.

و یا ربّ انت اله قوی و انا عبدك ضعیف اسئلك ان تعیننی حتّی غلب الشیطان بقوتك و الّا هلکت.

یا ربّ انت اله قادراً و انا عبدك عاجز اسئلك ان تجعلنی قادرًا علیٰ نفسی حتی اقهرها بقدرتك و الّا هلکت.

۱. القرآن الحکیم: ۲، ۲۵۶.

وصلی الله علیه خیر خلقه محمّدٍ و آله اجمعین. والحمد لله ربّ العالمین.

و از حضرت خواجه معروف کرخی و از حضرت خواجه حبیب عجمی، از هر دو بزرگوار، قدّس الله سرّهما العزیز، منقول است: هر که شب چهارشنبه و شب پنج شنبه و شب آدینه هزار بار این مناجات بخواند، هر کاری که داشته باشد، البتّه البتّه آن کار حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

مناجاتِ (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

آمنت بالله العلی العظیم و توکلت علی الحیّ القیّوم.

و از حضرت شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی، قدّس الله تعالیٰ سرّه العزیز، منقول است: هر که این مناجات پیش از نمازِ صبح یک بار بخواند، یادگیری خدای تعالیٰ در دل بسیار افتد، و دلِ مُرده زنده گردد. انشاء الله تعالیٰ.

مناجاتِ (بزرگوار) این است:

(بسم الله الرّحمٰن الرّحیم).

ای مومنِ زنده بدم	در راهِ مسجد بنه قدم	تا پاک گردی تو زغم	بر خیز پیش از صبح دم
ای راهِ یقین اندازه کن	از خود بلند آوازه کن	هر دم وضو را تازه کن	بر خیز پیش از صبح دم
استغفر الله را بخوان	توبوا الی الله[۱] بر زبان	خاصانِ الله را بخوان	بر خیز پیش از صبح دم
گر خفته ای، بیدار شو	مستی مکن، هشیار شو	در درگهِ جبّار شو	بر خیز پیش از صبح دم
آنان که روشن ساختند	مرکب سحرگه تاختند	دولت در آن دم یافتند	بر خیز پیش از صبح دم
یاران که با من دم زدند	همراه با من بوده اند	زیرِ زمین در گل شدند	بر خیز پیش از صبح دم
یاری که بُد دلگیر شد	عمرِ جوانم پیر شد	تا چند باشی؟ دیر شد	بر خیز پیش از صبح دم
گر تو خدا را بنده ای	از آب و گل زاینده ای	مُرده نه ای، تو زنده ای	بر خیز پیش از صبح دم
ای شیخ عبدالقادری!	از مرگ تو بس غافلی	تی تی! تو مردِ عاقلی	بر خیز پیش از صبح دم

۱ـ القرآن الحکیم، ۶۶: ۸.

و از حضرت مخدوم شیخ بهاء الدین زکریا (ی) ملتانی، قدس اللہ سرہ، منقول است: هر که بعد از هر نماز یک بار این مناجات بخواند، خدای تعالیٰ او را از ضرر ظالمان نگه دارد، و هیچ بلا گرد او نگردد، و گناهان خورد و بزرگ او بیامرزد [۱۰۸ب] و دعای او مستجاب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

فضیلت این مناجات بسیار است، امّا اندک نوشتم.

مناجات بزرگوار این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

یا من یجیب دعا المضطر فی الظلم یا کاشف الضرّ و البلویٰ مع السقم
شفع نبیّك فی ذلی و مسئلتی و استر فانك ذو فضل و ذو کرم
و اغفر ذنوبی و سامحنی بها کرمًا فالمن منك یا ذا المن و الکرم
ان لم تغثنی بفضل منك یا املی و انجلتی و احیائی منك و اندمی
و قد وعدت بان ندعوا تجیب لنا و قد دعونا فجد بالفضل و الکرم

و از حضرت سلطان الصوفیین، نظام الحق و الشرع و الدین شیخ نظام الدین اولیا دهلوی، قدس اللہ سرہ، منقول است: هر کرا طلب خدای تعالیٰ باشد. این مناجات هفتاد کرت بخواند، روشنائی دل پیدا شود، و (برای) هر حاجتی که باشد نیز خواند، آن حاجت او روا گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

مناجات (بزرگوار این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

الٰهی قلبی محجوب و عقلی مغلوب و هوای غالب و انا مغلوب و طاعتی قلیل و معصیتی کثیر و لسانی مقرّ بذنوبی فکیف حیلتی یاستّار العیوب یا علّام الغیوب فاغفرلی ذنوبی کلها یا غفّار یا ستّار یا کریم. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت، قدس اللہ سرہ، که در اُچ بخاریان نزدیک روضهٔ جدّ بزرگوار خود آسوده است، در اوراد او منقول است: هر که این

مناجات بعد از نماز صبح یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از گناهان پاک گرداند و ایمانِ او همیشه به سلامت باشد، و از همهٔ بلاها ایمن ماند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

مناجاتِ بزرگوار این است:

بسم اللّٰہ الرّحمٰن الرّحیم.

حمد و ثنا خدا را یا رب گناه گارم	او خالق است ما را جز تو دگر ندارم	گوئیم آشکارا بخشای یا الٰهی!
حمد و ثنا بگویم یا رب گناه گارم	توفیق از تو جویم در جرم گرفتارم	از فضل تو بپویم بخشای یا الٰهی!
هستی یقین تو هستی یارب گناه گارم	روزی تو می فرستی جُرمِ عظیم دارم	عالم به شرع بستی بخشای یا الٰهی!
سُبحانِ بی نظیری یا رب گناه گارم	سلطانِ بی وزیری در فسق گرفتارم	غفّار دست گیری بخشای یا الٰهی!
هم عالم الغیوبی یا رب گناه گارم	هم ساتر العیوبی بد ساز، نابکارم	هم غافر الذّنوبی بخشای یا الٰهی!
ستّار! عیب دارم یا رب گناه گارم	غفّار! گنه گارم من بنده عیب دارم	ای رازق! بی کارم بخشای یا الٰهی!
ای پادشاهِ مکرّم یارب گناه گارم	بر خاص و عام منعم در حرص گرفتارم (۱۱۰۹)	بخشای بنده مجرم بخشای یا الٰهی!
یا ربّنا! غرورم یا رب گناه گارم	کم فکر، نا صبورم در حسد گرفتارم	شب و روز بی حضورم بخشای یا الٰهی!
یا رب! تو نگه بانی یا رب گناه گارم	بی جهت و بی مکانی در عُجب گرفتارم	ما راز در مرانی بخشای یا الٰهی!

یا ربّنا! مکرّم یا ربّ گناه گارم	در معصیت معظّم صفتِ ریای دارم	خود را بخود مقرّم بخشای یا الهی!
یا ربّنا! ضعیفم یا ربّ گناه گارم	در مانده و نحیفم کینه به سینه دارم	در معصیت حریصم بخشای یا الهی!
یا ربّ ظلمت نفسی[1] یا ربّ گناه گارم	رفتم به خوابِ هستی شب و روز دل آزارم	کردم بخود پرستی بخشای یا الهی!
نفس است مارِ زنده یا ربّ گناه گارم	دایم سگِ گزنده سگِ زنده درون دارم	از مردمان درنده بخشای یا الهی!
همه عمر بسر بُردم یا ربّ گناه گارم	نا خوردنی بخوردم من بنده عیب دارم	لایق عمل نکردم بخشای یا الهی!
یا ربّ! تو نگه داری یا ربّ گناه گارم	از دشمنِ مکاری دشمنِ قوی دارم	شیطانِ پُر خواری بخشای یا الهی!
ملکان پادشاها یا ربّ گناه گارم	برهان زمن بلاها باطن صفا ندارم	بر من بکن عطاها بخشای یا الهی!
یا ربّ ترا بخوانم یا ربّ گناه گارم	ذکری کند زبانم در دل گرفتارم	تا دم که زنده مانم بخشای یا الهی!
یا ربّ! تو مهربانی یا ربّ گناه گارم	گفتی جلال جهانی خاطر شکسته دارم	در گور مترسانی بخشای یا الهی!
سفر دراز دارم یا ربّ گناه گارم	توشه عمل ندارم شب و روز بی قرارم	هم دایم بی کارم بخشای یا الهی!
شب و روز حیله ناکم یا ربّ گناه گارم	دایم دردناکم بدنفس، و بدکارم	بی شرم، بدی سازم بخشای یا الهی!

۱- القرآن الحکیم: ۱۵،۲۸.

یا ربّنا! تو هادی یا ربّ گناه گارم	کن فضل، و بده شادی شب و روز تبه کارم	از دوزخ آزادی بخشای یا الٰهی!
ای واهبِ بی منّت یا ربّ گناه گارم	بردار ز من محنت شفقت امیدوارم	بخشای به من جنّت بخشای یا الٰهی!

الٰهی انت سیّدی و مولائی فغفرلی جمیع ذنوبی و اعتق رقبتی من النّار. یا مجیر یا مجیر! یا ذاالجود والکرم! یا ذاالجلال والاکرام! یا ذاالفضل والانعام و احفظنی من کلّ البلاء والآفات من الدّنیا والآخرۃ. و استجب دعائی و کلامی کلها بحقّ یا اللہ، یارحمٰن، یا رحیم، یا کریم، و بحرمت محمّد رسول اللہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، و صلی اللہ علی خیر خلقہٖ نبیّنا محمّد و الہٖ و اصحابہ اجمعین. والحمد للّٰہ ربّ العالمین.

و از حضرت مخدوم سیّد جلالِ جهانیانِ جهانگشت، قدّس اللہ سرّہُ العزیز، منقول است: هرکه این مناجات بعد از هر نماز هفت بار بخواند، همهٔ کارهای دینی و دنیوی او حاصل شود، و حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیه [۱۰۹ب] و آلہ وسلّم، را در خواب بیند، و آن چه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

فضیلتِ این مناجات بسیار است، امّا اندک نوشتم.

مناجاتِ بزرگوار این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

یا حبیب الآلہ خذ بیدی	ما لعجزی سواک مستندی
کن رحیماً لذلّتی و اشفع	یا شفیع الوریٰ الی الصّمدی
اعتصامٌ سوی جنابک لی	لیس یا سیّدی سوی الاحدی
غیر عواک لیس فی الدّارین	علیل ذلیل معتمدی
صلواتی علیک فی الملوین	کان متجاوزاً عن العددی

و علیٰ اهل بیته طرّاً ،	و علیٰ آله علیٰ الابدی ،
و علیٰ الصحب کلهم اجمع	هم نجوم الهداة و الرّشدی
و علیٰ التّابعین هم کانوا	لخیام السّداد کالوتدی ،
استغیثو العاجز مضطر	شمروا ذیلکم الیٰ المددی

المستغاث یا رسول الله ! المستغاث یا رسول الله ! الشّفاعة یا رسول الله ! المشفع یا رسول الله ! المدد فی کلّ حاجة من الدّنیا و الآخرة یا رسول الله ! الخلاص من جمیع البلاء و الآفات من الدّنیا و الآخرة یا رسول الله ! صلی الله علیه و آله وسلّم.

و در کتاب بحر العجائب تصنیف سید عثمان بن سید داؤد بخاری ، قدّس الله سرّهٗ ، منقول است : هرکه این مناجات بعد از نمازِ خفتن پنج بار بخواند ، تاریکی از دلِ او برود ، و هر نیّتی که دارد ، حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

مناجاتِ معظّم این است :

بسم الله الرّحمن الرّحیم.

الٰهی ! نفس های مرا صاف گردانی. الٰهی ! درونِ ما پاک گردانی.

الٰهی ! درونِ ما از غارتِ شیطان تونگه داری. الٰهی ! با ایمان داری و با ایمان برانگیزانی.

الٰهی ! وقتِ مُردن مرا شهید میرانی. الٰهی ! درمیانِ محشر مرا شرمنده مگردانی.

الٰهی ! دیدارِ خود را بی چُون و بی چگونه و بی شبه و بی نمونه مرا روزی گردانی.

الٰهی ! تنگی و تاریکی گورِ مرا فراخ و روشن گردانی.

الٰهی ! مراد و مقصودِ هرکس را برسانی. الٰهی ! شفاعتِ محمّد علیه السّلام مرا روزی گردانی.

الٰهی ! خصمانِ مرا جمله خشنود گردانی. الٰهی ! جانِ مرا تو به بخش ، و مظلومِ ما را فریاد رس.

الٰهی ! داز، غافلانم نه داز، کافرانم ، داز، مقصّرانم نه داز منکرانم. الٰهی ! دینِ مسلمانی قبول کردم و آن چه دروی است.

الٰهی ! بیزار شدم از کفر و کافری و آن چه دروی است.

اللهم اجود الاجودین یا اکرم الاکرمین یا خالق من فی السمٰوات والارضین، رب لا تذرنی فرداً و انت خیر الوارثین.

و از حضرت شیخ سنائی[1] غزنوی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که این مناجات (که در دیوانِ او است) در حضر و یا در سفر یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از همه بلاهای گوناگون و از شرِ ظالمان و از دزدیِ دزدان نگاه دارد. [۱۱۰ الف] انشاء الله تعالیٰ.

چنانچه حکایتِ شیخ سنائی[2] غزنوی، علیه الرحمة، مشهور است که در سفر شیخ سنائی[3] را دزدان در میانِ راه گرفتند. چون شیخ این مناجات خواند، به برکتِ این مناجات دزدان نابینا شدند، و شیخ را گذاشتند، و تائب شدند.

مناجات معظم این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم.

ملکا! ذکرِ تو گویم که تو پاکی و خدائی	نروم من بجز آن ره که تو آن ره نمائی
همه درگاهِ تو جویم، همه از فضلِ تو گویم	همه توحیدِ تو خوانم که به توحید سزائی
تو خداوندِ ببینی، تو خداوندِ یساری	تو خداوندِ زمینی، تو خداوندِ سمائی
تو حکیمی، تو کریمی، تو سمیعی، تو بصیری	تو معزّی، تو مذلّی، ملک العرش سمائی
تو خبیری، تو کبیری، تو عظیمی و رحیمی	تو نمایندهٔ فضلی، تو سزاوارِ ثنائی
تو زن و جفت نجوئی، تو خور و خفت نخواهی	احدی، بی زن و جفتی، ملکا! کام روائی
نه نیازی به ولادت، نه به فرزند تو حاجت	تو جلیل الجبروتی، تو امیر الامرائی
نه توان وصفِ تو کردن که تو در وصف نگنجی	نه توان فهمِ تو کردن که تو در فهم نیائی
نه بُده خلق تو بودی، نبود خلق تو باشی	نه بجنبی، نه بگردی، نه بکاهی، نه فزائی
نه سپهری، نه کواکب، نه نجومی، نه جواهر	نه مکانی، نه منازل، نه نشینی، نه بیائی

۲ و ۳- در ابگ ۱۰۹ ب و ۱۱۰ الف و ج ۱۵۳ ب: ثنائی.

نہ ترا رنگِ نیازی ، نہ ترا درد گدائی / نہ ترا بیم و اُمیدی ، نہ ترا چُون و چرائی
نہ ترا خوردن و خفتن ، نہ ترا شرکتِ بودن / نہ ترا صورتِ رنگی ، نہ ترا عیب خطائی
ہمہ عیبی تو بپوشی ، ہمہ غیبی تو بدانی / ہمہ را رزق رسانی کہ تو با جود و عطائی
ہمہ عزّی و جلالی ، ہمہ علمی و بقائی / ہمہ نوری و سُروری ، ہمہ خوفی و رجائی
احدی لیس کمثلی ، صمدی لیس کشبہی / لمن الملک[1] تو گوئی کہ مرا و را تو سزائی
لب و دندانِ سنائی ہمہ توحید تو گوید / مگر از آتشِ دوزخ ز کرم باز رھائی[2]

وصلی اللہ علیٰ خیر خلقہٖ نبیّنا محمّد و حبیبنا و صفینا خیرالبشر محمّد و آلہ و صحبہٖ و عترتہٖ و اقربائہٖ و اقرانہٖ اجمعین ، وصلی اللہ علیٰ جمیع الملائکۃ اجمعین. و الحمدللہ رب العالمین .

و در کتاب خمس الانوار ، تصنیفِ حضرتِ سیّد باقر، سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید عمرہٗ[3] بن سیّد عثمان بخاری ، قدس اللہ سرہٗ ، مذکور است کہ اگر کسی درکاری درماندہ باشد ، و یا در بیماری

۱۔ القرآن الحکیم ، ۴۰ : ۱۶ . ۲۔ برای متنِ ہمین قصیدہ از "دیوانِ حکیم سنائی غزنوی" بہ تصحیح مدرس رضوی ، مطبوعہ طہران ، ۱۳۲۰ ش ، ص ۱۲۴۱ .

ملکا ! ذکرِ تو گویم کہ تو پاکی و خدائی / نروم جز بہ ہمان رہ کہ توام راہ نمائی
ہمہ درگاہِ تو جویم ، ہمہ از فضلِ تو پویم / ہمہ توحیدِ تو گویم کہ بہ توحید سزائی
تو زن و جفت نداری ، تو خور و خفت نداری / احدِ بی زن و جُفتی ، ملکِ کامروائی
نہ نیازت بہ ولادت ، نہ بہ فرزند (تو) حاجت / تو جلیل الجبروتی ، تو نصیر الامرائی
تو حکیمی ، تو عظیمی ، تو کریمی ، تو رحیمی / تو نمایندۂ فضلی ، تو سزاوارِ ثنائی
بری از رنج و گدازی ، بری از درد و نیازی / بری از بیم و امیدی ، بری از چون و چرائی
بری از خوردن و خفتن ، بری از شرک و شبیہی / بری از صورت و رنگی ، بری از عیب و خطائی
نہ توان وصفِ تو گفتن کہ تو در فہم نگنجی / نہ توان شبہِ تو گفتن کہ تو در وہم نیائی
نہ بُد این خلق و تو بودی ، نبود خلق و تو باشی / نہ بجنبی ، نہ بگردی ، نہ بکاہی ، نہ فزائی
ہمہ عزّی و جلالی ، ہمہ علمی و یقینی / ہمہ نوری و سُروری ، ہمہ جودی و جزائی
ہمہ غیبی تو بدانی ، ہمہ عیبی تو بپوشی / ہمہ بیشی تو بکاہی ، ہمہ کمی تو فزائی
احد لیس کمثلہ ، صمد لیس لہٗ ضد / لمن الملک تو گوئی کہ مر آن را تو سزائی
لب و دندانِ سنائی ہمہ توحید تو گوید / مگر از آتشِ دوزخ بودش رُوی رھائی

۳۔ رک حاشیہ ۱ و ۲ ص ۳۲۳ .

سخت مبتلا شده باشد، باید که این مناجات بعد از نمازِ عشا هفت بار بخواند، از بیماری خلاص شود، وشفا یابد، وکارهای دینی و دنیوی نیز حاصل گردد. (انشاء الله تعالی).

چنان چه فقیر دسید باقر بن سید عثمان بخاری) را در سیرِ عالم جای بیماریِ سخت رسیده بود، و درمیانِ آن بیماری بسیار دارو ها کرد، هیچ سُودی نشد. [۱۰۱ب] پس فقیر این مناجات چند روز خواند، شفا یافت.

مناجاتِ معظّم و مکرّم این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

حیران بسی عاجز شدم، در درد این درمانده ام	پیشت سوالی می کنم: فریادرس یا احمدا!
روزِ الم ها بیشتر، در شب عذابی سخت تر	دردی شده از حد بدر، فریادرس یا احمدا!
پرسیدم از پیران کُن، گفتند آن ها صد سخن	نفعی نشد بر جانِ من، فریادرس یا احمدا!
بلدان بسی گردیده ام، عقباتِ وادی گشته ام	سُودی نشد بر جانِ من، فریادرس یا احمدا!
شیرین ترش دارو بسا خوردم، نشد چیزی شفا	محتاج ام نورالوریٰ، فریادرس یا احمدا!
از تو بسا دارم رجا، چون بر تو آمد والضحیٰ[1]	اُمّت ببیند بس جفا، فریادرس یا احمدا!
بدره درختی جای تو، قوسین گشته قرب تو	چون کرد مولیٰ خواهِ تو، فریادرس یا احمدا!
گویند همه پیغمبران نفسی تو گوئی آن زمان	بهرِ خلاصِ عاصیان، فریادرس یا احمدا!
پیشِ خداوند جهان عرضی بکردم صد زبان	ردّی نشد چیزی ازان، فریادرس یا احمدا!
سایل شدم یا مصطفیٰ، پیشِ درت یا مجتبیٰ	برمن بکن نظرِ شفا، فریادرس یا احمدا!
پیشِ تو آمد اضعفی، ترک بکرده هر کسی	محروم نشد از تو کسی، فریادرس یا احمدا!
مدّاح مدحِ مصطفیٰ، باقر بخاری بی ریا	جز تو ندارد التجا، فریادرس یا احمدا!

واز حضرت شیخ بهاء الدّین ذکریای، ملتانی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که شبِ چهار

[1] القرآن الحکیم: ۹۳.

شنبه و شب پنج شنبه و شب آدینه بعد از نمازِ خفتن هزار بار المستغاث یا رسول الله! المستعان یا رسول الله! الشفاعة یا رسول الله! الخلاص یا رسول الله! صلی الله علیه و آله و سلم، بخواند، هر نیتی که داشته باشد، حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سلطان سید جلال بخاری، قدس الله مرقدهٗ، منقول است: هر که اللهم یا دافع البلیات و یا عالم السّر و الخفیات، برحمتك یا ارحم الرّاحمین. بعد از نمازِ عشا نود بار بخواند، هیچ بلا گردِ او نگردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ فرید شکر گنج، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اللهم اغفرلی ذنوبی کلها یا غفّار، یا غفور، یا کریم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین. بعد از نمازِ مغرب صد بار بخواند، هیچ گناه بر او باقی نماند، چنان چه از مادر زاده، و هر چه خطا کند عفو شود. انشاء الله تعالیٰ.

حکایت شیخ فرید شکر گنج، قدس الله سرّهٗ، (است) که روزی قافله که اکثر متاعِ آن شکر بود، می رفت.

شیخ فرید از یکی از اهلِ قافله پرسید که متاع درین قافله چیست؟

گفت: نمک.

چون به منزل رسیدند، و سر بارها باز کردند، جمله نمک گشته بود، زیرا که پیشِ بزرگان راست گفتن خوب است، و دروغ گفتن بد است.

[۱۱۱ و] و از حضرت شیخ صدر الدّین (ملتانی)، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که بعد از نمازِ عشا هفت بار این الفاظ بگوید: الٰهی آن چه بد کردم، ندانستم، خطا کردم، بخش بحقِ لا اله الا الله محمد رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلم، خدای تعالیٰ جمله گناهانِ او بیامرزد، گویا از مادر زاده باشد، و هرچه خواهد از خدای تعالیٰ، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ رکن الدّین (ملتانی)، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که بعد از نمازِ مغرب چهل بار: الٰهی تو قادری، یا الله! الٰهی تو حاضری، یا الله! الٰهی تو ناظری، یا الله! الٰهی غم از دلِ من بردار، یا الله! بخواند، خدای تعالیٰ غم و اندوه از دلِ او بردارد. انشاء الله تعالیٰ

و از حضرت سیّد بدر (الدّین) بن سیّد صدر الدّین خطیب، جدِّ ساداتانِ بهکری و لوهری، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ صبح صد بار بخواند، خدای تعالیٰ (او را) از غم و اندوه نجات بخشد، و هر جا که برود، با فتح و نصرت باز آید. انشاءاللّٰه تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰهم افتح علیٰ ابواب کلّ خیر کما فتحت علیٰ انبیائك و اولیائك، برحمتك یا ارحم الرّاحمین، وصلی اللّٰه علیٰ خیر خلقه محمّد وآله واجمعین.

و نیز از سیّد بدرالدّین بن سیّد صدر الدّین خطیب، منقول است که من شنیدم از پدرِ خود سیّد صدر الدّین خطیب، و او شنید از پدرِ خود سیّد محمد مکّی، که در سکھر آسوده است، و او شنید از پدرِ خود سیّد محمد شجاع، و او شنید از پدرِ خود سیّد ابراهیم، و او شنید از پدرِ خود سیّد امیر قاسم، و او شنید از پدرِ خود سیّد ابوالمکارم، و او شنید از پدرِ خود سیّد حمزه، و او شنید از پدرِ خود سیّد ابی جعفر اصغر، و او شنید از پدرِ خود سیّد حمزه، و او شنید از پدرِ خود سیّد امیر هارون، و او شنید از پدرِ خود سیّد ابی عقیل مالک، و او شنید از پدرِ خود سیّد اسمٰعیل، و او شنید از پدرِ خود سیّد جعفر ثانی (که، جدِّ ساداتانِ بخاریان و بهکریان است، قدّس اللّٰه اسرارهم، و او شنید از پدرِ خود امام سیّد علی نقی، حجّة اللّٰه، قدّس اللّٰه سرّهٗ العزیز، و امام سیّد علی نقی فرموده است، قدّس اللّٰه روحهٗ، هر که این دعا: اللّٰهم افتح علیٰ تا آخر ده روز بخواند، و هر روز و هر شب پنج هزار بار بخواند، همهٔ خزانه‌ها از مشرق تا به مغرب معلوم گردد، و علمِ اوّلین و آخرین مکشوف شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و سیّد بدر (الدّین) خبر سیّد جلال بخاری، قدّس اللّٰه سرّهٗ، نزدیکِ پیرو روضهٔ سیّد جلال آسوده است در اُچ، و سیّد صدرالدّین خطیب در بهکر آسوده است.

و از حضرت سلطان العارفین، جلال الحق و الدّین سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس اللّٰه مرقدهٗ، منقول است: هر که این الفاظ بعد از هر نمازِ صبح یازده بار بخواند، خدای تعالیٰ او را در دنیا و آخرت در حفظِ خود نگاه دارد، [۱۱۱ب] و آن چه از خدای تعالیٰ خواهد

یابد. انشاء الله تعالیٰ.

الفاظِ بزرگوار این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم ارزقنا شفاعة المصطفیٰ و تشفیع المصطفیٰ و امانة المصطفیٰ و ایمان المصطفیٰ و ادراک المصطفیٰ و اخلاص المصطفیٰ و اعانة المصطفیٰ و اسلام المصطفیٰ و بهاء المصطفیٰ و لقاء المصطفیٰ و برّ المصطفیٰ و محبّة المصطفیٰ و توبة المصطفیٰ و برکة المصطفیٰ.

اللّهم ارزقنا قوّة المصطفیٰ و توکّل المصطفیٰ و ثناء المصطفیٰ و ثواب المصطفیٰ.

اللّهم ارزقنا جمیل المصطفیٰ و جمال المصطفیٰ و جنّة المصطفیٰ و صلوٰة المصطفیٰ. و صلی الله علیٰ خیر خلقه محمّد و آله اجمعین. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سیّد نظام (الدّین)، بن سیّد ناصر الدّین بهکری، که در لوهری آسوده است، قدّس الله سرّه، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ ظهر نُو بار بخواند، نعمتِ دوجهانی بر او فراوان شود. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

[1]

و از حضرت مخدوم لعل شهباز (قلندر) مروندی[2] یارِ مخدوم شیخ بهاء الدّین (زکریای) (ملتانی) قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یا الله یا الله یا الله اطعمنی من ضیافة معرفتك اسقنی من شراب وصلك وبیض وجهی وصدری بنور عظمتك و ثبتنی علیٰ طاعتك و رضائك و معرفتك و بوحدانیتك واجعلنا من الموحدین و ثبتنی علیه فی الدّنیا والآخرة، و استجب دعاءنا و کلامنا بحق یا الله، یا رحمٰن، یا رحیم، یا کریم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین بعد از نمازِ عشا هفت بار بخواند، معرفت و هدایتِ خدای تعالیٰ حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

۱- ا برگ ۱۱۱ب و ج برگ ۱۵۶ب "دعا" ندارد. ۲- رک حاشیه ۱ ص ۱۰ جواهر اوّل.

و از حضرت شیخ چته بن آمر، رحمة الله علیه، منقول است: هر که هر روز به وقتِ صبح پیش از نمازِ صبح یک بار این الفاظ بگوید. نعمتِ جاودانی یابد. انشاء الله تعالیٰ.

الفاظِ (بزرگوار) این است:

وقتِ مخدوم سید جلالِ جهانیان جاری کند، و پنج مکن مانیان[1]

و از حضرت سید صدر بن سید محمد لکیاری یعنی لک علوی ساکنِ لکیاری، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اللّهم انت الغنی و انا الفقیر ذوحاجة جئت علیٰ بابك و هو مفتوحٌ بی جزءٍ من اجزاء اللیل والنّهار و انا السائل فلا تردنا بحق یا رحمٰن، یا رحیم، یا علیم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین روزِ یک شنبه بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از قرض خلاص کند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سید حیدر متیاری یعنی متعلوی ساکنِ سن، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه یا مجیب الدّعوات و یا عالم السّر و الخفیّات یا ذاالجلال و الاکرام، برحمتك یا ارحم الرّاحمین بعد از هر نماز صد بار بخواند، دعای او مستجاب شود. [۱۱۲و] انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ اویس[2] قرنی (؟)، که نزدیکِ سن آسوده است، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اللّهم یا قادر علیٰ کلّ شیءٍ اجعلنی قادرًا علیٰ نفسی و شیطانی و اعدائی اهلك جمیع عدوّی و عدوّك بقهرك یا قهّار یا جبّار، برحمتك یا ارحم الرّاحمین در شب هزار بار بخواند، جمله دشمنانِ او هلاک شوند. انشاء الله تعالیٰ.

و در کتابِ فتوح الاوراد، تصنیفِ حضرت شیخ فتح محمّد بن شیخ عیسیٰ برهان پوری مذکور است که ابو امامه روایت می کند که فرمود حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله و سلّم: آیا براه نمایم شما را بر دعائی که جامعِ جمیعِ ادعیه بتمامها باشد.

---

۱. رک حاشیه ۱ ص ۵۷۱ درهمین جواهر. ۲. مؤلف نام "شیخ اویس قرنی" در این جا اشتباهاً آورده است، و یا سهوکاتب است که به جای نام دیگری نام "شیخ اویس قرنی" را آورده است. در برای شرحِ حالِ "شیخ اویس قرنی" رک "تذکرة الاولیا" تألیفِ شیخ فریدالدّین عطار، مطبوعه بمبئی ۱۳۲۵ھ ص ۱۲ تا ۱۷).

(دعای بزرگوار این است):

بسم الله الرحمن الرحیم.

اللهم انا نسئلك من خیر ما اسئلك منه نبیك محمد و نعوذبك من شر ما
استعاذ منه نبیك محمد انت المستعان و علیك البلاغ. ولا حول ولا قوة الا
بالله. رواه الترمذی والطبرانی.

ایضاً در کتاب مزبور آورده است که ابوهریره روایت می کند از حضرت پیغمبر صلی
علیه وآله وسلّم، که بهترین دعاها آن است که بگوید:

اللهم ارحم اُمة محمد رحمةً عامةً. رواه الحاکم فی التاریخ.

فقیر (سید باقر بن سید عثمان بخاری) در حاشیهٔ عمل الیوم و اللیلة، که به خطِ مصنف
دیده است که از حدیث مرفوع نوشته، هر که:

اللهم اصلح اُمة محمد، اللهم فرج عن اُمة محمد. اللهم ارحم امة محمد.

هر روز ده بار بگوید حق سبحانهٗ و تعالی او را از ابدال بکند، یعنی از اولیا کند، که دنیا به
ایشان قایم است، و آنان چهل تن هستند که اگریکی از آن ها بمیرد، بدل او دیگری
کرده می شود، و اگر نه، نظام دنیا خلل پذیرد.

باید که وقتِ صبح که بعد از نماز دست برداشته دعا می کند، ده بار بگوید.
و تخصیصِ صبح به جهتِ آن است که در جامع الصغیر از ابوعلی روایت می کند مرفوعاً
ایضاً در کتابِ مسطور مذکور است، و روی عن معاذ بن جبل رضی الله عنه، عن النبی
صلی الله علیه وآله وسلّم، انه قال یا معاذ من قامه قبل الصبح وله حاجة ویطهر و
فی موضع مصلاه، ویقول مائة مترة یاقائم، یا دائم، یا فرد، یا وتر، یا احد، یا صمد، یا
یامستند، یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد استجب دعاءه. قال
من قالها و لم یستجب دعاء فلیلعن معاذا.

و در کتاب احیاء العلوم مذکوراست: قال معروف الکرخی، رحمة الله تعالی
قال اللهم اصلح امة محمد، اللهم ارحم امة محمد، اللهم فرج عن امة محمد، کل یوم ثلث

موّدّة کتب اللّٰہ تعالیٰ من الابدال.

و از حضرت شیخ احمد و محمد بھتی ہالا کندی، قدّس اللّٰہ سرّہما، منقول است: ہر کہ

اللّٰہم اخرجنی من ہذہ الغموم والمہمات والبلویٰ.

ربّنا اخرجنا من ہذہ القریۃ الظالم اہلہا [۱۱۲ب] الامارۃ بالسّوء واجعلنا من لدنک ولیّا، واجعلنا من لدنک نصیراً، برحمتک یا ارحم الرّاحمین. بعد از نمازِ اشراق نود بار بخواند، از غم و اندوہ نجات یابد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت مخدوم نوح ہالا کندی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ

یا جبّار اجبر قلبی، یا ستّار استر عیوبی، یا غفّار اغفر ذنوبی، یا رحمٰن ارحمنی، یا سلام سلمنی، یا توّاب تب علیّ انّک انت التّواب الرّحیم. بعد از نمازِ مغرب صد بار بخواند، ہمیشہ در حفظ و حفاظتِ الٰہی باشد، و ہیچ بلا و بیماری گردِ او نگردد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت مخدوم اسمٰعیل سومرہ اکہ من کوتی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ

اللّٰہم اجعل نفسی مطمئنۃ تؤمن بلقائک و تقنع بعطائک و ترضع بقضائک یا ذاالجلال والاکرام. بعد از نمازِ عصر پنجاہ بار بخواند، نفسِ او امارہ ہرگز نخواہد شد، و مشاہدہ حق تعالیٰ نیز بسیار بیند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ برکیہ کاتیار، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، منقول است کہ

رَبَّنَا اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَۃً وَّ فِی الْاٰخِرَۃِ حَسَنَۃً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ[1] بعد از ہر نماز ... بار بخواند، خدای تعالیٰ ہمیشہ عاقبتِ او بہ خیر گرداند؛ انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از دنیا با ایمان سلامت برود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت محمد مکائی نیرن کوتی، قدّس اللّٰہ تعالیٰ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ

لَآ اِلٰہَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحٰنَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ[2] بعد از نمازِ فجر ہفت بار بخواند خدای ... (او را) از شرِّ ظالم و از شرِّ درندہ و پرندہ نگاہ دارد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم ۲: ۱۹۷۔ ۲۔ ایضاً: ۲۱، ۸۷۔

و از حضرت سید عبدالکریم دمتیاری یعنی، متلوی، ساکن دہ بلری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہرکہ اللّٰھم اخرجنی من الدنیا مؤمناً مسلماً و الحقنی بالصالحین. بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از زمرۂ صالحان و متقیان گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ ساھر لنجار، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہرکہ یا بدیع العجائب بالخیر. بعد از نمازِ فجر یازدہ بار بخواند، ہمہ کارہای او بہ خیر آسان شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ لنگہ بہ لائی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہرکہ اللّٰھم انصرنا فانک خیر الناصرین، وارزقنا فانک خیر الرازقین بعد از نمازِ عصر پنج بار بخواند، خدای تعالیٰ او را با نصرت و فتح رزق بسیار پیدا کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر جندہ پاتری کہ در ساموئی آسودہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہرکہ یا ھادی فانک خیر الھادین بعد از نمازِ عشا نود بار بخواند، خدای تعالیٰ او را راہِ راست نماید، و ہر مقصودی کہ باشد، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ عیسیٰ لاکوتی، قدس اللہ سرہٗ منقول است: ہرکہ اَنِّیْ مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِیْنَ[1] [۱۱۳ ؍ ۱] بعد از نمازِ صبح یازدہ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از ہمہ بلاھا نگاہ دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت قاضی عبداللہ بن تاجیہ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہرکہ وَقُلْ رَّبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبٰرَکًا وَّاَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ[2] یک بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ پنہان و آشکارا بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جیہ ولدِ شیخ نعمت اللہ قریشی، قدس اللہ سرہُ العزیز، منقول است: ہرکہ اللّٰھم حمّی و اکشف غمّی و اھلک جمیع عدوی بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از غم و اندوہ نجات دھد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت مخدوم جیہ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہرکہ اللّٰھم یسّر امورنا کلّھا

۱۔ القرآن الحکیم: ۲۱ ، ۸۳.   ۲۔ ایضاً: ۲۳ ، ۲۹.

و استجب دعاء نا بحق یا الله یا رحمٰن، یا رحیم، یا کریم بعد از نمازِ تہجد صد بار بخواند، همهٔ حاجاتِ او روا شود. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت مخدوم آدم تته بئی، قدّس الله سرّهٔ، (منقول است) هر که اللهی بحرمت خمسه الّذی سادسهم جبرائیل و هو محمّد و علی و فاطمه والحسن والحسین اقض حوائجنا من الدّنیا والآخرة بحق اهیا شراهیا. برحمتك یا ارحم الرّاحمین. صد بار بعد از نمازِ عشا بخواند، هر کاری که باشد، خدای تعالیٰ آن همه کارِ او حاصل کند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اللّهم انك تعلم سرّی و علانیتی فاقبل معذرتی و تعلم حاجتی فاعطنی سؤالی فاغفرلی ذنوبی کلّها یا غفّار، یاستّار، برحمتك یا ارحم الرّاحمین بعد از نمازِ تہجد چهل بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ بسیار بیند، و هیچ گاه غم و اندوه در دل نیفتد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت (سیّد) عبدالقادر بن سیّد شمس الدّین قادری، مرید و شاگردِ سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اللّهم انك تعلم ذنوبها فغفرها یا غفّار الذّنوب و تعلم عیوبنا فاسترها یا ستّار العیوب تا آخر بعد از نمازِ صبح یک بار بخواند، خدای تعالیٰ اورا از گناهان پاک گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت سیّد السّادات، صاحب الرّیاضات و الکرامات سیّد یوسف مهدی بهکری، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که اللّهم عافنا من کلّ بلاء الدّنیا و عذاب الآخرة، برحمتك یا ارحم الرّاحمین بعد از نمازِ صبح و خفتن صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از همهٔ بلاها نگاه دارد، و از عذابِ ابدی نیز خلاص یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت شیخ علی قریشی تته بئی، که در مقامِ تته آسوده است، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هر که یا الله الاوّلین و یا الله الآخرین و یا ارحم الرّاحمین، برحمتك یا ارحم الرّاحمین بعد از نمازِ فجر [۱۳۱ب] نود بار بخواند، رزق و روزی زیادت شود، و عمرِ او نیز دراز گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت پیر غیب که نزدیک مقامِ شیخ علی قریشی آسوده است، قدّس الله سرّهٔ،

منقول است: هر که اللهم حرق عوارض قلبی بنور عشقك وارزقنی ازدیاد مشاهدتک ورویة جمال حبیب محمدك حتی لا ابقی فی غیرما سواك بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، هیچ حجابی در دل نماند میانِ خدای تعالیٰ و رسول، صلی اللہ علیه و آلہ وسلّم، و او، و آن چه نیتی دارد، نیز حاصل گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت حاجی بهاء الدّین که نزدیکِ (مقام) پیر بابو آسوده است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که شبِ چهارشنبه و شبِ پنج شنبه و شبِ آدینه "یا دائم البقاءِ یا واسع العطاءِ" پنج هزار بار بخواند، هر مقصودی که باشد، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر بابو شهید که نزدیکِ شهر تته آسوده است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که شبِ آدینه هزار بار بخواند: اللهم نوّر قلبی بنور هدایتك و افصح لسانی بنور معرفتك بحق یا اللہ، یا هو، برحمتك یا ارحم الرّاحمین، خدای تعالیٰ او را راهِ هدایت نصیب کند، و علمِ لدنّی میسّر گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ محمد مکانی که در غلهٔ بازارِ تته آسوده است، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که یا حنّان بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را ایمانِ سلامت دهد، و جای او در بهشت گرداند که در دنیا نیز بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر مسکین شهید، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که یا منّان بعد از نمازِ تهجّد نود بار بخواند، خدای تعالیٰ دلِ او را روشن گرداند، و هر چه خواند یا بشنود، یاد ماند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر کمال، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که یا دیّان بعد از نمازِ بامداد صد بار بخواند، از دلِ او خطراتِ باطل دور شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت پیر منیه، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که یا سبحان بعد از نمازِ مغرب صد بار بخواند، مغیباتِ خدای تعالیٰ بسیار بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ جاریه، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اللهم لاتبدّل اسمی ولا تغیّر جسمی ولا تفرّق بینی و بینك حبیبك محمّد، صلی اللہ علیه وآلہٖ وسلّم، بعد از

ہر نماز یک بار یا سہ بار بگوید، خدای تعالیٰ او را در امانِ خود نگاه دارد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔
و از حضرت شیخ رہار جنگلی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اللّٰھم اکشف عنّی ھمّی وغمّی وحزنی و اھلک جمیع عداوی بعد از نمازِ عشا یازدہ بار بخواند، از ہمۂ غم و اندوہ نجات یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔
و از حضرت شیخ پتہ کہ در آر آسودہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اللّٰھم اقطع اجلٗ و امل بجمیع اعدائی و اعدائک بحق یاقہّار، یاجبّار، [عدو] بعد از نمازِ ظہر صد بار بخواند، جملہ دشمنانِ او ھلاک شوند۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔
و از حضرت شیخ جیہ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ یافتّاح افتح علینا من باب عفوک و رحمتک و کرمک فانّ فضلک کثیرا، برحمتک یا ارحم الرّاحمین بعد از نمازِ عشا نود بار بخواند، علم و رزق و روزی بر او کشادہ شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔
و از حضرت شیخ وجرہ، کہ آن را شیخ وجیہ الدّین گویند، کہ نزدیکِ روضۂ شیخ پتہ آسودہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اللّٰھم لا تجعلنا مِنَ القَومِ الظّالِمِین۔ والجاھلین والغافلین بحرمتِ رسول اللہ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلم، برحمتک یا ارحم الرّاحمین بعد از نمازِ تہجد صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از قومِ بد نگاہ دارد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔
و از حضرت (مخدوم) حسام (الدّین) ملتانی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: اللّٰھم یاعالم السّر والنجویٰ و اجعلنی فرجًا و مخرجا بحق ایّاک نعبد و ایّاک نستعین، برحمتک یا ارحم الرّاحمین روزِ شنبہ صد بار بخواند، ہر دردی کہ باشد، دفع شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ
و از حضرت مخدوم نوح بھکری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اللّٰھم اشرح صدری بمعرفتک و افتح قلبی بنور وجھک بحق یا اللہ، یا رحمٰن، یا رحیم، یا کریم، برحمتک یا ارحم الرّاحمین بعد از نمازِ شام صد بار بخواند، ہر جا کہ برود، با فتح و نصرت باز آید۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔
و از حضرت سید نظام (الدّین) ولد سید ناصر الدّین بھکری کہ در لوھری آسودہ است، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ ربّنا افتح بیننا و بین قومنا بالحقّ و انت خیر الفاتحین[1] در شبِ دوشنبہ

[1] القرآن الحکیم: ۷، ۸۷

وقتِ دوپهر صد بار بخواند، عجایب و غرایب بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

نقل است که بعد از وفات سید نظام (الدین) را تجهیز و تکفین کردند، و خواستند که جنازهٔ وی را بر دارند. هر چند سعی کردند، نتوانستند از زمین برداشت. همگنان متعجب و حیران فرو ماندند که آیا درین چه حکمت خواهد بود؟

تا پسرِ بزرگِ او را سید رکن الدین نام، وصیتِ پدر یاد آید، و گفت که حضرتِ والد بزرگوار در ایامِ حیاتِ خود فرموده بودند که هرگز جنازهٔ ما را نتوانستند برداشت مگر به وسیلهٔ سرود نای که از مقامِ سوندره خوانده شود.

بعد از اطلاعِ این مضمون فی الحال سُرنای خاصِ وی را آوردند که از مقامِ سوندره بنواختنِ سرنای مشغول گردد.

چنین روایت کرده اند که چون مطرب بنواختنِ سرنای از مقامِ سوندره مشغول شد، بعد از ساعتی به قدرتِ الله تعالیٰ جنازه از زمین برآمد. هر چند دست بر آن بردند، به دست نیامد، و در هوا می رفت، و مردمان در زیرِ آن [عالاب] بر زمین می رفتند تا بقعهٔ که اکنون مدفنِ آن ولایت شاه است، فرود آمد.

ازین قسم کراماتِ آن خلاصهٔ سادات بسیار است، امّا بدین نقل اختصار افتاد.

اکنون مدفنِ شریفش در روهری است. نور الله تعالیٰ مضجعه. والله تعالیٰ اعلم.

وعن ابن عبّاس رضی الله تعالیٰ عنه، ان رسول الله صلی الله علیه و سلّم، کان یقول عند الکرب لا اله الّا الله العظیم الحلیم، لا اله الّا ربّ العرش العظیم، لا اله الّا الله ربّ السّمٰوات وربّ الارض و ربّ العرش الکریم. کذا فی المصابیح والمشکاة.[۱]

و از حضرت سیّدالسّادات سیّد حامد بن سیّد محمّد سیف الله، قدّس الله تعالیٰ سرّه،

۱ـ این فقیرِ پرتقصیر محمّد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی رحمة الله علیه، یک باره وساوسِ بسیار و همومِ بی شمار مبتلا شده بود. شبی آن حضرت را، صلی الله علیه و آله وسلّم، در خواب دیدم که دستِ حق پرستِ خود بر نبضِ این کمینه نهاده فرمودند: نکته شده، و به اذنِ حق برطرف خواهد شد، وجهتِ دوا فرمودند که همین دعا که از ابن عبّاس نوشته شده، با درودِ اوّل و آخر مع اخلاصِ دل می خوانده باش که حق تعالیٰ شفا خواهد داد، و تفصیلِ این نکته در کتبِ حدیث است. (حاشیه ابرگ ۱۱۶ اب)

منقول است: هرکه لا اله الا الله العلی الحلیم. لا اله الا الله رب العرش العظیم، لا اله الا الله رب السموات السبع والارض ورب العرش الکریم، برحمتك یا ارحم الراحمین، بعد از هر نماز هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از همه بلاها نگاه دارد، و دل او روشن شود بر ظاهر و باطن، و عجایب وغرایب زمین و آسمان نیز بسیار بیند، و دعای او مستجاب شود. انشاء الله تعالیٰ.

و نیز نقل است از سادات بخاری، دسید باقر بن سید عثمان بخاری)، سلمه الله تعالیٰ و ابقاهٗ و زید عمرهٗ[1] که در شب دو شنبه هشتم جمادی الثانی سنه ۱۰۹۸ از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم، شنیدم: هرکه این دعا به اعتقاد درست بعد از نماز خفتن یازده بار بخواند، هر مقصودی که در دل داشته باشد، حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

دعا بالا مذکور است.

و از حضرت سید علی اکبر بن سید حامد قتال، (بخاری)، قدس الله سرهٗ، منقول است: هرکه اللهم اخرجنی من ظلمات الوهم و اکرمنی بنور الفهم. اللهم افتح علی باب العلم و الحلم و التوفیق و المعرفت و الهدایة و الدولة و السعادة و الایمان بحرمت اولاد الحسن و الحسین رضی الله تعالیٰ عنهما، اقض حوائجنا یا قاضی الحاجات، یا عالم السر و الخفیات یا ذا الجلال والاکرام بعد از هر نماز یک بار یا سه بار بخواند، خدای تعالیٰ همه کارهای دینی و دنیوی او حاصل کند، و عجایب وغرایب خدای تعالیٰ بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

و نیز نقل است از سادات بخاری دسید باقر بن عثمان بخاری)، سلمه الله تعالیٰ و ابقاهٗ و زید فی عمرهٗ[2] که در سنهٔ مذکوره (یعنی ۱۰۹۸ ہجری قمری)، من شنیدم از مجلس حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلم، هرکه دعای مسطور به اعتقاد درست و به اخلاص دل بعد از نماز خفتن هفت بار بخواند، همهٔ مرادات دینی و دنیوی او حاصل شود، و آن چه نیتی کند، نیز میسّر گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و از حضرت، مخدوم بلال، قدس الله سرهٗ، منقول است: هرکه اللهم انت الله الذی لا اله [۵ ا و] الا انت الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد و لم یکن له کفواً احد، بوحدتك

---

۱ و ۲۔ رک حاشیه ۳ ص ۲۲۰۔

یا ارحم الرّاحمین، شب دو شنبه صد بار بخواند، گرسنگی و تشنگی دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت (شیخ) دتہ سوستانی بن قاضی شرف الدّین (قدس اللہ سرّہ)، منقول است: هرکہ اللّٰهم یا مسبّب سبب، یا مفتّح فتح، یا مفرّح فرح، و یا میسّر یسّر، و یا مسهّل سهّل و یا متمّم تمّم علینا نعمتك و هب لنا کرامتك یا ارحم الرّاحمین هر روز بعد از هر نماز یک بار بخواند، خدای تعالیٰ اورا حجابِ ظاهری و باطنی دور گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ هوتی لاکہ، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هرکہ این دعا بعد از هر نماز یک بار بخواند، ایمانِ او همیشہ سلامت باشد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّٰهم یا ولی الاسلام و اهلہ مسّکنا بالاسلام و ثبّتنا علی الایمان حتّی نلقاك و انت عنّا راضٍ غیر غضبانٍ یا اللہ، یا اللہ، یا اللہ، یا رحمٰن، یا رحیم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ احمد و محمّد ولدانِ شیخ هوتی لاکہ، قدّس اللہ سرهم، منقول است: هرکہ این دعا را بعد از نمازِ فجر پنج بار بخواند، ثوابِ یک حج بنامِ آن بندہ قبول بنویسند انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای بزرگوار این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

الحمد للہ الّذی فی السّماء عرشہٖ یا اللہ، یا اللہ، یا اللہ، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت (درویش) حسن مقری، قدّس اللہ سرّہ، منقول است: هرکہ این دعا بعد نمازِ عشا سہ بار بخواند، خدای تعالیٰ اورا از گناهان پاک گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

الٰہی عبدک العاصی اتاکا مقرّاً بالذنوب قد دعاکا
فان تغفر فانت اهل لذاک و ان تطرد فمن یرحم سواکا

الٰهی تبت عن کلّ المعاصی، یا غیاث المستغیثین! یوم یوخذ بالنواصی و الاقدام. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت مخدوم عربی دیانہ ہالا کندی، قدس اللہ سرّہ، منقول است: ہرکہ این دعا بعد از نماز فجر یازدہ بار بخواند، علم ادراک کشف شود. انشاءاللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم اکرمنی بنور الفهم، و اخرجنی من ظلمات الوهم، وفهمنی علم الشریعة والطریقة والحقیقة والمعرفة، و استعملنی بها بفضلك و بکرمک یا اکرم الاکرمین، و یا ارحم الرّاحمین.

قال النبیّ، صلی اللّٰه علیه وآله وسلّم: من قرأ هذه الدّعاء اربعین یومًا فی کلّ یوم سبع مرّة رزق اللّٰه تعالیٰ علم بغیر تعلم یا من هو فی علوه کاین، یا من هو فی علمه محیط، یا من هو فی عزّه لطیف، یا من هو فی لطفه شریف، یا من هو فی ذاته قدیم، یا من هو فی فعله جمیل، یا من هو فی فضله حمید، یا من هو فی مجده منیر، یا من هو فی عطاءه [وهّاب] کبیر

اللّهم ارزقنی علمًا نافعًا و حفظ کاملًا و درایة شاملة و فهمًا زکیًا و طبعًا صفیًا ونفسًا راغبةً الی تحصیل العلوم.

اللّهم اخرجنی من ظلمات الوهم و اکرمنی بنور الفهم. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از درویش راجو سیتھو دل، رحمة اللہ علیہ، منقول است: ہرکہ این دعا بعد از ہر نماز سہ بار بخواند، ہیچ آفریدہ اورا زیان نرساند، و از عذاب خدای تعالیٰ نجات یابد. انشاءاللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

حسبی اللّٰه الهادی لدینی. حسبی اللّٰه المعین لدنیائی، حسبی اللّٰه الکافی لما اهمنی. حسبی اللّٰه

الحلیم القوی لمن بغی علیه. حسبی الله الشدید لمن کادنی السّوء، حسبی الله الرحیم عندالموت حسبی الله الرؤف عند المسالة فی القبر، حسبی الله الکریم عند الحساب، حسبی الله اللطیف عند المیزان، حسبی الله العزیز عند الصراط، حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم.

و از درویش احمد که نزدیک بیه لانی آسوده است، رحمة الله علیه منقول است: هر که این دعا روز شنبه بخواند، خدای تعالیٰ او را غنی گرداند. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرحمن الرحیم.

اللهم یا واسع بفضلك یا من لیس لغناك غایة ارحم من لیس لفقره نهایة یا ارحم الراحمین.

و از درویش چرکس ولد وته سرکی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که این دعا روز دو شنبه وقت دو پهر سه بار بخواند، هیچ غم و اندوه نبیند. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرحمن الرحیم.

اللهم یا رازق المقلّین، و یا راحم المساکین، و یا ولی المؤمنین و یا غیاث المستغیثین اغفرلی وارزقنی وانت خیر الرازقین، برحمتك یا ارحم الراحمین.

و از درویش موسیٰ اهدانی که (مزارش؟) برکناره سانگره واقع است، قدس الله تعالیٰ سره، منقول است: هر که این دعا بسیار بار بخواند، قرب حق تعالیٰ (به او) حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

(دعای بزرگوار این است):

بسم الله الرحمن الرحیم.

اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله و ان کان فی الارض فاخرجه وان کان بعید فقربه و ان کان قریباً فیسره، و ان کان یسیراً فحلله، وان کان حلالاً فکثره، و ان کان کثیراً فبارکه، و بارك لی فیه انك علیٰ کل شیءٍ قدیر، برحمتك یا ارحم الراحمین. وصلی الله علیٰ

خیرِ خلقه محمّد و آلہ اجمعین، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از درویش صدرا دته ولد کیهورا دته سندی که در جمیع بدن از سرتا قدم هیچ موی نداشت، و به صفتِ بهشتیان که اهل الجنّة جردٌ مردٌ، موصوف بود، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه این دعا بعد از نمازِ شام نود بار بخواند، خدای تعالیٰ او را در دنیا عمرِ دراز دهد، و دولتِ او زیادت [۱۱۶و] شود، انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

• بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

یا دائم العزّ و البقاء یا ذا الجلال والجود والعطا، یا ودود، یا ذاالعرش المجید، یا فعال لما یرید، برحمتك یا ارحم الرّاحمین

و از درویش بهنبو ناریجه، که نزدیک بدین آسوده است، رحمة الله علیه، منقول است: هرکه خواهد که روزی بر من فراخ شود، و محتاجِ هیچ کس نشوم، او به این آیت مشغول شود، ورزق و روزی بروی فراخ گردد. انشاء الله تعالیٰ.

آیتِ (بزرگوار) این است:

(بسم الله الرّحمٰن الرّحیم).

✗ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِّأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنْكَ وَارْزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ.[1]

و از درویش هاله سهته، قدّس الله سرّهٔ، منقول است: هرکه روزِ دوشنبه بعد از نمازِ ظهر این دعا پنج بار بخواند، خدای تعالیٰ او را در حفظ و حفاظتِ خود نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

(بسم الله الرّحمٰن الرّحیم).

اللّهم احفظنی بالاسلام ولا یطیع عدواً ولا حاسداً، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

۱۔ القرآن الحکیم: ۵، ۱۱۴.

و از درویش ابراهیم، که از قبیلهٔ ایلِ درویشان است، قدس الله سرّه، منقول است
هرکه این دعا بعد از نمازِ عصر هفت بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از بیماری نگاه دارد. انشاء
الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

یا اوّل الاوّلین، یا آخر الآخرین، یا من هو ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) قاضی صدو ولد حماد، قدّس الله سرّه، منقول است: هرکه این دُعا روزِ دوشنبه
وقتِ نمازِ اشراق صد بار بخواند، محبّتِ خلق به او بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

(دعای بزرگوار این است):

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم انا نسئلك باسمائك یا علیم، یا قائم، یا حَکَم، یا عفوّ، یا غفور، یا شکور، یا صبور
یا ودود. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

واز درویش یحییٰ ولد شیخ عالم، که از قبیلهٔ ایلِ درویشان (است)، قدّس الله سرّه، منقول
است: هرکه این دعا بعد از نمازِ عشا یازده بار بخواند، خدای تعالیٰ او را از علّتِ باد و برص
نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم ارزقنا النظر الی وجهك الکریم فی الدُّنیا و الآخرة، برحمتك یا ارحم الرّاحمین

واز (حضرت) قاضی خیر الدّین، قدّس الله تعالیٰ سرّه، منقول است: هرکه این دعا را روز
بروز سه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را و مادر و پدرِ او را و قرابتانِ او را نیز بیامرزد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم اغفرلنا ولاٰبائنا ولامهاتنا ولاولادنا و ازواجنا و ذرّیاتنا و لجمیع المؤمنین والمؤمنات

المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات و یا رافع الدرجات و یا قاضی الحاجات و یا مجیب الدعوات، وصلی الله علی سیدنا محمد و آله و اصحابه اجمعین، برحمتك یا ارحم الراحمین.

و از حضرت، شیخ [۱۱۶ ب] مغل چاچک، رحمة الله علیه، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ عشا هفت بار بخواند، خدای تعالی او را از عذابِ قبر نگاه دارد. انشاء الله تعالی.

دعای بزرگوار، این است:

بسم الله الرحمن الرحیم.

اللهم انت الذی تجینا من شر الوباء و آفة الوباء و آفة الدنیا و تجیرنا من عذاب القبر وتنقذنا من سوال القیمة و تدخلنا الجنة بحرمت محمد رسول الله، صلی الله علیه وآله وسلم، برحمتك یا ارحم الراحمین.

و از حضرت شاه شجاع کرمانی، قدس الله سره العزیز، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ عشا بسیار بار بخواند، مشاهدهٔ خدای تعالی او را حاصل گردد. انشاء الله تعالی.

دعای بزرگوار این است:

بسم الله الرحمن الرحیم.

اللهم حرق عوارض قلبی بنور عشقك وارزقنی ازدیاد مشاهدتك حتی لا ابقی فی قلبی غیر ما سواك.

چنانچه شاه شجاع کرمانی چهل سال خواب نکرده بود، و به این دعا مشغول بود، و بعد از چهل سال در خواب رفت، جمال ذو الجلال در خواب دید. بعد از خواب چهل سال بیدار شد. فریاد بر آورد یارب! این دولت را در بیداری طلب کردم، نیافتم. امّا چون در خواب شدم، آن گاه بر این دولت مشرّف گردانیدی. هاتف آواز داد که ای شاه شجاع! این ثمرهٔ همان بیداری است.

پس ای خاکی! بعضی مردمان چنین دین دار بوده اند که از خوفِ خدای تعالی خواب نکرده اند، و عشق و محبت بسیار داشتند، و بعضی طایفه غافلانند که تمام شب در خواب مشغول باشند و جمالِ خدای تعالی و رسولِ خدا، صلی الله علیه و آله وسلم، بغیرِ محنت و خدمت و مشغولی حاصل نشود. و این

نصیحت است مرنیکان را و غافلان را.

و از حضرت امیرالمؤمنین و امام المتقین امیر علی ابن ابی طالب، کرم اللہ وجہہ، منقول است: اگر کسی را نقصانی در مال یا بیماری در اهل و عیال پدید آید، او را باید کہ با حضور و خشوع دل این دعا خواندہ بدرگاہِ الٰہی تضرع نماید. البتہ حاجتش روا گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای بزرگوار این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللھم انی اتوجہ الیك بنبیك نبی الرحمۃ و اھل البیت الذین اخترتھم علی العالمین. اللھم ذلل لی صوبتھا و اکفنی شرھا فانك الکافی و المعافی و الغالب القاھر بحق ایاك نعبد و ایاك نستعین. برحمتك یا ارحم الراحمین.

و از حضرت شیخ جنید بغدادی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است کہ یک لک و نود و نہ ہزار بار خدای تعالیٰ را در خواب دید. ہر بار فرمان شد کہ ای شیخ جنید! چہ می خواہی از حضرت ما؟ شیخ جنید بغداد گفت: خداوندا! از حضرتِ تو عاقبتِ خیر می خواہم.

فرمانِ خدای تعالیٰ شد کہ ای شیخ جنید! ہر کہ [۱۱۷ ا] این دعا بعد از ہر نماز سہ بار بخواند، و یا برخود نگاہ دارد، روز و شب در امن و امان باشد، و تمام شب و روزِ او بہ عاقبت بہ خیر بگذرد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای معظم و مکرم این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

یا من قامت السمٰوات و الارضون بامرہ یا من یمسك السماء ان تقع علی الارض الا باذنہ یامن، امرہ اِذَا اَرَادَ شَیْئًا اَنْ یَّقُوْلَ لَہٗ کُنْ فَیَکُوْن. فَسُبْحَانَ الَّذِیْ بِیَدِہٖ مَلَکُوْتُ کُلِّ شَیْءٍ وَّاِلَیْہِ تُرْجَعُوْنَ[۱]. برحمتك یا ارحم الراحمین.

و از حضرت شیخ معروف کرخی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کرا مہمی پیش آید کہ

۱- القرآن الحکیم: ۳۶، ۸۲ و ۸۳.

بہ ہیچ طریق کشادہ نشود. باید کہ شبِ چہار شنبہ و شبِ آدینہ سہ بار صلوات و ہزار بار این دعا بخواند.
البتہ البتہ آن کار حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار این است):

(بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم).

آمنت باللّٰہ العلی العظیم و توکّلت علی الحیّ القیّوم.

و از حضرت شیخ سفیان ثوری، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ این دعا بعد از نمازِ بامداد صد بار بخواند، مشاہدۂ حق تعالیٰ (بہ او) نصیب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانک انت اللّٰہ لا الٰہ الّا انت ربّ العالمین. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

× و از حضرت شیخ داوٗد طائی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ این دعا بعد از نمازِ ظہر نود بار بخواند، مشاہدۂ جمالِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم کند، و از غم نجات یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانک انت اللّٰہ لا الٰہ الّا انت ربّ العالمین. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ فضیل عیاض، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ہر کہ این دعا بعد از نمازِ عصر پنجاہ بار بخواند، دعای او مستجاب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانک انت اللّٰہ لا اِلٰہ الّا انت السّلام المؤمن، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

اسنادِ "دعای حبیبی":

از حضرت ابی بکر صدّیق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است: روزی مہتر جبرئیل علیہ السّلام

به خدمتِ حضرتِ رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلّم، آمده گفت : یا محمّد نبی الله! خدای تعالیٰ ترا سلام می رساند، و بعد از سلام تحفۂ درود و این دعا فرستاد از غیب خود بهرِ تو و بهرِ امتانِ تو، و پیش از تو بر هیچ (یک از) پیغمبران، علیهم السّلام، این دعا نفرستادیم.

زیرا که تو حبیبِ مائی و امتانِ تو بندگان من اند.

یا محمّد! هر که تمامِ عمر فساد کرده باشد، و هیچ وقت سجده نکرده باشد، و نامِ خدای تعالیٰ در عمرِ خود نگفته باشد، این دعا بخواند یا بر خود نگاه دارد، آن بنده را ثواب یک لک پیغمبران، علیهم الصّلوٰة و السّلام، بدهم. و ثوابِ هزار صدیقان بدهم، و ثوابِ هزار عابدان بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار [۱۱۷ب] زاهدان بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار غازیان بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار اولیا بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار شهیدان بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار ابدال بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار حاجیان بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار جنازه بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار ختمِ قرآن بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار پرهیزگاران بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار زکوٰة مال بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار شبِ قدر بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار رکعتِ نماز بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار پلِ صراط بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار عرش و کرسی آسمان بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار طبقِ زمین بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار عیسیٰ روح الله بدهم، و ثوابِ حضرتِ محمّد رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلّم، بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار ابراهیم خلیل الله، علیه السّلام، بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار اسمٰعیل ذبیح الله بدهم، و ثوابِ هفتاد هزار یوسفِ صدیق بدهم، و ثوابِ میکائیل بدهم، و ثوابِ عزرائیل بدهم، و ثوابِ جمله فرشتگان بدهم.

یا محمّد، صلی الله علیه و آله وسلّم.

هر که این "دعای حبیبی" بخواند، هفتاد هزار قدم او را روزی کنم، و در بهشت (هفتاد هزار) کوشک به نامِ آن بنده کنم، و در آن کوشک ها حورانِ بهشت تسبیح گویند، و خود را آراسته پیرایه پوشند، و برای آن بنده منتظر می باشند، تا روزِ قیامت، و پیشِ هر کوشکی جُوئی روان باشد، و گرد بر گردِ هر جُوئی هفتاد هزار درخت باشند، و آن

درختان از یاقوت باشند، و شاخ های درختان از مروارید باشند، و برگ های درختان از مشک باشند.

یا محمدؐ، (صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم).

ھر کہ این دعا بخواند یا بر خود نگاہ دارد، (خدای تعالیٰ او را ثواب مکّہ و مدینہ روزی کند.

یا محمدؐ، (صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم).

ھر کہ این دعا بخواند یا بر خود نگاہ دارد، و پیشِ پادشاھان و ملوکان برود، خدای تعالیٰ آن پادشاھان و ملوکان را بر او مہربان گرداند.

و دارندۂ این دعا را از جورِ ظالمان و از حسدِ حاسدان، و از غدرِ غداران، و از مکرِ مکاران، و از سحرِ ساحران، و از (جادوی) جادوگران، و از (راہ زنی) راہ زنان، و از بلاھای ناگہان و از مرگِ مفاجات از برکتِ این "دعای حبیبی" خدای تعالیٰ در امان نگاہ دارد، و از جملہ بلاھا و آفت ھا ایمن گرداند از برکتِ این دعا.

و اگر کسی را بند کردہ باشند، یا پری زدہ باشد، و بہ ہیچ نوعی خلاص نمی شود، این دعای بزرگوار بعد از نمازِ فجر سہ بار بخواند، و اگر خواندن نداند، نوشتہ در دستِ چپ بندد، بہ عنایت خدای تعالیٰ خلاص یابد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و اگر کسی بہ دستِ ظالم گرفتار باشد، بہ نوعی کہ خوفِ جان داشتہ باشد، این دعا بخواند، و اگر خواندن نداند، نوشتہ با وضو بر خود بدارد، بہ فرمانِ خدای تعالیٰ خلاص شود، و سُرخ روی گردد.

و اگر میانِ دشمنان برود، دوستِ جانی [۱۱۸و] گردند از برکتِ این دعا.

در خبر آمدہ است کہ حضرت امیر المؤمنین علیؓ، کرم اللہ وجہہ، این دعا را در ترکشِ خود داشتی، حصاری گرفتی، و از جنگ با فتح بازگشتی، و در میانِ لشکرِ کفار ہیبت و شکستی افتادی، و ھمہ کافران پشت می دادند، و می گریختند.

و حضرت امیر المؤمنین علیؓ، کرم اللہ وجہہ، از برکتِ این (دعا) چند حصار فتح

کردی، و مسخر کردی، و کافران را به تیغ آوردی، و اسلام آشکارا کردی.

اگر کسی خواهد که در جنگ رود، این دعا بر خود بدارد، و میانِ تیرها و شمشیرها بُوَد، هیچ تیر و شمشیر کار نکند، و هیچ اسلحه تنِ او را مجروح نسازد از برکتِ این دعا.

و از حضرت امیرالمؤمنین علی، کرم الله وجهه، روایت کرده اند، که اگر کسی را جیبی شده باشد، این دعا را بنویسد، و (به آبِ چاه) بشوید، و بخورد، آن دفع شود؛ و اگر شستن نداند، این دعا بر خود دارد، و در بازوی چپ بندد، نیکو شود از برکتِ این دعا. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی را دیو و پری یا گفتار نظر شده باشد، این دعا بخواند، و در گوش دمد، و یا بنویسد و در گلو بندد، و یا بر آب دمد و بخوردن دهد، همان زمان دیوانگیِ او دفع شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی به سفر رود، این دعا را بر خود بدارد، باز در خانه سلامت بیاید، و از جمله بلاها و آفت ها ایمن گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و (دارندهٔ این دعا) از دردِ سر و نیم سر و دردِ گردن و دردِ چشم و دردِ گوش و دردِ حلق و دردِ سر و دردِ سینه و دردِ شکم و دردِ ناف و دردِ کمر و دردِ ساق و دردِ استخوان و دردِ جمله اندام ها ایمن گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و دارندهٔ این دعا را و خوانندهٔ این دعا را خدای عزّ وجلّ از بلاها و آفت ها نگاه دارد.

و (دارندهٔ این دعا) از بادِ باسور و بادِ قراح و آماسِ گلو و آماس های اندام خدای عزّ وجلّ نگاه دارد.

و اگر عورتی وقتِ تولّد شدن (بچّه) درمانده باشد، و به هیچ نوع خلاص نمی شود، (این دعا را در گلوی بندد، بچّه به آسانی تولّد شود). (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر عورتی عقیم باشد، و همهٔ عمر او را فرزند نه زاده باشد، باید که این دعا را به مشک و زعفران بنویسد، و به آبِ (چاه) بشوید، و بعد از ایامِ حیض بخورد، و یا در گلوی بندد

خدای تعالیٰ او را فرزندِ نرینه و نیک بخت روزی گرداند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی این دعا را با وضو و با صدقِ دل خوانده باشد، (خدای تعالیٰ) آتشِ دوزخ بر وی حرام گرداند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی این دعا بنویسد، و درمیانِ جنگ برود، تیغ بر وی کار نکند.

یا محمد، صلی الله تعالیٰ علیه و علیٰ آله وسلّم.

این دعا را بر ساقِ عرش نوشته اند، و از برکتِ این دعا عرش برقرار است:

یا محمد، صلی الله تعالیٰ علیه و علیٰ آله وسلّم.

و اگر کسی در دنیا گناهِ عظیم کرده است، و از شرمندگی آن گناه خوار و خجل شده باشد، از برکتِ این دعا خواندن و نگاه داشتن حق سبحانهٗ و تعالیٰ گناهِ آن بنده را ببخشد، و عفو کند. (انشاء الله تعالیٰ).

و هر که این دعا بر خود دارد، در آب غرق نشود، و زهرِ مار و کژدم بر وی [۱۰۸ ب] کار نکند. (انشاء الله تعالیٰ).

و در آن خانه که این دعا باشد، خدای عزّ و جلّ نظرِ رحمت سوی آن بنده کند؛ و در آن خانه به نظرِ رحمت بنگرد؛ و آن بنده در نظرِ بزرگان و مهتران و امیران و ملوکان و در نظر جمله خلایق عزیز باشد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی را تپ لرزان آید، و این تعویذ را بر بازوی بندد، صحت یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی دردِ پای داشته باشد، چنان که اگر در راه رود (و این دعا بر خود داشته باشد)، مانده نشود. (انشاء الله تعالیٰ).

و هر که این دعا بخواند، و اگر خواندن نداند، پیشِ خود نگاه دارد، فردا روزِ قیامت روی آن بنده چون ماهِ شبِ چهاردهم تابان باشد. (انشاء الله تعالیٰ).

و چون آن بنده از دار الفنا به دار البقا رحلت کند، (وی را) بر براق سوار کنند، و حلّه‌های بهشت بپوشانند، و همهٔ فرشتگان در رکابِ وی روند، و جبریل علیه السلام با هفتاد هزار

فرشته بر براق بی حساب در بهشت برند. (انشاء الله تعالی).

و اگر نوشته در گور نهد، خدای تعالی گورِ او را پُر نور گرداند، و حوران و غلمان پیشِ او بسیار آیند، که مونسِ او باشند تا روزِ قیامت. والله تعالی اعلم بالصواب.

"دعای بزرگوارِ حبیبی" این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم یا حبیب الفقراء، و یا انیس الغرباء، و یا معین الضعفاء، یا دلیل المتحیّرین، یا غیاث المستغیثین اغثنا اغثنا اغثنا یا راحم العطایا، و یا غافر الخطایا، یا حیّ یا قیّوم، یا حنّان یا منّان، یا دیّان یا سبحان یا سلطان یا غفران یا برهان یا بدیع السّمٰوات و الارض، یاذاالجلال والاکرام. برحمتك خلّصنا من شرائر الدّنیا و الآخرة یا رحیم و سلّم تسلیما کثیرا. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ شقیق بلخی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ مغرب چهل بار بخواند، رزق و روزیِ او زیادت شود. انشاء الله تعالی.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت الله لا الٰه الّا انت الخالق الباری. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ حاتم اصمِ کوفی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، دولت و عزّت بسیار شود. انشاء الله تعالی.

دعای بزرگوار این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك و انت الله لا الٰه الّا انت المهیمن العزیز. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ بهلول دانا، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این دعا به صدقِ دل و به اعتقادِ درست بعد از نمازِ تهجد هزار بار بخواند، بی شک خزینهٔ خدای تعالی ببیند، و آنچه خواهد، از او بکشد، و حجاب ظاهری و باطنی دُور شود. انشاء الله تعالی.

دعای (بزرگوار) این است:
بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.
سبحانك انت اللّٰه لا الٰه الّا انت الجبّار المتکبّر. برحمتك [۱۱۹ا] یا ارحم الرّاحمین.
و از (حضرت) شیخ بشر حافی، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا بعد از نماز اشراق صد بار بخواند، جمله خلق مطیع او گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.
دعای بزرگوار این است:
بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.
سبحانك انت اللّٰه لا إلٰه الّا انت المصوّر الحکیم. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.
و از (حضرت) شیخ ابو الحارث، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا بعد از نماز ضحیٰ هفتاد بار بخواند، علم لدنّی (به او) نصیب شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.
دعای (بزرگوار) این است:
بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.
سبحانك انت اللّٰه لا الٰه الّا انت السمیع البصیر. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.
و از (حضرت) شیخ هاشم سمرقندی، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا بعد از نماز عصر هفت بار بخواند، خبرِ غایب معلوم شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.
دعای (بزرگوار) این است:
بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.
سبحانك انت اللّٰه لا الٰه الّا انت الحیّ القیّوم. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.
و از (حضرت) شیخ ابراهیم هروی، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا روز یکشنبه صد بار بخواند، دلِ پادشاه وغیره بر او مهربان و مشفق گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.
دعای (بزرگوار) این است:
بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.
سبحانك انت اللّٰه لا الٰه الّا انت الحسیب الباری. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ ابوالقاسم نصرابادی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا بر شکر صد بار خوانده محبوب را بخوراند، محبوب مطیع و فرمان بردار او شود. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت الله، لا اله الّا انت الحی الممیت. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ ابوحفص حدّاد، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا بعد از نمازِ مغرب صدبار بخواند، دلِ او به انواعِ علوم منوّر گردد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت الله لا اله الّا انت السلطان الخالق. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ عبدالله سنجری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا صد بار بر آب خوانده بیمار را بخوراند، بیمار صحت وشفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت الله لا اله الّا انت الحنّان المنّان. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ ابوالحسین باروسی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا بعد از نمازِ مغرب نود بار خوانده بر خود بدمد، سحر و جادو بروی کار نکند. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت الله لا اله الّا انت الدّیان الملِك. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ امیر نیشاپوری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه این دعا

بعد [۱۹۱ ب] از نمازِ عشا هزار بار بخواند، جمله حاجاتِ او روا شود. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰه لا الٰه الّا انت العلّام الغیوب. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ علی بن حمزه اصفهانی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ تهجّد هزار بار بخواند، به مرتبهٔ درجاتِ انبیا و اولیاء علیهم الصّلوٰة والسّلام والهم، مشرّف گردد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است: بسم الله الرّحمٰن الرّحیم

سبحانك انت اللّٰه لا الٰه الّا انت الوِتر الهادی. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ عمر بن شیخ عثمان مکّی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این دعا روزِ یکشنبه پیش از نمازِ اشراق صد بار بخواند، از عالمِ لذاتِ نفسانی و شمولِ شهوات شیطانی فارغ گردد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰه لا الٰه الّا انت المفضل المنعم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ حمزه خراسانی، قدّس الله سرّهٗ العزیز، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ ضحیٰ هزار بار بخواند، خدای تعالیٰ او را بسیار غنا دهد که محتاج به هیچ کس نشود. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰه لا الٰه الّا انت الغنی المغنی، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ ابوالحسن نوری، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که این دعا روزِ دوشنبه بعد از نمازِ مغرب هزار بار بخواند، روشنائی در دلِ او پیدا شود که همهٔ مغیبات خدای

تعالیٰ معاینہ نماید. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰہ لا الٰہ الّا انت خیر الرّاحمین، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ جعفر مغربی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ این دعا روزِ چہار شنبہ و پنج شنبہ و روزِ جمعہ ھزار بار بخواند، جملہ مقاصدِ دینی و دنیویِ او حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰہ لا الٰہ الّا انت خیر النّاصرین، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت شیخ) حسین عراقی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ این دعا بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، راہِ خدای تعالیٰ مستقیم گردد، و ایمانِ او ھمیشہ سلامت باشد. (انشاء اللہ تعالیٰ)

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰہ لا الٰہ الّا انت الواسع اللطیف، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ محمّد رومی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھر کہ این دعا بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، عالمِ روحانی و جسمانی ببیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰہ لا الٰہ الّا انت العزیز الحکیم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ ابو علی حیرانی (حیران "مُلک را می گویند، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است:

[۱۲۰ الف] ھر کہ این دعا روزِ شنبہ بعد از نمازِ صبح صد بار بخواند، دلِ او از زنا و لواطت سیر شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است :

بسم اللہ الرحمن الرحیم .

سبحانک انت اللہ لا الہ الا انت الاول الآخر، بوحمتک یا ارحم الرّاحمین .

و از (حضرت) شیخ ابوبکر کتانی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است : ھرکہ این دعا شب چہار شنبہ و پنج شنبہ برشکر صد بار بخواند، و مرد و زن ھر دو بخورند، میانِ زن و مرد محبّت بسیار شود، و مخالفت برود. انشاء اللہ تعالیٰ .

دعای (بزرگوار) این است :

بسم اللہ الرّحمن الرّحیم .

سبحانک انت اللہ لا الہ الّا انت الواجد الماجد، بوحمتک یا ارحم الرّاحمین .

و از (حضرت) شیخ ابوبکر صیدلانی، وصیدلان ملک را گویند، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: ھرکہ این دعا بعد از نمازِ مغرب صد بار بخواند، از قرض آزاد شود، و زود توانگر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است :

بسم اللہ الرّحمن الرّحیم .

سبحانک انت اللہ لا الہ الّا انت الطاھر المطھر، بوحمتک یا ارحم الرّاحمین .

و از (حضرت) خواجہ ابدال چشتی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است : ھرکہ این دعا (بعد از نماز؟) نود بار بخواند، از ھمہ رنج ھا وتشویش ھا امین گردد . انشاء اللہ تعالیٰ .

دعای (بزرگوار) این است :

بسم اللہ الرّحمن الرّحیم .

سبحانک انت اللہ لا الہ الّا انت المستعان الحق، بوحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ ابو العباس شیرازی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است : ھرکہ این دعا روزِ چہار شنبہ بعد از نمازِ ظہر صد بار بخواند، آفتاب و ماھتاب و ھمۂ کواکب ھا مسخّرِ او شوند. انشاء اللہ تعالیٰ .

دعای (بزرگوار) این است :

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰه لا اله الّا انت الباعث الوارث، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ ابوبکر فرهادی، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هرکه این دعا بعد نمازِ عشا صد بار بخواند، اگر مردی کسی بسته باشد، کشاده گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰه لا اله الّا انت الرّقیب المجیب، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

(و از حضرت) شیخ معشوق طوسی، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هرکه این دعا روزِ [?] شنبه بعد از نمازِ صبح هزار بار بخواند، دولتِ غیبی بسیار یابد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

(بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم).

سبحانك انت اللّٰه لا اله الّا انت الباسط القابض، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ ذوالنّونِ مصری، رحمة اللّٰه علیه، منقول است: هرکه این دُعا بعد از عشا هزار بار بخواند، مستجاب الدّعوة گردد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰه لا اله الّا انت الصّمد المنعم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت شیخ محمد بن حسن جوهری، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هرکه این دعا سه‌شنبه بعد از نمازِ فجر هزار بار بخواند، به مرتبهٔ کبیر رسد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

[۱۲۰ب] دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰه لا اله الّا انت التّوّاب الوهّاب، برحمتك یا ارحم الرّاحمین

، از حضرت شیخ محمد بن علی حکیم ترمذی، قدّس اللّٰه سرّهٔ، منقول است: هرکه این

یکشنبه بعد از نمازِ صبح به شرطِ آن که اندرونِ وی صاف (باشد)، به کمالِ اعتقاد و یقینِ صادق بخواند، همهٔ خلق مسخّرِ او شود، و خزانهٔ خدای تعالیٰ نیز ببیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انتَ اللّٰہ لا الٰہ اِلّا انت القادر القاھر، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ عبداللہ خاقان صوفی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که این دعا شبِ دوشنبه هزار بار بخواند، همه علل و امراض مندفع گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰہ لا الٰہ اِلّا انت لَم یَلِد وَ لَم یُولَد وَلَمْ یَکُنْ لَہٗ کُفُواً اَحَد، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از (حضرت) شیخ ابو اسحاق کازرونی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که این دعا بعد از نمازِ مغرب نود بار بخواند، اسرارِ عالم بروی مکشوف گردد، و (در) ظهورِ کرامت قادر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

سبحانك انت اللّٰہ لا الٰہ اِلّا اَنتَ سُبحٰنَكَ اِنّی کُنتُ مِنَ الظّالِمِین. فَاستَجَبنا لَہٗ وَنَجَّینٰہُ مِنَ الغَمِّ وَ کَذٰلِكَ نُنجِی المُؤمِنِین[1]، ولا حول ولا قوّة اِلّا باللّٰہ العلیّ العظیم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

مناجاتِ حضرت محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم:

چنین آورده اند که حضرتِ رسول اللہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، ملازم می خواندند پس

1. القرآن الحکیم: ۲۱، ۸۷ و ۸۸.

مومنان را باید کہ این مناجات را بخوانند، تا مقصودِ ہر دو جہانی حاصل گردد. دانشاءاللہ تعالیٰ
دعای بزرگوار این است :
دبسم اللہ الرحمٰن الرحیم).
الٰہی قطرۃٌ من بحار جودك تکفنی. الٰہی ذرۃٌ من نثار لطفك تغنینی.
الٰہی نظرۃٌ من نظرات عفوك تجیبنی. الٰہی جذبة من جذبات فضلك تھدینی.
الٰہی احدی صمدی فردی من عندك مددی. الٰہی الیك ھربی یا منتھی طلبی عجل
فرجی بحق محمد العربی.
اللّھم سھل علیٰ امری نخق. ایاك نعبد وایاك نستعین. برحمتك یا ارحم الراحمین
وفی المصابیح و المشکوٰۃ : قال رسول اللہ، صلی اللہ علیه و آلہ و سلم، من قال
حین یصبح؛
اللّھم اصبحنا نشھدك و نشھد حملۃ عرشك و ملائکتك وجمیع خلقك، انك
انت اللہ لا الٰہ الّا انت وحدك لا شریك لك وان محمداً عبدك و رسولك الاغفر
لہ ما اصابہ فی یوم ذٰلك من ذنب، و ان قالھا حین یمسی غفر اللہ لہٗ ما اصابھا فی
تلك اللیة من ذنب.
وعن رسول اللہ، صلی اللہ علیه و آلہ و سلم، ما من عبد مسلم یقول اذا مسیٰ.
اذا اصبح ثلثا رضیت باللہ ربا و بالاسلام [۱۲۱ و] دینا و بمحمد، صلی اللہ علیه و آلہ وسلم
نبیا الّا کان حقا علی اللہ ان یرضیه یوم القیٰمة.
وعن ابی ھریرۃ : قال قال رسول اللہ، صلی اللہ علیه و آلہ و سلم،
من سبح اللہ و بر کل صلوٰۃ ثلثا و ثلثین وحمد اللہ ثلثا وثلثین وکبر اللہ ثلثا
وثلثین فتلك تسعة وتسعون ثمّ قال تمام المائة لا الٰہ الّا اللہ وحدہٗ لا شریك
لہ. لہٗ الملك و لہ الحمد و ھو علیٰ کل شیءٍ قدیر، غفرت خطایا ان کانت مثل زبد البحر
فی المشکوٰۃ.
عن عبدالرحمٰن بن غنم عن النبی، صلی اللہ علیه وآلہ وسلم، قال من قبل

ان ینصرف ویثنی رجلیه من صلوٰۃ المغرب و الصبح لا الٰہ الّا اللّٰہ وحدہٗ لاشریک لہٗ لہ الملک و لہ الحمد بیدہ الخیر یحیی و یمیت و ھو علیٰ کلّ شیءٍ قدیر، عشر مرّات کتب اللّٰہ لہ بکلّ واحدۃ عشر حسنات ومحی عنه عشر سیئات و رفع لہٗ عشر درجات و کانت لہ حرزاً من کلّ مکروہ وحرزاً من الشیطان الرّجیم ولم یحل للذنب ان یدرکه الّا الشرک وکان افضل النّاس عملاً الّا رجلا بفضلہٖ بقولہٖ افضل مما قال رواہ احمد فی المصابیح و المشکوٰۃ۔

وعن ابن عمر انّ رسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیه و آلہٖ وسلّم؛ قال من دخل السّوق فقال لا الٰه الّا اللّٰہ وحدہٗ لا شریک له، له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و ھو حیّ لا یموت بیدہٖ الخیر وھو علیٰ کلّ شیءٍ قدیر، کتب اللّٰه لهٗ الف الف حسنةٍ و محی عنه الف الف سیئةٍ رفع لهٗ الف الف درجةٍ و بنی له بیتًا فی الجنّة، رواہ الترمذی۔

وعن رسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیه وآلہٖ وسلّم، من قال سبحان اللّٰہ وبحمدہٖ فی کلِّ یوم مائة مرّةً خطت عنه خطایاہ و ان کان مثل زبد البحر۔

وعنه صلی اللّٰہ علیه وآلہٖ وسلّم، من قال سبحان اللّٰہ العظیم وبحمدہٖ غرست لہ نخلة فی الجنّة.

و عن رسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیه وآلہٖ وسلّم، من سبح مائة بالغداۃ و مائة بالعشی کان کمن حج مائة حجّةٍ و من حمد اللّٰہ مائة بالغداۃ ومائة بالعشی کان کمن حمل علی مائة فرسٍ فی سبیل اللّٰہ و من ھلل اللّٰہ مائة بالغداۃ ومائة بالعشی کان کمن اعتق مائة رقبة من ولد اسمٰعیل و من کبر اللّٰہ مائة بالغداۃ ومائة بالعشی لم یات فی ذٰلک الیوم احد باکثر مما اتی الا من قال مثل ذٰلک اوزاد علیٰ ما قال۔

وعن النّبی، صلی اللّٰہ علیه وآلہٖ وسلّم، لا حول ولا قوۃ الّا باللّٰہ کنز من کنوز الجنّة.

وعنه، صلی اللّٰہ علیه وآلہٖ وسلّم، من لزم الاستغفار جعل اللّٰہ لهٗ من کلّ ضیق مخرجا و من کلّ ھمٍ فرجًا و یرزقهٗ من حیث لا یحتسب۔

وعن رسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیه وآلہٖ وسلّم، سیّد الاستغفار یقول:

اللّٰھم انت ربّی لا الٰه [۱۲۱ب] الّا انت خلقتنی و انا عبدک و انا علیٰ عھدک و وعدک

ما استطعت اعوذبك من شرّ ما صنعت ابوء لك بنعمتك وابوء بذنبی فاغفرلی فانهٗ لا یغفر الذنوب الّا انت قال ومن قالها من النهار موقناً بها فمات من یومه قبل ان یمسی فهو من اهل الجنّة ومن قال من اللیل وهو موقن بها فمات قبل ان یصبح فهو من اهل الجنّة.

وعن رسول الله، صلی الله علیه وآله وسلّم، من قال استغفر الله الّذی لا اله الّا هو الحیّ القیّوم و اتوب الیه غفرلهٗ وان کان فرمن الزّحف.

وعن رسول الله، صلی الله علیه وآله وسلّم، من قال حین یا وی الیٰ فراشه استغفر الله الّذی لا اله الّا هو الحیّ القیّوم و اتوب الیه ثلث مرات غفر له ذنوبهٗ وان کان مثل زبد البحر او عدد رمل عالج او عدد ورق الشجر او عدد ایّام الدّنیا.

وعن ابوهریرة، رضی الله تعالیٰ عنه، قال قال ابوبکر، رضی الله عنه، یارسول الله مرنی بشیٔ اقولهٗ اذا اصبحت واذا امسیت قال قل اللّهم عالم الغیب والشهادة فاطر السّموات والارض، ربّ کلّ شیٔ و ملیکه اشهد ان لا اله الّا انت اعوذبک من شرّ نفسی ومن شرّ الشیطان وشرکه قله اذ اصبحت و اذا امسیت واذا اخذت مضجعك.

واز حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلّم، منقول است: هرکه این دعا یک بار خواند پس از هرپنج فرض، پیش از همهٔ خلق به بهشت رود. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

الحمد لله علی الایمان، الحمد لله علی الاسلام، الحمد لله علی القرآن، الحمد لله علی السنّة والجماعة، الحمد لله علی الصحّة والسّلامة، الحمد لله علی الامن والعافیة الحمد لله علی الغنیة والکفایة، الحمد لله علی نبیّنا محمّد، صلی الله علیه وآله وسلّم، الحمد لله قبل کلّ احد، الحمد لله بعد کلّ احد، والحمد لله علیٰ کلّ حال، والحمد لله علیٰ جمیع نعمائه ماعلمنا منه ومالم نعلم، والله اکبر کبیراً والحمد لله کثیرا. وسبحان الله بکرة واصیلا، و

صلی اللہ علیٰ خیر خلقہٖ محمد و آلہٖ اجمعین ۔

وعن رسول اللہ، صلی اللہ علیہ و علیٰ آلہٖ وصحبہٖ و بارک وسلّم، ما من عبد یقول فی صباح کل یوم ومساء کل لیلۃ، بسم اللہ الذی لا یضر مع باسمہ شیٔ فی الارض ولا فی السماء وھو السمیع العلیم، ثلث مرات فیضر شیٔ۔ وفی فتوح الاوراد۔

وعن رسول اللہ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، من قال لا الٰہ الا اللہ محمد رسول اللہ بعد کل فریضۃٍ ثلث مرات حرم اللہ علیہ النار بالمرۃ الاولیٰ و اعطاہ الجنۃ بالمرۃ الثانیۃ وانعم بنجمۃ الجمال بالمرۃ الثالثہ۔ وفی المصابیح و المشکوٰۃ۔

وعن بریدۃ (بن الحصیب)، ان رسول اللہ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، سمع رجلا یقول اللھم انی اسئلک بانک انت اللہ لا الٰہ الا انت الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد ولم یکن لہ [۱۱۲:۴] کفواً احد، فقال دعا اللہ باسمہ الاعظم الذی اذا سئل بہ اعطیٰ و اذا دعی بہٖ اجاب۔

وعن انس، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، کنت جالساً مع النبی، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، فی المسجد و رجل یصلی فقال: اللھم انی اسئلک بان لک الحمد للہ لا الٰہ الا انت المنان بدیع السمٰوات والارض، یا ذاالجلال والاکرام، یاحیّ یا قیوم اسئلک فقال النبی، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، دعا اللہ باسمہ الاعظم الذی اذا دعی بہٖ اجاب و اذا سئل بہ اعطیٰ۔

وعن اسماء بنت یزید (بن السکن)، ان النبی، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، قال اسم اللہ الاعظم فی ھاتین الایتین و الھکم الٰہ واحد لا الٰہ الا ھو الرحمٰن الرحیم، و فاتحہ آلِ عمران الٓم اللہ لا الٰہ الا ھو الحیّ القیّوم، رواہ الترمذی۔

وعن عمر ابن الخطاب وابی ھریرۃ، رضی اللہ تعالیٰ عنھما، قال قال رسول اللہ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، ما من رجل رای مبتلی فقال الحمد للہ الذی عافانی مما ابتلاک بہ وفضلنی علیٰ کثیر ممن خلق تفضیلا، الا لم یصبہ ذٰلک البلاء کائنا ما کان۔ رواہ الترمذی۔

و از حضرت امام محمد بن محمد بن محمد بن احمد الغزالی الطوسی، قدس اللہ تعالیٰ سرہٗ، در

کتاب مستطاب احیاء العلوم در ربع الاوّل اعنی ربعِ عبادات در باب ثانی از کتاب دہم در ترتیب اوراد می فرماید :

قال کرز بن وبرہ : و ھو من الابدال : قلت للخضر علیہ السّلام، علّمنی شیئًا اعملہ فی لیلی، فقال اذ صلّیت المغرب، فقم الیٰ صلوٰۃ العشاء مصلّیا من غیر ان تتکلّم احداً واقبل الیٰ صلوٰتک الّتی انت فیھا، وسلّم فی کلّ رکعتین، و اقرأ فی کلّ رکعۃٍ فاتحۃ الکتاب مرّۃ، و قل ھو اللہ احد ثلثا فاذا فرغت من صلوٰتک، انصرف الیٰ منزلک، ولا تکلّم احداً، و صلّ رکعتین، واقرء فاتحۃ الکتاب مرّۃ وقل ھو اللہ احد سبع مرّاتٍ فی کلّ رکعۃٍ.

ثمّ اسجد بعد تسلیمک، و استغفر اللہ سبع مرّاتٍ، وقل سبحان اللہ والحمد للہ ولا الٰہ الّا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوّۃ الّا باللہ العلیّ العظیم.

ثمّ ارفع راسک من السّجود، واستو جالسا، وارفع یدیک، وقل یا حیّ یاقیّوم یا ذاالجلال والاکرام، یا الٰہ الاوّلین والآخرین، یا رحمٰن الدّنیا والآخرۃ، و رحیمھما یاربّ یاربّ یاربّ یا اللہ یا اللہ یا اللہ ثمّ قم وانت رافعٌ یدیک.

فادع بھٰذا الدّعاء ثانیا ثمّ نم حیث شئت مستقبل القبلۃ علیٰ یمینک، و صلّ علی النّبی، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، وادِم الصّلوٰۃ علیہ حتّی یذھب بک النوم فقلت لہٗ احبّ ان تعلّمنی ممن سمعت ھٰذا.

فقال انّی حضرتُ محمّداً صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، حیث علّم ھذا الدّعا واُوحی الیہ وکنت عندہٗ وکان ذٰلک بمحضر منّی فتعلّمتہ ممّن علّمہٗ [۱۲۲ب] ایّاہ.

ویقال انّ ھذا الدّعاء وھذہ الصّلوٰۃ من وادِم علیھما بحسن یقینٍ وصدق نیۃٍ رآی رسول اللہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، فی منامہٖ قبل ان یخرج من الدّنیا.

وقد فعل ذٰلک بعض النّاس فرآی انّہ ادخل الجنّۃ ورآی فیھا الانبیاء علیھم الصّلوٰۃ والسّلام، ورآی فیھا رسول اللہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم وکلّمہٗ وعلّمہٗ.

ونیز حضرت امام حجۃ الاسلام زین الدّین ابوحامد محمّد بن محمّد بن محمد الغزالی الطوسی، قدس اللہ سرّہٗ العزیز، درکتاب احیاء العلوم الدّین در باب مذکور، اذکار و اوراد و ادعیۂ صبح بسیار آوردہ

بعد ازاں فرمودہ کہ و ان قرء المسبعات العشر التی اهداها الخضر علیه السلام الی ابراهیم التیمی ووصاه ان یقولها غدوة و عشیة فقد استکمل الفضل وجمع له ذلک فضیلة جمله الادعیة المذکورہ و هی ما روی عن کرز من وبرة وکان من الابدال قال اتانی اخ لی من اهل الشام فاهدی لی هدیة وقال یا کرز اقبل منی هذه الهدیة فانها نعمت الهدیة فقلت یا اخی من اهدی لک هذه الهدیة، قال اعطانیها ابراهیم التیمی قلت افلم تسال من اعطاه قال بلی فقال ابراهیم التیمی کنت جالسا فی فناء الکعبة و انا فی التهلیل والتسبیح والتمجید فجاءنی رجل فسلم علی فجلس عن یمینی فلم ارنی زمانی احسن منه وجها ولا احسن منه ثیابا ولا اشد بیاضا و اطیب ریحا منه. فقلت یا عبدالله من انت ومن این جئت. فقال عن الخضر فقلت فی ای شیء جئتنی فقال جئتک السلام علیک و حبا لک فی الله و عندی هدیة اریدان اهدیها لک فقلت ما هی فقال هی ان تقرء قبل طلوع الشمس و انبساطها علی الارض وقبل الغروب سورة الحمد لله سبع مرات وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و ایت الکرسی کل واحد سبع مرات وتقول سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر سبعا و تصلی علی النبی صلی الله علیه و سلم، سبعا و تستغفر للمومنین والمؤمنات سبعا و تستغفر لنفسک والوالدیک سبعا، و تقول اللهم یارب افعل لی وبهم عاجلا و آجلا فی الدنیا و الآخرة ما انت له اهل ولا تفعل بنا یا مولای ما نحن له اهل انک غفور الرحیم. جواد کریم بر رؤف رحیم سبع مرات و انظر ان لا تدع تلک غدوة وعشیة، فقلت احب ان تخبرنی من اعطاک هذا الهدیة فقال اعطانیها محمد صلی الله علیه و آله وسلم، فقلت اخبرنی بثواب ذلک فقال اذا لقیت محمد صلی الله علیه [۱۱۰۲] وآله وسلم، فاسالہ عن ثوابه فانه یخبرک بذلک فذکر ابراهیم التیمی انه رای ذات یوم فی منامه کان الملائکة جاءته و احتملته حتی لاخلوه الجنة فرای مافیها ووصف امورا عظیمة مما راه فی الجنة. قال فسالت الملائکة فقلت لمن هذا کله فقال للذی یعمل مثل عملک وذکر انه اکل من ثمرها وسقوه من شرابها قال فاتانی النبی صلی الله علیه و آله وسلم، معه سبعون نبیا علیهم الصلوٰة والسلام

وسبعون صفا من الملائکة علیهم السّلام، کل صف مثل ما بین المشرق و المغرب فسلّم علیّ و اخذ بیدی فقلت یا رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وسلّم، ان الخضر اخبرنی انه سمع منك هذا الحدیث فقال صدق الخضر وکل ما یحکیه وهو عالم اهل الارض وهو رئیس ابدال و هومن جنود اللّٰه فی الارض. فقلت یارسول اللّٰه فمن فعل ذٰلك او عمله ولم یومثل الّذی رایت فی منامی هل یعطی شیئا مما اعطیته فقال والّذی بعثنی بالحق انه لیعطی العامل هذا و ان لم یرنی ولم یری الجنّة و انه یغفرله جمیع الکبائر الّتی عملها و یرفع اللّٰه عنه غضبه ومقته و یومر صاحب الشمال ان لا یکتب شیئاً من السّیئات، الیٰ سنة والّذی بعثنی بالحقّ نبیّا ما یعمل بهذا الامن خلقه اللّٰه سعیدا ولا یترکه الامن خلقه اللّٰه شقیا وکان ابراهیم التیمی مکث اربعة اشهر ولم یطعم ولم یشرب فلعله کان بعد هذه الرویا.

و درکتاب لطایف اشرفی[۱] تصنیف سید اشرف جهانگیر سمنانی، مرید حضرت مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدس اللّٰه سرّه العزیز، مذکور است: که در بدایت مسبعات عشر مشایخ را اختلاف است. بعضی به ترتیب قرآن می خوانند. وبعضی برعکس او. مختار مشایخ چشت قول اخیر است.

و درکتاب فتوح الاوراد تصنیف شیخ فتح محمد بن شیخ عیسی برهان پوری مذکور است که بر سورتها بسم اللّٰه الرّحمن الرّحیم، البته بخواند، چنانچه در "فضایل الاعمال" اشارت به آن هست.

و درمفتاح الجنان (تالیف محمد مجیر بن وجیه الدّین) از واقعه نقل می کند که شخصی می خواند، او را مشکل پیش آمد. سواران غیب آمده مدد نمودند.

پرسید: شما کیستید؟

گفتند: ما مسبعات عشر هستیم.

گفت: سربرهنه چرا هستید؟ گفتند: که بی "بسم اللّٰه" می خواندی.

ایضاً درکتاب مسطور مذکور است که در خزانهٔ جلالی از سید السادات حضرت مخدوم جهانیان قدس اللّٰه سرّه، می آرد: هرکه را در وقت مذکور یعنی بعد الفجر و العصر خواندن مسبعات عشر میسر نشود یعنی به سبب شغلی که مهم تر از آن باشد، این کلمات بجای آن بخواند:

---

۱. ملفوظات سید اشرف جهانگیر سمنانی مرتبهٔ نظام الدّین یمنی ملقب به نظام حاجی غریب الیمنی.

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم۔

اللّٰھم انت [۳۲۳ب] ربّی لا الٰہ الّا انت علیک توکّلت وانت ربّ العرش العظیم۔ ماشاء اللہ کان ومالم یشاء لم یکن ولا حول ولا قوۃ الّا باللہ العلیّ العظیم، اعلم ان اللہ علی کلّ شیءٍ قدیر، و انّ اللہ قد احاط بکلّ شیءٍ علما۔

اللّٰھم انّی اعوذبک من شرّ نفسی ومن شرّ کلّ دابۃ انت اٰخذ بناصیتھا ان ربّی علی صراطٍ مستقیم۔

فضیلتِ عہد نامہ: و مولانا حافظ الدّین ابوالبرکات عبداللہ نسفی در تفسیر مدارک التنزیل در اواخرِ سورۂ مریم زیرِ آیہ "الّا من اتخذ عند الرّحمٰن عھداً"[1] نوشتہ: فی الحدیث من قال لا الٰہ الّا اللہ کان لہ عند اللہ عھداً۔

وعن ابن مسعود، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، عن النّبی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، قال لاصحابہ ذات یوم ایعجز احدکم ان یتخذ کلّ صباح و مساء عند اللہ عھداً قالوا وکیف ذٰلک قال یقول کلّ صباح ومساء۔

اللّٰھم فاطر السّمٰوات والارض عالم الغیب و الشّھادۃ انّی اعھد الیک فی ھذہ الحیاۃ الدّنیا بانّی اشھد ان لا الٰہ الّا انت وحدک لا شریک لک و انّ محمّداً عبدک ورسولک فلا تکلنی الیٰ نفسی وانک ان تکلنی الیٰ نفسی تقربنی من الشرّ وتباعدنی من الخیر وانّی لا اثق الّا برحمتک فاجعل لی عھداً توفینیہ یوم القیٰمۃ انک لا تخلف المیعاد، فاذا قال ذٰلک طبع علیہ بطابع ووضع علیہ تحت العرش فاذا کان یوم القیٰمۃ نادی مناد این الّذین کان لھم عند الرّحمٰن عھد فیدخلون الجنّۃ۔

وفقیہ کامل ملّا محمّد بن ابراھیم بن محمّد حلبی در کتاب شرح صغیر منیۃ المصلّی آوردہ است۔

نقل من الکشّاف: وعن بعض المتقدّمین انہ اوصی ان یکتب فی جبھتہٖ وصدرہٖ۔

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم۔

ففعل ثمّ رُئی فی المنام فیسئل عن حالہٖ فقال لما وضعت فی القبر جاءتنی ملائکۃ

[1] القرآن الحکیم، ۱۹: ۹۰۔

العذاب فلما راه مكتوبا على جبهتى وصدرى.

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

قالوا امنت من العذاب واللّٰہ اعلم.

ایضاً در شرح صغیر، منیۃ المصلّی مذکور است: ذکر البزازی عن الصفار لوکتب علی جبھۃ المیت او عامۃ اوکفہ عہد نامہ یرجی ان یغفراللّٰہ للمیت. و این عہدنامہ ہمان دعا است کہ از تفسیر مدارک التنزیل سابقاً منقول شد.

و از حضرت مخدوم سیّد جلال جہانیانِ جہانگشت، قدس اللہ روحہ، منقول است: ہرکہ عہد نامہ در روز و شب یک بار بخواند، ایمانِ او ہمیشہ سلامت باشد، و اگربنویسد و درکفن یا در گور نہد، خدای تعالیٰ اورا بیامرزد، و از عذابِ گور ایمن شود، و سوالِ منکرونکیر آسان شود، و فراخ شود قبرِاو ہزار درہزارگز، و پُر نور شود قبرِ او از رحمتِ خدای تعالیٰ تا روزِ قیامت. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت [۱۲۲ا] قاضی عفیف الدّین، قدس اللہ سرہ، منقول است: ہرکہ این دعا برای بقاء الایمان ہرروز وہرشب سہ باربخواند، ایمانِ او ہمیشہ سلامت باشد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

قال القاضی عفیف الدّین نفعنا اللّٰہ تعالیٰ ببرکاتہ رایت النّبی، صلی اللّٰہ علیہ وآلہٖ وسلم، فی النوم، وھو مصفر اللّون فسالتہ عن ذٰلك فقال، صلی اللّٰہ علیہ وآلہٖ وسلم، کیف لا یصفر لونی وقدمات فی ھذہ الایّام من امّتی الف وخمس مائۃ نفس ومامات منھم علی الایمان الاثنین، فقلت یارسول اللّٰہ، صلی اللّٰہ علیہ وآلہٖ وسلم، فما ینفع من امتك حتی یتوفا ھم اللّٰہ تعالیٰ علی الایمان. فقالُ صلی اللّٰہ علیہ وآلہٖ وسلم؛ خذ ھذہ الصحیفہ فمن قرء ھا او حملھا من بلد الی بلد یتوفاہ اللّٰہ تعالیٰ علی الایمان ومن سمعہ ولم یقرءھا ولم ینقلھا فھو بریٔ منّی وانا بریٔ منہ فانتبھت فاذا الصحیفہ فی یدی والامر مکتوب فیھا ھذا الدّعاء العظیم:

لا الٰہ الّا اللّٰہ الموجود فی کلّ زمان. لا الٰہ الّا اللّٰہ المعبود فی کلّ مکان.

لا اله آلا الله قديم الاحسان. لا اله آلا الله الذى لا يشغله شان عن شان.

لا اله آلا الله الامان الامان من زوال الايمان و من شر الشيطان ، يا قديم الاحسان، يا غفور، يا غفار، يا رحيم ، يا رحمٰن ، يا ارحم الرّاحمين ، وصلى الله على خير خلقه محمد و آله و سلّم.

و هر دعائی کہ خواند، اوّل و آخر صلوات باید خواند.

چنانچہ قال النبی، صلى الله عليه وآله وسلّم : الاعمال موقوفة والدّعوات محبوسة حتّى يصلى علىّ اولاً و آخراً.

قال، صلى الله عليه وآله وسلّم : من صلّى علىّ فى يوم الجمعة و ليلة الجمعة مائة مرّة قضى الله له مائة حاجته سبعين من حوائج الآخرة وثلثين من حوائج الدّنيا ثم يؤكل الله بذٰلك ملكا يدخله فى قبره كما تدخل عليكم الهدايا يخبرنى بمن صلّى علىّ باسمه ونسبه الىٰ عشيرته فاثبته فى صحيفة بيضا.

و قال، عليه و على آله الصّلوٰة و السّلام ، من صلّى علىّ كل يوم ثلث مرات وكل ليلة ثلث مرات حبّالى و شوقا الىّ كان حق على الله ان يغفر ذنوبه تلك اليوم و تلك الليلة.

وقال، عليه و علىٰ آله الصّلوٰة والسّلام، ما من عبد يصلّى علىّ صلوٰة تعظيما لحق الا خلق الله تعالىٰ من ذٰلك القول ملكا له جناح بالمشرق وجناح بالمغرب و يقول له صلّ على عبدى كما صلى على نبيّنى فهو يصلى عليه الىٰ يوم القيامة.

وقال، صلى الله تعالىٰ عليه وعلىٰ آله وصحبه وبارك وسلّم: من صلى علىّ مائة مرّة كتب الله له بين عينيه براءة من النفاق وبراءة من النّار و اسكنه الله يوم القيمة مع الشهداء.

[۱۲۲اب] هذه الصّلوٰة جامع جميع الصّلوات و انشاء قطب الاقطاب سيّد السّادات حضرت شیخ محى الدّين ابومحمّد عبد القادر الحسنى الحسينى الجيلانى. قدّس الله سرّهٗ و نور ضريحه و اوصل الينا فتوحه :

بسم الله الرّحمٰن الرّحيم.

اللّهم اجعل افضل صلواتك عددا والمى بركاتك سرمدا و ازكى تحياتك فضلاً و

مددا على اشرف الحقايق الانسانية، و معدن الدقائق الايمانية، وطور التجليات الاحسانية ومهبط اسرار الرحمانية، واسطة عقد النبيين ومقدم جيش المرسلين، و افضل الخلايق اجمعين، حامل لواء العز الاعلى و مالك ازمة الشرف الاسنى، شاهد اسرار الازل ومشاهد انوار السابق الاول، ترجمان لسان القدم، و منبع العلم و الحكم، و مظهر سر الجود الجزئى والكلى، انسان عين الوجود العلوى والسفلى، روح جسد الكونين، وعين حيات الدارين، المتخلق باعلى رتب العبودية المتحقق باسرار المقامات الاصطفائية، سيد الاشراف، وجامع الاوصاف، الخليل الاعظم، الحبيب الاكرم، المخصوص باعلى المراتب و المقامات، والمؤيد باوضح البراهين و الدلالات، المنصور بالرعب و المعجزات، الجوهر الشريف الابدى والنور القديم السرمدى المحمدى سيدنا محمدن المحمود فى الايجاد والجود، الفاتح لكل شاهد و مشهود، حضرت المشاهدة والشهود، نور كل شئ و هداه و سر كل سر وسناه الذى شقفت منه للاسرار وانفلقت الانوار السر الباطن، النور، الظاهر، السيد، الكامل، الفاتح، الخاتم، الاول، الآخر، الباطن، الظاهر، العاقب، الحاشر، الناهى، الامر، الناصر، الصابر، الشاكر، القانت، الذاكر، الماحى، الماجد، العزيز، الحامد، المؤمن، العابد، المتوكل، الزاهد، القائم، الساجد، الرابح، الشهيد، الولى، الحميد، البرهان، الحجة، المطاع، المختار، الخاضع، الخاشع، البر، المستنصر الحق، المبين، طه، يس، المزمل، المدثر، سيد المرسلين، و خاتم النبيين، وحبيب رب العالمين، النبى المصطفى و رسول المجتبى، الحكم، العدل، الحكيم، العليم، نورك القديم، و صراطك المستقيم محمد عبدك و رسولك و صفيك وخليلك وحبيبك و وليك و نبيك و دليلك و امينك و نجيك و نخبتك و ذخيرتك، امام الخير، وقائد الخير، و رسول الرحمة النبى الامى العربى القرشى الهاشمى الابطحى المكى المدنى التهامى الشاهد المشهود الولى المقرب العبد المسعود المحبيب الشفيع الحبيب الرفيع المليح البديع الواعظ النذير العطوف الحليم الجواد الكريم الطيب المبارك المكين الصادق المصدق الامين الداعى اليك باذنك السراج المنير الذى ادرك الحقائق بجمتها وفاق الخلائق برمتها وجعلته حبيباً وناجيته قريباً وادنيته رقيبا وختمت

[۱۲۵ ا] به الرّسالة والبشارة و الدلالة والنذارة والنّبوة و نصرته بالرعب و ظللته بالسحب وردت له الشمس و شققت له القمر و انطقت له الضب و الظبى والذئب و الجذع والذراع و الجمل والجبل والمدر والشجر و انبعث من اصابعه الماء الزلال و انزلت من المزن بدعوته فى عام المحل و الجدب وابل الغيث و المطر فاعشوشب منه القفر والصخر والوعر و السهل والرّمل والحجر و اسريت به ليلًا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الى السّموات العلى الى سدرة المنتهى الى قاب قوسين او ادنى ، و اريته الآية الكبرى و الله الغاية القصوى و اكرمته بالمخاطبة و المراقبة والمشافهه و المشاهدة والمعاينة بالبصر خصصته بالوسيلة العظمى و الشفاعة الكبرى يوم الفزع الاكبر فى المحشر وجمعت له جوامع الكلم وجواهر الحكم و جعلت امّة خير الامم و غفرت له ما تقدّم من ذنبه و ما تاخر الّذى بلغ الرّسالة وادى الامانت ونصح الامّة وكشف الغمة وجلى الظلمة وجاهد فى سبيل الله و عبد ربّه حتّى ياتيه اليقين۔

اللهم ابعثه مقامًا محمودا يغبطه فيه الاوّلون والآخرون ۔

اللهم عظمة فى الدّنيا باعلاء ذكره و ابقاء شريعته و اظهار دينه وفى الآخرة بشفاعته فى اُمّته و اجزل اجره و مثوبة و ابدا فضله الاوّلين و الآخرين بالمقام المحمود وتقديمه على كافة المقربين بالشهود۔

اللهم تقبّل شفاعة الكبرىٰ و ارفع درجات العليا و اعطه سؤله فى الآخرة و الاولى كما اتيت ابراهيم وموسى۔

اللهم اجعله من اكرم عبادك عليك شرفًا ومن ارفعهم عندك درجة و اعظمهم خطرا و امكنهم عندك شفاعة۔

اللهم عظم برهانه و ابلج حجة و ابلغه مامولہ فى اهل بيته و ذرّيته۔

اللهم اتبعه من ذرّيته و امّة ماتقربه عينه و اجزه عنا خير ما جزيت نبيا عن امّته و اجز الانبياء كلهم خيرا۔

اللهم صلّ وسلّم على سيّدنا محمّد عدد ما شاهدته الابصار وسمعته الاذان وصلّ وسلّم

علیہ عدد من صلّی علیہ و صلّ وسلّم علیہ عدد من لم یصلّ علیہ و صلّ وسلّم علیہ کما تحبّ و ترضیٰ ان یصلّی علیہ وصلّ و سلّم علیہ کما امرتنا ان نصلّی علیہ وصلّ وسلّم علیہ کما ینبغی ان یصلّی علیہ ۔

اللّٰھم صلّ وسلّم علیہ و علیٰ آلہ و اصحابہ و اولادہٖ و ازواجہٖ و ذرّیتہٖ و اھل بیتہٖ و عترتہٖ و عشیرتہٖ و اصھارہٖ و اختانہٖ و احبابہٖ و اتباعہٖ و اشیاعہٖ و انصارہٖ و خزنۃ اسرارہٖ ومعاون انوارہٖ کنوز الحقائق وھداۃ الخلائق نجوم الاھتداء لمن اقتدیٰ و سلّم تسلیما تسلیما کثیرا کثیرا دائمًا ابدًا و ارض عن کل الصحابۃ [١٢٥ب] رضی اللّٰہ سرمدًا عدد خلقک و زنۃ عرشک و رضا نفسک و مداد کلماتک کلما ذکرک ذاکر و کلما سہی عن ذکرک غافل صلوٰۃ تکون لک رضاء ولحقہ اداء و لنا فلاحا و آتہ الوسیلۃ و الفضیلۃ والدرجۃ العالیۃ الرّفیعۃ والبعثہ المقام المحمود واللواء المعقود و الحوض المورود، و صلّ یا ربّ علیٰ اخوانہ من الانبیاء و المرسلین والاولیاء و الصّالحین صلوات اللّٰہ علیھم اجمعین ۔

اللّٰھم صلّ وسلّم علیٰ سیّدنا محمّد السّابق للخلق نورہٖ ورحمۃ للعالمین ظھورہ عدد ما مضیٰ من خلقک و من بقیٰ ومن سعد منھم و من شقی صلوٰۃ تستغرق العدوتحیۃ بالحدّ صلوٰۃ لاغایۃ لہا و لا انتہا و لا انقضاء صلوٰتک الّتی صلّیت علیہ صلوٰۃ معروضۃ علیہ مقبولۃ لدیہ صلوٰۃ دائمہ بدوامک باقیہ ببقائک لا منتھیٰ لھا دون علمک صلوٰۃ ترضیک وترضیہ و ترضیٰ بھا عنّا صلوٰۃ تملاء الارض والسّماء صلوٰۃ تحل بھا العقد و تفرج بھا الکرب ویجری بھا لطفک من امری و امور المسلمین و بارک علی الدّوام و عافنا و اھدنا و اجعلنا آمنین ویسّرلنا امورنا مع الرّاحۃ لقلوبنا و ابداننا والسّلامۃ و العافیۃ فی دیننا و دنیانا وآخرتنا وتوفنا علیٰ الکتاب والسّنۃ واجمعنا معہ فی الجنّۃ من غیر عذاب یسبق وانت راض عنا و لا تمکر بناو اختم لنا منک بخیر و عافیۃ بلا محنۃ اجمعین ۔ سبحان ربّک ربّ العزّۃ عمّا یصفون ، وسلامٌ علی المرسلین و الحمد للّٰہ ربّ العالمین ۔

تمّت "الصّلوٰۃ الغوثیۃ القادریۃ"۔ واللّٰہ تعالیٰ اعلم بالصّواب ۔

ھرکہ این صلوات درشب و روز یک بار بخواند ، البتّہ البتّہ او باحضرتِ رسالت پناہ

صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، رفیق شدہ در بہشت آید۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

سمعت ھذہ الفضیلۃ فی یوم الاربعاء بعد صلوٰۃ الضحیٰ عن جدّی سیّد السّادات مخدوم سیّد جلال جہانیان جہانگشت، قدس اللہ سرہ العزیز۔

و از حضرت شیخ عبدالرزاق بن حضرت شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی گیلانی، قدس اللہ سرہ، منقول است: ھرکہ این مناجات حضرت شیخ محی الدین (عبدالقادر جیلانی) بعد از نماز عشا ھفت بار بخواند، خدای تعالیٰ اورا از بلاھای دنیا و آخرت نگاہ دارد۔ و حضرت شیخ محی الدین (عبدالقادر جیلانی درھرکار) مدد فرماید، و آنچہ از خدای تعالیٰ و از حضرت شیخ محی الدین (عبدالقادر جیلانی) خواھد، یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

مناجات (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم۔

اللھم یا عالم السّر و الخفیات اقض حوائجنا کلھا، برحمتک یا ارحم الرّاحمین۔

و از حضرت سید السادات شیخ المشائخ غوث [۱۲۶و] الثقلین قطب ربانی محبوب سبحانی سلطان الاولیا، شیخ محی الدین عبدالقادر گیلانی، قدس اللہ سرہٗ العزیز، منقول است: ھرکہ این وِرد مسمّی بہ "بدرقۃ الایمان" در صبح گاھی یک بار بخواند، روشنائی دو جھانی حاصل شود، و ھرچہ از خدای تعالیٰ خواھد، یابد۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

وِرد (بزرگوار) حضرت شیخ محی الدین (عبدالقادر جیلانی) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم۔

ھو اللہ الاحد الصمد، لم یلد ولم یولد ولم یکن لہٗ کفواً احد، لہ الاسماء الحسنیٰ و الصفات العُلیٰ ولہ المثل الاعلیٰ فی السّمٰوات و الارض، وھو العزیز الحکیم۔ لیس کمثلہٖ شیٔ وھو السمیع البصیر۔ لا تدرکہ الابصار و ھو یدرک الابصار و ھو اللطیف الخبیر۔ ھو الاوّل والآخر و الظاھر والباطن وھو بکلّ شیٔ علیم۔ آمنا باللّٰہ وما انزل علینا و ما انزل علیٰ ابراھیم واسمٰعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسیٰ و عیسیٰ و ما اوتی النّبیّون من ربّھم لا نفرق بین احد منھم ونحن لہ مسلمون۔ ربّنا آمنّا بما انزلت و اتبعنا الرّسول فاکتبنا مع

الشاهدين. امنا باالله و ملائكته و كتبه و رسله و اليوم الآخر و بالقدر خيره وشره وحلوه ومره. ربنا امنابك و باسمائك و بصفاتك و بما انت به موصوف فى علو ذاتك كما ينبغى لجلال وجهك و كما انت له اهل فى عظيم ربوبيتك و كما هو لائق لك فى كمال الوهيتك آمنا بكتبك و برسلك و بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم، رسولك وبماجاء به من عندك على مرادك و مراد رسولك و كما تحب فى ذلك و ترضى وعلى ما هو فى علمك الاعلى. يا عالم السر و اخفى ياقيم الارض و السماء انا عاجزون قاصرون براء اليك من الزيغ و الزلل مطيعون لما امرت به من فعل و قول و عقد و عمل فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم، سبحانه وتعالى عما يصفون، بديع السموات و الارض ان يكون له ولد و لم يكن له صاحبه و خلق كل شئ وهو بكل شئ عليم.

اللهم فاحينا على ذلك و امتنا على ذلك و ابعثنا على ذلك واهدنا الحقائق ذلك يارب العالمين، يا من هو الاول قبل كل شئ والآخر بعد كل شئ والظاهر فوق كل شئ والباطن دون كل شئ يا نور الانوار، يا عالم الاسرار، يا مدبر الليل والنهار، يا ملك يا عزيز يا قهار يا رحيم ياودود يا غفار يا علام الغيوب، يا مقلب القلوب يا غفار الذنوب يا ستار العيوب.

اللهم صل على محمد عبدك ورسولك السيد الكامل الفاتح الخاتم نورك المبين ورسولك الصادق الامين وآت سيدنا محمدن الوسيلة والفضيلة والدرجة [۱۲۶ب] العالية الرفيعة و ابعثه المقام المحمود والحوض المورود الذى و عدته الشفيع المرتضى و رسولك المجتبى اللهم صل و سلم عليه وعلى آله كما صليت على ابراهيم و على آل ابراهيم وبارك عليه و على آله كما باركت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم فى العالمين، انك حميد مجيد. عدد خلقك ورضا نفسك و زنة عرشك و مداد كلماتك كلما ذكرك الذاكرون و غفل ان ذكرك الغافلون وعلى آله واصحابه اجمعين وسلم تسليما كثيرا كثيرا طيبا مباركا الى يوم الدين.

اللهم ان نسئلك باسمائك وصفاتك وكلماتك التامات و بكتبك المنزلة و بكتابك العز و بمحمد صلى الله عليه و سلم، عبدك ورسولك يا رب الارباب يا منزل الكتاب ياسريع الحساب يا من اذا دعى اجاب يارحيم يارحمن، ياقريب يا مجيب يا منان، يا سلطان، يا

یا حیّ یا قیّوم یا ذاالجلال و الاکرام۔

اللّٰھم ربّنا اٰتنا فی الدّنیا حسنة و فی الآخرة حسنة وقنا عذاب النّار۔

اللّٰھم انا نسئلك التقیٰ و الھدیٰ و العفاف و الغنیٰ۔

اللّٰھم انا نسئلك من الخیر کلّه عاجله وآجله ما علمنا منه و مالم نعلم، و نعوذبك من الشّر کلّه عاجله وآجله ما علمنا منه و مالم نعلم۔

اللّٰھم انا نسئلك من خیر ما سالك منه عبدك ونبیّك محمّد صلی اللّٰہ علیه و آله وسلّم، و انت المستعان وبك المستغاث وعلیك التکلان و لا حول و لا قوّة الّا بك۔

اللّٰھم انت ربّی لا اله الّا انت خلقتنی و انا عبدك و انا علیٰ عھدك و وعدك ما استطعت واعوذبك من شرّ ما صنعت و ابوء لك بنعمتك علیّ و ابوء بذنبی فاغفرلی ذنوبی فانّه لا یغفر الذّنوب، الّا انت وتب علی انك انت التّواب الرّحیم۔

اللّٰھم انا نسئلك صحبة الخوف وغلبة الشّوق وثبات العلم ودوام الفکر و نسئلك بسرّ الاسرار المانع من الاصرار حتّی لا یکون لنا مع الذنب قرارٌ و ثبّتنا و اھدنا الیٰ العمل بھذا الکلمات الّتی بسطتھا لنا علیٰ لسان رسولك وابتلیت بھن ابراھیم خلیلك فاتمھن قلت انّی جاعلك للنّاس اماما، قال و من ذرّیتی قال لاینال عھدی الظالمین۔ فاجعلنا من المسلمین المحسنین من ذرّیة ومن ذرّیة اٰدم و نوح و اسالك منك سبیل الائمة المتقین آمین۔

بسم اللّٰہ و باللّٰہ ومن اللّٰہ و الی اللّٰہ و علیٰ اللّٰہ فلیتوکّل المتوکّلون، حسبی اللّٰہ اٰمنت باللّٰہ ورضیت باللّٰہ وتوکّلت علیٰ اللّٰہ و لا حول و لا قوّة الّا باللّٰہ لا اله الّا انت سبحانك انی کنت من الظالمین، یا علیّ یا عظیم یا حلیم یا علیم یا ذاالجلال والاکرام۔

اللّٰھم اھدنا بنورك الیك و اقمنا بصدق العبودیّة بین یدیك۔

اللّٰھم اجعل السنتنا رطبة بذکرك ونفوسنا مطیعة لامرك وقلوبنا مملوة بمعرفتك و ارواحنا مکرمة [۱۲۷ ا] بمشاھدتك و اسرارنا منعّمة بقربك و مزیدة لدنوك، انك علیٰ کلّ شیءٍ قدیر، یا من لا یسکن قلب الّا بقربه وانوار ولا یجیی عبد الّا بلطفه و ابراره و لا یبقیٰ وجودٌ الّا بامدادہ و اظھارہ یا من آنس

عبادہ الابرار و اولیاءہ المقرّبین بالاحیاد بمناجاتہ و اسرارہ یامن امات و احیی و افقر و اغنی و اسعد و اشقیٰ و اضل و اهدی و ابلیٰ و اعفی و قدر و قضیٰ کل شیٔ بعظیم تدبیرہ و سابق اقدارہ یارب الی ای باب تقصد غیر بابك و ای جناب نتوجه الیه غیر جنابك انك انت العلیّ العظیم. الذی لا حول ولا قوۃ لنا الا بك یارب الی من اقصد و انت المقصود، والی من اتوجه الیه و انت الحق الموجود و من ذاالّذی یعطینی و انت صاحب الجود والوجود و من ذاالّذی اسالہ و انت الرّب المعبود، یارب حقیق علی ان لا اشکی الّا الیك و لازم لی ان لا اتوکّل الّا علیك یامن علیه یتوکّل المتوکّلون یامن الیه یلجاء الخائفون. یامن بکرمه و جمیل عوائدہ یتعلق الرّاجعون. یامن بسلطان قدرته وعظیم رحمته وبرّہ یستغیث المضطرون الغیاث الغیاث الغیاث. یامن لوسیع عطائه و فضله و نعمائه وتبسط الایادی ویسئلك السّائلون یارب فاجعلنی ممن توکّل علیك و آمن خوفی ورجائی اذا وصلت الیك تحیّتی اذا صرت بین یدیك یا قریب یا مجیب یا سمیع یا بصیر یا مرید یا قدیر یا مولائی یاقادر یا غافر یا لطیف یاخبیر.

اللّهم انا ضالون فاهدنا و انا ضعفاء فقوّنا و انا فقراء فاغننا و انا مذنبون، فاغفرلنا یانور یاهادی یا غنی یا غفور یارحیم.

اللّهم بروح من عندك ایدنا و من علمك المکنون علّمنا و علیٰ دینك الّذی رضیته ثبّتنا واجعلنا ممن سبقت لهم منك الحسنی.

اللّهم انا نسئلك فی الدّنیا طاعتك وفی الآخرۃ جنتك و رویتك والسّلامته من عقوبتك.

اللّهم احینا فی الدّنیا مومنین و اجعلنا عند السوال ثابتین و توفّنا مسلمین تائبین و اجعلنا ممن یاخذ الکتاب بالیمین و احینا یوم الفزع الاکبر امنین، وثبّت اقدامنا علیٰ صراط المستقیم، و اوصلنا برحمتك وکرمك الیٰ جنّات النعیم، و نجّنا بحلمك و عفوك من العذاب الالیم. یابرّ، یا رحیم یا حلیم یا کریم.

اللّهم اصبحنا لا نملك ضرّا و لا نفعاً فقراء لاشیٔ لنا ضعفاء لا قوۃ لنا و اصبح الامر

کلّہ بیدک و امر کلّ شئٍ راجع الیک۔

اللّھم وفقنا لما بہ امرتنا و اعنا علیٰ ما کلفتنا و اغننا عن کلّ شئٍ بفضلک و رحمتک و اجبر مافات [۲۷۱ب] منا بکرمک وعنایتک و ایدنا بالتوجہ الیک بحولک وقوتک یا ملک یا قدیر یا سمیع یا بصیر۔

اللّھم ما قصر عنہ رائینا ولم تبلغہ مسئلتنا من خیر و عدّتہ احداً من خلقک او خیر انت معطیہ احداً من عبادک فانا نرغب الیک فیہ و نسئلک ایّاہ برحمتک یا ارحم الرّاحمین۔

اللّھم انّی اشکو الیک ضعف قوّتی و قلّۃ حیلتی و ھوانی عن المخلوقین، انت ربّ المستضعفین و انت ربّی الیٰ من تکلنی الیٰ عبدٍ صدّیق او بعید یتجھمنی ام الیٰ عدو والاھوام الیٰ عدوالیٰ عبد و ملکتہ و امری ان لم یکن بک غضب علیّ فلا اُبالی ولکن عفوک اوسع لی اعوذ بنور وجھک الّذی اشرقت بہ الظلمات وصلح علیہ امر الدّنیا والآخرۃ من ان ینزل بی غضبک اویحلّ علیّ سخطک۔ لک العتبیٰ حتّیٰ ترضیٰ لاحول ولا قوّۃ الّا بک یا ربّ انّی اشکو الیک تلوّن احوالی و توقف سوالی یا من تعلّقت بلطفِ کرمہٖ وجمیلِ عوائدہٖ امالی، یامن لایخفی علیہ خفیّ حالی، یامن یعلم عاقبۃ امری ومآلی ربّ انّ ناصیتی بیدک و اموری کلّھا ترجع الیک و احوالی لاتخفی علیک و احزانی و ھمومی معلومۃ لدیک قد جلّ مصابی وعظم اکتسابی و انصرم شبابی و تذبل نضرۃ وتکدّر علی صفو شرابی و اجتمعت علی ھمومی و اوصابی و تاخر عنّی تعجیل مطلبی و تنجیز عتابی یامن الیہ مرجعی و مآبی، یامن یعلم ھواجس سرّی و علانیۃ خطابی ویعلم ماھیّۃ املی وحقیقتہ مآبی۔

الٰھی قد عجزت قدرتی و قلت حیلتی و ضعفت قوّتی و تاھت فکرتی و اشکلت قضیّتی و اتسعت قصیتی و ساءت حالتی و بعدت امنیّتی وعظمت حسرتی و تباعدت زفرتی و فضح مکنون سرّی و سئل و معی السائل و انت ملجائی و وسیلتی و الیک بغیتی و الیک ارفع بثّی و حزنی و شکایتی و ارجوک سیّدی لدفع ملامتی یامن یعلم سرّی وعلانیتی۔

الٰھی بابك مفتوح للسائل و فضلك مبذول للنائل و الیك منتھی الشکوی و غایة الوسائل.

الٰھی ارحم دمعی السائل و جسمی الناحل وحالی الحائل و سفاری المائل، یا من الیه ترفع الشکوی یا عالم السر و النجوی، یا من یسمع و یری، یا من هو با المنظر الاعلیٰ، یا رب الارض و السماء، یا من له الاسماء الحسنیٰ یا صاحب الدوام و البقاء، یا رب عبدك قد ضاقت به الاسباب و علقت دونه الابواب و تعذر علیه سلوك طریق الصواب و ازداد به الغم و الاکتیاب، و انقضی عمرہ ولم یفتح له الیٰ فسیح تلك الحضرات و مناحل صفو و الروحانة الباب و تصرمت و تمزقت ایامه والنفس دائعه فی میادین الغفلة و دنی الاکتساب وانت المرجو لکشف هذا المصاب، یا من اذا دعی اجاب، یا عظیم الجناب [۱۱۲۸] یا رب الارباب، یا رب لا تحجب دعوتی ولا ترد مسالتی ولا تدعنی بحسرتی ولا تکلنی الیٰ حولی و لا قوتی و ارحم عجزی وفاقتی فقد ضاق صدری وتاہ فکری وتحیرت فی امری وانت العالم بسری و جهری المالك لنفعی و ضری القادر علیٰ تفریج کربتی و تیسر عسرتی رب ارحم من عظم مرضه و عز شفاءہ و اکثر داءہ و قل دواءہ و ضعفت حیلته و قوی بلاءہ و انت ملجاءہ و رجاءہ و عونه و شفاءہ یا من عم العباد فضله و عطاءہ و وسع البریة جودہ و نعماءہ هداها انا عبد محتاج الیٰ ما عندك فقیر انتظر جودك و رفدك مذنب اسال منك الغفران خائف اطلب منك الفضح و الامان مسی عاص فعسی توبته تجلی بانوارها ظلمات الاساءة و العصیان سائل باسط بید الفاقة الکلیة اسال منك الجود و الاحسان ها انا عبد مسجون مقید فعسی ان یفك قیدہ و یطلق من سجن حجابهٗ الیٰ فسیح خضرات الشهود و العیان جائع عار فعسی یطعم من ثمرات التقریب و یکسیٰ من حلل الایمان ظمان ظمان یتاجج فی احشائه لهب النیران فعسی تبرد عنه لهب نیران الکرب و یسقی من شراب الحب و یکرع من کاسات القرب و یذهب عنه البؤس والآلام و الاحزان و ینعم من بعد بؤسه واله و همه و حزنه و یسقی من مرضه و سقمه حتیٰ یزول عنه جمیع کان ما کان ها انا عبد ناءِ غریب مصاب قد بعد عن الاهل و الاوطان فعسی ان یزول عنه

هذا التعب والشقاء و يعود له القرب و اللقاء و يبتدأ له التسلّح و التّقاء و يلوح له الامل والامان ويناله اللطف و الغفران و تحلّ له الرّحمة والرضوان يا عظيم، يا منّان، يا رحيم، يا رحمٰن، يا صاحب الجود والامتنان و الرحمة و الغفران، يا ربّ يا ربّ يا ربّ ارحم ارحم من ضاقت عليه الاكوان ولم يونسه الثقلان وقد اصبح مولّها حيرانًا و اضحى غريبًا و عريانا ولو كان فى الاهل و الاوطان مذعج لا يؤويه مكان قلق ولا يلهيه عن بثه و حزنه تغيّر الازمان مستوحش لا يانس قلبه بانس و لا جان هل فى الوجود ربّ سواك فيدعى ربّ ام هل فى المملكة اله غيرك فيرجى ام هل كريم غيرك فيطلب منه العطاء، ام هل حاكم غيرك فترفع اليه الشكوى، ام هل من يحال العبد الفقير عليه، ام هل من تبسط الاكف و ترفع الحاجات اليه فليس له الا كرمك وجودك يا من لا ملجاء منه الا اليه يا من يجير و لا يجار عليه ولا يعرف غيرك ام ههنا كريم فيرجى ام جواد غيرك فيسال منه العطاء يارب قد جفانى القريب و ملّنى الطبيب و شمت بالعدو و الرّقيب و اشتدّلى الغوث و النّجيب و انت [۱۲۸ب] الودود القريب الرّؤف المجيب، ربّ الى من اشتكى و انت العليم القادر ام بمن استنصر و انت الولى النّاصر ام بمن استغيث و انت ولى النّاظر، ام الى من التجئ و انت الكريم الساتر ام من ذا الذى يجبر كسر قلبى و انت للقلوب جابر ام من ذاالّذى يغفر عظيم ذنبى، و انت الرّحيم الغافر يا عالمًا بما فى السّرائر، يا من هو المطّلع على مكنون الضمائر، يا من هو فوق عباده قاهر، يامن هو الاوّل و الآخر، يا ربّ كلّ شئ بقدرتك على كلّ شئ اغفر كلّ شئ حتّى لا تسالنى عن شئ يامن بيده ملكوت كلّ شئ، يا من لا يضر شئ و لا ينفعه شئ و يغلبه شئ و لا يغرب عنه شئ ولا يغيب عنه شئ ولا يؤده شئ و لا يستعين عن شئ ولا يشغله شئ عن شئ و لا يشبهه شئ عن شئ ولا يعجزه شئ يا من هو اخذ بناصية كلّ شئ، و بيده مقاليد كلّ شئ اصرف عنى شرّ كلّ شئ بانك لى فى خير كلّ شئ، يامن هو قبل كلّ شئ و بعد كلّ شئ و اوّل كلّ شئ و آخر كلّ شئ و ظاهر كلّ شئ و باطن كلّ شئ و محيى كلّ شئ و مبدى كلّ شئ و معيد كلّ شئ ومحيط بكلّ شئ وبصير بكلّ شئ و شهيد على كلّ شئ و رقيب على كلّ شئ و قائم على كلّ شئ يامن بيده ملكوت كلّ شئ، اغفرلى كلّ شئ حتّى لا تسالنى عن شئ انك انت السميع العليم.

اللهم انك آمن من كل شيئٍ خائف منك فيامنك من كل شيئٍ وخوف كل شيئٍ منك، اغفرلي كل شيئٍ حتى لا تسألني عن شيئٍ، يامن بيده ملكوت كل شيئٍ وهو على كل شيئٍ قدير.

اللهم يا رجاء المؤمنين لا تخيب رجائي يا غياث المستغيثين: اغثني يا عون المؤمنين اعنيّ ياحبيب التائبين تب على بحق جاه محمدٍ صلى الله عليه وآله وسلم، سيد المرسلين و المصطفى الامين، ان الله و ملائكته يصلون على النبي. يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما.

اللهم صل على محمد و على آل محمد و بارك وسلم بعدد كل معلوم لك سبحان ربك رب العزة عما يصفون. وسلام على المرسلين. و الحمد لله رب العالمين، ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم، وصلى الله على خير خلقه محمد و آله وسلم اجمعين.

و از حضرت سید السادات شیخ (محی الدین) عبدالقادر گیلانی، قدس الله سره العزیز منقول است: هر که این دعا بعد از نماز عشا یا بعد از نماز فجر یک بار بخواند، جمله حاجت های دینی و دنیوی او خدای تعالی حاصل کند، و دنیا و دولت نیز بسیار میسّر گردد، و هرجا که رود، با فتح و نصرت باز آید. انشاء الله تعالی.

وهي هذه الدعاء "فتح البصائر" انشاء السيد الشيخ [۱۲۹ ا] محي الدين ابي محمد عبدالقادر الجيلاني الحسني، قدس الله سرهٗ العزيز.

بسم الله الرحمن الرحيم.

الحمد لله حمداً يفوق و يعلو احمد الحامدين حمداً يكون لنا رضاو ذخرا عند رب العالمين، الرحمن الرحيم، الذى وحى الاقاليم و اختص موسى الكليم وسمى نفس الرحمن الرحيم و يحى العظام وهي رميم فيها اسمان شريفان شافيان لكل سقيم.

مالك يوم الدين، ليس له فى الملك منازع والاقرين و لا شريك و لا معين، بل كنت قبل وجود العالمين اجمعين. انت احاطتنا من جميع الشياطين والسلاطين، وعوننا على الاقربين و الابعدين و وجهتنا الى الاجناس المختلفين.

اياك نعبد. نعبد الله بالاقرار و نعترف بالتقصير ونخجل عن الذنوب و نشهدان لا اله الا الله ذاالجلال و الاكرام.

و ایاک نستعین. نستعین باللّٰہ علیٰ کل حاجة من امور الدنیا والدین.

اللّٰھم یا ھادی المضلّین لا ھادی (من) غیرک.

اھدنا الصراط المستقیم. صراط الّذین انعمت علیھم. من النّبیین و الصّدّیقین والشھداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا ذٰلک الفضل من اللّٰہ وکفا باللّٰہ علیما.

غیرالمغضوب علیھم و لا الضّالّین، اٰمین.

اللّٰھم یا مالک ملوک العوالم، کلھا لا الٰہ الّا انت سبحانک انّی کنت من الظالمین. ربّ تدارکنا برحمتک ونجنا من الغم یا منجی المؤمنین و فرج عنا ما نحن فیہ یامغیث المستغیثین اغثنا.

اللّٰھم انّا نسئلک بموضعک فی قلوب العارفین وبیھاء کمال جمال سترک فی سرائرالمقربین بدقائق حقائق طرائق السادة الذاکرین و بخضوع خشوع و موع اعین الباکین و برجیف وجیف تجیف قلوب الخائفین و بترنم طوائر خواطرالواصلین و برنین حنین انین قلوب المذنبین و بتوحید تمھید تجید السنة الذاکرین و بوسائل وسائل مسائل الطالبین و بمکاشفات لمحات نظرات اعین النّاظرین الٰی عین الیقین و بوجود وجد وجودھم لک فی غامض افئدة سرّالمحبین نسئلک.

اللّٰھم بحرمت ھذہ الرّسائل و الوسائل والمسائل ان تغرس فی حدائق بساتین قلوبنا اشجار توحیدک و تحمیدک و تجیدک لنقطف بھا ثمار تسبیحک و تقدیسک بانامل اکف اجتناء لطفک و احسانک.

اللّٰھم اکشف عن عیون ابصار بصائرنا حجب الاحتجاب و اجعلنا.

اللّٰھم ممن رمی الیک بسھم الاجابة فاصاب و جعلتہ من خواص اھل العنایة والاحباب.

[۲۹اب] اللّٰھم ان ارض قلوبنا مجذبة یابسة عابستہ فاسقھا من سحائب امطارالولایة والادمان لتصبح مخضرّة بجمیع ریاحین القبول والایمان متفتقاً کمائم ازھار الواردات طلعھا بشقائق الرویة والعیان مترنما لب بلبل فرحتھا کتبلبل فی افنان الاغصان شاکرة ذاکرة علی ما اولیتھا

من فوائد النعم و الاحسان .

اللّهم فمنا الدعاء و منك الاجابة و منا الومی بسم الرّجاء و منك الاصابة فاجعلنا.

اللّهم یاتوّاب ممن دعی محبوبهٔ فاجابهٔ و اعطا ماتمنّا وما اخابه.

اللّهم و نحن عبیدك الضعفاء الفقراء المساکین و اقفون علی عتبات ساحات جناب الطافك منتظرین شوبته من حمیّا خندریس رحیق عنایة شرابك لنصبح نشاداً مولهین من سکرة لحظة خمارا حبابك .

اللّهم واجعلنا ممن حدت به الیك مطایا.

اللّهم متعلقة متملقة باذیال المعروف و الکرم و قد حطت احمال اعمال ها علی ساحات جناب قدسك و انسك متعطرة من نفحات نسائم نسیمات قربك و انسك مستجیرة بك ایها الملك الدّیان من جور سلطان القطیعة و الهجران .

اللّهم فاسمع تبتّلنا و تبهلنا الیك وقد توکّلنا فی جمیع امورنا علیك لا منجاء ولا ملجاء منك الّا الیك .

اللّهم اسق الینا من رحمتك ما یعیننا و انزل علینا من برکتك ما یکفینا و اصرف عنا من نقمتك ما یوذینا و ادفع عنا من بلائك ما یبلّینا و الهمنا من العمل الصّالح ما ینجیناوجنبنا من العمل الطالح ما یردینا و اقذف فی قلوبنا من نورِ معرفتك ما یحییینا و افض علینا من نور هدایتك ما یقرّبنا من محبّتك و یدیننا وارزقنا من الیقین ما تثّبت به افئدتنا و تشفینا و عافتنا ظاهراً و باطناً من کلّ ما فینا.

اللّهم انا نسئلك العفو و العافیة و المعافات الدّائمة فی الدّین والدّنیا والآخرة انك علی کلّ شئ قدیر.

اللّهم انا نسئلك فواتح الخیر وخواتمه وجوامعه وکوامله و اوّله و آخره و ظاهره و باطنه و انطقنا بسلك خیر البشر محمّد صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، و انت عنا راض بفلك و رحمتك یا ارحم الرّاحمین . سبحان ربّك ربّ العزّة عمّا یصفون ، وسلام علی المرسلین، و الحمد للّه ربّ العالمین ، وصلی اللّٰه علی سیّدنا محمّد و آله وسلّم تسلیما کثیراً کثیراً

مبارکاً فیه الیٰ یوم الدّین.

خاصیتِ اسمای بندگی حضرت قطب العالم میران سیّد محی الدّین عبدالقادر گیلانی، قدّس الله سرّهُ العزیز.

فرمودند که این اسما مرا از حضرتِ [۱۳۰۱] حق تعالیٰ نازل شده. هرکه برای حاجات وتهمات بخواند، به فرمانِ خدای تعالیٰ باید که سر برهنه کرده بخواند یازده بار یا هزار بار یا صد بار. در خلوت بنشیند و بخواند، حاجتِ دینی و دنیاوی او برآید. (انشاء الله تعالیٰ).

اسمایِ اعظم این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

الٰهی به حرمتِ میران محی الدّین. الٰهی به حرمتِ غوث محی الدّین.
الٰهی به حرمتِ قطب محی الدّین. الٰهی به حرمتِ ولی محی الدّین.
الٰهی به حرمتِ شیخ محی الدّین. الٰهی به حرمتِ مخدوم محی الدّین.
الٰهی به حرمتِ مولانا محی الدّین. الٰهی به حرمتِ خواجه محی الدّین.
الٰهی به حرمتِ سلطان محی الدّین. الٰهی به حرمتِ فقیر محی الدّین.
الٰهی به حرمتِ غریب محی الدّین، اقض حاجتی یا قاضی الحاجات. برحمتک یا ارحم الراحمین.

واز حضرت شیخ محی الدّین محمّد ابن العربی، رحمة الله علیه. که مرید شیخ جمال الدّین یونس بن یحیٰی مرید حضرتِ شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی بود، قدّس الله سرّهُ العزیز. منقول است که در دفتر فتوحاتِ مکّیه نوشته اند: هرکه خواهد که مهم او کفایت شود، روی به جانب رجال الغیب آورده، و صلوات بر حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم. فرستد. و این کلمات را بخواند:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

السّلام علیك یا رجال الغیب! السلام علیکم یا ارواح المقدّسه اعینونی بقوّة و انظرونی بنظرة یا رقیبا، یا نقیبا، یا ابدال یا اوتاد، یا قطب، یا غوث! اغثنی بحرمتِ محمّد مصطفی، صلی الله

علیه و آله وسلّم.

و از حضرت سیادت مآبی قطب الاقطابی میر سید علی همدانی، قدس الله سرّهٔ، منقول است که من مرید حضرت شیخ الاسلام و المسلمین، هادی الخلایق اجمعین، شیخ محمود مزدقانی قدس الله سرّهٔ، شده بودم، و به سلوک تصفیهٔ کمال نفس حاصل کرده بودم، و به اجازت آن حضرت سه نوبت گرد معمورهٔ عالم گشتم.

و سید مذکور در آن سیر عالم هزار و چهار صد ولی را دریافت، رحمة الله علیهم، با همه صحبت داشت، و از آن جمله سی و سه نفر مرشدِ کامل بودند، و همه آن حضرت سید را اشارت و ولایت فرمودند، و وردِ حضرتِ علیٰ نبیّنا و علیه الصّلوٰة و السّلام و آلهما، که اولیاء علیهم الرحمة بدان مواظبت می نمودند، از ایشان اخذ کرده، و جمع نموده با خود داشت تا اشارتِ الٰهی در رسید، اورادی که جمع نموده، بعد از نمازِ صبح می باید خواند، و آن حضرت وردِ همه روزه گردانید.

و هم از آن حضرت سید (علی همدانی)، رحمة الله علیه، منقول است که فرمود که چون [۱۳۰اب] وجب اشارتِ الٰهی بعد از مدتی که به این اوراد مواظبت نمودم، روزی به خانقاهی رسیدم، و نماز صبح به جماعت گذاردم، و به صحرائی رفتم، و این اوراد می خواندم، و مراقب می شدم. درحالت غیبت مرا به روحانیّت عروج به آسمان واقع شد، و در آسمان جمیع از ملائکه را دیدم که بحلقه نشسته بودند، و این اوراد می خواندند به همین مقام و صدا که حال درویشان این سلسله می خوانند و ملکی آمد، و مرا برد، و در آن حلقهٔ اوراد به همین صدا با ایشان تمام کردم.

چون از آن حالت فارغ شدم علیٰ سبیل التیمّن و التبرّک این اوراد به همین مقام وصدا "اورادِ سلسلة الذهب" گردانیدم.

و این را "اورادِ فتحیه" از آن سبب گویند که اورادِ چهار صد ولی است.

چون صبح صادق طالع شود، دو رکعت نمازِ سنّتِ صبح بگذارد، و بعد از آن صد نوبت بگوید: سبحان الله وبحمده، سبحان الله العلیّ العظیم وبحمده، استغفر الله. بعد از آن نمازِ فریضه بگذارد، و این "اورادِ فتحیه" شروع کند. اوّل سه نوبت "استغفر الله" بگوید.

هٰذه الاوراد الفتحيه :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

استغفر اللّٰہ العظیم. استغفر اللّٰہ العظیم، استغفر اللّٰہ العظیم. الّذی لا الٰه الّا هو الحیّ القیّوم و اتوب الیه و اساله التوبة.

اللّٰهم انت السّلام و منک السّلام و الیک یرجع السّلام فحیّنا ربّنا بالسّلام وادخلنا دار السّلام تبارکت ربّنا و تعالیت یا ذاالجلال و الاکرام.

اللّٰهم لک الحمد حمدا یوافی نعمک و یکافی مزید کومک احمدک بجمیع محامدک ماعلمت منها ومالم اعلم و علیٰ جمیع نعمک ما علمت منها و مالم نعلم و علیٰ کل حال اعوذ باللّٰہ من الشیطان الرجیم. و الٰهکم الٰه واحد لا الٰه الّا هو الرحمٰن الرحیم. اللّٰہ لا الٰه الّا هو الحیّ القیّوم لا تاخذهٗ سنة و لا نوم له ما فی السّمٰوات و ما فی الارض من ذالذی یشفع عندهٗ الّا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیٍٔ من علمه الّا بما شآء وسع کرسیه السّمٰوات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم. سی و سه بار سبحان اللّٰہ سی و سه بار الحمد للّٰہ سی و سه بار اللّٰه اکبر ده بار لا الٰه الّا اللّٰه وحدهٗ لاشریک له له الملک وله الحمد وهو علیٰ کل شیٍٔ قدیر. لا الٰه الّا اللّٰہ الملک الجبّار، لا الٰه الّا اللّٰہ الواحد القهار لا الٰه الّا اللّٰہ العزیز الغفار. لا الٰه الّا اللّٰه الکریم الستّار. لا الٰه الّا اللّٰه الکبیر المتعال لا الٰه الّا اللّٰه خالق اللّیل و النّهار. لا الٰه الّا اللّٰه المعبود بکلّ مکان. لا الٰه الّا اللّٰه المذکور بکلّ لسان، لا الٰه الّا اللّٰه المعروف بکلّ احسان، لا الٰه الّا اللّٰه کل یوم هو فی شانٍ. لا اله الّا اللّٰه ایمانا باللّٰه. لا الٰه الّا اللّٰه امانا من اللّٰه. لا اله الّا اللّٰه امانة من عنداللّٰه [۱۳۱۱] لا الٰه الّا اللّٰه و لاحول ولا قوة الّا باللّٰه. لا الٰه الّا اللّٰه و لا نعبد الّا ایاه. لا اله الا اللّٰه حقا حقا، لا اله الّا اللّٰه ایمانا وصدقا. لا اله الّا اللّٰه تعبد اورقا. لا اله الّا اللّٰه تلطفا و دفقا. لا اله الّا اللّٰه قبل کل شیٍٔ. لا اله الّا اللّٰه بعد کل شیٍٔ. لا اله الا اللّٰه یبقی ربّنا و یفنی و یموت کل شیٍٔ. لا اله الّا اللّٰه الملک الحق المبین. لا اله الّا اللّٰه الملک الحق الیقین. لا اله الّا اللّٰه العلی العظیم. لا الٰه الّا اللّٰه الحلیم الکریم، لا اله الّا اللّٰه ربّ السّمٰوات و ربّ العرش الکریم

لا الٰہ الّا اللہ اکرم الاکرمین۔ لا الٰہ الّا اللہ ارحم الرّاحمین، لا الٰہ الّا اللہ راحم المساکین،
لا الٰہ الّا اللہ حبیب التوّابین، لا الٰہ الّا اللہ ہادی المضلّین، لا الٰہ الّا اللہ دلیل الحائرین،
لا الٰہ الّا اللہ امان الخائفین۔ لا الٰہ الّا اللہ غیاث المستغیثین، لا الٰہ الّا اللہ خیر الناصرین،
لا الٰہ الّا اللہ خیر الحافظین، لا الٰہ الّا اللہ خیر الوارثین۔ لا الٰہ الّا اللہ خیر الحاکمین، لا الٰہ
الّا اللہ خیر الفاتحین۔ لا الٰہ الّا اللہ خیر الرّازقین۔ لا الٰہ الّا اللہ خیر الغافرین۔ لا الٰہ الّا اللہ
خیر الرّاحمین۔ لا الٰہ الّا اللہ وحدہٗ صدق وعدہٗ ونصر عبدہٗ و اعزّ جندہ وہزم الاحزاب
وحدہٗ ولا شیٔ بعدہٗ۔ لا الٰہ الّا اللہ اہل النعمۃ ولہ الفضل ولہ الثناء الحسن۔ لا الٰہ الّا اللہ
ولا نعبد الّا ایّاہ مخلصین لہ الدّین ولو کرہ الکافرون، لا الٰہ الا اللہ عدد خلقہ وزنۃ عرشہ
ورضاء نفسہ ومداد کلماتہ، لا الٰہ الّا اللہ صاحب الصّفۃ الوحدانیۃ الفردانیۃ القدیمیۃ الازلیۃ
الابدیہ لیس لہ ضدّ ولا ندّ ولا شبہ ولا شریک۔ لا الٰہ الّا اللہ وحدہٗ لا شریک لہ لہ الملک
ولہ الحمد یحیی ویمیت وھوحی لا یموت بیدہ الخیر، وھو علیٰ کلّ شیٔ قدیر، والیہ المصیر
ھو الاوّل والآخر والظاھر والباطن وھو بکلّ شیٔ علیم۔ لیس کمثلہ شیٔ وھو السّمیع البصیر
حسبنا اللہ ونعم الوکیل، ونعم المولیٰ ونعم النّصیر۔ سہ بار غفرانک ربّنا والیک المصیر۔ اللّھم لا مانع
لما اعطیت، ولا معطی لما منعت ولا رادّ لما قضیت ولا ینفع ذالجد منک الجد۔ سہ بار سبحان
ربّی العلی الاعلیٰ الوہاب، سبحان ربّی العلی اعلی الکریم الوہّاب یا وہّاب، سبحانک ماعبدناک
حق عبادتک، سبحانک ما عرفناک حق معرفتک، سبحانک ما ذکرناک حق ذکرک، سبحانک ماشکرناک
حق شکرک، سبحان اللہ الازلی الازل۔ سبحان اللہ الابدی الابد، سبحان الواحد الاحد،
سبحان اللہ الفرد الصّمد، سبحان اللہ رافع السّموات بغیر عمد، سبحان اللہ الّذی لم یتخذ
صاحبۃ ولا ولد، سبحان الّذی لم یلد ولم یولد ولم یکن لہ کفواً احد، سبحان الملک القدّوس
سبحان ذی الملک والملکوت، سبحان ذی العزّۃ والعظمۃ والھیبۃ [۱۳۱ ب] والقدرۃ والجلال
والجمال والکمال والبقاء والثناء والضیاء والالاء والنّعماء والکبریاء والجبروت، سبحان
الملک الحی الّذی لا ینام ولا یموت سبّوحٌ قدّوسٌ ربّنا وربّ الملائکۃ والرّوح، دہ بار
سبحان اللہ والحمد للہ ولا الٰہ الّا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوّۃ الّا باللہ العلی العظیم

اللھم انت الملک الحق الذی لا الہ الا انت یا اللہ ، یا رحمٰن ، یا رحیم ، یا ملک ، یا قدوس ، یا سلام ، یا مؤمن ، یا مہیمن ، یا عزیز ، یا جبار ، یا متکبر ، یا خالق ، یا باری ، یا مصور ، یا غفار ، یا قہار ، یا وہاب ، یا رزاق ، یا فتاح ، یا علیم ، یا قابض ، یا باسط ، یا خافض ، یا رافع ، یا معز ، یا مذل ، یا سمیع ، یا بصیر ، یا حکم ، یا عدل ، یا لطیف ، یا خبیر ، یا حلیم ، یا عظیم ، یا غفور ، یا شکور ، یا علی ، یا کبیر ، یا حفیظ ، یا مقیت ، یا حسیب ، یا جلیل ، یا کریم ، یا رقیب ، یا مجیب ، یا واسع ، یا حکیم ، یا ودود ، یا مجید ، یا باعث ، یا شہید ، یا حق ، یا وکیل ، یا قوی ، یا متین ، یا ولی ، یا حمید ، یا محصی ، یا مبدی ، یا معید ، یا محیی ، یا ممیت ، یا حی ، یا قیوم ، یا واجد ، یا ماجد ، (یا واحد) ، یا احد ، یا صمد ، یا قادر ، یا مقتدر ، یا مقدم ، یا مؤخر ، یا اول ، یا آخر ، یا ظاہر ، یا باطن ، یا والی ، یا متعال ، یا بر ، یا تواب ، یا منعم ، یا منتقم ، یا عفو ، یا رؤف ، یا مالک الملک ، یا ذاالجلال و الاکرام ، یا رب ، یا مقسط ، یا جامع ، یا غنی ، یا مغنی ، یا معطی ، یا مانع ، یا ضار ، یا نافع ، یا نور ، یا ہادی ، یا بدیع ، یا باقی ، یا وارث ، یا رشید ، یا صبور ، یا صادق ، یا ستار ، یا من تقدست عن الاشتباہ ذاتہ وتنزہت عن مشابہۃ الامثال صفاتہ ، و یا من دلت علی وحدانیۃ آیاتہ ، و شہدت بربوبیتہ مصنوعاتہ واحد لامن قلۃ و موجود لامن علۃ بالبر معروف و بالاحسان موصوف ، معروف بلا غایتہ و موصوف بلانہایتہ اول قدیم بلا ابتداء ، وآخر حی دائم قائم بلا انتہا ، اغفر ذنوب المجرمین کرماً و حلماً یا من لیس کمثلہ شیٔ و ھو السمیع البصیر ، حسبنا اللہ و نعم الوکیل ، نعم المولیٰ ونعم النصیر ۔

یا دائما بلا فناء ، و یا قائم بلا زوال ، و یا مدبرا بلا وزیر ۔ سہل علینا و علی والدنیا کل عسیر الا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علیٰ نفسک عز جارک وجل ثناءک وتقدست اسماءک و عظم شانک ، ولا الہ غیرک ، یفعل اللہ مایشاء بقدرتہ و یحکم مایرید بعزتہ الا الی اللہ تصیر الامور "فاللہ خیر حافظا و ھو ارحم الراحمین" کل شیٔ ھالک الا وجہہ لہ الحکم و الیہ ترجعون ، فسیکفیکھم اللہ و ھو السمیع العلیم ، فقل حسبنا اللہ وکفیٰ سمع اللہ لمن دعا لیس وراء اللہ منتھی من اعتصم باللہ نجی سبحان من لم یزل ربا رحیما و لا یزال کریما ۔

لا الٰہ الّا اللّٰہ الحلیم الکریم، سبحان [۱۳۲ الف] اللّٰہ و تبارک اللّٰہ ربّ السّمٰوات السّبع و ربّ العرش العظیم، و الحمد للّٰہ ربّ العالمین۔

لا الٰہ الّا اللّٰہ وحدہٗ لا شریک لہ النہار واحداً، احداً، صمداً، فرداً، وتراً حیّاً قیوماً دائماً، ابداً، آلم یتخذ صاحبۃ و لا ولداً، ولم یکن لہ شریک فی الملک و لم یکن لہ ولی من الذّلِ و کبرہ تکبیرا۔ اللّٰہ اکبر، اللّٰہ اکبر، اللّٰہ اکبر، حسبنا اللّٰہ لدیناحسبنا اللّٰہ لدینا، حسبنا اللّٰہ ملا احمنا، حسبنا اللّٰہ لمن بغیٰ علینا، حسبنا اللّٰہ لمن حسدنا، حسبنا اللّٰہ لمن کادنا بسوءٍ، حسبنا اللّٰہ عند الموت، حسبنا اللّٰہ عند القبر، حسبنا اللّٰہ عند المسائل، حسبنا اللّٰہ عند الصّراط، حسبنا اللّٰہ عند الحساب، حسبنا اللّٰہ عند المیزان، حسبنا اللّٰہ عند الجنّۃ و النّار، حسبنا اللّٰہ عند اللقاء، حسبی اللّٰہ لا الٰہ الّا ھو علیہ توکّلت و الیہ انیب۔

لا الٰہ الّا اللّٰہ سبحان اللّٰہ ما اعظم اللّٰہ، لا الٰہ الّا اللّٰہ سبحان اللّٰہ ما اعلم اللّٰہ،

لا الٰہ الّا اللّٰہ سبحان ما اکرم اللّٰہ۔ لا الٰہ الّا اللّٰہ وحدہٗ لا شریک لہ محمّد رسول اللّٰہ حقّاً۔

اللّٰھم صلِ علیٰ محمّد کلما ذکرہ الذاکرون، وصل علیٰ محمّد کما غفل عن ذکرہ الغافلون۔

سہ بار بگوید: رضینا باللّٰہ ربّا واحدا و بالاسلام دینا قیماً و بمحمّدٍ صلی اللّٰہ علیہ وآلہ وسلّمٗ نبیّاً و رسولا و بالقرآن اماما و بالکعبۃ قبلۃ و بالصّلوٰۃ فریضۃ و بالمؤمنین اخوانا و بالصدّیق والفاروق و ذی النورین و المرتضیٰ ائمۃً رضوان اللّٰہ تعالیٰ علیھم اجمعین۔

یا مرحبا بالصباح الجدید و بالیوم السعید و بالملکین الکریمین الکاتبین الشّاھدین العادلین الحافظین الناصرین، حیّا کما اللّٰہ تعالیٰ فی عزّۃ یومنا ھذا اکتبا فی الاوّل صحیفتنا ھذا۔

بسم اللّٰہ الرحمٰن الرّحیم۔

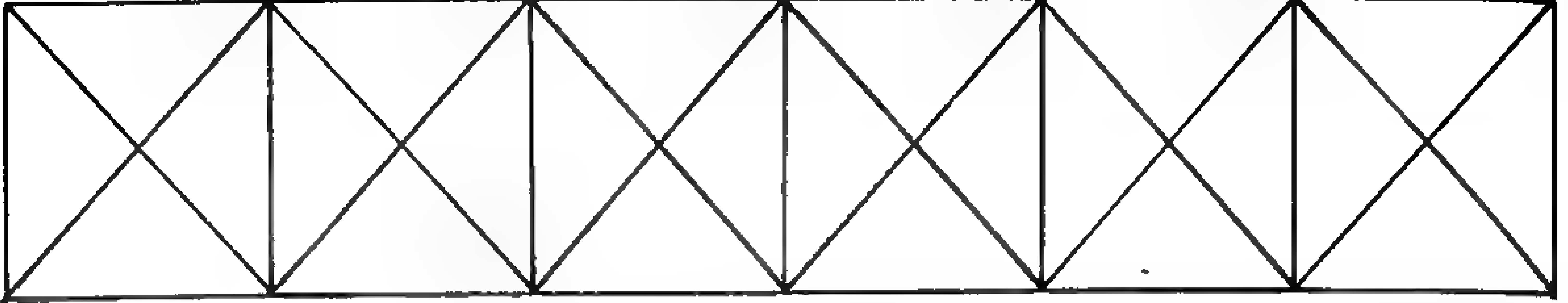
و اشھد بانا نشھد ان لا الہ الّا اللّٰہ وحدہٗ لا شریک لہٗ و نشھد ان محمّدا عبدہٗ و رسولہ، ارسلہٗ بالھدیٰ و دین الحق لیظھرہٗ علیٰ الدّین کلہ و لوکرہ المشرکون۔

علیٰ ھذہ الشھادۃ نحی و علیھا و نموت و علیھا نبعث، انشاء اللّٰہ تعالیٰ۔

سہ بار بگوید: اعوذ بکلمات اللّٰہ التّامات کلّھا من شرّ ما خلق، بسم اللّٰہ خیر

الاسماء بسم اللہ ربّ الارض و السّمآءِ. بسم اللہ الّذی لا یضر مع اسمہٖ شیءٌ فی الارض ولا فی السّماءِ و ھو السمیع العلیم.

سہ بار بگوید: الحمد للہ الّذی احیانا بعد ما اماتنا و الیہ البعث والنّشور



اصبحنا و اصبح الملک للہ و العظمۃ و الکبریاء للہ و الجبروت للہ و السلطان و البرھان والالاء و النّعماء للہ و اللّیل و النّھار و ما سکن فیھما للہ الواحد القھار، اصبحنا علیٰ فطرۃ الاسلام و کلمۃ الاخلاص و علیٰ صدق دین نبیّنا محمّد، صلی اللہ علیہ و آلہٖ و سلّم، و علیٰ ملّۃ ابینا ابراھیم علیہ السّلام حنیفا و ما کان من المشرکین، صلوات اللہ [۱۳۲ب] و ملائکتہٖ و انبیائہٖ و رسلہٖ و حملۃ عرشہٖ وجمیع خلقہٖ علیٰ سیّدنا محمّد و آلہٖ و اصحابہٖ علیہ وعلیھم الصّلوٰۃ السّلام و آلہم ورحمۃ اللہ و برکاتہٗ.

الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا رسول اللہ!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا حبیب اللہ!
الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا خلیل اللہ!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا نبی اللہ!
الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا صفی اللہ!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا نجی اللہ!
الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا خیر خلق اللہ!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا من زینہ اللہ!
الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا من شرفہ اللہ!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا من کرم اللہ!
الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا من عظمہ اللہ!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا من اختارہ اللہ!
الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا من ارسلہ اللہ!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا من طہر اللہ!
الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا من طیبہ اللہ!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا سیّد المرسلین!
الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا امام المتقین!	الصّلوٰۃ و السّلام علیک یا خاتم النبیین!

الصّلوٰة و السّلام علیک یا شفیع المذنبین!	الصّلوٰة والسّلام علیک یا رسول ربّ العالمین!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا سیّد الاوّلین[1]!	الصّلوٰة والسّلام علیک یا سیّد الآخرین[2]!
الصّلوٰة و السّلام علیک یا قائد المرسلین[3]!	صلوات اللّٰه و ملائکته انبیائه

و رسله و حملة عرشه علیٰ سیّدنا محمّد و آله و اصحابه علیه و علیهم الصّلوٰة و السّلام و رحمة اللّٰه و برکاته.

اللّهم صل وسلّم علیٰ سیّدنا محمّد و آله فی الاوّلین. وصل و سلّم علیٰ سیّدنا محمّد و آله فی الآخرین وصل وسلّم علیٰ سیّدنا محمّد و آله فی الآخرین. وصل سلّم علیٰ سیّدنا محمّد و آله فی الملاء الاعلیٰ الیٰ یوم الدّین. وصل وسلّم علیٰ سیّدنا محمّد و آله فی کلّ وقت وحین. وصلی اللّٰه علیٰ خیر خلقه محمّد و آله اجمعین، و صل علیٰ جمیع الانبیاء والمرسلین وعلیٰ الملائکة المقربین والصّدیقین والشّهداء والصالحین وعلیٰ اهل طاعتك اجمعین و ارحمنا معهم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

ہر کہ این "اورادِ فتحیہ" مذکور بعد از نمازِ صبح یک بار بخواند، دعای او مستجاب شود، و آنچہ از خدای تعالیٰ خواہد یابد؛ و ایمانِ او سلامت باشد، و ہر مقصودی کہ داشتہ باشد، نیز حاصل شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و از حضرت شیخ الاسلام و المسلمین، کعبۃ الواصلین و قبلۃ الطالبین شیخ زین الملّۃ والدّین علی بن محمّد کلاہ، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، منقول است کہ حضرت شیخ الاسلام حاجی بہاء الدّین یزدوی، رحمۃ اللّٰہ علیہ، فرمودہ کہ بما رسیدہ بہ اسنادِ صحیح از مشایخانِ طریقت کہ "حزب البحر" امام قطب الوقت سیّد ابوالحسن شاذلی، قدّس اللّٰہ سرّہٗ، از خزاینِ ملکوت و دفاینِ لاہوت است، و اربابِ ملوک آن را "اکسیرِ احمر" و "کیمیای اعظم" خوانند، و اگر کتب و رسائل در بابِ فواید و آثار و برکاتِ آن جمع کنند، از عہدۂ حصرِ آن بیرون نیایند.

---

۱ و ۲ و ۳- و برگ ۱۳۳ ب ندارد.

و شرائطِ دعوتِ این حرز آن است که چون کسی خواهد که به آن مشغول شود، دوازده روز روزه دارد، و در روزِ اوّل غسل کند [۱۳۲ ل] و جامۀ پاک بپوشد، و خوشبوئی بمالد، و در منزل نشیند، روی سوی قبله کند، و سی نوبت این حرز را بخواند، و سعیِ تمام کند که تمام وساوس و خواطر از ضمیر دور کند، و از سرِ حضور و قوّت به نظام بخواند، و هر نوبت که بخواند (این) شرایط را رعایت کند:

اوّل آنکه اعتصام را رعایت کند، و اعتصام این است که یک بار فاتحه[1] و آیت الکرسیّ[2] و سه بار قل هو اللّٰه احد[3] بخواند. و پیش از شروع در خواندن بگوید: ربّ سهل و یسّر و لا تعسّر علینا. بعد حروفِ تهجی (ا) ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ہ ء لای بعد ازان حزب بنیاد کند.

دوم آن که چون به آن جا رسد که وسخّرلنا هذا البحر، در لفظ "هذا" که به زبان براند، مقصود در خاطر بگذراند.

سیوم آن که در کہٰیٰعٓصٓ خواندن سه نوبت بگوید، و در هر نوبتی که بگوید بهر حرفی از دو دستِ انگشتِ کوچک فرو گیرد، و چون "ها" بگوید هر دو انگشتِ پهلوی او فرو گیرد، وقس علیٰ هذا تا آخرِ حروفِ پنج گانه بگوید.

چهارم آن که چون به لفظ "شاهت الوجوه" رسد، دشمنانِ خود را تا خاطر بگذراند تا مقهور و مخذول شوند.

پنجم آن که چون "حٰمٓ" هفت گانه گوید، هر نوبتی که بگوید "حٰمٓ" بر هر طرفی نَفَس بدمد، و ابتدا از دستِ راست کند، و چون شش جهت تمام کند، این دعا بخواند:

اللّٰهم لا تقتلنا بغضبك و لا تهلکنا بعذابك و عافنا قبل ذٰلك.

اللّٰهم لا تؤاخذنا بسوء اعمالنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا وکف ایدی الظالمین عنا یاحفیظ احفظنا بکلماتك ورعایتك ویسر امورنا وحصل مرادنا.

---

۱. القرآن الحکیم: ۱. ۲. ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۳. ایضاً: ۱۱۲.

بعد ازان بهر نیت که خواند، آن مهم و مراد از خدای تعالیٰ بطلبد به صدقِ دل و حضورِ خاطر
آن گاه "تم" هفتم بگوید، و به همه جوانب و اطراف خود دست فرو دارد.
ششم چون این آیت تمام بخواند: اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا[1] بگوید، و صلی الله علیٰ خیرِ خلقه محمد و آله اجمعین، یا عظیم یا حلیم
یا علیم. اسمع دعا. نا بخصائص لطفك، آمین آمین.
و هر نوبت که بگوید "آمین" یک بار دست بر زمین زند، و مراد را در خاطر بگذراند.
هفتم آن که رعایت اختتام کند، و اختتام این است:
اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق یا عظیم السلطان، یا قدیم الاحسان، یا دائم
النعم، یا باسط الرزق، و یا واسع العطایا، و یا دافع البلایا، و یا سامع الدعاء یا حاضرا لیس
بغائب، یا موجودا عند الشدائد، یا خفی اللطف، یا لطیف الصنع یا حلیما لا یعجل وصلی
علیٰ خیر خلقه محمد و آله اجمعین
اگر درین دوازده روز سعی کند [۲۳۳ب] که سخن دنیاوی کمتر کند، و از نامشروعات کردن و خفتن
احتراز کند، اولیٰ باشد، بلکه واجب است که افطار به چیزی کند که حلال باشد، و اگر نان و سرکه باشد
بهتر؛ و در این ایام مطلق دگوشت، حیوانی نخورد، و اگر شربت نبات خورد، برای قوت جائز است
و شیخ حاجی بهاء الدین دیزدوی، رحمة الله تعالیٰ علیه، فرمود: به خدای به خدای سوگند
هر که رعایتِ این شرایط کند البته به مراد رسد، اگرچه میانِ او و میانِ مقصود بُعد المشرقین باشد؛ و
تسخیر سلاطین و ملوک و حکام و دفع دشمن و به دست آوردنِ دوست کامی هیچ سری و سرمی
بهتر ازین نیست، و بعد از آن دعوتِ تمام سعی کند که هر روز سه نوبت پیش از طلوعِ صبح
یک نوبت میانِ شام و خفتن بخواند مگر که مانعی شرعی داشته باشد؛ و چون این چنین شرایط بجای
شغل نموده، و چهار کرت خواندنِ او را ورد ساخته، صاحب دعوت شود.
بعده برای هر مهمی سه روز به طریقِ دعوتِ صغیر مشغول شود، البته مقصود او را روی نماید. ان شاء الله
تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۳۳، ۵۶.

و این مقدار فضایلِ این حرز را اختصار کرده باشد، و هرکسی که خواهد که به دعوت کبیر مشغول شود، شرایطِ آن مفسران در جزوی دیگر نوشته، به آن کار کند. و البته باید که از استادان اجازت گیرد، و به سر خود نخواند.

هذا اختتام حزب البحر

فاتحہ الکتاب بخواند، بعد ازان: ثُمَّ اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ اَمَنَةً نُعَاسًا يَّغْشٰى طَآئِفَةً مِّنْكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ اَهَمَّتْهُمْ اَنْفُسُهُمْ يَظُنُّوْنَ بِاللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُوْلُوْنَ هَلْ لَّنَا مِنَ الْاَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ اِنَّ الْاَمْرَ كُلَّهٗ لِلّٰهِ يُخْفُوْنَ فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ مَّا لَا يُبْدُوْنَ لَكَ يَقُوْلُوْنَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هٰهُنَا قُلْ لَّوْ كُنْتُمْ فِيْ بُيُوْتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِيْنَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ اِلٰى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللّٰهُ مَا فِيْ صُدُوْرِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ.

بعد ازان مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ تا اَجْرًا عَظِيْمًا، بعدهٗ ربِّ سهل و یسر ولاتعسر علینا. حروفِ تہجی ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ہ ء لا ی.

والحزب ھذا.

بسم اللّٰہ الرّحمٰن الرّحیم

یا اللّٰہ یا اللّٰہ یا اللّٰہ یا علیّ یا عظیم یا حلیم یا علیم انت ربّی و علمك حسبی فنعم الرّب ربّی و نعم الحسب حسبی تنصر من تشاء وانت العزیز الرّحیم. نسالك العصمة فی الحرکات والسکنات والکلمات و الارادات [۳۴۱] والخطرات من الشکوك و الظنون والاوھام الساترة القلوب عن مطالعة الغیوب قد ابتلی المؤمنون وزلزلوا زلزالاً شدیداً، و اذیقول المنافقون والّذین فی قلوبھم مرض ما وعدنا اللّٰہ ورسولہٗ الّا غرورا. فثبّتنا و انصرنا و سخرلنا ھذا

حاشیہ برگ ۱۸۱ب: "حزب البر" که "حزب کبیر" نیز گویند، هم از شیخ ابوالحسن شاذلی است، قدّس اللّٰه سرّهٗ.
و از حضرت مخدوم جہانیان جہانگشت، قدّس اللّٰه سرّهٗ، منقول است که فرمودند از غایت ناشناسی است که گویند خداوند: خداوندا! فلان را مسخّرِ من ساز، و از نہایت شناسائی است آن که گویند: اللّٰھم کن لنا وکن لی فتامل فی رقة ھذا الکلام ومتانته ولطافته و وجوھه. لکاتبه.

البر و البحر و اهلهما کل الخلایق و کل سلطان و وزیر و امیر و صغیر و غنی و فقیر، و امام و رعیة کما سخرت البحر لموسیٰ علیه الصلوٰة والسلام. و سخرت النار لابراهیم علیه الصلوٰة و السلام. و سخرت الجبال و الحدید لداؤد علیه الصلوٰة والسلام. و سخرت الریح و الجن والانس والشیاطین لسلیمان علیه الصلوٰة و السلام، و سخرت الثقلین لمحمد صلی الله علیه و آله وسلم وسخرلنا کل بحر هولک فی الارض والسماء والملك و الملکوت و بحر الدنیا و بحر الآخرة و اهلهما، و سخرلنا کل شیء یا من بیده ملکوت کل شیء و بحق کٓهٰیٰعٓصٓ کٓهٰیٰعٓصٓ کٓهٰیٰعٓصٓ، و بحق حٰمٓ عٓسٓقٓ الا الی الله تصیر الامور.

اللهم انصرنا فانك خیر الناصرین و افتح لنا فانك خیر الفاتحین، و اغفرلنا فانك خیر الغافرین و احفظنا فانك خیر الحافظین، و ارحمنا فانك خیر الراحمین. وارزقنا فانك خیر الرازقین، و افتح علینا باب الرحمة والرضا و المعرو الضیاء و النعمة والعطاء و الصفاء وعلیٰ طاعتك التوفیق و الوفاء بحرمت سید المصطفیٰ صلی الله علیه وآله وسلم.

اللهم اکفنی بجلالك وعن حرامك و اغننی بفضلك وکرمك عن سواك یا فتاح یا فتاح یا فتاح افتح علیَّ وعلی والدیَّ ابواب فضلك و ابواب رحمتك و ابواب کرامتك و ابواب دولتك و ابواب رزقك و ابواب نعمتك و ابواب خیرك و ابواب سلامتك و ابواب سعادتك وابواب توفیقك و ابواب حلمك و یسر علینا خزائن رحمتك بحق یا الله یا هو یا سلیم یا وهاب یا باسط یا رازق یا غنی یا مغنی یا هادی و اهدنا فانك خیر الهادین و اهدنا و نجنا ربنا من القوم الظالمین.

ربنا اتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار، وشر الاشرار. و قید الفجار و سائر الکفار، و ما یختلف فی اللیل و النهار بحق لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا لهم و نجیناه من الغم وکذٰلك ننج المؤمنین. وهب لنا منك ریحا طیبة و رزقا فتوحا کثیرا کما هی فی علمك و انشر علینا من خزائن رحمتك و احللنا بها حل الکرامة مع السلامة [۲۱۲ ب] والعافیة والدین والدنیا و الآخرة انك انت علی کل شیء قدیر. یا مسهل کل صعب سهل علینا کل عسیر فانك بیسر العسیر عینك مسیر.

اللهم یسر لنا امورنا مع الراحة لقلوبنا و ابداننا یا جبار والسلامة و العافیة فی دیننا و دنیا

وکن لنا اشیا حامیا و معینا فی حضرنا وصاحبا فی صفرنا وخلیفة فی اهلنا،

وہر دو دست بر زمین زند، و بگوید: و اطمس علیٰ وجوه اعدائنا اسارت.

برای اعدا این دعا از این محل بخواند.

دعای معظم، این است:

اللهم اقطع اجل و امل لجمیع اعداء و اعدائك و شتت شملهم و امرهم وفوق جمعهم وقلب تدبیرهم و بدل احوالهم ونکس اعلامهم وکلّل سلاحهم وقوب آجالهم و خیب آمالهم و طول احزانهم و کسر ظهورهم و سود وجوههم وبیض عیونهم و هدم اوطانهم و خذهم بداء لادواء لهم و نقص اعمارهم و ذلل افکارهم و خرب بنیانهم وقلع آثارهم حتیٰ لا یبقیٰ باقیة و لا یجدوا منهم واقیة واشغلهم بابدانهم و ابطشهم بطشا شدیدا وخذهم اخذ عزیز مقتدر.

اللهم اهلك لجمیع اعداء و اعدائك کما اهلکت اعداء انبیائك و اولیائك و اهلك جمیع اعداء و اعدائك کما هلك عاد و نمرود و اغرق جمیع اعداء و اعدائك کاغراق فرعون وقارون بقهرك یا قهّار یاجبّار و امسخهم علیٰ مکانتهم فلا یستطیعون المضیّ و لا المجی الینا وخذهم بیده[۲] ولو نشاء لطمسنا علیٰ اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون ولو نشآء لمسخنهم علیٰ مکانتهم فما استطاعوا مضیا و لا یرجعون، رب احکم بالحقّ و ربنا الرّحمٰن المستعان علیٰ ما تصفون

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم

یٰسٓ والقرآن الحکیم انك لمن المرسلین علیٰ صراط مستقیم تا فهم لا یبصرون[۱]

بگوید و اوّل دستِ راست برزمین سه بار زند، و بگوید: شاهت الوجوه، شاهت الوجوه، شاهت الوجوه، بعدهٔ دستِ چپ برزمین سه بار زند، بگوید: سه بار وعنت الوجوه للحی القیّوم و قد خاب من حمل ظلما[۲]

اگر برای قتل الاعدا خوانده باشد، سه بار بگوید: لا فتاح الّا علیا ولا سیف الّا ذوالفقار

۱- القرآن الحکیم ۳۶، ۱تا ۹ . ۲- ایضاً ۲۰، ۱۱۰

بعدہ ہر دو دست بر زمین زند، و یک بار بگوید: دمیت من دمانی یقتل فلان بنت فلان بسیفه القاتل. بعدہٗ بخواند: فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ[1] وقد خاب من حمل ظلما. بعدہٗ بخواند: طس طسم حمعسق مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیٰنِ بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا یَبْغِیٰنِ حم حم حم حم حم حم حم.

این "حم" اوّل ابتدا از دستِ راست کند یعنی بسوی راست دمد، بعدہٗ به طرفِ کتفِ چپ بدمد، بعدہٗ پیش روی دمد، بعدہٗ پسِ پشت [۱۳۵ ا] بعدہٗ به طرفِ زمین بدمد، بعدہٗ به طرفِ آسمان بدمد. هر یک نوبت که "حم" گوید، بر هر یک طرفی که بیان کرده است، بر خود بدمد؛ و چون شش "حم" تمام کند، این دعا دستِ راست برداشته بخواند:

اللّٰهم لا تقتلنا بغضبك ولا تهلكنا بعذابك وعافنا قبل ذٰلك.

اللّٰهم لا تواخذنا بسوء اعمالنا و لا تسلط علینا من لا یرحمنا و کف ایدی الظالمین عنا یاحفیظ احفظنا بکلاءتك ورعایتك و یسر امورنا وحصل مرادنا کلها و اقض حوائجنا من الدنیا والآخرة. و استجب دعاءنا کلها بحرمت حم حم الامر وجاء النصر فعلینا لا ینصرون. حٰمٓ. تنزیل الکتاب من اللّٰه العزیز العلیم. غافر الذنب و قابل التوب شدید العقاب ذی الطول. لا اله الا هو الیه المصیر.

بسم اللّٰه بابنا تبارك حیطاننا یٰس سقفنا کهیعص کفایتنا حم عسق حمایتنا، فسیکفیکهم اللّٰه وهو السمیع العلیم. حمیت ق والقرآن المجید وقیت و فلنا ستر العرش مسبول علینا وعین اللّٰه ناظرة الینا وبحول اللّٰه لا یقدر علینا. یاحفیظ احفظنی من جمیع البلاء والآفات فی الدنیا و الآخرة و استجب دعاءنا کلها بحق یا اللّٰه یا رحمٰن یا رحیم ولا یبعد سوالنا و کلمات اللّٰه التامات فقلنا من ورائهم محیط، بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ فاللّٰه خیرٌ حافظا وهو ارحم الرّاحمین. ان ولی اللّٰه الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین، فان

۱- القرآن الحکیم: ۶، ۴۵.

تولّوا فقل حسبی اللّٰه لا الٰه الّا هو علیه توکّلت وهو ربّ العرش العظیم هفت بار بگوید بعدهٔ بخواند : انّی توکّلت علی اللّٰه ربّی وربّکم مامن دابة الّا هو اخذ بناصیتها انّ ربّی علی صراط مستقیم هفت بار این آیت نیز و سه بار این دعا بخواند :

بسم اللّٰه کافی، بسم اللّٰه شافی، بسم اللّٰه معافی، بسم اللّٰه الّذی لا یضرّ مع اسمه شیٌ فی الارض ولا فی السماء و هو السّمیع العلیم، و سه بار لاحول و لا قوّة الّا باللّٰه العلی العظیم و سه بار این آیت بخواند: اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى النَّبِيِّ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا[1]

و یک بار این دعا بخواند:

اللّٰهم انّی اعوذبك من الهم و الحزن، و اعوذبك من العجز و الکسل، و اعوذبك من الجبن و البخل، و اعوذبك من غلبة الدّین و قهر الرّجال، و اعوذ بکلمات اللّٰه التامات کلها من شرّ ما خلق، و اعوذبك یاربّ من جور کلّ جائر و بغی کلّ باغ ومکر کلّ ماکر و سحر کلّ ساحر و کید کلّ کائد وظلم کلّ ظالم وکذب کلّ کاذب و غدر کلّ غادر و شماتهٔ کلّ کاشح وبك اصول الاعداء و ایّاك و اعصمنی من کلّ هلکة ونجنی من کلّ بلیّة وعاهة وآفة وغصة ومحنة وشدّة [۱۳۵ب] و فتنة و اهانة وقلّة و ذلّه ومرض و برص وفقر و فاقة ووباء وزلزلة وغرق و حرق وبرد فی الدّارین. انّك لا تخلف المیعاد. یااللّٰه یانور یاحق یا مبین اکسی من نورك و علمنی من علمك فهمنی عندك و اسمعنی منك والبصرنی بك و اقمنی لشهودك وهوّنها علیّ بفضلك، انك علی کلّ شیٍ قدیر. وصلی اللّٰه علیٰ خیر خلقه محمّد وآله واصحابه وسلّم، یاحلیم یا علیم یا عظیم یا سمیع اسمع دعاء بخصائص لطفك آمین آمین، یا ارحم الرّاحمین.

اعوذ بکلمات اللّٰه التّامات کلها من شرّ ما خلق یا عظیم السّلطان، یا قدیم الاحسان یا دائم النعم، یا باسط الرّزق، یا واسع العطاء، یا دافع البلاء و یا سامع الدّعا و

۱- القرآن الحکیم: ۳۳، ۵۶

یا حاضراً لیس بغائب و یا موجودا عند الشدائد، یا خفی اللطف و یا لطیف الصنع و یا حکیم الّذی لا یعجل یا کریم الّذی لا یبخل اقضی علی حاجتی، وصلی الله علیٰ خیر خلقهٖ محمّد یا من له الامر کلّهٗ اسئلك من الخیر کلّهٖ،

و اعوذبك من الشرّ کلّهٖ یا منتهی طلبی، یا غایت املی ربّی الیك هربی یاربّ عجل فرجی بحق محمّد العربی. ایّاك نعبد و ایّاك نستعین.

اللهم سلّمنا وسلّم المسلمین فی برّك و بحرك.

اللهم انصر من نصر دین محمّد علیه الصّلوٰة والسّلام.

الٰهی بحق خمس الّذی سادسهم جبرئیل وهو محمّد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین ان تقضی حاجتی یا قاضی الحاجات، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت سید السّادات امام سید جعفر صادق رضی الله تعالیٰ عنه، منقول است: هرکه این دعاء سیفی بخواند، همه کارهای دینی و دنیوی او حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

و این دعای سیفی را دوازده هزار خاصیت است: شش هزار برای دنیوی و شش هزار برای اخروی، و این دعا مسمّی به "سیف الله" و "عین الله" و "صمصام الله" و "قدرة الله" و "ید الله" و برهان الله" و حرزِ یمانی" و سهم الله" و "حرزِ اکبر" و "حرزِ مرتضوی" و "حرزِ الصّحابه" و "حرزِ المحققین" و "دعای قضاء الحاجات" و "حرزِ اعظم" و "حرزِ سیفی" است؛

و در خواندن (دعاء) سیفی حیواناتِ جلالی و جمالی ترک کند: جلالی چون گوشت و ماهی چنانچه ذو روح است، و جمالی چون شیر و جزات و روغن و غیرذلک. و اگر جمالی نتواند، مخیراست و دوامِ وقت و احتراز از نامحرم و از محرمات، و تعظیمِ دعوت و استغراق، و تقلیلِ علایق، و حسنِ اعتقاد، و عزمِ نیت، و صدقِ دل،

و بخور سوزد، و استعمالِ عطر و مواظبتِ دعوت، و نماز قضا نکند، و شجاع در ملاقاتِ

[۱۳۶ و] ارواح و در مشاهدهٔ خوفِ عادات و اکل الحلال و صدق المقال و تضرّع به مال به خواندنِ اعتصام.

و روایت می کند ابوالفضل کرمانی از طاهر بن محمّد، و او از تمیم تقفی و او از حضرت امیرالمؤ

علی، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ، وحضرتِ ایشان از حضرت رسول، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، وحضرتِ رسول، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہ وسلّم، از حضرت جبرئیل علیہ السّلام، چنین معلوم کرد کہ ھر کہ این حرز را بخواند یا (با خود) نگاہ دارد، ھرگز دشمن و سحر و جادو و دیو و پری و چشم زخم و مار و کژدم و شیر و گرگ وغیر ذٰلک از پرندہ و درندہ بر وی راہ نیابد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

و عامل این حرز پیش ھمہ مخلوقات عزیز باشد. و (ھمہ) منقاد و فرمان بردارِ او باشند. (انشاء اللہ تعالیٰ)؛

ایضاً: بہ جہت دوستی و عقد النّوم و اللّسان، و بہ ھر نیتی کہ داشتہ باشد، (این دعا با خود) نگاہ دارد. حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ).

ایضاً: ھر کہ این دعا یک بار بخواند، ثوابِ عبادتِ یک سال یابد؛ و اگر دو بار، دو سال را، علیٰ ھذ القیاس، و در سالی کہ این دعا بخواند، در آن سال گناہ بر وی ننویسند (انشاء اللہ تعالیٰ).

ایضاً: چون خواھد کہ درمیان دو کس جدائی کند، یا جدائی افتد، باید کہ یک مشتِ خاکِ گورِ کہنہ بستاند، و یک کرت این حرز را بر آن خاک بخواند، و آن خاک را در آستانِ کسی گور کند، جدائی پدید آید. (انشاء اللہ تعالیٰ)

ایضاً: ھر کہ خواھد کہ دشمن را ھلاک کند، باید کہ چہل و یک دانۂ گندمِ بہاری بستاند، و سہ شبان روزی در آبِ زعفران یا در آبِ نیل بیارد، و زیرِ وی کاردِ فولاد بنھد تا در این شبان روز نظرِ نامحرمان بر وی نیفتد. آن گاہ آن گندم را در رشتہ کہ نارسیدہ باشد، در کشد، و بہ ھر دانہ یک بار این حرز را بخواند. چون تمام شود، بر درختِ بی میوہ کہ از طرفِ مشرق خشک شدہ باشد، بیاویزد، و چندان کہ بتواند، صدقہ بدھد کہ دشمن ھلاک شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی بر شربتِ عسل یا نبات بخواند، و با عیال و اطفال بخورد، ھمیشہ از خاندانِ وی دولت زایل نشود، و روز بہ روز افزون شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی خواھد کہ سلاطینِ روزگار و امرای کام گار و صغار و کبارِ انسان و حیوان مطیع و فرمان بردارِ او باشند، باید کہ این حرز را بہ مشک و زعفران و بہ آبِ باران بہ گلاب و ورقِ پوستِ آھو یا بر کاغذِ منصوری بنویسد، و در مومِ شمع گیرد و با خود دارد، (مقصود

حاصل شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر آن را زیرِ زبان گیرد، تیر و شمشیر کار نکند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر (آن را) به نامِ گریخته و به نامِ محبوب زیرِ خشت نهد، گریخته باز آید، و محبوب به وی زود رسد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی درکاری در مانده [۳۲۶ ب] باشد، و تدبیرِ آن کار نداند، باید که در شب جمعه نیم شب برخیزد، و دو رکعت نماز بگذارد، و آنچه از قرآن داند بخواند، و صد بار صلوٰة بفرستد بعدهٔ سه نوبت این حرز بخواند، حق سبحانهٗ و تعالیٰ او را فرج بخشد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی در زندان مانده باشد، این حرز را چهل و یک بار بخواند، به حرمتِ الله تعالیٰ از سول زندان خلاص یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی این حرز خوانده مار و کژدم گزیده فرو دارد، زهرِ مار (و کژدم) فرود آید، (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی را سلطان آهنگِ جان دارد، باید که غسل کند، و جامهٔ پاک پوشد و یک بار این حرز را بخواند، و با کسی سخن نگوید. وچون پیشِ سلطان رسد، بگوید: "یا حیّ یاقیّوم، برحمتك استغیث" به فضلِ الله تعالیٰ امانِ جان یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی را چیزی گم شده باشد، و نداند که بُرده است؟ باید که در شب دو رکعت نماز بگذارد، و در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[1] و الشمس[2] یک بار، و در رکعتِ دوم (بعد از فاتحه[3]) والضحیٰ[4] و الم نشرح[5] یک بار (بخواند)، و بعدهٗ این حرز را بخواند، و با طهارت در خواب رود، مال یا دُزد دریابد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی را مهمی پیش آید، باید که روزِ چهار شنبه و پنج شنبه و جمعه روزه دارد، و شبِ شنبه دو رکعت نماز بگذارد، و بعد از فاتحه[6] و من یتق الله جعله مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب تا قدرا[7] بیست و پنج بار بخواند، و بعد از سلام یک بار این حرز بخواند

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۹۱. ۳- ایضاً: ۱. ۴- ایضاً: ۹۳. ۵- ایضاً: ۹۴.
۶- ایضاً: ۱. ۷- ایضاً: ۶۵، ۲، ۳.

و با طهارت در خواب رود، کشادِ کار خود معلوم کند. انشاء الله تعالیٰ۔

ایضاً: اگر کسی این حرز را بنویسد، و در خانهٔ خود نگاه دارد، و بادو دزد و آتش در آن خانه زیان نرساند. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی در مصاف رود، و این حرز بروی باشد، او را به جوشن و خود و سپر حاجت نباشد، و هیبت در دلِ خصمان افتد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی (این حرز) بنویسد، و (به آب چاه) بشوید، و به کودک دهد تا بخورد. در تحصیلِ علم بر او کشاده گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی (این حرز) بنویسد، و در زیرِ بالین نهد، و زن و شوی با طهارت بخسپند، حق تعالیٰ ایشان را فرزندِ صالح روزی کند. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی را هر نوع سرخ باد باشد، این حرز را چهل روز بر چیزی خوردنی بخواند، و بخورد، نیکو شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی گریخته باشد، این حرز بنویسد، و در حقهٔ پاک نهد، و دهنِ او به موم مسدود کند، و در خانهٔ آن کس (در جای) پاک در زیرِ سنگی گرانه نهد، گریخته باز آید. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی را مهمی قوی پیش آید، باید که غسل پاک کند، و جامهٔ پاک بپوشد، و در جای خلوت عود و عنبر دُود کند، و دست در این حرز نهد، و شفیع آرد، حق سبحانهٗ و تعالیٰ کارش به مراد رساند. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی را دشمنِ سهم ناک باشد، باید که چهل و یک بار این حرز را بخواند، و اگر فرصت نباشد، هفت بار (بخواند)، اگر آن دشمن چون کوه باشد، شل گردد (انشاء الله تعالیٰ).

[۱۳۷و] ایضاً: اگر وام دار (این حرز) بخواند، وامش دوخته گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر فرزندان دارد، و اسبابِ ایشان نمی تواند ساخت، باید که این حرز را بر آبِ روان خوانده بخوراند، به فضلِ الله تعالیٰ کارِ ایشان ساخته گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر (کسی این حرز را) به مشک و زعفران نوشته بر بازوی راست بندد، و پیشِ

سلطان رود، اهلِ عزّت گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر (دشمنان) به خبث با او دعوی کنند (و او این حرز با خود داشته باشد)، بر ایشان ظفر یابد که دستِ چپ الیتد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: و اگر کسی عنین (باشد، و) چهل روز (این حرز) پیوسته بخواند، و یا با خود دارد، مرد شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی این حرز را با سورهٔ فتح[1] نوشته بر نیزه بندد، چون مقابلِ خصم شود به جنگ (خصم) روی به هزیمت آرد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر بیمار به معالجهٔ اطبا به نشود، باید که این حرز را در طاس برنج یا قدری خاک یا چوبی یا چینی به زعفران و گلاب یا از هرچه تواند، بنویسد، و (به آب چاه) بشوید، و او را به خوردن دهد، شفا یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر (کسی این حرز را) نوشته بر گردنِ اسپ بندد، و در گلّه گذارد، یکی از آن غایب نشود. (انشاء الله تعالیٰ)

ایضاً: اگر زنی عقیم تا سه حیض این حرز نوشته زیرِ بالین نهد، و با طهارت صحبت کند، بار بگیرد، و فرزندِ شایسته زاید. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر دو کس خصومت دارند، یکی غالب است و دوم مغلوب. اگر مغلوب (این حرز) نوشته با خود دارد، خصومت میانِ آن دو کس دفع شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی به نیتِ توسیعِ رزق (به این حرز) ملازمت کند، فراغت شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: هر که این حرز را یک بار به اعتقادِ درست بخواند، از (مرگِ) مفاجات نجات یابد، و از دنیا به سعادت رود. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی خواهد که تمامِ ماران جمع کند، به صحرا رود، و این حرز سه بار بر کارد بخواند،

۱- القرآن الحکیم: ۴۸

و از آن کارد خطی بکشد، و بنشیند، و بعد عدد این حرز را بخواند، و یا بگوید که به حقِ این حرز همه ماران حاضر آیند، به قدرتِ الله تعالیٰ همه حاضر آیند. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی خواهد که پرندگان را جمع کند، این حرز بر پوستِ گرگ بنویسد، و بر بامِ خانه نهد، و بگوید: به حقِ این حرز، یانی همهٔ طیور جمع شوند، به امر الله تعالیٰ جمع شوند. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی خواهد که (کسی را) عقد اللسان کند، صورتِ او از موم چنان سازد، که دهان گشاده بود، و زبانش درست، و در خانهٔ خالی این حرز را بخواند، چون به مقامِ اشارت رسد، به یک موی زبانش (را) با دهان چنان گره دهد که به یک دیگر چسپد، زبانِ آن کس نیز بسته شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: هر که این حرز را چهل و یک بار بخواند، حضرتِ خواجه خضر، علیٰ نبیّنا و علیه الصّلوٰة و السّلام، بر او حاضر شود. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی خواهد که دشمن دوست شود، باید که این حرز را سه بار بخواند. آن جا که اشارت ها است، این نام ها بر کفِ دستِ خویش بنویسد، و به جانبِ دشمن بنماید، (دشمن) همان ساعت دوست گردد. اَهیّا شراهیّا. (انشاء الله تعالیٰ).

ایضاً: روایت است که ملکی از ملوک به خدمتِ حضرتِ امیر المؤمنین، علی، کرم الله وجهه، آمد، [۱۳۷ب] و گفت: من مردی مهترزاده ام با مال و منال و ملکِ بسیار، و مرا دشمنی است که قصدِ هلاکِ من کرده است، و من از دفعِ وی عاجز گشته ام، و در این اندیشه بخفتم.

مرا گفتند که به نزدیکِ امیر المؤمنین علی، کرم الله تعالیٰ وجهه، برو، و بگوی: آن حرزی که حضرتِ رسول، صلی الله علیه وعلیٰ آله وسلّم، شما را آموخته است، مرا بیاموزی تا از این غم برهم.

به حکمِ این خواب به خدمتِ حضرت چون (برای) کار آمدم، مرا محروم مگردان.

حضرتِ امیر این حرز را (به او) آموختند.

چون او به خانهٔ خود باز گشت، زمانی اندک بر این بگذشت که خبر رسید که حق تعالی دشمن اورا هلاک گردانید، و او از غم برهید به برکتِ این حرز.

و خواننده را حضور باید تا کارِ او بر آید.

ایضاً: اگر مردی بر زنی عاشق شده باشد، سه روز روزه دارد، هر روز به وقتِ افطار روی سوی خانهٔ او کند، و این حرز را بخواند. بعدهٔ این دعا بخواند:

اللّٰهم قلوبهم و ارزقنی ما فی قلبی ونجنی من هذه الغم، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

(آن زن به او) رجوع شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

ایضاً: برای سلامتِ باز آمدن از سفر وقتِ روان شدن این حرز بخواند.

ایضاً: برای هلاکِ خصم هفت شبِ آدینه هر شبی هفت بار بخواند.

ایضاً: برای تسخیرِ خلایق سه روز روزه دارد، و هر بامداد این حرز را بخواند، و گرد بر گرد انگشت بگرداند.

ایضاً: اگر زهر خورده را به مشک و زعفران نوشته (به آب چاه) شسته بخوراند شفا یابد. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

ایضاً: اگر مردی عقیم باشد، این حرز به مشک و زعفران بنویسد، و (به آب چاه بشوید و) بخورد، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] سه بار سورة الاخلاص[2] و بعد از سلام این حرز را بخواند، و با زن صحبت کند، فرزندِ شایسته روزی شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

ایضاً: هر که این حرز بخواند، و بر دست بدمد، و بر رُوی فرود آرد، با آبروی باشد (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی خواهد که در معرکه رود، دو رکعت نماز بگذارد. و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[3]، سورة الاخلاص[4] سه بار. و بعد از سلام این حرز یک بار خوانده بر دستِ راست و یک بار (خوانده) بر دستِ چپ بدمد، و یک بار دیگر خوانده بر روی و سینه دست فرو

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲. ۳- ایضاً: ۱. ۴- ایضاً: ۱۱۲.

آرد، در معرکہ رود، ہیچ[*] زحمتی بدو نرسد، و در دلِ خصم ہیبت افتد، و او مظفّر و منصور باز گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی در ویرانہ افتاد کہ در آن آب و طعام نیست، باید کہ تیمم کردہ دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[1] سورۃ الاخلاص[2] ہفت بار، و بعد از آن این حرز بخواند، خدای تعالیٰ از جانبِ غرب آب و طعام پیدا کند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

ایضاً: اگر کسی بہ فقر درماندہ باشد، چہل و یک روز پیش از صبح برخیزد، و غسل کند، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[3] آیت الکرسی[4] یک بار، و سورۃ الاخلاص[5] سہ بار، و بعد از سلام دو بار درود و یک بار این حرز بخواند. ناغہ نکند. اگر ناغہ شود، از [۱۳۸ الف] سرگیرد (درماندگی دور شود). (انشاء اللہ تعالیٰ).

ایضاً: بہ جہتِ تسخیرِ دیو و پری وقتِ فرو شدنِ آفتاب بیرونِ شہر رود، و غسل کند، و جامۂ پاک بپوشد، و خود را معطّر کند، و آیت الکرسی[6] و چہار قل[7] بخواند، و بر خود دمد، و دو رکعت نماز بگذارد، و ہر چہ داند از قرآن بعد از فاتحہ[8] بخواند، و بعد از سلام قل اوحی[9] الیّ بہ آوازِ بلند بخواند، و از ہیچ چیز نترسد، و در خواندنِ این حرز مشغول شود. باید کہ اوّل گرد بہ گردِ خود از کاردِ فولاد خطی بکشد، و آیت الکرسی[10] بخواند، و از صورت‌ہای ہولناک نترسد، و ہیچ جوابِ شان ندہد تا پادشاہ بیاید. بعدہٗ آنچہ مقصود باشد بہ او بگوید، و عہد بکند، .... [11]

ایضاً: بہ جہتِ کارِ بستہ بعد از نمازِ عشا ہفت بار یا سہ بار (این حرز) بخواند. باید کہ بہ محلّی بنشیند کہ ہیچ حایل در آسمان و زمین نباشد. اوّل دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[12] اذا جاء نصر اللہ[13] ہفتاد کرت. بعدہٗ استادہ شدہ ذکرِ کروبیان یعنی سبحان اللہ والحمد للہ و لا الٰہ الا اللہ الیٰ آخر، و اذا سئلک عبادی عنّی فانّی قریب

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲. ۳- ایضاً: ۱. ۴- ایضاً: ۲، ۲۵۶. ۵- ایضاً: ۱۱۲. ۶- ایضاً: ۲، ۲۵۶.
۷- ایضاً: ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۱۴. ۸- ایضاً: ۱. ۹- ایضاً: ۷۲، ۱. ۱۰- ایضاً: ۲، ۲۵۶. ۱۱- در این جا در ہر نسخہ عبارتی افتادہ. ۱۲- القرآن الحکیم: ۱. ۱۳- ایضاً: ۱۱۰.

تا یوسٹ دون.[۱] و یا غیاثی ضم کرده هفت کرت بخواند، و بنشیند، و سر برهنه کند، و این حرز را با ملاحظهٔ قلب بخواند، مستجاب شود. (انشاء الله تعالیٰ).

تا چهل شب اگر فتح نشود، تا سه اربعین هم چنین کند. امید است که زود اجابت خواهد شد. انشاء الله تعالیٰ

خاصیت های این حرز بسیار است، امّا اندک نوشتم.

و اشارات اصل و اشارات حاجت در عین (دعای) سیفی محل به محل ذکر کرده خواهد شد (انشاء الله تعالیٰ).

(اگر کسی) دعای سیفی نود و نُه کرت بخواند به هر حاجت در سه روز یا پنج روز یا در هفت روز بخواند، به عنایت الله تعالیٰ حاجت او روا خواهد شد، بمنّه و کماله کرمه، آمین رب العالمین.

امّا سیّد السادات سیّد جلال بن سیّد داؤد بخاری از جدّ خود سیّد شکر الله بخاری بن سیّد حاجی حمید نظام الدین بخاری، قدّس الله تعالیٰ سرّهم، به این طریق شنیده بود، و او از مجلس مبارکِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله تعالیٰ علیه و آله وصحبه وسلّم وبارک، شنیده بود، و آن این است:

اوّل این اعتصام بخواند، بعدهٗ (دعای سیفی).

و اعتصام این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم

عزمت علیکم یا اصحاب السّر و الخواص و اعتصمت بك یا الله وبحق خضر و الیاس وبحق کهیج و میج کهکهیج جوجوع مرمخوع مهمخوع و بحق ابیخ زجرهیموغ طعهاج وبحق آدم و نوح و اعتصمت بك من شر الانس و الجن و الاهرمن والشیاطین و الاتباع ومن کل آفة و عاهة و اعتصمت بك من [۱۳۸ب] کل آفة و بلاء و

۱۔ القرآن الحکیم :۷: ۱۸۲۔

وبحق دانیال و بحق ابخ ابخ و آدش ادش و نودش وبحق اهیا شراهیا اغبا غوث وبحق عظمتك یاالله یاالله احفظنی من البلاء وآلآفة و العاهة وبحق موسیٰ وعیسیٰ وبحق داؤد و زکریا وبحق اسمٰعیل ویحییٰ وبحق ادریس و شیث وبحق سیّد المرسلین محمّد صلی الله علیه و آله وسلّم، توکلت علی الحی الّذی لا بدایة له ولا نهایة له و اعتصمت بك من شرّ الجن و الانس و بقراءة السیف الله وبقراءة السّیفی و استجب دعائی یاغیاث المستغیثین اغثنی یامن لیس کمثله شیٔ وهو السّمیع البصیر، حسبنا الله و نعم الوکیل و نعم المولیٰ ونعم النّصیر، الا له الخلق و الامر تبارك الله ربّ العالمین وصلی الله علیٰ خیر خلقه ومظهر لطفه محمّد وآله واصحابه اجمعین. والحمد لله ربّ العالمین.

دعای سیفی این است:

بسم الله الرحمٰن الرّحیم و اصلی واسلم علی سیّد المرسلین محمّد وآله اجمعین.

اللهم انت: چون آن جا رسد اشارتِ محلّ اجابت اوّل برای جمیع حاجات و جلهٔ اعداء.

و برای معرفت هفت بار بخواند:

یاقریب المجیب المدانی دون کل شیٔ یا قربه یا قریب

و انت نیز چهل بار بخواند.

اگر به جهت نیکی خواند، به دستِ راست اشارت کند، و اگر برای عداوت خواند، بدستِ چپ اشارت کند. پس سجده کند، و کار خواهد.

و در اشارتِ اوّل کارِ حاجت "انت" تکرار در دل کند، و خود فتح کار کند، و این دعا هفت بار بخواند: و در هر اشارت چشم ها به جانب آسمان کرده سه بار این دعا بخواند:

---

۱. ا ۱۳۸ اب این جمله ندارد.

الهی کفی علمك عن المقال وکفی کومك عن السؤال .

الهی بحق سرّ هذه الاسرار وبحق کومك الخفی بحق اسمك الاعظم ان تقضی حاجتی بحق کن فیکون .

اللهم طهر قلبی من شك وشرك و ریاء و زیّن لسانی بذکر و الثناء .

و پنج جا[1] اشارت است :

الاوّل : لا اله الاّ انت میان دو انت .

دوم : ان ینتقص ما اردت میان ان ینتقص ما اردت

سیوم : میان کن فیکون اللهم .

چهارم : میان کبیر المتعال

پنجم : نستوجب من جمیع خلقك و اللهم .

و درمیان هر اشارت این دعا بخواند :

الهی کفی علمك عن المقال و کفی کومك من السؤال .

الهی بحق سرّ هذه الاسرار تا کن فیکون

اللهم طهر قلبی تا و الثناء .

اگر برای دعوت خواند، سه بار این دعا بخواند :

دعای معظّم و مکرّم این است .

(بسم الله الرّحمن الرّحیم).

۱- حاشیهٔ برگ ۱۳۸ ب و ب برگ ۱۹۲ ب : رسول الله صلی الله علیه و آله وسلّم، فرمود که دراین پنج موضع اشارت است : اوّل : لا اله الاّ انت دلی درمیان دو انت،

و دویم : و رمیت من رمانی .

سیوم : لا اله الاّ انت لم تغب ولا تغیب عنك ،

چهارم : فانك انت الله الّذی لا اله الاّ انت الواحد ،

پنجم : اصول علی اعداء ... موضع پنجم را اشارة کل می گویند. همهٔ بزرگان براین اشارت متفق اند. باقی اشارات را تعین نیست. نسخهٔ مدلک من . ج برگ ۱۲۰ این حاشیه ندارد.

الهی کفی علمك عن المقال وکفی کومك عن السّؤال.

الهی بحق سر هذه الاسرار و بحق کومك الخفی و بحق کن فیکون و بحق اسمك الاعظم وحبیبك المعظم محمّد المصطفیٰ، صلی الله علیه و آله [۱۳۹ الف] و سلّم، ان تقضی حاجتی وتوصلنی الی مرادی و تدفع عنّی شرّ جمیع عبادك ، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

اللهم انت الملك الحق المبین هفت بار بخواند. بعدهٔ به سجده رود، و سه بار گوید : سبحان الملك الحق المبین، و اسم اوّل سبحانك لا اله الّا انت یا ربّ کلّ شیٔ و وارثه و رازقه و راحمه پانزده بار بخواند، هرچه خواهد، کشفِ حقایق یابد، و عالمِ علوی و سفلی منقادِ او شود. (انشاء اللهٔ تعالیٰ).

انت الملك الّذی لا اِله الّا انت کلّ جهت ترسِ آخرت این اِسم را نوزده بار بخواند از ترس ایمن شود. (انشاء اللهٔ تعالیٰ).

اسم (معظّم) این است :

(بسم اللّه الرّحمٰن الرّحیم)

یاخالق من فی السّموات والارض کل علیه معاده انت ربّی وانا عبدك عملت سُوء

چون آن جا رسد ده بار وَ اُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰهِ تا آخر[1] بخواند، و حاجت خواهد، بعدهٔ بخواند:

و ظلمت نفسی و اعترفت بذنبی فغفرلی فانّه لا یغفر الذّنوب جمیعاً الّا انت.

چون آن جا رسد: یقرء بقبول الدّعوة ۱۵ مرّة و فی کل مرّة ، یقرء هذ الاسم ۱۴ مرّة، وهی هذه الاسم یا منّان ذاالاحسان تا آخر. بعدهٔ بخواند : یا ربّ، یا غفور، یا شکور، یا حلیم، یاحکیم، یا رحیم ، یا کریم. اللهم انّی احمدك و انت.

چون آن جا رسد ، این دعا نیز بخواند، و بر هر اشارتی خصوصاً این دعا هفت بار یا سه بار بخواند:

دعای (بزرگوار) این است :

---

[1] القرآن الحکیم : ۴۰ : ۴۴.

(بسم الله الرّحمٰن الرّحیم)

الٰهی کفی علمك عن المقال وکفی کرمك عن السؤال.

الٰهی بحق سرّ هذه الاسرار و بحق کرمك الخفی و بحق اسمك الاعظم وحبیبك المعظّم محمد المصطفیٰ. صلی الله علیه وآله وسلّم، ان تقضی حاجتی و توصلنی الیٰ مرادی، تدفع عنّی شرّ جمیع عبادك برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و موافق اشارت سجده نیز کند، و دعا خواهد، و در سجده رود.

سبحان الملك الحق المبین چند بار تکرار کند، یا سه بار، وحاجت خواهد، و در دل آ

بعدهٔ برخیزد، و بخواند: للحمد اهل علیٰ ما خصصتنی

چون آن جا رسد، سر به سجده نهد، و حاجت خواهد، حاصل شود.

به من مواهب الرّغائب.

چون آن جا برسد، بگوید: اللّهم صلی علی محمدٍ وعلیٰ آل محمد و بارك وسلّم.

بعدهٔ چهل و یک بار یا واحد الباقی اوّل کل شیٔ تا آخر به حضورِ دل بخواند، هر خواهد یابد. بعدهٔ بخواند:

و اوصلت الی من فضائل الصّنائع و اولیتنی به من احسانك و بوّاتنی به مظنّة الصدق و انلتنی به من مننك [۱۳۹ ب] الواصلة الی و الی من اندفاع البلیّة عنّی و الوجوب لی والاجابة الدّعائی.

چون در این جا رسد، یا منّان ذاالاحسان قدعم کلّ الخلائق منه یامنان سه بخواند، و هفت بار الٰهی کفی علمك عن المقال تا آخر. بعدهٔ بخواند،

حین انا ادیك داعیا و اناجیك راغبا و ادعوك مضارعا مصافیا و حین ارجوك فاجدك فی المواطن کلها لی جارا حاضرا حفیا بارا وفی الامور کلّها ناصرا.

چون آن جا رسد، یک بار نَصۡرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَ فَتۡحٌ قَرِیۡبٌ وَ بَشِّرِ الۡمُؤۡمِنِیۡنَ[۱] وَاللّٰهُ خَ

۱ـ القرآن الحکیم ۶۱: ۱۳.

حَافِظًا[1] وهو ارحم الرّاحمین[2] بخواند، و ده بار یامذّل کلّ جبّار عنید تا آخر[3] بخواند. بعدہٗ بخواند:

و ناظرا و للخطایا و الذّنوب، غافرا و للعیوب، ساترا لم اعدم عونك وبرّك عنی طرفةً عین منذ انزلتنی دار الاختیار لتنظر الیٰ فیما اقدم الیك لدار القرار فانا عتیقك.

چون آن جا رسد یاحمید الفعال ذاالمن الیٰ آخرہ سی و چہار بار بگوید. بعدہٗ ہفتاد بار یا هفت بارحسبی الله الحسیب، نعم المولیٰ ونعم النصیر[4] برای دفعِ امراض و بلاها و اعدا بگوید: بعدہ بخواند:

یا مولائی جمیع المضار و المضال و المصائب و اللوازم و الهموم الّتی قدساورتنی فیها الغموم.

چون آن جا رسد، برای دفعِ مضرّت و مرگِ مفاجات فقد الهی ونزولِ بلاء آسمانی، و هرچه ظاهر شود روزِ چهار شنبه و پنج شنبه تا جمعه مقالعت کند، وصائم بود، وعندالافطار این آیت صد بار بخواند:

بسم الله الرحمٰن الرحیم

الله لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز[5].

بعدہٗ بخواند: لمعاریف اصناف البلاء.

چون آن جا رسد، برای پناه از کلِ بلّیات صد و بیست بار این دعا بخواند:

الٰهی کفی علمك تا آخر، بعدہٗ بخواند:

و ضرّب جهد القضاء لا اذکر منك الّا الجمیل ولـم اومنك الّا التفصیل خیرك لی.

چون به "خیرك لی" رسد، سه بار الله لطیف بعباده، یرزق من یشآء بغیرحساب[6] لدفع الفقر بخواند، هرگز مضطر نشود.

۱-۲-القرآن الحکیم: ۱۲، ۶۴. ۳- ایضاً: ۱۱، ۶۲. ۴- ایضاً: ۸، ۴۰. ۵- ایضا ۴۲، ۱۸. ۶- ایضاً: ۲، ۲۰۸.

بعدہٗ بخواند: خیرک لی شامل و صنعک لی کامل ولطفک لی کافل وفضلک علی متواتر ونعمک عندی متصلۃ [۱۱۰۱۲۰] لم تحقق جواری و صدقت. چون امیدی باشد، توقف بہ ہیچ وجہ برنیاید.

چون در این محل "و صدقت" رسد، رکعتی حاجت بگذارد، وھرچہ خواھد بخواند. بعدِ سلام درسجدہ رود، وگوید: ایاک ارجو و ایاک استعین بحمدہٖ و نستعین رجائی وصاحب اسفاری.

چون آنجا بہ "اسفاری" رسد، اگر در سفر بود، و بہ جہت مشقت دشواری کہ درسفرپیش آید، و "صاحب اسفاری" بیست و یک بار تکرار کند، دشواری دفع شود. بعدہٗ بخواند: و اکومت اسفاری و حققت امانی و شفیت، برای مرض روحانی وجسمانی وبرای شفاء مریض چہل و یک بار آیت وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا يَزِيْدُ الظّٰلِمِيْنَ اِلَّا خَسَارًا[1] بخواند، وآیت رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ[2] بسم اللہ کافی، بسم اللہ معافی، بسم اللہ رب الارض ولا فی السماء بسم اللہ الذی لا یضر مع اسمہ شیٔ فی الارض ولا فی السماء وھو السمیع العلیم. مرض روحانی و جسمانی دفع شود. و سہ بار "خیرک لی" گوید، اَللّٰهُ لَطِيْفٌ بِعِبَادِهٖ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ[3] این آیت "لدفع الفقر" بخواند، و این دعا نیز سہ بار بخواند:

اللھم کفی علمک عن المقال وکفی کرمک عن السؤال تا آخر بخواند.

بعدہٗ بخواند: امراضی وعافیت منقلبی و مثوای ولم تشمت بی اعدائی. اشارۃ عقد اللسان بخواند: فقطع دابر القوم الذین ظلموا، والحمد للہ رب العالمین، سہ بار اشارت بہ عدو کند، و سہ بار بخواند.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ نَجّٰنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ[4] یک بار:

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُوْنَ[5] اللھم شتت و فوق جمعھم وقلب تدبیرھم وخرب بنیانھم و بدل احوالھم واشغلھم بابدانھم وخذھم اخذ عزیز مقتدر درمحل خوانده شود: و رمیت من رمانی.

چون آن جا رسد، این اشارت عقد اللسان "رمیت من رمانی" ھفت کرت تکرار کند، و

۱۔ القرآن الحکیم: ۸۲۰۱۷۔ ۲۔ ایضاً: ۱۱۰۴۴۔ ۳۔ ایضاً: ۲۰۰۴۲۔ ۴۔ ایضاً: ۲۹۰۲۳۔
۵۔ ایضاً: ۱۱۰۴۴۔

سہ بار یا مبدی البرایا تا آخر بخواند.

بعدہٗ در سجدہ رود، و بخواند دہ بار: رَبَّنَا اکْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُوْنَ[1] اَنّٰی لَهُمُ الذِّکْرٰی[2] تا آخر، و هفتاد بار: حسبی اللّٰه بخواند تا آخر.

و این اشارت برای عقد اللسانِ دشمن است. و آن اشارت بہ انگشت سوی او کند، بعدہٗ بخواند: وکفیتنی شرّ من عادانی.

چون آن جا رسد، دوازدہ بار بخواند: رَبَّهٗ اَنِّیْ مَغْلُوْبٌ فَانْتَصِرْ[3] و دو رکعت نماز لتفرق الاعداء بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[4] چہل و یک بار تبّت یدا[5] و بعد از سلام سر بہ سجدہ نہد، و هفت بار حَسْبِیَ اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیْلُ، وَ نِعْمَ الْمَوْلٰی وَنِعْمَ النَّصِیْرُ[6]. وآیت وَمَارَمَیْتَ [۱۳۰ب] اِذْ رَمَیْتَ وَلٰکِنَّ اللّٰهَ رَمٰی[7] نہ بار یا مذل کلّ جَبَّارٍ عَنِیْدٍ[8] بقهرِ عزیزِ سلطانہ یازدہ بار فَسَیَکْفِیْکَهُمُ اللّٰهُ وَ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ[9] یازدہ بار بخواند، و اشارت بہ انگشت سوی او کند، و رمیت من رمانی سہ بار بگوید، و سہ بار این دعا بخواند:

اللّٰهی کفیٰ علمك عن المقال و کفی کومك عن السّوال.

اللّٰهی بحق سرّ هذه الاسرار و بحق کومك الخفی و بحق اسمك الاعظم ان تقضی حاجتی و بحق کن فیکون.

بعدہٗ بخواند: محمدی لک واصب و ثنائی علیک متواتر دائم. چون آنجا رسد، برای اجابت دعا این اسم هفت نوبت بخواند: یادائم بلا فناء تا آخر.

بعدہٗ بخواند: من الدهر الی الدهر بالوان التسبیح لك خالصا لك ومرضیا لك بناصح التوحید

چون آن جا رسد، جهت دفع شرِّ عدو این اسم سی و چهار مرۃ بخواند:

یا مبدی البرایا تا آخر، شرِّ عدو دفع شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

بعدہٗ بخواند: والاخلاص التفرید و امحاض التحمید و تمجید بطول التعبد و التعدید لم تعن فی قدرتك و لم تشارک فی الهیتك و لم تعلم لك مائیته و ماهیة فتکون للاشیاء المختلفة مجانسا و لم تعاین اذجبست الاشیاء علی العزائم المختلفات.

---

۱. القرآن الحکیم: ۴۴، ۱۲. ۲. ایضاً: ۴۴، ۱۳. ۳. ایضاً: ۵۴، ۱۰. ۴. ایضاً: ۱. ۵. ایضاً: ۱۱۱. ۶. ایضاً: ۸، ۴۰. ۷. ایضاً: ۸، ۱۷. ۸. ایضاً: ۱۱، ۵۹. ۹. ایضاً: ۲، ۱۳۷.

برای دفع الاعداء و تسخیر الاعدا:

اللهم سخرلنا جمیع اعداءنا و اصرف عنا شرّهم آمین.

بعدهٔ بخواند: ولاخرقت الاوهام حجب الغیوب فاعتقد منك محدوداً فی عظمتك ولا یبلغك.

چون آن جا رسد اشارت (برای) عقد اللسان و دفع الاعداء این اسم هفت بار بخواند: یا مبدی البرایا تا آخر، و اسم یا واحد الباقی الی آخره.

بعدهٔ بخواند: بعد اللهم ولا ینالك غوث الفطن و لا ینتهی الیك بصرٌ. اشارتِ محبت و القیت علیك محبة منی فی خلقك اجمعین برحمتك یارب.

بعدهٔ بخواند: ناطراق مجد جبروتك و ارتفعت عن صفة المخلوقین صفاتك قدرتك وعلی عن ذکر الذاکرین کبریاء عظمتك فلا ینتقص محلِ اجابتِ اشارتِ دوم.

چون آن جا رسد ان ینتقص اشارت بجهتِ زیادت شدن در علم و معرفتِ دینی و دنیائی هرچه مشروع است بخیریت طلب کند، و دوبار یاعزیز گوید تا تمام کارها برآید به کرم خدای تعالیٰ.

و این دعا نیز یک بار بخواند:

اللهم سخرلنا جمیع اعداءنا و اصرف عنا شرّهم [۱۴۱۱] ویک بار وَ اُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰہِ اِنَّ اللّٰہَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ.[1]

بعدهٔ بخواند: ما اردت ان یزداد و لا یزداد.

چون آن جا رسد، اشارتِ دفع اعدا کند.

بعدهٔ بخواند: ما اردت ان ینتقص و لا ضد سهدك حین.

چون آن جا رسد، سجدهٔ شکرانه کند، و هفت بار این اسم بخواند:

یا خالق من فی السموٰت تا آخر.

بعدهٔ بخواند: فطرت الخلق لیس لك ضد و لاند حصرتِ حین برت سنموس کلت الالسن.

۱۔ القرآن الحکیم: ۴۰: ۴۴.

چون آن جا رسد اشارتِ دفعِ زبان بندیِ خاص و عام کند، و بخواند:

صم بکم عمی فہم لا یعقلون[1] سہ بار.

بعدہٗ بخواند: عن تفسیر صفاتک و انحسرت العقول عن کنہ معرفتک و کیف یوصف کنہ صفتک

چون آن جا رسد، برای امن و امان از خوفِ سلطان یقرء ھذا الاسم شصت و دو بار:

یاکبیر انت اللہ الذی لا تہتدی العقول لوصف عظمتہٖ و کبریائہٖ، خوفِ او دفع شود.

بعدہٗ بخواند: یارب و انت اللہ الملک الجبّار القدّوس الذی لم تزل ازلیا ابدیا سرمدا دائما فی الغیوب وحدک لا شریک لک لیس فیہا احد.

چون آن جا رسد، ھفت بار بگوید: لا الٰہ غیرک.

بعدہٗ ھفتاد و یک بار وَ اُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰہِ اِنَّ اللّٰہَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ[2] بخواند، و چہل و یک بار و بہ روایتی چہل بار وقیل یازدہ بار این اسم:

یا الٰہ الالھۃ تا آخر بخواند، و حاجت برای ترقّیِ رزق طلب کند، روا شود.

بعدہٗ بخواند: غیرک ولم یکن لہ الٰہ سواک حادث فی ملکوتک افکار ذوالبصیرۃ وتحیرت فیک عمیقات مذاھب التفکیر وتواضعت الملوک لھیبتک.

چون آن جا رسد، دستِ راست بر زمین زند، و "شاھت الوجوہ" بخواند، و بعدہٗ دستِ چپ زند بر زمین، و نیّتِ تفرقۂ اعدا کند، اعدا تفرق شوند.

بعدہٗ بخواند: و انت الوجوہ للحی القیّوم و قد خاب من حمل ظلما بذلت الاستکانۃ لعزّتک.

چون آن جا رسد، ھفت کرت بخواند: یا عزیز تا آخر، عزّت زیادت شود.

بعدہٗ بخواند: و انقاد کل شی عظمتک و استلم لقدرتک وخضعت لک الرقاب و کل دون ذلک.

چون آن جا رسد، یقراء لدفع الاعداء ھذہ الاسم ثلث مرات یا واحد الباق الی آخرہ

---

1. القرآن الحکیم، ۲: ۱۷۱. 2. ایضاً، ۴۰: ۴۴.

بعدهٔ بخواند: تجلیو اللّغات [اعلاب] وضل هنالك التدبیر فی تصاریف الصفات فمن تفکّر فی ذٰلك رجع طرفه الیہ۔

چون آن جا رسد، برای دفع غم و اندوهِ دشمن این دعا بخواند:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ:

اللّٰهم فرج همی واکشف غمی و اهلك جمیع عدوی یا اللّٰه العالمین و یاخیرالناصرین.

بعدهٔ بخواند: الیہ حسیرا۔

چون بہ جای" الیہ حسیرا" رسد، پنج بار فمن تفکر فی ذٰلك رجع طرفه الیہ حسیرا بگوید، و دو آیت از سورة الملک بخواند: مَاتَرٰى فِیْ خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ تَفٰوُتٍ تا هو حسیر[1] و هفت بار یا قدّوس الطاهر من کلّ آفة بقدسه بر هفت سنگ ریزه بخواند، و جمع کرده یک جا کند. پس شش سنگ ریزه یک یک بہ طرفِ شش جا اندازد، و هفتم را در سر نهاده بر هر جا کہ رود، هیچ دشمن نبیند.

بعدهٔ بخواند: و عقلہ مبهوتا و تفکرہٗ متحیرًا۔

چون آن جا رسد لدفع الاعداء و زیادة الرزق وقضاء الحاجات نود بار رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً تا آخر[2] بخواند۔

بعدهٔ اسم یا واحد الباقی تا آخر پنجاه بار بخواند۔

بعدهٔ چهل و یک بار آیت رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً تا آخر[3] بخواند، هر حاجتی کہ خواهد از خدای تعالیٰ حاصل گردد، خاصه اعتقاد شدنِ امیر و امرا و حاکم در تسخیر او گردد۔

بعدهٔ بخواند: اللّٰهم لك الحمد حمدًا کثیرًا دائما مجتمعا متوالیا متواترا متسعا مستوثقا یدوم و تضاعف ولا یبید غیر مفقود فی الملکوت ولا مطموس فی العوالم ولا منتقص فی العرفان فلك الحمد۔

چون آن جا رسد اشارتِ دخولِ سلاطین فلك الحمد للّٰه[4] سه بار تکرار کند، بعدهٔ کلمهٔ طیب بخواند،

۱۔ القرآن الحکیم: ۶۷: ۳ و ۴۔ ۲ و ۳۔ ایضاً: ۲: ۲۰۱۔ ۴۔ ایضاً: ۱: ۱

بعدہ، بخواند: علی مکاربك التی لا تحصی فی اللیل اذا ادبر والصبح اذا اسفر و فی البرّ والبحر والغدو والاصال و العشی والابکار والظهیر والاسحار.

چون آن جا رسد، سہ بار اللہم صل علی محمد بعدد معلوم لك بخواند، وهفت بار یا کافی الموسع تا آخر بخواند، و در سجدہ رود. هر حاجت کہ خواہد بہ انصرام و زاری بہ حضورِ دل، امید است کہ مستجاب شود.

بعدہ، بخواند: وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَفِي كُلِّ جُزْءٍ مِنْ اجزاء اللیل والنهار

چون آن جا رسد، یقرء السیفی من مشیة الامور مرة وکل مرة یدخل هذه الاسم یاکافی الموسع تا آخر سہ بار یا دہ بار بخواند، وسعتِ رزق شود. و سہ بار درود و دو بار سورۂ مزمل[۱] ہر مہمی کہ باشد، البتہ حاصل شود. [۱۳۲ و]

بعدہ بخواند: اللہم بتوفیقك قد احضرتنی النجاة وجعلتنی منك فی ولایة العصمة فلم ابرح فی سبوغ نعمائك وتتابع الائك محروسالك فی الرد والامتناع، اشارت نفع حاجت.

بعد از عین توقف باید کرد، و مطلوب گذراند. بعد ازان ابتدا محفوظ لک کند، دخل بہ میم ندہد.

بعدہ بخواند: محفوظ لك فی المنعة والدفاع اشارت میانِ دو عین بعد از عینِ اول توقف باید کرد، و مطلوب بہ خاطر گزارد. بعد ازان ابتدا کند بہ عینِ دوم، و در ہر محلی کہ دو عین آید آن جا دعای مخفی طلبد.

بعدہ بخواند: عنی والتوفیق لی ومن تکلفنی فوق طاقتی ولم توض عنی الاطاعتی فانك انت اللہ لا الہ الا انت.

چون بہ این محل اجابت رسد، اشارتِ سیوم برای اجابتِ دعا سہ بار یا جیم کل صریخ ومکروب و غیاثه و معاذه، و سہ بار الٰہی کفی علمك عن المقال وکفی کرمك عن السؤال، و سہ بار یا دائم بلا فناء تا آخر بخواند.

بعدہ بخواند: لم تغب ولا تغیب عنك غائبة ولا تخفی علیك خافیة ولم تضل عنك فی ظلم الخفیات ضالة.

چون آن جا رسد یازدہ بار کلمۂ توحید گفتہ دو رکعت نماز بگذارد. ہر چہ خواہد بخواند. بعد از سلام

۱۔ القرآن الحکیم: ۷۳

این آیت بخواند: اِنَّمَا اَمْرُهٗ اِذَا اَرَادَ شَیْئاً اَنْ یَقُوْلَ لَهٗ کُنْ فَیَکُوْن[1] تا آخر خوانده در سجده
رود. و بگوید: یا عظیم ذاالثناء الفاخر تا آخر.
بعدهٔ برخیزد، و بخواند: اِنَّمَا اَمْرُکَ اِذَا اَرَادَتْ شَیْئاً اَنْ تَقُوْلَ لَهٗ کُنْ فَیَکُون.
اشارت کل حاجت. سه بار درود، و سه بار اللهی کفیٰ علمك عن المقال تا آخر، و سه بار یا
کل صریخ تا آخر. این اشارت برای کل حاجت خاصه تسخیر ملوک و دفع دشمن هفت بار
اللهم شتت شملهم تا آخر بخواند.
بعدهٔ بخواند: اللهم لك الحمد مثل ما حمدت به نفسك و حمدك به الحامدون.
چون آن جا رسد، اشارت برای ملاقاتِ سلاطین و کفایتِ مهمات هفت بار یا محمود تا آخر
و سه بار یا رحیم کل صریخ تا آخر.
بعدهٔ بخواند: و مجدك به الممجّدون و وحدك به الموحّدون.
چون آن جا رسد هفت بار یا کبیر انت الّذی تا آخر بخواند.
بعده بخواند: و کبّرك [۱۴۲ب] به المکبرون وهلك به المهللون وعظمك به المعظمون
و سجدك به المسجدون و قدسك به المقدّسون و شکرك علیه شاکرون حتی یکون منی
فی کل طرفة عین و اقل من ذٰلك مثل حمد جمیع الحامدین و توحید اصناف الموحّدین
والمخلصین و تقدّیس اجناس العارفین و ثناء جمیع المهللین و المصلّین والمسبّحین و مثل ما
به عارف و هو محمود و محبوب من جمیعِ خلقك من الحیوانات.
چون آن جا رسد، برای تسخیرِ عالم این اسم هفت بار بخواند:
یا ذاکی الطاهر من کل تا آخر بخواند.
بعدهٔ بخواند: والبرایا والانام ارغب الیك فی برکة ما انطقتنی به من ممدك
الیس ما کلفتنی به من حقك و اعظم ما وعدتنی به علیٰ شکرك ابتدأتنی بالنعم فضلا
و طولاً و امرتنی بالشکر حقاً و عدلًا و وعدتنی علیه اضعافا و مزیدا و اعطیتنی من رزقك

۱- القرآن الحکیم: ۳۶، ۸۲.

چون آن جا رسد، برای فراخیِ رزق هفت بار یا اللہ المحمود تا آخر بخواند.

بعدہٗ بخواند: واسعا کثیراً و اختیار رضی من ذالك واسالتنی منه شکر یسیرا صغیرا اذ نجیتنی و عافیتنی من جهد البلاء و لم تسلمنی بسوء قضائك و بلائك و جعلت ملبس العافیه من بلائك و اولتنی البسطة والرخاء و سوغت لی الیسر الفضل و ضاعفت لی اشرف الفضل و المزید مع وعدتنی به من المحجة الشریعة و بشرتنی به من الدرجة الرفیعة و اصطفیتنی باعظم النبیین و افضلهم لنا شفاعة و کرامة و ارفعهم منزلة و اوضحهم حجة و اقربهم منزل محمد المصطفیٰ صلی اللہ علیه و اٰله و سلم، و علی جمیع الانبیاء والمرسلین.

چون آن جا رسد، برای دفعِ وام پس یک بار کلمۂ توحید بگوید:

بعدہٗ هفت بار یا ذاکی الطاهر من کلّ آفة بقدسه.

بعدہٗ چهل بار صلوات: اللهم صل علی محمد و علی اٰل محمد و بارك وسلّم [۱۲۳] علیه.

بعدہٗ بخواند: اللهم اغفرلی مالا یسعه الّا مغفرتك.

چون آن جا رسد: سہ بار یا معید ما افناه اذا برز الخلایق تا آخر بخواند.

بعدہٗ این دعا یک بار بخواند: اللهم ارزقنی حبك و حب من یحبك و حب عمل یقربنی الیك یا ذالجلال و الاکرام.

بعدہٗ بخواند: و لا یمحقه الّا عفوك و لا یکفره الا تجاوزك و فضلك و هب لی فی یومی هذا و لیلتی هذه و شهری هذا و سنتی هذا یقینا صادقا یهوّن علی مصائب الدّنیا والآخرة و احزانها شوقا و یسوقنی الیك و رغبه فیما عندك المغفرة و بلغنی الکرامة من عندك و ارزقنی شکر ما انعمت به علیّ و انصرنی علی عدوی فانك انت اللّٰہ الذی لا الٰہ الّا انت الواحد الاحد المبدیٔ الرّفیع السّمیع العلیمُ الّذی لیس لامرك مدفع ولا عن قضائك ممتنع اشهد انك انت اللّٰہ لا الٰہ الّا انت ربّی وربّ کلّ شیءٍ فاطر السّموات والارض عالم الغیب و الشهادة الکبیر المتعال.

محلِ اجابتِ اشارتِ چهارم.

چون آن جا رسد، یک بار بخواند، رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِیَوْمٍ لَّارَیْبَ فِیْهِ

إِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ.[1] تفرقہ خاطر جمع گردد، و در سجدہ رفتہ حاجت خواہد، رواشود و یقرء الاستقامة فی الامور الشرعیه ۷۳ مرة و فی کل مرة. یقرء هذا الاسم ۱۶ مرة، یاحنّان انت الّذی وسعت کلّ شیٔ رحمة و علماً.

چون در ہر مقام اشارت کند، رکوع کند، و در سجدہ رود، و گریہ کند، و حاجت خواہد، و سہ بار دست برداشتہ این دعا بخواند:

الٰہی بحق سترهٰذه الاسرار و بحق کرمك الخفی و بحق اسمك الاعظم اسالك ان تقضی حاجتی بحق کن فیکون.

در این محل خواندہ شود: الٰہی کفی علمك عن المقال و کفی کرمك تا آخر.

بعدہٗ بخواند: اللّٰهم انّی اسألك الثبات فی الامر و العزیمة علی الرشد و الشکر علیٰ نعمتك و الصبر علیٰ قضائك تعلم ولا اعلم و انت علام الغیوب و اسألك حسن عبادتك و اعوذبك یا ربّ من جور کلّ جائر و بغی کلّ باغ و حسد کل [۲۴۳ ب] حاسد و مکر کلّ ماکر.

چون در این محل رسد، سہ کرت انگشت بہ سوی قبلہ اشارت کند.

بعدہٗ بخواند: و سحر کلّ ساحر و کید کل کائد و غدر کلّ غادر و شماتة کلّ کاشح و بك اصول علی الاعداء.

چون آن جا رسد، ہفت بار یا عزیز المنیع تا آخر، و یک بار.

اللّٰهم اهلك لجمیع اعدائی و اعدائك بقهرك یا قهّار یا جبّار. جملہ دشمن دفع شود.

بعدہٗ بخواند: و آیاك ارجوا ولایة الاحبّاء والقرباء فلك الحمد علیٰ مالا استطیع احصاءه ولا تعدیده من عوائد فضلك و عوارف رزقك والوان ما اولیتنی به من ارفادك انت اللّٰه الفاشی فی الخلق.

چون آن جا رسد، اشارت جہتِ وجدان مسروق و وصول حق غلبۂ اسم یا "باری النفوس"

۱- القرآن الحکیم: ۳: ۷.

دوازده بار بخواند.

بعدهٗ بخواند: حملك الباسط بالجود يدك و لا تضاد فی حكمك ولا تنازع فی سلطانك و ملكك و امرك.

چون آن جا رسد هفت بار یا حی حین لاحی فی دیمومة ملكه و بقائه، بخواند.

بعدهٗ بخواند: تملك من الانام ماتشاء و لا يملكون منك الّا ماتريد.

چون آن جا رسد، عدو در وهم آرد، و هر بار لانك انت و القدرة الكاملة هفت بار تکرار کند، آنچه خواهد، بیابد.

چون تفرقهٔ اعدا خواهد، دست بر زمین زند، و بگوید: شاهت الوجوه للحی القیوم، مستجاب شود. مجرب است.

و این اسم نیز بخواند: یا مبدئ البرایا الی آخره چهل بار بخواند، و اگر نه هفت بار لیلین[1] بخواند، گم شده های خود را یابد: لحصول الاملاك يقرء السيفی ۷۷ مرة و فی كل مرة يقرء هذه الاسم ۸ مرة يا حی حين لا حی فی ديمومة ملكه و بقائه، و هفت بار: الٰهی بحق سرّ هذه الاسرار و بحق كرمك الخفی و بحق اسمك الاعظم اسالك ان تقضی حاجتی بحق كن فيكون،

و یک بار این دعا بخواند: الٰهی كفی علمك عن المقال و كفی كرمك عن السؤال تا آخر.

بعدهٗ بخواند: اللّٰهم انت اللّٰه المنعم المفضل القادر القاهر المقتدر القدّوس فی نور القدس تردیت بالعزّ و العلاء و تازرت بالعظمة و الكبرياء و تغشيت بالنور و الضياء و تجللت.

چون آن جا رسد، لحصول العلم يقرء ۹۳ مرة و فی كلّ مرة، يقرء هذه الاسم مرة يا اله الآلهة الرّفيع جلاله.

---

[1] القرآن الحكيم: ۳۶.

بعدہ بخواند: بالمهابة والبهاء [۱۴۲۱۶] لك المن القديم والسلطان الشامخ والملك الباذخ والجود الواسع والقدرة الكاملة فلك الحمد علیٰ ما جعلتنی من امّة محمد، صلی الله علیه و آله و سلّم.

چون آن جا رسد، لروية النبی صلی الله علیه و آله وسلّم، فی المنام، يقرء ۱۵ مرة و فی کل مرة، يقرء هذه الاسم ۳۶ مرة يا محمود فلا تبلغ الاوهام كل كنه ثنائه ومجده.

بعدہ بخواند: و هو افضل بنی آدم الذی كرمتهم وحملتهم فی البر والبحر و رزقتهم من الطيبات وفضلتهم علیٰ كثير ممن خلقتهم من اهلها تفضيلا و خلقتنی سميعا بصيرا. صحيحا سالما سويا معافا ولم تشغلنی بنقصان فی بدنی ولم تمنعنی كرامتك اياى وحسن صنيعتك عندى وفضل منا تحك لدى ونعائك علیٰ انت الذى اوسعت علیّ فی الدنيا والآخرة رزقا واسعا وفضلتنی علی كثير ممن خلقك من اهلها تفضيلا فجعلت لی سمعا بسمع اياتك وبصرايری قدرتك و فوادا يعرف عظمتك وقلبا يعتقد توحيدك.

چون آن جا رسد، اسم يا مجيب فلا تنطق الالسن كلّ آلائه و نعائه و ثنائه ومجدہ سہ بار بخواند برای حصولِ حقِ معرفت.

بعدہٗ بخواند: فانی لفضلك علی حامد و لك نفسی شاكرة وبحقك شاهدة فانك حی قبل كلّ حی وحی بعد كلّ حی وحی بعد كلّ ميت وحی لم ترث الحيوٰة و لم تقطع خيرك عنی فی كلّ وقت ولم تنزل فی عقوبات النقم و لم تمنع عنی دقائق العصم ولم تغير علیّ وثائق النعم فلولم اذكر من احسانك الاعفوك عنّی والتوفيق لی.

چون آن جا رسد، للقوّة الحافظة يقرء ثمانيت مرة وفی كل مرة يقرء هذه الاسم يا مبدع البدائع ولم تبلغ فی انشاءها عونًا من خلقه سی و دو بار.

بعدہٗ بخواند: والاستجابة لدعائی حين رفعت صوتی و رغبت فاحسنت صورتی بتوحيدك.

چون آن جا رسد، برای وسعتِ رزق و امان از جمیع شدائد هفت بار یا الله المحمود فی کل فعاله تا آخر بخواند. [۲۴۴ب] هرچه در خاطر بگذرد، البتہ آن شود.

و تمجیدك تحمیدك و تهلیلك و تکبیرك و تعظیمك و تقدیس والا فی تقدیرك حین صورتنی فاحسنت صورتی والا فی قسمة الارزاق حین قدرتها لی لکان فی ذالك ما یشغل شکری عن جهدی.

چون آن جا رسد، برای جمیعِ مالِ حلال این اسم: یا عالی الشامخ فوق کل شیء علوّ ارتفاعه سه بار بخواند.

فکیف اذا فکرت فی النعم العظام التی اتقلب فیها ولا ابلغ شکر شیء منها فلك الحمد عدد ما حفظه علمك و عدد ما وسعة رحمتك.

چون آن جا رسد، چهل و یک بار رَبَّنَآ اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهٗ ؕ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ[1] برای امان یافتن از هولِ قیامت و عذابِ آخرت.

بعدهٗ بخواند: و عدد ما احاطت به قدرتك و اضعاف ما تستوجبه من جمیع خلقك.

چون آن جا رسد، محلِ اجابتِ اشارتِ پنجم برای قضدِ دَین و خلاصِ محبوس و علمِ کیمیا بخواند، و در این محل بسیار زاری و طلبِ حاجت کند، مقبول شود. لاتمام الامور یقرء ۷۲ مرة وفی کل مرة یقرء هذه الاسم ۲۴ مرة یا معید ما افناه اِذا برز الخلائق لدعوته من مخافة، و یک بار این دعا بخواند:

الٰهی بحق سرّ هذه الاسرار و بحق کرمك الخفی و بحق اسمك الاعظم اسالك ان تقضی حاجتی بحق کن فیکون.

الٰهی کفی علمك عن المقال و کفی کرمك عن السوال. در این محل این دعا نیز بخواند.

بعدهٗ بخواند: اللهم فتمم احسانك الی فیما بقی من عمری کما احسنت الی فیما مضی منه.

چون آن جا رسد، لقضاء الحاجات یقرء ۷ مرة و فی کل مرة یقرء هذه الاسم

۱۔ القرآن الحکیم، ۳: ۱۹۲۔

۴۵ مرة یا رحمٰن تا آخر، و سه بار.

اللهم صل علیٰ محمّد و علیٰ آله الطیّبین الطاهرین من خلقك احصی من کتابك و احاط به علمك یا قدیم الاحسان احسانك قدیم احسن الیها باحسانك القدیم یا رحمٰن تا آخر سه بار. این اشارتِ تمام کارها و مقصود در خاطر بگذارد، و این اسم نیز یک بار بخواند: یا جلیل تا آخر. اللهی بحق یاستر تا آخر.

اللهم انی اسالك و اتوسل الیك بتوحیدك و تمجیدك و تحمیدك و تهلیلك و کبریائك و کمالك و تکبیرك و تعظیمك و نورك و رأفتك و رحمتك و علوّك [۱۴۵ ل] و وقارك.

چون آن جا رسد اشارت از جهتِ تمام کارها و مقصود در خاطر بگذارند، و اسم یا جلیل المتکبّر تا آخر پنج بار بخواند، و این صلوات سه بار بخواند:

ان تصلی علیٰ محمّد و علیٰ آل محمّد و علیٰ سائر اخوانه انبیاء والمرسلین.

بعدهٔ بخواند: و منك و بهائك و جلالك و جمالك و قوّتك وسلطانك.

چون آن جا رسد، برای قضای جمیع حاجات خواهد، این اسم هفت بار بخواند:

یارحیم کل صریخ و مکروب و غیاثه تا آخر، و ده بار این اسما:

یاحی، یا قیّوم، یا واحد، یا احد، یا ماجد، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و قدرتك و احسانك و امتنانك و رحمتك و نبیّك و عترته الطّاهرین ان تصلی علیٰ محمّد و علیٰ آل محمّد ان لا تحرمنی رفدك.

برای دفع دشمن سه بار این اسم بخواند: یا قاهر ذاالبطش الشّدید، انت الّذی لا یطاق انتقامه، دشمن دفع شود.

بعدهٔ بخواند: وفضلك وجمالك و فوائد کراماتك فانّه لا یعتریك لکثرة ماقد نشرت به من العطایا عوائق البخل و لا ینقص جودك التقصیر فی شکر نعمتك و لا تنفد خزائنك المتسعة و لا تعسرنی جودك العظیم، منحك الفائقة الجزیلة الجمیلة الجلیلة و لا تخاف ضیم املاق فتکدی و لا یلحقك خوف عدم فینقص من جودك فیض فضلك.

چون در این جا رسد، سه بار صلوات بخواند:

اللهم صل علیٰ محمد و علیٰ آل محمد و بارك و سلم.

اللهم ارفعنی و ارحمنی فانك علیٰ کل شیٔ قدیر. لحصول التواضع یقرء هذہ الاسم ۲۹ مرة:

یا قریب المتعال فوق کل شیٔ علو ارتفاعه. و این دعا یک بار بخواند: الٰهی بحق سر هذه الاسرار بحق کرمك الخفی و بحق الاسمك الاعظم ان تقضی حاجتی و تصلنی الی مرادی و تدفع عنی شر جمیع خلقك، برحمتك یا ارحم الراحمین.

بعدہٗ بخواند: اللهم ارزقنی قلبا خاشعا خاضعا ضارعا و بدنا صابرا و یقینا صادقا و لسانا ذاکرا و حامدا و رزقا واسعا و علما نافعا و ولد صالحا و عینا باکیه و توبة مقبولة و سنا طویلا و اسالك رزقا واسعا حلال طیباً، و لا تقنطنی من رحمتك تبعدنی من کنفك [۱۲۵ب] و جوارك و باعدنی من سخطك و غضبك و لا تؤیسنی من رحمتك و روحك و کن لی انیسا من کل روعة و وحشة و اعتصمنی من کل هلکة و جلیسا من کل وحدة و نجنی من کل بلیه و عاهة و آفة و غصّه و محنة و شدّة و فتنة و اهانة و علة و قلة و ذلّة و مرض و برص و فقر و فاقة و وباء و زلزلة و غرق و حرق و برد فی الدارین، انك لا تخلف المیعاد.

چون آن جا رسد، برای ازدیادِ حشمت و دولت این دعا ده بار بخواند:

اللهم انك قلت ادعونی استجب لکم.

اللهم بحق الحسن و اخیه و جدّه و بنیه و امّه و ابیه.

وصفت بار: یا تقیا من کل جود لم یرضه و لم یخالطه فعاله، و سه بار یا حمید الفعال "تا آخر بخواند:

بعدہٗ بخواند: اللهم ارفع و لا تصعنی و ادفع عنی و لا تدفعنی و اعطنی و لا تحرمنی و اکرمنی و لا تهنی و زدنی و لا تنقصنی و ارحمنی و لا تعذبنی و انصرنی و لا تخذلنی و استرنی و لا تفضحنی و اثرنی و لا توثر علی و احفظنی و لا تضیعنی فانك علیٰ کل شیٔ قدیر. و بالاجابة الجدیر و صلی الله علیٰ خیر خلقه محمد و آله اجمعین. یا ذا الجلال و الاکرام. برحمتك یا ارحم الراحمین.

چون آن جا رسد برای تیسیر المهمات هر دو لفظ را یا ذا الجلال و الاکرام

بمحتلب یا ارحم الرّاحمین سہ بار تکرار کند تا زود قبول گردد.

و اسم یا حلیم ذاالانات فلا یعادہ شیٔ من خلقه هفت بار بخواند.

و دعای را کہ در اشارت منقول است، یک بار بخواند:

الٰهی بحق سر هذه الاسرار تا آخر.

بعدهٔ بخواند: اللّهم یا قدرت لی من امر و شرعت فیه بتوفیقك وتیسیرك فتمه لی باحسن الوجوه کلها واصلحها و اصوابها فانك علی ماتشاء قدیر و بالاجابة جدیر.

چون آن جا رسد، سر به سجده نهد، و سه بار بگوید:

یالطیف اغثنی و ادرکنی بحق لطفك الخفی، و حاجت خواهد، روا شود.

بعدهٔ بخواند: یامن قامت السّموات والارضون بامره یامن یسك السّماء ان تقع علی الارض [۱۲۷ الف] الا باذنه یامن، امره اِذَآ اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَّقُوْلَ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ[1]

چون به "کن فیکون" برسد، چهل و یک بار درود بخواند، و کلمهٔ طیب هفت بار بخواند، و دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه هرچه داند از قرآن حاجتش برآید، بعدهٔ دو رکعت نمازِ دیگر بگذارد بعد از فاتحه اِنَّمَا اَمْرُهٗ تا آخر سه بار بخواند. بعد از سلام در سجده رود، و این اسم اعظم بخواند:

یا عظیم ذاالثناء تا آخر. هرچه خواهد، بیابد.

بعدهٔ برخیزد، و در سجدهٔ دوم رود: یا قاهر ذاالبطش الشدید تا آخر بخواند. هفت بار نامِ خصم بگیرد. هلاک شود.

فَسُبْحٰنَ الَّذِیْ بِیَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَیْءٍ وَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ[2]

چون آن جا رسد، این دعا بخواند:

اللّهم بحق سرّ هذه الاسرار و بحق کرمك الخفی و بحقِ اسمِ اعظم و بحقِ کن فیکون،

۱- القرآن الحکیم: ۳۶، ۸۲. ۲- ایضاً: ۳۶، ۸۳.

بعدہٗ بخواند: و صلی اللّٰہ علی سیدنا محمّد و آلہ الطیبین الطاهرین و سلّم تسلیماً کثیراً، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

بعدہٗ اختتام بخواند: سبحان اللّٰہ القادر القاهر القوّی الجبّار الحی القیوم المعین.

اللّهم فرج همی واکشف غمی واهلك جمیع عدوی، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

اللّهم شتت شملهم و فرق جمعهم و تلب تدبیرهم و بدل احوالهم و قلل اعمارهم و ذلل اقدامهم و خرّب بنیانهم و قصر آمالهم و طوّل احزانهم و نکس اعلامهم و قرب آجالهم و شغلهم بابدانهم و کسر ظهورهم و سوّدہ وجوهم و بیض عیونهم و هدّم اوطانهم و خذهم بدآء لادواءلهم.

اللّهم اهلکهم کاهلاك عاد و نمرود و غرقهم کاغراق فرعون و قارون بقهرك یا قهّار یا جبّار. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

تمّت تمام شد "دعای سیفی" معظّم و مکرّم.

× و از حضرت شیخ حسن بصری، قدس اللّٰہ سرّہ العزیز، منقول است: هرکہ "دعای نادِ علیًّا" مظهر العجائب و الغرائب تجدہ عونالك فی النوائب کلّ هم و غم سینجلی بنبوّتك یا محمّد یا محمّد یا محمّد و بولایتك یا علی یا علی یا علی. بعد از هر نمازِ عشا هفت بار بخواند خدای تعالیٰ از جملہ بلاها نگاہ دارد، و عجائب و غرائب خدای تعالیٰ نیز بسیار بیند، و هیچ غم و اندوہ نبیند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و فضیلت این "دعای نادِ علیًّا" هیچ کس نداند بجز خدای تعالیٰ.

هرکہ نادِ علیًّا [۲۶۴ب] تا آخر بعد از نمازِ فجر یک بار بخواند، هیچ دشمن از انس و جن و دیو و پری و از درندہ و پرندہ زیان نرساند. (انشاء اللّٰہ تعالیٰ).

و هرکہ این دعا نوشتہ در نیزہ یا در دستار یا در بازوی راست بندد، هر جا کہ رود با فتح و نصرت باز آید در خانۂ خود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

و این دعای بازوبندِ امیرعلی کرم الله تعالیٰ وجهه و اولادِ آن بود، و فضیلتِ این دعا بسیار است، امّا اندک نوشتم.

اسنادِ نادِ علیّاً را بعضی چهارهزار خاصیت نوشته اند، از آن جمله چهارده را ذکر کرده شده است:

خاصیتِ اوّل: اگر کسی بیمار باشد که اطبای عالم از معالجهٔ او عاجز شده باشند، این کلمات را بر آب بخواند، و بدمد، به مجرّدِ خوردنِ آب صحت یابد. (انشاء الله تعالیٰ)

خاصیتِ دوم: اگر کسی را از دشمنی خوف باشد، هر روز (این کلمات را) هفتاد بار بخواند، دشمنانِ او زود مقهور شوند. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ سیوم: اگر کسی را سحر کرده باشند، و به هیچ وجه نیکو نمی شود، این کلمات را هفت بار بر آب سه چاه بخواند، و بخوردنِ او دهد، و غسل کناند، سحر باطل گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ چهارم: اگر کسی را زهر داده باشند، باید که (این کلمات را) به مشک و زعفران بر کاسهٔ چینی نویسد، و به آب (چاه) بشوید، و (این کلمات را) دوازده بار بر آن بخواند، و بخوردنِ او دهد، فی الحال زهر فرود آید. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ پنجم: اگر کسی را مهمّی صعب پیش آید، و در غم گرفتار باشد، باید که (این کلمات را) یک هزار بار به آن نیّت بخواند، غم به فرحت مبدّل شود. (انشاء الله تعالیٰ)

خاصیتِ ششم: اگر کسی را پادشاه غضب کرده باشد، باید که (این کلمات را) هفت بار بخواند، و پیشِ او برود، و سه بار و دو بار باز بر روی او آهسته بخواند، به مجرّدِ خواندن غضب او برطرف شود. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ هفتم: اگر کسی را به طلب کسی باید فرستاد، (باید که این کلمات را) در گوشِ او سه بار بخواند، و پیشِ او بفرستد. آن کس طلبد، و سخنِ او شنود. کار بر آید. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ هشتم: اگر کسی (این کلمات را) در ساعتِ اوّل روزِ جمعه چهل و هشت بار

بخواند، بعد ازان با هر کہ سخن گوید، محبّ او شود، اگرچہ دشمن باشد. (انشاءالله تعالیٰ).

خاصیتِ نهم: اگر کسی در تهمتی گرفتار شده باشد، باید کہ (این کلمات را) در صباح بعد از نمازِ فجر چہل و یک بار بخواند، آن تهمت از او برخیزد، و جملہ خلایق (او را) بہ زبانِ نیک یاد کنند. (انشاء الله تعالیٰ)

خاصیتِ دهم: برای دفعِ بی‌خوابی (این کلمات را) پیش از نمازِ جمعہ بیست و پنج مرتبہ بخواند، بی‌خوابی ازو دفع شود. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ یازدهم: از برای حصولِ غنا (این کلمات را) هر بامداد پیش از تکلم نود و یک بار بخواند، غنی گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ دوازدهم: برای زیادتی حشمت (این کلمات را) یک هزار و پانصد مرتبہ بخواند، محتشم گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ سیزدهم: برای بستنِ زبانِ اعدا (این کلمات را) ده بار بخواند، تا ده روز، (زبانِ اعدا) بستہ گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ چهاردهم: از برای حصولِ مرادات و انقیادِ اعدا [۱۱۴۷] (این کلمات را) هر روز یک صد و هژده مرتبہ تا هفتاد روز بخواند، مرادات برآید، و اعدا منقاد گردند. (انشاء الله تعالیٰ).

(دعاءِ نادِ علیًا این است):

بسم الله الرحمٰن الرحیم

نادِ علیًا مظهر العجائب تجده عونالك فی النوائب لی الی الله حاجتی لی کل هم و غم سینجلی بنبوّتك یا محمّد یا محمّد یا محمّد و بولایتك یا علی یا علی یا علی اقض حاجتی.

دعای امیرین و حرزِ امیرین: امیر عمر و امیر علی، رضی الله تعالیٰ عنهما.

وجہِ تسمیۂ وی بہ امیرین آن است کہ حضرت امیر المؤمنین عمر رضی الله تعالیٰ عنہ، و حضرت امیر المؤمنین علی، رضی الله تعالیٰ عنہ، از حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیہ و آلہ وسلم،

روایت کرده اند که هیچ بنده این دعا نخواند مگر حق تعالیٰ دعای او مستجاب گرداند.

و نیز از حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلم، به قسم مؤکد گردانیدند که این دعا را به نیتِ آن خواند که بندهای آهنین گشاده گردد، و آب روان بایستد. انشاءالله تعالیٰ.

و فضیلتِ این دعا بسیار است، امّا اندک نوشتم.

(دعای امیرین و) حرز امیرین این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم

اللهم انك حی لا تموت و خالق لا تخلق و سمیع لاتشك و بصیر لا تغاب و شاهد لا تغاب و لا ترتاب و ابدی لا تفقد و صادق لا تكذب و قاهر لا تغلب و قریب لا تبعد و قاوب لاتضاد و غافر لا تظلم وصمد لا تطعم وقیوم لا تنام ومجیب لا تسام وجبّار لاتكلم و علیم لا ترام و عالم لا تعلّم وقوی لا تضعف و عظیم لا توصف و وفی لا تخلف وعدل لا تحیف و غنی لا تفتقر وكبیر لا یقدر وحكم لا تجوز و منیع لا تقهر و معروف لا تنكر وكیل لا تحقر و غالب لا تغلب و وتر لا تسامر و فرد لا تستبشر وقاهر لا تمل و سریع لا تذهل وحلیم لا تجل وجواد تبخل و عزیز لاتذلّ و حافظ لا تغفل وقائم لاتنام و محتجب لا ترئ و دائم لاتفنی و باق لاتبلی و واحد لاتشبه و مقتدر لاتنازع یاكریم الجواد الكریم، یا قریب المجیب المتعال، یا جلیل المتجلّل یا سلام، [۱۲۷ ب] المؤمن المهیمن یا عزیز المعز المتعزز بالسنة شتی و لغات مختلفة وحوائج آخر یامن یشغله شان یا من لا یشغلك شیءٌ عن شیءٍ انت الّذی لا تغیرك الازمنة و لا تحیط بك الامكنة و لا تصفك الامكنة و لا یا اخذك نوم و لاسنة و لا یشبهك شیءٌ وكل كیف لا یكون كذلك و انت خالق كل شیءٍ هالك لا وجهك الكریم سبوح ذكرك قدوس امرك واحد حقك نافذ قضاك صل علی محمد و آل محمد یسرلی من امری ما اخاف عزته وفرج عنی ما اخاف صیعة و سهل لی ما اخاف حزونته.

سبحانك اللهم و بحمدك لا اله الّا انت سبحانك انّی كنت من الظالمین.

سبحانك اللهم و بحمدك لا اله الّا انت الحنان المنان یاذاالجلال والاكرام یا بدیع

السموات والارض .

اللھم انی اسالك و لا اسال غیرك و ارغب الیك ولا ارغب الی غیرك یا معطی السائلین ومنی الراغبین و اسالك امان الخائفین ورجاء المستجیرین و فتاح الخیرات ومقیل العثرات و ماحی السیئات کاتب الحسنات رفیع الدرجات مانع البلیات و اسالك بافضل اسمائك کلھا و اعظمھا و انجحھا الذی لا ینبغی العباد ان یسالوك الا بھا یا اللہ یا رحمٰن یا رحیم و اسالك باسمائك الحسنی کلھا و بصفاتك العلیا و بنعمتك التی لا تحصی و باکرم اسمائك الیك واجھا الیك و اشرفھا عندك اجابۃ و باسمائك المکنونۃ والمخزونۃ الجلیل الاجل العظیم الاعظم الذی تحبه و ترضاہ عمن دعاك به و تستجیب له دعاءہ ومن علیك ان لا تحرم سائلك الاجابۃ بھا وبکل اسم دعاك به حملۃ عرشك و ملائکتك و اصفیائك و انبیائك وحملۃ عرشك لمن خلقك [۱۳۸ | ا] و بحق السائلین علیك و راغبین الیك و المستغفرین الیك والمتعوذین بك و المتضرعین الیك و بحق کل عبد متضرع متعبد لك فی برا و بحرا و سھل وجعل جبل عال به و ادعوك الیك دعاء من قد اشتدت فاقته و عظم جرمه و اشرفت الاعلی المھلك نفسه و ضعفت قوله و قلت حیلۃ و من لا یثق بشیء من علمه وعمله الا بك ولا مجلا خافیۃ براجابوا معینا ولا لذنبه غافرا غیرك ولا مستعینا بسواك ھوبت الیك متعوذا غیر مستنکف ولا مستکبر عن عبادتك یا منا فقیرا مستجیرا ھذا و اسالك بانك انت اللہ الذی لا الہ الا انت الحنان المنان بدیع السموات والارض یا ذاالجلال و الاکرام عالم الغیب و الشھادۃ الرحمٰن الرحیم .

اللھم انت الرب و انا العبد و انت الملك و انا المملوك و انا المخلوق و انت الحی و انا المیت وانت العزیز و انا الذلیل وانت الغنی و انا الفقیر و انت الباقی و انا الفانی و انت المحسن و انا المسی وانت الغفور و انا المذنب و انت الکریم و انا الجافی وانت الرحیم و انا الخاطی و انت القادر و انا المقدور و انت الباعث و انا المبعوث وانت الحی لا یموت و انا عبدك سوف اموت وانت الخلاق و انا المخلوق و انت القوی وانا الضعیف وانت المعطی و انا السائل و انت الرزاق و انا المرزوق وانت الآمن و انا الخائف و انت الحی ممن اشکوت الیه شیء وحزنی واستغیث به و اسالت دعوته ورجوته وانت الکریم لانك کم من مذنب قد غفرت له و کم من شیء قد تجاوزت عنه وکم من ضال قد ہدیته وکم من وضیع قد شرفتہ وکم من طویل قد انتبه وکم من

بلاء قد دفعته فاما عبدك الهی فارزقنی حفظ کتابك فی قلبی واتخذنی کما اتخذت [۱۴۸ب]
ابراهیم علیه السلام خلیلا و کلمت موسیٰ تکلیما و ایدت عیسیٰ بروح القدس وکان یبری
الاکمه والابرص و یخرج الموتی باذنك.

یا الهی اسالك بحق رسولك محمد خیر خلقك علیه افضل صلواتك ان ترزقنی حفظ
کتابك یا مجیب دعوة المضطرین و یا معطی السائلین انك نعم المولیٰ ونعم النصیر فاغفرلی و
تجاور عنی ، برحمتك یا ارحم الراحمین.

و از حضرت امام حسین شهیدِ دشتِ کربلا، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، منقول است: هر که این
مناجاتِ حضرت امیر علی، کرم اللّٰه وجهه، بعد از هر نماز یک بار بخواند، خدای تعالیٰ او را جمله بلاهای
گوناگون نگاه دارد، و از عذابِ ابدی خلاص یابد، و ایمانِ او همیشه سلامت باشد، و آنچه از
خدای عزّ وجلّ خواهد، یابد. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

وفضیلت این مناجات بسیار است، امّا اندک نوشتم.

مناجاتِ بزرگوار حضرتِ امیر المؤمنین و امام المسلمین اسد اللّٰه الغالب علی ابن ابی طالب
کرم اللّٰه تعالیٰ وجهه، این است:

بسم اللّٰه الرحمٰن الرحیم

اللّهم لك الحمد یاذا الجود والمجد والعلی   تبارکت تعطی من تشاء و تمنع

این بیتِ اوّل از برای جاه و حرمت سه هزار بار بخواند:

الهی و خلاقی و حرزی و موئلی   الیك لدی الاعسار و الیسر افزع

این بیتِ دوم از برای حرزِ مال هفصد بار بخواند:

الهی لئن جلت و جمّت خطیئتی   فعفوك عن ذنبی اجل و اوسع

این بیتِ سوم از برای عفو گناه دویست وسه بار بخواند:

الهی لئن اعطیت نفسی سُؤلها   فها انا فی روض الندامة ارتع

این بیتِ چهارم از برای عطا یافتن دو هزار وصد بار بخواند:

الهی تری حالی و فقری وفاقتی   و انت مناجاتی الخفیه تسمع

این بیتِ پنجم از برای دفعِ درویشی سه هزار بار بخواند:

الٰهی فلا تقطع رجائی و لا تزغ فؤادی فلی فی سیب جودك مطمع

این بیتِ ششم از برای بر آمدنِ امید و حاجات هفصد بار بخواند:

الٰهی لئن خیّبتنی او طردتنی فمن ذاالذی ارجو و من ذا یشفع

این بیت هفتم جهتِ رفتن نزدِ ملوک سیصد بار بخواند:

الٰهی [۱۲۹ الف] اجرنی من عذابك اننی اسیر ذلیل خائف لك اخضع

این بیتِ هشتم از برای خوفِ دشمنان سیصد بار بخواند:

الٰهی فانسنی بتلقین حجّتی اذا کان لی فی القبر مثوی و مضجع

این بیتِ نهم از برای این (شدن) از دشمنان چهل و یک بار بخواند:

الٰهی لئن عذّبتنی الف حجّة فحبل رجائی منك لا یتقطع

این بیتِ دهم از برای برآمدنِ حاجات هزار و یک بار بخواند:

الٰهی اذقنی طعم عفوك یولا بنون و لا مال هنالك ینفع

این بیتِ یازدهم بجهتِ یافتنِ مال سه هزار بار بخواند:

الٰهی اذا لم ترعنی کنت ضائعا و ان کنت ترعانی فلست اضیّع

این بیتِ دوازدهم از برای زبان بندی پانصد بار بخواند:

الٰهی اذا لم تعف عن غیر محسن فمن لمسی بالهوی یتمتع

این بیتِ سیزدهم از برای برخورداری از مال و فرزندان هزار و پانصد بار بخواند:

الٰهی لئن فرطت فی طلب التقی فها انا اثر العفو اقفوا و اتبع

این بیتِ چهاردهم جهتِ پرهیزگاری سه هزار بار بخواند:

الٰهی لئن اخطات جهلا فطالما رجوتك حتی قیل ما هو یجزع

این بیتِ پانزدهم جهتِ (دفعِ) فراموشی هزار و دویست بار بخواند:

الٰهی ذنوبی بذت الطود اعتلت و صفحك عن ذنبی اجل و ارفع

این بیتِ شانزدهم جهتِ آمرزشِ گناه پنج هزار بار بخواند:

الهی ینجی ذکر طولك کوعتی و ذکر الخطایا العین منی یدمع

این بیتِ هفدهم جهتِ نجاتِ فرزندان هزار و یک بار بخواند:

الهی اقلتنی عثرتی و امح حوبتی فانی مقر خائف متضرع

این بیتِ هژدهم جهتِ یافتنِ معرفتِ حق تعالیٰ نود بار بخواند:

الهی انلنی منك روحا و رحمة فلست سوی الواب دارك اقرع

این بیتِ نوزدهم جهتِ مراد یافتن صد بار بخواند:

الهی لئن اقصیتنی او طردتنی فما حیلتی یارب ام کیف اصنع

این بیتِ بیستم جهتِ دفعِ دشمن صد و نود بار بخواند:

الهی حلیف الحب باللیل ساهر یناجی و یدعو و المغفل یهجع

این بیتِ بیست و یکم جهتِ دوستی دو هزار و پانصد بار بخواند:

و کلهم یرجوا نوالك راجیا لرحمتك [۱۴۹ب] العلیا فی الخلد یطمع

این بیتِ بیست و دویم جهتِ تمهاتِ کل پنج هزار بار بخواند:

الهی یمیلنی رجائی سلامة و قبح خطیئاتی علی یشنع

این بیتِ بیست و سیوم جهتِ سلامتِ راه هزار و دویست و پنجا و یک بار بخوا

الهی فان تعفو فعفوك منقذی و الا فبا لذنب المدمر اصرع

این بیتِ بیست و چهارم جهتِ زبان بندیِ خصمان دویست بار بخواند:

الهی بحق النبی الهاشمی و آله و حرمت ابرادهم لك خضع

و این بیت بیست و پنجم جهتِ ظفر بر دشمن دو هزار بار بخواند:

الهی فانشرنی علی دین احمد منیبا نقیا قانتالك اخشع

و این بیتِ بیست وششم جهت هر مهمی که باشد، چهار هزار بار بخواند:

ولا تحرمنی یا الهی و سیدی شفاعته الکبریٰ فذاك المشفع

و این بیتِ بیست و هفتم جهتِ بندگی یافتن پنج هزار بار بخواند:

و صل علیه ما دعاك موحد و ناجاك اخیار ببابك رکع

و این بیت بلبیست وهشتم جهت رفتن نزد بزرگان هفصد بار بخواند:
و از حضرت شیخ حسن بصری، قدس الله سره، منقول است که حضرت پیغمبر، صلی الله علیه وآله وسلم، فرمود که هیچ دعائی از این بهتر نیست. هر که از امتان من پیوسته این دعا بخواند، خدای تعالیٰ هفتاد بیماری ظاهر و باطن ازو دفع گرداند، و هر که شبان روز بخواند، بر نفس کافر ظفر یابد، و اگر کسی بیست و یک روز هر روز و هر شب بیست و یک بار بخواند، عالم ارواح بر او مکشوف گردد، و هیچ چیز در باطن او پنهان نماند. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:
بسم الله الرحمن الرحیم
اللّهم انی اسالك باسمائك الحسنیٰ یا اللّه یا اللّه فاعلم انه لا اله الّا هو الرّحمٰن الرّحیم، الرّحمٰن علی العرش استوی یا رحیم وکان اللّه غفور الرّحیما. یا ملك لمن الملك الیوم للّه الواحد القهّار یا قدّوس یا متعال فتعالی اللّه الملك الحق یا سلام سلام قولا من ربّ الرّحیم.
یا مؤمن المؤمن المهیمن یا عزیز و هو العزیز الحکیم، یا جبّار الجبّار المتکبّر. یا خالق فتبارك اللّه احسن الخالقین، یا باری الخالق البارئ، یا مصوّر هو الّذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء یا اوّل یا آخر، هو الاوّل و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکلّ شیءٍ علیم، یا شکور ان ربّنا لغفور شکور، یا غفور واللّه غفور الرّحیم[1] [۱۶۹اب ۱و۲] و یا ودود و هو الغفور الودود، یا باطن هو الاوّل و الآخر و الظاهر و الباطن، یا قائم قائما بالقسط لا اله الّا هو العزیز الحکیم، یا قاهر و هو القاهر فوق عباده یا حی هو الحی القیّوم، یا سمیع و هو السّمیع العلیم، یا بصیر انّ اللّه بصیر بالعباد. یا علیم واللّه بکلّ شیءٍ علیم. یا حلیم ان اللّه علیم حلیم. یا عظیم و هو العلی العظیم. یا حکیم ان اللّه کان عزیزاً حکیما. یا کریم ان اللّه ربّی لغنی کریم. یا مقتدر عند ملیك مقتدر. یا رؤف ان اللّه ربّك لغفور الرّحیم. یا لطیف ان اللّه لطیف بالعباده یرزق من یشاء. یا خبیر ان اللّه کان علیما خبیرا. یا قهّار لمن

۱. از این جا در ا یک برگ افتاده.

الملك اليوم لله الواحد. يا قريب يا مجيب ان ربى قريب مجيب يا باعث و ان الله يبعث من فى القبور. يا رازق و هو خير الرازقين. يا وارث والله ميراث السموات و الارض. ياصادق ولقد صدقكم الله وعده يا فاطر فاطر السموات والارض. يا باسط و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فى الارض. يا قوى ان الله لقوى عزيز. يا شهيد و الله على كل شئ شهيد. يا مبدى انه هو يبدئ و يعيد. يا رازق والله يرزق من يشاء بغير حساب. يا تواب ان الله تواب حكيم. يا وهاب انك انت الوهاب. ياجليل يا ذا الجلال و الاكرام. ياجميل فاصبر صبرا جميلا. يا وكيل وكفى بالله وكيلا. يا كافى وكفى الله المؤمنين القتال. ياولى و هوالولى الحميد. يا رب فتبارك الله رب العالمين. والله الغنى وانتم الفقراء. يا شكور فان تولوا فان الله شاكر عليم. يا خالق و هو الخلاق العليم. يا نور الله نور السموات والارض. يا محسن والله يحب المحسنين. يا قدير والله على كل شئ قدير. يا مفضل والله ذو الفضل العظيم. يا متم يتم نعمته عليك يا معز و تعز من تشاء يا مذل وتذل من تشاء يا رفيع رفيع الدرجات ذوالعرش يا شفيع من ذاالذى يشفع عنده الا باذنه. ياكبير ان الله كان عليا كبيرا. يا حق فتبارك الله الملك الحق. يا بر انه هو البر الرحيم. يا وتر والشفع والوتر. يا غفار انه كان غفارا. ياغافر و انت خير الغافرين. ياحميد و هو الولى الحميد. يامنان يا الله يمن عليكم ان هديكم للايمان. يا احد قل هو الله احد. يا متين ان الله هو الرزاق ذوالقوة المتين. ياهادى ان الله يهدى من يشاء. يا بديع بديع السموات والارض. يا عالم الغيب والشهادة. يافتاح وهو الفتاح العليم. يا رقيب ان الله كان على كل شئ. يا محيط ان الله بما تعلمون محيط. يا قاضى الله يقضى بالحق. يا احد احد الله الصمد. ياحسيب ان الله كان على كل شئ حسيبا. يا ناصر نعم المولى ونعم النصير ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم. برحمتك يا ارحم الراحمين.

و از حضرت سلطان الموحدین شیخ ظہور حاجی حضور قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ این دعا را روزینہ بعد از نماز جمعہ یک بار بخواند کلید خزانۂ غیب در دستِ او آید، و ترقی درجاتِ دارین حاصل گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای بزرگوار این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم۔

یا اللہ یا اللہ یا اللہ یا رقیب یا رؤف یا اللہ یا اللہ یا اللہ یا اللہ الرحمٰن الرحیم۔ یا اللہ یا اللہ یا اللہ الحافظ الحلیم۔ یا اللہ یا اللہ یا اللہ یا اللہ الحی القیوم۔ یا اللہ یا اللہ یا اللہ یا اللہ القائم علیٰ کلِّ نفسٍ بما کسبت یا ذالجلال و الاکرام، یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب و یا مقلب القلوب والابصار. یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین یا مفرج المحزونین اغثنی اغثنی توکلت علیک یا ربّی، و افوض امری الیک یا رزّاق یا فتّاح یا باسط. بسم اللہ ابواب فلک و ابواب رحمتک و ابواب رزقک و ابواب کرامتک و ابواب نعمتک و ابواب دولتک و ابواب سعادتک و ابواب سلامتک و ابواب عطیتک و ابواب عافیک و ابواب برکاتک و ابواب حمدک و ابواب شکرک و ابواب طاعتک و ابواب حقائقک و ابواب توفیقک و ابواب عبادتک و ابواب عنایتک و ابواب علمک و ابوابِ معرفتک و ابوابِ جنابک و ابواب محبّتک.

اللھم انک قد تکلفت برزقی و رزق کلّ دابۃ انت اخذ بناصیتھا ان ربّی علیٰ کلِ شیءٍ حفیظ. یا خیر من سُئل یا افضل من اعطیٰ و یا خیر البدائع.

اللھم انی اسالک لنفسی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و لصاحب ھذہ الدعاء فلان بن فلان بفضلک الواسع رزقا حلالا طیبا مبارکا ھنیئا مزیدا بلا کد و لا منہ احداً من خلقک فانک قلت واسالوا اللہ من فضلک واسعا و اسالک من فضلک و من عظمتک ارجو یا حی یا قیوم یا علی یا عظیم یا حلیم یا کریم یا حنّان یا منّان یا دیّان یا سبحان یا برھان یا مستعان یا ذاالجلال والاکرام، برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

رب زدنی علماً و فھما و محبّۃ فی قلوب عبادک و اجعلنی عزیزا فی عیونھم واجعلنی وجیھا فی الدّنیا والآخرۃ ومن [۱۵۰ ا] المقربین وصلی اللہ علیٰ خیر خلقہ محمّد و آلہ اجمعین. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت ابی بکر صدیق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است کہ روزی حضرتِ رسول اللہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، در مسجدِ مدینہ نشستہ بود کہ حضرتِ جبرئیلِ امین، علیہ السّلام، پیکِ حضرتِ ربّ العالمین در آمد، و گفت: یا رسول اللہ! خدای تعالیٰ ترا سلام می رساند، و بعد از سلام تحفۂ درود

فرستد. و می فرماید که یا محمد، صلی الله علیه و آله وسلم، ! برای تو و برای امت تو هدیه فرستادم هرکه از امتانِ تو این دعای "کیمیای سعادت" بخواند، بی شک او آمرزیده شود، و فضیلتِ این دعا بسیار است. هرکه شک آرد، کافر گردد. و نعوذ بالله منها.

حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلم، فرمود که ای یاران و ای مسلمانان! هرکه به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل دعای "کیمیای سعادت" بخواند، خدای تعالیٰ او را بیامرزد جمله گناهانِ خرد و بزرگ.

و خاصیت های این دعا بسیار است، امّا مختصر به پنجاه و یک خاصیت نوشتم.

خاصیتِ اوّل آن است به روایتِ حضرت مهتر جبرئیل علیه السلام، هرکه این دعا بخواند، هیچ غم و اندوه نبیند. (انشاءالله تعالیٰ).

خاصیت دویم آن است به روایتِ حضرت ابی بکر صدیق، رضی الله تعالیٰ عنه که حضرتِ پیغمبر، صلی الله تعالیٰ علیه و آله وسلم، فرمود: اگرکسی این دعای "کیمیای سعادت" در وقتِ نمازِ عشا هفت کرّت بخواند، به کرمِ الله تعالیٰ عجایب و غرایب بسیار بیند. (انشاءالله تعالیٰ).

و مهتر میکائیل علیه السلام از مهتر موسیٰ علیٰ نبیّنا و علیه الصّلوٰة و السلام و البرکة و علیٰ آله ما روایت می کند که اگرکسی هرروز پنجاه بار این دعا بخواند، البتّه به هرجائی که باشد، حق سبحانهٗ و تعالیٰ را ببیند، و همه عالم مکشوف گردد. انشاءالله تعالیٰ.

و نیز از حضرت ابی بکر صدّیق، رضی الله تعالیٰ عنه، منقول است: اگرکسی را مهمی پیش آید، در شبِ آدینه نیم شب برخیزد، و غسل کند، و دورکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[1] شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ تا سَرِيْعُ الْحِسَابِ[2] بخواند، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحه[3] و الضّحیٰ بخواند. چون از نماز فارغ شود، یازده بار این دعا بخواند تا سه روز، امید است که دعای او مستجاب شود. (انشاءالله تعالیٰ).

خاصیتِ سیوم به روایتِ امیر المؤمنین عمر بن الخطّاب، رضی الله تعالیٰ عنه، منقول است

۱- القرآن الحکیم: ۱.   ۲- ایضاً: ۳، ۱۸، ۱۹.   ۳- ایضاً: ۱.   ۴- ایضاً: ۹۳.

اگرکسی مردِ عنین باشد که چهل روز مدام این دعا بخواند، و بنویسد، و با خود بدارد، و یا در به آب چاه بشوید، و) بخورد، کامل شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ چهارم به روایت امیر المؤمنین عثمان بن عفان، رضی اللّٰه تعالیٰ [۵۰اب] عنه، (منقول است) : اگر زنی را فرزندِ خام مُرده باشد، این دعا را بنویسد، و درگلوی آن (زن) اندازد، به کرم اللّٰه تعالیٰ بزاید، (فرزند) بزرگ شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ پنجم به روایتِ امیر المؤمنین علی (بن ابی طالب) کرم اللّٰه تعالیٰ وجهه، (منقول است): اگرکسی را فهم علم نباشد، باید که هفت روز مدام این (دعای) "کیمیای سعادت" بخواند، هرچه فراموش کرده باشد، یاد شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ ششم آن است که به روایتِ طلحه بن زید، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، که در خزانة الجلالی آورده است : اگرعورتی سه ماه حمل باشد که ماهِ چهارم در نیامده باشد، این دعای "کیمیای سعادت" را هفت بار بر شکر بخواند، و بخوردنِ او دهد، اگر دختر باشد، به کرمِ اللّٰه تعالیٰ فرزندِ نرینه روزی شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ هفتم آن است به روایتِ سعد بن (ابی) وقاص، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، : هرکرا رزق تنگ باشد، باید که این دعا را بخواند، رزق بروی فراخ گردد. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ هشتم آن است به روایتِ خالد بن ولید، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، : هرکه این دعای "کیمیای سعادت" را هزار بار بخواند، ارواح بروی مسخر گردد. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ نهم آن است به روایتِ ابو دجانه انصاری، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، : اگرکسی را زحمتی بسیار باشد، این دعا بنویسد، و بخوردنِ او دهد، در حال نیکو شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ دهم آن است به روایتِ ابو عبیده (بن) الجراح، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، : هرکرا در وجود مخسق باشد، این دعا هژده بار مدام بی ناغه بخواند، مدتِ هژده روز بر وجود بدمد، به کرم اللّٰه تعالیٰ نیک شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ یازدهم آن است به روایتِ امیر المؤمنین ابوجراح، رضی اللّٰه تعالیٰ عنه، : هرکرا در وجود دنبان ویا سرخ باد ویا باد سور باشد، این دعای "کیمیای سعادت" را بخواند، و بر وجودِ خود

بدمد، در حال نیکو شود. (انشاء اللہ تعالیٰ).

خاصیتِ دوازدهم آن است به روایتِ ابن عباس، رضی اللہ تعالیٰ عنہ: هرکرا دشمن قوی باشد این دعا را سی بار بخواند، وبعدهٔ پانزده بار سورهٔ نوح[1] بخواند، وبه طرفِ دشمن بدمد، به کرمِ اللہ تعالیٰ دشمن هلاک گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

خاصیتِ سیزدهم آن است به روایتِ خواجه عباس، رضی اللہ تعالیٰ عنہ: هرکرا در وجود خزیره باشد، یک دوالی بیارد، برابر قدمِ مریض بندد، (و این دعا بخواند، و بر او بدمد) در حال نیکو شود (انشاء اللہ تعالیٰ).

خاصیتِ چهاردهم آن است به روایتِ مهتر جبرئیل علیه السلام، که گفت: یا محمد صلی اللہ علیه وآله وسلم، خدای تعالیٰ اگر این دعا را پیدا نکردی، خود را آشکارا نکردی، و از برکتِ این دعا عرش وکرسی و لوح وقلم و هفت طبقِ زمین و آسمان قرار گرفته است.

هرکه این دعا را بخواند همهٔ آفریدگانِ خدای تعالیٰ اورا [۱۵۱ الف] دعا کنند. (انشاء اللہ تعالیٰ).

خاصیتِ پانزدهم (آن است) به روایتِ خواجه اویس قرنی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ: هرکه این دعا هفت بار هر روز بخواند، هژده هزار عالم بروی مسخر گردد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

خاصیتِ شانزدهم آن است به روایت حضرت عمر (بن الخطاب)، رضی اللہ تعالیٰ عنہ: اگر پادشاهی قوی باشد، و دیگر ضعیف، این دعا را (پادشاهِ ضعیف) سیزده بار به نیتِ آن بخواند (که قوی گردد)، به کرمِ اللہ تعالیٰ قوی گردد، وبر او ظفر یابد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

خاصیتِ هفدهم (آن است) به روایتِ حضرتِ علی اکبر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ: اگر کسی چهل روز هر روز این دعا بخواند بر مهنگرهٔ سیاه، و بر او دمد، و بخورد، علمِ غیب یابد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

خاصیتِ هژدهم (آن است) به روایتِ حضرت (شیخ) علی هجویری، رحمة اللہ علیه: اگر کسی را کالا گم شده باشد، روزِ شنبه در وقتِ عصر یک کتوره را بیارد، و درمیانِ کتوره آن سوره

۱- القرآن الحکیم: ۷۱.

بنویسد که در وی آیتِ فَلَآ أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُوْنَ ۝ وَ مَا لَا تُبْصِرُوْنَ[1] (آمده است)، و درمیان کتوره نیم آثار جو و ماش اندازد، و آن کتوره را بالای دیواری بدارد تا صباحِ یکشنبه وقت بامداد یک مردِ زور آور را طلبیده کتوره به دستِ او دہد، و ہر جا که او رفته باشد، آن جا پا سرگین گاو مندله کشیده، در مندله کتوره را بدارد، و جو و ماش بر آن بزند، و این دعا بخواند کالای گم (شده) اگر از مشرق تا به مغرب رفته باشد، کتوره آن جا برود. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ نوزدہم (آن است به روایتِ) امیر المؤمنین حسن بن علی رضی الله تعالیٰ عنه: اگر عورت صد سال عقیمه باشد، بیارد ده سپاری، و بر ہر سپاری سه بار این دعا بخواند مدتِ سه شبانه روز، و بر او دمد، و به عورتِ عقیمه بدہد، که تا ده روز بخورد ہر روز یک سپاری. به کرمِ الله تعالیٰ فرزندِ نرینه به او روزی شود، و اگر فرزند نشود فردای روزِ قیامت امیر حسن بن امیر علی، کرم الله وجهه را، رضی الله تعالیٰ عنه، دامن گیرد.

خاصیتِ بیستم (آن است) به روایتِ امیر حسین بن علی، رضی الله تعالیٰ عنه: اگر عورت را شوهر بجای رفته باشد که ہیچ خبرِ مُرده یا زندهٔ او یافته نمی شود، باید که بیارد یک سنگ و ہفت بار این دعا را بر آن بخواند، و بدمد. به فرمانِ خدای تعالیٰ درحال آن سنگ روان شود، و خبرِ مُرده یا زندهٔ او بیارد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ بیست و یکم (آن است) به روایتِ عبدالله مروزی، رحمة الله علیه: اگر کسی را مار گزیده باشد، برود، و بر سرِ او بگوید که ازدرمی نالی؟ و بعدهٔ این دعا بخواند، و بر او بدمد، بکرمِ الله تعالیٰ درحال نیکو شود. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ بیست و دوم (آن است) به روایتِ (شیخ سهل بن) عبدالله تستری، رحمة الله علیه: اگر کسی را مهمی یا کاری مشکل پیش آید، باید که روزِ دوشنبه غسل کند، [۱۵۱ب] و جامهٔ (پاک) بپوشد، و چهل بار این دعای "کیمیای سعادت" را بخواند، و با کسی سخن نگوید، و سر به سجده نهد، و این "مناجات" بخواند، حتمِ او به کفایت رسد. (انشاء الله تعالیٰ).

---

[1] القرآن الحکیم: ۶۹، ۳۸ و ۳۹.

مناجاتِ (بزرگوار) این است:

(بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم).

الهی قلبی محجوب و عقلی مغلوب و نفسی معیوب و هوائی غالب و طاعتی قلیل و معصیتی کثیرا و لسانی مقر بالذنوب، فکیف حیلتی یا ستّار العیوب: اغفر ذنوبی کلها یا غفار یا ستّار!

خاصیتِ بیست و سیوم (آن است) به روایتِ (ابوالقاسم محمد اکبر بن امیر علی بن ابی طالب) محمد حنفیه، رحمة اللّٰه علیه،: اگر کسی گرسنه باشد، سیزده بار این دعائی "کیمیای سعادت" را به وقت (؟) بخواند. خدای تعالیٰ او را رزق از غیب رساند. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ بیست و چهارم (آن است) به روایتِ شیخ حسین زنجانی، رحمة اللّٰه علیه،: اگر کسی دویست بار این دعا را بخواند، ارواحِ مومنان بر وی مسخر گردند. باید که دل قوی دارد.

خاصیتِ بیست و پنجم (آن است) به روایتِ شیخ یونس سجاوندی، رحمة اللّٰه علیه،: اگر کسی را در وجود سنگِ مثانه باشد، این دعا را بنویسد، و (به آبِ چاه) بشوید، او را بخوردن دهد، در حال به کرم اللّٰه تعالیٰ نیکو شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ بیست و ششم (آن است) به روایتِ خواجه عبداللّٰه انصاری، رحمة اللّٰه علیه،: اگر مرد و زن را در وجود بی قراری باشد، باید که این دعای "کیمیای سعادت" را بنویسد، (و به آبِ چاه بشوید) و بخوردنِ آنان دهد. هر علتی که در وجودِ آنان بوده باشد، دفع شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ بیست و هفتم (آن است) به روایتِ (شیخ) ابوجعفر هندوانی، رحمة اللّٰه تعالیٰ علیه،: اگر در زراعتِ کسی ملخ و یا کرم و یا خوک زحمت می داده باشند، این دعا را نوشته درمیانِ زراعت بندد. به کرمِ اللّٰه تعالیٰ دفع شوند. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ بیست و هشتم (آن است) به روایتِ خلف ایّوب، رحمة اللّٰه تعالیٰ علیه،: اگر کسی خواهد که میانِ زن و شوهر محبت پیدا شود، این دعا را برقند پانزده بار بخواند، و قند را بخوردنِ آنان دهد. به کرمِ اللّٰه تعالیٰ درمیانِ ایشان محبتِ اصلی پیدا شود. (انشاء اللّٰه تعالیٰ).

خاصیتِ بیست و نهم (آن است) به روایتِ (شیخ) ابولیث سمرقندی، رحمة اللّٰه علیه،: هر کرا

بیم دیو و پری باشد، (این دعا بخواند)، به کرمِ الله تعالیٰ دفع شود، و بعدهٔ هرگز نترسد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ سیم (آن است)، به روایتِ عزه میزه، رضی الله تعالیٰ عنہ: اگر کسی را خصیه بزرگ شده باشد، این دعا را نوشته با خود بدارد، و یا نوشته (و به آبِ چاه شسته) بخورد، نیکو شود به فرمانِ خدای تعالیٰ.

خاصیتِ سی و یکم (آن است)، به روایتِ (خواجه) سلمان فارسی، رحمة الله علیه: اگر کسی را فرزند گفتار خورده باشد، و نداند که چه واقع شده؟ آیهٔ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰى غَيْبِهٖٓ اَحَدًا اِلَّا مَنِ ارْتَضٰى مِنْ رَّسُوْلٍ[1] پانزده بار بخواند، بعدهٔ یک بار این دعا به روی آن زحمتی بخواند، اگر گفتار [۱۵۲ ل] خورده باشد، روی سیاه شود. و بعدهٔ یک دیگچه بیارد، نیم سیر ماش و نیم سیر شیر در دیگ اندازد، و آتش کند، و پانزده بار این دعا بخواند، و بر دیگ بدمد، به فرمانِ خدای تعالیٰ ان گفتار سر تراشیده حاضر شود.

خاصیتِ سی و دوم (آن است)، به روایتِ خواجه معروف کرخی، رحمة الله علیه: اگر کشتی در موجِ دریا غرق شده باشد، این دعا را بخواند، خدای تعالیٰ آن کشتی را از غرق شدن نگاه دارد.

خاصیتِ سی و سیوم (آن است)، به روایتِ (شیخ) سری سقطی، رحمة الله تعالیٰ علیه: اگر پادشاهی بر عَلَم این دعا بنویسد، بر هر لشکری که رو به رو باشد، فتح و نصرت یابد، (انشاء الله تعالیٰ)، و سورة الفتح[2] نیز (بر عَلَم) نویسد.

خاصیتِ سی و چهارم (آن است)، به روایتِ خواجه (ابوتراب) نخشبی، رحمة الله علیه: اگر کسی خواهد که کواکب را مسخر کند، شبِ جمعه این دعا را هزار بار بخواند، کواکب مسخرِ او شوند. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ سی و پنجم (آن است)، به روایتِ حضرتِ (شیخ) جنید بغدادی، رحمة الله

۱۔ القرآن الحکیم: ۷۲، ۲۶ و ۲۷. ۲۔ القرآن الحکیم: ۴۸.

علیه: هر که بامداد غسل کند، و دو رکعت نمازِ نفل بگذارد، و در رکعتِ اوّل آیت الکرسی[1] یک بار و سورة الاخلاص[2] نُه بار، تا مدّت چهل روز بخواند. باید که ناغه نکند. اگر روزی ناغه شود، باز از سر گیرد، و یک بار این دعا بخواند. اگر فقیر باشد، توانگر گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ سی و ششم (آن است) به روایتِ خواجگانِ چشتی، رحمة الله علیهم: اگر کسی را غرض باشد، در روزِ یکشنبه اوّل دخترِ ده ساله بیارد. او را غسل دهد، و خود نیز غسل کند، (و جامۂ پاک پوشد)، و در خانۂ خالی برود، و دخترک را جامۂ معصفری بپوشاند، و در اندامِ او صندل بمالد، و این دعا نوشته در گلوی او بندد، و دستِ راستِ دخترک را سیاه کند، و در هر دو دست ریحانِ لعل بندد، و هر دو دستِ او به روغنِ کنجد چرب کند، و دخترک "الله" بگوید، و به دستِ خود نظر کند، و عود و عنبر بسوزد، و یک فلوس قند بیارد، و نیم سیر شیر بیارد، و بر این نیّت این دعا را بر آن بخواند، و به دستِ دخترک بدهد، و در حال پادشاهِ پریان با لشکرِ خود پیدا شود، و هر کیفیت که باشد آن دخترک معلوم کند، جواب گوید. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ سی و هفتم (آن است) به روایتِ خواجه سفیان ثوری، (رحمة الله علیه): اگر کسی خواهد که خوابِ کسی بندد، این دعا را بنویسد، در زیرِ بالینِ او بنهد، خوابِ آن کس بسته گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ سی و هشتم (آن است) به روایتِ ابوذر انصاری، رضی الله تعالیٰ عنه: (اگر کسی خواهد) که خوابِ کسی کشاده گردد، این دعا را بنویسد، (و به آبِ چاه) شسته به او بخوراند. در حال خوابِ آن کس کشاده گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ سی و نهم (آن است) به روایتِ حضرت بی بی فاطمة الزهرا، رضی الله تعالیٰ عنها: [۵۲ ب] اگر کسی خواهد که دیو و پری را مسخّرِ خود گرداند، زیرا که در این دعا بنشته است. باید که در روزِ سه شنبه دل قوی کند، و غسل کند، و جامۂ پاک بپوشد، و میانِ نمازِ ظهر و عصر در صحرائی

۱- القرآن الحکیم ۲: ۲۵۶. ۲- ایضاً: ۱۱۲.

که هیچ کس آوازِ او نشنود، و آوازِ کسی بگوشِ او نرسد. برگردِ خود خط کشد، و در آن بنشیند، و کارد در زمین نهد، و (این دعا) چهار مرتبه خوانده برخود بدمد. و آیت الکرسی[1] هفت بار بخواند تا دل قوی شود، بعدهٔ سورة الجن[2] بخواند، و بعدهٔ این دعا بخواند به آوازِ بلند. باید که نترسد.

اوّل جوانی بیاید به صورتِ مروارید.

و علامتِ دیگر: صورتِ خوک پیدا شود.

و سیوم علامتی پیدا شود که هشتاد گز دندانِ او باشد، و چهل گز چشم او باشد.

و علامتِ چهارم شیری پیدا شود که نعره زند،

و علامتِ پنجم: هشت درویشان پیدا شوند، و سلام گویند، و خوانندهٔ دعا "علیک" گوید، بعدهٔ درویشان سخن گویند که ترا مُلک بدهیم یا پادشاهی بدهیم؟ باید که خواننده جواب ندهد،

و علامتِ ششم پیدا شود به صورتِ مار، و دران صورتِ دیوِ زشت روی که سرِ او به آسمان و پای او بر زمین،

پانصد و شصت دیوِ دیگر پیدا شود. باید که نترسد،

و علامتِ هفتم: کژدم ها پیدا شود،

و علامتِ هشتم: یک جوانی پیدا شود با هیبت و ترسناک،

و علامتِ نهم: طاؤس پیدا شود. باید که ازو هم نترسد،

و علامتِ دهم: روحانیانِ سبز پوش پیدا شوند.

و علامتِ یازدهم: چهل چراغ پیدا شود،

و علامت دوازدهم (؟) نفر حسن (؟) پیدا شود،

و علامت سیزدهم: سی چراغ پیدا شود،

---

۱. القرآن الحکیم: ۲، ۲۵۶. ۲. ایضاً: ۷۲.

و علامتِ چهاردهم : هفت دیوِ بزرگ پیدا شوند،
و علامتِ پانزدهم : باد پیدا شود،
و علامتِ شانزدهم : جلالی پیدا شود،
و علامتِ هفدهم : لشکرِ دیوان پیدا شود،
و علامتِ هژدهم .... (؟)
و علامتِ نوزدهم : وزیرِ پادشاهِ پریان پیدا شود،
و علامتِ بیستم : پادشاهِ پریان پیدا شود، وخواننده را جواب براصل دهد، ومسخرِ او گردد. چنانچه هرچه خواهد و فرماید، آن چنان کند که او می گوید. انشاءالله تعالیٰ).

(خاصیتِ[1] .... آن است) به روایتِ حضرت بی بی خدیجه الکبریٰ، رضی الله تعالیٰ عنها: اگرکسی خواهد که آفتاب و ماهتاب را مسخرِ خود گرداند، یازده بار سورة الحشر[2] بخواند، و سیصد و شصت بار این دعا بخواند. آفتاب وماهتاب بروی مسخر گردند به لاشک ولاشبهة. (انشاءالله تعالیٰ).

خاصیتِ چهلم (آن است) به روایتِ حضرت بی بی عائشه صدیقه، رضی الله تعالیٰ عنها: اگرکسی خواهد که عطارد را مسخر کند، باید که صد وپنجاه بار [۱۵۰] این دعا بخواند در روز چهار شنبه. عطارد مسخر گردد به فرمانِ خدای تعالیٰ عزّ وجلّ.

خاصیتِ چهل ویکم (آن است) به روایتِ (حضرت بی بی) میمونه، رضی الله تعالیٰ عنها، اگرکسی را تپ لرزهٔ زشتِ گرم یار شده باشد، و به هیچ نوع دفع نمی شود، این دعا را بخواند، (و یا بنویسد، و به آب چاه شُسته) بخوردنِ او دهد. در حال نیکو شود. (انشاءالله تعالیٰ).

خاصیتِ چهل و دوم: (آن است) به روایتِ (حضرت بی بی) قبطیه، رضی الله تعالیٰ عنها: اگر در ملک بادِ مخالف یا بلای نازل شده باشد که مردمِ آن دیار عاجز شده

۱- شمارهٔ خاصیت در هرسه نسخه افتاده. ۲- القرآن الحکیم: ۵۹.

باشند. چون کسی به نیتِ آن بخواند، به کرمِ الله تعالیٰ آن باد و بلا دفع شود.

خاصیتِ چهل و سیم: (آن است) به روایتِ (حضرت) بی بی کلثوم، رضی الله تعالیٰ عنها: اگر کسی را پیسی باشد. این دعا را نوشته (و به آبِ چاه شُسته) بخوردنِ او دهد، (در حال نیکو شود به فرمانِ خدای تعالیٰ).

خاصیتِ چهل و چهارم (آن است) به روایتِ (حضرت) بی بی رقیہ، رضی الله تعالیٰ عنها: اگر عورتی خواهد که من بکر باشم اگرچه صد سال اورا گذشته باشد. بیارد یک نانِ میده، و در شبِ جمعه صد و بیست بار این دعا برنانِ بخواند، و آن عورت را بخوراند، در حال روح در آن بکر در آید به قدرتِ الله تعالیٰ. آزموده است.

خاصیتِ چهل و پنجم: (آن است) به روایتِ (حضرت) بی بی زینب، رضی الله تعالیٰ عنها: اگر کسی (خواهد که) قطعِ آب براند، شبِ یکشنبه این دعا را سیصد و شصت بار بخواند. در حال قطع از افتادن بماند. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ چهل و ششم (آن است) به روایتِ محمد رسول الله، صلی الله علیه وآله وسلّم: اگر کسی این دعا را در وقتِ عشا بخواند، به کرمِ الله تعالیٰ. قدرت های عجایب بیند. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ چهل و هفتم (آن است) به روایتِ مهتر عزرائیل علیه السلام: هر که این دعا را پنجاه بار، به صدقِ دل بخواند، مرتبهٔ عالی یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ چهل و هشتم (آن است) به روایتِ حضرت (امام) موسی کاظم، رضی الله تعالیٰ عنهٗ: هر که این دعا را پنجاه بار بخواند، البته دنیا بسیار یابد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ چهل و نهم (آن است) به روایتِ (حضرت) امام (علی) موسیٰ رضا، (رضی الله تعالیٰ عنهٗ): اگر کسی این دعا بعد از نماز بامداد یک بار بخواند، آوازِ غیبی بشنود. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ پنجاهم (آن است) به روایتِ (حضرت) امام جعفر صادق، رضی الله تعالیٰ عنهٗ: اگر کسی این دعا بعد از نمازِ ظهر سه بار بخواند، دانا و بینا گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

خاصیتِ پنجاه و یکم (آن است) به روایتِ (حضرت) امام علی زین العابدین، رضی الله تعالیٰ عنه،: اگر کسی این دعا بعد از نمازِ عصر سه بار بخواند، عجایب و غرایبِ خدای تعالیٰ بسیار بیند. انشاء الله تعالیٰ.

اسنادِ این دعا بسیار است، امّا مختصر کرده شده است، تا خواننده و نویسنده را ملال نگردد. والله تعالیٰ اعلم بالصّواب.

دعای معظّم و مکرّم این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

[۱۵۳ب] اللّهم انت الرّبّ و انا العبد فمن یدع العبد الّا الرّبّ. یا ربّ! مولایَ مولائی سبحان خالق النّور.

اللّهم انت الخالق و انا المخلوق فمن یدع المخلوق الا الخالق یا ربّ!

اللّهم انت القادر و انا المقدور فمن یدع المقدور الا القادر یا ربّ!

اللّهم انت الباعث و انا المبعوث فمن یدع المبعوث الا الباعث یا ربّ!

اللّهم انت الرّزاق و انا المرزوق فمن یدع المرزوق الا الرّزاق یا ربّ!

اللّهم انت المالك و انا المملوك فمن یدع المملوك الا المالك یا ربّ!

اللّهم انت الغنی و انا الفقیر فمن یدع الفقیر الا الغنی یا ربّ!

اللّهم انت القوی و انا الضعیف فمن یدع الضعیف الا القوی یا ربّ!

اللّهم انت الباقی و انا الفانی فمن یدع الفانی الا الباقی یا ربّ!

اللّهم انت الکریم و انا اللّئیم فمن یدع اللّئیم الا الکریم یا ربّ!

اللّهم انت القیّوم و انا الزّائل فمن یدع الزّائل الا القیوم یا ربّ!

اللّهم انت الغفور و انا المذنب فمن یدع المذنب الا الغفور یا ربّ!

اللّهم انت العفوّ و انا المسیٔ فمن یدع المسیٔ الا العفو یا ربّ!

اللّهم انت الرّحیم و انا الخاطی فمن یدع الخاطی الا الرّحیم یا ربّ!

اللّهم انت الدّیان و انا المدیون فمن یدع المدیون الا الدّیّان یا ربّ!

اللّٰهم انت المغيث و انا المستغيث فمن يدع المستغيث الا المغيث يا ربّ !
اللّٰهم انت المجير و انا المستجير فمن يدع المستجير الا المجير يا ربّ !
اللّٰهم انت المجيب و انا الداعى فمن يدع الداعى الا المجيب يا ربّ !
اللّٰهم انت الجامع وانا المتفرق فمن يدع المتفرق الا الجامع يا ربّ !
اللّٰهم انت العزيز و انا الذليل فمن يدع الذليل الا العزيز يا ربّ !
اللّٰهم انت المعطى وانا السّائل فمن يدع السّائل الا المعطى يا ربّ !
اللّٰهم انت الوهّاب وانا البائس فمن يدع البائس الا الوهّاب يا ربّ !
اللّٰهم انت العالم وانا الغافل فمن يدع الغافل الا العالم يا ربّ !
اللّٰهم انت الآمن و انا الخائف فمن يدع الخائف الا الآمن يا ربّ !
اللّٰهم انت الباسط و انا المبسوط فمن يدع المبسوط الا الباسط يا ربّ !
اللّٰهم انت الرّحيم و انا العاصى فمن يدع العاصى الا الرّحيم يا ربّ !
اللّٰهم انت البصير وانا الاعمى فمن يدع الاعمى الا البصير يا ربّ !
اللّٰهم انت الحافظ و انا المحفوظ [۱۵۲ ا] فمن يدع المحفوظ الا الحافظ يا ربّ !
اللّٰهم انت القاسم و انا المقسوم فمن يدع المقسوم الا القاسم يا ربّ !
اللّٰهم انت الفاتح و انا المفتوح فمن يدع المفتوح الا الفاتح يا ربّ !
اللّٰهم انت الحق و انا الباطل فمن يدع الباطل الا الحق يا ربّ !
اللّٰهم انت المعبود و انا العابد فمن يدع العابد الا المعبود يا ربّ !
اللّٰهم انت القائم و انا المعدوم فمن يدع المعدوم الا القائم يا ربّ !
اللّٰهم انت الهادى و انا المتحيّر فمن يدع المتحيّر الا الهادى يا ربّ !
اللّٰهم انت الظاهر و انا المظهور فمن يدع المظهور الا الظاهر يا ربّ !
اللّٰهم انت الحى و انا الميّت فمن يدع الميت الا الحى يا ربّ !
اللّٰهم انت العادل و انا المظلوم فمن يدع المظلوم الا العادل يا ربّ !
اللّٰهم انت الجبّار و انا المجبور فمن يدع المجبور الا الجبّار يا ربّ !

اللّٰھم انت المنعم و انا المستقر فمن یدع المستقر الا المنعم یارب!
اللّٰھم انت الشاهد و انا المشهود فمن یدع المشهود الا الشاهد یا ربّ!
اللّٰھم انت الخالص و انا المخلص فمن یدع المخلص الا الخالص یا ربّ!
اللّٰھم انت الحاکم و انا المحکوم فمن یدع المحکوم الا الحاکم یا ربّ!
اللّٰھم انت الستّار و انا العلیل فمن یدع العلیل الا الستّار یا ربّ!
اللّٰھم انت الکافی و انا الجافی فمن یدع الجافی الا الکافی یا ربّ!
اللّٰھم انت الواسع و انا المحتاج فمن یدع المحتاج الا الواسع یا ربّ!
اللّٰھم انت الفتّاح و انا المنجوع فمن یدع المنجوع الا الفتّاح یا ربّ!
اللّٰھم انت التوّاب و انا التائب فمن یدع التائب الا التوّاب یا ربّ!
اللّٰھم انت الاکرم و انا الیتیم فمن یدع الیتیم الا الاکرم یا ربّ!
اللّٰھم انت اللطیف و انا الحقیر فمن یدع الحقیر الا اللطیف یا ربّ!
اللّٰھم انت الساحر و انا المسحر فمن یدع المسحر الا الساحر یا ربّ!
اللّٰھم انت المفرج و انا المغموم فمن یدع المغموم الا المفرج یا ربّ!
اللّٰھم انت المنجی و انا الغریق فمن یدع الغریق الا المنجی یا ربّ!
اللّٰھم انت الغفّار و انا المتضرّع فمن یدع المتضرّع الا الغفّار یا ربّ!
اللّٰھم انت الکاشف و انا المضطر فمن یدع المضطر الا الکاشف یا ربّ!
اللّٰھم انت الشافی و انا العلیل فمن یدع العلیل الا الشافی یا ربّ!
اللّٰھم انت السیّد و انا المبتهل فمن یدع المبتهل الا السیّد یا ربّ!
اللّٰھم انت السیّدی و مولائی فاغفرلی ذنوبی [۱۵۴ ب] کلها و اعتقنی من النّار!
برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

ترتیبِ خواندنِ "قصیدهٔ مکرمهٔ شریفهٔ بُرده":

از حضرت مخدوم سید جلالِ جهانیانِ جهانگشت و از بزرگانِ دیگر، قدّس الله سرّهم العزیز، بر این وجه منقول است که اوّل وضو سازد، و دوگانه گذارد، و در خلا نشیند

و درود فرستد بر حضرتِ رسول، صلی الله علیه و آله وسلّم، و سر برهنه کند، و به سوی قبله بنشیند به زانوی ادب، و در گردن رشتهٔ اندازد و یا دستاری.

هر جا که نامِ حضرتِ رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلّم و بارک آید، در خواندن درود فرستد، و هر حاجتی که داشته باشد، بخواهد، و حواسِ خمس نگاه دارد.

و نصابِ کبیرِ قصیدهٔ بُرده هزار و یک بار است، و نصابِ متوسط صد و چهل و چهار بار، و نصابِ صغیر چهل و یک بار است.

و خاصیتِ "قصیدهٔ بُرده" بسیار است، امّا شصت نوشته دیدم. والله تعالی اعلم بالصّواب.

و قصیدهٔ بُرده این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

امن تذکّر جیران بذی سلم.

تا آخر که مشهور است.

ختم های مشایخ.

ختم حضرتِ پیرِ دستگیر قادری.

طریقِ ختم از حضرتِ مخدوم سید جلال جهانیان (جهانگشت) بخاری، قدّس الله سرّه العزیز بر این ترتیب است:

چون کسی خواهد که این ختم کند: اوّل بعد از هر پنج وقت فریضه این اسم اعظم که "یا قدّوس" است، صد بار بخواند، تا درونش پاک شود.

بعدهٔ این وظیفه را در شب چهار شنبه بعد از نمازِ عشا پیش از وتر بخواند. و آن چنان است که اوّل تجدیدِ وضو کند و نمازِ تحیّت الوضو بگذارد. بعدهٔ دوگانهٔ دیگر بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[1] اَلْهٰکُمُ التَّکَاثُر[2] و در رکعتِ دوم بعد از فاتحه[3] قل یا ایّها

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۰۲. ۳- ایضاً: ۱.

الکافرون[1] و بعد از سلام نود و نہ بار اسم "یا ھادی" بخواند. بعدہٗ نود و نہ بار "یا خبیر" بخواند بعدہٗ یک صد و نہ بار "یا سبوح" بخواند. بعدہٗ یک صد و نہ بار "یا قدوس" بخواند. بعد از آن نام حاجتِ خود بر زبان آرد.

اللہ تعالی مردی را از عالم غیب پیشِ او پیدا کند. و اگر آن کس کامل باشد، ہم در آن مجلس در بیداری وی را دست گیرد، و گوید: این کار بکن، و یا این کار مکن؛ و یا گوید: این کارِ تو خواھد شد یا نخواھد شد.

و اگر کامل نباشد، در خواب بہ او گوید: این کار کن یا مکن؛ و یا گوید: این کارِ تو خواھد شد یا نخواھد شد.

این وظیفہ نیک مجرّب است.

ترتیب ختم حضرتِ قطب الاقطاب میر سیّد علی ھمدانی، قدّس اللہ سرّہٗ العزیز، این است:

اوّل باید کہ وضو تازہ سازد، و دو رکعت نمازِ تحیّت الوضو ادا کند. پس [۱۵۵ و] ازان دو رکعت دیگر بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[2] قُلْ ھُوَ اللّٰہُ اَحَدٌ[3] پانزدہ بار، و بعد از سلام فاتحۂ اجابت و حضرتِ سرورِ کائنات، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، و پیرِ دستگیر میر سیّد علی ھمدانی، قدّس اللہ سرّہٗ، خواندہ مشغول بخواندنِ ختم شود بہ طریقی کہ نوشتہ می شود.

درود صد بار بہ این طریق بخواند:

اللّٰھم صل علیٰ محمّد و علیٰ آلِ محمّد و بارك وسلّم علیھم،

و سورۂ فاتحہ[4] بیست و یک مرتبہ، و سورۂ قریش[5] ھفت مرتبہ، وَقُلْ ھُوَ اللّٰہُ اَحَدٌ[6] یک ہزار و یک مرتبہ، وسُبحان اللہ والحمد للہِ و لا الٰہ الا اللّٰہ واللّٰہُ اکبر، و لا حول و لا قوۃ الا باللّٰہ العلی العظیم ھفتاد مرتبہ.

و این دعا نیز ھفتاد مرتبہ بخواند:

اللّٰھم لا سھل الا ما جعلتہ سھلا و انت تجعل الحزن سھلا اذا شئت، و

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۰۹. ۲۔ ایضاً: ۱. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۱. ۵۔ ایضاً: ۱۰۶. ۶۔ ایضاً: ۱۱۲.

درود صد بار بخواند به این نوع :

اللهم صل علیٰ[1] سیدنا محمد عبدك و رسولك و علیٰ المؤمنین و المؤمنات و المسلمین والمسلمات .

امّا باید که در اثنای خواندن با کس سخن نگوید، و به عجز و نیازِ تمام بخواند؛ و به هر نیتی که خواند، انشاء الله تعالیٰ به اجابت مقرون شود .

و از حضرت شیخ اویس قرنی، قدس الله سرّهٗ، منقول است : هر که ختم انبیا، علیهم الصّلوٰة و السّلام و علیٰ آلهم (بخواند) : اوّل ده کرّت درود بخواند، بعدهٗ به کلمۂ "لا اله الّا الله" مداومت نماید، چون به صد برسد، بگوید : "محمد رسول الله" جمله هفتاد هزار بار است. جمله حاجاتِ او برآید. انشاء الله تعالیٰ.

(ختم سورة الملک) و از حضرت (سلطان) سیّد جلال بخاری، قدّس الله سرّهٗ، یا از شیخ حسن بصری، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هر که ختمِ سورة الملک (خواند) یازده مرتبه یازده روز به نام یازده احمد بخواند، و هر بار که خواند ثوابِ آن را به نامِ یک احمد بخشد.

افتتاح از روزِ چهار شنبه باید کرد به نوعی که ترک واقع نشود. حق سبحانهٗ و تعالیٰ ابوابِ توانگری به زود مفتوح گرداند.

روزِ چهارشنبه حضرتِ احمدِ مرسل صلی الله علیه و آله وسلّم،
روزِ پنج شنبه (حضرت امام) احمدِ حنبل علیه الرّحمة .
روزِ جمعه حضرت سیّد احمد کبیر بخاری، رحمة الله علیه،
روزِ شنبه (حضرتِ) احمدِ جام (رحمة الله علیه)،
روزِ یک شنبه (حضرتِ) احمد ارقم (رحمة الله علیه)،
روزِ دوشنبه (حضرتِ) احمدِ سویکی (رحمة الله علیه)،
روز سه شنبه (حضرت) احمدِ رونه (رحمة الله علیه)،

---

۱. القرآن الحکیم : ۶۷ .

روزِ چهار شنبه (حضرت) احمد اسحاق (رحمۃ اللہ علیہ)،
روزِ پنج شنبه (حضرت) احمد جُرجانی (رحمۃ اللہ علیہ)،
روزِ جمعه (حضرت) احمد خضرویه (رحمۃ اللہ علیہ)،
روزِ شنبه (حضرت) احمد دُوینه گر (رحمۃ اللہ علیہ)،
انشاء اللہ تعالیٰ (حاجتِ او) عنقریب به اجابت مقرون می شود، و یقین داند که از محتاجگی خواهد رَست. انشاء اللہ تعالیٰ.

و از حضرت سلطان سید محمود ناصر الدّین (بخاری)، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که برای کفایتِ مهمات (سورۃ الملک[1]) هرباره به نامِ هر سلطان خوانده حاجتِ [۱۵۵ب] خود از درگاهِ حضرتِ صمدیت بخواهد به اعتقادِ درست. آن حاجت انشاء اللہ تعالیٰ زود میسّر شود.

اوّل سلطان بایزید بسطامی، قدّس اللہ سرّہٗ،
دوم سلطان ابو سعید ابوالخیر، قدّس اللہ سرّہٗ،
سیوم سلطان ابراهیم ادهم، قدّس اللہ سرّہٗ،
چهارم سلطان اسمٰعیل سامانی، رحمۃ اللہ علیہ،
پنجم سلطانِ خراسان نوح بن منصور (سامانی)، رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ،
ششم سلطان محمود غزنوی، علیه الرّحمۃ،
هفتم سلطان سنجر ماضی (سلجوقی)، رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ.

ختمِ سورۃ الانعام[2]: از حضرتِ شیخ شهاب الدّین سهروردی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که ختمِ سورۃ الانعام[3] بخواند، به بهشت رود.

آغاز به درود کند که بر آن بنده هفتاد هزار فرشته به عددِ هر آیتی نازل شود، و برای هر مهمی و نیتی و حاجتی که چل و یک بار بخواند، برآید.

ترتیبِ خواندن (ختمِ) سورۃ الانعام به جهتِ فتحِ مهمات بدین نوع است:

---

۱. القرآن الحکیم ۶۷. ۲ و ۳. ایضاً: ۶.

روز یکشنبہ بعد از نماز پیشین اوّل دو رکعت نماز نفل بگذارد، و بخواند درهر رکعتی بعد از فاتحہ[1] سہ بار سورۃ الاخلاص[2] و چون از نماز فارغ شود، یازدہ بار وَ اُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰہِ اِنَّ اللّٰہَ بَصِیْرٌ بِالْعِبَادِ[3] و یازدہ بار حَسْبِیَ اللّٰہُ وَ نِعْمَ الْوَکِیْل، وَ نِعْمَ الْمَوْلٰی وَنِعْمَ النَّصِیْر[4] و یازدہ بار سورۂ فاتحہ[5] بخواند؛ و تسمیہ با فاتحہ[6] و سورہ ضم کند، و "میم" "رحیم" "بسم اللہ" را با "لام" "الحمد للہ" متصل سازد کہ اثر تمام دارد، و سورۃ الانعام[7] آغاز کند. و بعد ازآن این دعا بخواند.

یاسریع الحساب، یا شدید العقاب، یا ودود، یا غفور، یا رحیم، یا خالق کل شیٔ. یا رازق کل حیّ، یا فاطر السمٰوات و الارضین، یا خالق الحبّ والنویٰ، یا خالق الاصباح. یا ذالجود و السماح، یا مرسل الریاح، یا مسبب الاسباب، یا مفتح الابواب و الابصار، یامن یعلم الابرار و یھلك الاشرار، یا منزل البرکات، یا ارحم الراحمین.

بعدہٗ دست برداشتہ این دعا بخواند:

دعای بزرگوار، این است:

بسم اللّٰہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللّھم انفعنا و ارفعنا بالقرآن العظیم، و اھدنا و بارك لنا بالآیات و الذّکر الحکیم. و تقبل منا ختم القرآن و تجاوز عنا ما کان منا فی تلاوته من خطاء او سھوا او نسیان، او تحریف کلمة من مواضعھا، او تقدیم او تاخیر، او تاویل، او زیادة. او نقصان علی غیر ما انزلتہ، او ریب، او شك، او سھو، او سوء الحساب، او تعجیل عند تلاوته، او کسل، او سرعة، او زیغ اللسان، او وقوف بغیر وقوف، او ادغام [۱۵۶ ا] بغیر مدغم او اظھار اللسان، او مدّ، او شدّ، او ھمزة، او جزم، او اعراب بغیر ما کان فیه فاکتبه منا علی التمام والکمال، وارزقنا جزاء من ادی حقه مع القلب و اللسان وھب لنا بالخیر و السعادة والشھادة من الایمان.

۱۔القرآن الحکیم: ۱۔ ۲۔ایضاً: ۱۱۲۔ ۳۔ایضاً: ۴۰/۴۴۔ ۴۔ایضاً: ۸/۴۰۔ ۵و۶۔ایضاً: ۱۔ ۷۔ایضاً: ۶

اللّهم ارزقنا بکلّ حرف من القرآن حلاوة، و بکلّ کلمة کرامة، و بکلّ آیة سعادة
بکلّ سورة سلامة و بکلّ جزءٍ خیر جزاء.

اللّهم ارزقنا بالالف الفة و بالباء برکة و بالتّا توبة و بالثّاء ثوابا و بالجیم جم
و بالحاء حلاو بالخاء خلافة و بالدّال دولة و بالذال ذکاء و بالرّاء رحمة و الزّا
و بالسّین سلامة و بالشّین شفاء و بالصاد صدقا و بالضّاد ضیاء و بالطاء طرفة و
ظفر و بالعین عنا و بالغین غنا و بالفاء فلاحة و بالقاف قربة و بالکاف کرامة باللام
و بالمیم مبارکا و بالنّون نوراً و بالواو وصلا و بالهاء هدایة و بالیاء یسرا.

اللّهم ارزقنا صحبة الابرار و الاخیار و ادفع عنا شرّ الاشرار و سو الابصار و تو
مع الابرار واجعلنا من المستغفرین بالاسحار و العابدین فی اللیل و النهار اعتق ر
و رقاب آبائنا و امهاتنا من النّار، وصلی اللّه علی خیر خلقهٖ محمّد و آلهٖ اجمعین. برح
یا ارحم الرّاحمین.

اسنادِ عزیمتِ تجربانِ هندی.

از حضرت حکیم نصیرالدّین، قدّس اللّٰہ سرّهٗ، منقول است که بزرگانِ دین
عزیمت را هزار و یک بار خوانده اند، خواه به روز وخواه به شب. هر کاری و مهمی
بوده باشد از مهماتِ دینی و دنیائی کفایت کرد، و از حبّ و بغض و عقد اللّسان
عقد العین و عقد الذکر و عقد النوم از دستِ این کس بر آید، و خوانندهٔ این دعا به
خلایق عزیز و در دلِ مردمان با هیبت باشد، و در چشمِ پادشاه و امرا عزیز باشد،
و عالمیان مطیع و مسخّرِ او گردند، و هر حاجتی که مردم را افتد، تمام مهمات به برکت
کلام کفایت گردد.

بعد از تمام کردنِ (این دعا) هزار و یک بار دوازده هزار پری بر این خوانندهٔ این
مسخّر گردد. و هر کاری که فرماید ایشان را، برغبت در آن کار استادگی نمایند، و
کار بکوشند.

و دوازده هزار کارِ مشکل بر دستِ این کس کشاده گردد؛ و از قید و بند و ز

وقفل و بر هر چیزی که هفت بار بخواند، و بدمد، گشاده گردد به قدرتِ خدای عزّ وجلّ، و در افسون دم روان گردد، و هر کاری که پیش آید به مراد و کامِ دل وَی [۵۶۱ ب] برآید، و تمام پریان و دیوان زیرِ دستِ او گردند. (انشاء الله تعالی).

حکیم شهاب الدین هفت بار سوگند یاد کرد که درکلام حائی که خلق در روی زمین می خوانند وعمل می کنند، به از این کلام نیست، و نباشد، و هیچ گونه تقصیر نکند، و درمیان دزدگی نکند تا به مراد و مقصود برسد.

(حکایت): حکیم شهاب الدین استاد و کلانتر بود. چنین می گوید: که با کاروان و مالِ بسیار به طرفِ بلخ می رفتم که ناگاه در راه دزدان در نیم شب خود را برکاروان زدند. خواستند که مال‌ها ببرند، و آن کاروانیان را بکشند.

من این عزیمت را هفت بار بخواندم، و بر دزدان دمیدم. به فرمانِ خدای تعالی دست‌های دزدان بی رسن بسته شد، و کاروانیان به سلامت گذشتند. بعد از روزگاری گذشتیم. همهٔ دزدان مرده بودند.

القصه خوانندهٔ این عزیمت به هیچ حال در نماند، و به هیچ چیز محتاج نشود، تا در حیات باشد در حکومت و کامرانی باشد، و جمله اندیشه ها به مرادِ وی گردد، و تمام مقصود های وَی حاصل شود.

و باید که بی طهارت نخواند این عزیمت را، و هر روزِ چهار شنبه غسل پاک برآرد، و هر روز سه بار بوی های خوش بسوزد؛ و اگر هر روز سه بار میتسر نگردد، هر بامداد و نمازِ دیگر تقصیر نکند؛ و در روزِ چهار شنبه غلبه بوی سوزد با دارو های گرم؛ و هرباری که بخواند بوی دهد، و ایشان را سوگند بسیار دهد، درخواست ها خواهد از ایشان، هم در اوّل که بخواند در خادم خواستن تقصیر نکند، هم در اوّل که آغاز کند از بهرِ خادم بخواند و خادم خواهد؛ و وقت بوی نیّت های خود را بسوی عرض کند، و نیّت های درست کند، و شرطِ بوی دادن بجا آرد، و بوی در مجمر دهد، و انگشت از هیزم پاک کند، و چون مجمرِ پُر خاکستر را بر آب اندازد، و به نیّتِ فتوح کار در آن دم در وقتِ بوی و خواندن رُوی به آفتاب برآمدن کند، و بوی را طرفِ آفتاب کند. و

در وقتِ خواندن به کس سخن نکند، و خانه را تاریک کند بر مثالِ نمازِ خفتن، و در خانهٔ خواند که روزن نداشته باشد، و بامِ آن خانه پاک بود؛

و هر چهار شنبه نمازِ شام در چهار رکنِ خانه چراغ نهد به نیّتِ روشنائی روزگار و فتوح کار، و برآمدنِ عمل و روائیِ دم؛ و در آن خانه که خواهد غیر را راه ندهد مگر خادمی را که در خدمتِ وی باشد.

و در وقتِ خواندن هر تجربه و خوابی که بیند به کس نگوید الّا به محرمی و صاحب سرّی. زنهار باید که سرّ ایشان به کس کشف نکند.

باید که بی علمِ استاد آغاز نکند تا کامل گردد؛ و به ایشان الفت گیرد، و سرّ خود را از استاد نپوشد، و در هر واقعه استعانتی خواهد. [۱۵۷ ا] چون چنین شرایط ها بجا آرد، باید که روزگار بجای رساند که خاطرِ او تقاضا کند، و هزار چندان. بعد ازان هر مطلبی که خواهد، میسّر گردد.

و اگر خواهد که کسی را دیوانه کند، و بی قرار و بی آرام گرداند، چنان که رسوا گردد، بیارده درم قرکری و ده درم سنگِ سارغ کتری و ده درم سنگِ خام و پنج درم سنگ دختهٔ مریم (که) "قناع" را گویند. همه را با یک دیگر برآمیزد، و چهل و یک بار این کلام را به نیّتِ آن کس که بخواند، بوی بدهد، و آن بوی ها را به وقتِ زوال سه روز پیوسته بدین قاعده بخواند، و بوی بسوزد. اگر صد فرسنگ راه می باشد، بی قرار گردد. (انشاء الله تعالی).

و اگر کسی را خواهد که خواب بندد و در مشکل افتد. برآرد مشک و زعفران، و بر کاغذ صورتِ آن کس بسازد، و بر آن صورت از سر تا پای به مشک و زعفران و گلاب این کلام را بنویسد به نامِ او (و به نامِ) مادرِ او، و هفت سوزن پولاد (بیارد)، و این کلام را هفت بار بر هر سوزن بخواند، و بدمد، و سوزن ها را بر هر اندام صورت بر دیوارِ خانه درپس درپذد به ترتیب چنان که دو سوزن در چشم دیکی بر ناف و دو بر پای، و در زیرِ آن صورت تخم سر دو سری جاروب و بزار اسپند و قراکری، از هریکی مقداری، و نیّتِ خواب بستن بکند، و بدین بوی ها بدمد، این بوی ها را سه روز تمام بدین قاعده سوزد.

در وقت خواب بسته شود، چنانچه کسی نتواند کشاد، و بیم آن باشد که دیوانه شود.

و اگر عقد العین کند، این کلام را چهل و یک بار بخواند، و بر خود بدمد، و بر پوست مار بنویسد، و با خود بدارد، و کسی ببیند. (چشم بسته شود).

و اگر خواهد که زبانِ کسی را ببندد، بیارد چهل و یک درم سنگِ موم، و صورتِ خر بسازد به نیّتِ آن کس، و این صورت را بر بامِ آن کس که خصمِ او است، بنهد، و این کلام را بنویسد با مشک و زعفران و کاغذ را در شکم آن صورت بنهد. نیش پولاد بیارد، و (این کلام را) بر آن نیش چهل و یک بار بخواند، بدمد، و نیش را به دهانِ (آن صورت) فرو برد تمام. بعدهٔ آن صورت را به جامه پارهٔ مقصود بپیچد، و در کوزه اندازد، و کوزه در گورِ مردهٔ دیرینه پنهان کند تا در آن گور باشد. زبانِ آن کس بسته گردد.

و اگر خواهد تا بدین کلام تنجیم کند، باید که در کوه سار جای اختیار کند که بلند باشد و هموار و خاکِ پاک و هفت خطِ مربّع در کشد با چهار در به راستهٔ هم دیگر باشد، و بر هر خطی این کلام با آیت الکرسی[1] بنویسد، و هفت درم سنگِ مشک و هفت درم سنگِ زعفران و صد درم [۱۵۷ ب] سنگِ صندل سرخ. باید که همه را یک جا کند بهم و در یک من گلاب در زند گرداگردِ خط. امّا از برونِ در نباشد، و آنچه پاشید، باشد، گرداگرد.

قُلِ اللّٰهُمَّ مٰالِكَ[2] قُلْ يٰاَيُّهَا الْكٰافِرُوْنَ[3] قُلْ هُوَ اللّٰهُ[4] و معوّذتین[5] را بنویسد بر کارد های پولاد و بر درهای آن کارد های پولاد که با دست های پولاد باشد، چنان که بر هر کاردی قُلْ هُوَ اللّٰهُ[6] و معوّذتین[7] نوشته باشد، بعد ازان در میانِ صندل بنشیند، و مشک و زعفران و دخنهٔ مریم، چنانکه از هر یکی یک من باشد، و این کلام را نیّت کند، سیصد و شصت بار این کلام آغاز کند. چون چهل و یک بار بخواند، هر چه در جهان دیو و پری است، حاضر شوند با سلاح های تمام با عظمتی که در وهم آدمی نگنجد:

اوّل که بیایند، میرانِ کار دیده بیایند؛

۱- القرآن الحکیم: ۲۵۶،۲. ۲- ایضاً: ۲۶،۳. ۳- ایضاً: ۱،۱۰۹. ۴- ایضاً: ۱۱۲.
۵- ایضاً: ۱۱۳ و ۱۱۴. ۶- ایضاً: ۱۱۲. ۷- ایضاً: ۱۱۳ و ۱۱۴.

و کرت دوم زنان سفید موی و سرخ پیراهن آیند،
و کرت سیوم کسانی آیند که صورت ایشان هم چوگاو باشد،
و چهارم بار کسانی آیند که صورت (ایشان) مثل شیر باشد،
و پنجم بار که آیند مثل صورت پیل باشند، هر جوقی به علامتی دگرگون باشد، آتش اندازان تازیانه های آتشین در دست گرفته، و از دهان و بینی ایشان آتش برون آید،
و جوق ششم با علامت های سیاه با چنگ و بربط و چغانه و دف و نای زنان،
و جوق هفتم "ستمکون ملک" آید با لشکر و حشم با عَلَم های سفید با تعظیم و حرمت،
و جوق هشتم "جوکان ملک" و "جابردن ملک" آیند با عَلَم های کبود، زمین بوسند و بایستند.
و جوق نهم "قنطوس" آید با لشکر تمام و عَلَم های کبود. آن "شاه شاهان" است، موکل بر دیوان روی زمین سیصد هزار لشکر دارد، بر پیل نشسته، و تاجی بر سر، به این نشان برسد.
برخیزد و سلام کند، و زمین بوسد، و بندگی بجای آرد، و قراکزی و بتوق النغا بوی کند، و پیش می دارد به حرمت تمام، و عذر می خواهد، و به زانو اندر آید، و بوی بر سر می دارد.
بعد ازان جوق دهم آید. آن هم شاهِ همه است بر اسپ نشسته، و شمشیر بر دست با عَلَم های سرخ،
با چهل هزار پری لشکر در آید، و سلام کند، و بوی ها بر سر می دارد، تا همه لشکر سیر شوند.
بعد از آن هر حاجتی که دارد، بخواهد. خادم خواهد، بدهند، چنان شود که تمام دیوان و پریان روی زمین مسخر او شوند. تا در جهان باشد، در خدمت او باشند، و هر کاری که فرماید، کنند، و از فرمان او سر نتابند، و عهدنامه بدهند، تا قیامت برنگردند از او و پادشاه گردد، چنان چه هیچ پادشاهی را در روی زمین پیش او محلی نباشد.

و صفت های این کلام بسیار است، چنان که اگر به هزار کاغذ شرح کنند باقی [۱۵۸ ا] ماند، چرا که مقصودِ کلام است، و از آن چه عمل لابد است، به درازی شرح نتوان کرد. به کوتاهی شرح کرده باشد. عمل کند. باید که ثابت قدم باشد دایم بخواندن تا به غایتی دوازده هزار بار بخواند.

و اگر پادشاهی دو جهانی طلبد، یابد.

چون به دوازده هزار بار برساند، آنچه از ممکنات که در خاطرِ آدمی نگذرد، هیچ باقی نشود. مُلکِ دو جهانش مسلّم گردد، چنان چه سلطان محمود (غزنوی) را میسّر گشته بود به قوّتِ خواندنِ این کلام، که مُلکِ هندوستان این کلام را با اسنادِ تمام و چهل اسرافیل به سلطان محمود (غزنوی) هدیه فرستاد.

سلطان محمود (غزنوی) چون این کلام را برپای داشت، پادشاهیِ دو جهانش مسلّم گشت، و بسیار گردن کشان و پادشاهان را بدین کلام هلاک گردانیده بسیار ولایت ها گرفت، و بسیار لشکرهای قوی را که بشکست، به قوّتِ این کلام بود، و چون به رحمتِ خدای عزّ و جلّ بپیوست، این کلام از خزانهٔ او به هر جا منتشر گشت، و کلامِ تجربانِ هندی این است:

و هر کس که سی و سه هزار بار این کلام را بخواند، آنچه از ممکنات باشد، معلوم گردد. چون هزار و یک بار بخواند، صورت های عورتان دیده شود، و چون سی و سه هزار بار بخواند، همه صورت ها را بیند. والله اعلم بالصّواب.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم.

اتم منو فجر بانیتہ هلیکه و ملیکه و رثیا شمتکا فجر منکا جحر منکا درتیکمه و شاد و ریاهلاهیا غنجلیتا یوحها و شیتتا ندم واخ برهبت لاحوتا مبلوتا فیحفجلا جنجمش جموکش لموکش کمورشش کنگرش کمرکش هفش هفش الزوایا الزوایا اذاکش اذاکشون کال مال واه یاه هی الساعة هماعة هوکش نموشاخ لبسم الله اهیا شراهیا اذون اسیائوث اله سیدی اجامونه بجی

طور سیناء تنبت بالدھن و صبغ للآکلین و صلی اللّٰه علیٰ خیر خلقہٖ محمد و آلہٖ اجمعین الطیبین الطاھرین. برحمتک یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت حکیم شہاب الدّین بن عبدالکریم ھندی کہ شفاء المرضِ منظوم و طبِ شہابی منثور تصنیفِ او است، قدّس اللّٰه سِرّهٗ، منقول است [۱۵۸ب] کہ بدان کہ این مختصری است در شرحِ چہل اسمِ یونانی، و ھر اسمی از این (اسما) شرح بسیار دارد. اگر بہ شرحِ ھر یک مشغول شویم بہ تطویل انجامد. امّا مجمل و مفصّل ذکر کردہ بہ توفیقِ خدای تعالیٰ آنچہ مجمل است. بستانند.

سعد ازرق یک چہار یک، و تخم حبّ النّیل یک چہار یک، ورق الخیال یک چہار یک و بوزیدان و حنای ترک وحبّ البان و حبّ الآس و حبّ القسط و قسطِ بحری تلخ و شیرین از ھر یک از این ھا چہار یکی، و این جملہ را در یک دیگر خورد کند، و بپزد، و بہ شیرِ خردیرہ بسرشد و تمامی حبّہ سازد، و ھر یکی مقدارِ نخودی، و بگیرد چوبِ خرزھرہ، و ازان میخی تراشد، و سیصد و شصت و شش دانہ از این حبّ در ریسمان بگرداند؛ و باید کہ دخترانِ نابالغ کہ ھنوز طہر آنان نکشودہ باشد، رشتہ باشد. آن گاہ منقل از آتش بردارد، و پنج من[1] روغن از ھرچہ باشد؛ گاو یا گوسفند یا بز وغیرہ. بعد از آن چند موی خوک و موی ذنبِ سگِ سیاہ درھم کند، و در روغن کند، و بہم بیامیزد، و برگِ درختِ آمری کہ تنہا استادہ باشد، تا تواند برآرد، و بہ جای رود کہ در آن سگ ھا بانگ نکنند، و مرغ و خروس نباشند، و آوازِ جانوران نیاید، مثلِ گاو و خر وغیرِ آن، و آن گاہ سہ مندلہ بکشد با این مثال، و در اندرونِ مندلہ رود، و مربّع بنشیند، و بنیاد کند، و بآواز بلند بلند بخواند، و بہ ھر نیتی کہ بخواند، یک دانہ تسبیح بگرداند، و یک حبّہ ازان بر آتش نہد، و یک دو برگ ازان در آن روغن بزند، و در آتش افگند، و بخواند، و خاموش نشود، و فراموش نکند، و نترسد، کہ چون شصت و پنج نوبت بخواند، آوازِ سواران و پیادگان بہ گوشِ او رسد، و بانگِ شیر و گربہ و شیہۂ اسپ و فیل و آوازِ سماع و بشرِ دف آید، و نقّارہ و کرنای و نفیر و

۱- یک من طبّی: چہل تولہ بہ اصطلاحِ پاکستان.

طبل وکوس و دمامه وگاو و ذنب وگرگ پیدا شود .

وچون بنگرد لشکری باشد که عددِ آن هیچ مخلوق نداند جز خالق جلّ جلاله و شصت امیری، ملوکِ مُلکِ ارواح در این دعوت حاضر شوند، اسمای ایشان : توتلا، کوکلا، بهرین، قیقبرس ، منقوس ، شراح ، ایکزی ، مصقیون ، عترلین ، کاماک ، وهنش، دهوش ، معابر، اصعوع، یا طوعطیون ، عنطیوش ، مادوش ، کانوش ، بنی دهنش ، صفرین، صفرعجن ، و امثال ، هر یک به دیگر شکل که حق تعالیٰ داند، شکل دارند .

و صورتِ مندله این است:[1]

- - - - - - - - - - - - - - - - -

- - - - - - - - - - - - - - - - -

[۵۹ او] باید که اگر به مال او را فریبند، بیرون نیاید که هلاک کند . امّا چون سیصد و شصت وشش نوبت بخواند، ملک الارواح درتحتِ نظرِ او حاضر شود، باید که چون او را ببیند، برخیزد، و دو دست برهم نهد. بروی سلام کند، و تعظیم کند، و تواضع نماید، وبگوید که هم چنان به دعوتِ من حاضر شدی، امید چنان است که حق تعالیٰ از تو راضی باشد .

باز بنیاد کند، و دعوت بخواند، تا ملک باز پرسد که ای بندهٔ خدای تعالیٰ! غرضِ خواندنِ توچیست؟

باید که بگوید که امیدِ بنده آن است ، چنین چنین مراد دارم ، مرادِ من برآری ، و مرا به چشمِ لشکریان خود نمائی تا در همه مرادها مرا مدد نمایند[2]

چون کار ساخته شود، آن گاه بگوید که مرا نشانی باید که اگر به تو حاجتی شود ، به آن نشان حاضر شوی تا مرا حاجت به دعوت نباشد.

چون نام بشنوند، بخود نگرند، و اورایک اصطلاب دوری بدهند، و گویند : هرگاه که خواهد من حاضر شوم ، این اصطلاب بالای آتش بیاویزد، و بخورش کند به فلان فلان .

سیر برآید، و مندله خراب کند که بعد از آن مشهورِ عالم شود .

۱ـ صورتِ مندله هر سه نسخه ندارد. ۲ـ ا برگ ۱۵۹ و این جمله ندارد.

نوعِ دیگر آن است : اگر بر کاغذ نویسد ، و باخود نگاه دارد ، از هیچ بلائی او را گزند نرسد به فرمانِ خدای تعالیٰ .

(نوعِ) دیگر : اگر بنویسد به مشک و زعفران و گلاب بر پرِ مرغ ، و بر بازوی بندد ، او همهٔ عالم را ببیند ، و او را هیچ کس نبیند .

(نوعِ) دیگر : اگر به شکر و گلاب و آب ستیز درهم دیگر و مشک و زعفران بهم ممزوج کند ، و بنویسد بر کرپاسِ شُستهٔ پاک ، و فتیله کند ، و در چراغ نهد ، از صد فرسنگ پیشِ تو آیند ، و از صباح تا چاشت حاضر شوند به فرمانِ خدای تعالیٰ .

(نوعِ) دیگر : اگر بنویسد به مشک و زعفران و مصطگی بر خایهٔ مرغ در ۷۱ ح هاح پنهان کند عقد البول و الغائط . وبیم ه لا I او باشد ؛

و اگر بر ح لاح ۰۰ نویسد ، و در آن تمام پنهان کند ، هشت محلّهٔ زن و شوی و عاشق و معشوق ازهم جدا شوند ، و طالب (و مطلوب) ازهم دُور افتند .

و چهل اسمِ (یونانی) این است :

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم

اللّهم نیلکوش ، هیماش ، مندولاش ، مهقاش ، بطیایاش ، صعوش ، صعبوش ، هارشی ، طهارش .

اللّهم یعزیوش ، مطلش ، طیماش ، ایاش ، هممّالوش ، دعانوش ، طواطوا ، طویاطویا ، هدیث ، حدیث ، فجد ، عبد ، حیث .

اللّهم رهنوش ، ایراش [۱۵۹ ب] طمیش ، ایشاهیش ، واریش ، فمیش ، وموش ، معدوش ؛

اللّهم بقجفجۃ ، ھجفجۃ ، عکش ، کشتۃ ، متامع ، طیش ، طوش ، ططوشش .

اللّهم رهنوش ، جلمجبوش .

أجِبْ دعوتی و کن عون اعوانی ، وصلی الله علیٰ خیر خلقهٖ محمّد و آلهٖ اجمعین بحقِ هذه الاسماء الحسنیٰ .

بیانِ خواصِ چہل و یک اسماء

و از حضرتِ غوث الصمدانی، حبیب الرحمانی، قطب الربانی، شیخ السموات و الارض، محی السنة و الفرض، و الحق و الشرع و الدین ابو محمد سید عبدالقادر الحسنی الحسینی الجیلانی، قدس اللہ تعالیٰ سرہٗ العزیز، منقول است:

من اراد الاستغناء و عدم الالتفات الی الاغنیاء والامراء والتوجہ الی الحضرة العلیا جل و علا و رفع درجات الدنیا و العقبیٰ والرغبة الیہا و برودة الباطن عنہا والحفظ عن النفس الامارة و کیدھا ومن ابلیس اللعین الرجیم، ووسواسہ و حضور القلب و دفع الغفلة عنہ فلیشتغل باحدٍ و اربعین اسماء ہولاء وھی من اعاظم اسماء اللہ تعالیٰ ان تصلی اولاً و آخرا علی سید السرمد وخلاصة النبوة، صلی اللہ علیہ وآلہٖ و سلم، دجاء و اتقامن الحضرة الالوھیة ان یحکم الاسماء المجردة و یجیب ما سئل منہ و لا یرد محروما من بابہ بحرمتہٖ وصفاتہٖ و عظمتہٖ اسمائہٖ علیکم بالدعوات الدرجات و الاشارات التصرفات لانہا کالسہم الذی یرمی الی الخلق و لایدری ای سہم یصل الیہ و ھذہ الاسناد مختصرة موجزة و خاصیتہا و تکسیرھا و تلویحہا و عجائبہا و غرائبہا و اسرارھا کثیرة بالعدد الکبیر والصغیر. الحمد للہ رب العالمین، و تلک ھذہ العزیمة العظیمة..

ترتیبِ نصابِ اسماء

اول نصابِ چہل روز سہ گانہ بار بخواند. اول ختمِ قرآن قیام کند. بعدہٗ سہ روز روزہ دارد، چنان کہ ابتدای روزہ ھا روزِ چہار شنبہ شود کہ اثنای نصاب شبِ جمعہ کند. و اگر بعد از تمامِ نصاب چیزی بریدہ بیند، اذنِ نصابِ دیگر کہ بالای اوست ما فوق الواحد یکی زیادہ کند تا پنج. بعد ازان دو دو کرت زیادہ کند، و چون بعد از دہ اذن شد، پنج پنج زیادت کند تا بیست بعدہٗ چون اذن شد، دہ زیادت کند تا سی. بعدہٗ چون اذن شد، ھشت زیادت می‌کند. بعدہٗ چون اذن شود، روزہ بدارد. اگر تواند ھمہ روزھا روزہ دارد، و اگر نتواند خمیس و جمعہ کہ در این روز می آید [۱۰۶ ۱] روزہ دارد، و چون سی و ھشت زیادت ازان شد، تمام چہل بار شروع کند. اما در این تمام روز ھا د. قرائتِ قرآن نیز زیادت کند.

اولیٰ است کہ در چہار روز ختم تمام کند و کم نکند ، و در نصابہا اول ہشتم حصّہ از خوردنی کم کند، و در نصاب کلان چہارم حصّہ کم کند .

امّا اول ختم بہ روحِ اقدسِ حضرتِ مخدوم شیخ شہاب الدّین عمر سہروردی بکند، و بخواند درختم الحمد للّٰہ[1] و آیت الکرسی[2] و اذا زلزلت الارض[3] و الھٰکم التکاثر[4] سہ گان بار و و قل ھو اللّٰہ احد دہ بار بخواند، و صلوٰۃ اللّٰھم صل علیٰ محمدن النّبی الامّی و علیٰ کل نبی و ملک و ولی عدد الشفع و الوتر و بعدد کلمات ربّنا التامات المبارکات .

بعدہٗ ختم دیگر بہ روحِ اقدسِ حضرتِ مخدوم شیخ شہاب الدّین یحییٰ مقتول . ہمین طریق سورت‌ھا بخواند .

دیگر ختم گاہ گاہ با استادِ خود کند، بعدہٗ چہل و یک اسم بخواند .

چہل و یک اسم این است :

بسم اللّٰہ الرّحمٰن الرّحیم .

اسم اوّل : یا حی انت الّذی تمت الاحیاء لاموت بعدہٗ ،

اسم دوم : یا منعم انت الّذی یعجز الخلائق من الشکر لنعمہٖ ،

اسم سیوم : یا غفّار انت الّذی یغفر ذنوب عبادہٖ بفضلہٖ ،

اسم چہارم : یا مالک انت الّذی تؤتی الملک من تشاء بلطفہٖ ،

اسم پنجم : یا قادر انت الّذی اذا اردت شیئًا ان تقول لہ کن فیکون، موجود السوعتہٖ ،

اسم ششم : یا قاھر انت الّذی تفنی ماشئتہٗ و تبقیٰ ما شئتہٗ بمشیتہٖ ،

اسم ھفتم : یا حافظ انت الّذی تحفظ لمن اردت من آفتہ و بلیتہٖ برحمتہٖ ،

اسم ھشتم : یا قدّوس انت الّذی تقدست الملائکہ المقربون و الانبیاء و المرسلون بقدسہٖ ،

اسم نہم : یا وکیل انت الّذی ترفع امور المتوکلین علیک بقدرتہٖ و قوّتہٖ ،

۱- القرآن الحکیم : ۱ . ۲- ایضاً : ۲، ۲۵۶ . ۳- ایضاً : ۹۹ . ۴- ایضاً : ۱۰۲ .

اسم دھم: یا مؤمن انت الّذی تعطی الایمان والامان للمؤمنین بکرمه و منّه،
اسم یازدھم: یاحکیم انت الّذی تحیّرت العقلاء والحکماء من حکمته،
اسم دوازدھم: یاخالق انت الّذی تخلق اصناف الخلائق بقدرته،
اسم سیزدھم: یاکریم انت الّذی تکرم الانسان علیٰ سایر الحیوان بعنایته،
اسم چہاردھم: یا وھّاب انت الّذی تھب لمن تشاء الاناث و تھب لمن تشاء الذکور بعزته،
اسم پانزدھم: یا مالک الملک انت الّذی لم یزل ملکه لایزال عزه و علوه،
اسم شانزدھم: یاغنی انت الّذی توتی الملک لمن تشاء من عباده و لم ترفع الاحتیاج بحکمته،
اسم ھفدھم: یا احد انت الّذی تثبت ضمائر عباده [۱۷۰ ب] علیٰ وحدانیّته،
اسم ھژدھم: یا رؤف انت الّذی لا ترد المحتاجین و المساکین محرومین من بابه،
اسم نوزدھم: یا رشید انت الّذی ترزق لاھل معرفته قربه و ولایته ووصاله،
اسم بیستم: یا قدیم انت الّذی لم تبلغ الاوھام الیٰ اوّله و آخره،
اسم بیست ویکم: یا ھادی انت الّذی تھدی الیٰ معرفته لمن تشاء من عباده،
اسم بیست ودوم: یا رحیم انت الّذی لایرحم علیٰ ولده کما رحمة علیٰ خلقه،
اسم بیست وسیوم: یا عفوّ انت الّذی لا تظھر الحسنات و تستر السیّات و تعفو عنھا برأفته،
اسم بیست وچہارم: یا کبیر انت الّذی تعالیٰ و تکبر بعظمته و جلاله،
اسم بیست وپنجم: یا علی انت الّذی علی شانه وعظم سلطانه وبرھانه،
اسم بیست وششم: یا مصوّر انت الّذی تصوّر بکمال صنعته و بلاغته،
اسم بیست وھفتم: یا جلیل انت الّذی لا یزال ملکه و بقاءه،
اسم بیست وھشتم: یا علیم انت الّذی ترزق العلم لمن تشاء بکرمه،
اسم بیست ونہم: یا قریب انت الّذی ھواقرب من کل قریب بعلمه و قدرته،

اسم سی ام : یا واحد انت الّذی عذبت لمن اشرک و انکر وحدانیتک بعدله،

اسم سی ویکم : یا عظیم انت الّذی لم تبلغ خطرات الموحدین بکنه عظمته،

اسم سی و دوم : یا ولیّ انت الّذی تورق لولیه مقام الولایة من عباده بمشیته،

اسم سی وسوم : یا نور انت الّذی تنور اهل السموات و الارض بنوره،

اسم سی وچهارم : یا عزیز انت الّذی تذلّ الکافرین بعدله و تعزّ المؤمنین بفضله،

اسم سی وپنجم : یا منّان انت الّذی لا ترو احد امن البرایا من منّه و اجابته،

اسم سی وششم : یا حلیم انت الّذی تغفر للعباد ذنوبهم بحلمه،

اسم سی وهفتم : یا شکور انت الّذی تکثر النعم علیٰ عباده لمن تشاء بجوده،

اسم سی وهشتم : یا توّاب انت الّذی تقبل التوبة من عباده و تعفوعن سیأتهم برحمته

اسم سی ونهم : یا حقّ انت الّذی تثبت الحق وتبطل الباطل بین الخلائق بحقه

اسم چهلم : یا معید انت الّذی تحشر الخلق یوم الحشر بقضائه،

اسم چهل ویکم : یا سبحان انت الّذی هو طاهر وبریٔ عما یقول ظالم النفس بجهالته،

اللّهم انی اسالک بعزة هذه الاسماء وعظمتها وشرفها وکمالها وجلالها وجمالها وسلطانها وبرهانها و ذکرها و السها و بحق اسرارها حروفها و تعدادها و کبرها و فخامتها و درجاتها و ثوابها وخواصها وتاثیرها [۱۶۱ ز] و تفسیرها و بحق معانی ظاهرها و باطنها و رسومها وکسورها وسطورها والواحها و اضمارها وخدامها و اقدامها وبعظمة جمیع اسماءها ان تصلی علیٰ محمّد و علیٰ آل محمد وان ترزقنا دینا ثابتا و یقیناً واثقا و اخلاصا کاملا و شوقا و اشتیاقا غالبا و ارزقنا مارزقت لجمیع اولیائک واصفیائک واحفظنا من شرّ الشیطان و النفس الامّارة ومن شرکلّ ذی شرّ فی الدّنیا والآخرة ومن شرّ جمیع العقوبات المعقوبة بفضلک و بکرمک یا اکرم الاکرمین و بعنایتک یا ارحم الرّاحمین، وصلی الله علیٰ خیر خلقه محمّد و آله و اجمعین وسلّم تسلیما کثیرا.

خواص مفردهٔ هریک اسم از چهل و یک اسم اعظم مذکور.

خاصیت اسم اوّل : از حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم، منقول است: هر که اسم اوّل بعداز نماز فجر هفتاد بار بخواند، دل مرده زنده گردد بر عبادت و طاعت خدای تعالیٰ. انشاءالله.

اسم اوّل این است: یاحیّ انت الّذی تمیت الاحیاء الاموت بعدہٗ۔

خاصیتِ اسمِ دویم: از حضرت (امیرالمؤمنین) ابی بکر صدیق، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هرکہ اسمِ دویم بعد از نمازِ ظهر صد بار بخواند، رزق و روزی خدای تعالیٰ او را زیادت گرداند. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

اسمِ دویم این است: یا منعم انت الّذی یعجز الخلائق من الشکر لنعمہٖ،

خاصیتِ اسمِ سیوم: از حضرت امیرالمؤمنین عمر فاروق، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هرکہ اسمِ سیوم بعد از نمازِ عصر نود بار بخواند، خدای تعالیٰ جملہ گناهانِ او بیامرزد. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

اسمِ سیوم این است: یا غفار انت الّذی تغفر ذنوب عبادہٖ بفضلہٖ،

خاصیتِ اسمِ چهارم: از حضرت امیر (المؤمنین) عثمان ذی النّورین، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هرکہ اسمِ چهارم بعد از نمازِ مغرب هشتاد بار بخواند، پادشاهیِ دو جهانی نصیب شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

اسمِ چهارم این است: یا مالک انت الّذی توتی الملک من تشاء بلطفہٖ،

خاصیتِ اسمِ پنجم: از حضرت امیرالمؤمنین علی مرتضیٰ، کرم اللّٰہ تعالیٰ وجهہ، منقول است: هرکہ اسمِ پنجم بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند. آنچہ از خدای تعالیٰ خواهد، یابد، و دعای او مستجاب شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

اسمِ پنجم این است: یا قادر انت الّذی اذا اردت شیئًا ان تقول لہ کن فیکون موجود السرعتہٖ،

خاصیتِ اسمِ ششم: از حضرت امیر سید حسن، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هرکہ اسمِ ششم وقتِ خفتن پنجاه بار بخواند، دشمنانِ او هلاک شوند. [۱۹۱ ب] انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

اسمِ ششم این است: یا قاهر انت الّذی تقضی ما شیئتہٗ و تبقیٰ ما شیئتہٗ بمشیتہٖ.

خاصیتِ اسمِ هفتم: از حضرت امیر سید حسین، شهیدِ دشتِ کربلا، رضی اللّٰہ تعالیٰ عنہ، منقول است: هرکہ اسمِ هفتم بعد از نمازِ تهجد چهل بار بخواند، خوفِ خدای تعالیٰ در دلِ او پیدا شود. انشاء اللّٰہ تعالیٰ.

اسمِ هفتم این است: یا حافظ انت الّذی تحفظ لمن اردت من آفتہٖ و بلیتہٖ بوحمتہٖ،

خاصیتِ اسمِ هشتم: از حضرت امام سید علی زین العابدین، رضی الله تعالی عنه، منقول است: هر که اسمِ هشتم بعد از نمازِ اشراق سی بار بخواند، خدای تعالی دلِ او پاک گرداند از غل و غش، و آنچه بشنود و خواند، یاد شود. انشاء الله تعالی.

و از حضرت امام سید محمد باقر، رضی الله تعالی عنه، منقول است: هر که اسمِ هشتم وقتِ دوپهر پیش از خواب کردن بیست بار بخواند، جمالِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله تعالی علیه وعلی آله وسلّم، را در خواب بیند. انشاء الله تعالی.

اسمِ هشتم (این است): یا قدّوس انت الّذی تقدّست الملائکة المقربون والانبیا والمرسلون بقدسه.

خاصیتِ اسمِ نهم: از حضرت امام سید جعفر صادق، رضی الله عنه، منقول است: هر که اسمِ نهم بعد از نمازِ ضحیٰ بیست بار بخواند، خدای تعالی او را از همهٔ بلاهای دنیا و آخرت نگاه دارد. انشاء الله تعالی.

اسمِ نهم این است: یا وکیل انت الّذی ترفع امور المتوکلین علیك بقدرته وقوته

خاصیتِ اسمِ دهم: از حضرت امام سید موسیٰ کاظم، رضی الله تعالی عنه، منقول است: اسمِ دهم بعد از زوال نود بار بخواند، خدای تعالی او را از دنیا با ایمان برانگیزاند. انشاء الله تعالی.

اسمِ دهم این است: یا مؤمن انت الّذی تعطی الایمان والامان للمؤمنین بکرمه ومنّه

خاصیتِ اسمِ یازدهم: از حضرت امام سید علی بن موسیٰ رضا، رضی الله تعالی عنه، منقول است: هر که اسمِ یازدهم روزِ شنبه هزار بار بخواند، پادشاهیِ دنیا نصیبِ او شود. انشاء الله تعالی.

اسمِ یازدهم این است: یا حکیم انت الّذی تحیّرت العقلاء والحکماء من حکمته.

خاصیتِ اسمِ دوازدهم: از حضرت شیخ معروف کرخی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که اسمِ دوازدهم شبِ شنبه صد بار بخواند، خدای تعالی او را فرزندِ صالح و پارسا روزی گرداند. انشاء الله تعالی.

اسمِ دوازدهم این است: یا خالق انت الّذی تخلق اصناف الخلائق بقدرته.

خاصیتِ اسمِ سیزدهم: از حضرت شیخ سری سقطی، رضی الله تعالی عنه، منقول است: هر که سیزدهم روزِ یکشنبه نود بار بخواند، خدای تعالی بر او [۱۶۲] مهربان شود، و آنچه از خدای تعـ

خواهد یابد. انشاء الله تعالی.

اسم سیزدهم این است: یاکریم انت الذی تکرم الانسان علی سائر الحیوان بعنایته.

خاصیت اسم چهاردهم: از حضرت شیخ جنید بغدادی، قدس الله تعالی سره. منقول است: هرکه اسم چهاردهم در شب یکشنبه هشتاد بار بخواند، خدای تعالی او را دولت بسیار دهد. انشاء الله تعالی.

اسم چهاردهم این است: یاوهاب انت الذی تهب لمن تشاء الاناث و تهب لمن تشاء الذکور بعزته.

خاصیت اسم پانزدهم: از حضرت شیخ ابوبکر عبدالله شبلی قدس الله سره، منقول است: هرکه اسم پانزدهم روز دو شنبه هفتاد بار بخواند، خدای تعالی پادشاهی و ملک او همیشه قائم و مستقیم گرداند و زوال نگرداند. انشاء الله تعالی.

اسم پانزدهم این است: یا مالک الملک انت الذی لم یزل ملکه و لا یزال عزه و علوه.

خاصیت اسم شانزدهم: از حضرت شیخ ابو العباس، قدس الله سره، منقول است: هرکه فقیر باشد و این اسم شانزدهم در شب دو شنبه هزار بار بخواند، خدای تعالی او را غنا دهد، و خزینه های غیبی معلوم گردد. انشاء الله تعالی.

اسم شانزدهم این است: یا غنی انت الذی تعطی الملک لمن تشاء من عباده و لم ترفع الاحتیاج بحکمته.

خاصیت اسم هفدهم: از حضرت شیخ احمد بن عبدالعزیز، قدس الله سره، منقول است: هرکه اسم هفدهم روز سه شنبه نود بار بخواند، خدای تعالی او را وحدانیت خود حاصل کند. انشاء الله تعالی.

اسم هفدهم این است: یا احد انت الذی تثبت ضمائر عباده علی وحدانیته.

خاصیت اسم هژدهم: از حضرت شیخ یوسف بن شیخ یونس، قدس الله سره، منقول است: هرکه اسم هژدهم در شب سه شنبه هشتاد بار بخواند، رحمت حق تعالی بر او نازل شود. انشاء الله تعالی.

اسم هژدهم این است: یا رؤف انت الذی لا ترد المحتاجین والمساکین محروما من بابه.

خاصیت اسم نوزدهم: از حضرت شیخ ابو سعید ابو الخیر، پیرو مرشد شیخ محی الدین[1] (عبدالقادر)

۱. مؤلف شیخ ابوسعید ابوالخیر را اشتباهاً پیرو مرشد شیخ محی الدین عبدالقادر نوشته است. شیخ ابوسعید ابوالخیر در سال (باقی بر ص ۴۶۶)

جیلانی، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم نوزدهم روزِ چارشنبه هفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را مرشدِ کامل بدست آرد، که او را درهر باب ارشاد کند. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم نوزدهم این است: یا رشید انت الّذی تورق لاهل معرفتہ قربہ و ولایتہ و وصالہ.

خاصیتِ اسم بیستم از حضرت شیخ عبدالرّزاق بن شیخ محی الدّین (عبدالقادر جیلانی)، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: [۱۶۲ ب] هر که اسم بیستم در شبِ چار شنبہ صد بار بخواند، آنچہ تقدیر مقدّم و مؤخّر است، همہ معلوم شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم بیستم این است: یا قدیم انت الّذی لم تبلغ الاوهام الیٰ اوّلہ و آخرہٖ.

خاصیتِ اسم بیست ویکم: از حضرت شیخ عبداللہ، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم بیست ویکم روزِ پنج شنبہ نود بار بخواند، خدای تعالیٰ او را راهِ راست نماید، و دعای او مستجاب گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم بیست ویکم این است: یا هادی انت الّذی تهدی الی معرفتہ لمن تشاء من عبادہٖ.

خاصیتِ اسم بیست و دویم: از حضرت شیخ احمد بن شیخ جعفر حسینی، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم بیست و دویم در شبِ پنج شنبہ صد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را همۂ خلایق مطیع فرمان بردار گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم بیست و دویم این است: یا رحیم انت الّذی لا یرحم الا ولدہ کما رحمۃ علی خلقہٖ.

خاصیتِ اسم بیست وسیوم: از حضرت شیخ علی حبیبی، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: هر که اسم بیست وسیوم روزِ جمعہ بعد از نمازِ جمعہ چهل بار بخواند، خدای تعالیٰ او را جملہ گناهانِ خورد و بزرگ عفو کند، و آنچہ از خدای تعالیٰ خواهد، یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم بیست وسیوم این است: یا عفوّ انت الّذی لا تظهر الحسنات و تستر السّیّئات و تعفو عنها برافتہٖ.

(بقیہ از ص ۴۶۵) ۵۶۱ھ، ق وفات یافت و شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی در سال ۴۷۱ھ، ق، ولادت یافت.

(رک کارنامۂ بزرگان ایران مطبوعہ تہران. ۱۳۴۰ش ص. ۱۴۰ و ۱۹۵).

خاصیتِ اسمِ بیست و چہارم : از حضرت شیخ محمد قادری حسنی، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است :
ہر کہ اسمِ بیست و چہارم شبِ جمعہ صد بار بخواند، پادشاہی (بہ او) نصیب شود. انشاء اللہ تعالیٰ.
اسمِ بیست و چہارم این است : یاکبیر انت الّذی تعالیٰ وتکبّر بعظمتہٖ وجلالہٖ.

خاصیتِ اسمِ بیست و پنجم : از حضرت سلطان الاولیا، قطب العالمین، جلال الحق والدین سلطان سیّد جلال بخاری اُچّی، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است : ہر کہ اسمِ بیست و پنجم بہ اعتقادِ درست روزِ چہار شنبہ و پنج شنبہ و آدینہ ہر روز ہزار بار بخواند، خدای تعالیٰ او را ہمہ خزانہ ہای اوّلین و آخرین معلوم کند، و مرتبہٴ او اعلیٰ و بلند گرداند، و ہمہٴ جن و انس و وحوش و طیور فرمان بردارِ او شوند، و عالمِ روحانی و جسمانی ہمہ (با او) ملاقاتِ ظاہری و باطنی کند. انشاء اللہ تعالیٰ.
اسمِ بیست و پنجم این است : یاعلیّ انت الّذی علیٰ شانہٖ وعظم سلطانہٖ وبرھانہٖ.

خاصیتِ اسمِ بیست و ششم : از حضرت سلطان الموحدین سیّد احمد کبیر بخاری اُچّی، کہ در اُچِ بخاریان در روضہٴ پدرِ خود سلطان سیّد جلال بخاری آسودہ است، قدس اللہ سرّہٗ العزیز، منقول است :
[۱۶۳او] ہر کہ اسمِ بیست و ششم روزِ یکشنبہ بعد از نمازِ فجر در مقامِ خالی مع ترکِ حیواناتِ جلالی و جمالی صد و پنجاہ بار بخواند، حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم (را) در خواب، ببیند، و علمِ اوّلین و آخرین ہمہ کشف شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسمِ بیست و ششم این است : یامصوّر انت الّذی تصوّر بکمالِ صنعتہٖ وبلاغتہٖ.

خاصیتِ اسمِ بیست و ہفتم : از حضرتِ قطبِ عالم، کاشفِ اسرارِ لوح والقلم مخدوم سیّد جلال جہانیان جہانگشت بن سلطان سیّد احمد کبیر (بخاری)، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است : ہر کہ اسمِ بیست و ہفتم در شبِ پنج شنبہ بعد از نمازِ عشا مع صلوات سہ بار اوّل و سہ بار آخر و ہزار بار اسمِ مذکور بخواند، از قرض خلاص شود، و ظاہر و باطن ہمہ معلوم گردد، و عزّت و دولت نیز بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسمِ بیست و ہفتم این است : یاجلیل انت الّذی لایزال ملکہٗ وبقاءہٗ.

و نیز از حضرتِ مخدوم (سیّد جلال، جہانیان (جہانگشت)، قدس اللہ سرّہٗ العزیز، منقول است کہ من در مکّہ (معظّمہ) از استادِ خود شیخ مکّہٴ مکرّمہ شیخ عبد اللہ یافعی، قدس اللہ سرّہٗ، شنیدم : ہر کہ اسم

بیست و هفتم در شب دوشنبه بعد از نمازِ تهجّد صد بار بخواند، عمرِ او دراز شود، و ایمانِ او سلامت باشد. انشاء الله تعالیٰ.

و نیز از حضرت (سیّد جلال، مخدوم جهانیان (جهانگشت)، قدّس الله مرقدهٗ، منقول است: که من در مدینهٔ مبارکه از استادِ خود شیخ مدینهٔ (منوره) شیخ عبدالله مطری، قدّس الله سرّهٗ، شنیدم هرکه اسم مذکور یاجلیل تا آخر چهل روز دعوت کند در خانهٔ خالی و هر روز پنج هزار بار یا سه هزار بار بخواند، جملہ جن و انس مطیع و فرمان بردارِ او شوند، و آنچه از آنان خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

خاصیتِ اسم بیست و هشتم: از حضرت شیخ عبدالقادرِ صدیقی، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اسم بیست و هشتم روزِ دوشنبه بعد از نمازِ ظهر صد بار بخواند، و بر دستِ راستِ خود بدمد، و (دست خود را) بر شکم بگرداند، آنچه خواند و بشنود، همه یاد شود. انشاء الله تعالیٰ.

اسم بیست و هشتم این است: یا علیم انت الّذی ترزق العلم لمن تشاء بکرمه.

خاصیتِ اسم بیست و نهم: از حضرت شیخ عبدالرؤف، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اسم بیست و نهم در شبِ پنج شنبه بعد از نمازِ تهجّد نود بار بخواند، قربِ حق تعالیٰ (به او) نصیب شود، و آنچه نیّتی دارد، حاصل شود. انشاء الله تعالیٰ.

اسم بیست و نهم این است: یا قریب انت الّذی هو اقرب من کلّ قریب بعلمه و قدرته.

خاصیتِ اسم سی ام: از حضرت شیخ عبدالله شطّاری، قدّس الله [۲۶۳ب] سرّهٗ، منقول است: هرکه اسم سی ام روزِ آدینه بعد از نمازِ فجر هفتاد بار بخواند، خدای تعالیٰ او را وحدانیتِ خود نصیب گرداند، و آنچه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

اسم سی ام این است: یا واحد انت الّذی عذبت لمن اشرك و انکروا حدانیتك بعدله.

خاصیتِ اسم سی ویکم: از حضرت قاضی قاضن، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه اسم سی ویکم در شبِ آدینه بعد از نمازِ عشا صد بار بخواند، عزّت و حرمتِ (او) در خلق بسیار شود. انشاء الله تعالیٰ.

اسم سی ویکم این است: یاعظیم انت الّذی لم تبلغ خطرات الموحدین بکنه عظمته.

خاصیتِ اسم سی و دوم : از حضرت شیخ ابو الفتح، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسم سی و دوم روزِ شنبہ بعد از نمازِ فجر نود بار بخواند، مال از میراثیان بسیار یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم سی و دوم این است : یا ولی انت الّذی توزق لولیہ مقام الولایۃ بین عبادہٖ بمشیتہٖ.

خاصیتِ اسم سی و سیوم : از حضرت شیخ ظہور حاجی حضور، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسم سی و سیوم در شبِ شنبہ بعد از نمازِ عشا ہشتاد بار بخواند، نورِ تجلی بیند. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم سی و سیوم این است : یا نور انت الّذی تنور اہل السّمٰوات و الارض بنورہٖ.

خاصیتِ اسم سی و چہارم : از حضرت (حاجی حمید معروف بہ) شیخ محمّد غوث، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسم سی و چہارم روزِ یکشنبہ بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، درمیانِ خلق بلند و مکرّم گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم سی و چہارم این است : یا عزیز انت الّذی تذلّ الکافرین بعدلہٖ و تعزّ المؤمنین بفضلہٖ.

خاصیتِ اسم سی و پنجم : از حضرت سیّد حاجی حمید نظام الدّین بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسم سی و پنجم برای فرزند شدنِ صالح و پارسا شبِ یکشنبہ بعد از نمازِ عشا ہفتاد بار بخواند مقصود حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم سی و پنجم این است : یا منّان انت الّذی لا ترد احدا من البرایا من منّہٖ و اجابتہٖ.

خاصیتِ اسم سی و ششم : از حضرت سیّد شکر اللہ بخاری بن سیّد حاجی حمید نظام بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسم سی و ششم بعد از نمازِ فجر صد بار بخواند، علم و حلم و روشنائی قلب حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم سی و ششم این است : یا حلیم انت الّذی تغفر للعباد ذنوبہم بحلمہٖ.

خاصیتِ اسم سی و ہفتم : از حضرت سیّد حامد بن سیّد شکر اللہ بخاری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ اسم سی و ہفتم شبِ دوشنبہ بعد از نمازِ عشا نود بار بخواند، خدای تعالیٰ توبہٗ او قبول [۱۶۲ الف] کند، و او را از تائبان گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

اسم سی و ہفتم این است : یا توّاب انت الّذی تقبل التوبۃ من عبادہٖ و تعفو عن سیئاتہم برحمتہٖ.

خاصیتِ اسم سی و هشتم : از حضرت سید علم الدین بن سید حامد بخاری، قدس الله سرّه، منقول است: هرکه اسم سی و هشتم روزِ سه شنبه بعد از نمازِ فجر نود بار بخواند. نعمت دو جهانی بر او فراوان شود. انشاءالله تعالی.

اسم سی و هشتم این است: یا شکور انت الذی تکثر النعم علی عباده لمن تشاء بجوده.

خاصیت اسم سی و نهم : از حضرت سید جلال بن سید داؤد بن سید شاکر الله بخاری، قدس الله سرّه، منقول است که من از عم خود حضرت سید علم الدین بن سید حامد بن سید شکرالله بخاری، شنیدم که هرکه اسم سی و نهم شب سه شنبه بعد از نماز عشا هفتاد بار بخواند. خدای تعالی او را بر حق مائل گرداند، و از باطل سرد شود، و دل، و زبانِ او حق گوی شود. انشاءالله تعالی.

اسم سی و نهم این است: یا حق انت الذی تثبت الحق وتبطل الباطل بین الخلائق بحقه.

خاصیت اسم چهلم : از حضرتِ سید السادات، مهبطِ انوار الله، مظهر اسرار الله، خلیفهٔ رسول الله، مجلسی حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، صاحب العلم والحلم، و الشجاعة سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل الله، قدس الله سرّه، منقول است: هرکه اسم چهلم روزِ چهار شنبه بعد از نمازِ فجر نود بار بخواند، و بر خود بدمد، سحر، جادو و نظر کفتار دفع شود، و هر علتی که باشد، زایل گردد. انشاءالله تعالی.

اسم چهلم این است: یا معید انت الذی تحشر الخلق یوم الحشر بقضائه.

خاصیت اسم چهل و یکم : از فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری ولی الله، قدس الله سرّه، که من شنیدم در شب آدینه بعد از نمازِ تہجد از حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلم هرکه اسم چهل و یکم را در شب، چهار شنبه و (شب) پنج شنبه و شب آدینه هر شب به اعتقادِ درست و به اخلاص دل هزار بار بخواند دلِ او پاک شود از غل و غش، و همیشه با مجلسِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلم، باشد، وآنچه در دنیا و آخرت است، همه معلوم گردد. انشاءالله تعالیٰ

اسم چهل و یکم این است: یا سبحان انت الذی هو طاهر وبریٔ عما یقول ظالم النفس من جهالته.

بعد از فراغ از چهل و یک اسم دست برداشته یک بار این دعا بخواند:

(دعای بزرگوار این است):

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم۔

اللّٰہم انّی اسالک بعزّۃ ھذہ الاسماء وعظمتھا و شرفھا وکمالھا و جلالھا وجمالھا و سلطانھا و برھانھا و ذکرھا و انسھا و بحق اسرار حروفھا و تعدادھا وکبرھا و فخامتھا و درجاتھا وثوابھا وخواصھا وتاثیرھا وتفسیرھا و بحق معانی ظاھر و باطنھا ورسومھا و کسورھا و سطورھا و الواحھا و اضمارھا وخدامھا واقدامھا و بعظمۃ جمیع اسمائھا ان تصلی علی محمّد وعلیٰ آل محمّد و ان ترزقنا دینا ثابتا و یقینا واتقا و اخلاصا کاملا وشوقا و اشتیاقا غالبا وارزقنا ما رزقت لجمیع اولیائک و اصفیائک و احفظنا من شرّ الشیطان و النفس الامارۃ و من شرّ کل ذی شرّ فی الدنیا و الآخرۃ ومن شرّ جمیع العقوبات المعقوبۃ بفضلک و بکرمک یا ارحم الرّاحمین و بعنایتک و رحمتک یا ارحم الرّاحمین، وصلی علیٰ خیر خلقہٖ محمّد و آلہٖ اجمعین و سلّم تسلیما کثیرا کثیرا۔

و از حضرت مخدوم سیّد جلال جہانیان جہانگشت، قدس اللہ سرّہ العزیز، منقول است کہ اگر کسی در شب و روز این دعا سہ بار بخواند۔ خدای تعالیٰ اورا از مار و کژدم و از دزدان نگاہ دارد۔ انشاءاللہ تعالیٰ۔

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم۔

عقدت اللسان الحیۃ و ذناب العقرب و یدی السارق بقول اشھد ان لا الہ الا اللہ وحدہ لا شریک لہ و اشھد ان محمّدا عبدہ ورسولہ برحمتک یا ارحم الرّاحمین۔

و از حضرت مخدوم شیخ بہاء الدین (زکریای ملتانی) قدس اللہ سرّہ، منقول است: ھر کہ این دعا بعد از نماز عشا ھفت بار بخواند، جملہ کارھای دینی و دنیوی او حاصل شود (انشاء اللہ تعالیٰ)۔

و اگر این دعا را با اعتقادِ درست در وقتِ خفتن پنج بار بخواند، در آن شب حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، را در خواب بیند۔ انشاءاللہ تعالیٰ۔

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم۔

الحمد لله الّذی فی السماء عرشه و الحمد لله الّذی فی الارض قدرته، و الحمد لله الّذی فی الجنة رحمته، و الحمد لله الّذی فی جهنّم سلطانه، و الحمد لله الّذی فی البّر والبحر برهانه. و الحمد لله رب العالمین.

و از حضرت شیخ شهاب الدّین ابو الفتح یحیی مقتول السهروردی رحمة الله علیه، منقول است: هر که این دعای وسل صغیر بعد از نماز عشا سه بار بخواند، خدای تعالیٰ او را در هر دو جهان عزیز و مکرّم گرداند. و هر دعائی که کند، مستجاب شود، و معرفت و هدایتِ خدای تعالیٰ نصیب گردد، و آنچه از خدای تعالیٰ خواهد، یابد. انشاء الله تعالیٰ.

فضیلتِ این دعا بسیار است، اما اندک نوشتم.

دعای بزرگوار این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

یا الهی و آلِه جمیع الموجودات من المعقولات [د۱۰۶و] و المحسوسات. یا واهب النّفوس والعقول و مخترع مهیات الارکان و الاصول. یا واجب الوجود، یا فائض الخیر والجود، یا فاعل القلوب و الارواح، جاعل الصّور و الاشباح، یا نور الانوار و مدبّر الادهار یا مقدر الاقدار ویا مدبّر کل دوار. انت الاوّل الّذی لا الاوّل قبلک و انت الآخر الّذی لا آخر بعدک و انت الظاهر الّذی لا باطن دونک الملائکة عاجزون عن الادراک جلال صفاتک و العارفون المخلصون باهتون عن کنه صفات جمالک والانسان قاصرون عن معرفة کمال ذاتک.

اللّهم خلصنا عن العلایق الدنیة الجسمانیة و نجنا عن العوائق الردیة الظلمانیة ارسل علیٰ ارواحنا شوارق انوارک و افض علیٰ نفوسنا بوارق آثارک العقل قطرة من قطرات بحار ملکوتک والنفس شعلة من شعلات نار جبروتک ذاتک ذات فیاضته تفیض منه جواهر روحانیته لا متمکنه ولا متحیّزة ولا متصلة و لا منفصلة مبراة عن الاحیاز والاین معراة عن الوصل والبین، فسبحان الّذی لاتدرکه الابصار و لاتمثلة الافکار و لک المجد و الثناء و منک المنح العطاء و بک الجود و البقاء.

فسبحان الّذی بیدهٖ ملکوت کلّ شیٔ و الیه ترجعون. وصلی الله علیٰ خیر خلقه محمّد وآلهٖ اجمعین، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

و از حضرت قاضی القضاة جمال الملّة و الدّین خواجه احمد حقّانی، رحمة الله علیه، منقول است که اسمای انبیا، علیهم الصلوٰة و السّلام، و اسمای اولیا و زُهّاد، رحمة الله علیهم، جمع آوردند، وثنای حضرتِ عزّ وجلّ بر آن مقرون گردانیده از برای روا شدنِ حاجات و مهمّات آن را "مناجاتِ کن فیکون" نام نهاده اند. که حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم، را چون مهمّی پیش آمدی، درویشان را و صحابه را، رضوان الله تعالیٰ علیهم اجمعین، به خدای عزّ وجلّ شفیع آوردی، و به این مناجات تلقین فرمودی. الله تبارک و تعالیٰ به برکتِ ایشان آن مهم به کفایت کردی.

و هرکرا مهمّی پیش آید، و یا درکار در مانده باشد، این بزرگان را در حضرتِ صمدیت جلّ جلالهٗ شفیع آرد. بی شک حاجتِ او روا شود، و مراد های او بر آید، و از جای برنخیزد تا جمله حاجاتِ خود را روا شده نبیند، و (این مناجات) در سفر و حضر مونسِ او باشد، و از بلاها و آفت ها ایمن بود، و راه گم نکند، و دارندهٔ این مناجات درمیانِ خلق عزیز و با حرمت باشد، و سخنِ او مقبول بود، و پیشِ رفتنِ ملوک و امرا و سلاطین سرخروی باشد، و زبانِ بدان و بدگویان و دشمنانِ او بسته گردد، و در جنگ ظفر یابد، و از روی خصم خجل نماند، و رضای او درخصم برسد، [۱۶۵ ب] و پیشِ او نتواند ماند. (انشاء الله تعالیٰ).

و هرکس را سفری پیش آید، و این "مناجاتِ کُن فیکون" برابرِ او باشد، به برکتِ این نام ها سلامت و با سعادت برحسبِ مطلوب در وطنِ خود برسد؛ انشاء الله تعالیٰ.

و هرکرا حاجتی باشد، شبِ آدینه نیم شب درمحلِ خلوت دو رکعت نماز بگذارد، و بعد از سلام این مناجات بخواند. چون تمام شود، سر به سجده نهد، و حاجاتِ خود را عرض کند. هنوز سر از سجده بر نداشته باشد که حاجاتِ او برآید و به مرادِ دل برسد. انشاء الله تعالیٰ.

و در هر خانه که این مناجات باشد، برکت در آن خانه بسیار شود، و از آفتِ دیو و پری و مار و کژدم و گفتار و نظرِ بد ایمن بود، و هیچ علتی در خانه در نیاید. (انشاء الله تعالیٰ).

و هرکرا طفل باشد، و این مناجات درگردنِ او حمایل کند، به بلاغت رسد، و دانا و هوشمند گردد، و عالم و متقی و خدا ترس باشد، وحقوقِ مادر و پدر و اقربا را نیکو شناسد، و نگاه دارد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر عورتی در دردِ زه گرفتار باشد، و خلاص نیابد، چون این مناجات را باز کند، و در وی نظر نماید، فی الحال آن عورت خلاص یابد، و فرزندِ شایسته با عمرِ دراز پیدا شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر کسی در محل محبوس باشد، و این مناجات هر روز بخواند، به تعجیل خلاص یابد، و مدعیِ او مقهور گردد، و هیچ بدی بر وی نتواند کرد. (انشاء الله تعالیٰ).

و هرکرا مهمی و کاری صعب پیش آید از دینی و دنیوی، میانِ سنت و فریضهٔ نماز پیشین دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند "الحمد لله"[1] یک بار و سورة الاخلاص[2] سه بار، چون از نماز فارغ شود، این مناجات را شفیع آرد، و وسیله سازد، و چون تمام بخواند، سر به سجده نهد، و حاجت دارد، هنوز سر از سجده بر نداشته باشد که حاجات او به اجابت بپیوندد، و اغراض و مقاصدِ او بر نهجِ مرادِ آن ماند بی شک و بی شبهت انشاء الله تعالیٰ.

"مناجاتِ کن فیکون" این است:

بسم الله الرحمن الرحیم.

الٰهی سیدی و مولائی و خالقی به برکتِ عظمت و جلالِ تو!

الٰهی به حرمتِ عزتِ باکمالِ تو!

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲.

الٰہی بہ حرمتِ قدرتِ کبریای تو !
الٰہی بہ حرمتِ فضلِ بی منتہای تو !
الٰہی بہ حرمتِ الای و نعمای تو !
الٰہی بہ حرمتِ لطفِ تو بر ضاحکانِ درگاہِ تو !
الٰہی بہ حرمتِ عفوِ تو بر عاصیانِ امتِ حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم!
الٰہی بہ حرمتِ توریت و انجیل و زبور و فرقانِ تو !
الٰہی بہ حرمتِ جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیلِ تو !
الٰہی بہ حرمتِ دردائیل و کرکائیل و روحائیلِ تو !
الٰہی بہ حرمتِ رضوانِ تو، صلوات اللہ تعالیٰ علیہم [۱۶۶ الف] اجمعین !
الٰہی بہ حرمتِ راز و نیازِ مادرِ انبیا (بی بی) حوا، رضی اللہ تعالیٰ عنہا !
الٰہی بہ برکت راز و نیازِ مہتر آدم، پیغمبر علیہ السلام و صفوتِ او !
الٰہی بہ برکت راز و نیازِ سید الشہدا ہابیل پیغمبر علیہ السلام و رأفتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیث پیغمبر علیہ السلام و قربِ او !
الٰہی بہ برکتِ رازِ و نیازِ نوح پیغمبر علیہ السلام و دعوتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ادریس پیغمبر علیہ السلام و دراستِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابراہیم پیغمبر علیہ السلام و خلتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ اسمٰعیل پیغمبر علیہ السلام و پیغامِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ اسحاق پیغمبر علیہ السلام و ندامتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ یعقوب پیغمبر علیہ السلام و حزنِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ھود پیغمبر علیہ السلام و مودتِ او !
الٰہی بہ برکت راز و نیازِ صالح پیغمبر علیہ السلام و رسالتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ یوسف پیغمبر علیہ السلام و صدقِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ موسیٰ پیغمبر علیہ السلام و صلابتِ او !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ہارون پیغمبر علیہ السّلام و خلافتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ یوشع پیغمبر علیہ السّلام و متابعتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ایّوب پیغمبر علیہ السّلام و صبرِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ یونس پیغمبر علیہ السّلام و شکرِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خضر پیغمبر علیہ السّلام و علمِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ الیاس پیغمبر علیہ السّلام و شفقتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ذو الیسع پیغمبر علیہ السّلام و متابعتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ذو الکفل پیغمبر علیہ السّلام و امانتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ لُوط پیغمبر علیہ السّلام و دخترانِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ داؤد پیغمبر علیہ السّلام و الحانِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سلیمان پیغمبر علیہ السّلام و شکرِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ زکریا پیغمبر علیہ السّلام و کفایتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ یحییٰ پیغمبر علیہ السّلام و خوفِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شعیب پیغمبر علیہ السّلام و نبوّتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ارمیا پیغمبر علیہ السّلام و کرامتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ دانیال پیغمبر علیہ السّلام و اخلاصِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ عزیر پیغمبر علیہ السّلام و حیایِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شعبان پیغمبر علیہ السّلام و حیاتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ جرجیس پیغمبر علیہ السّلام و قالبِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شمعون پیغمبر علیہ السّلام و شجاعتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ [۱۶۶ ب] عیسیٰ پیغمبر علیہ السّلام و زہادتِ او !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ اصحاب الکہف و اخلاصِ ایشان !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ حضرتِ سیّد المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین محمّد

مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، و معراجِ او !
الٰہی بہ برکتِ رازو نیازِ امیر المؤمنین ابوبکر صدیق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امیر المؤمنین عمر فاروق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امیر المؤمنین عثمان بن عفان، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، کرم اللہ وجہہ، و رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ طلحہ بن عبداللہ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ زبیر عوام، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ عبدالرحمٰن بن عوف، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ حمزہ بن عبدالمطلب، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ عبداللہ بن عباس، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سعد بن (ابی) وقاص، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سعید (بن زید)، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابا عبیدہ بن الجراح، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امیر (سید) حسن الرضا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امیر سید حسین، شہیدِ دشتِ کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سید علی زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سید علی اکبر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سید علی اصغر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سید محمد باقر بن امام سید علی زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سید جعفر صادق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سید موسیٰ کاظم، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سید علی (بن) موسیٰ رضا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سیّد محمد تقی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سیّد علی نقی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سیّد حسن عسکری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام سیّد محمّد مہدی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ وھب بن منبہ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابوھریرہ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابیّ بن کعب، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ معاذ بن جبل، رضی اللہ تعالیٰ [۱۶۷ ل] عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابودردا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سلمانِ فارسی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابو دجانہ انصاری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ عبداللہ بن مسعود، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ بلالِ حبشی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شہرخ رچشتی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابو ایوب انصاری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ انس بن مالک، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ حسینِ رومی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ھلالِ زنگی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابوموسیٰ اشعری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ حذیفہ یمانی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ جملہ اصحاب و تابعین و مہاجرین و انصار، رضی اللہ
تعالیٰ علیہم اجمعین۔
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ بی بی خدیجۃ الکبریٰ، رضی اللہ تعالیٰ عنہا!

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ بی بی فاطمۃ الزہراء، رضی اللہ تعالیٰ عنہا!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ بی بی عائشۂ صدیقہ بنت ابی بکر صدیق، رضی اللہ تعالیٰ عنہا!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ جملہ حرم و اہلِ بیتِ حضرتِ پیغمبر، صلی اللہ علیہ و آلہٖ و سلّم، رضی اللہ تعالیٰ عنہن!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خواجہ حسن بصری، رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خواجہ بایزید بسطامی، رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امامِ اعظم ابوحنیفہ کوفی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام ابویوسف قاضی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام احمد حنبل، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام عبداللہ بن مبارک، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام زفر، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام ادریس شافعی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام مالک، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ حاتم اصم کوفی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ حاتم اختم، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ صالح مری، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ابو تراب نخشبی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ ذوالنون مصری، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ سری سقطی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سیّد الطایفہ الصوفیۃ شیخ جنید بغدادی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سیّد السادات [۱۶۷ب] میران سیّد شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی گیلانی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ ابوبکر شبلی، رحمۃ اللہ علیہ!

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابو اسحاق کازرونی (رحمۃ اللہ علیہ)!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابراھیم خواص، (رحمۃ اللہ علیہ)!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابراھیم مقدس، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابراھیم ادھم، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابراھیم جنگلی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابراھیم گوھر، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خواجہ شقیق بلخی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ علی سیاہ پوش، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خیر التابعین خواجہ اویس قرنی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خواجہ ابو القاسم قشیری، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خواجہ ابو مسلم بخاری، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خواجہ ابو سعید ابو الخیر، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) حسین زنجانی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ثابت نیشاپوری، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ربیع بن خثیم، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) داؤد طائی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) علی کوکانی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابو الحسن خرقانی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) حبیب عجمی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابو الحسن نوری، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابوبکر وراق، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابولیث سمرقندی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابو جعفر ھندوانی، رحمۃ اللہ علیہ!

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) یحییٰ بن زکریا، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) شاہ شجاع کرمانی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) بشر حافی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ حسین (بن) منصور الحلاج، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکت راز و نیازِ (شیخ) عمار یاسر، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ سہل بن عبداللہ تستری، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ خلفِ ایوب، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) قشیر گردیزی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) یونس سجاوندی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) علی ہجویری، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) عبدالسلام صفاہانی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سعید بن مسیب، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکت راز و نیازِ شیخ ابوبکر اصغر، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکت راز و نیازِ (شیخ) یوسف لجامی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکت [۱۶۸و] راز و نیازِ (شیخ) اسمٰعیل شامی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) احمد محمد زوزنی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ (شیخ) ابوالحسن طولانی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ سلطان محمود (بن) سبکتگین غازی (غزنوی)، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ شہاب الدین ابوحفص عمر السہروردی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ شہاب الدین ابو الفتح یحییٰ مقتول السہروردی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ حضرت حجۃ الاسلام زین الدین امام ابوحامد محمد غزالی، رحمۃ اللہ علیہ!
الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ امام احمد غزالی، رحمۃ اللہ علیہ!

الٰہی بہ برکت راز و نیاز شیخ محی الدّین محمد ابن العربی ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیاز شیخ نجم الدّین کبریٰ ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیاز مولانا جلال الدّین رومی ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیاز شیخ بہاء الدّین زکریای ملتانی رحمۃ اللہ تعالیٰ !

الٰہی بہ برکت راز و نیاز سلطان سیّد جلال بخاری ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکت راز و نیاز مخدوم لعل شہباز[1] (قلندر مروندی) رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیاز شیخ فرید شکر گنج ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ ھر چہار یار کہ قطبِ عالم اند : مخدوم شیخ بہاء الدّین زکریای ملتانی و سلطان سیّد جلال بخاری و مخدوم لعل شہباز (قلندر مروندی) و شیخ فرید شکر گنج، قدس اسرارھم ، مقصودِ من ، دینی و دنیوی ، حاصل گردان .

الٰہی بہ برکتِ راز و نیاز سلطان سیّد احمد کبیر ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیاز مخدوم سیّد جلال جہانیان جہانگشت ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ صدر الدّین (ملتانی) رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ شیخ رکن الدّین (ملتانی) ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکت راز و نیاز شیخ بدیع الدّین شاہ مدار ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکت راز و نیاز شیخ عبدالجلیل بن عمر صدیقی ، رحمۃ اللہ علیہ !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ رابعۂ بصریہ ، رحمۃ اللہ علیہا !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیازِ رابعۃ العدویہ ، رحمۃ اللہ علیہا !

الٰہی بہ برکتِ راز و نیاز جملہ انبیاء و مرسلین اولو العزم و سادات و اولیا و اصحاب علما و ابدال و حکما و زھاد و عباد و اقطاب و اغوات و رقبا و نقبا و نجبا بدلا ، (رحمۃ اللہ علیہم) !

ا۔ رک حاشیہ ا ص ۱۰ جواہر اوّل .

الٰہی به برکتِ راز و نیازِ جمله عارفان و عابدانِ تو (رحمة الله علیهم)!
الٰہی به برکتِ جود و نوالِ تو، و به عظمت و جلالِ تو، و به کرم و افضالِ تو، و به ذاتِ مقدس تو، و به صفاتِ مطهرِ تو، و به حقِ تو، و به حقِ عطای عمیمِ تو، و به احسانِ قدیمِ تو، و حرمتِ جستگانِ ضربِ تو، و به حرمتِ سوختگانِ حضرتِ تو، [۶۸اب] و به حرمتِ جویندگانِ محبتِ تو، و به حرمتِ مشتاقانِ دیدارِ تو!
ای قاضیِ بی عزل! ای حکیمِ بی معزل! ای مفضلِ بی فضول! ای عادلِ بی عدول!
ای توانای بی ظهیر! ای مَلکِ بی وزیر! ای قاهرِ بی مشیر! ای خداوندِ بی نظیر!
یا لطیف، یا علیم، یا کبیر، یا فتاح، یامن لایحتاج الیٰ البیان و التفسیر، و بعلم ما فی الضمیر حاجاتنا کثیر، و انت عالم بنا بصیر، نعم المولیٰ و نعم النصیر، غفرانک ربّنا و الیک المصیر،
ای خالقِ بی عدل! ای رازقِ بی مدد! ای خالقِ هر مخلوق! ای رازقِ هر مرزوق!
ای اوّلِ بی بدایت! ای آخرِ بی نهایت! ای ظاهرِ بی صورت! ای باطنِ بی ضرورت!
ای حیّ بی حیلت! ای قیومِ بی حالت! ای عزیزِ بی ذلّت! ای غنیِ بی قلّت!
ای دایمِ بی عدّت! ای قایمِ بی مدّت! ای معطیِ بی فکرت! ای بخشندهٔ بی منّت!
ای بخشایندهٔ بی صنعت! ای صانعِ بی آلت! ای مبدئِ بی حالت! ای قاضیِ بی رشوت!
ای علّامِ بی تفکّر! ای قسّامِ بی تغیّر! ای جبّارِ بی تجبّر! ای قهّارِ بی تهوّر!
ای مقدری که رقمِ قلمِ تقدیرِ تو به هیچ آبی محو نگردد، و
ای مدبری که تیرِ تقدیرِ ترا هیچ تدبیر سپری نگردد، و
ای مَلکی که مُلکِ ترا عزل صورت نبندد! ای بخشنده‌ای که هرگز ملول نگردی!
ای قهّاری که هرگز عاجز نشوی! ای رحیمی که هزار هزار نعمت زیاده کنی به شکری، و
ای حلیمی که هزار هزار گناه بیامرزی به عذری! ای دانندهٔ ضمایر و ای دانندهٔ سرایر!
ای آمرزندهٔ صغائر و کبائر! (ای) دستگیرِ هر سرگشته! ای فریادرسِ هر درمانده!
ای دوستدارِ نیکوکاران! ای ستّارِ تو به کاران! ای غفّار گناه‌کاران!

ای قبول کنندهٔ توبهٔ عاصیان! ای پذیرندهٔ گریختگان! ای روزی دهندهٔ بی کاران!
ای رحیمِ پریشانان! ای کریمِ پشیمانان! ای مونسِ پُرغمان! ای موجودِ درهمان!
ای مغنیِ بی کسان! ای خوانندهٔ زادگان! ای مجیبِ خوانندگان! ای قریبِ دانندگان!
ای کارسازِ بی چارگان! ای معبودِ جانوران! ای امید رسانندهٔ امیدواران!
ای خواجهٔ زمین و آسمان! ای صحت دهندهٔ بیماران! ای ملجای مفلسان!
ای چارهٔ درویشان! ای پناهِ بی خویشان! ای رحیم برهمگان! ای خالقِ بندگان!
ای نویسندهٔ دامنِ عفو بر سرِ گناه گاران!
ای آن که رحمتِ تو عمیم است، و ذاتِ تو کریم است، و نامِ تو رحمٰن و رحیم است!
ای بخشندهٔ که همه را بخشی، و از هیچ کس نترسی! و آنچه تو می دهی کس نتواند داد، و
و اگر غمگینِ [۱۶۹ ا] شبی به روزِ تو آید، و بنالد، روزهای شادی از عزّت و رحمتِ تو بیابد.
مَلکا تو می دانی! ای عالم پادشاهات می بینی احوالم!
خداوندا! من عاجزِ حیرانم، هیچ پناه و قوتِ آن ندارم، و هرچه جز تو است ازان بیزارم
هرکس تعلق به کسی دارد، این بی چارهٔ ضعیفِ درماندهٔ گنه گار تکیه بر لطف و اعتصام بر فضلِ تو دارد. یا دلیل المتحیّرین و یا غیاث المستغیثین و یا اکرم الاکرمین و یا ارحم الرّاحمین!
ای در غمای درهمان! درهمیِ این ضعیف می دانی، و پُرغمیِ این بی چاره می بینی! آن چیست که نداری و نتوانی که بی همه چیز تو دانی، و بر همه چیز توانائی داری، و به قدرتِ خویش برآوردن می توانی که بی حیلت مقصودِ این بنده برسانی، و در عاقبت (مرا) برخورداری و بدان پایگردانی، و از درِ خود نا امید مگردانی، و از آنچه می ترسم و غیرهم همه را از آن ایمن گردانی، و از آنچه امید می دارم مرادان برسانی!
یا اله العالمین، و یا خیر النّاصرین، یا الله، یا رحمٰن، یا رحیم، یا علی، یا عظیم، یا کریم، یا جوّاد یا ستّار یا غفّار! آنچه برزبانِ خاطی و جافی و عاصی می رود، و می دانی از درخواستِ آنچه ملتمسِ او است بعزِّ اجابت مقرون گردانی، و این شکسته را

بدان مراد برسانی !
بحق محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، مجتبیٰ مزکّی معلّیٰ، و
بحق فرق و فرقان مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، و
بحق روی در گیسوی مشکبوی مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، و
بحق محراب و منبر مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، و
بحق جای گاہ و پای گاہ مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم.

الٰہی بہ حرمت سرِ محمد و سرّ محمد !
الٰہی بہ حرمت صُوی محمد و رُوی محمد !
الٰہی بہ حرمت خُوی محمد و گیسوی محمد !
الٰہی بہ حرمت نام محمد و کام محمد !
الٰہی بہ حرمت وجودِ محمد و جُودِ محمد !
الٰہی بہ حرمت دلِ محمد و کُل محمد !
الٰہی بہ حرمت فرقِ محمد و فرقانِ محمد !
الٰہی بہ حرمت مجاہداتِ محمد و مشاہداتِ محمد !
الٰہی بہ حرمت خُلقِ محمد و اخلاصِ محمد !
الٰہی بہ حرمت جمالِ محمد و کمالِ محمد !
الٰہی بہ حرمت همّتِ محمد و سخاوتِ محمد !
الٰہی بہ حرمت صدقِ محمد و صدّیقِ محمد !
الٰہی بہ حرمت صفای محمد و وفای محمد !
الٰہی بہ حرمت نمازِ محمد و نیازِ محمد !
الٰہی بہ حرمت روزِ محمد و سوزِ محمد !
الٰہی بہ حرمت راستِ محمد و کراستِ محمد !
الٰہی بہ حرمت صباحتِ محمد و ملاحتِ محمد !

الٰہی بہ حرمتِ فتحِ محمدؐ و فتوحِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ درودِ محمدؐ و آہِ سردِ [۱۶۹ب] محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ روحِ محمدؐ و ارواحِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ ذوقِ محمدؐ و شوقِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ صورتِ محمدؐ و سیرتِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ آرایشِ محمدؐ و آسایشِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ شریعتِ محمدؐ و طریقتِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ دانشِ محمدؐ و بینشِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ اخلاصِ محمدؐ و اختصاصِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ قرآنِ محمدؐ و قربتِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ رکوعِ محمدؐ و سجودِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ تسبیحِ محمدؐ و تشہیدِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ سلامِ محمدؐ و کلامِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ تاجِ محمدؐ و معراجِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ مسجدِ محمدؐ و محرابِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ حرکاتِ محمدؐ و سکناتِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ طرفِ محمدؐ و شرفِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ سفرِ محمدؐ و ظفرِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ نظرِ محمدؐ و اثرِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ فراغتِ محمدؐ و قناعتِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ شفاعتِ محمدؐ و شجاعتِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ حلمِ محمدؐ و علمِ محمدؐ!

الٰہی بہ حرمتِ بسطِ محمدؐ و قبضِ محمدؐ!

الٰهی به حرمت اهلِ محمّد و آلِ محمّد !
که حاجاتِ دینی و دنیویِ این بندهٔ ضعیف به کرمِ خود رواکنی ، و از شفاعتِ آن مهتر و بهتر بی نصیب مگردانی !
الٰهی تکلنی الیٰ نفسی طرفة عین ولا الیٰ احدك سواك .
الٰهی الیك هربی و منتهی هربی و منتهی طلبی و کرمك سببی .
یارب عجّل فرجی و اقض حاجتی بحقِ محمّد العربی ، صلی الله علیه و آله و سلّم :
ای دانندهٔ نام ها ، و ای شکنندهٔ کام ها ، و ای دو زندهٔ وام ها !
ای برآرندهٔ حاجت ها ، و ای دانندهٔ رازها ! ای بینندهٔ غیبها ! ای پوشندهٔ عیب ها !
ای ملجای ضعفا ! ای مونسِ (؟)
ای مفضلی که به افضالِ کس ترا حاجت نیست .
ای منتقمی که کس را بر تو طاقتِ مقاومت نیست .
ای قهاری که سرکشان را به حکمِ تو دست آویز نیست .
ای خداوندی که جانِ بندگان هدفِ تیرِ تقدیرِ تو است .
ای پادشاهی که دلِ دوستان هدف در توحیدِ تواست .
الٰهی ! اگر بپوسی حجت ندارم ، و اگر بسوزی طاقت نیارم ، و اگر بخشی امیدوارم ، و اگر بسنجی بضاعت ندارم .
منم مفلسِ بی مایه و بی پیرایه . منم عاجزِ حیرانم ، منم درماندهٔ پریشانم ، منم مضطر و رنجور ، منم متفکر و مهجور ، منم از بنده خطا و زلّت و از تو عطا و رحمت .
الٰهی ! آنچه این بنده را باید بی حیلت بده ، و آنچه نمی باید هوسِ آن در دل منه . یاعظیم الشرف و یا واسع الکنف ، یا سریع الخلف !
ای خداوند ! آن که مصطفیٰ ، صلی الله علیه و آله و سلّم ، ترا شب نماز خواند ، و به حرمتِ آن شب که براق آوردند ، و به مصطفیٰ ، صلی الله علیه و آله و سلّم ، را به (عالم) ملکوت بردند .

الهی به حرمتِ آن بندگان که در آسمان و زمین ترا تسبیح و تهلیل گفته اند، و می گویند، و می کنند، [۱۷۰ الف] و طاعت و بندگی کرده اند، و می کنند.

الهی به حرمت آن نام‌ها که عرش و کرسی و لوح و قلم و آسمان و زمین تا روزِ حشر قرار و آرام و نظام یافته اند.

الهی به حرمتِ آن نامِ عظیم تو که به هیبتِ آن نام زمین بشگافد، و درهای آسمان گشاده شود.

الهی به حرمتِ آن نام که ملک الموت جان های مؤمنان بدان نام قبض می کند.

الهی به حرمتِ آن دوازده نام که در خزانۀ اسرار تو است!

الهی به حرمتِ آن هشت نام که بر پرهای قدسیانِ حملة العرش نبشته اند.

الهی به حرمتِ آن نام که حضرتِ ابراهیم علیه السلام ترا بدان نام خواند، و شفیع آورد، و آتشِ نمرودِ لعین بروی سرد گردانیدی.

الهی به حرمتِ آن نام که یعقوب پیغمبر علیه السلام، ترا بدان نام خواند که تو یوسف علیه السلام را بدو باز رساندی.

الهی به حرمتِ آن نام که ایوب علیه السلام، ترا بدان نام خواند که تو او را از بلای کرمان رهانیدی.

الهی به حرمتِ آن نام که سلیمان پیغمبر، علیه السلام، ترا بدان نام خواند که خاتم ملک بدو باز رسانیدی.

الهی به حرمتِ آن نام که عیسی پیغمبر، علیه السلام، ترا بدان نام خواند که به دعای او مُرده را زنده گردانیدی.

الهی به حرمتِ جمیع پیغمبران و مُرسلان، صلوات الله تعالی علیهم اجمعین، حاجاتِ دینی و دنیوی این بی چارۀ ضعیف به کرمِ خود رواکنی بی منّت و بی انتظار و بی مهلت.

الهی به حرمتِ بانگِ نمازِ مؤذّنان و خطبۀ خطیبان.

الهی به حرمتِ تکبیرِ نمازیان!

الهی به حرمتِ شکرِ منعمان.

الهی به حرمتِ نمازِ شامِ غریبان!
الهی به حرمتِ آبِ چشمِ یتیمان و ستم رسیدگان!
الهی به حرمتِ آهِ سینهٔ گناه‌کاران!
الهی به حرمتِ موی سرمالیدهٔ یتیمان!
الهی به حرمتِ پُرحسرتِ سینهٔ شبِ بیوگان!
الهی به حرمتِ شبِ عیدِ مسکینان و بی مادران!
الهی به حرمتِ مرکبِ جوانان و فیلِ شکرِ منعمان!
الهی به حرمتِ آن نام که اسرافیل علیه السّلام، بدان نام صُور خواهد دمید، و همهٔ مُردگان زنده خواهند شد.
الهی به حرمتِ جامه‌های خاک ناکِ چاکِ یتیمان!
الهی به حرمتِ کرمِ تو بر عاصیانِ اُمّتِ حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم.
الهی به حرمتِ شش هزار و شش صد و شصت و شش آیت که در قرآن، کلام نا مخلوقِ تو که مرا توفیقِ طاعتِ دینی و دنیوی بخش، و بیماران را شفا بخشی، و مظلومان را به فریاد رسی، و غائبان را سلامت در اوطانِ خود باز برسانی. و از آسمان بارانِ رحمت بارانی، و در زمین برکت کنی، و حاجاتِ بی چارهٔ مقصّر (را روا) گردان [۱۷۰ ب] و مهمات را یکفی گردان، و بدان چه امید می دارم مرادِ بدان برسان.
ای قدیمِ لم یزل و ای رحیمِ بی بدل! ای دانندهٔ هر حالی و ای شنونده هر ...تالی!
ای مجیبِ هر خوانندهٔ، و ای قریبِ هر دانندهٔ! ای گیرنده مگیر و ای شنونده بپذیر!
اگر تو بگیری که رهاند، و اگر تو نپذیری که خواند؟ و اگر بپذیری نقصان نیست، و اگر بنوازی حجاب نیست.
الهی به حرمتِ آن که ترا غم نیست، و هرچه از تو می خواهم ترا کم نیست.
این بی چاره را از درگاهِ خود نا امید مگردان، و از آنچه امید می دارم مرادِ بدان برسان.
ای باقی بعدِ هرفنای توئی. ای معطی هر عطائی توئی. ای صحت دهندهٔ

بی دوائی توئی!

ای سخن هر شنوائی توئی، و ای اجابت کنندهٔ هر دعای توئی!

ای آرزو بخشِ آرزو مندان، و ای خداوندِ همه خداوندان!

ای منزّه از همه عوایق، و ای مبرّا از همه علایق!

الٰهی (از) غافلانم نه (از) کافرانم، (از) مقصّرانم نه (از) منکرانم!

الٰهی به برکتِ نواختگانِ حضرتِ تو، و به برکتِ گریختگانِ (؟) تو، و مقهورانِ قهرِ تو (؟)

ای ملکی که ملکانِ عالم مملوکِ تواند، و ای جبّاری که جبارانِ عالم مقهورِ تواند.

ای حافظی که اهلِ علو محفوظ تواند، و ای رزاقی که اهلِ هر سرای مرزوقِ تواند که

مرا به صحرای هدایت بیرون آری، و از تن خانهٔ وحشت به روضهٔ اُنس برسانی.

الٰهی ما بی چارگانیم، از جملهٔ حزین سوختهها مگردان.

خداوندا! ما به فضلِ تو خود گرویم، طاقتِ عدلِ فراقِ تو نداریم، و در خدمتِ تو آرام گرفته ایم،

ما را به تازیانهٔ قهر رانده مگردان.

الٰهی به حرمتِ سینه های آشنایانِ معرفتِ تو!

الٰهی به حرمتِ متوکّلانِ حضرتِ تو که ایشان را از آتشِ دوزخ آزاد کردهٔ!

و به حرمتِ آن جوانان که ایشان را بخشیدهٔ!

الٰهی به حرمتِ آبِ چشمِ عاصیان! این بی چارهٔ مسکین و شکسته را بخشی، و حاجتِ روا

کنی، و کارِ من بی چاره بی منّتِ خلق بسازی.

خداوندا! چون معاملهٔ خود می نگرم، سزاوارِ همه بدی ها هستم،

و چون در کرمِ تو نظر می کنم، سزاوارِ همه خداوندی ها هستی.

ملکا! وجودِ ترا حدوث پیوندی نیست، و دامنِ سراپردهٔ عفوِ تو کوتاه نیست که عاصی

برهنه ماند، و کلیدِ خزانهٔ رحمتِ تو غایب نیست که سایل نا امید باز گردد، و

همه را تو می دهی، کارِ من فضولی است.

الٰهی به حرمتِ آن که سزاوارِ همه نیکی ها توئی، بر ما رحمت کنی.

صمدا! آنچه فرمودی نکردیم، و از کردهٔ خود بیزاریم، و از نماز و نیازِ خود فردایم.

الٰهی چون تمامِ زندگانی از سرِ ما دور کنند، و پیراهنِ بی آستین بپوشانند، و مرا بر دوشِ دیگران بر کنارهٔ لحد برند، و جمع کردهٔ مرا تفرقه [۱۷۱ الف] کنند، بر ما رحمت کنی.

الٰهی جامهٔ مصلحان پوشیدیم و خود مصلح نبودیم.

الٰهی! عزیزانِ مرا که به ناز پرورده اند، چون مرا فراموش کنند، بر ما رحمت کنی. و چون گِل اندر آن ما را در گِل کنند، بر ما رحمت بکنی.

الٰهی! چشمِ امیدِ ما به فضلِ تو امیدوار است.

الٰهی! هر جا که دویدم، حواله به حضرتِ مقدّسِ تو می کنند.

الٰهی به برکتِ صدّیقانِ درگاهِ تو که حاجاتِ این بی چاره مقضی گردان، و مهماتِ مرا یکفی گردان، و بدان چه امید می دارم در عافیتِ دوست کامی برسان!

یا اله العالمین و یا خیر النّاصرین! صلی الله علیٰ خیر خلقه محمّد و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الرّاحمین!

بدان که هر دعائی و هر نمازی به اذنِ استاد باید خواند تا رجعت و شدّت نیفتد. چنانچه قال النّبی، صلی الله علیه و آله وسلّم: الشیخ فی قومه کالنّبی فی امّته، و قال النّبی، صلی الله علیه و آله وسلّم: من لا شیخ له فالشیطان شیخه.

بزرگی فرمود:

هر آن کاری که بی استاد باشد	یقین می دان که بی بنیاد باشد
به کارِ خویشتن استاد باید	که تا در کارِ تو نقصان نیاید

و شیخ سعدی شیرازی، رحمة الله علیه، می فرماید:

سعدیا بی پیر بودن کارِ نادانان بود	هر کرا پیری نباشد پیرِ او شیطان بود

و چون دعا و نماز شروع کند اوّل ختم و دوگانه به ارواحِ مقدّسهٔ پنج تن پاک بکند؛ بعدهٔ ختم و دوگانهٔ عشرة المبشّره؛ بعدهٔ ختم و دوگانه برای دوازده امام؛ بعدهٔ ختم و دوگانه برای چهارده خانواده تابعانِ آن، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] یک بار قل هو الله احد[2] بعدهٔ بگوید:

۱- القرآن الحکیم: ۱.	۲- ایضاً: ۱۱۲.

الهی به حرمت پنج تن پاک و عشرة المبشرین و دوازده امام و چهارده خانواده کارهای من دینی و دنیاوی حاصل گردان. برحمتک یا ارحم الراحمین، زود مستجاب گردد. والله اعلم بالصواب.

ذکرِ نماز بر صورتِ قبرِ حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه وآله وسلّم، و نمازهای دیگر:

از حضرت مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت، قدّس الله سرّه العزیز، منقول است که ترتیب قبر حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه وآله وسلّم، سه گز درازی و یک و نیم گز پهنائی. در بیابان روز یکشنبه یا دوشنبه خط کشیده بیرونِ خط با ادب بنشیند، و ختم دهد. بعدِ ختم دو رکعت نماز استخاره کند، و دو رکعتِ دیگر برای هدیهٔ حضرت پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] آیت الکرسی[2] یک بار و سه بار سورة الاخلاص[3] بعد از سلام این دعا بخواند:

اللّهم انّی لا استطیع الذهاب [۱۷۱ ب] الی تربتِ حبیبك محمّد صلی الله علیه وآله وسلّم، وهذه فی صورة قبره اسالك بحقك ان تنجینی عن ایدی هؤلاء الضالین المریدین بناء الستو نزبتین.

بعدهٔ این صلوات را هزار بار بخواند:

صلوات الله سرمدا علی النّبی یا محمّدا الصلوة و السّلام علیك یا رسول الله

گوید که زیارتِ حضرتِ رسالت پناه کرده باشد، و در باطن نیز روضهٔ حضرتِ رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلّم، ببیند، و خاک گرد بگردِ خط کشیده در خانهٔ خود نگاه دارد. به برکتِ حضرتِ نبی، صلی الله علیه وآله وسلّم، وقتِ عشا هر مطلبی و مقصدی که باشد، حاصل شود انشاء الله تعالی.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲: ۲۵۶. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

امّا به اعتقادِ درست باید کرد. و اللہ اعلم بالصّواب.

و از حضرت سیّد شرف الدّین مشہدی، قدّس اللہ سرّہٗ، منقول است که از حضرت مخدوم سیّد جلالِ جہانیان جہانگشت، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است که ہر که روزِ جمعه این خطبه بخواند، خدای تعالیٰ او را و شنوندگان را بیامرزد اگرچه بسیار گناه کرده باشند، و لایقِ آمرزیدن نیز نباشند.

خطبه این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

الحمد للہ الّذی غرس فی بستان الایمان اشجار التوبة و التقوٰی والصّلاح و اثمر فی افنان الایقان اثمار الفوز و النّجاة و الفلاح و امرار باب المجد بالاعمال الملاح و زجر اصحاب اللّب عن شرب المسکرات و ارتکاب السفاح و اتیان سائر المعاصی و الافعال القباح احمد علی نعمائه الخفی و الصّراح، و اشهد ان لا الٰه الا اللہ وحده لا شریک له شهادة یرتاح بها الارواح و یشتاق الیها الاشباح و اشهد ان محمّداً عبده ورسوله الّذی اظهر الاسلام بتسمیم الرّیاح، صلی اللہ علیه و آله وسلم، وعلیٰ آله الخلاة الی المندوب و المباح وسلّم تسلیما کثیرا فی المساء والصباح، برحمتك یا ارحم الرّاحمین

بعدهٗ نشسته بر منبر باز برخاسته این خطبهٔ دوم بخواند:

(خطبهٔ دوم این است)

الحمد للہ و الصّلوٰة و السّلام علیٰ رسوله محمّد اشرف رسل اللہ، ان اللہ وملائکتهٗ تا آخر.

خاصیتِ خطبهٔ نکاح (حضرتِ) آدم و (بی بی) حوّا، علیہما السّلام:

و از حضرت سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: ہر که

خطبهٔ نکاح حضرتِ ابوالبشر آدم، علیه السلام، و بی بی حوا، رضی الله (تعالیٰ) عنها، که خدای تعالیٰ به قدرتِ کاملهٔ خود بی کلام و زبان خوانده، آن را بر شکرِ سفید صد بار به صدقِ دل بخواند، و بیمار را بخوراند، به کرمِ حق تعالیٰ شفا یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر خواهد که کسی را برخود فتنه گرداند، بر چهل و یک تخم [۱۷۲ الف] سیاه دانه چهل بار بخواند، و در جامهٔ مایهٔ آن کس که او خواهد، بپیچد، و در موضعی دفن کند. تفِ آتش چون بدو رسد، آن کس از عشقِ او بی قرار و آرام گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر هفت بار بر سرمه بخواند، و در چشم کشد، هر که بیند، دوست گردد. انشاء الله تعالیٰ.

و اگر درمیانِ زن و شوی ناسازواری باشد، روزِ آدینه شش رکعت نماز بگذارد، در هر رکعتی بعد از فاتحه[۱] آیت الکرسی[۲] یک بار و الم نشرح[۳] یک بار و این خطبه را سه بار بخواند. چون از نماز فارغ شود، چهل و یک دانهٔ پلپلِ سفید (بیارد)، و برهر دانه (این خطبه) یک بار بخواند، و آن پلپل ها را در آتش اندازد، بی قرار گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و از برای نکاحِ حلال برمویز این خطبه را چهل و یک بار بخواند، و بدمد، و بدهد تا بخورد، جفت شود. (انشاء الله تعالیٰ).

بیارد هفت پارهٔ سنگِ سفید، و این خطبه را شصت و یک بار بخواند بر آن سنگ و سنگ را در آتش اندازد، مراد برآید. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر خواهد که میانِ خلق دوست روی باشد، هر روز که از خانه بیرون آید این خطبه را یک بار بخواند، و برخود بدمد، دوست روی گردد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر خواهد که با کسی خصومت کند، (این خطبه را) بخواند، و برخود بدمد، زبانِ آن کس بسته شود به فرمانِ خدای تعالیٰ.

و اگر بر کسی عاشق گردد، بیارد هفت تار موی را، و هفت گره بزند، و بر هر گره صد بار این خطبه را بخواند، و بدمد، و بر دستهٔ چرخ بندد. هرگاهی که چرخه گردان شود، دلِ آن کس

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۳- ایضاً: ۹۴.

در هوای او گردان شود به فرمانِ خدای عزّ و جلّ.

و اگر خواهد که دَمِ او روان شود، روزِ دوشنبه و پنج شنبه و آدینه روزه دارد، و روزِ دوشنبه وقتِ سحر این خطبه را برطبقِ سفید روی به مشک و زعفران بنویسید، و (به آبِ چاه) بشوید، و بخورد، دمِ او روان شود. (انشاء الله تعالیٰ).

روایت می کند کعبِ الاحبار، رضی الله تعالیٰ عنه، از حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم: چون مولیٰ تعالیٰ حوّا را با آدم نکاح کرد به کرمِ خود، این خطبه را بخواند.

هر که این خطبه را بر پوستِ شیر بنویسد، و با خود دارد، درمیانِ خلق با هیبت باشد. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر به مشک و زعفران بنویسد، و (به آبِ چاه شسته) به زن دهد تا بخورد، خداوند تعالیٰ بی شک پسر دهد. (انشاء الله تعالیٰ).

و هر که روزِ پنج شنبه این خطبه را بنویسد، و با خود دارد، میانِ زن و شوهری سازواری پدید آید هم چون زلیخا با یوسف علیه السلام، و زبانِ خصمان بسته شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر بر زبانِ گوسفند یک صد و سه بار بخواند، و آن زبان را بخورد، فصیح شود. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر دل بجای رفته باشد که زر و سیم سود ندارد، بگیرد چهل و یک دانهٔ فلفلِ سفید، و برهر فلفل (این خطبه را) یک بار بخواند، و آن فلفل را در آتش دفن کند، اگر به مثلِ فرشته بود، از راه برود به فرمانِ خدای تعالیٰ.

اگر این خطبه را بر سُرمه بخواند، و در چشم کشد، هر که او را بیند با او میل کند. (انشاء الله تعالیٰ).

و اگر بر تختهٔ از مس (این خطبه) بخواند [۱۷۲ب] و بنویسد نامِ او و نامِ مادرِ او و نامِ خود و نامِ مادرِ خود، و در آتش دفن کند، در حال محبِ او شود. (انشاء الله تعالیٰ).

اگر (این خطبه را) بر چهل و یک پارهٔ کاغذ بنویسد، و زن با خود دارد، آبستن شود،

و فرزندِ شائسته ازو در وجود آید. واللہ تعالیٰ اعلم.

و ہر عملی کہ کند در ساعتِ مشتری یا زُہرہ بکند، و باخود دارد، اجابت گردد. انشاءاللہ تعالیٰ.

و اگر بہ نیّتِ پسر خواند، و باخود دارد، پسر شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

خاصیتِ او بسیار است، فامّا مختصر کردیم تا ملالت نیفزاید.

خطبہ این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم

الحمد ثناءلی و الکبریاء ردائی و العظمۃ ازاری و الخلق کلھم عبیدی و امائی و محمّدٌ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، رسولی و نبیی انی قد خلقت الاشیاء لیستدلوابھا علی وحدانیّتی اشھدکم یاملائکتی وحملۃ عرشی وسکان سمٰواتی انّی قد زوجت امّتی لبدیع فطرتی و وصنیع قدرتی حوّا امّتی بمھر تسبیحی وتکبیری وتقدیسی و علی صداق ان لا الہ الا انا و ان محمّداً عبدی و رسولی، یا آدم وحوّا اسکنا جنّتی وکلا من ثمرتی و لا تقربا شجرتی، السّلام علیکما و رحمتی.

و از حضرت مخدوم سید جلال جہانیانِ جہانگشت، قدّس اللہ روحہ، منقول است: اگر کسی این دعا شبِ جمعہ بعد از ہر نمازِ عشا یا بعد از ہر نماز بہ اعتقادِ درست و بہ اخلاصِ دل ہفت بار بخواند، ہمیشہ ایمانِ او سلامت باشد، و ہر دعائی کہ کند، مستجاب شود؛ وہمہٴ خلق اورا دوست دارد؛ وہیچ بلاگردِ او نگردد؛ و رزق و روزی و دولت او را زیادت شود؛ و در دنیا و آخرت خدای تعالیٰ او را از زمرۂ متقیان گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

و فضیلتِ این دعا بسیار است. واللہ تعالیٰ اعلم بالصّواب.

دعای بزرگوار این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم.

اللھم اجعلنی ممن دعاك فاجبتہ و آمن بك فھدیتہٗ و رغب الیك فاعطیتہٗ و توکّل علیك فکفیتہ و اقترب منك فادنیتہٗ.

اللھم امدد لعیشتی مدادا اجعلنی فی قلوب المؤمنین.

اللّهم انی اسالك الایمان بك و اسالك الفضل من الرزق و اسالك العافیة من البلاء و اسالك حسن العافیة فی الدّنیا و الآخرة. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

ذکرِ نمازِ کن فیکون

از حضرت سیّد السادات، قطب العالم، کاشف اللوح والقلم مخدوم سیّد جلال (جہانیان) جہانگشت، قدّس الله سرّه العزیز، منقول است هر که (خواهد) نمازِ کن فیکون (بگذارد)، به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل روزِ چهارشنبه، پنج شنبه و روزِ آدینه یا شبِ چهارشنبه و شبِ پنج شنبه [۱۷۳ ا] و شبِ آدینه دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[۱] یازده بار امن الرسول[۲] تا آخر و بیست و یک بار اذا جاء نصر الله[۳] و بعد از سلام یازده بار کلمهٔ طیب لا اله الا الله محمّد رسول الله، و یازده بار صلوات بر حضرتِ رسول، صلی الله علیه و آله وسلّم، و یازده بار استغفار و یازده بار سبحان الله و یازده بار صلوات بر حضرت رسول، صلی الله علیه وآله وسلّم، و یازده بار نیز این دعا بخواند:

دعای بزرگوار این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم).

اللّهی کفی علمك عن المقال وکفی کرمك عن السؤال و بحق سر هذه الاسرار و بحق کرمك الخفی و بحق اسمك الاعظم ان تقضی حاجتی بحق کن فیکون.

اللّهم طهر قلبی من الشك والشرك و الرّیا و زیّن لسانی بالذکر و الشکر و بالثناء، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲، ۲۸۵. ۳- ایضاً: ۱۱۰.

خدای تعالیٰ به برکتِ نمازِ کُن فیکون کارهای او، دینی و دنیوی، حاصل کند، و عجائب و غرایب نیز بسیار بیند، و ثوابِ یازده حج در نامهٔ اعمالِ او ثبت کند، و او پاک شود از گناهانِ خورد و بزرگ، چنان چه از مادر زاده، و نمیرد تا جای خود در بهشت نبیند. انشاء الله تعالیٰ.

و فضیلتِ این نماز بسیار است. والله اعلم بالصّواب.

ذکرِ صلوٰة التّسبیح

در کتاب راحة الجلال تصنیف حضرتِ مخدوم سیّد جلالِ جهانیان جهانگشت قدّس الله سرّه العزیز، منقول است: هر که "نمازِ تسبیح" بگزارد، ثوابِ بسیار یابد که در شمار نیاید، و از غم و اندوه نجات یابد. انشاء الله تعالیٰ.

ترتیبِ "نمازِ تسبیح" به قولِ حضرتِ مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت، قدّس الله سرّه العزیز، این است:

و آن چهار رکعت نماز است. اگر در روز گزارد به یک سلام، و اگر در شب گزارد به دو سلام، و در هر رکعتی هفتاد و پنج بار تسبیح است، بعد از تکبیرِ تحریمه سبحانك اللّهمّ و بحمدك وتبارك اسمك و تعالیٰ جدك و لا الٰه غیرك بخواند. آن گاه پانزده بار سبحان الله والحمد لله و لا الٰه الّا الله والله اکبر و لاحول و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم.

بعد از تسبیح تعوذ گوید، یعنی اعوذ بالله من الشیطان الرّجیم. بسم الله الرّحمن الرّحیم. الحمد لله تا آخرِ فاتحه[1] بعدهٔ ده بار سورة الاخلاص[2] بخواند، و یا سورهٔ هائی که خواندنِ آن

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۱۱۲.

شبِ آدینہ آمدہ است: سورۃ الکہف[1] و طٰہٰ[2] و یٰسٓ[3] و الم تنزیل[4] و حٰم السجدۃ[5]، الدخان[6] و یا ھر چہ خواھد از قرآن بخواند.

بعدہٗ دہ بار تسبیح گوید، بعدہ در رکوع رود، و سبحان ربی العظیم و بحمدہ سہ بار یا پنج بار یا ھفت بار یا یازدہ بار بگوید. پس دہ بار [۱۷۳ب] "تسبیح" گوید. چون سر از رکوع بردارد، بگوید سمع اللہ لمن حمدہ. پس دہ بار "تسبیح" گوید: چون بہ سجدہ رود، سہ بار یا پنج بار یا ھفت بار "سبحان ربی الاعلیٰ و بحمدہٖ" بگوید. آن گاہ دہ بار "تسبیح" گوید. چون سر از سجدہ بردارد، بنشیند. پس دہ بار "تسبیح" گوید. و چون دیگر بار سجدہ کند "سبحان ربیّ الاعلیٰ و بحمدہٖ" بگوید، و دہ بار "تسبیح" گوید:

چون بہ رکعتِ دوم برخیزد، و بہ قیام آید، پیش از قرآن پانزدہ بار "تسبیح" گوید؛ ھم چنان کہ در رکعتِ اوّل خواندہ باشد، ھم بر آن ترتیب بخواند، چون در قعدۂ اخیرہ بنشیند، "التحیات" بخواند، بعد از التحیات الصلوات واللّھم اغفرلی تا آخر بخواند.

بعدہٗ این دعا بخواند:

اللّھم انی ظلمت نفسی ظلما کثیرا، و اعترف بذنبی و لا یغفر الذنوب الا انت فاغفرلی مغفرۃً من عندک و ارحمنی انک انت التّواب الرّحیم.

فضیلتِ این نماز در کتاب مقصود القاصدین بسیار است.

چنان چہ قال ابن عباس، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، عن النّبی، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، قال النّبی، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم،: من صلی صلوٰۃ التسبیح غفر اللہ لہ ذنوبہٖ اولہٖ و آخرہٗ، قدیمہٖ وحدیدہٖ، سرّہٖ و علانیتہٖ فصلاھا فی کلّ یوم و لیلۃ او باسبوع او بشھر او بسنتہ او عمرکَ مرۃ.

و فی الحدیث: من صلاھا فکانما عبد اللہ عشرۃ الف سنۃ و بنی لہ بکلّ رکعۃ فی الجنّۃ اربعۃ الآف مدینۃ فی کلّ مدینۃ اربعۃ الآف قصرا فی کل قصر اربعۃ آلاف

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۸۔ ۲۔ ایضاً: ۲۰۔ ۳۔ ایضاً: ۳۶۔ ۴۔ ایضاً: ۳۲۔ ۵۔ ایضاً: ۴۱۔ ۶۔ ایضاً: ۴۴۔

بیت ستة کل بیت مسیرة خمسمائة عام.

و در حاشیهٔ کتاب خزانة الجلالی مقالات مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت قدس الله سرّه العزیز، فائده، در آن جا نیز، بسیار است.

و در کتاب جواهرِ خمسه تصنیف (حاجی حمید معروف به) شیخ محمد غوث، قدس الله سرّهٔ، ادعیات در نمازِ تسبیح بسیار آمده است.

ذکرِ نمازِ جملهٔ حاجات روا شدن

از حضرت مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت، قدس الله سرّه العزیز، منقول است: هرکه میانِ نمازِ شام و خفتن یک رکعت نماز بگذارد، در حال حاجتِ او روا شود. بر این ترتیب (بخواند):

الحمد لله[1] یک بار، انا انزلناه[2] بیست و پنج بار، و قل هو الله احد[3] صد بار. بعدهٔ بنشیند، التحیات بخواند، سلام دهد، مصلی از پیش دور کند، کلهٔ راست بر زمین نهد، و هفتاد بار بگوید:

الٰهی به حرمتِ آن که بودی و کس نبود.

بعدهٔ کلهٔ چپ بر زمین نهد، و هفتاد بار بگوید:

الٰهی به حرمتِ (آن که)، تو باشی و کس نباشد.

بعدهٔ پیشانی بر زمین نهد، و هفتاد بار بگوید:

الٰهی به حرمتِ آن که به کسی حاجت نداری، حاجتِ من روا کن.

بعده، چشم پُر آب کند، و تضرّع و زاری کند. [۱۷۴الف] بی شک جملهٔ حاجاتِ او روا شود. انشاء الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۹۷. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

ذکرِ صلوٰۃ المعکوس

در کتاب اورادِ چشتیہ تصنیف شیخ المشایخ شیخ عبدالرحمٰن علوی عباسی چشتی، قدس اللہ تعالیٰ سرہ العزیز، مذکور است: چون سالک را صفا در ریاضت پیدا آید، بعد از آن در عملِ این صلوٰۃ در آید. آری! در کوی دوست از پای بہ سر باید رفت،

چنانچہ خواجہ نظامی (گنجوی) فرمودہ است: شعر

بہ رقص آمدہ جملہ اعضای من   سرِ من شدہ کرسیِ پای من

پس سالک را باید کہ سرِ هستیِ خود را در هستیِ حق محو کردہ بہ تصور "لامطلوب الا اللہ" مشغولِ این نماز شود.

و جمیع خواجگانِ چشت ما این نماز گذاردہ اند. بسیار سریع الاجابت است. و چندگاہ نمازِ معکوس عملِ فرعون بود، از این سبب این راکسی در عمل نمی آورد.

چون لوای عظمتِ محمدی، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم، برآمد، عملِ موقوف را از سرِ نو احیا ساختند. بعد از آن اکثر اولیا بہ جہتِ متابعتِ حضرت پیغمبر، علیہ الصلوٰۃ والسلام، در عملِ "نمازِ معکوس"، مشغول شدہ اند.

الغرض این سندِ صحیح رسیدہ است کہ حضرت رسالت پناہ ثوابِ "نمازِ معکوس" بسیار فرمودہ اند. در ملفوظِ پیران چشت اکثر این ذکر آمدہ است، و در کتاب معدن المعانی از حضرت شیخ شرف الدین (احمد ابن یحییٰ) منیری، و در لطایفِ اشرفی (ملفوظات) حضرت سلطان سید اشرف جہانگیر سمنانی واضح نقل کردہ است کہ حضرت رسول اللہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم، مکرر مکرر ثوابِ نمازِ مذکور فرمودہ اند، و در پیرانِ چشت خواجہ ابو احمد چشتی بسیار بسیار این نماز گذاردہ اند.

چون حضرت شیخ فرید الدین گنج شکر مسعود اجودھنی، قدس اللہ سرہ، از حضرت خواجہ

قطب الدین بختیار اوشی، قدس الله سرّه، اجازت خواستند که اگر فرمان شود "نمازِ معکوس" در عمل آریم.

حضرتِ خواجه فرمودند: در جائی عمل بکن که مسجد باشد، و در آن مسجد چاه باشد، و بالای چاه درخت باشد.

پس حضرت (شیخ فرید) گنج شکر تا مدت از مقامی به مقامی و از شهری به شهری در تجسسِ این چنین مقام می گشتند. در میانِ اُچ و ملتان یافتند، و مؤذنِ آن مسجد برای یاری کردنِ او می آمد؛ و بعد از ادای (نمازِ) عشا حضرت (شیخ فرید) گنج شکر را می آویختی، و پیش از نمازِ صبح می کشادی تا چهل روز.

و حضرت شیخ حسام الدین مانک پوری (در رفیق العارفین) نوشته که حضرتِ (شیخ فرید) گنج شکر یک خلوت "تا شش ماه تمام روز و شب "نمازِ معکوس" می گذاردند، مگر پنج وقت برای ادای فرایض بیرون می آمدند" [۱۷۲ب] و باز در آن چاه مشغول می شدند، بعد از ششم ماه فرمان شد که ای فرید! چهل سال آنچه ما فرمودیم تو کردی، این زمان چهل سال آنچه تو فرمائی ماکنیم.

و حضرتِ (شیخ فرید) گنج شکر دعوی کرده اند که هر که "نمازِ معکوس بگذارد، و به مقام نرسد فردای قیامت دامن گیرِ من باشد.

الغرض اختلاف در عددِ رکعتِ (نمازِ) معکوس" بسیار است، فامّا به هر طریق که از جانبِ حضرت شیخ فرید الدین گنج شکر مسعودِ اجودهنی رسیده است، آن چنان نوشته می آید. مرشدانِ عامل چهار وقت برای گذاردنِ نماز قرار داده اند.

هر وقت که اوّلِ روز شروع کرده باشد، هر روز همون وقتِ معیّن می گذارده باشد خواه بعد از چاشت، خواه بعد از مغرب، خواه بعد از عشا، خواه بعد از تهجد. به هر وقت میسّر آید، بهتر است.

و باید که موافقتِ متابعتِ (شیخ فرید) گنج شکر هر وقت شروع کند، تا مدتِ شش ماه تواتر گذارد؛ و اگر نتواند سه ماه؛ و اگر این میسّر نیاید پس یک اربعین. و اگر حاجت

پیش آید: خواه یک روز، خواه سه روز، خواه هفت روز، خواه تا ده روز. از این هم زیاده عمل نماید، به مقصود رسد.

و بهتر این است که نمازِ مذکور در چاه ادا نماید. و اگر چاهِ آن قسم در گوشه نباشد، پس در حجره و یا در باغ و یا هر جائی که گوشه باشد، چنان که دخلِ دیگری نبود، و اگر حجره باشد، دو ستون نصب کند، و بر سرِ آن هر دو ستون چوبی بنهد که شرقی و غربی افتد، و بلندی ستون آن مقدار باشد که هر دو دست بر آن چوب برسد؛ و چون جنگل و یا باغ بود، شاخِ درخت همان حکم دارد. الحال وضع معلوم کند.

باید که چهار گز پارچه و یا قور یعنی توار بیارد، و مانندِ دسکلهٔ اسپ راست کرده یک حلقه در پای راست اندازد، پیچ و تاب داده از سرِ انگشتِ پای راست حلقهٔ دوم بگیرد، و از قوتِ دست برآید. ساقِ پای راست برسرِ آن چوب رساند، و آن را بدستِ راست بگیرد، و به دستِ چپ آن حلقه را بپای چپ پوشاند. هر دو پای را بر کند، و فرود آید، سرنگوں کرده صلوات آغاز کند، و یک طناب برابرِ قدِ خود نیز در چوب بندد که وقتِ فرود آمدن آن طناب را گرفته به آهستگی فرود آید. و وقتِ خاستن نیز هم چنان کند تا تشویش نشود.

طریقِ گذاردنِ "نمازِ معکوس" در یابد: باید که اوّل غسل کند، و اگر نتواند، وضوی جدید کند. دوگانه بزمین ادا نموده فاتحه به روحِ حضرتِ رسالت پناه، صلی اللہ علیه و آلہٖ وسلّم، و به روحِ شیخ فرید گنج شکر، و به روحِ جمیعِ اولیا و پیرانِ چشت و بخاریان [۱۷۵ الف] و قادریان وغیرهم فرستد. بعد از آن به طریقِ مذکور آویزان شود که هر دو پای بالا باشد، و سر از زمین یک بالشت بلند باشد؛

بیت:

سعدیا کنگرهٔ عشق بلند است و بلند
تا تو سرپا نکنی، کارِ تو آن جا نرسد

و صلوات به اشارت بگذارد. اوّل روی مستقبلِ قبله کرده سه کرت لفظِ حق حق حق بلند گوید. بعد از آن دوگانهٔ دو رکعت محبۃ للہ ادا نماید تا فتحِ باب گردد. و در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[۱] سورهٔ اذا جاء[۲] پنج بار و اسمِ "اللہ" یک صد و بیست و یک بار، و در رکعتِ دوم

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۰.

بعد از فاتحہ[1] سورۃ الاخلاص[2] پنج بار و اسم "حق" یک صد وبیست و یک بار ، و بعد از سلام چہل و یک کرت " اللّٰہ ھادی" گوید. بعد از آن شش رکعت "صلوٰۃ المعکوس" ادا نماید به دو سلام بدین طریق : اوّل دو رکعت بگذارد ، و در ہر رکعتی سورۃ الاخلاص[3] یک ہزار بار بعد فاتحہ[4].

اگر مبتدی باشد ، در ہر رکعتی سہ بار بخواند. ہر روز زیادت کند ، و تا ہزار کرت رساند. الغرض از سہ کرت کم نکند ، و از ہزار زیادت نخواند ، در این میان ہر قدر کہ بیشتر آید ، باحضورِ دل ادا نماید.

و طریقِ دیگر آن است کہ بہ عددِ حروفِ (سورۃ) اخلاص[5] در ہر رکعتی بخواند ، و آن چہل و ہفت " می شوند. پس در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[6] چہل و ہفت کرت (سورۃ) اخلاص[7] بخواند . بعد از سلام سہ کرت گوید : یا حی حین لاحی فی دیمومۃ ملکہ وبقائہ یاحیّ یاقیّوم.

بعد از آن چہار رکعت دیگر بگذارد. در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[8] سورۃ مزمّل[9] یک بار و سورۃ الکافرون[10] یک بار ، و در رکعت دوم آیت الکرسی[11] یک بار و (سورۃ) اخلاص[12] یک بار ، و در سیوم رکعت و الضحی[13] یک بار و قل اعوذ برب الفلق[14] یک بار ، و در رکعت چہارم الم نشرح[15] یک بار و قل اعوذ برب الناس[16] یک بار. و بعد از سلام درودِ خمسہ سہ بار بگوید برای شفای ہر دردی و علّتی .

و درودِ خمسہ این است :

بسم اللّٰہ الرحمٰن الرحیم

اللّٰھم صل علیٰ محمّد بعدد من صلی علیہ .

اللّٰھم صل علیٰ محمّد بعدد من لم یصل علیہ.

اللّٰھم صل علیٰ محمّد کما تحب و ترضیٰ ان یصلی علیہ .

اللّٰھم صل علیٰ محمّد کما ینبغی الصلوٰۃ علیہ .

۱- القرآن الحکیم : ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲. ۳- ایضاً: ۱۱۲. ۴- ایضاً: ۱. ۵- ایضاً: ۱. ۶- ایضاً: ۱.
۷- ایضاً: ۱۱۲. ۸- ایضاً : ۱. ۹- ایضاً: ۷۳. ۱۰- ایضاً: ۱۰۹. ۱۱- ایضاً: ۲: ۲۵۶.
۱۲- ایضاً: ۱۱۲. ۱۳- ایضاً: ۹۳. ۱۴- ایضاً: ۱۱۳. ۱۵- ایضاً: ۹۴. ۱۶- ایضاً: ۱۱۴.

اللهم صل علیٰ محمّد کما امرتنا بالصلوٰة علیه ، یاحلیم یا حکیم اشفنی .

و وقتِ خواندنِ درود حضرت رسول الله ، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم ، را در دل تصوّر آرد تا که لاموجود الا الله متصوّر گردد .

پس در ذکر و مراقبه شود ، و اگر تواند هفتاد کرت سورة اذا جاء نصر الله[1] برای فتح باب بخواند ، و متصلِ آن سیصد و شصت کرت این اسم [۱۷۵ ب] اعظم ، که بالا مذکور شد ، بخواند ، متصرّفِ عالم گردد .

و منقول است که چون حضرت خواجه معین الدّین چشتی (قدّس الله سرّه) از اجازتِ باطن متوجه به جانبِ هندوستان شدند ، از پیرِ خود حضرت خواجه عثمان هارونی (قدّس الله سرّه) التماس چهل و یک اسم کردند. پس خواجه فرمودند که بابا معین الدّین! برای ملکِ هندوستان همیں دو اسمِ اعظم بس است ، و آن این است :

یازاکی الطاهر من کلّ آفته بقدسه یازاکی .

و اسمِ دیگر این است :

یا عزیز المنیع الغالب علیٰ جمیع امره فلا شیٔ یعادله یاعزیز .

و این هر دو اسمِ اعظم از باطنِ روحانیتِ خواجهٔ بزرگ ، قدّس الله سرّه ، بلاواسطه نیز به فقیر رسیده اند .

و این اسما هر کس را اجازت نیست که بخواند ، مگر کسی را که تصفیهٔ ظاهر و باطن دست داده ، و خلافت از پیرانِ چشت اہلِ بهشت وغیرهم یافته باشد . آن زمان این اسم اعظم را در عمل آرد .

و اگر دیگری بخواند ، اثر نبخشد ، بلکه ضرر برسد ، چرا که این امانتِ خواجگانِ چشتِ ما و سایرِ پیران است ، تا به این حقیر به طریقِ ورنه رسیده آمده است .

و نموادر و تصرّف که در این اسمِ اعظم است ، از عمل اظهار خواهد شد . بعد از آن

۱- القرآن الحکیم : ۱۱۰ .

سہ کرت "یا غفور" گفتہ از اللہ تعالیٰ حاجت خواهد. حضرتِ حق تعالیٰ از کرم خویش روا گرداند.

باز سہ کرت لفظ "حق حق حق" بلند گفتہ بہ آهستگی فرود آید.

ثمرات این کسب بعد از عمل اظہار خواهد شد. و الصّلوٰة والسّلام علیٰ رسولہ وآلہ.

و در کتاب جامع العلوم، تصنیفِ سید ابو عبداللہ علاء الدّین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی، شاگرد و مرید حضرتِ سیّد السادات مخدوم سیّد جلالِ جہانیان جہانگشت، قدس اللہ سرّہٗ العزیز مذکور است:

قال النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم: من کان لہ حاجة فلیقم لیتوضأ وضوء جدید ثم لیقم فی موضع لا یراہ احد و لیصل اربع رکعات والیقرء فی الاولی الفاتحہ مرة و الاخلاص عشر مرات والثانی عشرین مرة وفی الثالث ثلثین مرة وفی الرابع اربعین مرة فاذا فرغ صلوتہ و یقرء الاخلاص احدی وخمسین مرة ان کان علیہ دین قضی اللہ وان کان غریبا ردہ اللہ من غربتہ الی اهلہ وان لم یکن لہ نسل رزق اللہ تعالیٰ ولدا صالحا.

و در کتاب بستان البخاری، تصنیفِ سید یوسف ماوراء النهری، مرید و شاگرد حضرت سید السادات مخدوم سید جلالِ جہانیان جہانگشت، قدس اللہ سرّہٗ، منقول است: کہ هرکہ در کاری و یا در دَین گرفتار باشد و او را باید کہ شبِ دوشنبہ بعد از نمازِ تہجد دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[۱] شانزدہ بار آیت الکرسی[۲] و سہ بار سورة المزمّل[۳] و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[۴] یازدہ بار [۱۷۶ الف] آیت الکرسی[۵] و سہ بار سورة المزمّل[۶] (بخواند)، و اگر کسی سورة المزمّل[۷] نداند، پس او سی بار سورة الاخلاص[۸] بخواند، و بعد از سلام سی بار صلوات بر حضرتِ رسول، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، بگوید، و پنجاہ بار آیت الکرسی[۹] بخواند. خدای تعالیٰ

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶. ۳۔ ایضاً: ۷۳. ۴۔ ایضاً: ۱. ۵۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶.
۶ و ۷۔ ایضاً: ۷۳. ۸۔ ایضاً: ۱۱۲. ۹۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶.

همهٔ کارهای دینی و دنیوی او حاصل کند، و دنیا و دولت نیز میسر گردد. انشاء الله تعالی.

و در کتاب بستان البخاری، تصنیف سید یوسف ماوراء النهری، رحمة الله علیه، مذکور است: قال النبی، صلی الله علیه وآله وسلم: من خارج من منزله فقرء آیت الکرسی بعث الله الیه سبعین الفامن الملائکة یستغفرون و یدعون له فاذا خرج الحی من منزله و دخل بیته فقرء آیت الکرسی نزع الله الفقرء من بین عینیه.

و در کتاب مجموع البخاری تصنیف حضرت سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدس الله سرهٔ، منقول است که چون فقیر در اُچ در مسجد جدّ خود قطب العالم شاه سید فیض الله بن سلطان سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جهانیان (جهانگشت) چهله نشستم، و در چهله به صحبت حضرت رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلم، مشرف شدم، فرمود: یا ولدی من قرء آیت الکرسی فی کل یوم و لیلة ثلث مرات، احفظ الله تعالی من کل البلاء والآفة من الدنیا و الآخرة.

ذکر نماز برای یافتن حق خود

و در کتاب جواهر خمسه تصنیف حضرت (شیخ حاجی حمید معروف به) شیخ محمد غوث گجراتی، قدس الله سرهٔ، منقول است: اگر کسی را چیزی به دست کسی باشد، و ستدن نتواند، باید که او روزه دارد، و به زیارت گاه بزرگان رود، و به صدق دل و اعتقاد درست در آن مقام سه رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعت اول بعد از فاتحه[1] سه بار انا انزلنا[2]، و در رکعت دوم بعد از فاتحه[3] سه بار اذا زلزلت الارض[4]، و در رکعت سوم بعد از فاتحه[5] والعصر[6] بخواند، و بعد از سلام این اسم بخواند:

---

۱. القرآن الحکیم، ۱. ۲. ایضاً، ۹۷. ۳. ایضاً، ۱. ۴. ایضاً: ۹۹. ۵. ایضاً: ۱.
۶. ایضاً: ۱۰۳.

یارب به عزت و عظمتِ این اسم در دلِ فلان بن فلان میل پیدا کن که بی زحمت و گفت وگوی امانتِ من به من بدهد.

البته امانت یابد. انشاء الله تعالیٰ.

و در کتابِ عین المعانی تصنیفِ حضرت شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برهان پوری، قدس الله سرّهٗ منقول است که عملِ حضراتِ پیرانِ اخوانیه، قدس الله سرّهم، این ست که روزِ سه شنبه و چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه صائم باشد و وقتِ افطار اکل الحلال و اجتنب الحرام (کند)، و هر شب شیرنی برای ارواحِ حق داران به فقیران صدقه بدهد، و شبِ چهار شنبه بعدِ نیم شب غسل کند، و یک دوگانه [۱۷۶ب] به سلسلهٔ اخوانیه بگذارد، خصوصاً قطبِ ربانی حضرت شیخ (محی الدین) عبدالقادرِ جیلانی، قدس الله سرّهٗ و حضرتِ اقدس مولانا قطب الدین محمد و حضرتِ مقدس مولانا علاء الدین احمد، و به ارواح هر یک فاتحه بخواند بدین طریق:

(سورهٔ) فاتحه[1] دو بار و (سورهٔ) اخلاص[2] ده بار. پس به حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلم، ختم کند. بعدهٗ اسم "یالطیف" را پنج هزار و پانصد و چهل و هفت بار بخواند البته به مراد رسد. اگر مقدّر گشته باشد، حاجتِ او رواگردد. انشاء الله تعالیٰ.

و عملِ پیرانِ بخاریان، قدس الله تعالیٰ سرّهم، این است که روزِ سه شنبه و چهار شنبه و پنج شنبه و آدینه روزه دارد، و وقتِ افطار اکل الحلال و اجتنب الحرام کند؛ و اگر "فتوحات" خورد، بهتر باشد که فرستادهٔ خدای تعالیٰ است جلّ جلالهٗ.

و در این شب ها شیرنی برای ارواحِ حق داران به صلحا دهد؛ و اگر برگِ تنبول منعم کند بهتر باشد. و شبِ چهار شنبه بعدِ نیم شب غسل کند، و یک دوگانه به سلسلهٔ حضرت مخدوم (سید جلال) جهانیان (جهانگشت)، و حضرتِ قطبِ عالم (سید برهان الدین بخاری) و حضرتِ شاه عالم (سید شاه محمد بخاری) بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[3] آیت الکرسی[4] و امن الرسول تا مصیر[5] و (سورهٔ) اخلاص[6] سه گان بار بخواند و بعد از سلام پنج هزار و پانصد و چهل و هفت بار الله

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۱۱۲. ۳۔ ایضاً: ۱. ۴۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶. ۵۔ ایضاً: ۲، ۲۸۵. ۶۔ ایضاً: ۱۱۲.

لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز[1] بخواند. همهٔ مقاصداتِ او حاصل شود، و به مراد رسد. انشاء الله تعالیٰ.

ذکرِ ورد و نماز برای یافتنِ لطف و عنایاتِ خدای تعالیٰ

در کتابِ جواهر البخاری تصنیفِ حضرت سیّد جلال بن سیّد داؤد بخاری، جلیل الله، قدّس الله سرّهٗ، منقول است: هر که یا لطیف اجب یا اسمٰعیل بحقِ یا لطیف بعد از نمازِ تهجّد پنجاه بار بخواند، لطف و عنایتِ خدای تعالیٰ بر او نزول شود. انشاء الله تعالیٰ.

و در کتاب بحر الانوار، نیز تصنیفِ حضرت سیّد جلال بن سیّد داؤد بخاری، رحمة الله علیه منقول است که چون فقیر در مسجد (جتوی) خود قطب العالم مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت قدّس الله سرّهُ العزیز، چهله نشستم، و در چهله شبِ یازدهم ماهِ رمضان (سال؟) باحضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آلہٖ وسلّم، مشرّف شدم، فرمود: یا ولدی من صلی رکعتین بعد صلوٰة التهجّد و یقرء فی کل رکعة بعد الفاتحة[2] الله لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز[3] ثلث مرات و الاخلاص[4] خمسین مرات، قضی الله تعالیٰ کل حاجة من الدنیا و الآخرة.

ذکرِ نماز برای دفعِ شرِّ شیطان

[۱۷۷ و] از حضرت سیّد یوسف بن سیّد داؤد بخاری، رضی الله تعالیٰ عنه، منقول

۱- القرآن الحکیم: ۱۹،۴۲. ۲- ایضاً: ۱. ۳- ایضاً: ۱۹،۴۲. ۴- ایضاً: ۱۱۲.

است: اگر کسی خواهد که ظفر بر نفس و شیطان یابد، باید که او دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[1] سه بار الم ترکیف[2] و در (رکعتِ) دوم تبّت یدا[3] سه کرت، و بعد از سلام سر به سجده نهد. و صد کرت این دعا بخواند: یا حیّ یا قیّوم برحمتك استغیث. خدای تعالی او را از شرّ شیطان نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

ذکرِ نماز و فضیلتِ قضاءِ عمری

از حضرت شیخ رکن الدین (قریشی) قدّس الله سرّہ، منقول است که هر که او را نماز قضا بسیار باشد، و عددِ آن نداند، چون روزِ جمعه شود، پیش از نمازِ جمعه چهار رکعت نماز بگذارد به یک سلام، و بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه[4] آیت الکرسی[5] یک بار و انا اعطیناك الکوثر[6] تا آخر پانزده بار، و بعد از سلام صد بار صلوات بر حضرت رسول، صلی الله علیه وآلہ وسلّم، بفرستد. بعدہٗ این دعا بخواند:

(دعای بزرگوار این است).

بسم الله الرحمٰن الرحیم.

اللّٰهم یا سابق الفوت و یا سامع الصّوت و یا محی العظام بعد الموت وصل علیٰ محمّد و علیٰ آل محمّد واجعل لی فرجا ومخرجا مما انا فیه فانك تعلم ولا اعلم و انت المقتدر ولا اقدر و انت علّام الغیوب یا واهب العطایا یا غافر الخطایا یا سبوح قدّوس ربّ الملائکة والرّوح، ربّ اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم فانك انت العلی الاعظم یا ساتر العیوب و یا غافر الذنوب یا ذالجلال والاکرام، وصلی الله علیٰ خیر خلقه محمّد وآله اجمعین، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۱۰۵. ۳۔ ایضاً: ۱۱۱. ۴۔ ایضاً: ۱. ۵۔ ایضاً: ۲۵۶،۲ ۶۔ ایضاً: ۱۰۸.

ونیتِ نمازِ قضاءِ عمری این است :

نویت ان اصلی للہ تعالیٰ اربع رکعات صلوٰۃ النفل تکفیرۃ صلوٰۃ القضاءالتی فاتت عنی فی جمیع عمری متوجہا الیٰ جہۃ الکعبۃ. [۱۷۷ب] اللہ اکبر.

و ازحضرت امیر ابوبکر صدیق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، گفت کہ من شنیدم از حضرت پیغمبر، صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلّم، کہ اگر دویست سال نمازِ او قضا شدہ باشد، کفارت شود.

و بہ روایت ازحضرت امیر عمر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، گفت کہ اگر چہار صد سال نمازِ او قضا شدہ باشد، کفارت، شود.

و بہ روایت از حضرت امیر عثمان، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، گفت کہ اگر شش صد سال نمازِ او قضا (شدہ باشد)، کفارت شود.

و بہ روایت ازحضرت امیر علی، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ و رضی اللہ تعالیٰ عنہ، (گفت) کہ اگر ہفصد سال نمازِ او قضا شدہ باشد، کفارت شود، وقبول افتد.

یاران گفتند: یا رسول اللہ! عمر اُمتِ شما ہفتاد یاہشتاد و یا صد سال است، چندین نماز چیست؟

(حضرتِ) پیغمبر گفت، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، نمازِ مادر و پدر و آباو اجداد وخویشاوندان او و فرزندانِ او کفارت شود، وقبول افتد.

ذکرِ نمازِ قلب

از حضرت شیخ اویس قرنی، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است کہ ہرکہ دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[1] (سورۂ) اخلاص[2] یک بار؛ ولیکن

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۱۱۲.

به دل خواند نه به زبان، به هیچ نوعی زبان را کار نفرماید، و نیّت نیز به دل کند، و تشهد نیز به دل خواند. نیّت این چنین کند:

نویت ان اصلی اللّٰه تعالیٰ رکعتین صلوٰة القلب متوجها الیٰ جهة الکعبة. اللّٰه اکبر

بعد از سلام سر به سجده نهد، آنچه حاجت باشد از خدای تعالیٰ بخواهد به حضورِ دل، و بنشیند، و هفتاد بار "استغفار" گوید. پیرِ خود را در دل تصوّر آرد. همه مقصود حاصل شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

ذکرِ نمازِ بر آمدنِ حاجات و مهمات

از حضرت سید عبدالرزاق بن حضرت شیخ محی الدّین عبد القادر جیلانی گیلانی، قدس اللّٰه سرّه، منقول است: هر کرا حاجتی و مهمی پیش آید، و عاقبتش را نمی داند، باید که در شب پنج شنبه و شبِ آدینه این دوازده رکعت (نماز) بگذارد، و ثوابِ (آن) به حضرت شیخ المشایخ شیخ محی الدّین میران سید عبد القادرِ جیلانی، قدّس اللّٰه روحه، بخشد، و بخواند در هر رکعتی فاتحه[1] یازده بار و آیت الکرسی[2] یازده بار و (سورهٔ) اخلاص[3] یازده بار. بعده، هر دوگانه یازده بار درود بر حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، بفرستد.

بعد از آن همان جا با وضو در خواب رود. یقین است که عاقبت مهم خود را دریابد به برکت حضرتِ شیخ، رحمة اللّٰه علیه، اگر خدای تعالیٰ توفیق دهد.

بعد ادای نماز این دعا ها دست برداشته بخواند:

بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم.

الٰهی به حرمتِ میران شیخ عبدالقادرِ جیلانی رحمة اللّٰه علیه!

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۲: ۲۵۶. ۳- ایضاً: ۱۱۲.

الٰهی به حرمتِ مخدوم عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ مولانا عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ سلطان عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ شاه عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ سیّد عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ قطبِ ربّانی عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ مسکین عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ درویش عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ غوث الثقلین عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ شاهِ شاهان عبدالقادر جیلانی، رحمة الله علیه!

الٰهی به حرمتِ این نام های معظّم و مکرّم حاجاتِ فقیر درمانده کارِ بی چاره برآورده به خیر گردان به حرمتِ محمّد رسول الله، صلی الله علیه وآله وسلّم.

بعدهٗ این دعای گفتارِ حضرتِ شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی، رضی الله عنه، بخواند:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم انا نسالك [۱۷۸ الف] ایمانا یصلح للعرض علیك وایقانا نقف به فی القیٰمة بین یدیك وعصمة تنقذنا من ورطات الذنوب ورحمة تطهرنا بها من دلس العیوب وعلما نفقه به اوامرك ونواهیك وفهما نعلم به کیف تناجیك واجعلنا فی الآخرة والدنیا من اهل ولایتك واملاء قلوبنا بنور معرفتك وکحل عیون عقولنا باثمد هدایتك واحرس اقدام افکارنا من مزالق مواطی الشبهات وامنع طیور نفوسنا من الوقوع فی شباک موبقات الشهوات واعنا فی اقام الصلوات علی ترك الشهوات وامح سطور سیاٰتنا عن جرائد اعمالنا بایدی الحسنات کن لنا حیث ینقطع الرّجاء منا اذا عرض اهل الوجود بوجوهم عنا حین تحصل فی ظلم اللحود رهاین اعمالنا الی یوم المشهود واجر عبدك الضعیف علی ما الف من العصمة والزلل ووفقه للحاضرین نصالح القول والعمل واجر علی لسانه ما ینتفع به السامع وتذرف له المدامع

ویلین لہ القلب الخاشع و اغفر لہ و الحاضرین اجمعین و لجمیع المسلمین.

ذکرِ صلوٰۃ العاشقین

از حضرت شیخ بایزید بسطامی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ہر کہ چہار رکعت بہ یک سلام در شب بگذارد، و نیّت بر این نوع کند:

نویت ان اصلی اللہ تعالیٰ اربع رکعات صلوٰۃ العاشقین متوجھاً الیٰ جہۃ الکعبۃ. اللہ اکبر.

و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[1] صد بار "یا اللہ" و سہ بار سورۃ الاخلاص[2]، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[3] صد بار "یا رحمٰن" و سہ بار سورۃ الاخلاص[4] و در رکعتِ سیوم بعد از فاتحہ[5] صد بار "یا رحیم" و سہ بار سورۃ الاخلاص[6] و در رکعتِ چہارم بعد از فاتحہ[7] صد بار "یا ودود" و سہ بار سورۃ الاخلاص[8] و بعد از سلام صد بار درود و صد بار "یا ودود" بخواند، خدای تعالیٰ اورا از عاشقانِ خود و صادقان گرداند. انشاء اللہ تعالیٰ.

امّا بہ اعتقادِ درست و بہ اخلاصِ دل بگذارد، زیرا آنچہ میانِ خدای تعالیٰ و بندہ حجاب است، و حجاب میانِ خدای تعالیٰ و بندہ نفسِ امّارہ شود، چون بہ اعتقادِ درست و بہ اخلاصِ دل خدمتِ استاد بسیار کند، نفسِ امّارہ بہ گفتارِ استاد یا بہ نظرِ استاد دور شود. آن زمان بہ مرتبہ رسد، و مشاہدۂ خدای تعالیٰ نصیب گردد. بیت

تا وجودِ خود کنی کلّی فنا　　آن زمان محبوب بینی دل صفا

[۱۷۸ ب] قال النّبی، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم: موتو قبل ان تموتو.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲. ۳- ایضاً: ۱. ۴- ایضاً: ۱۱۲. ۵- ایضاً: ۱
۶- ایضاً: ۱۱۲. ۷- ایضاً: ۱. ۸- ایضاً: ۱۱۲.

چنان چه حضرت حجة الاسلام امام (ابو حامد) محمد غزالی، رحمة الله علیه، در کتاب المحبة و الشوق و الرضا که کتاب ششم است از ربع رابع در منجیات از احیاء العلوم گفته است: دل ها که بعید شده اند از خدای تعالی به سبب آن که به نفسِ خود مشغول اند، یا به غیرِ خود مشغول اند، و اعظم ازین هر دو حجابِ شغلِ نفس است.

چنان چه حکایت آورده اند که مردی از اشرافِ شهرِ بسطام همیشه در خدمتِ حضرتِ شیخ بایزید بسطامی، رحمة الله علیه، بودی.

روزی شیخ را گفت: که مدتِ سی سال است که من روزانه روزه می دارم، و افطار نمی کنم، و شبانه قایم می باشم، و خواب نمی کنم، و در دلِ خود هیچ چیزی از این علمِ الهی که تو با یاران مذکور می کنی، اثر نمی یابد باوجودِ این که من این علم شما را راست می دانم و دوست می دارم.

شیخ گفت: اگر سیصد سال صیامِ نهار و قیامِ لیل کنی هرگز ذرهٔ از آن علم اثر نیابی.

آن مرد گفت: چرا؟

شیخ گفت: جهتِ آن که تو در حجابِ نفسِ خود هستی.

آن مرد گفت: که هیچ علاجی هست که آن حجاب را دور کند؟

شیخ گفت: آری.

آن مرد گفت: پس بگو آن دوا مرا تا بکنم.

شیخ گفت: تو قبول نخواهی کرد.

باز آن مرد گفت: تو بگو مرا تا بکنم.

شیخ گفت: پیشِ مزین یعنی حجام همین ساعت برو، و سر و ریشِ خود را بتراش، و این لباسِ نفیس را از خود دور کن، و یک گلیمی را به جای ازار بپوش، و در گردنِ خود یک توبره از جوز یعنی چار مغز بیاویز، و کودکان را به گردِ خود جمع کن، و آن ها را بگو که هر که مرا یک بار بزنند، او را یک جوز بدهم.

و به همین حال در همه بازارها داخل شو، و پیشِ کسانی که ترا می شناسند به همین طریق برو.

پس آن مرد گفت: سبحان الله! مرا این چنین کارها می فرمائی؟

شیخ گفت: این تسبیح تو شرک است.

آن مرد گفت: چگونه؟

شیخ گفت: از بهرِ آن که تو نفسِ خود را به غایت عظیم دانستی از این که این کار کُنی. پس نفسِ خود را تسبیح کردی، و خدای خود را تسبیح نکردی.

پس آن مرد گفت: که این علاج نمی توانم کرد. دیگر بگو.

شیخ فرمود: اوّلاً این علاج را بکن پیش از علاجِ (دیگر).

آن مرد گفت: طاقتِ آن علاج ندارم.

شیخ گفت: که من ترا گفته بودم که تو قبول نخواهی کرد.

پس این علاج که حضرت شیخ بایزید (بسطامی)، رحمة الله علیه، بیان فرمود، دوای کسی است که مریض شده باشد به نظرِ سوی نفسِ خود و به نظرِ مردمان سوی او، و از این مرض خلاص نمی سازد مگر این دوا و امثالِ آن. تمام شد ترجمهٔ عبارتِ امام (ابوحامد محمد غزالی) در احیاء [۱۷۹ ا] العلوم. والله اعلم.

ذکرِ نمازِ شفاء المریض

از حضرت شیخ جنید بغدادی، رحمة الله علیه، منقول است: هر که دوگانه نماز بگذارد، (و بخواند) در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] سه بار قل هو الله احد[2]، و بعد از سلام بر سرِ مصلّیٰ بنشیند، و با کسی سخن

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲.

نگوید، وهزار بار تسبیح

یا بدیع العجائب بالخیر ارحمنی الیٰ یوم الدین.

بخواند، حق سبحانہٗ و تعالیٰ او را شفا بخشد، و عمرِ او دراز گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

ذکرِ نمازِ عروس

از حضرت شیخ داؤدِ طائی، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: چون عروس بہ خانہ آید، دو رکعت (نماز) بر گوشۂ چادرِ او بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحہ[۱] سہ بار سورۃ الاخلاص[۲]، و بعد از سلام یازدہ بار "یا ودود" خواندہ بہ طرفِ روی او دمد. میانِ ایشان محبت بسیار شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

ذکرِ نمازِ استخارہ

حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلم، فرمودہ است: کہ چون یکی از شما خواہد کہ کاری کند یا نہ؟ شبِ چہار شنبہ و شبِ پنج شنبہ و شبِ آدینہ چہار رکعت نماز بدین نیت بگذارد. جوابِ کار در خواب یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحہ[۳] یک بار آیت الکرسی[۴] و یک بار اذا زلزلت الارض[۵] و سہ بار سورۃ الاخلاص[۶]. و بعد از سلام سہ بار صلوات گوید، و یک بار این دعا بخواند:

(دعای بزرگوار این است).

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

اللھم انی استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسالک من فضلک العظیم، فانک

۱۔القرآن الحکیم ۱: ۱. ۲۔ایضاً ۱۱۲. ۳۔ایضاً ۱: ۱. ۴۔ایضاً ۲: ۲۵۵. ۵۔ایضاً ۹۹. ۶۔ایضاً ۱۱۲.

تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علّام الغیوب.

اللّهم و ان کنت تعلم ان هذه الامر خیرلی فی دینی و دنیای و معاشی و عاقبة امری و عاجل امری و آجله فاقدره لی و یسره لی ثم بارك لی فیه.

اللّهم ان کنت تعلم ان هذا الامر شرلی فی دینی و دنیای و معاشی و عاقبة امری وعاجل امری و آجله فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و اقدرلی الخیر حیث کان ثم رضنی بماقضیت لی. برحمتك یا ارحم الراحمین.

ذکرِ نمازِ دیگرِ استخاره

از حضرت قطبِ ربّانی، غوثِ صمدانی شیخ محی الدین عبدالقادرِ جیلانی، رحمة الله تعالیٰ علیه، منقول است: هرکه به اعتقادِ درست و به اخلاصِ دل شبِ چهار و پنج شنبه و شبِ آدینه این استخاره کند، هرمقصودی که داشته باشد، حاصل شود. (انشاءالله تعالیٰ).

اوّل باید که به ارواحِ پنج تن پاک چیزی بدهد: یعنی پنج پا[1] آردِ برنج یا گندم، و یک پا و ربع پا قندِ سیاه و مثلِ آن زیره و مثلِ آن مویز و مثلِ آن روغن در ظرفِ آب نارسیده انداخته به خدمتِ استاد ببرد، و اذن گیرد.

بعدهٔ شبِ چهار شنبه و پنج شنبه و شبِ آدینه [۱۷۹ب] وقتِ خفتن چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[2] آیت الکرسی[3] یک بار و قل هو الله احد[4] هفت بار، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحه[5] آیت وَمَنْ یَتَّقِ اللّٰهَ تا قدراً[6] یک بار و قل هو الله احد[7] هفت بار، و در رکعتِ سیوم مثلِ اوّل، و در رکعتِ چهارم مثلِ دوم. و بعد از سلام هفت بار سورهٔ اذا زلزلت الارض[8] بخواند.

بعدهٔ خواب کند، هرنیتی که داشته باشد، حاصل شود. انشاءالله تعالیٰ.

۱- یک پا: رطل: نیم من: بیست توله به اصطلاحِ پاکستان. ۲- القرآن الحکیم: ۱. ۳- ایضاً: ۲: ۲۵۵. ۴- ایضاً: ۱۱۲. ۵- ایضاً: ۱. ۶- ایضاً: ۶۵: ۲ و ۳. ۷- ایضاً: ۱۱۲. ۸- ایضاً: ۹۹.

و نیز (این دعا بخواند):

(بسم اللہ الرحمٰن الرحیم)

من اراد الجواب عن الموتیٰ فلیذھب فی المقبرۃ ویؤذن باربعۃ جوانب بجانب القدم ثم الراس ثم الیمین ثم الشمال۔ یقرء آیت الکرسی علی جوانبہ احدی و اربعین مرۃ الاالشمال ففیہ احدی عشرۃ مرۃ ثم لیخطو سبع خطوات فلینم فانہ یراھم و یجیبونہ فی المنام۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

ذکر نمازِ احزاب

از حضرت سلطان العارفین، قطب العالمین، جلال الحق والدین سلطان سید جلال بخاری اُچی۔ قدس اللہ مرقدہٗ، منقول است: ھر کہ روزِ چہارشنبہ بعد از نمازِ پیشین چہار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ھر رکعتی بعد از فاتحہ[1] آیت الکرسی[2] و قُلِ اللّٰھُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تا بِغَیْرِ حِسَابٍ[3] و چہار قل[4] بخواند، و پانزدہ بار بگوید: لَآ اِلٰہَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ۔[5] و دہ بار در رکوع و دہ بار در قومہ و دہ بار در جلسہ و دہ بار در سجدہ و دہ بار در سجدۂ دوم۔

چون سر از سجدہ بردارد، بنشیند، و دہ بار بگوید تا ھفتاد و پنج کرت شود۔ آن گاہ برخیزد۔ و در رکعتِ دوم وسیوم و چہارم ھمین ترتیب نگاہ دارد۔

چون قعدۂ اخیرہ "التحیات للّٰہ" تا عبدہٗ ورسولہ رسد، در سجدہ رود، بگوید: یا حیّ یا قیّوم و یا غیاث المستغیثین، اغثنی۔ ایاک نعبد و ایاک نستعین، حسبی اللہ وکفیٰ باللہ حسیبا۔

اللّٰھم صل علیٰ محمد وعلیٰ آل محمد و بارک وسلم۔

پس بنشیند، و درود اللّٰھم اغفر تا آخر بخواند، و سلام گوید، و بعد از سلام دست برداشتہ ھر دعائی کہ کند مستجاب شود۔ انشاء اللہ تعالیٰ۔

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۔ ۲۔ ایضاً: ۲، ۲۵۵۔ ۳۔ ایضاً: ۳، ۲۶و۲۷۔ ۴۔ ایضاً: ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۱۳و ۱۱۴۔

۵۔ ایضاً: ۲۱، ۸۷۔

ذکرِ نمازِ سفر و کیفیتِ آن

از حضرتِ قطبِ العالم، کاشفِ اللوح و القلم مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت قدّس اللّٰه سرّهٗ بن سلطان الموحدین سلطان سیّد احمد کبیر الحق بن سلطان العارفین سلطان سیّد جلال اعظم سُرخِ بخاری، قدّس اللّٰه سرّه العزیز، منقول است: هر که خواهد که به سفر رود، او را باید که دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعت اوّل بعد از فاتحه[1] سورهٔ یٰس[2]، و در رکعت دوم بعد از فاتحه[3] ده بار سورهٔ انا انزلنا[4] بخواند، و بعد از سلام [۱۸۰ بار] این اسم یا حیّ یا قیّوم برحمتك استغیث سیصد و شصت بار بخواند. بعدهٗ برخیزد، شش سنگ ریزه و یا اشیاء آن بردارد، و یک بار بر هر سنگ ریزه یا حیّ یا قیّوم برحمتك استغیث خوانده بدمد، و هر یکی را به پنج جهات اندازد، و ششم را باخود نگاه دارد.

و چون بر منزلی رسد، آن را هم بیندازد، تا هیچ بلا و بیماری و دزدی نبیند، و به سلامت به وطنِ خود باز آید. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

و اگر برای دیگر کند نیز مخیّر است.

و از حضرتِ قطب العالم، کاشفِ الاسرار اللوح و القلم مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت قدّس اللّٰه سرّه العزیز، منقول است: هر که این دعا یا صلوات در سفر یا در حضر بعد از نماز صبح یک بار بخواند، در دنیا به هیچ چیز محتاج نشود، و دنیا و دولت خدای تعالیٰ او را بسیار دهد، و در عقبیٰ همسایهٔ حضرت پیغمبر، صلی اللّٰه علیه و آله وسلّم، باشد؛ و او نیز تا جای خود بهشت نبیند. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

فضیلتِ این دعای معظّم و مکرّم بسیار است، امّا اندک نوشتم.

دعای بزرگوار این است:

---

۱. القرآن الحکیم: ۱. ۲. ایضاً: ۳۶. ۳. ایضاً: ۱. ۴. ایضاً: ۹۷.

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللھم صل علیٰ سیدنا و نبینا و شفیع جمیع ذنوبنا محمد و آلہ و بارک وسلم.

اللھم یامالک الرقاب و یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب ھیٔ لنا سببا لا نسطیع له طلبا.

اللھم اجعلنا مشغولین بامرک آمنین بعدلک آیسین من خلقک آنسین بک متوحشین عن غیرک راضین بقضائک، صابرین علی بلائک، شاکرین لنعمائک، متلذذین بذکرک فرحین بکتابک، مناجین بک فی اناء اللیل و اطراف النھار، مبغضین للدنیا، محبین للآخرۃ، مشتاقین الی لقائک، متوجھین الیٰ جنابک، مستعدین للموت، آتنا ما وعدتنا علیٰ رسلک و لا تخزنا یوم القیمۃ، انک لا تخلف المیعاد.

اللھم اجعل التوفیق رفیقا و الصراط المستقیم طریقنا.

اللھم اوصلنا الیٰ مقاصدنا وتب علینا. انک انت التواب الرحیم.

اللھم بک اصبحنا وبک امسینا وبک نحیا وبک نموت و الیک المصیر.

اللھم ارنا الحق حقا و ارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه و توفنا مسلمین و الحقنا بالصالحین وادفع عنا شر الظالمین و اشرکنا فی دعاء المومنین وقنا ربنا شر ما قضیت.

اللھم اغفر امۃ محمد، اللھم ارحم امۃ محمد، اللھم انصر امۃ محمد.

اللھم یسر امۃ محمد، اللھم اصلح امۃ محمد، اللھم بارک امۃ محمد.

اللھم تجاوز [۸۰ ب] عن امۃ محمد صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم.

یاحبیب التوابین تب علینا و یا امان الخائفین آمنا و یا دلیل المتحیرین دلنا و یاغیاث المستغیثین اغثنا و رجاء المنقطعین لا تقطع رجاءنا و یا ارحم العاصین ارحمنا ارحمنا و یا غافر المذنبین اغفرلنا ذنوبنا و کفرعنا سیاٰتنا وتوفنا مع الابرار.

اللھم اغفر ذنوبنا، اللھم استر عیوبنا، اللھم احفظ قلوبنا.

اللھم اشرح صدورنا، اللھم نور قبورنا، اللھم یسر امورنا.

اللھم حصل مرادنا، اللھم نجنا مما نخاف یاخفی الالطاف نجنا مما نخاف.

اللھم اغفرلنا ولوالدینا و المشائخنا و لاساتذینا و لاصحابنا ولاحبابنا و لاخواننا و لاولادنا و لازواجنا

ولعشائرنا ولقبائلنا ولمن له حق علینا ولجمیع امّة محمّد، صلی الله علیه و آله و سلّم. وقنا ربّنا عذاب النّار.

اللّهم احفظنا یا فیاض من جمیع البلایا و الامراض. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

ایضاً برای دفع تشنگی

سنگ ریزه برگیرد، و سه بار انا اعطیناک الکوثر[1] بخواند، و بر آن بدمد، و در دهان بگرداند، تشنگی دفع شود. (انشاء الله تعالی).

و چون راه گم شود، بانگ گوید، و تکبیر بر جای بلندی گوید. و اگر جای بلندی نباشد، همان جا بگوید، راه یابد. و یا مردی غیبی پیدا شود که او را راه نماید. والله تعالی اعلم.

ذکر عوض نماز جمعه و حصول سعادت

یک روز اعرابی به خدمت حضرت رسالت پناه، صلی الله تعالی علیه و آله وسلّم، بیامد، و گفت: یا رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلّم، ما در دهی می باشیم، و مسجد نماز جمعه و مدینه از ما دُور است. آمدن نمی توانیم ما را دلالت بر عملی کن، چون باز گردم، بر قوم خویش بگویم، تا ایشان بدان مشغول باشند.

حضرت پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، فرمود: چون آفتاب برآید، دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر دو رکعت بعد از فاتحه[2] اذاجاء نصرالله[3] یک بار و قل هو الله احد[4] بیست و پنج بار، و بعد از آن هفتاد بار لاحول ولا قوّة الّا بالله العلی العظیم بخواند.

۱- القرآن الحکیم: ۱۰۸. ۲- ایضاً: ۱. ۳- ایضاً: ۱۱۰. ۴- ایضاً: ۱۱۲.

به خدائی که جانِ محمّد، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم، به فرمانِ او است، هر مؤمنی که باشد: مرد و یا زن، این نماز بگذارد، چنان که فرموديم، روزِ جمعه برای بهشت من او را ضامنم، و آن بندهٔ از جای برنخیزد تا آمرزیده نشود، و از زیرِ عرش منادی ندا کند که این بندهٔ خدای تعالیٰ کار از سر گیرد. خدای تعالیٰ گناهانِ گذشتهٔ او را بیامرزید.

و گذارندهٔ نمازِ مذکور ثوابِ توریت و انجیل [۱۸۱ا] و زبور و فرقان و ثوابِ صائم الدهر و قائم اللیل و ثوابِ طواف کنندگانِ خانهٔ کعبه یابد، گویا که مسجدِ مدینه و بیت المقدس به دستِ خود بنا کرده باشد، و بنویساند خدای تعالیٰ بر آن بنده را ثوابِ نیکی به عددِ سنگی و کلوخی و برگِ درختان و ریگِ بیابان و کونین و موسیٰ، صلوات الله وسلامه علیه، را دریافته باشد، و تصرّف کرده باشد.

این سخن با هرکسی گفت. مادرِ زید بن ثابت برخاسته، و گردِ اعرابی بگشت، و گفت: این ثواب ما را به سببِ تو حاصل شد.

و عبدالرّحمن بن عوف (آن) اعرابی را دو جامه و هزار درم داد، و مردی دیگر هفتاد دینار و جامه داد.

اعرابی به سوی قومِ خویش شاد و خرّم بازگشت.

اسنادِ این نماز کسی نداند به جز خدای تعالیٰ.

ذکرِ نمازِ دفعِ شرِّ ظالم و حصولِ حاجات

از حضرت سلطان الموحدین سلطان سیّد احمد کبیر بن سلطان سیّد جلال بخاری، قدّس الله سرّه العزیز، منقول است که حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آلهٖ وسلّم، فرمود: چون کاری بر کسی تنگ آید یا بدستِ ظالمی درمانده باشد، او را باید که این نماز بگذارد، و به آن خدائی که مرا به راستی بر خلق فرستاد، اگر به نیّتِ مُرده گذارد، زنده شود. (ان شاء الله تعالیٰ).

نمازِ آن این است:

چهار رکعت نماز به دو سلام، هر وقتی که بخواهد بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد

از فاتحه[۱] آیت قل اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تا بغیر حساب[۲] و در (رکعت) دوم انا اعطیناك[۳] و در (رکعت) سیوم قُل یا اَیُّهَا الْکَافِرُوْنَ[۴] و در (رکعت) چهارم قل هو الله احد[۵]: هریکی را پانزده بار بخواند.

چون از نماز فارغ شود، یعنی بعد از سلام ده کرت این دعا بخواند. هنوز از سر مصلّا بر نخاسته باشد که حاجت او روا گردد، و شر ظالم نیز دفع گردد. انشاء الله تعالی.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم:

لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین، حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولیٰ ونعم النصیر، انی مسنی الضرورات ارحم الرّاحمین، و افوض امری الا الله ان الله بصیر بالعباد، یامن ذکره شرف الذاکرین. یامن طاعته نجاء و ملجاء العالمین. یامن لا یخفی علیه شیٔ بنی ابناء حسین. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

ذکر نماز برای روشنائی قبر

از حضرت سید السادات سید محمود ناصرالدین (بن) مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدس الله سرّهٗ، منقول است: هرکه شب دوشنبه دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعت بعد از فاتحه[۶] آیت شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تا آخر آیت[۷] هشت بار، و بعد از سلام صد بار بگوید:

[۸۱ ب] یا واهب العطایا، و یا غافر الخطایا، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

خدای تعالیٰ عذاب قبر دور کند، و قبر او را روشن و منوّر گرداند، انشاء الله تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۳: ۲۶، ۲۵ و ۲۶. ۳- ایضاً: ۱۰۸. ۴- ایضاً: ۱۰۹.
۵- ایضاً: ۱۱۲. ۶- ایضاً: ۱. ۷- ایضاً: ۳: ۱۸.

ذکرِ نماز ادعیات برای دفعِ بواسیر

از حضرت شیخ حسن بصری، قدس اللہ سرہٗ، منقول است: ھرکہ دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[1] الم نشرح[2] و در رکعتِ دوم الم ترکیف[3] بعد از سلام هفتاد بار بگوید:

استغفر اللہ ربّی من کلّ ذنب و اتوب علیه سبحان اللہ وبحمدہٖ.

دردِ بواسیر دفع شود. انشاء اللہ تعالیٰ. مجرّب است.

ذکرِ نماز یافتنِ (آبِ) حوضِ کوثر

از حضرت شیخ معروفِ کرخی، رحمۃ اللہ علیه، (منقول است): ھرکہ در شبِ جمعہ چہار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در ھر رکعتی بعد از فاتحہ[4] یک بار آیت الکرسی[5] و پانزدہ بار انا اعطیناک الکوثر تا آخرِ سورہ[6]، خدای تعالیٰ اورا آبِ حوضِ کوثر بخوراند. انشاء اللہ تعالیٰ.

ذکرِ نمازِ حق الوالدین

از حضرت سیّد السادات شیخ المشائخ و الاولیا سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدّس اللہ سرہٗ، منقول است: ھرکہ ھرشب یا شبِ جمعہ چہار رکعت نماز بگذارد، و ثوابِ

۱۔القرآن الحکیم، ۱:۱. ۲۔ایضاً، ۹۴. ۳۔ایضاً، ۱۰۵. ۴۔ایضاً، ۱. ۵۔ایضاً، ۲:۲۵۶. ۶۔ایضاً، ۱۰۸.

آن مادر و پدر، و جد و اجدادِ خود را بخشد، از حقوقِ مادر و پدر و اجدادِ خود آزاد شود، و حق سبحانہٗ و تعالیٰ مادر و پدر، و جد و اجدادِ او را بیامرزد..

و اگر مادر و پدر، و جد و اجدادِ او مُردہ باشند، بہ برکت آن ہمۂ قبورھا از مشرق تا بہ مغرب بیامرزد و پُر نور گرداند خدای تعالیٰ الیٰ یوم القیمۃ، انشاء اللہ تعالیٰ.

و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[1] یک بار آیت الکرسی[2] و ھفت بار سورۃ الاخلاص[3]، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[4] یک بار اٰمن الرّسول تا آخر[5] و ھفت بار سورۃ الاخلاص[6]، و در رکعتِ سیوم بعد از فاتحہ[7] یک بار شہد اللہ تا آخر آیت[8] و ھفت بار سورۃ الاخلاص[9] و در رکعتِ چہارم بعد از فاتحہ[10] آخر سورۃ الکھف: اِنَّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ تا آخر[11] و ھفت بار سورۃ الاخلاص[12].

و اگر کسی این آیات نداند، پس او در ھر رکعتی ھفت بار سورۃ الاخلاص[13] بخواند، و بعد از سلام دست برداشتہ صلوات

اللّٰھم صل علیٰ محمّد وعلیٰ اٰلِ محمّد کما صلیت تا آخر، و

اللّٰھم اغفرلی ولوالدی تا آخر بخواند.

ثوابِ این نماز بسیار است، و کسی نداند بہ جز خدای تعالیٰ. واللہ اعلم بالصّواب.

و از حضرت سیّد احمد بن سیّد کمال الدّین بخاری، مرید و شاگردِ سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، منقول است کہ من شنیدم از استادِ عامل و مرشدِ کامل سیّد عثمان بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ، کہ ھر کہ آیت الکرسی[14] بر قبر سہ بار بخواند، خدای تعالیٰ او را وجملہ قبرھا را از مشرق [۱۸۲ ا] تا بہ مغرب بیامرزد. انشاء اللہ تعالیٰ.

روی عن بعض المشائخ، رحمھم اللہ تعالیٰ.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۱. ۵۔ ایضاً: ۲، ۲۸۵.
۶۔ ایضاً: ۱۱۲. ۷۔ ایضاً: ۱. ۸۔ ایضاً: ۳، ۱۹. ۹۔ ایضاً: ۱۱۲. ۱۰۔ ایضاً: ۱.
۱۱۔ ایضاً: ۱۸، ۱۰۷ تا ۱۱۰. ۱۲ و ۱۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۱۴۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶.

انه من كان له مهم فليجدد الوضوء عند النوم. ثم يقعد على فراش طاهر، فيصلّى على النبى صلى الله عليه وآله وسلم، ثلثا، ثم يقرء الفاتحه عشر، ثم سورة الاخلاص احدى عشرة مرة، ثم يصلى عليه، ثم ينام على الوضع المذكور، اى على شقة الايمن مستقبل القبلة متوسداً كفه اليمنى تحت خدة فانه يرى فى منامه باذن الله تعالىٰ كلّ مانواه، وهذا من الخواص العجيبة قدجربه كثير من اهل العلم فوجده صادقاً وهذا الفقير ايضاً قدجربه مرارا فوجده كذلك شرح شرعة الاسلام.

ذکر صلوات لرویۃ النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منہا صلوٰۃ العبہر

در شرح شرعۃ الاسلام المسمّی بہ مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان، تصنیف حضرت سید یعقوب بن سید علی، رحمۃ اللہ علیہ، مذکور است:

وعن على ابن ابى طالب، رضى الله تعالىٰ عنه: اذاكنت مشتاقا الى روية النبى صلى الله عليه وآله وسلم، وملاقاته اصلى صلوٰة العبهر

وقال عمر (ابن الخطاب) رضى الله تعالىٰ عنه، من صلى صلوٰة العبهر ولم يرالنبى صلى الله عليه وآله وسلم فى منامه فلست بعمر قال والذى نفس عمر بيده من صلى صلوٰة العبهر قضى الله تعالىٰ حاجاته ويمحو سيئاته وان كانت طاء الارض وهى ان تصلى اربع ركعات بسلام واحد ويقرء فى كل ركعة فاتحه الكتاب مرة وانا انزلناه عشر مرات ثم قبل الركوع يقول سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر خمس عشر مرة ثم يركع ويقول فى ركوعه بعد قول سبحان ربى العظيم ثلثا ذلك تسبيح ثلثا ثم يقف مستويا ويقول فى القومة بعد قوله سمع الله ذلك التسبيح المذكور ثلثا ثم يسجد ويقول بعد قوله سبحان ربى الاعلى ثلثا ذلك التسبيح المذكور خمس عشرة مرة ثم يرفع راسه ويسجد ثانيا ولا يسبح بين السجدتين ويتم الركعات الثلث الباقيات على الوصف المذكور، ثم بعد السلام يقرء انا انزلناه عشر مرات من غير تكلم

مع احد ثم یقرء التسبیح المذکور ثلثا و ثلثین . ثم یقول جزی الله محمد اعنا ما هو اهله .

و قال عمر (ابن خطاب) رضی الله عنه : من صلی هذه الصلوٰة لا یظماء فی حالة النزع و یغرش فی قبره الورد و الیاسمین و نبیت العبهر فیما حوله و حین ینشر من قبره یتوج بتاج الکرامة و یستقبل اثنی عشر الف ملک ببراءة الخلاص و الاکرام و یکون فی صف الملائکة و الانبیاء و الرسل [۱۸۲ ب] علیهم الصلوٰة و السلام و یعطی له من من الشفاعة مقدار ما یریده کذا فی فضائل الاعمال للامام الحافظ النسفی .

و عن ابی هریرة ، رضی الله تعالیٰ عنه : انه قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم : من صلی لیلة الجمعة رکعتین یقرء فی کل منها فاتحة الکتاب و آیة الکرسی مرة و قل هو الله احد خمس عشر مرة و اذا سلم من صلوٰته صلی علیّ الف مرة فانه یرانی فی لیلتہ و لا یتم الجمعة الاخری حتی یرانی کذا فی حدائق الاخبار .

و عن الحسن البصری رحمة الله علیه : من صلی بعد صلوٰة القیمة اربع رکعات یقرء فی کل رکعة بعد الفاتحه سورة والضحی و الم نشرح و انا انزلناه و اذا زلزلت الارض مرة مرة ثم یسلم و یستغفر الله تعالیٰ مائة مرة ، و یصلی علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم مائة مرة ، و یقول لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم مائه فاذا فعل ذلک یری النبی صلی الله علیه وآله وسلم فی منامه .

و روایت فی بعض النسخ : من قرء فی نصف لیلة الجمعة سورة القریش الف مرة . ثم نام بالوضوء رای النبی صلی الله علیه وآله وسلم فی منامه و حصل له کل مقصود قیل انه مجرب عظیم . والله تعالیٰ اعلم . انتهی کلام شرح شرعة الاسلام .

و روی باسناد صحیح عن حسن بن علی رضی الله تعالیٰ عنهما : انه قال من اراد ان یری النبی صلی الله علیه وآله وسلم فی المنام ، فلیصل اربع رکعات بتسلیمتین یقرء فی کل رکعة فاتحة الکتاب مرة والضحی والم نشرح وانا انزلناه واذا زلزلت الارض مرة واذا اسلم یصلی علی النبی صلی الله علیه وآله وسلم سبعین مرة و یستغفر الله تعالیٰ سبعین مرة ثم یاخذ مضجعه مستقبل القبلة ، قال و اذا کان کذلک دفع روحه الی العرش

فعندها یری النبی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، منقولا من الفرج بعد الشدّۃ.

و از حضرت سیّد السادات سیّد جلال بن سیّد داؤد بخاری، رحمۃ اللہ علیہ، منقول است: من اراد ان یری (النبی) فی المنام، علیہ الصلوٰۃ والسلام، فیصلی لیلۃ الاثنین رکعتین یقرء، فی کل رکعۃ بعد الفاتحہ آیۃ الکرسی مرۃ و الاخلاص خمس عشر مرات، و یصلی علی النبی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، الف مرۃ و ینام علی الوضوء مصلیا علی یری جمال النبوّۃ فی المنام. انشاء اللہ تعالیٰ.

ایضاً در کتاب اوراد چشتیہ (تألیفِ عبدالرحمٰن علوی عباسی چشتی)، مذکور است: اگر کسی خواہد کہ بہ جمالِ جہان آرای حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، و اصحابہ و بہ جمیع ارواح ملاقات کند، باید کہ سہ شبان روز [۱۸۳ا] روزہ طی دارد، و اصلاً سہ شبان روز خواب نکند، یعنی از شبِ چہارشنبہ طعام و آب و خواب ترک کند، و بنیّتِ روزہ طی کند. چون روزِ جمعہ شود، بعد از نماز فجر وقتِ برآمدنِ آفتاب بیرونِ شہر رود، و بر کنارۂ آبِ روانِ پاک غسل کند، بعدہٗ سر برہنہ دو رکعت (نماز بگذارد)، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[1] سورۃ الاخلاص[2] بیست و یک بار، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[3] بیست و یک بار معوّذتین[4]، و بعد از سلام سر بہ سجدہ نہد، و سہ بار بگوید: اغثنی اغثنی اغثنی بعد از آن این اسم را ہزار بار استادہ بر سرِ مصلّی بخواند.

اسم این است:

بسم اللہ الرّحمٰن الرّحیم: بسم اللہ افواہ یا اللہ!

وقتی کہ این مرتب شود روی بہ آسمان کند، و سہ گام پیش و پس، راستان و چپان، رود، امّا از قبلہ رونگرداند. حضرتِ محمّد مصطفیٰ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہٖ و اصحابہ و سلّم و بارک، را در ملاحظہ آرد، تا آنکہ خود معدوم شود. بعدہٗ چشم بکشاید، ارواحِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، و جمیعِ اصحابہ و غیرہما در نظر خواہد آمد، و ہر حاجتی کہ باشد، توجہ کند، بہ مقصود رسد. (انشاء اللہ تعالیٰ).

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۱۱۲. ۳۔ ایضاً: ۱. ۴۔ ایضاً: ۱۱۳ و ۱۱۴.

این عمل پیرانِ فقیر است.
فاما اجازت و ترتیب از مرشدِ عامل یاد دارد.
بعدهٔ این مناجات بخواند:
بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.
(ع): الٰہی آنچہ بد کردم، ندانستم، خطا کردم.
بخش بہ حقِ لا الٰہ الا اللہ محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ و علیٰ آلہٖ و بارک وسلم.

ذکرِ نماز) جہتِ ملاقاتِ حضرتِ شیخ اعظم غوث الثقلین

(شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی) قدس اللہ سرہٗ العزیز

اگر کسی خواہد کہ بہ ارواحِ حضرتِ میران سید محی الدین ابو محمد عبدالقادر جیلانی، قدس اللہ تعالیٰ سرہٗ العزیز، ملاقات کند، باید کہ نیم شب برخیزد، و غسلِ پاک کند، و بعد از دوگانہ دو رکعت نماز سر برہنہ بہ نیتِ کشف الارواح بگذارد، و در رکعتِ اول بعد از فاتحہ[1] سہ بار سورۃ الکافرون[2]، و در رکعتِ دوم (بعد از فاتحہ[3]) سہ بار (سورۂ) اخلاص[4] و بعد از سلام توجہ بہ حضرتِ میران کند، و دو صد کرت بر مصلا استادہ این دعا بخواند، از شرفِ ملاقاتِ میران سید محی الدین (عبدالقادر جیلانی)، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، مشرف شود.

دعای (بزرگوار) این است:
بسم اللہ الرحمٰن الرحیم:
یا حضرت میران سید محی الدین احضر[1]
اللّٰھم صلی علیٰ نورِ محمد فی الارواح.

۱۔ القرآن الحکیم: ۱۔ ۲۔ ایضاً: ۱۰۹۔ ۳۔ ایضاً: ۱۔ ۴۔ ایضاً: ۱۱۲۔

تا این جا کلام از اوراد چشتیه بُود.

ذکر نماز حفظ الایمان

از حضرت سید السادات، منبع البرکات سید داؤد بن سید شکر الله، بخاری، قدس الله سرهٔ، منقول است: هر که دو رکعت نماز برای "حفظ الایمان" بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] سه بار آمن الرسول[2] و پنج بار سورة الاخلاص[3]، و بعد از سلام سه بار صلوات و یازده [۱۸۳ب] بار استغفار و یازده بار سبحان الله، و یک بار این دعا بخواند ایمانِ او همیشه سلامت باشد. انشاء الله تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم.

اللهم انی اسالك ایمانا دائما و اسالك قلبا خاشعا و اسالك علما نافعا و اسالك یقیناً صادقا و اسالك دینا قائما و اسالك رزقا حلالا طیبا و اسالك عملا مستقبل و اسالك العافیه من کل بلیّة و اسالك تمام العافیه و اسالك الشکر علی العافیه و اسالك منی عن الناس. برحمتك یا ارحم الراحمین.

ذکر نماز دفع شرّ خلق

از حضرت سید علی اکبر بن سید حامد قتال (بخاری)، قدس الله سرهٔ، منقول است: هر که چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[4] پنج بار:

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۲، ۲۸۵. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۱

ربّ لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین[1] و انّی مسّنی الضرّ و انت ارحم الراحمین[2]. و سه بار اذا جاء نصر الله[3] و بعد از سلام یازده بار یا دافع البلیّات کلها. و یک بار این مناجاتِ (سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری) بخواند، شرّ همه خلق دفع گردد. انشاء الله تعالیٰ.

مناجاتِ (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم..

خدایا مرا دست گیری بکن
مرا خوار در هر دو عالم مکن

مبر بر درِ کس به هنگام کار
همه کارها از درِ خود برآر

الهی به برکاتِ آن پنج تن
نبی و ولی و دو فرزند و زن

که در دین و دنیا مرا پنج کار
برآری به فضلِ خود، ای کردگار!

یکی: حاجتم را مناجی به کس
برآرندهٔ آن تو باشی و بس

دوم: روزیم را ز جای رسان
که منّت نباشد کشیدن کسان

سیوم: چون به مرگم اشارت کنی
به "الّا تخافوا"[4] بشارت کنی

چهارم: چنانم سپاری به خاک
که باشم ز آلودگی گشته پاک

به پنجم چو تن بگسلانی کفن
رسانی تنم را به آن پنج تن

بگفتای باقر: صلوا علی هذه پنج تن
محمّد علی فاطمه حسن حسین

الصّلوٰة علیک یا خیر الوریٰ!
والسّلام علیک یا نورالهدیٰ!

یا حبیبی! سیّدی! درمانده ام
مرکب اندر حرصِ عصیان رانده ام

رحمتہ للعالمینی، یا رسول!
هم شفیع المذنبینی، یا رسول!

مشکلم پیش است و من در بی کسی
یا رسول الله! ما را تو بسی

یا محمّد! لطف آمد عامِ تو
بس بود ما را محمّد نامِ تو

۱- القرآن الحکیم: ۲۱، ۸۹. ۲- ایضاً: ۲۱، ۸۳. ۳- ایضاً: ۱۱۰. ۴- ایضاً: ۴۱، ۳۰.

احمدا ! جز تو شفیعم نیست کس | یا رسول اللہ ! بہ فریادم برس !
الصّلوٰۃ والسلام تا قیام | بر محمّد، آل، و اصحابش تمام

منقول من التفسیر المنسوب الی الامام الھمام الحسن بن علی العسکری، رضی اللہ تعالیٰ عنہما: ان من قرء ھذہ الکلمات فی مفتتح الدّعا یستجاب الیہ.

الٰھی بحق محمّد و انت المحمود و بحق علی و انت الاعلی و بحق فاطمہ و انت فاطر السموات والارض و بحق الحسن و انت المحسن و بحق الحسین و انت ذوالاحسان. ان تصلی علی محمّد و آلِ محمّد.

ذکرِ نماز جہتِ قضاء [۱۸۴۱] کل الحاجات والمھمات

از حضرت خواجہ نصیرالدّین، طوسی، رحمۃ اللہ علیہ، مصنّفِ کتاب اخلاقِ ناصری و تجرید العقائد، و تذکرہ در علمِ ھیئت و نقدِ محصّلِ کلام و شرح اشارت حکمت و تحریرِ مجسطی و تحریرِ اقلیدس و شرحِ مجسطی، و سی فصل در معرفتِ تقویم، و بیست باب در معرفتِ اصطرلاب و زیجِ ایل خانی وغیرھا، منقول است. در فوایدِ خواجۂ مذکور نیز ھم چنین نوشتہ بود کہ در بغداد فرمود:

سایقِ میدانِ عنایتِ ازلی و ھادی راہِ ھدایتِ ھر نبی و ولی امیرالمؤمنین علی، علیہ السلام، را در واقعہ دیدم، و سلام کردم، و گفتم: ای سرورِ اولیا ! مرا چیزی بیاموز کہ رستگاریِ دنیا و آخرتِ من باشد.

حضرتِ علی، کرم اللہ وجہہ، این صلوات خواند، و من از لفظِ دُر افشانِ او بیاموختم، و ھر روز می خواندم و ھر مشکلی کہ مرا پیش آمدی، بہ آن نیّت سہ نوبت خواندمی. آن مشکل حل شدی. چنان چہ ترقّیِ فقیر بہ این صلوات بود.

و خواجہ نصیرالدّین، طوسی رحمۃ اللہ علیہ، فرمود کہ دوازدہ سال ریاضت بردم، و نسخہ از دوازدہ علم انتخاب کردم، و با مستنصر[۱] کہ یکی از خلفای بنی عبّاس بود، و دشمنِ آئمہ، ملاقات نمودم، و نسخہ را بہ وی گذرانیدم در

[۱۸۴۱] دورۂ خلافت: ۶۲۳ - ۶۴۰ھق / ۱۲۲۶ - ۱۲۴۲م و تاریخ وفاتِ خواجہ نصیرالدّین طوسی: ۶۷۲ھ ق / ۱۲۷۳م. (باقی بر ص ۵۲۴)

محلی که سراپردهٔ او را بر شطِ بغداد زده بودند، و او بر شط نشسته بود، و ورق مطالعه می کرد، و پاره کرده در آب می انداخت.

از حسرتِ آن نسخه جوانیِ من به پیری بدل شد. بعد ازان سوگند خوردم که اگر خدای تعالیٰ مرا از چنگ این خلیفه خلاص کند، آب و نان سیر نخورم، و بر بستر گرم نخوابم تا نوعی کنم که زوالِ دولتِ او نمود.

چون از دستِ او خلاص شدم، حضرت پیغمبر، صلی الله علیه وآله وسلم، را در خواب دیدم که مرا امر کرد به ترتیب این نماز و این "شجع" که من از لفظِ دُر افشانِ حضرت امیر علی، کرم الله وجهه بیاموختم.
چون من از خواب بیدار شدم، بی فکر و دیتِ این نماز و این "شجع" بر زبانم جاری شد، و آن نماز این است:

اوّل دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحه[1] یک بار وَ افوض امری الی الله ان الله بصیر' بالعباد[2] و سه بار سورة الاخلاص[3]، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحه[4] یک بار ربّ لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین[5] و سه بار سورة الاخلاص[6]، و بعد از سلام این "شجع" صلوات بخواند.

چون بر خواندنش مداومت و برقرارش مواظبت نمودم، و از هر صاحب خروجی سوال کرده خروجِ چنگیز خان شنودم، قدم به ماوراالنهر نهاده هلاکو خان بن تولی خان بن چنگیز خان را [۱۸۲ب] همراه آورده مغولان را بر سر بغداد فرستادم، و به برکتِ این "شجع" به نوعی که بدان مامور بودم، فتح بغداد نمودم.

مقرر و مجرب است که هر که (این "شجع" را) هر روز بخواند، یا با خود دارد، در نظر سلاطین نام دار و خواقین عالی بمقدار معزز و محترم و صاحب اعتبار باشد.

(بقیه از ص ۵۳۳) این حکایت از لحاظ وقایع تاریخی بکلی غلط است. زیرا خواجه نصیرالدین طوسی تا سالِ ۶۵۴ ه ق/۱۲۵۶ م در دربارِ امیر قهستان بوده، و بعد ازآن به دربارِ هلاکو خان رفت، و تا آخر عمر در خدمتِ مغولان بوده است. (کارنامهٔ بزرگانِ ایران، مطبوعه تهران، ۱۳۴۰ ش، ص ۳۳۳).   ۱- القرآن الحکیم: ۱.   ۲- ایضاً: ۴۰، ۴۷.   ۳- ایضاً: ۱۱۲.
۴- ایضاً: ۱.   ۵- ایضاً: ۲۱: ۸۹.   ۶- ایضاً: ۱۱۲.

و بر بسترِ هر بیماری که از روی صدق و اخلاص خواند، شفا یابد.

و در هر خانه که آن باشد، اهلِ آن خانه از امراضِ مزمنهٔ مکروهه، که موجبِ تنفّر باشد، مثلِ جذام و برص و بهق و آبلهٔ فرنگ و امثالِ این ها، مصون و محفوظ باشند؛ و وبا و طاعون هرگز پیرامون آن خانه نگردد.

و اگر بر سرِ حامله، که وضعِ حملش دیر شود، و خوفِ هلاکِ نفسِ او باشد، بخواند، فی الحال حملِ او موضوع شده حسب المدّعا فرزندِ سلیم الجوارح و صحیح البدن از و متولّد شود که به حلیهٔ عفت و صلاح آراسته باشد.

و اگر صاحب حمل را توقّعِ فرزندی نرینه باشد، بعد از آن که علوقِ نطفه در رحمِ مادر متحقّق شده باشد، و پیش از آن که چهار ماه بگذرد، اگر هر روز یک بار بر سرِ حامله بخواند، و اگر خود خوانده باشد، بهتر آن که خود بخواند، به توفیقِ الٰهی مبدل گردیده به صحت بی الم و مشقّت در وقتِ وضعِ حمل فرزندی نرینه، که صاحبِ کمال و جمال باشد، از او به وجود آید.

و اگر زنِ عقیمه باشد، و هرگز آبستن نشود، چهل روز در هر صباح و مسا یک بار بخواند و در وقتِ بیتوته یعنی در حالی که در جامهٔ خواب می خوابد، یک بار دیگر بخواند، و اگر آن کس یا در آن جا یا در وقت خوانده نباشد که آن را تواند خواند، این "شجع" را بر جای نوشته هر شب در زیرِ سرِ خود بنهد، و در وقتِ نهادن اسمای دوازده امام، علیهم السلام، بر نوعی که مشهور و معروف است بخواند، و این نوشته بر رخ زرد و بر مژگانِ خود مالیده، به خضوع و خشوع، استعانت از حضراتِ ائمهٔ معصومین، صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، نموده از حضرت واهب العطایا مطلوب نماید، بلاشک و ارتیاب حضرتِ مسبّب الاسباب حاجت او را بر آورده، به او فرزندِ دولت مند عنایت فرماید.

و در هر صباح عقبِ هر نمازِ صبح یک بار بخواند که جمیعِ مطالبِ دنیوی و مقاصدِ اخروی به حصول موصول گردد.

و اگر خود خوانده نباشد، هر صبح یکی را به اجاره گیرد که این (شجع) را به او تلقین نماید؛ و اگر این نیز متعذّر الوصول باشد، نوشته آن را درمیانِ جای نمازِ خود نهد، و در هر صباح عقبِ نمازِ صبح آن را

بکشاید، و رحسارهٔ [۱۸۵ و] خود را بدان مالد. هر حاجت و دعای که داشته باشد، از حضرتِ حق تعالیٰ جلّ و علا مسئلت نماید، به برکتِ حضرتِ پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، و حضرتِ ائمۂ اثنا عشر، علیہ وعلیہم الصّلوٰة والسلام من اللہ العزیز الاکبر، فی الفور مقرون به اجابت گردد. انشاء اللہ تعالیٰ.

شجع صلواتِ مدح سیدنا المعظّم و مفخر بنی آدم نبینا محمد المکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، مدح الوصی المسمی بالعلی، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ، و مدح سیدة النساء فاطمة الزهراء رضی اللہ تعالیٰ عنہا، و مدحِ اولادِ ها، رضوان اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین. (این است) :

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰهم صل علی النّبی الاُمّی العربی الهاشمی القرشی الابطحی التهامی السراج المضئ، صاحب الوقار والسکینة. المدفون بارض المدینة الموصوف بالخلق والاحسان، العبد المؤیّد والرّسول المسدّد المصطفیٰ الامجد المحمود الحمید الحامد الاحمد حبیب اله العالمین وسید المرسلین وخاتم النبیین وشفیع المذنبین ورحمة للعالمین ابو القاسم محمّد، صلوات اللہ وسلامه علیه.

اللّٰهم انی اسئلک و اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة محمّد المصطفیٰ، صلی اللہ علیه وآلہ والصّلوٰة والسّلام علیک یا ابا القاسم، یا رسول اللہ، ویا نبی الرحمة، یا شفیع الامّة، یا حجّة اللہ علیٰ خلقه، یا سیدنا و مولانا انّا توجهنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیها عند اللہ اشفع انا عندنا.

اللّٰهم صل وسلّم و زد و بارک علیٰ امام الاوّل، سید المظهر و الامام المظفّر و شجاع الغضنفر ابی الشبر و الشبّیر، قاسم طوبیٰ و سقر الانزع البطین، و الاشرف المکین الاشجع المتین العالم الامین، العارف المبین الناصر المعین، ولی الدّین، الوالی الولی السیّد الرّضی و الامام الوصی، الحاکم بالنص الجلی، المخلص الصفی، المدفون بالغری الغالب کل غالب مظهر العجائب و مظهر الغرائب مفرق الکتائب، شهاب الثاقب، هزبر السالب، نقطة دائرة المطالب، اسد الغالب، وغالب کل غالب، و سالب کل سالب و مطلوب کل طالب، مولانا و مولی الثقلین الّذی حبّه فرض علی الحاضر و الغائب، امام المشارق و المغارب، رفیع الدرجات و المراتب، الامام بالحق و الامیر المطلق، ابی الحسنین علی

ابن ابی طالب، صلوات اللہ وسلامہ علیہ الصلوٰۃ والسلام علیک وعلیٰ آلک یا ابا الحسن، یا امیر المؤمنین، یا اخا الرسول و یا زوج البتول [۱۸۵ب] یا حجۃ اللہ علیٰ خلقہ، یا سیدنا ومولانا انا توجھنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیھا عند اللہ اشفع لنا عند اللہ۔

اللھم صل وسلم و زدو بارک علیٰ سیدۃ الجلیلۃ الکریمۃ النبیلۃ البھیۃ الرضیۃ والمرضیہ المحزونۃ المکروبۃ العلیلۃ ذات الاحزان الطویلۃ فی المدۃ القلیلۃ المعصومۃ المظلومۃ المدفونۃ سراالمغصوبۃ المجھولۃ قدرا وقبرا سیدۃ النساء الانسیۃ الحوراء المزوجۃ فی السماء البتول العذراء، اُم الائمۃ النقباء النجباء فاطمۃ الزھراء، صلوات اللہ و سلامہ علیھا الصلوٰۃ والسلام علیک وعلیٰ ذریتک یا بنت رسول اللہ ایتھا البتول، یا قرۃ عین الرسول یا سیدتنا ومولاتنا انا توجھنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیھتہ عند اللہ اشفعی لنا عند اللہ۔

اللھم صل وسلم و زد وبارک علیٰ سید المجتبیٰ والامام المرتجیٰ سبط المصطفیٰ و ابن المرتضیٰ، علم الھدیٰ العالم الرفیع ذی الحسب المنیع والشرف البدیع الشفیع ابن الشفیع ذی الفضل الجمیع، المقتول بالسم النقیع، المدفون بارض البقیع، العالم بالفرائض والسنن، صاحب الجود والمنن، دافع المحن والفتن با ظھر منھا وما بطن والامام المؤتمن الذی یعجز عن عدمہ الحکہ لسان اللسن، الامام بالحق ابی محمد الحسن، صلوات اللہ وسلامہ علیہ الصلوٰۃ والسلام علیک، ایھا المجتبیٰ یا ابن رسول اللہ یا حجۃ اللہ علیٰ خلقہ، یا سیدنا ومولانا انا توجھنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللہ وقدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیھا عند اللہ اشفع لنا عند اللہ،

اللھم صل وسلم و زدوبارک علیٰ السید الزاھد، الامام العابد، الراکع، الساجد، زین المنابر والمساجد، ولی الملک الماجد وقتیل الکافر الجاحد، صاحب المحنۃ والکرب البلاء، المدفون بارض کربلاء، سبط رسول الثقلین، وصورۃ خاتم النبیین، و شمس القمرین و نور العینین، مولانا ومولی الکونین والثقلین، الامام بالحق ابی عبداللہ

الحسین۔ صلوات اللہ وسلامہ علیہ الصلوٰۃ و السلام علیک ایہا الشہید، یا ابن رسول اللہ یا حجۃ اللہ علیٰ خلقہ، یا سیدنا و مولانا انا توجہنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا وجیہا عند اللہ اشفع لنا عند اللہ۔

اللّٰہم صل و سلّم و زد و بارک علی ابی الائمہ و سراج الأمّۃ [۱۸۰ر] و کاشف الغمۃ ومحی السّنہ وسنی الھمہ والرّفیع الرتبۃ، وولی النعمۃ و انیس الکربۃ، وصاحب الندبۃ المدفون بارض الطیبۃ۔ المبرّمن کلّ شین الامام بالحق ابی السّجاد محمّد علی بن الحسین، صلوات اللہ و سلامہ علیہ الصّلوٰۃ والسلام علیک یا زین العابدین ایہا السّجاد یا ابن الرّسول اللہ یا حجۃ اللہ علیٰ خلقہ، یا سیدنا و مولانا انا توجہنا و استشفعنا وتوسلنا بک الی اللہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیہا عند اللہ اشفع لنا عند اللہ۔

اللّٰہم صل وسلّم و زد و بارک علی قمر الاقمار و نور الانوار، و سیّد الابرار، و قائد الاخیار، و المطہر الطاہر، و البدر الباہر، و الدّرّ الفاخر، و البحر الذاخر، و النجم الظاہر السیّد الوجیہ الامام النبیہ الامام بالحق ابی جعفر محمّد بن علی، صلوات اللہ و سلامہ علیہ الصّلوٰۃ والسلام علیک ایہا الباقر، ابن رسول اللہ یا حجۃ اللہ علی خلقہ یا سیدنا و مولانا انا توجہنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیہا عند اللہ اشفع لنا عند اللہ۔

اللّٰہم صل وسلّم وزد و بارک علی الصّادق الصدّیق لامام الوثیق، الحلیم الشفیق، الہادی الیٰ سواء الطریق، ساقی شیعۃ من الرّحیق، و مبلغ اعداء الی الحریق، صاحب الشّرف الرفیع، و الحسب المنیع، و الفضل الجمیع المدفون بارض البقیع، المہذب المؤید المجد الامجد الامام بالحق ابی عبد اللہ جعفر بن محمّد، صلوات اللہ و سلامہ علیہ الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا ابا عبد اللہ الصّادق یا ابن رسول اللہ، یا حجۃ اللہ علی خلقہ، یا سیّدنا و مولانا انا توجہنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیہا عند اللہ اشفع لنا عند اللہ۔

اللّٰہم صل وسلّم و زد و بارک علی السیّد الکریم الامام الحلیم، السّمی الکلیم،

الصابر الکظیم ، صاحب العسکر و الجیش ، المدفون بمقابر قریش ، ذی الشرف الانوار والمجد الاظهر ، الامام بالحق المکنا بابی ابراھیم موسی بن جعفر، صلوات اللّٰہ و سلامہ علیہ الصلوٰۃ و السلام علیک ایھا الکاظم ، یا ابن رسول اللّٰہ ، یا حجۃ اللّٰہ علی خلقہ ، سیدنا و مولانا انا توجھنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللّٰہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیھا عند اللّٰہ اشفع لنا عند اللّٰہ ۔

اللّٰھم صل وسلم وزد و بارک علی السید المظلوم والامام المعصوم ، الشھید المسموم ، و غریب المغموم ، العالم بعلم المکتوم ، بدر النجوم ، شمس الشموس ، انیس النفوس ، [۱۸۲ ب] المدفون بارض طوس الرضی المرتضی المرتجی المجتبیٰ ، الامام بالحق ابی الحسن علی بن موسی الرضا ، صلوات اللّٰہ وسلامہ علیہ الصلوٰۃ و السلام علیک ایھا المعصوم ، یا ابن رسول اللّٰہ ، یا حجۃ اللّٰہ علی خلقہ ، یا سیدنا و مولانا انا توجھنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللّٰہ وقدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیھا عند اللّٰہ اشفع لنا عند اللّٰہ ۔

اللّٰھم صل وسلم وزد و بارک علی السید الزاھد العالم ، العامل ، الفاضل ، الکامل الباذل الاجود ، الجواد ، العارف باسرار المبدء والمعاد و لکل قوم ھاد و مناص المحبین یوم ینادِ المناد ، المدفون بارض بغداد ، السید العربی و النور الاحمدی الامام المحمدی ، الملقب بالتقی الامام بالحق ، ابی جعفر محمد بن علی صلوات اللّٰہ و سلامہ علیہ الصلوٰۃ والسلام علیک ایھا التقی الجواد ، یا ابن رسول اللّٰہ ، یا حجۃ اللّٰہ علی خلقہ ، یا سیدنا ومولانا انا توجھنا و استشفعنا وتوسلنا بک الی اللّٰہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیھا عند اللّٰہ اشفع لنا عند اللّٰہ ۔

اللّٰھم صل وسلم و زد و بارک علی الامامین التامین ، الکاملین التامین ، السیدین العالمین ، العاملین ، الفاضلین ، البازلین ، النورین ، المنیرین الشمسین ، القمرین الخبیرین ، الکوکبین ، وارثی المشعرین واھلی الحرمین ، کیفی التقی ، غوثی الوریٰ ، بدری الدجیٰ ، نوری الھدیٰ ، المدفونین السر من رای ، کاشفی البلویٰ والمحن ، صاحبی الجود و المنن ، الذی یعجز من عد مدائحھما ، لسان اللسن ، الامامین بالحق ابی الحسن علی النقی و ابی محمد الحسن العسکری ، صلوات اللّٰہ وسلامہ علیھما ، الصلوٰۃ والسلام علیکما یا ابنی

رسول اللہ، یا حجۃ اللہ علی الخلق اجمعین، یا سیدنا و مولانا انا توجہنا و استشفعنا و توسلنا بکم الی اللہ وقدمنا کما بین یدی حاجاتنا یاوجیہی عنداللہ اشفعالنا عنداللہ۔

اللّٰھم صل وسلّم وزدو بارک علی صاحب الدعوۃ النبویۃ والصولۃ الحیدریۃ والعصمتیۃ الفاطمیۃ والحلم الحسنیۃ، والصلابۃ الحسینیۃ، والعبادۃ العابدیۃ والمآثر الباقریۃ، والآثار الجعفریۃ والعلوم الکاظمیۃ والحجج الرضویۃ، والجودۃ التقویۃ، والسجادۃ النقویۃ والھیبۃ العسکریۃ، القائم بالحق، والداعی الی الصدق المطلق کلمۃ اللہ وحجۃ اللہ، الحافظ لدین القائم بامر اللہ، المقسط بقسط اللہ، الذات عن حرم اللہ، قاطع البرھان، خلیفۃ الرحمٰن، امام السر والعلن، دافع الکربۃ والمحن، الامام بالحق ابی القاسم محمّد المھدی بن الحسن العسکریؑ، صلوات اللہ وسلامہ علیہ [۱۸۷] وعلیھم اجمعین الطیبین الطاھرین المعصومین، الصّلوٰۃ والسّلام علیک یا وصی الحسن و الخلف الصالح، یا امام زماننا، یا القائم المنتظر، یا ابن رسول اللہ، یا حجۃ اللہ علی خلقہٖ، یا سیدنا و مولانا انا توجھنا و استشفعنا و توسلنا بک الی اللہ و قدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیھا عند اللہ اشفع لنا عنداللہ۔

اللّٰھم ان ھولاء ائمتی وسادتی وقادتی وکبرائی وشفعائی بھم اتولّی و من اعدائھم اتبرّ فی الدّنیا و الآخرۃ۔

اللّٰھم والِ من والاھم وعادِ من عادا وانصرمن نصرھم واخذل من خذلھم والعن من ظلمھم و اجحد حقھم و اھلک عدوّھم من الجن والانس من الاوّلین والآخرین الی یوم الدین۔

اللّٰھم احینا وامتنا علی موالاتھم و موالاۃ اولیائھم و معاداتِ اعدائھم و ذدنا محبتھم و ارزقنا شفاعتھم و احشرنا معھم و فی زمرتھم، و تحت لواء دولت محمّدٍ صلی اللہ علیہ وآلہٖ وسلّم، سیّد الاوّلین و الآخرین، برحمتک یا ارحم الرّاحمین۔

تمّت" الصّلوٰۃ المعظّمۃ السّجع المبارکۃ"

ذکرِ نمازِ استخارہ

و از حضرت سیّد ورایہ بن سیّد عثمان بخاری، قدس اللہ سرّہ، منقول است: ھرکہ در شب چہارشنبہ یا شب جمعہ دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در رکعتِ اوّل بعد از فاتحہ[۱] الم نشرح[۲] یک بار، و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[۳] اذا زلزلت الارض[۴] یک بار، بعد از سلام یازدہ بار این صلوات بخواند، جواب با صوابِ کار یابد، و امامان، رضی اللہ تعالیٰ عنہم، نیز در کارِ او مدد فرمایند. انشاء اللہ تعالیٰ.

صلوات بزرگوار این است:

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم.

اللّٰھم صل علی سیّدنا محمّد النبی الامّی والولی الوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والعسکری وصاحب الزمان وقاطع البرھان محمّد المھدی، رضوان اللہ تعالیٰ علیھم وآلھم واصحابھم اجمعین، برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

اللّٰھم صل علی محمّد وعلیٰ ابنته وعلیٰ ابنیھا واسالك بھم ان تعیننی بھم علیٰ طاعتك ورضوانك وتبلغنی بھم افضل ما بلغت احداً من اولیائك انك جواد کریم. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

اسامیِ چہاردہ معصوم رضوان اللہ علیھم

بیت:

نام ھای چہاردہ معصوم در یک بیتِ من گفتہ خواھم تا بماند یادگار اندر زمن

مصطفیٰ با سہ محمّد، مرتضیٰ باسہ علی موسیٰ و زھرا و جعفر، یک [۸۷ ابہ] حسین و دو حسن[۵]

۱. القرآن الحکیم: ۱. ۲. ایضاً: ۹۴. ۳. ایضاً: ۱. ۴. ایضاً: ۹۹. ۵. در این بیت سہ محمد: امام محمد باقر و امام محمد تقی و امام محمد مہدی، و سہ علی: امام علی زین العابدین و امام علی بن موسیٰ الرضا و امام علی نقی، و دو حسن: (امیر) امام حسن و امام حسن العسکری می باشد. رضوان اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین.

به حرمت چهارده معصوم آن کار جمله حاصل کنی
گفت شاه باقر محمد پسر شاه عثمان بخاری
هر که خواند بعد از هر نمازی این بیت ها
سالم بماند در دارین از جمله بلا ها[1]

ذکر نماز رویة النبی صلی الله علیه وآله وسلم و حصول الحاجات

از حضرت ابابکر صدیق، رضی الله تعالیٰ عنه، منقول است: هر که دو رکعت نماز بگذارند، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[2] انا اعطینک الکوثر[3] یک بار و سورة الاخلاص[4] سه بار، و بعد از سلام صد بار این اُوْلاَرَهْ[5] حضرت رسول، صلی الله علیه وآله وسلم، را که حضرت جبرئیل علیه السلام به حکم حضرت رب العالمین، جل جلاله وعم نواله، حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلم، را در عهد داده بود وقت نابالغی، به اعتقاد درست و به اخلاص دل بخواند، و آن جا خواب کند. البته البته حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلم، را در خواب ببیند، و حاجت او نیز روا شود. انشاء الله تعالیٰ.

اُوْلاَرَهْ (بزرگوار) این است:

بسم الله الرحمن الرحیم.

عجبا للمحب کیف ینام — قم قم یا حبیبی کم تنام
خالق الخلق لا ینام — قم قم یا حبیبی کم تنام
العرش والکرسی لا ینام — قم قم یا حبیبی کم تنام
اللوح والقلم لا ینام — قم قم یا حبیبی کم تنام
مالک الملک لا ینام — قم قم یا حبیبی کم تنام
الشمس والقمر لا ینام — قم قم یا حبیبی کم تنام

۱- دو بیت آخر از وزن خارج است. ۲- القرآن الحکیم ۱: ۱. ۳- ایضاً ۱۰۸: ۱. ۴- ایضاً ۱۱۲: ۱.
۵- اُوْلاره، (لغتِ مغلی)، سرودِ بیداری بچگان (در مقابلهٔ لوری. (لغتِ مغلی)، سرودِ خوابِ بچگان).

السماء والارض لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
النجم والشجر لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
الجنة والنار لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
الحور والقصور لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
الحجر والمدر لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
الطیر والحوت لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
البر والبحر لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
طالب المولیٰ لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
طالب العقبیٰ لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
طالب الجنة لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
الصراط والمیزان لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
النوم علی المحب حرام	قم قم یا حبیبی کم تنام
اللیل والنهار لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
الحوض والکوثر لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
کل الکواکب لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
الجبرئیل والمیکائیل لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
الاسرافیل والعزرائیل لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
المنکر والنکیر لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام
عاشق اللقاء لاینام	قم قم یا حبیبی کم تنام

وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین.

واز حضرت سید درابه بن سید عثمان بخاری، قدس الله سره، منقول است: هر که این مناجات سید باقر بن سید عثمان بخاری، هر روز یک بار بخواند، در هیچ کار [۱۸۸ الف] درمانده نشود. انشاء الله تعالی.

مناجاتِ مکرم و معظم این است :

بسم الله الرحمن الرحیم.

یا رب به حقِ سیدِ کونین مصطفیٰ ! — آن شافعِ معاصی، آن منبعِ سخا !
یا رب به حقِ شاهِ نجف آن که آمده! — در شانِ او تبارک[1]، یٰس[2] و هل اتیٰ[3] !
یا رب به حقِ نالهٔ افغانِ فاطمه ! — یا رب به سوزِ سینهٔ آن سرورِ النساء!
یا رب به حرمتِ دلِ صد پارهٔ حسن! — آن ولدِ شاهِ جملهٔ آفاق مرتضیٰ !
یا رب به حرمتِ جگرِ تشنهٔ حسین! — یا رب به حقِ خونِ شهیدانِ کربلا!
یا رب به حقِ عابد و باقر امامِ دین! — یا رب به حقِ جعفر و موسیٰ ره نما!
یا رب به حقِ شاهِ غریبِ غریب دوست — یعنی امام و سرور و سلطانِ دین رضا!
یا رب به حرمتِ تقی و علی نقی ! — یا رب به حقِ عسکری آن شاهِ پیشوا!
یا رب به حقِ مهدی و هادی که ذاتِ اوست — مانندِ مصطفیٰ، والله مجتبیٰ !
یا رب به حقِ آلِ محمد که از ازل — دل ها ز مهرِ شان شده جامِ جهان نما!
یا رب به حقِ طاعتِ پیغمبرانِ تو! — یا رب به حقِ خلافتِ اصحابِ مصطفیٰ!
یا رب به حقِ حرمتِ جمله عابدان! — یا رب به حقِ عزتِ ارواحِ اولیا!
یا رب به حقِ آنچه عزیز است نزدِ تو! — یا رب به حقِ جمله دعاهای بی ریا !
یا رب به حرمتِ ساداتِ بخاریان ! — آن گشت جمله عالم مخدومِ جهانیان !
یا رب به بی کسی و یتیمانِ بی پدر ! — یا رب به سوزِ آهِ غریبانِ مبتلا !
کن لطف، سوی باقرِ مسکین نظر فگن — روزی که می شوند حاضر شاه و گدا
دارم امید آن که در آن دم زعینِ لطف — بخشی مرا به شاهِ شهیدانِ کربلا[4]

اللهم بحق الحسن و اخیه و جده و بنیه و امه و ابیه فرج همی ما انا فیه، برحمتك یا ارحم الراحمین.

۱- القرآن الحکیم : ۶۷ . ۲- ایضاً : ۳۶ . ۳- ایضاً : ۸۸ . ۴- در این مناجاتِ سید باقر بن سید عثمان بخاری چند بیت از وزن خارج است.

ذکرِ نماز جهتِ مزیدِ محبّت

از حضرت سیّد شاه محمّد بخاری، قدّس اللّٰه سرّه، منقول است: هرکه دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] یک بار ان رحمت اللّٰه قریب من المحسنین[2]، و پنج بار قل هو اللّٰه احد[3] و بعد از سلام سر به سجده نهد و این تسبیح بخواند سبحان ربّی العظیم پس بنشیند و دست بردارد، و بگوید: یاحیّ یا قیّوم، یا ذاالجلال والاکرام. برحمتك یا ارحم الرّاحمین. یا اله الاوّلین و الآخرین! یا رحمٰن الدّنیا والآخرة و ارحمنا یا ربّ یا ربّ، یا اللّٰه یا اللّٰه یا اللّٰه، اغفرلی جمیع ذنوبی و تقبّل صلواتی.

خدای تعالیٰ رحمت براو بسیار کند، و محبّتِ خلق نیز براو زیادت شود. انشاء اللّٰه تعالیٰ.

ایضاً درکتاب مکتوباتِ شیخ شرف الدّین احمد (بن) یحییٰ منیری، قدّس اللّٰه سرّه، مذکور است: برای قضای حاجت و کفایتِ مهمات چهار رکعت [۱۸۸ ب] (نماز) بگذارد هر وقت که خواهد، امّا در شبِ آدینه بهتر، و (بخواند) در رکعتِ اوّل الحمد[4] یک بار و صد بار آیتِ لا اله الّا انت سبحانك انی کنت من الظالمین ه فاستجبنا له و نجیناه من الغمّ وکذلك ننجی المؤمنین[5]؛ و در رکعتِ دوم فاتحه[6] یک بار، و صدبار انی مسّنی الضر و انت ارحم الرّاحمین[7]، و در رکعتِ سیوم فاتحه[8] یک بار و صد بار آیتِ و افوض امری الی اللّٰه ان اللّٰه بصیر بالعباد[9]، و در رکعتِ چهارم فاتحه[10] یک بار و صد بار آیتِ نعم المولیٰ و نعم النصیر[11] چون سلام دهد، صد بار بگوید: ربّ انی مغلوب فانتصر[12]

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً، ۷، ۵۶. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۱.
۵۔ ایضاً: ۲۱، ۸۷ و ۸۸. ۶۔ ایضاً: ۱. ۷۔ ایضاً: ۲۱، ۸۳. ۸۔ ایضاً: ۱. ۹۔ ایضاً: ۴۰، ۴۴.
۱۰۔ ایضاً: ۱. ۱۱۔ ایضاً: ۸، ۴۰. ۱۲۔ ایضاً: ۵۴، ۱۰.

این نماز را عزیز دارد، و در جملهٔ مهمات و حاجاتِ خویش به کار برد، و در این نماز فتوح بسیار است. والسلام،

ایضاً در کتاب مذکور آورده است: هر کرا مهمی پیش آید، و تدبیر آن نداند، این دعا به اخلاص تمام بخواند، کلّ مهماتِ او یکفی گردد. (انشاء الله تعالی).

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرحمٰن الرحیم.

اللهم انّی اسالك بصدق ابی بکر و خلافته و بعدل عمر و صلابته و بحیاء عثمان و سخاوته و بعلم علی و شجاعته و بسخاوته الحسن و رتبته و بشهادة الحسین و غربته ان تقضی حاجتی یا قاضی الحاجات.

و در کتاب انوار العابدین مذکور است که حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلّم، گفت: هر که بعد از نمازِ عشا دو رکعت (نماز) گذارد، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] سه بار سورة الاخلاص[2]، و بعد از سلام صد بار اسمِ یا دافع بگوید: خدای تعالی او را از وسوسهٔ شیطان و از مکرِ مکاران و از سحرِ ساحران و از شرّ دشمنان نگاه دارد. انشاء الله تعالی.

چنان چه حکایت می آرد که در زمانهٔ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم، ابوجهل کافر دشمنِ بدبخت علیه اللعنة و اولادِ او در وقتِ نمازِ حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم، و یارانِ ایشان دف ها می زدند، و زنانِ آن بدبختان که زانیان بودند، با زنان سرود می گفتند، به واسطهٔ آن که حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم، را و یارانِ ایشان را شک و وسوسه در نماز افتد، و نماز بشکنند.

ابوجهل بدبخت این چنین دشمن بود، و از اولادِ ابوجهل ازان بعض مشهور تا بوریان است(؟) که دف می نواختند تا در دلِ مردمان شک و وسوسه افتد. نعوذ بالله منها.

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۱۱۲.

و حکایاتِ ابوجہل دشمن کہ با حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلّم، دشمنی ھا کرد، در کتابِ شواھد النبوّة (تألیفِ مولانا جامی) و در رسالۂ گلشن و در کتاب ھای دیگر بسیار است. واللہ تعالیٰ [۱۸۹و] اعلم بالصّواب.

ذکرِ نمازِ دفعِ بیماری

از حضرت سیّد شاہ محمّد بخاری، قدّس اللہ سرّہٗ منقول است: ھرکرا بیماریِ سخت رسیدہ باشد، اورا باید کہ روزِ دوشنبہ بعد از نمازِ اشراق دو رکعت نماز بگذارد، و بخواند درھر رکعتی بعد از فاتحہ[1] یک بار آیت الکرسی[2] وسہ بار قل ھواللہ احد[3]. و بعد از سلام یک بار المستغاث یارسول اللہ! المستعان یارسول اللہ! الشفاعة یارسول اللہ! الخلاص یارسول اللہ! خواندہ بر بیمار دمد. شفا یابد. انشاء اللہ تعالیٰ.

ذکرِ نمازِ اشراق

از حضرت امیرالمؤمنین علی، کرم اللہ وجہہ، منقول است کہ حضرتِ پیغمبر، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلّم، فرمود: ھرکہ چہار رکعت نماز بگذارد بہ دو سلام، و بخواند در رکعتِ اوّل بعداز فاتحہ[4] یک بار آیت الکرسی[5] و سہ بار تبّت یدا[6] و در رکعتِ دوم بعد از فاتحہ[7] یک بار آیت الکرسی[8] وسہ بار قل ھواللہ احد[9]، و در رکعتِ سیوم بعد از فاتحہ[10] یک بار آیت الکرسی[11] و سہ بار قل اعوذ

۱۔ القرآن الحکیم: ۱. ۲۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶. ۳۔ ایضاً: ۱۱۲. ۴۔ ایضاً: ۱. ۵۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶.
۶۔ ایضاً: ۱۱۱. ۷۔ ایضاً: ۱. ۸۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶. ۹۔ ایضاً: ۱۱۲. ۱۰۔ ایضاً: ۱. ۱۱۔ ایضاً: ۲، ۲۵۶.

برت الفلق[1] و در رکعتِ چهارم بعد از فاتحه[2] یک بار آیت الکرسی[3] و سه بار قل اعوذ برب الناس[4]
و بعد از سلام این دعا بخواند، خدای تعالیٰ بروی دوزخ حرام گرداند، و بهشت بروی حلال
گرداند، و روزی نیز بروی فراخ شود. انشاء اللہ تعالیٰ.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللّٰهم انی اعوذبك من الهم والحزن واعوذبك من غلبة الدّین و قهر الرّجال
برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

ذکرِ نمازِ ضحیٰ

از حضرت امیر المؤمنین امام المتقین امام سید حسینِ شهید، رضی اللہ تعالیٰ عنه، منقول است: هر
که چهار رکعت نماز بگذارد، و بخواند در هر رکعتی الحمد للّٰه[5] و آیت الکرسی[6] و قل یاایها الکافرون[7] و
قل هو اللّٰه احد[8] و قل اعوذ برب الفلق[9] و قل اعوذ برب الناس[10]، و هر شش سوره دهگان
بار بخواند، و بعد از سلام هفتاد بار استغفار و هفتادگان بار سبحان اللہ تا حکیم[11] و هفتادگان
بار صلوات بر محمد رسول اللہ صلی اللہ علیه و آله وسلم (بفرستد).

هر که این نماز ضحیٰ بگذارد، دفع کند خدای تعالیٰ از وی شرِ اهلِ آسمان و زمین، و شرِ
دیوان و پریان و شرِ آدمیان و شرِ سلطان ظالم و از شرِ حاسدان و بدگویان و (او را) از
همهٔ بلاها نگاه دارد. انشاء اللہ تعالیٰ.

۱- القرآن الحکیم: ۱۱۳. ۲- ایضاً: ۱. ۳- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۴- ایضاً: ۱۱۴.
۵- ایضاً: ۱. ۶- ایضاً: ۲، ۲۵۵. ۷- ایضاً: ۱۰۹. ۸- ایضاً: ۱۱۲.
۹- ایضاً: ۱۱۳. ۱۰- ایضاً: ۱۱۴. ۱۱- ۲۷، ۹۹۸.

ذکرِ نمازِ تہجد

از حضرت قطب العالمین ، جلال الحق و الدین ، سلطان سید جلال بخاری ، قدس اللہ سرہٗ، منقول است : ہر کہ دو رکعت نمازِ تہجد بگذارد، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[1] یک بار اٰمن الرسول[2] تا آخر و پنجاہ بار سورۃ الاخلاص[3]، و بعد از سلام صد بار صلوات ، و صد بار استغفار، و صد بار سبحان اللہ، و صد بار الٰہی تو قادری یا اللہ ! الٰہی تو حاضری یا اللہ ! الٰہی تو ناصری یا اللہ! الٰہی غم از دلِ من پر دار یا اللہ ! برحمتک یا ارحم الراحمین.

ہر کہ این نمازِ تہجد بگذارد ، خدای تعالیٰ اورا ثوابِ توریت و انجیل و زبور و فرقان مجید بدہد، و در خدمتِ حضرتِ رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، مشرف شود . انشاء اللہ تعالیٰ .

و نیز فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُچ بخاریان در روضۂ جدِ خود سلطان العارفین سلطان سید جلال بخاری، قدس اللہ سرہٗ ، بہ تاریخ بیست و پنجم شہرِ رمضان المبارک سنۂ یک ہزار و ہفتاد (۱۰۷۰) ہجری در اعتکاف بعد از نمازِ تہجد از حضرتِ محمد مصطفیٰ ، صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، شنیدم کہ ای فرزندِ من ! ہر کرا مہمی وکاری مشکل پیش آمدہ باشد، و تدبیرِ آن کار نداند، او را باید کہ بہ اعتقادِ درست و بہ اخلاصِ دل بعد از نمازِ تہجد دو رکعت نماز بگذارد ، و بخواند در ہر رکعتی بعد از فاتحہ[4] یک بار اذا جاء نصر اللہ[5] و سہ بار سورۃ الاخلاص[6]، و بعد از سلام صد بار یا اللہ یا رحمٰن یا رحیم .

بعدہٗ دست برداشتہ این دعا یک بار بخواند. ہر کاری و مہمی کہ داشتہ باشد ، ہمہ حاصل شود . انشاء اللہ تعالیٰ .

۱- القرآن الحکیم ، ۱ . ۲- ایضاً : ۲ ، ۲۸۵ . ۳- ایضاً : ۱۱۲ . ۴- ایضاً : ۱ .
۵- ایضاً : ۱۱۰ . ۶- ایضاً : ۱۱۲ .

دعای دبزرگوار، این است :

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انك تعلم ذنوبنا فغفرها یا غفّار الذنوب، و تعلم عیوبنا فاسترها یا ستّار العیوب . و تعلم حوائجنا فاقضها یا قاضی الحاجات ، و تعلم مهمّاتنا فاکفها یا کافی المهمات، و تعلم بلیاتنا فادفعها یا دافع البلّیات فی الدّارین ، انك لا تخلف المیعاد ، وصلی الله تعالیٰ علیٰ خیر خلقه محمّد و آله اجمعین .

الٰهی الهنا و ارحمنا واعف عنا جمیعا دائما و فضلا واسعا . برحمتك یا ارحم الرّاحمین .

و نیز فقیر سید باقر (بن سید عثمان بخاری از) حضرت رسالت پناه شنیدم :

یا ولدی ! من قرء : اللهم انك تعلم ذنوبنا تا آخر بعد کلّ صلوٰة احد عشر مرات قضی الله تعالیٰ کلّ حاجتهٔ من الدّنیا و الآخرة .

ذکر نماز دفع بیماری

از حضرت سیّد علی اکبر بن سیّد حامد (قتّال) بخاری ، قدّس الله تعالیٰ سرّهٔ، منقول است : هر که دو رکعت نماز بگذارد ، و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[1] سه بار سورة العصر[2] و بعد از نماز سلام سه بار صلوٰة ، و نود بار یا دافع البلّیات کلها ، برحمتك یا ارحم الرّاحمین خواندهٔ بر بیمار دمد، از وی دفع شود . انشاء الله تعالیٰ .

ذکر نماز دفع هم و غم

از حضرت سیّد علی اکبر بن سیّد حامد قتّال بخاری ، قدّس الله سرّهٔ ، منقول است :

۱- القرآن الحکیم ، ۱ . ۲- ایضاً : ۱۰۳ .

هر که بگذارد [۱۹۰ و] چهار رکعت نماز و بخواند در هر رکعتی بعد از فاتحه[۱] یک بار سبحان الله حین تمسون و حین تصبحون[۲] تا آخر آیت وهفت بار قل هو الله احد[۳] و بعد از سلام این دعا بخواند. خدای تعالی او را از غم و اندوه نجات دهد، و دنیا و دولت و عزّت نیز بسیار شود. انشاء الله تعالی.

دعای (بزرگوار) این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

اللّهم یا عالم السّر والنجویٰ، و یا کاشف الضر و البلویٰ! اکشف عنی الحزن و الاذیٰ و افتح علیّ باب المرادات من الدّین و الدّنیا بحرمت سیّد المصطفیٰ. صلی الله علیه و آله وسلّم. برحمتك یا ارحم الرّاحمین.

نقل است از سیّد علی اکبر بن سیّد حامد قتّال بخاری، رضی الله تعالیٰ عنه، که چون فقیر سیّد علی اکبر در سیرِ عالم بود، جای مردمان مرا گفتند که به طرفِ آن جا نخواهید رفت که دزدان و شیران بسیار اند. فقیر حقیر حیران و متفکّر شد.

چون بیرونِ شهر رفتم با یک مردِ غیبی مرا ملاقات شد. او گفت: شما متفکّر و حیران نخواهید شد. و بدین جا چهار رکعت نماز بگذارید، و بخوانید در هر رکعت بعد از فاتحه[۴] یک بار آیت الکرسی[۵] وسه بار سورة الاخلاص[۶]، و بعد از سلام مناجات که در کتابِ متبرّکِ باقر المرادات تصنیفِ سیّد السّادات، منبع البرکات، سیّد محمد باقر بن سیّد عثمان بخاری قدّس الله سرّه، مذکور است، یک بار بخوانید، تا از شرّ درنده و پرنده و از دزدان و دشمنان خدای تعالیٰ نگاه دارد. انشاء الله تعالیٰ.

مناجاتِ بزرگوار این است:

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم.

در دین و دنیای مدد کن شاهِ مخدومِ جهانی! شود چون محشری پیدا مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!

انا العاصی سیه کارم، انا الجانی گران بارم از این بلائی نجا خواهم، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!

فتادم در چه عصیان ز دستِ ترس شیطان به فریادم رس ای سلطان! مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!

نبی ادعامِ شیطانی، به روزِ اقدامِ نفسانی به دردِ دل تو درمانی، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!

۱- القرآن الحکیم: ۱. ۲- ایضاً: ۳۰، ۱۶. ۳- ایضاً: ۱۱۲. ۴- ایضاً: ۱. ۵- ایضاً: ۲، ۲۵۶. ۶- ایضاً: ۱۱۲.

منم درماندهٔ محزون، همی خواهم ز تو معجون   ز نفسِ امّاره پُرخون مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
عزالی دستِ رعنائی، عظیم القدر برنائی   جوانی شاه معنائی، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
بجنش ابدال سالاری، سرآمد حلقهٔ ابراری   به زر دل صاف معیاری مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به حقِ ذاتِ پاک اکبر که کرده روضهٔ اخضر   معلّق در هوا برتر، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به حقِ آن بدرِ برجِ دین، شهِ لولاک با تمکین   پیغمبر مصطفیٰ ره بین، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به حقِ یارِ غار آمد رفیقِ دولتِ سرمد   کشائی چهرهٔ مقصد، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به حقِ آن عمر ثانی [۱۹۰ب] دُرِ دریای حقّانی   گلِ گلزارِ رحمانی، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به حقِ آن شهِ عثمان، حیا و حکم سلطان   جلیل القدر، خوش برهان، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به حقِ قاتل الکفران، دلِ او را شجع شایان   علی شاهنشهِ مردان، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به حقِ دو گلِ گلشن، حسن شاهِ دُرِ معدن   حسین اسرارِ حق مخزن، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به حقِ آلِ پیغامبر، سخا و جود را مصدر   به حالِ اضعفِ بنگر، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
تو پادشاهِ جهان، جهانِ تو مسکه و نان   مرا بخش ای سید جلال جهانیان، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
به شوقِ شاهِ شاهان فتادم در سفر راهان   نجا خواهم از بلاهان، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
منم اولادِ جلالیم، پسر شاهِ عثمان بخاریم   باقر مشتاق درگاه توام، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
باقری دور از تتہ آمد به شوقِ اُچ اجدادِ خود   جلد کنی تو مقصد، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
بسی مشتاقِ درگاهم، ز لطفِ تو همی خواهم   نه کس آگاه ز اسرارم، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
منم مسکین گنه گارم، تمامی عمر بی کارم   دری عصیان گرفتارم، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
بما بینم شهرِ اُچی، به درگاهت کنم داری   کنم جان از غم آزادی، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
وزان جا تبرک خاک گیرم، در دروازهٔ جدّ چشم بوسم   قبول آریم یا رب حاجتم، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی!
کشید نزع جانِ ما، کلمهٔ پاکم لا الٰه الا الله   جز تو نیست دیگرم محمد رسول الله

در شفاعت امیدوارم، مدد یا شاهِ مخدومِ جهانی

تمت کتاب مبارک جواهر الاولیا

۱- در این مناجات ابیات از وزن خارج است.

(اضافۂ کاتبِ اصل)۔

امّا بعد فیقول الفقیر المرید محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی، جعل اللّٰہ تعالیٰ، مع الایمان الی یوم الدّین. چون فقیر مرید شد، شجرۂ مرشدِ خود زیرِ کتابِ مبارک "جواہر الاولیا"، تصنیفِ سیادت پناہ، کرامت دستگاہ، زبدۃ العارفین و الواصلین، قدوۃ المتقین و العاشقین، مربی الطالبین، ہادی السالکین مختارِ حضرتِ ربّ الارباب و محبوبِ حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی اللّٰہ علیہ و آلہ وسلّم، صاحب الحکمۃ و الفقہ و الشجاعۃ، ذوالجود والتقویٰ والعدالۃ' مرشدِ کامل و عامل شاہ سید محمد باقر بخاری' سلّمہ اللّٰہ تعالیٰ و اَبقاہُ و زاد فی عُمرہِ الشریف، نوشتم. برای یادگیریِ خود:

شجرۂ مرشدِ بزرگوارِ من این است:

حضرت میران سید محمد باقر بخاری بن سید عثمان بن سید داؤد بخاری بن سید شکر اللّٰہ بن سید حاجی حمید نظام الدّین بن سید راجو (غوثِ صمدانی) (بن سید نظام الدّین) بن سید فضل اللّٰہ بن سید قطب الدّین بن سید ابراہیم بن سید راجو (کشف المعانی) بن سید اسمٰعیل بن سید فیض اللّٰہ بن سید محمود ناصر الدّین بن مخدوم سید جلال جہانیان [۱۹۱] جہانگشت بن سید احمد کبیر بن سلطان سید جلال بخاری' کہ نعمتِ خلافت از مخدوم شیخ بہاء الدّین (زکریای ملتانی) یافت، امّا مریدِ پدرِ خود سید علی ابوالموید بود، بن سید جعفر بن سید محمد بن سید محمود بن سید احمد بن سید عبداللّٰہ، کہ نعمتِ خلافت از حضرتِ میران شاہ محی الدّین (عبدالقادر) جیلانی یافت، و مریدِ پدرِ خود سید السادات، داماد حضرت شیخ (محی الدّین) عبدالقادرِ جیلانی، شاہ سید علی اصغر عبیداللّٰہ بن سید جعفر ثانی بن امام سید علی النقی بن (امام)، سید محمد تقی بن (امام) سید علی موسیٰ رضا بن (امام)، سید موسیٰ کاظم بن (امام) سید جعفر صادق بن (امام) سید محمد باقر بن (امام) سید علی زین العابدین بن امام سید حسین بن امیرالمؤمنین علی کرم اللّٰہ تعالیٰ وجہہ،

بعدۂ فقیر این شجرۂ بخاریان پشت بہ پُشت نقل کردم،

و آن این است:

بسم اللّٰہ الرحمٰن الرحیم.

خدا نمود عطا بر محمدِ عربی | ز حق شناسی و توحید نعمتِ بسیار
رسولِ حق بہ علی شاہِ اولیا دادہ | ازان نعم کہ کند دینِ احمدی اظہار

حسین بعدِ وی و زین العابدین بعدش — پس از وی آمده باقر محمدِ مختار
خلیفه از پس وی بود جعفرِ صادق — پس از وی آمده موسیٰ کاظم اندر کار
علی رضا، پس نقی، بعد نقی، دگر جعفر — ز بعدِ جمله عبیدالله است خوش رفتار
پس از همه خلف الصدق هست عبدالله — به احمد است و به محمود بعد ازو این کار
محمد است و دگر جعفر و علی بعدش — "ابو المؤید" او را ست کنیت از جبّار
ز بعدِ وی شده سید جلال قطب جهان[1] — که اسمِ وی به "بخاری" شده است اشتهار
کبیر احمد و مخدوم عالمین قطب — سید جلال عرف "جهانی" ز بعدِ وی بشمار.
پس از وی آمده محمود، بعد فیض الله — ز بعد اسمعیل است و راجوی خوش کار
ز بعد جمله براهیم قطب دین بعدش — پس از وی آمده فضل الله و نظام به کار
دگر بزرگ جهان راجو است و بعد نظام — ز بعد شکر الله آمده است قطب اخیار
امام عالم داؤد، بعد ازو عثمان — که کرده اند به حق دینِ مصطفیٰ اظهار
ز بعدِ این همه سادات وارثِ نبی است — غیاثِ دنیا و دین، نورِ احمدِ مختار
پناه پیران میران محمدِ باقر، — خدا بقاش دهد در جهان سنین بسیار
نموده سید مسطور جمله نعمت ها — بر این کمینه مریدان عنایت و اظهار
که نام اوست محمد علی ز فیضِ خدا — سپاس و شکر خدا را کنم فزون ز شمار
به حق و حرمتِ احمد به حقِ اهل البیت — ز نورِ معرفت اندر دلم فگن انوار
مراد جملهٔ ایشانیان بکن یا رب! — همه مراد روا کن به حقِ آن مختار

تمت تمام شد کتابِ مبارکِ [۱۹۱ ب] جواهر الاولیا تصنیفِ سیادت و نقابت پناه، شرافت و نجابت دستگاه، هدایت و ولایت مآب، کرامت و نبوّت انتساب، مختارِ حضرت ربّ الارباب، جامع العلوم و الکمالات، مجلسی حضرتِ سرورِ کائنات، خلاصهٔ آلِ طٰه[2] و یٰس[3]

۱- از این جا در ب و ج چند ورق افتاده. ۲- القرآن الحکیم: ۲۰. ۳- ایضاً: ۳۶.

صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم، میران سید محمد باقر تارکی بن سید عثمان بخاری، سلمہ اللہ تعالیٰ و اَبقاہُ و زید عمرہٗ، اولادِ قطب العالم، کاشف اللوح و القلم مخدوم سید جلالِ جہانیانِ جہانگشت، قدس اللہ سرہ العزیز۔

ابیات:

این نوشتہ بماند بہ خطِ فقیر — نباشد مومن در جہنم سعیر

شنیدم ز استادِ بخاری باقر — وعدہ مومنان را نعیما و ملکا کبیر

بہ برکتِ محمد کہ سرور امیر — چو نامش طٰہٰ[1] و یٰس[2]، مدثر[3]

کلہ بر سرِ او سراجاً منیر — محمد ستودہ اکبر کبیر

شفیع المذنبین در روزِ محشر — صلوا علی محمد و علی آلِ پیغمبر

نوشتم مقالاتِ بخاری باقر — اللھم ارحم علیہ و علی مادر و پدر

نوشتم مقالاتِ باقر بخاری[4] — خدایش نگہبان اولادِ علی

نوشتم مقالاتِ پسرِ شاہ عثمان — خدایش رساند بہ دار الالوان

بہ حرمتِ محمد علی فاطمان — کہ صدر نشین در ہر دو عالم جہان

گرامی دار اولادِ علی، — چنان چہ گفت است خاتم النبیین[5]

الصالحون للہ و الطالحون لی — تمت اللذہ الحدیث صلوا علی محمد و علی آل اجمعین

ضمیمۂ کتاب جواہر الاولیا

اسنادِ پنج تن پاک این است:

اوّل: حضرتِ محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہٖ وسلّم،

۱- القرآن الحکیم: ۲۰۔ ۲- ایضاً: ۳۶۔ ۳- ایضاً: ۷۴۔ ۴- از این مصرع ظاہر است کہ کاتبِ اصلی کتاب "جواہر الاولیا" محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی بودہ است۔ ۵- این ابیات از وزن خارج است۔

دوم: حضرتِ (امیرالمؤمنین) علی، کرم اللہ وجہہ،

سیوم: حضرتِ بی بی فاطمہ، رضی اللہ (تعالیٰ) عنہا،

چہارم: حضرت امیرالمؤمنین حسن، رضی اللہ (تعالیٰ) عنہ،

پنجم: حضرت امیر حسین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.

اسنادِ دوازدہ امام این است:

اوّل: امام علی مرتضیٰ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،

دوم: امام حسن، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،

سیوم: امام حسین، شہیدِ دشتِ کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،

چہارم: امام (علی) زین العابدین، (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)،

پنجم: امام محمّد باقر، (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)، -

ششم: امام جعفر صادق، (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)،

ھفتم: امام موسیٰ کاظم، (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)،

ھشتم: امام علی (بن) موسیٰ رضا، (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)،

نہم: امام محمّد تقی، (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)،

دھم: امام علی نقی، (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)،

یازدھم: امام حسن عسکری، (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)،

دوازدھم: امام محمد مہدی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.

اسنادِ چہاردہ امام معصوم:

معصومِ اوّل: محمّد محسن اکبر بن امیر علی، کرم اللہ وجہہ، برادرِ امام حسن وحسین است، و لقب او "طاہر". مادرش خاتونِ قیامت بی بی فاطمۃ الزھراء، رضی اللہ تعالیٰ عنہا. و بہ ضربِ دُرّہ شہید شدہ بود، و خالد بن ولید ضارب او بود، و قبرش در

بقیع است .

معصومِ دوم : عبیداللہ بن حسن بن (امیر) علی، کرم اللہ وجہہٗ. در هفت سالگی شہید شدہ بہ دستِ طلحہ بن عامر. قبرش در بقیع است .

معصومِ سیوم : عبداللہ بن حسین بن (امیر) علی، کرم اللہ وجہہٗ. بہ دو سالگی بہ دستِ عبید بن ارزق شہید شدہ . قبرش در کربلا است .

۱۹۴ معصومِ چہارم : قاسم بن حسن بن (امیر) علی، کرم اللہ وجہہٗ. در سہ سالگی بہ تشنگی شہید شدہ، قبرش در کربلا است .

معصومِ پنجم : حسین بن حسن بن (امام) علی زین العابدین است . در شش سالگی بہ دستِ منصور بن احمد بن یزید بن معاویہ شہید شدہ . قبرش در رَی است .

معصومِ ششم : قاسم بن (امام علی) زین العابدین است . در سہ سالگی بہ دستِ عسدی بن یزید بن معاویہ شہید شدہ . قبرش در بصرہ است .

معصومِ هفتم : علی بن (امام) محمّد باقر است. در شش سالگی بہ دستِ احمد منصور دمشقی شہید شدہ . قبرش در ساوہ است .

معصومِ هشتم : عبداللہ بن امام جعفر صادق است . در سہ سالگی درمیان بسطام بہ دستِ عَموی شہید شدہ . قبرش در بسطام است .

معصومِ نہم : محمد یحییٰ هادی بن (امام) جعفر (صادق) است . بہ دو سالگی بہ دستِ عبداللہ بن محمود کوفی در پیشِ خلیفہ شہید شدہ . قبرش در بغداد است .

معصومِ دهم : سید حسین صالح بن امام موسیٰ کاظم (است) . در سہ سالگی بہ دستِ یوسف بن ابراهیم بن احمد (دمشقی) شہید شدہ . قبرش در رَی است .

معصومِ یازدهم : طیب بن امام علی (بن) موسیٰ رضا است . در هفت سالگی بدستِ عثمان دمشقی شہید شدہ . قبرش در شیراز است .

معصومِ دوازدهم : سید جعفر بن امام محمد تقی است . در چہار سالگی بہ دستِ یوسف بن ابراهیم (بن احمد) دمشقی شہید شدہ . قبرش در قُم است .

معصوم سیزدهم: جعفر بن امام حسن عسکری است. دریک سالگی به دستِ محمد ناصر دمشقی شهید شده قبرش در رَی است.

معصوم چهاردهم: محمد هاشم بن هادی است یعنی محمد هاشم بن امام علی النقی الهادی. (در ...... سالگی بدست ...... شهید شده.) قبرش در بغداد است. رضی الله تعالیٰ عنه وعنهم اجمعین.

و بعضی حضرتِ پیغمبر، صلی الله علیه وآله وسلّم، و حضرت (بی بی) فاطمه، رضی الله عنها، و دوازده امام، رضوان الله علیهم، را "چهارده معصوم" گویند. والاوّل اصح.

اسنادِ چهار پیر که در چهار رکن اند:

در مشرق عبدالرشید، و در مغرب عبدالکریم، و در جنوب عبدالمجید، و در شمال عبدالرحیم،

و بعضی گویند: در شمال عبدالجبار، و در مغرب عبدالستار، و در جنوب عبدالقادر، و در مشرق عبدالرزاق، رحمة الله علیهم اجمعین.

(و به قولِ بعض) چهار پیر امام حسن، امام حسین، خواجه حسن بصری و خواجه کمیل زیاد، رضی الله

اسنادِ شجرهٔ معظّمِ چهارده خانواده این است:

که از حضرتِ رسالت پناه محمد مصطفیٰ[1] صلی الله علیه وآله وسلّم، بر امیر علی، کرم الله وجهه، رسید

از ایشان به خواجه حسن بصری، رضی الله تعالیٰ عنه، رسید،

و از ایشان دو فرقه شدند:

یکی خلیفه شیخ حبیب عجمی، و

دوم خلیفه شیخ خواجه عبدالواحد بن زید،

و از شیخ حبیب عجمی نُه خانواده شده؛

۱- از این جا عبارتِ متن در ب وج شروع شد.

و از شیخ خواجہ عبدالواحد بن زید پنج خانوادہ شدند.

(چہاردہ خانوادہ) این است:

(از شیخ حبیب عجمی) حبیبیان. طیفوریان. کرخیان. سقطیان. جنیدیان [۱۹۲ب] کازرونیان. طوسیان. فردوسیان. سہروردیان.

(از خواجہ عبدالواحد بن زید) زبیریان. عاضیان. جیریان. ادہمیان. چشتیان. رحمۃ اللہ علیہ اجمعین.

قال النبی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، "لا تصحبوا مع الخمسۃ: مع المرأۃ و مع الصبیین و مع الحائك و مع المشرك و مع الفاسق.

(از کتاب جامع العلوم (ملفوظات) مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت، قدس اللہ سرہٗ، (مرتبہ سید ابو عبداللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی).

ذکرِ مرید کردن

وقتِ مرید کردن اوّل می باید خواند:

اللّٰہم انی اعوذبك من ان اشرك بك شیئًا و انا اعلم و استغفرك لما لا اعلم و اقول اشہد ان لا الٰہ الا اللّٰہ و اشہد ان محمدًا عبدہٗ و رسولہٗ، استغفر اللّٰہ الذی لا الٰہ الّا ھو الحیّ القیّوم و اتوب الیہ، استغفر اللّٰہ من جمیع ماکرہ اللّٰہ قولًا و فعلًا و خاطرًا و ناظرًا و اتوب الیہ، استغفر اللّٰہ ربّی من کل ذنب اذنبتہ عمدًا او خطأ او سرًّا او علانیۃ و اتوب الیہ من الذنب الذی اعلم و من الذنب الّذی لا اعلم و انت علّام الغیوب، و لا حول و لا قوّۃ الّا باللّٰہ العلی العظیم.

هریکی را سه بار بخواند.

پس بدان که برای تصحیح توبه تجدید ایمان فرماید. برین صفت است.

امنت باللّٰه و ما جاء به من عند اللّٰه وعلیٰ مراد رسول اللّٰه و تبرّت عن حجة رسول اللّٰه ولا اجادل فی کلام اللّٰه و تبرّت ممن تبرء منهم من الیهود و النصاریٰ و المشرکین.

و نیز می فرماید تا بگوید:

الحمد للّٰه الّذی انعم علینا و هدینا الاسلام و اجعلنا من امّة حبیب محمّد رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم.

باز گوید: قبول کردم دینِ اسلام، و آنچه در وی است، و بیزار شدم از کفر و کافری، و آنچه در وی است.

بعد از آن گوید: خداوندا! توبه کردم، و باز گشتم به حضرتِ تو.

بعدهٔ به مقراض دو سه موی از ناصیهٔ او بگیرد، و طاقیه و شجره او را بدهد.

بعدهٔ او را بگوید که من مرید شدم شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی، از دستِ فلان بن فلان، و قبول کردم آنچه شما می گوئید مرا.

بعدهٔ دست گرفته آیهٔ کریمهٔ ربانی باید خواند:

ان الّذین یبایعونك انما یبایعون اللّٰه ید اللّٰه فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه اللّٰه فسیؤتیه اجراً عظیماً.[1]

اضافه با اصلِ کتاب جواهرالاولیا

و فقیر سید باقر از پدرِ خود که حیطِ انوار اللّٰه، منظر اسرار اللّٰه، خلیفهٔ رسول اللّٰه، مجلسی حضرت

ا- القرآن الحکیم: ۴۸: ۱۰۰

مصطفیٰ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہٖ وسلّم. [۱۹۳ ل] صاحب العلم و الحلم و الشجاعة سیّد
... بن سیّد داؤد بخاری، قدّس اللہ تعالیٰ سرّہٗ، شنیدم، و پدرِ من از جدِّ خود سیّد شکراللہ[1] (بخاری)
از پدرِ خود سیّد حاجی حمید نظام الدّین بخاری شنید: هرکہ بہ وقتِ صبح پیش از نمازِ صبح این الفاظ

وقتِ مخدوم سیّد جلالِ جهانیان جاری کُنَد، و بہ پنج مُکَن مانیان[2]، نعمتِ جاودانی یابد. انشاءاللہ



... حاشیہ ... در همین جواهر. ۲- در این جا نام "سیّد شکر اللہ بن سیّد حاجی نظام الدّین بخاری" این جملہ اضافہ شده ... کہ او را، عرف شیخ بهنبو می گویند". این اشتباهِ کاتب است. "شیخ شکراللہ معروف بہ شیخ بهنبو بن شیخ مِمَن قادری" از اولادِ شیخ محی الدّین ... جیلانی. (رک تحفة الکرام تألیف میرعلی شیر قانع تتوی، ترجمہٗ اردو، مطبوعہ کراچی ۱۹۵۹م ص ۳۶۶). و پدرِ مادرِ سیّد ... داؤد بخاری بوده (رک ص ۲۷، حاشیہ ۳ جواهرِ اوّل) ۳- رک حاشیہ ۱ ص ۳۲۵ در همین جواهر.

فہرست

نام‌های مشایخ و سادات و علما و اولیا

(و اشخاص دیگر)

[۱ب]

و به نستعین

بسم الله الرحمن الرحیم

ربّ یسّر و تمّم بالخیر

الحمد لله ربّ العالمین، والصّلوٰة و السّلام علیٰ رسوله محمّد و آله الطیبین الطاهرین اجمعین.

بدان که این فهرستِ نامِ هایِ مشایخان است که در کتابِ جواهر الاولیا تصنیفِ حضرتِ سیّد السادات میران سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری، قدّس الله سرّهٗ، که در مجلسِ حضرتِ رسالت پناه، محمّدِ مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلّم، دیده و شنیده جمع کرده، مذکور است، و آن این است.

و در آن کتاب پنج جواهر است:

جواهرِ اوّل: در فضیلتِ تمامِ سورة هایِ قرآن و آیاتِ آن که از حضرتِ رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم، و اولیای الله تعالیٰ منقول است.

جواهرِ دوم: در فضیلتِ نود و نُه نامِ باری تعالیٰ با موکّلات که از بزرگان مندرج شده است.

جواهرِ سیوم: در فضیلتِ چهل اسم با موکّلات و در فضیلتِ نود و نُه نامِ حضرتِ رسول، (صلی الله علیه و آله وسلّم)، و نام هایِ آبا و اجدادِ حضرتِ محمّد (صلی الله علیه و آله و سلّم) تا (حضرتِ) آدم (علیه السّلام)، و حلیهٔ حضرتِ پیغمبر محمّدِ مصطفیٰ و مهرِ نبوّت النّبی، صلی الله علیه و آله وسلّم، که از مشایخان وارد شده است.

درحواشی فهرستِ نام هایِ مشایخ و سادات و علما و اولیا (و اشخاصِ دیگر).
ف = فهرستِ نام ها در نسخهٔ ۱ مرتبهٔ محمّد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی (کاتبِ اصلِ جواهر الاولیا).
م = متنِ کتاب "جواهرالاولیا"، نسخهٔ ۱ .

جواهرِ چهارم : در فضیلتِ درود بر سرورِ کاینات حضرتِ محمدِ مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، و خرقۂ خلافتِ پیرانِ بخاریان علیہم الرحمۃ والرضوان، و قدم و نعلِ مبارکِ مصطفوی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، کہ بزرگان را [۱۲] (رحمۃ اللہ علیہم) منقول عنہ شدہ است.

جواهرِ پنجم : در فضیلتِ مناجات و ادعیات و فضیلتِ استغفار و فضیلتِ مسبعاتِ عشر و فضیلتِ اورادِ فتحیہ و فضیلتِ حزب البحر و ذکرِ خواصِ دعای سیفی و فضیلتِ نادِ علیًا و فضیلتِ کیمیای سعادت و ذکرِ ترتیبِ ختم و فضیلتِ سورۃ الانعام و ذکرِ چهل و یک اسمای یونانی و عربی و عزیمتِ تجربانِ هندی و ذکرِ مناجات و نمازِ کن فیکون و نماز کہ بر صورتِ قبرِ حضرتِ پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، بگذارد، و ثوابِ خطبہ کہ روزِ جمعہ بخواند، و ثوابِ نمازهای دیگر کہ از مشایخانِ هند و سند بہ تجربہ آوردہ اند،

و باللہ التوفیق علی الاتمام.

جواهرِ اوّل

درفضیلتِ تمام سورۃ های قرآن و آیاتِ آن کہ از حضرتِ رسالت پناہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، و اولیای اللہ تعالیٰ منقول است).

فهرستِ نام ها [۱۲] این است :

ذکرِ اوّل منقول از حضرتِ پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم. بعدہٗ

ذکرِ منقولات از حضرتِ امیرالمؤمنین علی، کرم اللہ وجہہ، و اولادِ او، سلام اللہ تعالیٰ علیہم.

ذکر از امیر سید حسن مجتبیٰ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.

ذکر از امیر سید حسین، شهیدِ دشتِ کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.

ذکر از امام سید (علی) زین العابدین، رضی اللہ عنہ.

ذکر از امام سید محمد باقر، رضی اللہ عنہ.

ذکر از امام سید جعفر صادق، رضی اللہ عنہ.

ذکر از امام سید موسیٰ کاظم، رضی اللہ عنہ.

ذکر از امام سید علی (بن) موسیٰ رضا، رضی اللہ عنہ.

ذکر از امام سید محمد تقی، رضی اللہ عنہ.

ذکر از امام سید علی نقی، رضی اللہ عنہ.

ذکر از امام سید حسن عسکری، رضی اللہ عنہ، برادر سید جعفر ثانی.

ذکر از سید جعفر ثانی.

ذکر از سید عبداللہ اسلام اللہ.

(۱۲ب) ذکر از سید محمود مختار اللہ.

ذکر از سید جعفر مشتاق اللہ.

ذکر از سید جلال بخاری سرخ اچی قدس اللہ سرہٗ، مع الحکایت[1].

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان[2] جہانگشت (بخاری) قدس اللہ سرہٗ، مع الحکایت.

ذکر از سید فیض اللہ (بخاری).

ذکر از سید (راجو کشف المعانی) (بخاری)

ذکر از سید قطب الدین (بخاری)

ذکر از سید نظام الدین بخاری.

ذکر از سید حاجی حمید نظام الدین (بخاری).

ذکر از سید داؤد (بخاری).

ذکر از سید جلال (بخاری) برادر سید عثمان بخاری، رحمۃ اللہ علیہم اجمعین.

ذکر از سید نظام الدین علی اصغر عبید اللہ.

ذکر از سید احمد مقبول اللہ.

ذکر از سید محمد سیف اللہ.

ذکر از سید علی ابو المؤید.

ذکر از سلطان سید احمد کبیر[3] (بخاری)

ذکر از سید محمود ناصر الدین (بخاری).

ذکر از سید اسمٰعیل (بخاری).

ذکر از سید ابراہیم (بخاری).

ذکر از سید فضل اللہ (بخاری).

ذکر از سید راجو (غوث صدائی) (بخاری).

ذکر از سید شکر اللہ بخاری.

ذکر از سید عثمان بخاری.

ذکر از سید یوسف (بخاری) برادر سید عثمان بخاری).

۱م حکایت ندارد. ۲ و ۳ - این دو نام ف ندارد.

ذکر از سید راجو قتال (بخاری) برادر مخدوم سید
جلال) جهانیان (جهانگشت بخاری)
ذکر از سید برهان الدین بخاری ملقب به
"قطب عالم". مع الحکایت.
ذکر از سید احمد بخاری ملقب به "محبوب
عالم".
ذکر از سید شهاب الدین بخاری.
ذکر از سید محمد غوث بخاری.
ذکر از سید عیسی قتال بخاری[۱].
ذکر از سید (۱۳) عبدالوهاب بخاری (نبیرهٔ
سلطان سید جلال بخاری)
ذکر از سید علم الدین بخاری
ذکر از سید عبدالله بخاری.
ذکر از سید عبدالرسول بخاری.
ذکر از سید محمد فاضل بخاری (سیتپتری).
ذکر از سید صالح بخاری.
ذکر از سید عبدالوهاب بخاری.
ذکر از سید بایزید بخاری (حاکم شهرتة [۱۰ ب]
ذکر از سید صابر بخاری.
ذکر از سید یوسف بخاری.
ذکر از سید عبدالقدوس بخاری.

ذکر از سید نورالدین بخاری.
ذکر از سید محمد بخاری، ملقب به شاه عالم"
مع الحکایت.
ذکر از سید اسمعیل بخاری (بن سید محمود
ناصرالدین بخاری).
ذکر از سید علی بخاری.
ذکر از سید حامد بخاری.
ذکر از سید اسمعیل بخاری (بن سید فیض الله بخاری).

ذکر از سید راجو بخاری.
ذکر از سید قطب الدین بخاری.
ذکر از سید عبدالسلام بخاری.
ذکر از سید قطب العالم (شاه سید نورالله) بخاری.
ذکر از سید عنایت الله بخاری.
ذکر از سید حبیب بخاری.
ذکر از سید رحمت الله بخاری.
ذکر از سید حبیب بخاری.
ذکر از سید عبدالقادر بخاری.
ذکر از سید عبدالرحمن بخاری.
ذکر از سید بابو بخاری.

۱. این نام دوبار مکرر آمده.

ذکر از سید آدم بخاری.

ذکر از سید شاه مراد بخاری (بن سید محمد فاضل بخاری سیتپوری).

ذکر از سید ابوالمکارم بخاری.

ذکر از سید ورایه بخاری (کشمیری).

ذکر از سید بهاءالدین بخاری (گنج بخش).

ذکر از سید داؤد بخاری سیتپوری.

ذکر از سید عبدالغنی بخاری.

ذکر از سید سماهنبه بخاری.

ذکر از سید جمال الدین بخاری

ذکر از سید رکن الدین بخاری

ذکر از سید محمد بخاری

ذکر از سید اسحاق بخاری.[1] (۱۳ب)

ذکر از سید سعدالله بخاری.

ذکر از سید طیب بخاری (گجراتی، نبیرهٔ مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت بخاری).

ذکر از سید زین العابدین بخاری.

ذکر از سید عبدالصمد بخاری.

ذکر از سید شریف بخاری.

ذکر از سید عبدالرزاق بخاری.

ذکر از سید عرب بخاری

ذکر از سید جان محمد بخاری.

.

ذکر از سید راجو قتال بخاری (بلرونی).

ذکر از سید نظام الدین بخاری (برهان پوری).

ذکر از سید شاه ولی بخاری (جنگلی).

ذکر از سید حیدر بخاری (گجراتی).

ذکر ز سید صغیرالدین بخاری.

ذکر از سید طالب بخاری.

ذکر از سید جلال بخاری سیتپوری.

ذکر از سید مبارک بخاری (ملتانی).

ذکر از سید کمال الدین بخاری.

ذکر از سید چهته بخاری.

ذکر از سید اسمعیل بخاری (لاهوری).

ذکر از سید مسعود بخاری.

ذکر از سید بابو بخاری.

ذکر از سید احمد بخاری.

ذکر از سید عبدالکریم بخاری.

ذکر از سید عبدالسلام بخاری (گجراتی).

ذکر از سید الیاس بخاری.

ذکر از سید لطف الله بخاری.

۱ـ این نام در متن سه بار آمده.

ذکر از سید کمال الدین بخاری.

ذکر از سید طاهر بخاری.

ذکر از سید نعمت الله بخاری.

ذکر از سید عثمان بخاری (بن سید واؤد بخاری).

ذکر از سید نصیر الدین بخاری.

ذکر از حضرت امیر ابوبکر صدیق رضی الله عنه.

ذکر از حضرت امیر عثمان ذی النورین رضی الله عنه.

ذکر از حضرت بابا رتن هندی صحابی.

ذکر از حضرت (میر) سید علی همدانی.

ذکر از سید احمد کبیر رفاعی.

ذکر از سید شاه قاسم انوار.

ذکر از شیخ عمر بن عبدالعزیز (اموی).

(۱۴ ا) ذکر از شیخ ابوعلی فارمدی.

ذکر از شیخ اوحد الدین کرمانی

ذکر از شیخ ابوبکر (بن شیخ اسمعیل) کلاباذی.

ذکر از شیخ علی (بن عثمان هجویری).

ذکر از شیخ (امام) عبدالله یافعی یمنی.

ذکر از شیخ معین الدین چشتی حسنی مع الحکایت.[1]

ذکر از سید نصر الله بخاری.

ذکر از سید نجم الدین بخاری.

ذکر از سید بهاء الدین (قادری بن شمس الدین قادری).

ذکر از حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلم.

ذکر از حضرت امیر عمر فاروق رضی الله عنه.

ذکر از حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین امیر علی مرتضی، کرم الله وجهه وسلم علیه و رضی الله عنه)

ذکر از حضرت امام محمد مهدی، رضی الله عنه.

ذکر از سید ابوعبدالله صومعی (حسنی).

ذکر از سید حسن نهرواله.

ذکر از شیخ نصیر الدین (محمود، چراغ دهلی)

ذکر از شیخ ابوالحسن اشعری.

ذکر از شیخ ابن الفارض (حموی) مصری.

ذکر از شیخ ابوطالب مکی.

ذکر از مولانا جلال الدین [۱۳ ب] (محمد) رومی.

ذکر از شیخ ابوالقاسم قشیری.

ذکر از شیخ شمس الدین تبریزی.

ذکر از شیخ شمس الدین محمد حافظ شیرازی.

۱- حکایت ندارد.

ذکر از شیخ (مشرف الدین) مصلح (بن عبدالله)

سعدی شیرازی.

ذکر از شیخ نظامی[1] گنجوی.

ذکر از شیخ فریدالدین عطار نیشاپوری.

ذکر از شیخ حکیم سنائی غزنوی.

ذکر از شیخ قطب الدین حیدر (زاوی).

ذکر از سید محمد بن عالم حسینی.

ذکر از مولانا جلال الدین سیوطی.

ذکر از شیخ محمود شبستری

ذکر از خواجه احمد جام زنده پیل[2].

ذکر از شیخ محمد بن حسن غوثی.

ذکر از امام عاصم کوفی (قاری).

ذکر از ابوالقاسم شاطبی

(۱۴ ا) ذکر از امام ابو یوسف قاضی

ذکر از امام محمد بن حسن شیبانی

ذکر از ابوعبدالله (محمد بن اسمٰعیل) بخاری.

ذکر از ابوعیسیٰ محمد بن عیسیٰ ترمذی.

ذکر از ابوالبرکات حافظ الدین (علاء) حنفی.

ذکر از ابوالقاسم جارالله محمود زمخشری.

ذکر از (حکیم) افضل الدین خاقانی (شروانی).

ذکر از شیخ عبدالله خفیف شیرازی.

ذکر از شیخ شمس الدین (عمر) زاولی (دولتابادی)

ذکر از شیخ ابو مدین مغربی.

ذکر از سید محمد صالح ترمذی حسینی.

ذکر از (میر) سید شریف (بن علی) الجرجانی.

ذکر از امام فخر الدین رازی.

ذکر از شیخ عبدالله انصاری.

ذکر از سید باقر بن عثمان بخاری. (مؤلف

جواهر الاولیا).

ذکر از ابوحفص قاری.

ذکر از امام اعظم (ابوحنیفه) کوفی.

ذکر از امام زفر بن الهزیل.

ذکر از امام ابو اللیث سمرقندی.

ذکر از ابومسلم (بن حجاج) نیشاپوری.

ذکر از قاضی ناصرالدین بیضاوی.

ذکر از زین الدین (ابن النجیم).

ذکر از مولانا حسین واعظ (کاشفی).

ذکر از (شیخ) امام محی السنة (ابومحمد حسین

الفراء البغوی).

۱- ا برگ ۳ و، ب برگ ۳ ب و ج برگ ۱۴ ا: "نظام الدین گنجوی".

۲- ا برگ ۳ و، ب برگ ۳ ب و ج برگ ۱۴ ا: "زنده فیل"

ذکر از میر معین الدین صفوی.
ذکر از امام زاہدی.
ذکر از شیخ ضیاء الدین قریشی.
ذکر از (شیخ) امام واحدی.
ذکر از شیخ نجم الدین رازی.

ذکر از مولانا برهان الدین (علی) مرغینانی.
ذکر از شیخ ولی الدین[1] (محمد بن عبدالله خطیب تبریزی).
ذکر از شیخ ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا.[2]
ذکر از ابن الحاجب (جمال الدین) مالکی.
ذکر از ابو یعقوب (سراج الدین) یوسف سکاکی.
ذکر از (شیخ) قطب الدین رازی.
ذکر از (شیخ شکرالله معروف به) شیخ بھنبو بن شیخ بهن قادری.
ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری.
ذکر از سید جمال الدین محدث.
ذکر از میر معین الدین واعظ.
[۳ب] ذکر از (میر) سید صدرالدین (بن میر سید غیاث‌الدین منصور) شیرازی.
ذکر از شیخ صدر الشریعة (الثانی).[5]

ذکر از قاضی شهاب الدین هندی.
ذکر از امام ابن الکثیر.
ذکر از شیخ یعقوب چرخی.
ذکر از شیخ ابوالعباس بونی.
ذکر از شیخ کمال الدین (ابن الهمام).
ذکر از شیخ (امام محی السنة) ابومحمد حسین (الفراء) البغوی.
ذکر از قاضی میر حسین میبدی.
ذکر از حکیم ابونصر فارابی.
ذکر از قاضی عضدالدین شافعی.
ذکر از شیخ نصیرالدین طوسی.
ذکر از شیخ شمس الدین محمد جزری.
ذکر از سید عثمان بن سید داود بخاری.

ذکر از سید (شیخ) صفی الدین اردبیلی.
ذکر از سید اصیل الدین واعظ.
ذکر از سید رکن (الملت) والدین ابومحمد صاحب متوسط.
ذکر از شیخ تاج الشریعة.[3]
ذکر از مولانا سعدالدین مسعود (بن عمر) التفتازانی.[4]
ذکر از (مولانا) قطب الدین شیرازی.[6]

۱ و ۲ - این دو نام ف ندارد.

۳، ۴، ۵، ۶ - ترتیب این نام‌ها در ف طبق م نبود، در این فهرست طبق م آوردیم.

ذکر از مسعود بک هندی[1]

(۵ ا) ذکر از خواجه محمد پارسا.

ذکر از مولانا سعد الدّین کاشغری.

ذکر از شیخ حسین بن (شیخ) منصور حلاج.

ذکر از شیخ اوحد الدّین اصفهانی.

ذکر از شیخ مجد الدّین بغدادی.

ذکر از ملا جلال الدّین محلی.

ذکر از شیخ مبارک (بن شیخ خضر).

ذکر از شیخ نجم الدّین رضی.

ذکر از امام محی الدّین نووی

ذکر از شیخ قطب الدّین قوقانی.[2]

ذکر از خواجه نصیر الدّین طوسی.[3]

ذکر از شیخ افضل الدّین کاشی.

ذکر از شیخ الاسلام شیخ سیف الدّین شهید هروی (احمد بن یحیی بن محمّد بن سعد الدّین مسعود بن عمر التفتازانی)

ذکر از شیخ ابوالفضل (علامی بن شیخ مبارک اکبرآبادی)، مؤلفِ "اکبرنامه".

ذکر از شیخ عارف (بن شیخ احمد عبدالحق).

ذکر از شیخ (فرید الدّین مسعود) شکرگنج مع الحکایات[5]

ذکر از شیخ عبیدالله احرار[4]

ذکر از (امام الحرمین) ابو المعالی (عبدالملک جوینی).

ذکر از امام احمد غزالی.

ذکر از شیخ عین القضاة همدانی.

ذکر از شیخ سعد الدّین حموی.

ذکر از ملا جلال الدّین سیوطی.

ذکر از شیخ فیضی (اکبرآبادی بن شیخ مبارک).

ذکر از شیخ جلال الدّین بلقینی.

ذکر از شیخ اوحد الدّین بلیانی.

ذکر از شیخ ابراهیم (بن محمّد بن ابراهیم) چلپی.

ذکر از شیخ قطب الدّین (محمود) علّامه شیرازی.

ذکر از شیخ میرک چنگی.

ذکر از شیخ ناصر الدّین (شیرازی).

ذکر از شیخ عبدالنّبی (گنگوهی).

ذکر از شیخ احمد (عبدالحق).

ذکر از ملا عبدالحکیم سیالکوتی.

ذکر از شیخ رکن الاسلام (محمّد بن ابی بکر معروف به امام زاده الحنفی)

۱- ترتیب این نام در ف طبقِ م نبود، در این فهرست طبقِ م آوردیم. ۲- ف برگ ۳ب، ب برگ ۴ب و ج برگ ۵ ا: "عبدالله".

۳و۴- این دو نام ف ندارد. ۵- م حکایات ندارد.

ذکر از سید یعقوب بن سید علی[1]

ذکر از شیخ (عثمان بن علی) زیلعی.

ذکر از (میر سید) غیاث الدین منصور (بن میر سید صدرالدین) شیرازی.

ذکر از شیخ عصام الدین (ابراهیم اسفراینی).

ذکر از شیخ منور (بن شیخ عبدالمجید).

ذکر از شیخ طاهر (بن شیخ احمد بخاری).

ذکر از قاضی حمیدالدین ناگوری.

ذکر از شیخ عبدالرحمن صوفی (منجم)

ذکر از (میران) سید محمد قادری.

ذکر از ملا عبدالعلی برجندی

ذکر از (شیخ) بدیع الدین (ملقب به) شاه مدار.

(۵ ا) ذکر از شیخ فخرالدین زرادی[3]

ذکر از مولانا علم الدین (شرف جهان)

ذکر از شیخ (الامام) احمد (بن علی الساعاتی).

ذکر از سید اشرف جهانگیر سمنانی

ذکر از سید ابوعبدالله علاء الدین علی القریشی (الحسینی)

ذکر از شیخ ضیا شهاب نصیر کمال

ذکر از سید یوسف ماوراء النهری

ذکر از شیخ طیب.

ذکر از (میر) سید صدرالدین (بن میر سید غیاث ا... منصور) شیرازی.

ذکر از سید اسمعیل جرجانی.

ذکر از میر ابوالقاسم[2] (بن میر عبدالباقی).

ذکر از شیخ فخرالدین قاضی خان.

ذکر از شیخ عبدالجلیل.

ذکر از قاضی شهاب الدین عمر زابلی.

ذکر از مولانا (ه ب) عبدالله سلطانپوری.

ذکر از شیخ صبغة الله شطاری.

ذکر از شیخ شرف الدین بخاری.

ذکر از قاضی محمود گنتوری.

ذکر از شیخ علی (پروهی).

ذکر از شیخ عبدالله صوفی (شطاری)

ذکر از سید هبة الله (حسنی الحسینی).

ذکر از سلطان فیروز (شاه ثالث تغلق) بادشاه...

ذکر از شیخ فضل الله بن ضیاء الدین العباسی

ذکر از سید یوسف محمد.

[۴ ا] ذکر از مولانا فریدالدین[4] عالم دهلوی.

۱- این نام ف ندارد. ۲- و برگ ۳ب، ب برگ ۴ب و ج برگ ۵ و : "ابوالبقا". ۳- و برگ ۳ب، ب برگ ... ج برگ ۵ب : "رازی". ۴- ا برگ ۴ و ب برگ ۵ و ج برگ ۵ب : "مریدالدین".

ذکراز شیخ ابوالحسن القریشی (المکی).
ذکراز شیخ احمد سرهندی.
ذکراز میرزا غازی عراقی
ذکراز شیخ منوّر (بن شیخ نوراللّه).
ذکراز شیخ ابوابراهیم اسمٰعیل بن محمدالبخاری.
ذکراز ملّا صادق (حلوائی).
ذکراز ملّا مصلح الدّین لاری. (۵۶)
ذکراز شیخ صدرالدّین قونیوی.
ذکراز شیخ مویّدالدّین الجندی.
ذکراز شیخ سعدالدّین فرغانی.
ذکراز ابن الحجر عسقلانی
ذکراز ملّا عبدالغفور لاری. (رضی الدین).
ذکراز (شیخ) ابوالعسر برهان الدّین (علی) (۵ب)
ذکراز شیخ بهاء الدّین عاملی.
ذکراز میرزا اُلغ بیگ گورگانی.
ذکراز شیخ داؤد قیصری.
ذکراز امام ابورویم نافع (الاصفهانی المدنی).
ذکراز امام ابوسعید (عثمان بن سعید مصری).
ذکراز امام ابوالحسن (احمد البزی).
ذکراز امام ابوعمرو (بن العلا المازنی البصری).
ذکراز امام ابوشعیب (صالح بن زیاد).

ذکراز شیخ علی حکیم اقسرائی.
ذکراز شیخ ابن الحجر قسطلانی.
ذکراز قاضی محمّد شریحی.
ذکراز شیخ ابوبکر (بن شیخ اسحاق) کلاباذی.
ذکراز شیخ ابن الفارض (حموی) مصری.
ذکراز مولانا فخرالدّین سماک.
ذکراز شیخ محی الدّین محمد ابن العربی.
ذکراز شیخ فخرالدّین عراقی.
ذکراز مولانا کمال الدّین (عبدالرزاق) کاشی.
ذکراز میرزا مخدوم (بن سیّد شریف).
ذکراز شیخ بدرالدّین سندی.
ذکراز (شیخ) ابوالیسر (علی) پزدوی.
ذکراز سیّد اسمٰعیل متطبب.
ذکراز ملّا عادل حافظ.
ذکراز امام مالک (بن انس).
ذکراز امام ابوموسیٰ (ملقب به قالون)
ذکراز امام معبد عبداللّه ابن کثیر (مکی).
ذکراز امام ابوعمرو (محمّد بن عبدالرّحمٰن المکی).
ذکراز امام ابوعمرو (حفص بن عمر النحوی الدّوری).
ذکراز امام ابوعمران (عبداللّه الیحصبی).
ذکراز امام ابوعمرو (عبداللّه بن احمد).

ذکر از امام ابو الولید ہشام (بن عمار)
ذکر از امام ابو بکر عاصم (بن ابی النجود).
ذکر از امام ابو عمرو (حفص بن سلیمان).
ذکر از امام ابو محمد (بن ہشام البزار).
ذکر از امام ابو الحسن (علی بن حمزہ الکسائی)
ذکر از امام ابو عمرو حفص (بن عمر النحوی الدوری).
ذکر از شمس الدین (علامہ قہستانی).
ذکر از مولانا مصطفیٰ (بن زکریا).
ذکر از (شیخ) امام الدین رافعی.
ذکر از ثابت (بن قرۃ حکیم).
ذکر از حکیم ابو الخیر (بہنام).
ذکر از فراء نحوی.
ذکر از خلیل (بن احمد الازدی بصری) النحوی.
ذکر از عمرو (بن عثمان) مشہور بہ سیبویہ.
ذکر از ابو علی نحوی (فارسی).
ذکر از ابو سعید نحوی (سیرافی).
ذکر از ابن مالک نحوی.
ذکر از جمال الدین (ہشام نحوی).
ذکر از حافظ مغربی.
ذکر از حکیم ابو عبداللہ معصومی.
ذکر از حکیم ابو ریحان بیرونی.

ذکر از امام شعبہ (بن ابی العباس).
ذکر از (امام) ابو بکر.[1]
ذکر از امام قاری ابو عمارہ (حمزہ بن حبیب).
ذکر از امام ابو عیسیٰ (خلاد بن خالد).
ذکر از امام لیث ابو الحارث (بن خالد بغدادی).
ذکر از مولانا لطف اللہ (نسفی).
ذکر از شیخ بدر الدین (ابراہیم سرہندی).
ذکر از ملا اختیار (بن غیاث الدین).
ذکر از شیخ حنین (بن[2] اسحاق).
ذکر از حکیم عمر (بن ابراہیم) خیام.
ذکر از کسائی نحوی.
ذکر از ابو العباس نحوی.
ذکر از یونس نحوی.[3]
ذکر از مازنی (۶ ب) نحوی.
ذکر از زجاج نحوی.[4]
ذکر از سعید (بن سعد نحوی مشہور بہ اخفش).
ذکر از اعمش نحوی.
ذکر از حفص ابو عمرو (بن عمر نحوی).
ذکر از امام (عبدالملک بن قریب) اصمعی.
ذکر از ابو معشر بلخی (منجم).
ذکر از حکیم فتح اللہ شیرازی.

۱۔ این نام در م نیامدہ۔ ۲۔ و برگ ۱۴؛ ا ب برگ ۵ ب؛ ج برگ ۶ ا: "حسین"۔ ۳۔ این نام ف ندارد۔
۴۔ این نام در م نیامدہ۔ ۵۔ و برگ ۱۴؛ ا ب برگ ۵ ب؛ ج برگ ۶ ب: "جاحظ مغربی"۔

ذکر از محمّد بن زکریا رازی.

ذکر از حکیم ابوالفتح گیلانی.

ذکر از حکیم (ابراهیم الحلبی) المصری.

ذکر از بهاء الدّین (گوودریه).

ذکر از سیّد جلال الدّین (محمّد بخاری، دیوانِ تهته).

ذکر از سیّد شمس الدّین سمرقندی.

ذکر از صلاح الدّین موسیٰ پاشا مشهور بقاضی زاده رومی.

ذکر از ابوعلی (ابن الهیثم).

ذکر از شیخ ابی یحییٰ زکریا (شافعی مصری).

ذکر از ابوحنیفه دینوری.

ذکر از ابن عطا الله اسکندری.

ذکر از شیخ زروق (احمد بن احمد بن محمّد).

ذکر از ابوعبدالله محمّد بن سعید[۱]

ذکر از ابوعبدالله (محمّد بن اسمٰعیل بخاری).

ذکر از ابن ماجه قزوینی.

ذکر از ابوعیسیٰ (ترمذی).

ذکر از ابوالحسن (علی بن عمر البغدادی دارقطنی).

ذکر از ابوبکر (احمد بیهقی).

ذکر از ابوالحسن (عبدری).

ذکر از امام حمیدی (الاندلسی).

ذکر از شیخ تقی الدّین (ابن الصّلاح).

ذکر از ابوالفرج طبیب.

ذکر از حکیم فتح الله شیرازی.

ذکر از حکیم همام گیلانی.

ذکر از حکیم حاذق (بن حکیم همام گیلانی).

ذکر از [علاب] میر (محمّد) معصوم بهکری.

ذکر از سیّد ابراهیم بخاری، حاکم تهته.

ذکر از مولانا محمود (بن محمّد بن عمر).

ذکر از ملّا علی قاری (هروی).

ذکر از مولانا محمّد (بن عبدالله بن محمود).

ذکر از امام راغب (الحسین بن محمّد).

ذکر از کعب بن زهیر صحابی[۲]

ذکر از شیخ احمد اسود.

ذکر از شیخ روزبهان (بقلی شیرازی).

ذکر از شیخ عبدالجلیل (بن محمّد احمد).

ذکر از ابوالحسین مسلم (بن الحجّاج نیشاپوری).

ذکر از ابوداؤد (سجستانی).

ذکر از ابوعبدالله دارمی.

ذکر از سیّد جلال الدّین طباطبائی (مشهور ...

ذکر از (ابو) عبدالرّحمٰن (نسائی) ..

ذکر از ابن الاثیر (مبارک بن ...

ذکر از سیّد صفی الدّین (ایجی)

۱و۲ - این دو نام ف ندارد.

ذکر از شیخ محمود (بن محمد بن محمود).

ذکر از شیخ ابو العباس (مستغفری).

ذکر از شیخ محمد بن خاوندشاه بن محمود معروف به "میرخواند"[1]

ذکر از شیخ نور الدین (محمد عوفی).

ذکر از شیخ ابوعلی المحسن (بن علی التنوخی)

ذکر از ورس پلی.

ذکر از جام تماچی.

ذکر از حکیم عثمان بو بکانی.

ذکر از قاضی احمد قاضی شهر تته.

(۶ ب) ذکر از ملا منیر لاهوری.

ذکر از شمس الدین محمد جامی.

ذکر بابا حسن ابدال.

ذکر از میر سید محمد گجراتی.

ذکر از قاضی قاضن (مرید سید محمد جونپوری).

ذکر از میرک ابوسعید پورانی.

ذکر از شیخ پوران جد میرکیان.

ذکر از شیخ مکی (مشهور به خاکی).

ذکر از شیخ اسحاق بن (شیخ) موسی.

ذکر از ملا علی قاری (هروی).

ذکر از غیاث الدین (محمد مهرآبادی).

ذکر از قاضی عیاض.

ذکر از شیخ حافظ ابو العلا (۷ ا) همدانی.

ذکر از شیخ غیاث الدین بن همام الدین معروف به "خواندمیر".

ذکر از ملا لتر.

ذکر از شیخ چلی.

ذکر از (ملا مخدوم) جعفر بوبکانی.

ذکر از ملا محمد صدر تته.

ذکر از صائب اصفهانی.

ذکر از ملا شیدا شاعر فتح پوری.

ذکر از (مولانا) شمس الدین محمد اسد.

ذکر از سید حسین زنجیر پای.

ذکر از سید محمد جون پوری.

ذکر از سید میر کلان.

ذکر از میرک محمود (بن ابوسعید) پورانی.

ذکر از شیخ محمد (ابن ابی القاسم).

ذکر از شیخ ابوالحسن علی.

ذکر از شیخ پیتهر.

ذکر از ابو محمود (محمد بن احمد) عینی.

ذکر از زین الدین (تائبادی).

---

۱. د برگ ۶ ب، ب برگ ۵ ب و ج برگ ۷ ا: "شیخ همام الدین".

ذکر از شیخ یاسین مغربی (الحجّام الاسود).
ذکر از پیر عبّاس.
ذکر از پیر لاکه کلال.
ذکر از پیر فرید.
ذکر از مولانا ضیاء الدین راهوتی.
ذکر از (شیخ) محمد (بن شیرین) مغربی.
ذکر از شیخ عزیز نسفی.
ذکر از خواجه ابونصر پارسا.
ذکر از شیخ بهاء الدین (عمر).
ذکر از شیخ زین الدین (ابوبکر خوافی).
ذکر از مولانا جلال الدین (ابویزید) پورانی.
ذکر از شیخ ابوبکر نسّاج[1].
ذکر از شیخ ابوالحسن (بُستی).
ذکر از شیخ برکه کاتیار.
ذکر از شیخ فتح.
ذکر از شیخ عبدالله (بن) مبارک.
ذکر از شیخ مظفر قوسی.
ذکر از شیخ [۵۰ و] ابونصر سرّاج.
ذکر از شیخ ابوالعباس (نهاوندی).
ذکر از شیخ علی (سیاه پوش).
(۷۱ ر) ذکر از شیخ ابوضحاک.

ذکر از ملّا عبدالله (بن ملّا عبدالحکیم سیالکوتی).
ذکر از پیر شاهی.
ذکر از پیر چتّه (بن آمر).
ذکر از پیر محمود.
ذکر از شیخ عبداللطیف راهوتی.
ذکر از شیخ جمال الدین یونس.
ذکر از شیخ عبدالوهاب پورانی.
ذکر از خواجه (امام) عبدالله.
ذکر از شیخ محمد (شاه فراهی).
ذکر از خواجه ابوالوفا خوارزمی.
ذکر از سید شاه قطب الدین.
ذکر از شیخ حسن سمنانی[2].
ذکر از خواجه یوسف همدانی.
ذکر از شیخ ابوطاهر (کرده).
ذکر از قاضی امام عبدالجبار.
ذکر از شیخ یوسف (اسباط).
ذکر از شیخ ابومحمد (رویم) حاجبی.
ذکر از خواجه احمد ابدال چشتی.
ذکر از شیخ ابوبکر رازی.
ذکر از شیخ ابوالحسن علی (بن بندار) صوفی.
ذکر از شیخ علی (بن شلویه).

---

۱. این نام ف ندارد.

ذکر از شیخ علی بن عیسیٰ (الاربلی)[1].
ذکر از خطیب خوارزم[3] (ابو المؤید موفق بن احمد).
ذکر از سید مرتضیٰ علی[5].
ذکر از ابو المنذر ہشام بن محمد الکلبی[7].
ذکر از خواجہ بہاء الدین عاملی[9].
ذکر از شیخ محمد بن بابویہ قمی[11].
ذکر از شیخ محمد شہر آبادی.
ذکر از شیخ محمد بن سیرین.
ذکر از شیخ ابو سعید (بن مسیتب).
ذکر از شیخ حسن بصری.

ذکر از شیخ حاکم ابو عبداللہ نیشاپوری[2]
ذکر از ابن المطہر حلی[4]
ذکر از ابن ابی الحدید[6]
ذکر از خواجہ نصیر الدین طوسی[8]
ذکر از سید تاج الدین اوجی[10]
ذکر از خواجہ مظفر (بن احمدان).
ذکر از شیخ ادیب (کندی).
ذکر از شیخ ربیع بن خثیم.
ذکر از شیخ ابو اسمٰعیل (حموی).

جواہر دوم

در فضیلت نود و نہ نام باری تعالیٰ با مؤکلات، کہ از بزرگان مندرج شدہ است.

ذکر اوّل از امام جعفر صادق، رضی اللہ عنہ.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از خواجہ داؤد طائی.
ذکر از (شیخ) معروف کرخی.
ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری[12]
ذکر از ابو نصر حماد (بن اسمٰعیل جوہری)

ذکر شیخ حبیب عجمی مع الحکایت.
ذکر از شیخ ابو الحسن خرقانی.
ذکر از مولانا (نور الدین) عبدالرحمٰن جامی.
ذکر از سید شمس الدین مخدوم امام بخاری گجراتی (استادِ سید باقر بن سید عثمان بخاری).
ذکر از خواجہ سری سقطی.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.

۱ تا ۱۲ - این دوازده نام ف ندارد.

ذکر از شیخ جنید بغدادی.
ذکر از شیخ ابو العبّاس بوتی
ذکر از شیخ احمد (بن شیخ یوسف).
ذکر از شیخ ابوالحسن علی.[۲]
ذکر از شیخ عبدالقادر گیلانی.
ذکر از شیخ ابوسعید ابوالخیر.
ذکر از شیخ عبدالرزاق قادری.
ذکر از شیخ عبدالوهاب قادری.
ذکر از شیخ عبدالله.
ذکر از شیخ ابراهیم حسینی.
ذکر از شیخ احمد (بن جعفر چشتی).
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از ملا حسن چلپی.

ذکر از خطیب ابوالفضل کازرونی. (۷ ب)
ذکر از سید شریف (مرید مخدوم سید فیض الله بخاری).
ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری.
ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد قتّال بخاری.
ذکر از شیخ محمود ــ ــ
ذکر از شیخ عبدالرؤف.
ذکر از شیخ عبدالله صوفی شطّاری

ذکر از شیخ عبدالقاهر (جرجانی).
ذکر از ابوعلی (مسکویه خازن رازی).
ذکر از (شیخ) حسن بن محمّد.[۱]
ذکر از شیخ احمد بن حسن (جاربردی).[۳]
ذکر از شیخ احمد (بن علی بن مسعود).
ذکر از شیخ یوسف ماوراالنهری.
ذکر از (شیخ) سیف الدّین آمدی.
ذکر از مولانا عزّالدّین محمّد.
ذکر از مولانا اسمٰعیل شیروانی.
ذکر از مولانا منظر.
ذکر از ملا خسرو چلپی.
ذکر از شیخ علی (حسنی).
ذکر از شیخ محمّد قادری (حسنی).
ذکر از سلطان خواجه احمد یسوی مع الحکایات.[۴]
ذکر از شیخ عبدالغفّار صدیقی.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری.
ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد قتّال بخاری.
ذکر از (مولانا) سید محمّد (بن سید شریف الحسینی).
ذکر از میرزا مخدوم بن سید شریف.
ذکر از میر سید شریف بن علی الجرجانی.

---

۱ و ۲ و ۳ـ این سه نام ف ندارد. ۴ـ این نام در م نیامده.

ذکر از قاضی [۵ ب] قاضن (مرید سید محمد جون پوری).
ذکر از شیخ ابوالفتح بدایت الله سرمست.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از مولانا حسن شاه بقّال شیرازی.

(۸ ب)

ذکر از شیخ شکر محمد عارف گجراتی.
ذکر از شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برهان پوری.
ذکر از سید جلال بن سید داؤد بخاری.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از قاضی میر حسین میبدی).
ذکر از شیخ محی الدین (کوتکناری)
ذکر از خواجه جمال الدین (محمود).
ذکر از شیخ شرف الدین (احمد بن یحییٰ منیری).
ذکر از ملّا میرزا جان تبریزی.
ذکر از ملّا یوسف (کوسج قرباغی).
ذکر از شیخ شمس الدین ذاکر.
ذکر از شیخ صدر الدین ذاکر
ذکر از شیخ عبدالواحد تارکی.

ذکر از مولانا لطف الله نسفی.
ذکر از مولانا سناء الدین شیرازی.
ذکر از شیخ ظهور حاجی حضور.
ذکر از شیخ نظام الدین[1] اولیا مع الحکایات.
ذکر از (حاجی حمید معروف به) شیخ محمد غوث.
ذکر از مولانا مبارک شاه.
ذکر از مولانا جلال الدین محمد دوانی.
ذکر از مولانا عبدالهادی (بن ملّا جلال دوانی).
ذکر از مولانا سید صفی الدین محدث.
ذکر از شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق.
ذکر از شیخ برهان الدین[2]
ذکر از شیخ (محی الدین ابن) العربی.
ذکر از شیخ ضیاء الدین.
ذکر از شیخ یحییٰ (بن اسرائیل منیری).
ذکر از شیخ رازن.
ذکر از شیخ الله داد بغدادی.
ذکر از شیخ یونس سجاوندی.
ذکر از شیخ شهاب الدین (ابوحفص عمر بن محمد السهروردی
ذکر از مخدوم شیخ بهاء الدین زکریا، (ملتانی) مع الحکایت.

---

۱. این نام در م نیامده. ۲. از این جا در ب ، چند برگ افتاده.

ذکر از قاضی صاعد اندلسی .
ذکر از حکیم ابی الجود احمد تتوی[۱] .
ذکر از حکیم شمس الدّین (محمّد فاضل شهزوری) .
ذکر از سیّد بابو تاج الدّین بخاری .
ذکر از خواجه (محمّد) عبدالله (المشهور بخواجه کا) .
ذکر از خواجه شهاب الدّین (خاوند محمود بن خواجه کا) .
ذکر از خواجه بهاء الدّین حلوائی .
ذکر از شیخ بایزید بسطامی .

ذکر از سلطان ابراهیم ادهم مع الحکایت[۲] .
ذکر از خواجه فضیل عیاض .

ذکر از خواجه هبیرة البصری .
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری .
ذکر از مولانا موسیٰ جعبری .
ذکر از مولانا علاء الدّین (محمد بخاری) .
ذکر از سیّد عثمان ملقب به مخدوم لعل شهباز (قلندر) مروندی حسینی مع الحکایات[۳] .
ذکر از شیخ پتّه (معروف بشیخ دیولی) [۶ ل] .

ذکر از شیخ صدرالدّین (ابوالفضل) .
ذکر از شیخ ابوالفتح شاه رکن عالم (ملتانی) .
ذکر از سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری .
ذکر از مولانا جلال الدّین محمّد (دوانی) .
ذکر از شیخ رکن الدّین (جونپوری) .

ذکر از خواجه عبدالواحد (بن) زید .
ذکر از مولانا سعدالدّین مسعود (بن عمر) التفتازانی .
ذکر از مولانا محمّد (بن سعدالدّین مسعود بن عمر التفتازانی) .
ذکر از مولانا قطب الدّین (یحییٰ) .
ذکر از مولانا سیف الدّین (شهید هروی احمد بن یحییٰ بن محمّد بن سعدالدّین مسعود بن عمر التفتازانی . مشهور به شیخ الاسلام) .
ذکر از مولانا زاده خطائی .
ذکر از شیخ علومشاد دینوری .
ذکر از شیخ فرید (الدین مسعود) شکر گنج .
ذکر از سیّد عثمان بن سیّد داؤد بخاری .
ذکر از مولانا توفی (شاگرد علامه تفتازانی) .

ذکر از مولانا یوسف اوبهی .

۱- این نام ف ندارد . ۲ و ۳- با این دو نام حکایت در م نیامده .

ذکر از (شیخ جمیل معروف به) شیخ جمیه.
ذکر از (شیخ وجیه معروف به) شیخ وجره.
ذکر از شیخ ابوالمظفر ترک طوسی.
ذکر از شیخ ابوالحسن خرقانی.
ذکر از شیخ معین الدین چشتی.
ذکر از مولانا زین الدین (تایبادی).
ذکر از شیخ سعدالدین (انصاری) کاشغری.
ذکر از شیخ شمس الدین (محمد جاجرمی).
ذکر از (مولانا) خواجه (علی) سمرقندی.
ذکر از شیخ بهاءالدین عمر.
ذکر از مولانا (جلال الدین) بایزید[3] پورانی.
ذکر از مولانا (شمس الدین) محمد (اسد).
ذکر از شیخ عبیدالله[5] احرار.
ذکر از شیخ سعدالدین کاشغری.
ذکر از سلطان حسین میرزا.
ذکر از شیخ ابوحفص.
ذکر از شیخ تقی الدین.
ذکر از شیخ حسین زنده دل دهکرپوش.
ذکر از شیخ فخرالدین عراقی.
ذکر از شیخ سعدالدین استرآبادی.
ذکر از شیخ کمال الدین بغدادی.
ذکر از مولانا کمال الدین داؤد.
ذکر از قاضی صاعد اندلسی.
ذکر از شیخ داؤد قادری[1] مع الحکایت.
ذکر از شاه شجاع کرمانی.
ذکر از شیخ بهاءالدین نقشبند مع الحکایت[2].
ذکر از حاجی شریف.
ذکر از خواجه مودود چشتی.
ذکر از شیخ ابوبکر (عبدالله) شبلی.
ذکر از خواجه بختیار کاکی (قطب الدین) قطب دهلی مع الحکایت[4].
ذکر از شیخ علاء الدین لاهوری.
ذکر از مخدوم شیخ وجیه الدین علوی گجراتی.
ذکر از شیخ احمد دمشقی.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از میر علی شیر (نوائی).
ذکر از شیخ (رضی الدین) عبدالغفور (لاری).
ذکر از ملا خاکی معروف به شیخ مکی.
ذکر از شیخ علاء الدین عطار.

۱- این نام در متن نیامده. ۲- حکایت درم نیامده. ۳- ورگ ۱۰۶ و: "بازید پورانی". ۴- حکایت درم ...
۵- ورگ ۱۰۶ و: "عبدالله".

ذکر از شیخ مردان.
ذکر از شیخ مظفر بلخی.
ذکر از شیخ محمد عارف.
ذکر از شیخ شمس الدین بلخی.
ذکر از شیخ سعدالله جون پوری.[1]
ذکر از شیخ (محی الدین) عبدالقادر جیلانی.
مع الحکایت
ذکر از شیخ بابا فرج تبریزی.
ذکر از شیخ عماد بن شیخ (رشید الدین) جمال درویش.
ذکر از شیخ عثمان هارونی.
ذکر از سید عثمان بن سید داود بخاری.
ذکر از شیخ سعید (بن مسیب).
ذکر از شیخ ابوالقاسم فردوسی.
ذکر از شیخ حمزه سیتپری
ذکر از سید ابوبکر بخاری.
ذکر از شیخ وجیه الدین کرمانی.
[۹ب] ذکر از شیخ عمر همدانی.
ذکر از شیخ یوسف تبریزی.
ذکر از شیخ جلال الدین استرآبادی.
ذکر از سید عثمان بن سید داود بخاری.

ذکر از (شیخ) ابونصر پارسا.
ذکر از شیخ محمد پارسا.
ذکر از شیخ علی پرودهی.
ذکر از شیخ ابوالعباس بونی.
ذکر از خواجه ضیاء الدین (برنی).
ذکر از شیخ جمال درویش جولاه اُچی.
ذکر از شیخ شهاب الدین (ابوحفص عمر بن محمد السهروردی).
ذکر از شیخ ابوالمکارم.
ذکر از شیخ ربیع بن خثیم.
ذکر از شیخ نورالدین بلخی.[2]
ذکر از شیخ بهاء الدین (زکریا) ملتانی.
ذکر از شیخ عبدالرحیم اصطخری.
ذکر از شیخ ابوبکر اسکاف.
ذکر از خواجه محمد بن سمعان (چشتی).
ذکر از شیخ اسمعیل عموی.
ذکر از شیخ سعدون مجنون.
ذکر از شیخ کمال کریم ناگوری.
ذکر از شیخ محمد بن احمد زاهد (الملقب بالزین).
ذکر از شیخ علاء الدین دولتابادی (سمنانی).

۱- برگ ۸ و: خانپوری. ۲- این نام در م نیامده.

ذکر از شیخ ابوالفضل محمد بن عمر (المدعو بہ کمال القریشی).
ذکر از امام ابوزید عبداللہ (بن عمر دبوسی).
ذکر از شیخ نورالحق (بن شیخ عبدالحق) دہلوی.
ذکر از شیخ عبدالرحمن چشتی (علوی عباسی).
ذکر از شیخ علی (بن ابی طالب) قیروانی.
ذکر از مقصود علی تبریزی.
ذکر از مولانا شیخ محمد (بن محمد، الملقب بہ "دہدار")
ذکر از شیخ نجم الدین اصفہانی.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از شیخ اویس قرنی.
ذکر از شیخ محمد کرمانی.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از مولانا میر ہاشم
ذکر از شیخ لعل (شہباز) قلندر (مروندی).[۲]
ذکر از شیخ عبدالملک قادری.
ذکر از میر علی (بن میر اسمٰعیل).
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از شاہ سید علی خوشنویس بن سید داؤد بخاری.
ذکر از شیخ عبدالحق (قادری) دہلوی.
ذکر از شیخ جمال الدین کہتو.

ذکر از شیخ حسین زنجانی.
ذکر از شیخ ناصرالدین غزنوی.
ذکر از شیخ حسام الدین.
ذکر از شیخ جلال (محمود تھانیسری).
ذکر از شیخ ابوالغیث سمرقندی.
ذکر از سید شرف الدین مشہدی.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از حکیم (اشرف الدین حسن) تنغانی (اصفہانی).
ذکر از سید نصیرالدین (بن سید حامد) قادری.
ذکر از شیخ اسمٰعیل (بن لطف اللہ باخرزی).[۱]
ذکر از شیخ نصیر (رای) ہمدانی.
ذکر از سلطان سید صدرالدین ابو قتال بخاری.

ذکر از ابن مقلہ.
ذکر از شیخ عبدالرزاق قادری.

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت.
ذکر از شیخ نظام الدین خاموش.
ذکر از شیخ حماد (بن شیخ رشید الدین جمالی).
ذکر از شیخ جمال (درویش جولاہ اچی).

۱۔ ذکر شیخ اسمٰعیل (بن لطف اللہ باخرزی) درست قبل از ذکر سید نصیرالدین بن سید حامد قادری آمدہ ۲۔ رک، حاشیہ صفحہ ۱۰ جواہر اول.

ذکر از شاه قطب الدین نصیر جون پوری.

ذکر از شیخ حماد چشتی.

ذکر از شیخ حسام الدین (مشهور به علی متقی هندی حنفی).

ذکر از شیخ سراج الدین چشتی (احمدآبادی).

ذکر از شیخ داول غازی.

ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.

ذکر از شیخ محی الدین (ابومحمد) عبدالقادر جیلانی.

ذکر از شیخ سلیم ساوار.

ذکر از شیخ عبدالرحمن چشتی (علوی عباسی).

ذکر از شیخ صفی الدین.

ذکر از شیخ محمود قطب.

ذکر از قاضی یعقوب.

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت با حکایت قلندر.

جواہر سیوم

[۱۷] در فضیلت چهل اسم با مؤکلات و در فضیلت نود و نه نام حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) و نام های آبا و اجداد حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) تا (حضرت) آدم علیه الصلوة والسلام، و حلیه حضرت پیغمبر محمد مصطفی و مُهر نبوت النبی صلی الله علیه وآله وسلم، که از مشایخان وارد شده است.

ذکر از سلطان سید جلال بخاری.

ذکر از سید محمد غوث بخاری برادر سلطان سید احمد کبیر بخاری.

ذکر از سلطان سید محمود ناصرالدین بخاری.

ذکر از علاء الدین (حسین بن حسین) غوری.

ذکر از سلطان سید احمد کبیر بخاری.

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.

ذکر از امیر احمد (بن امیر اسمعیل سامانی).

ذکر از سید راجو (قتال) بخاری.

۱- ا و رگ و ب: "جمال". ۲- این نام ف ندارد.

ذکر از شیخ محمد بن حمویه الجوینی).
ذکر از شیخ نجم الدین کبری.
ذکر از مجدالدوله (رستم دیلمی).
ذکر از شیخ فرید یمنی.
ذکر از شاه شمس الدین سبزواری (ملتانی).
ذکر از سلطان ملک شاه (سلجوقی).
ذکر از شیخ عبدالله (بن حسن) مکی.
ذکر از سلطان (علاء الدین) محمد خوارزم شاه.
ذکر از ملا مجد الدین (محمد) فیروز آبادی.
ذکر از سید هاشم باراتی.
ذکر از شوان (بن سعید) الحمیری (یمنی).
ذکر از شیخ محمد بنگالی.
ذکر از سلطان (امیر) تیمور گورگان.
ذکر از حکیم شهاب الدین (بن عبدالکریم).
ذکر از خواجه معین الدین مدنی.
ذکر از سلطان حسن بیگ (بهادر خان آق قویونلو).
ذکر از شیخ سماء الدین دهلوی.
ذکر از امیر خسرو دهلوی[1]
ذکر از سلطان جلال الدین (شاه شجاع) شیرازی.
ذکر از شیخ شمس الدین (محمود بن القاسم اصفهانی).

ذکر از سلطان بهرام شاه (غزنوی).
ذکر از شیخ محب الدین (ابو جعفر) احمد بن محمد (استجی).
ذکر از شیخ فرید شکر گنج مع احفادیت.
ذکر از امام اجل ابی نصر احمد بن عبدالرحمن
ذکر از شیخ نظام الدین (اولیاء) دهلوی.
ذکر از سلطان سنجر (بن ملک شاه) سلجوقی.
ذکر از شیخ بازید سپیری.
ذکر از سلطان جلال الدین (منکبرنی).
ذکر از سید نعمت الله چشتی.
ذکر از ملک صالح اتابک.
ذکر از مولانا منصور (بن محمد).
ذکر از سلطان کاینو (از اولاد ابا بکر صدیق).
ذکر از سلطان ابو سعید بهادر خان.
ذکر از مولانا شیخ ابو الاخلاص (وفائی).
ذکر از مولانا نعمت الله (بن طاهر) نهروانی.
ذکر از سلطان ایلدرم بایزید (عثمانی).
ذکر از سید فیض الله بخاری.
ذکر از سلطان احمد (بن هلاکو خان).

۱. ذکر از امیر خسرو دهلوی در م بعد از ذکر سید فیض الله بخاری آمده.

ذکر از شیخ ابوبکر قریشی.
ذکر از سلطان محمد (خدابنده).[1]
ذکر از امیر ابواسحاق شیرازی.[2]
ذکر از ملا علی (قوشچی).
ذکر از شیخ حمید (الدین) ناگوری.
ذکر از سلطان ناصرالدین محمود شاه هندی.[3]
ذکر از شیخ نظامی (عروضی سمرقندی).
ذکر از شیخ بهلول کشمیری.
ذکر از شاه حسن ارغون بن شاه بیگ ارغون).
ذکر از شیخ (ابوعلی) المحسن (بن علی معروف به قاضی التنوخی).
ذکر از شیخ سلیمان عراق.
ذکر از شیخ نورالدین محمد عوفی.
ذکر از سید محمد گیسو دراز [۷ ب] (دهلوی[4]).
ذکر از قاضی شیخ فرید.
ذکر از شیخ شرف الدین بوعلی قلندر[5] مع الحکایات.
ذکر از مولانا ابوالمکارم.
ذکر از شیخ اجل (امام ابوحامد محمد غزالی).
ذکر از شیخ ابوالغیث یمنی.
ذکر از شیخ امام الدین رافعی.
ذکر از شیخ داؤد جهازی.

ذکر از (شیخ) محمد (بن عبدالکریم شهرستانی).
ذکر از سلطان غازان خان.
ذکر از شیخ جلال محمد قادری (دهلوی).
ذکر از سلطان محمد جونا (بن سلطان غیاث الدین) هندی.
ذکر از ابونصر فراهی.
ذکر از شیخ امان الله فاروقی
ذکر از مرزا شاه بیگ ارغون.
ذکر از سلطان محمد (بن درویش محمد).
ذکر از شیخ نصیرالدین انصاری.

ذکر از سلطان محمد (جونا) بن سلطان غیاث الدین هندی.

ذکر از شیخ محمد بن بایزید اُچی.
ذکر از شیخ آذری (جلال الدین حمزه بن علی).
ذکر از شیخ برهان (الدین) قلندر بلخی.
ذکر از شیخ محمود (بن احمد) فاریابی.
ذکر از شیخ محمد کاشانی صدیقی.
ذکر از امام عبدالملک (بن قریب اصمعی).
ذکر از سید زاهد.
ذکر از شاه ابوالمعالی مع الحکایت.[6]
ذکر از شیخ عامر (بن شراحیل، مشهور به امام شعبی).

۱، ۲، ۳- این سه نام ف ندارد. ۴- د برگ و ب: بنگالی. ۵- این نام در م نیامده. ۶- حکایت در م نیامده.

ذکر از ملا احمد (ابیوردی)
ذکر از شیخ وجیہ الدین انصاری (شیرازی).
ذکر از خواجہ خلیل اتار.
ذکر از شیخ فخر الدین چشتی (بصری).
ذکر از (شیخ) اخی علی (مصری).
ذکر از شیخ شہاب الدین (ابوالفتح) یحییٰ، مقتول (السہروردی).
ذکر از علی بن عیسیٰ (ابوالحسن رمانی النحوی).
ذکر از سید عبدالاوّل دولت بادی (بخاری).
ذکر از باذان بن ساسان (پادشاہ یمن).
ذکر از امام اعمش (سلیمان بن مہران).
ذکر از شیخ نور اللہ قنداری.
ذکر از شیخ حمزہ اصفہانی.
ذکر از سید حسین دمشقی.
ذکر از شیخ جنید بغدادی.
ذکر از شیخ صالح سرہندی.
ذکر از سلطان بدیع الزمان (بن سلطان حسین میرزا بایقرا).
ذکر از شیخ ابوالعباس.
ذکر از شیخ فتح اللہ شامی.
ذکر از شاہ حسن ارغون (بن شاہ بیگ ارغون).
ذکر از شیخ محمد (بن احمد ابو دش).
ذکر از شیخ فاضل مصری.

ذکر از شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برہان پوری.
ذکر از شیخ خلیل بن احمد الازدی (بصری النحوی).
ذکر از شیخ شہاب الدین (ابوحفص) عمر بن محمد السہرو
ذکر از شیخ اخی علی (قتلق شاہ قزوینی).
ذکر از ابوحنیفہ دینوری.
ذکر از سید عبدالوہاب بخاری.
ذکر از سلطان فیروز شاہ (ثالث تغلق) پادشاہ دہلی
ذکر از سلطان سید معز الدین (مبارک شاہ ہندی
ذکر از جام سکندر.
ذکر از شیخ ابراہیم جوینی.
ذکر از شیخ عبداللہ دمشقی.
ذکر از سلطان مظفر حسین (بن سلطان حسین میرزا با
ذکر از شیخ ثعلبہ (نحوی).
ذکر از شیخ قاسم سمرقندی.
ذکر از مرزا عیسیٰ ترخان.
ذکر از میران سید ہاشم.

ذکر از شیخ ابراہیم مجذوب .
ذکر از لیلیٰ ومجنون .
ذکر از شیخ احمد ہمدانی .
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری .
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری .
ذکر از سید شہاب الدین بخاری .
ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت .
ذکر از سید فیض اللہ بخاری .
ذکر از امام سید حسن رضی اللہ تعالیٰ عنہ .

ذکر از شیخ فضل اللہ شامی .
ذکر از پدر لیلیٰ .
ذکر از سید فیض اللہ (بخاری) .
ذکر از سید شکر اللہ (بن سید حاجی حمید نظام الدین بخاری) .
ذکر از سید راجو بخاری .
ذکر از شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی .
ذکر از سلطان سید محمود ناصرالدین بخاری .
ذکر از مولانا نامی .
ذکر از ابوبکر صدیق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ .

جواہر چہارم

درفضیلتِ درود بر سرورِ کائنات حضرتِ محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، وخرقہ خلافتِ پیرانِ بخاریان، علیہم الرحمۃ والرضوان، وقدم ونعلِ مبارکِ حضرتِ محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، کہ بزرگان را (رحمۃ اللہ علیہم) منقول عنہ شدہ است .

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت .
ذکر از سید راجو قتال بخاری .
ذکر از شیخ شہاب الدین (الحجر هیتمی مکی) .
ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری .
ذکر از سید شاہ محمد بن سید حامد بخاری .
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری .
ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری .
ذکر از امیر حسین (شہیدِ دشتِ کربلا) رضی اللہ تعالیٰ عنہ .

ذکر از سلطان سید احمد کبیر (بخاری) .
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد (بخاری) .
ذکر از سید داؤد بن سید شکر اللہ بخاری .
ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری .
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری .

ذکر از امیر حسن، رضی اللہ تعالیٰ عنہ .
ذکر از امام سید علی زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ .

ذکر از امام (سید) جعفر صادق، رضی الله عنه.

ذکر از سید درایه بن سید عثمان بخاری.[۲]

ذکر از سید فضل الله بخاری.

ذکر از سید اسمعیل بخاری.

ذکر از سید عبدالله المحض (بن سید حسن المثنی).

ذکر از شیخ عبدالله ثانی (بن سید موسی الجون).

ذکر از شیخ موسی ثانی (بن شیخ عبدالله ثانی).[۴]

ذکر از سید یحیی زاهد (بن سید داود)

ذکر از سید صالح موسی موسی جنگی دوست (حق بن سید عبدالله).

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.

ذکر از سید جلال بن سید داود بخاری.

ذکر از سید نور محمد (بخاری).

ذکر از سید راجو (غوث صمدانی بن سید نظام الدین بخاری).

ذکر از خواجه عبدالخالق غجدوانی.[۵]

ذکر از خواجه یوسف همدانی.[۷]

ذکر از شیخ ابوالحسن خرقانی.[۹]

ذکر از هارون [۸ ب] الرشید (خلیفه عباسی).

ذکر از سلطان عمرو بن لیث صفاری

ذکر از سید درایه بن سید عثمان بخاری.[۱۲]

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.[۱]

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.

ذکر از امام سید حسن المثنی، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از سید موسی الجون (بن سید عبدالله المحض)

ذکر از محمد صالح.[۳]

ذکر از سید داود (بن شیخ موسی ثانی).

ذکر از سید عبدالله (بن سید یحیی زاهد).

ذکر از سید محی الدین ابو محمد عبدالقادر جیلانی (بن سید صالح موسی جنگی دوست حق).

ذکر از سید عثمان بن سید داود بخاری.

ذکر از سید عثمان بن سید داود بخاری.

ذکر از سید حاجی حمید نظام الدین بخاری.

ذکر از سید فضل الله بن سید قطب الدین بخاری).

ذکر از خواجه بهاءالدین نقشبند.[۶]

ذکر از سلطان (شیخ) بایزید بسطامی.[۸]

ذکر از خواجه عبدالشهید.[۱۰]

ذکر از مستعصم[۱۱] بالله (آخرین خلفای عباسی).

ذکر از شیخ عبدالخالق غجدوانی.

ذکر از شیخ ابو محمد مرجانی.

۱- این نام ف ندارد. ۲- این نام در م نیامده. ۳ و ۴- این دو نام در م نیامده. ۵ تا ۱۰- این شش نام ف ندارد.

۱۱- و برگ ۸ ب: المعتصم. ۱۲- این نام ف ندارد.

ذکر از سید محمد رفاعی یمنی.

ذکر از مولانا فاضل خیالی.

ذکر از حاکم ابوعبدالله نیشاپوری.

ذکر از سفیان بن عبدالله ثقفی.

ذکر از سید احمد افغان هندی (سرهندی).

ذکر از ابوهریره (رضی الله تعالیٰ عنه).

ذکر از جابر (بن عبدالله، رضی الله تعالیٰ عنه).

ذکر از دحیه کلبی، (رضی الله تعالیٰ عنه).

ذکر از سلطان سید جلال بخاری.

ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.[1]

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.[3]

ذکر از خواجه ابونصر پارسا.[4]

ذکر از شیخ عبدالرزاق (بن سید شرف الدین قادری).

ذکر از مولانا حسین خلخالی.

ذکر از حسان بن ثابت صحابی.

ذکر از (عبدالله) هاتفی.

ذکر از سید صدرالدین (بن شیخ صفی الدین اردبیلی).

ذکر از ابودردا (رضی الله تعالیٰ عنه).

ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.

ذکر از سعد بن معاذ، (رضی الله تعالیٰ عنه).

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.

ذکر از شیخ بهاءالدین معروف به بهاول شاه (ملتانی).

ذکر از اختیار بن غیاث الدین الحسینی.

جواهر پنجم

در فضیلت مناجات و ادعیات و فضیلت استغفار و فضیلت مسبعات عشر و فضیلت اوراد فتحیه و فضیلت حزب البحر و ذکر خواص دعای سیفی و فضیلت ناد علیاً و فضیلت کیمیای سعادت و ذکر ترتیب ختم و فضیلت سورة الانعام و ذکر چهل و یک اسمای یونانی و عربی و عزیمت تجربات هندی و ذکر مناجات و نماز کن فیکون و نماز که بر صورت قبر مبارک حضرت پیغمبر، صلی الله علیه وآله وسلم، بگذارد، و ثواب خطبه که روز جمعه بخواند، و ثواب نمازهای دیگر که از مشایخان هند و سند به تجربه آورده اند.

ذکر از امام احمد حنبل.

ذکر از فضل الله (شاگرد امام شافعی).

۱تا۴- این چهار نام ف ندارد.

ذکر از سید فیض الله (بخاری).

ذکر از (سلطان) سید جلال بخاری.

ذکر از شیخ یونس سجاوندی.

ذکر از شیخ محی الدین محمد ابن العربی.

ذکر از شیخ فضل الله (روزبهان).

ذکر از امام اعظم (ابوحنیفه) کوفی.

ذکر از شیخ بدیع الدین (ملقب به شاه مدار).

ذکر از ملا جامی (نورالدین عبدالرحمن).

ذکر از سید صالح بن سید آدم بخاری.

ذکر از سید رحمت الله بخاری.

ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری[1]

[۹۱] ذکر از خواجه حبیب عجمی.

ذکر از مخدوم شیخ بهاءالدین زکریا (ی ملتانی).

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.

ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.

ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری.

ذکر از (سلطان) سید جلال بخاری.

ذکر از شیخ صدرالدین (ملتانی).

ذکر از شیخ رکن الدین (ملتانی).

ذکر از سلطان سید جلال بخاری.

ذکر از مخدوم لعل شهباز (قلندر) مروندی.

ذکر از شیخ چتة بن آمر.

ذکر از سلطان سید محمود ناصرالدین (بخاری).

ذکر از امام اعظم ابوحنیفه (کوفی).

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان (جهانگشت).

ذکر از شیخ نجم الدین کبری.

ذکر از مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی.

ذکر از سید یوسف بن سید داؤد بخاری.

ذکر از سید احمد بن سید صالح بخاری.

ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.

ذکر از خواجه معروف کرخی.

ذکر از شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی.

ذکر از شیخ نظام الدین اولیاء (دهلوی).

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان (جهانگشت)

ذکر از شیخ سنائی غزنوی.

ذکر از مخدوم شیخ بهاءالدین زکریای ملتانی.

ذکر از شیخ فرید شکر گنج مع الحکایت.

ذکر از سید بدرالدین بن سید صدرالدین خطیب.

ذکر از سید بدرالدین بن سید صدرالدین خطیب.

ذکر از سید نظام الدین (بن سید ناصرالدین بهکری).

ذکر از سید صدر بن (سید) محمد لکیاری.

۱- این نام ف ندارد. ۲- ورگ ۹۱ ؛ تنافی.

ذکر از سید حیدر متیاری (یعنی متعلوی).
ذکر از شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برهانپوری.
ذکر از شیخ محمد بهتی هاله کندی.
ذکر از مخدوم اسمٰعیل سومره (اکرمن کوتی).
ذکر از محمد مکائی نیرن کوتی.
ذکر از شیخ ساهر لنجار.
ذکر از پیر جنده پاتری.
ذکر از قاضی عبدالله بن تاجیه.
ذکر از مخدوم جمعه.
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکر از سید یوسف مهدی بهکری.
ذکر از شیخ علی قریشی (تته ئی).
ذکر از حاجی بهاء الدین.
ذکر از شیخ محمد مکائی (نیرن کوتی).
ذکر از پیر کمال.
ذکر از شیخ چاریه.
ذکر از شیخ پته.
ذکر از (شیخ وجیه معروف به) شیخ وجره.
ذکر از مخدوم نوح بهکری
ذکر از ابن عباس، رضی الله تعالیٰ عنه.
ذکر از سادات بخاری سید باقر بن (سید عثمان بخاری).
ذکر از مخدوم بلال.
ذکر از شیخ دِته سیوستانی بن قاضی شرف الدین.

ذکر از شیخ اویس قرنی.
ذکر از شیخ احمد بهتی هاله کندی.
ذکر از مخدوم نوح هاله کندی.
ذکر از شیخ برکیه کاتیار.
ذکر از سید عبدالکریم متیاری (یعنی متعلوی).
ذکر از شیخ لنگه ببه لائی.
ذکر از شیخ عیسی لاکوتی.
ذکر از شیخ جیه ولد شیخ نعمت الله قریشی.
ذکر از مخدوم آدم تته ئی.
ذکر از (سید) عبدالقادر بن سید شمس الدین قادری.

ذکر از پیر غیب.
ذکر از پیر بابو شهید.
ذکر از پیر مسکین شهید.
ذکر از پیر منبه.
ذکر از شیخ رهار جنگلی.
ذکر از شیخ (جمیل معروف به) شیخ جمیه.
ذکر از مخدوم حسام (الدین) ملتانی.
ذکر از سید نظام الدین ولد سید ناصر الدین بهکری مع الحکایت.
ذکر از سید حامد بن سید محمد سیف الله.
ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری.
ذکر از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری).
ذکر از شیخ بوقی لاکه.

ذکر از شیخ احمد ولد شیخ ہوتی لاکہ.

[۹۶ ب] ذکر از درویش (حسن مقری).

ذکر از درویش راجو سیتھو دل.

ذکر از درویش چرکس ولد دتہ سرکی.

ذکر از درویش صدراوتہ ولد کیھورا دتہ سندی[1]

ذکر از درویش حالہ سہتہ.

ذکر از قاضی صدو ولد حماد.

ذکر از شیخ مغل چاچک.

ذکر از امیر المؤمنین امیر علی ابن ابی طالب،

(کرم اللہ وجہہ).

ذکر از شیخ معروف کرخی.

ذکر از شیخ داؤد طائی.

ذکر از ابی بکر صدیق (رضی اللہ تعالیٰ عنہ).

ذکر از شیخ حاتم اصم.[2]

ذکر از شیخ بشر حافی.

ذکر از شیخ ھاشم سمرقندی.

ذکر از شیخ ابو القاسم نصرابادی.

ذکر از شیخ عبداللہ سنجری.

ذکر از شیخ امیر نیشاپوری.

ذکر از شیخ عمر بن شیخ عثمان مکی.

ذکر از شیخ ابو الحسن نوری.

ذکر از شیخ محمد ولد شیخ ہوتی لاکہ.

ذکر از مخدوم عربی دیانہ حالہ کنڈی.

ذکر از درویش اجر.

ذکر از درویش موسیٰ اصدائی.

ذکر از درویش بھنو ناریجہ.

ذکر از درویش ابراہیم.

ذکر از درویش یحییٰ ولد شیخ عالم.

ذکر از قاضی خیر الدین.

ذکر از شاہ شجاع کرمانی مع الحکایت.

ذکر از شیخ جنید بغدادی.

ذکر از شیخ سفیان ثوری.

ذکر از شیخ فضیل عیاض.

ذکر از شیخ شقیق بلخی.

ذکر از شیخ بہلول دانا مع الحکایت.

ذکر از شیخ ابو الحارث.

ذکر از شیخ ابراہیم ہروی.

ذکر از شیخ ابو حفص حداد.

ذکر از شیخ ابو الحسین باروسی.

ذکر از شیخ علی بن حمزہ اصفہانی.

ذکر از شیخ حمزہ خراسانی.

ذکر از شیخ جعفر معزبی.

او ۱ و ۲۔ این دو نام ف ندارد.

ذکر از شیخ حسین عراقی .
ذکر از (شیخ) ابوعلی حیرانی .
ذکر از شیخ ابوبکر صیدلانی .
ذکر از شیخ ابوالعباس شیرازی .
ذکر از شیخ معشوق طوسی .
ذکر از شیخ محمّد بن حسن جوهری[۱] .
ذکر از شیخ عبدالله ترمذی[۲] .
ذکر از شیخ ابو اسحاق کازرونی .
ذکر از عبدالرحمن بن غنم .
ذکر از ابوهریره (رضی الله تعالیٰ عنه) .
ذکر از بریده (بن الحصیب) .
ذکر اسما بنت یزید (بن السکن) .
ذکر از ابوہریره (رضی الله تعالیٰ عنه) .
۱۰ ذکر از امام ابوحامد محمّد غزالی .
ذکر از شیخ فتح محمّد بن شیخ عیسیٰ برهان پوری .
ذکر از مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت[۳] .
ذکر از مولانا حافظ الدّین (ابوالبرکات عبد الله النسفی) .
ذکر از ملا محمّد بن ابراهیم بن محمّد چلپی[۴] .
ذکر از قاضی عفیف الدّین .
ذکر از شیخ عبدالرزاق بن شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی .

ذکر از شیخ محمّد رومی .
ذکر از (شیخ) ابوبکر کتانی .
ذکر از خواجه ابدال چشتی .
ذکر از شیخ ابوبکر فرهادی .
ذکر از شیخ ذوالنّون مصری .
ذکر از شیخ محمّد بن علی حکیم ترمذی .
ذکر از شیخ عبدالله خاقان صوفی .
ذکر از ابوهریره (رضی الله تعالیٰ عنه) .
ذکر از ابن عمر .
ذکر از ابوبکر صدیق (رضی الله تعالیٰ عنه) .
ذکر از انس، رضی الله تعالیٰ عنه .
ذکر از عمر ابن الخطاب (رضی الله تعالیٰ عنه) .
ذکر از امام ابو حامد محمّد غزالی .
ذکر از سیّد اشرف جهانگیر سمنانی .
ذکر از محمّد مجیر بن وجیه الدّین[۲] (مؤلف مفتاح الجنان) .

ذکر از ابن مسعود[۵] رضی الله تعالیٰ عنه .
ذکر از مخدوم سیّد جلال جهانیان جهانگشت .
ذکر از شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی .

ذکر از شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی .

۱- این نام ف ندارد . ۲- این نام در متن نیامده . ۳، ۴، ۵ و ۶- این چهار نام ف ندارد .

ذکر از شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی.
ذکر از میر سید علی ہمدانی.
ذکر از شیخ حاجی بہاء الدین[1] (یزدوی).
ذکر از ابوالفضل کرمانی.
ذکر از سید جلال بن سید داؤد بخاری[2].
ذکر از امیرالمؤمنین عمر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از امام حسین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از شیخ ظہور حاجی حضور.
ذکر از ابی بکر صدیق[3]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از عمر بن الخطاب[5]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از علی ابن ابی طالب[7]، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ.
ذکر از سعد بن (ابی) وقاص[9]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از ابو دجانہ انصاری[11]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از ابو جراح[13]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از ابن عباس[14]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از عمر ابن الخطاب[16]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از (شیخ) علی ہجویری[18]، رحمۃ اللہ علیہ.
ذکر از امیر حسین بن علی[20]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.

ذکر از شیخ (سہل بن) عبداللہ تستری[23].
ذکر از شیخ یونس[25] سجاوندی.

ذکر از شیخ محی الدین محمد ابن العربی.
ذکر از شیخ علی بن محمد کلاہ.
ذکر از امام جعفر صادق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.

ذکر از شیخ حسن بصری.
ذکر از حضرت امیرالمؤمنین علی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از شیخ حسن بصری.
ذکر از ابی بکر صدیق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از ابی بکر صدیق[4]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از عثمان ابن عفان[6]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از طلحہ بن زید[8]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از خالد بن ولید[10]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از ابوعبیدہ (بن) الجراح[12]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.

ذکر از خواجہ اویس قرنی[15] (رحمۃ اللہ علیہ).
ذکر از علی اکبر[17]، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از امیر حسن[19] بن علی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
ذکر از عبداللہ مروزی[21].
ذکر از ابوالقاسم محمد اکبر بن امیر علی بن ابی طالب (محمد حنفیہ)[22].
ذکر از شیخ حسین[24] زنجانی.
ذکر از خواجہ عبداللہ انصاری[26].

۱ تا ۲۶ - این بیست وشش نام ف ندارد.

ذکراز شیخ ابوجعفر هندوانی[1]

ذکراز شیخ ابواللیث سمرقندی[3]

ذکراز خواجه سلمان فارسی[5]

ذکراز شیخ سری سقطی[7]

ذکراز شیخ جنید بغدادی[9]

ذکراز ابوذر انصاری[11]

ذکراز بی بی خدیجة الکبریٰ[13] رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

ذکراز بی بی میمونہ[15] رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

ذکراز بی بی کلثوم[16] رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

ذکراز بی بی رقیہ[17] رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

ذکراز (حضرت) محمد رسول اللہ[19] صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

ذکراز امام جعفر صادق[21] رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔

ذکراز امام علی زین العابدین[22] رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔

ذکراز شیخ اویس قرنی۔

ذکراز حضرت احمد مرسل[23] صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم۔

ذکراز سید احمد کبیر[25] بخاری

ذکراز احمد[27] ارقم۔

ذکراز احمد[29] زرونده۔

ذکراز احمد[31] جرجانی۔

ذکراز احمد[33] روئینہ گر۔

ذکراز سلطان بایزید بسطامی۔

ذکراز خلف ایوب[2]۔

ذکراز عزہ منیرہ[4]۔

ذکراز خواجہ معروف کرخی[6]۔

ذکراز خواجہ ابوتراب نخشبی[8]

ذکراز خواجہ سفیان ثوری[10]۔

ذکراز بی بی فاطمة الزهرا[12] رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

ذکراز بی بی عائشہ صدیقہ[14] رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

ذکراز بی بی قبطیہ[16] رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

ذکراز بی بی زینب[18] رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔

ذکراز امام (علی) موسیٰ رضا[20] رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔

ذکراز مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت۔

ذکراز سلطان سید جلال بخاری۔

ذکراز امام احمد[24] حنبل۔

ذکراز احمد[26] جام۔

ذکراز احمد[28] شویکی۔

ذکراز احمد[30] اسحاق

ذکراز احمد[32] خضرویہ۔

ذکراز سلطان سید محمود ناصرالدین بخاری۔

ذکراز سلطان ابوسعید ابوالخیر۔

۱تا ۳۳۔ این سی وسہ نام ف ندارد۔

ذکر از سلطان ابراهیم ادهم.

ذکر از سلطان نوح بن منصور (سامانی).

ذکر از سلطان سنجر ماضی (سلجوقی).

ذکر از حکیم نصیر الدین.

ذکر از سلطان محمود غزنوی

ذکر از شیخ محی الدین ابومحمد عبدالقادر جیلانی.

ذکر از حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلّم.

ذکر از امیر عمر فاروق، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از امیر علی مرتضی، کرم الله تعالی وجهه.

ذکر از امیر سید حسین، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از امام سید محمد باقر، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از امام سید موسی کاظم، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از شیخ معروف کرخی.

ذکر از شیخ سری سقطی.

ذکر از شیخ ابوبکر عبدالله شبلی.

ذکر از شیخ احمد بن عبدالعزیز.

ذکر از شیخ ابوسعید ابوالخیر.

ذکر از شیخ عبدالله (یافعی).

ذکر از شیخ علی حسینی.

ذکر از سلطان اسمعیل سامانی.

ذکر از سلطان محمود غزنوی.

ذکر از شیخ شهاب الدین (ابوحفص عمر بن محمد) السهروردی

ذکر از حکیم شهاب الدین[1] (بن عبدالکریم هندی).

ذکر از حکیم شهاب الدین بن عبدالکریم هندی.

ذکر از امیر ابی بکر صدیق، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از امیر عثمان ذی النورین، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از امیر سید حسن، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از امام سید علی زین العابدین، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از امام سید جعفر صادق، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از امام سید علی (بن) [۱۰ب] موسی رضا، رضی الله تعالی عنه.

ذکر از شیخ جنید بغدادی.

ذکر از شیخ ابوالعباس.

ذکر از شیخ یوسف (بن شیخ یونس).

ذکر از شیخ عبدالرزاق (قادری).

ذکر از شیخ احمد (بن شیخ جعفر) حسینی.

ذکر از شیخ محمد قادری (حسنی).

۱- این نام ف ندارد.

ذکراز سلطان سید جلال بخاری.
ذکراز مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.
ذکراز مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.
ذکراز شیخ عبدالرؤف.
ذکراز قاضی قاضن.
ذکراز شیخ ظهور حاجی حضور.
ذکراز سید حاجی حمید نظام الدین بخاری.
ذکراز سید حامد بن سید شکر الله (بخاری).
ذکراز سید جلال بن سید داؤد (بخاری).
ذکراز سید عثمان بن سید داؤد بخاری.
ذکراز مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.
ذکراز شیخ شهاب الدین (ابوالفتح یحییٰ) مقتول السهروردی.
ذکراز حضرت محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه وآله وسلم.
ذکراز حضرت آدم[3]، علیه السلام.
ذکراز شیث[5]، علیه السلام.
ذکراز ادریس[7]، علیه السلام.
ذکراز اسمٰعیل[9]، علیه السلام.
ذکراز یعقوب[11]، علیه السلام.
ذکراز صالح[13]، علیه السلام.

ذکراز سید احمد کبیر بخاری.
ذکراز مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.
ذکراز شیخ عبدالقادر صدیقی.
ذکراز شیخ عبدالله شطاری.
ذکراز شیخ ابوالفتح.
ذکراز (حاجی حمید معروف به) شیخ محمد غوث.
ذکراز سید شکر الله بخاری.
ذکراز سید علم الدین بن سید حامد (بخاری).
ذکراز سید علم الدین بن سید حامد بخاری.
ذکراز سید باقر بن سید عثمان بخاری.
ذکراز مخدوم شیخ بهاء الدین (زکریای ملتانی).
ذکراز خواجه احمد حقانی.
ذکراز (بی بی) حوا[2]، رضی الله تعالیٰ عنها.
ذکراز هابیل[4]، علیه السلام.
ذکراز نوح[6]، علیه السلام.
ذکراز ابراهیم[8]، علیه السلام.
ذکراز اسحاق[10]، علیه السلام.
ذکراز هود[12]، علیه السلام.
ذکراز یوسف[14]، علیه السلام.

۱تا ۱۴- این چهارده نام ف ندارد.

ذکر از موسیٰ[۱]، علیه السلام.

ذکر از یوشع[۳]، علیه السلام.

ذکر از یونس[۵]، علیه السلام.

ذکر از الیاس[۷]، علیه السلام.

ذکر از ذو الکفل[۹]، علیه السلام.

ذکر از داؤد[۱۱]، علیه السلام.

ذکر از زکریا[۱۳]، علیه السلام.

ذکر از شعیب[۱۵]، علیه السلام.

ذکر از دانیال[۱۷]، علیه السلام.

ذکر از شعبان[۱۹]، علیه السلام

ذکر از شمعون[۲۱]، علیه السلام.

ذکر از حضرت محمد[۲۳] مصطفیٰ، صلی الله علیه وآله وسلم.

ذکر از امیر عمر فاروق[۲۵]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امیر علی[۲۷] ابن ابی طالب، کرم الله وجهه.

ذکر از زبیر عوام[۲۹]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از حمزه بن عبد المطلب[۳۱]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از سعد بن (ابی) وقاص[۳۳]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از ابا عبیده بن الجراح[۳۵]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امیر حسین[۳۷]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از سید علی اکبر[۳۹]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از هارون[۲]، علیه السلام.

ذکر از ایوب[۴]، علیه السلام.

ذکر از خضر[۶]، علیه السلام.

ذکر از ذوالیسع[۸]، علیه السلام.

ذکر از لوط[۱۰]، علیه السلام.

ذکر از سلیمان[۱۲]، علیه السلام.

ذکر از یحییٰ[۱۴]، علیه السلام.

ذکر از ارمیاه[۱۶]، علیه السلام.

ذکر از عزیر[۱۸]، علیه السلام.

ذکر از جرجیس[۲۰]، علیه السلام.

ذکر از عیسیٰ[۲۲]، علیه السلام.

ذکر از امیر ابوبکر صدیق[۲۴]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امیر عثمان[۲۶] بن عفان، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از طلحه بن عبد الله[۲۸]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از عبد الرحمٰن بن عوف[۳۰]، رضی الله تعالیٰ عنه

ذکر از عبد الله بن عباس[۳۲]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از سعید[۳۴] (بن زید)، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امیر حسن[۳۶]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید علی زین العابدین[۳۸]، رضی الله تعالیٰ عنه.

---

۱ تا ۳۹ - این سی و نه نام ف ندارد.

ذکر از سید علی اصغر[۱]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید محمد باقر[۲]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید جعفر صادق[۳]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید موسیٰ کاظم[۴]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید علی بن موسیٰ رضا[۵]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید محمد تقی[۶]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید علی نقی[۷]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید حسن عسکری[۸]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امام سید محمد مهدی[۹]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از وهب بن منبه[۱۰]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از ابوهریره[۱۱]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از ابی بن کعب[۱۲]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از معاذ بن جبل[۱۳]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از ابودردا[۱۴]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از سلمان فارسی[۱۵]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از ابو دجانه انصاری[۱۶]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از عبدالله بن مسعود[۱۷]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از بلال حبشی[۱۸]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از شهرخ چشتی[۱۹] (رحمة الله علیه).

ذکر از ابو ایوب انصاری[۲۰]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از انس بن مالک[۲۱]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از حسین رومی[۲۲] (رحمة الله علیه).

ذکر از هلال زنگی[۲۳]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از ابو موسیٰ اشعری[۲۴]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از حذیفه یمانی[۲۵]، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از بی بی خدیجة الکبریٰ[۲۶]، رضی الله تعالیٰ عنها.

ذکر از بی بی فاطمة الزهرا[۲۷]، رضی الله تعالیٰ عنها.

ذکر از بی بی عائشه صدیقه[۲۸]، رضی الله تعالیٰ عنها.

ذکر از خواجه حسن بصری[۲۹].

ذکر از خواجه بایزید بسطامی[۳۰].

ذکر از امام اعظم ابوحنیفه کوفی[۳۱].

ذکر از امام ابو یوسف قاضی[۳۲].

ذکر از امام احمد حنبل[۳۳].

ذکر از امام عبدالله بن مبارک[۳۴].

ذکر از امام زفر[۳۵].

ذکر از امام ادریس شافعی[۳۶].

ذکر از امام مالک[۳۷] بن انس.

ذکر از حاتم اصم کوفی[۳۸].

ذکر از (شیخ) حاتم اختم[۳۹].

ذکر از (شیخ) صالح مری[۴۰].

ذکر از (شیخ) ابوتراب نخشبی[۴۱].

---

۱ تا ۴۱- این چهل و یک نام ف ندارد.

ذکر از شیخ ذوالنون مصری۔[1]

ذکر از شیخ سری سقطی۔[2]

ذکر از شیخ جنید بغدادی۔[3]

ذکر از شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی۔[4]

ذکر از شیخ ابوبکر شبلی۔[5]

ذکر از شیخ ابواسحاق کازرونی۔[6]

ذکر از شیخ ابراہیم خواص۔[7]

ذکر از شیخ ابراہیم مقدس۔[8]

ذکر از شیخ ابراہیم ادھم۔[9]

ذکر از شیخ ابراہیم جنگلی۔[10]

ذکر از شیخ ابراہیم گوہر۔[11]

ذکر از خواجہ شقیق بلخی۔[12]

ذکر از خواجہ علی سیاہ پوش۔[13]

ذکر از خواجہ اویس قرنی۔[14]

ذکر از خواجہ ابوالقاسم قشیری۔[15]

ذکر از خواجہ ابومسلم بخاری۔[16]

ذکر از خواجہ ابوسعید ابوالخیر۔[17]

ذکر از شیخ حسین زنجانی۔[18]

ذکر از شیخ ثابت نیشاپوری۔[19]

ذکر از شیخ ربیع بن خثیم۔[20]

ذکر از شیخ داؤد طائی۔[21]

ذکر از شیخ علی کوکانی۔[22]

ذکر از شیخ ابوالحسن خرقانی۔[23]

ذکر از شیخ حبیب عجمی۔[24]

ذکر از شیخ ابوالحسن نوری۔[25]

ذکر از شیخ ابوبکر وراق۔[26]

ذکر از امام ابواللیث سمرقندی۔[27]

ذکر از شیخ ابوجعفر مندوانی۔[28]

ذکر از شیخ یحییٰ بن زکریا۔[29]

ذکر از شیخ شاہ شجاع کرمانی۔[30]

ذکر از شیخ بشر حافی۔[31]

ذکر از حسین بن منصور الحلاج۔[32]

ذکر از شیخ عمار یاسر۔[33]

ذکر از شیخ سہل بن عبداللہ تستری۔[34]

ذکر از خلف ایوب۔[35]

ذکر از شیخ قشیر گردیزی۔[36]

ذکر از شیخ یونس سجاوندی۔[37]

ذکر از شیخ علی ہجویری۔[38]

ذکر از شیخ عبدالسلام رضوانی۔[39]

ذکر از سعید بن مسیب۔[40]

ذکر از شیخ ابوبکر اصغر۔[41]

ذکر از شیخ یوسف ہمانی۔[42]

۱ تا ۴۲۔ ایں جہاں دہ نام شد ندارد۔

ذکر از شیخ اسمعیل شامی.[1]

ذکر از شیخ ابوالحسن طولانی.[3]

ذکر از شیخ شهاب الدین ابوحفص عمر بن محمد السهروردی.[5]

ذکر از امام ابوحامد محمد غزالی.[7]

ذکر از امام احمد غزالی.[8]

ذکر از شیخ نجم الدین کبری.[10]

ذکر از شیخ بهاء الدین زکریا (ی ملتانی).[12]

ذکر از مخدوم لعل شهباز (قلندر مروندی).[14]

ذکر از شیخ بهاء الدین زکریا (ی ملتانی).[16]

ذکر از مخدوم لعل شهباز (قلندر مروندی).[18]

ذکر از سلطان سید احمد کبیر بخاری.[20]

ذکر از شیخ صدر الدین (ملتانی).[22]

ذکر از شاه بدیع الدین شاه مدار.[24]

ذکر از رابعهٔ بصریه.[26]

ذکر از حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه وآله وسلم.

ذکر از نمرود.

ذکر از یعقوب، علیه السلام.

ذکر از ایوب علیه السلام.

ذکر از عیسی علیه السلام.

ذکر از حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم.

ذکر از آدم[28] علیه السلام.

ذکر از شیخ حمد محمد زوزنی.[2]

ذکر از سلطان محمود غزنوی.[4]

ذکر از شیخ شهاب الدین ابوالفتح یحیی مقتول السهروردی.[6]

ذکر از شیخ محی الدین محمد ابن العربی.[9]

ذکر از مولانا جلال الدین رومی.[11]

ذکر از سلطان سید جلال بخاری.[13]

ذکر از شیخ فرید شکر گنج.[15]

ذکر از سلطان سید جلال بخاری.[17]

ذکر از شیخ فرید شکر گنج.[19]

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.[21]

ذکر از شیخ رکن الدین (ملتانی).[23]

ذکر از شیخ عبدالجلیل بن عمر صدیقی.[25]

ذکر از رابعة العدویه.[27]

ذکر از ابراهیم، علیه السلام.

ذکر از یوسف علیه السلام.

ذکر از سلیمان، علیه السلام.

ذکر از مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.

ذکر از سید شرف الدین شهیدی.

ذکر از (بی بی) حوا[29] رضی الله تعالی عنها.

---

۱ تا ۲۹ - اینها بیست و نه نام ف ندارد.

ذکر از آدم[1] علیه السلام

ذکر از کعب الاحبار[3]

ذکر از (بی بی) حوا رضی اللہ تعالیٰ عنہا.

ذکر از (بی بی) زلیخا.

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت.

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت.

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت[6].

ذکر از (حاجی حمید معروف بہ) شیخ محمد غوث.

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت.

ذکر از نظامی (گنجوی)[7].

ذکر از سید اشرف جہانگیر سمنانی[9].

ذکر از خواجہ ابو احمد چشتی[11].

ذکر از خواجہ قطب الدین بختیار اوشی[13].

ذکر از شیخ حسام الدین مانک پوری[15].

ذکر از شیخ فرید شکر گنج[17].

ذکر از شیخ فرید شکر گنج[19].

ذکر از شیخ فرید شکر گنج[21].

ذکر از حضرت رسول[22] صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم.

ذکر از خواجہ عثمان هارونی[24].

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت.

ذکر از (بی بی) حوا[2] رضی اللہ تعالیٰ عنہا.

ذکر از آدم[3] علیہ السلام.

ذکر از حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم[4].

ذکر از یوسف علیہ السلام.

ذکر از مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت.

ذکر از ابن عباس[5] رضی اللہ تعالیٰ عنہ.

ذکر از شیخ عبدالرحمن علوی عباسی چشتی.

ذکر از شیخ شرف الدین[8] (احمد ابن یحییٰ) منیری.

ذکر از حضرت رسول[10] صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم.

ذکر از شیخ فرید الدین مسعود شکر گنج اجودھنی[12].

ذکر از شیخ فرید شکر گنج[14].

ذکر از شیخ فرید شکر گنج[16].

ذکر از شیخ فرید شکر گنج[18].

ذکر از حضرت رسالت پناہ[20] صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم.

ذکر از خواجہ معین الدین چشتی[23].

ذکر از سید ابو عبد اللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی[25].

ذکر از سید یوسف ماوراء النهری.

ا تا ۲۵ - این بیست و پنج نام ف ندارد.

ذکر از سید یوسف ماوراءالنهری.

ذکر از مخدوم سید جلالِ جهانیان جهانگشت.

ذکر از سید فیض الله بخاری.

ذکر از (حاجی حمید معروف به) شیخ محمد غوث گجراتی.

ذکر از شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برهان پوری.

ذکر از مولانا قطب الدّین محمّد.

ذکر از مخدوم سید جلالِ جهانیان جهانگشت.

ذکر از (سید شاه محمّد بخاری ملقب به) شاه عالم[۲]

(۹۸) ذکر از سید جلال بن سید داؤد بخاری.

ذکر از شیخ رکن الدّین قریشی

ذکر از امیر عمرؓ رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امیر علیؓ، کرم الله وجهه.

ذکر از سید عبدالرّزاق قادری.

ذکر از شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی.

ذکر از امام (ابو حامد) محمّد غزالی.

ذکر از شیخ بایزید بسطامی.

ذکر از شیخ جنید بغدادی.

ذکر از حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه و آله وسلم.

ذکر از سلطان سید جلال الدّین بخاری.

ذکر از مخدوم سید جلالِ جهانیان جهانگشت.

ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری.

ذکر از شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی.

ذکر از مولانا علاء الدّین احمد.

ذکر از (سید برهان الدّین بخاری ملقب به) قطب عالم.[۱]

ذکر از سید جلال بن سید داؤد بخاری.

ذکر از سید یوسف بن سید داؤد بخاری.[۲]

ذکر از امیر ابوبکر صدیقؓ رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از امیر عثمانؓ رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از شیخ اویس قرنی.

ذکر از شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی.

ذکر از شیخ بایزید بسطامی مع الحکایت.

ذکر از شیخ بایزید بسطامی.

ذکر از امام (ابوحامد محمّد) غزالی.

ذکر از شیخ داؤد طائی.

ذکر از شیخ محی الدّین عبدالقادر جیلانی.

ذکر از مخدوم سید جلالِ جهانیان جهانگشت.

ذکر از حضرتِ پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم.

۱تا۶- این شش نام ف ندارد. ۲- از این جا نام ها در نسخه های ب و ج بار دیگر شروع شده.

ذکر از زید بن ثابت ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
ذکر از سلطان سید احمد کبیر بخاری ۔
ذکر از شیخ حسن بصری ۔
ذکر از سید عثمان بن سید داؤد بخاری ۔
ذکر از سید یعقوب بن سید علی ۔
ذکر از عمر (ابن الخطاب) ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
ذکر از ابی ہریرہ ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
ذکر از (امام) حسن بن علی ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
ذکر از عبدالرحمن (علوی عباسی) چشتی ۔ (۸ب)
ذکر از سید داؤد بن سید شکراللہ بخاری ۔
ذکر از امام حسن بن علی العسکری ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
ذکر از امیر علی[۱] ، کرم اللہ وجہہ۔
ذکر از امیر علی[۳] ، کرم اللہ وجہہ۔
ذکر از ہلاکو خان بن تولی خان بن چنگیز خان[۵]
ذکر از علی ابن ابی طالب[۷] (کرم اللہ وجہہ)۔
ذکر از (امام) حسن[۹] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) علی زین العابدین[۱۱] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) جعفر صادق[۱۳] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) علی بن موسیٰ الرضا[۱۵] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) علی نقی[۱۷] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) محمد مہدی[۱۹] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔

ذکر از عبدالرحمن بن عوف ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
ذکر از سید محمود ناصرالدین بخاری ۔
ذکر از شیخ معروف کرخی ۔
ذکر از سید احمد بن سید کمال الدین بخاری ۔
ذکر از (امیر) علی ابن ابی طالب رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
ذکر از عمر (ابن الخطاب) رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
ذکر از (شیخ) حسن البصری ۔
ذکر از سید جلال بن سید داؤد بخاری ۔
ذکر از شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی ۔
ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری ۔
ذکر از خواجہ نصیرالدین طوسی ۔
ذکر از خواجہ نصیرالدین طوسی[۲]
ذکر از چنگیز خان[۴]
ذکر از حضرت[۶] محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ۔
ذکر از (بی بی) فاطمۃ الزہرا[۸] (رضی اللہ تعالیٰ عنہا)۔
ذکر از (امام) حسین[۱۰] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) محمد باقر[۱۲] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) موسیٰ الکاظم[۱۴] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) محمد تقی[۱۶] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از (امام) حسن العسکری[۱۸] (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
ذکر از سید ورایہ بن سید عثمان بخاری ۔

ا تا ۱۹ ۔ این نوزدہ نام ف ندارد ۔

ذکر از ابابکر صدیق، رضی الله تعالیٰ عنه.

ذکر از سید شاه محمد بخاری. [۱۱ب]

ذکر از حضرت پیغمبر، صلی الله علیه و آله وسلم.

ذکر از سید شاه محمد بخاری.

ذکر از امام سید حسین، رضی الله تعالیٰ عنه.

(۱۹) ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری.

ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد (قتال)، بخاری.

ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری.

ذکر از محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی.

ذکر از سید درایه بن سید عثمان بخاری.

ذکر از شیخ شرف الدین احمد بن یحیٰی منیری.

ذکر از ابوجهل.

ذکر از امیر علی، کرم الله وجهه.

ذکر از سلطان سید جلال بخاری.

ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری.

ذکر از سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری.

ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری.

ذکر از سید باقر بن سید عثمان بخاری.

فهرست جواهرالاولیا تمام شد

فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری، قدس الله سره، عدد اسمای شریفهٔ سادات و علما و اولیا که در مجلس حضرت محمد مصطفیٰ، صلی الله علیه و آله وسلم، ملاقات شده، و در این کتاب جواهرالاولیا از ایشان منقول و شنیده جمع کردم، و آن این است: جمله ۱۱۶۷ یک هزار و یک صد و شصت و هفت است. والله اعلم بالصواب.

عدهٔ نامهای سادات و علما و اولیا (و اشخاص دیگر) علاوه بر نام های حضرت رسول اکرم و سید باقر بن سید عثمان بخاری (مؤلف جواهرالاولیا) و محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی کاتب اصل جواهرالاولیا)، به ترتیب جواهر کتاب بدین طریق ۱۱۶۷ آمده است:

جواهر اول = ۴۸۴

جواهر دوم = ۲۳۵

جواهر سوم = ۱۳۸

جواهر چهارم = ۶۰

جواهر پنجم = ۲۵۰

جمیع کل = ۱۱۶۷

فہرستِ نامہا در ضمیمۂ کتاب جواہر الاولیا

حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم۔
بی بی فاطمہ، رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔
امیر حسین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
امام حسن، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
امام (علی) زین العابدین (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
امام جعفر صادق (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
امام علی (بن) موسیٰ رضا (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
امام علی نقی (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
امام محمد مہدی، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
بی بی فاطمۃ الزہرا، رضی اللہ تعالیٰ عنہا۔
عبداللہ بن حسین بن امیر علی، کرم اللہ وجہہ۔
عبیداللہ بن حسن بن امیر علی، کرم اللہ وجہہ۔
قاسم بن حسن بن امیر علی، کرم اللہ وجہہ۔
حسین بن حسن بن (امام) علی زین العابدین۔
قاسم بن امام علی زین العابدین۔
علی بن امام محمد باقر۔
عبداللہ بن امام جعفر صادق۔
محمد یحییٰ ھادی بن امام جعفر صادق۔
سید حسین صالح بن امام موسیٰ کاظم۔
طیب بن امام علی (بن) موسیٰ رضا۔

(امیر المؤمنین) علی، کرم اللہ وجہہ۔
امیر المؤمنین حسن، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
امام علی مرتضیٰ، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
امام حسین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔
امام محمد باقر (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
امام موسیٰ کاظم (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
امام محمد تقی (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
امام حسن عسکری (رضی اللہ تعالیٰ عنہ)۔
محمد محسن اکبر بن امیر علی، کرم اللہ وجہہ۔
خالد بن ولید۔
طلحہ بن عامر۔
عبید بن ارزق۔

منصور بن احمد بن یزید بن معاویہ۔
عسدی بن یزید بن معاویہ۔
احمد منصور دمشقی۔

عبداللہ بن محمود کوفی۔
یوسف بن ابراہیم بن احمد (دمشقی)۔
عثمان دمشقی۔

سید جعفر بن امام محمد تقی.

جعفر بن امام حسن عسکری.

هاشم بن محمد هادی (محمد هاشم بن امام علی نقی الهادی).

عبدالرشید.

عبدالمجید.

عبدالجبار.

عبدالقادر.

امام حسن (رضی الله تعالی عنه).

خواجه حسن بصری.

حضرت رسالت پناه، صلی الله علیه وآله وسلم.

خواجه حسن بصری.

خواجه عبدالواحد بن زید.

شیخ حبیب عجمی.

سید ابوعبدالله علاء الدین بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی.

یوسف بن ابراهیم (بن احمد) دمشقی.

محمد ناصر دمشقی.

عبدالکریم.

عبدالرحیم.

عبدالستار.

عبدالرزاق.

امام حسین (رضی الله تعالی عنه).

خواجه کمیل زیاد.

امیر علی، کرم الله وجهه.

شیخ حبیب عجمی.

مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت.

خواجه عبدالواحد بن زید.

شیخ محی الدین (عبدالقادر جیلانی).

نام ها در اضافه با اصل کتاب جواهر اولیا

سید باقر بن سید عثمان بخاری.

سید حاجی حمید نظام الدین بخاری.

سید شکرالله بخاری.

مخدوم سید جلال جهانیان دجهانگشت).

عدهٔ نام های سادات وعلما و اولیا (واشخاص دیگر) با نام های حضرت رسول اکرم و سید باقر بن سید عثمان بخاری ومحمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی (کاتب اصلی جواهر الاولیا) و با نام های اشخاصی که در فهرست نام ها مرتبهٔ محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی افتاده است، بترتیب جواهر کتاب وضمیمه واضافه بدین طریق ۱۶۶۰ آمده است:

جواهر اول	=	۵۱۲
جواهر دوم	=	۲۴۸
جواهر سوم	=	۱۳۰
جواهر چهارم	=	۷۵
جواهر پنجم	=	۶۱۶
ضمیمه	=	۶۵
اضافه	=	۴
جمع کل	=	۱۶۶۰

فهرست ها

۱ـ فهرستِ نامهای شخص ها و خانواده ها و سلسله ها

۲ـ فهرستِ نامهای کتاب ها و رساله ها

۳ـ فهرستِ سورة های قرآنِ حکیم به ترتیبی که در قرآنِ حکیم آمده

۴ـ فهرستِ نامهای جاها

۱- فهرست نامهای شخص ها و خانواده ها و سلسله ها

آ

آدمؑ (رک: ابوالبشر) ۲، ۳۳، ۱۰۵، ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۱۰، ۲۲۵، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۰، ۳۷۵، ۳۹۳–۴۹۶، ۵۳۶، ۵۶۵، ۵۸۷، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۶

آل ابراهیمؑ ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۸۶، ۳۶۸

آل پیغمبر (رک: آل محمدؐ) ۵۵۲، ۵۵۵

آل محمدؐ (رک: آل پیغمبر) ۱۲۳، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۶۱، ۲۶۸–۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱–۲۸۶، ۲۸۸–۲۹۰، ۲۹۲، ۳۰۳، ۳۱۰، ۳۷۴، ۴۰۳، ۴۱۳، ۴۱۸، ۴۲۳، ۴۴۶، ۴۷۱، ۵۱۰، ۵۱۹، ۵۲۶

آنحضرت (رک: محمدؐ) ۱۸، ۲۲۷، ۳۰۰، ۳۳۲

ا

اباالقاسم (رک: محمدؐ) ۵۳۶

ابراهیمؑ ۲۲۵، ۲۷۸، ۲۸۳–۲۸۶، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۷–۳۶۹، ۳۸۳، ۳۸۸، ۴۰۱، ۴۷۵، ۴۸۸، ۶۰۱، ۶۰۵

ابراهیم تیمی ۳۵۹، ۳۶۰

ابن ابی الحدید ۱۰۰، ۵۸۰

ابن الاثیر (رک: مبارک بن محمد) ۸۵، ۵۷۷

ابن الحاجب جمال الدین ابوعمرو عثمان بن یونس المصری المالکی (رک: جمال الدین ابوعمرو عثمان بن یونس المصری المالکی) ۳۵، ۵۷۲.

ابن الحجر ۱۲۱

ابن الصلاح (رک: شیخ تقی الدین) ۸۶

ابن المطرحلی ۱۰۰، ۳۰۷، ۵۸۰

ابن النجیم (رک: زین الدین) ۴۱

ابن الہمام (رک: شیخ کمال الدین)۔ ۶۴
ابن ذکوان (رک: امام قاری ابوعمرو عبداللہ بن احمد
بن بشیر بن ذکوان القریشی الدمشقی)۔ ۷۱، ۷۲
بن سینا (رک: شیخ ابوعلی حسین بن عبداللہ بن حسن بن علی
بن سینا) ۴۴، ۷۸۔
ابن عباسؓ ۱۰۶، ۱۰۷، ۳۳۲، ۳۳۴، ۴۹۹،
۵۹۵، ۵۹۸، ۶۰۶
ابن عطاء اللہ اسکندری ۸۳، ۵۷۷
ابن عمر ۳۵۵، ۵۹۷
ابن ماجہ قزوینی ۸۴، ۵۷۷
ابن مالک نحوی ۷۷، ۵۷۶
ابن مسعود ۱۹۶، ۳۶۱، ۵۹۷
ابن مقلہ ۱۷۶، ۵۸۶
ابوالبرکات حافظ الدین عبداللہ بن احمد نسفی حنفی (رک:
نسفی و حافظ الدین ابوالبرکات نسفی) ۶۱،
۳۶۱، ۵۷۱
ابوالبرکات سراج الدین شاہ سید محمد ملقب بہ شاہ عالم
بن برھان الدین ملقب بہ قطب عالم (رک:
شاہ عالم) ۱۷
ابوالبرکات مخدوم شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی (رک: شیخ
بہاء الدین زکریای ملتانی) ۱۳۹
ابوالبرکت شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برھان پوری ۱۳۲
ابوالبشر (رک: آدم ع) ۲۲۵، ۲۹۴
ابوالحسنؓ (رک: امیر علی بن ابی طالبؓ) ۵۳۷
ابوالحسن عبدری محدث ۸۵، ۵۷۷
ابوالحسن علی بن عمر البغدادی دارقطنی (رک: دارقطنی)
۸۵، ۵۷۷
ابوالحسین مسلم ابن الحجاج نیشاپوری ۸۴، ۵۷۷
ابوالرضا (رک: شیخ معمر، خواجہ ابوالرضا، بابا رتن ھندی
بن عبداللہ)۔ ۳۱
ابوالعباس محمد بن زید الیمانی النحوی مشہور بہ المبرد (رک: المبرد)
۷۶، ۵۷۶
ابوالعسر برھان الدین علی (رک: برھان الدین علی)
۶۸، ۵۷۵
ابوالفرج طبیب ۷۹، ۵۷۷
ابوالفضایل (رک: رکن الملت والدین سید حسن بن محمد بن
شرف شاہ الحسینی الاسترابادی الموصلی الشافعی)
۶۸
ابوالفضل کازرونی ۱۲۱، ۵۸۱
ابوالفضل کرمانی ۳۹۲، ۵۹۸
ابوالفضل محمد بن عمر بن خالد المدعو بہ کمال القریشی (رک:
کمال القریشی) ۱۶۹، ۵۸۶
ابوالقاسم جاراللہ محمود زمخشری علامہ (رک: زمخشری علامہ
۶۲، ۵۷۱
ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لحمی طبرانی
رک: طبرانی ۳۲۶

ابوالقاسم شاطبی (رک: شاطبی) ۴۰، ۵۵۱

ابوالقاسم محمد اکبر بن امیر علی (بن ابی طالبؓ معروف بہ) محمد حنفیہ (رک: محمد حنفیہؓ) ۴۳۶، ۵۹۸

ابوالمعالی عبد المالک جوینی امام الحرمین (رک: امام الحرمین) ۵۰

ابوالمنذر ہشام بن محمد بن السائب الکلبی ۱۰۰، ۵۸۰

ابوالموید موفق ابن احمد الخوارزمی معروف بہ خطیب خوارزم (رک: خطیب خوارزم) ۹۹

ابوالیسر علی پزدوی (رک: فخر الاسلام) ۶۸، ۵۷۵

ابوامامہ ۳۲۵

ابوایوب انصاری ۴۷۸، ۶۰۳

ابوبکر احمد بیہقی (رک: بیہقی) ۸۵، ۵۷۷

ابوبکر صدیقؓ (رک: الصدیق، امیر ابوبکر صدیقؓ) ۳۰، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۴۳، ۱۶۵، ۱۹۹، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۶۶، ۲۸۱، ۳۴۱، ۳۵۶، ۳۸۲، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۶۳، ۴۷۷، ۵۱۱، ۵۴۲، ۵۶۴، ۵۷۰، ۵۹۱، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۰۹

ابوجراح ۴۳۳، ۵۹۸

ابوجہل ۵۴۷، ۶۰۹

ابوحفص (رک: امام قاری ابوعمرو حفص بن سلیمان المغیرہ الاسدی الکوفی) ۶۰، ۷۲، ۵۷۱

ابوحنیفہ دینوری ۸۲، ۲۱۲، ۵۷۷، ۵۹۰

ابوداؤد سجستانی ۸۴، ۵۷۷

ابودجانہ انصاری ۴۳۳، ۴۷۸، ۵۹۸، ۶۰۳

ابودرداءؓ ۲۸۵، ۴۷۸، ۵۹۳، ۶۰۳

ابوذر انصاری ۴۳۸، ۵۹۹

ابوسعید نحوی سیرافی ۷۷، ۵۷۶

ابوطاہر کردہ ۹۷، ۵۷۹

ابوعبدالرحمٰن نسائی (رک: نسائی) ۸۵، ۵۷۷

ابوعبداللہ جلال الدین حسین بخاری مخدوم جہانیان جہانگشت (رک: مخدوم جہانیان جہانگشت و مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت) ۶۲

ابوعبداللہ دارمی (رک دارمی) ۸۴

ابوعبداللہ محمد بن اسمٰعیل بخاری ۶۱، ۸۴، ۵۷۱، ۵۷۷

ابوعبداللہ محمد بن سعید ۸۳، ۵۷۷

ابوعبیدہ بن الجراح ۲۲۵، ۲۶۶، ۴۳۳، ۴۷۷، ۵۹۸، ۶۰۲

ابوعلی ۳۲۶

ابوعلی ابن الہیثم ۸۲، ۵۷۷

ابوعلی الحسن بن علی معروف بہ قاضی التنوخی (رک: قاضی التنوخی) ۸۸

ابوعلی نحوی فارسی ۷۷، ۵۷۶

ابوعیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سورة الترمذی (رک: ترمذی) ۶۱، ۸۴، ۳۲۶، ۳۵۵، ۳۵۷، ۵۷۱، ۵۷۷

ابومحمد (رک: سید برہان الدین بخاری ملقب بہ قطب عالم. عبداللہ بن سید محمود ناصر الدین بن سید جلال مخدوم

جہانیان جہانگشت) ۱۷
ابومحمد حسین الفراء البغوی (رک: امام محی السنۃ ۱۴۲، ۱۴۴
ابومحمود محمد بن احمد عینی (رک: عینی) ۹۲، ۵۷۸
ابومسلم بن حجاج نیشاپوری ۲۱، ۵۷۱
ابومعشر بلخی منجم ۷۸، ۵۷۴
ابوموسیٰ اشعری ۲۷۸، ۶۰۳
ابونصر حماد بن اسمٰعیل جوہری ۱۱۳، ۵۸۰
ابونصر فراہی ۲۰۳، ۵۸۹
ابوہریرہؓ ۲۸۵، ۲۲۶، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۵۷، ۴۷۸، ۵۲۸، ۵۹۳، ۵۹۷، ۶۰۳، ۶۰۸
ابویعقوب سراج الدین یوسف سکاکی (رک: سکاکی) ۴۵، ۵۷۴
ابی الحسنینؓ (رک: امیر علی ابن ابی طالبؓ) ۵۳۶
ابی بکر صدیقؓ (رک: ابوبکر صدیقؓ) ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰
اُبی بن کعب ۲۷۸، ۶۰۳
احمدؐ (رک: محمدؐ) ۲۲۳، ۲۲۴، ۳۲۱، ۴۴۷، ۵۴۳، ۵۵۴
احمد ارقم ۴۴۷، ۵۹۹
احمد اسحاق ۴۴۸، ۵۹۹
احمد بن عبیداللہ المحبوبی البخاری ملقب بہ صدر الشریعۃ الاوّل (رک: صدر الشریعۃ الاوّل) ۴۸
احمد بن یحییٰ بن محمد بن سعدالدین مسعود بن عمر التفتازانی مشہور بہ شیخ الاسلام (رک: شیخ سیف الدین شہید ہروی و شیخ الاسلام) ۵۴، ۱۴۴، ۵۸۳
احمد جام ۴۴۸، ۵۹۹
احمد جرجانی ۴۴۸، ۵۹۹
احمد خضرویہ ۴۴۸
احمد (راوی) ۳۵۵
احمد روندہ ۴۴۷، ۵۹۹
احمد رُوئینہ گر ۴۴۸، ۵۹۹
احمد سوکی ۴۴۷، ۵۹۹
احمد مجتبیٰ (رک: محمدؐ) ۱۰
احمد مرسل (رک: محمدؐ) ۴۴۷، ۵۹۹
احمد منصور دمشقی ۵۵۷، ۶۱۰
اختیار بن غیاث الدین الحسینی ۷۵، ۳۰۰، ۵۷۶، ۵۹۳
اخفش (رک: سعید بن سعدہ نحوی) ۷۷
اختوخ ۲۲۵
آدو (اود) (از اسلاف حضرت رسولؐ) ۲۲۵
ادریسؑ ۲۲۵، ۴۰۱، ۴۷۵، ۶۰۱
ادوارد براؤن ۲۰۳
ادھمیان ۵۵۹
ارخشند ۲۲۵
ارمیاؑ ۴۷۶، ۶۰۲

ازواج محمدؐ ۲۷۸
اسحاق ۳۶۷، ۴۷۵، ۶۰۱
اسد اللہ الغالبؓ (رک : امیر علی بن ابی طالبؓ) ۴۲۶
اسماء بنت یزید (بن السکن) ۳۵۷، ۵۹۷
اسمٰعیل ۳۵۵، ۵۰۹
اسمٰعیلؑ ۳۶، ۲۲۵، ۳۴۲، ۳۶۷، ۴۰۱، ۴۷۵،
۶۰۱
اصحاب الکہف ۴۷۶
اصحاب محمدؐ ۲۷۸
اصمعی (رک : امام عبد الملک بن قریب) ۷۸، ۲۰۸
اعمش نحوی ۷۷، ۵۷۶
البتول (رک : بی بی فاطمۃ الزہراءؓ) ۵۱۴
البزازی (محمد بن محمد بن شہاب بن یوسف الکروی البریقینی
الخوارزمی (رک : محمد بن محمد بن شہاب بن یوسف
الکروی البریقینی الخوارزمی معروف بہ البزازی)۳۶۲
الجرجانی (رک میر سید شریف بن علی)۳۸
الحسین بن محمد المفضل معروف بہ امام راغب اصفہانی
(رک : امام راغب اصفہانی) ۸۲
الشاماتی (رک : شیخ الامام العلامہ احمد بن علی) ۶۰
السجاد (رک : امام سید علی زین العابدینؒ) ۵۱۴
الصدیقؓ (رک : ابوبکر صدیقؓ) ۳۸۲
الطبری (رک : شیخ محب الدین ابو جعفر احمد بن عبد اللہ بن
محمد بن ابی بکر) ۱۹۲
اُلغ بیگ گورگان ۲۰۳
الفاروقؓ (رک : عمر ابن خطابؓ) ۳۸۲
الفراء النحوی (رک : یحییٰ بن زیاد الاسلمی) ۷۶، ۵۷۶
المبرد (رک ابو العباس محمد بن زید الیمانی النحوی) ۷۶
المرتضیٰؓ (رک : امیر علی بن ابی طالبؓ) ۳۸۲
الوصیؓ (رک : امیر علی بن ابی طالبؓ) ۳۶، ۵۴۱
الیاسعؑ ۱۹۷، ۲۵۴، ۴۰۰، ۴۷۶، ۶۰۲
الیاس (از اسلاف حضرت رسولؐ) ۲۲۴
امام (ابراہیم بن عبد اللہ) الزاہدی (الجیلانی) (رک : امام
زاہدی) ۴۲
امام ابن کثیر ۶۳، ۵۷۲
امام ابو اللیث سمرقندی ۴۰، ۵۷۱، ۵۹۹، ۶۰۴
امام ابو بکر ۵۷۶
امام (ابو حامد) محمد غزالی ۳۳، ۳۶، ۳۹، ۵۰، ۸۳،
۲۰۷، ۲۸۸، ۳۵۷، ۳۵۸، ۴۸۱، ۵۱۴،
۵۱۶، ۵۷۳، ۵۸۸، ۵۹۷، ۶۰۵، ۶۰۷
امام ابو حنیفہ (کوفی نعمان بن ثابت) (رک : امام اعظم)
۱۲، ۴۰، ۳۰۶، ۳۰۷، ۴۷۹، ۵۷۱، ۵۹۴
امام ابو زید عبد اللہ بن عمر دبوسی ۱۹۹، ۵۸۸
امام (ابو عبد اللہ محمد بن) ادریس شافعی (رک : امام شافعی)
۳۰۳، ۴۷۹
امام ابو یوسف قاضی ۴۰، ۴۷۹، ۵۷۱، ۶۰۳
امام اجل ابی نصر محمد بن عبد الرحمٰن ۱۹۹، ۵۸۸

امام احمد حنبل ۳۰۲، ۴۴۷، ۴۷۹، ۵۹۳، ۵۹۹،
۶۰۳
امام احمد غزالی ۴۸۱، ۶۰۵
امام اعظم ابوحنیفہ (کوفی نعمان بن ثابت) (رک: امام
ابوحنیفہ کوفی نعمان بن ثابت) ۱۲، ۴۰، ۳۰۶،
۳۰۷، ۴۷۹، ۵۷۱، ۵۹۴، ۶۰۳
امام اعمش سلیمان بن مہران ۲۱۲، ۵۹۰
امام الباھلی ۱۹۴
امام الحرمین ابوالمعالی عبدالمالک جوینی (رک: ابوالمعالی
عبدالمالک جوینی) ۵۰، ۵۷۳
امامان (= دوازدہ امام) ۱، ۵۴۱
امام حسن بن علی العسکریؓ ۵۴۳، ۶۰۸
امام حمیدی الاندلسی (رک: محمد بن فتوح بن عبداللہ)
۸۵، ۵۷۷
امام راغب اصفہانی (رک: الحسین بن محمد المفضل)
۸۲، ۵۷۷
امام زادہ حنفی (رک: رکن الاسلام شیخ رکن الاسلام محمد بن
ابی بکر) ۵۵، ۵۷۳
امام زاہدی (رک: امام ابراہیم بن عبداللہ) ۴۲
امام زفر (بن الہزیل) ۴۰، ۴۷۹، ۵۷۱، ۶۰۳
امام (سید) جعفر صادقؓ ۶، ۱۰۵، ۱۷۷، ۲۶۷، ۳۰۷،
۳۹۲، ۴۴۱، ۴۶۴، ۴۷۷، ۵۳۸، ۵۴۱،
۵۴۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۶، ۵۸۰، ۵۹۲،
۵۹۸ـ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰
امام (سید) حسنؓ (رک: امام سید حسن المجتبیؓ، امیر حسنؓ، حسن
المجتبیؓ) ۷، ۱۶۱، ۲۲۵، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۵۷،
۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۸۴،
۳۰۷، ۳۱۱، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۹۲، ۴۱۹،
۴۳۵، ۴۶۳، ۴۷۷، ۵۲۸، ۵۳۲، ۵۳۳،
۵۳۷، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۵۲، ۵۵۶، ۵۵۸،
۵۶۶، ۵۹۱، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۸،
۶۱۰، ۶۱۱
امام سید حسن المجتبیؓ (رک: امام سید حسنؓ) ۱۶۱، ۲۶۹
امام (سید) حسن عسکریؓ ۷، ۳۰۷، ۴۷۸، ۵۳۹،
۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۶، ۵۶۷، ۶۰۳، ۶۰۸،
۶۱۰
امام (سید) حسینؓ (رک: امیر حسینؓ، شاہ شہیدان کربلا، شہید
دشت کربلا) ۶، ۱۷۷، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۴۲،
۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۸۴، ۲۹۳،
۳۰۷، ۳۱۱، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۹۲، ۴۲۶، ۴۳۵،
۴۶۳، ۴۶۷، ۵۲۴، ۵۳۲، ۵۴۲، ۵۳۸، ۵۴۴،
۵۴۶، ۵۴۸، ۵۵۲ـ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۸،
۵۶۶، ۵۹۱، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۸ـ۶۱۱
امام (سید) علی بن موسیٰ رضاؓ ۷، ۴۷، ۱۷۷، ۲۹۳،
۳۰۷، ۴۴۱، ۴۶۴، ۴۷۷، ۵۳۹، ۵۴۱،
۵۴۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۷، ۵۹۹

امام (سید) علی زین العابدین رض (رک: السجاد) ۶، ۱۷۷،
۲۶۶، ۲۹۳، ۳۰۷، ۴۴۲، ۴۶۴، ۴۷۷،
۵۳۸، ۵۴۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۶،
۵۹۱، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۸، ۶۱۰

امام (سید) علی نقی رض ۷، ۱۷۷، ۲۹۳، ۳۰۷، ۴۲۳،
۴۷۸، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶،
۵۶۷، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰

امام (سید) محمد باقر رض ۶، ۱۷۷، ۲۹۳، ۳۰۷، ۴۶۴،
۴۷۷، ۵۳۸، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۳، ۵۵۴،
۵۵۶، ۵۶۶، ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰

امام (سید) محمد تقی رض ۷، ۱۷۷، ۲۹۳، ۳۰۷، ۴۷۸،
۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶،
۵۶۷، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰

امام (سید) محمد مہدی رض (رک: صاحب الزمان) ۷، ۱۳، ۳۰۷،
۴۷۸، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۶، ۵۷۰،
۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰

امام (سید) موسیٰ کاظم رض ۶، ۱۷۷، ۲۹۳، ۳۰۷، ۴۴۱،
۴۶۴، ۴۷۷، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۴۴،
۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۷، ۶۰۰، ۶۰۳،
۶۰۸، ۶۱۰

امام (ادریس) شافعی (رک: ابوعبداللہ بن ادریس) ۳۰۳،
۴۷۹، ۶۰۳

امام شعبی (رک: شیخ عامر بن شراحیل حمیری) ۲۰۹

امام عاصم کوفی قاری ۳۹، ۴۰، ۵۷۱

امام عبداللہ یافعی ۱۱، ۳۵، ۲۷۴، ۴۶۷، ۵۷۰، ۶۰۰

امام عبداللہ بن مبارک ۴۷۹، ۶۰۳

امام عبدالملک بن قریب اصمعی (رک: اصمعی) ۷۸، ۲۰۸،
۵۷۶، ۵۸۹

امام فخر الدین رازی ۳۸، ۵۷۱

امام قاری ابو الحسن احمد البزی ملقب بہ بزی (رک: بزی)
۷۰، ۵۷۵

امام قاری ابوالحسن علی بن حمزہ الکسائی ۷۳، ۵۷۶

امام قاری ابو الولید ہشام بن عمار بن نصر بن آیات بن
میسرہ السلمی الدمشقی ملقب بہ ہشام (رک: ہشام)
۷۱، ۵۷۶

امام قاری ابوبکر عاصم بن ابی النجود کوفی ۷۲، ۵۷۶

امام قاری ابورویم بن عبدالرحمٰن بن ابی نعیم اصفہانی الاصل
مدنی الوطن ۶۹، ۵۷۵

امام قاری ابوسعید عثمان بن سعید المصری ملقب بہ ورش
(رک: ورش) ۶۹، ۷۰، ۵۷۵

امام قاری ابوشعیب صالح بن زیاد السوسی ملقب بہ سوسی
(رک: سوسی) ۷۱، ۵۷۵

امام قاری ابوعمارہ حمزہ بن حبیب عمارہ بن اسمٰعیل الزیات
۷۳، ۵۷۶

امام قاری ابوعمران عبداللہ بن العامر الیحصبی ۷۱، ۵۷۵

امام قاری ابوعمرو بن العلا المازنی البصری ۷۰، ۵۷۵

امام قاری ابوعمرو حفص بن سلیمان المغیرہ الاسدی الکوفی ملقب بہ ابوحفص (رک: ابوحفص) ۷۲، ۵۷۶
امام قاری ابوعمرو حفص بن عمر النحوی الدوری ملقب بہ دوری (رک: دوری) ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶
امام قاری ابوعمرو عبداللہ بن احمد بن بشیر بن ذکوان القریشی الدمشقی معروف بہ ابن ذکوان (رک: ابن ذکوان) ۷۱، ۷۲، ۵۷۵
امام قاری ابوعمرو محمد بن عبدالرحمٰن بن محمد بن خالد بن سعید بن جرح المکی ملقب بہ قنبل (رک: قنبل) ۷۰، ۵۷۵
امام قاری ابوعیسیٰ خلاد بن خالد ملقب بہ خلاد (رک: خلاد) ۷۳، ۵۷۶
امام قاری بومحمد بن ہشام التزار ملقب بہ خلف (رک: خلف) ۷۳، ۵۷۶
امام قاری ابوموسیٰ (کنیت عیسیٰ بن مینا المدنی ملقب بہ قالون (رک: قالون) ۶۹، ۷۰، ۵۷۵
امام قاری شعبہ بن ابی العباس (کنیت ابوبکر) ۷۲، ۵۷۶
امام قاری لیث ابوالحارث بن خالد بغدادی ملقب بہ لیث (رک: لیث) ۷۳، ۷۴، ۵۷۶
امام قاری معبد عبداللہ بن کثیر مکی ۷۰، ۵۷۵
امام مالک بن انس ۶۹، ۴۷۹، ۵۷۵، ۶۰۳
امام محمد بن حسن شیبانی (رک: شیبانی) ۴۰، ۵۷۱
امام محی الدین نووی شافعی (رک: نووی) ۵۲، ۹۳، ۵۷۳
امام محی السنۃ (ابومحمد حسین الفراء البغوی) (رک: ابومحمد حسین الفراء البغوی) ۴۲-۴۴، ۵۷۱، ۵۷۲
امام واحدی (ابوالحسن علی بن احمد) ۴۳، ۵۷۲
امیر ابو اسحاق شیرازی ۲۰۲، ۵۸۹
امیر ابوبکر صدیق رض (رک: ابوبکر صدیق رض) ۳۰
امیر احمد سامانی ۱۹۱، ۵۸۷
امیر اسمٰعیل سامانی ۱۹۱، ۴۴۸، ۶۰۰
امیر تیمور گورگان ۱۵۵، ۱۹۹، ۵۸۸
امیر حسن رض (رک: امام سید حسن رض) ۱۹۵
امیر حسین رض (رک: امام سید حسین رض) ۱۹۵
امیر خسرو دہلوی ۲۰۱، ۵۸۸
امیر عثمان بن عفان رض (رک: عثمان بن عفان رض) ۳۱، ۴۰، ۶۲
امیر علی بن ابی طالب رض (رک: علی بن ابی طالب رض) ۱۰۷، ۴۳۳، ۴۷۷، ۵۹۸، ۶۰۲
امیر عمر (بن خطاب رض) (رک: عمر بن خطاب رض) ۳۰
امیر قستان ۵۳۴
(امیر) نوح بن منصور سامانی ۴۴۸، ۶۰۰
امیرین (رک: امیر عمر رض و امیر علی رض) ۴۲۳

انس (بن مالکؓ) ۱۰۶، ۱۵۷، ۴۷۸، ۵۹۷، ۶۰۳

اورنگ زیب پادشاہ ۱۱، ۱۷، ۱۸،

اھل البیت ۵۵۴

ائمۂ اثنا عشر ۵۳۶

ایچی (رک: بہ سید صفی الدین) ۸۶

ایوبؑ ۴۷۶، ۴۸۸، ۶۰۲، ۶۰۵

ب

باباحسن ابدال ۹۰، ۵۷۸

بابا رتن ھندی بن عبداللہ (رک: شیخ معمرّ ابوالرضا، خواجہ ابوالرضا) ۳۱، ۵۷۰

باذان بن ساسان (پادشاہِ یمن) ۲۱۲، ۵۹۰

بخاریان ۱۲۲

برقلیطس ۲۲۴

برہان الدین علی (رک: ابوالعسر) ۶۸

برہان الشریعۃ محمود بن احمد بن عبیداللہ المحبوبی النیسابوری ملقب بہ صدر الشریعۃ الاوّل (رک: محمود بن احمد بن عبیداللہ المحبوبی النیسابوری ملقب بہ صدر الشریعۃ الاوّل) ۳۸

بریدہ (بن الحصیب) ۳۵۷، ۵۹۷

بزی (رک: امام قاری ابوالحسن احمد البزی) ۷۰

بکر بن محمد المازنی البصری نحوی ۵۷۶

بلال حبشی ۴۷۸، ۶۰۳

بنتِ رسول اللہؐ (رک: بی بی فاطمۃ الزہراؓ) ۵۳۷

بہاء الدین گودریہ ۸۰، ۵۷۷

بہاول شاہ ملتانی (رک: شیخ بہاء الدین) ۲۹۷

بی بی حواؑ (رک: حواؑ) ۲، ۳۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۳۰۳، ۴۷۵، ۴۹۳-۴۹۶، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۶

(بی بی) خدیجۃ الکبریٰؓ (رک: خدیجۃ الکبریٰؓ) ۲۶۶، ۴۲۰، ۴۷۸، ۵۹۹، ۶۰۳

بی بی رقیہؓ (رک: رقیہؓ) ۴۴۱، ۵۹۹

(بی بی) زلیخا (رک: زلیخا) ۴۹۵، ۶۰۶

بی بی زینبؓ (رک: زینبؓ) ۴۴۱، ۵۹۹

بی بی زینب (بنتِ شیخ شکراللہ معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ متن بن شیخ مراد قادری). (رک: زینب بنت شیخ شکراللہ معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ متن بن شیخ مراد قادری) ۴۷

بی بی عائشۂ صدیقہؓ (رک: عائشہ صدیقہؓ) ۴۴۰، ۴۷۹، ۵۹۹، ۶۰۳

بی بی فاطمۃ الزہراؓ (رک: البتول، بنتِ رسول اللہؐ، خاتونِ قیامت، سرور النسا، سیدۃ النسا، قرۃ عین الرسولؐ) ۲۳۴، ۲۶۶، ۳۰۷، ۳۲۹، ۳۹۲، ۴۷۹، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۹۹، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰

بی بی قبطیہؓ (رک: قبطیہؓ) ۴۴۰، ۵۹۹

بی بی کلثومؓ (رک: کلثومؓ) ۴۴۰، ۵۹۹

بی بی میمونہؓ (رک: میمونہؓ) ۲۲۰، ۵۹۹
بیرونی (رک: حکیم ابوریحان بیرونی) ۷۹
بیضاوی (رک: قاضی ناصرالدین ابواسعد عبداللہ شہید شافعی)
۶۱
بیہقی (رک: ابوبکر احمد) ۸۵

پ

پیر لیلی ۲۱۶، ۵۹۱
پزدوی (رک: فخرالاسلام ابوالیسر علی پزدوی) ۶۸
پنج تن پاک ۱۹۱، ۴۹۲، ۵۳۲، ۵۵۵
پیرانِ اخوانیہ ۵۰۸
پیرانِ بخاریان ۲، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۹۲، ۲۹۶، ۵۰۳،
۵۰۸، ۵۴۶، ۵۹۱
پیرانِ چشت ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۵
پیرانِ قادریان ۵۰۳
پیر بابو شہید ۳۳۰، ۵۹۵
پیر جندہ پاتری ۳۲۸، ۵۹۵
پیر چتہ بن آمر ۹۳، ۵۷۹
پیرِ دست گیر قادری (رک: شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی)
۲۴۵
پیر شاہی ۹۳، ۵۷۹
پیر عباس ۹۳، ۵۸۹
پیر غیب ۳۲۹، ۵۹۵
پیر فرید ۹۴، ۵۷۹
پیر کمال ۳۳۰، ۵۹۵
پیر لاکہ کلال ۹۴، ۵۷۹
پیر محمود ۹۴، ۵۷۹
پیر مسکین شہید ۳۳۰، ۵۹۵
پیر منیہ ۳۳۰، ۵۹۵
پیغمبر مصطفیٰؐ (رک: محمدؐ) ۵۵۲

ت

تاج الشریعۃ (عمر بن احمد بن عبیداللہ المحبوبی البخاری ملقب بہ
صدرالشریعۃ الاوّل) (رک: شیخ تاج الشریعۃ) ۳۸
تارخ (آذر) (از اسلاف حضرت ابراہیمؑ) ۲۲۵
ترمذی (رک: ابوعیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سورۃ الترمذی) ۶۱،
۸۴، ۲۲۶، ۲۵۵، ۳۵۷
تیمم تغلق ۲۹۲
تیرح ۲۲۵

ث

ثابت بن قرہ حکیم ۷۵، ۵۷۶

ج

جابر بن عبداللہ ۱۹۵، ۲۸۶، ۵۹۳
جام تماچی ۸۸، ۵۷۸
جام سکندر ۲۱۳، ۵۹۰
جرجیسؑ ۴۷۷، ۶۰۲
جعفر بن امام سید حسن عسکریؓ ۵۵۸، ۶۱۱
جلال الدین حمزہ بن علی (رک: شیخ آذری) ۲۰۶

جمال الدین ابوعمرو عثمان بن یونس المصری المالکی ۴۵

جمال الدین ہشام نحوی ۷۸، ۵۷۶

جنیدیان ۵۵۹

چ

چراغ دہلی (رک: شیخ نصیر الدین محمود) ۱۱، ۳۳

چشتیان ۵۵۹

چنگیز خان ۵۲۴، ۶۰۸

چہار پیر ۵۵۸

چہاردہ خانوادہ ۴۹۲، ۵۵۸، ۵۵۹

چہاردہ معصوم ۳۰۶، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۸

ح

حاجی بہاء الدین ۳۳۰، ۵۹۵

حاجی بہاء الدین یزدوی ۲۸۴، ۴۸۶، ۵۹۸

حاجی خلیفہ (رک: مصطفیٰ بن عبداللہ) ۱۰۶

حاجی شریف ۱۵۲، ۵۸۴

حافظ المغربی (رک: عبدالرحمن بن عبداللہ بن محمد بن احمد) ۷۸، ۵۷۶

حافظ شیرازی (رک: خواجہ شمس الدین محمد شیرازی) ۳۵

حافظ محمد بن موسیٰ شیرازی ۱۰۵

حافظ الدین ابوالبرکات نسفی (رک: نسفی) ۵۲۸، ۵۹۷

حاکم (رک: حاکم ابوعبداللہ نیشاپوری) ۲۲۶

حاکم ابوعبداللہ نیشاپوری (رک: حاکم) ۲۸۳، ۵۹۳

جیبیان ۵۵۹

خیریان ۵۵۹

حذیفہ یمانی ۴۷۸، ۶۰۳

حرقوص بن زہیر ۱۰۸

حسان بن ثابتؓ ۲۸۳، ۵۹۳

حسن المجتبیٰؓ ۱۶۱

حسین بن حسن بن امام سید (علی) زین العابدینؓ ۵۵۷، ۶۱۰

حسین بن منصور الحلاج (رک: شیخ حسین بن شیخ منصور حلاج) ۴۸۱

حسین رومی ۴۷۸، ۶۰۳

حسین زندہ دل دھکڑ پوش ۱۵۷، ۵۸۴

حضرت پیغمبرؐ (رک: محمدؐ) ۲، ۶۱، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۶۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۷۷، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۹، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۱۱، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۸، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۸۷، ۵۹۳، ۶۰۵–۶۰۷، ۶۰۹

حضرت رسالت پناہ (رک: محمدؐ) ۵، ۹، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۹، ۳۲، ۴۶، ۶۱، ۹۹، ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۷۵، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۰۶، ۲۱۵،

۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۳۵،
۲۴۰، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۴،
۲۷۵، ۲۸۳، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰،
۳۱۰، ۳۱۷، ۳۳۳، ۳۴۱، ۳۵۶، ۳۶۶، ۴۰۰،
۳۲۳، ۳۲۴، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۷، ۴۷۰، ۴۹۲،
۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۷، ۵۲۲، ۵۲۹،
۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۸، ۵۶۵،
۵۶۶، ۵۷۰، ۶۰۰، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۱۱

حضرت رسولؐ (رک: محمدؐ) ۲، ۳، ۵۰، ۸۷، ۱۰۸، ۱۴۶،
۱۸۷، ۱۸۹، ۲۲۲، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۴، ۲۴۵،
۲۴۷، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۸۱، ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۴۵،
۴۹۷، ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۶۵، ۵۸۶، ۶۰۴، ۶۰۹،
۶۱۱

حضرت میراں (رک: شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی) ۵۳۰

حفص ابوعمرو بن عمر بن العوف النحوی (رک: امام قاری ابوعمرو حفص بن عمر النحوی الدوری) ۷۷، ۵۷۶

حکیم ابراہیم الحلبی مصری ۸۰، ۵۷۷

حکیم ابوالخیر بہنام ۷۶، ۵۷۶

حکیم ابوریحان بیرونی (رک: بیرونی) ۷۹، ۵۷۶

حکیم ابوعبداللہ معصومی ۷۸، ۵۷۶

حکیم ابوعلی مسکویہ خازن رازی (رک: مسکویہ خازن رازی) ۱۱۴، ۵۸۱

حکیم ابونصر فارابی (معلم ثانی) (رک: فارابی و معلم ثانی) ۴۵،
۵۷۲

حکیم ابی الجود احمد تتوی ۱۳۹، ۵۸۳

حکیم اشرف الدین حسن شفائی اصفہانی (رک: شفائی اصفہانی) ۱۷۳، ۵۸۶

حکیم افضل الدین خاقانی (رک: خاقانی) ۳۶، ۵۸۱

حکیم حاذق بن حکیم ہمام گیلانی ۸۰، ۵۷۷

حکیم سنائی غزنوی ۳۷، ۵۷۱

حکیم شمس الدین محمد فاضل شہرزوری ۱۴۰، ۵۸۳

حکیم شہاب الدین ۴۵۱

حکیم شہاب الدین بن عبدالکریم ھندی ۱۹۹، ۴۵۶، ۵۸۸

حکیم حسان بوبکانی ۸۹، ۵۷۸

حکیم عمر بن ابراہیم خیام (رک: خیام) ۷۵، ۵۷۶

حکیم فتح اللہ شیرازی ۷۹، ۵۷۶، ۵۷۷

حکیم نصیر الدین ھندی ۴۵۰، ۶۰۰

حکیم ہمام بن مولانا عبدالرؤف گیلانی ۷۹، ۵۷۷

حمزہ بن عبدالمطلبؓ ۴۷۷، ۶۰۲

حمی ۱۹۵

حواؑ ۲، ۳۳، ۲۱۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۴۷۵، ۴۹۳، ۴۹۶

خ

خاتم النبیینؐ (رک: محمدؐ) ۵، ۵۵۵

خاتم الولایۃ (رک: شیخ ابن العربی، شیخ محی الدین ابن العربی، شیخ محی الدین محمد بن علی العربی الطائی الاندلسی) ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۹۶

خاتون قیامتؓ درک: بی بی فاطمۃ الزہراؓ) ۵۵۶
خاقانی درک: حکیم افضل الدین) ۳۶
خالد بن ولید ۳۴۳، ۴۳۶، ۵۵۶، ۵۹۸، ۶۱۰
خدیجۃ الکبریٰؓ درک: بی بی خدیجۃ الکبریٰؓ) ۲۶۶، ۴۲۰، ۴۷۸
خزیمہ ۲۲۴
خضرؑ ۲۵۴، ۳۵۸-۳۶۰، ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۷۶، ۶۰۲
خطیب خوارزم درک: ابو المؤید موفق ابن احمد الخوارزمی) ۹۹، ۵۸۰
خلاد درک: امام قاری ابو عیسیٰ خلاد بن خالد) ۷۳
خلاصۃ النبوۃؐ درک: محمدؐ) ۴۵۹
خلف درک: امام قاری ابو محمد بن ہشام البزاز) ۷۲
خلفِ ایوب ۲۳۶، ۴۸۱، ۵۹۹، ۶۰۴
خلفای بنی عباس ۵۲۳
خلیل بن احمد الازدی المصری النحوی ۷۶، ۲۱۰، ۵۷۶، ۵۹۰
خواجگانِ چشت ۵۰۱، ۵۰۵
خواجگانِ چشتی ۴۳۸
خواجہ ابدال چشتی ۳۵۱، ۵۹۷
خواجہ ابو احمد چشتی ۵۰۱، ۶۰۶
خواجہ ابو الرضا درک: شیخ معمر، بابا رتن ہندی بن عبد اللہ) ۳۱
خواجہ ابو الوفا خوارزمی ۹۶، ۵۷۹
خواجہ ابو تراب نخشبی ۴۳۷، ۴۷۹، ۵۹۹، ۶۰۳
خواجہ ابو مسلم بخاری ۴۸۰، ۶۰۴
خواجہ ابو النصر پارسا ۹۵، ۱۵۸، ۳۰۰، ۵۷۹، ۵۸۵، ۵۹۳
خواجہ احمد ابدال چشتی ۹۸، ۵۷۹
خواجہ احمد حقانی ۴۷۳، ۶۰۱
خواجہ احمد یسوی ۵۸۱
خواجہ امام عبد اللہ ۹۵، ۵۷۹
خواجہ باقی باللہ ۶۶
خواجہ بختیار کاکی (قطب الدین) قطب دہلی (رک: خواجہ قطب الدین بختیار کاکی) ۴۵۲، ۵۸۴
خواجہ بزرگ (رک: خواجہ معین الدین چشتی) ۵۰۵
خواجہ بہاء الدین علوائی ۱۶۲، ۵۸۳
خواجہ بہاء الدین نقشبند ۱۵۲، ۲۷۸، ۵۸۴، ۵۹۲
خواجہ جمال ۱۳۶
خواجہ جمال الدین محمود ۱۳۵، ۵۸۲
خواجہ حبیب عجمی ۱۰۵، ۱۰۹، ۳۰۳، ۴۸۰، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۸۰، ۵۹۴، ۶۰۴، ۶۱۱
خواجہ حسن بصری ۱۰۲، ۴۲۱، ۴۲۹، ۴۴۷، ۴۷۹، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۵۸، ۵۸۰، ۵۹۸، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۱
خواجہ خلیل انار ۲۱۰، ۵۹۰

خواجہ سفیان ثوری ۱۳۲، ۴۳۸، ۵۹۶، ۵۹۹
خواجہ سلمان فارسی ۲۳۷، ۲۷۸، ۵۹۹
خواجہ شمس الدین محمد حافظ شیرازی (رک : حافظ شیرازی)
۳۵، ۵۷۰
خواجہ شہاب الدین خاوند محمود بن خواجہ کا ۱۴۱، ۵۸۳
خواجہ ضیاء الدین برنی ۱۰، ۵۸۵
خواجہ عباس ۲۳۲
خواجہ عبدالخالق غجدوانی ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۹۲
خواجہ عبدالرحمن مصری ۹۶
خواجہ عبدالشہید ۲۷۸، ۵۹۲
خواجہ عبداللہ انصاری ۳۹، ۴۳۶، ۵۷۱، ۵۹۸
خواجہ عبدالواحد بن زید ۱۴۲، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۸۳،
۶۱۱
خواجہ عثمان ہارونی ۱۴۶، ۵۰۵، ۵۸۵، ۶۰۶
خواجہ علاء الدین عطار ۲۷۹، ۵۸۱
خواجہ فضیل عیاض ۱۴۲، ۵۸۳
خواجہ قطب الدین بختیار کاکی (رک : خواجہ بختیار کاکی
قطب الدین) ۱۵۶، ۵۸۴، ۶۰۶
خواجہ کا (رک : خواجہ محمد عبداللہ) ۱۴۱
خواجہ کمیل زیاد ۵۵۸، ۶۱۱
خواجہ محمد بن سمعان چشتی ۱۴۶، ۵۸۵
خواجہ محمد پارسا ۶۹، ۱۵۹، ۵۷۳، ۵۸۵
خواجہ محمد عبداللہ مشہور بہ خواجہ کا (رک : خواجہ کا) ۱۴۱،
۵۸۳
خواجہ منظفر بن احمدان ۱۰۱، ۵۸۰
خواجہ معروف کرخی ۱۱۳، ۳۱۴، ۳۲۶، ۳۴۱، ۴۳۷،
۴۶۴، ۵۲۵، ۵۸۰، ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۹،
۶۰۰، ۶۰۸
خواجہ معین الدین چشتی حسنی (رک : خواجۂ بزرگ) ۳۵،
۱۵۱، ۵۰۵، ۵۷۰، ۵۸۴، ۶۰۶
خواجہ معین الدین مدنی ۲۰۰، ۵۸۸
خواجہ مودود چشتی ۱۵۳، ۵۸۴
خواجہ نصیر الدین طوسی ۴۵، ۵۳، ۱۰۰، ۵۳۳، ۵۷۲،
۵۷۳، ۵۸۰، ۶۰۸
خواجہ ہبیرۃ البصری ۱۴۲، ۵۸۳
خواجہ یوسف ہمدانی ۹۷، ۲۷۸، ۵۷۹، ۵۹۲
خوارج ۱۰۸
خواندمیر (رک : غیاث الدین بن ہمام الدین) ۸۷
خیام (رک : حکیم عمر بن ابراہیم خیام) ۷۵
خیر البشر (رک : محمدؐ) ۳۱

د

داراشکوہ (رک محمد داراشکوہ) ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۸۱، ۱۹۱
دارقطنی (رک : ابوالحسن علی بن عمر البغدادی) ۸۵
دارمی (رک : ابوعبداللہ) ۸۴
دانیالؑ ۲۰۱، ۴۷۷، ۶۰۲
داؤدؑ ۳۸۸، ۴۰۱، ۴۷۷، ۶۰۲

درس پلی ۸۸، ۵۷۸
درویش ابراهیم ۳۳۸، ۵۹۶
درویش اجر ۳۳۶، ۵۹۶
درویش جهنبو ناریجه ۳۳۷، ۵۹۶
درویش چرکس بن دنته سرکی ۳۳۶، ۵۹۶
درویش حسن مقری ۳۳۴، ۵۹۶
درویش راجو سیتودل ۳۳۵، ۵۹۶
درویش صدرادته بن کیهورادته سندی ۳۳۷، ۵۹۶
درویش موسی اصرانی ۳۳۶، ۵۹۶
درویش هاله سهته ۳۳۷، ۵۹۶
درویش یحیی بن شیخ عالم ۳۳۸، ۵۹۶
دکتر ذبیح الله صفا (رک: صفا) ۷۵
دوازده امام ۳۰۶، ۴۹۲، ۵۳۵، ۵۵۶، ۵۵۸
دوری (رک: امام قاری ابوعمرو حفص بن عمر النحوی الدّوری)
۷۱، ۷۳، ۷۴

ذ

ذوالثدیه ۱۰۸
ذوالخویصره ۱۰۸
ذوالکفلؑ ۴۷۶، ۶۰۲
ذوالیسعؑ ۴۷۶، ۶۰۲
ذی النّورینؓ (رک: عثمان بن عفانؓ) ۳۸۲

ر

رابعة العدویه ۳۸۲، ۶۰۵
رابعة البصریه ۳۸۲، ۶۰۵
راعو ۲۲۵
ربیع بن خثیم ۱۰۱، ۱۶۴
رسول اللهؐ (رک: محمدؐ) ۱، ۱۲، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۰،
۱۷۴، ۱۹۴، ۲۱۷، ۲۳۰، ۲۳۷، ۲۴۸، ۲۵۸،
۲۵۹، ۲۶۱ - ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۸، ۲۸۹،
۳۰۵، ۳۱۸، ۳۲۲ تا ۳۳۰ - ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۴۲،
۳۵۳ - ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۲، ۴۰۲، ۴۳۱،
۴۳۵، ۴۴۷، ۴۹۲، ۴۹۷، ۵۰۱، ۵۰۵، ۵۰۷،
۵۱۱، ۵۱۳، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۶،
۵۳۷، ۵۴۸، ۵۵۲، ۵۶۰، ۵۹۹
رسول خداؐ (رک: محمدؐ) ۹، ۱۲۳، ۱۹۵، ۳۳۹
رضی الدّین عبدالغفور لاری (رک: ملاعبدالغفور لاری) ۶۸،
۱۵۷، ۵۸۴
رقیهؓ (رک: بی بی رقیهؓ) ۴۲۱
رکن الاسلام (رک: امام زاده حنفی، شیخ رکن الاسلام محمد بن
ابی بکر) ۵۵
رکن الملت والدّین سید حسن بن محمد بن شرف شاه الحسینی
الاسترابادی الموصلی الشافعی ابوالفضایل ابو محمد
(رک: ابوالفضایل) ۴۸، ۵۷۲
رئیس اشاعره (رک: شیخ ابوالحسن اشعری) ۳۳

ز

زبیرؓ ۲۲۵، ۲۶۶

زبیر عوام ۲۷۷، ۶۰۲
زبیر بان ۵۵۹
زجاج نحوی ۵۷۶
زکریاؑ ۲۰۱، ۲۷۶، ۶۰۲
زلیخا (رک: بی بی زلیخا) ۴۹۵
زمخشری علامہ (رک: ابوالقاسم جاراللہ محمود) ۴۲
زید بن ثابت ۵۲۳
زیلعی (رک: شیخ عثمان بن علی الزیلعی فخر الدین) ۵۰
زین (رک: محمد بن احمد الزاھد) ۱۶۸
زین الدین ابن النجیم (رک: ابن النجیم) ۴۱، ۵۷۱
زین الدین ابوبکر خوافی ۹۶، ۵۷۹
زینبؓ (رک: بی بی زینبؓ) ۱۴۱
زینب (بنت شیخ شکراللہ معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ ممن بن شیخ مراد قادری) (رک: بی بی زینب بنت شیخ شکراللہ معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ ممن بن شیخ مراد قادری) ۲۶

ژ

ژندہ پیل (رک: شیخ احمد جام) ۳۸

س

سادات بخاری ۲۲۳، ۵۹۵
سادات بخاریان ۵۵۲
ساداتان بھکری ۲۲۳
ساداتان لوہری ۲۲۳
ساروغ ۲۲۵
سالار مسعود غازی علوی ۱۸۰
سام ۲۲۵
سبطینؓ (= امام سید حسنؓ و امام سید حسینؓ) ۵۲۱
سرور النساءؓ (رک: بی بی فاطمۃ الزہراءؓ) ۵۴۴
سرور انبیاءؐ (رک: محمدؐ) ۲۱۹
سرور کائناتؐ (رک: محمدؐ) ۲، ۳۰، ۱۳۴، ۱۷۲، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۴۴، ۴۴۶، ۵۵۴، ۵۹۱
سعد (بن ابی وقاصؓ) ۲۲۵، ۲۶۶، ۴۳۳، ۴۷۷، ۵۹۸، ۶۰۲
سعد بن معاذؓ ۲۸۸، ۵۹۳
سعدی شیرازی (رک: شیخ مشرف الدین مصلح بن عبداللہ) ۲۶
سعید (بن زیدؓ) ۲۲۵، ۲۶۶، ۶۰۲
سعید بن سعدہ نحوی مشہور بہ اخفش (رک: اخفش) ۱۷۷، ۵۷۶
سفیان بن عبداللہ ثقفی ۲۸۳، ۵۹۳
سقطیان ۵۵۹
سکاکی (رک: ابویعقوب سراج الدین یوسف) ۲۵
سلسلۂ اخوانیہ ۵۰۸
سلسلۂ چشت ۹۱
سلطان ابوسعید بہادر خان ۱۹۹، ۵۸۸
سلطان احمد بن ہلاکو خان ۲۰۲، ۵۸۸

سلطان الانبیاءؐ (رک: محمدؐ) ۱۰۵
سلطان ایلدرم بایزید (پادشاهِ روم) ۲۰۱، ۵۸۸
سلطان بدیع الزمان بن سلطان حسین میرزا بایقرا ۲۱۴، ۵۹۰
سلطان بهرام شاه غزنوی ۱۹۱، ۵۸۸
سلطان جلال الدین شاه شجاع سشیرازی ۲۰۱، ۵۸۸
سلطان جلال الدین منکبرنی بن سلطان علاء الدین محمد خوارزم شاه ۱۹۸، ۵۸۸
سلطان حسن بیگ بهادرخان (آق قویونلو) ۲۰۰، ۵۸۸
سلطان حسین میرزا (بایقرا) ۱۵۵، ۱۵۶، ۵۸۴
سلطان سنجر بن ملک شاه سلجوقی ۱۹۷، ۴۴۸، ۵۸۸، ۶۰۰
سلطان سید معز الدین مبارک شاه هندی ۲۱۳، ۵۹۰
سلطان علاء الدین حسین غوری ۱۹۱، ۵۸۷
سلطان علاء الدین محمد خوارزم شاه ۱۹۷، ۵۸۸
سلطان غازان خان ۲۰۲، ۵۸۹
سلطان فیروزشاه (ثالث تغلق) (رک: فیروزشاه تغلق) ۶۱، ۲۰۶، ۲۱۲، ۵۷۴، ۵۹۰
سلطان کابنو ۱۹۹، ۵۸۸
سلطان محمد بن درویش محمد ۲۰۲، ۵۸۹
سلطان محمد جوناهندی ۲۰۳، ۲۰۵، ۵۸۹
سلطان محمد خدابنده ۲۰۲، ۵۸۹
سلطان محمود غزنوی ۳۱، ۱۹۱، ۴۴۸، ۴۵۵، ۴۸۱، ۶۰۰، ۶۰۵
سلطان مظفر حسین بن سلطان حسین میرزا بایقرا ۲۱۴، ۵۹۰
سلطان معز الدین حسین غوری ۱۹۱
سلطان ملک شاه سلجوقی ۱۹۶، ۵۸۸
سلطان ناصر الدین محمود شاه هندی ۲۰۳، ۵۸۹
سلطانی بنت مراد ۱۶۷
سلمان فارسی ۳۷۸، ۶۰۳
سلیمانؑ ۲۱۸، ۲۴۲، ۲۵۹، ۳۸۸، ۴۷۶، ۴۸۸، ۶۰۲، ۶۰۵
سوسی (رک: امام قاری ابوشعیب صالح بن زیاد السوسی ۷۱
سهروردیان ۵۵۹
سیبویه (رک: عمرو بن عثمان بن قنبر النحوی) ۷۷
سید آدم بخاری ۲۳، ۵۶۹
سید ابراهیم بخاری (حاکم شهرتته) ۸۱، ۵۷۷
سید ابراهیم بن سید امیر قاسم ۳۲۳
سید ابراهیم (بن سید راجو کشف المعانی بخاری) ۱۴، ۱۷۷، ۲۶۱، ۲۹۵، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷
سید ابوالمکارم بخاری جزدقی (؟) ۲۴، ۵۶۹
سید ابوالمکارم بن سید حمزه ۳۲۳
سید ابوبکر بخاری ۱۶۶، ۵۸۵
سید ابوعبدالله صومعی حسنی ۳۲، ۵۷۰

سید ابو عبداللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی (رک: شیخ ابوعبداللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی) ۶۱، ۵۰۶، ۵۵۹، ۵۷۴، ۶۰۶، ۶۱۱

سید ابی جعفر اصغر بن سید حمزہ ۳۲۳

سید ابی عقیل ملک بن سید اسمٰعیل ۳۲۳

سید احمد افغان ہندی (سرہندی) (رک: شیخ احمد بن عبدالاحد سرہندی نقشبندی معروف بہ مجددِ الفِ ثانی) ۶۴، ۲۸۴، ۵۹۳

سید احمد بخاری ۲۷، ۵۶۹

سید احمد بن سید صالح بخاری ۳۱۱، ۵۹۴

سید احمد بن سید کمال الدین بخاری ۵۲۶

سید احمد کبیر (بن سید جلال بخاری) ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۳۴، ۲۴۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۴۷، ۴۶۷، ۴۸۲، ۵۲۰، ۵۲۳، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۸۷، ۵۹۱، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۵

سید احمد کبیر رفاعی ۳۲، ۵۷۰

سید احمد معقول اللہ ۷، ۱۷۷، ۲۹۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷

سید احمد ملقب بہ محبوب عالم بن شاہ عالم بن قطب عالم (رک: محبوب عالم) ۱۸، ۵۶۸

سید اسحاق بخاری ۲۶، ۵۶۹، ۵۹۲

سید اسمٰعیل بخاری لاہوری ۲۶، ۵۶۹

سید اسمٰعیل بن سید جعفر ثانی ۳۲۳

سید اسمٰعیل (بن سید محمود ناصر الدین) بخاری ۱۸، ۵۶۸

سید اسمٰعیل جرجانی ۵۶، ۵۷۴

سید اسمٰعیل سخی اللہ (بن سید فیض اللہ سمّ اللہ) بخاری ۱۴، ۱۹، ۱۷۷، ۲۳۱، ۲۶۸، ۲۹۵، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۶۸

سید اسمٰعیل متطبب ۶۸، ۵۷۵

سید اشرف جہانگیر سمنانی ۶۰، ۳۶۰، ۵۰۱، ۵۷۴، ۶۰۶

سید اصیل الدین واعظ ۲۷، ۵۷۲

سید البشرؐ (رک: محمدؐ) ۲۲۳

سید الکونینؐ (رک: محمدؐ) ۵۴۴

سید المرتضیٰؓ (رک: امیر علی بن ابی طالبؓ) ۳۰۷

سید المصطفیٰؐ (رک: محمدؐ) ۳۸۸، ۵۵۱

سید الیاس بخاری ۲۸، ۵۶۹

سید امیر قاسم بن سید ابوالمکارم ۳۲۳

سید امیر ہارون بن سید ابی عقیل ملک ۳۲۳

سید بابو بخاری ۲۳، ۲۷، ۵۶۸، ۵۶۹

سید بابو تاج الدین بخاری ۱۴۱، ۵۸۳

سید بازید بخاری ۲۲، ۵۶۸

سید باقر بخاری (رک: سید باقر بن سید عثمان بخاری) ۵، ۳۹، ۴۶

سید باقر بن سید عثمان بخاری (رک: سید باقر بخاری، ضعیف، فقیر) ۱، ۵، ۳۹، ۴۶، ۱۱۱، ۱۱۳،
۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۲۳۷-۲۴۰،
۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹-۲۶۱، ۲۷۴، ۲۹۶،
۳۱۲، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۳۳، ۴۷۰،
۵۳۲، ۵۴۲-۵۴۴، ۵۴۹-۵۵۵، ۵۶۰،
۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۹۱،
۵۹۴، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۹، ۶۱۱

سید بدر الدین بن سید صدر الدین خطیب (بھکری)
۳۲۳، ۵۹۴

سید برہان الدین بخاری (ملقب بہ قطب عالم) (رک:
ابو محمد عبداللہ بن سید محمود ناصر الدین بن سید جلال
مخدوم جہانیان، قطب عالم) ۱۶، ۱۷، ۱۷۹،
۱۸۱، ۱۸۲، ۵۰۸، ۵۶۸، ۶۰۷

سید بہاء الدین بخاری گنج بخش (رک: گنج بخش) ۲۴،
۵۶۹.

سید بہاء الدین (بن سید جلال بخاری) ۱۰

سید بہاء الدین بن سید شمس الدین قادری ۳۰، ۵۷۰

سید تاج الدین اوچی ۱۰۰، ۵۸۰

سیدۃ النساءؓ (رک: بی بی فاطمۃ الزہراءؓ) ۵۳۶، ۵۳۷

سید جان محمد بخاری ۲۳، ۵۶۹

سید جعفر بن امام محمد تقیؑ ۵۵۷، ۶۱۱

سید جعفر ثانی جلیل اللہ ۷، ۱۷۷، ۲۹۴، ۳۳۳، ۵۵۳،
۵۵۴، ۵۶۷

سید جعفر مشتاق اللہ ۸، ۱۷۷، ۲۹۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷

سید جلال الدین محمد بخاری مشہور بہ میر جلال (رک: میر جلال،
۸۰، ۵۷۷

سید جلال الدین محمد طباطبائی مشہور بہ میرزا جلالا (رک میرزا
جلالا) ۸۵، ۵۷۷:

سید جلال بخاری (رک: سید جلال بخاری سرخ)
۸-۱۰، ۲۲، ۶۱، ۸۰، ۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۲۲،
۲۳۵، ۲۸۹، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۵، ۳۲۲، ۳۲۳،
۴۰۰، ۴۴۷، ۴۶۷، ۴۸۲، ۴۹۳، ۵۲۰،
۵۲۳، ۵۴۹، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۶۸،
۵۸۷، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۵،
۶۰۷، ۶۰۹

سید جلال بخاری سرخ (رک: سید جلال بخاری) ۸-۱۰، ۲۲،
۶۱، ۸۰، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۷۷

سید جلال بخاری بیتپڑی ۲۵، ۵۶۹،

سید جلال بن سید داؤد بخاری ۹، ۱۴، ۱۳۳، ۱۳۴، ۲۱۵،
۴۷۰، ۵۰۹، ۵۱۹، ۵۲۴، ۵۶۷، ۵۸۲،
۵۹۲، ۵۹۸، ۶۰۱، ۶۰۷

سید جمال الدین بخاری ۲۵، ۵۶۹

سید جمال الدین محدث ۴۷، ۵۷۲

سید چھنہ بخاری ۲۶، ۵۶۹

سید حاجی حمید نظام الدین بخاری (بن سید راجو غوث صدائی)

۱۵، ۱۷۷، ۲۱۷، ۲۴۱، ۲۷۷، ۲۹۵، ۲۹۶، ۴۰۰، ۴۶۹، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۱، ۵۶۷، ۵۹۲، ۶۰۱، ۶۱۱

سید حامد بخاری ۱۹، ۵۶۸

سید حامد بن سید سیف اللہ (بخاری) ۳۳۲، ۵۹۵

سید حامد بن سید شکر اللہ بخاری ۹، ۴۶۹، ۶۰۱

سید حبیب بخاری ۲۱، ۵۶۸

سید حبیب بخاری (بن سید بازید بخاری) ۲۲

سید حسن المثنیٰ بن امام سید حسن المجتبیٰؓ (رک: شیخ حسن المثنیٰ بن امام سید حسن المجتبیٰؓ) ۲۶۹، ۵۹۲

سید حسن بن محمد بن شرف شاہ الحسینی الاسترابادی الموصلی الشافعی، ابوالفضایل، رکن الملت والدین ابو محمد (رک: رکن الملت) ۴۸

سید حسن نہروالہ ۳۲، ۵۷۰

سید حسین دمشقی ۲۱۳، ۵۹۰

سید حسین زنجیرپای ۹۰، ۵۷۸

سید حسین صالح بن امام سید موسیٰ کاظمؓ ۵۵۷، ۶۱۰

سید حمزہ بن سید ابی اصغر جعفر ۳۲۳

سید حمزہ بن سید امیر ہارون ۳۲۳

سید حیدر بخاری گجراتی ۲۵، ۵۶۹

سید حیدر منیاری ۳۲۵، ۵۹۵

سید داؤد بخاری (بن سید شکر اللہ بخاری) ۱۵، ۱۷۷، ۲۲۰، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۹۶، ۵۳۱، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۹۱

سید داؤد بخاری بیتپڑی ۲۵، ۵۶۹

سید داؤد بن سید موسیٰ ثانی (رک: شیخ داؤد بن شیخ موسیٰ ثانی) ۲۷۰، ۵۹۲

سید راجو بخاری ۲۰، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۹۱

سید راجو (شاگرد سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری) ۲۱۸، ۲۱۹

سید راجو غوث صمدانی (بن سید نظام الدین بخاری) ۱۵، ۱۷۷، ۲۴۱، ۲۷۷، ۲۹۵، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۹۲

سید راجو قتال (بن سید احمد کبیر بخاری رک: سید صدرالدین راجو قتال بخاری) ۱۱، ۱۶، ۲۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۹۱، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۹۵، ۵۶۸، ۵۸۷، ۵۹۱،

سید راجو کشف المعانی (بن سید اسمٰعیل سخی اللہ) بخاری ۱۴، ۱۷۷، ۲۴۱، ۲۹۵، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷

سید رحمت اللہ بخاری ۲۲، ۳۱۱، ۵۶۸، ۵۹۲

سید رکن الدین بخاری ۲۶، ۵۶۹

سید رکن الدین (بھکری) ۳۳۲

سید زاہد ۲۰۸، ۵۸۸

سید زین العابدین بخاری ۲۷، ۵۶۹

سید سعد اللہ بخاری ۲۶، ۵۶۹

سید سانبہ بخاری ۲۵، ۵۶۹

سید شاہ قاسم انوار ۳۲، ۵۷۰

سید شاه قطب‌الدین ۹۶، ۵۷۹

سید شاه محمد بخاری ۵۰۸، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۹۱، ۶۰۹

سید شاه محمد بن سید حامد بخاری ۲۴۰

سید شاه مراد بن سید محمد فاضل بخاری سیتپوری ۲۳، ۵۶۹

سید شاه ولی بخاری جنگلی ۲۴، ۵۶۹

سید شرف‌الدین مشهدی ۱۷۲، ۲۹۳، ۵۸۶، ۶۰۵

سید شریف ۱۲۱، ۵۸۱

سید شریف بخاری ۲۸، ۵۶۹

سید شکرالله بخاری (بن سید حاجی حمید نظام‌الدین بخاری)
۱۵، ۱۷۷، ۲۱۷، ۲۴۱، ۲۹۵، ۴۰۰، ۵۵۳،
۵۵۴، ۵۶۱، ۵۶۷، ۵۹۱، ۶۰۱، ۶۱۱

سید شمس‌الدین سمرقندی ۸۱، ۵۷۷

سید شمس‌الدین قادری ۳۰، ۵۷۰

سید شمس‌الدین مخدوم امام بخاری گجراتی ۱۱۳، ۵۸۰

سید شهاب‌الدین (بن سید محمود ناصرالدین) بخاری ۱۹،
۲۲۰، ۵۶۸، ۵۹۱

سید صابر بخاری ۲۲، ۵۶۸

سید صالح بخاری ۲۱، ۵۶۸

سید صالح بن سید آدم بخاری ۳۱۱، ۵۹۴

سید صالح موسی جنگی دوست حق بن سید عبدالله (رک: شیخ
صالح موسی جنگی دوست حق بن سید عبدالله) ۲۷۲،
۵۹۲

سید صبغة‌الله شطاری ۵۸، ۵۷۴

سید صدرالدین بن شیخ صفی‌الدین اردبیلی ۲۸۵

سید صدرالدین خطیب بن سید محمد مکی ۳۲۳

سید صدرالدین راجو قتال بخاری (رک: سید راجو قتال بن
سید احمد کبیر بخاری) ۱۷۵، ۵۸۶

سید صدر بن سید محمد لکیاری ۳۲۵، ۵۹۴

سید صغیرالدین بخاری ۲۵، ۵۶۹

سید صفی‌الدین ایجی (رک: ایجی) ۸۶، ۵۷۷

سید صفی‌الدین محدث ۱۳۳، ۵۸۲

سید طالب بخاری ۲۵، ۵۶۹

سید طاهر بخاری ۲۹، ۵۷۰

سید طیب بخاری گجراتی ۲۷، ۵۶۹

سید عالم (رک: محمد) ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۶

سید عبدالاول دولت‌آبادی بخاری ۲۱۱، ۵۹۰

سید عبدالحی حسنی ۳۱

سید عبدالرحمن بخاری ۲۳، ۵۶۸

سید عبدالرزاق بخاری ۲۸، ۵۶۹

سید عبدالرسول بخاری ۲۰، ۵۶۸

سید عبدالسلام بخاری ۲۰، ۵۶۸

سید عبدالسلام بخاری گجراتی ۲۸، ۵۶۹

سید عبدالصمد بخاری ۲۷، ۵۶۹

سید عبدالغنی بخاری ۲۵، ۵۶۹

سید عبدالقادر بخاری ۲۲، ۵۶۸

سید عبدالقادر بن سید شمس‌الدین قادری ۳۲۹، ۵۹۵

سید عبدالقادر گیلانی حسنی (رک: شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی) ۷، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۹۴
سید عبدالقدوس بخاری ۲۳، ۵۶۸
سید عبدالکریم بخاری ۲۷، ۵۶۹
سید عبدالکریم متیاری ۳۲۸، ۵۹۵
سید عبداللہ اسلام اللہ ۷، ۱۷۷، ۲۹۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷
سید عبداللہ المحض بن سید حسن المثنیٰ (رک: شیخ عبداللہ المحض بن سید حسن المثنیٰ) ۲۶۹، ۵۹۲
سید عبداللہ بخاری ۲۰، ۵۶۸
سید عبداللہ بن سید موسیٰ الجون (رک: شیخ عبداللہ بن شیخ موسیٰ الجون) ۲۷۰
سید عبداللہ بن سید یحییٰ زاہد (رک: شیخ عبداللہ بن شیخ یحییٰ زاہد) ۲۷۱، ۵۹۲
سید عبدالوہاب بخاری ۲۱، ۲۱۲، ۵۶۸، ۵۹۰
سید عبدالوہاب (نبیرۂ سید جلال بخاری) ۱۹، ۵۶۸
سید عثمان بن سید داؤد بخاری ۲، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۹، ۳۰، ۳۹، ۳۶، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۲۰-۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۲، ۲۱۷-۲۲۰، ۲۳۵، ۲۳۹-۲۴۲، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۶، ۳۱۲، ۳۱۸، ۳۲۹، ۳۷۰، ۵۰۷، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۵۲-۵۵۴، ۵۶۱، ۵۶۷، ۵۷۰-۵۷۲، ۵۸۰-۵۸۷، ۵۹۱-۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۷
سید عثمان ملقب بہ لعل شہباز قلندر مروندی (رک: لعل شہباز قلندر مروندی) ۱۴۷، ۵۸۳، ۵۸۶
سید عرب بخاری ۲۸، ۵۶۹
سید علم الدین بن سید حامد بخاری ۲۷۰، ۶۰۱
سید علم الدین بن سید محمود ناصر الدین بخاری ۲۰، ۵۶۸
سید علی ابو المؤید ۸-۱۰، ۱۷۷، ۲۹۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷
سید علی اصغر ۲۷۷، ۶۰۳
سید علی اکبر ۲۳۴، ۲۷۷، ۵۹۸، ۶۰۲
سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری ۱۲۷، ۲۲۷، ۲۳۸، ۲۵۶، ۳۳۲، ۵۴۱، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۸۱، ۵۹۵، ۶۰۹
سید علی بخاری ۱۹، ۵۶۸
سید عنایت اللہ بخاری ۲۱؛ ۵۶۸
سید عیسیٰ قتال (نبیرۂ سید محمد غوث بن سید جلال بخاری) ۱۹، ۵۶۸
سید فضل اللہ (بن سید قطب الدین بن سید ابراہیم) بخاری ۱۴، ۱۷۷، ۲۴۱، ۲۶۷، ۲۷۸، ۲۹۵، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۹۲
سید فیض اللہ، سہم اللہ (بن سید محمود ناصر الدین) بخاری ۱۴، ۱۲۱، ۱۷۷، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۴۱، ۲۹۵،

۳۰۴، ۵۰۷، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۶۸،
۵۸۸، ۵۹۱، ۵۹۴، ۶۰۷
سید قاسم ۳۲۳
سید قطب الدین بخاری ۲۰، ۵۶۸
سید قطب الدین بخاری (بن سید ابراهیم بن سید راجو کشف
المعانی) ۱۴، ۱۷۷، ۲۴۱، ۲۹۵، ۵۵۳،
۵۵۴، ۵۶۷
سید کائنات ص (رک: محمد) ۲۴۴
سید کمال الدین بخاری ۲۶، ۲۹، ۵۶۹، ۵۷۰
سید لطف الله بخاری ۲۶، ۵۶۹
سید مبارک بخاری ملتانی ۲۶، ۵۶۹
سید محمد بن سید یوسف بخاری ۲۶، ۲۴۰، ۵۶۹
سید محمد بن عالم حسینی ۳۲، ۵۷۱
سید محمد جون پوری ۹۰، ۹۱، ۱۲۹، ۵۷۸، ۵۸۲
سید محمد رفاعی یمنی ۲۸۲، ۵۹۳
سید محمد سیف الله ۸، ۱۷۷، ۲۹۴، ۵۵۳، ۵۵۴،
۵۶۷
سید محمد شجاع بن سید ابراهیم ۳۲۳
سید محمد صالح ۲۷۰
سید محمد صالح ترمذی حسینی ۵۷۱
سید محمد غوث (بن سید جلال بخاری) ۱۰، ۱۹، ۱۹۰، ۵۶۸
سید محمد فاضل بخاری (سیتپری) ۲۱، ۵۶۸، ۵۶۹
سید محمد گیسو دراز دهلوی ۲۰۶، ۵۸۹
سید محمد مکی بن سید محمد شجاع ۳۲۳
سید محمود مختار الله ۸، ۱۷۷، ۲۹۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷
سید محمود ناصرالدین بخاری (بن سید جلال جهانیان جهانگشت)
۱۳، ۱۷۷، ۱۹۰، ۲۲۱، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۹۵،
۳۰۴، ۴۴۸، ۵۲۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷، ۵۶۸،
۵۸۷، ۵۹۱، ۵۹۹
سید محی الدین ابومحمد عبدالقادر جیلانی (رک: شیخ محی الدین عبدالقادر
جیلانی) ۲۷۲، ۵۹۲
سید مرتضی علی ۱۰۰، ۵۸۰
سید مسعود بخاری ۲۷، ۵۶۹
سید موسی الجون بن سید عبدالله المحض (رک: شیخ موسی الجون
بن شیخ عبدالله المحض) ۲۶۹، ۵۹۲
سید میر کلان ۹۱، ۵۷۸
سید نجم الدین بخاری ۲۹، ۵۷۰
سید نصرالله بخاری ۲۹، ۵۷۰
سید نصیرالدین بخاری ۳۰، ۵۷۰
سید نصیرالدین بن سید حامد قادری ۱۷۳، ۵۸۶
سید نظام الدین بخاری برهان پوری ۲۴، ۵۶۹
سید نظام الدین بخاری (بن سید فضل الله) ۱۴، ۱۷۷، ۲۴۱،
۲۹۵، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۷
سید نظام الدین بن سید ناصرالدین بهکری ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۲،
۵۹۴، ۵۹۵
سید نظام الدین علی اصغر عبیدالله ۷، ۱۷۷، ۲۹۴،

۵۶۷، ۵۵۴، ۵۵۳
سید نعمت اللہ بخاری ۲۹، ۵۷۰
سید نعمت اللہ چشتی ۱۹۸، ۵۸۸
سید نورالدین بخاری ۱۰، ۵۶۸
سید نوراللہ بخاری ۲۰، ۵۶۸
سید نور محمد بخاری ۲۷۷، ۲۹۲
سید ودایہ بخاری کشمیری ۲۲، ۵۶۹
سید ودایہ بن سید عثمان بخاری ۲۸۱، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۹۲،
۶۰۸، ۶۰۹
سید ہاشم بارانی ۱۹۸، ۵۸۸
سید ہبۃ اللہ حسن الحسینی مشہور بہ شاہ میر (رک: شاہ میر)
۷۰، ۵۷۴
سید یحییٰ زاہد بن سید داؤد (رک: شیخ یحییٰ زاہد بن شیخ
داؤد) ۲۷۱، ۵۹۲
سید یعقوب بن سید علی ۵۵، ۵۷۷، ۵۷۴
سید یوسف بخاری ۲۲، ۲۱۸، ۵۶۸
سید یوسف (بن سید احمد) ماوراءالنہری ۶۳، ۵۰۶،
۵۰۷، ۵۷۴، ۶۰۶، ۶۰۷
سید یوسف بن سید داؤد بخاری ۱۴، ۲۱۹، ۳۱۰، ۵۰۹،
۵۶۷، ۵۵۴، ۶۰۷
سید یوسف محمد ۴۳، ۵۷۴
سید یوسف مہدی بھکری ۳۲۹، ۵۹۵
سیوطی (رک: مولانا جلال الدین) ۳۸، ۵۱، ۵۲

ش

شاطبی (رک: ابوالقاسم) ۴۰
شالخ ۲۲۵
شاہ ابوالمعالی ۸، ۲۰۸، ۵۸۹
شاہ امیر علیؓ (رک: امیر علی ابن ابی طالبؓ) ۵
شاہِ اولیاؓ (رک امیر علی بن ابی طالبؓ) ۵۵۳
شاہ حسن ارغون بن شاہ بیگ ارغون ۲۰۶، ۲۱۵، ۵۸۹،
۵۹۰
شاہ رکن عالم (رک: شیخ رکن الدین ملتانی) ۱۳
شاہ سید علی (خوشنویس) بن سید داؤد بخاری ۱۷۸، ۵۸۶
شاہ سید محمد ملقب بہ شاہ عالم (رک: ابوالبرکات سراج الدین
شاہ عالم محمد بن برحان الدین ملقب بہ قطب عالم)
۱۷، ۵۶۸، ۶۰۷
شاہ شجاع کرمانی ۱۵۱، ۲۳۹، ۲۸۱، ۵۸۴، ۵۹۶،
۶۰۴
شاہ شمس الدین سبزواری ملتانی ۱۹۳، ۵۸۸
شاہ شہیدانِ کربلاؓ (رک: امام سید حسینؓ) ۵۴۲
شاہ عالم (رک: ابوالبرکات سراج الدین شاہ سید محمد
بن برحان الدین ملقب بہ قطب عالم) ۱۷
شاہ عباس صفوی ۴۷
شاہ عثمان (رک: سید عثمان بخاری) ۱۲۷، ۵۶۱، ۵۵۲
شاہ قطب الدین نصیر جون پوری ۱۸۰، ۵۸۷
شاہ محی الدین (رک: شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی حسنی)۲،

۳۲، ۴۶، ۴۷

شاہ مدار (رک: شیخ بدیع الدین) ۵۹، ۱۸۰

شاہ میر (رک: سید ھبۃ اللہ حسنی الحسینی) ۶۰

شاہ نجف رض (رک: امیر علی بن ابی طالب رض) ۵۴۴

شرف الدین حسین میرزا ۲۷۸

شرف جہان (رک: مولانا علم الدین) ۶۰

شعبان ۲۷۶، ۶۰۲

شعیب ع ۲۷۶، ۶۰۲

شفائی اصفہانی (رک: حکیم اشرف الدین حسن) ۱۷۳

شمس الدین علامہ قہستانی ۷۴، ۵۷۶

شمس الدین محمد جامی ۹۰، ۵۷۸

شمعون ع ۲۷۶، ۶۰۲

شہرخ چشتی ۲۷۸، ۶۰۳

شہیدانِ کربلا ۵۴۴

شہیدِ دشتِ کربلا (رک: امام سید حسین رض) ۱۷۷

شیبانی (رک: امام محمد بن حسن) ۴۰

شیث ع ۲۲۵، ۴۰۱، ۴۷۵، ۶۰۱

شیخ آذری (جلال الدین حمزہ بن علی) (رک: جلال الدین حمزہ بن علی) ۲۰۶، ۵۸۹

شیخ ابراہیم ادھم ۱۳۳، ۲۲۸، ۴۸۰، ۵۸۳، ۶۰۰، ۶۰۴

شیخ ابراہیم بن محمد بن ابراہیم چلپی ۵۳، ۵۷۲

شیخ ابراہیم جنگلی ۴۸۰، ۶۰۴

شیخ ابراہیم جوینی ۲۱۴، ۵۹۰

شیخ ابراہیم حسینی ۱۱۹، ۵۸۱

شیخ ابراہیم خواص ۴۸۰، ۶۰۴

شیخ ابراہیم گوہر ۴۸۰، ۶۰۴

شیخ ابراہیم مجذوب ۲۱۶، ۵۹۱

شیخ ابراہیم مقدس ۴۸۰، ۶۰۴

شیخ ابراہیم ہروی ۲۴۷، ۵۹۶

شیخ ابن الحجر عسقلانی ۶۷، ۵۷۵

شیخ ابن الحجر قسطلانی ۶۴، ۵۷۵

شیخ ابن العربی (رک: شیخ محی الدین بن العربی، شیخ محی الدین محمد بن علی العربی الطائی الاندلسی، مشہور بخاتم الولایۃ) ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۶۶

شیخ ابن الفارض حموی مصری ۳۲، ۶۵، ۵۷۰، ۵۷۵

شیخ ابو ابراہیم اسمٰعیل بن محمد البخاری ۶۵، ۵۷۵

شیخ ابو اسحاق کازرونی ۳۵۳، ۴۸۰، ۵۹۷، ۶۰۴

شیخ ابو اسمٰعیل حموی ۱۰۱، ۵۸۰

شیخ ابو الاخلاص حسن بن عمار حنفی وفائی ۲۰، ۵۸۸

شیخ ابو الجناب نجم الدین کبریٰ ۵۱، ۱۲۳، ۱۹۲، ۳۰۹، ۴۸۲

شیخ ابو الحارث ۲۴۷، ۵۹۶

شیخ ابو الحسن اشعری (رک: رئیس اشاعرہ) ۴۳، ۵۷۰

شیخ ابو الحسن القریشی المکی ۶۲، ۵۷۵

شیخ ابو الحسن بستی ۹۷، ۵۷۹

شیخ ابوالحسن بکری شافعی ۸۹، ۱۸۰

شیخ ابوالحسن خرقانی ۲۲، ۱۱۲، ۱۵۰، ۲۷۸، ۲۸۰، ۵۸۰، ۵۸۴، ۵۹۲، ۶۰۲

شیخ ابوالحسن شاذلی ۳۸۴، ۳۸۷

شیخ ابوالحسن طولانی ۲۸۱، ۶۰۵

شیخ ابوالحسن علی ۱۱۵، ۵۷۸، ۵۸۱

شیخ ابوالحسن علی بن بندار صوفی ۹۵، ۵۷۹

شیخ ابوالحسن نوری ۳۴۹، ۴۸۰، ۵۹۹، ۶۰۲

شیخ ابوالحسین باروسی ۳۴۸، ۵۹۶

شیخ ابوالخیر اقطع ۹۸

شیخ ابوالعباس ۲۱۲، ۴۶۵، ۵۹۰، ۶۰۰

شیخ ابوالعباس بونی ۴۳، ۱۱۴، ۱۶۰، ۵۷۲، ۵۸۱، ۵۸۵

شیخ ابوالعباس شیرازی ۳۵۱، ۵۹۷

شیخ ابوالعباس مستغفری ۸۶، ۵۷۸

شیخ ابوالعباس نہاوندی ۹۸، ۵۷۹

شیخ ابوالغیث سمرقندی ۱۸۱، ۵۸۶

شیخ ابوالغیث یمنی ۲۰۸، ۵۸۹

شیخ ابوالفتح ۴۶۹، ۶۰۱

شیخ ابوالفتح شاہ رکن عالم ملتانی (رک : شاہ رکن الدین ملتانی و شاہ رکن عالم ملتانی) ۱۴۰، ۵۸۳

شیخ ابوالفتح ہدایت اللہ سرمست ۱۲۹، ۵۸۲

شیخ ابوالفضل بن شیخ مبارک ۵۴، ۵۷۳

شیخ ابوالقاسم بن شیخ ابوحفص ۱۶۵

شیخ ابوالقاسم بن شیخ محمد ۱۶۳

شیخ ابوالقاسم بن شیخ نصر ۱۶۳

شیخ ابوالقاسم فردوسی ۱۶۵، ۵۸۵

شیخ ابوالقاسم قشیری ۳۵، ۴۸۰، ۵۷۰، ۶۰۲

شیخ ابوالقاسم نصرابادی ۳۴۸، ۵۹۶

شیخ ابوالمظفر ترک طوسی ۱۵۰، ۵۸۲

شیخ ابوالمکارم ۱۶۳، ۵۸۵

شیخ ابوبکر اسکاف ۱۶۶، ۵۸۵

شیخ ابوبکر اصغر ۴۸۱، ۶۰۴

شیخ ابوبکر بن شیخ اسحاق کلاباذی ۶۲، ۶۵، ۵۷۵

شیخ ابوبکر بن شیخ اسمٰعیل کلاباذی ۳۶، ۵۷۰

شیخ ابوبکر رازی ۹۸، ۵۷۹

شیخ ابوبکر صیدلانی ۳۵۱، ۵۹۷

شیخ ابوبکر (عبداللہ) شبلی ۱۵۳، ۴۶۵، ۴۷۹، ۵۸۴، ۶۰۰، ۶۰۲

شیخ ابوبکر فوحادی ۳۵۲، ۵۹۷

شیخ ابوبکر قریشی ۲۰۲، ۵۸۹

شیخ ابوبکر کتانی ۳۵۱، ۵۹۷

شیخ ابوبکر نساج ۹۷، ۵۷۹

شیخ ابوبکر وراق ۴۸۰، ۶۰۳

شیخ ابوجعفر ہندوانی ۴۳۴، ۴۸۰، ۵۹۹، ۶۰۳

شیخ ابوحفص ۱۵۶، ۵۸۴

شیخ ابوحفص بن ابوبکر صدیقؓ ۱۶۵

شیخ ابوحفص حداد ۳۲۸، ۵۹۶

شیخ ابوسعید ابوالخیر حسنی ۱۱۶، ۲۴۸، ۲۶۵، ۲۸۰، ۵۸۱، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۴

شیخ ابوسعید بن مسیب (رک سعید بن مسیب) ۱۰۱، ۵۸۰

شیخ ابوضحاک ۹۹، ۵۷۹

شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق ۱۳۳، ۵۸۲

شیخ ابوطالب مکی ۳۴، ۵۷۰

شیخ ابوعبداللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی (رک: سید ابوعبداللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی) ۱۲، ۱۳

شیخ ابوعلی المحسن بن علی معروف بہ قاضی التنوخی (رک: قاضی التنوخی) ۸۸، ۲۰۵، ۵۷۸، ۵۸۹

شیخ ابوعلی حسین بن عبداللہ بن حسن بن علی بن سینا (معروف بہ ابن سینا) (رک: ابن سینا) ۴۴، ۷۸، ۵۷۲

شیخ ابوعلی جیرانی ۳۵۰، ۵۹۷

شیخ ابوعلی فارمذی ۳۳، ۵۷۰

شیخ ابواللیث سمرقندی ۲۳۶، ۲۸۰

شیخ ابومحمد رویم حاجبی ۹۸، ۵۷۹

شیخ ابومحمد مرجانی مغربی ۲۸۱، ۵۹۲

شیخ ابومدین مغربی ۳۷، ۶۶، ۵۷۱

شیخ ابونصر سراج ۹۸، ۵۷۹

شیخ ابی یحییٰ زکریا شافعی انصاری مصری ۸۲، ۵۷۷

شیخ احمد اسود ۸۳، ۵۷۷

شیخ احمد بن احمد بن محمد معروف بہ شیخ زروق (رک: شیخ زروق) ۸۳، ۱۸۰

شیخ احمد بن جعفر چشتی ۱۱۹، ۵۸۱، ۶۰۰

شیخ احمد بن حسن جاربردی ۱۱۶، ۵۸۱

شیخ احمد بن شیخ جعفر حسینی ۲۶۶

شیخ احمد بن شیخ جعفر (قادری) ۴۷

شیخ احمد بن شیخ هوتی لاکہ ۲۳۴، ۵۹۶

شیخ احمد بن شیخ یوسف ۱۱۵، ۵۸۱

شیخ احمد بن عبدالاحد سرہندی نقشبندی (معروف بہ مجدد الف ثانی) رک: مجدد الف ثانی) و سید احمد افغان سرہندی ۶۴، ۲۸۴، ۵۷۵

شیخ احمد بن عبدالعزیز ۲۶۵، ۶۰۰

شیخ احمد بن علی بن مسعود ۱۱۷، ۵۸۱

شیخ احمد بھتی حالہ کندی ۳۲۷، ۵۹۵

شیخ احمد جام ژندہ پیل (رک: ژندہ پیل) ۳۸، ۴۰، ۳۲۷، ۵۷۱

شیخ احمد دمشقی ۱۵۵، ۵۸۶

شیخ احمد عبدالحق ۵۴، ۵۷۳

شیخ احمد محمد زوزنی ۱۸۱، ۶۰۵

شیخ احمد ہمدانی ۲۱۷، ۵۹۱

شیخ اخی علی قتلق شاہ قزوینی ۲۱۱، ۵۹۰

شیخ اخی علی مصری ۲۱۰، ۵۹۰

شیخ ادیب کندی ۱۰۱، ۵۸۰

شیخ اسحاق بن شیخ موسیٰ ۹۲، ۵۷۸

شیخ اسحاق مغربی ۵۲

شیخ اسمٰعیل بن لطف اللہ باخرزی ۱۷۴، ۵۸۶

شیخ اسمٰعیل شامی ۴۸۱، ۶۰۵

شیخ اسمٰعیل عموی ۱۶۷، ۵۸۵

شیخ اعظم (رک: شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی) ۵۳۰

شیخ افضل الدین کاشی ۵۳، ۵۷۳

شیخ الاسلام (رک: شیخ سیف الدین شہید ہروی) ۵۴، ۱۲۴، ۵۷۳

شیخ الامام العلامہ احمد بن علی الساعاتی (رک: الساعاتی) ۶۰، ۵۷۴

شیخ اللہ داد بغدادی ۱۳۷، ۵۸۲

شیخ امام الدین رافعی ۲۰۸، ۵۷۶، ۵۸۹

شیخ امان اللہ فاروقی ۲۰۳، ۵۸۹

شیخ امیر نیشاپوری ۳۴۸، ۵۹۶

شیخ اوحد الدین اصفہانی ۵۰، ۵۷۳

شیخ اوحد الدین بلیانی معروف بہ عبید اللہ اولیا (رک: عبید اللہ اولیا) ۵۲، ۵۷۳

شیخ اوحد الدین کرمانی ۳۴، ۵۷۰

شیخ اویس قرنی ۱۷۳، ۳۲۵، ۴۳۴، ۴۲۷، ۴۸۰، ۵۱۱، ۵۸۶، ۵۹۵، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۴، ۶۰۷

شیخ بابا فرح تبریزی ۱۶۲، ۵۸۵

شیخ بازید سیتپری ۱۹۷، ۵۸۸

شیخ بازید بسطامی ۱۴۳، ۲۲۸، ۴۴۸، ۴۷۹، ۵۱۴-۵۱۶، ۵۸۳، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۳، ۶۰۷

شیخ بدر الدین ابراہیم سرہندی ۷۴، ۵۷۶

شیخ بدر الدین بن شیخ حسن (قادری) ۴۷

شیخ بدر الدین سندی ۶۸، ۵۷۵

شیخ بدیع الدین ملقب بہ شاہ مدار (رک: شاہ مدار) ۵۹، ۱۸۰، ۳۰۹، ۳۸۲، ۵۷۴، ۵۹۴، ۶۰۵

شیخ برکیہ کاتیار ۹۷، ۳۲۷، ۵۷۹، ۵۹۵

شیخ برہان الدین ۱۳۴، ۵۸۲

شیخ برہان الدین قلندر بلخی ۲۰۶، ۵۸۹

شیخ بشر حافی ۳۴۷، ۴۸۱، ۵۹۶، ۶۰۴

شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی (رک: ابوالبرکات مخدوم شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی) ۹-۱۱، ۱۳، ۵۵، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۶۵، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۱۳، ۳۲۱، ۳۲۴، ۴۷۱، ۴۸۴، ۵۵۳، ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۹۴، ۶۰۱، ۶۰۵

شیخ بہاء الدین عاملی ۶۸، ۱۰۰، ۵۷۵، ۵۸۰

شیخ بہاء الدین عمر ۹۶، ۱۵۳، ۵۷۹، ۵۸۴

شیخ بهاء الدین معروف به بهاول شاه (ملتانی) (رک :
بهاول شاه ملتانی) ۲۹۶، ۵۹۳
شیخ بهلول دانا ۳۴۶، ۵۹۶
شیخ بهلول کشمیری ۲۰۴، ۵۸۹
شیخ بهنو بن شیخ ممن بن شیخ مراد قادری (رک : شیخ شکرالله)
۴۶، ۵۶۱
شیخ پته (حسین ملقب به شیخ پته و معروف به شیخ دیولی
(رک : شیخ دیولی) ۱۲۷، ۱۴۸، ۳۳۱، ۵۸۳،
۵۹۵
شیخ پوران ۹۱، ۵۷۸
شیخ تاج الشریعة (عمر بن احمد بن عبیدالله المحبوبی البخاری
ملقب به صدرالشریعة الاول (رک : تاج الشریعة،
صدرالشریعة الاول، عبیدالله المحبوبی البخاری)
۴۸، ۵۷۲
شیخ تقی الدین ۱۵۶، ۵۸۴
شیخ تقی الدین ابن الصلاح (رک : ابن الصلاح) ۸۶،
۵۷۷
شیخ تیمر ۹۲، ۵۷۸
شیخ ثابت نیشاپوری ۴۸۰، ۶۰۴
شیخ ثعلبه (نحوی) ۲۱۵، ۵۹۰
شیخ جعفر بن شیخ محمد (قادری) ۴۷
شیخ جعفر مغربی ۳۵۰، ۵۹۶
شیخ جلال الدین استرابادی ۱۶۸، ۵۸۵
شیخ جلال الدین بلقینی ۵۲، ۵۷۳
شیخ جلال محمد قادری دهلوی ۲۰۲، ۵۸۹
شیخ جلال محمود تهانیسری ۱۷۱، ۵۸۶
شیخ جمال الدین یونس بن یحیی ۹۴، ۵۷۹
شیخ جمال درویش (جولاه) اُچی ۱۶۲، ۱۷۹، ۵۸۵، ۵۸۶
شیخ جمیل (معروف به شیخ جمیه (رک : شیخ جمیه) ۱۲۷، ۵۸۴،
۵۹۵
شیخ جمیه (رک : شیخ جمیل ۱۲۸، ۳۳۱
شیخ جنید بغدادی ۱۱۶، ۲۱۲، ۲۳۷، ۲۶۵، ۲۷۹،
۵۱۶، ۵۸۱، ۵۹۰، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۴،
۶۰۷
شیخ جیه ولد شیخ نعمت الله قریشی ۳۲۸، ۵۹۵
شیخ چاریه ۳۳۰، ۵۹۵
شیخ چته بن آمر ۳۲۵، ۵۹۴
شیخ چلی ۸۸، ۵۷۸
شیخ حاتم اختم ۴۷۵، ۶۰۳
شیخ حاتم اصم کوفی ۳۴۶، ۴۷۹، ۵۹۶، ۶۰۳
شیخ حاجی حمید معروف به شیخ محمد غوث (گوالیاری) (رک : شیخ
محمد غوث) ۱۳۱، ۱۵۵، ۲۲۰، ۴۶۹، ۵۰۰، ۵۰۷،
۵۸۲، ۶۰۱، ۶۰۶، ۶۰۷
شیخ حافظ ابوالعلاء همدانی ۸۷، ۵۷۸
شیخ حاکم ابوعبدالله نیشاپوری ۹۹، ۵۸۰
شیخ حسام الدین ۱۷۱، ۵۸۶

شیخ حسام الدین مانک پوری ۵۰۲، ۶۰۶

شیخ حسام الدین مشہور بہ (شیخ علی متقی ہندی) (رک: شیخ علی متقی ہندی) ۱۸۰، ۵۸۷

شیخ حسن المثنیٰ (بن امام سید حسن المجتبیٰؓ (رک: سید حسن المثنیٰ بن امام سید حسن المجتبیٰؓ) ۱۶۱

شیخ حسن بن شیخ علاء الدین (قادری) ۴۷

شیخ حسن بن محمد ۱۱۵، ۵۸۱

شیخ حسن سمنانی ۹۷، ۵۷۹

شیخ حسین بن شیخ ابوالقاسم ۱۶۳

شیخ حسین بن شیخ منصور حلاج ۱۰۵، ۴۸۱، ۵۷۳، ۶۰۲

شیخ حسین زنجانی ۱۴۹، ۳۳۶، ۳۸۰، ۵۸۶، ۵۹۸، ۶۰۲

شیخ حسین عراقی ۳۵۰، ۵۹۷

شیخ حماد (جمالی) بن شیخ رشید الدین (نبیرہ) شیخ جمال درویش اچی ۱۶۳، ۱۷۸، ۵۸۵، ۵۸۶

شیخ حماد چشتی ۱۸۰، ۵۸۷

شیخ حمزہ اصفہانی ۲۱۳، ۵۹۰

شیخ حمزہ خراسانی ۳۴۹، ۵۹۶

شیخ حمزہ سیتپری ۱۶۶، ۵۸۵

شیخ حمید الدین ناگوری ۲۰۳، ۵۸۹

شیخ حنین بن اسحاق ۷۵، ۵۷۶

شیخ دادل غازی ۱۸۲، ۵۸۷

شیخ داؤد (بن شیخ موسیٰ ثانی) (رک: سید داؤد بن سید موسیٰ ثانی) ۱۶۱

شیخ داؤد حجازی ۲۰۹، ۵۸۹

شیخ داؤد طائی ۱۱۲، ۳۳۱، ۳۸۰، ۵۱۷، ۵۹۶، ۶۰۴، ۶۰۷، ۶۰۸

شیخ داؤد قادری ۵۸۴

شیخ داؤد قیصری ۶۹، ۵۷۵

شیخ دتہ سیوستانی ۳۴۴، ۵۹۵

شیخ دیولی (رک: شیخ پتہ) ۱۴۷

شیخ ذوالنون مصری ۳۵۲، ۴۷۹، ۵۹۷، ۶۰۴

شیخ رازن ۱۳۶، ۵۸۲،

شیخ ربیع بن خثیم ۳۸۰، ۵۸۰، ۵۸۵، ۶۰۴

شیخ رضی الدین بن شیخ ابوالقاسم ۱۶۵

شیخ رکن الاسلام محمد بن ابی بکر معروف بہ امام زادہ حنفی (رک: امام زادہ حنفی، رکن الاسلام) ۵۵، ۵۷۳

شیخ رکن الدین جون پوری ۱۴۱، ۵۸۳

شیخ رکن الدین قریشی ۵۱۰

شیخ رکن الدین (ملتانی) (رک: شاہ رکن عالم) ۱۱، ۱۲، ۲۹۴، ۳۲۲، ۴۸۲، ۵۹۴، ۶۰۵

شیخ روزبہان بقلی شیرازی ۸۳، ۵۷۷

شیخ رہار جنگلی ۳۳۱، ۵۹۵

شیخ زروق (رک: شیخ احمد بن احمد بن محمد) ۸۳، ۱۸۰، ۵۷۷

شیخ زکریا بن شیخ نور الدین ۱۶۵

شیخ سالم النجار ۳۲۸، ۵۹۵

شیخ سراج الدّین بن شیخ وجیہ الدّین ۱۶۵
شیخ سراج الدّین چشتی احمدآبادی ۱۸۱، ۵۸۷
شیخ سری سقطی ۱۱۳، ۴۳۷، ۴۶۴، ۴۷۹، ۵۸۰، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۴
شیخ سعدالدّین استرآبادی ۱۳۹، ۵۸۴
شیخ سعدالدّین (انصاری) کاشغری ۱۵۱، ۱۵۵، ۵۸۴
شیخ سعدالدّین حموی ۵۱، ۵۷۳
شیخ سعدالدّین فرغانی ۶۷، ۵۷۵
شیخ سعد اللّٰہ جون پوری ۱۶۰، ۵۸۵
شیخ سعد بن شیخ حسین ۱۶۳
شیخ سعدون مجنون ۱۶۷، ۵۸۵
شیخ سعید بن مسیّب ۱۰۱، ۱۶۴، ۴۸۱، ۵۸۵، ۶۰۴
شیخ سلیم سادار ۱۸۰، ۱۸۱، ۵۸۷
شیخ سلیمان عراقی ۲۰۵، ۵۸۹
شیخ سماء الدّین دھلوی ۲۰۰، ۵۸۸
شیخ سنائی غزنوی ۳۱۹، ۳۲۰، ۵۹۴
شیخ سہل بن عبداللّٰہ تستری ۴۳۵، ۴۸۱، ۵۹۸، ۶۰۴
شیخ سیف الدّین آمدی ۱۱۷، ۵۸۱
شیخ شرف الدّین احمد بن یحییٰ بن اسرائیل میتری فردوسی ۱۳۵، ۵۰۱، ۵۴۵، ۵۸۲، ۶۰۶، ۶۰۹
شیخ سیف الدّین شہید ھروی (احمد بن یحییٰ بن محمّد بن سعد الدّین بن عمر التفتازانی مشہور بہ شیخ الاسلام) (رک: احمد بن یحییٰ بن محمّد بن سعدالدّین بن عمر التفتازانی و شیخ الاسلام) ۵۴، ۱۴۴، ۵۷۳، ۵۸۳
شیخ شرف الدّین بخاری ۵۹، ۵۷۴
شیخ شرف الدّین بن شیخ شہاب الدّین (قادری) ۴۷
شیخ شرف الدّین بوعلی قلندر ۵۸۹
شیخ شقیق بلخی ۴۴۶، ۴۸۰، ۵۹۶، ۶۰۴
شیخ شکراللّٰہ معروف بہ شیخ بجنو بن شیخ ممّن بن شیخ مراد قادری (رک: شیخ بجنو) ۴۶، ۵۶۱، ۵۷۲
شیخ شمس الدّین ۲۹۰
شیخ شمس الدّین بلخی ۱۶۰، ۵۸۵
شیخ شمس الدّین بن شیخ شرف الدّین (قادری) ۴۷، ۵۷۰
شیخ شمس الدّین تبریزی ۳۵، ۵۷۰
شیخ شمس الدّین ذاکر ۱۳۷، ۵۸۲
شیخ شمس الدّین عمر زاولی دولتابادی ۳۶، ۵۷۱
شیخ شمس الدّین محمّد جاجرمی ۱۵۲، ۵۸۴
شیخ شمس الدّین محمّد جزری ۴۶، ۵۷۲
شیخ شمس الدّین محمود بن ابوالقاسم اصفهانی ۲۰۱، ۵۸۸
شیخ شہاب الدّین ابوالفتح یحییٰ مقتول سہروردی شافعی ۲۱۱، ۴۶۰، ۴۷۲، ۴۸۱، ۵۹۰، ۶۰۱، ۶۰۵
شیخ شہاب الدّین ابوحفص عمر بن محمّد بن عبداللّٰہ البکری السہروردی ۶۴، ۱۳۸، ۱۶۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۴۴۸، ۴۶۰، ۴۸۱، ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۹۰، ۶۰۰، ۶۰۵
شیخ شہاب الدّین الجرھیتمی مکّی ۲۴۶، ۵۹۱
شیخ شہاب الدّین بن شیخ بدرالدّین (قادری) ۴۷

شیخ شہاب الدین بن شیخ زکریا ۱۶۵
شیخ شہاب الدین بن شیخ صالح (قادری) ۴۷
شیخ صالح بن شیخ محمد (قادری)، ۴۷
شیخ صالح سرہندی ۲۱۴، ۵۹۰
شیخ صالح مری ۲۷۹، ۶۰۳
شیخ صالح موسیٰ جنگی دوست (حق) بن شیخ عبداللہ (رک: سید صالح موسیٰ جنگی دوست حق بن سید عبداللہ) ۱۶۱
شیخ صدرالدین ابوالفضل ۱۳۹، ۵۸۳
شیخ صدرالدین ذاکر ۱۳۷، ۵۸۲
شیخ صدرالدین قونیوی ۵۳، ۵۹، ۵۷۵
شیخ صدرالدین (ملتانی) ۱۱، ۱۳، ۲۹۴، ۳۲۲، ۴۸۲، ۵۹۶، ۶۰۵
شیخ صدر الشریعۃ (الثانی عبیداللہ بن مسعود بن برہان الشریعۃ محمود بن احمد بن عبیداللہ المجبوبی النیساپوری ملقب بہ صدر الشریعۃ الاوّل) (رک: صدر الشریعۃ الثانی، عبیداللہ بن مسعود بن برہان الشریعۃ محمود بن احمد بن عبیداللہ المجبوبی النیساپوری ملقب بہ صدر الشریعۃ الاوّل) ۴۸، ۵۷۲
شیخ صفی الدین اردبیلی ولی سنی اشعری شافعی ۴۷، ۵۷۲
شیخ صفی الدین (از اولادِ شیخ سلیم سادار) ۱۸۱
شیخ ضیاء الدین ۱۳۵، ۵۸۲
شیخ ضیاء الدین شہاب نفیرکال ۶۲، ۵۷۴
شیخ ضیاء الدین قریشی ۴۳، ۵۷۲
شیخ طاہر بن شیخ احمد بن شیخ عبدالرشید بخاری ۵۷، ۵۷۴
شیخ طیب ۵۵، ۵۷۴
شیخ ظہور حاجی حضور ۱۳۰، ۴۳۰، ۴۶۹، ۵۸۲، ۵۹۸، ۱، ۶۰۱
شیخ عارف بن شیخ احمد عبدالحق ۵۴، ۵۷۳
شیخ عامر بن شراحیل حمیری مشہور بہ امام شعبی (رک: امام شعبی) ۲۰۹، ۵۸۹
شیخ عبدالجلیل بن عمر صدیقی ۴۸۲، ۶۰۵
شیخ عبدالجلیل بن محمد احمد ۸۲، ۵۷۷
شیخ عبدالجلیل بن محمد الخانی ۵۷، ۵۷۴
شیخ عبدالحق قادری حنفی دہلوی ۱۷۸، ۲۲۸، ۵۸۶
شیخ عبدالرحمن بن شیخ ابوالقاسم ۱۶۳
شیخ عبدالرحمن (چشتی) ۱۷۱
شیخ عبدالرحمن چشتی علوی عباسی ۱۸۰، ۵۰۱، ۵۲۹، ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۰۶
شیخ عبدالرحمن صوفی منجم ۵۸، ۵۷۴
شیخ عبدالرحیم اصطخری ۱۹۵، ۵۸۵
شیخ عبدالرزاق بن سید شرف الدین قادری ۲۸۲، ۲۹۳
شیخ عبدالرزاق قادری (بن شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی) ۱۱۷، ۱۷۶، ۳۹۷، ۴۶۶، ۵۱۲، ۵۸۱، ۵۸۶، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۷
شیخ عبدالرؤف ۱۲۸، ۴۶۸، ۵۸۱، ۶۰۱

شیخ عبدالسلام رضوانی ۲۸۱، ۶۰۴

شیخ عبدالغفار صدیقی ۱۲۱، ۵۸۱

شیخ عبدالقادر صدیقی ۲۶۸، ۶۰۱

شیخ عبدالقاہر بن عبدالرحمٰن جرجانی ۱۱۴، ۵۸۱

شیخ عبداللطیف بن شیخ محمد (قادری) ۴۷

شیخ عبداللطیف راہوتی ۹۴، ۵۷۹

شیخ عبداللہ ۱۱۸، ۲۹۰، ۳۶۶، ۵۸۱

شیخ عبداللہ ابوبکر شبلی ۱۵۴

شیخ عبداللہ المحض (بن سید حسن المثنیٰ) (رک: سید عبداللہ المحض بن سید حسن المثنیٰ) ۱۶۱

شیخ عبداللہ بن حسن مکی حسینی جیلانی ۱۹۷، ۵۸۸

شیخ عبداللہ بن شیخ احمد (قادری) ۴۷

شیخ عبداللہ بن شیخ سعد ۱۶۴

شیخ عبداللہ بن شیخ شہاب الدین ۱۶۵

شیخ عبداللہ بن شیخ محمد ۱۶۴

شیخ عبداللہ (بن شیخ موسیٰ الجون) (رک: سید عبداللہ بن سید موسیٰ الجون) ۱۶۱، ۵۹۲

شیخ عبداللہ (بن شیخ یحیٰی زاهد) (رک: سید عبداللہ بن سید یحیٰی زاهد) ۱۶۱

شیخ عبداللہ بن مبارک ۹۸، ۵۷۹

شیخ عبداللہ ترمذی ۵۹۷

شیخ عبداللہ خاقان صوفی ۳۵۴، ۵۹۷

شیخ عبداللہ خفیف شیرازی ۳۶، ۵۷۱

شیخ عبداللہ دمشقی ۲۱۴، ۵۹۰

شیخ عبداللہ سجزی ۳۴۸، ۵۹۶

شیخ عبداللہ (صوفی) شطاری ۶۰، ۱۲۸، ۲۶۸، ۳۲۴، ۵۷۴، ۵۸۱، ۶۰۱

شیخ عبداللہ مطری ۲۶۸

شیخ عبدالملک قادری ۱۷۶، ۵۸۶

شیخ عبدالنبی (گنگوہی) ۵۴، ۵۷۳

شیخ عبدالواحد تارکی ۱۳۸، ۵۸۲

شیخ عبدالوہاب پوراتی ۹۵، ۵۷۹

شیخ عبدالوہاب قادری ۱۱۸، ۱۷۸، ۵۸۱

شیخ عبیداللہ احرار ۴۹، ۱۵۴، ۵۷۳، ۵۸۴

شیخ عثمان بن علی الزیلعی فخرالدین (رک: زیلعی و فخرالدین) ۵۶، ۵۷۴

شیخ عزیز نسفی ۹۵، ۵۷۹

شیخ عصام الدین ابراہیم اسفراینی ۵۶، ۵۷۴

شیخ علاء الدین بن شیخ شمس الدین (قادری) ۴۷

شیخ علاء الدین دولتادی سمنانی ۱۶۹، ۵۸۵

شیخ علاء الدین عطار ۱۵۸، ۵۸۴

شیخ علاء الدین لاہوری ۱۵۴، ۵۸۴

شیخ علو ممشاد دینوری ۱۴۵، ۵۸۳

شیخ علی ابن ابی طالب قیروانی ۱۷۱، ۵۸۶

شیخ علی بن حمزہ اصفہانی ۳۴۹، ۵۹۶

شیخ علی بن شلویہ ۹۹، ۵۷۹

شیخ علی بن عثمان ھجویری غزنوی (رک : شیخ علی ھجویری) ۳۴ ، ۳۳۴ ، ۴۸۱ ، ۵۷۰

شیخ علی بن عیسیٰ الایلی ۹۹ ، ۵۸۰

شیخ علی پردوھی بن احمد ۵۹ ، ۱۶۰ ، ۵۷۴ ، ۵۸۵

شیخ علی حسنی ۱۲۰ ، ۵۸۱

شیخ علی حسینی ۲۲۴ ، ۶۰۰

شیخ علی حکیم اقسرائی ۲۲ ، ۵۷۵

شیخ علی سیاہ (پوش) ۹۹ ، ۴۸۰ ، ۵۷۹ ، ۶۰۳

شیخ علی قریشی تتری ۳۲۹ ، ۵۹۵

شیخ علی کوکانی ۴۸۰ ، ۶۰۴

شیخ علی متقی (ہندی) (رک : شیخ حسام الدین) ۸۱ ، ۸۹ ، ۹۲ ، ۱۷۸ ، ۱۸۰ ، ۵۸۷

شیخ علی ھجویری ۴۳۴ ، ۵۹۸ ، ۶۰۳

شیخ عمار یاسر ۴۸۱ ، ۶۰۴

شیخ عمر بن شیخ عثمان مکی ۳۴۹ ، ۵۹۶

شیخ عمر ھمدانی ۱۶۷ ، ۵۸۵

شیخ عیسیٰ بن شیخ عبد اللطیف (قادری) ۴۷

شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برھان پوری ۵۰۸ ، ۵۸۲ ، ۶۰۷

شیخ عیسیٰ لاکوتی ۳۲۸ ، ۵۹۵

شیخ عین القضاۃ ھمدانی ۵۰ ، ۵۷۳

شیخ فاضل مصری ۲۱۶ ، ۵۹۰

شیخ فتح ۹۷ ، ۵۷۹

شیخ فتح اللہ شامی ۲۱۵ ، ۵۹۰

شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برھان پوری ۲۰۹ ، ۳۲۵ ، ۳۶۰ ، ۵۹۰ ، ۵۹۵ ، ۵۹۷

شیخ فخر الدین چشتی بصری ۲۱۰ ، ۵۹۰

شیخ فخر الدین زرادی ۵۹ ، ۵۷۴

شیخ فخر الدین عراقی ۶۶ ، ۱۵۷ ، ۵۷۵ ، ۵۸۴

شیخ فخر الدین قاضی خان (رک : قاضی خان) ۵۷ ، ۵۷۴

شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری (رک : عطار نیشاپوری) ۳۶ ، ۳۲۵ ، ۵۷۱

شیخ فرید الدین مسعود شکر گنج ۱۰ ، ۵۵ ، ۱۹۲ ، ۳۲۲ ، ۴۸۲ ، ۵۰۱ - ۵۰۳ ، ۵۷۳ ، ۵۸۳ ، ۵۸۸ ، ۵۹۴ ، ۶۰۵ ، ۶۰۶

شیخ فرید مکی ۱۹۲ ، ۵۸۸

شیخ فضل اللہ بن ضیاء الدین العباسی ۶۲ ، ۵۷۴

شیخ فضل اللہ روزبہان بن فضل اللہ بن محمد الشقی الخنجی ۳۰۷ ، ۵۹۴

شیخ فضل اللہ شامی ۲۱۶ ، ۵۹۱

شیخ فضیل عیاض ۲۴۱ ، ۵۹۶

شیخ فیض بن شیخ مبارک ۵۱ ، ۵۷۳

شیخ قاسم بن شیخ عبد الرحمٰن ۱۶۳

شیخ قاسم سمرقندی ۲۱۵ ، ۵۹۰

شیخ قشیر گردیزی ۴۸۱ ، ۶۰۴

شیخ قطب الدین بختیار اُوشی کاکی ۱۹۲ ، ۵۰۲

شیخ قطب الدین حیدر زاوی ۳۷ ، ۵۷۱

شیخ قطب الدّین رازی ۴۶، ۵۷۲
شیخ قطب الدّین توقانی ۵۳، ۵۷۳
شیخ قطب الدّین محمود (معروف به علامه شیرازی) (رک: علامه شیرازی، و مولانا قطب الدّین محمود بن مسعود بن مصلح) ۴۹، ۵۳، ۵۷۳
شیخ کمال الدّین ابن الهمام (رک: ابن الهمام) ۴۴، ۵۷۲
شیخ کمال الدّین عبدالصّمد بغدادی ۱۴۹، ۵۸۴
شیخ کمال کریم ناگوری ۱۶۸، ۵۸۵
شیخ لنگه بیه لائی ۳۲۸، ۵۹۵
شیخ مبارک بن شیخ خضر ۵۲، ۵۷۳
شیخ مجد الدّین بغدادی ۵۱، ۵۷۳
شیخ محب الدّین ابوجعفر احمد بن عبدالله بن محمّد بن ابی بکر الطبری (رک: الطبری) ۱۹۲، ۵۸۸
شیخ محمّد بن ابوبکر صدیق رض ۱۶۴
شیخ محمّد بن ابی القاسم ۹۱، ۵۷۸
شیخ محمّد بن احمد ابودوش ۲۱۵، ۵۹۰
شیخ محمّد بن بابویه قمی ۱۰۰، ۵۸۰
شیخ محمّد بن حسن جوهری ۳۵۲، ۵۹۷
شیخ محمّد بن حسن غوثی ۳۹، ۵۷۱
شیخ محمّد بن حمویه الجوینی ۱۹۱، ۵۸۸
شیخ محمّد بن خاوندشاه بن محمود معروف به میرخواند (رک: میرخواند) ۸۷، ۵۷۸
شیخ محمّد بن سیرین ۱۰۱، ۵۸۰
شیخ محمّد بن شیخ عبدالله ۱۶۳
شیخ محمّد بن شیخ عبدالله (قادری) ۴۷
شیخ محمّد بن شیخ عیسی (قادری) ۴۷
شیخ محمّد بن شیخ محی الدّین ابومحمّد عبدالقادر جیلانی ۴۷
شیخ محمّد بن شیخ صوفی لاکه ۳۳۴، ۵۹۶
شیخ محمّد بن شیرین مغربی ۹۴، ۵۷۹
شیخ محمّد بن عبدالکریم شهرستانی ۲۰۲، ۵۸۹
شیخ محمّد بن علی حکیم ترمذی ۳۵۲، ۵۹۷
شیخ محمّد بنگالی ۱۹۹، ۵۸۸
شیخ محمّد بن محمود ملقب به دهدار ۱۷۲، ۵۸۶
شیخ محمّد بهتی حالاکندی ۳۲۷، ۵۹۵
شیخ محمّد رومی ۳۵۰، ۵۹۷
شیخ محمّد زکریا بن شیخ عبدالله ۱۶۵
شیخ محمّد شاه فراهی ۹۶، ۵۷۹
شیخ محمّد شهرآبادی ۱۰۱، ۵۸۰
شیخ محمّد عارف ۱۵۹، ۵۸۵
شیخ محمّد عارف گجراتی ۱۳۱، ۵۸۲
شیخ محمّد غوث (گوالیاری) (رک: شیخ حاجی حمید) ۶۰، ۱۳۱، ۵۸۲
شیخ محمّد قادری حسنی ۱۲۰، ۴۶۷، ۵۸۱، ۶۰۰
شیخ محمّد کاشانی صدّیقی ۲۰۷، ۵۸۹
شیخ محمّد کرمانی ۱۷۴، ۵۸۶
شیخ محمّد مکانی ۳۳۰، ۵۹۵

شیخ محمود ۱۲۸، ۵۸۱

شیخ محمود بن احمد بن حسن فاریابی ۲۰۷، ۵۸۹

شیخ محمود بن محمد بن محمود (درگزینی) ۸۰، ۱۹۴، ۵۷۸

شیخ محمود شبستری ۳۸، ۵۷۱

شیخ محمود قطب ۱۸۱، ۵۸۷

شیخ محمود مزدقانی ۳۷۸

شیخ محی الدین بن العربی (رک: شیخ ابن العربی، شیخ محی۔
الدین محمد بن علی العربی الطائی الاندلسی مشہور بہ
خاتم الولایۃ) ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۶۶، ۹۱، ۹۴،
۳۰۷، ۳۷۷، ۵۸۲، ۵۹۴

شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی حسنی (رک: پیر دستگیر قادری،
حضرت میراں سید عبدالقادر گیلانی حسنی، شاہ محی۔
الدین شیخ اعظم، غوث اعظم، غوث الثقلین) ۳۲،
۴۶، ۴۷، ۹۴، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۶۱،
۱۸۳، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۳۹، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۹۴،
۲۹۶، ۳۱۳، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۴، ۳۷۷، ۴۵۹،
۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۰، ۵۰۸، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۸،
۵۳۰، ۵۵۳، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۸۱، ۵۸۵، ۵۸۷،
۵۹۱، ۵۹۴، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۷،
۶۰۸، ۶۱۱

شیخ محی الدین کوشکناری ۱۳۴، ۵۸۲

شیخ محی الدین محمد بن علی العربی الطائی الاندلسی مشہور بہ خاتم
الولایۃ (رک۔ شیخ ابن العربی، شیخ محی الدین
ابن العربی) ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۶۶، ۱۳۵، ۲۸۲،
۵۷۵، ۵۹۸، ۶۰۵

شیخ مراد بن شیخ شہاب الدین (قادری) ۴۶

شیخ مردان ۱۵۸، ۵۸۵

شیخ مسعود بک ہندی ۴۹، ۵۷۳

شیخ مسعود بن شیخ رضی الدین ۱۶۵

شیخ مشرف الدین مصلح بن عبداللہ سعدی شیرازی (رک
سعدی شیرازی) ۳۶، ۴۹۱، ۵۰۳، ۵۷۱

شیخ مظفر بلخی ۱۵۹، ۵۸۵

شیخ مظفر قوسی ۹۸، ۵۷۹

شیخ معشوق طوسی ۳۵۲، ۵۹۷

شیخ معمر (رک خواجہ ابوالرضا، بابا رتن ہندی بن عبداللہ) ۳۱

شیخ مغل چاپک ۳۳۹، ۵۹۶

شیخ مکی مشہور بہ ملا خاکی (رک: ملا خاکی) ۹۲، ۵۷۸

شیخ ملن بن شیخ مراد (قادری) ۴۶

شیخ منور بن شیخ عبدالحمید ۵۷، ۵۷۴

شیخ منور بن شیخ نوراللہ ۶۴، ۵۷۵

شیخ موسیٰ الجون (بن شیخ عبداللہ المحض) (رک: سید موسیٰ
الجون بن سید عبداللہ المحض) ۱۶۱

شیخ موسیٰ ثانی بن شیخ عبداللہ ۱۶۱، ۵۹۴

شیخ مؤید الدین الجندی ۶۶، ۵۷۵

شیخ میرک چنگی ۵۳، ۵۷۳

شیخ ناصر الدین بن شیخ محمد بن حیدر تعالی شیرازی ۵۴، ۵۷۳

شیخ ناصر الدین غزنوی ۱۷۰، ۵۸۶
شیخ نجم الدین اصفهانی ۱۷۳، ۵۸۶
شیخ نجم الدین بغدادی ۵۱
شیخ نجم الدین رازی ۴۳، ۵۷۲
شیخ نجم الدین رضی ۵۲، ۵۷۳
شیخ نجم الدین کبریٰ ۱۹۲، ۵۸۸، ۵۹۴، ۶۰۵
شیخ نصر بن شیخ قاسم ۱۶۳
شیخ نصیر الدین انصاری ۲۰۵، ۵۸۹
شیخ نصیر الدین محمود چراغ دهلی (رک: چراغِ دهلی) ۱۱، ۳۳، ۵۷۰
شیخ نصیرای همدانی ۱۷۴، ۵۸۶
شیخ نظام الدین اولیای دهلوی ۳۲، ۳۳، ۵۹، ۱۹۷، ۲۰۱، ۳۱۳، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۹۴
شیخ نظام الدین خاموش ۱۷۸، ۵۸۶
شیخ نظامی گنجوی ۳۶، ۲۰۱، ۵۰۱، ۵۷۱، ۶۰۶
شیخ نور الحق بن شیخ عبدالحق دهلوی ۱۷۰، ۵۸۶
شیخ نور الدین بلخی ۱۶۴، ۵۸۵
شیخ نور الدین بن شیخ سراج الدین ۱۶۵
شیخ نور الدین محمد عوفی (رک: عوفی) ۸۸، ۲۰۵، ۵۷۸، ۵۸۹
شیخ نور الله قنداری ۲۱۳، ۵۹۰
شیخ وجره ۳۳۱
شیخ وجه الدین انصاری شیرازی ۲۰۹، ۵۹۰
شیخ وجه الدین کرمانی ۱۶۷، ۵۸۵
شیخ وجیه (رک: شیخ وجیه الدین) ۱۲۷، ۱۲۹
شیخ وجیه الدین بن شیخ مسعود ۱۶۵
شیخ وجیه الدین (معروف به شیخ وجیه) (رک: شیخ وجیه) ۱۲۹، ۳۳۱، ۵۸۴، ۵۹۵
شیخ وجیه الدین دهلوی گجراتی ۵۸، ۱۵۵، ۲۰۶، ۵۸۴
شیخ ولی الدین محمد بن عبدالله خطیب تبریزی ۴۴، ۵۷۲
شیخ هاشم سمرقندی ۳۴۷، ۵۹۶
شیخ هوتی لاک ۳۳۲، ۵۹۵
شیخ یاسین مغربی ۹۳، ۵۷۹
شیخ یحییٰ بن اسرائیل منیری ۱۳۵، ۵۸۲
شیخ یحییٰ زاهد (بن شیخ داؤد) (رک: سید یحییٰ زاهد بن سید داؤد) ۱۶۱
شیخ یحییٰ بن زکریا ۴۸۱، ۶۰۴
شیخ یعقوب چرخی ۴۳، ۵۷۲
شیخ یوسف اسباط ۹۸، ۵۷۹
شیخ یوسف بن شیخ یونس ۴۶۵، ۶۰۰
شیخ یوسف تبریزی ۱۶۸، ۵۸۵
شیخ یوسف لجالی ۴۸۱، ۶۰۴
شیخ یوسف ماوراء النهری ۱۱۶، ۵۸۱
شیخ یونس سجاوندی ۱۳۷، ۲۰۵، ۲۳۶، ۴۸۱، ۵۸۲، ۵۹۴، ۵۹۸، ۶۰۴

ص

صاحب الزمان (رک : امام سید محمد مہدیؑ) ۵۶۱

صالحؒ ۴۷۵، ۶۰۱

صالح مری ۴۷۹

صائب اصفہانی ۸۹، ۵۷۸

صدر الشریعۃ الاول (احمد بن عبید اللہ المحبوبی البخاری)
(رک : احمد بن عبید اللہ المحبوبی البخاری) ۲۸

صدر الشریعۃ (الثانی عبید اللہ بن مسعود بن برہان الشریعۃ
محمود بن احمد بن عبید اللہ المحبوبی الینسابوری ملقب
صدر الشریعۃ الاول) (رک : شیخ صدر الشریعۃ
الثانی) ۲۸

صفا (رک : دکتر ذبیح اللہ) ۷۵

صلاح الدین موسیٰ پاشا مشہور بہ قاضی زادہ رومی (رک :
قاضی زادہ رومی) ۸۱، ۵۷۷

ض

ضعیف (رک : سید باقر بن سید عثمان بخاری) ۱

ط

طاب طاب ۲۲۲

طبرانی (ابو القاسم سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر لخمی
طبرانی) (رک : ابو القاسم سلیمان بن احمد بن ایوب
بن مطیر لخمی طبرانی) ۳۲۶

طلحہؓ (بن زید) ۲۲۵، ۲۶۶، ۴۳۳، ۵۹۸

طلحہ بن عامر ۵۵۷، ۶۱۰

طلحہ بن عبد اللہ ۴۷۷، ۶۰۲

طوسیان ۵۵۹

طیب بن امام سید علی بن موسیٰ رضاؓ ۵۵۷، ۶۱۰

طیفوریان ۵۵۹

ظ

ظاہر بن محمد ۳۹۲

ع

عاد ۳۸۹، ۴۲۱

عاقل لبیب (رک : ملا عبد اللہ بن ملا عبد الحکیم سیالکوٹی)
۹۳

عائشہ صدیقہؓ (رک : بی بی عائشہ صدیقہؓ) ۲۴۰، ۴۷۹

عبد الباعث ۲۲۴

عبد الجبار ۲۲۴

عبد الجبار (پیر شمال) ۵۵۸، ۶۱۱

عبد الرحمٰن بن عبد اللہ بن محمد بن احمد معروف بہ حافظ المغربی
(رک : حافظ المغربی) ۷۸

عبد الرحمٰن بن عوفؓ ۲۲۵، ۲۶۶، ۴۷۷، ۵۲۳،
۶۰۲

عبد الرحمٰن بن غنم ۳۵۶، ۵۹۷

عبد الرحیم (پیر شمال) ۵۵۸، ۶۱۱

عبد الرزاق (پیر مشرق) ۵۵۸، ۶۱۱

عبد الرشید (پیر مشرق) ۵۵۸، ۶۱۱

عبد الستار ۲۲۴

عبدالستار (پیر مغرب) ۵۵۸، ۶۱۱
عبدالغیاث ۲۲۴
عبدالقادر ۲۲۴
عبدالقادر (پیر جنوب) ۵۵۸، ۶۱۱
عبدالقہار ۲۲۴
عبدالکریم (پیر مغرب) ۵۵۸، ۶۱۱
عبداللہ ۳۵۹
عبداللہ القسطلانی ۲۳۶
عبداللہ بن امام سید جعفر صادقؒ ۵۵۷، ۶۱۰
عبداللہ بن حسین بن امیر امام علیؓ ۵۵۷، ۶۱۰
عبداللہ بن سید محمد ناصر الدین بن سید جلال مخدوم جہانیان (رک: ابو محمد، سید برہان الدین ملقب بر قطب عالم، قطب عالم) ۱۷
عبداللہ بن عباسؓ ۲۷۷، ۶۰۲
عبداللہ بن محمود کوفی ۵۵۷، ۶۱۰
عبداللہ بن مسعود ۲۷۸، ۶۰۳
عبداللہ (پدر حضرت رسولؐ) ۲۲۴
عبداللہ مروزی ۴۳۵، ۵۹۸
عبداللہ حانقی ۲۸۴، ۵۹۳
عبدالمجید (پیر جنوب) ۵۵۸، ۶۱۱
عبدالمطلب ۲۲۴
عبدالمغیث ۲۲۴
عبدمناف ۲۲۴
عبیداللہ اولیا (رک: شیخ اوحد الدین بلیانی) ۵۲
عبیداللہ بن حسن بن امیر امام علیؓ ۵۵۷، ۶۱۰
عبید بن ارزق ۵۵۷، ۶۱۰
عثمان بن عفانؓ (رک: امیر عثمان بن عفانؓ، ذی النورین) ۳۱، ۲۲۵، ۲۶۶، ۲۸۱، ۳۸۲، ۳۳۳، ۳۶۳، ۴۷۷، ۵۱۱، ۵۴۶، ۵۵۲، ۵۷۰، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۷
عثمان دمشقی ۵۵۷، ۶۱۰
عدنان ۲۲۴، ۲۲۵
عروه منیره ۴۳۷، ۵۹۹
عزیزؑ ۲۷۶، ۶۰۲
عسدی بن یزید بن معاویہ ۵۵۷، ۶۱۰
عشرة المبشرین ۳۹۲
عطار نیشاپوری (رک: شیخ فرید الدین) ۳۶
علامہ تفتازانی (رک: مولانا سعد الدین مسعود بن عمر) ۱۴۳، ۱۴۷ـ۱۴۸
علامہ شیرازی (رک: شیخ قطب الدین محمود معروف بہ علامہ شیرازی و مولانا قطب الدین محمود بن مسعود بن مصلح) ۴۹، ۵۳
علی اصغر حکمت ۲۰۳
علی المرتضیؓ (رک: امیر علی بن ابی طالبؓ) ۲۲۵، ۳۸۲، ۴۶۳، ۶۰۰، ۶۱۰
علی بن ابی طالبؓ (رک: ابوالحسن، ابی الحسنین، اسد اللہ الغالب، المرتضی، الوصی، امیر علی، سید المرتضی، شاه

امیر علی، شاہ اولیا، شاہ نجف، علی المرتضیٰ، علی بن ابی طالب، ولی) ۵، ۳۱، ۶۱، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۶۱، ۱۷۷، ۱۹۶، ۲۲۵، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۸۶، ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۲۹، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۸۲، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۲۱_۴۲۳، ۴۲۶، ۴۳۳، ۴۴۳، ۴۷۷، ۵۱۱، ۵۳۲_۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۶، ۵۷۰، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۰۸_۶۱۱

علی بن امام سید محمد باقرؓ ۵۵۷، ۶۱۰

علی بن حمزہ الاسدی الکوفی معروف بہ کسائی النحوی (رک: کسائی النحوی) ۷۶، ۵۷۶

علی بن عیسیٰ ابوالحسن رمانی النحوی ۲۱۱، ۵۹۰

علی بن محمد کلاہ ۳۸۴، ۵۹۸

عمر (بن خطابؓ) (رک: الفاروق، امیر عمر بن خطابؓ، و عمر فاروق) ۳۰، ۱۰۷، ۲۲۵، ۲۶۶، ۲۸۱، ۳۵۷، ۳۸۲، ۴۲۲، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۴۳، ۴۷۷، ۵۱۱، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۴۶، ۵۵۲، ۵۷۰، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۷

عمر بن عبدالعزیز (اُموی) ۳۳، ۱۹۶، ۵۷۰

عمر رضا کحالہ ۶۸

عمر فاروقؓ (رک: عمر بن خطابؓ) ۴۷۷

عمرو بن عثمان بن قنبر النحوی مشہور بہ سیبویہ (رک: سیبویہ) ۷۷، ۵۷۶

عمرو بن لیث صفاری ۸۰، ۵۹۲

عوفی (رک: شیخ نورالدین محمد) ۸۸

عیاض بن موسیٰ بن عیاض معروف بہ قاضی عیاض (رک: قاضی عیاض) ۸۶

عیسر ۲۲۵

عیسیٰؑ ۳۴۲، ۳۶۷، ۴۰۱، ۴۲۶، ۴۷۲، ۴۸۸، ۶۰۲، ۶۰۵

عیسیٰ بن مینا المدنی ملقب بہ قالون (رک: ابوموسیٰ) (قاری) ۷۹

عینی (رک: ابومحمود محمد بن احمد) ۹۲

غ

غاضیان ۵۵۹

غالب ۲۲۴

غوثِ اعظم (رک: شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی) ۱۶۱، ۱۶۲

غوث الثقلین (رک: شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی) ۵۳۰

غیاث الدین بن ہمام الدین معروف بہ خواندمیر (رک: خواند میر) ۸۷، ۵۷۸

غیاث الدین محمد بسرآبادی ۹۳، ۵۷۸

ف

فارابی (رک: حکیم ابونصر فارابی) ۶۵

فارقلیطا ۲۲۴

فالخ ۲۲۵
فخر الاسلام ابو الیسر علی پزدوی (رک : ابو الیسر علی پزدوی و پزدوی) ۶۸
فخر الدین (رک : عثمان بن علی الزیلعی) ۵۶
فردوسیان ۵۵۹
فرعون ۱۰۵، ۳۸۹، ۴۲۱
فضل الله ۳۰۳، ۵۹۳
فقیر (رک : سید باقر بن سید عثمان بخاری) ۱، ۵۳۰
فر ۲۲۴
فیروز شاه تغلق (رک : سلطان فیروز شاه ثالث تغلق) ۶۱، ۶۲، ۲۱۲

ق

قارون ۳۸۹، ۴۲۱
قاسم بن امام سید علی زین العابدین رض ۵۵۷، ۶۱۰
قاسم بن حسن بن امیر امام علی رض ۵۵۷، ۶۱۰
قاضی ابراهیم ممتة ۸۱
قاضی احمد (قاضی شهر تته) ۸۹، ۵۷۸
قاضی التنوخی (رک : شیخ ابو علی المحسن بن علی) ۸۸، ۲۰۵
قاضی امام عبد الجبار ۵۸، ۵۷۵
قاضی حمید الدین ناگوری ۵۷، ۵۷۳
قاضی خان (رک : شیخ فخر الدین) ۵۷
قاضی خیرالدین ۲۳۸، ۵۹۶
قاضی زاده رومی (رک : صلاح الدین موسی پاشا) ۸۱، ۵۷۷
قاضی شرف الدین ۳۳۴
قاضی شهاب الدین جندی ۳۲
قاضی شهاب الدین عمر زابلی ۵۸، ۵۷۴
قاضی شهاب الدین هندی ۲۰۶، ۵۷۲
قاضی شیخ فرید ۲۰۶، ۵۸۹
قاضی صاعد اندلسی ۱۲۹، ۱۵۰، ۵۸۴
قاضی صدو بن حماد ۳۳۸، ۵۹۶
قاضی عبدالله بن تاجیه ۳۲۸، ۵۹۵
قاضی عضد الدین شافعی ۳۵، ۵۷۲
قاضی عفیف الدین ۳۶۲، ۵۹۷
قاضی عیاض (رک : عیاض بن موسی بن عیاض) ۸۶، ۵۷۸
قاضی قاضن ۹۱، ۱۲۹، ۴۶۸، ۵۷۸، ۵۸۲، ۶۰۱
قاضی محمد شرعی ۶۴، ۵۷۵
قاضی محمود گنتوری ۵۹، ۵۷۴
قاضی میر حسین میبدی ۴۳، ۱۳۴، ۵۸۲
قاضی ناصر الدین ابو سعید عبدالله شهید شافعی (بیضاوی) (رک : بیضاوی) ۴۱، ۵۷۱
قاضی یعقوب ۱۸۲، ۵۸۷
قالون (رک : امام قاری ابو موسی کنیت عیسی بن مینا المدنی) ۶۹، ۷۰

قبطیہؓ (رک : بی بی قبطیہؓ) ۲۲۰
قرۃ عین الرسولؐ (رک : بی بی فاطمۃ الزہراؓ) ۵۳۷
قص ۲۲۴
قطب عالم (رک : ابومحمد سید برہان الدین، عبداللہ بن سید محمود ناصرالدین بن سید جلال مخدوم جہانیان) ۱۶، ۱۷
قنبل (رک : امام قاری ابوعمرو محمد بن عبدالرحمٰن بن محمد بن خالد بن سعید بن جرج المکی) ۷۰
قین ۲۲۵

ک

کاتب (جواہرالاولیا) (رک : محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی بن شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق بن شیخ موسیٰ سندی تتوی حنفی) ۳۹، ۹۲، ۲۹۶، ۳۳۲، ۵۵۴، ۵۵۵
کاتب چلپی (رک : مصطفیٰ بن عبداللہ) ۱۰۶
کازرونیان ۵۵۹
کاشفی (رک : مولانا حسین واعظ) ۱۶۲
کرخیان ۵۵۹
کرز بن وبرہ ۳۵۸، ۳۵۹
کسائی النحوی (رک : علی بن حمزہ الاسدی الکوفی) ۷۶، ۵۷۶
کعب الاحبار ۹۵، ۴۰۶، ۶۰۶
کعب بن زہیر صحابیؓ ۸۲

کلاب ۲۲۴
کلثومؓ (رک : بی بی کلثومؓ) ۲۲۰
کمال القریشی (رک : ابوالفضل محمد بن عمر بن خالد) ۱۶۹
کنانہ ۲۲۴

گ

گنج بخش (رک : سید بہاءالدین بخاری) ۲۴

ل

لعل شہباز قلندر مروندی (رک : سید عثمان ملقب بہ لعل شہباز قلندر مروندی) ۱۰، ۱۴۷، ۱۷۵، ۴۸۲، ۵۹۴، ۶۰۵
لمک ۲۲۵
لوطؑ ۲۷۷، ۴۰۲
لوئی ۲۲۴
لیث (رک : امام قاری لیث ابوالحارث بن خالد البغدادی) ۷۳، ۷۴
لیلیٰ ۲۱۶، ۵۹۱

م

مالک ۲۲۴
مبارک بن محمد معروف بہ ابن الاثیر (رک : ابن الاثیر)
متوشلخ ۲۲۵
مجدالدولہ دیلمی ۱۹۲، ۵۸۸
مجدد الف ثانی (رک : شیخ احمد بن عبدالاحد سرہندی و سید احمد افغان ہندی سرہندی) ۶۴، ۲۹۲

مجنون ۲۱۶، ۵۹۱

محبوب عالم (رک : سید احمد بن شاه عالم بن قطب عالم)
۱۸

محمدؐ (رک : آن حضرت، اباالقاسم، احمدؐ، احمدِ مجتبیٰ،
احمدِ مُرسل، پیغمبرِ مصطفیٰ، حضرتِ پیغمبر، حضرتِ
رسالت پناه، حضرتِ رسول، خاتم النبیین،
خلاصة النبوة، خیر البشر، سرورِ انبیا، سرورِ کائنات،
رسول الله، رسولِ خدا، سلطان الانبیا، سیّد البشر،
سیّد الکونین، سیّد المصطفیٰ، سیّدِ عالم، سیّدِ کائنات،
محمّد العربی، محمّد بن عبدالله، محمّد مصطفیٰ، نبیؐ) ۱،
۲، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۱۲۳،
۲۲۳ ـ ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۳ ـ ۲۳۶،
۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۶۱، ۲۶۶ ـ
۲۷۳، ۲۷۵ ـ ۲۹۲، ۳۰۳، ۳۱۰، ۳۱۳،
۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۶،
۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۵۴،
۳۵۶ ـ ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۴ ـ ۳۶۶، ۳۶۸،
۳۶۹، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۲ ـ ۳۸۴، ۳۸۶ ـ
۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۱۱،
۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۱،
۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۴۶،
۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۷۱،
۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۵ ـ ۴۸۷، ۴۹۱ ـ
۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۵،
۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۹، ۵۲۱ ـ ۵۲۳، ۵۲۶،
۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۴۰،
۵۴۱، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۲،
۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۵، ۵۸۷،
۵۹۹

محمّد العربی (رک : محمّدؐ) ۴۸۷

محمّد بن احمد الزاهد ملقّب بالزّین (رک : زین) ۱۶۸،
۵۸۵

محمّد بن بایزید اُچّی ۲۰۶، ۵۸۹

محمّد بن برهان الدّین ملقّب به قطب عالم (رک : ابوالبرکات
سراج الدّین، شاه سیّد محمّد، شاه عالم) ۱۷

محمّد بن زکریا رازی طبیب ۷۹، ۳۷۷

محمّد بن عبدالله (رک : محمّدؐ) ۲۳۷، ۲۶۴

محمّد بن فتوح بن عبدالله امام حمیدی الاندلسی (رک : امام حمیدی
الاندلسی) ۸۵

محمّد بن محمّد بن شهاب بن یوسف الکردی البریقبینی الخوارزمی
معروف به البزازی (رک : البزازی) ۳۶۲

محمّد حنفیه (رک : ابوالقاسم محمّد اکبر بن امیر علی بن ابی طالبؑ)
۴۳۶، ۵۹۸

محمّد داراشکوه (رک : داراشکوه) ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۸۱

محمّد صالح ۵۹۲

محمّد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی بن شیخ ابوطالب بن شیخ

اسحاق بن شیخ موسٰی سندی تتوی حنفی (کاتب جواہرالاولیا) (رک : کاتب جواہرالاولیا)
۳۹، ۹۲، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۹۶، ۳۳۲،
۵۵۴، ۵۵۵، ۵۶۵، ۶۰۹، ۶۱۱
محمد مجیر بن وجیہ الدین ۳۶۰، ۵۹۷
محمد محسن اکبر ملقب بہ طاہر ۵۵۶، ۶۱۰
محمد مصطفیٰ (رک : محمدؐ) ۲، ۵، ۹، ۱۵، ۱۹، ۳۴،
۴۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۴،
۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۰،
۱۳۳، ۱۴۰، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۷۷،
۱۸۲، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۲_۲۲۴،
۲۲۵، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲،
۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۶، ۲۶۷،
۲۷۳، ۲۷۵، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۷،
۳۲۱، ۳۲۶، ۳۵۴، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۱۳،
۴۷۰، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۹، ۵۱۲، ۵۲۹، ۵۳۶،
۵۴۴، ۵۴۹، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۶۱، ۵۶۵،
۵۶۶، ۵۸۷، ۵۹۱، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۸،
۶۱۰
محمد مکائی نیرن کوتی ۳۲۷، ۵۹۵
محمد ناصر دمشقی ۵۵۸، ۶۱۱
محمد ہاشم بن امام سید علی نقی رضؓ الہادی (رک : ہاشم بن محمد) ۵۵۸، ۶۱۱
محمد یحیٰی ہادی بن امام سید جعفر صادقؓ ۵۵۷، ۶۱۰
محمود (برہان الشریعۃ) بن احمد بن عبیداللہ المحبوبی النیساپوری ملقب بہ صدرالشریعۃ الاوّل ۴۸
محمود بن خواجہ کا ۱۶۱
محمود راعوتی ۴۱۹
مخدوم آدم ۴۱۹
مخدوم آدم تتہ تی ۳۲۹، ۵۹۵
مخدوم اسمٰعیل سومرہ اکرمن کوئی ۳۲۷، ۵۹۵
مخدوم الملک شیخ الاسلام مولانا عبداللہ سلطانپوری (رک : مولانا عبداللہ سلطانپوری) ۵۸
مخدوم بلال ۳۳۳، ۵۹۵
مخدوم جعہ ۳۲۸، ۵۹۵
مخدوم جہانی (رک : مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت) ۵۲۲
مخدوم جہانیان جہانگشت (رک : مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت و ابوعبداللہ جلال الدین حسین بخاری
مخدوم جہانیان جہانگشت ۱۰، ۱۲
مخدوم حسام الدین ملتانی ۳۳۱، ۵۹۵
مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت (رک : مخدوم جہانیان جہانگشت) ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۳۶، ۶۰-۶۳،
۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۵۸، ۱۷۲
۱۷۵، ۱۷۹_۱۸۲، ۱۹۰، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۰
۲۲۳، ۲۳۳_۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۵۶

۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۸۹-۲۹۱، ۲۹۴،
۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۴-۳۱۷،
۳۲۵، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۷، ۳۸۷، ۴۴۴،
۴۴۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۸۲، ۴۹۲،
۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۶-۵۰۹،
۵۲۰، ۵۲۴، ۵۴۴، ۵۵۱-۵۵۵، ۵۵۹،
۵۶۱، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۹۱-
۵۹۴، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۵-۶۰۷،
۶۱۱

مخدوم شیخ جمال الدّین احمد کنّو ۱۷۹، ۵۸۶

مخدوم عربی دیانہ ھالاکندی ۳۳۵، ۵۹۶

مخدوم نوح بھکری ۳۳۱، ۵۹۵

مخدوم نوح ھالاکندی ۳۲۷، ۵۹۵

مدرّس رضوی ۳۲۰

مدرکہ ۲۲۴

مرزا شاہ بیگ ارغون ۲۰۴، ۵۸۹

مرزا عیسیٰ ترخان ۲۱۶، ۵۹۰

مرزا غازی عراق ۶۴، ۵۷۵

مرزا مخدوم بن سیّد شریف ۱۲۸

مزہ ۲۲۴

مستعصم باللہ (عبّاسی) ۲۸۰، ۵۹۲

مستنصر (باللہ عبّاسی) ۵۳۶

ویہ خازن رازی (رک: حکیم ابوعلی) ۱۱۴

مشایخ چیشت ۳۶۰

مشرکین ۵۶۰

مُصطفیٰ بن زکریا ۷۴، ۵۷۶

مُصطفیٰ بن عبداللہ معروف بہ حاجی خلیفہ وکاتب چلپی (رک: حاجی خلیفہ وکاتب چلپی) ۱۰۶

مضر ۲۲۴

معاذ بن جبلؓ ۳۲۶، ۴۷۸، ۶۰۳

معتصم باللہ (عبّاسی) ۲۸۰

معد ۲۲۴

معلّم ثانی (رک: حکیم ابونصر فارابی) ۴۵

مغولان ۵۳۷

مقصود علی تبریزی ۱۷۱، ۵۸۶

مقوم ۲۲۵

ملّا احمد ابیوردی ۲۰۹

ملّا جامی (رک: مولانا نورالدّین عبدالرّحمٰن جامی) ۱۵۱، ۲۸۴، ۵۹۴

ملّا جلال الدّین دوانی (رک: مولانا جلال الدّین محمّد بن مولانا سعدالدّین اسعد دوانی صدّیقی) ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۴۹

ملّا جلال الدّین سیوطی (رک: سیوطی) ۵۱، ۵۲، ۵۷۲

ملّا جلال الدّین محلّی شافعی ۵۱، ۵۷۳

ملّا حسن چلپی ۱۲۰، ۵۸۱

ملّا خاکی (رک: شیخ مکّی) ۹۲، ۱۵۷، ۵۸۴

ملا خسرو چلپی ۱۱۹، ۵۸۱
ملا شیدا (فتحپوری) ۸۹، ۵۷۸
ملا صادق حلوائی ۶۵، ۵۷۵
ملا عادل (حافظ) ۶۹، ۵۷۵
ملا عبدالحکیم سیالکوٹی ۵۵، ۵۷۳
ملا عبدالرحمٰن جامی (رک: مولانا نورالدین عبدالرحمٰن جامی) ۱۵۱
ملا عبدالعلی برجندی ۵۸، ۵۷۴
ملا عبدالغفور لاری (رضی الدین) (رک: رضی الدین عبدالغفور لاری) ۶۸، ۱۵۷، ۵۷۵
ملا عبداللہ ملقب بہ عاقل لبیب بن ملا عبدالحکیم سیالکوٹی (رک: عاقل لبیب) ۹۳، ۵۷۹
ملا علی قاری ہروی ۸۱، ۹۲، ۵۷۷، ۵۷۸
ملا علی قاری قوشجی ۲۰۰، ۲۰۳، ۵۸۹
ملا لنتر ۸۸، ۵۷۸
ملا مجد الدین محمد فیروزآبادی ۱۹۷، ۵۸۸
ملا محمد (صدر تتہ) ۸۹، ۵۷۸
ملا محمد بن ابراہیم بن محمد چلپی ۲۷۱، ۵۹۷
ملا مخدوم جعفر لوبکانی ۸۹، ۵۷۸
ملا مصلح الدین لاری ۶۵، ۵۷۵
ملا منیر لاہوری ۸۹، ۵۷۸
ملا میرزا جان شیرازی ۱۳۶، ۵۸۲
ملا یوسف کوسج قراباغی ۱۳۶، ۵۸۲

ملک صالح اتابک ۱۹۸، ۵۸۸
منجنا ۲۲۴
منصور بن احمد بن یزید بن معاویہ ۵۵۷، ۶۱۰
موسیٰؑ ۲۸۵، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۷۴، ۳۸۸، ۴۰۱، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۷۵، ۵۲۳، ۶۰۲
مولانا ابوالمکارم ۲۰۷، ۵۸۹
مولانا اسمٰعیل شیروانی ۱۱۹، ۵۸۱
مولانا برہان الدین علی مرغینانی ۴۴، ۵۷۲
مولانا تونی ۱۲۷، ۵۸۳
مولانا جلال الدین ابویزید پورانی ۹۶، ۱۵۳، ۵۷۹، ۵۸۴
مولانا جلال (الدین) دوانی (رک: مولانا جلال الدین محمد بن مولانا سعدالدین اسعد دوانی صدیقی) ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۰
مولانا جلال الدین سیوطی (رک: سیوطی) ۳۸، ۵۷۱
مولانا جلال الدین محمد بن مولانا سعدالدین اسعد دوانی صدیقی (رک: ملا جلال الدین دوانی و مولانا جلال الدین دوانی) ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۲، ۵۸۲، ۵۸۳
مولانا جلال الدین محمد رومی صدیقی (رک: مولانا رومی) ۲۴، ۳۵، ۴۸۲، ۵۷۰، ۶۰۵
مولانا حسن شاہ بقال شیرازی ۱۳۰، ۱۳۱، ۵۸۲
مولانا حسین خلخالی ۲۸۲، ۵۹۳

مولانا حسین واعظ کاشفی (رک: کاشفی) ۴۲، ۵۷۱

مولانا خواجه علی سمرقندی ۱۵۲، ۵۸۴

مولانا رومی (رک: مولانا جلال الدین محمد) ۳۴، ۳۵، ۲۸۲، ۵۷۰

مولانازاده خطائی ۱۴۴، ۵۸۳

مولانا زین الدین تائبادی ۹۳، ۱۵۱، ۵۷۸، ۵۸۴

مولانا سعدالدین کاشغری ۴۹، ۵۷۳

مولانا سعدالدین مسعود بن عمر التفتازانی (رک: علامه تفتازانی) ۴۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۵۷۲، ۵۸۳

مولانا سناء الدین شیرازی ۱۳۰، ۵۸۲

مولانا سید محمد بن سید شریف الحسینی ۱۲۸، ۵۸۱

مولانا شمس الدین محمد اسد ۹۰، ۱۵۳، ۵۷۸، ۵۸۴

مولانا ضیاء الدین راهوئی ۹۴، ۵۷۹

مولانا عبدالرحمن جامی (رک: مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی) ۳۴، ۹۲، ۱۵۲

مولانا عبدالرؤف گیلانی ۷۹

مولانا عبدالله سلطانپوری (رک: مخدوم الملک شیخ الاسلام) ۵۸، ۵۷۴

مولانا عبدالهادی بن ملا جلال دوانی ۱۳۲، ۵۸۲

مولانا عزّ الدین محمد ۱۱۸، ۵۸۱

مولانا علاء الدین احمد ۵۰۸، ۶۰۷

مولانا علاء الدین محمد بخاری ۱۴۶، ۵۸۳

مولانا علم الدین شرف جهان (رک: شرف جهان) ۶۰

مولانا فاضل خیالی ۲۸۲، ۵۹۳

مولانا فخرالدین سماک الحسینی ۶۵، ۵۷۵

مولانا فریدالدین عالم دهلوی ۶۳، ۵۷۴

مولانا قطب الدین محمد ۵۰۸، ۶۰۷

مولانا قطب الدین محمود بن مسعود بن مصلح مشهور به علامه شیرازی (رک: علامه شیرازی) ۴۹، ۵۳، ۵۷۲

مولانا قطب الدین یحیی بن مولانا محمد ۱۴۳، ۵۸۳

مولانا کمال الدین داود ۱۵۰، ۵۸۴

مولانا کمال الدین عبدالرزاق کاشی ۶۷، ۵۷۵

مولانا لطف الله نسفی ۷۳، ۱۲۹، ۵۷۶، ۵۸۶

مولانا مبارک شاه ۱۳۱، ۵۸۲

مولانا محمد بن سعدالدین مسعود بن عمر التفتازانی ۱۴۳، ۵۸۳

مولانا محمد بن عبدالله بن محمود ۸۲، ۵۷۷

مولانا محمود بن محمد بن عمر ۸۱، ۵۷۷

مولانا مظهر ۱۱۹، ۵۸۱

مولانا منصور بن محمد بن احمد ۱۹۹، ۵۸۸

مولانا موسی جعبری ۱۴۶، ۵۸۳

مولانا میر هاشم ۱۷۵، ۵۸۶

مولانا نامی ۲۲۱، ۲۲۲، ۵۹۱

مولانا نعمت الله بن طاهر نهروانی ۲۰۰، ۵۸۸

مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی (رک: ملا جامی و ملا عبدالرحمن جامی و مولانا عبدالرحمن جامی) ۹۲، ۹۶، ۱۱۲، ۱۲۱،

۱۵۱-۱۵۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۵۲۷، ۵۸۰،
۵۹۴
مولانا یوسف اوبہی ۱۴۸، ۵۸۳
مہتر آدمؑ (رک : آدمؑ) ۱۰۵، ۶۰۱
مہتر ابراہیمؑ (رک : ابراھیمؑ) ۳۵، ۳۶، ۱۰۵، ۱۲۷،
۲۳۳
مہتر ایوبؑ (رک : ایوبؑ) ۳۴
مہتر زکریاؑ (رک : زکریاؑ) ۳۵
مہتر سلیمانؑ (رک : سلیمانؑ) ۱۰۵، ۱۲۶
مہتر عیسیٰؑ (رک : عیسیٰؑ) ۱۰۵، ۱۰۷
مہتر موسیٰؑ (رک : موسیٰؑ) ۳۴، ۱۰۵، ۱۲۶
مہتر نوحؑ (رک : نوحؑ) ۳۳
مہتر یوسفؑ (رک : یوسفؑ) ۳۴
مہتر یونسؑ (رک : یونسؑ ۳۴، ۱۰۵، ۱۲۶
مہلیل ۲۲۵
میر ابوالقاسم بن میر عبدالباقی ۵۶، ۵۷۳
(میران) سیّد محمّد قادری ۵۸، ۵۷۴
میران سیّد ھاشم ۲۱۶، ۵۹۰
میر جلال (رک : سیّد جلال الدّین محمّد بخاری) ۸۰
میر خواند (رک : شیخ محمّد بن خاوند شاہ بن محمود) ۸۷
میرزا اُلغ بیگ گورگانی بن شاہرخ بن امیر تیمور گورگان ۶۹،
۵۷۵
میرزا جلالا (رک : سیّد جلال الدّین محمّد طباطبائی) ۸۵
میرزا مخدوم (میرزا محمّد علی شیرازی) ۹۷، ۵۷۵، ۵۸۱
میر سیّد شریف بن علی الجرجانی (رک : الجرجانی) ۳۸،
۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۵۸، ۵۷۱،
۵۸۱
میر سید صدر الدّین (بن میر سیّد غیاث الدّین منصور شیرازی)
۴۸، ۵۵، ۵۷۲، ۵۷۴
میر سیّد علی ہمدانی ۳۲، ۳۷۸، ۴۴۶، ۵۷۰
میر سیّد غیاث الدّین منصور شیرازی بن میر سیّد صدالدّین
شیرازی ۴۸، ۵۵، ۵۷۴
میر سیّد محمّد سیّد شیر قلندر گجراتی ۹۰، ۵۷۸
میر علی بن میر اسمٰعیل ۱۷۶، ۵۸۶
میر علی شیر قانع تتوی ۱۰، ۴۶، ۱۴۷، ۵۶۱
میر علی شیر نوائی ۱۵۶، ۵۸۴
میرک ابوسعید پورانی ۹۱، ۵۷۸
میرک محمود بن ابوسعید پورانی ۹۱، ۵۷۸
میر محمّد معصوم بھکری ۸۰، ۳۷۷
میر معین الدّین صفوی ۴۲، ۵۷۲
میر معین الدّین واعظ ۴۷، ۵۷۲
میل میل ۲۲۴
میمونہؓ (رک : بی بی میمونہؓ) ۴۴۰

ن

نابت ۲۲۵
ناحور ۲۲۵

نبیؐ (رک: محمدؐ) ۱، ۲، ۶۲، ۱۱۱، ۱۳۲، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۶، ۲۳۶، ۲۷۴، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۷-۳۵۹، ۳۶۱-۳۶۳، ۴۱۶، ۴۶۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۹، ۵۰۷، ۵۱۴، ۵۲۷-۵۲۹، ۵۳۶، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۹، ۵۶۵، ۵۸۷

نزار ۲۲۴

نسائی (رک: ابوعبدالرحمن) ۸۵

نسفی (رک: ابوالبرکات حافظ الدین عبداللہ بن احمد نسفی حنفی) ۴۱، ۳۶۱

نشوان بن سعید الحمیری یمنی ۱۹۸، ۵۸۸

نصاریٰ ۵۰

نضر ۲۲۴

نظام الدین یمنی ملقب بہ نظام حاجی غریب الیمنی (رک: نظام حاجی غریب الیمنی ۳۶۰

نظام حاجی غریب الیمنی (رک: نظام الدین یمنی) ۳۶۰

نظامی عروضی سمرقندی ۲۰۴، ۵۸۹

نمرود ۲۸۹، ۴۲۱، ۴۸۸، ۶۰۵

نوحؑ ۲۲۵، ۴۰۰، ۴۷۵، ۶۰۱

نووی (رک: امام محی الدین) ۵۲، ۹۳

و

وحیہ کلبیؓ ۲۸۶، ۵۹۳

ورش (رک: امام قاری ابوسعید عثمان بن سعید مصری) ۶۹، ۷۰

ولیؓ (رک: امیر علی بن ابی طالبؓ) ۵۳۲، ۵۴۱

وھب بن منبہ ۴۷۸، ۶۰۳

ھ

ھابیلؑ ۴۷۵، ۶۰۱

ھارونؑ ۴۷۶، ۶۰۲

ھارون الرشید (عباسی) ۲۷۹، ۵۹۲

ھاشم ۲۲۴

ھاشم بن محمد ھادی (رک: محمد ھاشم بن امام علی نقیؓ الھادی) ۵۵۸، ۶۱۱

ھشام (رک: امام قاری ابوالولید ھشام بن عمار بن نصر بن آبان بن میسرہ السلمی الدمشقی) ۷۱

ھلال زنگی ۴۷۸، ۶۰۳

ھُودؑ ۴۷۵، ۶۰۱

ھولاکو خان بن تولی خان ۵۳۴، ۶۰۸

ی

یانش ۲۲۵

یحییٰؑ ۴۰۱، ۴۷۶، ۶۰۲

یحییٰ بن زیاد الاسلمی معروف بہ الفراء النحوی (رک: الفراء النحوی) ۷۶، ۵۷۶

یرد ۲۲۵

یشجب ۲۲۵

یعرب ۲۲۵

یعقوبؑ ۳۶۷، ۴۷۵، ۴۸۸، ۶۰۱، ۶۰۵
یوسفؑ ۷، ۳۴، ۴۷۵، ۴۸۸، ۴۹۵، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۶
یوسف بن ابراھیم بن احمد دمشقی ۵۵۷، ۶۱۰، ۶۱۱
یوشعؑ ۴۷۶، ۶۰۲
یونسؑ ۴۷۶، ۶۰۲
یونس نحوی ۷۶، ۵۸۶
یہود ۵۶۰

۲- فهرستِ نامهای کتاب‌ها و رساله‌ها

ا

ابطال منهج الباطل ۳۰۷

ابکار الافکار (علم کلام) ۱۱۷

اتقان ۳۸

احکام الاحکام (اصولِ فقه) ۱۱۷

احیاء العلوم (الدین) ۳۴، ۵۰، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۲۶، ۳۵۸، ۵۱۵، ۵۱۶

اخبار الاخیار ۱۷۸

اخبار الطوال ۸۲

اخبارِ مصطفوی ۲۵۶

اخلاق (حکیم ابوعلی مسکویه خازن رازی) (رک: الطهارة فی علم الاخلاق) ۱۱۴

اخلاق الابرار ۲۰۷

اخلاق المحسنین ۴۲

اخلاق جلالی ۱۳۱، ۱۴۱

اخلاقِ ناصری ۵۳۳

اذکار ۵۱

اذکار الصالحین ۳۱

ارشاد (نحو) ۴۲

اساس اللغه ۴۲

اساس المصلّی ۴۸

اسرار البلاغت (معانی) ۱۱۴

اسرار الخلوة ۶۶

اسرار المعاملات والقربة الی الله ۲۰۷

اسرار نامه ۳۶

اسنی الکواشف فی شرح المواقف ۶۰

اشارات (حکمت) ۴۴

اشباهِ نظایر (فقه) ۴۱

اصطلاحات العارفین ۶۷

اعلام الهدی ۱۳۸، ۲۱۰

اغراض (طب) ۵۶، ۶۸

اکبر جلالی ۲۶۱

اکبرنامہ ۵۲، ۵۷۳
الاقتصاد فی الاعتقاد ۲۰۷
التفہیم لاوائل صناعۃ التنجیم ۷۹
التنویر فی اسقاط التدبیر ۸۳
الجام العوام فی علم الکلام ۲۰۷
الجامع الصحیح (حدیث) ۸۴
الجمع بین الصحیحین ۸۵
الدر المنثور (رک: تفسیر الدر المنثور) ۳۸
التبیعات فی مواعظ البریات ۱۹۶
السیرۃ النبویہ ۲۲۵
الطہارۃ فی علم الاخلاق (حکیم ابو علی مسکویہ خازن رازی) (رک: اخلاق) ۱۱۴
الفرج بعد الشدۃ والمضیقۃ ۸۸، ۲۰۵، ۵۲۹
الفیہ (نحو) ۳۸
القرآن الحکیم (رک: قرآن) ۵-۱۰، ۱۳-۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۲-۱۳۴، ۱۳۸-۱۴۰، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۴-۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۶، ۲۹۲، ۳۱۰-۳۱۳، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۳، ۳۶۱، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۸-۴۰۰، ۴۰۳-۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۸-۴۴۰، ۴۴۵-۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۷۴، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۷-۵۰۰، ۵۰۳-۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۶-۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۴-۵۲۶، ۵۲۹-۵۳۲، ۵۳۴، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۴-۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۶۰-۵۶۶
الواح ۲۱۱
الٰہی نامہ ۳۶
امالی الکافیہ (نحو) ۳۵
امداد الفتاح ۲۰۰
انجیل ۲۲۴، ۲۷۵، ۵۲۳، ۵۴۹
انشای (جامی) ۱۱۲
انشاء جدولی ۴۲
انشای (شیخ نصیرای ہمدانی) ۱۷۲
انشاء (فیضی اکبرآبادی) ۵۲
انموذج العلوم ۳۸
انموذج اللبیب فی خصائص الحبیب ۳۸
انوار الاولیا ۲۹۰
انوار العابدین ۵۴۶
اوراد چشتیہ ۱۸۰، ۵۰۱، ۵۱۹، ۵۳۱
اوراد (شیخ شہاب الدین سہروردی) ۱۳۸، ۲۱۰

اورادِ عظیم ۶۲
اورادِ غوثیہ ۱۳۱
اورادِ فتحیہ ۲۷۸، ۲۷۹، ۳۸۴، ۵۶۶
اوراد (مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت) ۳۱۴

ب

باقر الانوار ۱۲۷
باقر المرادات ۵۵۱
بحر الانوار ۸، ۱۶، ۵۰۹
بحر العجائب ۳۱۸
بحر رایق (شرحِ کنز) ۴۱
بحر مواج (تفسیرِ فارسی) (رک: بحر مواج، تفسیرِ فارسیٔ ترجمۂ عربی) ۴۲
بحر مواج (تفسیرِ فارسی) (ترجمۂ عربی) (رک: بحر مواج، تفسیرِ فارسی) ۵۷
بُستان البخاری ۵۰۶، ۵۰۷
بُستان العارفین ۴۰
بسیط ۲۰۷
بصائر و ضمائر ۱۳۱
بوستان ۳۶
بیست باب (در معرفتِ اصطرلاب) ۴۵، ۵۳۳
پندنامہ ۳۶

ت

تاریخِ ادبی ایران (جلد سوم۔ ادوارد براؤن) (ترجمۂ فارسی موسوم بہ "از سعدی تا جامی") ۲۰۳
تاریخِ ادبیات در ایران (جلد اوّل) (دکتر صفا) ۷۵
تاریخ الحکماء عربی (رک: نزھۃ الارواح) ۱۴۰
تاریخ الحکمای فارسی (رک: خلاصۃ الحیٰوۃ) ۱۳۹
تاریخِ سند (میر محمد معصوم بھکری) ۸۰
تاریخ (سنی الملوک الارض و الانبیاء) ۲۱۴
تاریخِ عربی (از سال ۱ تا ۷۰۰ھ) ۳۵
تاریخ (نیشاپور) (تألیفِ حاکم ابو عبداللہ نیشاپوری) ۳۲۶
تبیان ۱۹۸
تبیین الحقایق (شرح کنز الدقایق) ۵۶
تجرید العقاید ۴۵، ۱۰۰، ۵۳۳
تجبیر ۳۸
تحریر (اصولِ فقہ) ۴۴
تحریرِ اقلیدس ۵۳۳
تحریرِ مجسطی ۵۳۳
تحفۃ الشاهیہ ۵۲
تحفۃ العراقین ۳۶
تحفۃ الکرام ۴۶، ۱۴۷، ۵۶۱
تذکرہ (ہیئت) ۴۵، ۵۳۳
تذکرۃ الاولیا ۳۶، ۳۲۵
ترجمان القرآن (رک: تفسیر۔ ترجمان القرآن) ۳۸
ترجمۂ احادیثِ نبوی (ص) ۶۹

ترجمۂ فارسی تاریخ الحکماء ۱۷۱
ترجمۂ فارسی رشف النصائح (معین الدین معلم یزدی) ۲۱۰
ترجمۂ فارسی صحیح بخاری ۱۷۰
ترجمۂ قرآن (بفارسی) ۸۳
ترجمۂ کلمات حضرت امیر علیؓ ۶۵
ترغیب الصلوٰۃ ۱۶۸
تسخیرات و عزایم ۲۱۱
تصحیح المصابیح (حدیث) ۴۶
تعرف فی التصوف ۲۴، ۴۴
تفسیر آیۃ الکرسی (شیخ ابوالفضل بن شیخ مبارک) ۵۲
تفسیر آیۂ انا فتحنا (شیخ ابوالفضل بن شیخ مبارک) ۵۲
تفسیر ابن جریج ۱۰۵
تفسیر ابو صالح ۱۰۶
تفسیر ابوعبید قاسم بن سلام ۱۰۶
تفسیر ابویوسف یعقوب بن عثمان الغزنوی الچرخی ۱۰۵
تفسیر اسماء حسنیٰ (شیخ یعقوب چرخی) ۴۳
تفسیر الدر المنثور (مولانا جلال الدین سیوطی) (رک: الدر المنثور) ۳۸
تفسیر السدی ۱۰۶
تفسیر (امام ابن کثیر) ۴۳
تفسیر (امام ابو اللیث سمرقندی) ۴۰
تفسیر (امام حسن بن علی العسکریؓ) ۵۳۴
تفسیر انوار الاسرار (ابوالبرکت شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برہان پوری) ۱۳۲
تفسیر بخاری (سید شمس الدین مخدوم امام بخاری گجراتی) ۱۱۳
تفسیر بسیط، امام واحدی (ابوالحسن بن احمد) ۴۳
تفسیر بیضاوی ۴۱
تفسیر بی نقط (شیخ فیضی بن شیخ مبارک) (رک: سواطع الہام) ۵۱
تفسیر تاویلات (شیخ نجم الدین رازی) ۴۳
تفسیر تاویلات (مولانا کمال الدین عبدالرزاق کاشی) ۶۷
تفسیر. ترجمان القرآن (مولانا جلال الدین سیوطی) (رک: ترجمان القرآن) ۳۸
تفسیر جلالین (نصف آخر، مولانا جلال الدین سیوطی) ۵۱
تفسیر جلالین (نصف اول) (مولانا جلال الدین محلی شافعی) ۵۱
تفسیر. جواہر التفسیر (مولانا حسین واعظ کاشفی) (رک: جواہر التفسیر) ۴۲
تفسیر حسینی. مولانا حسین واعظ کاشفی ۴۲
(تفسیر) دُرّ النظیم فی ترتیب الآی والسور الکریم ۵۷
تفسیر دو پارۂ آخر (شیخ یعقوب چرخی) ۴۳
تفسیر شیخ محی الدین محمد بن العربی ۶۶

تفسیر ضیاء الابرار (شیخ ضیاء الدین قریشی) (رک: ضیاء۔
الابرار) ۴۳
تفسیر عرایس (شیخ روزبہان بقلی شیرازی) ۸۳
تفسیر علی بن حرب الطائی الموصلی ۱۰۶
تفسیر فاتحہ (شیخ ابوالفضل بن شیخ مبارک) ۵۴
تفسیر فاتحہ (شیخ صدر الدین قونوی) ۶۶
تفسیر فارسی مخلوط بعربی (امام ابراہیم بن عبداللہ
الزاہدی) ۴۲
(تفسیر) فتح محمدی (ابوالبرکت شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم
برہان پوری) (رک: فتح محمدی) ۱۳۲
تفسیر قتادہ بن امامہ ۱۰۶
تفسیر کبیر (امام فخر الدین رازی) ۳۸
تفسیر حکیم ابوعلی مسکویہ خازن رازی ۱۱۲
تفسیر کشاف (ابوالقاسم جاراللہ محمود زمخشری) ۴۲
تفسیر لطائف (شیخ ابوالقاسم قشیری) ۳۵
تفسیر مجاہد بن جبیر المکی ۱۰۶
تفسیر مجمع البحرین (مولانا جلال الدین سیوطی) (رک:
مجمع البحرین) ۳۸
تفسیر مدارک التنزیل (ابوالبرکات حافظ الدین عبداللہ بن احمد
نسفی) (رک: مدارک التنزیل) ۴۱
تفسیر معالم التنزیل (امام محی السنہ ابو محمد حسین الفراء
البغوی) (رک: معالم التنزیل) ۴۲، ۴۲، ۴۴
تفسیر معینی صغیر: جامع البیان فی تفسیر القرآن صغیر)
(میر معین الدین صفوی) ۴۲
تفسیر معینی کبیر: جامع البیان فی تفسیر القرآن کبیر) (میر
معین الدین صفوی) ۴۲
تفسیر مقاتل بن حیان ۱۰۶
تفسیر مقاتل بن سلیمان ۱۰۵
تفسیر نیسابوری (شیخ حسن بن محمد) ۱۱۵
تفسیر وجیز (امام واحدی ابوالحسن علی بن احمد) ۴۳
تفسیر وسیط) امام واحدی ابوالحسن علی بن احمد) ۴۳
تفسیر وقیع بن جراح ۱۰۶
تفسیر یوسف بن موسیٰ القطان ۱۰۶
تقویم (اصول فقہ) ۱۶۹
تلبیس ابلیس ۲۰۷
تلویح ۴۹
تلویحات ۲۱۱
تمہیدات ۵۰
تنبیہ الانام ۸۳
تنبیہ الغافلین ۴۰
تنقیح و توضیح (اصول فقہ) (رک: شرح تنقیح) ۳۸
تنقیحات ۲۱۱
توریت ۲۲۴، ۴۷۵، ۵۲۳، ۵۲۹
تہافۃ الفلاسفہ ۲۰۷
تہذیب ۴۹

ج

جام جم ۵۰

جامع الاصول ۸۵

جامع البیان فی تفسیر القرآن صغیر (رک: تفسیرِ معینی صغیر) ۴۲

جامع البیان فی تفسیر القرآن کبیر (رک: تفسیرِ معینی کبیر) ۴۲

جامع الرموز ۷۴

جامع العلوم ۱۲، ۱۳، ۹۱، ۲۳۳، ۵۰۶، ۵۵۹

جامع المسائل (صرف) ۵۷

جامع ترمذی (حدیث) ۸۴، ۱۴۱

جامعِ صغیر (فقہ) ۵۷، ۳۲۶

جامعِ کبیر (فقہ) ۵۷

جامعین ۴۰

جذب القلوب الیٰ دیار المحبوب ۱۷۸

جمع الجوامع (حدیث) ۳۸

جوامع الحکایات ۸۸، ۲۰۵

جواہر الاولیا ۲، ۲۳۹، ۲۵۶، ۲۷۵، ۵۵۲ـ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۷۱، ۶۰۹ـ۶۱۱

جواہر البخاری ۱۶، ۵۰۹

جواہر التفسیر (رک: تفسیر ـ جواہر التفسیر) ۴۲

جواہر القرآن ۲۰۷

جواہرِ خمسہ ۱۳۱، ۲۰۰، ۲۲۰، ۵۰۰، ۵۰۷

جوہرۃ النیرہ (شرحِ مختصر قدوری) ۲۷۴

ح

حاشیہ بر اثباتِ واجب (مولانا جلال دوانی) ۱۳۲، ۱۴۱

حاشیہ بر اشراق (مولانا جلال دوانی) ۱۳۱

حاشیہ بر اصفہانی (ملا عبدالحکیم سیالکوٹی) ۵۵

حاشیہ بر انوارِ شافیہ (مولانا جلال دوانی) ۱۳۱، ۱۴۱

حاشیہ بر بحر رائق (شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برہان پوری) ۲۰۹

حاشیہ بر بدیع المیزان (ملا صادق حلوائی) ۶۵

حاشیہ بر بیضاوی (حکیم عثمان بوبکانی) ۸۹

حاشیہ بر بیضاوی (شیخ عصام الدین ابراہیم اسفراینی) ۵۶

حاشیہ بر بیضاوی (ملا عبدالحکیم سیالکوٹی) ۵۵

حاشیہ بر بیضاوی (مولانا محمد بن عبداللہ بن محمود شیخ ابی یحییٰ زکریا) ۸۲

حاشیہ بر بیضاوی (میر ابوالقاسم بن میر عبدالباقی) ۵۶

حاشیہ بر بیضاوی (میر سید صدرالدین بن میر سید غیاث الدین منصور شیرازی) ۴۸

حاشیہ بر تفسیرِ بیضاوی (ملا خسرو چلپی) ۱۱۹

حاشیہ بر تفسیرِ بیضاوی (مولانا اسمعیل شیروانی) ۱۱۹

حاشیہ بر تفسیرِ بیضاوی (مولانا مظہر) ۱۱۹

حاشیہ بر تفسیرِ قاضی (ابوالفضل کازرونی) (خطیب) ۱۲۱

حاشیہ بر تلویح (شیخ سیف الدین شہید ہروی ـ احمد بن یحییٰ بن محمد بن سعد الدین بن عمر التفتازانی مشہور بہ

شیخ الاسلام) ۱۲۴
حاشیه بر تلویح (ملا حسن چلپی) ۱۲۰
حاشیه بر حاشیهٔ خیالیه (ملا عبدالحکیم سیالکوتی) ۵۵
حاشیه بر رقایق الحقایق (شیخ محمد بن محمود ملقب به دیدار) ۱۷۲
حاشیه بر شرح اشارات (شیخ قطب الدین رازی) (رک: محاکمات) ۴۶
حاشیه بر شرح عضدیهٔ خود (ملا صادق حلوائی (رک: شرح عضدیه) ۶۵
حاشیه بر شرح عقاید (شیخ عصام الدین ابراهیم اسفراینی) ۵۶
حاشیه بر شرح عقاید عضدیهٔ جلالی (ملا یوسف کوسج قراباغی) ۱۳۶
حاشیه بر شرح عقاید ملا جلال (دوانی) (ابوالفضل کازرونی خطیب) ۱۲۱
حاشیه بر شرح عقاید نسفیه (غیاث الدین محمد مهرآبادی) ۹۳
حاشیه بر شرح مطالع (ملا عبدالحکیم سیالکوتی) ۵۵
حاشیه بر شرح ملا (ابوالبرکت شیخ عیسی بن شیخ قاسم برهان پوری) ۱۳۲
حاشیه بر شرح ملا (شیخ عصام الدین ابراهیم اسفراینی) ۵۶
حاشیه بر شرح ملا (ملا صادق حلوائی) ۶۵
حاشیه بر شرح ملا (ملا مصلح الدین لاری) ۶۵
حاشیه بر شرح ملا (مولانا عبدالله سلطانپوری) ۵۸
حاشیه بر شرح مطالع (میر سید شریف بن علی الجرجانی) ۳۸
حاشیه بر شرح مواقف (ملا حسن چلپی) ۱۲۰
حاشیه بر شرح وقایه (شیخ سیف الدین شهید هروی- احمد بن یحیی بن محمد بن سعدالدین بن عمر التفتازانی مشهور به شیخ الاسلام) ۱۲۴
حاشیه بر شرح وقایه (شیخ عصام الدین ابراهیم اسفراینی) ۵۶
حاشیه بر شرح هدایهٔ حکمت (مولانا فخرالدین سماک الحسینی) ۶۵
حاشیه بر شفا (شیخ وجیه الدین علوی گجراتی) ۱۵۵
حاشیه بر عضدی (شیخ سیف الدین شهید هروی- احمد بن یحیی بن محمد بن سعدالدین بن عمر التفتازانی مشهور به شیخ الاسلام) ۱۲۴
حاشیه بر عضدی (مولانا جلال دوانی) ۱۳۱، ۱۴۱
حاشیه بر فوایض (میر ابوالقاسم بن میر عبدالباقی) ۵۶
حاشیه بر فصوص شیخ ابن العربی (مولانا علم الدین شرف جهان) ۶۰
حاشیهٔ قدیمه (مولانا جلال دوانی) ۱۳۱، ۱۴۱
حاشیه بر قطبی (شیخ عصام الدین ابراهیم اسفراینی) ۵۶
حاشیه بر قطبی (ملا احمد ابیوردی) ۲۰۹
حاشیه بر قطبی (ملا عبدالحکیم سیالکوتی) ۵۵

حاشیہ برقطبی (مولانا جلال دوانی) ۱۳۱

حاشیہ برقطبی (میر سید صدر الدین بن میر سید غیاث الدین منصور شیرازی) ۴۸

حاشیہ برمختصر (شیخ سیف الدین شید ہروی۔ احمد بن یحییٰ بن محمد بن سعد الدین بن عمر التفتازانی مشہور بہ شیخ الاسلام) ۱۴۴

حاشیہ برمطالع (مولانا جلال دوانی) ۱۳۱

حاشیہ برمفتاح (شیخ وجیہ الدین علوی گجراتی) ۱۵۵

حاشیہ برمطوّل (شیخ سیف الدین شید ہروی۔ احمد بن یحییٰ بن محمد بن سعد الدین بن عمر التفتازانی مشہور بہ شیخ الاسلام) ۱۴۴

حاشیہ برمطوّل (ملا احمد ابیوردی) ۲۰۹

حاشیہ برمطوّل (ملا عبد الحکیم سیالکوٹی) ۵۵

حاشیہ برمطوّل (میر ابو القاسم بن میر عبد الباقی) ۵۶

حاشیہ برمیزان (شیخ وجیہ الدین علوی گجراتی) ۱۵۵

حاشیہ برنفحات (شیخ محمد بن محمود ملقب بہ دہدار) ۱۷۲

حاشیۂ مشکل کشا بر فتوحاتِ مکیہ (سید عبد الاوّل دولتابادی بخاری) ۲۱۱

حاشیہ برشرح عقاید عضدیۂ جلالی (مولانا حسین خلخالی) ۲۸۷

حاشیہ برشرح عقاید نسفیۂ تفتازانی (مولانا فاضل خیالی) ۲۸۲

حبیب السیر فی اخبار افراد البشر ۸۷

حدایق الاخبار ۵، ۲۸

حدایق الانوار ۳۸

حدیقۃ الحقیقۃ ۳۷

حسن التوسل فی زیارۃ اکرم الرسل ۶۷، ۲۳۶

حصن حصین ۲۶

حق الیقین فی معرفت رب العالمین ۳۸

حکایات الفلاسفہ ۲۰۷

حکمت اشراق ۲۱۱

حلیۃ الابدال ۶۶

خ

خزانۃ البخاری ۱۶

خزانۃ الجلالی ۱۰، ۲۶۰، ۴۳۳، ۵۰۰

خلاصۃ التصانیف ۲۸۸

خلاصۃ الحیوٰۃ (رک: تاریخ الحکمای فارسی) ۱۳۹

خلاصۃ السیر فی احوالِ سید البشر ۱۹۲

خلاصۃ الفقہ ۵۷

خلاصۂ چہل شرح ۶۰

خلاصۂ کیدانی (فقہ) ۷۴

خمس الانوار ۱۱۱، ۳۲۰

خمسہ (فیضی اکبرآبادی) ۵۲

خمسہ (نظامی گنجوی) ۳۶، ۲۰۱

د

دائرہ (تصوف) ۵۲، ۶۶

دُرّ التنظیم فی ترتیب الآی والسّور الکریم (رک: تفسیر
دُرّ النظیم فی ترتیب الآی والسّور الکریم) ۵۷
دُرّ التنظیم فی فضائل قرآن العظیم ۲۷۴
دُرۃ التاج ۵۳
دُرج الدُرر ۴۶
دقایق الاخبار ۴۰
دقایق محکمہ ۸۲
دلایل الاعجاز ۱۱۴
دیوانِ جامی ۱۱۲
دیوانِ (حافظ) ۳۵
دیوانِ (خاقانی) ۳۶
دیوانِ (سعدی) ۳۶
دیوانِ سنائی غزنوی ۳۲
دیوان (سید شاہ قاسم انوار) ۳۲
دیوانِ شفائی اصفہانی ۱۷۳
دیوانِ (فیضی اکبرآبادی) ۵۲
دیوانِ (نظامی گنجوی) ۳۶

ذ

ذخیرۃ الملوک ۳۲
ذخیرۂ خوارزم شاہی (طب) ۵۶، ۶۸

ر

راحۃ البخاری (سید شمس الدین مخدوم امام بخاری گجراتی)
۱۱۳
راحۃ البخاری (سید محمود ناصر الدین بخاری) ۲۴۴
راحۃ الجلالی ۲۹۸
ربیع الابرار (امثال) ۴۲
رسالہ آداب المناظرہ ۶۵
رسالہ اسرار النقط ۳۲
رسالہ اشکال التأسیس (هندسه) ۸۱
رسالہ الاعراب فی قواعد الاعراب ۷۸
رسالۂ ایمانِ محمودی ۵۹
رسالہ توزیع الاوقات ۹۴
رسالہ چغمینی (ہیئت) ۸۱
رسالہ حبیبیہ ۳۰۰
رسالہ در تحقیقِ عالمہا ۵۳
رسالہ در تعبیرِ رویا ۴۴
رسالہ در تکسیر ۵۲
رسالہ در علمِ آدابِ مناظرہ ۸۱
رسالۂ زنجانی (صرف) ۱۱۸
رسالۂ زوراء (تصوف) ۱۳۱
رسالۂ سوال وجواب ۹۳
رسالۂ سوانح (امام احمد غزالی) ۵۰
رسالہ (سید شرف الدین مشہدی) ۲۲۲
رسالۂ طب ۱۷۳
رسالۂ عروس (در ترتیب موجودات) ۷۸
رسالۂ قشیریہ ۳۵

رسالہ کنزالاربعین ۱۲۷
رسالہ گلشن ۵۲۷
رسالہ مرآۃ الاسرار ۱۸۰
رسالہ مفید فارسی ۱۹۹
رسالہ مقصود المریدین ۲۶
رسالہ من جانب الغربی فی حل مشکلات ابن العربی ۹۲،
۱۵۷
رسالہ موارد الکلم (بی نقط) ۵۱
رسایل عربیہ و فارسیہ در تفسیر (مولانا جامی) ۱۱۲
رسایل عربیہ و فارسیہ در تصوف (مولانا جامی) ۱۱۲
رسایل عربیہ و فارسیہ در حدیث (مولانا جامی) ۱۱۲
رسایل عربیہ و فارسیہ در صرف (مولانا جامی) ۱۱۲
رسایل عربیہ و فارسیہ در عروض (مولانا جامی) ۱۲۲
رسایل عربیہ و فارسیہ در قافیہ (مولانا جامی) ۱۱۲
رسایل عربیہ و فارسیہ در معما (مولانا جامی) ۱۱۲
رشفت النصائح ۱۳۸، ۲۱۰
رفیق العارفین ۵۰۲
رکنی (رک: شرح کافیہ) ۴۸
روضۃ الاحباب ۴۷
روضۃ الصفا ۸۷
روضۃ القلوب ۲۱۱
رہ انجام (علم سلوک) ۵۳
ریاض الصالحین ۵۱

ز

زاد الفقیر (فقہ) ۴۴
زبدۃ الحقایق ۵۰
زبور ۲۲۶، ۴۷۵، ۵۲۳، ۵۴۹
زواجر ۶۷
زیج اُلغ بیگی ۶۹
زیج ایلخانی ۴۵، ۵۳۳

س

سبحات العقول والنفوس والعناصر ۲۱۱
سبعۂ نظم (مولانا جامی) ۱۱۲
ستینیہ ۳۸
سراج السالکین ۶۰
سر الصناعۃ ۷۷
سفینۃ الاولیا ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۱۶۱
سلسلۃ الذہب (شجرۂ منظوم بخاریان) ۲۹۸
سلوت الطالبین ۱۹۱
سُنَن (حدیث) ابن ماجہ قزوینی ۸۴
سُنَن (حدیث) ابو داؤد سجستانی ۸۴
سُنَن (حدیث) ابوعبدالرحمن نسائی ۸۵
سُنَن (حدیث) ابوعبداللہ دارمی
سواطع الالہام (رک: تفسیر بی نقط) ۵۱
سیر العارفین ۹، ۱۲
سیر نامہ ۱۴، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۳۶

سی فصل (در معرفتِ تقویم) ۴۵، ۵۳۳

ش

شافیہ (صَرف و خط) ۴۵
شاہجہان نامہ (میرزا جلالا) ۸۵
شجرۃ العالم ۲۲۳
شجرۂ ایلارہ ۱۴۷
شجرۂ مبارکہ ۱۷۴
شجرۂ منظومِ بخاریان ۲۹۸
شرحِ آداب البحث ملّا صادق حلوائی ۶۵
شرح اثباتِ واجب سیّد میرصدر الدّین (بن میر سیّد غیاث الدین منصور شیرازی) ۴۸
شرحِ ارشاد (نحو) ـ شیخ وجیہ الدّین علوی گجراتی ۲۰۷
شرحِ ارشاد (نحو) مولانا سعد الدّین مسعود بن عمر التفتازانی ۴۹
شرحِ اسماءِ حسنیٰ (رک: طوالع الشّموس) قاضی حمید الدّین ناگوری ۵۷
شرحِ اشارات (حکمت) خواجہ نصیر الدّین طوسی ۴۵، ۵۳۳
شرحِ اشارات (حکمت) شیخ شہاب الدّین ابو الفتح یحییٰ مقتول سہروردی ۲۱۱
شرحِ اشارات (حکمت) میر سیّد شریف بن علی الجرجانی ۳۸
شرحِ السّنّۃ (حدیث) امام محی السّنّۃ ابو محمّد حسین الفراء البغوی ۴۲
شرحِ الشّرح (اصولِ فقہ) مولانا سعد الدّین مسعود بن عمر التفتازانی ۴۹
شرحِ انوار شافیہ. میر سیّد صدر الدّین (بن میر سیّد غیاث الدّین منصور شیرازی) ۴۸
شرحِ انوری. شیخ نصیرای ہمدانی ۱۷۴
شرحِ تجرید. میر سیّد صدر الدّین (بن میر سیّد غیاث الدّین منصور شیرازی) ۴۸
شرحِ تجنیس ابو العسر برھان الدّین علی (رک: کفایۃ المنتہی) ۶۸
شرحِ تذکرۂ ہیئت. شیخ حسن بن محمد ۱۱۵
شرحِ تذکرۂ (ہیئت) ملّا عبد العلی برجندی ۵۸
شرحِ تذکرۂ (ہیئت) میر سیّد شریف بن علی الجرجانی ۳۸
شرحِ تعرّف. شیخ ابو ابراہیم اسمٰعیل بن محمّد البخاری ۶۵
شرحِ تلخیص. شیخ عصام الدّین ابراہیم اسفراینی ۵۶
شرحِ تنقیح. شیخ صدر الشّریعۃ الثّانی (عبید اللہ بن مسعود بن برھان الشّریعۃ) (رک: تنقیح و توضیح) ۳۰
شرحِ تہذیب. مولانا جلال دوانی ۱۳۱، ۱۴۱
شرحِ تہذیب المنطق و الکلام. ابو الفضل کازرونی (خطیب) ۱۲۱
شرحِ جدید تجرید. ملّا علی قوشچی ۲۰۳
شرحِ چغمینی. صلاح الدّین موسیٰ پاشا مشہور بہ قاضی۔

زادہ رُومی ۸۱
شرحِ حصنِ حصین۔ ملا علی قاری ہروی ۸۱، ۹۲
شرحِ حکمتِ اشراق۔ مولانا قطب الدین محمود بن مسعود مصلح مشہور بہ علامہ شیرازی ۴۹
شرحِ حکمت العین۔ خواجہ نصیر الدین طوسی ۵۳
شرحِ دُرِ رِغرر جامی۔ غیاث الدین محمد بہرآبادی ۹۳
شرحِ دوازدہ مقالہ مجسطی (ہیئت) مرزا غازی عراقی ۶۴
شرحِ دیوانِ حضرت امیر المؤمنین علیؓ۔ قاضی میر حسین میبدی ۴۴
شرحِ رباعیات۔ مولانا جامی ۱۱۲
شرحِ رسالہ اشکال التأسیس ہندسہ۔ صلاح الدین موسیٰ پاشا مشہور بہ قاضی زادہ رومی ۸۱
شرحِ رسالہ توزیع الاوقات۔ شیخ عبداللطیف راہوتی ۹۴
شرحِ رسالہ قشیریہ۔ مولانا محمد بن عبداللہ بن محمود شیخ ابی یحییٰ زکریا ۸۲
شرحِ رکنی۔ سید حسن بن محمد بن شرف شاہ الحسینی الاسترآبادی ۶۸
شرحِ زنجانی (صرف) مولانا سعدالدین مسعود بن عمر۔ التفتازانی ۴۹
شرحِ زیج اُلغ بیگی۔ ملا عبدالعلی برجندی ۵۸
شرحِ سی فصلِ تقویم۔ شیخ حسن بن محمد ۱۱۵
شرحِ شاطبی۔ ملا علی قاری ہروی ۸۱، ۹۲
شرحِ شافیہ۔ شیخ احمد بن حسن جاربردی ۱۱۶
شرحِ شافیہ (صرف) شیخ حسن بن محمد (رک: نظامی) ۱۱۵
شرحِ شافیہ۔ شیخ نجم الدین رضی ۵۲
شرحِ شرعۃ الاسلام سید یعقوب بن سید علی (رک: مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان) ۵۵، ۵۲۷، ۵۲۸
شرحِ شمائل النبیؐ (حدیث)، شیخ ابن الحجر عسقلانی ۶۷
شرحِ شمائل النبیؐ (حدیث)، شیخ عصام الدین ابراہیم اسفراینی ۵۶
شرحِ شمسیہ حساب ملا عبدالعلی برجندی ۵۸
شرحِ شمسیہ (منطق) شیخ قطب الدین رازی (رک: قطبی) ۴۶
شرحِ شمسیہ (منطق) مولانا سعدالدین مسعود بن عمر۔ التفتازانی ۴۹
شرحِ شمسیہ (منطق) میر سید علی ہمدانی ۳۲
شرحِ صحیح بخاری۔ ابومحمود محمد بن احمد عینی ۹۲
شرحِ (صحیح) بخاری، حکیم عثمان بو بکانی ۸۹
شرحِ صحیح بخاری۔ شیخ ابن الحجر قسطلانی (رک: فتح الباری) ۶۴
شرحِ صغیر منیۃ المصلیٰ ۳۶۱، ۳۶۲
شرحِ طوالع شمس الدین محمود بن ابوالقاسم اصفہانی ،
شرحِ طوالع شیخ متورین شیخ عبدالمجید ۵۷
شرحِ عضدیہ۔ ملا صادق حلوائی (رک: حاشیہ بر شرح

عضدیهٔ خود) ۶۵
شرحِ عقاید. مولانا سعدالدین مسعود بن عمر التفتازانی
۴۹
شرحِ عقاید عضدیه. مولانا جلال دوانی ۱۳۱
شرحِ عوارف. شیخ مسعود بک هندی ۴۹
شرحِ فارسیِ شمائل النبیؐ ملا مصلح الدین لاری ۶۵
شرحِ (فارسی) صراطِ مستقیم. شیخ عبدالحق دهلوی ۱۷۸
شرحِ فارسیِ فارسیهٔ هیئت. ملا مصلح الدین لاری
۶۵
شرحِ فارسیِ مختصر وقایه. شیخ عبدالجلیل بن محمد الخافی ۵۷
شرحِ فارسی مقالهٔ هیئت. ملا علی قوشجی ۶۰
شرحِ فارسی هیئت. ملا یوسف کوسج قراباغی ۱۳۶
شرحِ فرایض. شیخ سیف الدین شهید هروی ـ احمد بن
یحیی بن محمد بن سعدالدین بن عمر التفتازانی مشهور به
شیخ الاسلام) ۱۴۴
شرحِ فصوص (الحکم) شیخ داود قیصری ۶۹
شرحِ فصوص (الحکم) شیخ مسعود بک هندی ۴۹
شرحِ فصوص (الحکم) مولانا جامی ۱۱۲
شرحِ فصوص (الحکم) مولانا کمال الدین عبدالرزاق کاشی
۶۷
شرحِ فصوص (الحکم) میر سید علی همدانی ۳۲
شرحِ قانون الشفا (طب) شیخ ابوالحسن القریشی المکی
۶۳

شرحِ قانون الشفا (طب) مولانا قطب الدین محمود بن مسعود
مصلح مشهور به علامه شیرازی ۴۹
شرحِ قدیم تجرید شیخ شمس الدین بن ابوالقاسم اصفهانی
۲۰۱
شرحِ قصیدهٔ برده. میر سید علی همدانی ۳۲
شرحِ قصیدهٔ تائیهٔ فارضیه. شیخ سعدالدین فرغانی ۶۷
شرحِ قصیدهٔ تائیهٔ فارضیه. مولانا جامی ۱۱۲
شرحِ قصیدهٔ فارضیهٔ خمریهٔ میمیه. میر سید علی همدانی ۳۲
شرحِ قصیدهٔ میمیهٔ فارضیه. مولانا جامی ۱۱۲
شرحِ کافیه. سید حسن بن محمد بن شرف شاه الحسینی الاسترابادی
(رک: بزرگی) ۴۸
شرحِ کافیه. سید حسن بن محمد بن شرف شاه الحسینی ـ
الاسترابادی (رک: متوسط) ۴۸
شرحِ کافیه. سید حسن بن محمد بن شرف شاه الحسینی ـ
الاسترابادی (رک: وجیز) ۴۸
شرحِ کافیه. شیخ عصام الدین ابراهیم اسفراینی ۵۶
شرحِ کافیه. شیخ نجم الدین رضی ۵۲
شرحِ کافیه (مشهور به هندی) قاضی شهاب الدین هندی
۴۲
شرحِ کافیه. مولانا جامی ۱۱۲
شرحِ کتاب (نحو) سیبویه. ابوسعید نحوی سیرافی ۷۷
شرحِ کشاف. شیخ احمد بن حسن جاربردی ۱۱۶
شرحِ کشاف. شیخ طیب ۵۵

شرحِ کشاف ۔ مولانا سعدالدین مسعود بن عمر التفتازانی ۴۹
شرحِ کنز زین الدین ابن النجیم (رک : بحر رائق) ۴۱
شرحِ کنزالدقایق ۔ ابو محمود محمد بن احمد عینی ۹۲
شرحِ کنزالدقایق ۔ عثمان بن علی الزیلعی فخرالدین (رک : تبیین الحقایق) ۵۶
شرحِ کیدانی ۔ شمس الدین علامہ قہستانی ۷۳
شرحِ کیدانی ۔ شیخ بدرالدین ابراہیم سرہندی ۷۴
شرحِ کیدانی ۔ مولانا سعدالدین مسعود بن عمر التفتازانی ۴۹
شرحِ لباب الاعراب ۔ شیخ علی حکیم اقسرائی ۶۴
شرحِ نعل قطبی (عروض) شیخ نصیرای ہمدانی ۱۷۴
شرحِ لمعات ۔ مولانا جامی ۱۱۲
شرحِ مجسطی ۔ شیخ نصیرالدین طوسی ۵۳۳
شرحِ محاکمات ۔ میر سید شریف بن علی الجرجانی ۳۸
شرحِ مختصر ۔ مولانا جامی ۱۱۲
شرحِ مختصر (منتہی اصولِ فقہ) سید حسن بن محمد بن شرف شاہ الحسینی الاسترابادی ۴۸
شرحِ مختصر منتہی (اصول فقہ) قاضی عضدالدین شافعی (رک : عضدی) ۴۵
شرحِ مختصر (منتہی اصولِ فقہ) مولانا قطب الدین محمود بن مسعود مصلح مشہور بہ علامہ شیرازی ۴۹
شرحِ مختصر وقایہ (فقہ) ۔ ملا عبدالعلی برجندی ۵۸
شرحِ مختصر وقایہ ۔ مولانا ابوالمکارم ۲۰۷
شرحِ مشکوٰۃ ۔ شیخ طیب ۵۵
شرحِ مشکوٰۃ ۔ ملا علی قاری ھروی ۸۱ ، ۹۲
شرحِ (عربی) مشکوٰۃ ۔ شیخ عبدالحق دہلوی ۱۷۸ ، ۲۲۸
شرحِ (فارسی) مشکوٰۃ ۔ شیخ عبدالحق دہلوی ۱۷۸
شرحِ متن شمسیہ حساب ۔ شیخ حسن بن محمد ۱۱۵
شرحِ مطالع (منطق) ۔ شیخ قطب الدین رازی (رک : لوامع) ۴۶
شرحِ مطالع ۔ میر سید صدرالدین (بن میر سید غیاث الدین منصور شیرازی) ۴۸
شرحِ مطول ۔ میر سید شریف بن علی الجرجانی ۳۸
شرحِ مفتاح (معانی) ۔ شیخ قطب الدین محمود مشہور بہ علامہ شیرازی ۵۳
شرحِ مفتاح (معانی) مولانا سعدالدین مسعود بن عمر التفتازانی ۴۹
شرحِ مفتاح (معانی) میر سید شریف بن علی الجرجانی ۳۸
شرحِ مفصل ابن الحاجب جمال الدین ابوعمرو عثمان بن یونس المصری ۴۵
شرحِ مقاصد (کلام) مولانا سعدالدین مسعود بن عمر التفتازانی ۴۹
شرحِ مقدمۂ ابواللیث فقیہ ۔ مولانا مصطفیٰ بن زکریا ۷۴
شرحِ مقدمۃ الصلوٰۃ ۔ مولانا سعدالدین مسعود بن عمر ۔

التفتازانی ۴۹
شرحِ مقدمهٔ جزریه (قرأت). مولانا محمد بن عبدالله بن محمود شیخ ابی یحییٰ زکریا ۸۲
شرحِ منیة المصلیٰ (صغیر). شیخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم چلپی ۵۳
شرحِ منیة المصلیٰ (کبیر). شیخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم چلپی ۵۳
شرحِ مواقف. میر سید شریف بن علی الجرجانی ۳۸
شرحِ موجز القانون (طب). شیخ علی حکیم اقسرائی ۶۴
شرحِ نام حق. اختیار بن غیاث الدین الحسینی ۳۰۰
شرحِ نقایه. میر سید شریف بن علی الجرجانی ۳۸
شرحِ منار (اصولِ فقه) ابوالبرکات حافظ الدین عبدالله بن احمد النسفی ۴۱
شرحِ نصوص. شیخ علی پرودهی بن احمد ۵۹
شرحِ نهج البلاغة. ابن ابی الحدید ۱۰۰
شرحِ وقایه (فقه). شیخ تاج الشریعة عمر بن احمد بن عبیدالله المحبوبی البخاری ملقب به صدر الشریعة الاوّل) ۴۸
شرحِ هدایه. شیخ احمد بن حسن جاربردی ۱۱۶
شرحِ هدایهٔ (حکمت)، خواجه نصیرالدین طوسی ۵۳
شرحِ هدایهٔ (حکمت)، سید حسن نهروالہ ۳۲
شرحِ هدایهٔ (حکمت)، شیخ تاج الشریعة (عمر بن احمد بن عبیدالله المحبوبی البخاری ملقب به صدر الشریعة الاوّل) ۴۸
شرحِ هدایهٔ (حکمت). قاضی میر حسین میبدی) ۴۴
شرحِ هدایهٔ المبتدی ابوالعسر برهان الدین علی (رک: هدایهٔ الفقه) ۶۸
شرحِ هدایه (فقه). ابومحمود محمد بن احمد عینی ۹۲
شرحِ هدایهٔ فقه. شیخ کمال الدین ابن الهمام (رک: فتح القدیر) ۴۴
شرحِ هیاکل. مولانا جلال دوانی ۱۳۱
شرعة الاسلام ۵۵، ۲۸۶
شرف الاولیا ۱۴۷، ۱۴۹
شرف السادات ۳۶
شعب الایمان ۸۵
شفا (حدیث) ۸۶
شفا (حکمت) ۴۴
شفاء المرض (منظوم) ۴۵۶
شمائل (حدیث) ۸۴
شمائل النبیؐ (حدیث) ۴۱
شمائل نامه ۲۲۵، ۲۲۶
شمس العلوم ۱۹۸
شواهد النبوة ۱۱۲، ۲۲۸، ۵۴۷

ص

صحاح اللغه ۱۱۳
صحیح بخاری ۴۱

صحیح مسلم ۴۱، ۸۴
صد مکتوبات ۱۳۵
صراح اللغۃ ۱۶۹
صلوٰۃ الطاہریہ ۲۰۰
صواعق محرقہ ۶۷
صورۃ الکواکب ۵۸
صیدنامہ ۱۴۲

ض

ضیا الابرار (رک: تفسیر ضیا الابرار) ۴۳

ط

طب النبیؐ ۸۶
طب شہابی ۱۹۹، ۲۵۶
طبقات الاطبا ۱۳۹، ۱۵۰
طوالع (کلام) ۴۱
طوالع الشموس (رک: شرح اسماء حسنیٰ) ۵۷

ع

عجائب الدنیا ۲۰۶
عجوبہ ۲۲۱
عضدی (شرح مختصر منتہی) (اصول فقہ) ۴۵
عقاید نسفی ۸۹
عمدہ (کلام) ۴۱
عمل الیوم واللیلۃ ۳۲۶
عوارف المعارف ۶۴، ۱۳۸، ۲۱۰
عہدنامہ ۳۶۱
عیار دانش ۵۴
عین المعانی فی شرح اسماء ربانی ۱۳۲، ۵۰۸
عیون الحکمۃ (حکمت) ۴۴

ف

فاضحۃ الملحدین ۱۴۶
فائق غریب (حدیث) ۴۲
فتاوی پورانی ۹۵
فتاوی تاتارخانی ۶۳
فتاوی قاضی خان ۵۷
فتاوی نحو ۷۸
فتح الباری (شرح صحیح بخاری) ۶۴
فتح القدیر (شرح ہدایہ فقہ) ۴۴
فتح محمدی ابوالبرکت شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برہان پوری (رک: تفسیر فتح محمدی) ۱۳۲
فتوح الاوراد ۲۰۹، ۳۲۵، ۳۶۰
فتوحات فیروزشاہی ۶۱
فتوحات (مکیہ) ۳۴، ۶۶، ۸۲، ۳۰۶، ۳۷۷
فرقان حمید (رک: قرآن) ۱۹۴، ۲۷۵، ۵۲۳، ۵۴۹
فصل الخطاب ۴۹
فصوص الحکم ۶۶، ۳۰۶
فضایل الاعمال ۳۶۰، ۵۲۸
فقہ التصوف ۳۵

فکوک ۶۶
فواتح (مقدمهٔ شرح دیوان حضرت امیرالمؤمنین علیؑ) ۴۴
فواید البخاری ۱۲۷
فواید خواجه (نصیر الدین طوسی) ۵۳۳
فواید غیاثیه (معانی) ۴۵
فهرست کتابهای چاپی عربی ۴۲
فیصل التفرقه ۲۰۷
فیض الباری (شرح صحیح بخاری) ۲۱۱

ق

قاموس اللغه ۱۹۷
قانون الشفا (طب) ۴۴
قبلة المذاهب الاربعه ۱۳۲
قرآن (رک: القرآن الحکیم، فرقان حمید، کلام مجید، مصحف مجید) ۲، ۳، ۵، ۲۰، ۶، ۱۹، ۲۲۴، ۲۷۵، ۳۶۰، ۵۶۶
قران السعدین ۲۰۱
قسطاس العروض ۴۲
قسطاس مستقیم ۲۰۷
قصص فاریابی ۲۰۷
قصیده بانت سعاد ۸۲
قصیدهٔ بُرده ۸۳، ۲۴۴، ۳۴۵
قصیدهٔ تائیهٔ عربیه (مسمی به نظم السلوک (رک: نظم السلوک) ۳۴، ۶۵
قصیدهٔ رائیه (در رسم خط مصحف حضرت امیر عثمانؓ) ۴۰
قصیدهٔ لامیه (قرائت) ۴۰
قصیدهٔ میمیهٔ خمریه ۳۳
قطبی (شرح شمسیهٔ منطق) ۴۶
قواعد الطریقه ۸۳
قوة القلوب ۳۴

ک

کارنامهٔ بزرگان ایران ۴۶۶، ۵۳۷
کافیه (فقه) ۴۱
کافیه ۴۵
کتاب العین ۱۰۰
کتاب پزدوی (اصول فقه) ۶۸
(کتاب در علم) اشکال ۴۳
(کتاب در علم) تکسیر ۴۳
(کتاب در علم) حروف ۴۳
کتاب نحو ۷۷
کریا ۳۶
کشاف (رک: تفسیر کشاف) ۴۲، ۳۶۱
کشف الحقایق ۹۵
کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون ۱۰۶
کشف الغمة در احوال برزخ ۲۰۶
کشف الغمة فی معرفة الائمه ۹۹
کشف الکرامات ۹

کشف المحجوب ۳۴
کشف المعانی فی سبع المثانی (قرأت) ۸۲
کفایۃ المنتہی (شرح تجنیس) ۶۸
کفایۂ شعبی ۲۰۹
کلام مجید (رک: قرآن) ۱۹۴
کلمۃ البارقہ الیہ ۲۱۱
کلیاتِ تصوف ۲۱۱
کلید مخازن ۱۳۱
کلیلہ و دمنہ ۵۴
کنز (فقہ) ۴۱
کنز الانوار ۶۳
کنز المعرفۃ ۶۲
کیمیای سعادت ۲۰۷

گ

گلزار الابرار ۳۸
گلستان ۳۶، ۱۰۶
گلشنِ راز ۳۸
گنج الاسرار (شرحِ غزلی) ۱۹۷

ل

لبّ التحریر ۱۶۱
لُبّ النحو ۴۱
لباب الاحیا ۵۰
لباب المعارف العلیہ فی مکتبہ دار العلوم اسلامیہ،
پیشاور ۴۸
لطایفِ اشرفی ۶۰، ۳۶۰، ۵۰۱
لمعات ۶۶
لوامع (شرحِ مطالعِ منطق) ۴۶

م

مباحثِ شاہی (در تقویم و اصطرلاب) ۵۱
مباحثات ۴۴
مباحثِ مشرقیہ (کلام) ۳۸
مبدأ و معاد. ابن سینا ۴۴
مبدأ و معاد. شیخ عزیز نسفی ۹۵
مبسوط ۶۰
متانۃ الروایۃ ۸۹
متوسط (شرحِ کافیہ) ۳۸، ۵۷۲
مثالب و مضاحک ۱۰۰
مثنوی (رومی) ۳۱۴
مجمع البحرین (رک: تفسیر مجمع البحرین) ۳۸
مجمع البحرین (فقہ) ۶۰
مجمع الغرایب ۲۰۴
مجمع النوادر ۲۰۴
مجموع البخاری ۱۲، ۵۰۷
مجموع خانی فی عین المعانی ۱۶۸
محاضرات ۸۲
محاکمات (حاشیہ بر شرحِ اشارات) ۴۶

محرّر (در فقہ شافعیہ) ۲۰۸
محصول (اصولِ فقہ) ۳۸
محک النظر ۲۰۷
محیطِ مراد خانی ۶۷
مختار الاختیار (فقہِ شافعیہ) ۷۵، ۲۰۰
مختصر منتہی (اصولِ فقہ) ۳۵
مخزن الاسرار ۳۶
مدارج الکمال ۵۳
مدارک التنزیل (رک: تفسیر. مدارک التنزیل) ۱۶۱،
۳۶۱، ۳۶۲
مدح ۵۴
مرآتِ مداری ۱۸۰
مرآتِ مسعودی ۱۸۰
مراح الارواح (صرف) ۱۱۷
مرغوب القلوب (منظوم) ۳۵
مسائرہ (علمِ کلام) ۴۱۶
مسائلِ نماز ۷۴
مستدرک ۹۹، ۲۸۳
مستصفی ۲۰۷
مشارع ۲۱۱
مشکوٰۃ (حدیث) ۴۴، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۷
مشکوٰۃ الانوار ۲۰۷
مصابیح (اصلِ مشکوٰۃ) (حدیث) ۱۶۲، ۱۶۴، ۳۵۴،
۳۵۵، ۳۵۷
مصحفِ مجید (رک: قرآن) ۱۰۸
مطارحات ۲۱۱
مطوّل ۴۹
مظہر الآثار ۱۷۵
معالم التنزیل (رک: تفسیر. معالم التنزیل) ۱۶۲، ۴۱۶
معجم المؤلفین ۴۸
معدن المعانی ۱۳۵، ۵۰۱
معراج المؤمنین الیٰ اعلیٰ علیین ۷۴
معرفۃ العلوم الحدیث ۹۹
معیار العلم (النظر) ۲۰
مغنی اللبیب (نحو) ۷۸
مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان (شرحِ شرعۃ الاسلام)
۵۵، ۵۲۷
مفتاح ۶۵
مفتاح الجنان ۳۶۰، ۵۹۷
مفتاح الخیرات ۱۷۴
مفتاح الصلوٰۃ ۲۰۹
مفتاح الغیب ۶۶
مفصّل (نحو) ۴۲
مقالات الشعرا ۱۰
مقالات المسلمین ۴۳
مقدمۂ ارجوزۂ جزریہ ۴۶

مقصدِ اقصیٰ ۹۵
مقصدِ اقصیٰ (اسنیٰ) فی شرح اسماء اللہ الحسنیٰ ۲۰۷
مقصود القاصدین ۲۹۹
مکتوبات (امام احمد غزالی) ۵۰
مکتوبات (شیخ شرف الدین احمد بن یحییٰ میری) ۱۳۵،
۵۲۵
ملتقی الابحر (فقہ) ۵۳
ملفوظ پیرانِ چشت ۵۰۱
ملل و نحل ۲۰۲
مناجات ۲۱۶
منار (اصولِ فقہ) ۴۱
منازل السائرین ۳۹
منازل و مناحل ۵۰
منافع المسلمین ۵۷
مناقب السادات ۵۸
مناقب (علی ابن ابی طالبؓ) ۹۹
منتہی (اصولِ فقہ) ۴۵
منطق الطیر ۳۶
منظومۂ خواصِ قرآن ۶۹
منظومۂ عروض ۴۵
منظومۂ (قرأت) ۴۶
منہاج (اصولِ فقہ) ۴۱
منہاج العابدین ۳۹
منہاجِ مبین ۵۳
مواقف (علم کلام) ۴۵
مواھب لدنیہ ۶۴
موجز القانون (طب) ۴۳
مونس البخاری (خرد) ۱۲
مونس البخاری (کلان) ۱۲
مونسِ جان ۲۰۸

ن

نامِ حق ۵۹
نان و حلوا ۶۸
نجات (منطق) ۴۴
نخو القلوب ۳۵
نزل السائرین ۱۹۴،۸۶
نزھۃ الارواح۔ حکیم شمس الدین محمد شہرزوری (رک: تاریخ الحکما عربی) ۱۴۰
نزھۃ الارواح۔ سید محمد بن عالم حسینی ۳۷
نزھۃ الخواطر ۳۱
نسخۂ تسخیرات ۴۵
نصاب الصبیان ۲۰۳
نصایح (صغار) ۴۲
نصایح (کبار) ۴۲
نصوص ۴۶
نظامی (رک: شرح شافیۂ صرف) ۱۱۵

نظم السلوک ← رک: قصیدهٔ تائیهٔ عربیه) ۳۳، ۶۵
نفائس الفنون ۱۵۶
نفحات الانس ۳۴، ۱۱۲
نفحات البیه ۶۶
نقد محصّل (امام رازی) خواجه نصیرالدّین طوسی ۴۵، ۵۳۳
نقد (معالم) التنزیل (امام محی السنة ابومحمّد حسین الفراء البغوی) خواجه نصیرالدّین طوسی ۴۵
نواقض الروافض ۶۷
نهایه (لغات حدیث) ۸۵
نهایه (هیئت) ۵۳
نهایة الاعجاز (معانی) ۳۸
نهایة الاقدام فی علم الکلام ۲۰۲
نهایة العقول و غایة الاصول (رمل) ۵۴
نهج البلاغة ۱۰۰
نهج التعلم ۸۹
نهج الحق و کشف الصدق ۳۰۷

و

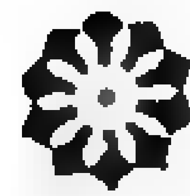
وافی (فقه) ۴۱
وجیز ۲۰۷
وجیز (شرح کافیه) ۴۸
وسیط ۲۰۷
وقایه (فقه) ۴۸

ه

هدایة الفقه ۴۴
هدایة الفقه (شرح هدایة المبتدی) ۶۸
هیاکل (النّور) ۲۱۱

ی

یادگار (طب) ۵۶، ۶۸
یاقوت التنزیل ۲۰۷



۳۔ فہرستِ سورۃ ھای قرآنِ حکیم

(بہ ترتیبی کہ در قرآنِ حکیم آمدہ)

۱۔ فاتحہ ۵، ۱۸-۲۶، ۲۸-۳۰، ۳۴، ۳۷،
۵۰، ۵۸، ۶۲، ۷۱، ۷۲، ۱۱۳، ۱۱۷،
۱۲۳-۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲-
۱۳۵، ۱۳۸-۱۴۰، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۵،
۱۵۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۴۲-
۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۸،
۲۸۷، ۲۹۱، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۸۵، ۳۸۷،
۳۹۴، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۷، ۴۲۰، ۴۳۲،
۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۷،
۴۹۸، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۶-۵۱۲، ۵۱۴،
۵۱۶-۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۴-۵۳۱، ۵۳۴،
۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۵-۵۵۱

۲۔ بقرۃ ۵، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۷-۳۹

۳۔ آلِ عمران ۶، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۴۲

۴۔ نسآء ۶، ۴۸

۵۔ مائدہ ۶، ۵۰

۶۔ انعام ۶، ۴۴۸، ۴۴۹

۷۔ اعراف ۶، ۳۳، ۵۷

۸۔ انفال ۶، ۵۹

۹۔ توبہ ۶، ۶۰

۱۰۔ یونس ۷، ۶۳

۱۱۔ ھود ۷، ۳۳، ۶۵

۱۲۔ یوسف ۷، ۳۴، ۶۵

۱۳۔ رعد ۷، ۶۶

۱۴۔ ابراہیم ۷، ۶۷

۱۵۔ حجر ۷

۱۶۔ نحل ۸، ۷۰

۱۷۔ بنی اسرائیل ۸، ۷۰

۱۸۔ کہف ۸، ۳۱، ۷۲، ۱۲۵، ۱۳۳، ۴۹۹، ۵۲۶

۱۹۔ مریم ۸، ۷۳، ۲۶۱

۲۰۔ طٰہٰ ۸، ۳۴، ۷۳، ۴۹۹، ۵۵۴، ۵۵۵

۲۱۔ انبیآء ۸، ۹، ۷۴

۲۲۔ حج ۱۰

۲۳۔ مؤمنون ۱۰، ۳۴، ۷۶، ۷۷

۲۴۔ نُور ۱۳، ۷۷

۲۵۔ فرقان ۱۴، ۳۴، ۷۸

۲۶۔ شعرآء ۱۴، ۷۸

۲۷۔ نمل ۱۴، ۳۵، ۷۹

۲۸۔ قصص ۱۴، ۷۹

۲۹۔ عنکبوت ۱۴، ۳۵

۳۰۔ رُوم ۱۴، ۸۰

۳۱۔ لُقمان ۱۴، ۸۰

۳۲۔ سجدہ ۱۵، ۸۱

۳۳۔ احزاب ۱۵، ۸۲

۳۴۔ سبا ۱۵، ۸۲

۳۵۔ فاطر ۱۵، ۸۳

۳۶۔ یٰسٓ ۱۵، ۸۳، ۸۴، ۴۱۵، ۴۹۹، ۵۲۰، ۵۴۴، ۵۵۴، ۵۵۵

۳۷۔ صٰفٰت ۱۶، ۳۶

۳۸۔ صٓ ۱۶، ۸۵

۳۹۔ زمر ۱۶، ۸۵

۴۰۔ مؤمن ۱۰، ۱۶، ۳۵

۴۱۔ حمٓ السجدہ ۱۶، ۴۹۹

۴۲۔ شوریٰ ۱۷، ۷۳

۴۳۔ زخرف ۱۸، ۸۶

۴۴۔ دخان ۱۸، ۸۷، ۴۴۹

۴۵۔ جاثیہ ۱۹، ۸۸

۴۶۔ احقاف ۱۹، ۸۸

۴۷۔ محمد ۱۹، ۸۹

۴۸۔ فتح ۱۹، ۸۹، ۱۰۱، ۳۹۶

۴۹۔ حجرات ۱۹، ۶۹، ۸۹

۵۰۔ قٓ ۱۹، ۸۹

۵۱۔ ذاریات ۲۰، ۹۰

۵۲۔ طُور ۲۰، ۹۰

۵۳۔ نجم ۲۰، ۹۰

۵۴۔ قمر ۲۰، ۹۰

۵۵۔ رحمٰن ۲۰، ۹۰

۵۶۔ واقعہ ۲۰، ۹۱

۵۷۔ حدید ۲۱، ۹۱

۵۸۔ مجادلہ ۲۱، ۹۲، ۹۴

۵۹۔ حشر ۲۱، ۹۲، ۴۴۰

۶۰۔ ممتحنہ ۲۱، ۳۵، ۳۶، ۹۲

۶۱۔ صف ۲۱، ۹۲

۶۲۔ جمعہ ۲۲، ۹۲

۶۳۔ منافقون ۲۲، ۹۳

۶۴۔ تغابن ۲۲، ۹۳

۶۵۔ طلاق ۲۲، ۹۳

۶۶۔ تحریم ۲۲، ۳۶، ۹۳

۶۷۔ مُلک ۲۲، ۲۳، ۹۴، ۴۱۰، ۴۴۷، ۴۴۸

۶۸۔ قلم ۲۳، ۹۸

۶۹۔ حاقہ ۲۳

۷۰۔ معارج ۲۳، ۹۴

۷۱۔ نُوح ۲۳، ۴۳۴

۷۲۔ جِنّ ۲۳، ۹۴، ۴۳۹

۷۳۔ مزمّل ۲۳، ۹۵، ۱۳۹، ۴۱۱، ۵۰۴، ۵۰۶

۷۴۔ مدثّر ۲۴، ۹۵، ۵۵۵

۷۵۔ قیٰمۃ ۲۴، ۹۵

۷۶ دھر ۲۴

۷۷۔ مرسلات ۲۴، ۹۵

۸۸۔ نبا ۲۴، ۹۵

۷۹۔ نازعات ۲۵، ۹۶

۸۰۔ عبس ۲۵، ۹۶

۸۱۔ کورت (یا التکویر) ۲۵

۸۲۔ انفطرت (یا انفطار) ۲۵، ۹۶

۸۳۔ مطفّفین (یا تطفیف) ۲۵، ۹۶

۸۴۔ انشقت (یا انشقاق) ۲۵، ۹۶

۸۵۔ بروج ۲۵، ۹۷

۸۶۔ طارق ۲۵، ۹۷

۸۷۔ اعلیٰ ۲۶، ۹۷

۸۸۔ غاشیہ ۲۶، ۹۷

۸۹۔ فجر ۲۶، ۹۷

۹۰۔ بلد ۲۶، ۹۷

۹۱۔ شمس ۲۶، ۹۷، ۳۹۴۔

۹۲۔ لیل ۲۶، ۹۸

۹۳۔ ضحیٰ ۲۶، ۷۲، ۹۸، ۳۹۴، ۴۳۲، ۵۰۴، ۵۲۸

۹۴۔ انشراح ۲۶، ۹۴، ۹۸، ۳۹۴، ۵۰۴، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۴۱

۹۵۔ تین ۲۶، ۳۷، ۹۸، ۲۵۰

۹۶۔ علق ۲۷، ۹۸

۹۷۔ قدر ۲۷، ۹۸

۹۸۔ بیّنۃ ۲۷، ۹۸

۹۹۔ زلزال ۲۷، ۹۸

۱۰۰۔ عادیات ۲۷، ۹۸

۱۰۱۔ قارعہ ۲۷، ۹۸

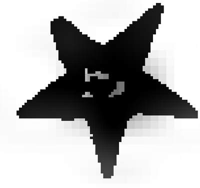
۱۰۲۔ تکاثر ۲۷، ۹۹، ۳۴۵

۱۰۳۔ عصر ۲۸، ۹۹، ۵۰۷، ۵۵۰

۱۰۴۔ ھمزہ ۲۸، ۹۹

۱۰۵۔ فیل ۲۸، ۳۷، ۹۹، ۱۰۰، ۲۵۰

۱۰۶۔ قریش ۲۸، ۳۷، ۲۵۰، ۴۴۶، ۵۲۸
۱۰۷۔ ماعون ۲۸، ۱۰۱
۱۰۸۔ کوثر ۲۸، ۹۶، ۱۰۱، ۵۴۲
۱۰۹۔ کافرون ۲۹، ۱۰۱، ۵۰۴، ۵۳۰
۱۱۰ نصر ۲۹، ۵۰۳، ۵۰۵
۱۱۱۔ لہب ۲۹، ۱۰۱
۱۱۲۔ اخلاص ۵، ۱۸۔۲۶، ۲۸۔۳۰، ۳۴، ۵۰،
۵۸، ۶۲، ۷۲، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۱۷،
۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳،
۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۵،
۱۵۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۴۲،
۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۸۷،
۳۹۸، ۳۹۹، ۴۳۸، ۴۴۹، ۴۷۴، ۴۹۲،
۴۹۸، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱،
۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۹۔
۵۳۱، ۵۳۴، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۱
۱۱۳۔ فلق ۲۹، ۳۰، ۱۰۱
۱۱۴۔ ناس ۳۰، ۱۰۱
معوّذتین درک: سورۂ فلق ۱۱۳ و سورۂ ناس
(۱۱۴)



۴- فهرستِ نامهای جاها

آ

آر ۳۳۱

آگره ۴۸۵

ا

اجمیر ۱۷۹

اُچ (رک: اُچ بخاریان، اُچه) ۱۰، ۱۶، ۱۸۰، ۲۳۴، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۲۳، ۵۵۲

اُچ بخاریان (رک: اُچ، اُچه) ۲۲، ۶۱، ۳۱۴، ۴۹۷، ۵۲۹

اُچ شریف گیلانی ۲۷۰

اُچه (رک: اُچ، اُچ بخاریان) ۱۱

احمد آباد ۱۶-۱۸

اروړ ۱۸۱، ۱۸۲

استامبول ۱۰۶

ب

بهه‌لائی ۳۳۶

بخارا ۹، ۱۰۶

بدین ۳۳۷

بسطام ۵۱۵، ۵۵۷

بصره ۵۵۷

بغداد ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۸۰، ۳۴۰، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۵۷، ۵۵۸

بقیع ۵۵۷

بلخ ۹، ۲۴۶

بمبئی ۳۲۵

بهکر ۸۱، ۱۸۲، ۳۲۳

بیت المقدس ۲۳۳، ۵۲۳

پ

پاکستان ۴۵۶، ۵۱۸

پتوه ۱۷

پشاور ۴۸

ت

تبرہ ۱۶

تتہ (رک: ٹھٹہ) ۲۲، ۸۰، ۸۱، ۲۱۸، ۳۳۰، ۵۵۲

ٹھٹہ (رک: تتہ) ۸۱

ٹھٹی ماتیلہ ۱۷۸

تہران ۴۲، ۷۵، ۲۰۳، ۳۲۰، ۴۶۶، ۵۳۴

ج

جاندری پیلہ ۱۸۱

جیر ۱۸۰

ح

حُنین ۱۰۷، ۱۸۰

حیران ۳۵۰

د

دشتِ کربلا ۲، ۵۶۶، ۵۹۱

دمشق ۴۸

دہ بلری ۳۲۸

دھلی ۱۱، ۶۱

ر

رُوم ۴۰

روہ ۱۹۹

روھری ۳۳۲

رَی ۵۵۷، ۵۵۸

س

سارن ۲۰۸

ساموئی ۳۲۸

سانگرہ ۳۳۶

ساوہ ۵۵۷

سکھر ۳۲۳

سنّ ۳۲۵

سند ۲، ۴۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۵۶۶، ۵۹۳

سیندرہ ۳۳۲

ش

شیراز ۵۵۷

ص

صیدلانی ۳۵۱

ط

طُوس ۵۳۹

ق

قُم ۵۵۷

ک

کانپور ۱۱، ۱۷، ۱۸

کراچی ۱۰، ۴۶، ۱۴۷، ۵۶۰

کربلا ۵۳۷، ۵۵۷

کعبۃ اللہ ۹، ۱۷۶، ۵۱۲، ۵۲۳

کوفہ ۲۴۶

گ

گجرات (نام استان در هند) ۱۶، ۱۷

ل

لاهور ۳۱

لکهنؤ ۳۴

لکیاری ۳۲۵

لوهری ۳۲۴، ۳۳۱

م

ماوراء النهر ۴۰

مدینهٔ معظمه ۹، ۱۱، ۱۷۶، ۱۷۸، ۲۲۸، ۲۸۰، ۴۳۱، ۴۶۸، ۵۲۲، ۵۲۳

مصر ۲۲۵

مکهٔ معظمه ۱۱، ۲۲۸، ۲۴۵، ۲۹۰، ۴۶۷

ملتان ۱۱، ۵۵، ۱۹۳

ن

ناگور ۱۷۹

ه

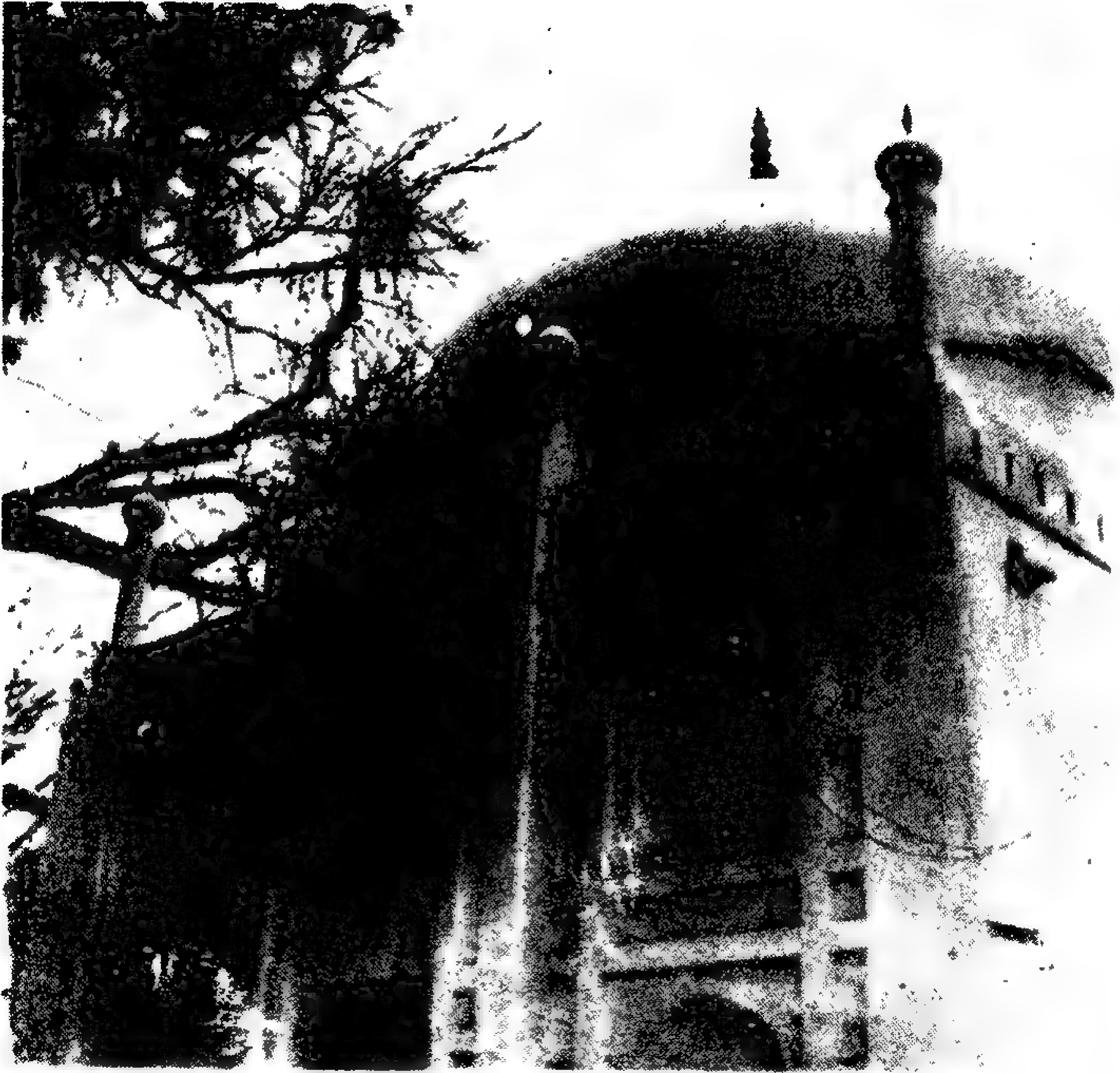
هکورجه ۱۸۲

هند (رک: هندوستان) ۲، ۴۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۵۷۷، ۵۹۳

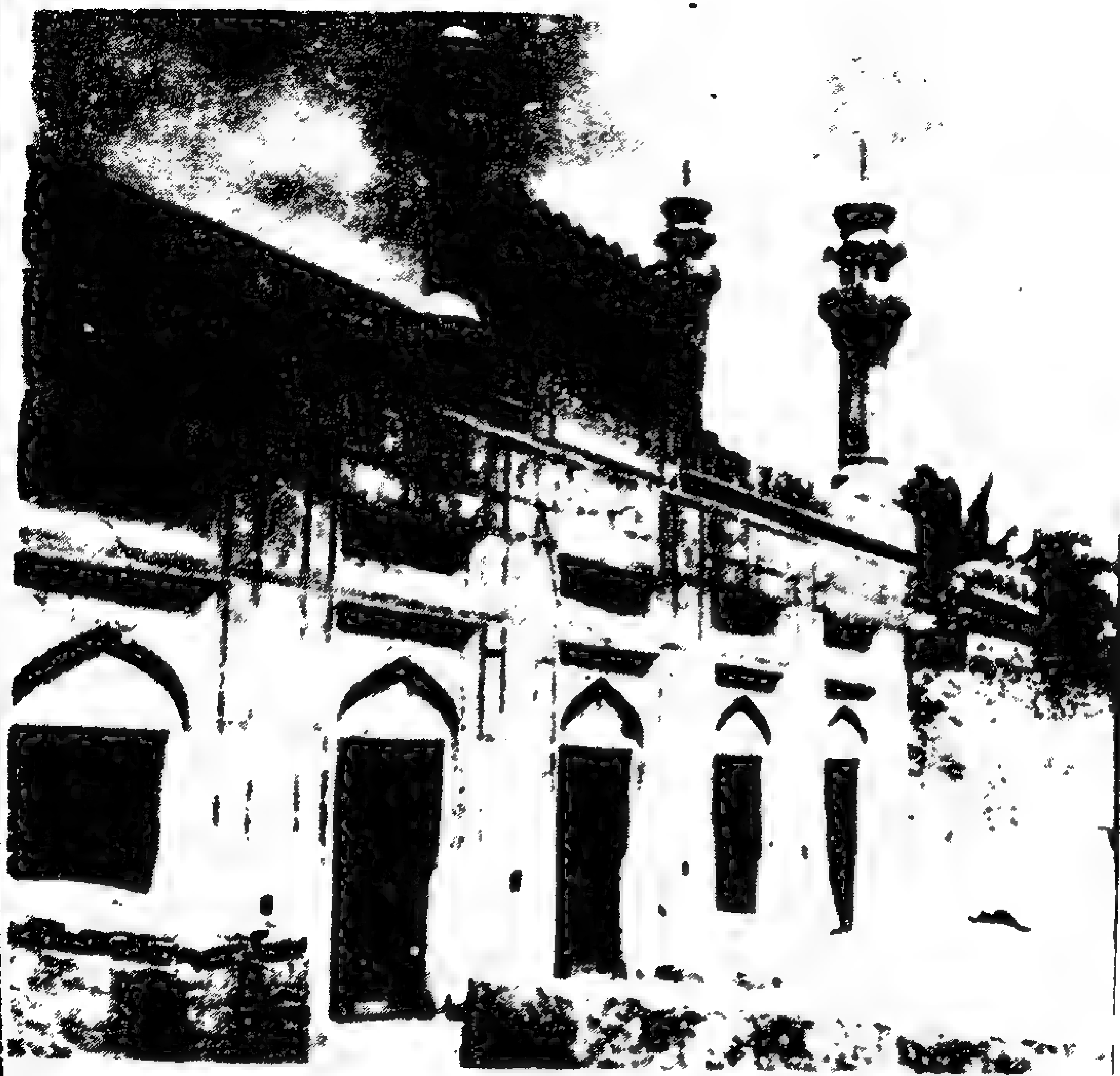
هندوستان (رک: هند) ۱۰، ۱۱، ۴۵۵، ۵۰۵



عکس ها و نمونه ها



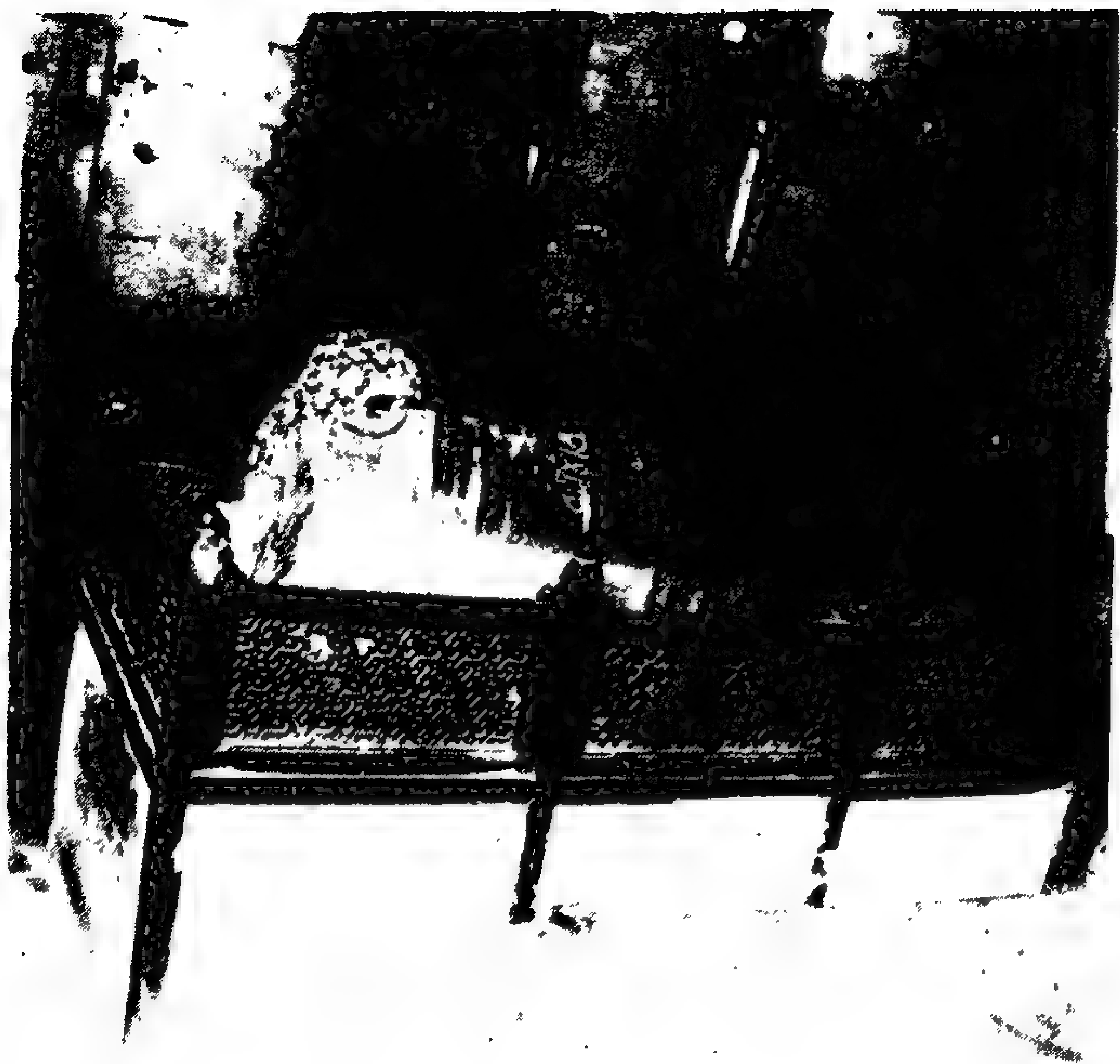
مسجد حاجات اُچ بخاری۔



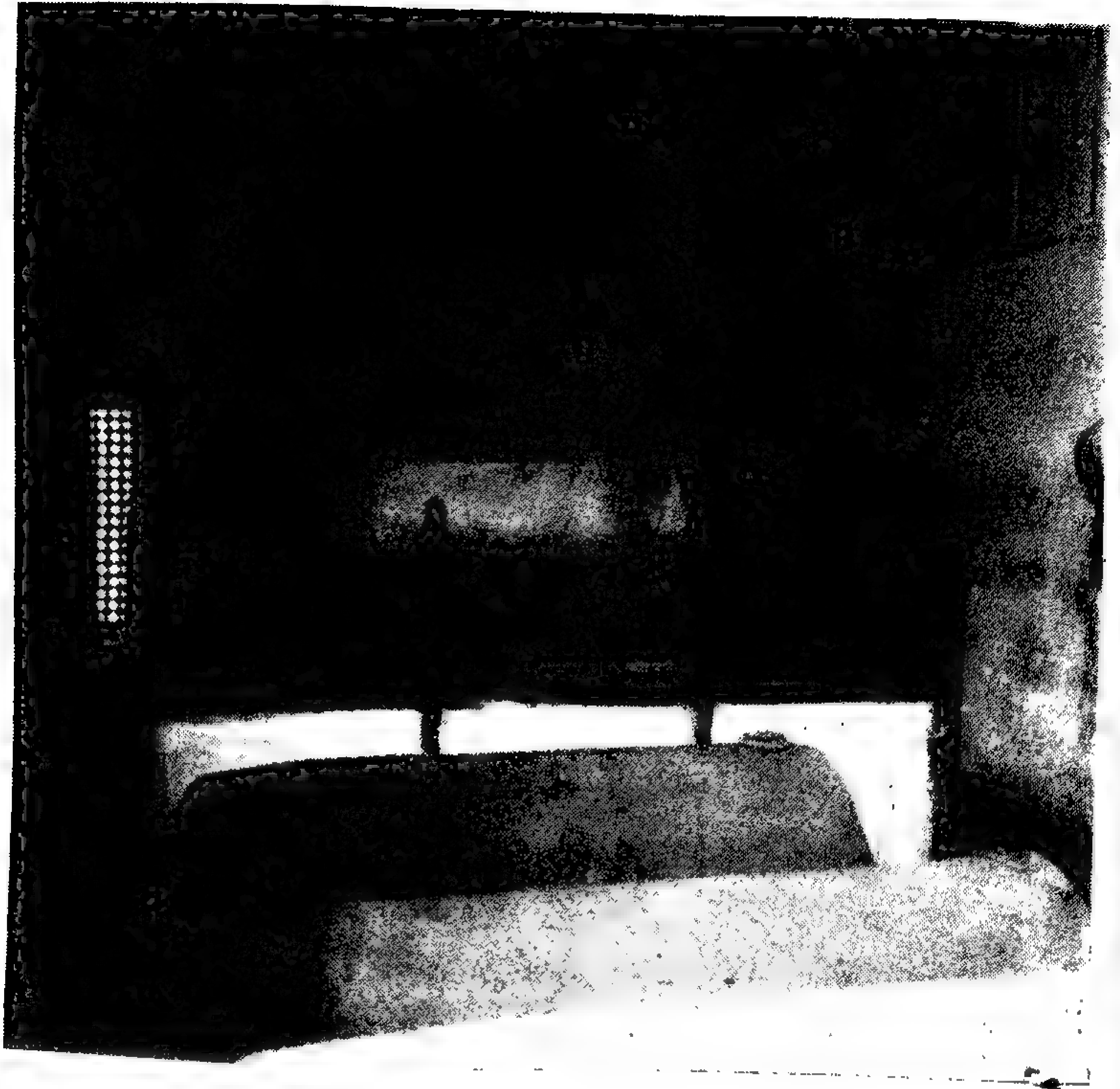
مسجد جامع حضرت مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت اُوچ بخاری۔



آرامگاہ سید صدالدین راجو قتال (برادر و جانشین حضرت مخدوم
سید جلال جہانیاں جہانگشت) اُچ بخاری۔

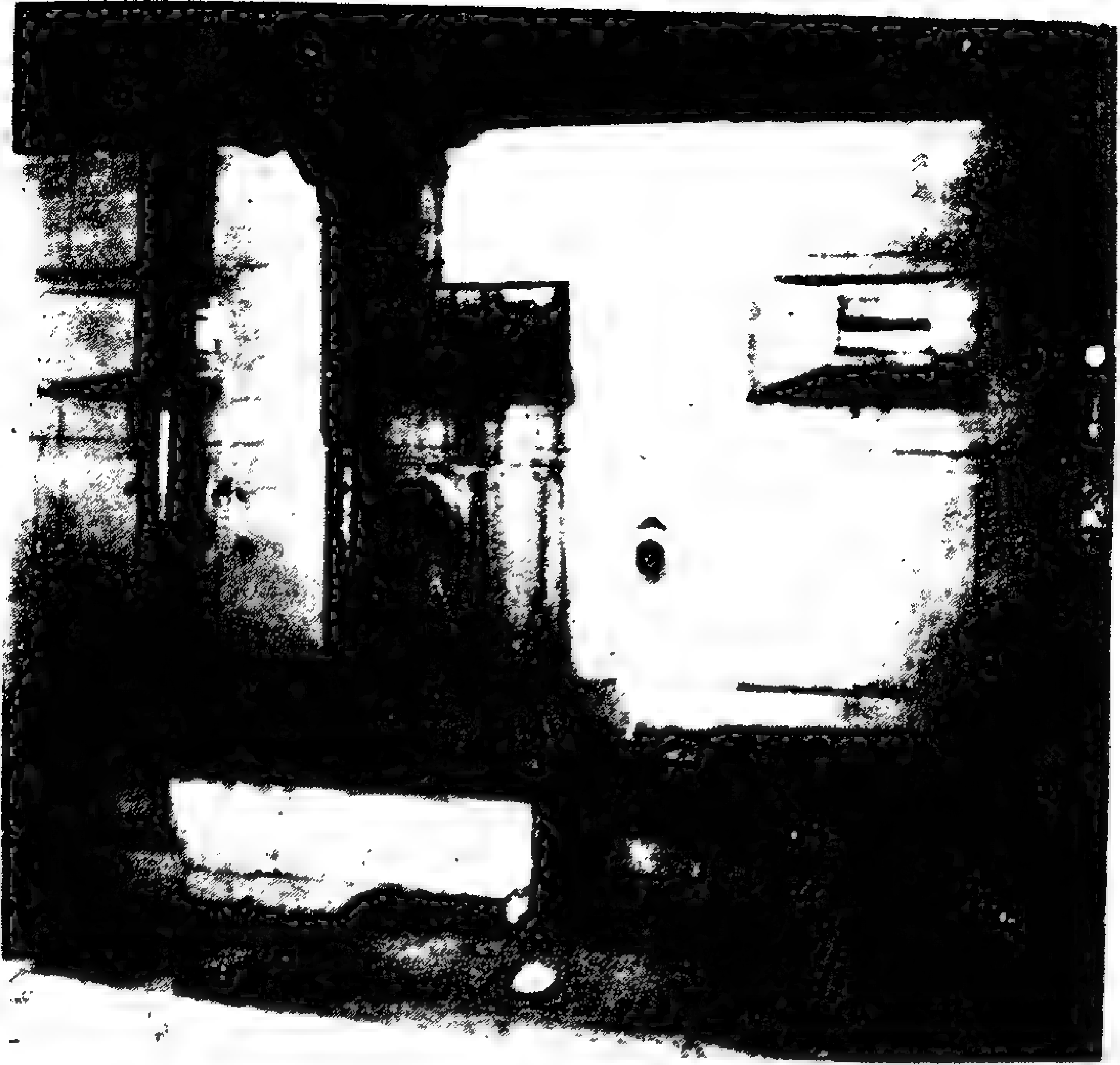


مزار حضرت سید فیض اللہ بخاری معروف بہ سید فضل الدین لاڈلہ، اُچ بخاری۔



مزار حضرت سید فیض اللہ بخاری و مزار سید عثمان بن سید داؤد بخاری

(پدر سید باقر بخاری مؤلف جواہر الاولیا) اُچ بخاری.



مزار سید عثمان بن سید داؤد بخاری (پدر سید باقر بخاری)

و مزار سید باقر بخاری مؤلف جواہر الاولیا.



خانۂ قدیم اخلافِ سیّد باقر بن سیّد عثمان بخاری اُچ بخاری۔

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] الصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله اجمعین [illegible] این

[illegible] ست در بیان نماز و روزه و فضایل دوازده ماه و نماز تهجد

و شب آدینه و روز آدینه و نمازهای هر روز هفته [illegible] نموده شده

[illegible] حضرت شیخ الشیوخ شیخ شهاب الدین سهروردی قدس الله

[illegible] مردم را [illegible] باشد [illegible] عشق [illegible]

[illegible] باشد [illegible] امید از

[illegible] موجب نجات از نیران

[illegible] فقیر [illegible] دست [illegible]

[illegible] والجلال [illegible] نجات از نیران الوصال [illegible]

گردد

صفحهٔ اول جواهر الاولیا ۲۹/۲۷۲ نسخهٔ کتابخانهٔ گنج بخش

گردد بر علی کل شیء قدیر و بالاجابت جدیر ... هر که اول شب
محرم شش رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص هفت بار

معوذتین یکبار ثواب عبادت هزار سال یابد   رسول فرمود علیه السلام

هر که بخواند اول روز محرم دوازده رکعت نماز و بخواند در هر رکعتی بعد فاتحه اخلاص

هفت بار نوشته شود او را ثواب ده هزار ساله عبادت و بنا شود در بهشت بهر

غلامان قصری که در وی نعمتهای بیشمار بود   بر جمعه محرم هر که چهار رکعت نماز

بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص سی و یکبار ثواب صد یابد گویا که

خوانده باشد هیچ کتب آسمانی را بیابد ثواب عبادت هزار سال   شب

عاشوره چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص پنجاه بار

ثواب بیشمار است اگر تواند صد رکعت بگذارد بعد فاتحه اخلاص سه بار و

بعد از فراغ کلمه تمجید گوید ثواب بسیار است   دیگر نماز روز عاشوره شش

رکعت ادا کند در هر رکعت اول بعد فاتحه والشمس در دوم انا انزلنا در

سیوم اذا زلزلت الارض در چهارم اخلاص در پنجم فلق در ششم

ناس بخواند چون از نماز فارغ شود سر به سجده نهد و هفتاد بار قل یا ایها الکافرون

بخواند حاجت او برآورده گردد   نماز عشر ذی الحجه چهار رکعت

دو رکعت اول بعد از فاتحه اخلاص یازده بار و در دوم کافرون سه بار و

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد بی منتها و سپاس بی غایت حضرت عزت و صلوات بر محمد و آله و اصحابه
اجمعین می گوید فقیر حقیر ضعیف بنده فقیر سید باقر بن سید عثمان که چون
حضرت [illegible] بعد [illegible] چنان معلوم شد چون فقیر شنیدم [illegible] از اسلاف
مشایخ و اولیا [illegible] کاشف حقایق مظهر دقایق محبت الحق
علی [illegible] قطب الاقطاب فی الارضین ملک المشایخ فی العالمین وارث علوم الانبیاء و
[illegible] العارفین سید عثمان بن سید داود [illegible] رحمة الله
علیه [illegible] چون این ضعیف فایده چند از بیرون [illegible]
کتابها معتبر [illegible] بزرگان بعضی در سر عالم بعضی [illegible] از بزرگان
[illegible] چنانچه قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم
الا ان اولیاء الله لا یموتون بل ینتقلون من دار الدنیا الی دار النعیم [illegible] حضرت
رسول الله صلی الله تعالی علیه و علی آله و سلم [illegible] و شنیده بودم جمع کردم [illegible]

باقر

صفحہ ۸۲ جواہر الاولیا، آغاز جواہر اول ۲۹۰/۲۷۴ نسخہ کتابخانہ گنج بخش

این فقیر بنده را خویش بر چه عربی بود یا پارسی در قلم آورده ام تمام هر فن و قرینه این کتاب
در این جمع آورده تا بنده را از فائده بی بهره نماند و رغبت کرده بمطالب و مقصد
سعادت دارین برسند و فقیر بنده را بدعا یاد کنند این مجموعه به جواهر موسوم
کرده شد که در این پنج جواهر ترتیب ساخت — در فضیلت تسمیه و بیان قرآن
و آیات آن که از حضرت صلی الله علیه وآله وسلم و دیگر اکابر منقول است
در فضیلت دعاها و بیان اسما با موکلات که از بزرگان منقول است
در فضیلت چهل اسم با موکلات — در فضیلت دعاها که از حضرت رسول ۲۵۷
[illegible] حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم تا آدم علیه السلام و سلم
و [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و معراج النبی صلی الله علیه وآله وسلم که از بزرگان
و دعاها منقول است — در فضیلت درود بر سید کائنات صلی الله علیه وآله وسلم ۲۰۱
و شجره طریقت پیران کبار علیهم الرحمة والرضوان و قدم و نعل مبارک صلی الله علیه
وآله وسلم که بزرگان منقول نموده است — در فضیلت مناجات ۳۶۲
و دعوات و چهل یک [illegible] که بصورت قبر حضرت پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم [illegible] و ثواب [illegible] خاصیت [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] و [illegible] بنده [illegible] تجربه کرده
و بالله التوفیق تمت الاتمام

صفحہ ۸۳ جواهر الاولیا آغاز جواهر اول
۲۹۰/۲۲۴ نسخہ کتابخانہ گنج بخش.

میگوید مرا بجا دست گرفته آیهٔ کریمهٔ ربانی یاد خواند ان الذین
یبایعونک انما یبایعون الله ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث
علی نفسه ومن اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما
و فقیر سید باقر از جد خود که مهبط انوار الله مظهر اسرار الله خلیفهٔ رسول الله
بعلی حضرت محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه و علی آله و سلم صاحب العلم و الحلم
والشجاع سید عثمان بن سید داود بخاری قدس الله تعالی سره شنیدم و
پدر من از جد خود شنیده است که [illegible] میگویند و او از جد خود
سید حاجی حمید نظام الدین بخاری شنیده که بوقت صبح پیش از ٥١٠٧٠
نماز صبح این الفاظ گوید وقت مخدوم سید جلال
جهانیان جاری کنند [illegible] ما یان ٣٩٢
نعمت بما دادی یابد الشاه [illegible]

۲۹۰/۲۷۴ تمت کتاب جواهر الاولیا



صفحهٔ آخر جواهر الاولیا ۲۹۰/۲۷۲ نسخهٔ کتابخانهٔ گنج بخش

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله الطیبین الطاهرین اجمعین ... این فهرست ...

[illegible]

جواهر اولیا

صفحهٔ اول جواهر الاولیا ۹۰/۲۱۶ نسخهٔ کتابخانهٔ گنج بخش

[illegible]

... رضی الله عنه از سید حسین شهید ... رضی الله عنه

... از سید محمد باقر رضی الله عنه ... از امام سید جعفر صادق رضی الله عنه از امام سید

موسی کاظم رضی الله عنه ... از امام سید علی موسی رضا رضی الله عنه از امام سید محمد تقی رضی الله عنه از امام سید علی نقی رضی الله

عنه از امام سید حسن عسکری ... [illegible]

[illegible]

صفحه دوم جواہر الاولیا ۲۹۰/۵۲۲ نسخه کتب خانه گنج بخش

[illegible] رحمة الله علیهم اجمعین

قال النبی صلی الله علیه وسلم [illegible] مع المرأة ومع الصبیین ومع ممالیک ومع [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] صلی الله علیه وآله وسلم [illegible]

[illegible]

[illegible] اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

صفحہ ٣٨٨ جواہر الاولیا ۲۹/۵۲۲ نسخہ کتابخانہ گنج بخش

[illegible]

[illegible] مخدوم سید جلال جهانیان [illegible]

[illegible] نعمت جاودانی یابد انشاء الله تعالی تمام شد کتاب [illegible]

[illegible]

[illegible] روز پنجشنبه [illegible] مطابق سنه [illegible]

ناکرده گنه درین جهان کیست بگو
آنکس که گنه نکرد چون زیست بگو
من بد کنم و تو بد مکافات کنی
فرق درمیان من و تو چیست بگو

[illegible]

جواهر الاولیا [illegible]

[illegible] ضلع گوجرانواله

صفحهٔ آخر جواهر الاولیا ۲۹۰/۵۲۳ نسخهٔ کتابخانهٔ گنج بخش

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله الطیبین الطاهرین
اجمعین بدانکه این فهرست نامهای مشایخان است که در کتاب جواهر الاولیا
تصنیف حضرت سید [illegible] میران سید باقر بن سید عثمان بخاری [illegible]
که در مجلس حضرت رسالت پناه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم
بوده و شنیده جمع کرده مذکور است و آن اینست و در آن کتاب [illegible]
جواهر اول در فضیلت تمام سورتهای قرآن و آیات آن که از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وآله وسلم و اولیاء الله تعالی منقول است جواهر دوم [illegible]
[illegible] نام [illegible] با مؤکلات که از بزرگان [illegible] شده است [illegible]
در فضیلت [illegible] اسم با مؤکلات [illegible] نام حضرت رسول و نامهای
آبا و اجداد حضرت محمد [illegible] صلی الله علیه وآله وسلم و حلیه حضرت [illegible]
و مهر نبوت النبی صلی الله علیه وآله وسلم که از [illegible] دارد [illegible]
در فضیلت [illegible] سرور کائنات حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم
و خرقه خلافت پیران بخاریان علیهم الرحمة والرضوان و قدم و نعلین مبارک
مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم [illegible] منقول [illegible] شده است

صفحهٔ اول نسخهٔ جواهر الاولیا. کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب

ذکر منقولات از حضرت امیر المومنین علی کرم الله وجهه
ذکر از امیر سید حسن مجتبی رضی الله تعالی عنه
ذکر از امیر سید حسین شهید دشت کربلا رضی الله عنه ذکر از امام سید
زین العابدین رضی الله عنه ذکر از امام سید محمد باقر رضی الله عنه
ذکر از امام سید جعفر صادق رضی الله عنه ذکر از امام سید موسی کاظم
ذکر از امام سید علی موسی رضا رضی الله عنه ذکر از امام سید محمد تقی رضی الله عنه
ذکر از امام سید علی نقی رضی الله عنه ذکر از امام سید حسن عسکری رضی الله عنه
ذکر از سید جعفر ثانی ذکر از سید علاء الدین
ذکر از سید عبد الله ذکر از سید احمد
ذکر از سید محمود ذکر از سید محمد سیف الله
ذکر از سید جعفر مشتاق الله ذکر از سید علی ابو المؤید

صفحهٔ دوم نسخهٔ جواهر الاولیا کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب

[illegible] من الذین [illegible]

[illegible] علام الغیوب ولا حول ولا قوة الا بالله

[illegible] بگذارد چونکه بدین پیدا که برای نصیحت [illegible]

[illegible] صفت است [illegible] و ما جاء به من عند الله

و علی مراد رسول الله [illegible] حجر رسول الله [illegible]

کلام الله و [illegible] منهم من الیهود و النصاری و المشرکین

[illegible] الحمد لله الذی انعم علینا و هدینا للاسلام و جعلنا

من امة حبیبه محمد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم باز گوید قبول

کردم دین اسلام و [illegible] و بیزار شدم از کفر و

دیگر [illegible] نیست همه ازین گوید خداوندا توبه کردم و باز گشتم

بحضرت تو [illegible] موسی ازنا صغیره و کبیره و ما [illegible]

[illegible] او را [illegible] من مرید شدم شیخ محی الدین

از [illegible] فلان بن فلان و قبول کردم آنچه شما بگوید مرا [illegible]

دست گرفته آیه کریمه ربانی باید خواند ان الذین یبایعونک

انما یبایعون الله ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی

نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما

[illegible] باقر [illegible] محیط الانوار الله مظهر اسرار الله خلیفه

رسول الله [illegible] حضرت محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه و علی آله

پیش از صفحهٔ آخر نسخهٔ جواهر الاولیا کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب

صفحهٔ آخر نسخهٔ جواهر الاولیا کتابخانهٔ دانشگاه پنجاب

All this work was completed satisfactorily, and I set out for **Multān** along with **Mawlawī Muḥammad Fayd Aḥmad Uwaysī** to meet the present Head of the Family.

We reached **Multān** and came to know that the present Head of the Family has left for his village, namely **Chāh Thrīwālā** far away from **Multān**.

We set out for that village along with **Dīwan Sayyid 'Ijāz Aḥmad Bukhārī** son of the present Head of the Family.

We reached **Chāh Therīwālā** and I met the **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī** the present Head of the Family. **He is** a man of fine habits and polished manners, and possesses all the noble qualitites required for a Spiritual Head of the Family.

I related the whole story of my travels to **Uch Bukhārī** in 1972 and 1973, and told him how much I desired to know the correct account of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendant, and how was I misled by others.

He listened to me very patiently, and gave me some information about his family. He told me that unfortunately most of the books of his ancestral library at **Uch Bukhārī** have been destroyed.

At the time of my departure from there he prayed for my success in my work.

In the end it is my most pleasant duty to offer my sincere thanks to **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**, the present Head of the Family of **Uch Bukhārī**, his son **Dīwān Sayyid 'Ijāz Aḥmad Bukhārī, Dīwān Sayyid Muḥammad Ḥasan Bukhārī** and **Mawlawī Muḥammad Fayḍ Aḥmad Uwaysī** for their kind help in getting correct information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants at **Uch Bukhārī.**

Kālis,
District Jhelum (Panjāb)
May 5, 1976.

Ghulam Sarwar
Professor and former Head,
Department of Persian
University of Karachi,
Karāchī.

the village where the present Head of Family is residing, and seek first hand information about them.

I wrote letters to the present Head of the Family requesting him to permit me to meet him at **Uch Bukhārī** or at his village.

I then received a letter from **Mawlawī Muḥammad Fayḍ Aḥmad Uwaysī**, the Imām of the mosque of **Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht** at **Uch Bukhārī** informing me that **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**, the present Head of the Family shall come to **Uch Bukhārī** to celebrate the 'Urs (death anniversary) of his ancestor **Sayyid Faḍlud-Dīn Lādlā** on April 27, 1976, and that I should reach **Uch Bukhārī** on that day and meet him there.

Thereupon, I set out for **Uch Bukhārī** and reached there on April 28, 1976. I met **Dīwān Sayyid Muḥammad Ḥasan Bukhārī** (a descendant of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and **Mawlawī Muḥammad Fuyḍ Aḥmad Uwaysī** and came to know that after the completion of the ceremony of 'Urs on April 27 1976, **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī** has left for **Multān.**

The information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants which I gathered from the above two persons at **Uch Bukhārī** was more or less the same which I have already given in my Persian Introducation.

I, however, visited the old house of the family from out side as all the doors were closed, and came to know that the ancestral library was located in one of the rooms. I also visited the mosques and graves of **Sayyid Faḍlud Dīn, Lādlā.Sayyid 'Uthmān Bukhārī, Sayyid Baqir Bukhārī** and those of their descendants.

The photographer of the Īrān Pākistan Istitute of Persian Studies (now at **Islāmabād**), who had come with me,took the photographs of the old house of the family, the mosques and the graves, which are given with the text of **Jawāhirul-Awaliyā** and the **Persian Introduction**

Addendum

While giving the biographical sketch of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and the account of the families of the Bukhārī Sayyids at **Uch Bukhārī** in my Persian Introduction to **Jawāhirul-Awliyā** I have already mentioned that I went to **Uch Bukhārī**, once in 1972 and twice in 1973, to seek information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukārī** and his descendants, but I did not succeed in my object. I was told that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhāri** did not belong to **Uuch Bukhārī** and that he might have lived elsewhere.

The enternal evidence, however, clearly showed that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** was born at **Uch Bukhārī**, and was brought up and educated under the care and guidance of his father. He was initiated into the Spiritual Order by his father, and received the Khirqa-i-Khilāfat (Robe of spirituai succession) from him

On the death of his father, he became the Head of Order, and carried on the duties of guiding the people to the right path of Islam.

I, therefore, did not believe in the words of those who had told me that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** did not belong to **Uch Bukhārī** and that he might have lived elsewhere.

During the following years I tried my best to find out the real facts about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants.

At last I received an information that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** lived at **Uch Bukhārī**, and his descendants still live there. They are now better known by the title of "Dīwān". The present Head of the family is **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**. He actually belongs to **Uch Bukhārī**, but now a days he lives in a village in the district of **Multān**.

Since then I desired to go to **Uch Bukhārī** once again, meet the descendants of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and also go

It was a century and a half after the death of Abu'l-Faḍl that Sayyid Bāqir bin Sayyid ʿUthmān Bukhārī used Pure Persian while giving the meanings of the names of Almighty God in Jawāhir-II of Jawāhiru'l-Awliyā.

It may, however, be pointed out that Abu'l-Faḍl was the inventor of a new style, and used Pure Persian in his prose with a definite purpose. Sayyid Bāqir bin Sayyid ʿUthmān Bukhārī appears to have found the meanings of the names of Almighty God in Pure Persian in some old book and copied them in his own book without mentioning the original source.

Part Five

This part contains a brief note on the importance of Jawāhiru'l-Awliyā in the present time.

So far as the **external aspect** of this book (i.e. the prayers) is concerned, the book is as important for the spiritual guides of the present time as it was to those of the past. The prayers contained in this book are still valuable for those who believe in their efficacy.

So far as the **internal aspect** of this book is concerned, it is, as has been stated before, a kind of a "**short Encyclopaedia**", and no one can question the importance and value of an "**Encyclopaedia**" in the present time.

It may be noted at the end that the English version of the introducation to Jawāhiru'l-Awliyā contains a summary of the facts elaborately discussed in its Persian version.

968, P.I.B. Colony,
Karachi-5
December 30, 1975.

Ghulam Sarwar
M.A., Ph.D. (Alig),
Professor & Former Head,
Department of Persian
University of Karachi,
Karachi.

PART FOUR

Characteristics of the language of Jawāhirul-Awliyā.

This part contains the following main points:

(i) the language of Jawāhirul-Awliyā, and

(ii) the use of Pure Persian in Jawāhirul-Awliyā.

A brief discussion on the above points is given below :

(i) The Language of Jawāhirul-Awliyā.

As has been stated before, the book Jawāhirul-Awliyā was composed during the second half of the 11th century of Hijrī era/ second half of the 17th century of the Christian era, i.e., during the period of the Timurid Mughal emperors in the Pāk-Hind Sub-Continent.

Persian Prose during this period had the following different styles :

(i) Ornate Prose,

(ii) Simple Prose, and

(iii) Mixed (Persian and Arabic) Prose.

Jawāhirul-Awliyā was composed in mixed (Persian and Arabic) Prose.

It is hardly possible in this brief introduction to give all the characteristics of the language of Jawāhirul-Awliyā. Only one characteristic i.e., the use of Pure Persian by the author is given below.

(ii) The use of Pure Persian in Jawāhirul-Awliyā

In this connection it may be mentioned that Abul-Faḍl ʿAllāmī (died in 1011 A.H./1602 A.D.) was the first great writer of the period of the Timurid Mughal Emperors, who used in his books (like Āʾīn-i-Akbarī) Pure Persian which was not common during that period. He invented a new style of Persian Prose, but no writer could follow him after his death.

4. The Umayyids,
5. the Abbasids,
6. the Bukhārī Sayyids,
7. the Heads of spiritual orders,
8. the rulers of Īrān,
9. the rulers of other Islāmic lands,
10. the rulers of the Pāk-Hind Sub-Continent,
11. the darwīshes, and
12. the pious women.

The different categories of writers are given below:

1. Writers of books on Islām,
2. Writers of books on Islāmic mysticism,
3. Writers of books on various sciences,
4. Historians,
5. Taḍhkira-writers,
6. Poets,
7. Physicians,
8. Mathematicians,
9. Astronomers,
10. Geographers,
11. Inventors of characters (for writing)
12. Scribes,
13. Linguists,
14. Philosophers,
15. Logicians,
16. Writers of books on travel,
17. Story-writers, and
18. Writers on other topics,

The above groups of writers belonged to the Arablands, Persia and Pāk-Hind Sub-Continent.

(i) the upper class,

(ii) the middle class, and

(iii) the lower class

The first two classes of people possessed all means of solving their problems. They seldom stood in need of prayers and hardly believed in their efficacy.

It was only the lower class of peole which did not possess means for evercoming their difficulties. The members of this class generally lived in far off places and were deprived of all facilities. No attention was paid to them by public officers for removing their troubles. Only they had faith in the efficacy of prayers,

The author gave long lists of ailments and worldly troubles of the people in his book; and along with them he quoted the prayers which were meant to remove the ailments and troubles of the people. Therefore most of the members of the lower class used to go to the spiritual guides to get from them prayers for their specific purposes.

It was for this purpose that this book was composed. As the external aspect of the book deals with the problems of the society, the book may, therefore, be regarded as a "**book of socialogy**".

2. The Internal aspect of Jawāhirul-Awliyā.

Only a careful study of the book reveals the importance of the internal aspect of the book. The author, besides quoting the prayers, has given the names of hundreds of persons of different professions and views. He has also given the names of a large number of writers along with their books on different subjects.

A complete list of persons and books is given in the index. The list of various groups of persons is given below:

1. the Holy Prophets,
2. the pious caliphs.
3. the immaculate Imāms,

Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had inherited a library from his ancestors, and his descendants must have inherited it from him. It is presumed that this library is still in the possession of the present Head of the family. I was, however, not informed of it when I visited Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973.

2. Historical back ground of the period during which the book was composed.

The author copied a few facts about Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht, Sayyid Burhānu'd-Dīn Gujrātī and his son Sayyid Muḥammad Shāh 'Ālam Gujrātī from Safīnatu'l-Awliyā by Muḥammad Dārā Shukūh.

As safīnatu'l-Awliyā was completed in 1049 A.H./1639 A.D., it is, therefore, clear that the author started composing this book after 1049 A.H./1639 A.D.

The last date mentioned in the book is 1098 A.H./1687 A.D., (text p. 333), which shows that the book was being composed during that year and that it was completed after that date.

This also shows that the book was composed during the second half of the 11th century of the Ḥijrī era/second half of the 17th century of the christian era. During this period the following two Timurid Mughal emperors ruled over the Pak-Hind Sub-Continent:

1. **Shāh Jahān** (1037—1068 A.H./1628—1658 A.D.), and
2. **Aurangzīb** (1069—1119 A.H./1659—1707 A.D.).

(iii) The External and Internal Aspects of Jawāhiru'l-Awliyā

A brief discussion on the above aspects is given below :

1. The External Aspect of Jawāhiru'l-Awliyā.

So far as the external aspect of the book is concerned, it seems to be a book of prayers in the efficacy of which people in general had a firm belief.

The people of the Pak-Hind Sub-continent, during the period in which the book was composed, were divided into the following three classes :

Jawahir II. on the spiritual blessings of 99 names of Almighty God.

Jawahir III. on the spiritual blessings of 40 other names (of Almighty God) and 99 names of the Holy Prophet and other facts about him.

Jawahir IV. on the spiritual blessings of prayers for the Holy Prophet and other facts about him, and the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Bukhārī saints

Jawahir V. on the spiritual blessings of a number of prayers.

3. Addition to the text by the original scribe,
4. Supplement to the text, and
5. Another addition to the text.

(ii) **The Contents of Jawāhirul-Awaliyā.**

The contents of Jawāhirul-Awliyā have two distinct aspects, i.e.,

(a) the external aspect, and

(b) the enternal aspect.

Before explaining the above aspects of Jawāhirul-Awliyā it seems advisible to deal with the following two points, as they are directly related to the above aspects :

1. Sources of Jawāhirul-Awliyā the names of which are clearly mentioned in the book and
2. Historical back ground of the period during which the book was composed.

A brief discussion on the above two points is given below:

1. Sources of Jawāhirul-Awliyā.

The sources of Jawāhirul-Awliyā the names of which are clearly mentioned in the book show that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had a big private library at his house.

The author has given in the text names of many books he has used as his sources. He has also made a mention of this fact in his brief introduction to the book.

Sayyid Bāqir Bukhārī's family at Uch Bukhārī.

As a result of the quarrels which broke out in the Bukhārī families for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī kept themselves aloof from the parties in quarrels founded a seperate spiritual order, and guided the people to the right path of Islām.

Persons from amongst the family of the new spiritual order, who had received good education, and were interested in composing books, have left some works on Islām and Islāmic mysticism.

The descendants of Sayyid Bāqir Bukhārī still live at Uch Bukhārī, and are better known by the title of "Dīwan". The present Head of this family is Dīwan Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī, and is now residing in a village in the district of Multān.

I am extremely sorry to state that I could not meet the descendants of Sayyid Bāqir Bukhārī when I whet to Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973, as I was told that he did not belong to Uch Bukhārī, and that he might have lived elsewhere.

Part Three

Notice on the book Jawāhirul Awliyā.

This part contains the following main points:

(i) the book Jawāhirul-Awliyā,
(ii) the contents of Jawāhirul-Awliyā, and
(iii) the external and internal aspects of Jawāhirul-Awliyā.

A brief discussion on the above points is given below:

(i) The book Jawāhirul-Awliyā.

The book Jawāhirul-Awliyā consists of the following parts:

1. A brief introduction to the book about the subject matter and the motives of composing the book,
2. The text of the book which contains the following chapters called "**Jawāhir**" (gems) :

Jawāhir I. on the spiritual blessings of the Chapters and Verses of the Holy Qurān.

(iii) Sayyid Muḥammad Ghawth..

The following persons succeeded Sayyid Jalāl Bukhārī as Heads of the family and the custodians of his shrine :

(1) Sayyid Aḥmad Kabīr (date of death not known).
(2) Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht bin Sayyid Aḥmad Kabīr (died in 785 A.H./1383 A.D.)
(3) Sayyid Rājū Qattāl bin Sayyid Aḥmad Kabīr (died in 827 A.H./1424 A.D.), and
(4) Sayyid Faḍluď-Dīn bin Sayyid Maḥmūd Nāsiruď-Dīn bin Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht (date of death not known).

Reference has already been made before about the family quarrels for holding the office of the custodian of the Shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī.

On the death of Sayyid Faḍluď-Dīn Bukhārī quarrels broke out in the Bukhārī family for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, as a result of which the above office was held by the following Heads of the family :

1. Descendants of Sayyid Bahauď-Dīn bin Sayyid Jalāl Bukhārī till the end of the 9th century of Hijri era/end of the 15th century of the christian era. The last holder of this office was Sayyid Rahmatullāh Shāh Chāndna Chirāgh.

2. Makhdūm Ḥasān-i-Jahāniyān, a descendant of Sayyid Aḥmad Kabīr, collected a strong group of disciples, attacked Sayyid Raḥmatullāh Shāh Chāndna Chirāgh, seized the office of the custodian by force, and compelled Sayyid Chāndna Chirāgh to leave Uch Bukhārī. Since then the office of the custodian is held by the descendants of Makhdūm Hasān-i-Jahāniyān.

The present holder of this office is Sayyid Ghulām Asghar Bukhārī bin Sayyid Nawbahār Shāh VI. I thrice met him at Uch Bukhārī.

and asetic practices. He received the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) from his father.

On the death of Sayyid 'Uthmān Bukhārī, Sayyid Bāqir Bukhārī became the Head of the spiritual Order, and began to perform the duties of his office :

His prayers.

He also used to observe the prayers which have already been mentioned with respect to his father (text pp. 297 and 239). He also used to see the Holy Prophet in sleep and receive instructions from him during the observance of prayers (Text p. 333).

His Travels.

Sayyid Bāqir Bukhārī set out from Uch Bukhārī and travelled to other places, but the names of places to which he travelled are not mentioned in Jawāhirul-Awliyā.

Only one clear reference to his return journey from Thattā in the province of Sind to Uch Bukhārī is given in his verses (text p. 552).

Jawāhirul-Awliyā was completed during his life time. The last date mentioned in the book is 1098 A H./1687 A.D., which shows that he died after this date.

Sayyid Bāqir was a good scholar, and has left the following works :

(i) Khamsul-Anwār,
(ii) Akbar-i-Jalālī,
(iii) Bāqirul-Murādāt, and
(iv) Jawāhirul-Awliyā,

The Bukhārī Families of Uch Bukhārī.

A brief survey of the historical events with respect to the Bukhārī families of Uch Bukhārī are given below :

Sayyid Jalāl Bukhārī left three sons, namely:

(i) Sayyid Aḥmad Kabīr,
(ii) Sayyid Bahāud-Dīn, and

It may be noted that such meetings of Sayyid 'Uthmān Bukhārī with the Holy Prophet took place when he was asleep during his retirement for prayers.

The Year of 1051 A.H./1641 A.D. mentioned above in connection with the prayers of Sayyid 'Uthmān Bukhārī shows that he was alive in that year and that he died later. The exact date of his death is not mentioned in Jawāhirul-Awliyā.

Sayyid 'Uthmān Bukhārī was a man of learning and has left the following works :

(i) Mūnisul Bukhārī (large edition),
(ii) Mūnisul Bukhārī (short edition),
(iii) Majmūul-Bukhārī, and
(iv) Baḥrul-Ajāib.

Biographical note on Sayyid Bāqir Bukhārī (author of Jawāhirul-Awliyā).

Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī was not only the spiritual Head of the family, he was also a man of learning and was interested in composing books on Islām and Islāmic mysticism. No details of his life are given in Jawāhirul-Awliyā.

As has been stated before, I thrice went to Uch Bukhārī (one in 1972 and twice in 1973) to seek information about Sayyid Bāqir Bukhārī and his descendants, but I did not succeed in my object. I was told that he did not belong to Uch Bukhārī and that he might have lived elsewhere.

Although the internal evidence clearly showed that he was born and brought up at Uch Bukhārī and had spent his whole life in the same town.

A few references mentioned in Jawāhirul-Awliyā, which throw some light on his life, are given below :

Sayyid Bāqir Bukhārī, who was born at Uch Bukhārī, was brought up and educated under the care of his pious father. After the completion of his formal studies, he was initiated by his father into the spiritual Order, whereupon he devoted himself to prayers

3. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī

Sayyid 'Uthmān bin Sayyid Dāūd Bukhārī was also a famous saint, but no details of his life are given in Jawāhirul-Awliyā. Even the dates of his birth and death are not known.

It is, however, evident that he was born in the house of the spiritual Head, Sayyid Dāūd Bukhārī, and was brought up in a religious and spiritual environment. He received education under the guidance of his father.

On the completion of his formal studies he was initiated into the spiritual order by his father, whereupon he devoted himself to prayers and ascetic practices. He received the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) from his father.

On the death of his father Sayyid 'Uthmān Bukhārī succeeded him as the Head of the Spiritual Order, and began to perform the duties of guiding the people to the right path of Islam.

Sayyid Bāqir Bukhārī mentions two special prayers which his father used to observe during his life, i.e.,

(i) 'Itikāf i.e., retirement to a corner of a mosque for constant prayers every year during the last ten days of Ramaḍān (the month of fasting).

In this connection Sayyid Bāqir Bukhārī mentions the year 1051 A.H./1641 A.D. (text pp. 218 and 219) during which his father retired for constant prayers.

(ii) Chilla i.e., retirement to a secluded place for continuous prayers consecutively for forty days.

One strange fact mentioned by Sayyid Bāqir Bukhārī in connection with the observance of the above prayers by his father is that during the observance of those prayers he used to see the Holy Prophet and receive instructions from him.

(iii) His Return to Uch Bukhārī to serve Islām.

On his return from abroad Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht first went to Dihlī. He had already heard the fame of piety and Spiritual greatness of Shaykh Naṣīru'd-Dīn Mahmūd Chirāgh-i-Dihlī, the Head of the **Chishtī Order**.

The Makhdūm met the Shaykh and accepted him as his spiritual guide. The Shaykh bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the **Chishtī Order**.

Thereafter the Makhdūm returned to Uch Bukhārī, and spent the rest of his life in offering prayers and guiding the people to the right path of Islam. He was greatly respected in the Pak-Hind Sub-Continent. Sulṭān Fīrūz Shāh Tughlaq (752-790 A.H./1351-1388 A.D.) had accepted him as his spiritual guide and held him in great honour.

He died in 785 A.H./1383 A.D., and was burried at Uch Bukhārī.

He was a man of great learning and has left a large number of sermons which have been collected in the form of books by his disciples. The books containing his sermons are:

1. Jāmiu'l-'Ulūm,
2. Khazīnatu'l Jalālī,
3. Rāḥatu'l-Jalālī,
4. Siraju'l Hadāyah.
5. Jawāhir-i-Jalālī
6. Maẓhar-i-Jalālī
7. Manāqib-i-Makhdūm-i-Jahāniyān
8. Muqarrir Nāma (his letters and instructions),

His other works are:

1. Risāla-i-Kanzu'l-'Ārifīn,
2. Persian Translation of Risāla-i-Makkiyya by Shaykh Quṭbu'd-Dīn Damishqī,

He was then sent by his father to Multān to receive higher education under the guidance of Shaykh Ruknu'd-Dīn Abul Fatḥ bin Shaykh Ṣadru'd-Dīn 'Arif bin Shaykh Bahāu'd-Dīn-i-Zakariyā-i-Multānī.

On the completion of his formal studies he returned to Uch Bukhārī, and was initiated by his father into the Spiritual Order. Thereafter he devoted himself to prayers and ascetic practices.

After sometime he again went to Multān and accepted Shaykh Ruknu'd-Dīn Abu'l-Fatḥ Multānī as his spiritual guide. The Shaykh bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardī Order.

His father Sayyid Aḥmad Kabīr had alredy accepted Shaykh Sadru'd-Dīn Arif Multānī as his spiritual guide, and had received from him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardī Order.

(ii) **His Travels in Islamic Lands.**

Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān remained at Uch Bukhārī till the death of Shaykh Ruknu'd-Dīd Abu'l Fatḥ Multānī, which occurred in 735 A.H., 1335 A.D Sometime after the death of the Shaykh, he set out from Uch Bukhārī and travelled to Arabia to perform a pilgrimage to Mecca and to pay a visit to the tomb of the Holy Prophet at Madīna.

He stayed in the Holy cities for seven years, and sutdied Ḥadīth (Traditions of the Holy Prophet) with Shaykh Imām 'Abdullāh Yāfi'ē (died 768 A H./1366 A.D.) at Mecca and with Shaykh 'Abdullāh at Maṭrī (died 765 A.H /1364 A.D.) at Madīna.

On completing his studies of the Ḥadīth (Traditions of the Holy Prophet) he returned to the Pak-Hind Sub-Continent. No details of his travels to other Islamic lands are given in Jawāhiru'l-Awliyā; but because of his long travels in Islamic lands he acquired the title of "**Jahāngasht**" the world traveller).

At Bhakkar he married the daughter of Sayyid Badrud-Dīn Bhakkarī, a man of a noble descent. The period of his stay at Bhakkar is not known.

From Bhakkar he came back to Multān; and on bearing the piety and spiritual greatness of Shaykh Bahāu'd Dīn-i-Zakariyā-i-Multānī the Haed of the Suhrawardī Order, he met the Shaykh and accepted him as his spiritual guide.

Sayyid Jalāl Bukhārī had already completed the series of prayers and under gone the ascetic practices, the Shaykh, therefore, bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardi Orders.

Sayyid Jalāl Bukhārī spent thirty years in the service of the Shaykh at Multān; and sometime after the death of the Shaykh, which occurred in 661 A.H./1263 A.D., he went to the town of Uch (now in the district of Bahāwalpūr in the province of the Panjab).

He spent the rest of his life at Uch in guiding the people to the right path of Islām, and a large number of persons embraced Islām at his hands. He died in 690 A.H./1291 A.D, and was burried at Uch.

The town of Uch acquired the fame of his name, and, hence forward it was known as "Uch Bukhārī".

2. Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht.

Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht was the most famous of the Bukhārī saints. He was born in 707 A.H./1307 A.D. at Uch Bukhārī. His life is divided into three periods i.e.,

(i) his education and initiation into the spiritual order,

(ii) his travels in Islamic lands, and

(iii) his return to Uch Bukhārī to serve Islām.

A brief account of the above periods of his life is given below:

(i) His Education and initiation into the spiritual order.

Makhdūm Sayyid jalāl-i-Jahāniyān was brought in a religious and spiritual environment. He received his early education under the guidance of his father Sayyid Aḥmad Kabīr.

He settled down at Uch (now in the district of Bahāwalpūr in the province of the Panjāb), and founded the Spiritual Order of the Bukhārī Sayyids.

From amongst the ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī, who lived at Uch Bukhārī, guided the people to the right path of Islām, and became famous for their piety and spiritual greatness, were:

1. Sayyid Jalāl Bukhārī,
2 Makhdum Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht, and
3. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī).

Biographical notes on the above Bukhārī saints are given below:—

1. Sayyid Jalāl Bukhārī

Sayyid Jalāl Bukhārī bin Sayyid 'Alī Abul-Mu'ayyad was born at Bukhārā in 595 A.H./1199 A.D. He was brought up in a religious and spiritual environment, and received his education under the guidance of his father.

His ancestors were all devoted to Islām and had passed their lives in its service.

On the completion of his formal studies he was initiated by his father into the spiritual order, whereupon he devoted himself to prayers and ascetic practices.

Sayyid Jalāl Bukhārī spent several years at Bukhārā; and, according to the satement of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī given in Jawāhirul-Awliyā, (Text P.P. 8 and 9) he set out from Bukhārā and travelled to Arabia to perform a pilgrimage to Mecca and pay a visit to the tomb of the Holy Prophet at Madīna.

He spent seven years in the Holy cities and returned to Bukhārā (Text P. 9)

At the age of forty (i.e., in 635 A.H/1237 A.D.) he again set out from Bukhārā and came to the north-west regions of the Pak-Hind Sub-continent, now called Pākistān. He passed through Multān and arrived at the town of Bhakkar in the province of Sind.

Group II. From Sayyid Ja'far Thāni bin Imām Sayyid 'Alī Naqī to Sayyid 'Alī Abu'l Mu'ayyad.

1. Sayyid Ja'far Thāni bin Imām Sayyid 'Alī Naqī (the eleventh in the above table),
2. Sayyid Niẓamu'd-Dīn 'Alī Aṣghar,
3. Sayyid 'Abdullāh,
4. Sayyid Aḥmad,
5. Sayyid Maḥmūd,
6. Sayyid Muḥammad,
7. Sayyid Ja'far, and
8. Sayyid 'Alī Abu'l-Mu'ayyad.

2. The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī after their arrival in Pak-Hind Sub-continent.

1. Sayyid Jalāl Bukhārī bin Sayyid 'Alī Abu'l-Mu'ayyad.
2. Sayyid Aḥmad Kabīr,
3. Makhdūm Sayyid Jalāl Jahāniyān Jahāngasht,
4. Sayyid Maḥmūd Nasīrud-Dīn,
5. Sayyid Fayḍullāh,
6. Sayyid Ismā'īl,
7. Sayyid Rājū (Kashfu'l-Ma'ānī),
8. Sayyid Ibrāhīm,
9. Sayyid Quṭbu'd-Dīn,
10. Sayyid Faḍlullāh,
11. Sayyid Niẓāmu'd-Dīn Bukhārī,
12. Sayyid Rājū (Ghawth-i-Ṣamdānī).
13. Sayyid Ḥājī Hamīd Niẓāmu'd-Dīn,
14. Sayyid Shukrullāh Bukhārī,
15. Sayyid Dā'ūd Bukhārī, and
16. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī),

Out of the above sixteen persons, the man who first came from Bukhārā to the Pāk-Hind Sub-continent, was Sayyid jalāl Bukhārī.

Part Two

Notice on the author of Jawāhirul-Awliyā.

This part contains the following main points :

(i) The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī,

(ii) Sayyid Bāqir bin Sayyid ʿUthmān Bukhārī, the author of Jawāhirul-Awliyā,

(iii) The Bukhārī families of Uch Bukhari, and

(iv) Sayyid Bāqir Bukhari's family at Uch Bukhari.

A brief discussion on the above points is given below :

(i) The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī.

I. The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī before their arrival in Pak-Hind Sub-continent.

As given in Jawāhirul-Awliyā, they are divided into the following two groups :

Group I. From the Holy Prophet to Imām Sayyid Ḥasan ʿAskarī bin Imām Sayyid ʿAlī Naqī as is given in the following table spiritual succession.

1. The Holy Prophet,
2. Amīr ʿAlī (bin Abī Ṭālib),
3. Imām Sayyid Ḥasan,
4. Imām Sayyid Ḥusayn,
5. Imām Sayyid ʿAlī Zaynul-ʿĀbidīn,
6. Imām Sayyid Muḥammad Bāqir,
7. Imām Sayyid Jaʿfar Sādiq,
8. Imām Sayyid Mūsā Kāẓim,
9. Imām Sayyid Abul-Ḥasan ʿAlī bin Mūsā Riḍā,
10. Imām Sayyid Muḥammad Taqī,
11. Imām Sayyid ʿAlī Naqī, and
12. Imām Sayyid Ḥasan ʿAskarī.

(i) As a result of quarrels which broke out at Uch Bukhārī amongst the descendants of Sayyid Maḥammad Nāsir-ud-Dīn bin Makhdum Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht bin Sayyid Aḥmad Kabīr bin Sayyid Jalāl Bukhārī for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the ancestors of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī kept themselves aloof from the family quarrels, and founded a separate order of spiritual guidance in the same town.

(ii) Persons of the new Spiritual Order, who had received higher education and were interested in composing books, have left some works on Islam and Islamic mysticism.

(iii) The private library which Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had inherited from his ancestors appears to be in the house of the present Head of the new Spiritual Order.

(iv) At the time when I went to Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973, the descendants of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī were actually living in that town.

Had I not been misled about their residence at Uch Bukhārī, I would have met the present Head of the new Spiritual Order, and obtained information from him on the following points:

(1) A brief account of the descendants of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī.

(2) The original manuscript copies of Jawāhirul-Awliyā in his private library, and

(3) Manuscript copies of Jawālir-ul-Awliyā at other places.

I regret to state that none of my objects was fulfilled.

I believe that manuscript copies of Jawāhir-ul-Awliyā are still preseved in some private libraries in the provinces of the Panjāb and Sind.

There was a manuscript copy of Jawāhir-ul-Awliyā with Mīr 'Alī Shīr Qānī Tatawī; who, while writing short notes on the Sayyids of Uch Bukhārī, referred to it thrice in his Tufatul-Kirām. (Tuḥfatul-Kirām, Urdu translation, Karāchi, 1959, pp. 366, 375 and (377).

As has been stated before it was Muḥammad 'Alī who proposed to Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī to compose Jawāhirúl-Awliyā in three editions, and he completed the transcription the first two (i.e., the large and the medium) editions.

The last date mentioned in Jawāhirúl-Awliyā is 1098 A.H./ 1687 A.D., which shows that Muḥammad 'Alī was busy in transeriling Jawāhirúl-Awliyā during that year.

He was much devoted to his teacher and spiritual guide, and it appears that most of his life was spent at Uch Bukhārī.

Mīr 'Alī Shīr Qānī Tatawī gives a brief note in his Tuḥfatúl-Kirām on Moḥammad 'Alī, and says :

"He was a perfect ṣūfī, and he versified the genealogical table of the Bukhārī Sayyids". (Tuḥfatúl-Kirām, Urdu Translation, Karāchī, 1959, P. 380).

Manuscript Copies of Jawāhirúl-Awliyā at other places :

I went to several places in search for other manuscript copies of Jawāhirúl-Awliyā; and in this connection I thrice went to Uch Bukhārī (once in 1972 and twice in 1973) in the hope of finding out the original manuscript copies of Jawāhirúl-Awliyā.

I was under the impression that the orginínal manuscript copies of Jawāhirúl-Awliyā would have been preserved in the private library of the Bukhārī Sayyids, the custodians of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the founder of the spiritual order of the Bukhārī Sayyids at Uch Bukhārī.

Unfortunately I did not succeed in my efforts. I was told that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī did not belong to Uch Bukhārī, and that he might have lived elsewhere.

I was misled by these words and returned from there disheartened and disappointed.

Apart from the fact that internal evidence clearly showed that Sayyid Bāqir Bukhārī and his ancestors lived at Uch Bukhārī, my search for the truth revealed more facts, i.e.,

(iii) The scribe versified the genealogical table of the Bukhārī saints, and clearly mentioned his name in one of the verses. He says:

The refuge of saints Mīrān Muḥammad Bāqir, May God give him long life in this world for several years!

The above said (person) has bestowed all the favours

On this lowest of the disciples,

Whose name is **Muḥammad 'Alī,**

Who offers innumerable thanks to God.

(iv) At the end of the text (p.555) the scribe gives some of his own verses; in which he clearly states that he wrote down the articles (Maqālāt) which he had heard from the lips of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī.

Biographical note on Muḥammad 'Alī (the original scribe).

Muḥammad 'Alī bin Shaykh 'Abdul-Wāsi Sūfī was born at Thatta in the province of Sind. The members of his family were all devoted to religion and received spiritual guidance from the Bukhārī saints of Uch Bukhārī. His grand father Shaykh Abū Ṭālib was the disciple of Sayyid Jalāl bin Sayyid Dāūd Bukhārī, the uncle of Sayyid Bāqir Bukhārī.

Muḥammad 'Alī received his early education at Thatta; and, for higher education, he was sent by his father to Uch Bukhārī.

At Uch Bukhārī he studied Persian and Arabic, and, thereafter, he devoted himself to the study of books on religion and Islamic mysticism.

After the completion of his formal studies he was appointed by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī his private secretary.

Muḥammad 'Alī accepted Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī as his spiritual guide. The chief duty of Muḥammad 'Alī was to assist his teacher and spiritual guide in the composition and transcriptions of his books.

(ii) Medium edition, and
(iii) Short edition.

Muḥammad 'Alī, the original scribe, says that he completed the transcription of two editions, i.e. of

(i) The large edition, and
(ii) the medium edition.

He adds that the third (i.e. the short) edition was not written.

It is clear from the above statement of Muḥammad 'Alī, the original scribe, that the above two complete editions of Jawāhirúl-Awliyā were preserved in the private library of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī at Uch Bukhārī.

Although I thrice went to Uch Bukhārī (once in 1972 and twice in 1973) in search for the original manuscript copies of Jawāhirúl-Awliyā, but I could not trace them.

It could not, therefore, be ascertained whether the text of the three manuscripts in hand was copied from the large or from the medium edition of Jawāhirúl-Awliyā.

(iii) **The Original Scribe of Jawāhirúl-Awliyā at Uch Bukhārī.**

As has been stated above the original scribe of Jawāhirúl-Awliyā at Uch Bukhārī was Moḥammad 'Alī (bin Shaykh 'Abdúl-Wāsi Sūfi).

To give further proof of the above statement the following references are given from Jawāhirúl-Awliyā.

(i) It is stated (in the text of Jawāhirúl-Awliyā P-92) by Shaykh Isḥāq bin Shaykh Mūsā, grand father of the scribe **Muḥammad 'Alī** bin Shaykh 'Abdúl-Wāsi Sūfi bin Shaykh Abū Ṭālib bin Shaykh Isḥāq ....
(ii) It is stated (in the text P-39) by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī that my pupil and disciple Miyān Muḥammad 'Alī bin Shaykh 'Abdúl-Wāsi Sūfi bin Shaykh 'Abū Ṭālib bin Shaykh Isḥāq Sindī Tatawī............... ....

This copy contains 204 folios. It is written in minute hand, and is dated 1193 A.H. This is a complete copy of Jawāhirul-Awliyā, and only one folio is missing.

(2) A manuscript copy of Jawāhirul-Awliyā preserved in the Panjāb University Library, Lahore, No. 6308. A photostat copy of this manuscript was obtained from the Panjāb University Library.

This copy contains 289 folios. It is written in good hand. Unfortunately several folios of this copy are missing. It is dated 1140 A.H.

(3) A manuscript copy of Jawāhirul-Awliyā now preserved in the Ganj Bakhsh Library, Rāwalpindī No. 290/274. It was procured from a village in the district of Jhelum (Panjāb).

This copy contains 297 folios. It is written in good hand. Unfortunately several folios of this copy are missing. It is undated.

For preparing a correct edition of the text of Jawāhirul-Awliyā manuscript No. 1 has been used as the basic copy. The missing folio was copied from the other two manuscripts.

(ii) **Composition of Jawāhirul-Awliyā at Uch Bukhārī.**

The internal evidence clearly shows that Sayyid Bāqir bin Sayyid ʿUthmān Bukhārī was born at Uch Bukhārī, and spent his whole life in his birth place. He composed the book Jawāhirul-Awliyā in the same town.

Notes on the margins of folio 104b (Manuscript No. 1) and folio 151 b (manuscript No. 2) respectively show that the original scribe of Jawāhirul-Awliyā was Muḥammad ʿAlī (bin Shaykh ʿAbdul Wāsi Sūfi).

When Sayyid Bāqir bin Sayyid ʿUthmān Bukhārī started writing Jawāhirul-Awliyā, it was suggested to him by the scribe Muḥammad ʿAlī that the book be composed in three editions, namely :

(i) Large edition,

INTRODUCTION

The introduction to Jawāhir-ul-Awliyā by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhāri of Uch Bukhārī is divided into the following five parts :

Part One : Description of the manuscript copies of Jawāhirul-Awliyā,

Part Two : Notice on the author of Jawāhirul-Awliyā,

Part Three: Notice on the book Jawāhirul-Awliyā,

Part Four : Characteristics of the language of Jawāhirul-Awliyā, and

Part Five : Importance of Jawāhirul-Awliyā in the present time.

Part One

Description of the manuscript copies of Jawāhirul-Awliyā.

This part contains the following main points :

(i) Manuscript copies of Jawāhirul-Awliyā,

(ii) Composition of Jawāhirul-Awliyā at Uch Bukhārī,

(iii) The original scribe of Jawāhirul-Awliyā, at Uch Bukhārī,

The above points are briefly discussed below :

(i) **Description of manuscript copies of Jawāhirul-Awliyā.**

The following three manuscript copies of Jawāhirul-Awliyā have so far been found in Pākistān :

(1) A manuscript copy of Jawāhirul-Awliyā now preserved in the Ganj Bakhsh Library, Irān Pākistān Institute of Persian studies, Rāwalpindī, No 290/523 procured from a Village in the district of Gujrānwalā (Panjāb).

facility during my stay at the Institute. I have no hesitation in saying that the production of this work owes every thing to him and to his devotion to the service of Persian Language in Pakistan. It is due to his genuine efforts that this book has seen the light of the day.

(ii) **Mrs. A.A. Ja'farī**, a noble lady of a noble family, who always tried to solve my difficulties during my stay at the Institute, and provided an opportunity for me to continue my work peacefully.

(iii) **Mr. Muḥammad Ḥusayn Tasbiḥi**, the Librarian of the Ganj Bakhsh Library. He is a prolific writer and indefatigable worker. He always helped me in procuring every kind of material relating to the sources of the present work.

And lastly to my two pupils:

(1) **Mr. Sājidullah Tafhimi**, now Chairman, Department of Persian, University of Karachi, and

(2) **Mr. Sayyid Manṣūr 'Alī Suhrawardī**, now a research scholar in Persian, University of Karāchī,

And to my friend **Mawlānā 'Abdu's Ṣamad Siddiqi**, a learned scholar of Arabic, for their help in comparing my text with the original texts.

968 P.I.B. Colony,
Karachi-5.
December 26, 1975.

GHULAM SARWAR
M.A., Ph.D. (Alig.),
Professor and Former Head,
Department of Persian,
University of Karachi,
KARACHI.

The purpose of preparing a complete edition of the text was, however, not served even by comparing the text of the above two manuscripts, and I was compelled to search for another complete manuscript copy of the book. A year's time passed in my fruitless search.

It was in May 1973 that I received information from Mr. Aḥmad Ḥusayn Qurayshī, Professor of Persian, Zamīndār Degree College, Gujrāt, that a complete manuscript copy of **Jawāhirul-Awliyā** was available. This copy was procurred through the courtesy and help of Sayyid Sharīf Aḥmad Sharāfat Nawshāhī, a learned descendant of the Nawshāhī saints of Sāhinpāl, a village near Gujrāt.

This manuscript copy comprised the whole of the book. Only one folio was missing, the contents of which, however, were available in the other two MSS already in my hand.

The actual work of preparing a correct edition of the text thus was started in June, 1973. **Jawāhirul-Awliyā** is a voluminous work, and it took me several months to compare the texts of the three manuscripts and prepare a complete and correct edition of the text.

The work of studying the whole book carefully and finding out material for a critical introduction to the book also took sufficient time.

The facts contained in the Introduction about the book, the life and times of the author and his family, and salient linguistic characteristics of the book are based entirely on internal evidences.

As a humble scholar of Persian Language and Literature it is unnecessary for me to say anything about the amount of labour and perseverance required for preparing a correct edition of such an old Persian work, and to write a critical introduction to it. Howfar I have succeeded in my efforts can best be judged by scholars who study the edition.

It now remains my pleasant duty to express my sincere thanks to :

(i) **Dr. 'Alī Akbar Ja'farī**, Director, Irān-Pākistan Institute of Persian Studies, Rāwalpindī, who gave me every

PREFACE

It was in April, 1972, that I was called upon by Dr Ālī Akbar Ja'farī, Director of Irān Pākistan Institute of Persian Studies, Rāwalpindī, to undertake the work of preparing a correct edition of the book, **Jawāhiru'l Awlīyā** by **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** of **Uch Bukhārī** in the district of Bahāwalpūr (Panjāb) and to write a critical introduction to it. I accepted the offer and set myself to the work.

When I started my work only one manuscript copy of the book was available in the Ganj Bakhsh Library of the Institute. I read through it carefully, and prepared a detailed note on the value and importance of the book.

My note was appproved by the Director, and I was advised to continue the work.

The manuscript in hand had a number of lacunas extending over several folios, and the text contained numerous mistakes. Even the verses of the Holy Quran had been copied incorrectly. Therefore, before I began the work of preparing a complete and correct copy of the text, it became absolutely necessary for me to search for other manuscript copies of the book.

I then undertook an extensive tour of Peshāwar, Gujrāt (Panjāb), Multān, Bahāwalpūr and lastly Uch Bukhārī, the centre of the Bukhārī saints. The last place I visited thrice but I did not succeed in my efforts to get from there a copy of Jawāhiru'l-Awliyā.

Later, I was able to find out a manuscript copy of the book in the Panjāb University Library, Lahore. I went to Lahore twice and with the help of the Assistant Librarian, I succeeded in getting a photo-stat copy of the manuscript.

This manuscript was written in a good hand and its text contained only minor errors; but to my utter disappointment it contained more lacunas than those found in the manuscript of the Ganj Bakhsh Library. Moreover it was found that the illiterate book-binder had misplaced several folios of Jawāhirs IV and V.

Name : Jawāhiru'l Awliyā

Author : Sayyid Bāqir bin Sayyid'Uthmān Bukhārī

Foreword : Dr. Ali A. Jafarey, Director, Iran Pakistan Institute of Persian Studies.

Editor : Dr. Ghulam Sarwar

Publishers : Iran Pakistan Institute of Persian Studies,
34th house, 4th Street, F-6/3, Islamabad, Pakistan.
Telephone : 23340

Press : S. T. Printers, Rawalpindi.

Size : 24X17 Cms.

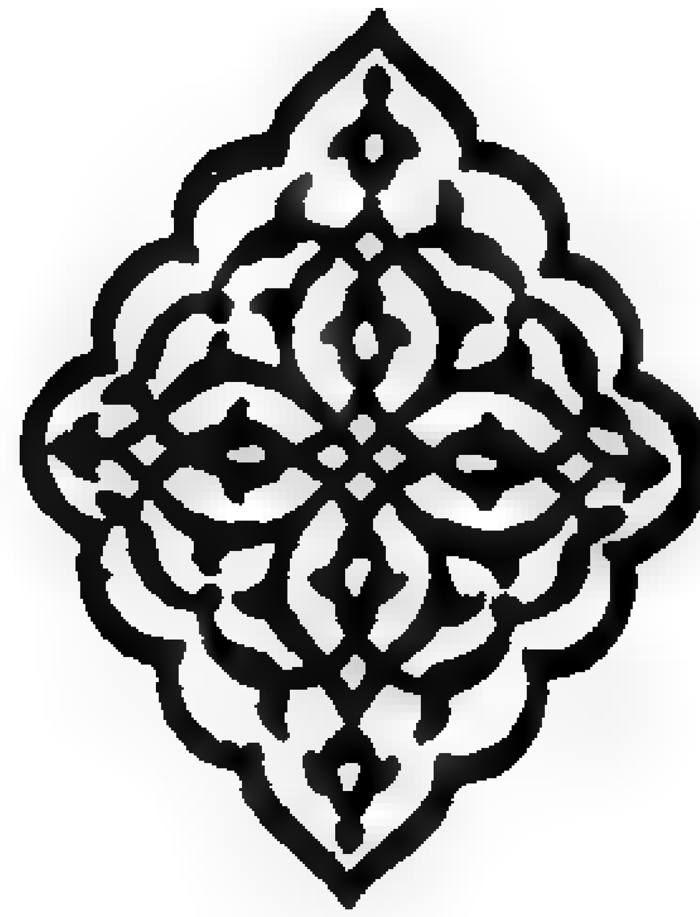
Paper : 70/gr.

Callıgrpher : Abdul Aziz

Date : 1976 A.D.

Price 50 Pakistani Rupees.

A Publication of Iran Pakistan Institute of Persian Studies



Serial No. 16

SUFISM

No. 4

JAWĀHIRU'L-AWLIYĀ

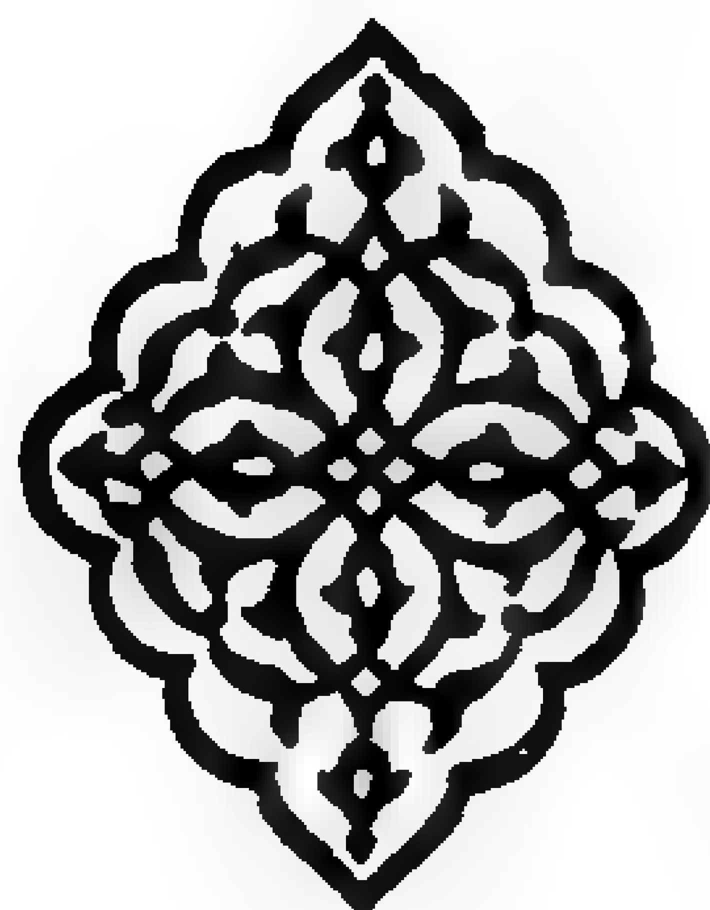
by

Sayyid Bāqir bin Sayyid ʿUthmān Bukhārī

Introduction and annotation

by

DR. GHULĀM SARWAR



Iran Pakistan Institute of Persian Studies
Islamabad, Pakistan
1976 A. D.

in these fields, have decided to conclude this Agreement on co-operation in the fields of Culture and Education."

And the Constitution defines the objectives of the Institute: "Pakistan is the proud possessor of a cultural heritage which has been enriched through centuries by the Persian Language, Literature and Art. In order to preserve and develop this heritage further 'an Iran Pakistan Institute of Persian Studies' shall be established in Pakistan jointly by the Ministry of Education and Scientific Research, Government of Pakistan and Ministry of Culture and Art, Imperial Government of Iran .... for an indefinite period."

One of the steps taken towards achieving the above-mentioned objectives is the publication of Persian manuscripts authored in Pakistan. Here is an interesting text well edited and commented by Dr. Ghulam Sarwar, veteran scholar and Persian professor of Pakistan.

It is hoped that this humble contribution will illuminate a rather dim corner of the wealthy wide world of the Pakistani Culture and will present the identity of the Common Cultural Heritage of Iran and Pakistan.

Islamabad, Pakistan
6th July 1976.

Ali A. Jafarey
Director,
Iran Pakistan
Institute of Persian Studies.



In the name of God, the Beneficent, the Merciful

The conception of the establishment of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies formalized with the will—will to patronize Learning and promote Culture—of His Imperial Majesty Shahanshah Aryamehr of Iran and His Excellency the President of Pakistan translated in the joint communique of 4th November. 1969.

The Ministry of Culture and Art of Iran and the Ministry of Education and Scientific Research of Pakistan were entrusted with the task of drawing and implementing the project. The good will and the zeal of co-operation displayed by the authorities responsible was to such an extent that as soon as the bare outlines of the project emerged clear, preliminary steps were taken to implement it. The nucleus of the Institute was formed in form of a central office at Rawalpindi and it began functioning with no loss of time.

On 23rd October 1971, the Government of Iran and Pakistan signed the Agreement 'regarding establishment of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies in Pakistan, The Institute stood established.

The Agreement begins: "The Imperial Government of Iran and the Government of the Islamic Republic of Pakistan being desirous of strengthening and perpetuating the bonds of cultural, educational and linguistic co-operation between the two countries and with the object of arriving at the greatest possible understanding between them through mutual friendly co-operation

قران السعدین

On the Auspicious Conjunction of

The Quaid-e-Azam Centenary Celebrations

1876-1976

and

The 50th Anniversary of the Pahlavi Reign

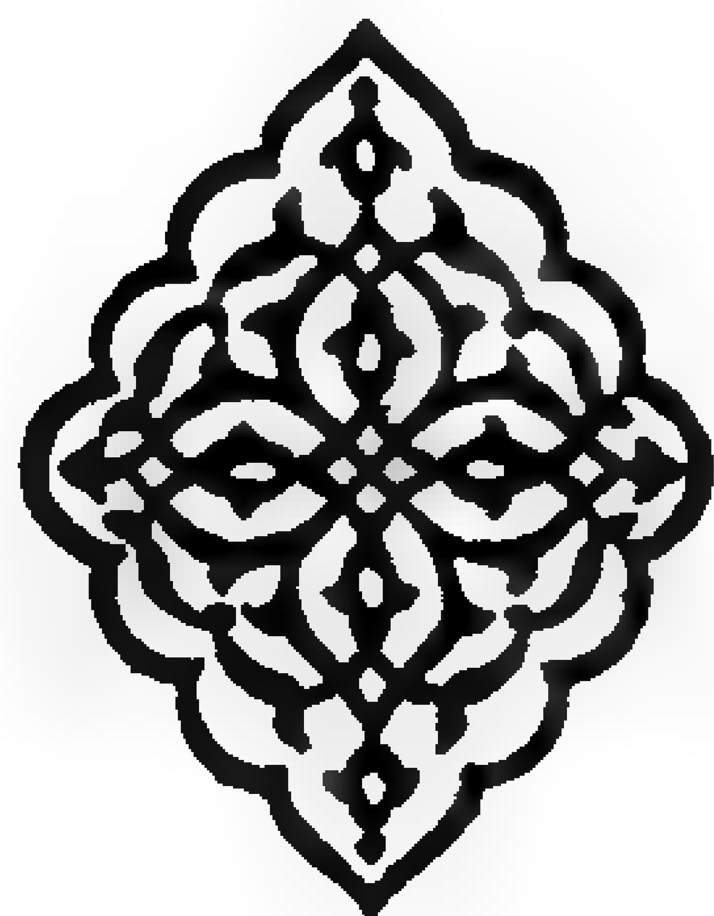
1926-1976



JAWĀHIRU'L-AWLIYĀ

by
Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī

Introduction and annotation
by
DR. GHULÂM SARWAR



Iran Pakistan Institute of Persian Studies
Islamabad. Pakistan
1976 A. D.



ΦΥΛΛΟ 3179 II

BALKAN

Trometa 1934

ČAJSKO

RAVNA GORA

1079

Stanısavljeva Mala

Krst

1068

Brazda

JEZERINE

2092

Orločevo

ZAVOJ

ŠADINA BARA

ŽLJEČMIŠTA

TORMAN

ŽARA

Uši 1854

Čerenečki Vrh 2043

1356

Ridine

1432

Jadupak

Radanova Mala

Gornji Krst

1237

RILJEVAC

Šubarini

Ljevo Brdo

1289

Borov Vrh

Jažince

1037

Bijelešnica

Lepenac

Ceranjačke Reke

1621

Krš

1287

Kelpakovi

Sevce

Žežnički Kamen

1296

BIVOLI

2212

OŠLJAK

ŠTRUGE

1911

Popovo Prase

1946


Beli Rid

77 76 75 74 73 72 71

89 490

21°00′ 42




Serbia* (APPROXIMATE)
THE FORMER YUGOSLAV REPUBLIC OF MACEDONIA
ŠAR PLANINA
DOJRAN
SERDARICA
ROKOPEC
BISTRICA
SMIK
DOBRA STRANA
DONJI JALOVARNIK
ORMANOVO
BURNIK
Maia Planina
Velika Planina
Hascepit Kamen
Jalovarnik
Drozga
Drajčići
Treskaveč
Crni Vrh
Mali Vrch



